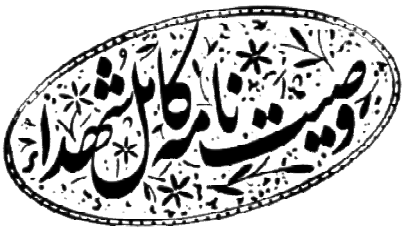

بسم الله الرحمن الرحيم

آثار و اسناد شهدا و ایثارگران (۱۰)

وصیت نامه کامل شهدا

استان سمنان



دفتر ششم

رش - شا

رشیدی، محمد - شاهینی، علیرضا

تصحیح و تنظیم:

دکتر منوچهر اکبری

واحد انتشار آثار و اسناد شهدا و ایثارگران

تیرماه ۱۳۹۱

سرشناسه: **اکبری، منوچهر، 1335 -**
عنوان و نام پدیدآور: **وصیت‌نامه کامل شهدا: استان سمنان/ تصحیح و تنظیم منوچهر اکبری؛ به سفارش مؤسسه فرهنگی و هنری شاهد**
مشخصات نشر: تهران: **سازمان بنیاد شهید و امور ایثارگران، معاونت پژوهش و ارتباطات فرهنگی، نشر شاهد، واحد انتشار آثار و اسناد شهدا و ایثارگران، 1391 -**
مشخصات ظاهری: 13ج.: **مصور، نقشه.**
فروست: **آثار و اسناد شهدا و ایثارگران؛3.**
شابک: **ج.6: ..2-458-394-964-978**
وضعیت فهرست‌نویسی: **فیپا**
مندرجات: **ج.6. رش – شا (رشیدی – شاهینی)**
موضوع: **جنگ ایران و عراق، 1359 - 1367 -- سمنان (استان) -- شهیدان -- وصیت‌نامه**
موضوع: **جنگ ایران و عراق، 1359-1367.- شهیدان- وصیت‌نامه**
شناسه افزوده: **سازمان بنیاد شهید و امور ایثارگران. مرکز اسناد و آثار فرهنگی شهدا و ایثارگران**
شناسه افزوده: **بنیاد شهید و امور ایثارگران- نشر شاهد**
رده‌بندی کنگره: 1391 6و6824الف/DSR 1625
رده‌بندی دیویی: 955/08430922
شماره کتابشناسی ملی: 2818103



واحد انتشار آثار و اسناد شهدا و ایثارگران
آثار و اسناد شهدا و ایثارگران (10)
وصیت‌نامهٔ کامل شهدای استان سمنان [1] دفتر ششم رش- شا (رشیدی- شاهینی)
تصحیح و تنظیم: **دکتر منوچهر اکبری (استاد دانشگاه تهران)**
نوبت چاپ: **چاپ اول تیرماه 1391** [1] تیراژ: **1500 نسخه**
هماهنگی فنی: **نسترن حاجی‌زاده سابق**
گویاسازی: **بهمن اکبری**
حروف‌چینی و صفحه‌آرایی: **فرشته اسدی جوزانی** [1] هماهنگی تولید: **زهرا شیرکوند**
امور لیتوگرافی، چاپ و صحافی: **آستان قدس رضوی**
به سفارش: **مؤسسه فرهنگی هنری شاهد**
قیمت: **150000 ریال** [1] شابک: **978-964-394-458-2**

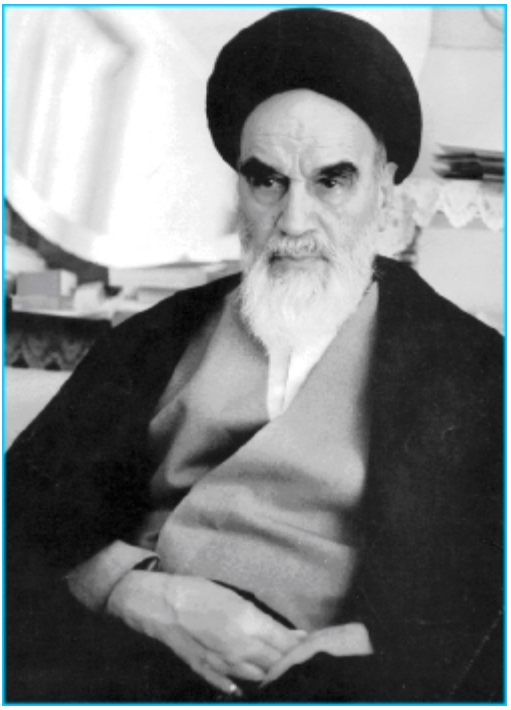
نشانی: **تهران- خیابان آیت‌الله طالقانی- خیابان ملک‌الشعرای بهار شمالی- شمارهٔ 5 معاونت پژوهش و ارتباطات فرهنگی بنیاد شهید و امور ایثارگران- نشر شاهد تلفن: 88824749**
توزیع: **مؤسسه فرهنگی هنری شاهد** [1] **مرکز پخش: تهران 66491851 قم 0251-7830340 و فروشگاه‌های نشر شاهد و سایر فروشگاه‌های معتبر**
www.navideshahed.com

فهرست

سخن ناشر 11
رشیدی، محمد 15
رضاکاظمی، زمان 21
رضاکاظمی، مجید 29
رضایی، احمد 38
رضایی، حسن 45
رضایی، عباس 65
رضایی، علی 77
رضایی، عیدمحمد 83
رضایی، محمدحسن 86
رضایی، محمدحسین 96
رضایی آهوانویی، حسینعلی 103
رضایی‌برمه، عزیزالله 118
رضوانی، غلامحسین 124
رضوی، سیدعلی‌اکبر 130
رضی‌آبادی، علی 134
رفعتی، مصیب 141
رفیعیان، رمضانعلی 145
رفیعیان، قنبرعلی 149
رفیعیان، ناصر 159
رمضانیان، محمدحسن 165
رنجی، محمدرضا 174
رنگریز، عباسعلی 187
روشنایی، فرهاد 193
روشن‌نهاد، رحمت‌الله 209
ریحانی، جلال 213
رئیسی، علی‌اکبر 219
زادخیررحمت، ابوالفضل 226
زاهدی، رضا 233
زرگر، سیدعلی 256
زرگر، سیدمحمود 261
زرگری، سیدعسگر 275
زمانی، درویشعلی 284
زمانی، سعید 292
زمانی، محمدرضا 295
زمانی‌پور، غلامحسین 299
زندانیان(احسانی‌فرد)، حسن 303
زیاری، ضیاءالله 308

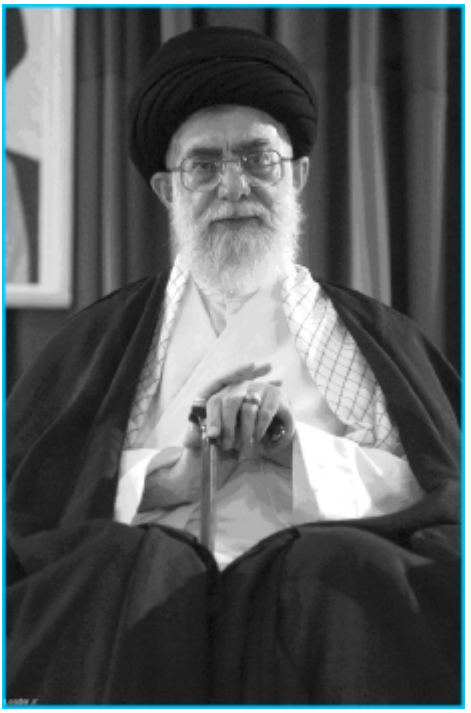
زیاری، نعمت‌الله 312
زینلی، حسن 317
سادات‌حسینی، میرمحمدعلی 323
ساداتی، سیدعلی‌اکبر 327
ساقیان، محمدتقی 330
سالار، غلامرضا 335
سبحانی، ابراهیم 362
سبوحی، مجتبی 376
سجادی، شعبان 383
سجادی‌نژاد، سیدمصطفی 391
سراج، علی 397
سربرزگر اردکانی، عبدالحسین 404
سرکاری، عباس 409
سرکاری، محمود 418
سعدالدین، عبدالمحمد 425
سعدی، علی 438
سعدی، موسی‌الرضا 443
سعیدی، حسین 458
سعیدی، رجبعلی 466
سعیدی، مجتبی 469
سفیدیان، غلامحسین 482
سلطان، ناصر 488
سلطان‌حسینی، محمد 496
سلطانیان، محمد 501
سلطانیه، محمد 504
سلمانی، رجبعلی 514
سلمانی، علیرضا 520
سلمانیان، حسین 526
سلیمانی، حجت‌الله 531
ابراهیم سلیمی 536
سماوی، حسین 539
سمیعی، مصطفی 544
سمیعی‌زاده، حبیب‌الله 547
سمیعیه، احمد 550
سنگسری، ابوالقاسم 553
سنگسری، حسین 559
سهمی، حسن 566
سیادت، سیدابراهیم 571

سیادت، سیدمهدی 587
سیادتی، سیدمحسن 593
سیداردکانی، سیدمهدی 599
سیدجوادی، سیدعلی‌اکبر 607
سیدرضایی، سیدمحمد 618
سیدرضایی، سیدیوسف 627
سیفی، ابوالقاسم 644
شاطری، حسین 652
شامانی، حسین 668
شامانی، سعید 673
شامانی، علیرضا 678
شاهچراغ، محمدتقی 684
شاهچراغ، سیدمهدی 688
شاهچراغی، سیدحسن 691
شاهچراغی، سیدحسن 701
شاه‌حسینی، محمدرضا 706
شاه‌حسینی، حسن 712
شاه‌حسنیی، حسین 726
شاه‌حسینی، علی‌اصغر 735
شاهرودی، مجید 742
شاهسوار، حسین 747
شاه‌محمدی، رمضانعلی 752
شاه‌مرتضی، سیدتقی 755
شاهورانی، محمود 765
شاهی، عبدالرضا 769
شاهین‌فر، محمود 780
شاهینی، علیرضا 785
تعلیقات 796



«این وصیت‌نامه‌هایی که این عزیزان می‌نویسند، مطالعه کنید، پنجاه سال عبادت کردید و خدا قبول کند، یک روز هم یکی از این وصیت‌نامه‌ها را بگیرید و مطالعه کنید و تفکر کنید»

امام خمینی(ره)- صحیفه نور- جلد 15 ص32



منشور رسمی و قانونی انقلاب و کشور عبارت است از قانون اساسی ما... همهٔ چیزهایی که برای ادارهٔ امور ملت لازم است، به شکل متین و مستحکمی در این منشور وجود دارد. منشور معنوی انقلاب هم وصیت‌نامهٔ امام و وصیت‌نامه‌های شهداست. این وصیت‌نامه‌ها را بخوانید و ببینید شهدا که در میدان جنگ جان خود را فدا کردند، برای چه فدا کردند و دنبال چه بودند. مگر می‌شود از مجموعهٔ فداکاریها و آرمانهای یک ملت، کسی به این آسانی دست بشوید! اینها راه ماست؛ اینها مایه‌های سعادت ماست که باید دنبال کنیم.

بیانات مقام معظم رهبری - نماز جمعه تهران - آذرماه1381

سـخن ناشـر

اطلاع‌رسانی و انتشار اسناد و آثار شهدا و ایثارگران با هدف روشن‌نمایی تاریخ پرشکوه انقلاب اسلامی و دفاع مقدس، ادامه فرآیندی است که بنیاد شهید و امور ایثارگران در ساختار اسنادی، مطالعاتی و انتشاراتی خود در نظر گرفته است.

آغاز فعالیت انتشاراتی در بنیاد مقارن با تأسیس این نهاد مهم و انقلابی در سال 1359 بوده و تاکنون صدها عنوان کتاب در زمینه‌های ادبی، پژوهشی، اسنادی و تاریخی برجامعه عرضه شده است؛ ولی آنچه را می‌توان بر مبنای مطالعه اهداف سازمانی در دوره‌های مختلف شکل‌گیری و توسعه بنیاد حائز اهمیت دانست، تأسیس انتشارات شاهد با هدف تدوین و انتشار آثار و اسناد شهدا و ایثارگران بوده است؛ گو اینکه به ضرورت‌های اجتماعی و فرهنگی، قلت و پراکندگی منابع و عدم تنظیم و آماده‌سازی اسناد، تمرکز فعالیت‌های نشر شاهد بر روی انتشار اسناد شهدا و ایثارگران به شیوه علمی و تخصصی تاکنون کمرنگ بوده است و لذا وجه ادبی و غیراسنادی در نشر شاهد گاه بر وجوه مطالعاتی و اسنادی آن غالب شده است.

از چندی پیش انتشارات شاهد، براساس اهداف دیرینه و در پی ایجاد شرایط مناسب‌تر که آثار و اسناد ایثارگران فراهم‌آوری و تنظیم گردید، انتشار اسناد دست اول آن بزرگواران را اولویت مهم خود قلمداد کرده است. به باور اندیشمندان و صاحبنظران تاریخی، فرهنگی و اسنادی، فراهم کردن زمینه برای انتشار اسناد فرهنگی، نیاز ضروری مجامع علمی و

پژوهشی بوده و اتخاذ شیوه‌های علمی برای پردازش و نشر آثار ایثارگران به افزایش و توسعه کمی و کیفی انتشار کتاب در سایر زمینه‌ها مدد می‌رساند. توصیه‌های مکرر و مؤکد حضرت امام(;) و مقام معظم رهبری (مد ظله العالی) برای پرداختن به اسناد و آثار، به‌ویژه وصایای شهدا نشان‌دهنده جایگاه ویژه این اسناد بوده و ضرورت انتشار آن را بر ما آشکار می‌سازد.

در نه جلد قبل، نظرات بسیار سودمند و قابل اعتنا به دفتر انتشارات شاهد رسید و مورد بررسی قرار گرفته و پس از تایید کمیته مستندات در این کتاب لحاظ گردید.

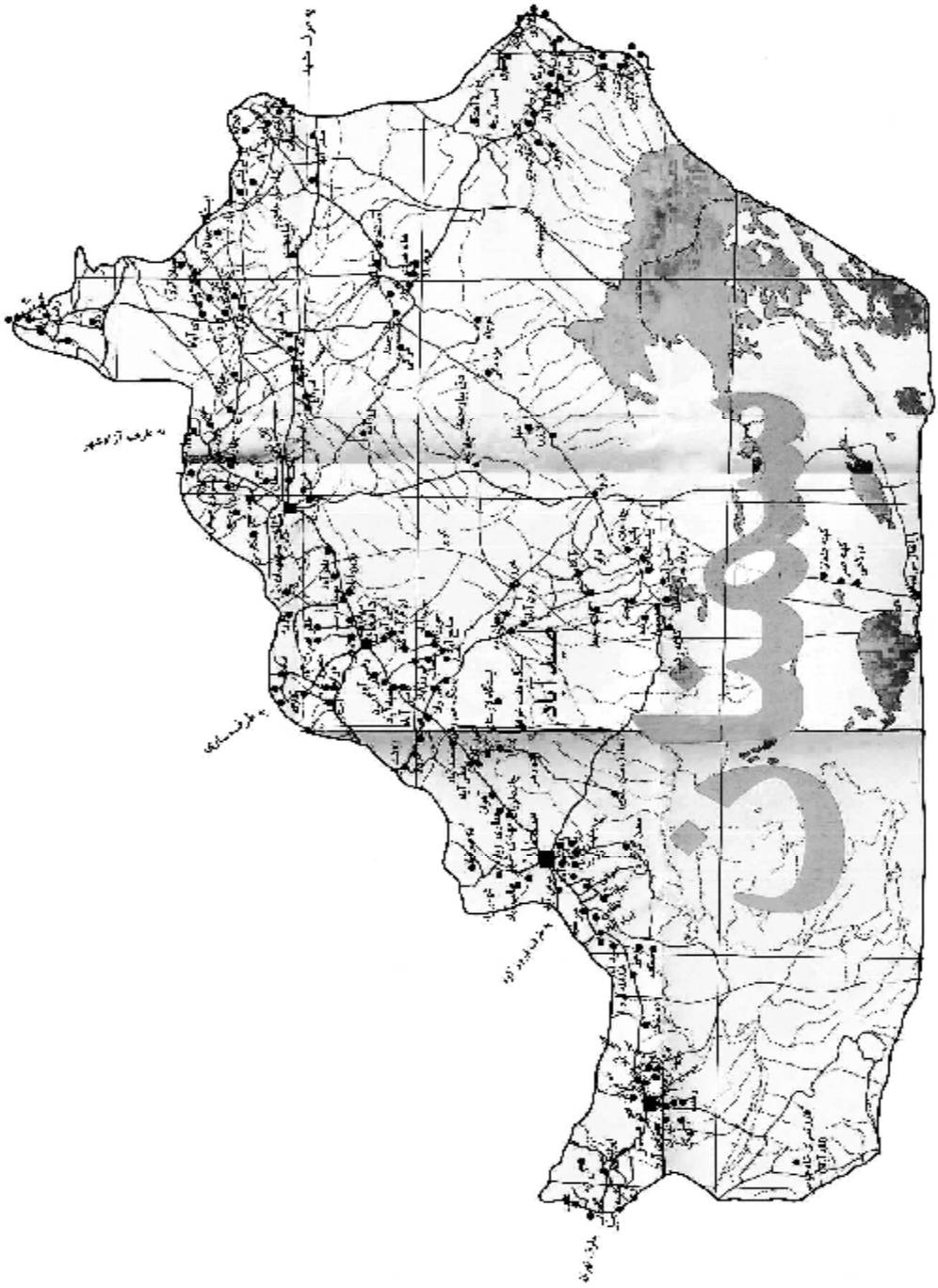
این کتاب حاوی 102 وصیت‌نامه از وصیت نامه‌های شهدای استان سمنان(دفتر ششم) است که حاصل بررسی‌ها وبازنگری‌های کارشناسانه در واحد انتشار اسناد و آثار شهدا و ایثارگران است. در اینجا شایسته است که از آقای دکتر منوچهر اکبری استادگروه زبان وادبیات فارسی دانشگاه تهران، رئیس بنیاد دانشنامه نگاری ایران و پژوهشگر ادبیات وتاریخ دفاع مقدس به‌عنوان چهره نام آشنا در عرصه‌های دانشگاهی و پژوهشی به‌ویژه در حوزه دفاع مقدس و همکارانشان که زحمت تدوین این مجموعه را به عهده گرفته و تلاش بی‌وقفه داشته‌اند تشکر و قدردانی شود.

همچنین جا دارد که از رهنمودها و مساعدت‌های کارشناسان و صاحبنظران گرانقدر آقایان: دکتر اکبر اشرفی، امیر رزاق‌زاده، دکتر کیانوش کیانی و... صمیمانه تقدیر و تشکر نماییم.

در پایان دست صاحبنظران و اندیشمندان عرصه تاریخ و فرهنگ جامعه را برای همکاری، نقد و بررسی صمیمانه می‌فشاریم، امید است این تلاش فرهنگی در شناخت ابعاد ناپیدای شهدای بزرگوار و دوران با عظمت انقلاب اسلامی و دفاع مقدس مددکار پژوهشگران و حقیقت‌جویان و آیندگان قرار گرفته و موجبات خشنودی شهدای والامقام و امام شهدا و رهبر معظم انقلاب اسلامی و خانواده معظم شهدا و ایثارگران را فراهم سازد.

نشر شاهد

تیرماه 1391





نام: **محمد**
نام خانوادگی: **رشیدی**
نام پدر: **حسین**
نام مادر: **طیبه**
تاریخ تولد: **یکم بهمن** 1336
محل تولد: **شهرستان دامغان**
تحصیلات: **پایان دورهٔ متوسطه**
ارگان اعزام‌کننده: **سپاه**
تاریخ شهادت: **بیست‌ودوم دی** 1359
محل شهادت: **سرپل ذهاب**
نحوهٔ شهادت: **اصابت ترکش**
مزار: **گلزار شهدای فردوس رضای زادگاهش**

عبارت‌های کلیدی

- این دنیا محل آزمایش است.
- ای یاران رهبر انقلاب امام خمینی را مدد کنید.
- بگسترانید اسلام را تا همه از فضیلت آن بی‌بهره نمانند.
- تربیت کنید فرزندانتان را به اندرزهای مکتب اسلام.
- تنها هدفم شهادت فی سبیل‌الله است.
- امید دارم وقتی در آن دنیا نامه اعمالم را باز کنند از یاران حسین(**7**) خجالت نکشم.
- همیشه به یاد خدا باشید.
- بر مزارم خواندن قرآن را فراموش نکنید.
- سعی کنید از این دنیای فانی رخت بربندید.

محمد رشیدی

بسم الله الرحمن الرحیم

«الذین آمنوا و هاجروا و جاهدوا فی سبیل الله باموالهم و انفسهم اعظم درجه عندالله و اولئک هم الفائزون»[1] «آنانکه ایمان آوردند و از وطن هجرت گزیدند و در راه خدا با مال و جانشان جهاد کردند آنها را نزد خدا مقام بلندی است و آنان رستگاران و سعادتمندان در عالمند». این وعده خداست و چون ندای آنرا شنیدم پیامش را لبیک گفته و برای رسیدن به او این راه را برگزیدم. باشد که افتخار شهادت نصیبم شود که دیگر آرزویی[2] جز این ندارم. اکنون که عازم جبهه هستم با شما ای همسنگران و دوستانم چند کلمه‌ای صحبت دارم. اسلام در طول 14 قرن همیشه در حال مبارزه بوده تا حکومت الهی را بر گیتی پا برجا نماید و چه نیک که در دوران ما مکتب به اوج گسترش رسیده و هر لحظه دنیا را فرا می‌گیرد و بخود می‌بالم و خدا را سپاس می‌گویم که مرا در این موقع از زمان قرار داد، تا بتوانم دین خود را نسبت به اسلام ادا نمایم. چون این دنیا محل آزمایش است و امتحانی سخت در پیش داریم، خیلی باید مواظب بود که در آخرت «طبق وعده قرآن مثقال آن حساب خواهد شد»[3]. ای یاران مدد کنید رهبر انقلاب امام خمینی را تا موقعی که حکومت مهدی(عج) فرا رسد (انشاءالله) قدر بدانید این رهبر را و به جرأت بگویم علی(**7**) بر شما حکومت می‌کند و پیشاپیش در راه او قدم بردارید و ایثار کنید، خود را بسازید تا جامعه نوین اسلام را سرمشق ملل دیگر شود و بگسترانید اسلام را تا همه از فضیلت آن بی‌بهره نمانند. قرآن بارها گفته است که تنها راه سعادت انسان مکتب و عمل به آن است. پس بکوشید در این راه که هر لحظه دیر است و فردایی در پیش است که از تو جواب خواهند. «**و لا تقولوا لمن یقتل فی سبیل‌الله اموات بل احیاءٌ و لکن لا تشعرون**»[4] بقره [153]

1- توبه/ 20.

2- در اصل وصیت «آرزوئی».

3- اشاره دارد به «فمن یعمل مثقال ذره خیراً یره و من یعمل مثقال ذرة شراً یره» (زلزله/ 8 ـ7).

4- بقره/ 154.

و آن کس که در راه خدا کشته شد مرده نپندارید بلکه او زنده ابدیست و لیکن همه شما این حقیقت را در نخواهید یافت. پس بکوشیم از صراط مستقیم خطا نرویم که راه برگشت سخت و ناهموار [است]. خود را تقویت کنید و پرورش دهید مغزتان را، تربیت کنید فرزندانتان را به اندرزهای مکتب و دیگر اینکه یاری کنید تا دشمنان اسلام را درهم کوبیم و پرچم لا اله الا الله را که اساس مکتب است در تمام دنیا، به اهتزاز درآوریم و خدا در آیه شریفه 73 سوره توبه[1] می‌فرماید: «ای پیغمبر با کافران و منافقان[2] جهاد و مبارزه کن بر آنها بسیار سخت‌گیر و مسکن آنها دوزخ است». و بر این شدم که برای چندمین بار پیکار، این بار هم به جنگ بشتابم و از خداوند بزرگ می‌خواهم که تنها هدفم و آرزویم که شهادت فی سبیل الله است، نصیبم گرداند تا در آن دنیا رو سپید باشم و وقتی که نامهٔ اعمالم را باز کنند، از یاران حسین(**7**) خجالت نکشم.

آری هدف اوست و فقط باید سعی کنیم با توشه‌ای پر از این دنیای فانی رخت بر ببندیم و در آیه شریفه 103 و 104[3] سوره کهف می‌فرماید: «زیانکارترین مردم آنان هستند که عمرشان را در راه حیات دنیای فانی تباه کردند و به خیال غافل می‌پنداشتند که نیکوکاری می‌کنند. پس دل به این دنیا نبندید و سعی کنید از این دسته مردم نباشید که سخت گمراهید».

اما تو ای همسرم که تنها کسی هستی که همیشه مرا در انجام وظیفه‌ام یاری نمودی و پشتیبانم بودی تو را به فاطمه زهرا(**3**) می‌سپارم و از پروردگارم تقاضای کمک به تو را دارم و سعی کن فرزندم را در دامن پاکت تربیت کرده و او را از جمله یاران امام بزرگمان قرار دهی. دیگر عرضی ندارم از پدر و مادرم که مرا همیشه تشویق می‌کردند و مرا با اسلام آشنا و تربیتم نمودند قدردانی و سپاسگزاری می‌کنم و دعای خیر از شما می‌خواهم و همگی را به خداوند قادر متعال می‌سپارم و از او می‌خواهم که ما را با سربازان صدر اسلام محشور گرداند.

1- ترجمه آیه 73 سورهٔ توبه: «یا ایها النبی جاهد الکفار و المنافقین واغلظ علیهم و ماویهم جهنم وبئس المصیر».
2- ر.ک. تعلیقات.
3- ترجمه آیه 103 و 104 سورهٔ کهف که در اصل وصیت شهید به آیه 104 سورهٔ کهف اشاره کرده است: «قل هل ننبئکم بالاخسرین اعمالاً، الذین ضل سعیهم فی‌الحیوه الدنیا و هم یحسبون انهم یحسنون صنعا».

و از شما می‌خواهم که بمدت 60 روز برایم روزه بگیرید و [از] خواندن قرآن در مزارم فراموش نشود و همیشه به یاد خدا باشید و دل‌هایتان محکم و از اینکه فرزندی را هدیهٔ خدا نمودید، خوشحال و شادمان باشید هر چند تحفه‌ای ناچیز است.

«والسلام»

محمد رشیدی

بسم ا...الرحمن الرحیم

الذین آمنوا و هاجروا و جاهدوا فی سبیل الله باموالهم و انفسهم اعظم درجة عندالله و اولئك هم الفائزون- آنانکه ایمان آوردند و از وطن هجرت گزیدند و در راه خدا با مال و جانشان جهاد کردند آنها را نزد خدا مقام بلندی است و آنان رستگاران و سعادتمندان در عالمند این وعده خداست و چون ندای آنرا شنیدم پیامش را لبیك گفته و برای رسیدن به او این راه را برگزیدم باشد که افتخار شهادت نصیبم شود که دیگر آرزوئی جز این ندارم اکنون که عازم جبهه هستم باشما ای همسنگران و دوستانم چند کلمه ای صحبت دارم اسلام در طول ۱۴ قرن همیشه در حال مبارزه بوده تا حکومت الهی را بر گیتی پابرجا نماید و چه نیك که در دوران ما مکتب به اوج گسترش رسیده و هر لحظه دنیا را فرا میگیرد و بخود میبالم و خدا را سپاس می گویم که مرا در این موقع از زمان قرار داد تا بتوانم دین خود را نسبت به اسلام ادا نمایم چون این دنیا محل آزمایش است و امتحانی سخت در پیش داریم خیلی باید مواظب بود که در آخرت طبق وعده قرآن مثقال آن حساب خواهد شد. ای یاران مدد کنید رهبر انقلاب امام خمینی را تا موقعیکه حکومت مهدی فرا رسد (انشاءالله) قدر بدانید این رهبر را و به جرأت بگوئیم علی- (ع) بر شما حکومت میکند و پیشاپیش در راه او قدم بردارید و ایثار کنید خود را بسازید تا جامعه نوین اسلام را سرمشق ملل دیگر شود و بگستر انید اسلام را تا همه از فضیلت آن بی بهره نمانند قرآن بارها گفته است که تنها راه سعادت انسان مکتب و عمل به آن است پس بکوشید در این راه که هر لحظه دیر است و فردایی در پیش است که از تو جواب خواهند. و لاتقولوا لمن یقتل فی سبیل ا... اموات بل احیاء ولکن لاتشعرون بقره ۱۵۳

و آنکس را که در راه خدا کشته شده مرده نپندارید بلکه او زنده ابدیست و لیکن همه شما این حقیقت را درنخواهید یافت. پس بکوشیم از صراط مستقیم خطا نرویم که راه برگشت سخت و ناهموار و خود را تقویت کنید و پرورش دهید مغزتان را، تربیت کنید فرزندانتان را به اندرزهای مکتب و دیگر اینکه یاری کنید. تا دشمنان اسلام را درهم کوبیم و پرچم لااله الاالله را که اساس مکتب است در تمام دنیا به اهتزاز در آوریم و خدا در آیه شریفه ۷۳ سوره توبه میفرماید: ای پیغمبر با کافران و منافقان جهاد و مبارزه کن بر آنها بسیار سخت گیر و مسکن آنها دوزخ است. و بر این شدم که برای چندمین بار پیکار، اینبار هم به جنگ بشتابم و از خداوند بزرگ میخواهم که تنها هدفم و آرزویم که شهادت فی سبیل الله است نصیبم

گرداند تا در آن دنیا روسپید باشم و وقتی که نامهٔ اعمالم را باز کنند از یاران حسین (ع) خجالت نکشم. آری هدف اوست و فقط باید سعی کنیم با توشه‌ای پر از این دنیای فانی رخت بر ببندیم و در آیه شریفه ۱۰۴ سوره کهف میفرماید: زیانکارترین مردم آنان هستند که عمرشان را در راه حیات دنیای فانی تباه کردند و بخیال غافل می‌پنداشتند که نیکو کاری میکنند. پس دل به این دنیا نبندید و سعی کنید از این دسته مردم نباشید که سخت گمراهید. اما تو ای همسرم که تنها کسی هستی که همیشه مرا در انجام وظیفه‌ام یاری نمودی و پشتیبانم بودی تو را به فاطمه زهرا میسپارم و از پروردگارم تقاضای کمک به تو را دارم و سعی کن فرزندم را در دامن پاکت تربیت کرده و او را از جمله یاران امام بزرگمان قرار دهی دیگر عرضی ندارم از پدر و مادرم که مرا همیشه تشویق میکردند و مرا با اسلام آشنا و تربیتم نمودند قدردانی و سپاسگزاری میکنم و دعای خیر از شما میخواهم و همگی را به خدا و ندقادر متعال میسپارم و از او میخواهم که ما را با سربازان صدر اسلام محشور گرداند. و از شما میخواهم که بعد از من هر روز برایم روزه بگیرید و از خواندن قرآن در مزارم فراموش نشود و همیشه بیاد خدا باشید و دلیایتان محکم و از اینکه فرزندی را هدیه خدا نمودید خوشحال و شادمان باشید هر چند تحفه‌ای ناچیز است

والسلام

محمد رشیدی



نام: **زمان**
نام خانوادگی: **رضاکاظمی**
نام پدر: **فرج**
نام مادر: **هدهد**
تاریخ تولد: **هشتم دی** 1341
محل تولد: **شهرستان سمنان**
تحصیلات: **پایان دورهٔ کاردانی**
ارگان اعزام‌کننده: **سپاه**
تاریخ شهادت: **هفدهم مرداد** 1362
محل شهادت: **مهران**
نحوهٔ شهادت: **اصابت ترکش**
مزار: **گلزار شهدای امامزاده یحیای زادگاهش**

عبارت‌های کلیدی

- اعتقاد و علاقه به ولایت فقیه [که] بی‌شک ادامه‌دهنده همان راه انبیاء و ائمه‌اطهار است دارم.
- ما با ریختن خونمان باید به آرمان‌های توحیدی تحقق ببخشیم.
- از رهبری چون امام حتی برای یک لحظه غفلت ننمایید.
- برادران عزیز تقوای الهی پیشه کنید.
- برادران عزیز کسب فضائل و تزکیه و تهذیب نفس را پیشه خود کنید.
- از اسلام و قرآن دوری نکنید.
- برادران خط سرخ شهادت را که از امام حسین(**7**) نشأت گرفته، ادامه دهید.

زمان رضاکاظمی

بسم‌الله الرحمن الرحیم

«ان الذین قالوا ربنا الله ثم استقاموا تتنزل علیهم الملائکه الا تخافوا و لا تحزنوا و ابشروا بالجنهٔ التی کنتم توعدون».[1] «آنانکه گفتند خدای ما فقط الله است و سپس بر این آرمان مقدس خود پافشاری کردند فرشتگان بر آنان فرود آیند و می‌گویند که نترسید و غمگین نباشید و شما را به بهشتی که وعده دادند بشارت باد».

اینجانب زمان رضاکاظمی وصیت نامه خویش را با توجه به اینکه تمام وجود من بر این ارکان مهم استوار است شروع میکنم اینجانب اعتقاد قلبی به وحدانیت خدا و یگانگی وی و اعتقاد به فرستادگان خدا (پیامبران و ائمه اطهار) و اعتقاد و علاقه به ولایت فقیه [که] بی‌شک ادامه‌دهنده همان راه انبیاء و ائمه اطهار است، دارم.

خدایا ترا صد هزار مرتبه شکر که بندهٔ خویش [را] که سر تا پا گناهکار است، توفیق عطا کردی تا حضور خویش را در جبهه حفظ نماید، خداوندا، ای خالق هستی، ای معبود من ای کسی که آتشی را که در درونم مشتعل شده بود و لحظه به لحظه زبانه می‌کشید با به شهادت رسانیدن من خاموش نمودی هم اینک عزم خویش [را] بر پایه راسخ استوار نمودم که بار دیگر به جبههٔ نبرد حق علیه باطل روانه شوم و تنها تو در پیش دیدگان من مجسم هستی، طلب مغفرت می‌نمایم، باشد که با پیکری مطهر و آرایش‌های[2] معنوی به ملاقات بشتابم، خداوندا هر لحظه‌ام[3] شکر است تا اینکه با تابیدن نور تو در قلب ما به دیدار پیامبران و ابرار و صالحین بشتابیم.

هم اینک من شهید شدم، تا برای دیگران درسی باشد، که درخت تشنهٔ اسلام، به خون ما نیازمند است، و با ریختن خون ما باید به آرمانهای توحیدی تحقق ببخشیم و پرچم به خون آغشته لا اله الا الله را در اقصی نقاط عالم به اهتزاز درآوریم و قلب منور امام زمان (عج) را از خویش راضی و خشنود بگردانیم.

1- فصلت/ 30. در اصل وصیت شهید قید کرده است سورهٔ فصلت آیه 29.

2- در اصل وصیت «آرایشات».

3- در اصل وصیت «لحظه هم».

اما پیامی که برای امت شهیدپرور ایران خصوصاً مردم محترم سمنان دارم این است، به مصداق «الاسلام یعلوا و لا یعلی علیه»[1] از گوهری چون مکتب اسلام، این نور پرتو افکن، این چراغی که منزلگاه و مدینه طیبه و فاضلهٔ سعادت [را] با نور خود مزین می‌سازد، دوری نکنید و از رهبری چون امام و حضور خویش در صحنه [را] حتی برای یک لحظه غفلت ننمایید[2] و بطور کلی مطیع اوامر امام باشید تا اینکه [در] مسئولیت عظیم و خطیری [که] بر شما محول شده است انجام وظیفه نمایید[3] تا اینکه خداوند منان و امام زمان را از خود راضی بگردانیم و خود را در تمام دنیا ملتی شرافتمند و با حیثیت معرفی نمایید[4].

و پیامی که برای خانواده‌ام دارم این است که ای مادر عزیز، ای مربی همیشگی، ای که در[5] دامان مطهر خویش فرزندی را تربیت نمودی که لیاقت شهادت را داشت و توانستی حاصل زحمات چندین ساله‌ات را با کمال افتخار به نزد باریتعالی تقدیم نمایی، تو هم اینک مادر شهیدی خواهی بود که در روز قیامت با فاطمه زهرا(3) محشور خواهی شد مبادا در فقدان من ناراحت باشی و مانع [این] نمی‌شوم تا[6] گریه نکنید. اما گریهٔ توام با ناراحتی و بی‌تابی روحم را هر لحظه آزار میدهد. گریه کن مادر عزیز اما به فکر حسین(7)، متذکر می‌شوم که تو عزیزترین و مرغوبترین کالا و جگر گوشه خود را به خدا تقدیم نمودی، تا اینکه اسلام این مکتب گوهربار و اصالت بار بماند.

ای مادر عزیز مرا ببخشایید که نتوانستم در این ایام زندگی فرزند خوبی برای شما باشم، تا بتوانم حق مادری را بجای آورم. ای برادران گرامی و ای استادانم، ای کسانی که در سنین کودکی وقتی پدر خویش را از دست دادم به تمام معنی مربیان من محسوب می‌شدید، هم اینک بر خود ببالید و لباس حزن و غم را از تن درآورید و لباس شادی

1- رسول اکرم(6) (وسائل الشیعه، ص125، ج26).
2- در اصل وصیت «تنمائید».
3- در اصل وصیت «نمائید».
4- در اصل وصیت «نمائید».
5- در اصل وصیت «از».
6- در اصل وصیت «که».

بپوشید که مرا با کفن در حجله گاهی می‌بینید که امام عزیزم «خمینی» راهنمـایی‌ام کـرده[1] و در درون آن اخلاق امام زمان(عج) حضور[...][2]

برادران عزیز: تقوای خدای را پیشه کنید. از رذایل اخلاقی بپرهیزید و کسب فـضایل[3] و تزکیه و تهذیب نفس [را] پیشه خود کنید. و خط سرخ شهادت را که از امام حـسین(**7**) نشأت گرفته است ادامه دهید، برادران عزیـزم در تربیـت بـرادران کـوچکم[4] (عـسکری) و خواهرم (صاحب) و تعلیم [...][5] اسلامی سعی و جـدیت نماییـد[6] و چنـان آنـان را تربیـت نمایید[7] که افرادی مؤثر و عنصرهای کارایی[8]، برای [کار] جامعـه محـسوب شـوند و بـرای اسلام خدمت کنند، در ضمن پولی را که از من باقی مانده است هرکس از من بگیر است به او بدهید و نصف پول را در راه نشر و تبلیغ اسلامی صرف نمایید[9] و نصف دیگـر آنـرا بـه مادر عزیزم بدهید تا هر طوری که صلاح می‌داند خرج نماید.

برادران عزیز: مبادا با حرکت‌های نامشروع روح مـرا آزار دهیـد. [و] از اسـلام و قـرآن دوری نکنید و مطیع فرمان امام باشید. و در فقدان من ناراحت نباشید، چرا که انسان روزی از مادر خود متولد می‌شود و روزی هم باید از دنیا برود پس چه بهتر شـهادت را کـه یـک انتخاب است و آن انتخاب براساس آگاهی صورت می‌گیـرد، انتخـاب نمـاییم.[10] تـا اینکـه بتوانیم در آن افق دوردست که معشوقم خداوند[11] در آنجاست، به آن دسترسی پیدا کنیم[12].

1- در اصل وصیت «راهنمائیم».
2- خوانا نیست.
3- در اصل وصیت «فضائل».
4- در اصل وصیت «کوچک‌ام».
5- خوانا نیست.
6- در اصل وصیت «نمائید».
7- در اصل وصیت «نمائید».
8- در اصل وصیت «کارائی».
9- در اصل وصیت «نمائید».
10- در اصل وصیت «نمائیم».
11- در اصل وصیت «خدا باشد».
12- در اصل وصیت «کنم».

دوستان عزیز: اگر در دوران جهالت و نادانی از من بدی دیده‌اید مـرا ببخـشایید[1] و هـر روز در صدد این باشید که خودتان را اصلاح نمایید[2] و تزکیه و تهذیب نفس و فـرا گـرفتن علوم اسلامی را از یاد نبرید و در پرتو یک تشکیلات صـد در صـد اسـلامی در راه تعلـیم نوجوانان و اشباع و اقناع افکار خویش سعی و تلاش نمایید.[3]

«والسلام علیکم و رحمت الله و برکاته»

زمان رضاکاظمی

61/4/11

1- در اصل وصیت «ببخشائید».

2- در اصل وصیت «نمائید».

3- در اصل وصیت «نمائید».

بسم الله الرحمن الرحیم

إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَبْشِرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ (سوره فصلت - آیه ۳۰)

آنانکه گفتند خدای ما فقط الله است و سپس بر این آرمان مقدس خود پافشاری کردند فرشتگان بر آنان فرود آیند که نترسید و غم [illegible] شما به بهشتی که وعده داده شده‌اید!

اینجانب زمان رضا کاظمی وصیت‌نامه خویش را با توجه به اینکه تمام وجود من بر این ارکان مهم استوار است شروع میکنم اینجانب با اعتقاد قلبی به وحدانیت خدا و یگانگی وی و اعتقاد به فرستادگان خدا (پیامبران و ائمه اطهار) و اعتقاد و علاقه به ولایت فقیه بی شک ادامه دهنده همان راه انبیاء و ائمه اطهار است دارم.

خدایا ترا صد هزار مرتبه شکر که بنده خویش که سرتاپا گناه کار است توفیق عطا کردی تا حضور خویش را در جبهه حفظ نماید، خداوندا، ای خالق هستی، ای معبود من ای کسی که آتشی را که در درونم مشتعل شده بود لحظه لحظه زبانه میکشید با به شهادت رساندن من خاموش نمودی هم اینک عزم خویش بر پا به راسخ استوار نمودم که بار دیگر به جبهه نبرد حق علیه باطل روانه شوم و تنها تو در پیش دیدگان من مجسم هستی طلب مغفرت مینمایم باشد که با پیکری مطهر و آرامشی مملو به ملاقات بشتابم، خداوندا هر لحظه هم شکر است تا اینکه با تابیدن نور تو در قلب [illegible] پیامبران و ابرار و صالحین بشتابیم.

هم اینک من شهید شدم تا برای دیگران درس باشد که در خت تنهٔ اسلام به خون ما نیازمند است ریختن خون ما باید به آرمانهای توحیدی تحقق بخشیم و پرچم به خون آغشته لا إله إلا الله را در اقصی نقاط عالم

صفحه ۲

به افتخار درآوریم و قلب منور امام زمان(عج) را از خویش راضی و خشنود بگردانیم.

اما پیامی که برای امت شهیدپرور ایران خصوصاً مردم محترم کمان دارم این است، به مصداق «الاسلام یعلو ولا یعلی علیه» از گوهری چون مکتب اسلام، این نور پرتوافکن، این چراغی که منزلگاه و مدینه طیبه و فاضله سعادت با نور خود مزین می سازد دوری نکنید و از رهبری چون امام و حضور خویش در صحنه را حتی برای یک لحظه غفلت ننمائید و بطور کلی مطیع اوامر امام باشید تا انکه مسئولیت عظیم و خطیری بر شما محول شده است انجام وظیفه نمائید تا انکه خداوند متعال و امام زمان(عج) را از خود راضی بگردانیم و خود را نام دنیا ملتی سرافکنده و با جسیت معرفی نمائید.

و پیامی که برای خانواده ام دارم این است که ای مادر عزیز ای مربی همیشگی ای که از دامان مطهر خویش فرزندی را تربیت نمودی که لیاقت شهادت را داشت و توانستی حاصل زحمات چندین ساله را با کمال افتخار به نزد پروردگار تقدیم نمائی تو هم انیک مادر شهیدی خواهی بود که در روز قیامت با فاطمه زهرا محشور خواهی شد مبادا در فقدان من ناراحت باشی زیرا این می شوم که گریه نکنید اما گریه قوام با ناراحتی و بی تابی روحم را هم لحظه آزار میدهد.

گریه کن مادر عزیز اما به کی؟ به حسین(ع)، مانند گریه تو عزیزترین و مرغوبترین کالا و جگر گوشه خود را که خدا تقدیم کرد تا انکه اسلام این مکتب گوهربار و اصالت بار بماند ای مادر عزیز مرا ببخشید که نتوانستم در این ایام زندگی فرزند خوبی برای شما باشم تا بتوانم حق مادری را بجای آورم.

ای برادران گرامی و ای استادانم ای کسانیکه در سنین کودکی وقتی پدر خویش را از دست دادم به نام معنی بر بالین من محسوب میشدید هم انیک هر خود بیالید و لباس حزن و غم را از تن در آورید و لباس شادی بپوشید که مرا در [illegible] گاهی منزله امام عزیزم و خمینی را فراهم کرده و در درون آن اخلاق امام زمان(عج) تضمین.

برادران عزیز: تقوی خدای را پیشه کنید از رذایل اخلاقی بپرهیزید و کسب فضائل و تزکیه و تهذیب نفس پیشه خود کنید. و خط سرخ شهادت را که از حسین(ع) نشأت گرفته است ادامه دهید و برادران عزیزم در تربیت برادران کوچک ام (عسکری) و خواهرم (صاحب) و تعلیم [illegible] اسلامی سعی و جدیت نمائید و چنان آنان را تربیت نمائید که

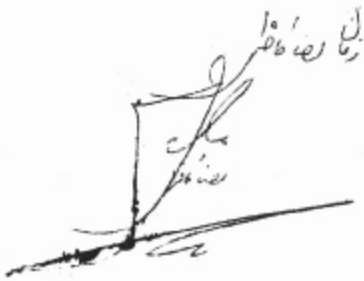
«صفحه ۳»

افرادی مؤثر و عنصرهای کارائی برای کار جامعه ما محسوب شوند و برای اسلام خدمت کنند، در ضمن پولی را که از من باقی مانده است هرکس از من بگیرد است به او بدهید و نصف پول را در راه نشر و تبلیغ اسلامی صرف نمائید و نصف دیگر آنرا به مادر عزیزم بدهید تا هر طوری که صلاح میدانند خرج نمایند، برادران عزیز: مبادا با حرکتهای نامشروع روح مرا آزار دهید و از اسلام و قرآن دوری نکنید و مطیع فرمان امام باشید و در فقدان من ناراحت نباشید چرا که انسان روزی از مادر خود متولد میشود و روزی هم باید از دنیا برود پس چه بهتر شهادت راکه یک انتخاب است و آن انتخاب بر اساس آگاهی صورت میگیرد انتخاب نمائیم تا انکه بتوانیم در آن افق دوردست که معشوقم خدا باشد در آنجاست به آن دست رسی پیدا کنم،

دوستان عزیز: اگر در دوران جهالت و نادانی از من بدی دیده اید مرا ببخشائید و هر روز در صدد این باشید که خودتان را اصلاح نمائید و متحد و تهذیب نفس و فراگرفتن علوم اسلامی را در پایه ریزی و هدایت تشکیلات صدر صد اسلامی در راه تعلیم نوجوانان و اشباع و اقناع افکار خویش سعی و تلاش نمائید.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

«زمان رضا کاظمی» ۶۱/۴/۱۱





نام: **مجید**
نام خانوادگی: **رضاکاظمی**
نام پدر: **علیرضا**
نام مادر: **طاهره**
تاریخ تولد: **بیستم بهمن** 1345
محل تولد: **شهرستان سمنان**
تحصیلات: **چهارم متوسطه**
ارگان اعزام‌کننده: **بسیج**
تاریخ شهادت: **هفدهم اسفند** 1362
محل شهادت: **جزیرهٔ مجنون**
نحوهٔ شهادت: **اصابت ترکش**
مزار: **گلزار شهدای امامزاده یحیای زادگاهش**

عبارت‌های کلیدی

- امت شهیدپرور راه شهدا را ادامه دهید.
- نگذارید خون شهیدان پایمال شود.
- امام عزیز را هرگز تنها نگذارید.
- در نمازها امام امت و رزمندگان را دعا کنید.
- با شرکت در مساجد سنگر مساجد را حفظ کنید.
- این جمهوری اسلامی را از هر لحاظ حفاظت کنید.
- آنها که در بسیج هستند بدانند اگر خلافی انجام دهند برابر با پای گذاشتن روی خون شهداست.
- جبهه محل خودسازی و دانشگاه الهی است.
- اسلام به افرادی نیاز دارد که جانباز قرآن باشند.

مجید رضاکاظمی

بسم‌الله الرحمن الرحیم[1]

بسم رب الشهداء و الصدیقین

«و لا تحسبن الذین قتلوا فی سبیل الله امواتا بل احیاءٌ عند ربهم یرزقون ...»[2]

با درود و سلام بیکران به پیشگاه مقدس حضرت بقیه الله الاعظم[3] و نایب[4] برحقش و فرمانده کل قوا امام خمینی و با سلام به رزمندگان و مجروحین و معلولین انقلاب جنگ تحمیلی.

به سال 1345 در محله جهادیه سمنان کودکی پا به جهان گذاشت که بعدها با آوای[5]ی رسا هم‌آواز خمینی شد و از جان و دل حسینی، و در عرصه عالم صدای محشری می‌گذرد تا[6] با خون پاکش لاله‌ای سرخ فام در بوستان باصفای شهیدان بنشاند تا با طلیعهٔ سپیدهٔ آزادی در گوش مرغ سحر نجوا کند که:

ز بام خانه شادی هلا ای مرغ آزادی سرود تازه‌ای سر کن بزن بال و پری دیگر

و به یمن انتخاب راه الهی‌اش نام مجید را برایش برگزیدند. زمانی نگذشته بود که پدرش برای امرار معاش به همراه خانواده عازم تهران گردید، دوران تحصیلی ابتدایی را در آنجا گذراند و از همان اوان کودکی استعداد و ذکاوتش مشهود بود تا جایی‌که[7] همه ساله با معدل بسیار خوب از همکلاسانش[8] سبقت می‌گرفت.

1- «وصیت‌نامه و گذری کوتاه بر زندگی پاسدار شهید مجید رضاکاظمی. زندگینامه پاسدار شهید مجید رضاکاظمی». قبل از شروع به تحریر وصیت‌نامه این مطالب بالای وصیت‌نامه آمده است. در آغاز زندگی‌نامه کوتاهی از شهید آمده است. آمیختگی و پیوند زندگی‌نامه کوتاه و وصیت‌نامه به‌گونه‌ای است که تفکیک آن منوط به حذف قسمتهایی از دست‌نوشته (سند اصلی) است که این کار زیبنده و علمی نست.

2- آل عمران/ 169.

3- در اصل وصیت «العظم».

4- در اصل وصیت «نائب».

5- در اصل وصیت «آوائی».

6- در اصل وصیت «و».

7- در اصل وصیت «جائیکه».

8- در اصل وصیت «همکارانش».

همزمان با امر یادگیری درس در کلاس قرائت قرآن کـه در یکـی از منـازل محلـه دایـر می‌شد شرکت می‌کرد، شاید از همانجا [..][1]

شما نه خود و نه فرزند خود را به جبهه می‌فرستید[2] چـرا [دیگـر] بـرای رفـتن دیگـران جلوگیری می‌کنید خلاصـه امـت شـهیدپرور راه شـهدا را ادامـه دهیـد کـه همـان راه الله و سعادت شما می‌باشد و در عمل هم نشان دهید که راه شهدا را ادامه داده‌اید و نگذاریـد کـه خون شهیدان پایمال شود و اگر جوشش خون این عزیزان نبود ما اینطور در پـیش خداونـد سرافراز نبودیم.

و از شما امت می‌خواهم هر قدمی که برمی‌دارید خالص برای خدا باشد و در آن ریـا و تکبر و غرور نباشد و همیشه جهت رضای خداوند خدمت کنیـد و «پـشتیبان ولایـت فقیـه باشید که همان استمرار حرکت انبیاء است»[3] کـه «**اطیعـوا**[4] **الله و اطیعـوا**[5] **الرسـول و اولـی الامر**[6] **منکم**»[7] امام عزیز را هرگز تنها نگذارید و دعاها را فراموش نکنیـد و در سـر نمازهـا امام امت و رزمندگان را دعا کنید.

و پیامی برای دوستان: ای برادران عزیز و ای دوستان گرامی این شمایید[8] که مـی‌توانیـد در صحنه‌ها حضور پیدا کرده و «با شرکت در مساجد سنگر مساجد را حفظ کنید»[9] و کمـی هم دربارهٔ مملکت خود فکر کنید و در بسیج محل خـود شـرکت کـرده و ایـن جمهـوری اسلامی را از هر لحاظ (نظامی، فرهنگی، سیاسـی) حفاظـت کنیـد و در کنـاری ننـشینید و درباره بسیج حرفهای رکیکی بزنید بلکه در بسیج شرکت نمایید[10] و پیشنهادات و انتقـادات

1- از صفحهٔ 2 تا 5 اصل وصیت‌نامه موجود نیست.

2- در اصل وصیت «می‌فرسید».

3- این جمله عیناً در صحیفه موجود نیست امام مناسب با این سخن شهید می‌فرماید: «اطمینان می‌دهم کـه امـر دولـت اسلامی اگر با نظارت فقیه و ولایت‌فقیه باشد آسیبی بـر ایـن مملکـت نخواهـد وارد شـد» (صـحیفه امـام، ج 10، ص58).

4- در اصل وصیت «اطیعو».

5- در اصل وصیت «اطیعو».

6- در اصل وصیت «اولامر».

7- نساء/ 54.

8- در اصل وصیت «شمائید».

9- عبارت شهید مشابه سخن امام خمینی: «مسجد سنگر است، سنگرها را حفظ کنید» (صحیفه امام، ج 12، ص 393).

10- در اصل وصیت «نمائید».

خود را به آنها بدهید تا انشاءالله همه چیز درست شود و کسانی که در بسیج هستند باید بدانند که هر خلافی که انجام دهند برابر با پای گذاشتن روی خون شهدا است و از همه مهمتر این است که هر چه می‌توانید در جبهه‌ها شرکت کنید و جبهه‌ها را خالی نگذارید چون جبهه فقط برای جنگ نیست جبهه محل خودسازی و دانشگاه الهی است و خداوند انشاءالله توفیق عبادت و بندگی و قدم گذاشتن در راه خدا را به همه بندگان بدهد و [از] خداوند متعال خواستارم که شهادت را از ما قبول کند و امام امت را در پناه خودش تا انقلاب مهدی(عج) و حتی کنار مهدی(عج) برای اسلام و ملت جهان نگه دارد.

و پیامی به خانواده گرامی‌ام[1]: ای پدر و مادر عزیزم ای سروران گرامی و ای پرورش دهندگان حقیر که شبها را نخوابیدید و برایم زحمت‌ها کشیدید و من در مقابل این همه زحمات نتوانستم دینم را نسبت به شما ادا کنم. ای مادر گرامی فرزندی را تربیت کردی و تقدیم اسلام نمودی و این امانتی که خدا به تو داده بود به خوبی پس دادی، بدان پدر و مادرم که پیش خداوند بزرگ و در پیش فاطمه زهراء(**3**) سرفراز خواهی بود و [از] خداوند بزرگ خواستارم که به شما اجر و پاداش بزرگ عنایت فرماید و مادرم نمی‌گویم که گریه نکن چون پیامبر اکرم(**6**) فرمود گریه بر شهیدان ادامه راه آنهاست و هر وقت دوست داشتی گریه کن اما به یاد سرور شهیدان اباعبدالله(**7**) گریه کن.

و ای پدر عزیزم: می‌دانم که سرتاسر عمرم جز ناراحتی و اذیت شما چیز دیگری نبوده است و هیچ کار خوبی نکردم و [از این] امیدوارم که فرزند عزیز خود را حلال کنی و مرا ببخشی و خداوند متعال ارحم الراحمین است. ولی از شما این خواهش را دارم که در تمامی مجالس ترحیم و مجالس اسلامی به‌خصوص نماز جمعه و نماز جماعت خیلی شرکت کنید و از خداوند متعال غافل نمانید و خدا را فراموش نکنید و به سخنان گوهربار رهبر کبیر انقلاب گوش داده و به آن عمل کنید و امیدوارم برادران عزیزم را (فرج‌الله و حمید) با تربیت اسلامی کامل [به] آنها قرآن و نماز یاد بدهید و آنها را به مسجد بفرستید. چون اسلام در آینده نیاز به افراد مؤمن دارد و فردی باشند مانند برادرشان جانباز قرآن باشند و درسهای خودشان را بخوانند.

1- در اصل وصیت «گرامیم».

و از خواهرانم می‌خواهم که بعد از شهادتم[1] مانند زینب(3) صبر را پیشه کنند و حجاب اسلامی را در همه جا رعایت کرده و فرزندان خویش را همچون سربازان اسلام تربیت کنند و نیز قرآن زیاد بخوانند و ذکر خدا بر لب داشته باشند و در آخر از خداوند تبارک و تعالی خواستارم که به تمامی خانواده شهدا صبر و اجر عنایت فرماید و به شما امت شهیدپرور نصرت عطا فرماید.

«والسلام»

لا اله الا الله، محمد رسول الله، علی ولی الله، خمینی روح الله.
الله اکبر خمینی رهبر

مجید رضاکاظمی 62/11/12

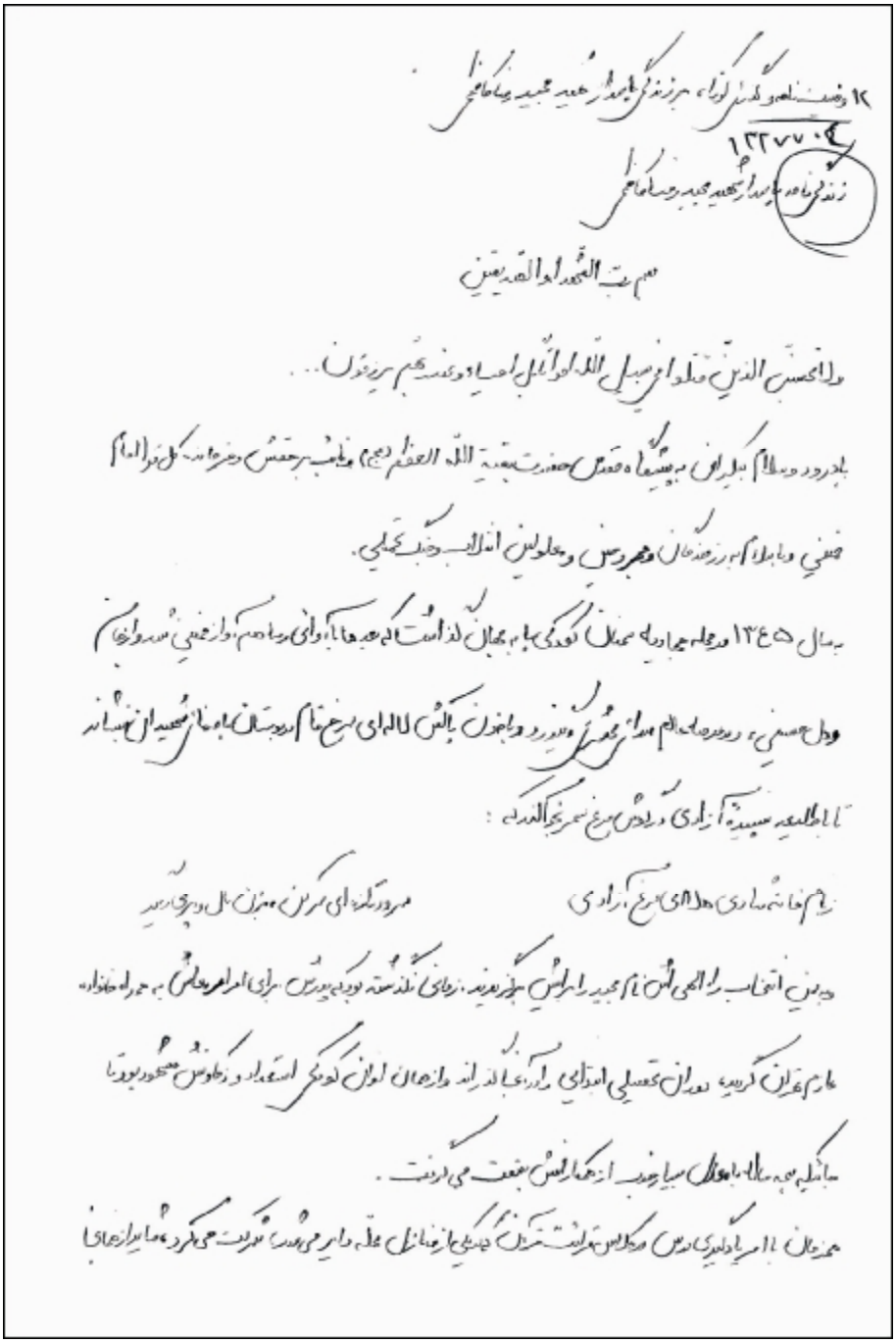
آن کس که تو را شناخت جان را چه کند — فرزند و عیال و خانمان را چه کند
دیوانه کنی هر دو جهانش بخشی — دیوانه تو هر دو جهان را چه کند[2]

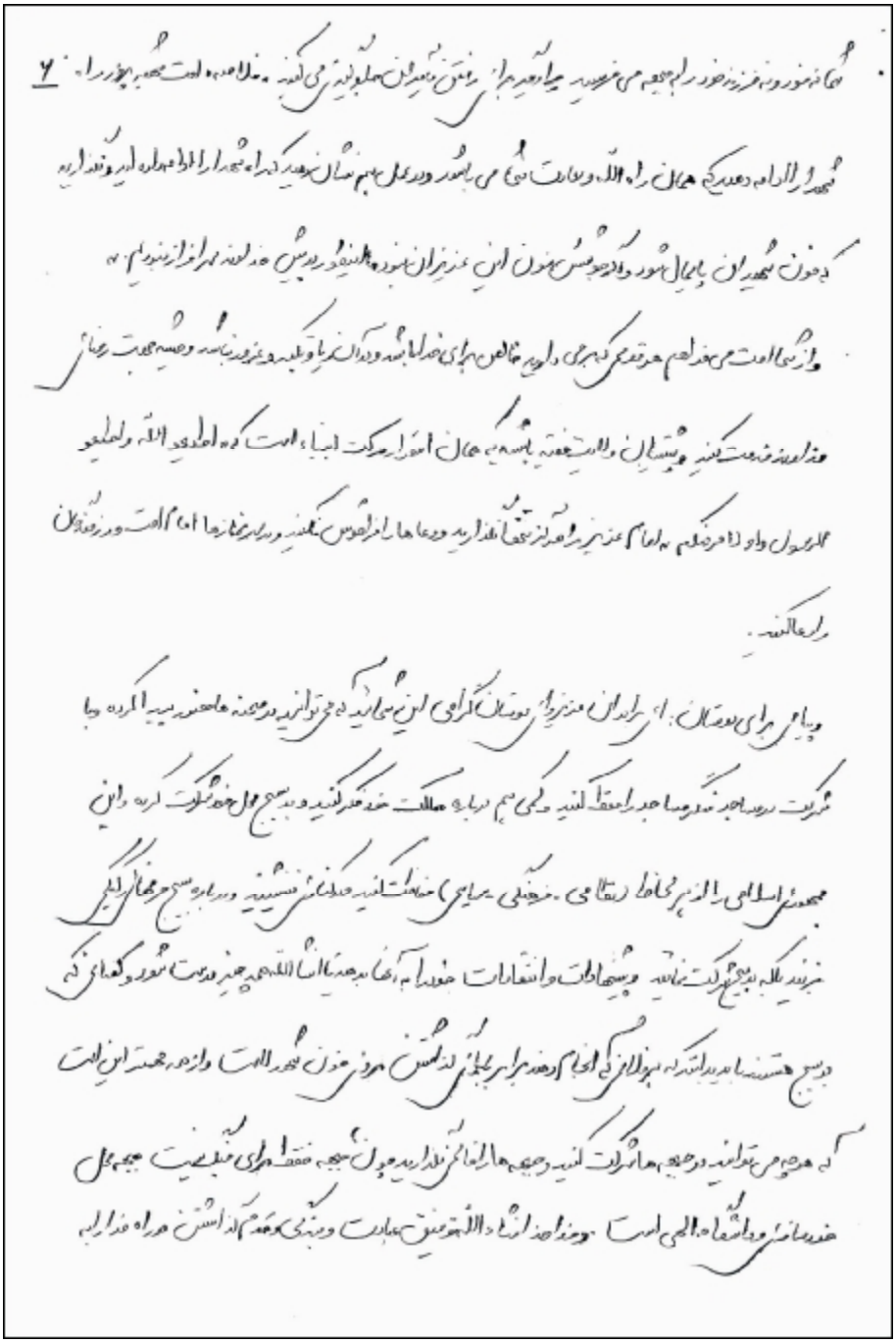
خدایا خدایا تا انقلاب مهدی، حتی کنار مهدی، خمینی را نگه دار.

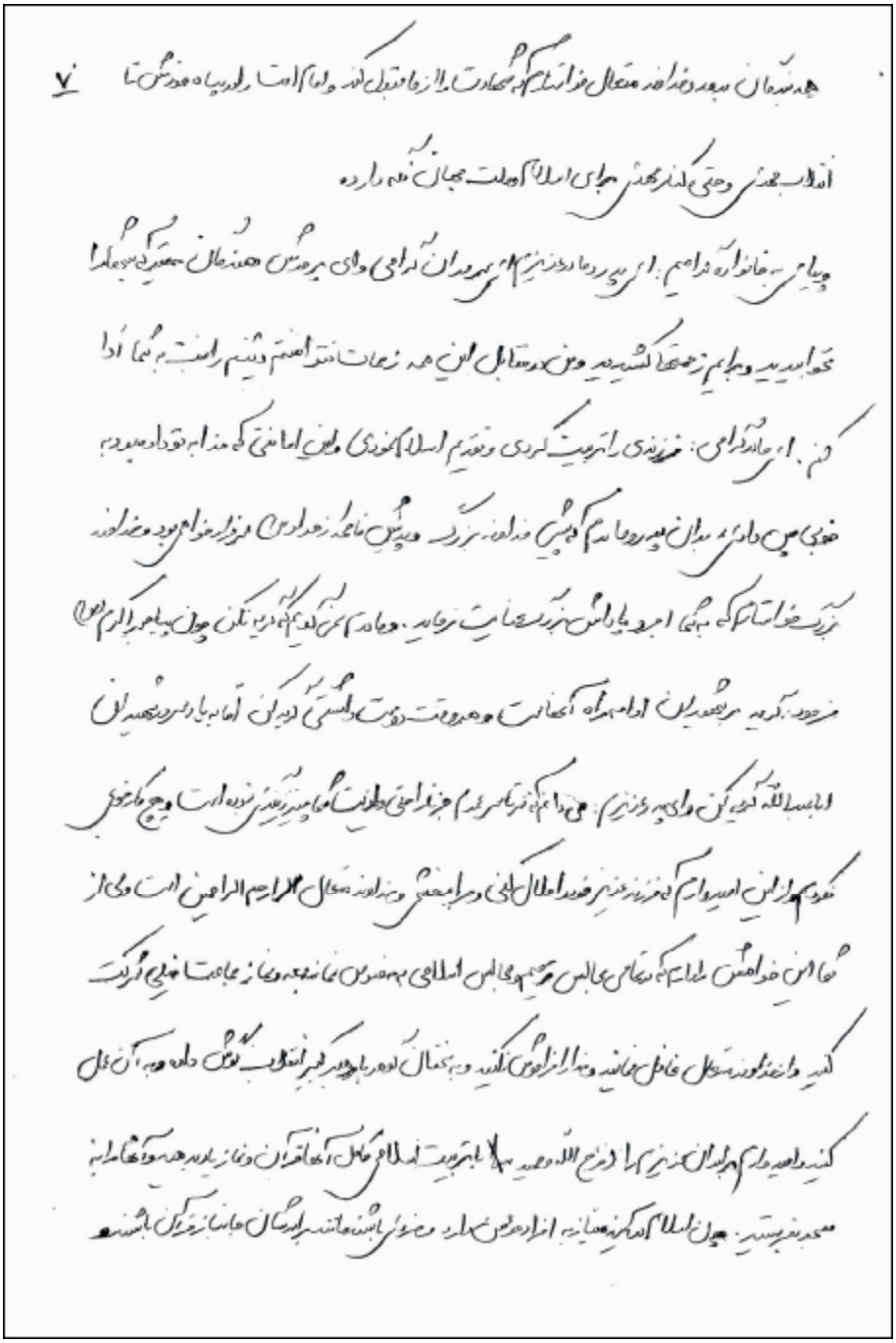
مجید رضاکاظمی

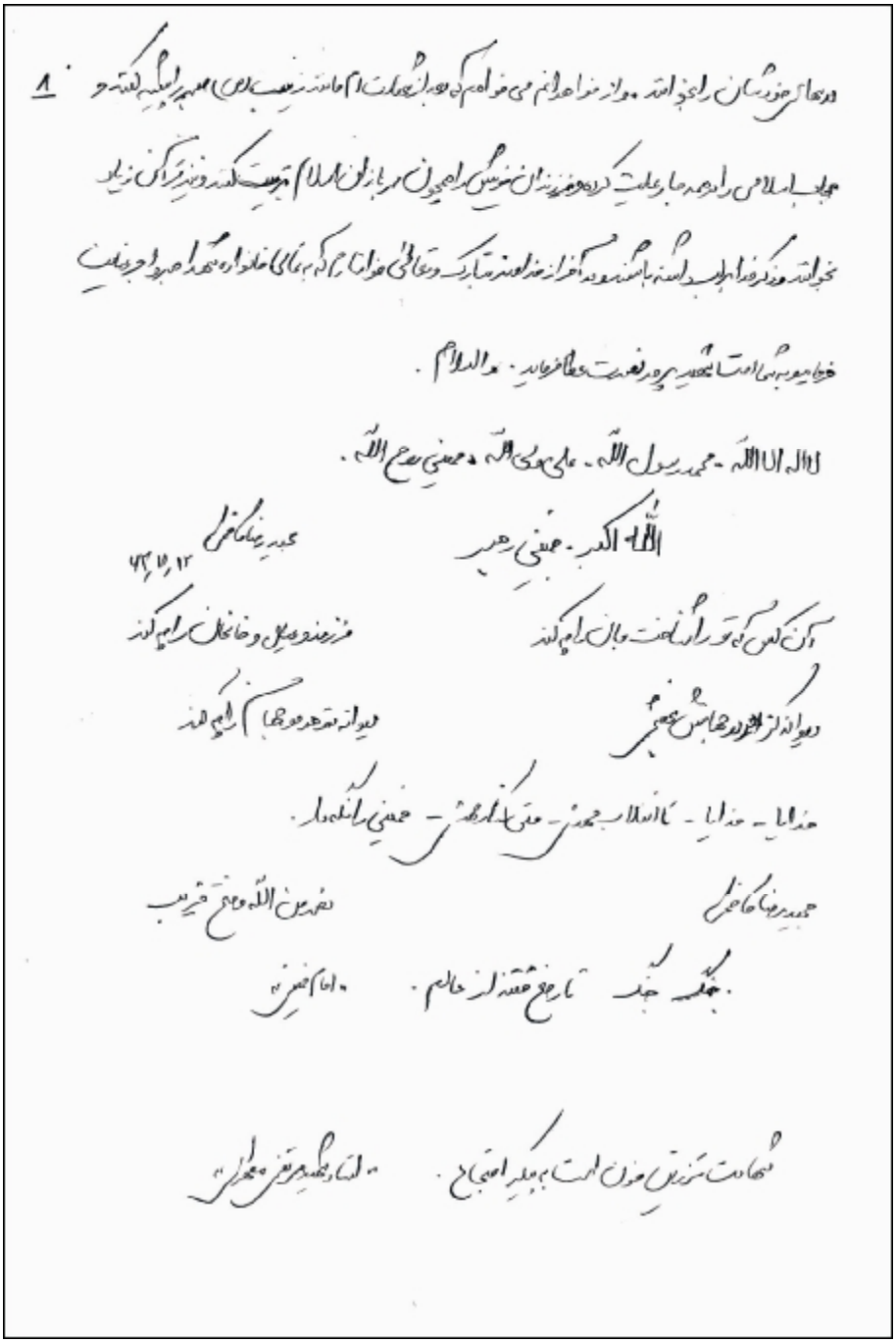
«نصر من الله و فتح القریب»[3]
«جنگ جنگ تا رفع فتنه از عالم» (امام خمینی)[4]
شهادت تزریق خون است به پیکر اجتماع «استاد شهید مرتضی مطهری»

1- در اصل وصیت «شهادت‌ام».
2- شعر از رباعیات خواجه عبدالله انصاری است.
3- صف/ 13.
4- صحیفه امام، ج 19، ص 113.











نام: **احمد**
نام خانوادگی: **رضایی**
نام پدر: **محمداسماعیل**
نام مادر: **بتول**
تاریخ تولد: **سوم دی 1333**
محل تولد: **شهرستان شاهرود**
تحصیلات: **پایان دورهٔ ابتدایی**
ارگان اعزام‌کننده: **بسیج**
تاریخ شهادت: **سی‌ام مرداد 1362**
محل شهادت: **مهران**
نحوهٔ شهادت: **اصابت ترکش**
مزار: **گلزار شهدای زادگاهش**

عبارت‌های کلیدی

- حرکت من به سوی جبهه حرکتی آگاهانه بوده است.
- جبهه جنگ را دانشگاه می‌دانم.
- جبهه دانشگاهی است که در آن درس شهامت، شجاعت، برادری، ایثار تدریس می‌شود.
- جبهه دانشگاهی است که در آن جوانمردی، خداشناسی و وفاداری تدریس می‌شود.
- دنیا کشتزار آخرت است.
- یقیناً قیامتی و معادی است همه ما باید حساب پس دهیم.
- امام خمینی را دعا کنید.
- امام‌خمینی مرگ با شرافت (شهادت) را به ما آموخت.

احمد رضایی

بسم الله الرحمن الرحیم

«**[فلیقاتل فی][1] سبیل الله الذین یشرون الحیوة الدنیا بالآخره و من یقاتل فی سبیل الله فیقتل او یغلب فسوف نؤتیه اجراً عظیما**».[2] «مؤمنان باید در راه خدا با آنان که حیات[3] مادی دنیا را بر آخرت گزیدند جهاد کنند و هرکس در جهاد براه خدا کشته شد یا فاتح گردید زود باشد که او را در بهشت ابدی اجری عظیم دهیم».

منت خدای را که به ما فرصت داد و نصرت بخشید که چند روزی از عمر خویش را در حکومت جمهوری اسلامی سپری کنیم و شکر و سپاس بر خدای یکتا که رحمتش را برای یاری مستضعفین و پیروزی نهایی[4] انقلاب بر جامعهٔ اسلامی ما مرحمت فرمود تا این انقلاب را به هدف عالیهٔ اسلامی راهنمایی[5] و رهبری کند تا زمینهٔ ظهور حضرت مهدی(عج) [را] آماده سازد و مفتخرم و شاکرم از خدای باری تعالی که در این حرکت انسانی اسلامی مهرش را بر قلبم بنشاند و این حقیر را به جبههٔ حق علیه باطل بکشاند حرکت من به سوی جبهه حرکتی آگاهانه بوده است من به گفتهٔ مولا علی(**7**) جبههٔ جنگ را دانشگاه می‌دانم. دانشگاهی که در آن درس شهامت، شجاعت، برادری، ایثار، جوانمردی[6]، خداشناسی، وفاداری، تدریس می‌شود این درسها عملی است نه شفاهی [...][7] است که من با عشق خدا آمده‌ام که مفهوم زندگی را بدانم و آن را خوب بشناسم بشناسم که کیستم و از کجا آمده‌ام و همچنین بدانم که به کجا می‌روم و منظور از زندگی در این دنیا به‌خاطر چیست.

روزها فکر من این است و همه شب سخنم که چرا غافل از احوال دل خویشتنم

1- این قسمت از آیه در اصل وصیت خوانا نیست.
2- نساء/ 74.
3- در اصل وصیت «حیوة».
4- در اصل وصیت «نهائی».
5- در اصل وصیت «راهنمایی».
6- در اصل وصیت «جوانمری».
7- خوانا نیست.

از کجا آمده‌ام و آمدنم بهر چه بود — به کجا می‌روم آخر ننمایی[1] وطنم
مرغ باغ ملکوتم نی‌ام[2] از عالم خاک — چند روزی قفسی ساخته‌ام[3] از بدنم
ای خوش آن روز که پرواز کنم تا بر دوست — به امید سر کویش پر و بالی بزنم[4]

چون «دنیا کشتزار آخرت است»[5] و سرانجام زندگی دنیا مرگ است چه بهتر که این را به خدمت اسلام و مسلمین در راه خدا بگذرانم و مرگ را با شربت و رحمت و شهادت بنوشم و در آغوش گیرم. و ای برادران نکتهٔ دیگری که باید بگویم اینکه ما که مؤمنیم و از اهل بیت رسول خداییم.[6] نگاه کنیم که در[7] شفقت بر بندگان خدای تعالی چگونه بوده‌ایم و [...][8] مردم که نعمت‌هایی که خدای تعالی به ما ارزانی نموده است قابل شمارش نیست و اگر چیزی فردی از افرادی که خداوند نیز آنها را آفریده به ما بدهند در مقابل هدیه‌های خداوندی به ما [...][9] و تازه آن چیزهایی که مردم به ما می‌دهند بدون مزد نمی‌دهند و باید هزاران بدبختی و رنج بکشی آن هم [چه] فانی است ولی آنچه خداوند به ما می‌دهد باقیست.

ولی در مقابل ببینیم که چیزی که یکی از بندگان خدا به ما می‌دهد چطور در مقابلش خضوع می‌کنیم و هر جا که به او می‌رسیم سرمان خم است و چقدر به او که رفتنی و شاید یک چیز کوچکی [...][10] احترام می‌گذاریم پس چرا خداوند کریمی که به ما این همه نعمت داده چشم، گوش، حتی کوچکترین اعضای بدن و هر چه فکرش را می‌کنیم پس چرا بعد از این همه سال لااقل ساعتی کوتاه در گوشه‌ای خلوت ننشستیم و با خدای خود به راز و

1- در اصل وصیت «ننمائی».
2- در اصل وصیت «نیم».
3- در اصل وصیت «ساخته‌اند».
4- شعر از غزلیات مولوی است با مطلع:
روزها فکر من این است و همه شب سخنم — که چراغ غافل از احوال دل خویشتنم
5- در اصل وصیت «آخرتست». ترجمه حدیث «الدنیا مزرعة الاخرة» است.
6- در اصل وصیت «خدائیم».
7- در اصل وصیت «بر».
8- خوانا نیست.
9- خوانا نیست.
10- خوانا نیست.

نیاز بپردازیم در حالی که در مقابل بندهٔ او ضجه[1] و ناله می‌کنیم و چقدر خداوند رحیم است و رحمان که این بنده‌ها[2] را دوست می دارد [که] علاوه بر اینکه ما شکر نعمت‌های او را نمی‌کنیم، بلکه کفران نعمت او را هم می‌کنیم. ولی بدانیم معادی است قیامتی وجود دارد. حساب پس باید بدهیم. همه و همه و باید بدانیم که «همهٔ ما از اوییم[3] و به‌سوی او می‌رویم» «**انا لله و انا الیه راجعون**».[4]

و شکر خدا را که توسط اماممان ما را به راه راست هدایت نمود و شما هم باید همه امام خمینی رهبر مسلمین جهان را دعا کنید زیرا ما را از بیماری جهالت بیرون آورد و زندگی با سعادت و مرگ با شرافت (شهادت) بما[5] آموخت و ما را با قرآن آشنایمان نمود.

«والسلام علی من اتبع الهدی»

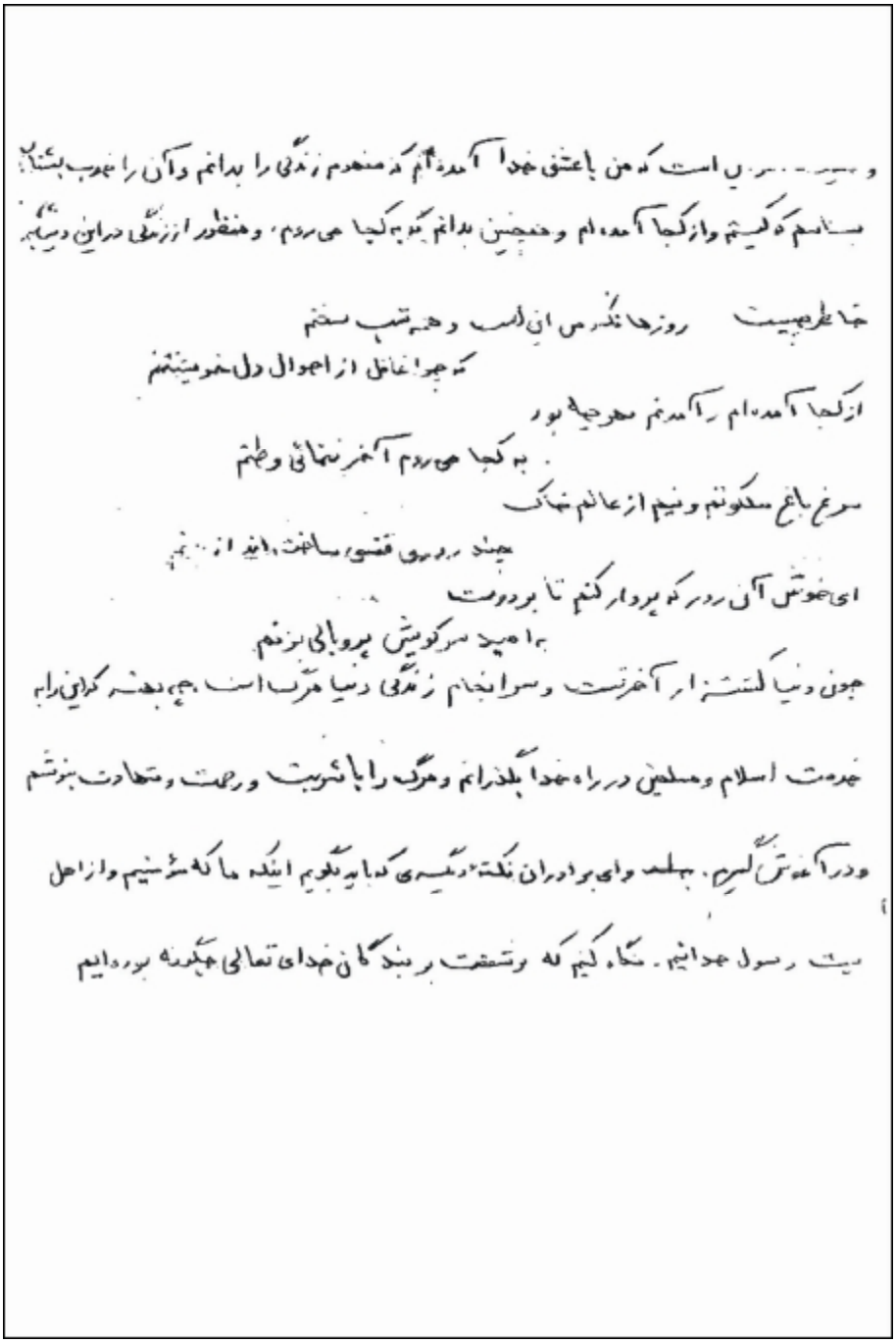
1- در اصل وصیت «زجه».
2- در اصل وصیت «بندهها».
3- در اصل وصیت «اوئیم».
4- بقره/ 156.
5- در اصل وصیت «با».



- بسم الله الرحمن الرحیم - وصیتنامه شهید احمد رضایی ①

فَلْيُقَاتِلْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يَشْرُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا بِالْآخِرَةِ وَمَنْ يُقَاتِلْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيُقْتَلْ أَوْ يَغْلِبْ فَسَوْفَ نُؤْتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا ۷۴ النساء

مؤمنان باید در راه خدا با آنان که حیوة مادی دنیا را بر آخرت گزیده ترجیحا دهند و هر کس در جهاد برای خدا کشته شد یا غالب گردید زود باشد که او را در بهشت پاداش اجری عظیم منت خدای را که به ما فرصت داد و نصرت بخشید که چند روزی از عمر خویش را در خدمت جمهوری اسلامی سپری کنیم و شکر و سپاس بر خدای یکتا که رحمتش را برای یاری مستضعفین و پیروزی نهائی انقلاب بر جامعهٔ اسلامی ما مبذول داشت و در حرکت انقلاب را به هدف عالیهٔ اسلامی اش هدایت و رهبری کند تا زمینه ظهور حضرت مهدی (عج) آماده گردد و شاکرم از خدای بارتعالی که در این حرکت انسانی اسلامی مرا نیز قلم بخشید تا این حماسه را با همهٔ حق علیه الباطل بنگارم حرکت من با سوی جبهه حرکتی آگاهانه بوده است من لفظ مولا علی (ع) همهٔ جنگ را دانشگاهی دانم. دانشگاهی که در آن درس شهامت، شجاعت، ایثار، جوانمردی، خداشناسی، و فداکاری تدریس می‌شود این درسها عملی است نه نظری زنده



[illegible] می‌دهیم که هستقا[illegible] که خدای تعالی بما ارزانی نموده است قابل شمارش نیست
و اگر چیزی از دنیا از امرای که خداوند نصیب آنها کرده بما بدهند در مقابل هدیه‌های خداوندی ما

هیچ است هیچ و ناچیز. آن چیزهایی که مردم بما می‌دهند بدون مزد نمی‌دهند و باید هزاران برابرش
و رنج بکشی آن هم چیزی نانی است ولی آن چیز خداوند بما می‌دهد بهشت

ولی در مقابل ببینیم که چیزی که دنیا از بندگان خدا بما می‌دهد چطور ریشخند خضوع می‌کنیم
و هر جا که به او می‌رسیم سرمان خم است و چقدر با او که رفیق و شاید یک چیز کوچکی

... احترام می‌گذاریم پس چرا خداوند کریم که به ما این‌ها نعمت داده چیزی که
در چشم بین اعضای بدن و هر چیز که فکرش را می‌کنیم پس چرا بعد از این‌ها سال لا اقل ساعتی را

در گوشه‌ای خلوت نشستیم و با خدای خود به راز و نیاز نپردازیم درمانی که در مقابل بنده او
رحیم رحمه و نالا می‌کنیم و چقدر خداوند رحیم است و درمان که این بنده‌ها را دوست می‌دارد

علاوه بر اینکه ما شکر نعمتهای او را نمی‌کنیم بلکه کفران نعمت هم می‌کنیم ولی به اینیم معادی است
قیامت وجود دارد حساب پس باید بدهیم همه‌ها و باید بدانیم که ما از او هستیم و به سوی او می‌رویم

انا لله و انا الیه راجعون

و شکر خدا را که توسط امامان ما را به راه راست هدایت نمود و شاهم باید هم امام خمینی رهبر

... و رهبر فرزانه‌مان را ما را از بلایای جهالت بیرون آورد و زندگی با سعادت
و همراه با شرافت (عزت) به ما عنایت و ما را با قرآن آشنا بیان نمود

والسلام علی من اتبع الهدی



نام: **حسن**
نام خانوادگی: **رضایی**
نام پدر: **قربان**
نام مادر: **مکرمه‌بیگم**
تاریخ تولد: **یکم فروردین** 1339
محل تولد: **روستای قلعه‌نو خرقان از توابع شهرستان شاهرود**
تحصیلات: **سوم متوسطه**
ارگان اعزام‌کننده: **سپاه**
تاریخ شهادت: **سی‌ام اردیبهشت** 1365
محل شهادت: **مهران**
نحوهٔ شهادت: **اصابت ترکش**
مزار: **گلزار شهدای زادگاهش**

عبارت‌های کلیدی

- ما باید فدای اسلام شویم تا اسلام بماند.
- همسرم دخترمان را زینب‌گونه تربیت کن.
- همسرم بعد از من خدا سرپرست شما و همه همسرانی است که همسرانشان را تقدیم اسلام نموده‌اند.
- آنچه به درد انسان می‌خورد تنها عمل است که به همراه خود تا قیامت خواهد آمد.
- صاحب اصلی ممکلت اسلامی ایران آقا امام زمان(عج) است.
- راهی را که انتخاب کرده‌ام راه ائمه‌اطهار است.
- ما از شهادت باکی نداریم زیرا تنها آرزوی ماست.
- ما برای اعتلای حق و کلمه لا اله الا الله قیام کرده‌ایم.
- بدانید ما جنگ را از امام حسین(**7**) آموخته‌ایم.
- حال که قرار است بمیریم پس بهتر که در راه خدا شهید شویم.

حسن رضایی

بسم الله الرحمن‌الرحیم

خدمت همسر عزیزم سلام عرض می‌کنم

[با] تقدیم عرض سلام سلامتی شما را از درگاه ایزد منان خواستارم امیدوارم که حالت خوب باشد، همسر عزیزم چند کلامی را برای شما به‌عنوان وصیت بگویم امیدوارم که بعد از مرگ من انشاء الله به آن عمل [...][1] وضعیت ما مشخص نیست و امکان دارد که در عملیات شرکت کنیم یا در خط برویم به هر جهت چون هر لحظه امکان[2] دارد بنا به مصلحت و خواست خداوند متعال دار دنیا را وداع گوییم[3] و فرصت دیگری بدست نیاید [...][4] شما و در کنار تو باشم و بتوانم مسائل و وصایای خودم را به تو بگویم.

ابتدا اگر در این مدت کوتاهی که با هم[5] بودیم اگر از دست من رنجیده خاطر شدی یا ناراحت شدی مرا حلال کن چرا که در زندگی انسان‌ها بی[...][6] و بی‌دغدغه نیست و کلاً زندگی بالا و پایین و خوشی و ناراحتی دارد و این یک امر طبیعی است و از اینکه[7] نتوانستم همسر خوبی برایت باشم مرا ببخش. همچنین حاصل این چند سال زندگی‌مان [...][8] دختری می‌باشد، را در نزد خودت نگهدار و آنها را تربیت اسلامی کن و مواظب باش خدای نکرده خطایی[9] از آنها سر نزند و آنها را چنان بزرگ کن که حجاب آنها نشانگر

1- خوانا نیست.
2- خوانا نیست.
3- در اصل وصیت «گوئیم».
4- خوانا نیست.
5- خوانا نیست.
6- خوانا نیست.
7- خوانا نیست.
8- خوانا نیست.
9- خوانا نیست.

ایمان و تقوایشان باشد آنها را[1] زینب گونه تربیت کن که بتوانند پیام‌رسان خون پدرشان باشند و به آنها بگو که پدرتان در چه راهی و به چه[2] منظور به شهادت رسیده است.

و اما تو ای همسرم بعد از شهادت من هیچ اندوهی بر خود[3] راه مده و هرگز خود را تنها احساس نکن و فقط به نهایت راه و هدف من بنگر و به اسلام و قرآن بیندیش. چرا که اسلام بالاتر از همه اینهاست و همه ما باید فدای اسلام شویم تا اسلام بماند و همچون[4] کوه استوار و محکم باش و صبر پیشه کن که خداوند نیز کمک خواهد کرد و خداوند صبر پیشگان را بسیار دوست می‌دارد.

از اینکه مرا در کنار خود نمی بینی ناراحت مباش و خود میدانی که همسران زیادی همچون تو همسرانشان را تقدیم اسلام نموده‌اند و خیال مکن که بی‌سرپرست شدی که خداوند سرپرست اصلی شما و بچه‌هاست و من فقط یک وسیله بودم، بودند جوانان عزیزی که بعد از یک هفته [از] ازدواجشان به شهادت رسیدند. بودند جوانانی که با [گذشت] کمترین مدت [از] ازدواجشان به لقاءالله پیوستند و بودند افرادی که با داشتن چندین فرزند حتی 10 فرزند داشتند ولیکن برای ادای تکلیف به جبهه رفتند و نهایتاً به شهادت رسیدند.

هر وقت از نبودن من احساس ناراحتی کردی که می‌دانم نمی‌کنی. ببین که زینب(**3**) در راه اسلام چه‌ها که ندید چه مصیبت‌ها و چه رنجهایی دید که خود شنیده یا خوانده‌ای، در صحرای کربلا سر برادرش را بر نیزه دید شوهر و دو فرزندش را در راه اسلام تقدیم نمود داغ شش برادر دید، او و اهل‌بیت برادرش را به اسارت بردند و بر بدن آنها تازیانه زدند، و آنها را در شهرها می‌گرداندند و در خرابه‌ها جای می‌دادند و... ولیکن او بر همهٔ این مصیبتها صبر کرد چرا که برای اسلام بود.

مصائبی که این زن بزرگ دید باید برای همه ما الگو باشد و اگر کمی در خود احساس ضعف کردیم به یاد مصائب زینب(**3**) باشیم همچنین پدرش علی(**7**) را آنگونه به شهادت رساندند مادرش فاطمه(**3**) را آنگونه به شهادت رساندند، و سراسر زندگی او

1- خوانا نیست.

2- خوانا نیست.

3- خوانا نیست.

4- در اصل وصیت «آنچنان».

اینگونه گذشت و با این همه در جمع مردم آن زمان آن‌چنان خطبه‌ای و سخنرانی ایراد نمود که کاخ ظلم و ستم یزیدیان را به لرزه درآورد و حکومت ننگین آنها را متزلزل نمود، آری، پس اگر بناست اسلام بماند باید این چنین بود، نکند خدای ناکرده بعد از من سرزنش افراد بی‌تفاوت و بی‌غیرت در تو اثر کند و تو نیز سست عقیده شوی.

در بیابان[ها] گر به شوق کعبه خواهی زد قدم سرزنشها گر کند خار مغیلان غم مخور[1]

خلاصه بعد از من اگر خواستی ازدواج کنی خود می‌دانی ولیکن در انتخاب همسر سعی کن همسری را انتخاب کنی که در او ملاک‌های اسلامی باشد و در خط امام و اسلام باشد و ملاک انتخاب تو در همسر تقوا باشد و بس. نکند دل به زندگی مادی دنیا بندی و زرق و برق‌های دنیا تو را فریب بدهد و ارزش‌های اسلامی را نادیده بگیری، بدان که زندگی انسان اگر محقر و کوچک باشد و یا اگر پر از مادیات دنیوی باشد، خواهد گذشت، بودند افرادی که کاخ‌ها برای خود ساختند و پول‌ها ذخیره کردند ولیکن بدرد کارشان نخورد و همه را گذاشتند و رفتند و آنچه که به درد انسان و آخرت او می‌خورد، تنها عمل اوست که به همراه خود تا قیامت خواهد آمد. در خاتمه به اطلاع شما برسانم که یک وصیت نامه‌ای نوشتم که دست برادرم محمد است و در مورد بدهکاری و روزه [و][2] نمازم نوشتم که بدان عمل خواهند [کرد][3] و محمد را وکیل نمودم که بعد از من این کارها را انجام دهد و لیکن وضعیت شما و بچه‌ها را در آن مشخص نکردم که در اینجا به شما می‌گویم بچه‌ها را نزد خودت همانطور که گفتم نگهدار و خوب از آنها مواظبت کن و آنها را تربیت اسلامی کن و هیچ احدی حق ندارد که بچه‌ها را از تو جدا کند. انشاءالله بعد از من خداوند به شما کمک خواهد کرد و من هم دعا می‌کنم برای شما، و ذکر و یاد خدا را فراموش نکن که خداوند با شماست.

همسرت حسن رضایی

65/2/28 هشتم ماه مبارک رمضان، حمیدیه

خدایا خدایا تا انقلاب مهدی خمینی را نگه‌دار

1- شعر از حافظ است.

2- دراصل وصیت «روزه نمازم».

3- در اصل وصیت «عمل خواهند».

[وصیت‌نامه‌ای دیگر]

بسم الله الرحمن الرحیم

بسم رب الشهداء و الصدیقین

متن وصیتنامه حقیر حسن رضائی

با سلام و درود فراوان به پیشگاه مقدس آقا امام زمان (ارواحنا لـه الفـداء) صـاحب اصـلی مملکت اسلامی ایران و جلودار رزمندگان اسلام و با سلام و درود بر نایب[1] بـرحقش امـام امت این خورشید فروزان و نجات دهندهٔ انسانها از لجن‌زار رذالت‌ها و پـستی‌هـا، هـدایت کننده به‌سوی نور، کسی که مکتب سرخ تـشیع را دیگـر بـار زنـده کـرد و حیـات دیگـری بخشید که انشاءالله تحویل امام زمان(عج) خواهد داد. و با درود فراوان بـه روح پـاک تمـام شهدا از صدر اسلام تا کربلاهای غرب و جنوب ایران و با دعا برای شما و سـلامتی کامـل مجروحین و جانبازان که حق بزرگی بر گردن ما دارنـد و بـا آرزوی پیـروزی نهـایی بـرای رزمندگان عزیزی که مخلصانه در راه اسلام و برای اسلام در جبهه‌هـای نـور علیـه ظلمـت مشغول نبردند.

اکنون که این وصیت نامه را می‌نویسم مصادف است با شب شهادت فاطمـه زهـرا(س) که شاید شب‌های آخر عمرم باشد زیرا چند شبی دیگر به عملیات نمانـده و بـزودی عـازم منطقهٔ عملیاتی خواهیم شد. اینک چند جمله‌ای را از بـاب تـذکر و بـه‌عنـوان وصـیت‌نامـه تقدیم شما عزیزان و امت شهیدپرور می‌نمایم هرچند زبانم از بیان آن قاصر است.

برادران و عزیزان من و همه کسانی که پیامم را می‌شنوید، بدانیـد کـه مـن آگاهانـه و از صمیم قلب برای ادای تکلیف شرعی و الهی راهی جبهه شدم. چرا که زمان حـساس اسـت و وقت آن رسیده که اسلام را از چنگال غاصبان و کافران نجات دهیم و به دشمنان خـدا و قرآن بفهمانیم که قدرت اسلام بیش از آن است که شما فکر می‌کنیـد، بدانیـد راهـی را کـه انتخاب کرده‌ام حق است و راهی است که ائمه اطهار سـلام الله علـیهم اجمعـین رفتـه‌انـد، خدایا تو شاهد باش که با عشق تو و در مسیر تو حرکت کردم و اینک فقط پیوستن بـه تـو را انتظار دارم.

1- در اصل وصیت «نائب».

هر فردی از ما که به جبهه می‌رویم دیگر امید بازگشت نداریم و چشم از همه چیز این دنیا پوشیده‌ایم و به یگانه معبود خویش می‌اندیشیم. ما می‌رویم و می‌جنگیم و اگر خواست خدا باشد، سالم برمی‌گردیم و اگر خداوند نسبت به ما لطف و عنایت بیشتر کند ما را در راه مقدس به شهادت خواهد رساند. ما از شهادت باکی نداریم زیرا تنها آرزوی ماست ما برای اعتلای حق و کلمهٔ لا اله الا الله قیام کرده‌ایم و از هیچ کس و هیچ چیز باکی نداریم.

و حال به شما منافقین[1] و ضدانقلاب بگویم که دیگر دستتان به جایی بند نیست. بیایید[2] و دست از این شیطنت‌ها بردارید. چرا که نفس‌های آخرتان را می‌کشید و شما ای کسانی که ظاهر خود را به اسلام آراسته‌اید و بی‌تفاوت در کنج ویرانه‌ها خزیده‌اید و اصلاً به قول خودتان کاری به این کارها ندارید و دائم نق می‌زنید و از کمبودها صحبت می‌کنید و گاهی نیز نغمه‌های شوم صلح را سر می‌دهید. تا کی باید همچون لاک‌پشت در لاک خود باشید، تا کی خون شهدا و بهترین عزیزان این امت را به بازی و باد مسخره می‌گیرید و برای پر کردن شکم خود این همه حق را ناحق می‌کنید.

بدانید که ما جنگ را از حسین(**7**) آموخته‌ایم و صلح را از امام حسن مجتبی(**7**) بدانید در هر کجا و هر مکانی که باشید طبق فرمودهٔ مولای متقیان علی(**7**) مرگ به سراغ شما خواهد آمد. پس چرا عبرت نمی‌گیرید و به خود نمی‌آیید[3] بیایید[4] به خاطر خدا و به احترام این همه شهید و معلول و مجروح دست از نق زدن‌ها و کارشکنی‌ها بردارید و خود را با این انقلاب [وفق][5] دهید که خدای ناکرده خشم این ملت گریبانگیر شما نشود.

و شما ای پدران و مادرانی که از فرستادن فرزندانتان به جبهه جلوگیری می‌کنید و آنها را نزد خود نگه داشته‌اید از گذشتگان و مردگان خودتان عبرت بگیرید که آنها چطور از شما جدا شدند و عمری کوتاه را با شما گذراندند و رفتند شما هم خواهید مرد و از فرزندانتان جدا خواهید شد حال که قرار است بمیریم، پس چه بهتر که در راه خدا شهید شویم و شما در روز قیامت نیز روسفید خواهید شد از کجا معلوم است که فردا فرزند تو

1- ر.ک. تعلیقات.
2- در اصل وصیت «بیائید».
3- در اصل وصیت «نمی‌آئید».
4- در اصل وصیت «بیائید».
5- در اصل وصیت «و».

در تصادف و یا مرگ دیگر غیر از شهادت از دنیا نرود پس بیا آبرومندانه شمشیر قاسم[1] ابن الحسن و علی اکبر[2] امام حسین(7) را بر کمر فرزندت ببند و او را به جبهه بفرست.

مگر شما نبودید که یک عمر بر سر و سینه می‌زدید و فریاد می‌کردید که «حسین جان ای کاش من هم کربلا می‌شدم و تو را یاری می‌کردم»[3] مگر شما نبودید که لعن و نفرین بر قاتلان ابا عبدالله(7) می‌فرستادید مگر شما نبودید که بر اهل کوفه ناسزا می‌گفتید که چرا حسین(7) را تنها گذاشتند پس کجا رفت چرا امروز که فریاد «هل من ناصر ینصرنی»[4] حسین(7) از حلقوم فرزند فاطمه امام امت بلند است سکوت مرگبار نموده و نشسته‌اید بدانید[5] که آیندگان نیز بر شما لعن و نفرین خواهند فرستاد.

و شما ای کسانی که در جمهوری اسلامی کارشکنی و کم کاری می‌کنید و چوب لای چرخ انقلاب می‌گذارید می‌خواهید از این طریق مردم را به انقلاب بدبین کنید، بیایید[6] دست از این شیطنت‌ها بردارید و بخاطر خدا به این ملت مستضعف ظلم نکنید. بدانید شما که در پشت این میزها نشسته‌اید وارث خون هزاران شهید بخون خفته هستید و کاری نکنید که خشم ملت نیز شما را هم بگیرد و گفتنی‌ها زیاد است.

ولیکن قلم را یارای[7] نوشتن نیست در آخر چند پیام به خانواده‌ام دارم، پدر عزیز و مادر گرامی‌ام[8] امیدوارم که مرا حلال کنید اگر بی‌احترامی و نافرمانی کردم مرا ببخشید و عفو نمایید[9] از زحماتی که شبانه‌روز برای من کشیدید سپاسگزارم و تشکر فراوان می‌نمایم، و تو ای همسرم اگر از من ناراحتی دیدی بر من ببخش و از من درگذر، دخترم فاطمه را بزرگ کنید و او را تربیت اسلامی نمایید[10] تا بتواند در آینده پیام‌رسان پدر شهیدش باشد و

1- در اصل وصیت «قاسم بن».
2- ر.ک. تعلیقات.
3- «یا لیتنی کنت معهم فافوز فوزاً عظیما» بخشی از آیه 73 سورهٔ نسا.
4- ر.ک. تعلیقات.
5- در اصل وصیت «بدان».
6- در اصل وصیت «بیاید».
7- در اصل وصیت «یاری».
8- در اصل وصیت «گرامیم».
9- در اصل وصیت «نمائید».
10- در اصل وصیت «نمائید».

همچنین اگر فرزند دیگری داشتم اگر پسر بود نامش را حسین و اگر دختر بود [...][1] و او را نیز تربیت اسلامی نمایید[2].

و اما شما برادران عزیزم نیز بر من حق بزرگی دارید از اینکه نتوانستم شما را ببینم و عذرخواهی کنم مرا ببخشید، از خطایم بگذرید و اسلحهٔ مرا نگذارید بر زمین بیفتد اسلحه مرا بگیرید و راهم را ادامه دهید و دل قوی دارید و به یاد خدا باشید و دل بر این دنیای پست مبندید.

و شما خواهرانم نیز بر من حق بزرگی دارید شما هم مرا عفو کنید و از من راضی باشید حال از شما همگی اعضای خانواده‌ام خواهشی دارم و آن اینست که در شهادت من مبادا گریهٔ بلند کنید و از خود بی‌تابی نشان دهید که منافقان خوشحال خواهند شد بخدا قسم بدانید که عزیزتان به سعادت ابدی رسیده است انشاءالله و سعادت گریه ندارد، خوشحال باشید و افتخار کنید که توانستید حداقل امانتی را که خدا به شما سپرده بود درست تحویل خودش دهید احسنت بر شما که امانت‌دار خوبی بودید، خداوند از شما قبول نماید.

در آخر کلام پیامی برای همکاران و برادران عزیز پاسدارم دارم که ای عزیزان بدانید که شما سربازان امام زمان هستید و امام زمان و امام امت به وجود شما افتخار می‌کنند شما نور چشمان امام و امت هستید مبادا خدای نکرده سپاه را رها کنید و به جای دیگر روید که شما امید امام هستید نکند با این کارتان قلب آقا امام زمان(عج) و روح شهدا را بیازارید. خدایا خدایا...

63/12/4

حسن رضایی

1- خوانا نیست.

2- در اصل وصیت «نمائید».

[وصیت‌نامه‌ای دیگر]

بسم الله الرحمن الرحیم

ابتدا قرار دادم وکیل قانونی خود برادرم محمد را که بعد از شهادت من هر طور که صلاح بداند بر طبق موازین شرعی الهی که با نظارت پدر و مادر و برادرم علی، در امور زندگی من تصمیم‌گیری نمایند.

- مبلغ 75000 ریال بابت سهمین مبارک بدهکارم که مبلغ 37500 ریال بابت خمس و مبلغ 37500 ریال بابت سهم امام که از این مقدار 25000 ریال آن را طبق اجازه حضرت امام که اجازه فرموده است بابت ساختمان بسیج قلعه‌نو بدهید و مبلغ 12500 ریال آنرا به حاج آقا طاهری امام جمعه شاهرود بدهید.

- مبلغ 110000 ریال معادل یازده هزار تومان در صندوق قرض‌الحسنه سپاه دارم.

- مبلغ حدود 46000 ریال معادل چهار هزار و ششصد تومان در صندوق قرض‌الحسنه چهارده معصوم(**7**) دارم که در حدود 35000 ریال شاید بابت وامی که دریافت کردم بدهکارم.

- زمین شهرک انقلاب شاهرود را برای فرزندانم نگه دارید که وقتی به سن بلوغ رسیدند به آنها واگذار گردد.

اگر همسرم خواست بعد از شهادت من ازدواج کند هرطور که شرع مقدس تکلیف کرده است عمل نمایید.[1]

مدت 3 الی 4 سال نماز و مدت 60 الی 90 روز هم روزه بدهکارم که مدت‌هایش را تقریبی نوشتم و دقیقاً نمی‌دانم که انشاءالله[2] اگر خود می‌توانید بگیرید و اگر نه اجیر بگیرید.

- مبلغ 20000 ریال معادل دو هزار تومان بابت رد مظالم بدهید.

تا حدی که در ذهنم هست به کسی بدهکار نیستم ولیکن اگر کسی ادعایی کرد با تحقیق به وی پرداخت گردد.

1- در اصل وصیت «نمائید».

2- در اصل وصیت «انشاء».

در مراسم ختم من اسراف و تبذیر نکنید ولیکن اگر کسی ادعایی کرد با تحقیق به وی پرداخت نمایید.[1]

تا حدی که برایتان امکان دارد درخواست‌های بیجا و بی‌مورد از بنیاد شهید و دولت ننمایید.[2]

- مبلغ 320 ریال به شهید حسین منتظری بدهکارم. خدایا خدایا تا انقلاب مهدی خمینی را نگه‌دار.

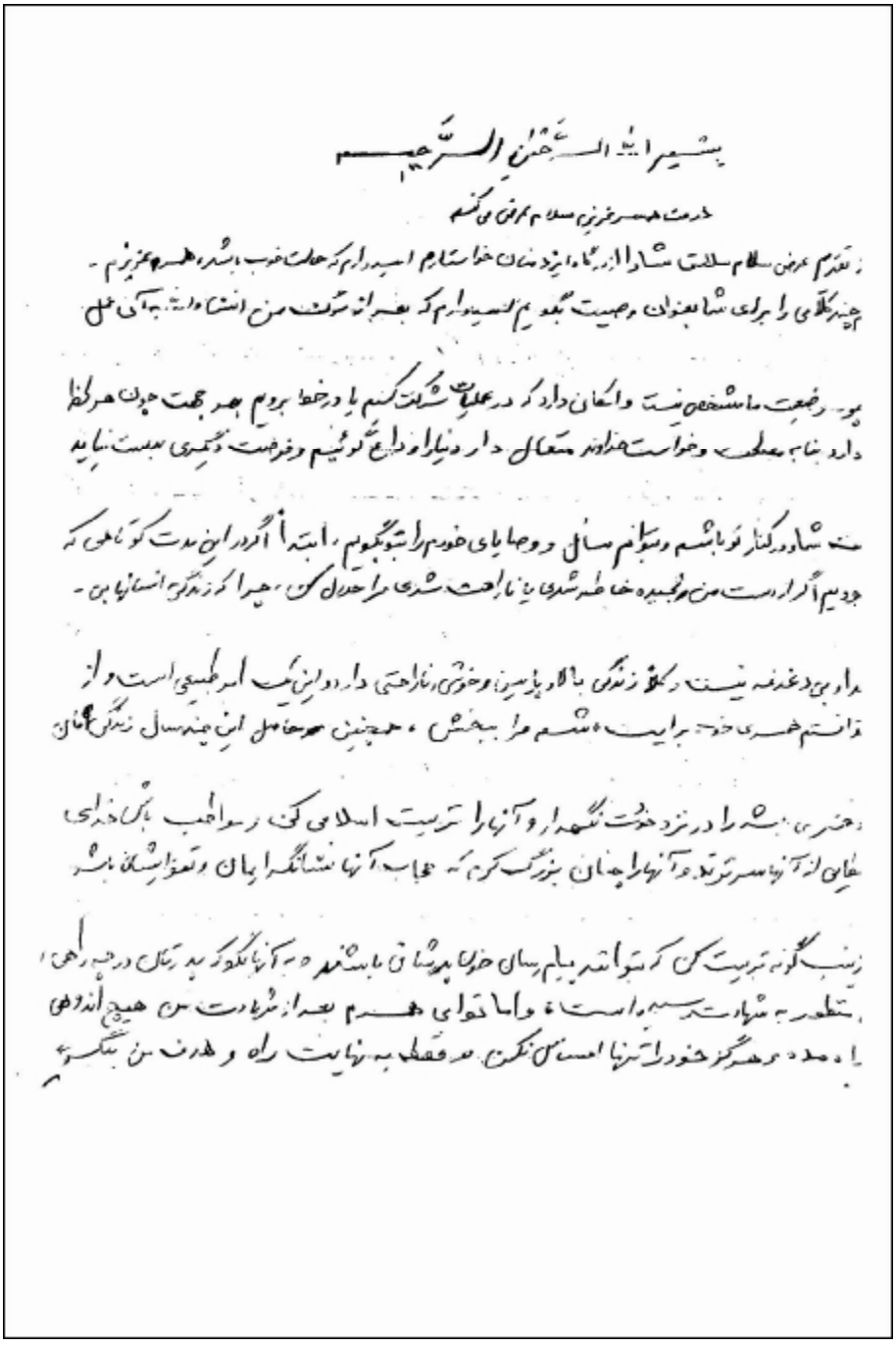
64/12/13

حسن رضایی

«اللهم ارزقنا توفیق الشهادة فی سبیلک»

1- در اصل وصیت «نمائید».

2- در اصل وصیت «ننمائید».



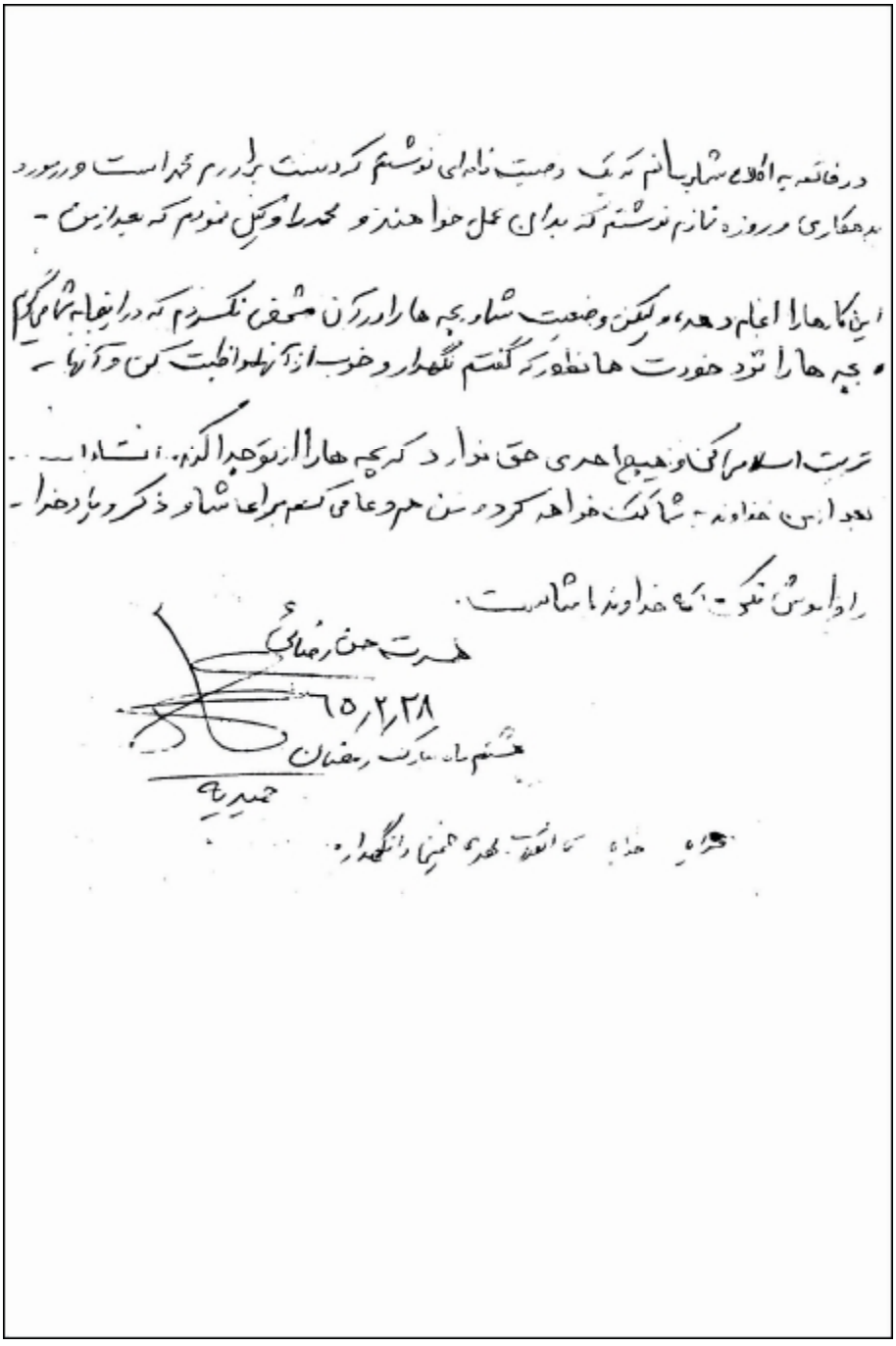


ضعف کردم یاد مصائب زینب (س) با شیم گریه بر شهادت علی (ع) را آنگونه به شهادت رساند
مادرش فاطمه (س) را آنگونه به شهادت رساند و سراسر زندگی او اینگونه گذشت.

و با این همه در جمع مردم آن زمان آنچنان خطابه ای و سخنرانی ایراد نمود که کاخ ظلم و ستم
یزیدیان را به لرزه در آورد و حکومت ننگین آنها را متزلزل نمود. آری چنین بانوانی اگر در
اسلام ما نبودند چه بود، نگفته خدای ناکرده چه بلایی بر سر زنان افراد بی غیرت و بی
غیرت روا نمی شد و تو نیز سست عقیده نمی شدی.

در بیابانها گر به مشوق کعبه خواهی زد قدم سر زنش ها گر کند خار مغیلان غم مخور

خلاصه بعد از سن اگر خواستی ازدواج کنی خود میدان ولی در انتخاب همسر سعی کن همسری را انتخاب
کنی که در او ملاکهای اسلامی باشد و در خانه امام و اسلام باشد و ملاک انتخاب تو در همسر
تقوا باشد و بس نگذار دل به زندگی مادی دنیا بندد و زرق و برقهای دنیا تو را فریب ندهد
و ارزشهای اسلامی را نادیده نگیری و بدان که زندگی انسان اگر محقر و کوچک باشد و
با اگر بر اساس دنیوی باشد خواهد گذشت بدون اینکه از آن لذت ببری زیرا آنچه که برای خود ساخته
و بوجود آورده ای ولی نمی بری و کامش نخورده و همه را گذاشته و رفته و آنچه که ببرد
نانش را آفت او می خورد تنها عمل اوست که همراه خود او تا قیامت خواهد ماند



بسم رب الشهداء والصدیقین

متن وصیتنامه حقیر حسن رضائی

با سلام و درود فراوان به پیشگاه مقدس آقا امام زمان (ارواحنا له الفداء) صاحب اصلی مملکت اسلامی ایران و جلودار رزمندگان اسلام و با سلام و درود و نایب برحقش امام

امت ایران خورشید فروزان و نجات دهندهٔ انسانها از بحران زار رذالت های پستی ها، هدایت کننده بسوی نور و کمی که کتب سرخ تشیع را دگیر بارزنده کرد و وصیات دگیری بخشید، کانشاء الله.

تحویل امام زمان خواهد داد و با درود فراوان به روح پاک تمام شهدا از صدر اسلام تا کربلای عرب و جنوب ایران و با دعا برای شفا و سلامتی کامل جانبازان و جانبازان که حق بزرگی بگردن ما دارند و با آرزوی پیروزی نهایی برای رزمندگان عزیز که خلصانه در راه اسلام و برای اسلام در جبهه های نور علیه ظلمت شغل نبردند، اکنون که این وصیتنامه را می نویسم مصادف است با شب

شهادت فاطمه زهرا (س) که شاید شبهای آخر عمرم باشد هر چند شبی دیگر با تمنیات نمانده و بنده ی عازم منطقه عملیاتی خواهیم شد، اینک چند جمله ای را از لحاظ تذکر و قبول وصیتنامه تقدیم

شما عزیزان راست شهید پرور هر چند زبانم از بیان کن قاصر است. برادران و عزیزان من و همه کسانی که پیامم را می شنوید بدانید که من آگاهانه و از صمیم قلب برای ادای تکلیف شرعی و الهی راهی جبهه شدم چرا که زمان حسین است و وقت آن رسیده که اسلام را از

(۲)

جنگهای ناصبای وکافرین نجات دهیم و به‌رشنای خدا و قرآن بفهمانیم که قدرت اسلام بیش از آن است
که شما فکر می‌کنید، بدانید راهی را که انتخاب کرده‌ام حق است و راهی است که ائمه اطهار -

سلام... علیکم ! همچنین رضایت خدای تو شاهد باش که با عشق تو و در مسیر تو حرکت کردم و اینک قلم
پیوستن به تو را انتظار دارم، هر خودی از ما که به چیزهای دیگر امید بازگشت نداریم و

از همه چیز این را بدانید و به آنها که به معبود خویش می‌اندیشیم ما می‌رویم و می‌جنگیم و اگر خواست
خدا با شد سالم برمی‌گردیم و اگر خدا از ما نیست به سالطف و عنایت بیشتر کند ما را در راه مقدس او

به شهادت خواهد رساند از شهادت باکی نداریم زیرا آنچه را که برای آن است. ما برای اعتلای حق
و کلمه لا اله الا الله قیام کرده‌ایم و از هیچکس و هیچ چیز باکی نداریم. رساله به شما منافقین و

انقلاب نگویم که دیگر دستتان به جایی بند نیست بیائید و دست از این شیطنتها بردارید همراه
نسلهای آخرتان را من کشید و شما ای کسانی که ظاهر خود را به اسلام آراسته اید و در تجارت

در کنج ویرانه‌ها فریبید و اعمالتان را به طول عمرتان کاری باقی نگذارید و دائم نقش می‌زنید و
کمبودها مسجد کنید و گاهی نیز نغمه‌های شوم صلح را سر می‌دهید، تا کی باید مجهول ماند

در لاک خود باشید تا کی خون شهداء و بهترین عزیزان این است را به بازی و باد مسخره می‌گیرد
و برای سرکردن شکم خود این همه حق را ناحق می‌کنید بدانید که ما هیچ را از چیزی که خدا

(۴)

و علم را از امام حسن مجتبی (ع)، به امید در هر گاه هر کجا که باشید جشن خورده، مولای متقیان علی (ع)
سرگ بسر اید شما هم آسید سن چرا عبرت نمی گیرید و به خود نمی آئید بخاطر خدا و به۹۰

اهتزام این همه شهید و عدول مجروح دست از تفنگ زدن هم و کار شکنی ها بردارید و خود را با این الفاظ
و ... دهید که خدایی ناکرده خشم این ملت گریبانگیر شما نشود و شما ای پدران و مادران که فرزندتان

خونهای انشان به پیمانه جلوگیری می کنید و آنها را سرد خود نگذاشته اید از گذشتگان و مردگان خود تان عبرت بگیرید که
آنها چطور از شما جدا شدند و حسرتی که تا دم آخر با شما گذراندند و در فرزندان شما هم خواهید دید و از فرزندانشان

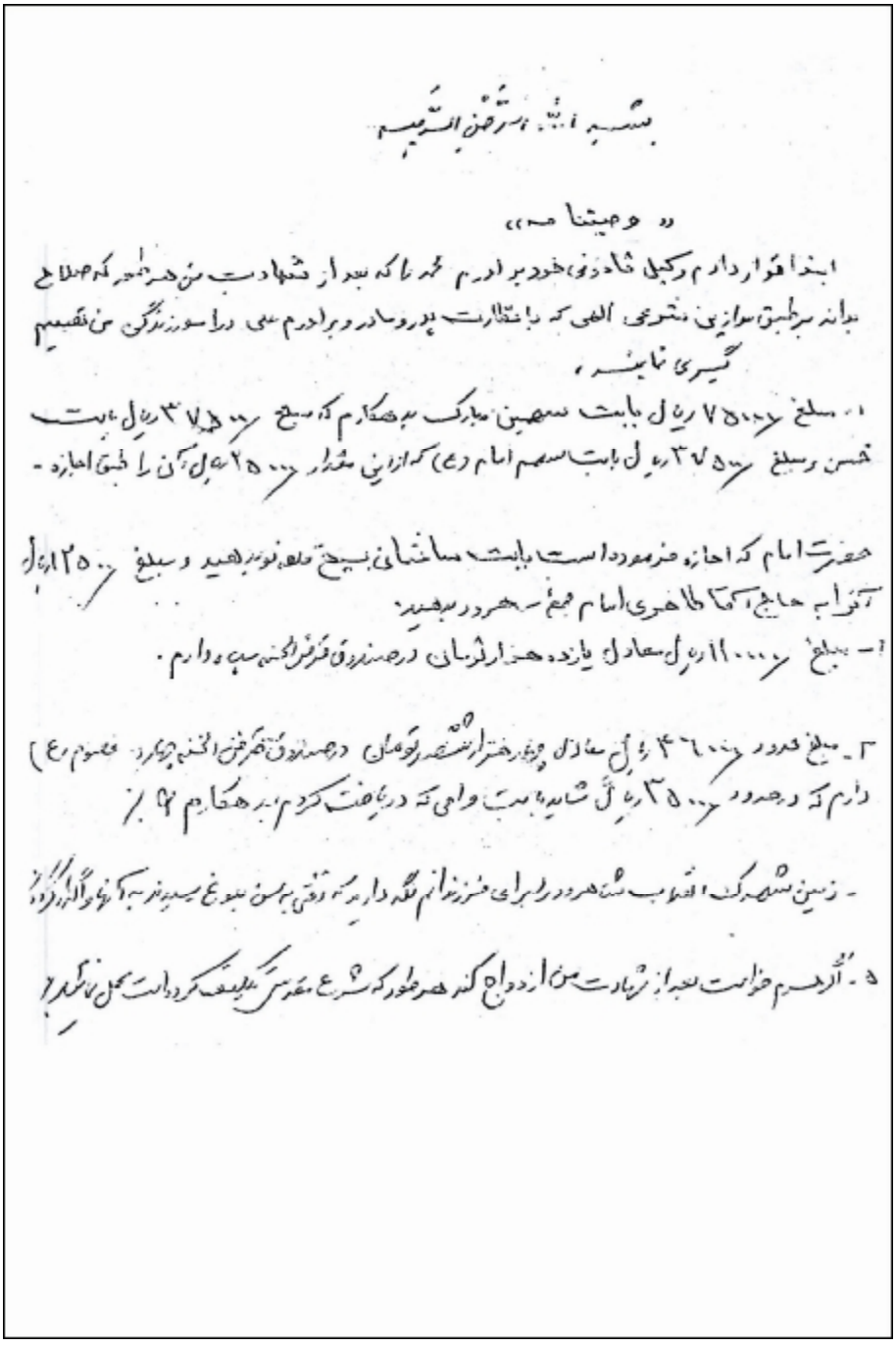
جدا خواهید شد حال که قرار است بمیریم بهتر که در راه خدا شهید شویم و شما در روز قیامت
نیز سرفراز خواهید شد از آنجا معلوم است که خدا فرزند تو تو در قصاص و یا سرگ دیگر غیر از شهادت

از دنیا برود پس بیا آبرومندانه شهید قاسم بن الحسن و علی اکبر امام حسین (ع) را برگزیده
بینند و او را به همه عبرت، مگر شما نبودید که یک عمر بر سر و سینه می زدید و حضرت زینب

که حسین جان ای کاش من هم کربلا بودم و تو را یاری می کردم مگر شما نبودید که لعن و نفرین بر قاتلان اباعبدالله
مرتب ادا نمی کردید که بر اهل کوفه ناسزا می گفتید که چرا حسین (ع) را تنها گذاشتند پس کجایند

چرا امروز که هزار حسن ناصر نیصر حسین (ع)، از همه قوم خود خواهان امام امت بلندات سکوت
سرگبار شده و نشسته اید. برای که آینده گان نیز بر شما لعن و نفرین خواهند فرستاد و شاید ای کاش نبود





بسمه تعالی شانه و عرفان الله تعالی

«وصیتنامه»

ابتدا قرار دادم وکیل شاه دنی خود برادرم محمد تا که بعد از شهادت من هر چه که صلاح بداند برطبق موازین شرعی الهی که با نظارت پدر و مادر و برادرم سعی در اسوه زندگی من تقسیم گیری نمایند،

۱- مبلغ ۷۵۰۰ ریال بابت سهمین مبارک به همکارم که مبلغ ۳۷۵۰ ریال بابت خمس و مبلغ ۳۷۵۰ ریال بابت سهم امام (ع) که از این مقدار ۲۵۰۰ ریال آن را طبق اجازه -

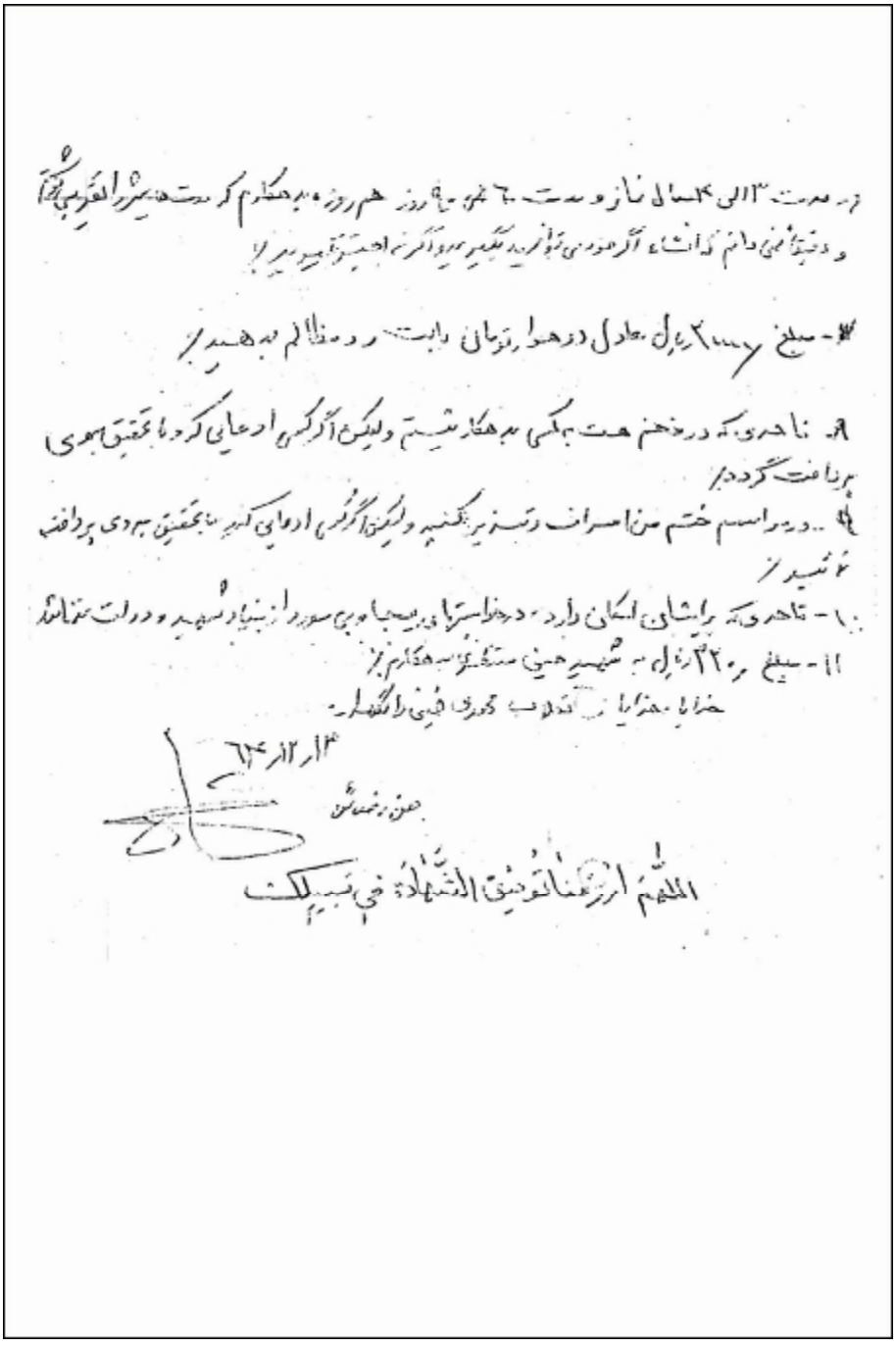
حضرت امام که اجازه فرموده اند بابت مساعدتی بیچ ملفونی بدهید و مبلغ ۱۲۵۰ ریال آقای حاج آقا طاهری امام جمعه محترم بدهید.

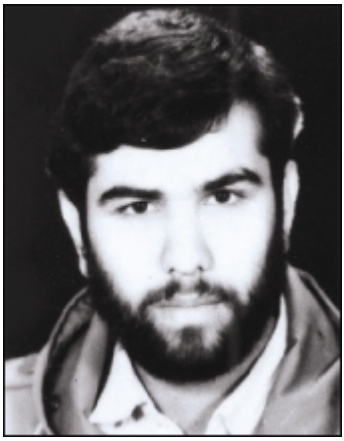
۲- مبلغ ۱۱۰۰۰ ریال معادل یازده هزار تومان در صندوق قرض الحسنه بدهکارم.

۳- مبلغ قرضی ۴۶۰۰ ریال معادل چهار هزار و ششصد تومان در صندوق قرض الحسنه [illegible] (معصوم ع) دارم که از قرضی ۳۵۰۰ ریال آن شاید بابت وامی که دریافت کردم بدهکارم ؟ ؟

۴- زمین مشترک انقلاب شهرک در [illegible] برای فرزندانم نگه دارید که وقتی به سن بلوغ رسیدند به آنها واگذار کنید

۵- اگر هم خواست بعد از شهادت من ازدواج کند هر طور که شرع مقدس تکلیف کرده است عمل نماید





نام: **عباس**
نام خانوادگی: **رضایی**
نام پدر: **علی**
نام مادر: **صغرا**
تاریخ تولد: **دوم مرداد** 1338
محل تولد: **شهرستان شاهرود**
تحصیلات: **پایان دورهٔ متوسطه**
ارگان اعزام‌کننده: **بسیج**
تاریخ شهادت: **بیست‌ویکم بهمن** 1364
محل شهادت: **فاو**
نحوهٔ شهادت: -
مزار: **گلزار شهدای زادگاهش**

عبارت‌های کلیدی

- مرگ در راه خدا کمال و سعادت انسان است.
- شهادت کمال و آرزوی من است.
- حضرت زینب استوار ایستاد و پیام خون عزیزترین کسانش را فریاد کرد.
- تنها اهل بیت پیامبر شفیع شیعیانند.
- دخترم را همچنان زینب کبری(**3**) بار بیاور.
- پسرم را به راه حسین(**7**) و خمینی بت‌شکن رهنمون باش.
- همسرم تو را وصیت می‌کنم به تقوی و عفت که گرانبهاترین زینت زن می‌باشد.
- همسرم پسرم را طوری تربیت کن که اسلحه شهدا را بدوش گیرد.

عباس رضائی

بسم الله الرحمن الرحیم

«انا لله و انا الیه راجعون»[1]

سلام به پیشگاه حضرت ولی‌عصر(عج) و نایب برحقش امام خمینی روحی له الفدا و با درود به روان پاک شهدای [پاک] انقلاب اسلامی با آرزوی پیروزی تمام رزمندگان اسلام.

اینجانب عباس رضایی فرزند علی شمارهٔ شناسنامه 10 متولد عباس‌آباد شاهرود [در] سلامت کامل [و] با توجه به اینکه بر هر مسلمان واجب است که وصیت خود را تهیه نماید، وصیت‌نامهٔ خود را بشرح زیر تهیه می‌نمایم.

[اول] از پدر و مادرم که زحمتم را کشیده‌اند حلالیت می‌طلبم و از آنها می‌خواهم [اگر] من به شهادت رسیدم مبادا کوچکترین بدبینی نسبت به امام و انقلاب [پیدا کنند] که هرگز پیش خدا و شهدا بخشیده نخواهند شد و ناراحت نباشند زیرا که مرگ حق است و مرگ در راه خدا کمال و سعادت انسان است.

دوم اینکه از همسرم میخواهم که هر دینی که نسبت به هرکس دارم از نظر مادی بپردازد که حق‌الناس برگردنم نباشد و بعد اینکه رهرو راه زینب سلام‌الله علیها باشد و صبر را پیشه کند و فرزندانم را مسلمان و پیرو امام تربیت نماید پسرم را طوری تربیت کند که اسلحهٔ افتاده از دست شهدا را بر دوش گیرد و با ستمگران و مخالفان اسلام بجنگد و دخترم را چنان تربیت نماید که نمونهٔ زن مسلمان و زینب زمانه باشد. و خود نیز ازدواج نماید زیرا که در غیر این صورت در معرض فساد و گناه قرار خواهد گرفت. لازم است که بگویم [هیچکس از] افرادی که مخالف انقلابند[2] همه بدانند که شهادت کمال آرزوی من است و بر شهادت بگریند [...][3].

در آخر لازم است که دیونی که بر گردن من می‌باشد تکلیفش روشن شود که حقی از کسی بر دوش من نباشد. ابتدا در مورد حقوق معنوی از همهٔ کسانی که بر من حقی دارند حلالیت می‌طلبم و در مورد دیون مادی، همسرم از همهٔ بدهی‌ها و طلبکاری‌های من آگاه

1- بقره/ 156.

2- در اصل وصیت «انقلاب».

3- خوانا نیست.

می‌باشد که از او می‌خواهم به کمک پدرم از اموالی که برایم می‌ماند و حقوقی که دارم دیون مرا به صاحب حق برگردانند و بخصوص در مورد دین بزرگی که بر دوشم می‌باشد و همسرم به‌خوبی اطلاع دارد پرداخت شود. یک ماه حقوقم را برای خواندن نماز و گرفتن روزه برایم بدهید.

وارث من در وهلهٔ اول همسرم و سپس فرزندانم می‌باشند کتاب‌هایم را نیز به کتابخانهٔ مسجدی هدیه نمایید[1] مگر کتابی که به درد فرزندان و همسرم بخورد که استفاده نمایند. در آخر بار دیگر از همهٔ بستگان و دوستان بخصوص پدر و همسر و برادر و خواهرانم حلالیت می‌طلبم و از همه می‌خواهم که برایم طلب آمرزش نمایند و از همهٔ مؤمنین التماس دعا دارم. «**انالله و انا الیه راجعون**»[2].

«السلام علیکم و رحمة الله و برکاته»

پانزدهم آذر ماه هزار و سیصد و شصت و چهار هجری

مصادف با بیست و سوم ربیع‌الاول هزار و چهارصد و شش هجری قمری

عباس رضایی

[وصیت‌نامه‌ای دیگر]

بسمه تعالی

«لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم»[3]**. اللهم وفقنا لما تحب و ترضی و احینی یا رب سعیداً و توفنی شهیداً.**[4]

سلام و درود بر محمد و آل محمد(**6**) و درود و سلام به پیشگاه مبارک امام زمان روحی له الفدا و سلام بر نایب[5] برحقش امام بت شکن. و سلام و صلوات و رحمت خدا بر شهدای به‌خون خفتهٔ انقلاب اسلامی سلام به تو همسر عزیزم، به تو که در سختی‌های زندگی لب از لب برنداشتی و همیشه یاور من بودی و به من امید می‌بخشیدی. امیدوارم که

1- در اصل وصیت «نمائید».

2- بقره/ 156.

3- نقل است که این دعا را در لیلة المبیت حضرت علی(**7**) زمزمه می‌فرمودند. (مفاتیح ذیل تعقیب نماز صبح).

4- زیارت جامعه. (مفاتیح)

5- در اصل وصیت «نائب».

خداوند تو را حفظ نماید و تاییـد[1] فرمایـد. اگـر از حـال مـن بخـواهی الحمـدلله خـوبم و دعاگوی وجود شریف امام و رزمندگان اسلام و تو که همیشه در قلبم جای داری هستم.

فاطمه جان امیدوارم و از تو می‌خواهم که همانطور که اسمت هم نام بـزرگ بـانوی دو جهان یعنی فاطمه زهرا سلام الله علیها است، در سختی‌ها و مصائب پیـرو او باشـی و از او کمک بطلبی، که تنها اهل بیت پیامبر هستند که شفیع شیعیانـشان و دلـسوز آنهـا هـستند و دخترم را همچنان زینب کبری(3) بار بیاوری و پسرم را به راه حـسین(7) و خمینـی بت‌شکن رهنمون گردی.

همسر عزیزم شاید این نامه که می‌نویسم آخرین نامه‌ای باشد که می‌نویسم و همه چیـز دست خداست. می‌خواهم بدانی که آرزوی من شهادت در راه خداست و هـر وقـت خـدا مصلحت بداند و لیاقتش را پیدا نمایم نصیبم خواهد شد. از تو می‌خواهم که در صورت هر اتفاقی بسیار صبور باشی و همیشه مصیبت حضرت زینـب(3) را در نظـر بیـاور کـه در مقابل چشمانش عزیزترین کسانش را به شهادت رساندند و آنگـاه او ماننـد کـوهی اسـتوار ایستاد و پیام خون آنها را در همهٔ مکانها و زمانها فریاد کرد.

عزیز من دلم می‌خواهد تو هم پیرو آن بانوی بزرگوار باشی و با صبر و پایـداری خـود پاسدار خون شهیدان باشی. مبادا[2] خدای ناکرده یک نـاگواری باعـث شـود ذره‌ای در دلـت شک و تردیدی بوجود آید زیرا همهٔ بلایا و مصائب امتحان است و خوشا به حال کسی که در این امتحان الهی استقامت نماید و سرفراز برون آید.

بار دیگر تو را وصیت می‌کنم به تقوی و عفت و پاکـدامنی کـه گرانبهـاترین زینـت زن می‌باشد. و از تو می‌خواهم که بعد از من خودت را در نـاراحتی نینـدازی و هـر جـور کـه صلاح میدانی زندگی کن اما وصایای این حقیر را در گـوش دار. در مـورد وصـیت نامـه‌ام بسیار دقیق باش که عمل بشود و بدهی‌هایی[3] که دارم از جمله بدهی به کمیتهٔ امداد، بـدهی به هیئت و بدهی‌های دیگری که خودت میدانی ادا نما و از همـه بـرایم حلالیـت بطلـب و خودت مرا حلال کن که نتوانستم در این مدت زندگی حق شوهری را ادا نمایم.

1- در اصل وصیت «تائید».

2- در اصل وصیت «مبدا».

3- در اصل وصیت «بدهیهائی».

همهٔ عزیزانم را سلام برسان بچه‌ها را از طرف من ببوس. چون وقت ندارم نامه را خاتمه می‌دهم و تو و بچه‌ها را به خدا می‌سپارم. و باز هم می‌گویم فقط به خدا توکل کن و بس. و دعا بجان امام را فراموش مکن.

دوستدارت عباس

64/11/20

بسم الله الرحمن الرحیم

انا لله و انا الیه راجعون

سلام به پیشگاه حضرت ولی عصر (عج) و نایب برحقش امام خمینی

رحی له الفدا و با درود بروان پاک شهدای پاک انقلاب اسلامی

و آرزوی پیروزی تمام رزمندگان اسلام.

اینب عبال رضائی فرزند علی شماره شناسنامه ۱۰ متولد عباس آباد شاهرود

سلامت کامل و با توجه به اینکه بر همه مسلمان واجب است که وصیت خود را تهیه نماید، وصیت نامه خود را بشرح زیر تهیه می نمایم:

را از بدو ولادتم که زحمتم را کشیده اند خدا لیت می طلبم و از آقای خمینی

رهبر شهادت رسیدگان بدا کوچکترین بدین سبب امام و انقلاب چیزی

که هرگز پیش خدا و شهدا بخشیده خواهند شد.



وناراحت نباشند زیرا که مرگ حق است ومرگ در راه خدا کمال وسعادت
انسان است.
دوم اینکه ازهمسرم میخواهم که هرچه بیش که نسبت به مرکس دارم ازخطا
مادی بپردازد که حق الناس برگردنم نباشد وبعد اینکه رهبر راه زینب
سلام الله علیها باشد وهمیشه کند وفرزندانم را مسلمان وپیرو امام
تربیت نماید پسرم را طوری تربیت کند که اسلحه افتاده از دست شهدا را
بردارد وبا ستمگران ومخالفان اسلام بجنگد. ودخترم را چنان
تربیت نماید که نمونه زن مسلمان و زینب زمانه باشد.
وهرچه زودتر ازدواج نماید زیرا که درغیراینصورت درمعرض بدسگالان قرار خواهد گرفت. ملازم است که بگریم همچکس از افرادی که مخالف انقلاب
همه بدانند که شهادت کمال آرزوی من است و من شهادت بگریند.

۵

در آخر لازم است که دینی که بگردن من میباشد تکلیفش روشن شود که حق از کسی بردوش من نباشد. ابتدا در مورد حقوق مختصری از هدهٔ کسانی که بر من حقی دارند مدالیت طلبم و در مورد دین مادی همسرم یا ورثهٔ بدهیها و طلبکاریهای من آگاه میباشند که از آنها خواهم به کمک پدرم از اسنادی که برایم برجا مانده و حقوقی که دارم دینی مرا به صاحب حق برگردانند و بخصوص در مورد دین بزرگی که بردوشم میباشد و همسرم بخوبی اطلاع دارد پرداخت شود. یک ماه حقوقم را برای خواندن نماز و گرفتن روزه برایم بدهید. وارث من در وهلهٔ اول همسرم و سپس فرزندانم میباشند کتابهایم را نیز به کتابخانهٔ مسجدی هدیه نمائید مگر کتابی که بدرد فرزندان و همسرم نخورد که استفاده نمایند

درآخر باردیگر ازهمه بستگان و دوستان بخصوص پدر و همسر و برادر
وخواهرانم حلالیت می طلبم و ازهمه می خواهم که برایم طلب آمرزش نمایند
وازهمه مؤمنین التماس دعا دارم. انا لله وانا الیه راجعون

السلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

پانزدهم آذرماه هزار و سیصد و شصت و چهار هجری مصادف با بیست و سوم
ربیع الاول هزار و چهار صد و شش هجری قمری

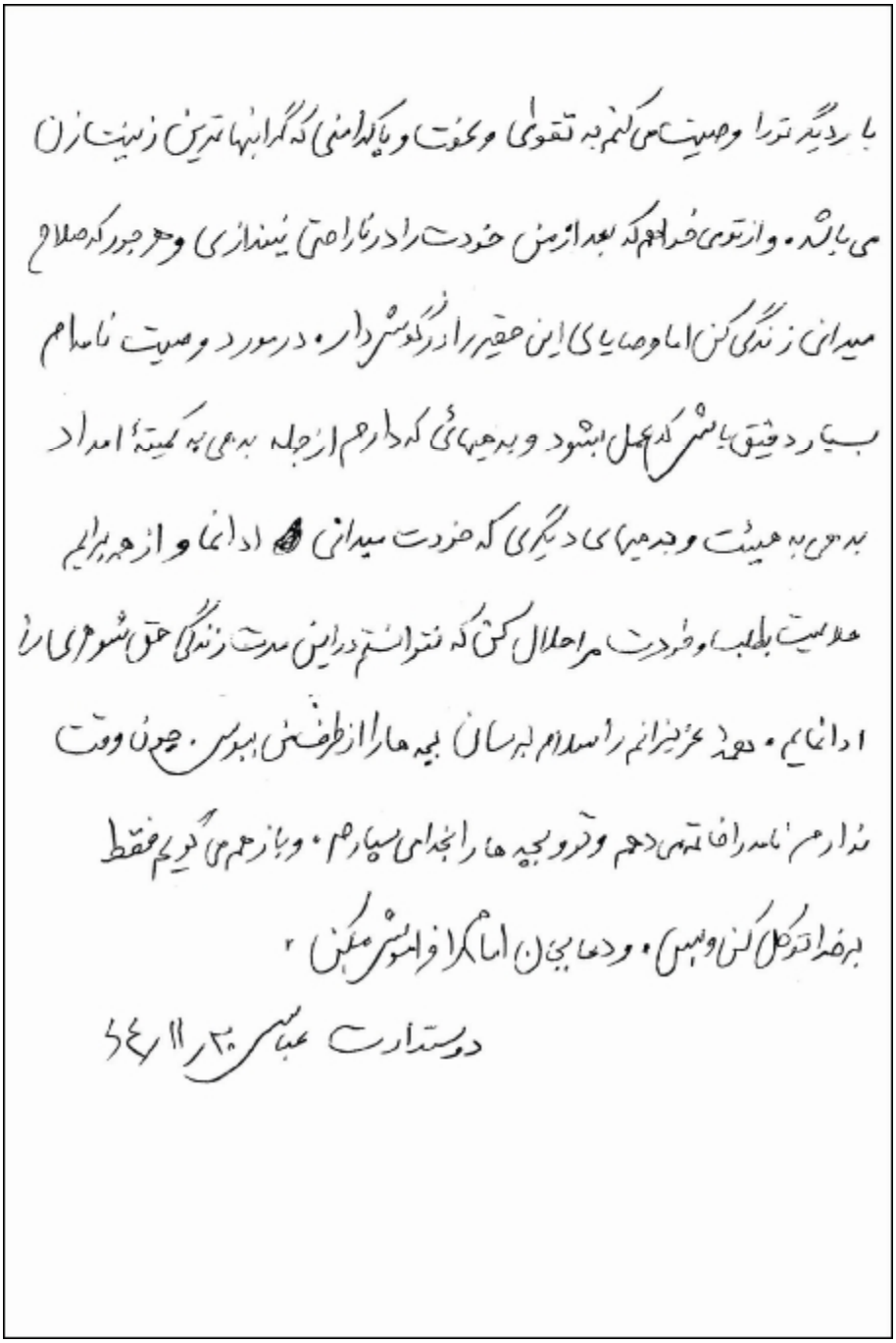
عباس رضایی

بسمه تعالی

لاحول ولا قوة الا بالله العلی العظیم. اللهم وفقنا لما تحب وترضی واحینا یا ربنا سعیداً وتوفنا شهیداً.

سلام و درود بر محمد و آل محمد (ص) و درود و سلام به پیشگاه مبارک امام زمان روح له الفدا و سلام به نائب برحقش امام امت شکیبا. و سلام و صلوات و رحمت خدا بر شهدای بخون خفته انقلاب اسلامی سلام بر همسر عزیزم. به تو که در سختیهای زندگی لب از لب برنداشتی و همیشه یاور من بودی و به من امید می بخشیدی. امیدوارم که خداوند تو را حفظ نماید و تأیید فرماید. اگر از حال من بخواهی الحمدلله خوبم و دعاگوی وجود شریف امام و رزمندگان اسلام و تو که همیشه در قلبم جای داری هستم فاطمه جان امیدوارم و از تو می خواهم که همانطور که اسمت همنام آن بزرگ بانوی دو جهان یعنی فاطمه زهرا سلام الله علیها است در سختیها و مصائب پیرو او باشی و از او کمک بطلبی که تنها اهل بیت پیامبر هستند که شفیع شیعیانشان و دلسوز آنها هستند و دخترم راهمچنان زینب کبری (س) بار بیاوری و پسرم را به راه حسین (ع) و خمینی بت شکن رهنمون گردی.

همسر عزیزم شاید این نامه که میبینی پیغام آخرین نامه‌ای باشد که می‌نویسم و همچنین دست
خطم است. می‌خواهم بدانی که آرزوی من شهادت در راه خدا است و حرفت خدا مصلحت
بداند و لیاقتش را پیدا نمایم نصیبم خواهد شد. از تو می‌خواهم که در صورت هر اتفاقی
بسیار صبور باشی و همیشه مصیبت حضرت زینب (س) را در نظر بیاوری که در مقابل
همه‌ناملایمات عزیزترین کسانش را به شهادت رساندند و آنگاه او مانند کوهی استوار
ایستاد و پیام خون آنها را در همه مکانها و زمانها فریاد کرد. عزیزم دلم می‌خواهد
تو هم پیرو آن بانوی بزرگوار باشی و با صبر و پایداری خود یار و مددکار خون شهیدان
باشی. بعد از خدای ناکرده یک ناگواری پیش آید و دنیا در مقابلت شک و تردید کند
بوجود آید زیرا همه بلایا و مصائب امتحان است و خوشا به حال کسی که
در این امتحان الهی استقامت نماید و سرفراز بیرون آید.



بار دیگر ترا وصیت می کنم به تقوی و خوف و پاکدامنی که گرانبهاترین زینت زن
می باشد. و از تو می خواهم که بعد از من خودت را در ناراحتی نیندازی و هر جور که صلاح
میدانی زندگی کن اما وصایای این حقیر را از گوشت دار. در مورد وصیت نامه ام
با برادر رفیق باشی که عمل بشود و بدهیهائی که دارم از جمله بدهی به کمیته امداد
بدهی به هیئت و بدهیهای دیگری که خودت میدانی ادا نما و از هر برادر
علاقمند بطلب و خودت را حلال کن که امیدوارم در این مدت زندگی حق شوهری را
ادا نمایم. دعا خیرانم را سهم بچه ها از طرفش ببوس. چون وقت
ندارم نامه را فاتحه ام دهم و تو بچه ها را بجای من ببوس. و باز هم می گویم فقط
به خدا توکل کن و بس. و دعایی ان اماکرا فراموش نکن.

دوستدارت عباس ۵۴/۱۱/۲۰



نام: **علی**
نام خانوادگی: **رضایی**
نام پدر: **حسن**
نام مادر: **گوهر**
تاریخ تولد: **بیستم شهریور** 1342
محل تولد: **شهرستان دامغان**
تحصیلات: **پایان دورهٔ متوسطه**
ارگان اعزام‌کننده: **سپاه**
تاریخ شهادت: **بیست‌ودوم اسفند** 1363
محل شهادت: **شرق رود دجله**
نحوهٔ شهادت: **اصابت ترکش**
مزار: **گلزار شهدای فردوس رضای زادگاهش**

عبارت‌های کلیدی

- آنچه حرکت و شوق به شهادت را به‌وجود آورده، اسلام و اعتقاد به زندگانی جاودانه است.
- هیچ چیز در این دنیا جوانان لب تشنه را آرامش نمی‌دهد مگر شهادت.
- فرهنگ اصیل اسلام و انسان کاملی چون امام خمینی بود که مرا در راه انسانیت قرار داد.
- کسانی که اسلام واقعی را شناخته‌اند و ایمان آورده‌اند شجاع هستند.
- مسلمان از هیچ چیز نمی‌ترسد به جز اسلام.
- ما که ادعا مسلمانی می‌کنیم باید مرگ را بزرگترین نعمتی بدانیم که خداوند به ما عطا کرده است.
- چه بهتر است این نعمت (مرگ) همراه با شهادت نصیبت انسان‌ها بشود.

علی رضایی

بسم‌الله الرحمن الرحیم

سخنان پرارزشی که در سرلوحهٔ این ورقه است مرا از حاشیه[1] رفتن بیش [از] اندازه[2] معذور می‌دارد و حال هم چند کلمه‌ای حاشیه بر نیت وصیت نامه می‌نویسم.

با درود به رهروان راه حق و حقیقت و با سلام بر امام و امت همیشه در صحنهٔ امام و با سلام بر تمام آزادمردان ایران‌زمین و امت حزب الله که با انتخاب کردن راه درست زندگی و روشنگری کامل و اندیشه راسخ در این جهان پر هرج و مرج باعث شدند که ما هم تا[3] اندازه‌ای راه درست زندگی کردن را بیاموزیم و با درود بر محمد(6) فرستادهٔ خداوند و این نعمت پرارزش که خداوند برای بشر در روی زمین انتخاب کرد و به او آموخت قرآن را و آن چراغ هدایت را که ثمرهٔ آن را هم اکنون فرزندان ایران زمین در این زمان و در دورانی که ظلمت همه جا را فرا گرفته و غم و اندوه دنیای مادیات[4] پرستان را پرکرده، جوانان ایران زمین چون فرشتگان درخشان که در بعضی موارد از فرشتگان هم درجه آنها بالاتر می‌رود، چنان به کام مرگ می‌روند که هیچ انسانی در روی زمین نمی‌تواند بگوید[5] چیزی را در زندگی آنقدر دوست داشته که از اشتیاق این فرزندان عزیز به مرگ بیشتر باشد آنچه که این حرکت را بوجود آورده اسلام و اعتقاد جوانان عزیز به زندگانی جاودانه است که هیچ چیز در این دنیا لب تشنه و دل گرسنهٔ آنها را آرامش[6] نمی‌دهد مگر شهادت، وقت بسیار کم است یعنی این وصیت‌نامه یک ساعت قبل از به خط مقدم رفتن نوشته شده من پیام های زیادی دارم که متاسفانه در این وقت کم نمی‌توانم آنها را بیان کنم فقط این را می‌خواهم به تمام خویشاوندان و دوستان و به‌خصوص[7] پدر و مادر عزیزم

1- در اصل وصیت «حاشیهٔ».
2- در اصل وصیت «بیش اندازه».
3- در اصل وصیت «به».
4- در اصل وصیت «مادیون».
5- در اصل وصیت «بگوئید».
6- در اصل وصیت «آرام».
7- در اصل وصیت «بلخصوص».

بگویم[1] که من راه را بعد از پیمودن چاه‌های بسیار با چشم باز و اندیشه‌ای آمیخته با شناخت بر جوامع انتخاب کردم و دوست دارم کسی در پیش خودش نگوید[2] که فلان کس در مسائل با اطلاع نبود. من همه چیز و همهٔ نیرنگ ها را دیدم و طرز به کاربردن آنها را هم بهتر از کسانی که به کار می‌بردند، بلد بودم. اما فرهنگ اصیل اسلام و همچنین حرکت‌های انسان کاملی چون حضرت امام خمینی بود که دست مرا گرفت و از تمام چاهها که در داخل آنها همراه با خنجرهای تیز و مارهای قوی بود نجات داد و تا اندازه‌ای در راه انسانیت قرار داد که باز هم خجالت می‌کشم از خداوند و پیامبرانشان با این همه گمراهی‌ها[3] و نادانی‌ها که از تاریخ لجنزار زندگی من سرچشمه می‌گیرد چگونه به‌عنوان سرباز اسلام پیش آنها سربلند کنم امیدوارم که تمام انسان‌هایی[4] که مرا می‌شناسند اگر بدی از من دیده‌اند مرا ببخشند و از تمام انسان‌هایی که وصیت‌نامهٔ مرا برای آنها می‌خوانند می‌خواهم که از خداوند بخواهند مرا ببخشد[5] و از گناهانم که بسیار سنگین است در گذرد. حدود 15000 تومان پول بانک دارم و 14000 تومان سپاه که آن را خرج خواهر مریضم بکنید. به امید پیروزی و زمانی که مهدی صاحب الزمان(عج) ظهور کند و تمام انسان‌ها را از بند اسارت نجات دهد. خداحافظ از پدر و مادرم خواهش می‌کنم مرا ببخشند و در ضمن هیچ‌وقت به اطراف خود نگاه نکنند و نظر بدهند، کسانی که اسلام واقعی را شناخته‌اند و ایمان آورده‌اند، شجاع هستند و اگر کسانی مسلمان باشند و شجاع نباشند دروغ می‌گویند، چون مسلمان از هیچ‌چیز نمی‌ترسد به‌جز اسلام پس حالا که ما ادعای مسلمانی می‌کنیم باید مرگ را بزرگترین نعمتی بدانیم که خداوند بر ما عطا کرده است. پس چه بهتر است که این نعمت همراه با شهادت نصیب[6] انسان‌ها بشود. به امید روزی که اسلام بر جهان حاکم شود.

علی رضائی 62/5/8

1- در اصل وصیت «بگوئیم».
2- در اصل وصیت «نگوئید».
3- در اصل وصیت «گمراهها».
4- در اصل وصیت «انسانهائی».
5- در اصل وصیت «ببخشند».
6- در اصل وصیت «نسیب».

«(بسمه تعالی)» ص ل

بنام پروردگار که در سر لوحهٔ این برگ است سوا از نام او هر نقش بیش افسانه

معنی و مفهوم دارد و حال هم چند کلمه‌ای حاشیهٔ مرقوم وصیت‌نامه می‌نویسم.

پدر و مادر عزیز راه حق و حقیقت و اسلام برایم برگزیده

همیشه در محضر امام و اسلام بوده‌ام آزاد مردان ایران زمین

ولیت مطلب اللّه که با انتخاب کردن راه درست زندگی و روشنگری کامل و اندیشه

راسخ در این جهان پر هرج و مرج باعث شدند که ما هم به اندازه‌ای راه درست

زندگی کردن را بیاموزیم و با درود بر محمّد (ص) فرستادهٔ خداوند این نعمت

پروردگار خداوند برای بشر در روی زمین انتخاب کرد و با آموختن قرآن

راه آن چراغ هدایت را آشوبهٔ آن را هم اکنون فرزندان ایران زمین در این زمان

و در دوران ظلمت همه جا را فرا گرفته و غم و اندوه دنیای مالئون پرستان

را پر کرده جوانان ایران زمین چون فرشتگان درخشان که در بعضی موارد از

فرشتگان هم درجهٔ آنها بالاتر می‌روند همان بهتر می‌روند که هیچ امیدی در روی

زمین نمی‌تواند بگوید چیزی را در زندگی اگر در دوست داشته از اشتیاق

این مردان عزیز به مرگ بیشتر باشد آنچه که این حرکت را وجود آورده

اسلام و اعتقاد جوانان عزیز به زندگانی جاودانه است که هیچ چیز

«(بسمه تعالی)» صلح

دراین دنیا لب تشنه ودل گرسنه آنها را رها نمی رهم مگر شهادت وقت
بسیار کم است یعنی این وصیت نامه یک ساعت قبل از به خط مقدم
رفتن نوشته شده و من پیامهای زیادی دارم که آستانه دراین وقت کم نمی
توانم آنها را بیان کنم فقط این را می خواهم به تمام خویشاوندان ودوستان وبالخصوص
پدر و مادر عزیزم بگویم که من راه را بخاطر بهروزی جامعه های بسیار با چشم باز و
اندیشه ای آمیخته با شناخت برجوامع انتخاب کردم و دوست دارم کسی در
پیش خودش نگوید که فلان کس در رسائل با اطلاع نبود من هم همینطور
نیرنگها را دیده ام و حکومت بکار بردن آنها را هم بهتر از کسانی که بکار می بردند بلد
بودم اما فرهنگ اصیل اسلام و همچنین مردانگی انسان کاملی چون حضرت
امام خمینی نبوده دست مرا گرفته و از تمام جامعه که در اطراف آنها بودند با
خنجرهای تیز و ماریهای قوی بود نجات داد و تا اندازه ای در راه انسانیت
قرار دارد که بازهم مجالت می کنم از خدا بخواهم و پیام بر استان با این همه گمراهها
و نادانی ها که در تاریخ لبنان از زندگی من سرچشمه می گیرد و مگوئید به عنوان
سرباز اسلام پیش آنها سر بلند نمی رسید و امیدوارم که تمام انسانهائی که مرا می شناسند
اگر بدی از من دیده اند مرا ببخشند و از تمام انسانهایی که وصیت نامه

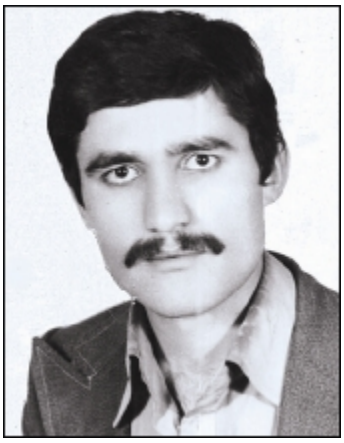
«(بسمه تعالی)»

من برای آنهایی خداوند می خواهم که از خداوند بخواهند مرا ببخشند و از گناهانم که بسیار سنگین است درگذرد. حدود ۱۵۰۰ تومان پول بانک دارم و ۱۴۰۰ تومان سپاه که آن را خودم خواهم پرداخت. بنده برای پیروزی و زمانی که مهدی صاحب الزمان ظهور کند و تمام اشارها را از بین ببرد نیابت دهد خدا حافظ از پدر و مادرم خواهش می کنم مرا ببخشند و در فکر هیچ وقت به اطراف خود نگاه نکنند و فقط بدنبال کسانی که اسلام واقعی را شناخته اند و ایمان آورده اند و شجاع هستند و اگر کسانی مسلمان باشند و شجاع نباشند دروغ می گویند چون مسلمان از هیچ چیز نمی ترسد بجز اسلام. من حالا که ادعای مسلمانی می کنم باید مرگ را بزرگترین نعمتی بدانم که خداوند برما لطف کرده است پس چه بهتر است که این نعمت همراه با شهادت نصیب ما شود و

برای پیروزی اسلام بر جهان حاکم شود

علی رضایی

۶۲/۵/۱۱



نام: **عیدمحمد**
نام خانوادگی: **رضایی**
نام پدر: **محمود**
نام مادر: **زهرا**
تاریخ تولد: **یکم فروردین** 1336
محل تولد: **روستای قلعه‌نو خرقان از توابع شهرستان شاهرود**
تحصیلات: **پایان دورهٔ کاردانی**
ارگان اعزام‌کننده: **بسیج**
تاریخ شهادت: **سوم دی** 1360
محل شهادت: **تهران**
نحوهٔ شهادت: **اصابت گلوله**
مزار: **گلزار شهدای زادگاهش**

عبارت‌های کلیدی

- من آگاهانه در این راه قدم نهادم.
- برای به ثمررسیدن انقلاب اسلامی باید خون‌های زیادی بدهیم.
- برای مبارزه با ظلم باید از زندگی امام حسین(**7**) درس بگیریم.
- این دنیا را هدف قرار ندهید.
- همیشه به یاد خدا باشید.

عیدمحمد رضایی

بسم الله الرحمن الرحیم

«و لاتقولوا لمن یقتل فی سبیل الله امواتٌ بل احیاء و لکن لاتشعرون»[1]

«و کسانی را که در راه خدا کشته می‌شوند مرده نخوانید بلکه آنها زنده‌اند ولی شما درک نمی‌کنید».

برادران و خواهران بدانید که من آگاهانه در این راه قدم نهادم چرا که برای به ثمر رسیدن انقلاب اسلامی در سراسر جهان و ظهور حضرت مهدی(عج) ما باید خون‌های زیادی بدهیم، آخر ما مسلمانیم و در زمانی زندگی می‌کنیم که ظلم سراسر جهان را فرا گرفته و برای مبارزه با ظلم باید از زندگی امام حسین(**7**) درس بگیریم که لشکریان یزید با تمام فشارهایی که به یاران امام حسین(**7**) وارد آوردند که حتی آب را به روی یاران امام بستند، تن به سازش نداد و اسلام پیروز شد. در آخر از دوستان و آشنایان می‌خواهم که زندگی این دنیا را هدف قرار ندهند که در آخر چیزی جز پوچی نخواهد بود همیشه به یاد خدا باشند و همیشه در راه خدا کار کنند و در این راه از سخنان و پیام‌های امام خمینی پند بگیرند و در ضمن تقاضا دارم اگر شهید شدم به پدرم بگویید[2] ناراحت نباشد، چون فرزندش را در راه خدا داده و من زندگی جدید را شروع می‌کنم.

«والسلام»

عیدمحمد رضائی

تاریخ 1360/9/21

1- بقره/ 154.

2- در اصل وصیت «بگوئید».

وصیت نامه برادر شهید عید محمد رضائی

بسم الله الرحمن الرحیم

« ولا تقولوا لمن یقتل فی سبیل الله امواتا بل احیاء ولکن لا تشعرون »

وکسانی را که در راه خدا کشته میشوند مرده نخوانید بلکه آنها زنده اند ولی شما درک نمی کنید

برادران وخواهران بدانید که من آگاهانه در این راه قدم نهادم

و چرا که برای به ثمر رسیدن انقلاب اسلامی در سراسر جهان و ظهور حضرت مهدی (عج) باید خونهای زیادی بدهیم آخر ما مسلمانیم

و در زمانی زندگی میکنیم که ظلم سراسر جهان را فرا گرفته و برای مبارزه با ظلم باید از زندگی امام حسین درس بگیریم که شد یا [illegible] امام [illegible] وارد کربلا شد که حتی آب را بروی یاران امام بستند تن به شعارش نداد و اسلام پیروز شد.

در آخر از دوستان و آشنایان میخواهم که زندگی این دنیا را هدف قرار ندهند که [illegible] نخواهد بود همیشه یاد خدا باشند و همیشه در راه خدا کار کنند و در این راه از سخنان و پیامهای امام خمینی پیروی کنید.

در ضمن تقاضا دارم اگر شهید شدم به پدرم بگویید ناراحت نباشد چون هر زندگی را در راه خدا داده و من زندگی جدیدی را شروع میکنم

والسلام

عید محمد رضائی تاریخ ۱۳۶۰/۸/۲۱



نام: **محمدحسن**
نام خانوادگی: **رضایی**
نام پدر: **علی‌اصغر**
نام مادر: **اقدس**
تاریخ تولد: **بیست‌وسوم شهریور** 1347
محل تولد: **شهر بسطام از توابع شهرستان شاهرود**
تحصیلات: **اول متوسطه**
ارگان اعزام‌کننده: **بسیج**
تاریخ شهادت: **بیست‌ونهم اردیبهشت** 1365
محل شهادت: **مهران**
نحوهٔ شهادت: **اصابت ترکش**
مزار: **گلزار شهدای زادگاهش**

عبارت‌های کلیدی

- مقصودم از آمدن به جبهه دفاع از اسلام و مسلمین است.
- مقصودم از آمدن به جبهه دفاع از قرآن مبین و خون هزاران شهید است.
- ما این جنگ را تا ظهور حضرت مهدی(عج) ادامه خواهیم داد.
- امام را تنها نگذارید.
- نگذارید ضدانقلاب در پشت جبهه به این انقلاب ضربه بزند.
- امام و رزمندگان را دعا کنید.
- به جبهه‌ها کمک کنید.
- پشت جبهه‌ها را گرم نگه دارید.
- از سخنان امام پیروی کنید.
- سخنان امام همان سخنان پیامبران و امامان و قرآن است.

محمدحسن رضایی

بسم‌الله الرحمن الرحیم

«ولا تحسبن الذین قتلوا[1] فی سبیل الله امواتاً بل احیاء عند ربهم یرزقون»[2].

«گمان مبرید آنان که در راه خدا شهید می‌شوند مرده هستند بلکه ایشان زندگانی هستند که در نزد پروردگارشان به نعمتهای خداوندی متنعمند».

با سلام و درود بر مهدی قائم(عج) و با سلام درود بر نایب[3] برحقش امام خمینی ابراهیم زمان و درهم کوبنده کاخ مستکبران و با سلام درود بر غیور مردان جبههٔ نبرد حق علیه باطل و با سلام و درود بر شهیدان راه حق و حقیقت از هابیل[4] تا شهدای کربلای حسین(**7**) و از کربلای حسین(**7**) تا کربلای غرب و جنوب کشور عزیزمان و با سلام و درود بر شما امت غیور و شهید پرور و رشید ایران.

اینجانب محمدحسن رضائی متولد 1347 شماره شناسنامه[5] 5218 فرزند علی اصغر رضائی اعزامی[6] از شاهرود متولد بسطام وصیت‌نامهٔ خود را که امری واجب برای هر کس است را شروع می‌کنم مقصود از آمدن این حقیر به جبهه‌های نبرد حق علیه باطل این است که از اسلام و مسلمین دفاع [کنم] و از قرآن مبین و از خون هزاران شهید که در راه این مکتب به زمین ریخته شده است دفاع [کنم] و نگذارم که دین خدا که توسط حضرت محمد(**6**) به ما[ها] ابلاغ گردیده و با هزاران رنج و زحمت که به [د]ست ما رسیده است از بین برود و به دشمنان دین خدا بفهمانم که ما تا آخرین نفس از پای نخواهیم نشست و از مملکت اسلامیمان دفاع خواهیم کرد و اگر خداوند متعال به ما بارها[7] جان می‌داد باز هم می‌آمدیم و این جانها را فدای دین خدا می‌کردیم و خدا را شکر می‌کنم که به من چنین توفیقی داد تا بتوانم بیایم به جبهه و جانم را فدای اسلام کنم و آمده‌ام که به

1- در اصل وصیت «قتلو».
2- آل‌عمران/ 169.
3- در اصل وصیت «نائب».
4- ر.ک. تعلیقات.
5- در اصل وصیت «شناسنا».
6- در اصل وصیت «زامی».
7- در اصل وصیت «رها».

دشمنان بفهمانم که ما نه تنها[1] از جنگ خسته نشده‌ایم بلکه خسته هم نخواهیم شد و تا آخرین نفس ایستاده‌ایم و مبارزه می‌کنیم و تا پیروزی و ظهور حضرت مهدی(عج) این جنگ را ادامه خواهیم داد.

پیام من به شما امت حزب‌الله و همیشه در صحنه این است که امام را تنها نگذارید و از سخنان او پیروی[2] کنید زیرا که سخنان او سخنان پیامبران و امامان و قرآن است و سخنان پیامبران و امامان و قرآن سخن خدا است. و هر کس که از سخنان امام سرپیچی کند همانند آن است که از سخنان سرپیچی کرده است و ضمناً ای امت حزب الله جبهه را فراموش نکنید و جبهه‌ها را گرم نگه دارید و همانگونه که اماممان فرمود «هر آنکس که می‌تواند به جبهه برود و هر کس هم که نمی‌تواند پشت جبهه هر اندازه که توان مالی[3] دارد به جبهه‌ها کمک کند و پشت جبهه‌ها را گرم نگه دارد»[4] و شما امت حزب‌الله در پشت جبهه‌اید نباید[5] بگذارید که ضد انقلاب‌ها به این انقلاب ضربه‌ای بزنند و نمازهایتان و در دعاهایتان امام و رزمندگان [را][6] دعا کنید و از خداوند متعال بخواهید که این رهبر را تا ظهور حضرت مهدی(عج) برای امت حزب‌الله نگه بدارد و از خدا بخواهید که ظهور حضرت مهدی(عج) را هر چه سریع‌تر نزدیک بگرداند.

ای پدر و مادر عزیزم نمی‌دانم چگونه و با چه زبانی از زحمت‌های شما قدردانی کنم ای پدر عزیزم تو برای من خیلی[7] زحمت کشیدی و من نتوانستم در مدت زندگی‌ام[8] زحمات تو را جبران کنم امیدوارم که خودت به بزرگی‌ات[9] ببخشی و مرا مورد عفو بخشش خودت قرار دهی.

1- در اصل وصیت «نه تنها».
2- دراصل وصیت «بروی».
3- در اصل وصیت «لی».
4- صحیفه امام، جلد 20، ص 25.
5- در اصل وصیت «ید».
6- دراصل وصیت «رزمندگان را دعا کنید».
7- در اصل وصیت «ی».
8- در اصل وصیت «زندگیم».
9- در اصل وصیت «بزرگیت».

ولی تو ای مادر عزیز و مهربانم من که نمی‌توانم از زحمت‌هایی [که] تو برایم کشیدی و شب را تا صبح بیدار ماندی تا مرا بزرگ کنی قدردانی کنم و من نتوانستم که در این مدت [...][1] این زحماتت را جبران کنم و امیدوارم که فاطمهٔ زهرا(3) بین من و تو داوری کند و تو را از من راضی [و] خشنود[2] بگرداند. انشاءالله

مادر عزیزم مبادا هنگامی‌که من شهید شدم برایم گریه و زاری کنی امیدوارم [که] در آن هنگامی که من شهید شدم تو به یاد حضرت فاطمه(3) و به یاد حضرت زینب(3) و گرفتاری‌هایش به هنگام اسارت و هنگام شهادت برادرانش و فرزندانش بیافتید انشاالله و مبادا که از مرگ من ناراحت بشوی تو باید خوشحال باشی که جوانت رفت و در راه خدا قتال کرد و لیاقت شهادت را پیدا کرد و به درجهٔ رفیع شهادت نایل[3] آمد پس تو باید همچون زینب(3) صبر و استقامت کنی و همیشه به یاد آن بزرگواران باشی و به یاد رزمندگان و به یاد امام عزیزمان آن نور چشمان باشی و همیشه و همه جا از خدای تبارک و تعالی بخواهید که سایه این رهبر را تا ظهور حضرت مهدی(عج) بر سر این امت حفظ بفرماید و امیدوارم که به سخنان این رهبر عزیز گوش بدهید و به آنها جامهٔ عمل بپوشانید انشاءالله.

ولی شما ای برادرانم مبادا بعد از شهادت من [شما] سست بشوید امیدوارم که قوی‌تر از همیشه در جبهه‌ها حضور پیدا کنید و اسلحهٔ مرا بردارید و با دشمنان خدا به جنگ برخیزید و امیدوارم که در پشت جبهه هم که هستید در بسیج شرکت کنید و این سنگر الهی را حفظ کنید و مشت محکمی را با این کارتان به دهان منافقین[4] و آمریکا و شوروی بزنید. انشاءالله و امیدوارم که همیشه در همه جا امام را دعا کنید و پیروزی رزمندگان را هم و ظهور حضرت مهدی(عج) را هم از خدای متعال بخواهید انشاءالله و راستی برادر حاج محمد جان امیدوارم که به حرف پدر و مادر کاملاً گوش فرا بدهی و جلسهٔ قرآن را ترک نکنی و به جلسه قرآن بروی و به بچه‌های دیگر هم بگو که به جلسه قرآن بیایند و این جلسه را حفظ کنید تا ظهور حضرت مهدی(عج) انشاءالله.

1- خوانا نیست.

2- در اصل وصیت «راضی خشنود».

3- در اصل وصیت «نائل».

4- ر.ک. تعلیقات.

شما ای خواهران گرامی‌ام[1] امیدوارم که بعد از شهادت من صبر و استقامت ورزید و همچون زینب(3) باشید همچون فاطمه زهرا(3) در راه خدا فداکاری کنید و امیدوارم که بچه‌هایتان را خوب تربیت کنید و به آنها احادیث و قرآن یاد بدهید تا در آینده فرد مفیدی برای این مملکت اسلامی باشند و بتوانید کاری مفید برای این انقلاب بکنند.

اما این چند کلام وصیت را هم به شما ای پدر و مادر عزیز گرامی‌ام[2] می‌خواهم بکنم. پدر مادر عزیز گرامی‌ام[3] درست است که من نتوانستم حقی را که بر گردنم داشتید ادا کنم ولی شما به بزرگواریتان مرا ببخشید و مرا مورد عفو و بخشش خودتان قرار دهید و از خدا بخواهید که مرا با شهدای صدر اسلام قرارم[4] دهد. انشاءالله

و ای پدر مادر عزیزم اگر من شهید شدم برایم بیست روز روزه بدهید و یک سال هم برایم نماز بخوانند و اگر توانستید می‌توانید خودتان هم این کار را بکنید و امیدوارم که مرا ببخشید.

و ضمناً مادر جان و پدر جان هنگامی که من شهید شدم حتماً شب‌های جمعه بیایید[5] کنار خاکم بنشینید و چند کلامی قرآن برایم بخوانید زیرا که هر شب جمعه منتظرتان خواهم بود و من دیگر بیش از این مزاحم اوقات شریفتان نمی‌شوم و شما را به خدای بزرگ می‌سپارم و دیدار ما باشد در قیامت در کنار شهدا و اولیا و ائمه خدا انشاءالله خداحافظ خدانگه‌دار. امام را دعا کنید.

«والسلام[6] علی عبادالله الصالحین و رحمة الله و برکاته»

الحقیر محمد حسن رضائی

مورخهٔ 65/2/10

از همگی التماس دعا دارم

1- در اصل وصیت «گرامیم».
2- در اصل وصیت «گرامیم».
3- در اصل وصیت «گرامیم».
4- در اصل وصیت «ارم».
5- در اصل وصیت «بیائید».
6- در اصل وصیت «وسلام».

بنـــدگانیم جـــان و دل بـــر کـــف چـشم بـر حکـم و گـوش بـر فرمـان
گـــر ســـر صـــلح داری اینـــک دل ور ســـر جنـــگ داری اینـــک جـــان

***

راهیـان جـان بـه کـف[1] ایـستاده‌انـد بهـر جانبـازی همـه آمـاده‌انـد

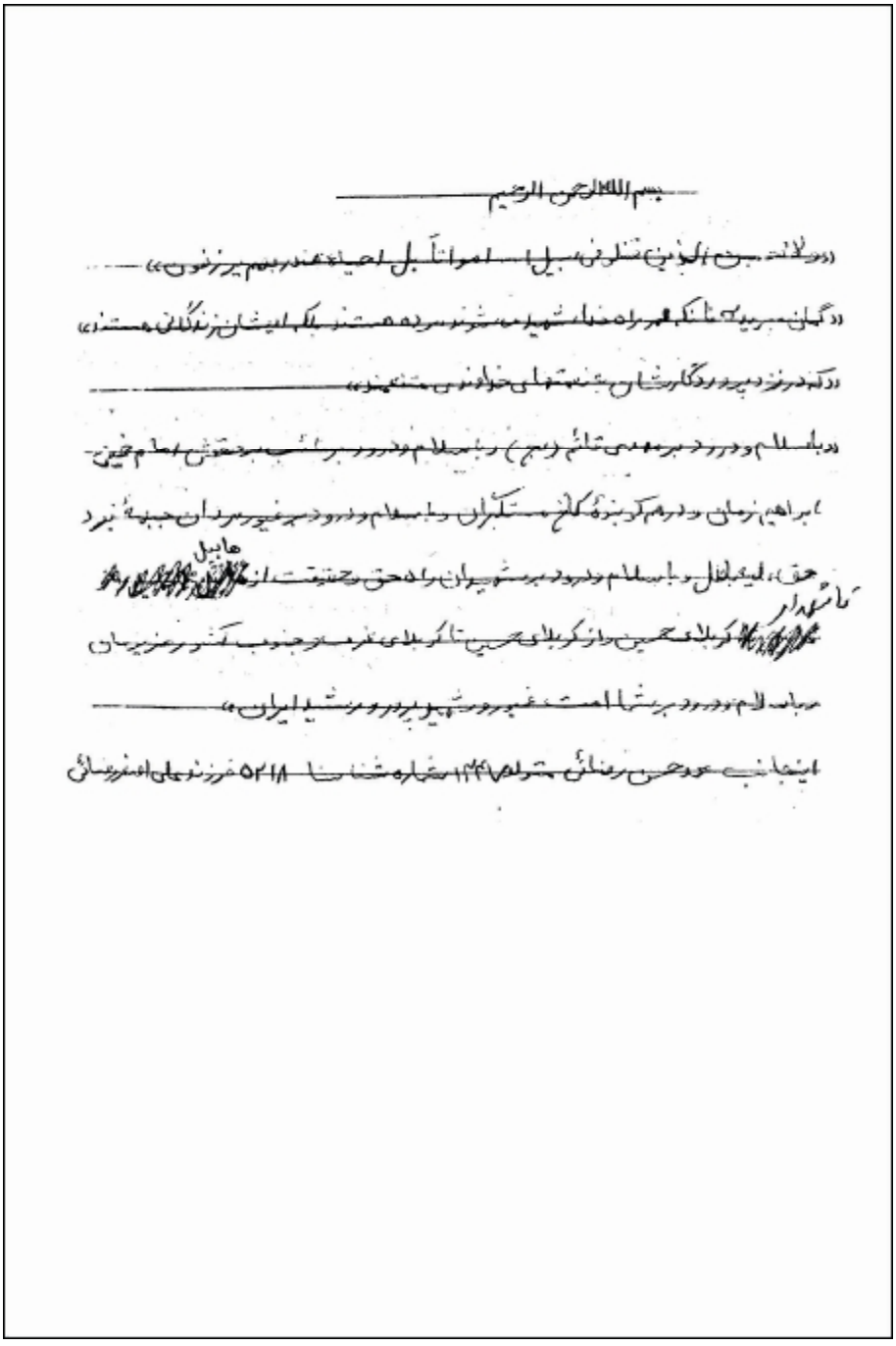
دست بیعت با خمینی داده‌اند

***

لالـه‌هـای سـرخ مـا پرپـر شـده جـسم مـردان خـدا بـی‌سـر شـده

فاطمه یا فاطمه (2)

1- در اصل وصیت «جانبکف».



بسم الله الرحمن الرحیم

«ولا تحسبن الذین قتلوا فی سبیل الله امواتا بل احیاء عند ربهم یرزقون»

«گمان مبرید آنانکه در راه خدا شهید شده‌اند مرده هستند بلکه ایشان زندگان هستند»

«که در نزد پروردگارشان متنعم و خوشحال می‌باشند»

«و سلام و درود بر محمد مصطفی (ص) و سلام و درود بر آل و اصحاب محمد و سلام خاص»

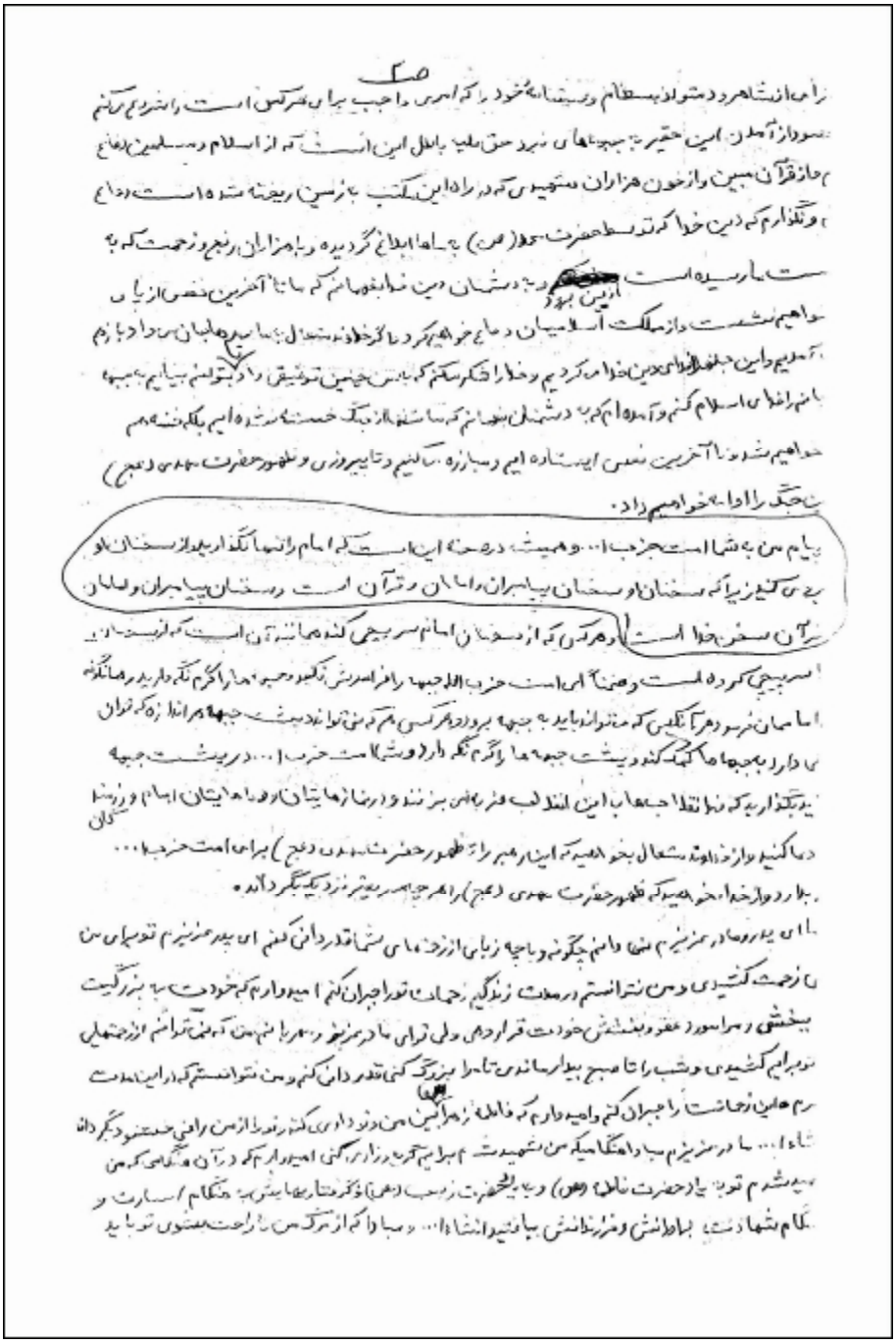
«ابراهیم زمان و دشمن کوبنده کاخ مستکبران و سلام و درود بر غیور مردان جبهه نبرد»

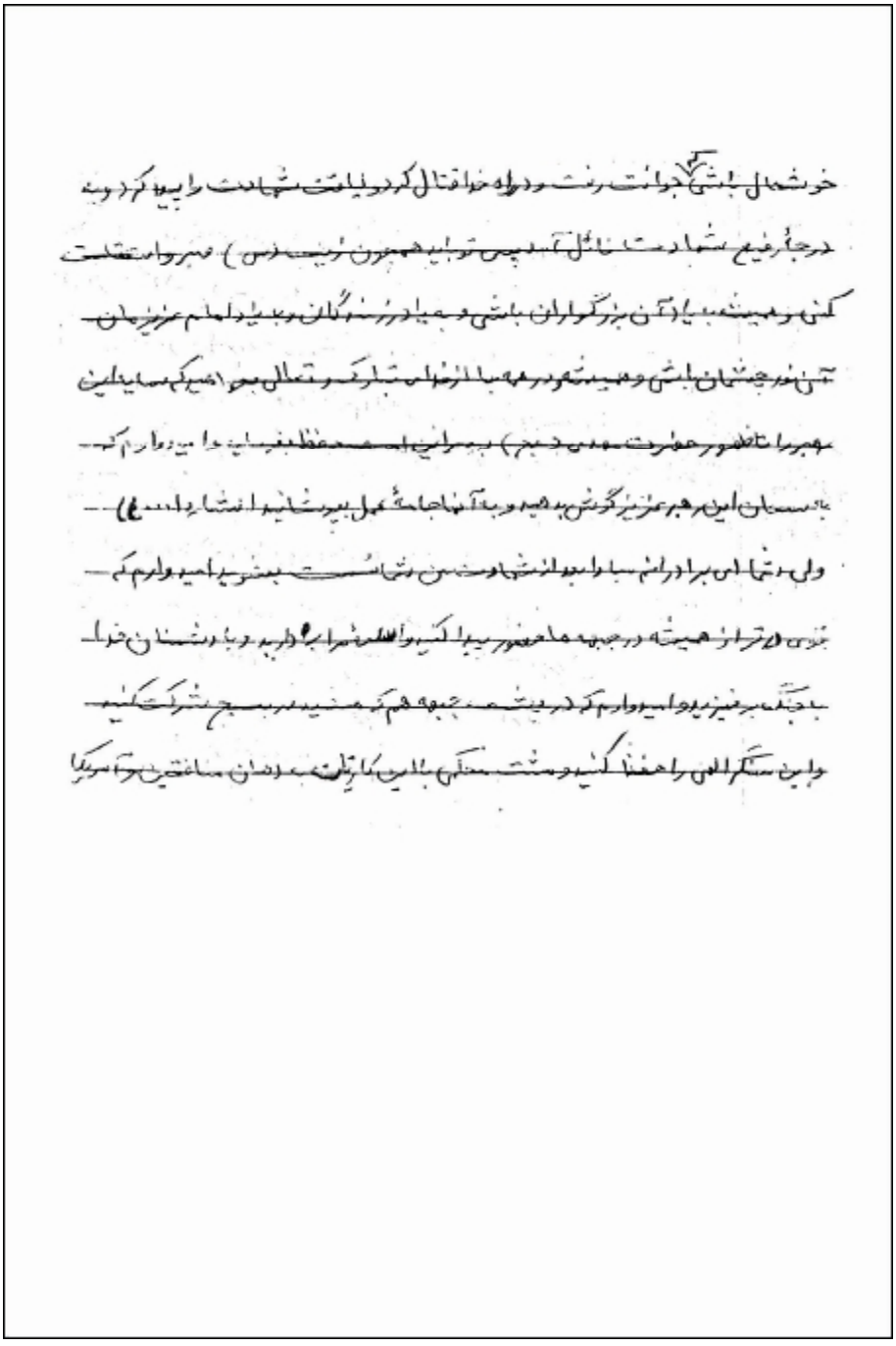
«حق، ایثار، بلال و سلام و درود بر شیران راه حق و حقیقت از هابیل

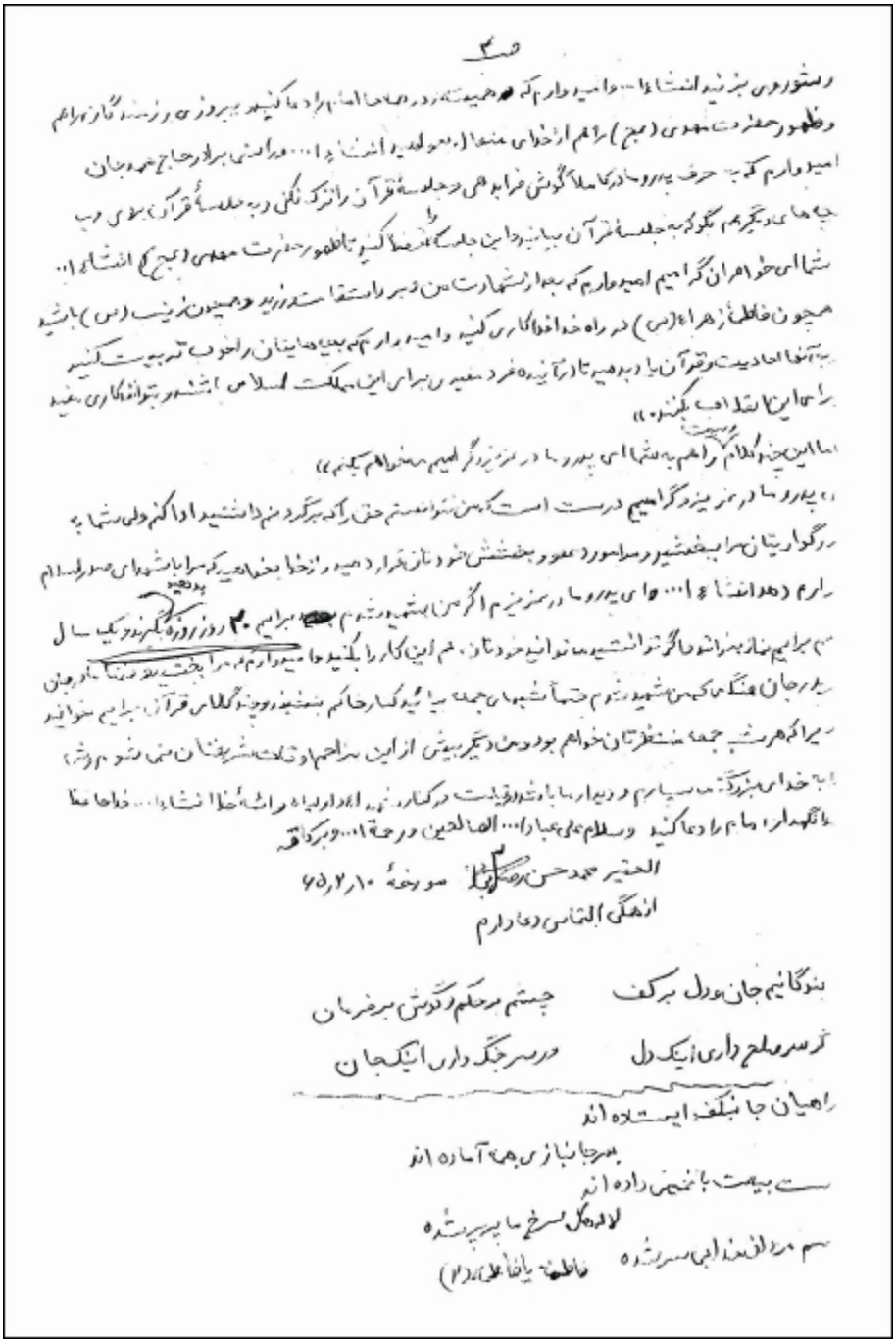
تا شهدای کربلای حسین و از کربلای حسین تا کربلای غرب و جنوب کشور عزیزمان

و سلام و درود بر شما امت غیور و پیرو رهبر و مرشد ایران»

اینجانب عبدحسین رضائی متولد ۱۳۴۱ شماره شناسنامه ۵۲۱۸ فرزند علی استوار







صبر

دستوری بدهید انشاء... امیدوارم که همیشه در راه اسلام راه دعا کنید پیروز و زنده باشید والسلام
وظهور حضرت مهدی (عج) راهم از خدای متعال بخواهید انشاء... میرانتی برادر حاج حمید جان
امیدوارم که به حرف پدر و مادر کاملا گوش فرا بدهی و جلسه قرآن را ترک نکنی و به جلسه قرآن بروی و
جلسه های دیگر هم بگو که به جلسه قرآن بیایند و این جلسه را قطع نکنند و با ظهور حضرت مهدی (عج) انشاء...
شما ای خواهران گرامیم امیدوارم که به راهنمایی مادرتان مسیر راستقامت را بپیمایید و همچون زینب (س) باشید
همچون فاطمه زهرا (س) در راه خدا فداکاری کنید و امیدوارم که بچه هایتان را خوب تربیت کنید
به آنها احادیث و قرآن یاد دهید تا آینده فردا سعید برای این مملکت اسلامی باشند و بتوانند کاری بنفع
اسلام انجام دهند.

شعر

ما این چنین کلام را هم به شما ای پدر و مادر عزیز تقدیم میکنیم

ای پدر و مادر عزیز گرامیم درست است که من نمی توانستم حق را که بر گردنم داشتید ادا کنم ولی شما به
درگاه باریتان را با بخشش و سرافکنده نمودن خود نزد خداوند قرار دهید و از خدا بخواهید که مرا با شهدای صدر اسلام
قرار دهد انشاء... ای پدر و مادر عزیزم اگر من با شهید شدم برایم ۴۰ روز روزه بگیرید و یک سال
هم برایم نماز بخوانید اگر نتوانستید نخوانید خودتان هم این کار را بکنید و میدوارم مرا بخشیده باشید
پدر جان هنگامی که من شهید شدم جنازه ام را بیاورید جلو جمعیت بگذارید و چند آیه از قرآن برایم بخوانید
زیرا که هر شب جمعه منتظرتان خواهم بود و من دیگر بیش از این برایتان نمی نویسم
به امید خدای بزرگ که سایه پدر و مادر را تا وقتیکه در کنار شما هستم از سرم کم نکند و راه و راستی را
نگهدار امام را دعا کنید والسلام علی عباد... الصالحین و رحمة... وبرکاته

الحقیر محمدحسن رضایی سوخته ۶۵/۲/۱۰

از همگی التماس دعا دارم

بنوگانیم جان و دل برکف — چشم مرحکم و گوش بر فرمان
تو سر ملح داری اینک دل — ور سر جنگ داری اینک جان

راهیان جانبکف ایستاده اند
بهر جانبازی بها آماده اند
ست بیعت با حسین داده اند
لاله گل سرخ ما پرپر شده
سهم ما فتح و ظفر این سر شده

فاطمه یا فاطمه (س)



نام: **محمدحسین**
نام خانوادگی: **رضایی**
نام پدر: **علی‌اصغر**
نام مادر: **اقدس**
تاریخ تولد:**یکم فروردین** 1345
محل تولد: **شهر بسطام از توابع شهرستان شاهرود**
تحصیلات: **چهارم متوسطه**
ارگان اعزام‌کننده: **بسیج**
تاریخ شهادت: **چهاردهم فروردین** 1366
محل شهادت: **شلمچه**
نحوهٔ شهادت: **اصابت ترکش**
مزار: **گلزار شهدای زادگاهش**

عبارت‌های کلیدی

- از مجامع تهمت و غیبت دوری کنید.
- در نمازهای جمعه و جماعات حتی‌المقدور شرکت کنید.
- شرکت در نمازجمعه خار است به چشم دشمنان و منافقین از خدا بی‌خبر.
- نسبت به امور شهدا کوشا باشید.
- به اندازه توانتان تعزیه‌داری کنید.
- صبر و استقامت شما پس از شهادت من ضربه‌ای است به منافقین از کافر بدتر.
- خداوند در دو جهان به شما اجر عظیم عنایت فرماید.

محمدحسین رضایی

بسم‌الله الرحمن الرحیم

به نام آنکه روزی می‌دهد به شرط جان و می‌آمرزد به شرط ایمان

«**انا لله و انا الیه راجعون**».[1]

«ما همه از خداییم[2] و به سوی او بازمی‌گردیم».[3]

با درود و سلام بر منجی عدالت گستر جهان حضرت ولی عصر امام زمان(عج) و با درود و سلام بر نایب برحقش امام امت روحی له الفدا و با درود و سلام بر نایب برحقش آیت‌الله منتظری[4] مدظله العالی و با درود و سلام بر ارواح مطهر شهدای صدر انقلاب اسلامی و تا جنگ تحمیلی عراق علیه ایران. خدمت پدر و مادر عزیزم سلام عرض می‌کنم پس از تقدیم عرض سلام سلامتی شما را از درگاه خداوند منان خواهانم و امیدوارم که در دم مرگ با ایمان بمیریم و از وسوسه‌های شیاطین جن، انس در امان بمانیم انشاءالله.

باری عرض می‌شود ضمن صبر و استقامت برای شما از خداوند منان برای تحمل رنج و مصیبت‌هایی که دیده‌اید خواهانم، امیدوارم که مرا به بزرگی خودتان ببخشید که در مقابل شما زبان درازی و بی‌ادبی کردم. چرا که خودم هم بعضی اوقات متوجه نبودم و اگر بودم احتمالا ناراحتی داشتم و شما ای برادران و خواهرانم اگر [از] من در مقابل شما زبان درازی و بی‌ادبی کردم مرا ببخشید و امیدوارم که فرزندان خود را به بهترین وجه تربیت کرده و انسان‌های ساخته شده‌ای تحویل اسلام دهید و امیدوارم که شما ای خانواده بزرگوار من مرا ببخشید که اینطور با شما سخن می‌گویم، زیرا که شما همه آگاهی دارید و نسبت به معارف اسلامی از این حقیر آگاهترید، خداوند به شما اجر دهد و این که توصیه‌ای به شما دارم این است که از مجامع تهمت و غیبت دوری کنید و در نمازهای جمعه و جماعات حتی المقدور شرکت کنید، چرا که شرکت شما خاری است به چشم

1- بقره/ 156. در اصل وصیت واژه «راجعون» به صورت «الراجعون» نوشته شده است.

2- در اصل وصیت «خدائیم».

3- در اصل وصیت «بازگردانیم».

4- ر.ک. تعلیقات.

دشمنان و منافقین[1] از خدا بی‌خبر. مجدداً خدمت پدر و مادر عزیزم و برادران و خواهران عزیزم سلام عرض می‌کنم، باری عرض می‌شود که این برگهٔ وصیتی که الان دارم می‌نویسم، چیزهای باقی مانده و یا عوض شده وصیت نامه اصلی‌ام که در داخل کمد کتاب‌ها در داخل کتاب طب‌الصادق هست [می‌باشد][2].

و نکته‌ای که به‌عنوان وصیت دارم این است که به عرض شما می‌رسانم [این است] که 1000 ریال بابت رد مظالم بپردازید و 49 روز روزه قضا بدین نحو است که 3 روز از سال 1360 و 19 روز از سال 1363 و 27 روز از سال 1365 است و یک سال هم نماز قضای احتیاط، اگر خودتان می‌توانید که چه بهتر و اگر نتوانستید بدهید تا برایم نماز و روزه بگیرند و بایستی ببخشید که من با تمام آن بی‌ادبی‌ها که از روی نادانی من بوده باعث زحمت شما می‌شوم ولی همانطور که خودتان مستحضر هستید، شما هم که نسبت به امور شهدا کوشا هستید در اجر و ثواب آن شهید یا میت شریک هستید. خداوند به شما در دو جهان اجر عظیم عنایت بفرماید. و امیدوارم که اگر فیض عظیم شهادت نصیبم[3] گشت (و اگر رفتن باعث شد) پدر و مادرجان مبادا آه و فریاد سر دهید که منافقین کوردل در هرجا پراکنده‌اند و مبادا با آه و فریادتان این دشمنان داخلی و خارجی را شاد کنید که من هرگز [این][4] را نمی‌خواهم که دشمنم شاد شود.

امیدوارم که با صبر و استقامتتان[5] ضربه‌ای به این منافقین[6] از کافر بدتر بزنید انشاءالله. باری عرض می‌شود که تعزیه‌داری به اندازه کافی و به اندازه توانتان بکنید و من هرگز راضی نیستم که افرادی که خودشان را حقیقتا نساخته‌اند و شک و ریب و ریایی[7] در دلشان هست در مجلس عزای[8] من شرکت کنند زیرا من دوست ندارم که این جور[9] آدم‌ها در

1- ر.ک. تعلیقات.
2- در اصل وصیت «است».
3- در اصل وصیت «نسیبم».
4- در اصل وصیت «هرگز را».
5- دراصل وصیت «استقامتان».
6- ر.ک. تعلیقات.
7- در اصل وصیت «ریائی».
8- در اصل وصیت «عزا».
9- در اصل وصیت «جود».

مجلس من شرکت کنند و یا در تشییع[1] جنازه‌ام شرکت کنند اما باشد که دماء شهدا آن‌ها را بگیرد و هدایتشان کند انشاءالله. و آخرین نکته‌ای که دارم این است که از همسایگان و اقوام که از من ناراحتی دیده‌اند حلالیت بطلبید دیگر عرضی ندارم جز سلامتی شما را از درگاه ایزد منان [خواهانم].[2] خداحافظ خدا نگه‌دار شما باشد.

محمد حسین رضایی

مورخه 65/12/1

بسمه تعالی

در ضمن پدر و مادرم طریقهٔ گرفتن روزه 69 روز و خواندن نمازهایم بدین طریق است: 5 روز از سال 1360 دارم که بگیر و به اندازه 15 روز کفاره آن را بدهید و 15 روز از سال 1363 دارم که [...][3] آن هم بگیرید و کفاره‌ای که واجب می‌شود هم بدهید و بنابراین 19 روز هم از سال 1364 است که آن‌ها ترتیبش را بدهید و اگر نمی‌توانید هم از[4] مقدار پولی که دارم بدهید برایم بگیرند. و شش ماه نماز درست و سه ماه نماز شکسته قضا و احتیاط برایم بخوانید. خداوند به شما اجر عظیم عنایت بفرماید انشاءالله و در ضمن 100 تومان هم برای رفع مظالم بدهید دیگر عرضی ندارم جز سلامتی شما را خواهانم و این که مرا ببخشید که نتوانستم حق شما را ادا کنم.

دل بی‌غم در این عالم نباشد اگر باشد بنی آدم نباشد

خدایا خدایا تا انقلاب مهدی خمینی را نگه‌دار از عمر ما بکاه و بر عمر او بیفزا

«والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته»

توفیق من الله

فرزند کوچکتان العبد الحقیر العاصی محمدحسین رضایی

65/2/27

در ضمن اگر کسی آمد که عکس‌هایم را ببرد به کسی[5] ندهید و روزه‌های امسال سال 65 هم 25 روز است.

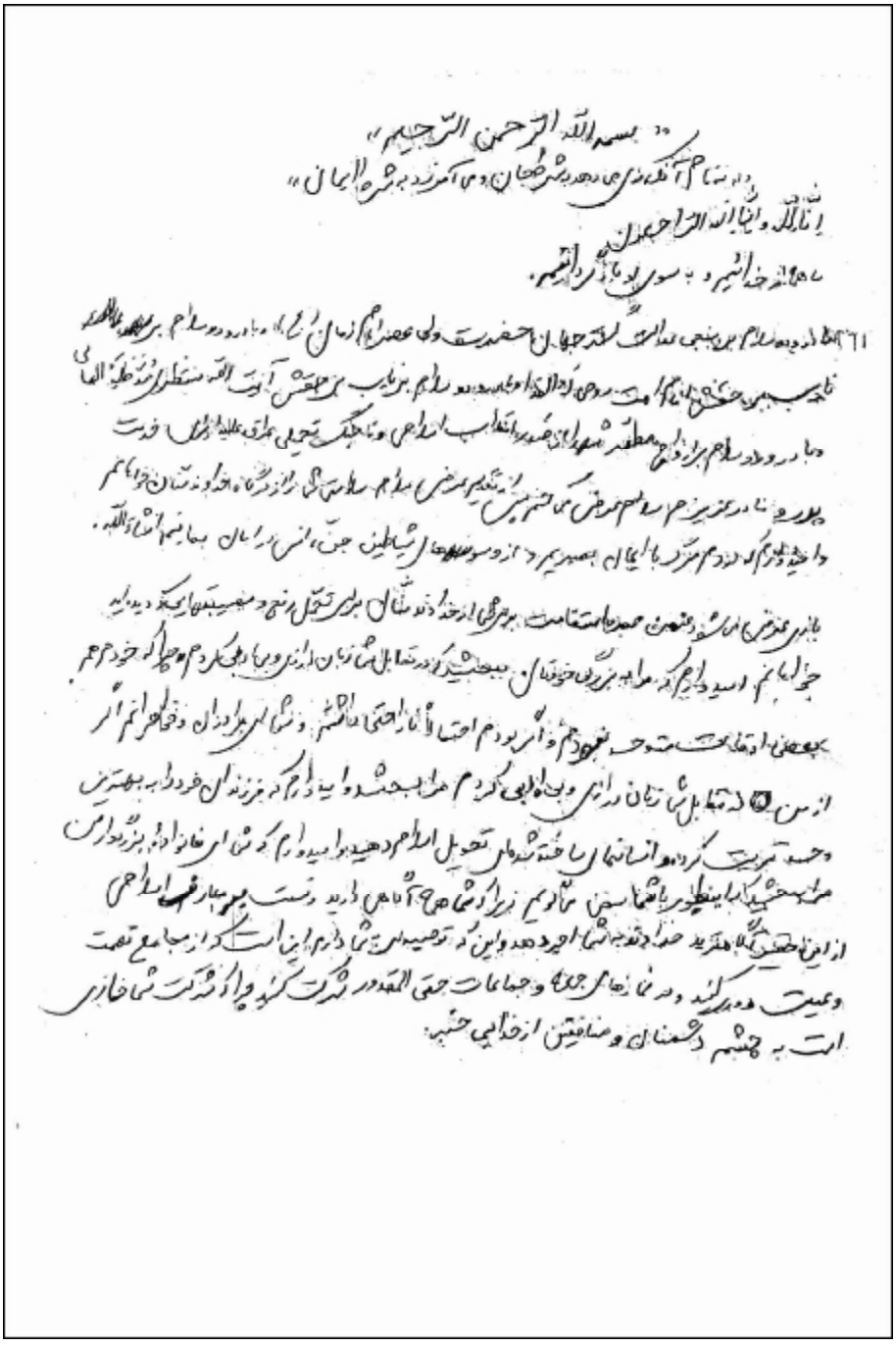
1- در اصل وصیت «تشیع».

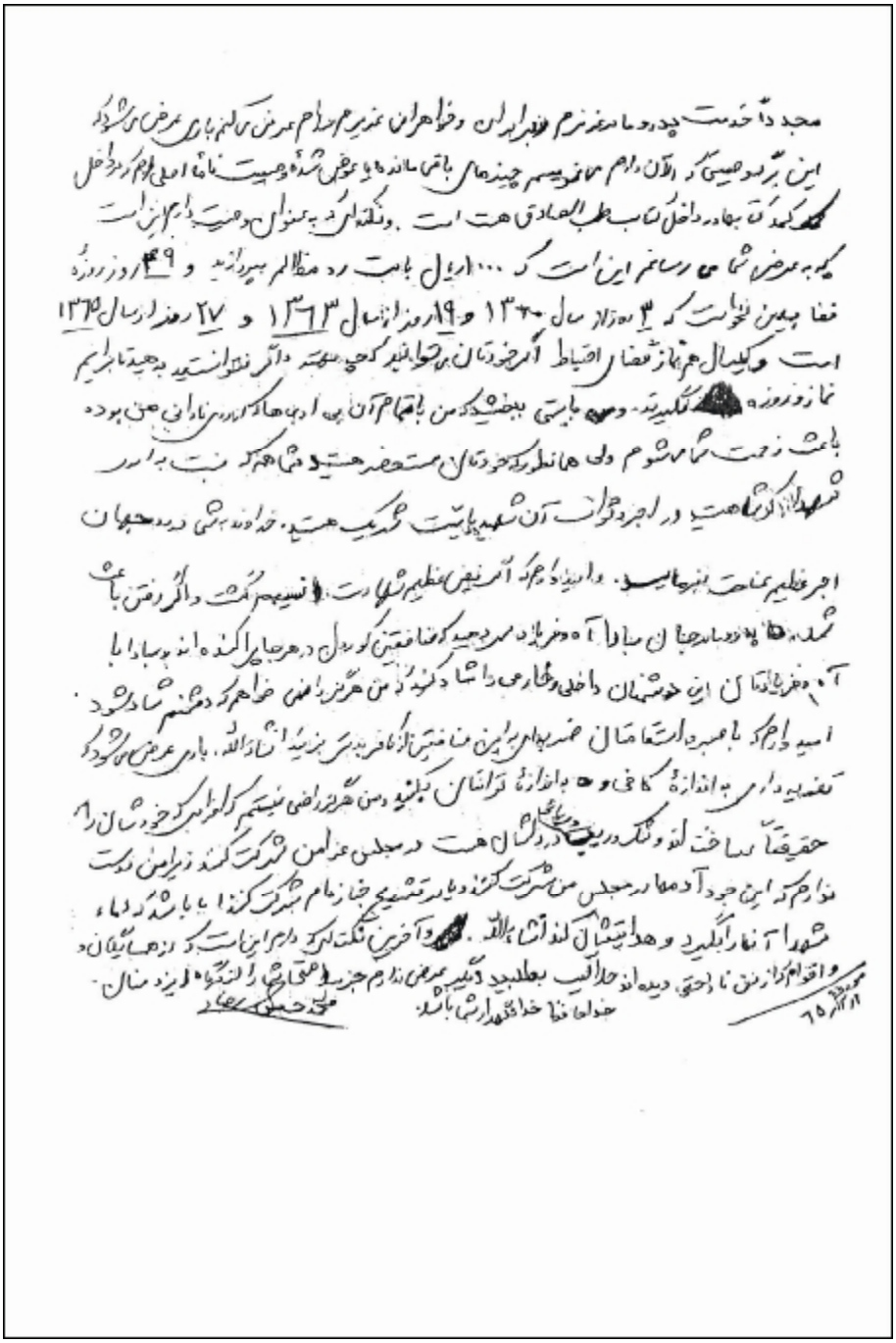
2- در اصل وصیت «ایزد منان».

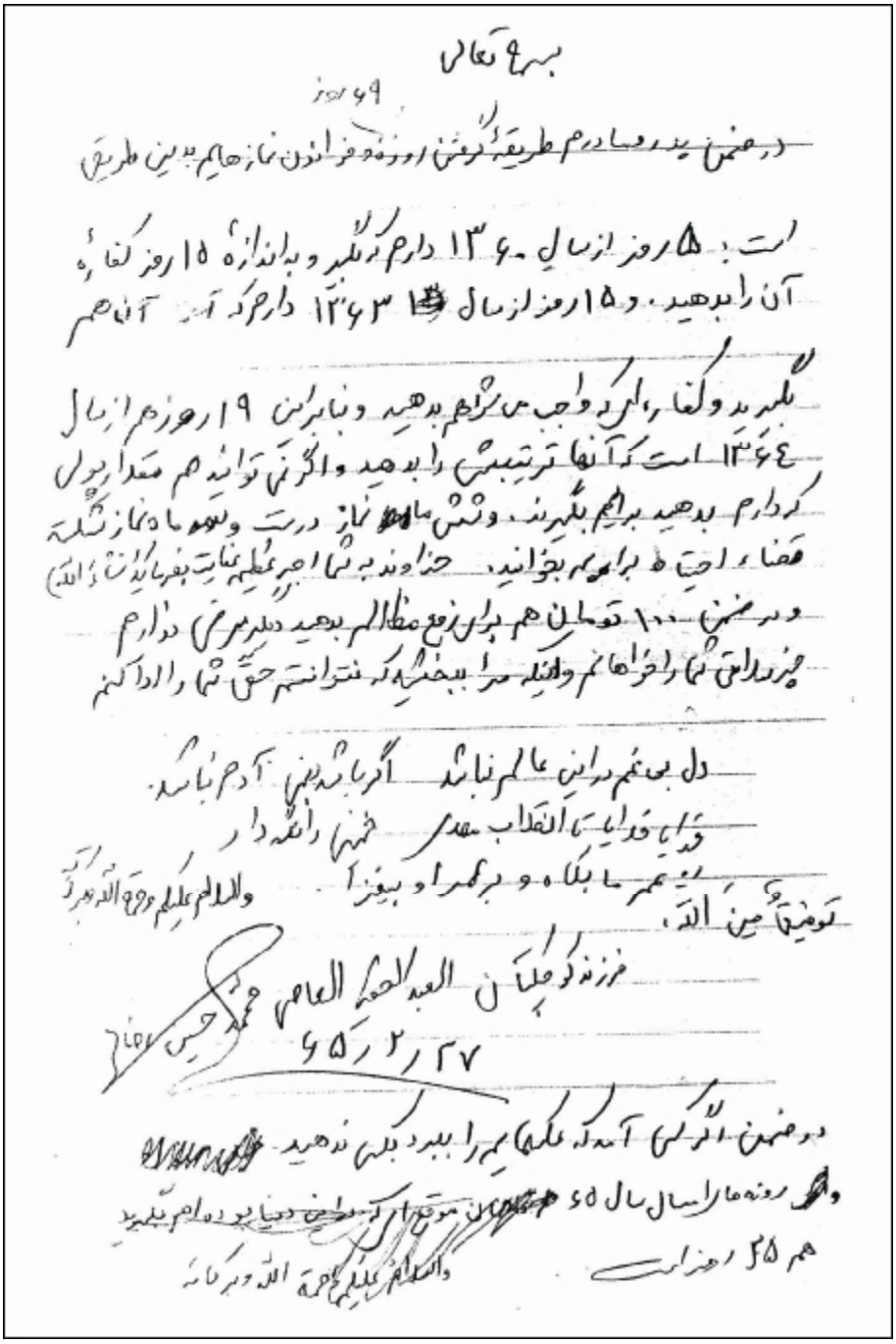
3- خوانا نیست.

4- در اصل وصیت «هم مقدار».

5- در اصل وصیت «بکسی».







بسم الله تعالی

69 روز

در ضمن بنده وصیت میکنم طریقه کفن و دفن و نماز هایم بدین طریق

است: 5 روز از سال 1360 دارم که بگذرد و باندازه 15 روز کفاره آن را بدهید. و 15 روز از سال 1363 دارم که آن هم

بگذرد و کفاره اش بر گردن من است بدهید و بنابراین 19 روز هم از سال 1364 است که آنها ترتیبش را بدهید و اگر نمی توانید هم مقداری پول کردارم بدهید برایم بگیرند. و شش ماه نماز درست و سه ماه روزه شکسته قضاء داشته ام برایم بخوانید. خداوند به شما اجر عظیم عنایت بفرماید ان شاء الله

و در ضمن 100 تومان هم برای رفع مظالم بدهید دیگر مدیونی ندارم

عزیزانی که از من رنجیده اند مرا ببخشند که نتوانستم حق شما را ادا کنم

دل بی غم در این عالم نباشد اگر باشد بنی آدم نباشد.

قدما و دایما انقلاب مهدی تنها را نگه دار

زیر سایه ولایت فقیه عمر ما بگذرد و بر مراد بمیرد

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

توفیقات من الله

فرزند کوچکتان العبد الحقیر العاصی محمد حسین [illegible]

65/2/27

در ضمن اگر کسی آمد که طلبی از من دارد بدهید

و نوه ها را از سال 65 [illegible] موقع ازدواج دنیا بود دهم بگیرید

هم 25 روز است

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته



نام: **حسینعلی**
نام خانوادگی: **رضایی‌آهوانویی**
نام پدر: **محمدرضا**
نام مادر: **تحفه**
تاریخ تولد: **ششم فروردین** 1341
محل تولد: **روستای آهوانو از توابع شهرستان دامغان**
تحصیلات: **پایان دورهٔ راهنمایی**
ارگان اعزام‌کننده: **سپاه**
تاریخ شهادت: **هشتم آذر** 1360
محل شهادت: **بستان**
نحوهٔ شهادت: **اصابت گلوله**
مزار: **گلزار شهدای زادگاهش**

عبارت‌های کلیدی

- جهاد وظیفه هر فرد مسلمان است.
- به دستورات اسلام رفتار کنید.
- از اسلام دفاع کنید.
- از روحانیت مبارز مسئول در خط امام اطاعت کنید.
- همواره پیرو خط امام باشید و از امام اطاعت کنید.
- اگر خداوند سعادت شهادت در راه خودش را نصیبم گرداند، هیچ ناراحت نباشید.
- همواره به سوی تعالی و معرفت و اخلاقیات اسلامی پیش بروید.
- خود را در آب زلال چشمه اسلام شستشو کنید.
- ای کاش چندین جان داشتم تا بتوانم همهٔ آنها را در این راهی که راه پیامبر(**6**) و علی(**7**) و حسین(**7**) است فدا کنم.
- ما هم هدفمان این است که احکام اسلام را پیاده کنیم.
- جای خوشبختی است که بیشتر مردم مسلمان ایران از شهادت باکی ندارند.
- می‌خواهم همیشه در خط اسلام باشید و حرکت در خط اسلام میسر نیست، مگر با اطاعت و پیروی از روحانیت مؤمن و انقلابی.
- ای عزیزان با هواهای نفسانی خود مبارزه کنید.

حسینعلی رضایی‌آهوانویی

بسم الله الرحمن الرحیم

«انا لله و انا الیه راجعون»[1]

«همه از خداییم[2] و به سوی او خواهیم رفت»

«اذا جاء نصر الله و الفتح و رأیت الناس یدخلون فی دین الله افواجاً فسبح بحمد ربک و استغفره انه کان تواباً»[3] «چون هنگام فتح و پیروزی خدا فرا رسد و در آن روز مردم را ببینی دسته دسته به دین خدا داخل می‌شوند در آن وقت خدای خود را حمد و ستایش کن و پاک و منزه بدان و از او مغفرت و آمرزش طلب کن و بدرگاه او توبه کن که او خدای بسیار توبه‌پذیر است».

بسم الله الرحمن الرحیم

«ارأیت الذی یکذب بالدین فذلک الذی یدع الیتیم و لا یحض علی طعام المسکین فویل للمصلین الذین هم عن صلاتهم ساهون الذین هم یرائون و یمنعون الماعون»[4]

«آیا آن کسی که روز قیامت را انکار می‌کرد دیدی؟ این همان کسی است که یتیم را از خود به قهر می‌آورد و ناراحت می‌کند و هیچگاه به غذا دادن به تهیدستان و فقیران ترغیب نمی‌نمود و (به آنها طعام نمی‌داد) پس وای بر نمازگزاران (آن کسانی که نماز را سبک می‌شمارند و گاهی می‌خوانند و گاهی نمی‌خوانند وای بر آنان که در نمازشان از یاد خدا غافلند و آنانکه کردارشان (تنها برای) خودنمایی[5] است و مستمندان را از زکات باز می‌دارند»، قرآن کریم

1- بقره/ 156.

2- در اصل وصیت «خدایم».

3- نصر/ 1-3.

4- ماعون/ 1- 7.

5- در اصل وصیت «خودنمائی».

«اللهم[1] طهر قلبی من النفاق و عملی من الریا و لسانی من الکذب و عینی من الخیانـه»[2]. آمین. «خدایا، پروردگارا پاک گردان قلب و دلم را از نفاق و پاک کن عملم را از ریا و زبانم را از دروغ و چشمانم را از خیانت».

خدمت پدر عزیزم سلام. پس از تقدیم عرض و سلام خدمت شما و تمامی افراد خـانواده[3] از جمله مادر، برادران عزیزم یک بـه یـک، خـواهر گرامـی‌ام[4]، پـدربزرگ[5] و مادربزرگـان[6] عزیزم و عموها و عمه‌ها و دیگر اقوام یک در یـک. سـعادت و موفقیـت شـما را از درگـاه خداوند متعال خواستارم امیدوارم همواره به‌سوی تعالی و معرفت و اخلاقیات اسلامی پیش بروید و خود را در آب زلال چشمه اسلام شستـشو کنیـد. حرکـات و رفتـار و گفتارهـای ناپسند و زشت و طاغوتی را کـاملاً شکـسته و بـه جـایش حرکـات و رفتـار و گفتارهـای پسندیده[7] اسلامی جایگزین کنید و نیز امیدوارم هر روز که می‌گـذرد[8] بـا گـوش کـردن بـه سخنرانی‌های سخنوران اسلامی و خواندن کتاب‌های اسـلامی بـه‌خـصوص قـرآن کـریم و نهج‌البلاغه و توجه کردن کامل به آنها سطح آگاهی خودتان را بالا برده به دیگران نیز بهـره[9] رسانید و به این سخن پیغمبر اسـلام(6) کـه مـی‌فرماینـد: «ز گهـواره تـا گـور دانـش بجوی»[10] را جامه[11] عمل بپوشید.

عزیزانم: از اینکه وقت حرکت از شما خداحافظی نکردم شرمنده هـستم و امیـدوارم بـه خاطر اسلام مرا ببخشید[12] من هم‌اکنون سالم و خوش در جنوب ایران اسلامی هستم و تنها خواهشم که از شما دارم این است که هرگز برای من ناراحت نباشید همـانطور کـه مـن از

1- در اصل وصیت «الهم».
2- نهج‌الفصاحه، حدیث، 2779.
3- در اصل وصیت «خوانواده».
4- در اصل وصیت «گرامیم».
5- در اصل وصیت «بزگ».
6- در اصل وصیت «بزگان».
7- دراصل وصیت «پسندیدی».
8- در اصل وصیت «میگزرد».
9- در اصل وصیت «بهر».
10- ترجمه این سخن پیامبر اکرم(6) «اطلب العلم من المهد الی الحد».
11- در اصل وصیت «جامع».
12- در اصل وصیت «ببخشد».

اینکه خداوند این توفیق را نصیبم[1] کرده است بسیار بسیار خوشحالم. آنقدر خوشحالم که احساس میکنم در طول عمرم یک چنین لحظاتی برایم پیش نیامده بود، چون احساس می‌کنم که توانسته‌ام وظیفه خودم را در قبال خون شهدای اسلام و خون حسین(**7**) و یاران باوفایش انجام دهم.

همینطور که می‌دانید جهاد وظیفه هر فرد مسلمان که به خدا و رسول و روز رستاخیز ایمان دارد است. آن چنانکه قرآن کریم می‌فرماید: «**احسب الناس ان یترکوا ان یقولوا آمنا و هم لا یفتنون**»[2] (آیه 2 عنکبوت). «آیا مردم چنین پنداشتند که به صرف[3] اینکه گفتند ما ایمان [به خدا آورده‌ایم رهاشان کنند و بر این دعوی هیچ امتحانشان نکنند]».[4]

و نیز اگر ما تمام کارهایمان را انجام دهیم ولی این وظیفه را انجام ندهیم نمی‌توانیم بگوییم[5] که ایمان داریم چنانچه قرآن کریم می‌فرماید: «**یا ایها الذین آمنوا[6] ما لکم اذا قیل لکم انفروا فی سبیل الله اثقالتم الی الارض ارضیتم بالحیوة الدنیا من الآخره فما متاع الحیوة الدنیا فی الآخرة الا قلیل**».[7]

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید چیست شما را چون گفته می‌شود شما را که بیرون روید در راه خدا سنگین می‌شوید بر زمین، آیا راضی شدید. به زندگانی دنیا از آخرت پس نیست زندگانی دنیا مگر اندکی».

و نیز اگر ما برای خدا حرکت کردیم و با کفار جهاد کردیم محققاً پیروز خواهیم شد چون خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «**ان ینصرکم الله فلا غالب لکم و ان یخذلکم فمن ذا الذی ینصرکم من بعده و علی الله فلیتوکل المؤمنون**»[8].

1- در اصل وصیت «نسیبم».
2- عنکبوت/ 2.
3- در اصل وصیت «بصرف».
4- در اصل وصیت «نیز برای اسلام کوشش می‌کند».
5- در اصل وصیت «بگویم».
6- در اصل وصیت «آمنو».
7- توبه/ 38. در اصل وصیت شهید شمارهٔ آیه را 25 قید کرده است.
8- آل عمران/ 160. در اصل وصیت شهید شماره آیه را 159 قید کرده است.

«اگر خدا شما را یاری کند محال است کسی بر شما غالب آید و اگر به خواری واگذارد آن کیست که بتواند از آن پس شما را یاری کند و اهل ایمان تنها به خدا باید اعتماد کنند».

«والذین جاهدوا[1] فینا لنهدینهم سبلنا و ان الله لمع المحسنین».[2]

«و آنانکه در راه ما به جان و مال جهد و کوشش کردند محققاً آنها را به راه خویش «راه راست» هدایت می‌کنیم و همیشه خداوند یار نکوکاران است».

[پس] بنابراین شما نباید برای من هیچگونه نگرانی داشته باشید، چون خداوند یاری‌ام[3] می‌کند. شماها اگر مرا دوست می‌دارید، به چیزهایی[4] که می‌گویم عمل کنید و بدانید که من از شما بسیار خرسند[5] خواهم بود و امید است که خداوند نیز از شما خرسند[6] شود، ولی اگر مرا دوست ندارید که آن امری است جداگانه.

باز هم تکرار می‌کنم اگر مرا دوست دارید برای من ناراحت نباشید و نیز اگر خداوند سعادت شهادت در راه خودش را نصیبم[7] گرداند، هیچ ناراحت نباشید. شاد و خرم باشید همچنانکه من نیز خوشحال خواهم بود، حتی اگر برایتان امکان دارد، هنگام شهادت من جشن بگیرید و لباس سیاه بر تن مکنید و فقط[8] خواهشی که دارم این است که به دستورات اسلام رفتار کنید و از اسلام دفاع کنید و از روحانیت مبارز مسئول در خط امام اطاعت کنید و همواره پیرو خط امام باشید و از امام اطاعت کنید. به هر حال حرف زیاد دارم، ولی وقتم بیش از این نیست و در همین‌جا همه شما را به خدا می‌سپارم. به امید پیروزی اسلام در تمام جهان.

از طرف فرزندتان

حسینعلی رضایی

جنوب

1- در اصل وصیت «جاهد».

2- عنکبوت/ 69.

3- در اصل وصیت «یاریم».

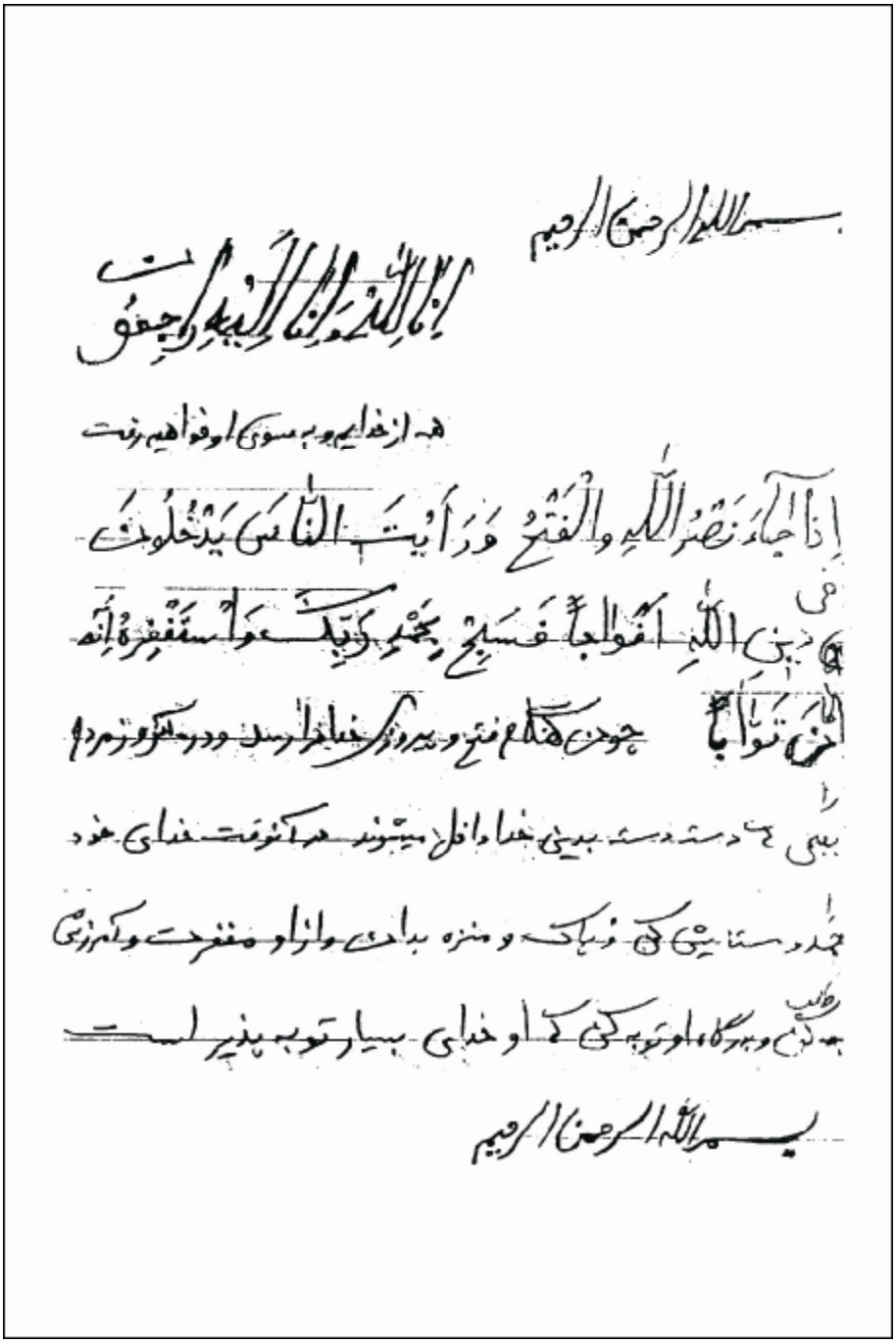
4- در اصل وصیت «چیزهای».

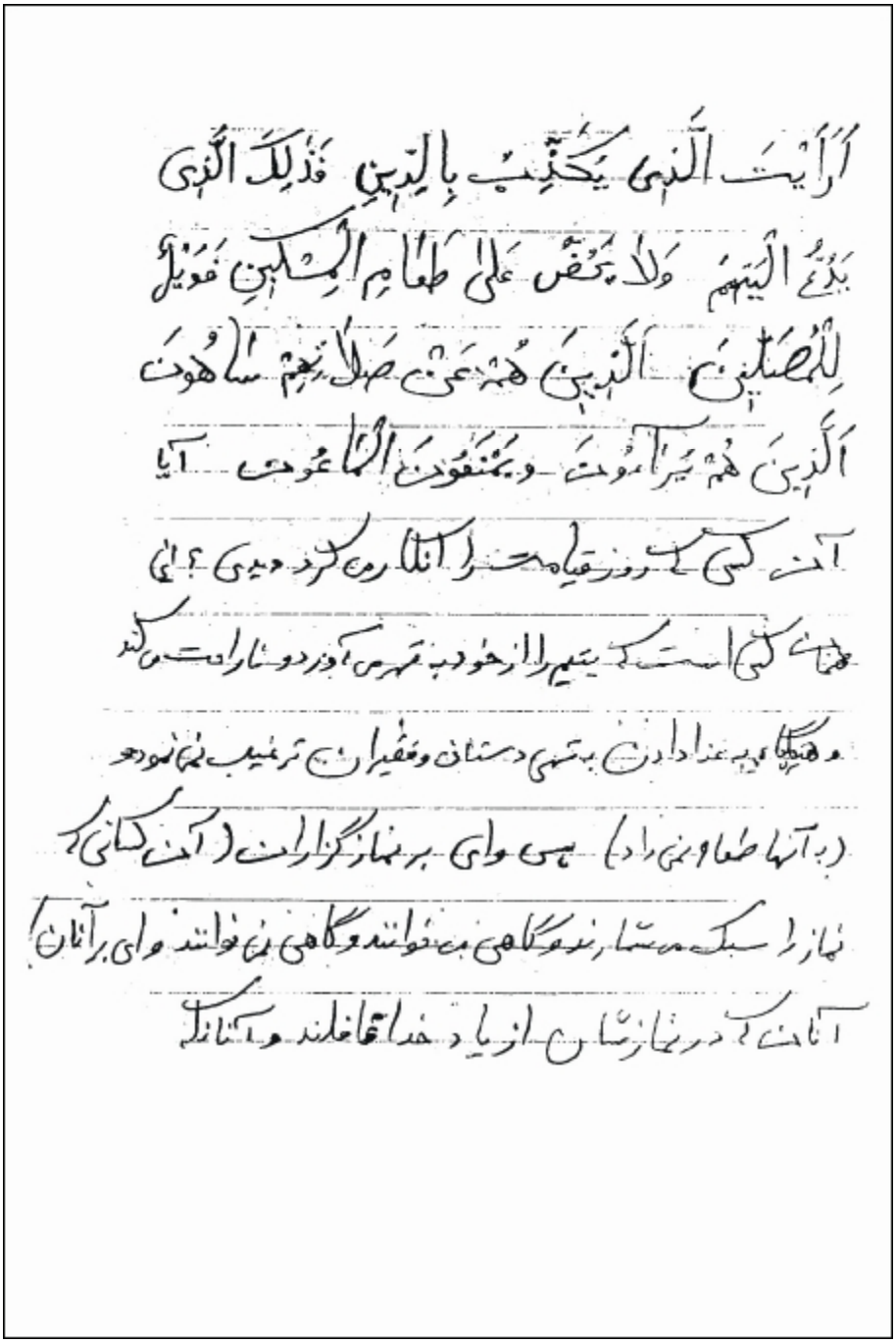
5- در اصل وصیت «خورسند».

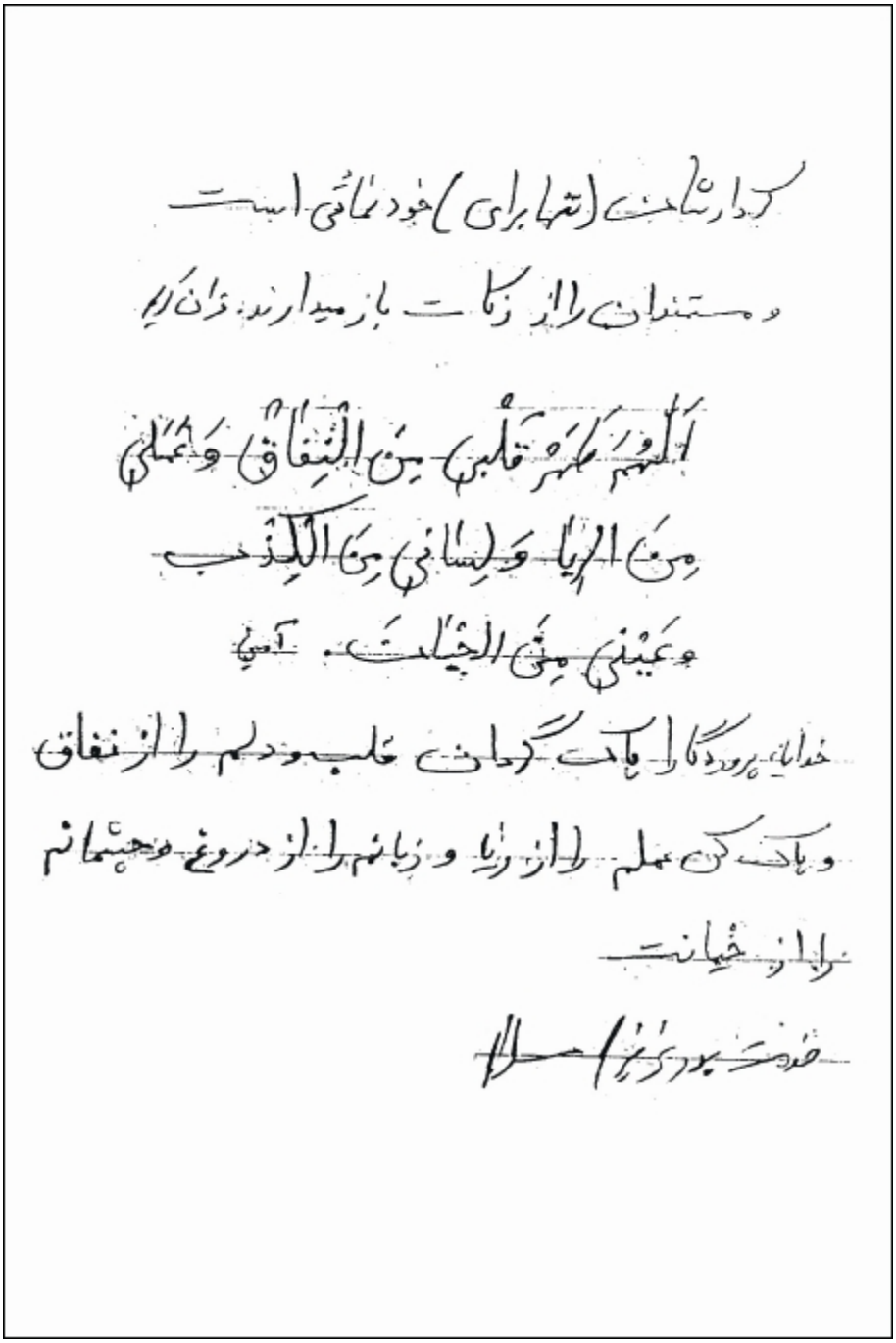
6- در اصل وصیت «خورسند».

7- در اصل وصیت «نسیبم».

8- در اصل وصیت «فقت».







کردار شما (تنها برای) خود نمائی است

و مستمندان را از زکات بازمیدارند. قرآن کریم

اَللّٰهُمَّ طَهِّرْ قَلْبِی مِنَ النِّفَاقِ وَعَمَلِی

مِنَ الرِّیَا وَلِسَانِی مِنَ الْکِذْبِ

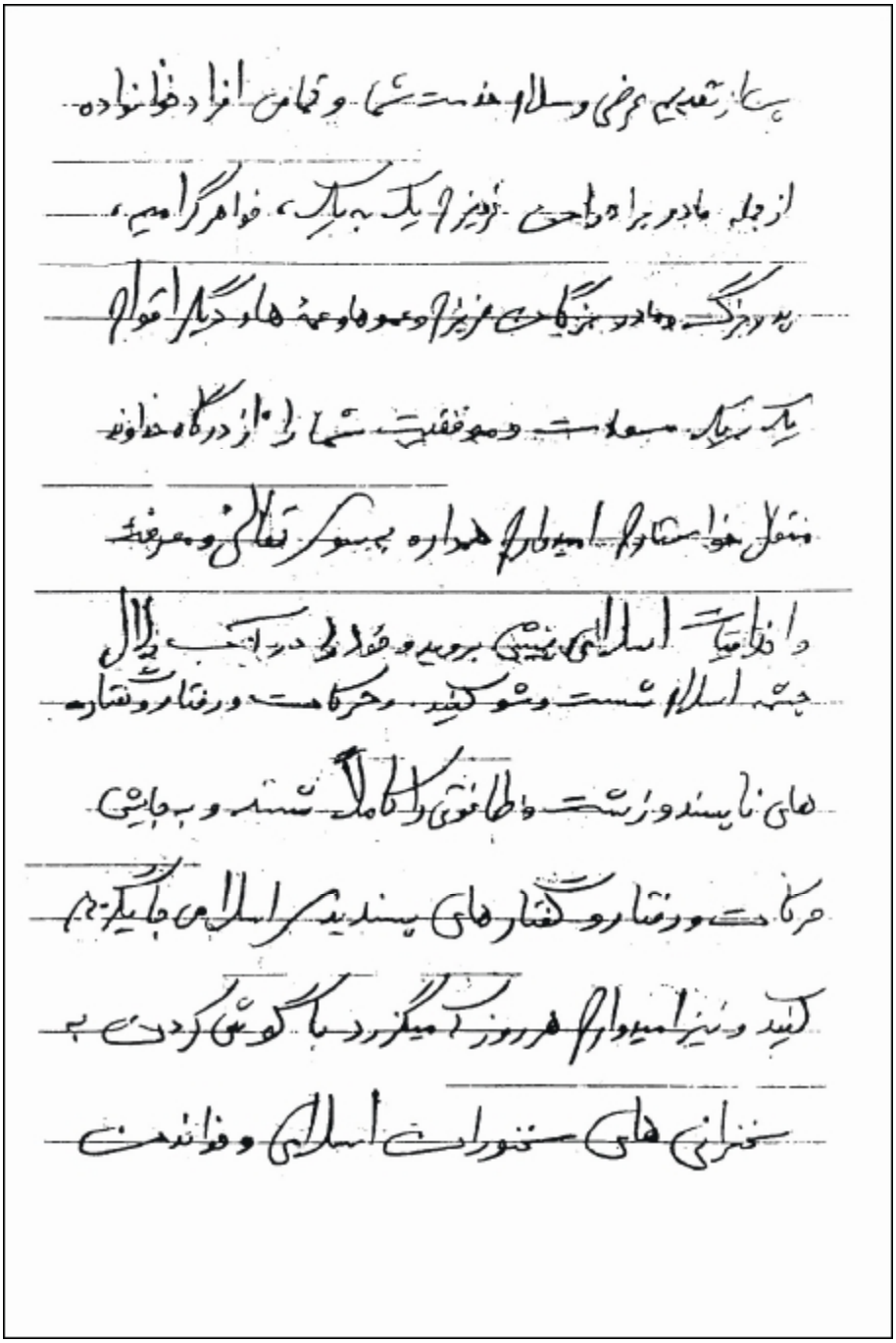
وَعَیْنِی مِنَ الْخِیَانَةِ. آمین

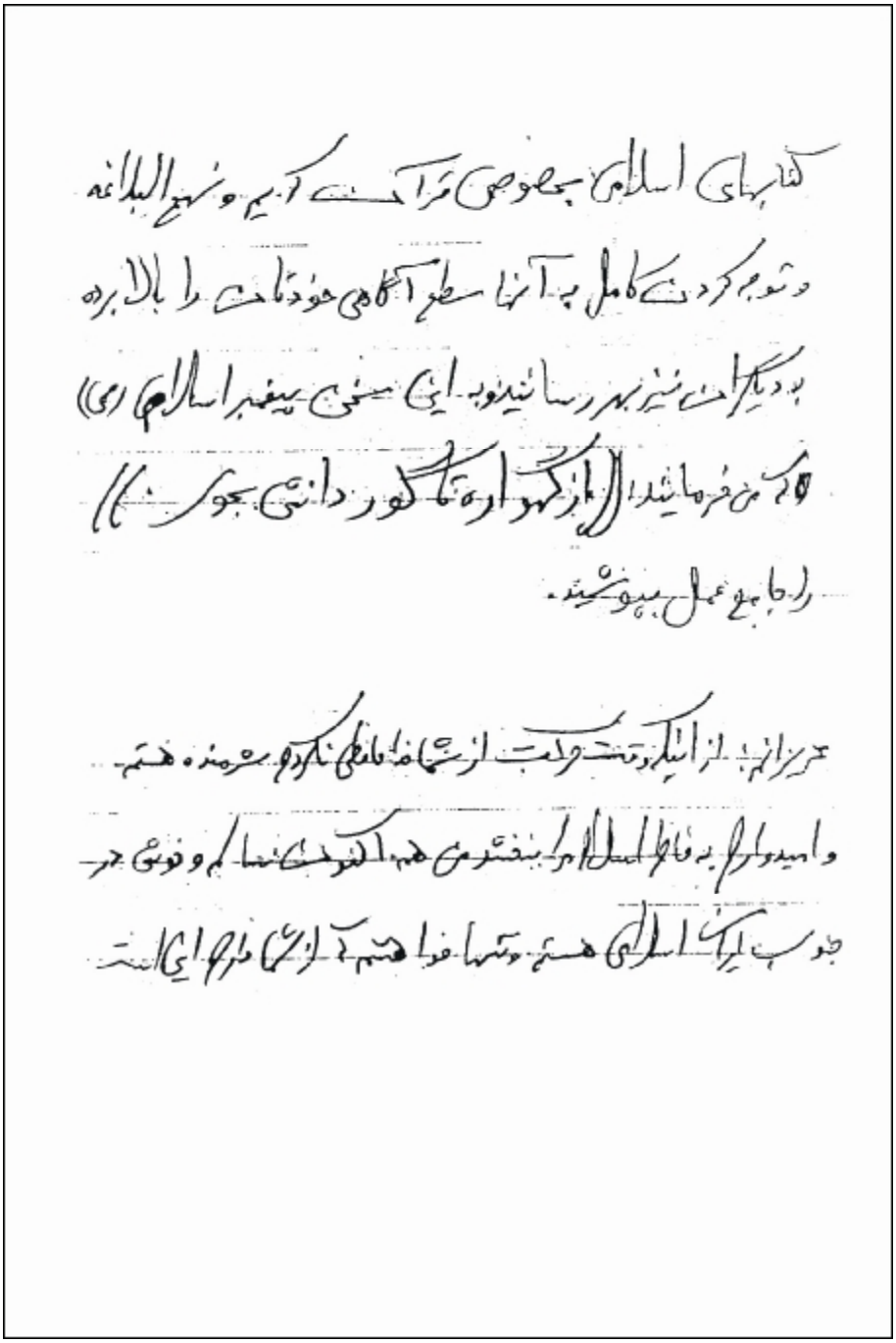
خدایا پروردگارا پاک گردان قلب و دلم را از نفاق

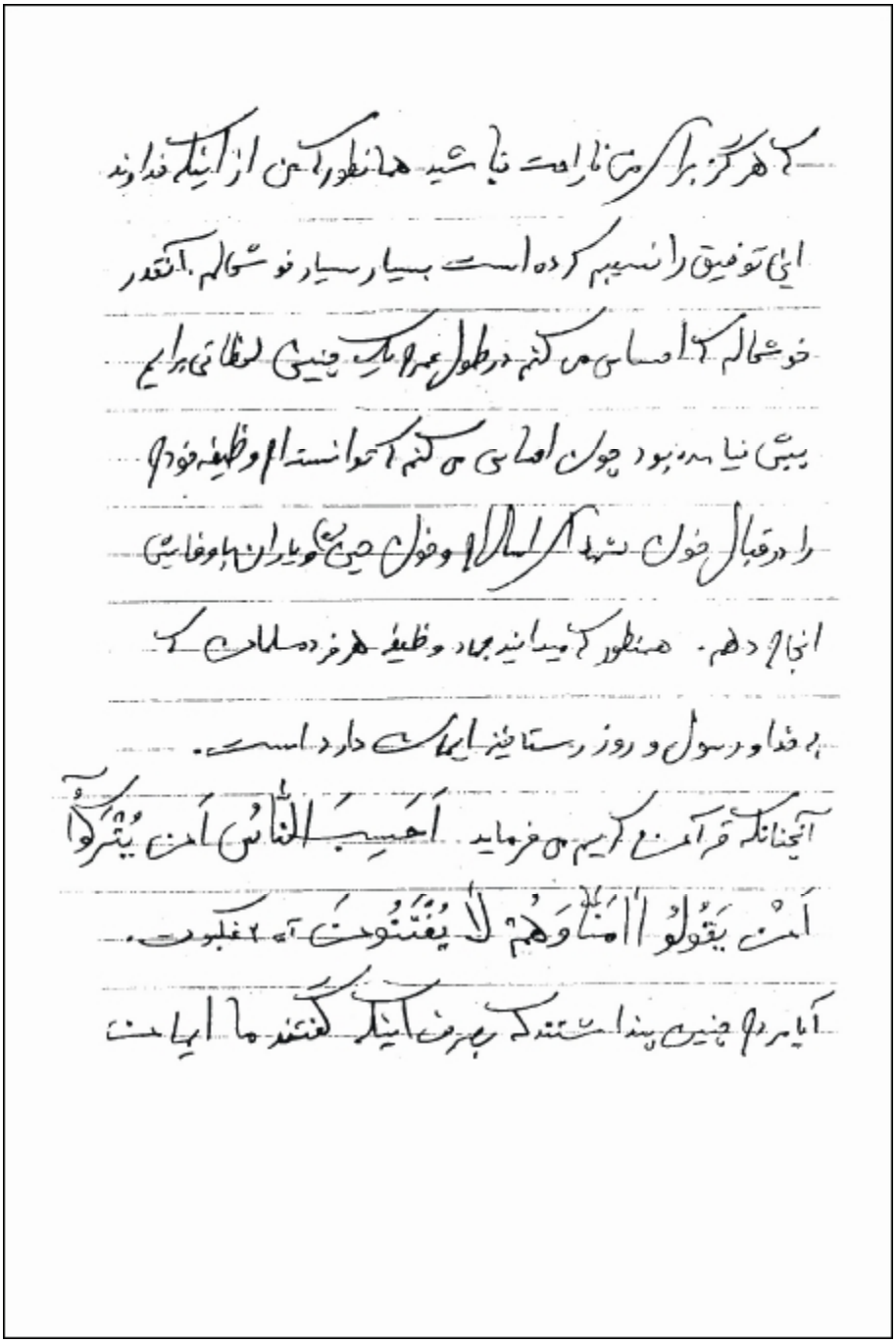
و پاک کن عملم را از ریا و زبانم را از دروغ و چشمانم

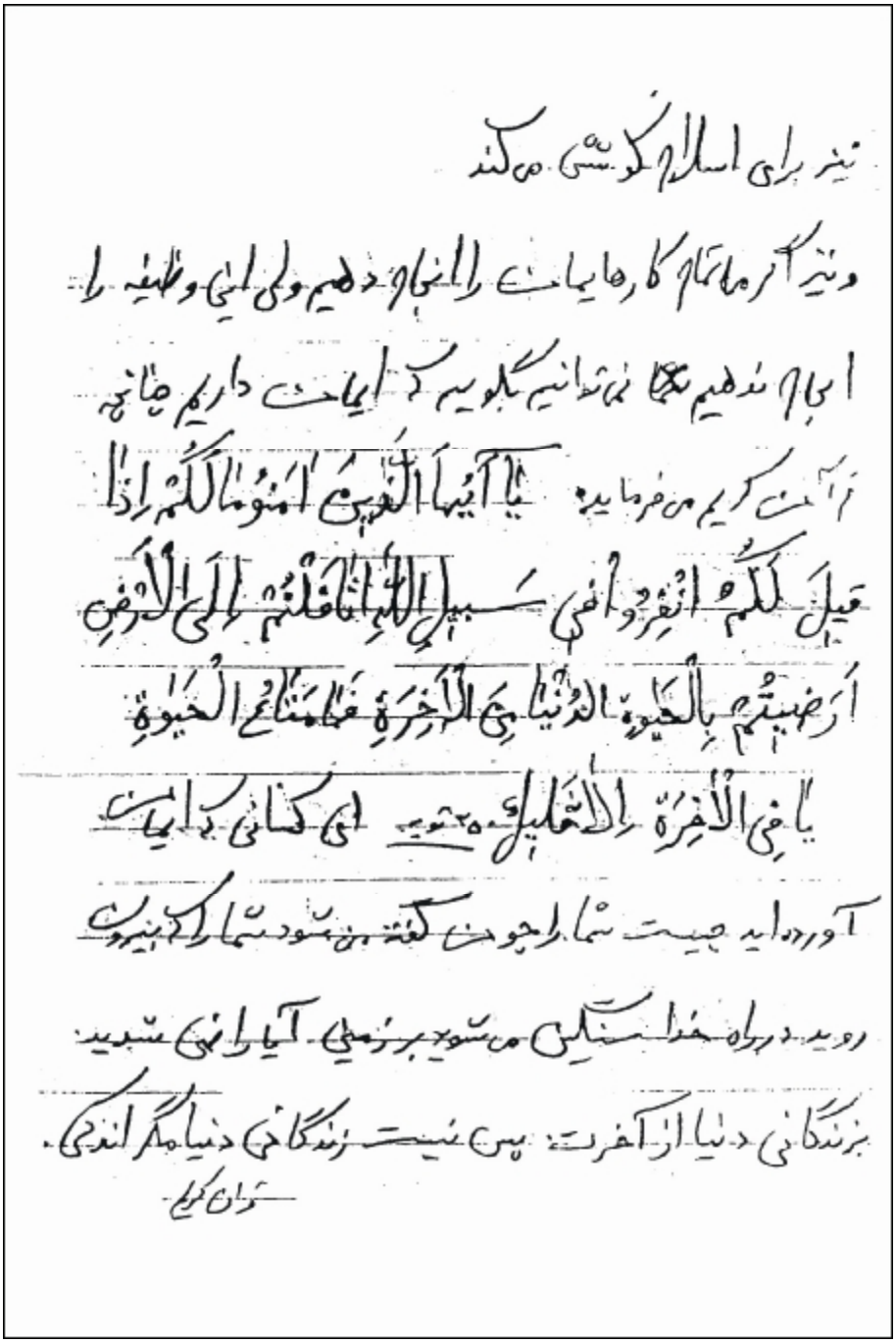
را از خیانت

خدمت بودن برای خدا









نیز برای اسلام کوشش می‌کند

و نیز آرمانها کارهایمان را انجام دهیم ولی این وظیفه را

انجام ندهیم نمی‌دانیم بگوییم که ایمان داریم چنانچه

از آیات کریم می‌فرماید: یا أیها الذین آمنوا مالکم إذا

قیل لکم انفروا فی سبیل الله اثاقلتم إلی الأرض

أرضیتم بالحیوة الدنیا من الآخرة فما متاع الحیوة

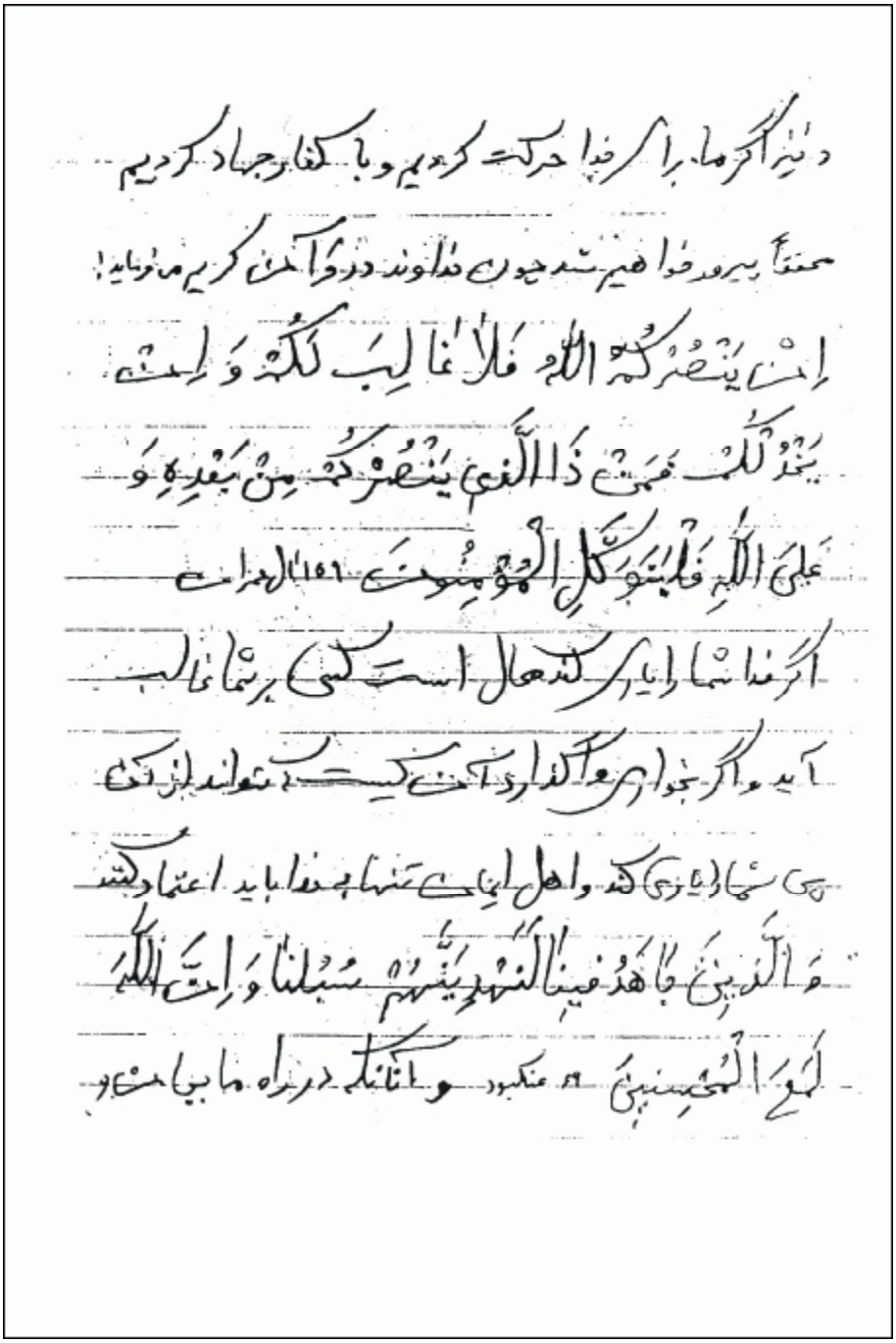
فی الآخرة إلا قلیل ... ای کسانی که ایمان

آورده‌اید چیست شما را چون گفته می‌شود شما را که بیرون

روید در راه خدا سنگین می‌شوید بر زمین. آیا راضی شدید

بزندگانی دنیا از آخرت. پس نیست زندگانی دنیا مگر اندکی.

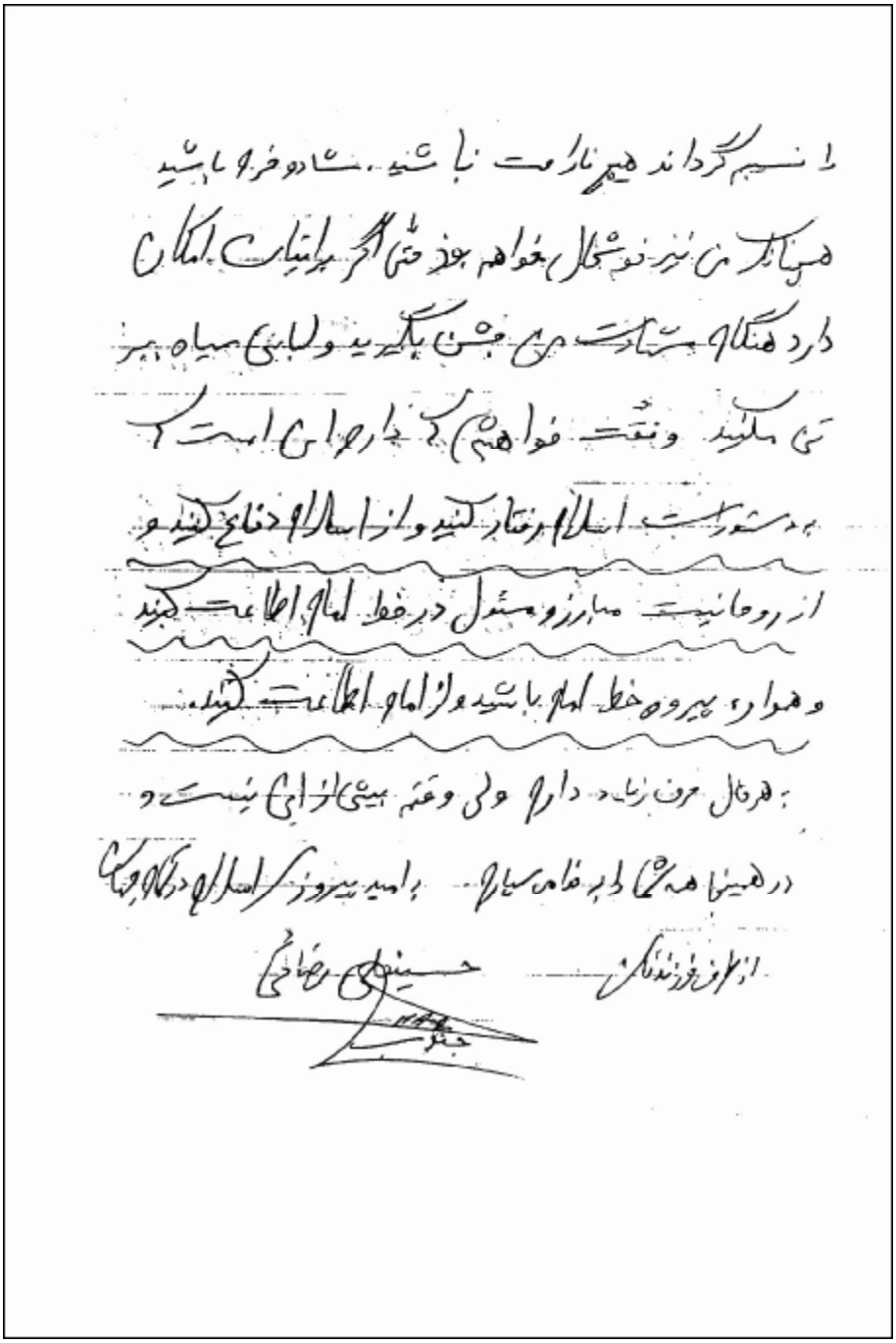
قرآن کریم



مال مجهد و کوشش کردند مقتا آنها را براه خویش
« راه راست » هدایت می کنیم و همیشه خداوند
یار نکوکاران است.

من بنابراین شما باید برای من هیچگونه ناگرانی داشته باشید
چون خداوند یار و یاور من است. شما اگر مرا دوست دارید به
چیزهائی که گویم عمل کنید و بدانید که من از شما بسیار خوشنود
خواهم بود و امید است که خداوند نیز از شما خوشنود شود ولی
اگر مرا دوست ندارید که آنهم امری است جداگانه.

باز هم تکرار می کنم اگر مرا دوست دارید برای من ناراحت
نباشید. و نیز اگر خداوند سعادت شهادت در راه خود را





نام: **عزیزالله**
نام خانوادگی: **رضایی‌برمه**
نام پدر: **محمدحسن**
نام مادر: **فاطمه**
تاریخ تولد: **هجدهم آبان** 1343
محل تولد: **شهرستان تهران**
تحصیلات: **سوم متوسطه**
ارگان اعزام‌کننده: **بسیج**
تاریخ شهادت: **بیست‌وسوم فروردین** 1362
محل شهادت: **شرهانی عراق**
نحوهٔ شهادت: **اصابت ترکش**
مزار: **گلزار شهدای بهشت‌زهرای زادگاهش**

عبارت‌های کلیدی

- برای رسیدن به اسلام راستین باید صبر و استقامت داشت.
- خدایا برای پیش برد اسلام به ما صدها بار جان بده تا فدای اسلام کنیم.
- برادران و خواهرانم تولی و تبری را فراموش نکنند.
- پیرو خط امام باشید.
- در برابر دشمنان داخلی و خارجی اسلام و منافقین «اشداء علی الکفار» باشید.
- لشکر اسلام هیچ وقت شکست نمی‌خورد.
- امت حزب‌الله ادامه‌دهنده راه شهیدان باشند.

عزیزالله رضایی‌برمه[1]

بسم‌الله الرحمن الرحیم

به‌نام خدایی که با راهنمایی خود انسان را به راه راست هدایت می‌کند. سلام بر پدر و مادر عزیز و مهربانم اگر من شهید شدم برای من گریه نکنید، خداوند مهربان را شکر کنید [به] یقین خواست خدا این بوده که من در سنگر اسلام به شما خدمت کنم برای رسیدن به اسلام راستین باید صبر و استقامت داشت. باید شهید داد تا اسلام پاینده و درخشان بماند و از خدا می‌خواهم تا این قطرهٔ خون ناقابل مرا و جان ناچیزم را برای گسترش اسلام [در حضور] بپذیرد و اگر جان ما آن ارزش را دارد که برای اسلام فدا شود و اسلام پیش برود صدها بار به ما جان بده تا مبارزه کنیم و شهید بشویم و این را بگویم که من راه خود را انتخاب کردم و از شما می‌خواهم که برای من هیچ نگرانی نداشته باشید. چون هدفم اسلام است می‌خواهم با خون خود درخت اسلام را آبیاری کنم و راه حسین(**7**) را بپیمایم. چون ماندن در این دنیا بی‌فایده است و شما ای مادر و پدرم که سال‌ها برای من زحمت کشیدید و رنج‌ها بردید و برای این روز مرا آماده کردید تا بتوانم در اسلام کاری از پیش ببرم به برادرانم و خواهرانم و دوستانم و همه کسانم بگویید[2] که تولی و تبری را فراموش نکنند و آن را درست بکار ببرند که ما آنچه می‌کشیم از عدم [رعایت] همین مسائل است [ما را] و به ایشان بگویید[3] که پیرو خط امام باشند و نهایت اطاعت و استفاده را در قبال رهبری از ایشان ببرند که بدانید همان راه انبیاء می‌باشد و شما باید در برابر دشمنان اسلام چه داخلی از جمله منافقین[4] و چه خارجی طبق آیهٔ «**اشداء علی الکفار**»[5] برخورد قاطع داشته باشید و شما را باکی از شکست نباشد چون «لشکر اسلام هیچ وقت شکست

1- بالای وصیت‌نامه این جمله را از امام‌خمینی نوشته‌اند: «این وصیت‌نامه‌ها انسان را می‌لرزاند و بیدار می‌کند».
2- در اصل وصیت «بگوئید».
3- در اصل وصیت «بگوئید».
4- ر.ک. تعلیقات.
5- فتح/ 29.

نمی‌خورد اگر بماند پیروز است و اگر شهید شود باز هم پیروز است در هر دو جهت و ملتی که شهادت برای او سعادت است شکست ندارد»[1]. (امام خمینی)

با سلام و درود بر امت حزب‌الله و همیشه در سنگر و در صحنه ایران برادران و خواهران حزب‌الهی، من چون شهیدی از امت حزب‌الله هستم از شما می‌خواهم که ادامه دهندهٔ راه تمام شهیدانتان باشید، مخصوصاً بهشتی[2] شهید مظلوم و شهید رجائی[3] و برادر باهنر[4] دیگر عرضی ندارم و شما را به خدای بزرگ و تعالی می‌سپارم. خدا نگه‌دار

«والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته»

شنبه 62/1/20 ساعت 11/25 صبح

«خدایا خدایا تا انقلاب مهدی خمینی را نگه‌دار».

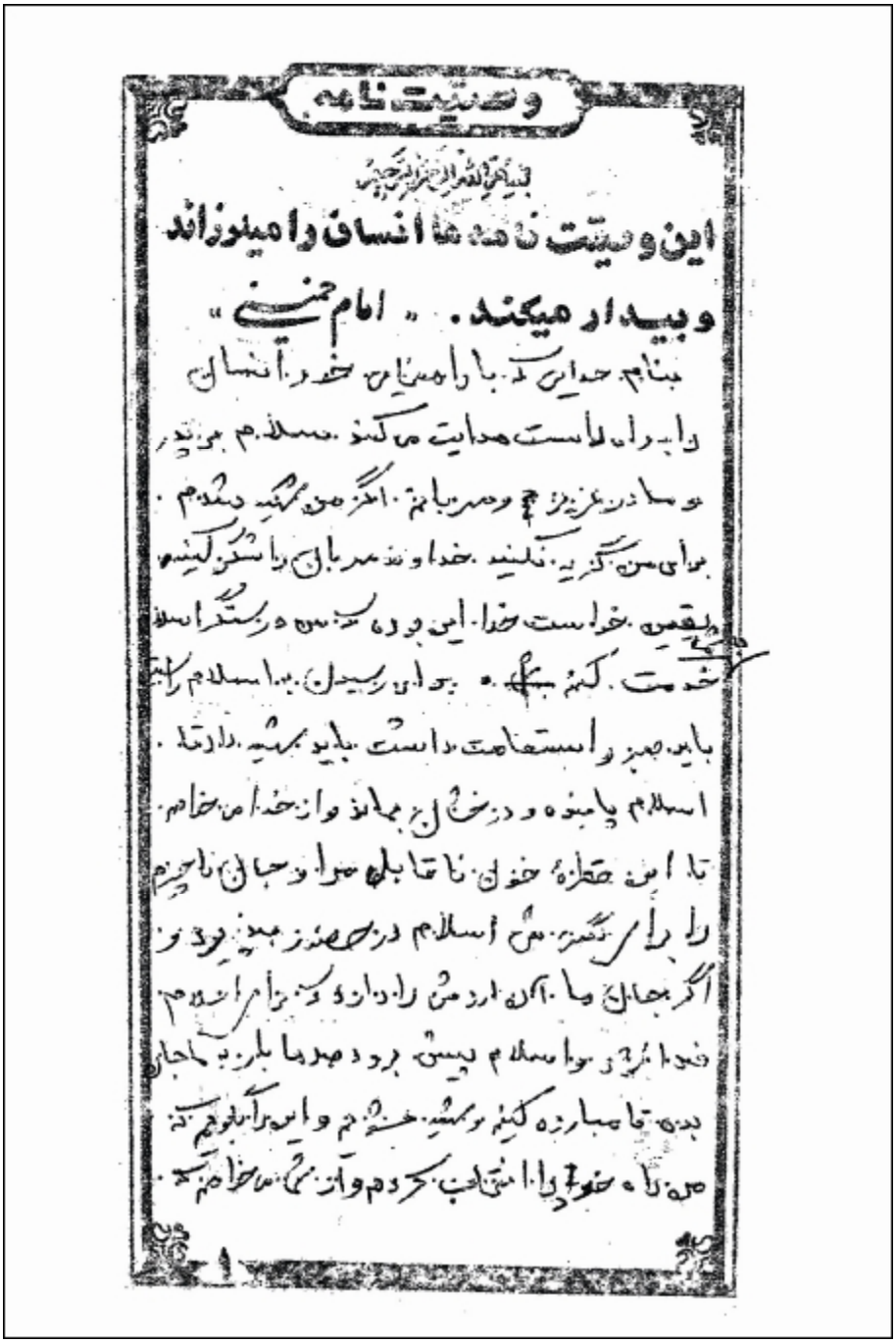
شهید عزیزالله رضایی

1- صحیفه امام، جلد13، ص 187.

2- ر.ک. تعلیقات.

3- ر.ک. تعلیقات.

4- ر.ک. تعلیقات.



وصیت نامه

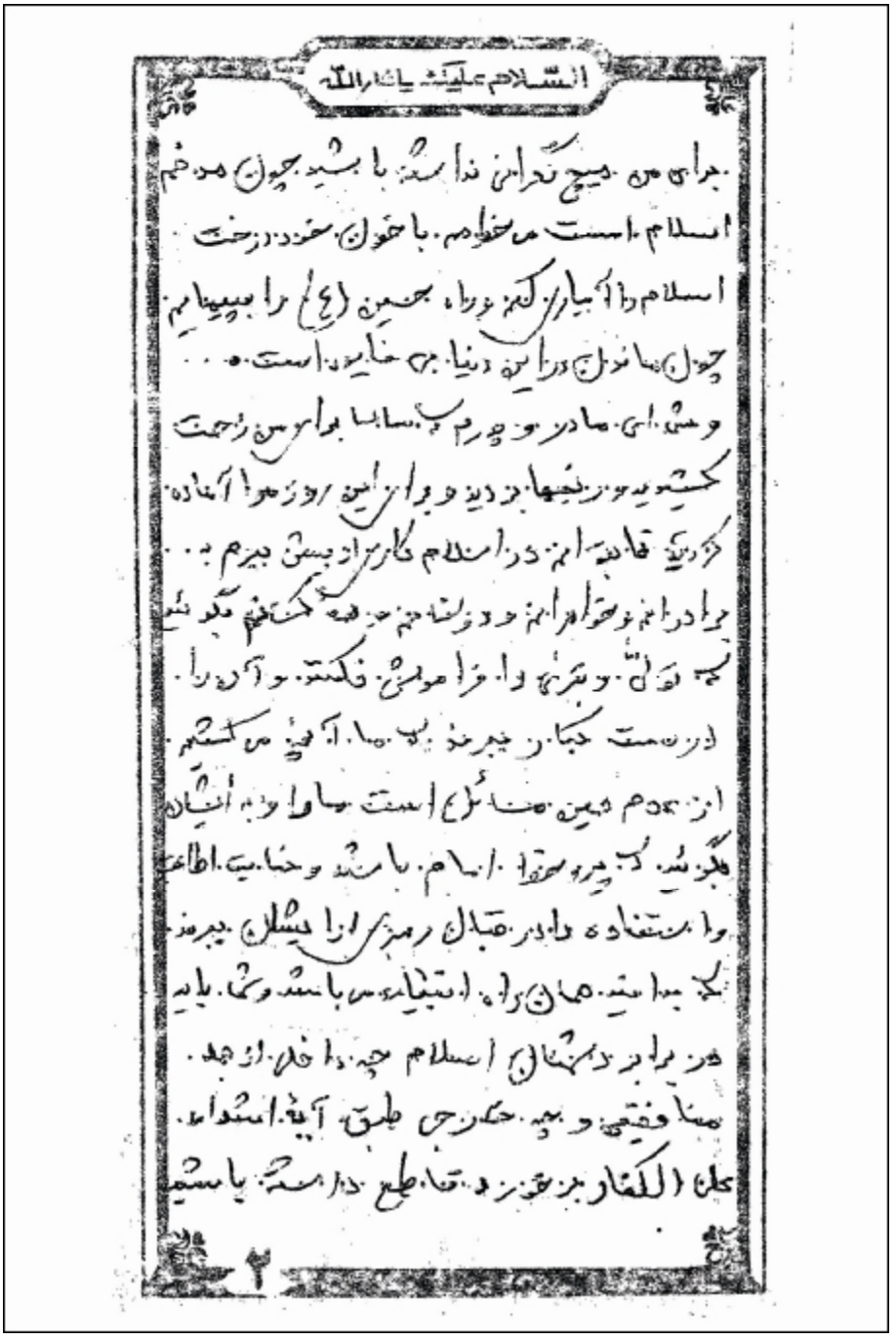
بسم الله الرحمن الرحیم

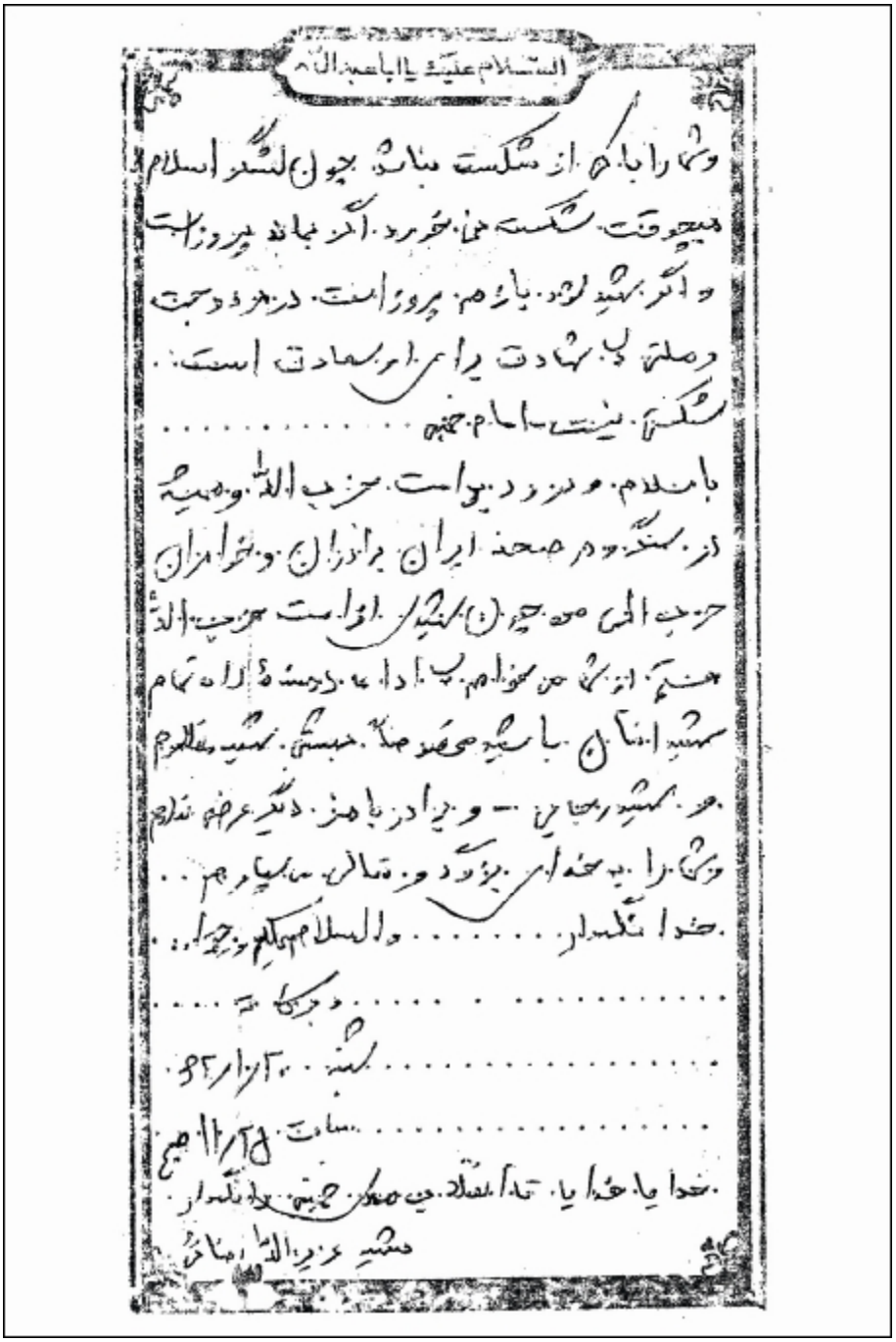
این وصیت نامه ها انسان را میسوزاند

و بیدار میکند. « امام خمینی »

بنام خدای که با راه انسان خود را انسان
و با او راه است هدایت می کند. سلام بر پدر
و مادر عزیز و صبر بانو. اگر من شهید شدم
برای من گریه نکنید. خداوند صبر بانو را زیاد کند
بقیه خواست خدا. این وصیت نامه در راستگاه اسلام
خدمت کنم. برادران و خواهران با اسلام را
باید صبر و استقامت داشت باید همیشه داد تا
اسلام پاینده و در خون ما نماند و از خدا می خواهم
تا این قطره خون ناقابل مرا و جان ناچیزم
را برای نگهبانی اسلام در صدر بپذیرد و
اگر جان ما آن ارزش را داشته باشد که برای اسلام
خدا بگیرد و به اسلام پیش برود همه با یاری به جان
بدهم تا مبارزه کنیم و شهید شویم و این را آرزو می کنم
من راه خود را انتخاب کردم و از آن راضی هستم.

۱




السلام علیک یا اباعبدالله



نام: **غلامحسین**
نام خانوادگی: **رضوانی**
نام پدر: **قاسم**
نام مادر: **خدیجه**
تاریخ تولد: **نهم خرداد** 1341
محل تولد: **شهرستان شاهرود**
تحصیلات: **دوم متوسطه**
ارگان اعزام‌کننده: **بسیج**
تاریخ شهادت: **یکم فروردین** 1361
محل شهادت: **سومار**
نحوهٔ شهادت: **اصابت گلوله**
مزار: **گلزار شهدای زادگاهش**

عبارت‌های کلیدی

- مبادا امام را تنها بگذارید.
- نگذارید منافقین حقیقی به اسلام لطمه بزنند.
- مادرم اگر شهید شدم ناراحت نباش زیرا تو با خدا معامله کرده‌ای و در عوض من بهشت را گرفته‌ای.
- یادتان نرود برای امام دعا کنید.
- آرزوی من مثل هر جوان لبیک به ندای رهبر است.
- امام امید این انقلاب است.
- کسانی مرا تشییع کنند که پیرو خط امام باشند.

غلامحسین رضوانی

بسم‌الله الرحمن الرحیم

بسم‌رب الشهداء و الصدیقین

«والذین هاجروا[1] فی سبیل الله ثم قتلوا[2] او ماتو لیرزقنهم الله رزقنا حسناً و ان الله لهو[3] خیر الرازقین»[4]

«و آنان که در راه خدا از وطن هجرت کردند و در این راه کشته شدند و یا مرگشان فرا رسید، البته خدا رزق نیکویی[5] نصیبشان می‌گرداند به درستی که خداوند بهترین روزی دهندگان است».

با سلام و درود فراوان بر روان پاک خاتم‌النبیین[6] حضرت محمد(**6**) و خاندان پاکش و با درود فراوان بر منجی انسان‌ها و هادی عدالت گستر مهدی صاحب‌الزمان(عج) و نایب برحقش امام امت خمینی روح‌الله.

چند سخنی با برادران و دوستان.

برادران، من جوان 20 ساله‌ای هستم که با یک دنیا امید و آرزو که هر جوانی در دل دارد ندای رهبر را شنیده[7] [و] لبیک گویان به جبهه‌های جنگ روانه می‌شوم راستی که چه سخت و شیرین است برای جوانی با این سن وصیت نوشتن وصیتی در راه خدا و برای خدا، دوستان و برادران وصیتی که من برادر کوچک شما به شما می‌کنم این است که مبادا امام ما این امید انقلاب این کسی که در تمام عمر برای اسلام رنج‌ها دیده است تنها بگذارید برادرانی که در مدارس هستند از آن‌ها می‌خواهم که مواظب منافقین[8] باشند

1- در اصل وصیت «هاجرو».
2- در اصل وصیت «فی سبیل‌الله قتلوا».
3- در اصل وصیت واژهٔ «لهو» خوانا نیست.
4- حج/ 58.
5- در اصل وصیت «نیکوئی».
6- در اصل وصیت «النبین».
7- در اصل وصیت «شنید».
8- ر.ک. تعلیقات.

نگذارند این منافقین به اسلام لطمه‌ای بزنند. از دوستانی که مرا می‌شناسند تقاضا دارم وقتی شهید شدم نگذارند زیر جسدم مرا عده‌ای منافق که به ولایت فقیه اعتقاد ندارند بگیرند، زیر جنازه من را باید کسانی بگیرند که واقعا در خط امام باشند. اگر در این دنیا من به کسی از روی غرور جوانی بدی کرده‌ام، مرا ببخشد و مرا حلال کند.

و حال سخنی با مادرم:

مادر جان در این دنیا تو برای من رنج‌ها کشیده‌ای و شکنجه‌ها دیده‌ای امیدوارم که خداوند تعالی اجرت[1] را با حضرت زهرا بدهد. مادر جان بزرگترین تقاضای من از تو [مادر] این است که مرا ببخشی و حلالم کنی چون من در این سن با غرور و تعصبی[2] که داشتم نافرمانی‌هایی به تو کرده‌ام پس مرا ببخش و حلال کن مادر جان حال که تو دو فرزندت حسن و حسین را به جبهه فرستاده‌ای اگر خدای خواسته شهید شدیم مبادا گریه کنی مبادا شیون کنی چون منافقین[3] خوشحال می‌شوند مادر جان اگر به توفیق خدا شهید شدیم و جنازه ما پیدا نشد هیچ ناراحت [...][4] مباشی چون ما امانتی هستیم در دست تو و تو مربی ما هستی پس خداوند می‌خواهد امانتش را از تو بگیرد و حتی جنازه‌اش را هم به تو ندهد پس ناراحت مباش و خوشحال باش که با چنین خداوندی وارد معامله شده‌ای، پسرانت را می‌دهی و در عوض بهشت می‌گیری. اگر من شهید شدم مادر مرا در کنار قبر برادر عزیزم، سیدمحمد دفن کنید و یک پرچم و یا [...][5] سبز بر روی قبر من بگذارید.

و حال چند سخن با دو برادرم، اول برادرم قدرت‌الله. داداش جان مرا ببخش و حلال کن در این دنیا من به تو بدی زیاد کرده‌ام تو را در پیش مادر دلسرد کرده‌ام پس من در حق تو بی‌انصافی کرده‌ام مرا ببخش و حلال کن.

برادر جان وصیتی که من برای تو دارم این است که اول اگر خدا خواست و ما را با خود برد تا می‌توانی و توان در بدن داری با یاری خداوند از مادرم این رنج دیده نگهداری کن و او را دلداری بده و مگذار که گریه کند که من رضا نیستم تو و مادر گریه کنید. و

1- در اصل وصیت «جرت».
2- در اصل وصیت «تأثبی».
3- ر.ک. تعلیقات.
4- خوانا نیست.
5- خوانا نیست.

دیگر وصیتم این است که کتابخانه مرا قسمتی از آن را به شورای وحدت و قسمتی دیگر [...][1] روابط عمومی سپاه واگذاری و مبلغ 500 تومان به برادر شعبانی در کتابخانه کودک و مبلغ 300 تومان هم به برادر [...][2] در روابط عمومی بدهی. برای من به مدت یک ماه[3] روزه و یک سال نماز بخوانید.

و دیگر برادرم قربانعلی رحیمی، رحیمی جان تو در این دنیا با توفیق خداوند مرا به زندگی امیدوار کرده‌ای پس من از تو بسیار متشکرم از قول من تمام بچه‌ها و خواهرم محبوبه را سلام زیاد برسان و مرا حلال کنید.

در پایان [از] امام یادتان نرود برای امام دعا کنید.

خدایا خدایا ترا به جان مهدی

تا انقلاب مهدی خمینی را نگه‌دار

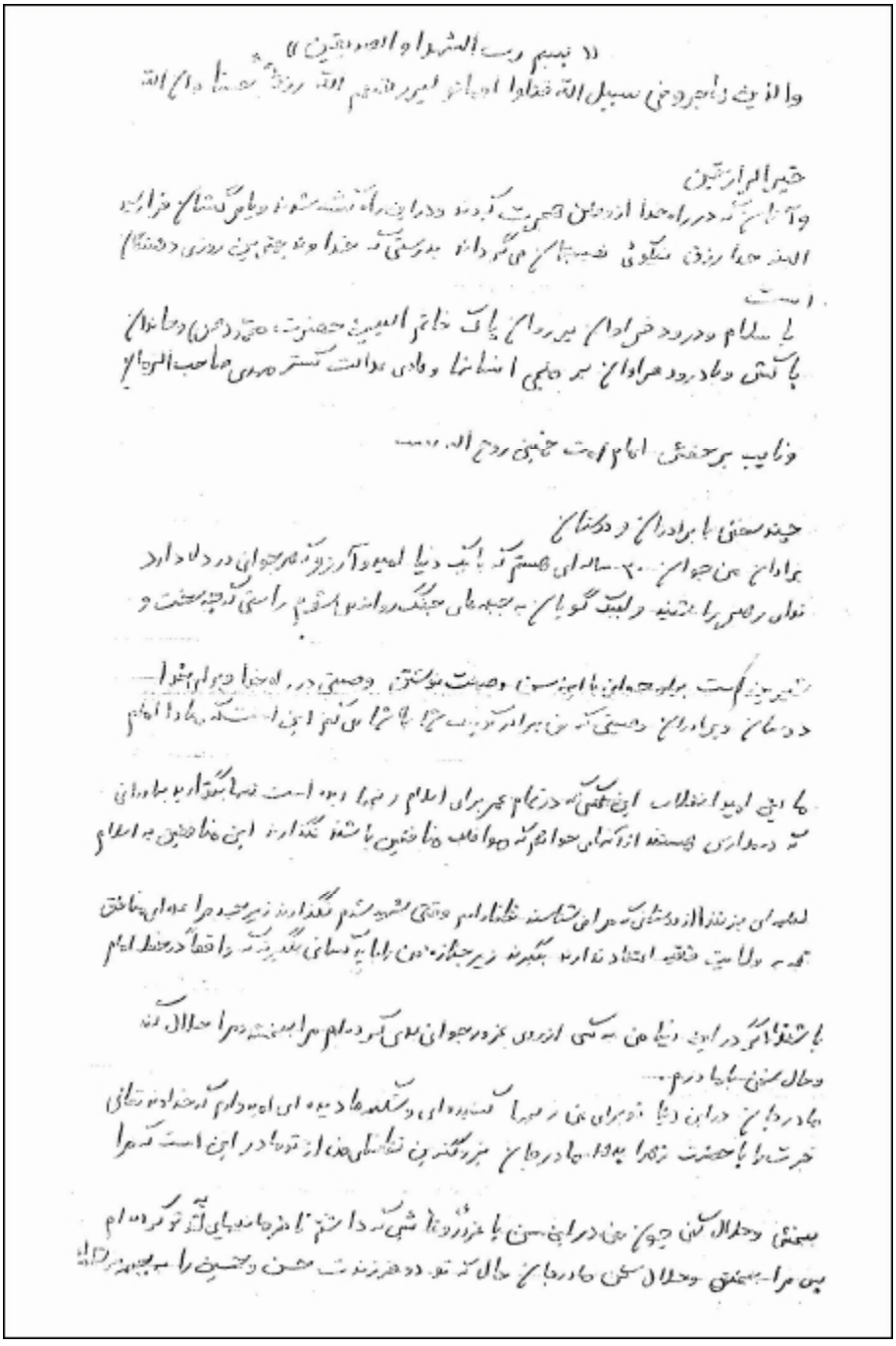
1360/11/14 مصادف با 8 ربیع‌الاول

غلامحسین رضوانی

1- خوانا نیست.

2- خوانا نیست.

3- در اصل وصیت «ما».



« بسم رب الشهداء والصدیقین »

وا الذین قتلوا فی سبیل الله فلن یضل اعمالهم الله روزی شهدا دارالله

خیرالوارثین

وآنجایی که در راه خدا از دامن عصمت گذرند و در این راه آغشته شوند و جام گلگون فنا را
السند خدا روزی سکوتی نصیبشان می گردانند بدرستی که خدا و به چشم بین روزی دهندگان
است.

با سلام و درود خدا بر روان پاک خاتم النبیین حضرت محمد (ص) و خاندان
پاکش و با درود فراوان بر جانی انسانها و وادی عدالت گستر مهدی صاحب الزمان

و نایب برحقش امام امت خمینی روح الله

چند سخنی با برادران و خواهران

برادران من جوانی ۲۰ ساله ای هستم که با یک دنیا امید و آرزو که هر جوان در دل دارد
قدم در راه نهادم و لبیک گویان به جبهه های جنگ روانه شدم و راستی در چه سخت و

خیر من کجا بود همان بهتر است وصیت بنویسم وصیتی در راه خدا و برای خدا
و برادران و خواهرانی که من برادر کوچک شما هستم که یادگار امام

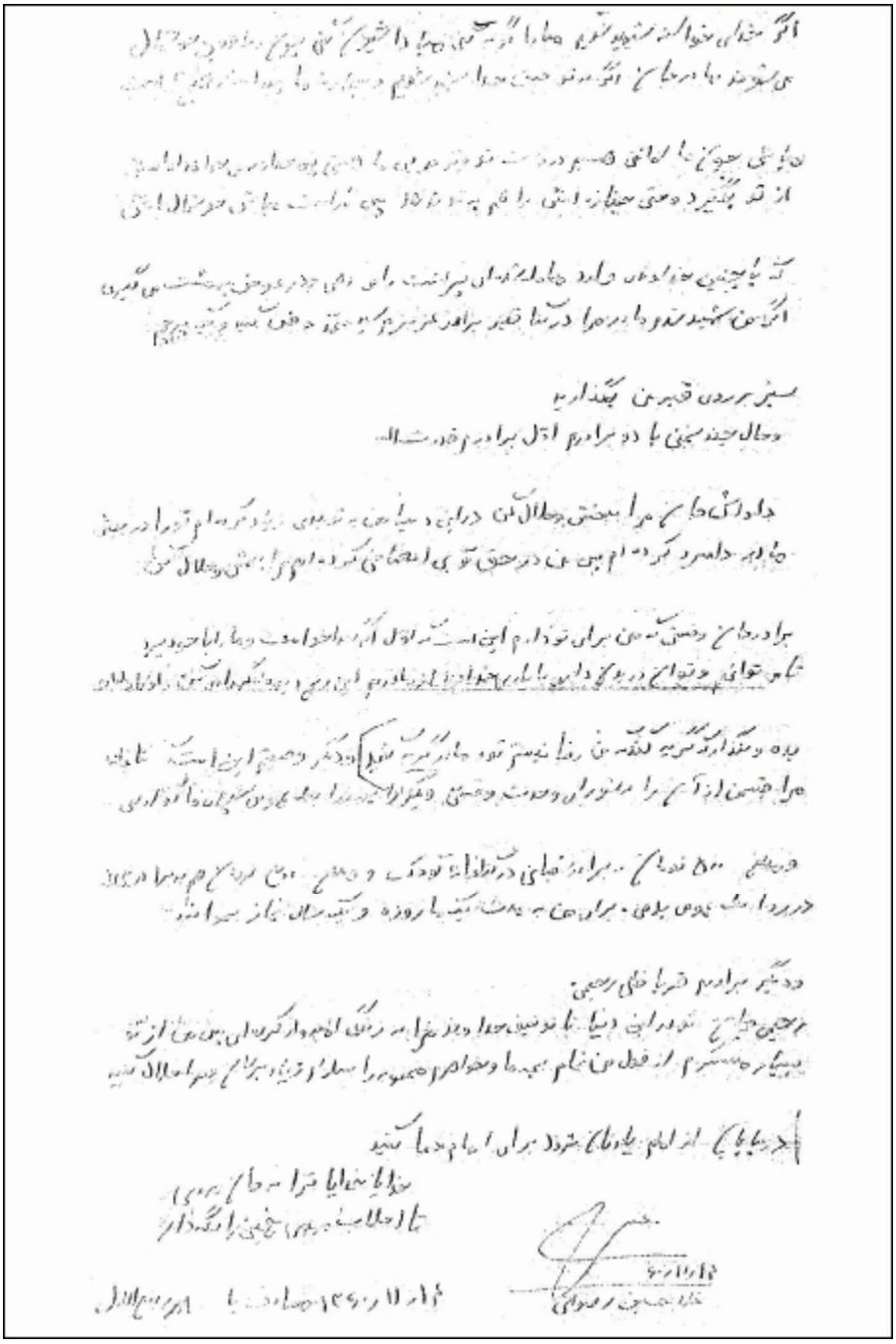
با این امید انقلاب این شخص که در انجام تحریر برای اسلام و میهن اسلامی ضربه گذارد به برادران
که در راه اسلام از کشورهای خود فرار کرده اند و ناخلفی باشند نگذارند این ناخلفی به اسلام

لطمه ای بزنند از دوستانی که مرا می شناسند خواهشم این است وقتی شهید شدم نگذارند زیر جنازه را عده ای ناخلف
قدم ولایت فقیه اعتقاد ندارند بگویند زیر جنازه من باید آیه ای نگذارند که فقط مورد حفظ امام

باشد اگر در این دنیا من به کسی از دوستان بزرگوار جوانی بدی کرده ام مرا ببخشند مرا حلال کنند
و حال سخنی با پدر و مادرم

پدر و مادرم در این دنیا نتوانستم هیچ گونه وظیفه ای را که بر عهده داشتم آنطوری که خود شما
خوب می دانید انجام بدهم پدر و مادرم بزرگترین خطایی که از تو دارم این است که مرا

بخشی و حلال کنی چون من در این سن با مشکلات زیادی روبرو شدم و از جاده ای که تو برایم
پیش پا گذاشته بودی منحرف شدم مرا ببخش و حلال کن





نام: **سیدعلی‌اکبر**
نام خانوادگی: **رضوی**
نام پدر: **سیدعلی‌اصغر**
نام مادر: **منور**
تاریخ تولد: **ششم خرداد** 1340
محل تولد: **روستای رویان از توابع شهرستان شاهرود**
تحصیلات: **پایان دورهٔ ابتدایی**
ارگان اعزام‌کننده: **بسیج**
تاریخ شهادت: **هجدهم تیر** 1360
محل شهادت: **پاوه**
نحوهٔ شهادت: **اصابت ترکش**
مزار: **گلزار شهدای زادگاهش**

عبارت‌های کلیدی

- ما بفرمان امام می‌رویم تا علیه کفار و منافقین بجنگیم.
- ما وظیفه داریم در مقابل کسانی که می‌خواهند جمهوری اسلامی را سرکوب کنند بایستیم.
- ما وظیفه داریم از اسلام و قرآن دفاع کنیم.
- برادرانم را با احکام اسلام آشنا سازید.
- نگذارید منافقین در جامعه رسوخ کنند.

سیدعلی‌اکبر رضوی

بسم‌الله الرحمن الرحیم

«الذین آمنوا و هاجروا[1] و جاهدوا فی سبیل الله باموالهم و انفسهم اعظم درجة عندالله و اولئک هم الفائزون».[2]

«و کسانی که ایمان آوردند و در راه خدا هجرت و جهاد کردند با مال‌ها و جان‌هایشان درجه‌ای بزرگ برای آنان در نزد خداست، همانا که از رستگارانند».

و ما می‌رویم تا بر علیه کفار و منافقین[3] بجنگیم به فرمان امام عظیم‌الشأنمان[4] تا حق این مستضعفان جهان را از ستمکاران و یاوه‌گویان بستانیم. و کسانی که می‌خواهند جمهوری اسلامی را سرکوب کنند و به خیال خام خودشان بشکنند ما وظیفه داریم که در مقابل این مزدوران خبیث بایستیم و از اسلام و قرآن راهنمای مسلمانان جهان که خداوند ما فرستاده است تا آخرین قطره خونمان از آن دفاع خواهیم کرد.

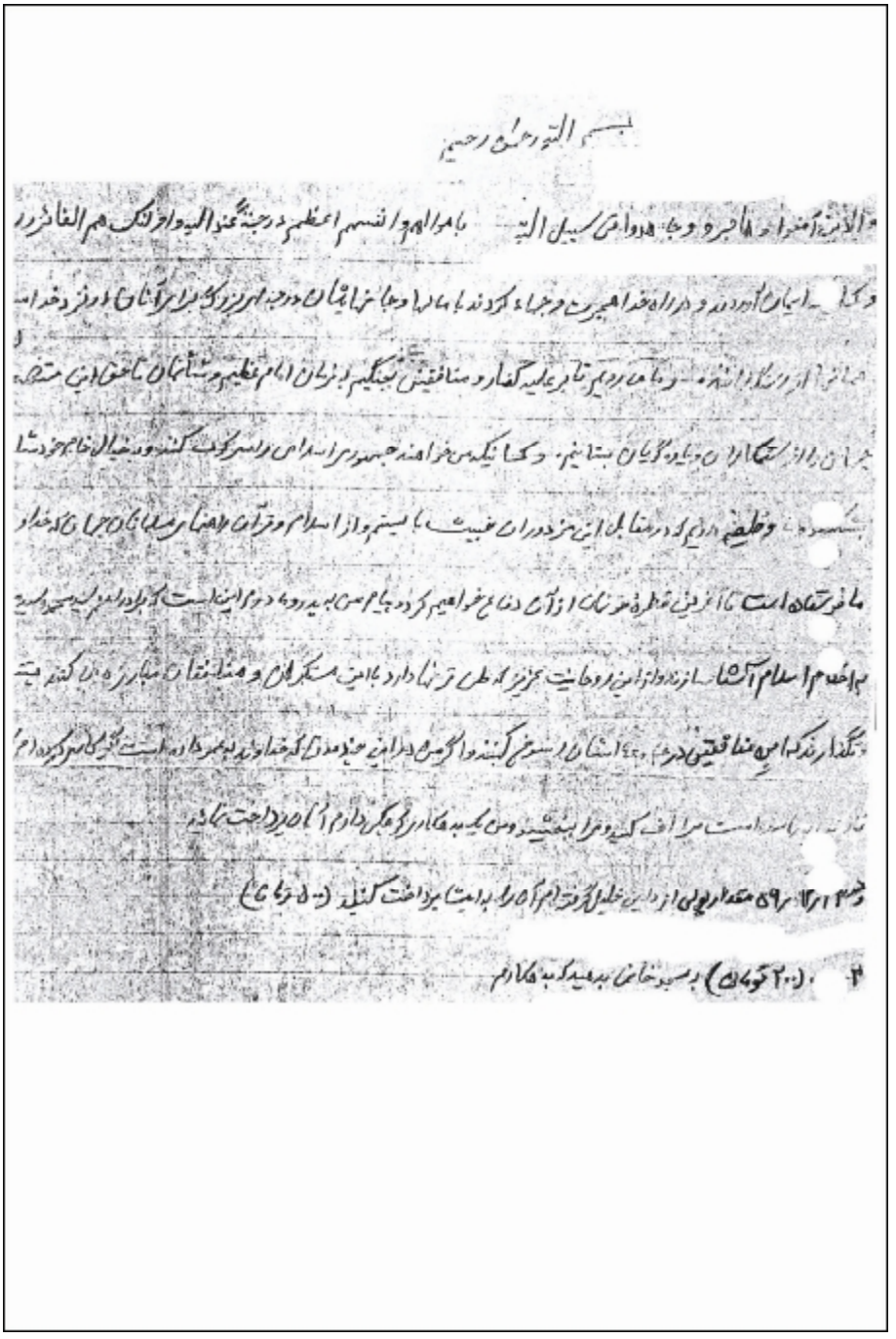
و پیام من به پدر و مادرم این است که برادرانم سید محمد و سید [...][5] به احکام اسلام آشنا سازند و از این روحانیت عزیز که طی قرن‌ها دارند[6] با این مستکبران و منافقان مبارزه می‌کنند [...][7] نگذارند که این منافقین در جامعه ایشان رسوخ کنند و اگر هم در این چند مدتی که خداوند به [من][8] عمر داده است اگر کاری کرده‌ام [...][9] مرا عفو[10] کنید و مرا ببخشید و من یک بدهکاری کوچکی دارم که آن را پرداخت نمایید.[11]

1- در اصل وصیت «هاجرو».
2- توبه/ 20.
3- ر.ک. تعلیقات.
4- در اصل وصیت «عظیم و شأنمان».
5- خوانا نیست.
6- در اصل وصیت «دارد».
7- در اصل وصیت «ناخوانا» باید به سیاق عبارت «می‌خواهم» باشد.
8- در اصل وصیت «به عمر».
9- خوانا نیست.
10- در اصل وصیت «اف».
11- در اصل وصیت «نمائید».

و در 59/12/13 مقدار پولی از دایی خلیل گرفته‌ام آن را به ایشان[1] پرداخت کنید (500 تومان)

(200 تومان) به مسجد خانی بدهید که بدهکارم.

1- در اصل وصیت «ایشا».





نام: **علی**
نام خانوادگی: **رضی‌آبادی**
نام پدر: **محمدقلی**
نام مادر: **فاطمه**
تاریخ تولد: **سیزدهم آبان** 1345
محل تولد: **شهرستان دامغان**
تحصیلات: **پایان دورهٔ راهنمایی**
ارگان اعزام‌کننده: **بسیج**
تاریخ شهادت: **بیست‌وچهارم اسفند** 1363
محل شهادت: **شرق رود دجله**
نحوهٔ شهادت: **اصابت ترکش**
مزار: **گلزار شهدای فردوس رضای زادگاهش**

عبارت‌های کلیدی

- جانم را به خدا هدیه می‌کنم برای پیروزی اسلام در کل جهان .
- امام و مراجع تقلید را تنها نگذارید.
- گوش به فرمان امام باشید.
- حتی پس از اتمام جنگ هم جهاد وجود دارد.
- ما باید به جبهه برویم و درسمان را بخوانیم.
- در کارهایتان صبور و مقاوم باشید.
- برادران نمازتان را اول وقت بخوانید.
- مانند علی اصغر(**7**) و علی اکبر(**7**) وارد میدان شوید.
- از خط ولایت خارج نشوید.
- شرکت شما در مجالس اسلامی باعث خشنودی خداوند می‌شود.

علی رضی‌آبادی

بسم‌الله الرحمن الرحیم

«ان‌الله اشتری من المومنین انفسهم و اموالهم بان لهم الجنه یقاتلون فی سبیل الله فیقتلـون و یقتلون و عداعلیه حقاً فی التوراة[1] و الانجیل و القران و من اوفی بعهده مـن الله فاستبـشروا بیعکم الذین بایعتم به و ذلک هوالفوز العظیم».[2]

«خدا جان و مال اهل ایمان را به بهای[3] بهـشت خریـداری کـرده آن‌هـا در راه خـدا جهـاد می‌کنند که دشمنان دین را به قتل رسانند و یا خود کشته شوند این وعده قطعـی اسـت بـر خدا و عهدیست که در (سه دفتر آسمانی) تورات و انجیل و قرآن یاد فرموده و از خـدا بـا وفاتر به عهد کیست؟ ای اهل ایمان شما به خود[4] در ایـن معاملـه بـشارت دهیـد کـه ایـن معاهده با خدا به حقیقت سعادت و فیروز بزرگی است».

«و مالکم لا تقاتلون فی سبیل الله و المستضعفین من الرجال»[5]

«چرا با مال و جانتان در راه خدا دفاع نمی‌کنید، در حالی که خود قرآن می‌فرماید باید برای نجات محرومین و آن کسانی که زیر ظلم و ستم جباران تاریخ می‌باشند دفـاع کنیـد». پـس مسئولیت ما سنگین است.

با سلام و درود فراوان به امام زمان(عج) که نجات دهنده محرومان و مستضعفان جهـان [است][6] و با درود فراوان به نایب برحقش که باعث افتخـار مـسلمین اسـت و بـا سـلام و درود به یاران باوفای او و رزمندگان جان بر کف که در [هر] صحنهٔ ایثـار و گذشـت همـه آن‌ها آماده پیکارند و با سلام به شهدا و خانواده‌های آن‌ها که خداوند به ایشان صبر و اجـر عظیم عنایت فرماید. و با درود به مجروحین و معلولین که از خداوند خواهانم کـه بـه آنهـا

1- در اصل وصیت «التوریه».
2- توبه/ 111. در اصل وصیت شهید به آیه 110 اشاره کرده است.
3- در اصل وصیت «ببهای».
4- در اصل وصیت «بخود».
5- نساء/ 75.
6- در اصل وصیت «هست».

شفای عاجل عنایت فرماید و با سلام به اسراء که خداوند را به زندانی[1] بغداد (امام موسی بن جعفر(7)) قسم می‌دهیم که آن‌ها را آزاد گرداند از چنگال ستمکاران تجاوزگر، و با سلام به ملت زجر دیده و شهیدپرور که همیشه در هر صحنهٔ که اسلام احتیاج داشته است جان و مال خود را فدای اسلام کردند و می‌کنند که خداوند آن‌ها را یاری فرماید.

این حقیر علی‌رضی آبادی فرزند محمدقلی رضی آبادی و از خانواده‌ای مستضعف که پدرم کارگر شهرسازی ذوب آهن است و این حقیر پسر بزرگ این خانواده هستم ای مردم من از روی آگاهی کامل عازم به جبهه شدم چون که این راه را شناختم که این راه همین راهی است که هابیل[2] در اول زیست انسان در زمین دنبال این راه رفت و بعد و بعد پیامبران و ائمه اطهار(7) و مجتهدین و خلاصه رسید به ما و ما این راه را ادامه می‌دهیم، و از خداوند متعال بهشت نمی‌خواهم که جانم را به او هدیه می‌کنم و فقط از او پیروزی اسلام در کل جهان را می‌خواهم و جانم را می‌دهم به امید پیروزی ایران و فتح کربلا و نجف.

از نظر پیام که برای شما ملت عزیز بدهم، این حقیر خیلی کوچکتر از آن هستم[3] که خواسته باشم برای شما پیام دهم و چند تذکر است و[4] آن که امام و مرجع تقلید را تنها نگذارید و گوش بفرمان او باشید، تلاشتان در جهت بازسازی کشور باشد.[5] که قبلا ادامه می‌دادید، حال هم ادامه دهید و مواظب این منافقین[6] باشید که البته هستید، هر چند حالا چیزی از آن‌ها باقی نمانده است. که آن هم کارشان شده شایعه[7] پراکنی درباره مسایل و شما موقعیت آن‌ها را افشاء می‌کنید.

و این حقیر دانش‌آموز کلاس سوم راهنمایی شهید هاشمی‌نژاد[8] بودم و برای دانش‌آموزان عزیز هم چند سخن می‌گویم. برادران دانش‌آموز عزیز و حزب‌اللهی که در هر

1- در اصل وصیت «بزندانی».
2- ر.ک. تعلیقات.
3- در اصل وصیت «است».
4- در اصل وصیت «که».
5- در اصل وصیت «کشور که».
6- ر.ک. تعلیقات.
7- در اصل وصیت «شایع».
8- ر.ک. تعلیقات.

صحنه حاضر بودید، بکوشید و درستان را خوب بخوانید و فرصت را غنیمت بشمارید. انشاءالله که این جنگ خاتمه آن پیروزی اسلام باشد. البته بعد از آن هم جهاد وجود دارد، چون که اسلام دشمن فراوانی دارد، برای این که می‌خواهد حقانیت را به اثبات برساند.

ای دانش‌آموزان عزیز به‌خاطر بسپارید که نه درس خواندن موجب می‌شود که مزاحم رفتن به جبهه باشد و نه جبهه رفتن مزاحم درس خواندن ما می‌شود و باید در هر دو سنگر تلاش کنید و هیچ واهمه‌ای[1] نداشته باشید که خداوند متعال پشتیبان تمام یارانش و مخلصین درگاهش است و در کارهایتان صبور و مقاوم باشید، همچون مولایتان حضرت علی(7) دیگر عرضی ندارم ای آینده‌سازان انقلاب.

برای خانواده‌ام به‌خصوص مادرم، تو ای مادر عزیزم هر زمانی که شهید می‌آوردند[2] چه در شهر و چه برای روستا، شما در آن مراسم شرکت می‌کردید و گریهٔ زیاد برای آن‌ها می‌کردید، اما مادرم مبادا برای من گریه کنید یا قطره‌ای[3] اشک بریزید، چون که من نمرده‌ام بلکه زنده‌ام و کسی که زنده است، برایش گریستن وجود ندارد و دلیل دیگر اینکه منافقین[4] که دشمنان اسلام هستند اگر تو را در این حال ببینند، خوشحال می‌شوند و بدان ای مادر و ای پدرم عزیزِ من و ای (خانواده من) این یک امتحان است و انشاءالله که از این امتحان خوب درآیید.

و اما برای برادرانم که نمازشان را اول وقت بخوانند و در گروه‌های مقاومت محل‌ها شرکت کنند و از نظر معنوی آموزش ببینند و مانند علی اصغرها[5] و علی اکبرها[6] وارد میدان شوید و راه من را ادامه دهید و اسلحه‌ام را که از دست من افتاده، بردارید.

ای خواهرانم از شما می‌خواهم که مانند حضرت زینب(3) صبور باشید درباره مسایل و از خط ولایت خارج نشوید و در تمام مجالس جمعی که باعث خشنودی خداوند می‌شود، شرکت کنید و از مطالب آن‌ها درس بگیرید و آن‌ها را به کار گیرید.

1- در اصل وصیت «واهمه‌ائی».
2- در اصل وصیت «می‌آوردن».
3- در اصل وصیت «قطره‌ائی».
4- ر.ک. تعلیقات.
5- ر.ک. تعلیقات.
6- ر.ک. تعلیقات.

و در آخر، پدر عزیزم همچون که یک کارگر ساده و با ایمانی بوده‌اید، باشید و به مسایل[1] دنیایی[2] فکر نکنید و اگر خطایی[3] و نافرمانی از من دیده‌اید[4] مرا حلال کنید و از کلیه کسانی که مرا می‌شناسند، اگر خطایی دیده‌اید، حلالم کنید.

خداحافظ

1- در اصل وصیت «بمسائل».
2- در صل وصیت «دنیائی».
3- در اصل وصیت «خطائی».
4- در اصل وصیت «دیده‌ائید».

بسم ا... الرحمن الرحیم

ان ا... اشتری من المؤمنین انفسهم و اموالهم بان لهم الجنة یقاتلون فی سبیل ا.. فیقتلون و یقتلون وعدا علیه حقاً فی التوریه و الانجیل و القران و من اوفی بعهده من ا... فاستبشروا ببیعکم الذین بایعتم به و ذلک هو الفوز العظیم (توبه ۱۱۰)

خداجان و مال اهل ایمان را بابهای بهشت خریداری کرده آنها در راه خدا جهاد میکنند که دشمنان دین را بقتل رسانند و یا خود کشته شوند این وعده قطعی است بر خدا و عهدیست که در (سه دفتر آسمانی) تورات و انجیل و قرآن یاد فرموده و از خدا با وفاتر بعهد کیست؟ ای اهل ایمان شما بخود در این معامله بشارت دهید که این معاهده با خدا بحقیقت سعادت و فیروز بزرگی است.

و مالکم لا تقاتلون فی سبیل الله و المستضعفین من الرجال (نساء)

چرا با مال و جانتان در راه خدا دفاع نمی کنید،

در حالی که خود قرآن می‌فرماید باید برای نجات محرومین و آن کسانیکه زیر ظلم و ستم جباران تاریخ میباشند دفاع کنید پس مسئولیت ما سنگین است

باسلام و درود فراوان به امام زمان (عج) که نجات دهنده محرومان و مستضعفان جهان هست و با درود فراوان به نایب برحقش که باعث افتخار مسلمین است و باسلام و درود به یاران باوفای او و رزمندگان جان بر کف که در هر صحنه ایثار و گذشت همه آنها آماده پیکار ند و باسلام به شهدا و خانواده‌های آنها که خداوند به ایشان صبر و اجر عظیم عنایت فرماید. و با درود به مجروحین و معلولین که از خداوند خواهانم که به آنها شفای عاجل عنایت فرماید و با سلام به اسراء که خداوند را بزندانی بغداد (امام موسی بن جعفر) قسم میدهیم که آنها را آزاد گرداند از چنگال ستمکاران تجاوزگر، و باسلام به ملت رنج دیده و شهیدپرور که همیشه در هر صحنه که اسلام احتیاج داشته است جان و مال خود را فدای اسلام کردند و می کنند که خداوند آنها را یاری فرماید.

این حقیر علی رضی آبادی فرزند محمدقلی رضی آبادی و از خانواده‌ای مستضعف که پدرم کارگر شهرسازی ذوب آهن است و این حقیر پسر بزرگ این خانواده هستم ای مردم من از روی آگاهی کامل عازم به جبهه شدم چونکه این راه را شناختم که این راه همین راهی است که هابیل در اول زیست انسان در زمین دنبال این راه رفت و بعدو بعد پیامبران و ائمه اطهار و مجتهدین و خلاصه رسید بما و ما این راه را ادامه میدهیم و از خداوند متعال بهشت نمی خواهم که جانم را به او هدیه میکنم و فقط از او پیروزی اسلام در کل جهان را میخواهم و جانم را میدهم بامید پیروزی ایران و فتح کربلا و نجف.

از نظر پیام که برای شما ملت عزیز بدهم، این حقیر خیلی کوچکتر از آن است که خواسته باشم برای شما پیام دهم و چند تذکر است که آنکه امام و مرجع تقلید را تنها نگذارید و گوش بفرمان او باشید تا اشتان در جهت بازسازی کشور که قبلا ادامه میدادید حال هم ادامه دهید و مواظب این منافقین باشید که البته هستید هر چند حالا چیزی از آنها باقی نمانده است. که آنهم کارشان شده شایع پراکنی درباره مسائل و شما موقعیت آنها را افشاء می کنید

و این حقیر دانش آموز کلاس سوم راهنمائی شهید هاشمی نژاد بودم و برای دانش آموزان عزیز هم چند سخن میگویم. برادران دانش آموز عزیز و حزب اللهی که در هر صحنه حاضر بودید بکوشید و در ستان را خوب بخوانید و فرصت را غنیمت بشمارید.

انشاءا... که این جنگ خاتمه آن پیروزی اسلام باشد البته بعد از آن هم جهاد وجود دارد چونکه اسلام دشمن فراوانی دارد برای اینکه میخواهد حقانیت را به اثبات برساند.

ای دانش آموزان عزیز بخاطر بسپارید که نه درس خواندن موجب میشود که مزاحم رفتن به جبهه باشد و نه جبهه رفتن مزاحم درس خواندن مامی شود و باید در هر دو سنگر تلاش کنید و هیچ واهمه ائی نداشته باشید که خداوند متعال پشتیبان تمام یارانش و مخلصین در گاهش است و در کارهایتان صبور و مقاوم باشید همچون مولایتان حضرت علی (ع) دیگر عرضی ندارم ای آینده سازان انقلاب.

برای خانواده ام بخصوص مادرم، تو ای مادر عزیزم هر زمانی که شهید می آوردن چه در شهر و چه برای روستا شما در آن مراسم شرکت میکردید و گریه زیاد برای آنها میکردید اما مادرم مبادا برای من گریه کنید یا قطره ائی اشک بریزید چونکه من نمرده ام بلکه زنده ام و کسی که زنده است برایش گریستن وجود ندارد و دلیل دیگر اینکه منافقین که دشمنان اسلام هستند اگر تو را در این حال ببینند خوشحال میشوند و بدان ای مادر و ای پدر عزیز من و ای (خانواده من) این یک امتحان است و انشاءا... که از این امتحان خوب در آیید.

و اما برای برادرانم که نمازشان را اول وقت بخوانند و در گروههای مقاومت محلها شرکت کنند و از نظر معنوی آموزش ببینند و مانند علی اصغرها و علی اکبرها وارد میدان شوید و راه من را ادامه دهید و اسلحه ام را که از دست من افتاده بردارید

ای خواهرانم از شما میخواهم که مانند حضرت زینب صبور باشید درباره مسائل و از خط ولایت خارج نشوید و در تمام مجالس جمعی که باعث خشنودی خداوند میشود شرکت کنید و از مطالب آنها درس بگیرید و آنها را به کار گیرید.

و در آخر، پدر عزیزم همچونکه یک کارگر ساده و با ایمانی بوده اید، باشید و بمسائل دنیائی فکر نکنید و اگر خطائی و نافرمانی از من دیده اید مرا حلال کنید و از کلیه کسانیکه مرا میشناسند اگر خطائی دیده اید حلالم کنید خداحافظ



نام: **مصیب**
نام خانوادگی: **رفعتی**
نام پدر: **محمدقاسم**
نام مادر: **فاطمه‌سلطان**
تاریخ تولد: **یکم فروردین** 1335
محل تولد: **شهر بسطام از توابع شهرستان شاهرود**
تحصیلات: **پایان دورهٔ متوسطه**
ارگان اعزام‌کننده: **ارتش**
تاریخ شهادت: **بیست‌وچهارم تیر** 1361
محل شهادت: **شلمچه**
نحوهٔ شهادت: **اصابت گلوله**
مزار: **گلزار شهدای زادگاهش**

عبارت‌های کلیدی

- من با میل و رغبت به جبهه حق علیه باطل اعزام شدم.
- پدر و مادر مرا مرده نپندارید.
- همسر عزیزم امر (جهاد) امر خداست باید اطاعت کنم.
- پدرم خوشحال باش که فرزندت شهید شده است.
- پدر و مادرم اگر شهید شدم شفاعت همه شما را نزد خدای مهربان خواهم کرد.

مصیب رفعتی

بسم‌الله الرحمن الرحیم

اینجانب استوار دوم مصیب رفعتی فرزند محمد قاسم به شماره شناسنامه 58 صادره از شاهرود محل تولد بسطام تاریخ تولد [...][1] 1335

حال که اینجانب با میل و رغبت[2] خود به‌سوی جبههٔ حق علیه باطل عازم هستم به‌عنوان وصیت این چند کلمه را می‌نویسم

1- از بازماندگان اینجانب واقعا خواستارم[3] که به وصیت نامه من که در مورخ 61/2/28 می‌نویسم کاملاً عمل نمایند.

2- از پدر و مادر و خواهران و برادر خود می‌خواهم که مرا مرده نپندارند و در شهادت من اشک نریزند

3- از همسر عزیز و گرامی و یار مهربانم می‌خواهم که به[4] خاطر اینکه او را در جریان امر قرار نداده‌ام از من دلگیر[5] نشود چون من واقعاً [او را][6] دوست دارم و بدون مشورت او کاری را انجام نداده‌ام ولی عزیزم این امر خداست و باید من [اطاعت][7] کنم مگر این ملت که به جبهه می‌روند چه چیز من از آنها بهتر یا بالاتر است پس خوشحال باش که تو هم شهید تقدیم اسلام کرده‌ای، ترا به جان بچه‌ای که من ندانم پسر است یا دختر به خاطر رضای خدا خوشحال باش.

4- ای مادر که مرا در دامان خود پرورده‌ای[8] ترا به زینب(**3**) قسم مادر جان در شهادت من واقعا زینب‌وار عزاداری کن و تو ای پدر اگر از تو خداحافظی[9] نکرده‌ام چون وقت

1- خوانا نیست.
2- در اصل وصیت «رقبت».
3- در اصل وصیت «خاستارم».
4- در اصل وصیت «با».
5- در اصل وصیت «دلبر».
6- در اصل وصیت «واقعاً دوست».
7- در اصل وصیت خوانا نیست اما از سیاق کلام برمی‌آید که این واژه «اطاعت» باشد.
8- در اصل وصیت «پروریده‌ای».
9- در اصل وصیت «خدای حافظی».

نداشتم[1] امیدوارم که تو هم ناراحت نباشی چون من شفاعت همه شما را نزد خدای مهربان خواهم کرد.

5- از همسر خودم می‌خواهم که در بزرگ کردن و تربیت فرزند عزیز خودش کوتاهی نکند و هیچ چیز و هیچ کس مانع این کار نباید شود. اگر خواستی طبق گفته امام و رهبر انقلاب شوهر کنی از نظر من اشکالی ندارد و بچه را باید تحویل پدر من بدهی، چون من راضی نیستم که فرزندم زیر نظر کسی به غیر از خودت و یا خانواده من بزرگ شود.

6- از پدر و مادر گرامی و خواهران و برادر خود می‌خواهم که همسر و بچه مرا چون چشم خود مواظبت کنند و هرگز با آنها سر ناسازگاری بر ندارند، چون خودم تا توانسته‌ام[2] به او مهربانی کرده‌ام و او را چون دوست خود می‌دانستم.

7- کلیه اموال اینجانب از منقول و غیرمنقول و ارثی که از پدر به من رسد باید به همسر خودم و بچه من تعلق بگیرد. چون این زن زجرها کشیده و با بود و نبود من ساخته و هیچ کس به غیر از او حق تصرف ندارد و باید زیر نظر خودش که انسانی است کامل، مصرف شود.

«والسلام»[3]

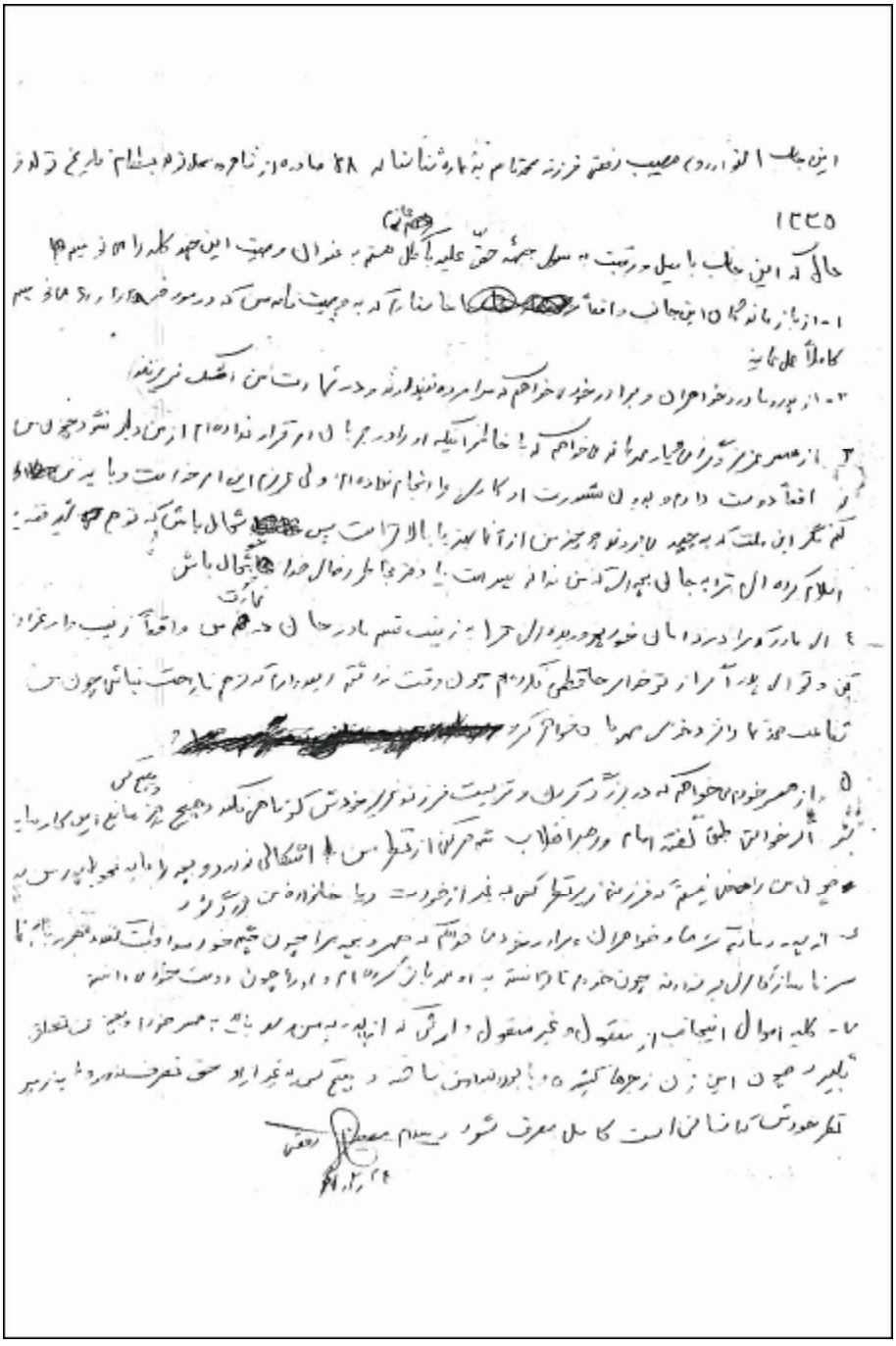
مصیب رفعتی

61/2/29

1- در اصل وصیت «نداشته».

2- در اصل وصیت «توانسته».

3- در اصل وصیت «وسلام».





نام: **رمضانعلی**
نام خانوادگی: **رفیعیان**
نام پدر: **علی**
نام مادر: **صدیقه**
تاریخ تولد: **بیست‌وچهارم آبان** 1345
محل تولد: **شهرستان سمنان**
تحصیلات: **دوم متوسطه**
ارگان اعزام‌کننده: **بسیج**
تاریخ شهادت: **بیست‌ویکم بهمن** 1362
محل شهادت: **بانه**
نحوهٔ شهادت: **اصابت آرپی جی**
مزار: **گلزار شهدای امامزاده اشرف زادگاهش**

عبارت‌های کلیدی

- من این راه را با آگاهی کامل برگزیدم و برای حفظ دین و اسلام و خدا قدم به این راه گذاشتم.
- شما باید پیام‌رسان خون شهدا باشید.
- تمام این توطئه‌ها که ابرقدرتها می‌کنند برای از بین بردن این راه و اسلام است.
- از روحانیت مبارز و معتقد پیروی کنید و حامی آنان باشید که ادامه دهندگان راه انبیاء هستند.
- همیشه گوش به فرمان امام امت باشید و فقط فرمان او را اطاعت کنید.
- تا می‌توانید دشمن ظالم باشید و یاور مظلوم.

رمضانعلی رفیعیان

بسم‌الله الرحمن الرحیم

«ان الذین آمنوا و هاجروا و جاهدوا فی سبیل‌الله باموالهم و انفسهم اعظم درجة عندالله و اولئک هم الفایزون».

«به‌درستی که آنهایی که ایمان آورده‌اند و هجرت کردند در راه خدا جهاد کردند والاترین مقام را در نزد خداوند دارند و آنها هستند رستگاران».

با درود و با سلام فراوان به امام زمان(عج) و نایب برحقش امام امت، خمینی بت‌شکن. اینجانب رمضانعلی رفیعیان با شماره شناسنامه 780 متولد 1345 وصیت‌نامه خودم را شروع می‌کنم.

بسم رب الشهداء والصدیقین

پدر و مادر عزیزم امیدوارم که از شهادت من ناراحت نباشید. زیرا که در آیه قرآن آمده است شهید والاترین مقام را دارد، این راهی است که همه شما باید آن را ادامه بدهید و بدانید بهترین راه سعادت همین است، من این راه را با آگاهی کامل برگزیدم و برای حفظ دین و اسلام و خدا قدم به این راه گذاشتم.

شما باید پیام‌رسان خون شهدا باشید و بدانید تمام این توطئه‌ها که ابرقدرت‌ها می‌کنند برای از بین بردن این راه و اسلام است شما باید نگذارید این ظالمان کوچکترین ضربه‌ای به این انقلاب وارد کنند، آگاه باشید آنها هیچ‌وقت ساکت نمی‌نشینند. هم‌چنان، در فکر توطئه‌های تازه هستند. از روحانیت مبارز و معتقد پیروی کنید و حامی آنان باشید که ادامه دهندگان راه انبیاء هستند.

ما همیشه از داخل ضربه خورده‌ایم و مواظب منافقان[1] این شیطان صفتان باشید و گول آنها را نخورید، همیشه گوش به‌فرمان امام امت باشید و فقط فرمان او را اطاعت کنید.

پدر و مادر عزیزم موقع شهادتم گریه نکنید و روحم را شاد کنید و لباس سیاه نپوشید و سر مجلس من خرما ندهید و به جای آن شیرینی [را] بدهید و شب‌های جمعه [با آمدن] سر قبرم [و] روحم را شاد کنید.

1- ر.ک. تعلیقات. در اصل وصیت «منافقات».

مادرم گریه نکن بخند و خوشحال باش، زیرا در راه هدف مقدس گام برداشته و جان باخته‌ام. یک عرض با پدر و مادرم و قوم و خویشان دارم که اگر من شهید شدم هیچ ناراحت نباشید و بر سر قبر من گریه نکنید. زیرا کسی نبودکه بر سر قبر حسین(ع) گریه کند.

و یک سخن با برادران دارم: ای برادران شما امیدهای[1] آینده انقلاب هستید و شما وارث خون شهیدان می‌باشید. تا می‌توانید دشمن ظالم باشید و یاور مظلوم.

«والسلام»

رمضانعلی رفیعیان

1- در اصل وصیت «امیدان».

بسمه تعالی

ان الذین آمنوا و هاجروا و جاهدوا فی سبیل الله باموالهم و انفسهم اعظم درجه عندالله و اولئک هم الفایزون

بدرستی که آنهایی که ایمان آورده اند و هجرت کردند در راه خدا جهاد کردند والاترین مقام را در نزد خداوند دارند و آنها هستند رستگاران .

با درود و با سلام فراوان به امام زمان (عج) و نایب بر حقش امام امت خمینی بت شکن اینجانب رمضانعلی رفیعیان با شماره شناسنامه ۷۸۰ متولد ۱۳۴۵ وصیتنامه خودم را شروع می کنم .

بسم رب الشهداء و الصدیقین

پدر و مادر عزیزم امیدوارم که از شهادت من ناراحت نباشید زیراکه در آیه قرآن آمده است شهید والاترین مقام را دارد این راهی است که همه شما باید آن را ادامه بدهید و بدانید بهترین راه سعادت همین است من این راه را با آگاهی کامل برگزیدم و برای حفظ دین و اسلام و خدا قدم به این راه گذاستم .

شما باید پیام رسان خون شهداء باشید و بدانید تمام این توطئه ها که ایرقدر تها می کنند برای ازبین بردن این راه و اسلام است شما باید نگذارید این ظالمان کوچکترین ضربه ای به این انقلاب وارد کنند ، آگاه باشید آنها هیچ وقت ساکت نمی نشینند همچنان در فکر توطئه های تازه هستند . از روحانیت مبارز و معتقد پیروی کنید و حامی آنان باشید که ادامه دهند گان راه انبیاء هستند .

ما همیشه از داخل ضربه خورده ایم و مواظب منافقات این شیطان صفتان باشید و گول آنها را نخورید همیشه گوش بفرمان امام امت باشید و فقط فرمان او را اطاعت کنید .

پدر و مادر عزیزم موقع شهادتم گریه نکنید و روحم را شاد کنید و لباس سیاه نپوشید و سر مجلس من خرما ندهید و به جای آن شیرینی را بدهید و شبهای جمعه سر قبرم و روحم را شاد کنید .

مادرم گریه نکن بخند و خوشحال باش زیرا در راه هدف مقدس گام برداشته و جان باخته ام یک عرض با پدر و مادرم و قوم و خویشان دارم که اگر من شهید شدم هیچ ناراحت نباشید و بر سر قبر من گریه نکنید زیرا کسی نبود که بر سر قبر حسین (ع) گریه کند و یک سخن با برادران دارم :

ای برادران شما امیدان آینده انقلاب هستید و شما وارث خون شهیدان می باشید تا می توانید دشمن ظالم باشید و یاور مظلوم .

والسلام - رمضانعلی رفیعیان



نام: **قنبرعلی**
نام خانوادگی: **رفیعیان**
نام پدر: **مهدی**
نام مادر: **کشور**
تاریخ تولد:**سوم آذر 1345**
محل تولد: **شهرستان سمنان**
تحصیلات: **اول متوسطه**
ارگان اعزام‌کننده: **بسیج**
تاریخ شهادت: **بیست‌وپنجم اسفند 1363**
محل شهادت: **شرق رود دجله**
نحوهٔ شهادت: **اصابت گلوله**
مزار: **گلزار شهدای امامزاده اشرف زادگاهش**

عبارت‌های کلیدی

- در این دنیا یک جان بیشتر نداریم و این جان هم بهتر هست که در راه حق و عدالت بدهیم.
- من افتخار می‌کنم که در راه حسین(**7**) و خدا قربانی شوم.
- چه بکشیم و چه شهید شویم پیروزی از آن ماست.
- بهتر است که ما غیبتف تهمت، گناه نکنیم تا در روز قیامت پرونده اعمال ما را به دست راستمان بدهند.
- ای ملت شهیدپرور ایران خط اسلام را از روحانیت یاد بگیرید.
- خط روحانیت خط پیامبران و ائمه است.
- ای خواهران عزیز من حجاب اسلامی را حفظ کنید.
- از خداوند مهربان می‌خواهم که یک لحظه ما را بحال خودمان وامگذارد.
- ملت شهیدپرور ایران راه شهدا را ادامه بدهند.

قنبرعلی رفیعیان

بسم‌الله الرحمن الرحیم

«و لاتحسبن الذین قتلوا[1] فی سبیل‌الله امواتاً و بل احیاء عند ربهم یرزقون».[2]

«گمان نبرید کسانی که در راه خداوند کشته می‌شوند مرده‌اند بلکه زنده‌اند و نزد[3] خداوند روزی می‌خورند».

پس از عرض سلام به منجی عالم بشریت مهدی صاحب‌زمان(عج) که فرماندهی تمام رزمندگان اسلام [را] دارد. با درود[4] [و] سلام بر رهبر کبیر انقلاب اسلامی و بنیانگذار[5] جمهوری اسلامی ایران و با درود[6] سلام بر تمامی رزمندگان غرب [و] جنوب کشور ایران با سلام بر شهدای کربلای خونین حسین(**7**) و شهدای کربلاهای خونین ایران. با درود[7] و سلام بر تمام معلولین و جانبازان انقلاب اسلامی و با درود[8] و سلام بر شما پدر مادر عزیز من، وصیت‌نامه خود را شروع می‌کنم.

آری ما در این دنیا یک جان بیشتر نداریم و این جان هم[9] بهتر هست که در راه[10] حق و عدالت بدهیم،[11] تا خداوند متعال از ما راضی[12] [و] خشنود[13] باشد و ای ملت ایران اینقدر دل به این دنیا نبندید. همانطوری که قرآن‌کریم فرموده است: به هوش باشید به یاد خدا و

1- در اصل وصیت «قتلو».
2- آل عمران/ 169.
3- در اصل وصیت «نر».
4- در اصل وصیت «دورد».
5- در اصل وصیت «بنیانگزار».
6- در اصل وصیت «دورد».
7- در اصل وصیت «دورد».
8- در اصل وصیت «دورد».
9- در اصل وصیت «جانهم».
10- در اصل وصیت «را».
11- در اصل وصیت «بده هیم».
12- در اصل وصیت «رازی».
13- در اصل وصیت «خوشنود».

مرگ و قیامت باشید و در کارها محکم و استوار باشید.[1] به‌طوری که گویی[2] هر لحظه احتمال دارد از این دنیا بروید و به فکر قیامت [و] آخرت باش بگونه‌ای که هر شب به فکر فشار شب اول قبر[3] و تاریکی قبر باشید. من افتخار می‌کنم که در راه حسین(7) و خدا قربانی شوم و تا خداوند متعال از من[4] حقیر راضی و خشنود[5] باشد. [من] به‌خدا افسوس می‌خورم که یک جان بیشتر ندارم که در راه[6] اسلام [و] قرآن بدهم[7] تا اسلام در تمام دنیا زنده بماند. تا استکبار جهانی را نابود کنیم و [از] پروردگار می‌خواهم که در این راه که من حقیر آمده‌ام، مورد لطف[8] خود قرار بدهد.[9]

و ای دشمنان اسلام این را بدانید که این ایمان بخدا هست که رزمندگان اسلام پیروزی بدست می‌آورند و این دشمنان اسلام به سلاح[10] اعتماد دارند، ولی ما بخدا ایمان و اعتقاد داریم و« چه بکشیم[11] و چه شهید شویم پیروزی از آن ماست»[12] و ما همانطوری که حسین(7) و یارانش با دشمنان اسلام سرسخت مبارزه کرده‌اند ما هم باید در مقابل تمام کفر جهانی محکم و استوار بایستیم[13] [و] تا دشمنان اسلام را نابود سازیم [و] تا بتوانیم

1- آنچه شهید نقل کرده ترجمه آیه‌های متعدد قرآن است این عبارت‌ها در هیچ سوره‌ای یکجا و پیوسته بیان نشده است.

2- در اصل وصیت «گوئی».

3- در اصل وصیت «هر شب اول فشار قبر».

4- در اصل وصیت «ما».

5- در اصل وصیت «خوشنود».

6- در اصل وصیت «را».

7- در اصل وصیت «بده‌ام».

8- در اصل وصیت «لطفو».

9- در اصل وصیت «بگیرد».

10- در اصل وصیت «صلاح».

11- در اصل وصیت «بکوشیم».

12- امام خمینی تعبیری مشابه به این عبارت شهید دارد که می‌توان از آن به احدی الحسنین یاد کرد یعنی اصل تکلیف است نه به نتیجه اندیشیدن «چه کشته شویم و چه بکشیم حق با ماست. ما اگر کشته هم بشویم در راه حق کشته شدیم و پیروزی است و اگر بکشیم هم در راه خق است و پیروزی است». (صحیفه امام، ج4، ص492).

13- در اصل وصیت «بیستیم».

کاری برای اسلام و قرآن کرده باشیم و خداوند خواست که صدام جنگ[1] را بر علیه ما شروع کند، ما ببینیم در مقابل این صدامیان کافر می‌ایستیم یا نه و این شد که این ایمانی که ما به خدا داشتیم با تمام قدرت در مقابل این جنایتکاران ایستاده‌ایم و پیروز هم شده‌ایم و ای ملت شهیدپرور [و] این را هم بدانید خداوند ما را آورده در این دنیا [برای] آزمایش و چه بهتر است که ما به[2] راه[3] [راست] هدایت بشویم و پرونده اعمال ما در هر[4] هفته بدست امام زمان(عج) بررسی[5] می‌شود، بهتر است که ما غیبت، تهمت [و] گناه[6] نکنیم تا[7] در روز قیامت پرونده اعمال ما [را] بدست راستمان بدهند[8] و رو سفید[9] باشیم و رو سیاه[10] نباشیم و ای ملت شهیدپرور ایران، خط اسلام را از روحانیت یاد بگیرید[11] و خط روحانیت خط پیامبران و ائمه است.

ای ملت امام و رزمندگان اسلام را دعا کنید. این دعاهای شما باعث می‌شود که رزمندگان اسلام پیروزی بزرگ و عظیمی بدست بیاورند و به[12] نماز جماعت‌ها و نماز جمعه‌ها بروید، پر کنید [مساجد را] تا دشمن داخلی و خارجی[13] به لرزه بیفتد و بمیرد و آنها را به زباله‌دان تاریخ بیندازید. پیامی که به خانواده شهدا دارم این است[14] که فرزندان شما راه حسین(**7**) را رفتند و شهادت را انتخاب کرده‌اند و به یقین و به آرزوی خود رسیدند و شما هم صبر [و] استقامت کنید.

1- در اصل وصیت «جنگ صدام».
2- در اصل وصیت «به» «در».
3- در اصل وصیت «را».
4- در اصل وصیت «همه».
5- در اصل وصیت «بازجویی».
6- در اصل وصیت «گناها».
7- در اصل وصیت «و».
8- در اصل وصیت «بده‌هند».
9- در اصل وصیت «روح سفید».
10- در اصل وصیت «روح سیاه».
11- در اصل وصیت «بگیرد».
12- در اصل وصیت «این».
13- در اصل وصیت «داخلی خارجی».
14- در اصل وصیت «هست».

پیامی که به پدر و مادرانم دارم این است که من اگر شهید شدم[1] هیچ فکری به حال من نکنید و خیال نکنید که [این] پسر دارید و برای من عزاداری و گریه نکنید و هر وقت خواستید گریه کنید، به یاد حسین(**7**) بیفتید و به حال حسین(**7**) گریه کنید، و همیشه به یاد خدا باشید و برای خدا تحمل کنید.

و پیامی که به برادرانم دارم این است که ای برادران عزیز اگر لایق بودم[2] [و] شهید شدم[3] این سلاح[4] من را نگذارید به زمین بیفتد و نگذارید سرد بشود و [این] راه من را ادامه بدهید.

پیامی که به خواهران [من] دارم، ای خواهران عزیز من حجاب اسلامی را حفظ کنید و این را بدانید که سیاهی[5] چادر شما[6] بهتر از خون[7] سرخ من است و مثل زینب (**3**) باشید.

پدر و مادر[8] عزیز من 20 روز روزه بدهکار به خدا هستم و 6 ماه هم برای من نماز قضا[9] بخوانید.

خدایا در راه قرآن شده‌ایم قربانی این جبهه‌ها را کرده‌ایم عطرآگین[10]

خدایا خدایا تا انقلاب مهدی(عج) خمینی را نگه‌دار

از خداوند مهربان می‌خواهم «که [ما را] یک لحظه بحال خودمان وامگذارد»[11] و تمام مسلمین جهان را به راه راست هدایت بگرداند. در پایان از امت شهیدپرور التماس دعا دارم

63/12/15

1- در اصل وصیت «شده‌ام».

2- در اصل وصیت «بوده‌ام».

3- در اصل وصیت «شده‌ام».

4- در اصل وصیت «صلاح».

5- در اصل وصیت «سیایی».

6- در اصل وصیت «تو».

7- در اصل وصیت «بهتر خون».

8- در اصل وصیت «پدر مادر».

9- در اصل وصیت «غذا».

10- در اصل وصیت «عطرگین».

11- ترجمه حدیث نبوی است: «الهی لا تکلنی الی نفسی طرفة عینٍ ابداً» (نهج‌الفصاحه).

[وصیت‌نامه‌ای دیگر]

بسم‌الله الرحمن الرحیم

«و لا تقولوا لمن یقتل فی سبیل‌الله اموات بل احیاء ولاکن لا تشعرون»[1]

«کسی را که در راه خدا کشته شد مرده نپندارید بلکه او زنده جاوید است ولیکن شما این حقیقت را نخواهید یافت».

با سلام و درود[2] به امام زمان(عج) منجی عالم بشریت و با درود[3] و سلام به رهبر کبیر انقلاب اسلامی ایران و با درود[4] [و] سلام به شهیدان کربلای[5] ایران تا کربلای[6] حسین(**7**) و شهیدان صدر اسلام و با درود به رزمندگان جبهه‌های غرب [و] جنوب کشور ایران و با درود[7] فراوان به مهدی موعود(عج) که فرمانده[8] جبهه‌های حق علیه باطل است هم اکنون وصیت‌نامه را شروع می‌کنیم.

با درود[9] [و] سلام به پدر و مادر عزیز که مرا [از کوچکی] زحمت کشیدند بزرگ کردند و خیلی از آنها تمنا[10] می‌کنم و خیلی عذر می‌خواهم[11] از این که بعضی اوقات شما را اذیت[12] کردم و حرفهایتان[13] را گوش نکردم چون تازه متوجه شدم که چرا حرفتان [را] گوش نکردم. اگر[14] شهید شدم حلالم کنید و همچنان از خواهران و برادران می‌خواهم مرا

1- بقره/ 154. در اصل وصیت به آیه 145 سورهٔ بقره اشاره کرده است.
2- در اصل وصیت «دورد».
3- در اصل وصیت «دورد».
4- در اصل وصیت «دورد».
5- در اصل وصیت «کربیلا».
6- در اصل وصیت «کربیلا».
7- در اصل وصیت «دورد».
8- در اصل وصیت «فرماندهی».
9- در اصل وصیت «دورد».
10- در اصل وصیت «تمناع».
11- در اصل وصیت «خواهش می‌کنم».
12- در اصل وصیت «عزیت».
13- در اصل وصیت «حرفایتان».
14- در اصل وصیت «اکر».

ببخشند. و فامیل‌های دور [و] نزدیک، همچنین[1] [و] از رفیق‌های دور [و] نزدیک می‌خواهم که اگر آزاری از من دیدند، مرا حلال کنند.

و [اگر] من شهید شدم همه شب دعای توسل در خانه‌مان برقرار کنند تا[2] شاید فشار قبر من کم شود پیامی که به برادرم دارم [اگر] من شهید شدم سلاحم[3] را زمین نگذارید و راهم را ادامه بدهید و هم‌چنین[4] پیامی که به ملت شهیدپرور ایران دارم که راه شهدا را ادامه بدهند و هم اکنون از پدرم می‌خواهم مقداری پول در قرض‌الحسنه زاوقان دارم، آن را[5] بردارید یک مقداری برای جنگ بفرستید و نصف آن را شما بردارید.

«والسلام[6] علیکم و رحمة و برکاته»

خدایا خدایا تا انقلاب مهدی خمینی را نگه‌دار
خدایا ما را ملت ما را راه راست هدایت بفرما
عمر رهبرمان طولانی بگردان

1- در اصل وصیت «همچنان».
2- در اصل وصیت «و».
3- در اصل وصیت «صلاح هم».
4- در اصل وصیت «همچنان».
5- در اصل وصیت «و».
6- در اصل وصیت «وسلام».

بسم الله الرحمن الرحیم

آیه قرآن

وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ... أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ

گمان نبرید کسانی که در راه خداوند کشته می‌شوند مرده‌اند بلکه زنده‌اند و نزد خداوند روزی می‌خورند

پس از درود اسلام به پیامبر عالم بشریت مهدی صاحب زمان که فریادرس تمام ستمدیدگان اسلام دارد

با درود و سلام بر رهبر کبیر انقلاب اسلامی و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران و با درود سلام بر تمامی ستمدیدگان غرب و جنوب کشور ایران با سلام بر شهدای کربلای خمینی حسین و نگهبان کربلاهای خمینی ایران با درود سلام بر تمام معلولین و جانبازان انقلاب اسلامی و با درود سلام بر روح پدر بزرگوار عزیز من وصیت نامه خود را شروع می‌کنم

اگر ما در این دنیا یک جان بیشتر داریم و این جانهم بهترست که در راه حق و عدالت بوده نمیرد تا خداوند متعال از ما راضی شود و ما بتوانیم ایران اینقدر دل باین دنیا نبندید ما نظر به قرآن کریم فرموده است به هوش باشید به یاد خدا و مرگ و قیامت باشید و در کارهایتان محکم و استوار باشید بطوری که گویی تا قیامت [illegible] یاد خدا فقط احتمال دارد از این دنیا بروید و به فکر قیامت آخرت باش بگونه‌ای که در شب اول قبر قیمه و تاریکی قبر باشید من افتخار می‌کنم که در راه حسین و خدا قربانی شوم و تا خداوند متعال از ما حقیر راضی و خوشنود باشد من خدا را شکر می‌کنم که در راه اسلام قرآن بوده‌ام تا اسلام در تمام دنیا زنده بماند تا استکبار جهانی را نابود کنیم و پروردگار می‌خواهم که در این راه که من حقیر آمده‌ام مورد لطف خود قرار بگیرد و این دشمنان اسلام این را بدانند که این ایران نبوده است که زمندگان اسلام پیروز بدست می‌آورند و این دشمنان اسلام با سلاح اعتماد دارند ولی ما بخدا ایمان و اعتماد داریم و چه بگویم و چه نگویم پیروزی از آن ماست و ما ها نظیر یک حسین و یارانش با دشمنان اسلام سرسخت مبارزه کرده‌ایم و ما باید در مقابل تمام کفر جهانی محکم و استوار بایستیم و تا دشمنان اسلام را نابود نسازیم و تا نتوانیم کار



کار را برای اسلام فراکن کرده با تشیع و خداوند خواست که خیلی محمد امام را علیه ما شروع کند ما
بینیم در مقابل این صدا میان کافر می ایستیم یا نه و این گرد این اجهان که ما به خدا داشتیم
با تمام قدرت در مقابل این جنایت کاران ایستادایم و پیرو رزم کرده ایم و ملت شهید پرور این
راهم پر اندیخط و زندما را آورده در این دنیا آ و مبارش و چ بیمتر است که ما در راه است هدایت
بشکنیم و پرونده اعمال ما در صفحه هفت بدست امام زمان با زجویی می شود بیمتر است که ما عنیت تهمت
کنیم گناه نکنیم و در روز قیامت پرونده اعمال ما بدست راستمان بدهند و از صفحه
با تشیع و سیاه دنیا تشیع و ای ملت شهید پرور ایران خط اسلام را از روسائیت یاد بگیرد و خط روحانیت
خط پیامبران و ائمه است این ملت امام و رزمندگان اسلام را قدر بدانید این دعا ما ری باشد
میشود که رزمندگان اسلام پیروزی بزرگ و عظیمی بدست بیاورند و این نماز جمعه ها
بروز پیروز کنید تا دشمن داخلی خارجی بلرزه بیفتد و بیدد و آنها لابه زبالدان تاریخ بیندازند
پیامی که به خانواده گرامی دارم این است که فرزندان شما راه حسین داشتند و شهادت را انتخاب کرده اند
و به یقین رستگار و به آرزوی خود رسیدند و شما هم باید استقامت کنید

پیامی که به پدر و مادر ارادم دارم این است که من اگر شهید شدم هیچ فکر بحال من نکنید و خیال
نکنید که این پسر دارید و برای من عزادار و گریه نکنید و هرگز خواستید گریه کنید برای حسین
بگیرید و بحال حسین گریه کنید و همیشه یاد خدا باشید و برای خدا عمل کنید

پیامی که به برادرانم دارم این است که ای برادران عزیز و گرانقدر بدنام شهید شده ام این پرچم را
نگذارید به زمین بیفتد و نگذارید بر سر بچه و اینچه راه من را ادامه بدهید

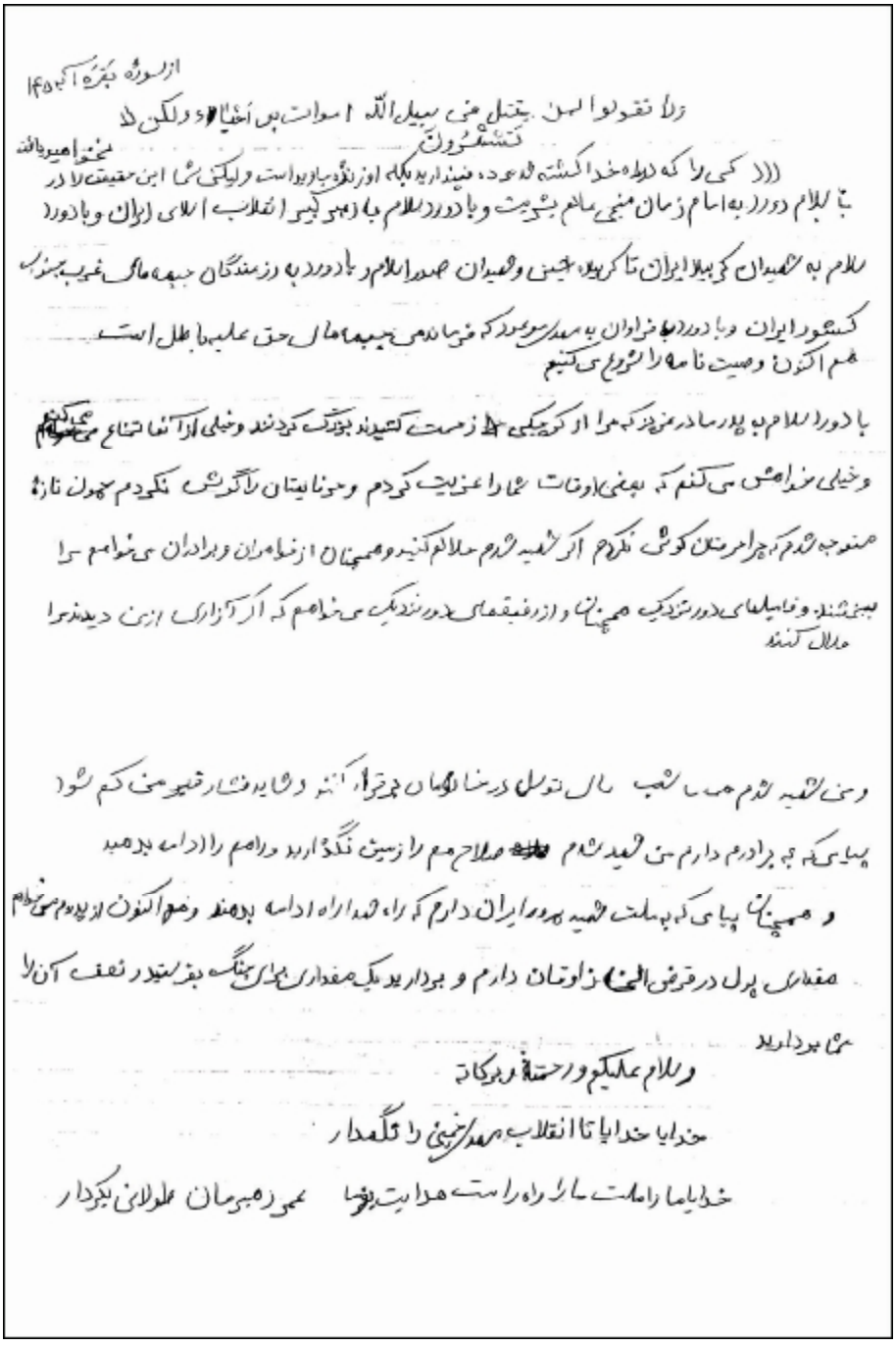
پیامی که به خواهران من دارم ای خواهران عزیز من حجاب اسلامی را حفظ کنید و این را بدانید
که حجاب چادر تنها نیست و خون سرخ من است و مثل زینب باشید

پدر و مادر عزیز من حسین امروز روز بدی بود امروز من و مادرم برای من نماز شکر بجا آورید

خدایا تو را شکر می کنم که ما را در راه قرآن قربانی
این چیزها را کردایم قبول کن
خدایا تو را بحق اسلام و انقلاب مهدی خمینی را نگهدار
از خداوند مهربان همه خواهم که یک قطره بال خودمان را مگذارد
و تمام مسلمین جهان را به راه راست هدایت بگرداند

در پایان از ملت شهید پرور التماس دعا دارم

در تاریخ ۹۳/۱۲/۱۵



از سوره بقره آیه ۱۵۴

ولا تقولوا لمن یقتل فی سبیل الله امواتٌ بل أحیاءٌ ولکن لا تشعرون

(((کسی را که در راه خدا کشته شده مپندارید بلکه او زنده و جاوید است ولیکن شما این حقیقت را در نمی‌یابید))) منظور امیر بیان الله

با سلام درود به امام زمان منجی عالم بشریت و با درود سلام با زمزمه انقلاب اسلامی ایران و با درود سلام به شهیدان گمنام بیابان ایران تا کربلای حسین و شهیدان صدر اسلام و با درود به رزمندگان جبهه‌های حق علیه باطل استکبار کشور ایران و با درود به خانواده‌ای به معظم رهبر که فرمانده جبهه‌های حق علیه باطل است هم اکنون وصیت نامه را شروع می‌کنم

با درود سلام به پدر و مادر عزیزم که از کوچکی تا زمستی کشیدند بزرگم کردند و خیلی از آنها انتظار می‌کشم و خیلی خواهش می‌کنم که بعضی اوقات مرا حلالیت کردم و حلالیتان را فراموش نکردم چون نازه متوجه شدم که چرا از من کوتاهی نکردم اگر شهید شدم حلالم کنید و همچنان از خواهران و برادران می‌خواهم مرا ببخشند و فامیلهای دور و نزدیک همچنان و از رفیقهای دور و نزدیک می‌خواهم که اگر آزاری از من دیدند مرا حلال کنند

و می‌خواهم که شب سال تحویل در سنا و کلیان جمع آوری کنید و شاید فشار قبر من کم شود

پیامی که به برادرم دارم می‌خواهم که راز من نگذارید و راهم را ادامه بدهید

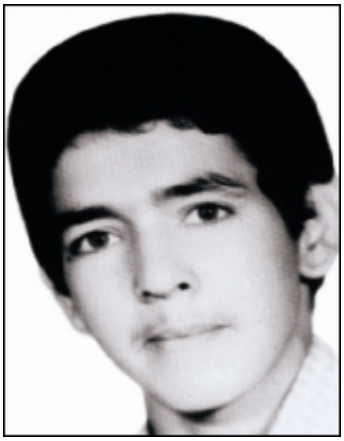
و همچنان پیامی که به ملت شهید پرور ایران دارم که راه خدا راه ادامه بدهند و هم اکنون از پدرم می‌خواهم

صفای پول در قرض الحسنه ذاتان دارم و بردارید یک مقداری برای بنگاه بفرستید و نصف آن را هم بردارید

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

خدایا خدایا تا انقلاب مهدی خمینی را نگهدار

خدایا ما را تا راه راست هدایت فرما همی رهبرمان خمینی بکردار



نام: **ناصر**
نام خانوادگی: **رفیعیان**
نام پدر: **علی‌آقا**
نام مادر: **زهرا**
تاریخ تولد: **بیست‌وششم فروردین** 1342
محل تولد: **شهرستان سمنان**
تحصیلات: **دورهٔ راهنمایی**
ارگان اعزام‌کننده: **بسیج**
تاریخ شهادت: **بیست‌وپنجم اسفند** 1363
محل شهادت: **شرق رود دجله**
نحوهٔ شهادت: **اصابت ترکش**
مزار: **گلزار شهدای امامزاده اشرف زادگاهش**

عبارت‌های کلیدی

- شما متکی به خدا باشید و هیچگاه از توطئه‌های شوم دلسرد نشوید.
- تا خون در بدن شماست از اسلام عزیز دفاع کنید.
- از فرستادن فرزندان خود به جبهه کوتاهی نکنید.
- در نماز جمعه و جماعت دعای توسل، دعای کمیل شرکت کنید.
- در این دعاها رزمندگان و امام را دعا کنید.
- خواهرانم: شما با حجاب خود همچون خاری هستید در چشم دشمنان.

ناصر رفیعیان

بسم‌الله الرحمن الرحیم

«ان الله اشتری من المؤمنین انفسهم و اموالهم بان لهم الجنـة یقاتلون فی سبیل‌الله فیقتلـون و یقتلون»[1]

«خداوند جان و مال اهل ایمان را به بهای بهشت خریـداری کـرده اسـت آنهـا در راه خـدا جهاد می‌کنند که دشمنان دین را به قتل برسانند و یا خود کشته شود».

سلام [و] درود به منجی عالم بشریت امام زمان(عج) و سلام [و] درود بر نایب برحقش امام خمینی و خانواده معظم شهدا. با سلام [و] درود به تمامی رزمندگان اسلام که خالصانه لباس رزم بر تن کرده و با عزمی راسـخ در مقابـل ابرقـدرتهای جهـانی ایـستاده و حماسـه می‌آفرینند و سلام [و] درود بیکران بر تمامی شهیدان صدر اسـلام از کـربلای[2] حـسین ابـن علی(**7**) و تا کربلاهای جنوب و غرب کشور جمهـوری اسـلامی ایـران کـه بـا از جـان گذشتن خود نهال جمهوری اسلامی و انقلاب را آبیاری نموده‌اند و سلام [و] درود بر امت شهیدپرور و حزب‌الله که همواره با امام در تمامی صحنه‌های نبرد حق علیه باطـل بـوده‌انـد [و] خواهند بود. با سلام به امت شهیدپرور که همیشه در صحنه حضور دارد و امام خود را یاری می‌کند امت حزب‌الله به هوش باشید که دشمنان[3] جمهوری اسلامی الآن به هر طریقی که شده می‌خواهند ضربه به اسلام ما وارد آورند و دشمنان در لباس‌های گوناگون خـود را پوشانیده تا در موقع مناسب ضربه بزنند. و مردم [را][4] از اسلام دلسرد کنـد شـما متکـی بـه خدا باشید و هیچگاه از توطئه‌های شوم دلسرد نشوید که این توطئه‌ها زود خنثی مـی‌شـود، تا خون در بدن شماست از اسلام عزیز دفاع کنید [که] همانطوری که امام می‌فرمایـد:[5] «مـا هرچه داریم از این اسلام و انقلاب داریم»[6] و از فرستادن فرزندان خود بـه جبهـه کوتـاهی

1- توبه/ 111. در اصل شهید به آیه شمارهٔ 110 سورهٔ توبه اشاره کرده است.

2- در اصل وصیت «کربلاهای».

3- در اصل وصیت «دشمن».

4- در اصل وصیت «مردم از».

5- در اصل وصیت «می‌فرمائید».

6- در صحیفه امام «ما هرچه داریم از این ایمان و وحدت کلمه است» (ج 1، ص347).

نکنید که با[1] فرستادن عزیزانتان شما در جنگ با آنها شریک خواهید بود و خود را در قیامت در پیشگاه خداوند سرفراز خواهید کرد و در نماز جمعه و جماعت دعای توسل، دعای کمیل شرکت کنید و در این دعاها رزمندگان و امام را دعا کنید و همیشه از خدا بخواهید که هرچه زودتر امام زمان(عج) ظهور کند و مردم جهان را از دست [...][2] نجات دهد[3] و دعا کنید هر چه سریعتر رزمندگان اسلام به پیروزی نهایی [...][4] برسند.

سلام [و] درود به پدر و مادر گرامی که زحمت‌های شما و با کار و تلاش خود و با آن[5] دست‌های تاول زده خود من را به اینجا رساندید و از شما عاجزانه درخواست می‌کنم که مرا حلال کنید و تو ای مادر عزیز و گرامی آری ای مادر، شما با نخوابیدن در شب‌ها و زحمت روزها مرا به این سن رسانده‌اید، آری من با تمام کارها و تلاش‌ها خود نتوانستم یک روز از آن شبها که برای آسایش من بی‌خوابی کشیدی جبران کنم و مادر پیام ناچیز این حقیر این است که همانطوری[6] که زینب‌وار شجاعت از خود نشان داده به خوبی در تربیت من کوشش کردی همینگونه [نیز] در شهادت من نیز صبر و شجاعت نشان بده و در شهادت من صبور باش

و شما برادران عزیز: انشاءالله[7] راهم را ادامه می‌دهید و نگذارید که دشمنان از این کارها سوءاستفاده کنند.

و ای خواهرانم: [و] شما با حجاب خود همچون خاری هستید در چشم دشمنان و با توجه به این[8] که نمی‌توانید در نبردهای حق علیه باطل شرکت کنید می‌توانید[9] با کارهایی

1- در اصل وصیت «از».
2- خوانا نیست.
3- در اصل وصیت «دهند».
4- خوانا نیست.
5- در اصل وصیت «با آنها».
6- در اصل وصیت «همینطوری».
7- در اصل وصیت «اینشاالله».
8- در اصل وصیت «همینطوری».
9- در اصل وصیت «متوانید».

که خوشایند جمهوری اسلامی[1] می‌باشد [و] از این طریق سهم خود را بـه انقـلاب و مـردم ادا کنید.

و از شما می‌خواهم مقداری[2] پول دارم خمس آن را بدهید و یـک مـاه نمـاز و روزه بـا پول خودم برای من بجا آورید.[3]

«والسلام[4] علیکم و رحمةالله و برکاته»[5]

به امید پیروزی[6] مسلمین بر ستمکاران
خدایا خدایا تا انقلاب مهدی خمینی را نگه‌دار
رزمندگان اسلام نصرت عطا بفرما[7]

63/12/16

شهید ناصر رفیعیان

1- در اصل وصیت «خوش‌آیند به جمهوری اسلامی».
2- در اصل وصیت «مقدار».
3- در اصل وصیت «انجام دهید».
4- در اصل وصیت «وسلام».
5- در اصل وصیت «برکات».
6- در اصل وصیت «امید پیروزی».
7- در اصل وصیت «بفر».



((بسم الله الرحمن الرحیم))

وصیت نامه شهید ناصر رفیعیان

((إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَىٰ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُم بِأَنَّ لَهُمُ الْجَنَّةَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيَقْتُلُونَ وَيُقْتَلُونَ (سوره توبه ۱۰۰))

خداوندا جان و دل دلیران راه خدای هست تر و تازه دار که در راه خدا جز یکدیگر را دشمنان دین را به قتل برسانند یا خود کشته شوند

سلام درود به منجی عالم بشریت امام زمان و سلام درود بر نایب برحقش امام خمینی و سلام شهدا سلام درود تمامی رزمندگان اسلام که خالصانه برای دین خدا جهاد میکنند و سلام درود بر قطعه تنهای جهانی (بیسیم) و حسینیه و کوبنده و سلام درود بر تمامی مستضعفان جهان (بخصوص ایران) که با کمک الهی حسینیان ملی و تکبیرهای مذهبی و ضربت مشت جمهوری اسلامی ایران را که بازوان قدرتمند

خدمتگزار جمهوری اسلامی و انقلاب را یاری نموده این و سلام درود خداوند است شهید پرورد حزب که همواره با ایمان در تمامی صحنه ها با توکل بخدا و عشق ملیه با دشمنان اسلام جنگیده

با سلام و صلوات شهید پرورد همیشه در صحنه حضور دارد و امام خود را یاری کرده است در سالهای شروع با شیوع دشمنی جمهوری اسلامی از آنان به هر نوعی که میشود می خواهند ضربه به اسلام بزنند

اگر دوستان و دشمنان نمی توانند با گفتن خود را بیشتر نادان و بی سواد نشان دهند سعی نکنند چرا که اسلام دل مرده است شما با گفتن یا خواندن و چیزهایی که از قطعه ما گرفتید دل مرده نشوید که این توطئه ها

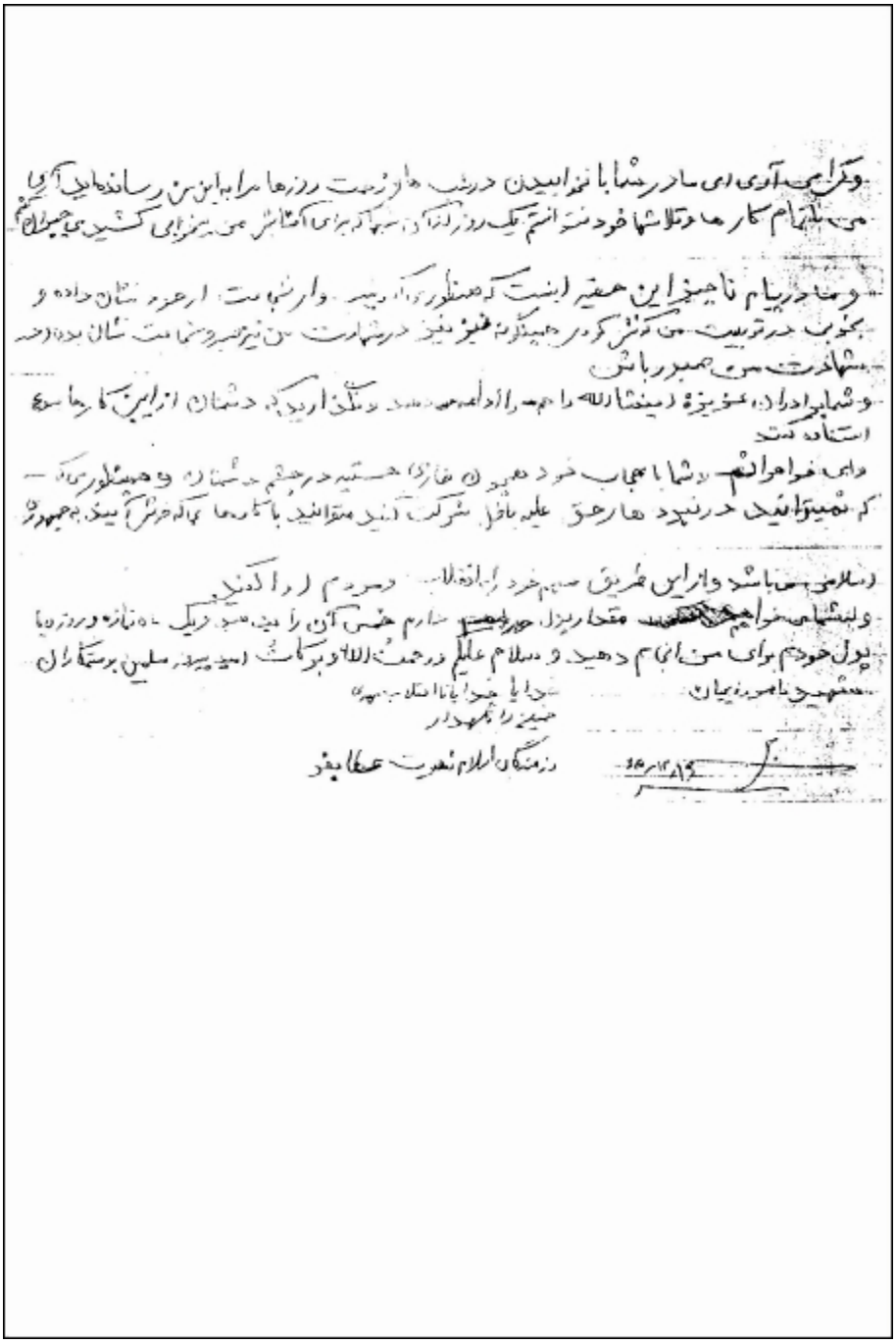
زنده خواهیم شد و تا خون در بدن داریم از اسلام دفاع خواهیم کرد و نخواهیم گذاشت که خانواده بزرگ اسلام مورد تهاجم قرار گیرد ما با این اسلام و انقلاب داریم و از پوستانمان دفاع خواهیم کرد و به جبهه خواهیم رفت تا نگذاریم دوستان

عزیز اتفاقات شما در جنگ با آنها شروع خواهد بود خود را حفظ کنید در پشت جبهه خداوند را فراموش نکنید و در نماز جماعت و جمعه دعای توسل و دعای کمیل را ترک نکنید و در این دعاها از شهدا یاد کنید و برای

را حفظ کنید و همیشه از خدا بخواهید که هر چه زودتر دشمنان اسلام را نابود کند و مردم ایران را از دست

نجات دهید و دعا کنید هر چه سریعتر و زمینه پیروزی اسلام را فراهم سازند

سلام خدا و به همه و یاران گرامی که زحمت های شما را بدوش کشیدند را آگاهانه شما را دعا کنید من را به اینجا رساندید و از شما عاجزانه درخواست می کنم که مرا حلال کنید و التماس دعا





نام: **محمدحسن**
نام خانوادگی: **رمضانیان**
نام پدر: **محمد**
نام مادر: **ام‌البنین**
تاریخ تولد: **یکم فروردین** 1347
محل تولد: **روستای بق از توابع شهرستان دامغان**
تحصیلات: **سوم متوسطه**
ارگان اعزام‌کننده: **بسیج**
تاریخ شهادت: **بیست‌ونهم تیر** 1366
محل شهادت: **جزیرهٔ مجنون**
نحوهٔ شهادت: **اصابت گلوله**
مزار: **گلزار شهدای زادگاهش**

عبارت‌های کلیدی

- برحسب وظیفه‌ای که احساس کردم برای مبارزه با دشمن آماده شدم و به جبهه آمدم.
- شما برادران جبهه را خالی نگذارید.
- بدانید که در جنگ با دشمن پیروز هستید چون که شما ایمان دارید.
- ما مسلمانان در دامان کرامت و آقایی پرورش یافته‌ایم و سیادت و سروری در روح و جان ما موج می‌زند.
- به‌خدا چقدر مشتاقم که هر چه زودتر به شهیدان صدر اسلام بپیوندم و آنها را ملاقات کنم.
- ای ملت مسلمان در همه جهات امر رهبری را اطاعت کنید.
- همینطور که تا بحال از ولایت فقیه پشتیبانی کردید، بعداً نیز چنین باشید.
- باید مردم را برای جهاد و کار خیر تجهیز کنید و وحدت را حفظ کنید.
- وظیفه شما خواهر مجاهد و خواهران مسلمان دیگر چنین است که زینب‌وار با هر گونه بی‌حجابی و فساد و سختی مبارزه کنید.
- خدا را از یاد نبرید و خدا را بیشتر عبادت کنید.
- سنگر مسجد را خالی نگذارید.

محمدحسن رمضانیان

بسم‌الله الرحمن الرحیم

«و لاتحسبن الذین قتلوا فی سبیل‌الله امواتاً و بل احیاء عند ربهم یرزقون»[1]

«مپندارید آنانرا که در راه خدا کشته شده مردگانند[2] بلکه زنده‌اند و نزد پروردگار خویش روزی می‌خورند».

به‌نام الله که ذکرش سکینه قلوب است و مهرش غفران ذنوب و باز هم بنام او که ملجأ[3] و ماوای[4] مومنین است و پناه مظلومان و نابودکننده ستمگران و جباران و رازق مرزوقین است و خالق مخلوقین و عاشق معشوقین و با استعانت[5] از او که می‌میراند و زنده می‌کند حی است و قادر.

و با درود و سلام بر انبیاء از نبی‌آدم تا نبی خاتم محمد مصطفی(**6**) که خداوند او را اسوه هستی بر خلایق[6] قرار داد و با درود و سلام بر اوصیاء از علی(**7**) حیدر کرار تا مهدی(عج) منجی ابرار، که با شمشیر مرصع خود مزین [...][7] نموده و خلق را در این نعمت خدادادی که بعداً معلوم می‌شود ارزانی می‌بخشد و با درود و سلام بر کلیه شهدا از هابیل تا ابراهیم و از ابراهیم تا خاتم انبیاء(**6**) و از خاتم انبیاء(**6**) تا خاتم اوصیا (سلام اله علیه و آله) و با درود و سلام بر کلیه امت حزب‌اله که با ایثارگری‌ها و هدایا پرمحتوی و پر ارزش خود جوهرهٔ انقلاب را در تاریخ به نگارش درآورده‌اند و یگانه امت واحده شناخته شده‌اند با درود و سلام بر رهبران و راهنمایان جامعه اسلامی که ملت اسلامی را به راه سعادت و نیکبختی راهنمایی[8] می کند.

1- آل عمران/ 169.
2- در اصل وصیت «مردگان».
3- در اصل وصیت «ملجا».
4- در اصل وصیت «ماوی».
5- در اصل وصیت «باستعانت».
6- در اصل وصیت «خلائق».
7- در اصل وصیت واژه‌ای افتاده است.
8- در اصل وصیت «راهنمائی».

در این میان دشمنان برای نابودی دین برخاسته[1] و چون منافعشان در خطر است، خواسته‌اند که نام و نشانی از اسلام نباشد که مبادا کسی دم از اسلام زند و ملت‌های مظلوم و ستمدیده را بیدار کند و آنها را بر علیه دشمنانشان بشوراند. باید بدانند که[2] دشمنان اسلام در حال حاضر چنین فکری در سر دارند. باید بدانید که به بزدلان از خدا بی‌خبر می‌گوییم[3] کور خوانده‌اند، چون مسلمانان به‌خوبی آگاهند و برای مبارزه با ابرقدرت‌ها[4] آماده‌اند. به همین خاطر و برحسب وظیفه‌ای که بر دوش خود احساس کردم برای مبارزه با دشمن آماده شدم و به جبهه آمدم چون که حضرت امام جبهه و جنگ را در راس مسائل قلمداد کردند[5] و فرمودند که مبارزه با دشمن و رفتن به جبهه یک واجب شرعی است[6].

باید بگویم که شما برادران عزیز و رزمنده نباید در امر مبارزه کوتاهی کنید، شما برادران جبهه را خالی نگذارید که کفار در بین شما تفرقه‌اندازی کنند و حکومت کنند، و حیثیت خود را حفظ کنید چرا که در کنار وحدت می‌توان بر دشمنان و کفار و منافقین[7] غلبه کرد بدانید که در جنگ با دشمن پیروز هستید، چون که شما ایمان دارید و بزرگترین سلاح را در دست و هیچ کس دیگر و هیچ ملت و حکومتی از این سلاح[8] برخوردار نیستند.

همیشه برای مبارزه آماده باشید نکند شیطان در میان شما رخنه کند و شما را از این فوز بزرگ دور نماید باید به این منافقین کوردل بگویید که اگر ملت ما را بکشید آماده‌تر خواهد شد من از همین جا به آنهایی که در فکر ضربه زدن هستند می‌گویم، که ای کانونهای شر و فساد و بدنما[9] ای مردم بد عاقبت و بدبخت گوش‌های خود را بازکنید که برای چندمین بار

1- در اصل وصیت «برخواسته».
2- در اصل وصیت «و».
3- در اصل وصیت «می‌گوئیم».
4- در اصل وصیت «ابرقدرتهای».
5- تعبیر امام این است: «امروز جنگ اصلی‌ترین مسئله کشور است» (صحیفه امام، ج19، ص148).
6- امام عین عبارت شهید را ندارد اما در اهمیت و تکلیف حضور در جبهه‌ها می‌فرماید: «تا موقعی که جبهه‌ها نیاز به نیرو دارد رفتن به جبهه واجب است» (ص 166 تبیان جنگ و صلح دفتر 24).
7- ر.ک. تعلیقات.
8- در اصل وصیت «صلاح».
9- در اصل وصیت «بدنمای».

به شما می‌گوییم[1] آیا گمان کرده‌اید که پس از کشتن ما در دنیا به نان و نوایی[2] خواهید رسید؟ و یا کاخ‌های خود را مجلل‌تر خواهید کرد. هیهات هیهات! می‌بینم روزی را که شما از هر ذلیلی ذلیل‌تر و از هر درمانده‌ای بیچاره‌تر خواهید بود.

همین‌طور که حالا معلوم است می‌بینم که سران و کفار امپریالیسم به التماس افتاده‌اند و خواهان دوستی با ما هستند اما دیگر دیر شده است چون مانند دوستی گرگ و گوسفند می‌شود، بدانید که زود یا دیر پیشمان می‌شوید پس چه بهتر است دست از کارهایتان بردارید و به دین اسلام بیایید[3] شما امید دارید[4] که ما در برابر آمریکا و دشمن اسلام و قرآن سر اطاعت فرود آوریم هرگز. بخدا پناه می‌بریم که به چنین خواری و ذلتی تن در دهیم همین‌طور که من تن به ذلت نمی‌دهم و نخواهم داد امیدوارم که ملت ما تن به ننگ نداده و نخواهند داد و تا سقوط رژیم منحط بعث عراق و تا نابودی دشمن کافر از پای ننشینید ما مسلمانان در دامان کرامت و آقایی[5] پرورش یافته‌ایم و سیادت و سروری در روح و جان ما موج[6] می‌زند و عزت و شرف ما به ما حکم می‌کند که برای مرگ آغوش باز کنیم. آه به‌خدا چقدر مشتاقم که هر چه زودتر به شهیدان صدر اسلام بپیوندم و آنها را ملاقات کنم.

برحسب وظیفه چند کلمه‌ای نصیحت به امت شهید پرور: بدانید که شما نیستید که این پیروزی‌ها را بدست بیاورید و بدانید خداوند لطفی بی‌پایان[7] بر ما کرده و او است که سربلندی و افتخار و عظمت بر ما داده است، پس به خود مغرور نشوید، یاد خدا را از دل بیرون نبرید و خداوند را شکر گویید.[8] ای ملت مسلمان در همه جهات، امر رهبری را اطاعت کنید که خداوند رهبری نمونه و بسیار بزرگ به امت ما داده است. پس همیشه به

1- در اصل وصیت «می‌گوئیم».
2- در اصل وصیت «نوائی».
3- در اصل وصیت «بیائید».
4- در اصل وصیت «فردائید».
5- در اصل وصیت «آقائی».
6- در اصل وصیت «صبح».
7- در اصل وصیت «بیپایان».
8- در اصل وصیت «گوئید».

پیام‌های حضرت امام لبیک گویید،[1] که او رضای خداوند و رضایت و آسایش شما ملت و سربلندی اسلام را می‌خواهد. پس مردم کوفه[2] نباشید و همینطور که تا بحال از ولایت فقیه پشتیبانی کردید، بعداً نیز چنین باشید و به رأی خود یعنی رایی که[3] به اسلام و جمهوری اسلامی داده‌اید پایبند باشید و مسلمان واقعی، یعنی با عمل ثابت کنید نه فقط به شعار مسلمان باشید.

و چند کلمه با خانواده‌ام: سلامی عرض می‌کنم به شما پدر و مادر گرامی مبارک باد بر شما چنین افتخاری، افتخاری که شما را در دنیا و آخرت سربلند خواهد. کرد مبادا[4] شما ناراحت باشید، چون که خدا داده و خود او هم گرفته است. چه هدیه‌ای بالاتر از این که در راه خدا و برای رضای او باشد، باید خدا را شکر گویید[5] که فرزندانتان در چنین راهی قدم برمی‌دارند و برای اعتلای کلمه حق کار می‌کنند. انشاءالله[6] خداوند اجری که در خور آن است[7] به انسان دهد باید شما برای مردم الگو باشید، کسی فکر نکند که خسته شده‌اید، باید مردم را برای جهاد و کار خیر تجهیز کنید و وحدت را حفظ کنید.

و شما ای مادرم: وظیفه و مسئولیت شما همانطور که تا به حال چنین[8] حفظ‌کرده‌اید، چون که پیکار در حال حاضر بر شما واجب نیست. باید بهتر کانون خانواده را گرم نگاه دارید و برای تربیت مجاهدان فی سبیل‌الله و تجهیز و آمادگی و روحیه بخشیدن به مردان خانواده‌هایتان، برای پیکار، وظیفه شما خواهر مجاهد و خواهران مسلمان دیگر چنین است که زینب‌وار با هر گونه بی‌حجابی و فساد و سختی مبارزه کنید و خدا را از یاد نبرید و خدا را بیشتر عبادت کنید. سنگر مسجد را خالی نگذارید.

1- در اصل وصیت «گوئید».
2- ر.ک. تعلیقات.
3- در اصل وصیت «رأی».
4- در اصل وصیت «نباشد».
5- در اصل وصیت «گوئید».
6- در اصل وصیت «انشاء اله».
7- در اصل وصیت «آنهاست».
8- در اصل وصیت «حال حفظ».

از برادران شجاع خود می‌خواهم که اسلحهٔ به زمین افتاده برادر حقیرتان و شهیدان[1] دیگر را بر زمین نگذارید، که دشمن خوشحال خواهد شد. در پایان پدر من وصی من است و خود بهتر می‌داند که انجام وظیفه کند. خدا یار و نگهدار شما باشد.

برادر حقیر شما محمد حسن رمضانیان

65/5/29

جبهه جنوب

1- در اصل وصیت «شیهدان».



محمد حسن رمضانیان

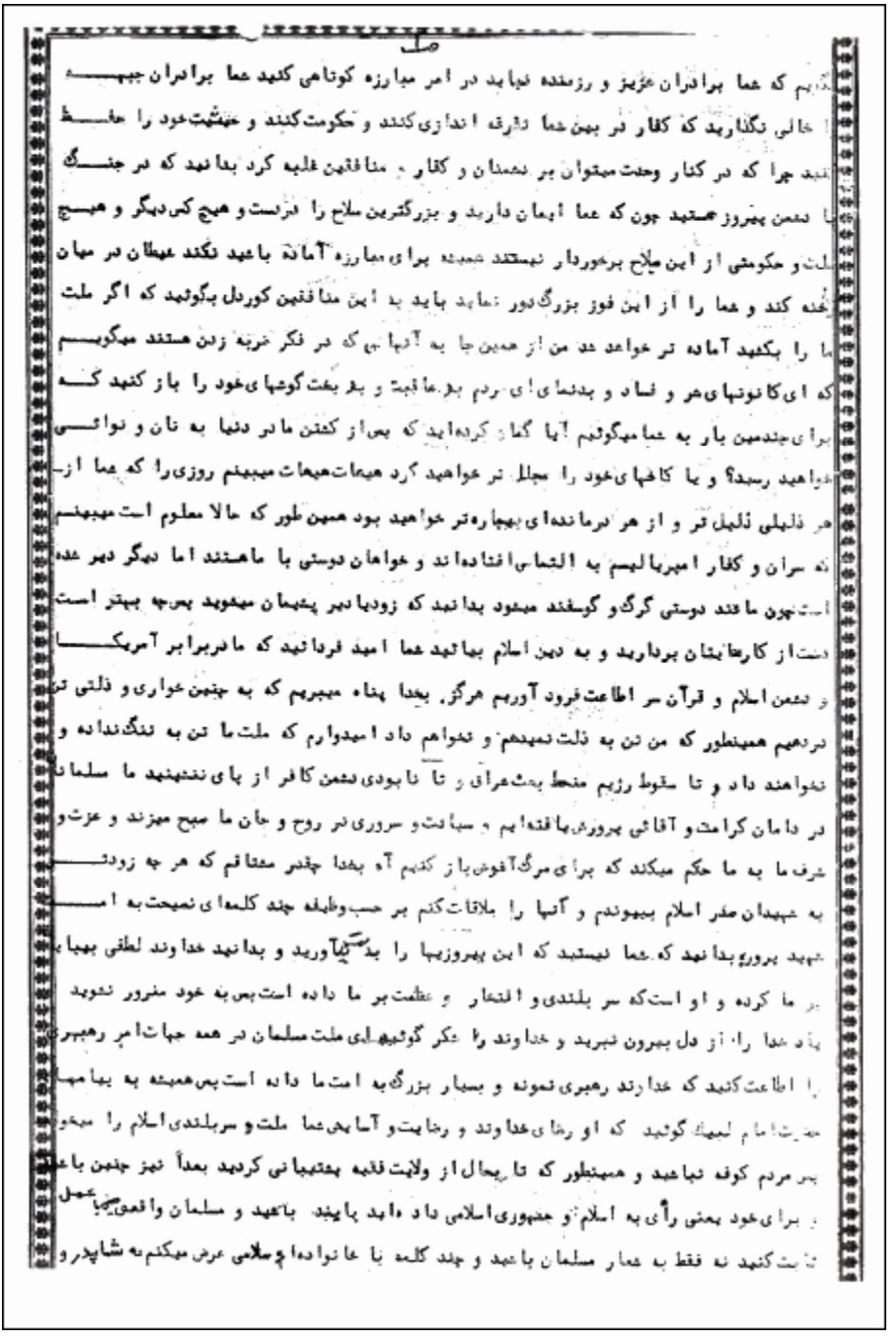
محل شهادت: جزایر مجنون

* بسم الله الرحمن الرحیم *

ولاتحسبن الذین قتلوا فی سبیل الله امواتا بل احیاء عند ربهم یرزقون (ندارید آنانرا که در راه خدا کشته شده مردگان بلکه زنده اند و نزد پروردگار خویش روزی میخورند . (۳ـ۱۶۹)

نام ... که ذکرش سکینه قلوب است و مهرش غفران ذنوب و باز هم بنام او که ملجا و مأوی مومنین است و پناه مظلومان و نابود کننده ستمگران و جباران و رازق مرزوقین است و خالق مخلوقین و عاشق معشوقین و باستعانت از او که میمیراند و زنده میکند حی است و قادر .

و با درود و سلام بر انبیاء از نبی آدم تا نبی خاتم محمد مصطفی ( ) که خداوند او را سرور هستی بر خلائق قرار داد و با درود و سلام بر اوصیاء از علی حیدر کرار(ع) تا مهدی (عج) منجی بشر که با ظهور مرجع خود مزین نموده و خلق را در این نعمت خدادادی که بعدا معلوم میشود ارزانی میبخشد و با درود و سلام بر کلیه شهدا از هابیل تا ابراهیم و از ابراهیم تا خاتم انبیاء و از خاتم انبیاء تا خاتم الاوصیا (سلام الله علیه و آله) و با درود و سلام بر کلیه امت حزب الله که با ایثار گریها و هدایای پرمحتوی و پرارزش خود جوهره انقلاب را در تاریخ به نگارش درآورده اند و یگانه امت واحده ساخته شده اند با درود و سلام بر رهبران و راهنمایان جامعه اسلامی که ملت اسلامی را به راه سعادت و نیکبختی راهنمائی میکند در این میان دشمنان برای نابودی دین برخواسته و چون منافعشان در خطر است خواسته اند که نام و نشانی از اسلام نباشد که مبادا کسی دم از اسلام زند و ملتهای مظلوم و ستم دیده را بیدار کند و آنها را بر علیه دشمنانشان بشوراند باید بدانند و دشمنان اسلام در حال حاضر چنین فکری در سر دارند باید بدانید که پیروزی از خدا بیخبر نگوئیم کور خوانده اند چون مسلمانان بخوبی آگاهند و برای مبارزه با ابرقدرتها آماده اند به همین خاطر و بر حسب وظیفه ای که بر دوش خود احساس کردم برای مبارزه با دشمن آماده شدم و به جبهه آمدم چون که حضرت امام جبهه و جنگ را در راس مسائل قلم داد کردند و فرمودند که مبارزه با دشمن و رفتن به جبهه یک واجب شرعی است باید



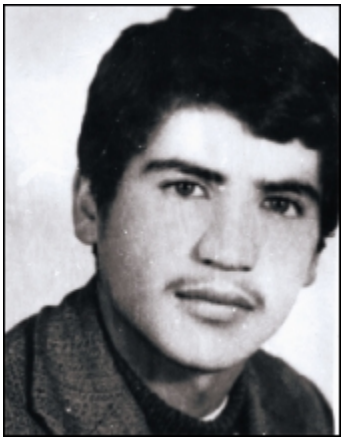
ص

...یم که شما برادران عزیز و رزمنده نباید در امر مبارزه کوتاهی کنید شما برادران جبهه
...ا خالی نگذارید که کفار در بین شما تفرقه اندازی کنند و حکومت کنند و حیثیت خود را حفظ
...نید چرا که در کنار وحدت میتوان بر دشمنان و کفار و منافقین غلبه کرد بدانید که در جنگ
...ا دشمن پیروز هستید چون که شما ایمان دارید و بزرگترین سلاح را دارید و هیچ کس دیگر و هیچ
...لت و حکومتی از این سلاح برخوردار نیستند همیشه برای مبارزه آماده باشید نگذارید عیطان در میان
...خنه کند و شما را از این فوز بزرگ دور نماید باید به این منافقین کوردل بگوئید که اگر ملت
...ما را بکشید آماده تر خواهد شد من از همین جا به آنهایی که در فکر ضربه زدن هستند میگویم
که ای کاتوشهای هر و فساد و بدنمای ای ردم بد عاقبت و بد بخت گوشهای خود را باز کنید که
برای چندمین بار به شما میگوئیم آیا گمان کرده‌اید که پس از کشتن ما در دنیا به نان و نوائی
خواهید رسید؟ و یا کاخهای خود را مجلل تر خواهید کرد هیهات هیهات میبینم روزی را که شما از
هر ذلیلی ذلیل تر و از هر درمانده‌ای بیچاره‌تر خواهید بود همین طور که حالا معلوم است میبینم
که سران و کفار امپریالیسم به التماس افتاده‌اند و خواهان دوستی با ما هستند اما دیگر دیر شده
است چون مانند دوستی گرگ و گوسفند میشود بدانید که زود یا دیر پشیمان میشوید پس چه بهتر است
دست از کارهایتان بردارید و به دین اسلام بیائید شما امید فردائید که ما در برابر آمریکا
و دشمن اسلام و قرآن سر اطاعت فرود آوریم هرگز. بخدا پناه میبریم که به چنین خواری و ذلتی تن
دردهیم همینطور که من تن به ذلت نمیدهم و نخواهم داد امیدوارم که ملت ما تن به ننگ نداده و
نخواهند داد و تا سقوط رژیم منحط بعث عراق و تا نابودی دشمن کافر از پای ننشینید ما مسلمانان
در دامان کرامت و آقائی پرورش یافته‌ایم و سیادت و سروری در روح و جان ما صبح میزند و عزت و
شرف ما به ما حکم میکند که برای مرگ آغوش باز کنیم آه بخدا چقدر مشتاقم که هر چه زودتر
به شهیدان صدر اسلام بپیوندم و آنها را ملاقات کنم بر حسب وظیفه چند کلمه‌ای نصیحت به امت
شهید پرور بدانید که شما نیستید که این پیروزیها را بدست آورید و بدانید خداوند لطفی بیجا
بر ما کرده و او است که سر بلندی و افتخار و عظمت بر ما داده است پس به خود مغرور نشوید
یاد خدا را از دل بیرون نبرید و خداوند را شکر گوئید ای ملت مسلمان در همه جهات امر رهبری
را اطاعت کنید که خداوند رهبری نمونه و بسیار بزرگ به امت ما داده است پس همیشه به بیانات
حضرت امام لبیک گوئید که او رضای خداوند و رضایت و آسایش شما ملت و سربلندی اسلام را میخواهد
پیر مردم کوفه نباشید و همینطور که تا بحال از ولایت فقیه پشتیبانی کردید بعداً نیز چنین باشید
و برای خود یعنی رأی به اسلام و جمهوری اسلامی داده باشید پایبند باشید و مسلمان واقعی عمل
نمائید کنید نه فقط به شعار مسلمان باشید و چند کلمه با خانواده‌ام سلامی عرض میکنم به شاپور و

مادر گرامی مبارک باد بر شما افتخاری که شما را در دنیا و آخرت سربلند خواهد کرد
نباشد شما ناراحت باشید چون که خدا داده و خود او هم گرفته است چه هدیه‌ای بالاتر از این
که در راه خدا و برای رضای او باشد باید خدا را شکر گوئید که فرزندانتان در چنین راهی
قدم برمیدارند و برای اعتلای کلمه حق کار میکنند انما اله خداوند اجری که در خور آنهاست
به انسان دهد باید شما برای مردم الگو باشید کمی فکر نکنند که خسته شده‌اید باید مردم را برای
جهاد و کار خیر تجهیز کنید ووحدت را حفظ کنید و شما ای مادرم وظیفه و مسئولیت شما همانطور
که تا حال حفظ کرده‌اید چون که پیکار در حال حاضر بر شما واجب تست باید بهتر کانون خانواده را
گرم نگاه دارید و برای تربیت مجاهدان فی سبیل الله و تجهیز و آمادگی و روحیه بخشیدن به
مردان خانواده‌هایتان برای پیکار وظیفه شما خواهر مجاهد و خواهران مسلمان دیگر چنین است که
زینب وار با هر گونه بیحجابی و فساد و سختی مبارزه کنید و خدا را از یاد نبرید و خدا را بیشتر
عبادت کنید سنگر مسجد را خالی نگذارید از برادران شجاع خود میخواهم که اسلحه بزمین افتاده
برادر حقیرتان و شهیدان دیگر را بر زمین نگذارید که دشمن خوشحال خواهد شد در پایان پدر من
وصی من است و خود بهتر میداند که انجام وظیفه کند خدایار و نگهدار شما باشد .

برادر حقیر شما محمد حسن رمضانیان ۶۵/۹/۲۹ جبهه جنوب .

خدایا خدایا تا انقلاب مهدی خمینی را نگهدار .



نام: **محمدرضا**
نام خانوادگی: **رنجی**
نام پدر: **احمد**
نام مادر: **زهره**
تاریخ تولد: **بیست‌وهشتم خرداد** 1342
محل تولد: **شهرستان شاهرود**
تحصیلات: **چهارم متوسطه**
ارگان اعزام‌کننده: **بسیج**
تاریخ شهادت: **یازدهم آبان** 1361
محل شهادت: **عین‌خوش**
نحوهٔ شهادت: **اصابت ترکش**
مزار: **گلزار شهدای زادگاهش**

عبارت‌های کلیدی

- از شما می‌خواهم امام امت این نور فروزان در دل شب تاریک، امید همه جهانیان را یاری کنید.
- همیشه به صلاح شما بوده و هست که پشتیبان و گوش به فرمان روحانیت باشید.
- در راه خدا که گام برداشته‌اید از هیچ ابرقدرتی نهراسید.
- مردم آگاه باشند و زود تحت تأثیر حرفها و یاوه‌گویی منافقین و عمالشان قرار نگیرند.
- امیدوارم که بتوانیم از ادامه‌دهندگان راه شهدا و صالحان دین باشیم.
- در هر حال پشتیبان محرومان و مستضعفان باشید.
- امام این قلب تپنده امت را یاری کنید.

محمدرضا رنجی

بسم‌الله الرحمن الرحیم

«یا ایتها النفس المطمئنة ارجعی الی ربک راضیة مرضیه فادخلی فی عبادی و ادخلی جنتی»[1]

با درود بر یگانه رهبر و فرمانده کل قوا حضرت مهدی(عج) و با درود بر نایب[2] برحقش امام خمینی و با درود بر شهیدان از صدر اسلام تاکنون. اینجانب محمدرضا رنجی فرزند احمد در حالی که تندرست صحیح و سالم هستم وصیت خود را به شرح ذیل می‌نویسم امیدوارم که این پیامی باشد برای ملت عزیز و خانواده خودم. هرچند کوچک‌تر از آنم که برایشان پیامی دهم.

خداوند را سپاس می‌گویم از این که نعمت شرکت در این جهاد مقدس را به من داد. خداوند را سپاس می‌گویم از این که دوباره توانستم در جبهه‌هایی جنوب در این «ماه محرم ماه خون و قیام»[3] حضرت حسین بن علی(**7**) حضور داشته باشم و در جبهه‌هایی[4] که همه جای آن را خون شهیدان عزیزمان پر کرده است و عطر و آهنگ خاصی به آن منطقه بخشیده است در جبهه‌هایی[5] که هر گوشه و کنار آن را بنگری صدای نوحه و مصیبت بگوش می‌رسد. در جبهه‌هایی[6] که فریاد یا حسین و یا مهدی رزمندگان قلب مزدوران شرق و غرب را به لرزه می‌اندازد در جبهه‌هایی[7] که [هرگز] آن دعای کمیل و دعای توسل آنرا نمی‌شود فراموش کرد و ناله‌های رزمندگان را در دل شب به فراموشی سپرد.

اینک که پای به این جای مقدس و پاک گذاشتم جز رضای خداوند متعال را در نظر نگرفته‌ام و راضی هستم به رضای او. اما چند سخنی دارم با شما امت بیدار و ملت عزیز و

1- فجر/ 28.

2- در اصل وصیت «نائب».

3- تعبیر «محرم ماه خون و قیام» به‌خصوص در دوران مبارزه با طاغوت از سوی امام اعلام شد در واقع نوع نگاه امام به محرم و عزا داری برآیند تعریف و تلقی ایشان از اسلام انقلابی و اسلام ناب محمدی بود.

4- در اصل وصیت «جبهه‌هائی».

5- در اصل وصیت «جبهه‌هائی».

6- در اصل وصیت «جبهه‌هائی».

7- در اصل وصیت «جبهه‌هائی».

شهیدپرور از شما می‌خواهم امام امت این نور فروزان در دل شب تاریک، امید همه جهانیان را یاری کنید و گوش به صحبت‌های آن عزیز دهید که همواره باعث پیشرفت و سعادت شماست و آن قائد اعظم را یاری کنید که یاری کردن آن رهبر یاری کردن حضرت رسول‌الله محمد بن عبدالله(6) و ائمه و امامان(:) دین است.

همیشه به صلاح شما بوده و هست که پشتیبان و گوش به فرمان روحانیت باشید و در هر مسئله‌ای[1] از وجود آنها استفاده کنید و می‌دانید که با بودن این نعمت خداداد است که جمهوری اسلامی در خط اسلام و قوانین قرآنی قرار دارد پس قدر این عزیزان را بدانید که همه ابرقدرت‌ها و عمال آنها از نفوذ کلام و بیان آنها می‌ترسند و همیشه دشمن آنان بودند. در راه خدا که گام برداشته‌اید از هیچ ابرقدرتی نهراسید با یاد خدا دل‌هایتان را آرامش بخشید که «**الا بذکر الله تطمئن القلوب**»[2] و انشاءالله نصرت و پیروزی خداوند نزدیک است آن نصرتی که در قرآن کریم امر فرموده است.

سخنی هم دارم با شما دوستان و آشنایان عزیزم آن کسانی که امید[3] امام و ملت مسلمان هستید از شما می‌خواهم که هر یک از شما به نوبه خود امام امت را به مردم بشناساند و خط اصلی انقلاب را در همه جا مطرح کند که اجر و ثواب زیادی خواهید برد که انشاءالله شهدا هم از شما راضی باشند. همیشه تشکیلاتی عمل کنید و نگذارید بار دیگر منافقین[4] در مدارس و محافل ما مهره‌سازی کنند که بعدها ضربه آن را با به شهادت رساندن عزیزانمان بخوریم.

تشکیلات را در همه جا عملی کنید که به‌گفتهٔ شهید مظلوم بهشتی[5] کار تشکیلاتی ما حالت عبادت دارد. پس بکوشید تا آنجا که می‌توانید در تشکیلات حزب جمهوری اسلامی[6] که کاملاً در خط امام و مورد تأیید امام و روحانیت مبارز همچون خامنه‌ای[7] عزیز

1- در اصل وصیت «مسائلی».
2- رعد/ 28.
3- در اصل وصیت «امیدان».
4- ر.ک. تعلیقات.
5- ر.ک. تعلیقات.
6- ر.ک. تعلیقات.
7- ر.ک. تعلیقات.

و هاشمی رفسنجانی[1] است کار کنید، که خون 72 تن شهید حزب[2] و شهید بهشتی در انتظار جواب ما ملت است و حزب جمهوری اسلامی را به مردم بشناسانید که مردم آگاه باشند و زود تحت تأثیر حرف‌ها و یاوه‌گویی[3] منافقین[4] و عمالشان قرار نگیرند.

خیلی از شما معذرت می‌خواهم که مزاحم وقت عزیزتان شدم و اگر در این مدتی که با هم بودیم خطایی[5] و یا حرف تند و خشنی از من دیده و یا شنیده‌اید[6] ببخشید و در حقم دعا کنید. از خداوند در حق طلب عفو و بخشش بنمایید[7] امیدوارم که بتوانیم از ادامه‌دهندگان راه شهدا و صالحان دین باشیم و بتوانیم چنان خدمتی به خانواده‌های این عزیزان کنیم که در خور شأن والا و مقام آنها باشد.

در پایان سخنی دارم با شما پدر و مادر و برادران عزیزم آن کسانی که همه وجود خود را وقف من کردید که بتوانم شاید روزی به درد این ملت بخورم و باری را از دوش جامعه بردارم و با خدمت خودم شما و ملت را از خود راضی و خشنود کنم. مادر عزیزم هرگز نتوانسته و نمی‌توانم آن خوبی‌ها و محبت‌های تو را حتی یک شب از آن بیدار خوابی‌های شما را جواب بدهم امیدوارم که خداوند به شما اجر و مزد دهد، چون خیلی مقام والا و قرب و منزلت در نزد خدا دارید.

اگر در این راهی که رفته‌ام خداوند مرا لایق دانست و خواستار معامله با من شد و به شهادت رسیدم هرگز هراس به خود راه مده و شیون و زاری نکن که شاید این یک امتحان خدایی[8] باشد و بکوش از این امتحان خدایی[9] با سربلندی و افتخار بیرون بیایی.[10] می‌دانم هرچند مشکل است از دست دادن عزیزان چنان باش که دیگر مادران شهدا بودند و دیگر

1- ر.ک. تعلیقات.
2- ر.ک. تعلیقات ذیل حزب جمهوری اسلامی.
3- در اصل وصیت «یاوگویی».
4- ر.ک. تعلیقات.
5- در اصل وصیت «خطائی».
6- در اصل وصیت «شنیده و یا دید».
7- در اصل وصیت «بنمائید».
8- در اصل وصیت «خدائی».
9- در اصل وصیت «خدائی».
10- در اصل وصیت «بیائی».

زنان از حالت تو به خود حسرت بخورند و [تکانی که] باعث تقویت روحیه آنان شود که اگر باز برای جبهه احتیاج به نیرو بود پدران و مادران با رویی[1] باز و خوشحال عزیزان خود را بفرستند به میدان کارزار. امیدوارم که مرا ببخشی از اینکه، این مدت کوتاه زندگی‌ام[2] شما را خیلی زجر دادم و همیشه باعث رنجش خاطر شما شدم.

پدر عزیزم من کوچکتر از آنم که به شما حرف و یا پیامی دهم می‌دانم که مقاوم و صبور هستید و این یک نعمتی است که خداوند به شما داده است. برادرانی که در نزد شما قرائت می‌خواندند را چنان تربیت و سواد قرآنی یاد بده که فردا بتوانند هر یک به درد[3] این جامعه و ملت مسلمان بخورند. خیلی از شما معذرت می‌خواهم و امیدوارم که مرا ببخشید از این که در طول مدت زندگی‌ام شما را اذیت و آزار کردم. نمازهایی[4] قضا دارم که برایم بخوانید چند روزی را در ماه مبارک رمضان جبهه بودم که برایم روزه بگیرید.

برادرم محمد [چنان] فرزندانت را [به خوبی] تربیت کن[5] که آنها امیدهای[6] امام و ملت [...][7] هستند، سعی کن نماز و دیگر احکام را از همان کوچکی به آنها یاد بدهی چون ذهن آنها آماده است، برادرم محمود را سلام مخصوص برسانید و این پیام ناقابل را هم به او برسانید سعی کن [که] بتوانی آن طور که ملت مسلمان و امام می‌خواهد در راه خدا قدم برداری و باعث فخر ملت شوی و از علمت در راه مکتب استفاده کن و به درد[8] اسلام و مسلمین برس امیدوارم که مرا می‌بخشید. در پایان چند خط شعری است که برایتان نوشته‌ام:

هر آن کو چشم دل بیدار دارد — نظر پیوسته با دلدار دارد
به هر جا بنگرد چشم خدا بین — تماشای جمال یار دارد»[9]

1- در اصل وصیت «روئی».
2- در اصل وصیت «زندگیم».
3- در اصل وصیت «بدرد».
4- در اصل وصیت «نمازهائی».
5- در اصل وصیت «فرزندانت را تربیت کن».
6- در اصل وصیت «امیدان».
7- خوانا نیست.
8- در اصل وصیت «بدرد».
9- فیض کاشانی، غزل 240.

خوشـــا آن کـــو عنایـــت بـــا خـــدا کـــرد بـــه حـــق پیوســـت و تـــرک ماســـوا کـــرد

درود بر امام امت امید مستضعفان جهان امام خمینی، درود بر امید امام و امـت آیـت‌الله منتظری،[1] درود بر رزمندگان پرتوان اسلام.
خدایا خدایا تا انقلاب مهدی خمینی را نگه‌دار.

محمدرضا رنجی

[وصیت‌نامه‌ای دیگر]

بسم‌الله الرحمن الرحیم

«ولاتقولوا[2] لمن یقتل فی سبیل‌الله اموات بل احیاء ولکن لاتشعرون»[3]
با درود بی‌کران به فرمانده کل قوا (حضرت مهدی(عج) و نایب[4] بـرحقش امـام خمینـی بـا درود بر تمام شهدا از کربلای حسین(**7**) تا کربلای غرب و جنوب ایران.
می‌دانم که در اول زندگی‌ام[5] هیچ خدمتی به اسلام[6] و ملت مسلمان نکردم و همیـشه در گناه و معصیت بودم اکنون که خود را شناختم و به هوش آمدم از خدا می‌خواهم که به من لطفی کند و منت بر من بگذارد تا بتوانم از گناهان گذشته توبه کنم و به‌سوی او برگردم. از همه اقوام و خویشان می‌خواهم که مرا ببخشند و برای من دعا کنند تا خدا مـرا ببخـشد. از دوستان و برادرانی که به هر[7] نحو آنها را رنجانده و اذیت نمودم از آن‌ها خواهش مـی‌کـنم که مرا مورد مرحمت و بخشش خود قرار دهند.
و اما شما برادران همفکر از شما می‌خواهم که منسجم‌تر و الهی تر و در راه حـق خـود به هر[8] نحو پافشاری کنید[9] و در هر حال پشتیبان محرومـان و مستـضعفان باشـید.[10] جهـاد

1- ر.ک. تعلیقات.
2- در اصل وصیت «تقولو».
3- بقره/ 154.
4- در اصل وصیت «نائب».
5- در اصل وصیت «زندگیم».
6- در اصل وصیت «با سلام».
7- در اصل وصیت «بهر».
8- در اصل وصیت «بهر».
9- در اصل وصیت «کنند».
10- در اصل وصیت «باشند».

سازندگی- سپاه پاسداران [و] نهادهایی[1] که از متن این انقلاب جوشیده‌اند را یاری کنید و پشتیبان روحانیت اصیل در خط امام بوده و طرفدار[2] و همراه آنان باشید. امام این قلب تپنده[3] امت را یاری کنید. که یاری کردن این مرد بزرگ، یاری کردن خدا و اولیاء اوست.

پدرم و مادرم می‌دانم که در این دوران زندگی‌ام[4] فرزند خوبی برای شما نبودم و شما را خیلی زجر دادم و نتوانستم آن طور که شما لیاقت داشتید حق شما را ادا کنم و امیدوارم که مرا ببخشید و استوار و مقاوم باشید. (مادرم چنان باش که زنان دیگر از حالت تو حسرت بخورند و احساس حقارت و کوچکی کنند زینب‌وار تمام مسائل و مشکلات را پشت سر بگذار که خداوند بزرگ با صابرین است) سلام گرم و صمیمانه‌ام را به همه اقوام و خویشان برسانید.

برادرم محمود دوست داشتم یکبار دیگر تو را ببینم، اما خدا خواست که اینطور بشود امیدوارم که بتوانی به این[5] ملت محروم و مسلمان ایران کمک‌های فراوانی کنی و در این راه مقاوم و پایدار باشی. برادرم محمد فرزندت را چنان تربیت کن که بتواند به اسلام[6] خدمت کند و فردی موثر برای این آب و خاک باشد. از شما برادران و اقوام التماس دعا دارم و امیدوارم که مرا ببخشند.

درود بر رهبر جهان شیعه امام خمینی، درود بر امید و امت آیت‌الله منتظری،[7] درود بر رزمندگان پرتوان اسلام

«والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته»

محمدرضا رنجی

1- در اصل وصیت «نهادهائی».
2- در اصل وصیت «در خط امام طرفداری».
3- در اصل وصیت «طپنده».
4- در اصل وصیت «زندگیم».
5- در اصل وصیت «باین».
6- در اصل وصیت «باسلام».
7- ر.ک. تعلیقات.

بسم الله الرحمن الرحیم

یا ایتها النفس المطمئنة ارجعی الی ربک راضیة مرضیة فادخلی فی عبادی وادخلی جنتی

با درود بی‌کرانه رهبر فرزانه کل ثوار حضرت مستطاب آیت‌الله العظمی خمینی
و با درود بر شهیدان از صدر اسلام تا کنون اینجانب محمدرضا رنجی فرزند احمد در حالی
که تندرست صحیح و سالم هستم وصیت خود را به شرح ذیل می‌نویسم امیدوارم که این
پیام باشد برای ملت عزیز و خانوادهٔ خودم هرچند کوچکتر از آنم که برایشان پیامی دهم.
خداوند را سپاس می‌گویم از این که نعمت شرکت در این جهاد مقدس را به من داد. خداوند را
سپاس می‌گویم از این که دوباره توانستم در جبهه‌های جنوب در این ماه محرم ماه خون و قیام
حضرت اباعبدالله الحسین بن علی (ع) حضور داشته باشم در جبهه‌هائی که همه‌جای آن را خون
شهیدان عزیزمان پر کرده است و عطر و آهنگ خاصی به آن منطقه بخشیده است در
جبهه‌هائی که هرگوشه و کنار آن را بنگری صدای ناله و مصیبت بگوش می‌رسد. در جبهه‌هائی
که فریاد یا حسین و یا مهدی رزمندگان قلب مردمان شرق و غرب را بلرزه می‌اندازد
در جبهه‌هائی که هرگز آن دعای کمیل و دعای توسل از زبان نمی‌شود فراموش کرد و ناله‌های
رزمندگان را در دل شب به فراموشی سپرد. اینک که پای به این جای مقدس و
پاک گذاشتم جز رضای خداوند متعال را در نظر نگرفته‌ام و راضی هستم به رضای او
اما چند سخنی دارم با شما ای بیدار و ملت عزیز و شهید پرور از شما می‌خواهم امام است
این نور فروزان در دل شب تاریک. امید همهٔ جهانیان را یاری کنید و گوش به صدای او

آن عزیز دهید که همواره باعث پیشرفت و سعادت شماست و آن نائب اعظم را
یاری کنید که یاری کردن آن رهبر یاری کردن حضرت رسول الله محمد بن عبدالله و ائمه
والاتبار دین است همیشه به صلاح شما بوده و هست که پشتیبان و گوش بفرمان او باشید
باشید و در هر مسائلی از وجود آنها استفاده کنید و می دانید که با بودن این نعمت خداداد
است که جمهوری اسلامی در خط اسلام و قوانین ترکی قرار دارد پس قدر این عزیزان
را بدانید که همه ابرقدرتها و عمال آنها از نفوذ کلام و بیان آنهاست ترسند و همیشه دشمن
آنان بوده اند. در راه خدا که گام برداشتن ایشان از هیچ ابرقدرتی نهراسید با یاد خدا دلهایتان
را آرامش بخشید که (الا بذکر الله تطمئن القلوب) و راه والای نصرت و پیروزی خداوند
نزدیک است آن نصرتی که در قرآن کریم امر فرموده است. سخن هم دارم با شما
دوستان و آشنایان عزیزم آن که نگذید امیدان امام و سنگ مسلمان هستید از شعارهای خواهم
که هریک از شما به نوبه خود امام است را به مردم بشناسانید و خط اصلی انقلاب را در
هر جا مطرح کنید که اجر و ثواب زیادی خواهید برد که انشاءالله شما هم از شما راضی باشند. همیشه
تشکیلاتی عمل کنید و نگذارید بار دیگر منافقین در مدارس و محافل ما موجودیت پیدا کنند که بعدها
صدمات آن را با شهادت رساندن عزیزانمان بخواهیم تشکیلات را در هر جا عملی کنید که
بگفته شهید مظلوم بهشتی بکار تشکیلاتی ما حالت عبادت دارد پس بکوشید تا آنجا که می توانید
در تشکیلات حزب جمهوری اسلامی که کاملاً در خط امام و مورد تأیید امام و روحانیت مبارز
همچون خامنه ای عزیز و هاشمی رفسنجانی است کار کنید که خون ۷۲ تن شهدای حزب
و شهید بهشتی در انتظار جواب ماست و حزب جمهوری اسلامی را به مردم

بشناسانید که بردم آگاه باشند و زود تحت تأثیر حرفها و یاوه‌گویی منافقین و عوامل شیاطین قرار نگیرند. خیلی از شما معذرت می‌خواهم که مزاحم وقت عزیزان شدم و اگر در این مدتی که با هم بودیم خطائی و یا حرف تندو خشنی از من شنیده و یا دیده بپوشید و در حقم دعا کنید از خداوند در حقم طلب عفو و بخشش بنمائید امیدوارم که بتوانیم از ادامه‌دهندگان راه شهدا و صالحان دین باشیم و بتوانیم جبران خدمتی به خانواده‌های این عزیزان کنیم که در حضور خدا والا و مقام آنها باشد در پایان سخن دارم با شما پدر و مادر و برادران و خواهرم آن یک نکته‌ای وجود خود را وقف من کردید که بتوانم شاید روزی بتوانم این ملت بزرگوار و باری را از دوش جامعه بردارم و با خدمت خودم شما و ملتی را از خود راضی و خشنود کنم. مادر عزیزم هرگز نتوانستم و نمی‌توانم آن خوبیها و محبتهای تو را حتی یک شب از آن بیدارخوابیهای شما را جواب بدهم امیدوارم که خداوند بشما اجر و مزد دهد چون خیلی مقام والا و قرب و منزلت در نزد خدا دارید. اگر در این راهی که برگزیده‌ام خداوند مرا لایق دانست و خواستار معامله با من شد و به شهادت رسیدم هرگز هراسی به خود راه ندهید و شیون و زاری نکنید که شاید این یک امتحان خدائی باشد و بکوشید از این امتحان خدائی با سربلندی و افتخار بیرون بیائید می‌دانم هرچند مشکل است از دست دادن عزیزان چنان باشد که دیگر مادران شهدا بودند و دیگر زنان از حالت تو به خود حرکت بخورند و تکانی که باعث تقویت روحیه آنان شود که اگر باز پروانه جبهه‌ها احتیاج به تیر و پود پدران و مادران با روئی باز و خوشحال عزیزان خود را بفرستند به میدان کارزار. امیدوارم که مرا ببخشی از اینکه این مدت که تا اینجا نتوانستم

شما را خیلی زجر دادم و همیشه باعث رنجش خاطر شما شدم پدر عزیزم من کوچکتر از آنم که به شما حرف و یا پیامی دهم می دانم که مقاوم و صبور هستید و این یک نعمتی است که خدا و ندبشما داده است برادرانی که در نزد شما امانت می خوانند را چنان تربیت و سواد قرآنی یاد بدهید که خدا بتواند شرمنده بوده و ملت مسلمان بخورند. خیلی از شما معذرت می خواهم و امیدوارم که مرا ببخشید از این که در طول مدت زندگیم شما را اذیت و آزار کردم. نماز جانم قضا دارم که برایم بخوانید چند روزی را در ماه مبارک رمضان نخوردم که برایم روزه بگیرید. برادرم محمد چنان فرزندانت را تربیت کن که آنها امید ان امام و ملت باشند سعی کن نماز و دیگر احکام را از همان کوچکی بآنها یاد بدهی چون ذهن آنها آماده است برادرم محمد درا سلام مخصوص برسان و این پیام ناقابل را هم به او برسانید سعی کن که بتوانی آن طور که ملت مسلمان و امام می خواهد در راه خدا قدم بردارد و باعث عزت ملت شوی و از عظمت در راه مکتب استفاده کن و بدرد اسلام و مسلمین بخور پدر امیدوارم که مرا ببخشید. در پایان چند خط شعری است که برایتان نوشتم:

هر آن کو هم دل بیدار دارد — فغان پیوسته با دلدار دارد
بود جا بگرد چشم خدا بین — تماشای جمال یار دارد
خوشا آنکو عنایت با خدا کرد — به حق پیوست و ترک ماسوا کرد

درود بر امام است امید مستضعفان جهان امام خمینی
درود بر امید امام و است آیت الله منتظری
درود بر رزمندگان پر توان اسلام
خدایا خدایا تا انقلاب مهدی خمینی را نگهدار

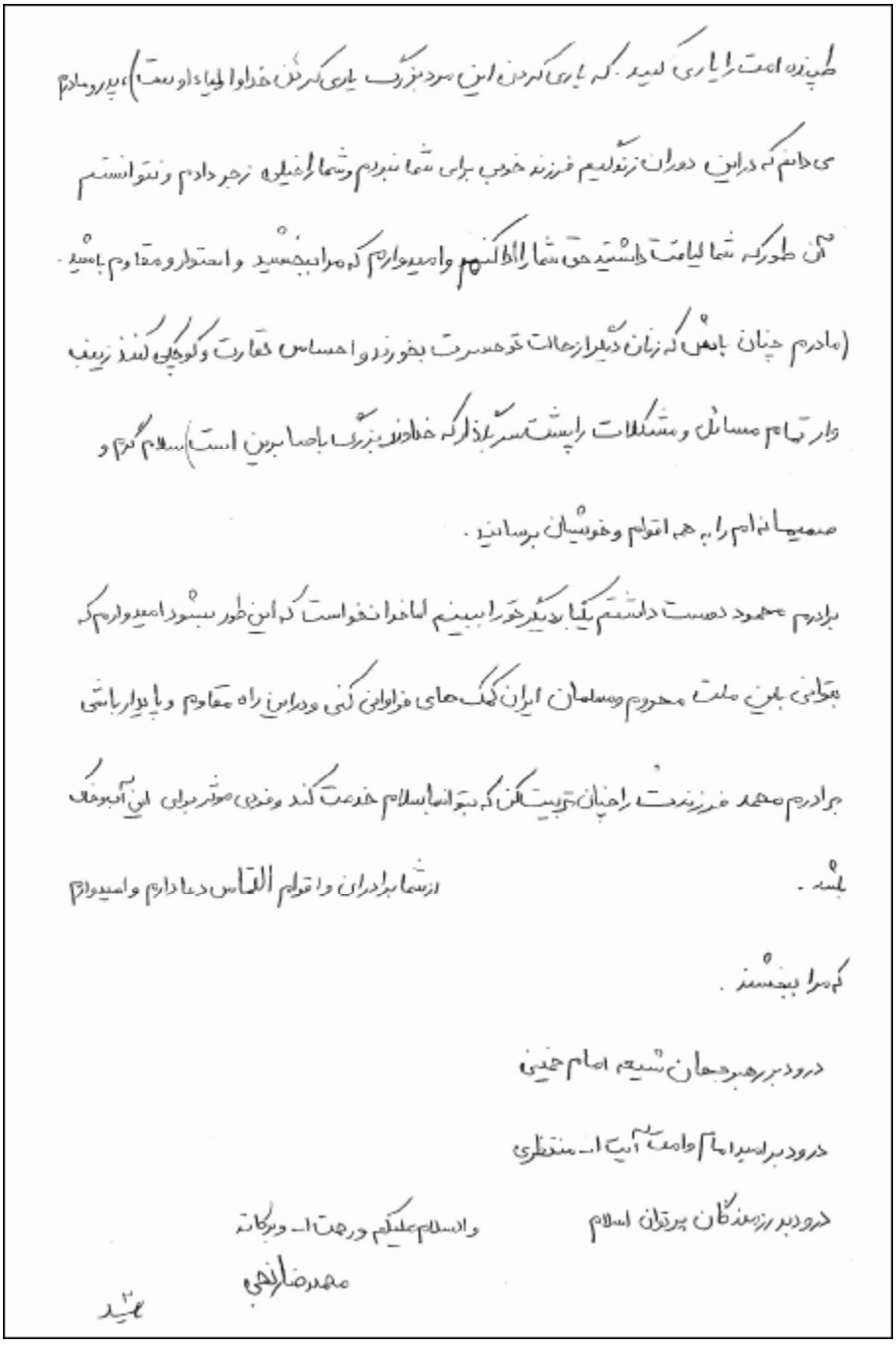
محمدرضا رستگی

"بسم تعالی"

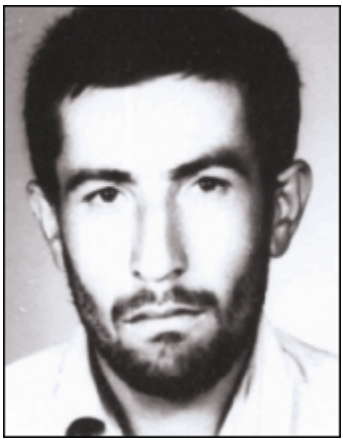
"وصیت نامه برادر شهید محمدرضا رنجی"

"بسم الله الرحمن الرحیم"

لا تقولوا لمن یقتل فی سبیل الله... امواتٌ بل احیاءٌ ولکن لا تشعرون ، با درود بی کران به زمانده کل قوا (حضرت مهدی (عج)) و نائب برحقش امام خمینی بدرود بر تمام شهدا از کربلای حسینی (ع) تا کربلای غرب و جنوب ایران میدانم که در طول زندگیم هیچ خدمتی با اسلام و ملت مسلمان نکردم و همیشه گرفتار گناه و معصیت بودم اکنون که خود را شناختم و به هوش آمدم از خدا می خواهم که با من لطف کند و منت بر من گذارد تا بتوانم از گناهان گذشته توبه کنم و به سوی او برگردم از همه اقوام و خویشان می خواهم که مرا ببخشند و برای من دعا کنند تا خدا مرا ببخشد از دوستان و برادرانی که بقرضشان ها را نپرداخته و اذیت نمودم از آن ها خواهش می کنم که مرا مورد عفو و بخشش خود قرار دهند و اما شما برادران هم نگران شما می خواهم که مسلم تر و الهی تر و در راه حق خود به هر نحو پافشاری کنید و در هر حال پشتیبان محرومان و مستضعفان باشید. همه سازندگی - سپاه پاسداران نهادهایی که از زمان این انقلاب جوشیده اند را یاری کنید و پشتیبان روحانیت اصیل و در خط امام خمینی و همراه آنان باشید امام این قلب



طبق ده امت را یاری کنید. که یاری کردن این مرد بزرگ یاری کردن خدا و اولیاء او است) پدر و مادرم
می دانم که در این دوران زندگیم فرزند خوبی برای شما نبودم و شما را خیلی زجر دادم و نتوانستم
آن طور که شما لیاقت داشتید حق شما را ادا کنم و امیدوارم که مرا ببخشید و استوار و مقاوم باشید.
(مادرم چنان باش که زنان دیگر از حالات تو عبرت بخورند و احساس حقارت و کوچکی کنند زینب
وار تمام مسائل و مشکلات را پشت سر بگذار که خداوند بزرگ با صابرین است) سلام گرم و
صمیمانه ام را به هم اقوام و خویشان برسانید.
برادرم محمود دوست داشتم یکبار دیگر تو را ببینم اما خدا نخواست که این طور نبود امیدوارم که
بتوانی بار این ملت محروم و مسلمان ایران کمک های فراوانی کنی و در این راه مقاوم و پایدار باشی
برادرم محمد فرزندت را چنان تربیت کن که بتواند اسلام خدمت کند و فردی موثر برای این آبوخاک
باشد. از شما برادران و اقوام التماس دعا دارم و امیدوارم
که مرا ببخشند.
درود بر رهبر جهان شیعه امام خمینی
درود بر سید امام امت آیت ا... منتظری
درود بر رزمندگان پرتوان اسلام
والسلام علیکم ورحمت ا... وبرکاته
محمدرضا نجفی
شهید



نام: **عباسعلی**
نام خانوادگی: **رنگریز**
نام پدر: **جمشید**
نام مادر: **زبیده**
تاریخ تولد: **نهم شهریور** 1338
محل تولد: **شهرستان دامغان**
تحصیلات: **پایان دورهٔ ابتدایی**
ارگان اعزام‌کننده: **بسیج**
تاریخ شهادت: **چهارم دی** 1365
محل شهادت: **شلمچه**
نحوهٔ شهادت: **اصابت گلوله**
مزار: **گلزار شهدای فردوس رضای زادگاهش**

عبارت‌های کلیدی

- به خواهرانم سفارش می‌کنم که زینب‌گونه پیام خون شهدا را به کوش کر استکبار جهانی و جنگ‌افروزان دنیا برسانند.
- من از شما تقاضا دارم که همچون گذشته پشت سرامام عزیز و خط سرخ شهادت گام برداشته و تا رفع فتنه در عالم از پای ننشینید و آرام نگیرید.
- به همسرم سفارش می‌کنم که مانند زنان کربلای حسینی، پیام خون شهدا را به کج‌فهمان برسانید.

عباسعلی رنگریز

بسم‌الله الرحمن الرحیم

«کل نفس ذائقة الموت»[1]

با حمد و سپاس بر خداوند متعال و با درود و سلام بر پیامبر بزرگ اسلام حضرت محمد(6) و امامان معصوم(7) و نایب برحق دوازدهمین امام معصوم، حضرت امام‌خمینی و با سلام به ارواح پاک شهدای دشتهای خوزستان و کوه‌های کردستان و با درود و سلام به جانبازان و مجروحین و مصدومین جنگ با آرزوی شفای عاجل برای آنها و با آرزوی آزادی اسرا و بازگشت مفقود الاثرها به آغوش پرمهر خانواده‌هایشان. اینک که با میل و رغبت[2] خودم و احساس وظیفه شرعی و عرفی توفیق حضور در جبهه‌های نور علیه باطل را یافتم چند سطری من باب وصیت‌نامه به روی کاغذ می‌آورم و امیدوارم که به آن دقیقاً عمل شود. پدر ارجمندم از محضر شما تقاضا دارم که مرا ببخشید و حلالم کنید زیرا احساس می‌کنم در طول زندگی نتوانستم لحظه‌ای از زحمات طاقت‌فرسای شما را جبران نمایم. و می‌خواهم صبر و شکیبایی را پیشه خود سازید و افتخار نمایی[3] که تنها پسرت[4] را و تنها امانت الهی را خوب نگهداری کرده و به صاحبش پس داده‌ای[5] و به خواهرانم سفارش می‌کنم که زینب‌گونه پیام خون شهدا را به کوش کر استکبار جهانی و جنگ‌افروزان دنیا برسانند[6] و بگویند که ما از کشته شدن در راه اسلام باکی نداریم بلکه افتخار می‌کنیم زیرا سرور شهیدان امام حسین(7) هم افتخار کرد. و شما ای مردم قهرمان و شهیدپرور جهادگر آفرین بر شما بحق که شما دین خود را توانستید به دینتان ادا کنید. بر خود ببالید و افتخار کنید زیرا عاقبت دنیا فنا شدن است و چه خوب است[7] با

1- آل عمران/ 185.
2- در اصل وصیت «رقبت».
3- در اصل وصیت «نماید».
4- در اصل وصیت «پسرش».
5- در اصل وصیت «داده است».
6- در اصل وصیت «برساند».
7- در اصل وصیت «که».

عشق به کربلای حسینی به سوی معشوق خودشتافتن. من از شما تقاضا دارم که همچون گذشته پشت سرامام عزیز و خط سرخ شهادت گام برداشته و «تا رفع فتنه در عالم از پای ننشینید»[1] و آرام نگیرید. زیرا شرافت و عظمت انسان در این است. و به همسرم سفارش می‌کنم که مانند زنان کربلای حسینی پیام خون شهدا را به کج‌فهمان برسانید و آنان را از خواب غفلت بیدار نمایید[2] و حقانیت جمهوری اسلامی را به جهانیان بفهمانید و در تربیت فرزندانم کوشا باشی و آنها را طوری به بار بیاور که از زمره باقیات‌الصالحات باشند. انشاءالله

مدت یک‌سال نماز و یک ماه روزه بدهکارم. امید است اجیر[3] گرفته و حق خدای کریم را ادا نمایید.[4]

«والسلام»

[5]65/7/7

در ضمن وکیل و وصی اینجانب پدرم [می‌باشد][6] چنانچه اموالی نسبت به اینجانب تعلق دارد و [...][7] می‌گیرد تعلق به همسر و فرزندانم دارد چنانچه مایل بود همسرم در کنار فرزندانم بماند شریک و در غیر این صورت خواست از بچه‌ها جدا شود همان سهمی که خداوند نسبت به یک همسر حقی داده همان را از مالم می‌تواند بگیرد و بقیه مالم تعلق به فرزندانم دارد.

«والسلام»

عباسعلی رنگریز[8]

1- تعبیر جنگ و مبارزه تا رفع فتنه در عالم تعبیری قرآنی است، امام خمینی هم در تأیید شعار «جنگ جنگ تا پیروزی رزمندگان» بر جنگ جنگ تا رفع فتنه در عالم تأکید می‌ورزند. (صحیفه امام، ج19، ص113).

2- در اصل وصیت «نمائید».

3- اجیر گرفتن یعنی با پرداخت حق‌الزحمه فردی نسبت به ادای روزه و نماز قضای شهید اقدام نماید.

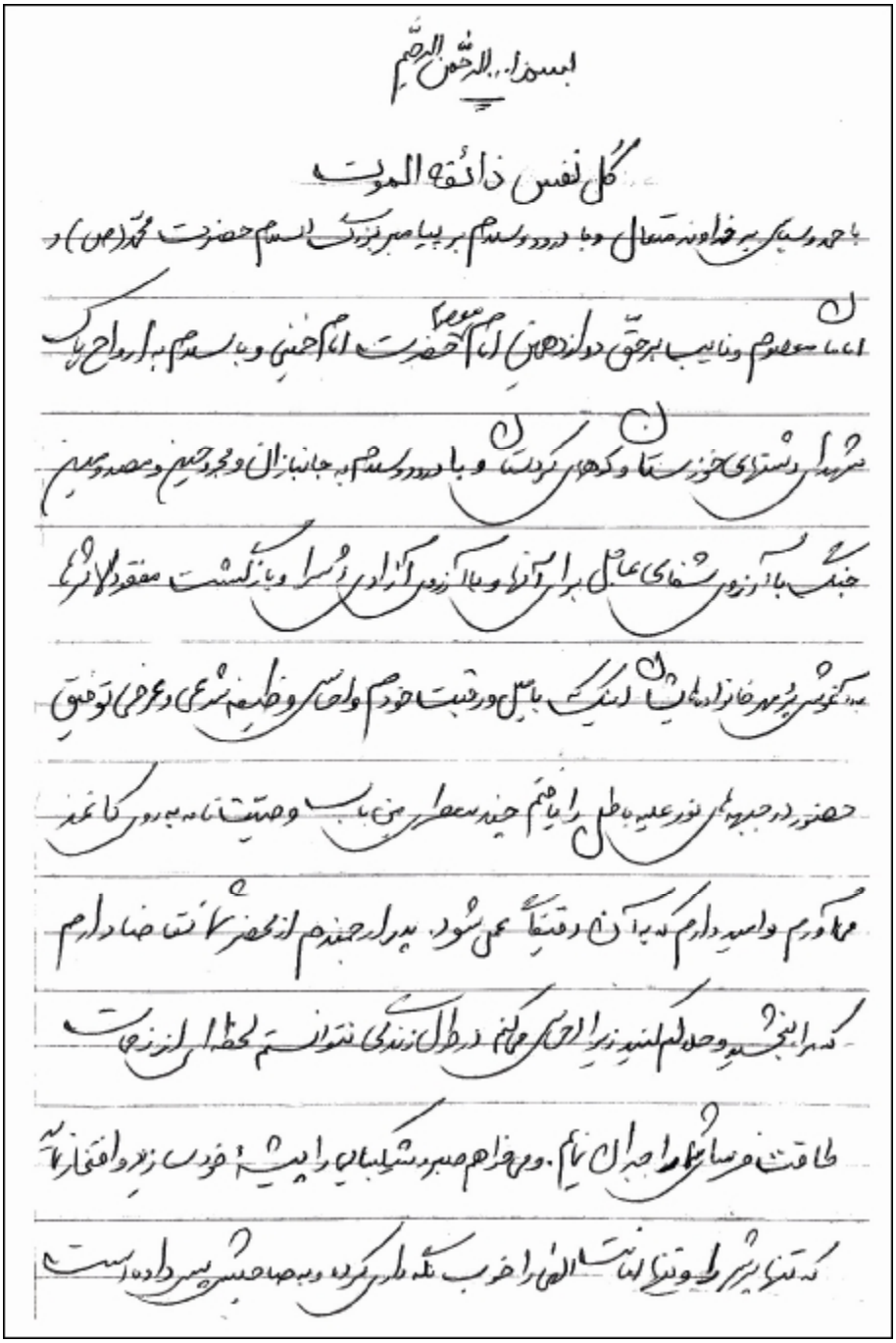
4- در اصل وصیت «نمائید».

5- در زیر امضای شهید امضای شاهد وکالت به نام اصغر فخرالدین آمده است.

6- در اصل وصیت «پدرم چنانچه».

7- خوانا نیست.

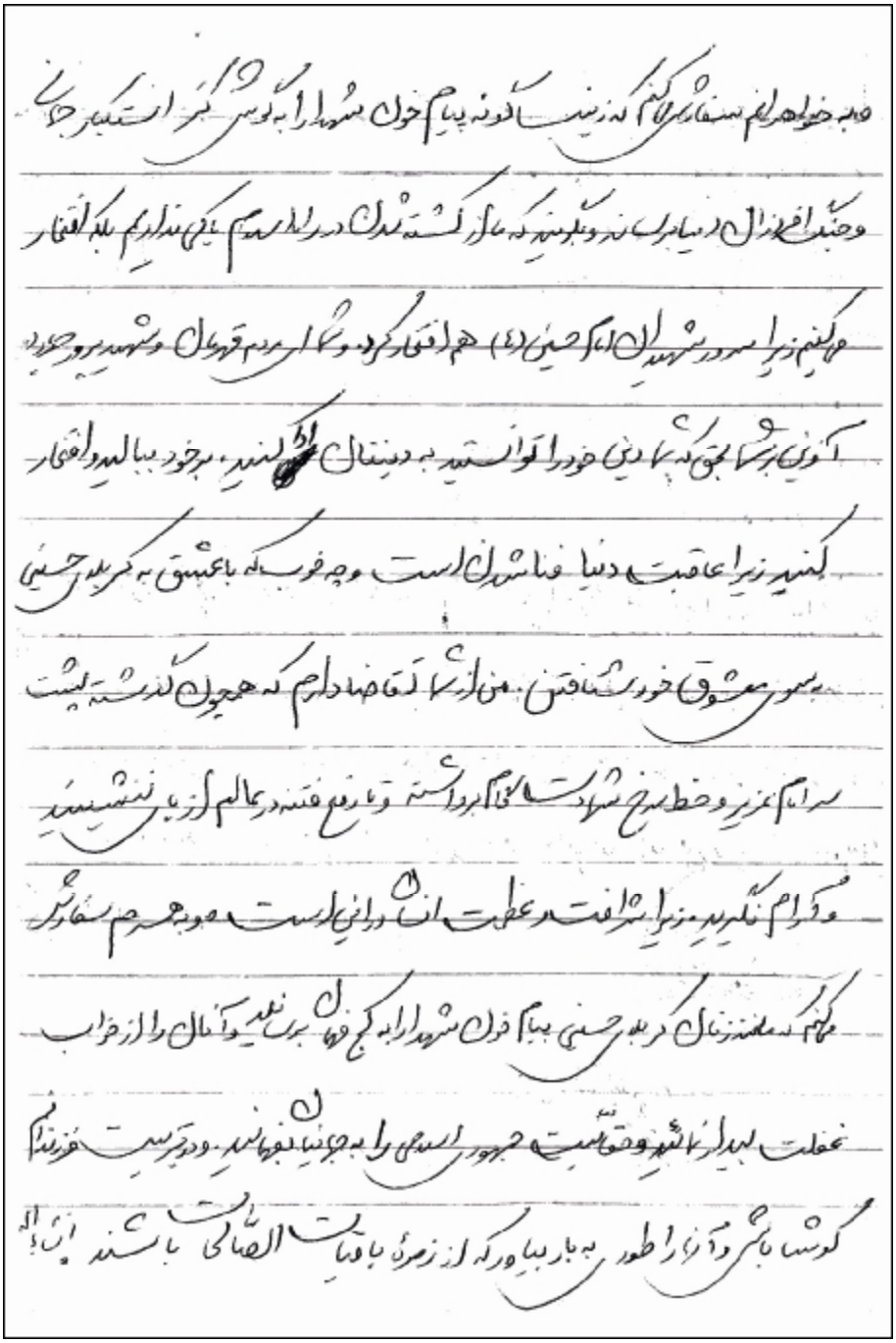
8- در زیر امضای شهید امضای حاج رضا گیدان آمده است.

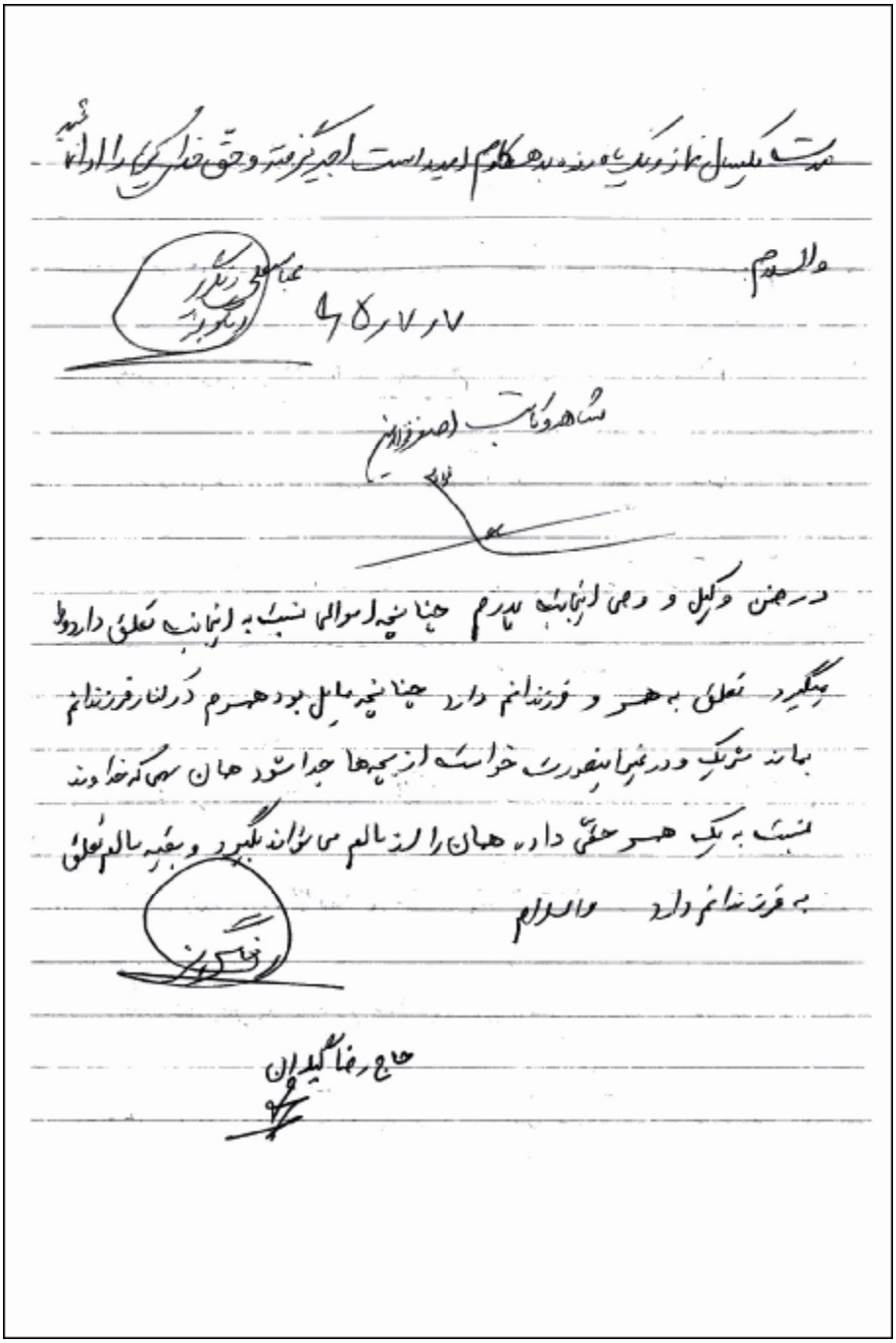


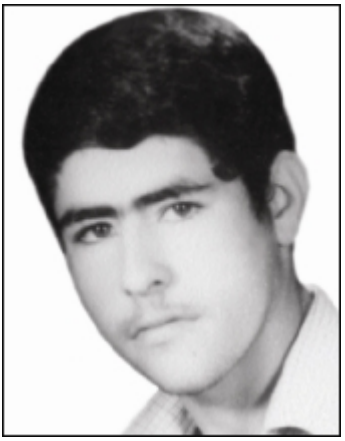
بسم الله الرحمن الرحیم

کل نفس ذائقة الموت

با حمد و سپاس بر خداوند متعال و با درود و سلام بر پیامبر بزرگ اسلام حضرت محمد (ص) و
ائمه معصومین و نایب برحق دوازدهمین امام حضرت امام خمینی و با سلام به ارواح پاک
شهدای راستای خوزستان و کهدشت و با درود و سلام به جانبازان و مجروحین و مصدومین
جنگ با آرزوی شفای عاجل برای آنان و با آرزوی آزادی اسرا و بازگشت مفقودالاثرها
به کشور پرمهر خانواده‌هایشان لینک با کمال رغبت خودم وصیتی و ظیفه شرعی و عرفی توفیق
حضور در جبهه‌های نور علیه باطل را یافتم چند سطری می‌نویسم وصیت‌نامه به روی کاغذ
می‌آورم و امیدوارم که به آن دقیقاً عمل شود. پدر از چندین از محضرتان تقاضا دارم
که اینجانب وصیت‌نامه را اجرا می‌کنم در طول زندگی نتوانستم لحظه‌ای از زحمات
طاقت فرسای شما را جبران نمایم. و من خواهم صبر و شکیبایی را پیشه خود سازید و افتخار آنم
که تنها پسر شما و تنها اولاد شما را خوب نگه داری کرده و به صاحبش پس داده است







نام: **فرهاد**
نام خانوادگی: **روشنایی**
نام پدر: **مصطفی**
نام مادر: **ربابه**
تاریخ تولد: **یکم فروردین** 1337
محل تولد: **شهرستان دامغان**
تحصیلات: **پایان دورهٔ ابتدایی**
ارگان اعزام‌کننده: **بسیج**
تاریخ شهادت: **چهارم دی** 1365
محل شهادت: **شلمچه**
نحوهٔ شهادت: **اصابت گلوله و ترکش**
مزار: **گلزار شهدای روستای کلاته رودبار زادگاهش**

عبارت‌های کلیدی

- قدر امام خمینی را بدانید و برای او دعا کنید.
- شهادت یکی از افتخارهای بزرگ است.
- امام خمینی عنایتی از عنایت‌های خداوند کریم به ملت ایران است.
- راه شهیدان را ادامه بدهید.
- به فرزندانتان قرآن بیاموزید.
- انقلاب اسلامی سرمنشاء نهضت‌های آزادی‌بخش جهان است.
- خواهران بنا بر نص صریح قرآن حجاب را حفظ نمایند.
- همیشه خدا را شکر کنید.
- از خواندن قرآن و دعا دست بر ندارید.
- همهٔ پیروزی‌های ما از همین دعاها و قرآن خواندن‌هاست.

فرهاد روشنایی

بسم‌الله الرحمن الرحیم

«و لنبلونکم بشی من الخوف و الجوع و نقص مِـنَ الامـوالِ و الانفـسِ و الثّمـرات و بَـشِرِ الصابرین»[1]

«و البته شما را به سختی‌ها چون تـرس، گرسـنگی و نقـصان در امـوال و در جـان و آفـت زراعت و منافع بیازماییم[2] و بشارت و مژده باد بر آنانکه صبر پیشه می‌کنند».

اینک که به توفیقات و تأییدات خداوند آماده دفاع از حدود و ثغور اسلامی مـی‌باشـم و آمادهٔ رفتن به خط می‌باشم شهادت می‌دهم به وحدانیت خداوند متعال براساس اولین شعار اسلام «**لا اله الا الله**» و به رسالت پیامبر اکرم(**6**) ختمی مرتبت براساس آیهٔ «**انا ارسـلنا رسلنا بالبینات و انزلنا معهم الکتاب و المیزان...**».[3] و به امامـت علـی(**7**) و یـازده فرزنـد پاکش براساس آیهٔ تطهیر «**انما یرید الله لیذهب عنکم الرجس اهل البیت و یطهرکم تطهیراً**»[4] و به ولایت فقیه در عصر غیبت امام زمان(عج) براساس حدیث «الفقهاء امنا الرسل»[5] کـه در عصر حاضر در حضرت امام خمینی متبلور اسـت و اعتقـاد راسـخ دارم بـه اینکـه انقـلاب اسلامی سرمنشاء نهضت‌های آزادی‌بخش جهان[6] است و همانند انفجار نوری در ظلمـت و جهل و تباهی و فساد و راه هدایت را برای مردم جهان هموار نمود و خواهد نمود.

و ضمن تشکر از تلاش بی‌شائبه رهروان خـط اصـیل اسـلام و انقـلاب و خـدمتگزاران صدیق از مردم شهیدپرور ایران می‌خواهم که در حفظ دستاوردهای انقلاب که نتیجه خـون هزاران شهید و معدوم و مفقود و اسیر می‌باشد نهایت تلاش و کوشش را مبـذول نماینـد و در ضمن انزجار و تنفر خود را از ملحدین و منافقین[7] و کوردلانی که قابل هـدایت نیـستند

1- بقره/ 155.

2- در اصل وصیت «بیازمائیم».

3- حدید/ 25. در اصل وصیت «معهم» افتاده است.

4- احزاب/ 33.

5- بحشی از حدیث نبوی است: «الفقهاء امنا الرسل مالم یدخلوا فی الدنیا» (کافی، ج1، ص33 باب صفة العلم و فـضل العلماء).

6- غرض حرکت‌ها و نهضت‌هایی است که در سرتاسر جهان برای رهایی از زیر یوغ استعمار و استکبار قیام می‌کنند.

7- ر.ک. تعلیقات.

اعلام می‌نمایم و رهبری امام را هم‌چون سفینهٔ نوح[1] می‌شناسم که می‌تونـد انـسان‌هـا را در امواج پر تلاطم[2] توطئه‌های به سرمنزل مقصود با اتکال به خدا برساند و از مردم تقاضا دارم الفت و مانوسیت را در این برههٔ حساس از تاریخ سرنوشتمان حفظ نمایند.

و خواهران بنا بر نص صریح قرآن حجاب را حفظ نمایند و حتی‌امکان[3] در جماعـات و جمعه حضور پیدا کنند.

و در خاتمه صبری جمیل و اجری جزیل بـرای خـانواده شـهدا و مفقـودین و اسـرا از درگاه خداوند خواهانم و امیدوارم کسانی که به‌نوعی حقـی برگـردن اینجانـب دارنـد و یـا لغزش‌هایی داشتم، مرا ببخشند و بنده هم اگر حق شـرعی دارم، مـی‌گـذرم و اگـر چنانچـه افتخار شهادت پیدا نمودم، در گلزار شهدای کلاته دفن کنید.

و در ضمن از پدر و مادر بزرگوارم که در تربیت من همت گماشـتند، نهایـت تـشکر را دارم و امیدوارم که مرا ببخشند و مـورد عفـو قـرار دهنـد. و از همـسر عزیـزم و فرزنـدان محبوبم اگر چنانچه بنده همسر خوبی بـرای او و پـدر خـوبی بـرای فرزنـدانم نبـودم مـرا ببخشند.

ومنا... التوفیق
الاحقر فرهاد روشنایی
به تاریخ بیست‌وچهارم محرم‌الحرام سال 1407 قمری
مورخ 1365/7/7 شمسی

[وصیت‌نامه‌ای دیگر]

بسم‌الله الرحمن الرحیم

«**و لا تقولوا**[4] **لمن یقتل فی سبیل الله امواتٌ بـل احیـاء و لکـن لا تـشعرون**»[5] «و مپندارید کسانی‌که کشته می‌شوند از مردگانند بلکه آنان زنده‌اند ولکن[6] شما نمی‌دانید».

1- ر.ک. تعلیقات.
2- در اصل وصیت «تلاتم».
3- در اصل وصیت «حد».
4- در اصل وصیت «لا تقولو».
5- بقره/ 154.
6- در اصل وصیت «لاکن».

و اینک اینجانب فرهاد روشنایی که در جبهه حق علیه باطل بـه نـدای «هـل مـن ناصـر ینصرونی»[1] حسین زمان، خمینی بت‌شکن، لبیک گفته‌ام و با دشمنان اسلام در سـتیز هسـتم که اگر بتوانم به یاری الله دینم را به پرچمدار اسلام حسین(علیه‌السلام) اهـدا نمـایم. بـر آن شدم که طبق سنت پیغمبر(6) اسلام وصیتی را بنویسم. با سلام بر پیغمبر اسلام، خاتم النبین، محمد رسول‌الله(6) و سلام و درود[2] بر جانشین او علی(علیـه‌الـسلام) و دختـر گرانقدر او فاطمه زهرا(س) و یازده فرزند آنها. و با سلام و درود به امـام زمـان ولـی‌عـصر حضرت مهدی(علیه‌السلام) و نایب برحقش، خمینی بت‌شکن. و سلام بـه سـالار شـهیدان حسین(علیه‌السلام) و شهیدان صدر اسـلام و امـت شـهید پـرور ایـران، وصـیتم را شـروع می‌کنم.

با سلام و درود[3] به پدر و مـادر و خـانواده‌ام اگـر شـهادت نـصیبم[4] شـد، کـه یکـی از سعادت‌های بزرگ است و در راه خدا کشته شدم برای[5] من گریه نکنید و افتخار کنید و بـه همدیگر تبریک بگویید[6] و دعا کنید به من که خداوند مرا با شهیدان کربلا مـشهور بگردانـد و هیچ‌گونه ناراحتی نکنید و گریه برای من نکنید و درست است کـه نـاراحتی دارد و ایـن گریه‌هایتان را برای فرزند فاطمه‌زهرا(3) حسین(علیه‌السلام) بکنید و در مرگ من شـکیبا باشید و صبر داشته باشید و قدر امام خمینی را بدانید و برای او دعای خیر بکنید که وجـود او عنایتی از عنایت خداوند کریم است به ملت ایران و ملت مستضعف جهان.

و سفارشم به شما این است که راه شهیدان را ادامه بدهید و همیشه خدا را شکر کنید و فرزندانتان را تربیت اسلامی کنید و به آنها قرآن بیاموزید که باعث روسـفیدی شـما در نـزد پیغمبر اسلام در محشر[7] شوند و حجاب خود را حفظ کنید کـه حجـاب شـما برنـده‌تـر از شمشیر رزمندگان است بر پیکرکافران و منافقان[8].

1- ر.ک. تعلیقات.
2- در اصل وصیت «دورد».
3- در اصل وصیت «دور».
4- در اصل وصیت «نسیبم».
5- در اصل وصیت «به».
6- در اصل وصیت «بگوئید».
7- در اصل وصیت «مشهر».
8- ر.ک. تعلیقات.

و از شما می‌خواهم که همه کارهایتان را برای خدا انجام دهید و از این اکتفا نکنید که یک فرزندتان [را] در راه خدا شهید شده است، دیگر مسئولیت از شما سلب شده است. خدا نخواسته دیگر به جنگ نروید و دین خدا را یاری نکنید، بلکه مسئولیت شما سنگین‌تر می‌شود که تفنگ بر زمین افتاده مرا بگیرید، برای نبرد با دشمنان خدا آماده شوید و به دستور[1] رهبر[2] گوش فرا دهید. این را هم به شما بگویم که هدف فقط سرنگونی صدام[3] و فتح عراق و فتح بیت‌المقدس[4] نیست یا سرنگونی آمریکا، بلکه هدف یاری کردن دین خداست و استمرار حکومت الله بر روی زمین به امامت ولی‌عصر(عج) که خدا ظهورش را نزدیک بگرداند.

پس تکلیف ما زیاد است تا روزی که کفر حکومت می‌کند و تا روزی [که] مزدوران و منافقان به سرکردگی آمریکا و شوروی به چپاول‌گری مشغول هستند، مبارزه ادامه دارد، که انشاءالله با ظهور مهدی(عج) حکومت الله بر روی زمین پیاده می‌شود و از تمام جوانان و مسلمانان و پیروان راه[5] پیغمبر(**6**) که به دین اسلام معتقد می‌باشند می‌خواهم که امام را یاری کنند و راه آنها را ادامه دهند.

و از پدر و مادرم می‌خواهم که اگرچه فرزند خوبی برای آنها نبودم مرا عفو کنند و مرا ببخشند. و از همسرم می‌خواهم که مرا ببخشد و اگر بدی از من دیده است مرا عفو نماید و از کلیه فامیلانم می‌خواهم که مرا عفو کنند و ببخشند و از کلیه مردمان کلاته می‌خواهم مرا عفو کنند و برای من دعای خیر کنند و انشاءالله خدا به همه شما جزای خیر بدهد و شما را از پیروان پیغمبر گرامی(**6**) بگرداند و در آخر از پدر و مادر و همسرم می‌خواهم که فرزندان مرا تربیت اسلامی بکند و قرآن به آنها بیاموزند.

«والسلام علی من اتبع[6] الهدای»[7]

فرهاد روشنایی

1- در اصل وصیت «دستور».
2- در اصل وصیت «رهبریت را».
3- ر.ک. تعلیقات.
4- ر.ک. تعلیقات.
5- در اصل وصیت «را».
6- در اصل وصیت «التبع».
7- در اصل وصیت «الهدا».

دعا به جان امام را فراموش نکنید و برای امام زمان دعا کنید کـه ظهـورش را خـدا نزدیـک بگرداند.

[وصیت‌نامه‌ای دیگر]

بسم‌الله الرحمن الرحیم[1]

بسم‌الله المنتقم الجبار

«ان الله[2] **اشتری**[3] **من المومنین انفسهم و اموالهم**[4] **بان لهم الجنـة یقاتلون فی سبیل الله فیقتلون و یقتلون وعداً علیه حقا فی** التوریـة **و الانجیل و القرآن و من اوفی بعهده من الله فاستبشروا ببیعکم الذی بایعتم به ذالک هو الفوز العظیم»**[5]

ترجمه: «همانا خدا خرید از مومنان جان‌ها و مال‌های ایشان را که برای ایشان است بهشت، جنگ کنند در راه خدا پس بکشند و کشته شوند وعـده‌ای اسـت بـر او حـق در تـورات و انجیل و قرآن و کیست وفادارتر بعهد خود از خدا پس شاد باشید به سـوداگری کـه سـودا نموده‌اید و این است آن رستگاری بزرگ».

«به‌نام‌الله که ذکرش سکینه قلوب است»[6] و مهرش غفران ذنوب و باز هـم بـه‌نـام او کـه می‌میراند و زنده می‌کند. به نام محمد(ص) هم او که خداوند او را اسوه حـسنه بـر خلائـق قرار بدادی و هم نبی‌خاتم و به‌نام علی(**7**) حیدر کرار که با ذوالفقار خود گردن‌کـشان و ظالمان و مشرکین و مارقین[7] را [از دو جامعه] به عدالت و ایمـان دعـوت نمـوده و بـه‌نـام مهدی‌منجی(ع) ابرار که با شمشیر مرصع خود مزین به ثارالله گیتی[8] نمود و خلق را در نـاز و نعمت به سفره عدالت خواهی دعوت نمود.

1- در بالای وصیت‌نامه قید شده است: «وصیت‌نامه پاسدار شهید فرهاد روشـنایی، تـاریخ شـهادت: 65/10/4 و محـل شهادت: شلمچه».

2- واژهٔ «الله» از اصل وصیت افتاده است.

3- در اصل وصیت «الشتری».

4- واژهٔ «موالهم» ازاصل وصیت افتاده است.

5- توبه/ 111.

6- ترجمه «الا بذکر الله تطمئن القلوب».

7- ر.ک. تعلیقات.

8- واژه‌هایی از اصل وصیت افتاده است.

اینجانب فرهاد روشنایی فرزند مصطفی دارنده شمارهٔ شناسنامه 4 و متولد سال 1337 وصیت‌نامه‌ای می‌نویسم که یادداشتی از این جانب بماند.

پروردگارا، الان که قلم بر دست گرفته‌ام از تو استعانت می‌جویم که جز کلام حق درکالبد وجودی من و در قلب من خطور نکند و جز توحید و یگانه بودن تو در ذائقه[1] من حلاوت و شیرینی نبخشد. خداوندا، علم دارم بر اینکه تو خداوند واحد، قهار و ستار هستی و شناخت تو را خود مجسم کرده‌ام که هم‌چنان رسول‌الله(ص)[2] می‌فرماید: «من عرف نفسه فقد عرف ربه»[3] «یعنی هرکس خود را شناخت خداوند علی الاعلا را می‌شناسد».

و سپاسگزارم و شکرگزارم تو را که محمد(ص) را پیامبرم قرار داده‌ای که [به]توسط او از ظلمت مرا نجات داده‌ای. و علم دارم به اینکه در غدیر خم پیامبر اکرم(ص) حضرت علی(**7**) را به مقام امامت و رهبری ارتقا داده و چنان فرموده: «من کنت مولاه فهذا علی مولاه»[4] «هرکس که تا حالا من مولای او بودم حالا علی مولای اوست» پس پیغمبر(ص) علی(ع) را به‌عنوان رهبر جامعه و امام و راهنمای بعد از خود دستور خدا قرار داده است و حال آنکه علی و یازده فرزند بر حق او که آخر آن مهدی(عج) می‌باشد، تمام را قبول کرده و در آستانه فرج آن حضرت و تعجیل فرج آن حضرت را از خداوند منان خواهانیم.

حال طبق حدیث حضرت **بقیةالله اعظم** که می‌فرماید: «به راویان احادیث بنگرید در غیبت من آنها حجت من بر شما و من حجت خدا بر آنها هستم»[5] و پس ما طبق آن حدیث، نایب او را از جان و دل قبول کرده و در راه استمرار حکومت و برقراری پرچم توحید در سراسر گیتی با شناختی[6] که در مورد ائمه‌اطهار(**7**) و معصومین دارم رو به جبهه نهاده و دینم را نسبت به امام و انقلاب ادا نمایم. و آیه «**یا ایها الذین آمنوا اطیعوا الله**

1- در اصل وصیت «زائقه».

2- در اصل وصیت شهید حدیث را به علی(**7**) نسبت داده است.

3- حدیث نبوی است (بحارالانوار، ج2، ص32).

4- بحار الانوار، ج37، ص137 (باب الاخبار الغدیر).

5- قال امام عصر(عج): «واما الحوادث الواقعه فارجعوا فیها الی رواة حدیثنا فانهم حجتی علیکم و انا حجة الله الخیر» (بحارالانوار، ج2، ص90).

6- در اصل وصیت «شناخت».

و اطیعوا الرسول و اولی‌الامر منکم»[1] را نصب العین خود قرار داده و به فرامین و دستورالعمل‌هایی که در لبان دُرّ امام خمینی، همچون گل شکفته می‌شود، همچون بلبل نوای آزادی سر می‌دهد، جان و دل سخنان آن فقیه و مرجع را خریدارم و در اطاعت از او تا آخرین نفس و قطره خون به پیکار ادامه داده و مصداق آیه «**و قاتلوهم حتی لاتکون فتنة و یکون الدین الله**»[2] را در ادامه جنگ و نابودی فتنه در شعارهای خود قلمداد نموده و همانند کوفیان[3] نیستم که اماممان تنها بماند. زیرا هدف مقدس و معرف است و خداوندا[4] اولاً گناهان مرا از راه رحمت و مغفرت ببخش زیرا تو بزرگتر از آنی که من می‌گویم.

پروردگارا، اگر قرار است که در پیکار با کافران روبرو شوم، چنانچه روزنه ودریچه رحمت واسعه سرازیر شده به شهدا و صلحا مرا پیوند ده.

چند سخن به امت شهیدپرور، هرچند که این بنده کوچک‌تر از آن هستم که با شما سخن بگویم، زیرا شما امت واحده در جهان و یگانه امت زنده و هوشیار هستید و من باب تذکر «**ان الذکری تنفع المومنین**»[5] که ذکر باعث منفعت مومن است.

اولاً از امام خمینی دست برندارید و این را فراموش نکنید و ازخود مغرور نشوید. بها و ارزشی که در این جهان پیدا کرده‌اید به رهبری امام خمینی مد ظله العالی می‌باشد. ثانیاً تا اواخر پیروزی انقلاب و زیارت کربلای حسینی و آزادی قدس[6] از نبرد و پیکار با کفار دست بر ندارید. ثالثاً از خواندن قرآن و دعا دست برندارید که دعا و مغفرت عبادت است و همه پیروزی‌های ما هم از همین دعاها و قرآن خواندن‌هاست.

چند سخن با پدر و مادر و خانواده خودم: از شما بازماندگان می‌خواهم که فرزندانم راتربیت اسلامی نمایید. و قرآن را به آنها بیاموزید و همیشه در برابر نعمت‌های پروردگار شکرگزار باشید و در شهادت و مرگ من شکیبا و صابر و شاکر باشید. چون شهادت، مرگ

1- نساء/ 59. در اصل وصیت «اولامر».

2- بقره/ 193. در اصل وصیت «کون الدین الله».

3- ر.ک. تعلیقات ذیل مردم کوفه.

4- در اصل وصیت «خداوند».

5- ذاریات/ 55. در اصل وصیت واژهٔ «الذکری» اشتباهی «الذکر» نوشته شده است.

6- ر.ک. تعلیقات.

مادی نیست و نصیب[1] هرکس نمی‌باشد و حال که نصیب این حقیر شده است. برای من گریه نکنید و برای حسین(ع) گریه کنید و اگر فرزند خوبی برای شما نبوده‌ام ولی از شما می‌خواهم که مرا عفو کنید و از همسر خود می‌خواهم که اگر همسر خوبی برای او نبودم مرا ببخشد. و مرا عفو نماید و به تربیت فرزندانم کوشا باشد. و به آنها بفهماند که این حقیر جز برای اسلام و قرآن جنگ نکرده‌ام و تا آنها هم ادامه دهنده راه من باشند و باعث روسفیدی من پیش مادر سالار شهیدان حسین‌بن علی(ع) فاطمه زهرا(س) و جدش پیغمبراکرم(ص) باشید.

و در خاتمه از کلیه فامیلان، همشهریان، همسایگان و کلیه کسانی که در پیشگاه آنها بی‌ادبی کرده‌ام و یا آزاری به آنها داده‌ام و حقی به گردن من دارند مرا عفو نمایند. و برایم تقاضای عفو در پیشگاه خداوند بنمایند. و از زائرین کربلای حسینی و قبر علی(ع) و کلیه امام‌ها که در عراق می‌باشند، التماس دعا دارم و سلام مرا به آنها برسانید و بگویید[2] این حقیر را هم مورد شفاعت خود قرار بدهند.

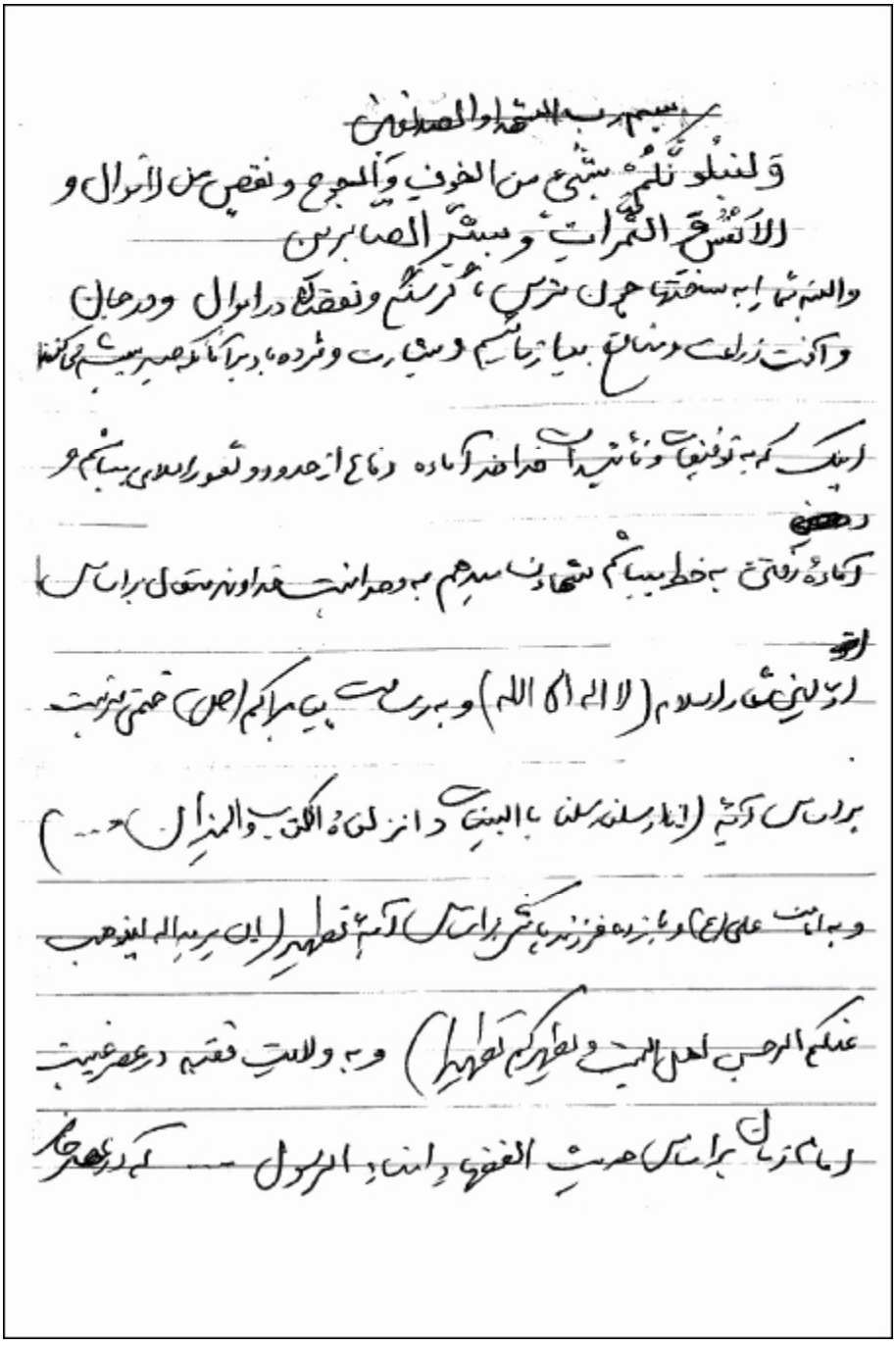
«والسلام»

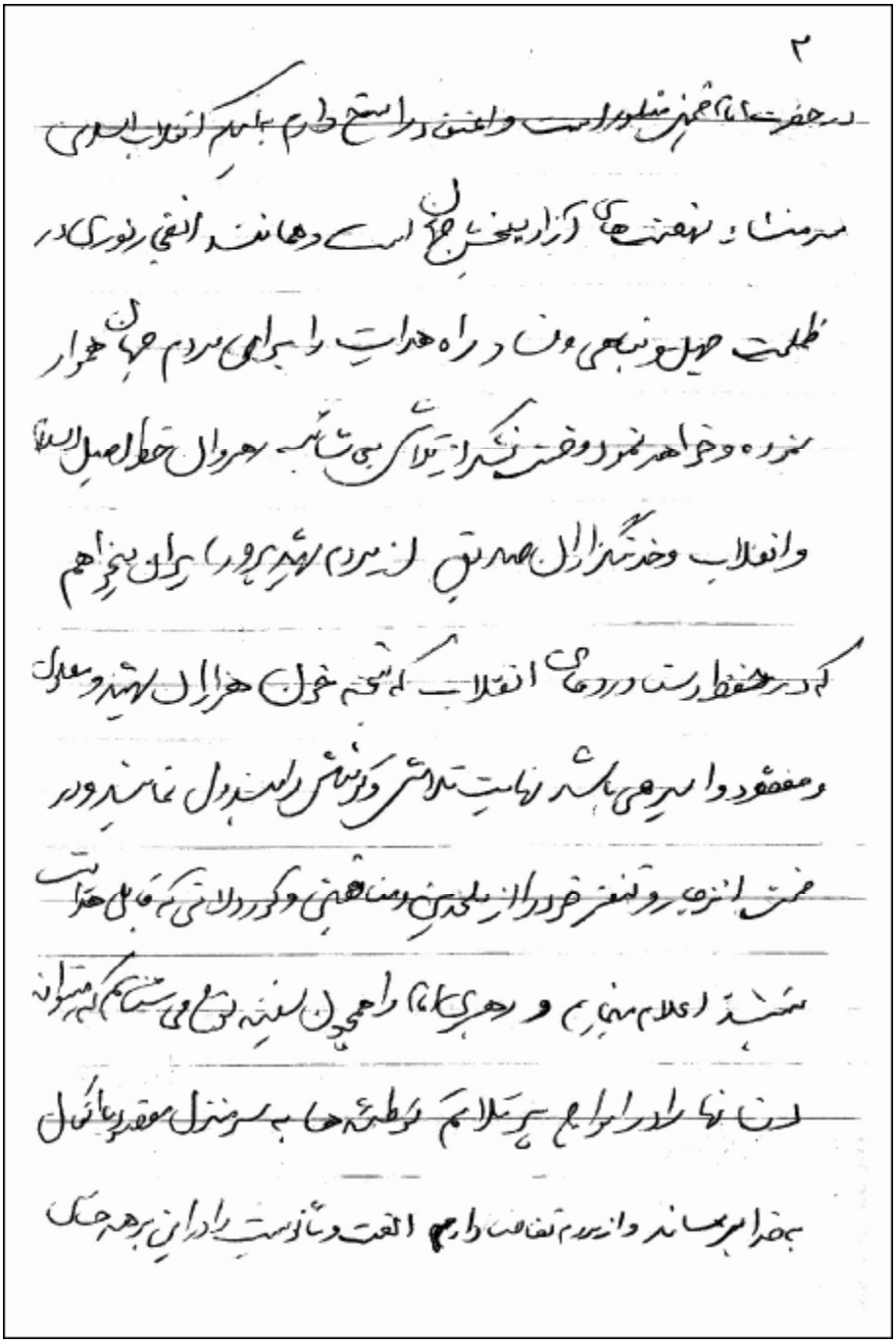
فرهاد روشنایی

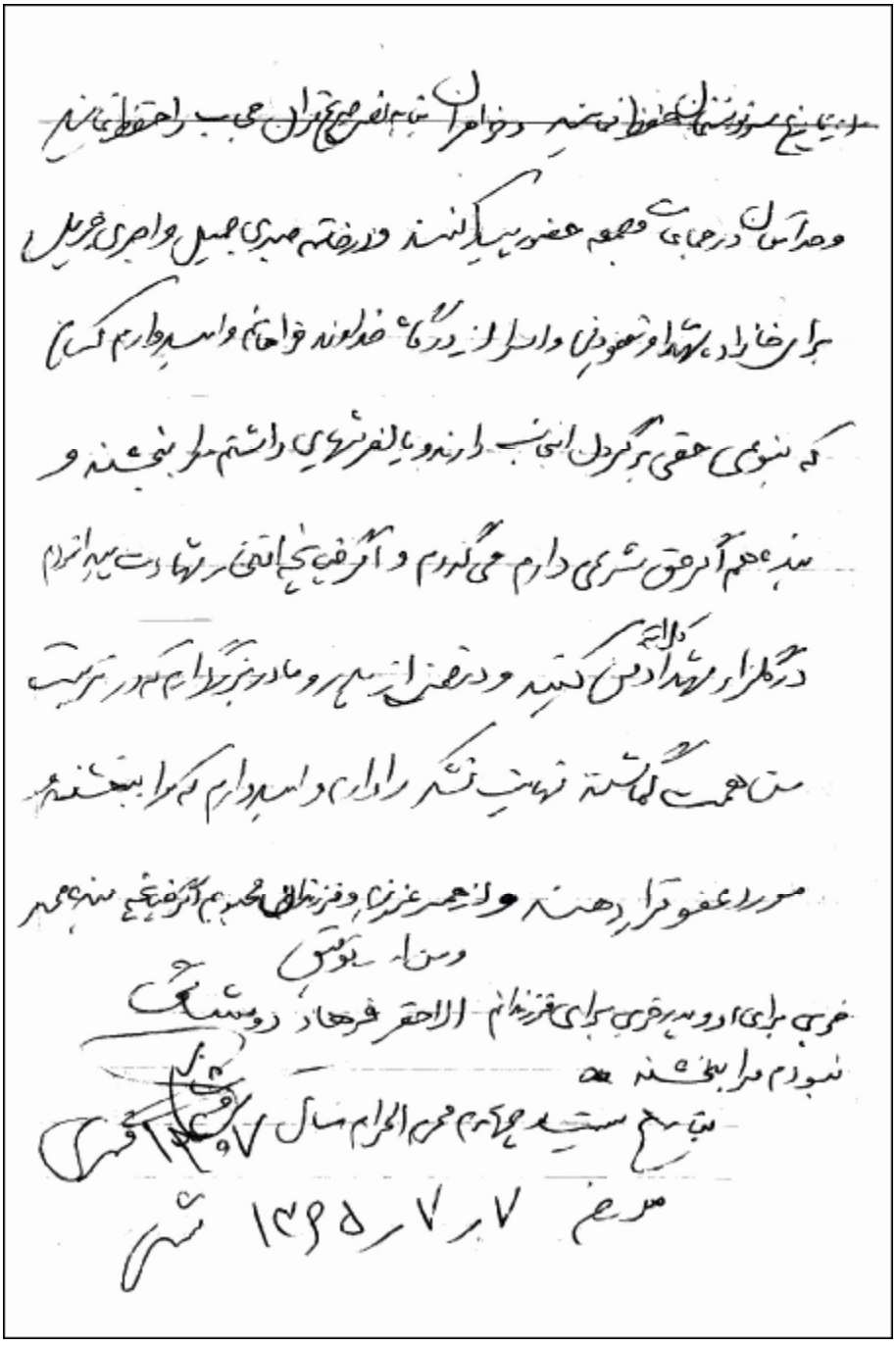
مورخ 65/9/10 هجری شمسی

1- در اصل وصیت «نسیب».

2- در اصل وصیت «بگوئید».











وصیت نامه پاسدار شهید

تاریخ شهادت: ۶۵/۱۰/۱۷

فرهاد روشنائی

محل شهادت: شلمچه



((بسم الله المنتقم الجبار))

ان الله اشتری من المومنین انفسهم باموالهم بان لهم الجنه یقاتلون فی سبیل الله و یقتلون وعدا علیه حقا فی التوریه والانجیل والقران و من اوفی بعهده من الله فاستبشروا ببیعکم الذی بایعتم به ذالک هو الفوز العظیم آیه (۱۱۱) سوره توبه.

ترجمه: همانا خدا خریدار مومنان جانها و مالهای ایشان را که برای ایشان بهشت باشد، جنگ کنند در راه خدا پس بکشند و کشته شوند وعده ایست بر او حق در تورات و انجیل و قران و کیست وفادار تر بعهد خود از خدا پس شاد باشید بسودا گری که سودا نمودید و این است آن رستگاری بزرگ.

به نام الله که ذکرش سکینه قلوب است و مهرش غفران ذنوب و باز هم بنام او که می‌میراند و زنده میکند به نام محمد (ص) همی که خداوند او را اسوه حسنه بر خلائق قرار داده و همی نبی خاتم و بنام علی حیدر کرار که با ذوالفقار خود گردن کشان و ظالمان و مشرکین و منافقین را از پا در آورد و جامعه بشریت را به توحید و ایمان دعوت نموده و بنام مهدی منجی ابرار که با همین مرصع خود مزین به نام الله گیتی نمود و خلق را در ناز و نعمت به سفره عدالت خواهی دعوت نمود. اینجانب فرهاد روشنائی فرزند مصطفی دارنده شماره شناسنامه (۲) و متولد سال ۱۳۳۷ وصیت نامه ای می نویسم که یاد داشتی از این جانب باشد. پروردگارا تا آن که قلم بر دست گرفته ام از تو استعانت می جویم که جز کلام حق در کتابت وجودی من و در قلب من خطور نکند و جز توحید و یگانه بودن تو در ذهن من جلوه و نمایش نیابد. خداوندا علم دارم بر اینکه تو خداوند یکتا، قهار و ستار هستی و همانند تو را خود مجسم کرده ام که همچنان علی (ع) می فرماید من عرف نفسه فقد عرف ربه (یعنی هرکس خود را شناخت خداوند علی الاعلا را می شناسد و سپاسگزارم و شکر گزارم تو را که محمد (ص) را پیامبر فرستادی که بتوسط او از ظلمت ما را نجات دادی. و علم دارم بر اینکه در غدیر خم پیامبر اکرم (ص) حضرت علی را به مقام امامت و رهبری ارتقا داده و چنان فرمود من کنت مولای فهذا علی مولاه هرکس که تا حالا من مولای او بودم حالا علی مولای اوست پیغمبر علی را به عنوان رهبر جامعه و امام و راهنمای بعد از خود دستور خدا قرار داده است و حال آنکه علی و یازده فرزند بر حق او که آخر آن مهدی (عج) میباشد. تمام را قبول کرده و در آستانه فرج آن حضرت و تعجیل فرج آن حضرت را از خداوند منان خواهانیم حال طبق حدیث حضرت بقیه... اعظم که می‌فرماید که به را بیان احادیث بنگرید در غیبت من آنها حجت من بر شما هستند و پس آنها هستم و شما طبق آن چه بیان نایب او را از جان و دل قبول کرده و در راه

استمرار حکومت و برقراری پرچم توحید در سراسر گیتی با شناخت که در مورد ائمه اطهار و معصومین دارم رو به جبهه نهاده و دینم را نسبت به امام و انقلاب ادا نمایم. و آیه یا ایها الذین آمنوا اطیعوا... و اطیعوا الرسول و اولا مر منکم را نصب العین خود قرار داده و به فرامین و دستورالعملهائی که در لبنان در ارام خمینی همچون گل شکفته میدرود همچون بلبل نوای آزادی سر می دهد، جان و دل سخنان آن فقیه و مرجع را خریدارم و در اطاعت از او تا آخرین نفس و قطره خون به پیکار ادامه داده و ـ مصداق آیه و قاتلوهم حتی لا تکون فتنه کون دین الله را در ادامه جنگ و نابودی فتنه در شعارهای خود قلمداد نموده و همانند کوفیان نیستم که امامان تنها بمانند. زیرا هدف مقدس و معرف است و خداوند اولا" گناهان مرا از راه رحمت و مغفرت ببخش زیرا تو بزرگتر از آنی که من می گویم.

پروردگارا: اگر قرار است که در پیکار با کافران رویرو شوم چنانچه روزبه در رجعه رحمت واسعه سراز پا شده به شهدا و صلحا مرا پیوند ده.

چند سخن به امت شهید پرور، هر چند که این بنده کوچکتر از آن هستم که با شما سخن بگویم زیرا شما امت واحده در جهان و یگانه امت زنده و هوشیار هستید و شتاب تذکر ان الذکر تنفع المومنین که ذکر باعث تنفیه مومن است.

اولا" از امام خمینی دست بر ندارید و این را فراموش نکنید و از خود مغرور نشوید بها و ارزشی که در این جهان پیدا کرده اید به رهبری امام خمینی مد ظله العالی میباشد.

ثانیا" تا آخرین نفس از انقلاب و زیارت کربلای حسینی و آزادی قدس از نبرد و پیکار با کفار دست بر ندارید.

ثالثا" از خواندن قرآن و دعا دست بر ندارید که دعا و مناجات عبادت است و همه پیروزیهای ما هم از همین دعاها و قرآن خواندن هاست.

چند سخن با پدر و مادر و خانواده خود: از شما بازماندگان می خواهم که فرزندانم را تربیت اسلامی نمائید. و قرآن را به آنها بیاموزید و همیشه در برابر نعمتهای پروردگار شکر گزار باشید و در شهادت و مرگ من شکیبا و صابر و شاکر باشید. چون شهادت، مرگ فاخری است و نصیب هر کس نمی باشد و حال که نصیب این حقیر شده است برای من گریه نکنید و برای حسین (ع) گریه کنید و اگر فرزند خوبی برای شما نبوده ام ولی از شما می خواهم که مرا عفو کنید و از همسرخود نیز می خواهم که اگر همسر خوبی برای او نبودم مرا ببخشد. و مرا عفو نماید و به تربیت فرزندانم کوشا باشد. و به آنها بفهماند که این حقیر جز برای اسلام و قرآن جنگ نکرده ام و تا آنها هم ادامه دهنده راه من باشند و باعث روسفیدی من پیش مادر سالار شهیدان حسین بن علی و فاطمه زهرا (س) و جدش پیغمبر اکرم باشید.

و در خاتمه از کلیه فامیل، همسایگان و کلیه کسانی که در پیشگاه آنها بی ادبی کرده ام و با آزاری به آنها داده ام و حقی به گردن من دارند مرا عفو نمایند. و برایم تقاضای عفو در پیشگاه خداوند بنمایند. و از زائرین کربلای حسینی و قبر علی (ع) و کلیه امامها که در عراق می باشند التماس دعا دارم و سلام مرا به آنها برسانید. و بگوئید این حقیر را هم مورد لطف خود قرار دهند.

والسلام

فرهاد روشناس

واحد فرهنگی بنیاد شهید انقلاب اسلامی دامغان مورخ ۶۵/۹/۱۰ هجری شمسی



نام: **رحمت‌الله**
نام خانوادگی: **روشن‌نهاد**
نام پدر: **رجبعلی**
نام مادر: **نرگس**
تاریخ تولد: **پنجم آبان** 1345
محل تولد: **شهرستان سمنان**
تحصیلات: **سوم متوسطه**
ارگان اعزام‌کننده: **بسیج**
تاریخ شهادت: **بیست‌وچهارم اسفند** 1363
محل شهادت: **جزیرهٔ مجنون**
نحوهٔ شهادت: **اصابت ترکش**
مزار: **گلزار شهدای امامزاده یحیای زادگاهش**

عبارت‌های کلیدی

- پروردگارا خود می‌دانی که من تنها برای رضا تو ای پروردگار عالم آمده‌ام.
- هرگز پشت به امام نکنید.
- امام عزیز خود را تنها نگذارید چون ما هر چه داریم از اسلام و امام داریم.
- خواهش دارم که جبهه‌ها را خالی نکنید.
- از خواهران عزیزم تقاضا دارم که حجاب خود را حفظ نمایند.

رحمت‌الله روشن‌نهاد

بسم‌الله الرحمن الرحیم

«خطبه 51 نهج‌البلاغه:[1] **الموت فی حیاتکم مقهورین و الحیاة فی موتکم قاهرین**»[2]
مرگ در زندگی ننگین و زندگی در مرگ شرافتمندانه است.
«منطق شهید منطق دمیدن روح به اندام مرده ارزش‌های انسانی[3] است»[4]

به‌نام الله پاسدار حرمت خون شهیدان و با درود و سلام بر امام زمان(عج) و نایب برحقش امام خمینی و با درود و سلام بر امت شهیدپرورو قهرمان ایران و با درود و سلام بر رزمندگان جبهه‌های غرب و جنوب کشور اسلامی.

پروردگارا خود می‌دانی که من تنها برای رضا تو ای پروردگار عالم آمده‌ام و خودت آگاهی که برای تداوم سنت تو و پیامبر اسلام به جبهه‌ها آمده‌ام پس ای خداوند بزرگ از تو پوزش می‌طلبم که نتوانستم شکرت را بجا بیاورم پس ای خداوند بزرگ از تو تمنا و خواهش دارم که گناهم را ببخشی و مرا در روز قیامت در پیش امامان رسوا نکنی و مرا با شیاطین محشور و هم ردیف نگردانی.

سخن اول با امت شهیدپرور ایران

هرگز پشت به امام نکنید و امام عزیز خود را تنها نگذارید. چون ما هر چه داریم از اسلام و امام داریم و از شما تقاضا و خواهش دارم که جبهه‌ها را خالی نکنید و بهانه به دست مزدوران شرق و غرب ندهید و از همکلاسی‌های عزیزم تقاضا دارم که نگذارند جبهه‌ها خالی بماند و از شما طلب حلالیت می‌نمایم

از خواهران عزیزم تقاضا دارم که حجاب خود را حفظ نمایند. از تمام فامیل‌ها و دوستان حلالیت می‌طلبم

1- در اصل وصیت «قال الحسین» آمده اما عبارت از امام علی است.
2- نهج‌البلاغه، خطبه 51.
3- در اصل وصیت «انسانیت».
4- عبارتی که شهید به نام امام امت آورده از امام نیست از شهید مطهری، ص 103 کتاب «قیام و انقلاب مهدی به ضمیمه شهید».

پدر و مادر عزیزم می‌دانم که در بزرگ کردن من چه درد و رنج‌هایی[1] را متحمل شده‌اید تا بتوانید پسرتان را سرباز امام زمان(عج) قرار دهید ولی خب[2] اسلام خیلی مهم‌تر از این چیزهاست.

در حدود 1 ماه روزه و یک‌سال نماز قرض دارم آنها را ادا کنید.

جنازه‌ام را در امامزاده یحیی گلزار شهیدان دفن کنید.

خواهید مرا که در مزارم ببرید — در زیر لوای این شعارم ببرید

با یاد علی به این دیار آمده‌ام — با عشق علی از این دیارم ببرید[3]

التماس دعا به امید شهادت انشاءالله

1- در اصل وصیت «رنجهای».

2- در اصل وصیت «خوب».

3- از مجموعه اشعار و سنگ‌نوشته‌های دفاع‌مقدس.

بسم الله الرحمن الرحیم

قال الحسین (ع): الموت فی حیاتکم مقهورین والحیاة فی موتکم قاهرین

مرگ در زندگی: تلخی و زندگی در مرگ شرافتمندانه است

وصیتنامه شهید متعلق بعد از رحلت روح بلندش مزید از شئون انسانیت است (امام امت)

به نام الله یاری از همت خون شهیدان و یاد درود و سلام بر امام زمان و نایب برحقش امام خمینی و یاد درود و سلام بر امت شهیدپرور و قهرمان ایران و یاد درود و سلام بر رزمندگان جبهه‌های غرب و جنوب لشکر اسلامی

پروردگارا خود میدانی که من تنها برای رضای پروردگاریم عالم آنهم در برای قیام و حرکت امامی در برای تداوم سنت زیبای اسلام به جبهه‌ها آمدم پس ای خداوند از تو چه پوشیده که در این راه [illegible] تا قطره آخر خونم در این راه نثار باد و از تو تقاضا دارم که راهم را ادامه دهند و راهی مرا بر روی پیشانی امام زمان بگذارند و مرا با شیاطین محشور و هر دست نگردانی.

سخنی با امت شهیدپرور ایران

هرگز پشت به امام نکنید و امام عزیز خود را تنها نگذارید. چون ما هر چه داریم از اسلام و امام داریم و از شما تقاضا داریم که حیثیت ما را حالی نکنید و نگذارید به دست مزدوران شرق و غرب نابود شود و از هماهنگی‌های عزیزم تقاضا دارم که نگذارند [illegible]

[illegible] از خواهران عزیزم هم تقاضا دارم که در حفظ حجاب [illegible] از امام یاری و پشتیبانی طلبیت می‌طلبم

پدر و مادر عزیزم می‌دانم که در برابر از دست دادن من صبور و برای اسلام شروه باشید تا فرزندان دیگر را نیز به جبهه حق علیه باطل بفرستید ولی خوب است که من هم در این جهاد مقدس سهمی داشته باشم و در حدود یک ماه دوره سربازی را گذرانده‌ام آن را ادا کنید

عبای امام را مزار شهیدان دفن کنید

التماس دعا از امید شهادت

شهید [illegible]

خواهید مرا که در مزارم ببرید

در زیر لوای این شعارم ببرید

با یاد علی به این دیار آمده‌ام

با عشق خدا از این دیارم ببرید



نام: **جلال**
نام خانوادگی: **ریحانی**
نام پدر: **محمدابراهیم**
نام مادر: **زهرا**
تاریخ تولد: **یکم فروردین** 1347
محل تولد: **شهرستان دامغان**
تحصیلات: **پایان دورهٔ متوسطه**
ارگان اعزام‌کننده: **بسیج**
تاریخ شهادت: **بیست‌ونهم تیر** 1366
محل شهادت: **جزیرهٔ مجنون**
نحوهٔ شهادت: **اصابت گلوله**
مزار: **گلزار شهدای فردوس رضای زادگاهش**

عبارت‌های کلیدی

- جبهه‌ها را خالی نکنید.
- برای نابودی کفر و فتنه به پا خیزید.
- این جنگ یک آزمایش از طرف خداوند است که می‌خواهد ببیند مردان عمل چه کسانی هستند.
- صدامیان همان کسانی هستند که در صدر اسلام با اسلام و مسلمین مخالف بودند و برای همین می‌جنگیدند.
- تا می‌توانید ارتباط خودتان را با خداوند بیشتر کنید و خود را بسازید.
- جبهه بهترین مکتب انسان‌سازی است.
- مطلب دیگری که حائز اهمیت است این که مسجدها را خالی نکنید.
- نماز جماعت و جمعه‌ها و دعاها را هر چه باشکوه‌تر اجرا کنید.
- ارتباط خودتان را با روحانیت بیشتر کنید.
- دعا برای امام و رزمندگان و معلولین و مجروحین و اسرا یادتان نرود.

جلال ریحانی

بسم‌الله الرحمن الرحیم

«ولاتحسبن الذین قتلوا فی سبیل‌الله امواتا بل احیاء عند ربهم یرزقون».[1]

به‌نام خداوند بخشنده مهربان به‌نام خداوندی که آدمیان را به فضیلت نطق و[2] مزیت عقل از دیگر حیوانات متمایز کرد[3] و از برای هدایت و ارشاد رسولان فرستاده تا خلق را از ظلمت جهل و ضلالت برهانیدند. صحن گیتی را به نور علم و معرفت آذین بستند. و بار دیگر برای هدایت ما مردم که در خواب غفلت فرورفته بودیم رهبری خالص ارزانی داشت. و کتابی عظیم به مردم جهان هدیه کرد. با درود و سلام به رهبر کبیر امام امت و با درود و سلام بر شهیدان که با خونشان این انقلاب را آبیاری کردند و با درود و سلام بر رزمندگان اسلام که با رزمشان پشت دشمن را به خاک نشاندند و با درود و سلام بر پدران و مادرانی که امانت از طرف حق تعالی را[4] که فرزندانشان می‌باشند، با عقیده‌ای قوی در راه خودش پس می‌دهند.

چند وصیت حقیرانه دارم که خدمت مردم شهیدپرور همیشه در صحنه عرض می‌کنم. اول آن‌که قدر امام عزیز را بدانید، امامی که حیثیت و شرف از دست رفته مردم را به خودشان برگرداند و اسلام را بار دگر زنده کرد.

جبهه‌ها را خالی نکنید و برای نابودی کفر و فتنه به پا خیزید همانطور که قرآن کریم می‌فرماید «و قاتلو هم حتی لاتکون فتنه»[5] این جنگ یک آزمایش از طرف خداوند است که می‌خواهد ببیند مردان عمل چه کسانی هستند. ای عزیزان بدانید این اسلام به سادگی به دست ما نرسیده است. چه ضرباتی بر پیامبران و امامان (سلام الله علیه و آله) وارد کردند امام حسین(**7**) ما را قطعه‌قطعه کردند. امام علی(**7**) را در محراب شهید کردند و فاطمه زهرا (**3**) را با چه وضعی به شهادت رساندند و چه کارها که نکردند. شما امامی

1- آل عمران/ 169.

2- در اصل وصیت «نطق مزیت».

3- در اصل وصیت «ممیز گردانید».

4- در اصل وصیت «تعالی که».

5- بقره/ 193.

را پیدا نمی‌کنید که به مرگ طبیعی مرده باشد همه را با بدترین وضع شهید کردند. ولی آنها همه این رنجها را به جان دل خریدند[1] و صبر و استقامت کردند. شما باید از آنها درس بگیرید و صبر و استقامت کنید که «خداوند در سوره والعصر به مومنین و صابرین وعده خوبی داده است».[2] پس اجازه ندهید بعثی‌های[3] کافر به شما مسلمین ضربه وارد کنند. این صدامیان همان کسانی هستند که در صدر اسلام با اسلام و مسلمین مخالف بودند و برای همین می‌جنگیدند. تا می‌توانید ارتباط خودتان را با خداوند بیشتر کنید و خود را بسازید، بدانید که جبهه بهترین مکتب انسان‌سازی است.

مطلب دیگری که حائز اهمیت است اینکه مسجدها را خالی نکنید نماز جماعت و جمعه‌ها و دعاها را هر چه باشکوه‌تر اجرا کنید، که با شکوه‌تر اجرا کردن اینگونه مراسم مشت محکمی بر دهان منافقین[4] وارد می‌کند. ارتباط خودتان را با روحانیت بیشتر کنید زیرا با بودن روحانیت عزیز، در صحنه هیچ ضربه‌ای به شما وارد نخواهد شد. ولی با نبودن آنها، این انقلاب پابرجا نخواهد ماند. اگر متوجه شده باشید ابرقدرت‌ها بیشتر به روحانیت حساس هستند و تبلیغات پوچ خودشان را روی این قشر گسترش می‌دادند و می‌دهند که هدف از این کارشان، جدا کردن مردم از روحانیت است و شما با همبستگی‌تان باید دشمن را ناراحت کنید. من از شما می‌خواهم به سخنان روحانیت گوش دهید، چرا که اینها پشتیبان شما هستند.

ای عزیزان راه مرا ادامه دهید و اگر از طرف این حقیر اشتباهی سرزده بود حلال کنید و دعا برای امام و رزمندگان و معلولین و مجروحین و اسرا یادتان نرود. به امید روزی که تمام مؤمنین با اتحاد و ایمان برابر قدرتها پیروز شوند. انشاءالله.

سخنی چند با پدر و مادرم: بنام الله پاسدار حرمت خون شهیدان سلام بر مادر عزیز و پدر گرامی‌ام[5] امیدوارم که حالتان خوب بوده باشد من از شما می‌خواهم صبر و استقامت کنید که فقط با این کارتان می‌توانید مرا راضی کنید به خداوند بگویید که از من راضی

1- در اصل وصیت «خریده».

2- در این سوره خداوند کسانی را که ایمان آورده‌اند و عمل صالح انجام داده‌اند به حق و صبر توصیه و نوید می‌دهد.

3- ر.ک. تعلیقات ذیل صدام حسین.

4- ر.ک. تعلیقات.

5- در اصل وصیت «گرامیم».

هستید و مرا حلال کنید. که در مقابل این کارتان اگر خداوند توفیق داد قول می‌دهم که شما را شفاعت خواهم کرد. به امید پیروزی رزمندگان اسلام بر کفر جهانی.

«والسلام علیکم و رحمة الله»

جلال ریحانی

63/12/15

جلال ریحانی و صیت نامه شهید



زمان شهادت: ۶۶،۴،۱۴

محل شهادت: جزایر مجنون

بسم الله الرحمن الرحیم

ولا تحسبن الذین قتلوا فی سبیل الله امواتا بل احیاء عند ربهم یرزقون .

بنام خداوند بخشنده مهربان بنام خداوندی که آدمیان را به فضیلت نطق مزیت عقل از دیگر حیوانات ممیز گردانید و زبرای هدایت وارشاد رسولان فرستاده تا خلق را از ظلمت جهل وضلالت برهانیدند و صحن گیتی را بنور علم ومعرفت آذین بستند . چاره دیگر برای هدایت ما مردم که در خواب غفلت فرو رفته بود بسم رهبری خالص ارزانی داشت . وکتابی عظیم به مردم جهان هدیه کرد . با درود وسلام به رهبر کبیر امام امت وبا درود وسلام بر شهیدان گمنامی که خونشان این انقلاب را آبیاری کردند وبا درود وسلام بر رزمندگان اسلام که با رزمشان پشت دشمن را به خاک نشاندند وبا درود وسلام بر یاران وبا درانی که امانت از طرف حق تعالی که فرزندانشان باشند با عقیده ای قوی در راه خودش پس میدهند .

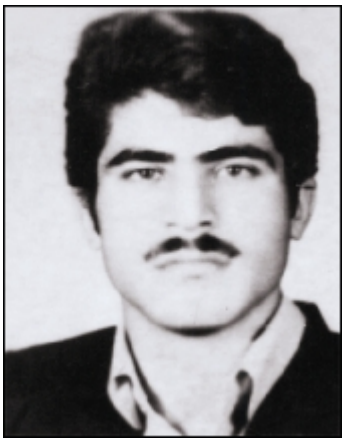
چند وصیت حقیرانه دارم که خدمتگزار شهید پرور همیشه در صحنه عرض می کنم . اول آنکه قدر امام عزیز را بدانید اما می که حیثیت وشرف از دست رفته مردم را به خودشان برگرداند واسلام را باردگر زنده کرد .

جبهه ها را خالی نکنید وبرای نابودی کفر گفته به پا خیزید همانطور که قرآن کریم میفرماید (وقاتلوهم حتی لاتکون فتنه) این جنگ یک آزمایش از طرف خداوند است که میخواهد ببیند مردان عمل چه کسانی هستند . ای عزیزان بدانید این اسلام به ما رسیده است به چه قیمتی بر پیامبران وامامان (سلام ... علیه و آله) وارد کردند امام حسین (ع) را قطعه قطعه کردند امام علی (ع) را در محراب شهید کردند وفاطمه زهرا (س) را با چه وضعی به شهادت رساندند وچه کارها که نکردند . شما امامی را پیدا نمی کنید که به مرگ طبیعی مرده باشد همه را با بدترین وضع شهید کردند ولی آنها همه این رنجها را به جان دل خریدن وصبر وایستقامت کردند . شما باید از آنها درس بگیرید وصبر وایستقامت کنید که خداوند در سوره والعصر به مومنین وما برین وعده خوبی داده است پس از جانمند هید بعضی های کافر به شما مسلمین ضربه وارد کنند این مدافعان همان کسانی هستند که در صدد اسلام ومسلمین مخالف بودند وبرای همین می جنگیدند تا می توانید ارتباط خودتان را با خداوند بیشتر کنید وخود را بسازید بدانید که جبهه بهترین مکتب انسان سازی است . مطلب دیگری که حائز اهمیت است

اینکه مسجد ها را خالی نکنید نماز جماعت وجمعه ها و دعا را هر چه باشکوهتر اجرا کنید که باشکوهتر اجرا کردن اینگونه مراسم مشت محکمی بردهان منافقین وارد می‌کند ارتباط خودتان را با روحانیت بیشتر کنید زیرا با بودن روحانیت حزب رسخنه هیچ ضربه‌ای به شما وارد نخواهد شد . ولی با نبودن آنها این انقلاب پابرجا نخواهد ماند . اگر متوجه شده باشید ابرقدرتها بیشتر به روحانیت حساس هستند وتبلیغات پوچ خودشان را روی این قشر گسترش می‌دادند ومی‌دهند که هدف از این کارشان جدا کردن مردم از روحانیت است شما با همبستگی تان باید دشمن را ناراحت کنید . من از شما میخواهم به سخنان روحانیت گوش دهید چرا که اینها پشتیبان شما هستند ای عزیزان را مرا ادامه دهید واگر از طرف این حقیر اشتباهی سرزده مورد حلال کنید ودعا برای ما پیروزمندگان ومسلمین ومجروحین واسرا یادتان نرود به امید روزی که تمام مؤمنین با اتحاد و ایمان ابرقدرتها پیروز شوند . انشاء الله .

سخنی چند با پدر و مادر بنام الله پاسدار حرمت خون شهیدان سلام بر مادر عزیز و پدر گرامی امیدوارم که حالتان خوب بوده باشد من از شما میخواهم صبر و استقامت کنید که فقط با اینکارتان می‌توانید مرا راضی کنید به خدا وند بگویید که از من راضی هستید ومرا حلال کنید . که در مقابل اینکارتان اگر خداوند توفیق داد قول میدهم که شما را شفاعت خواهم کرد . به امید پیروزی رزمندگان اسلام بر کفر جهانی

والسلام علیکم ورحمت الله جلال ریحانی ۶۳/۱۲/۱۵



نام: **علی‌اکبر**
نام خانوادگی: **رئیسی**
نام پدر: **ذبیح‌الله**
نام مادر: **کبرا**
تاریخ تولد: **سیزدهم بهمن** 1329
محل تولد: **شهرستان شاهرود**
تحصیلات: **پایان دورهٔ متوسطه**
ارگان اعزام‌کننده: **جهاد**
تاریخ شهادت: **بیست‌ونهم اسفند** 1360
محل شهادت: **دشت‌عباس**
نحوهٔ شهادت: **اصابت ترکش**
مزار: **گلزار شهدای زادگاهش**

عبارت‌های کلیدی

- درود بر امامان شیعه که چگونه شهید شدن و رسالت را بما آموختند.
- این را حس کردم که مردن در رختخواب بسی ننگ برایم خواهد بود.
- از خدا بخواهید که توفیق به ما و شما دهد که ذکرمان ذکر خدا و خاموشیمان را اندیشه و رفتارمان را عبرت دیگران قرار دهد.
- برادران جهت بهبود نوزاد نارس انقلاب کوشا باشید.
- ای ثارالله مرا دعوت به خون کردی و مرا به سرزمین خود دعوت کردی و به خون من بها دادی.

علی‌اکبر رئیسی

بسم‌الله الرحمن الرحیم

«ربنا علیک توکلنا و الیک انبنا و الیک المصیر»[1]

بارالها ای پروردگار ما در عالم بر تو توکل کردیم و از همه رو به درگاه تو آوردیم و می‌دانیم تمام بازگشت خلق به‌سوی توست.[2]

«ربنا تقبل منا انک انت السمیع العلیم»[3] «پروردگارا این خدمت از ما قبول فرما. تویی[4] که دعای خلق را اجابت می‌کنی و به اسرار همه آگاهی».

سلام علیکم پس از حمد و ستایش خداوندی که اندکی از اعمال زشت مرا مبدل به زیبایی[5] گردانید و کارهای ناستوده‌ام را پوشاند و درود بر پیامبران که گرد و غبار بر سر آنها ریخته شد تا گرد و غبار از فکر من و تو بزدایند و درود بر امامان شیعه که چگونه شهید شدن و رسالت را بما آموختند.

خدایا هنگامی که این نوشته را به‌عنوان وصیت می‌نویسم، می‌دانم که من شایسته شهادت یعنی راه سرخ مردان پاک و مجاهدان جانباز نیستم، اما به لطف و عظمت بی‌کرانت و بخشایش بی‌اندازه‌ات امیدوارم. ولی این را حس کردم که مردن در رختخواب بسی ننگ برایم خواهد بود.

خدایا می‌دانم که غبار سیاه گناهان گذشته‌ام [...][6] این درد دلم با تو می‌شود، اما باز امیدوارم قطره‌ای از دریای بیکران الطاف [ت] بر ما بریزد، برادران و خواهران از خدا بخواهید که توفیق به ما و شما دهد که ذکرمان ذکر خدا و خاموشیمان را اندیشه و رفتارمان را عبرت دیگران قرار دهد.

1- ممتحنة/ 4.

2- در اصل وصیت «تست».

3- بقره/ 127.

4- در اصل وصیت «توئی».

5- در اصل وصیت «زیبائی».

6- در اصل وصیت چند واژه افتاده است.

برادران جهت بهبود نوزاد نارس انقلاب، کوشا باشید. این کودک احتیاج به معالجه و درمان دارد. همیشه به فکر تقویت آن باشید. مبادا جوابگوی شهیدانمان نباشیم و «پاسخگوی برادرانی که به‌طور قرعه‌کشی از روی مین می‌گذرند نباشیم»[1]، مبادا در زندگی‌ات[2] عواطف مردم را نادیده بگیری[3] و [از] یک بچه کوچک که چیزی ندارد بفرستد جبهه یک قوطی خالی کمپوت را تمیز می‌کند و داخل یک پاکت می‌گذارد و می‌فرستد و می‌گوید برادرم داخل این قوطی تمیز چایی[4] میل کن من و تو چگونه جوابگوی چنین الطافی خواهیم بود.[5] من یک فکر برای[6] جبران چنین محبتی را کردم و آن هدیه کردن خونم است.

ای ثارالله[7] چگونه مرا دعوت به خون کردی و مرا به سرزمین خود دعوت کردی و به خون من بها[8] دادی. چه شب‌ها بوده که من به فکر این معما بودم و دریافتم که تو در نماز عشق بودی که تیر بر تو می‌بارید و خون خود را هدیه کردی و از نمازت[9] دست نکشیدی [خداوند][10] به من و تو آموخت که چگونه ره را باید در آغاز از نماز شروع کرد و سرمنشأ اصلاح جامعه انسان است و انسان شدن از[11] راه تزکیه نفس آغاز می‌شود و مسیرش و حرکتش هم جهت شدن با خط ائمه است و محتوای معنوی ما باید تشکیل شود از ذکر خدا و خاموشیمان اندیشه و رفتارمان [را] عبرت دیگران.

1- اشاره دارد به رزمندگانی که برای گشودن راه رزمندگان و پاک کردن مسیر حرکت نیروها، از زمین‌های مختلفی که دشمن به کار گذاشته بود، در حالی که می‌دانستند احتمالاً بازگشت به سلامت بسیار ضعیف است بر یکدیگر سبقت می‌گرفتند.

2- در اصل وصیت «زندگیت».

3- در اصل وصیت «بنگری».

4- در اصل وصیت «چائی».

5- در اصل وصیت «خواهیم شد».

6- در اصل وصیت «فکر و جبران».

7- اشاره دارد به امام حسین(**7**) زیرا جهت حرکت رزمندگان اسلام به‌سوی کربلا بود و آرزو داشتند قبل از شهادت به زیارت امام حسین(**7**) نایل آیند.

8- در اصل وصیت «بهاء».

9- در اصل وصیت «نمازش».

10- در اصل وصیت «و به من و تو آموخت».

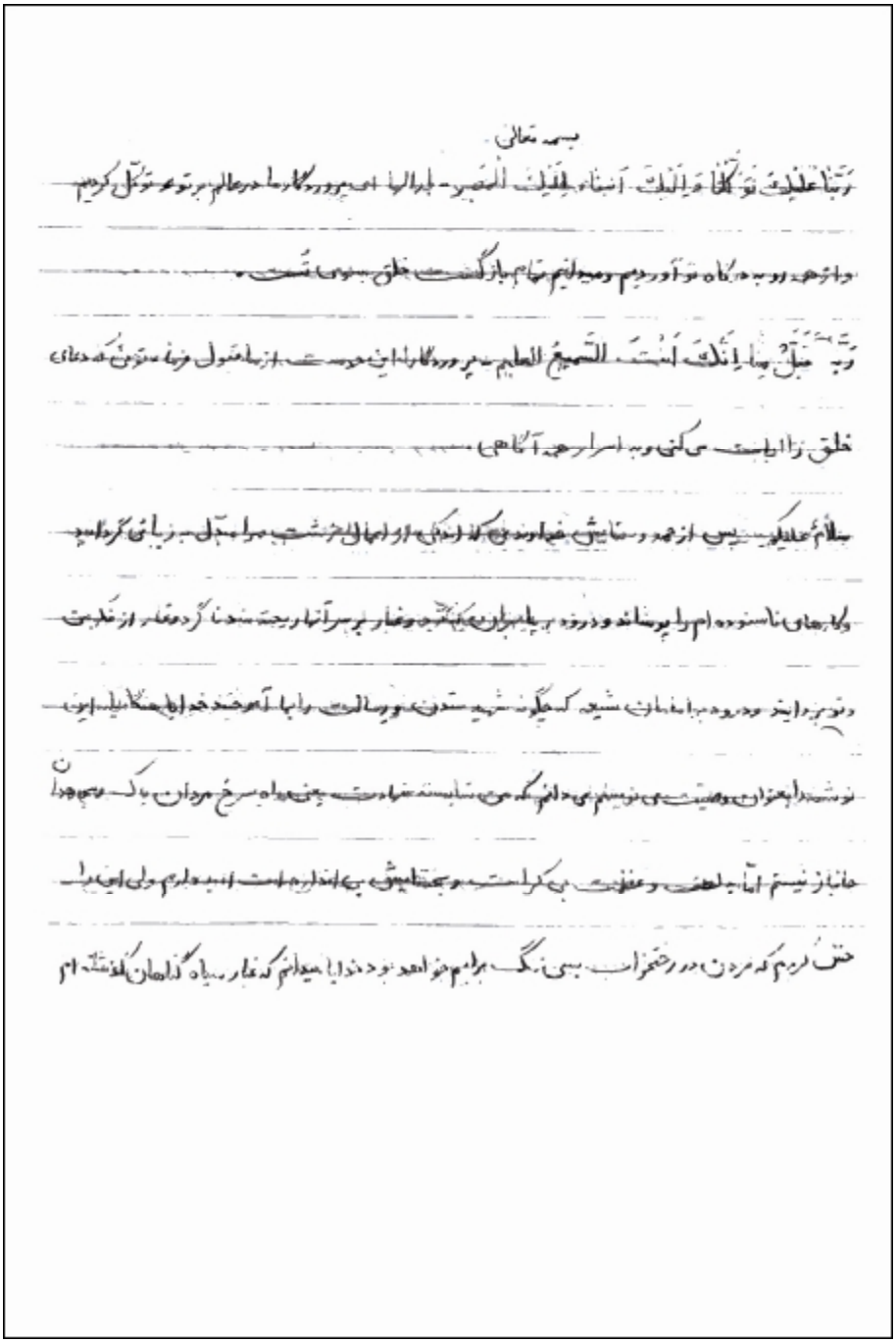
11- در اصل وصیت «در راه تزکیه».

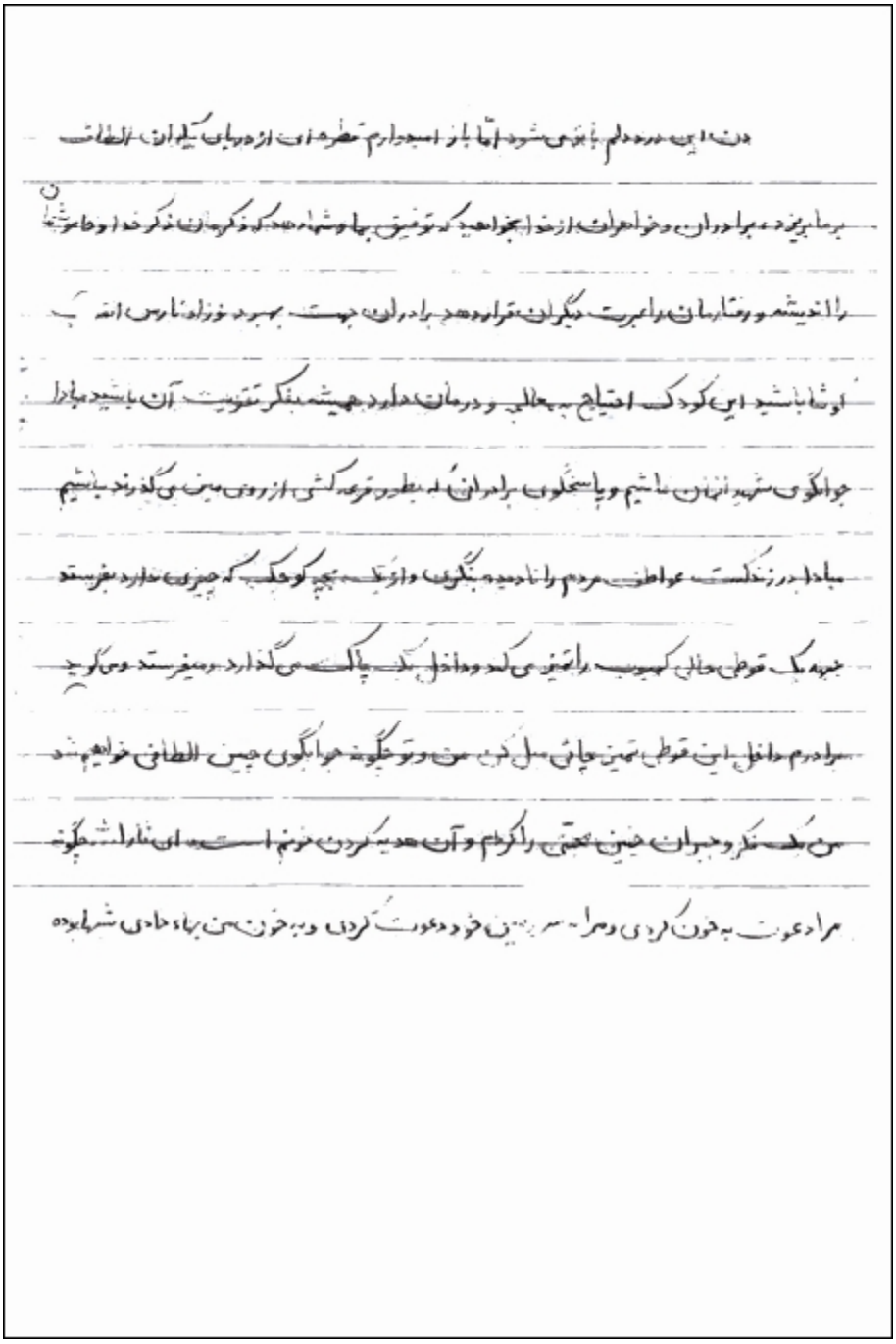
در خاتمه آزمایشگاهی که بعد از ائمه علیهم‌السلام[1] که نتیجه مطلوب و استمرار رسالت پیغمبران را بدوش گرفت و نتیجه را اعلام کرد امام عزیز بود و خط امـام و جـواب تـو آن است که پیرو خط امام عزیز باشی.

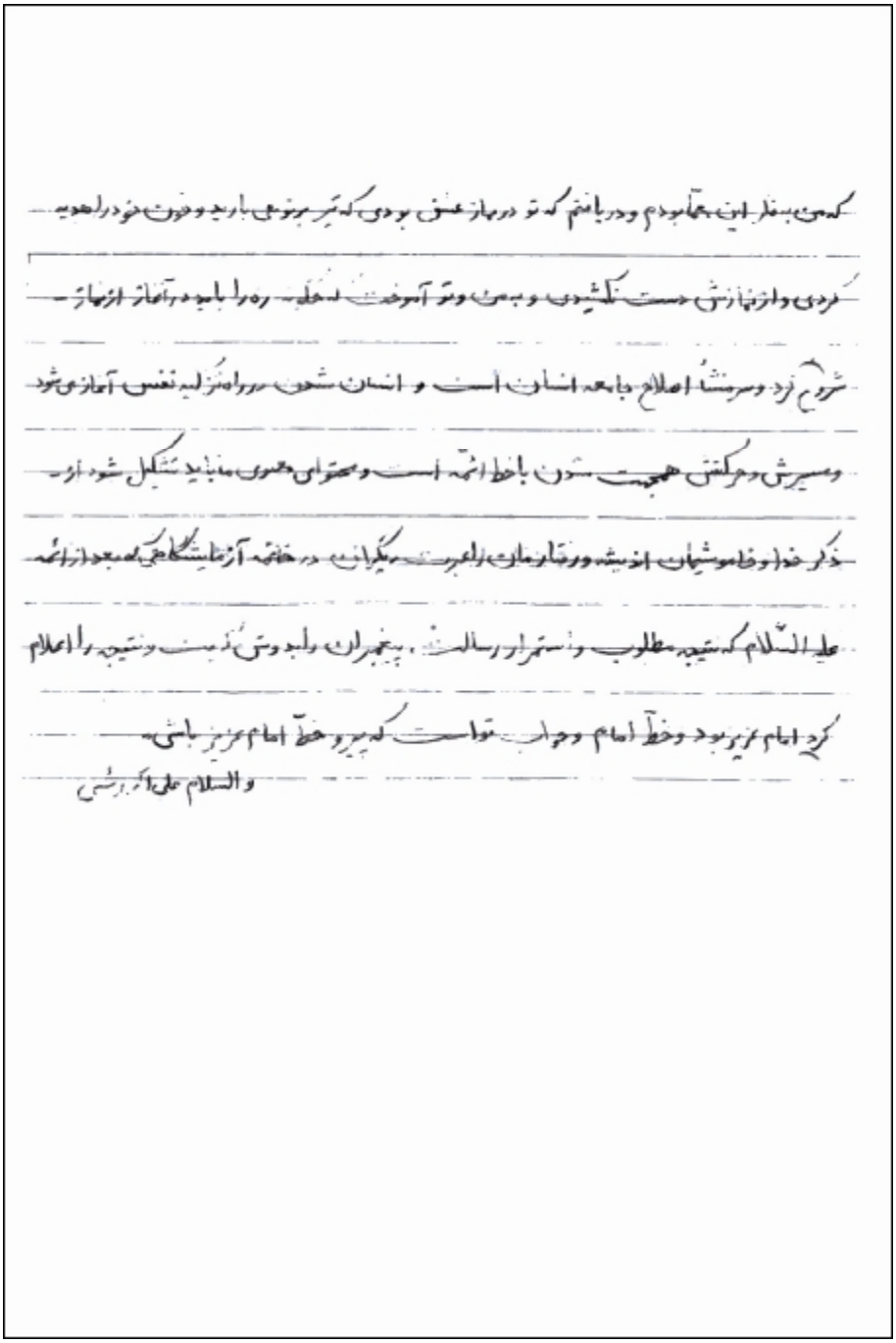
«والسلام»

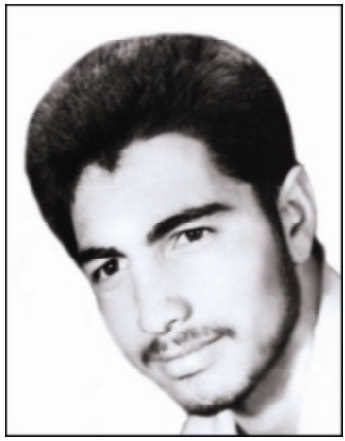
علی‌اکبر رئیسی

1- در ا صل وصیت «علیه‌السلام».









نام: **ابوالفضل**
نام خانوادگی: **زادخیررحمت**
نام پدر: **رضا**
نام مادر: **سکینه**
تاریخ تولد: **هفدهم فروردین** 1342
محل تولد: **شهرستان بابل**
تحصیلات: **پایان دورهٔ متوسطه**
ارگان اعزام‌کننده: **جهاد**
تاریخ شهادت: **نوزدهم اردیبهشت** 1361
محل شهادت: **خرمشهر**
نحوهٔ شهادت: **اصابت گلوله**
مـزار: **گلـزار شـهدای امـامزاده یحیـای شهرستان سمنان**

عبارت‌های کلیدی

- همسرم تو بایست همچون زینبیان تاریخ و زنان حزب‌اللهی دیگر به فعالیت بپردازی.
- شجاعانه امام امت را پشتبانی کنید.
- حزب جمهوری اسلامی که نتیجه خون هزاران شهید به‌خون غلتیده است را تنها نگذارید.
- اولاً امام و روحانیت را تنها نگذارید.
- گوش به فرمان امام‌خمینی و اینها که یاران امام و گل‌های سرسبد روحانیت هستند باشید.
- در نماز جمعه شرکت کنید.

ابوالفضل زادخیر رحمت

بسم‌الله الرحمن الرحیم

بسم رب الشهدا

«مکتبی که شهادت دارد اسارت ندارد»[1] (امام خمینی)

«اسلام حالا حالاها خون می‌خواهد» (شهید مظلوم آیت‌الله دکتر بهشتی[2])

با درود بر رهبر کبیر انقلاب اسلامی، قلب تپنده[3] مستضعفان جهان و رهبر حزب‌الله امام خمینی و با درود به روحانیت مبارز و متعهد در خط امام همچون آیات عظام منتظری[4] و مشکینی[5] و خامنه‌ای[6] و رفسنجانی[7] و...

و با درود به شهیدان به خون غلتان[8] که سالار تمامی آنها شهید مظلوم بهشتی عزیز می‌باشد. و با درود به امت حزب‌اللهی علی الخصوص برادران حزب جمهوری اسلامی[9] چند کلمه‌ای را تحت عنوان وصیت‌نامه هرچند که لیاقت وصیت کردن را ندارم می‌نگارم و آن چند کلمه عبارتند از:

1- پدر و مادرم، شما را به خدای واحد قسمتان می‌دهم ک اگر افتخار پیوستن به لقاءالله نصیبم گشت در فراغم گریه نکنید و منافقین[10] را شاد نکنید زیاد به فکر دنیا مباشید که اگر باشید ضرر دیده‌اید. دیگر بنده سخنی با شما ندارم.

1- در آثار امام خمینی چنین عبارتی یافت نشد اما مشابه عبارت شهید در پیامی به مناسبت سالگرد فاجعهٔ خونین 17 شهریور می‌فرماید: «ملتی که شهادت برای او سعادت است پیروز است» (صحیفهٔ امام، ج13، ص187).

2- ر.ک. تعلیقات.

3- در اصل وصیت «طپنده».

4- ر.ک. تعلیقات.

5- ر.ک. تعلیقات.

6- ر.ک. تعلیقات.

7- ر.ک. تعلیقات.

8- در اصل وصیت «غلطان».

9- ر.ک. تعلیقات.

10- ر.ک. تعلیقات.

2- همسرم، خوب گوش کن که چه دارم می‌گویم. بنده بی‌لیاقت اگر لطف خدا شاملم شود، همچون مرام حسینی‌ها و بهشتی‌ها به شهادت می‌رسم ولیکن تو بایست همچون زینبیان تاریخ و زنان حزب‌اللهی دیگر به فعالیت بپردازی. نکند خدای نکرده آن روزی فرا رسد که ببینم نسبت به انقلاب بی‌تفاوت شده‌ای.[1] بنده بنای آن را ندارم که زیاد بنویسم چون می‌دانم با این مطالب بی‌ارزش، خود اسراف در خودکار و کاغذ کرده‌ام.

خلاصه این که تو نباید نگران باشی. به امید خدا اگر فرزندی از ما متولد شد اگر پسر بود نام آن را روح‌الله می‌گذاری چونکه برنامه ازدواج ما در روز 22 بهمن[2] بوده است و قهرمان 12 بهمن[3] نیز امام امت روح‌الله کبیر می‌باشد و اگر فرزندمان دختر بود نامش را فاطمه بگذار. چونکه یکی از چهار زن والامقام است و البته هر کدام که شدند آنان را از همان کودکی به مسائل اسلامی آشنا گردان و اگر پسر باشد، اگر علاقه داشت او را به حوزه علمیه بفرست، تا این که درس روحانیت بخواند و یک روحانی متعهد درآید و مردم را بیدار کند و با شما نیز دیگر حرفی ندارم.

3- و اما در مرحله سوم روی سخنم با شماست ای کسانی که جزء[4] امت حزب‌الله بشمار می‌آیید.[5] نترسید، شجاعانه امام امت را پشتبانی کنید. حزب جمهوری اسلامی که نتیجه خون هزاران شهید به‌خون غلتیده[6] است را تنها نگذارید و تمامی فعالیت‌هایتان را در حزب متمرکز کنید. چرا [که] تنها حزبی است که هم خودش مظلوم است و هم افرادش و در رأس آنها دبیران کلش همچون بهشتی عزیز، بنابراین سخن را در چند جمله با شما خلاصه می‌کنم.

1- در اصل وصیت «گشتی».
2- ر.ک. تعلیقات.
3- ر.ک. تعلیقات.
4- در اصل وصیت «جزو».
5- در اصل وصیت «می‌آئید».
6- در اصل وصیت «غلطیده».

اولاً امام و روحانیت را تنها نگذارید. ثانیاً حزب جمهوری اسلامی را به دیده احترام بنگرید و هر فعالیت تبلیغاتی و اسلامی که دارید مرکز اصلی‌اش[1] حزب جمهوری اسلام [می]باشد.

ثالثاً از آیات عظام منتظری، مشکینی، خامنه‌ای، رفسنجانی و روحانیت حزب‌الهی دیگر حمایت کنید و گوش به فرمان امام خمینی و اینها که یاران امام و گلهای سرسبد روحانیت هستند باشید.

رابعاً در نماز جمعه شرکت کنید و هر کس که به هر[2] علتی از شاگرد بودن شخص امام جمعه و استاد بودن و یا بیشتر دانستن خود گرفته یا هر بهانه دیگر در نماز جمعه بدون عذر موجه شرکت نکند، منافق[3] است و از عمال امریکا به‌حساب می‌آید.

خامساً قدر روحانیت انقلابی سمنان و از جمله حجج اسلام شاهچراغی و عبدوس و اختری را بدانید و همینطور دکتر روحانی و حجت‌الاسلام حاج شیخ عباسعلی اختری نماینده محترم مشهد.

در آخر باید به شما بگویم امشبی که دارم این را می‌نویسم شب سالگرد شهادت استاد آیت‌الله مطهری[4] است و برای همین یک جمله از جملات استاد مطهری را خواهم آورد و سخن را به اتمام خواهم رساند.

و آنگاه زاهدان احمق؛ خواه و ناخواه در پشتیبانی از منافقان[5] زیرک، با جذب جوانان فعال و روشن ضمیر آنان را تشکیلات انجمنی داده و نیروهایشان را به هرز می‌برند و شهید عزیز مطهری می‌گوید این همه جنجال چرا؟ (کتاب ختم نبوت)

به امید روزی که بیرق پرافتخار اسلام به دست حزب‌الله به رهبری روح‌الله و با کمک الله در بیت‌الله (بیت‌المقدس[6]) برافراشته گردد و با آمدن بقیة‌الله بساط کفر و نفاق[7] در

1- در اصل وصیت «اصلیش».
2- در اصل وصیت «بهر».
3- ر.ک. تعلیقات.
4- ر.ک. تعلیقات.
5- ر.ک. تعلیقات.
6- ر.ک. تعلیقات.
7- ر.ک. تعلیقات ذیل منافقین.

سراسر جهان برچیده شود. تا این که مستضعفین جهان از قید مستکبران جهان آزاد گردنـد[1] و حکومت عدل اسلامی در اقصی نقاط دنیا برقرار گردد.

«والسلام علی عبادالله الصالحین»

طرفدار ساده حزب جمهوری اسلامی[2]

و سرباز کوچک امام خمینی ابوالفضل زادخیر رحمت

61/2/11

دو روز مانده به رفتن به جبهه

1- در اصل «گردد».

2- ر.ک. تعلیقات.

بسم رب الشهـــــداء

مکتبی که شهـــادت دارد اســـــارت نـــــدارد (امام خمینی

اسلام حالا حالاها خـــــون می خـــواهد (شهید مظلوم آیت الله دکتر بهشتی)

با درود بر رهبر کبیر انقلاب اسلامی ، قلب طپنده مستضعفان جهان و رهبر حزب ا . . .
امام خمینی و با درود به روحانیت مبارز و متعهد در خط امام همچون آیات عظام منتظـــری و
و مشکینی و خامنه‌ای و رفسنجانی و . . . و با درود به شهیدان به خون غلطان کفـــــالار
تمامی آنها شهید مظلوم بهشتی عزیزی باشد و با درود به امت حزب اللهی علی الخصـــوص
برادران حزب جمهوری اسلامی چند کلمه‌ای را تحت عنوان وصیت نامه هرچند نه لیاقـــت
وصیت کردن را ندارم می نگارم و آن چند کلمه عبارتند از :

۱ ــ پدر و مادرم شما را به خدای واحد قسمتان می دهم نه اگر افتخار پیوستن به لقاءالله نصیبـــم
گشت در فراغ گریه نکنید و مراقبم را شاد بگذارید زیاد به فکر نبـــا باشید که اگر باشید ضرر
دیده اید . دیگر بنده سخنی با شما ندارم .

۲ ــ همســـرم ، خوب گوش کن که چه دارم می گویم . بنده بی لیاقت اگر لطف خدا شاملـــم
شود همچون مرام حسینی ها و بهشتی ها به شهادت می رسم و لیکن تو بایست همچون زنـــان
تاریخ و زنان حزب اللهی دیگر به فعالیت بپردازی . بگذار خدای نکرده آن روزی فرا رســـد
که ببینم نسبت به انقلاب بی تفاوت گشتی . بندم برای آن را ندارم نه زیاد بنویسم چون صدا تـــم
با این مطالب بی ارزش خود اسراف در خودکار و کاغذ کرده‌ام . خلاصه اینکه تو نباید نگـــران
باشی به امید خدا اگر فرزندی از ما متولد شد اگر پسر بود نام آن را روح الله می گـــذاری
چونکه برنامه ازدواج ما در روز ۲۲ بهمن بوده است و قهرمان ۲۲ بهمن نیز امام امت روح اللـــه
کبیر می باشد و اگر فرزندمان دختر بود نامش را فاطمه بگذار . چونکه یکی از چهار زن والا مقـــام
است و البته هرکدام که شدند آنان را از همان کودکی به مسائل اسلامی آشنا گردان و اگر پسر
باشد اگر علاقه داشت او را به حوزه علمیه بفرستتا اینکه درس روحانیت بخواند و یک روحانـــی
متعهد درآید و مردم را بیدار کند و با شما نیز دیگر حرفی ندارم .

۳ ــ و اما در مرحله سوم روی سخنم با شماست ای کسانی که جزو امت حزب الله بشمار می آئیـــد
نترسید شجاعانه امام امت را پشتیبانی کنید . حزب جمهوری اسلامی که نتیجه خون هزاران شهید
بخون غلطیده است را تنها نگذارید و تمام فعالیتهایتان را در حزب متمرکز کنید . چرا تنها

حزبی است که هم خودش مظلوم است و هم افرادش و در رأس آنها دبیران کلش همچون بهشتی عزیز. بنابراین سخن را در چند جمله با شما خلاصه می‌کنم:

اولاً" امام و روحانیت را تنها نگذارید.

ثانیاً" حزب جمهوری اسلامی را به دیده احترام بنگرید و هرفعالیت تبلیغاتی و اسلامی که دارید مرکز اصلیش حزب جمهوری اسلامی می‌باشد.

ثالثاً" از آیات عظام منتظری، مشکینی، خامنه‌ای، رفسنجانی و روحانیت حزب‌الهی دیگر حمایت کنید و به گوش به فرمان امام خمینی باشید اینها که یاران امام و گلهای سر سبد روحانیت هستند باشید

رابعاً" در نماز جمعه شرکت کنید و هرکس که بهر علتی از شاگرد بودن شخص امام جمعه و استاد بودن و یا بیشتر دانستن خود گرفته یا هر بهانه دیگر در نماز جمعه بدون عذر موجه شرکت نکند منافق است و از عمال امریکا بحساب می‌آید.

خامساً" قدر روحانیت انقلابی سمنان را از جمله حجج اسلام شاهچراغی و عبدوس و اختری را بدانید و همینطور دکتر روحانی و حجت‌الاسلام حاج شیخ عباسعلی اختری نماینده محترم مشهد.

در آخر باید به شما بگویم امشبی که دارم این را می‌نویسم شب سالگرد شهادت استاد آیت‌الله مطهری است و برای همین یک جمله از جملات استاد مطهری را خواهم آورد و سخن را به امام خواهم رساند.

و آگاه باشید آن احمق و خواه ناخواه در پشتیبانی از منافقان زیرک، با جذب جوانان فعال و روشن ضمیر آنان را تشکیلات انجمنی داده و نیروهایشان را به هدر می‌برند و شهید عزیز مطهری میگوید اینهمه جنجال چرا؟ (کتاب ختم نبوت)

به امید روزی که بیرق پرافتخار اسلام به دست حزب‌الله به رهبری روح الله و با کمک الله در بیت‌الله (بیت‌المقدس) برافراشته گردد و با آمدن بقیة‌الله بساط کفر و نفاق در سراسر جهان برچیده شود تا اینکه مستضعفین جهان از قید مستکبران جهان آزاد گردد و حکومت عدل اسلامی در اقصی نقاط دنیا برقرار گردد.

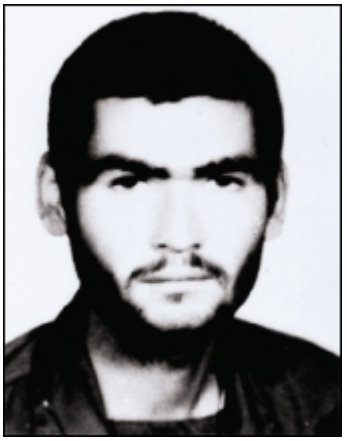
والسلام علی عباد الله الصالحین

طرفدار ساده حزب جمهوری اسلامی و سرباز کوچک امام خمینی

ابوالفضل زاد خیر رحمت

۶۱/۲/۱۱

دو روز مانده به رفتن به جبهه



نام: **رضا**
نام خانوادگی: **زاهدی**
نام پدر: **حسین**
نام مادر: **صغرا**
تاریخ تولد: **چهارم اردیبهشت** 1344
محل تولد: **شهرستان شاهرود**
تحصیلات: **پایان دورهٔ ابتدایی**
ارگان اعزام‌کننده: **سپاه**
تاریخ شهادت: **بیست‌ودوم بهمن** 1364
محل شهادت: **فاو**
نحوهٔ شهادت: **اصابت ترکش**
مزار: **گلزار شهدای زادگاهش**

عبارت‌های کلیدی

- شما را به اطاعت از امام و اتحاد و یکپارچگی سفارش می‌کنم.
- اطاعت از امام اطاعت خدای کریم است.
- امام را امام را تنها نگذارید.
- از سختی‌ها نهراسید، اگر خدا را یاری کنید خدا شما را یاری خواهد کرد.
- برادرانم را به تقوی و جهاد در راه خدا و صبر و استقامت سفارش می‌کنم.
- با دشمنان خدا بجنگید و از اسلام عزیز دفاع کنید.
- شب و روزتان به یاد خدا باشید.
- خواهر عزیزم را به عفت و پاکی و رعایت حجاب و قهرمان پروری سفارش می‌کنم.
- آشنایان را به پیروی از خط ولایت فقیه و اطاعت از امام سفارش می‌کنم.
- امام را، امام را یاری کنید و دین خدا را پاسداری کنید.
- شهادت افتخار ماست.

رضا زاهدی

بسم‌الله الرحمن الرحیم

«اشهد ان لا اله الا الله و اشهد ان محمداً رسول الله و اشهد ان علیاً ولی الله و اشهد ان الموت حق و ان القبرحق».[1]

«و ان الصراط و المیزان حق و ان الجنة و النار حق و ان الساعة آتیة لاریب فیها».[2]

اینجانب رضا زاهدی فرزند حسین پس از اقرار به یگانگی خدای بزرگ و خاتمیت حضرت محمد مصطفی(6) و امامت و ولایت علی مرتضی و یازده فرزند پاکش به یاد[3] و نام خدا چند جمله‌ای به‌عنوان وصیت خویش در این آخرین روزها می‌نویسم که اگر توفیقی حاصل شد و به فوز عظیم شهادت افتخارمان دادند و خدای تبارک و تعالی این بنده حقیر را به جوار قرب خویش خواند، به یادگار برای آنان که این کلام به گوششان می‌رسد باقی بماند. هرچند کوچک‌تر از آنم که بخواهم به امت همیشه حاضر در صحنه، سخنی عرض کنم. هرچند سخن‌ها را شهیدان با خون پاکشان فرموده‌اند. هر چند جایی[4] برای گفتار نمانده است. هرچند که همه گفتارها را باید در کلام امام جماران[5] خلاصه کنیم و چشم و گوشمان به آن پیشوای عاشقان باشد. اما باز باشد، شاید با این چند جمله کسی به راه دوست گامی بردارد و گمراهی، هدایت شود، و بی‌خبری، آگاه گردد. شاید با این چند جمله تکلیفمان را تا حدی نسبت به این انقلاب عظیم الهی ادا کرده باشم.

1- ای امت اسلام

شما را به اطاعت از امام و اتحاد و یکپارچگی[6] سفارش می‌کنم. اطاعت از امام اطاعت خدای کریم است. اطاعت از امام را خدای بزرگ بر یکایک ما واجب فرموده است. اگر خدای نکرده در این مرحله پایمان بلغزد خیر دنیا و آخرت نخواهیم دید، رنگ و بویمان

1- فرازی از ادعیه و اعمال میّت است.

2- دعای عدیله، مفاتیح الجنان و نیز بخشی از تلقین میت است.

3- در اصل وصیت «بیاد».

4- در اصل وصیت «جائی».

5- منظور امام خمینی است.

6- در اصل وصیت «یکپارچه‌گی».

خواهد رفت، دشمنان کوردل دوباره بر ما مسلط خواهند شد، و باز به زمان جاهلیت باز خواهیم گشت.

ای برادرها و خواهرها، ای پدرها و مادرها، امام را تنها نگذارید در رابطه با فرمایشاتش بی‌تفاوت نباشید و با آنان‌که جغدوار نغمه‌های شوم سر می‌دهند، ما را کاری نیست. زیرا:

شب پره گر نور آفتاب نخواهد رونق بازار آفتاب نکاهد[1]

آن قلیل افراد کوردل را که نمی‌توانند این انقلاب را ببینند، باز سفارش می‌کنم که بیش از این در منجلاب هوسها و خودخواهی‌ها و آلت دست این و آن بودن‌ها، نمانند. بخود آیند راه را از چاه تشخیص دهند «بیش از این آبروی خویش نبرند و زحمت ما روا ندارند».[2]

ای جوانان حزب‌الله جوشان و خروشان باشید. با حوصله و تدبیر، با عنایت خواستن از خدای بزرگ مشکلات را به آسانی حل کنید و اوضاع مردم مظلوم را به سامان آرید و قلب امام زمان(عج) را شادمان کنید.

ای سلحشوران، به خون پاک شهیدان خیانت نشود، استوار در راه پروردگار گام بردارید به پیش بتازید. از سختی‌ها نهراسید، اگر خدا را یاری کنید، خدا شما را یاری خواهد کرد[3]، تا با خدا هستید از هیچ چیز ترس و باکی نداشته باشید.

بعضی را شنیده می‌شد که می‌گفتند: این انقلاب چه کرده است؟ انقلاب چه کرده است؟ ملتی مرده را حیات بخشیده است و جهانی را لرزه افکنده است. انقلاب چه کرده است؟

اسلام را در جهان سرافراز کرده است. قرآن را به جهانیان معرفی کرده است. پوزه ابرجنایتکاران را به خاک مالیده است. ما ذلیل‌ها را به عزت رساننده است. ما مردم بدبخت را به اوج عظمت رسانیده است. دست جباران را از مملکت امام زمان(عج) کوتاه کرده است. حکومت طاغوتی را به حکومت شرعی مبدل کرده است

1- گلستان سعدی، باب پنجم.

2- عبارت شهید گویا بیانی دیگر از این شعر معروف حافظ است:

ای مگس عرصه سیمرغ نه جولانگه توست عِرض خود می‌بری و زحمت ما می‌داری

3- ترجمه آیه 7 از سورهٔ محمد: «ان تنصروا الله ینصر کم یثبت اقدامکم».

گـــر بگـــویم شـــرح آن بـــی‌حـــد شـــود مثنـــوی هفتـــاد مـــن کاغـــذ شـــود[1]

این حرف درستی نیست باید بگوییم[2] ما برای انقلاب چه کردیم.

اما سخنی با والدین عزیزم دارم:

پدر عزیزم! مادر گرامی‌ام![3]

امیدوارم از فرزندتان که نتوانسته است تا به حال به شما خدمتی کند، راضـی باشـید و اگـر در راه خدا توفیق شهادت[4] یافتم، مبادا گریه و زاری کنید، بی‌تـابی[5] کنیـد، بـه سـر و سـینه بزنید، یا خدای نکرده کلامی که مورد رضای خدا نیست بگویید.[6]

دنباله وصیت‌نامه

پدر عزیزم، مادرگرامی‌ام![7] اگر خواسـتید گریـه کنیـد بـرای حـسین(**7**) فاطمـه(**3**) و فرزندانش، برای شهیدان کربلا گریه کنید. شکر خدا را کنید که فرزندی چنین[8] بـه شـما داد و در راه خدا فدا کردید.

پدرم مادر عزیزم مبادا از حرف‌های یکی دو تا از خدا بی‌خبر ضد انقلاب، دلتان برنجد، «دلی که به یاد خدا باشد همیشه آرام است»،[9] از این چیزها نمی‌رنجد.

برادرانم را به تقوی و جهاد در راه خدا و صبر و استقامت سفارش می‌کنم امیـدوارم کـه سلاح برادرتان را به دوش گیرد و در راه خدا مردانه و عاشقانه کارزار کنید، با دشمنان خدا بجنگید و از اسلام عزیز دفاع کنید. شب و روزتان به یاد[10] خدا باشید. «دل آرام گیرد به یاد خدای».[11]

1- مولانا جلال‌الدین رومی بلخی.

2- در اصل وصیت «بگوئیم».

3- در اصل وصیت «گرامیم».

4- در اصل وصیت «شهادتی».

5- در اصل وصیت «بیتابی».

6- در اصل وصیت «بگوئید».

7- در اصل وصیت «گرامیم».

8- در اصل وصیت «چنینی».

9- ترجمه آیه 28 سورهٔ رعد: «الا بذکر الله تطمئن القلوب».

10- در اصل وصیت «بیاد».

11- ر.ک. پانویس 9 همین صفحه.

خواهر عزیزم را به عفت و پاکی و رعایت حجاب و قهرمان پروری سفارش می‌کنم امیدوارم زینب‌وار روزگارتان به سرافرازی[1] سربلندی سپری شود.
عموهایم، عمه‌ام، دایی‌هایم[2] و خاله‌ام با خانواده‌هایشان[3] سلام می رسانم.
امیدوارم افتخار همه شهیدان باشند و از من راضی، و رنجش‌هایم را ببخشند.
همسایگان و آشنایان را به پیروی از خط ولایت فقیه و اطاعت از امام سفارش می‌کنم.
دوستانم! برادرانم! عزیزانم! مبادا امام را تنها بگذارید. امام را، امام را یاری کنید و دین خدا را پاسداری کنید. خدایا به رضای خودت موفقمان دار. و شر اشرار و کید کفار به خودشان برگردان و دل‌هامان به نور ایمان منور گردان و امام عزیزمان را تا انقلاب مهدی(عج) برای امت اسلام نگه‌دار.
خدایا خدایا تا انقلاب مهدی خمینی را نگه‌دار.

1362/7/7

رضا زاهدی

[وصیت‌نامه‌ای دیگر]

بسم‌الله الرحمن الرحیم

قال رسول الله(6): «ان العجب لیحبط عمل سبعین سنة»[4] جواب: خودپسندی و غرور عبادت هفتاد ساله را نابود می‌کند.
قال رسول‌الله(6): «ثلاثة من قالهن دخل الجنة: من رضی بالله رباً و بالاسلام دیناً و بمحمد رسولاً و الرابعة لها من الفضل کما بین السماء و الارض و هی الجهاد فی سبیل‌الله عزوجل»[5] نهج‌الفصاحه[6] «سه[7] چیز است که هر که بگوید داخل بهشت می‌شود هرکه خدا

1- در اصل وصیت بخشی از واژه افتاده است.
2- در اصل وصیت «دائی‌هایم».
3- در اصل وصیت «خانواده‌هاشان».
4- نهج‌الفصاحه، ترجمه ابوالقاسم پاینده- غرویان، ص 96، حدیث 657.
5- در اصل وصیت «لعزوجل».
6- نهج‌الفصاحه، حدیث 1235، ترجمه ابوالقاسم پاینده- محسن غرویان، چاپ 1388، انتشارات الضاد المهدی (عج).
7- در اصل وصیت «ناخوانا»ست اما به سیاق ترجمه حدیث باید «سه چیز» باشد.

را پروردگار و اسلام را دین، محمد(**6**) را پیغمبر خود داند و چهارمی فضیلتی بزرگ مانند زمین و آسمان دارد و آن جهاد در راه خداوند است».

بسم‌رب شهداء و الصدیقین

پدر- مادر، خواهر و برادر، همرزمان و دوستان

حجله من سنگر است. عروس من شهادت است و صفیر گلوله‌ها عقد مرا خواهند خواند و من بر [...][1] گل‌واژه‌های خشم را می‌کارم[2] [...][3] را بر تفنگ خواهم گذاشت و نشانه می‌روم قلب چرکین ستمگران [را]، آری من شهیدم، شهید نام‌آور، قهرمان، خون من بیدار کننده نسل به خواب رفته است!

خون من عامل تحرک و جنبش جامعه اسلامی است. من از تبار خمینی‌ام. از تبار حسینم، من وارث[4] خون حسین(**7**) و رهرو خط خمینی‌ام. من از دیار عاشقان مکتبم که با لغات و معنویات دین [...][5] کردم. آری من شهید، شهیدی از پهن دشت ایران زمین، مهد دلاوران و ایثارگران!

«**انا لله و انا الیه راجعون**»[6] پدران و مادران عزیز بگذارید فرزندانتان بروند ستمگران را ریشه‌کن کنند. مزاحم فرزندانتان نشوید. اگر که خدای نخواسته مزاحم فرزندانتان[7] شوید، می‌دانید که بلایی به سرتان[8] می‌آید؟ آتش سوزان جهنم برای شما آماده می‌شود.

[...][9] سلام عرض می‌کنم.

[ضمن][10] تقدیم عرض [و] سلام وصیتی دارم که می‌خوانید.

1- خوانا نیست.

2- در اصل وصیت «میکارم».

3- خوانا نیست.

4- در اصل وصیت «وارس».

5- خوانا نیست.

6- بقره/ 156.

7- در اصل وصیت «انتان» باید به سیاق عبارت «فرزندانتان» باشد.

8- «باید به سرتان» باشد به سیاق کلام..

9- در اصل وصیت واژه‌ای افتاده است.

10- در اصل وصیت «ناخوانا» باید واژه «ضمن» باشد که با سیاق عبارت هم‌خوانی داشته باشد.

من اول [به] مبلغ 35000ریال از علی دایی کربلایی[1] حسین طلب کارم و قرض‌های من اینها است.

1- کرایه‌ای به دایی[2] محمدم که به مشهد رفتیم و آمدیم[3] نداده‌ام و کرایه عیدی عجمی[را] که از شاهرود به دهات آمده‌ام، نداده‌ام و به مبلغ 500 ریال به[4] غلامرضا محمدی بدهکارم و مبلغ 5000 ریال به[5] حسن رحمتی بدهکارم.

[...][6] 1 ماه نماز و 15 روز روزه برای من بگیرید و من حالا که شهید شده‌ام برای من هیچ ناراحت نباشید. من به آرزویم رسیده‌ام. برای ناکامی من کسی گریه نکند و من آرزو دارم که شهید بشوم و حالا هم که خدا توفیق شهادت به ما داده است، دیگر شما هم ناراحت نباشید و پدرجان من که حالا شهید شدم دوست دارم که دختر دایی‌ام[7] را بر سر خاکم بیاورید و آنها را هم دلداری بدهید، که ناراحت نباشند.

[...][8] دوست دارم که مزارم در بغل مزار برادرم علیرضا قاسمیون باشد و وصیت‌نامه من را نادر اسماعیلی بخواند. و حجت‌الاسلام قرائتی اگر شد برایم[9] سخنرانی بفرماید. اگر نشد، یکی از اعضای[10] روحانیت یا فرمانده سپاه امام‌شهر و در ضمن، خواهش می‌کنم کسانی که معتقد به رهبری امام امت و ولایت فقیه نیستند،[11] زیر تابوت[12] من نیایند.[13] مثل قاسم رحیمی، غلام صابری و امثال اینها.

1- در اصل وصیت «دائی کربلائی».
2- در اصل وصیت «از دائی».
3- در اصل وصیت «آمده‌ایم».
4- در اصل وصیت «ز».
5- در اصل وصیت «ز».
6- خوانا نیست.
7- در اصل وصیت «دائیم».
8- خوانا نیست.
9- در اصل وصیت «برای».
10- در اصل وصیت «عضو».
11- در اصل وصیت «نیست».
12- در اصل وصیت «تابود».
13- دراصل وصیت «نیاید».

[وصیت‌نامه‌ای دیگر]

بسم‌الله الرحمن[1] الرحیم

«استغفرالله الذی لااله اله هو الحی القیوم الرحمن الرحیم ذوالجلال و الاکرام و اسئله أن یتوب علی توبهٔ عبدٍ ذلیل خاضع فقیر بآئس مسکین مستکین مستجیر لایملک لنفسه نفعاً و لاضراً و لاموتاً و لا حیوهٔ و لا نشوراً».[2]

[...][3] آمرزش می‌طلبم از خدایی[4] که جز او خدایی[5] یکتا نیست و زنده و پاینده و بخشاینده و مهربان و دارای جلال و ارجمندی است[6] و از او می‌خواهم که توبه مرا بپذیرد چون توبه بنده خوار فروتن بینوای پریشان روزگار [...][7] درماند پناهنده‌ای که از خود دارای[8] هیچ سودی برای خویش نیست و نه زیانی و نه مرگی و نه زندگی و نه زنده شدن بعد از مرگ.

وصیت من این است:

دارای شناسنامه شماره 1181 صادره از فیروزآباد سفلی فرزند حسین زاهدی ساکن فیروزآباد سفلی، به وصیت‌های[9] من که در این اوراق بشرح رفته است عمل نمایید[10]. 1- محل دفن من فیروزآباد سفلی در کنار قبر برادرم علیرضا قاسمیون، نماز وحشت برایم بجا آورید. نمازهای قضا[11] به اندازه 2 ماه بجا آورید. روزه قضا[12] به اندازه 30 روز. و وصیت من به پدر و مادرم این است که: برادرانم را تربیت اسلامی و انقلابی بکنند، تا آنها هم به

1- در اصل وصیت «الرلجان».
2- از تعقیبات نماز عصر است.
3- خوانا نیست.
4- در اصل وصیت «خدائی».
5- در اصل وصیت «خدائی».
6-دراصل وصیت «ارجمندیست».
7- خوانا نیست.
8- در اصل وصیت «خود داری».
9- در اصل وصیت «بوصیتهای».
10- در اصل وصیت «نمائید».
11- در اصل وصیت «غذا».
12- در اصل وصیت «غذا».

انقلاب اسلامی یک کمکی [هم] کرده باشند. اگر چنانچه من شهید شدم، کسی حق گریه را برای من ندارد که شهادت افتخار ماست و جشن عروسی من است. از کسانی که معتقد[1] به جمهوری اسلامی و امام‌خمینی کبیر و ولایت فقیه نیستند، خواهشمند است که دست به تابوت[2] من نزنند. اگر چنانچه دست زدند در روز قیامت [...][3]

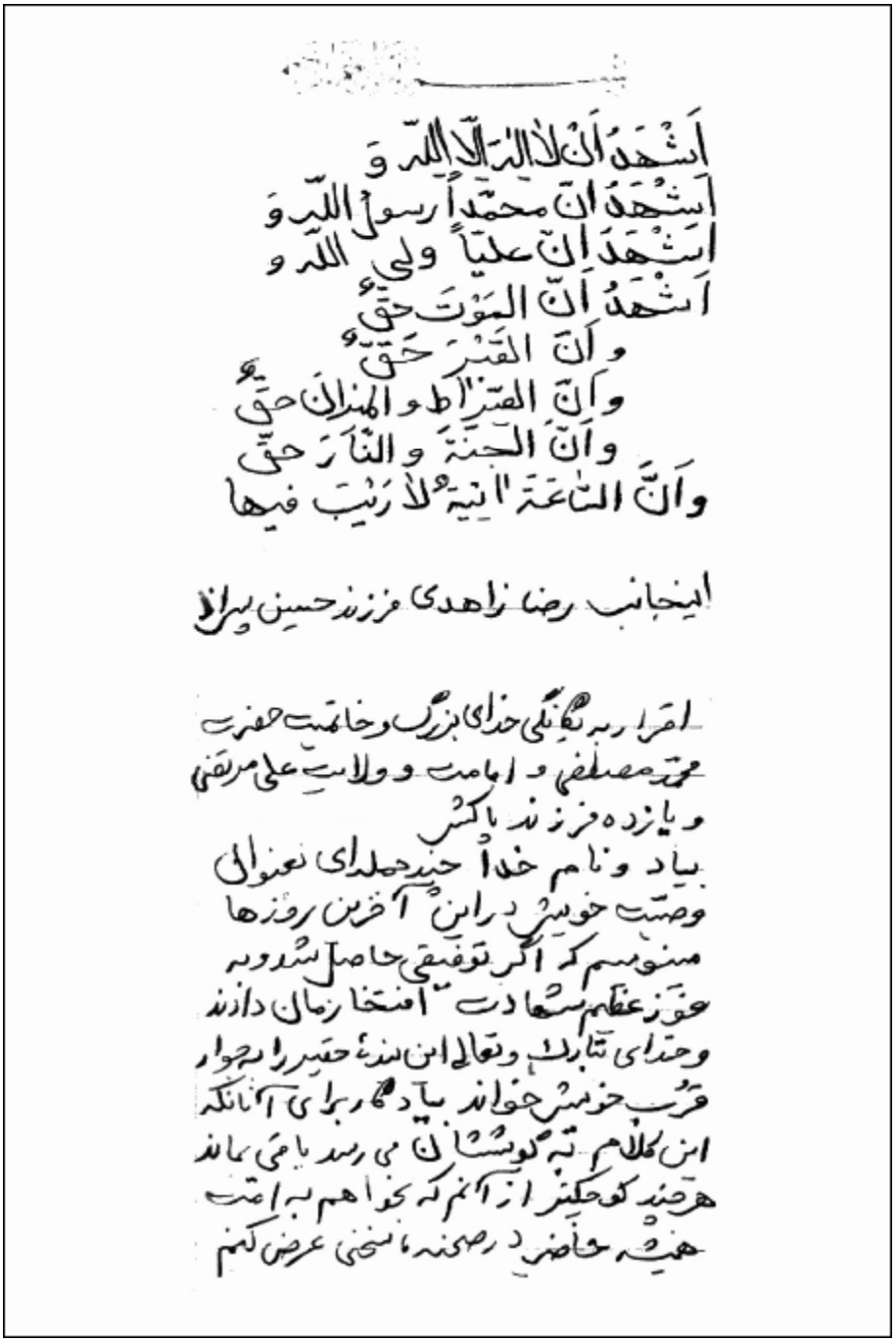
ضمناً حجت الاسلام آقای قرائتی در کنار قبر من سخنرانی نماید. اگر جنازهٔ [...][4]

1- در اصل وصیت «معتغد».

2- در اصل وصیت «تابود».

3- خوانا نیست..

4- عبارت پایانی وصیت ناخواناست ضمناً افتادگی هم دارد.



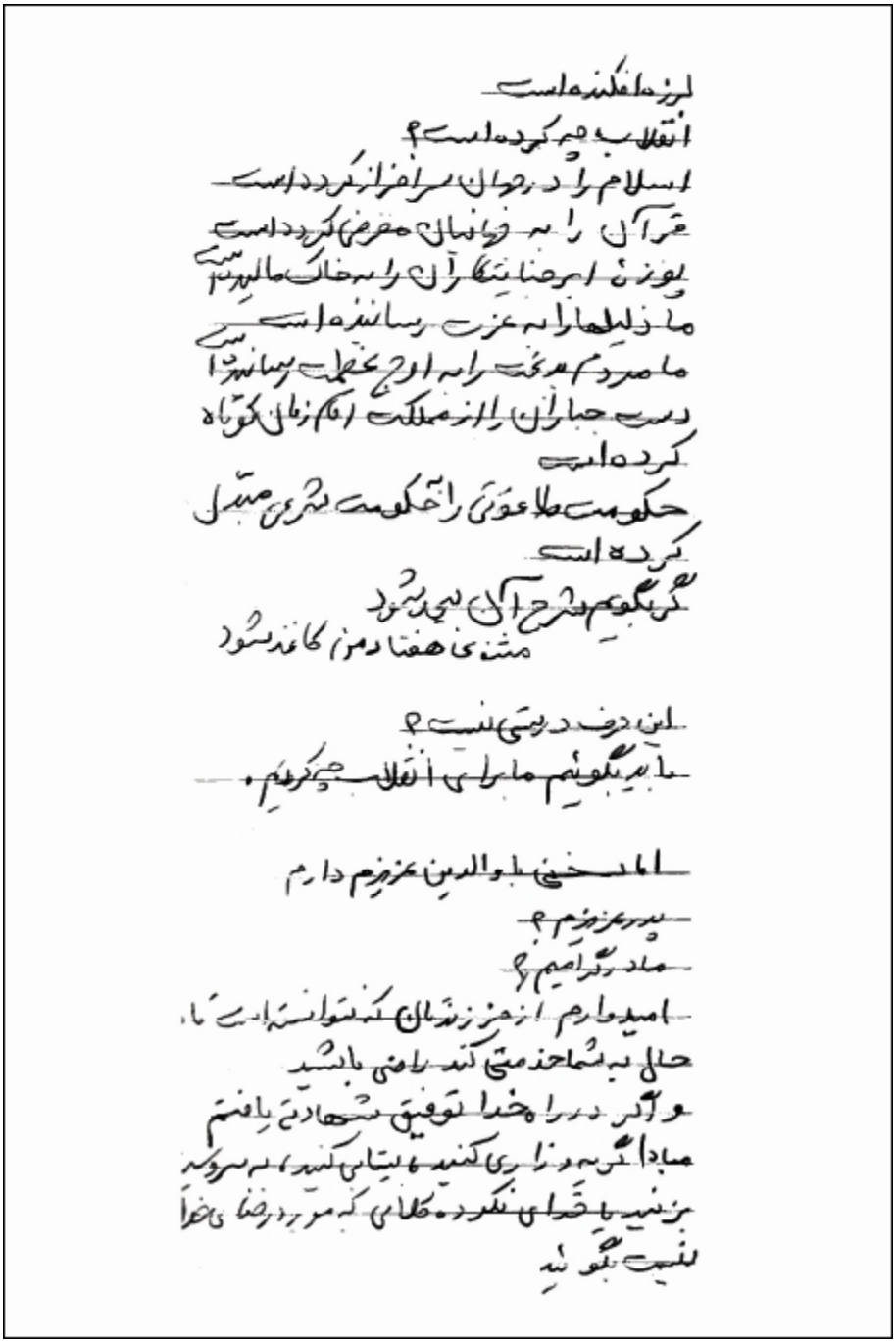
اَشْهَدُ اَنْ لا اِلٰهَ اِلّا اللّٰه وَ
اَشْهَدُ اَنَّ مُحَمَّداً رَسولُ اللّٰه وَ
اَشْهَدُ اَنَّ عَلِیّاً وَلِیُّ اللّٰه وَ
اَشْهَدُ اَنَّ المَوْتَ حَقٌّ
وَ اَنَّ القَبْرَ حَقٌّ
وَ اَنَّ الصِّراطَ وَ المیزانَ حَقٌّ
وَ اَنَّ الجَنَّةَ وَ النّارَ حَقٌّ
وَ اَنَّ السّاعَةَ آتِیَةٌ لا رَیْبَ فیها

اینجانب رضا زاهدی فرزند حسین بر اثر

امر را به نگاهی خدای بزرگ و خاتمیت حضرت
محمد مصطفی و امامت و ولایت علی مرتضی
و یازده فرزند پاکش
بیاد و نام خدا چند جمله ای بعنوان
وصیت خویش در این آخرین روزها
مینویسم که اگر توفیقی حاصل شد و به
حق عظیم شهادت افتخار نصیبم دارند
و خدای تبارک و تعالی این بندهٔ حقیر را به جوار
قرب خویش فرا خواند بیادگار برای آنانکه
این کلام به گوششان می رسد یا می ماند
هرچند کوچکتر از آنم که بخواهم به امت
همیشه حاضر در صحنه، سخنی عرض کنم

هرچند سخنها را سعیدان با نون با کسان فرمودند
هرچند جان برای گفتار نمانده است
هرچند همه گفتنی‌ها را باید در کلام امام جان
خلاصه کنیم و جزم و گوشمان به آن
پیغام‌های شما شان باشد
اما باز باشد شاید با این چند جمله کسی به
راه دوست نگاهی بیندازد و گمراهی هدایت
شود و بی‌خبری آگاه گردد
شاید با این چند جمله تکلیفمان را نادیده
نسبت به این انقلاب عظیم الهی ادا کرده باشیم
ای امت اسلام
سفارش امام را از امام و اطاعت از امام
سفارش می‌کنم
اطاعت از امام اطاعت خدای کریم است
اطاعت از امام را خدای بزرگ بر همگی
واجب فرموده است
اگر خدای نکرده در این مرحله با ما همراه
خبر دنیا و آخرت نخواهیم دید، ننگ و پشیمان خواهد
رفت، دشمنان کور دل دوباره بر ما مسلط خواهد
شد، و باز به زمان جاهلیت باز خواهیم گشت
ای برادرها و خواهرها
ای پدرها و مادرها
امام را امام را تنها نگذارید در راه
هرگز با سیاستی مخالفت نباشید

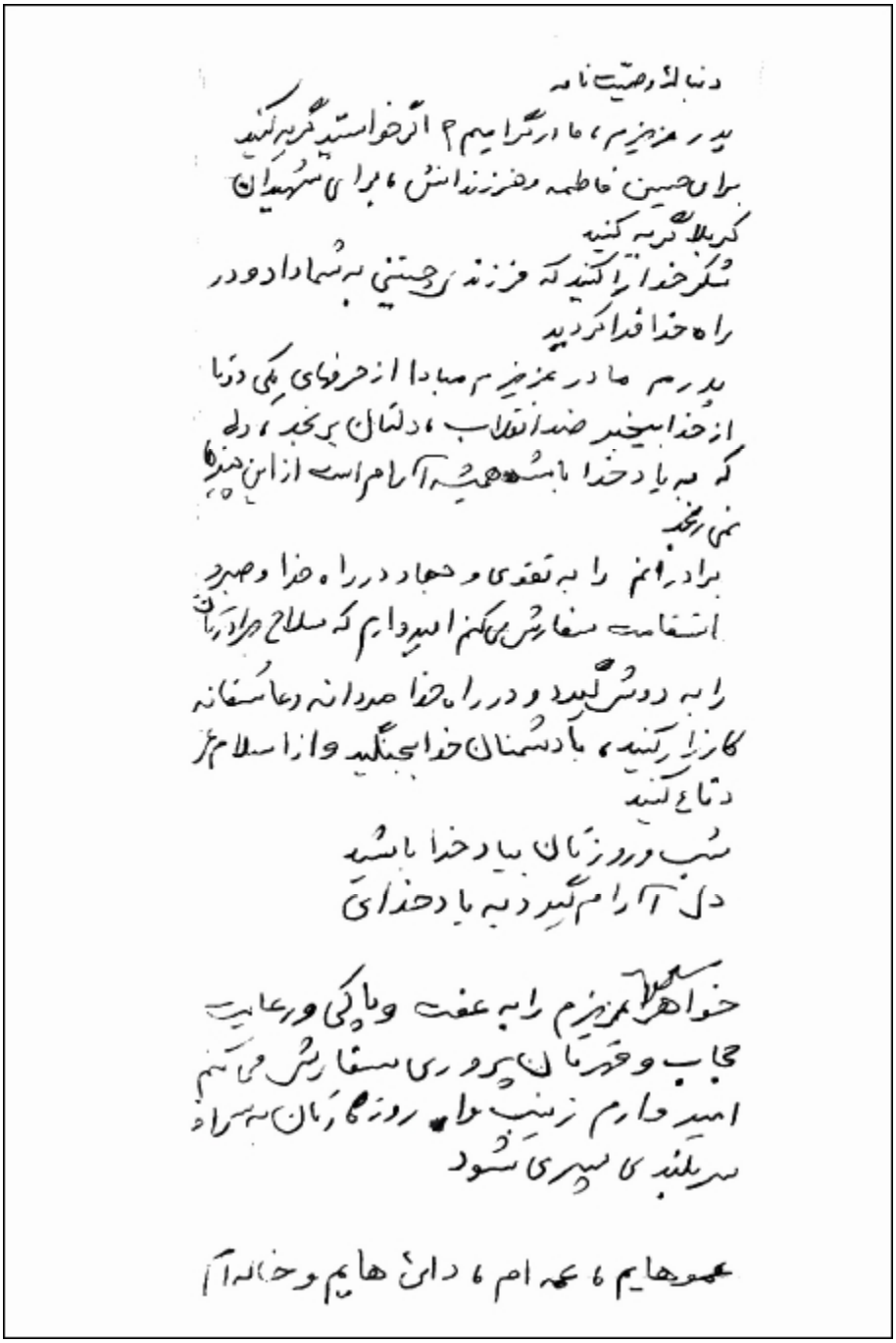
و با آنانکه جغد و ارنغمه‌های شوم سر میدهند ما را
کاری نیست زیرا
شب پره، گرنور آفتاب نخواهد
رونق بازار آفتاب نکاهد
آن قلیل افراد کور دل را که نمی توانند این
انقلاب را ببینند باز سفارش می‌کنم که بیش از این
در منجلاب هوسها و خودخواهیها و آلوده
این و آن بودن خود را نمانند بخود آیند راه راست
چاه تشخیص دهند بیش از این کج کلاهی خویش
نیرنگ و زحمت ما را نداشته باشند
ای جوانان حزب الله جوشان و خروشان باشید
با حوصله و تدبیر با عنایت خواستن از خدای
بزرگ مشکلات را به آسانی حل کنید و اوضاع بر
مظلوم را به سامان آرید و قلب امام زمان را
شاد و خرم کنید
ای سلحشوران به خون پاک شهیدان خیانت نشود
استوار در راه پروردگار گام بردارید
به پیش بتازید
از سختیها نهراسید، اگر خدا را یاری کنید خدا شما را
یاری خواهد کرد، ما با خدا هستیم از هیچ چیز
ترس و باکی نداشته باشید
بعضی را میشنوم میگویند که میگفتند این انقلاب چه گره از کار ما
انقلاب چه کرده است؟
ملتی مرده را احیا کرده است و خدا را



لرزه افکنده است
انقلاب چه کرده است؟
اسلام را در جوان سرافراز کرده است
قرآن را به نوجوانان معرفی کرده است
پوزه ابرجنایتکار آن را به خاک مالیده است
ما ذلیلها را به عزت رسانده است
ما مردم همت را به اوج عظمت رسانده است
دست جباران را از مملکت اسلام زمان کوتاه
کرده است
حکومت طاغوتی را حکومت شرعی مبدل
کرده است
گر بگویم شرح آن بی حد شود
مثنوی هفتاد من کاغذ شود

این درد دردی نیست؟
ما به نگوئیم ما برای انقلاب چه کردیم.

ما مادر خیلی به والدین عزیزم دارم
پدر عزیزم؟
مادر گرامیم؟
امیدوارم از عزیزان که نتوانسته ایم ما،
حال به شما خدمتی کنند راضی باشید
و اگر در راه خدا توفیق شهادت یافتم
مبادا اگر به دیدارم می آیید ناراحت شوید
بر نعش من گریه کنید و بیتابی کنید، به سروسینه
بزنید یا خدایی نکرده کارهایی که مورد رضای خدا
نیست بگوئید

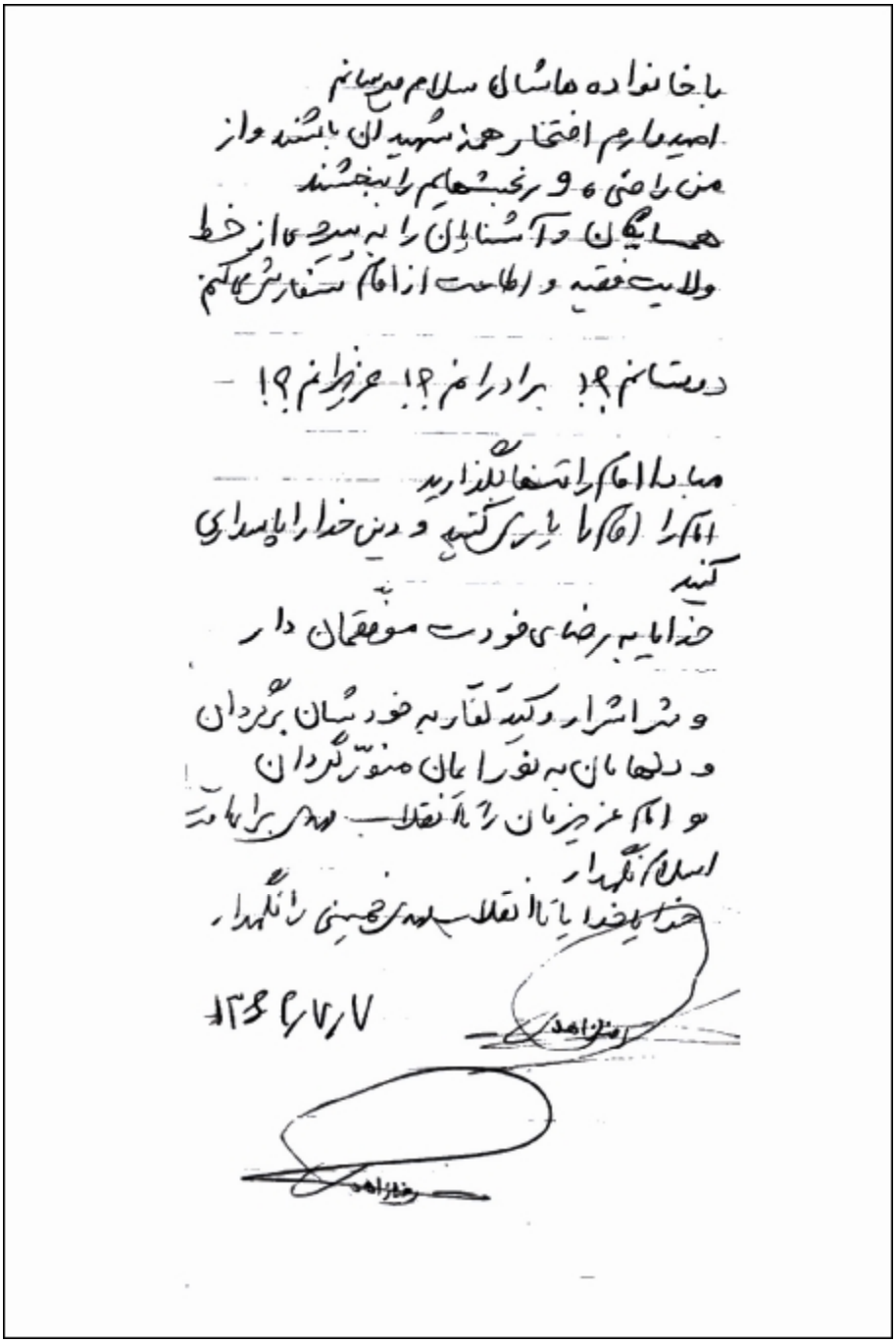


وصیت نامه

پدر و مادر عزیزم، ما را ببخشید اگر خواستید گریه کنید
برای حسین فاطمه و فرزندانش، برای شهیدان
کربلا گریه کنید
شکر خدا را کنید که فرزندی چنین به شما داد و در
راه خدا فدا کردید
پدر و مادر عزیزم مبادا از حرفهای یکی دو تا
از خدا بیخبر ضد انقلاب، دلتان بد بخد، دل
که به یاد خدا باشد همیشه آرام است از این چیزها
نمی رنجد
برادرانم را به تقوی و جهاد در راه خدا وصیت
استقامت سفارش می کنم امیدوارم که سلاح برادرتان
را به دوش گیرید و در راه خدا صادقانه و عاشقانه
کار زار کنید، با دشمنان خدا بجنگید و از اسلام
دفاع کنید
شب و روز تان با یاد خدا باشد
دل آرام گیرد به یاد خدای

خواهر عزیزم را به عفت و پاکی و رعایت
حجاب و حرمتان پروردی سفارش می کنم
امیدوارم زینب وار روزگارتان به سرآید
سربلندی سیری شود

عموهایم، عمه ام، دائی هایم و خاله ام



با خانواده هاشان سلام می‌رسانم
امیدوارم افتخار همنشینی شهیدان باشند و از
من راضی و برخیزم را بپذیرند
همسایگان و آشنایان را به صبر و از خط
ولایت فقیه و اطاعت از امام سفارش می‌کنم

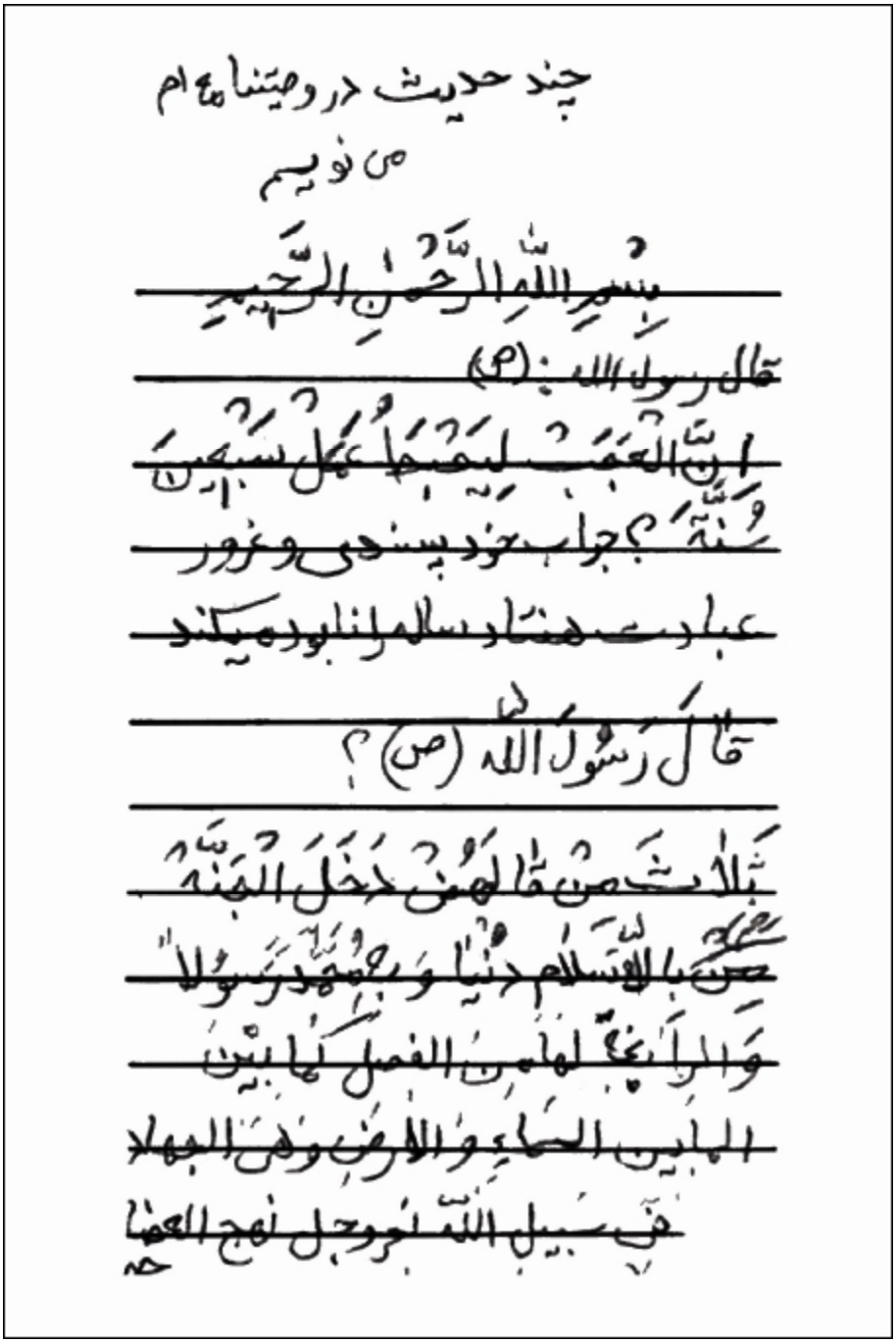
دوستانم!! برادرانم!! عزیزانم!!

مبادا امام را تنها بگذارید
امام را تنها یاری کنید و دین خدا را پاسداری
کنید
خدایا به رضای خودت موفقمان دار

و شر اشرار و کید کفار به خودشان برگردان
و دلهایمان به نور ایمان منور گردان
و امام عزیزمان را با انقلاب مهدی برایمان
اسلام نگهدار
خدایا خدایا با انقلاب مهدی خمینی را نگهدار

۱۳۶۲/۷/۷

زاهدی

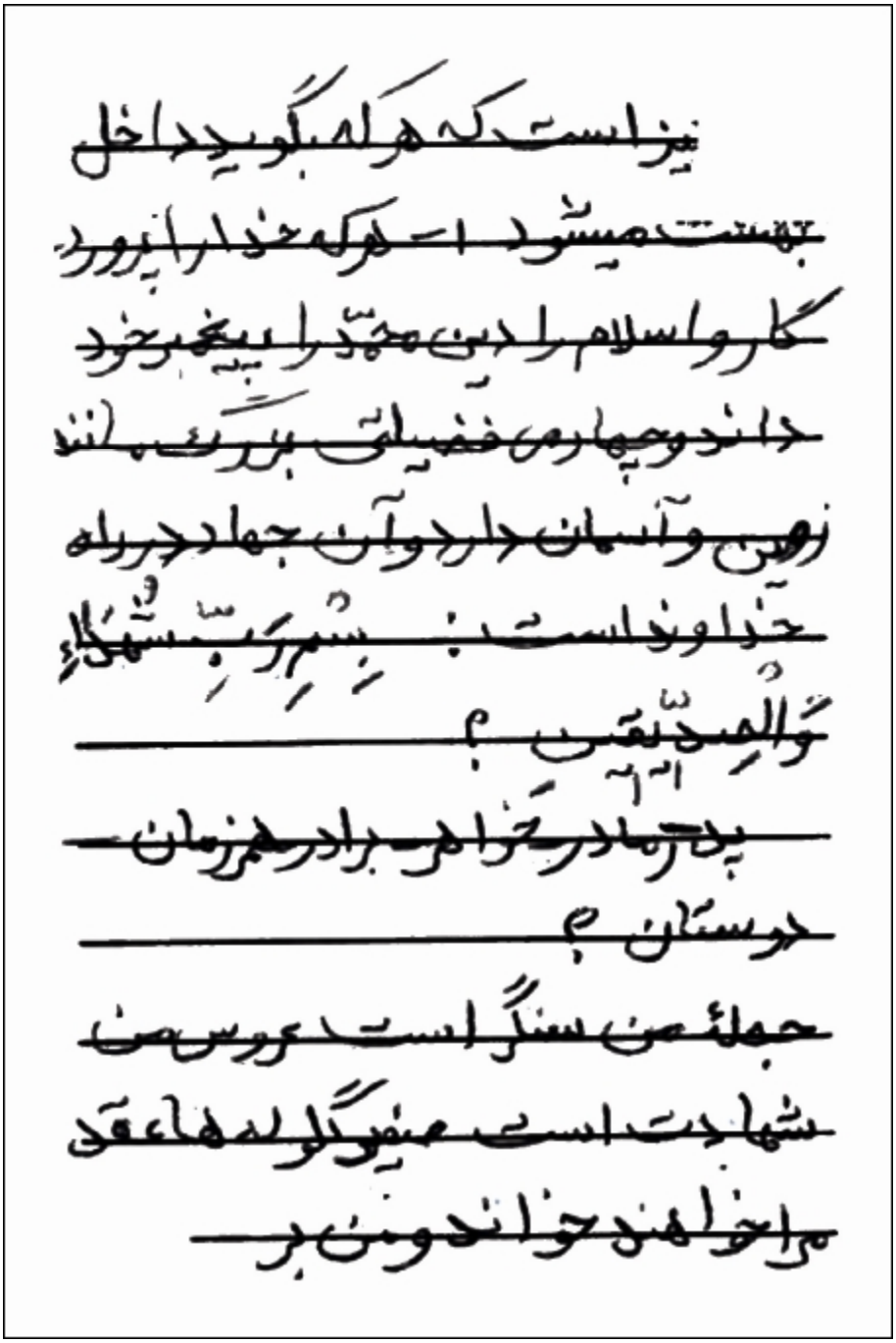


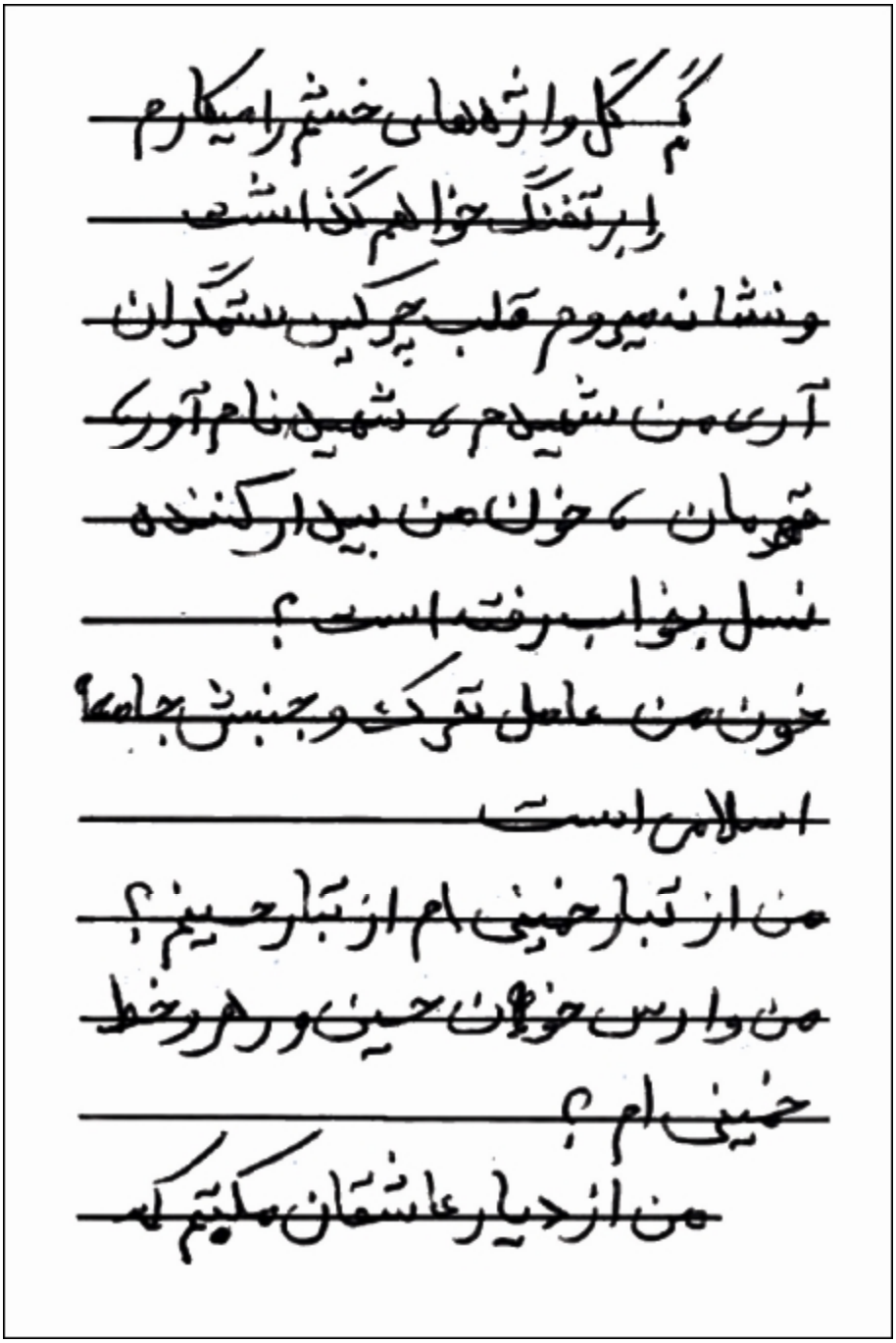
چند حدیث در وصیتنامه ام
می نویسم

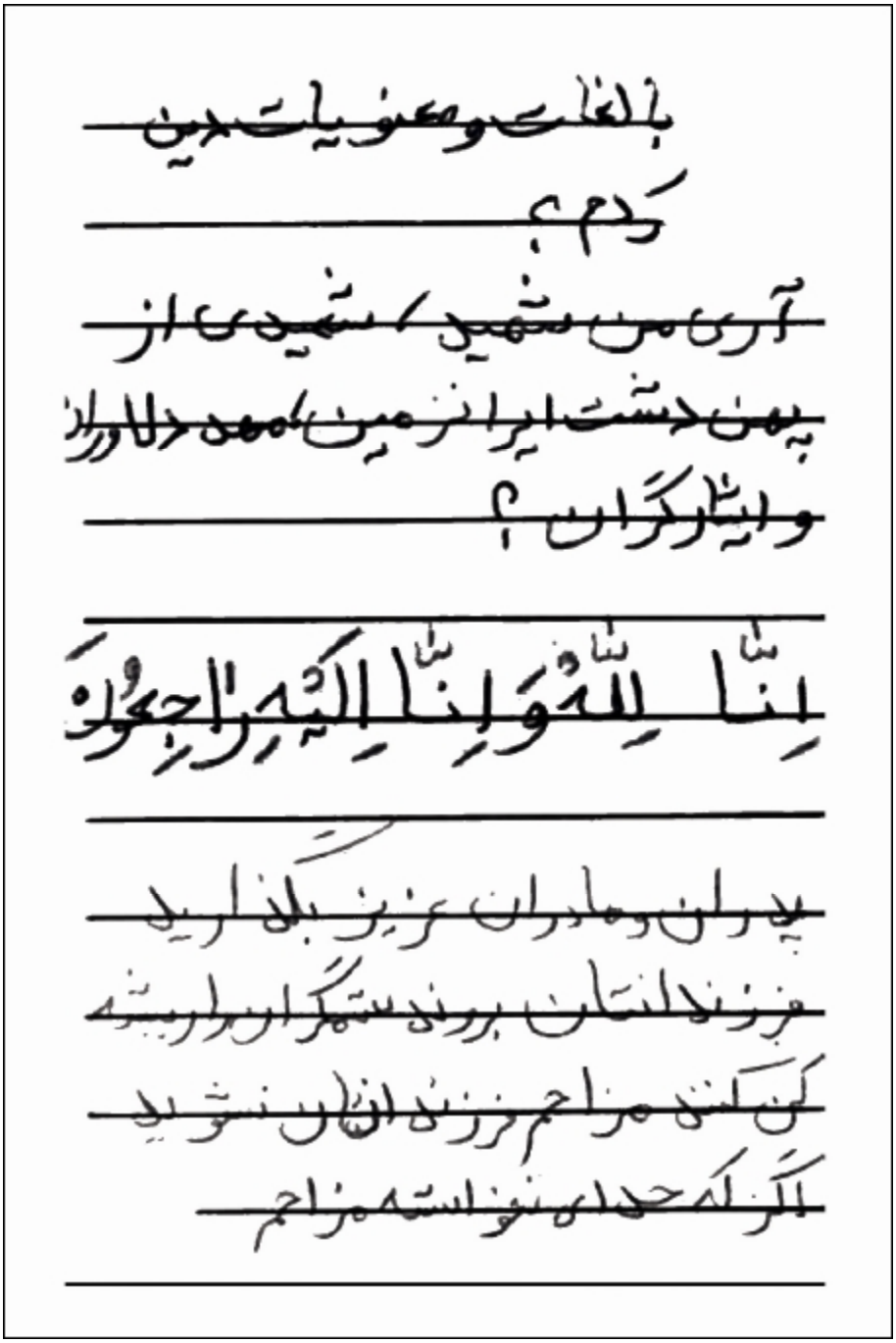
بسم الله الرحمن الرحیم

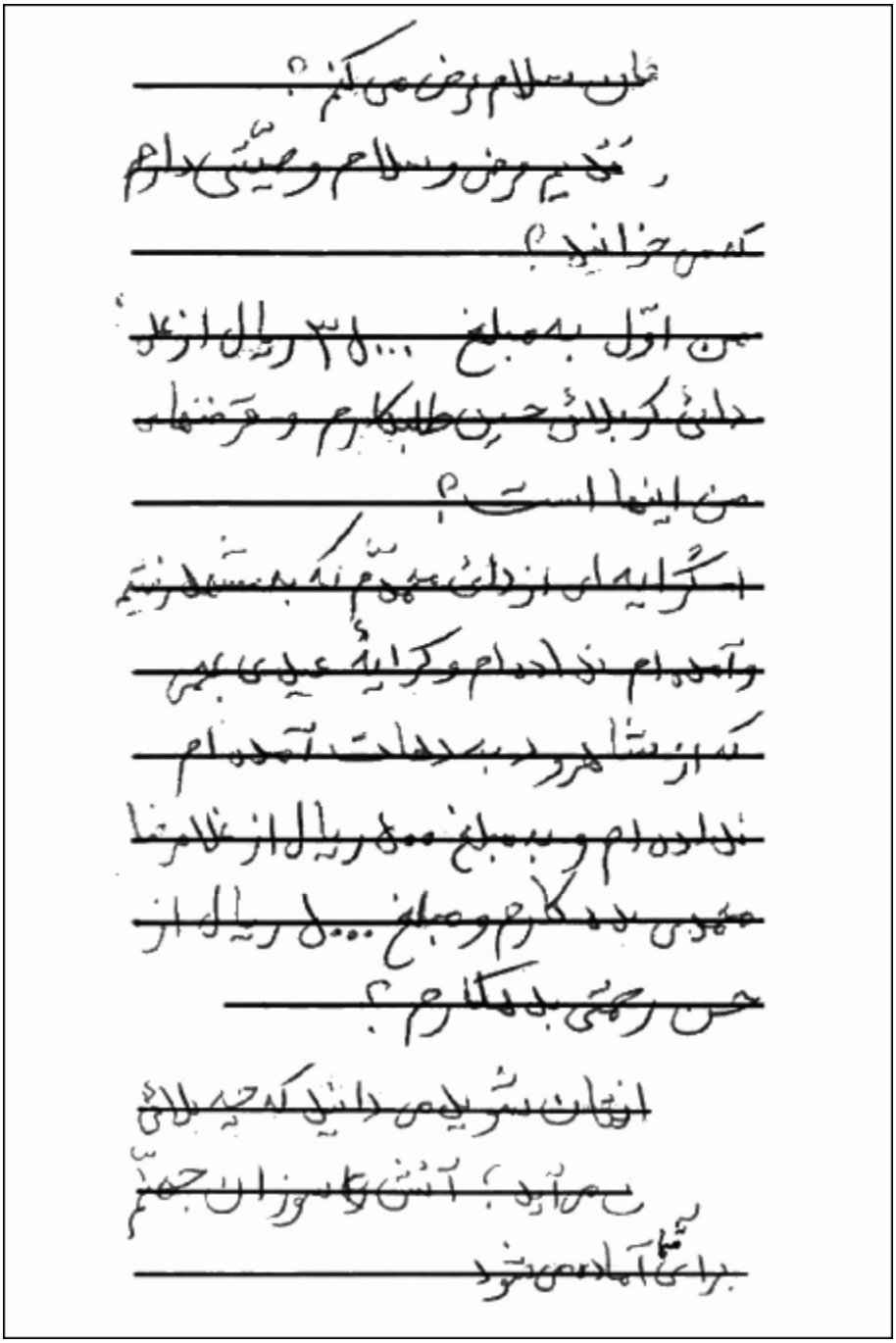
قال رسول الله (ص)
ان الله عجب لیضحکه من سبحین
سنة؟ جواب خود پسندی و غرور
عبادت هنادسلمه لنا بوده میگوید
قال رسول الله (ص)؟

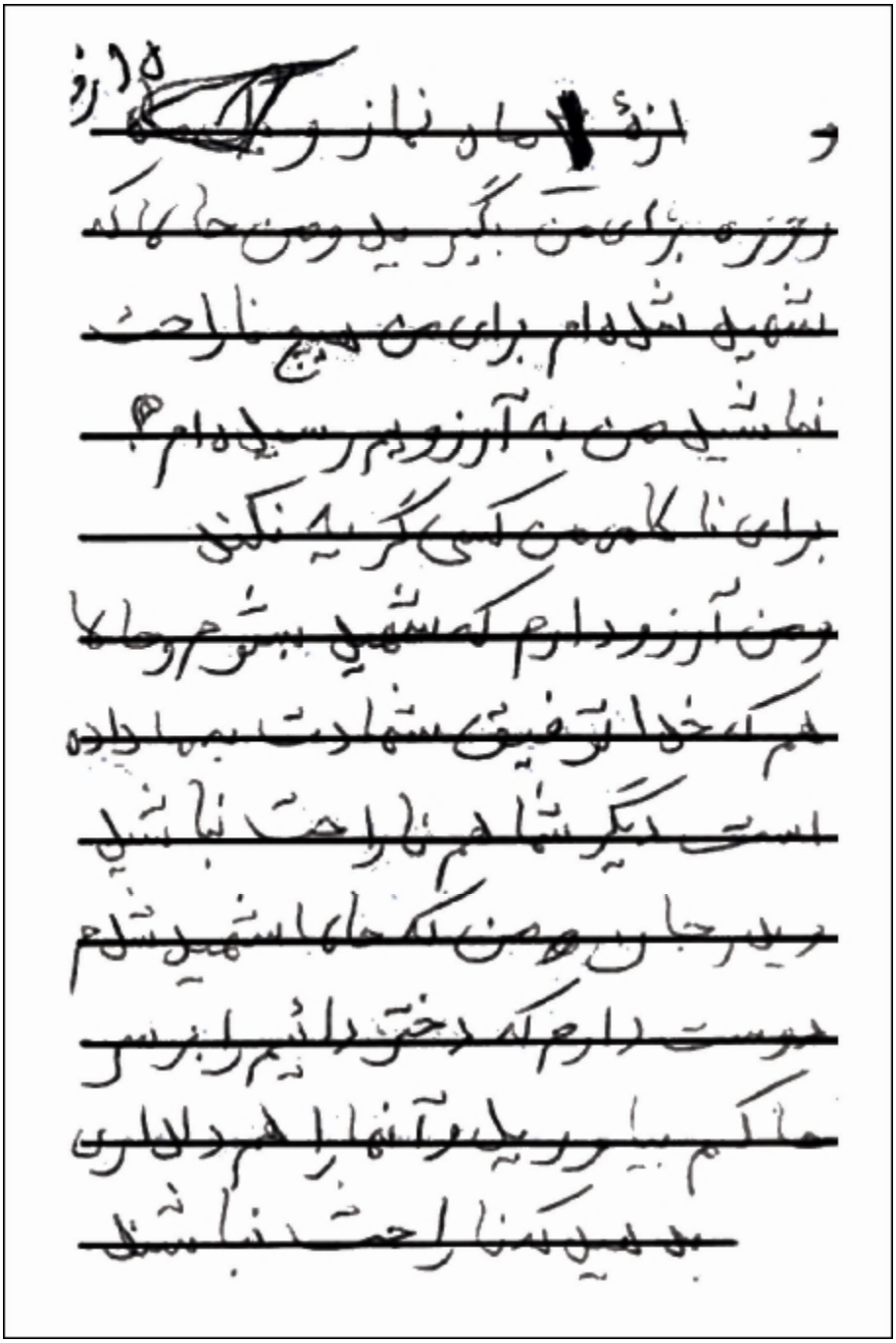
ثلاث من فعلهن دخل الجنة
من رضی بالاسلام دینا و بمحمد رسولا
و الرابعة لها من الفضل کما بین
السماء و الارض و من الجهاد
فی سبیل الله عزوجل نفح العضا

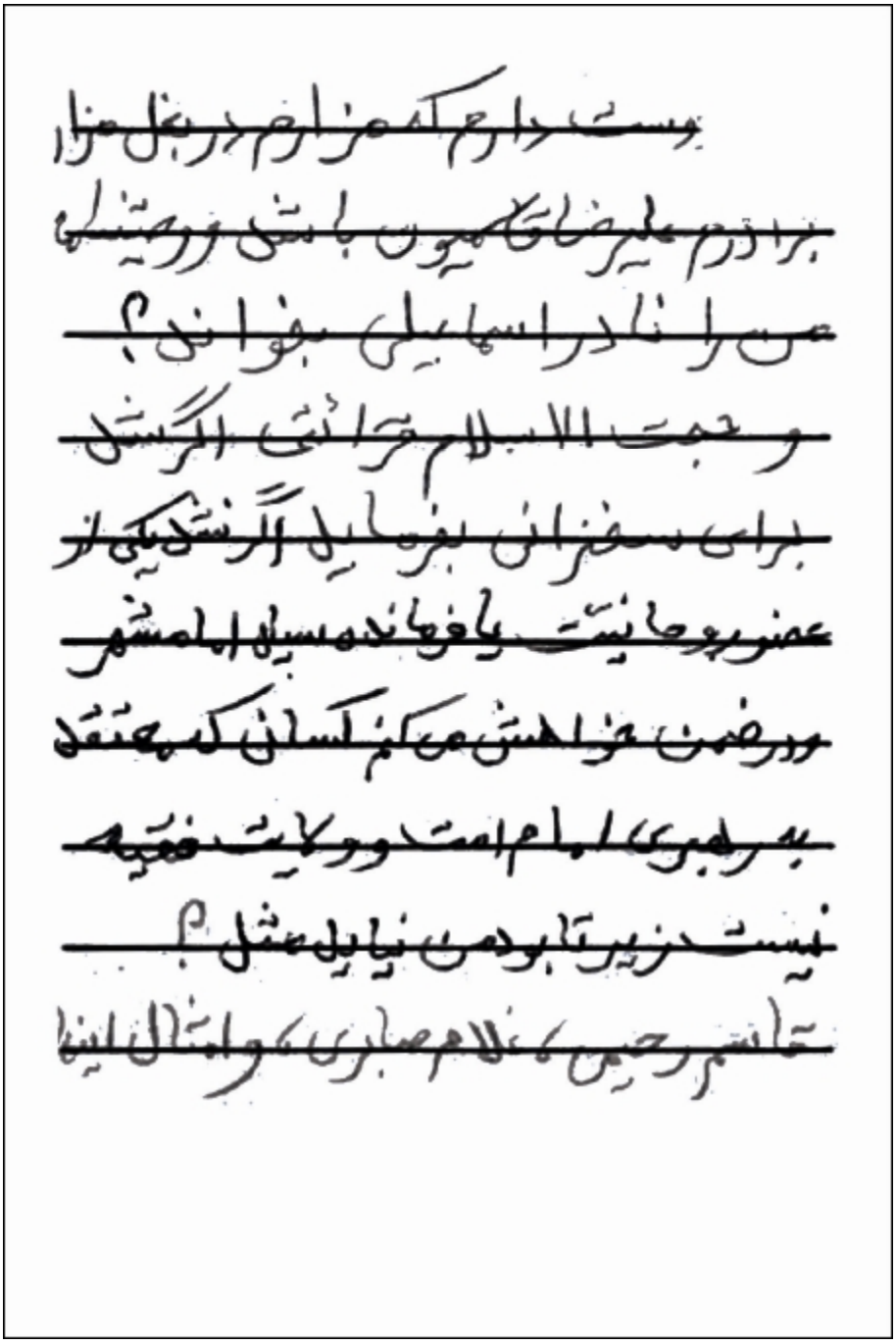
















نام: **سیدعلی**
نام خانوادگی: **زرگر**
نام پدر: **سیدجعفر**
نام مادر: **فاطمه**
تاریخ تولد: **بیستم دی** 1337
محل تولد: **شهرستان سمنان**
تحصیلات: **پایان دورهٔ متوسطه**
ارگان اعزام‌کننده: **بسیج**
تاریخ شهادت: **هفتم بهمن** 1366
محل شهادت: **گوجار عراق**
نحوهٔ شهادت: **اصابت ترکش**
مزار: **گلزار شهدای امامزاده اشرف زادگاهش**

عبارت‌های کلیدی

- میان این تاریکی‌ها و رهبران کفر، امامی را می‌بینم که وارسته از تمامی هواها و وابسته به الله بر پهنه گیتی بر توکل به خدا تکیه زده است.
- امروز روز عمل است.
- آنانکه ادعا دارید می‌خواهید استکبار را از بین ببرید، بیایید در جبهه تا خود را بسازید.
- در کارهای جمعی (بسیج، نماز جمعه، نمازهای جماعت و ایام‌الله) به صورت فعال‌تر شرکت نمایید.
- باید تا در جهان هستی و روح در بدن داری به تکلیف خود عمل نمایی.

سیدعلی زرگر

بسم‌الله الرحمن الرحیم

«به‌نام خداوند بخشنده مهربان»

«اللهم[1] صل علی محمد و آل محمد»

«من المومنین رجال صدقوا ماعاهدوا الله علیه فمنهم من قضی نحبه و منهم من ینتظر و ما بدلو تبدیلا».[2]

جهانی را نگاه می‌کنم که ظلمت و تاریکی آن را فرا گرفته است ابرقدرت‌ها[3] و شیاطین خود را آماده کرده‌اند، تا اسلام و سپاه اسلام را نابود کنند. در میان این تاریکی‌ها و رهبران کفر امامی را می‌بینم که وارسته از تمامی هواها و وابسته به الله بر پهنه گیتی بر توکل به خدا تکیه زده است و ندا می‌دهد «اگر برای خدا کار کنید پیروزید انشاءالله»[4] از زمانی که خود را پیدا نمودم و به تعبیر واضح اکنون که حدوداً 10 سال از سن (به معنای واقعی) من می‌گذرد تا آنجا که توانستم و قدرت فهم داشتم تحقیق نمودم تا به اصول دین در مذهب تشیع پی بردم به اندازه فهم خود. جهان را با نظم و دارای هدایتی حساب شده یافتم. به تمام پیامبران ایمان آوردم و تا آنجا که توانستم به اندازه خودم از سرگذشت آنها آشنا شدم به ائمه(**7**) ایمان آوردم و از فروع در حد توان پیروی نمودم تا اینکه انقلاب اسلامی به رهبری امام آگاه به پیروزی رسید.

در کل جامعه نظر کردم که خدایا من باید در خطوط سیاسی دنباله‌رو چه کسی باشم امام را یافتم و روحانیت را، که انشاءالله با تشکل مقدس خود قادرند جهان را متحول نمایند، تا انشاءالله زمینه ظهور مهدی (عج) فراهم آید. و در جوامع و کشورها هر تشکلی

1- در اصل وصیت «الهم».

2- احزاب/ 23.

3- در اصل وصیت «ابرقدرتان».

4- امام در تمامی موارد ما را به انجام کار خالصانه سفارش می‌کرد از جمله سخنانی که مشابه عبارت نقل شده از سوی شهید است به موارد زیر می‌توان اشاره کرد: «مواظب باشید که اعمالتان صالح باشد. قیامتان برای خدا باشد، اعمالتان برای خدا باشد». (صحیفه امام، ج6، ص106) «می‌خواهید که حکومت خدا را در ایران ایجاد کنید، چه شکست بخورید و چه شکست بدهید، پیروز هستید. ما اگر کشته بشویم به بهشت می‌رویم انشاءالله». (همان)

که خدا در آن نباشد و به‌وجود آید نمی‌تواند خدمتگزار خوبی برای مردم باشد. این را در تاریخ بارها دیده‌ایم و در جامعه ما بعد از انقلاب اسلامی به‌خوبی لمس کرده‌ایم.

امروز روز عمل است و راه عمل و امکانات آماده [است] آنان که ادعا دارید می‌خواهید استکبار را از بین ببرید بیایید[1] در جبهه تا خود را بسازید و اندیشه خود را با سلاح خود حمل نمایید[2] که انشاءالله سخنان حضرت علی(7) را جامه عمل بپوشانیم تا «مستضعفان وارثین زمین گردند».[3] و اما برادران دینی و بسیجیان عاشق در خانه نمانید در جامعه به صورت فعال و در کارهای جمعی (بسیج، نماز جمعه، نمازهای جماعت و ایام‌الله) به‌صورت فعال‌تر شرکت نمایید[4] و در جبهه که باید سرمشق باشید با یک بار و دوبار و بارها به جبهه آمدن تکلیف ساقط نمی‌گردد. بلکه باید تا در جهان هستی و روح در بدن داری به تکلیف خود عمل نمایید.[5] تابع ولایت فقیه بودن یعنی همین، چه در جامعه و چه در جنگ، چه می‌گویم، در همه جا! [از] دانش‌آموزان عزیزی که در مناطق کویر معلم آنها بودم، امیدوارم که مرا ببخشند و با خواندن حمد [خود] مرا شاد گردانند. از کلیه برادران که از من رنجی دیده‌اند طلب عفو و بخشش دارم. پدر و مادرم امیدوارم که با روح بلند و زینب‌وار خود و حسین‌گونهٔ خود، در تمام سختی‌ها و مشقات به یاد خدا باشید و اگر گریه‌ای هم می‌کنید برای حسین(7) و مادرم فاطمه(3) گریه کنید. و همسرم، راهم را ادامه بده و برای فرزندم، هم پدر باش و هم مادر، تا بتواند انشاءالله پرچم من را بردارد و فرزندم شما را به خدا سپردم.

کلیه بدهی‌های مرا بوسیله چک که در خانه است بپردازید.

خمس مال من را امسال بعد از ماه رمضان بدهید.

«اللهم[6] صل علی محمد و آل محمد»

65/3/16

1- در اصل وصیت «بیاید».

2- در اصل وصیت «نمائید».

3- ترجمه آیه 5 سورهٔ قصص: «و نرید ان نمن علی‌الذین استضعفوا فی‌الارض و نجعلهم ائمة و نجعلهم الوارثین».

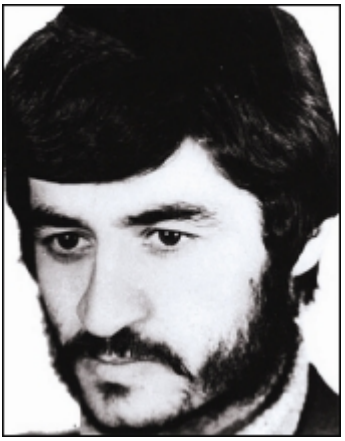
4- در اصل وصیت «نمائید».

5- در اصل وصیت «نمائید».

6- در اصل وصیت «الهم».







نام: **سیدمحمود**
نام خانوادگی: **زرگر**
نام پدر: **سیدعلی**
نام مادر: **خیرالنسا**
تاریخ تولد: **یکم آذر** 1338
محل تولد: **شهرستان سمنان**
تحصیلات: **پایان دورهٔ متوسطه**
ارگان اعزام‌کننده: **جهاد**
تاریخ شهادت: **نوردهم اسفند** 1362
محل شهادت: **جزیرهٔ مجنون**
نحوهٔ شهادت: **اصابت ترکش**
مزار: **گلزار شهدای امامزاده اشرف زادگاهش**

عبارت‌های کلیدی

- این شهادت است که خوبان امت محمد(**6**) (حزب‌الله) را انتخاب می‌کند.
- در عصر انتظار منتظران حضرت مهدی(عج) حزب‌الله می‌باشد.
- حزب‌الله در این زمان و در هر زمان و مکان جندالله است و جندالله هم سربازان امام زمان هستند.
- در هر صورت عالم محضر خدا است. در محضر خدا، خدا را معصیت نکنید.
- برادران جهادگرم بیشتر قرآن و دعا بخوانید و در جماعات مسلمین و نماز جمعه شرکت فعال داشته باشید.
- من ولایت خمینی را پذیرفته‌ام که تداوم ولایت الله می‌باشد.
- تنها افتخارم این است که حزب‌الله هستم و مقلد روح‌الله.
- برادر و خواهر حزب‌الله! بدان که زیباترین دوران زندگی انسان، دوران جنگ و جهاد بر علیه کفر جهانی است.
- خدایا کمکم کن تا با خون خود کشتی را آبیاری کنم تا محصول آن مورد رضایت تو باشد.
- برادر و خواهرم با نگه داشتن سنگر مدرسه و حمایت و اطاعت از امام خمینی سرباز اسلام باشید.

سیدمحمود زرگر

بسم‌الله الرحمن الرحیم

برادران و خواهران حزب‌الله و عزیزانم در عصر انتظار منتظران حضرت مهدی(عج) منتظران شهادت هستند و این شهادت است که خوبان امت محمد(**6**) (حزب‌الله) را انتخاب می‌کند.

در عصر انتظار (اعتراض به ظلم و ستم و بی‌عدالتی) منتظران عدالت منتظران شهادتند در عصر انتظار منتظران ظهور حضرت مهدی(عج) سربازان امام زمانند که در جبهه‌های جنگ بر علیه استعمار جهانی می‌رزمند و زمینه ظهور مولای خویش را آماده می‌سازند.

در عصر انتظار منتظران حضرت مهدی(عج) یا به شهادت رسیده‌اند یا در انتظار شهادت می‌باشند. و منتظران شهادت در جبهه‌های جنگ تحمیلی بر علیه کفر صدامی حضور می‌یابند و نه در شعار بلکه در عمل مبارزه می‌کنند، در عصر انتظار منتشران آقا مهدی(عج) شعار جنگ جنگ تا پیروزی را به شعور تبدیل کرده‌اند.

در عصر انتظار منتظران حضرت مهدی(عج) حزب‌الله می‌باشد که منتظر شهادت است و کسی منتظر شهادت است که بعد از آوردن هر شهید به‌سوی جبهه‌های جنگ تحمیلی هجوم می‌برد و نه آنکه منتظر آوردن شهید می‌باشد که در پی آن فقط شعار دهد.

عزیزانم آنان که خود را حزب‌الله و در خط امام خمینی می‌دانند اما به بهانه‌های مختلف از آمدن به جبهه‌های جنگ تحمیلی خودداری[1] می‌کنند نسبت به او[2] مشکوک باشید و بدانید او حزب‌الله نمی‌باشد.

حزب‌الله در این زمان و در هر زمان و مکان جندالله است و جندالله هم سربازان امام زمان هستند که تا به حال در جبهه‌های جنگ تحمیلی شرکت کرده باشند، برادران و خواهرانم بدانید که بسیارند افرادی که به بهانه مسئولیتی که دارند از آمدن به جبهه‌ها خودداری می‌کنند از آنها باید پرسید آیا در این زمان مسئولیتی بالاتر از پیشبرد جنگ و پیروزی نهایی[3] آن وجود دارد آیا مسئولیت شما از مسئولیت ائمه جمعه و جماعات و

1- در اصل وصیت «خودرداری».

2- در اصل وصیت «باو».

3- در اصل وصیت «نهائی».

روحانیون گرانقدر بالاتر است، آیا مسئولیت شما از امام حسین(7) بالاتر است. عزیزانم ای برادرانی که تا بحال در جبهه‌های جنگ شرکت نکرده‌اید بدانید که انشاءالله این جنگ پایان خواهد یافت و شما پشیمان خواهید شد. کمی فکر کنید آیا تمام آن مسائلی که به‌خاطر آن تا بحال از آمدن به جبهه‌های جنگ خودداری کرده‌اید با پیروزی نهایی[1] رزمندگان و اتمام جنگ به نفع اسلام و امت اسلامی حل نخواهد شد.

عزیزانم سوگند یاد می‌کنم که از این نوشتار قصد کوبیدن فرد و یا افرادی را ندارم، بلکه می‌خواهم تذکر داده باشم، تا بحال که بوده‌ام و زندگی کرده‌ام برای اسلام و مسلمین و این جنگ، مثمر ثمر نبوده‌ام! امیدوارم که با این نوشتار که جزیی از وصیت‌نامه‌ام است، بتوانم خدمتی انجام دهم.

اما شما برادران جهادگرم بدانید که شما در دو جبهه مشغول نبرد با استکبار جهانی می‌باشید:

1- جبهه نبرد بر علیه استضعاف روستاها (ارثی از رژیم منحوس پهلوی).

2- جبهه نبرد حق علیه باطل و کفر صدامی.

عزیزانم چشم هزاران روستایی[2] سراسر ایران به شما و خدمات ارزنده شما دوخته است، ناامید کردن آنها ناامید کردن امام امت است (که امام عزیزمان فرمودند: «اینها ولی نعمت ما هستند»[3]) و نومید کردن امام امت نومید کردن امام زمان(عج) و در نهایت ناامیدی خداوند متعال می‌باشد. نباید آن روزی که خداوند متعال از شماها روگردان شود و در کارها توکل به خدا داشته باشید، خداوند سبحان را ناظر بر اعمال خود بدانید و در محضر خداوند معصیت نکنید.

برای کنترل اعمال خود بدانید که در صورت داشتن تقوی و ایمان کامل خداوند را می‌بینید و در صورت ضعف ایمان بدانید خدا ناظر بر اعمال شما می‌باشد. و در هر صورت عالم محضر خدا است. در محضر خدا، خدا را معصیت نکنید.[4]

1- در اصل وصیت «نهائی».

2- در اصل وصیت «روستائی».

3- صحیفه امام، ج 16، ص 24.

4- عبارت از امام خمینی است: «عالم محضر خداست، عالم محضر اوست، تمام عالم محضر اوست، معصیت مخالفت با اوست» (صحیفه امام، ج 11، ص 383).

با همه این احوال بدانید، جبهه اصلی جنگ شما در این زمان، جبهه‌های جنگ بر علیه کفر صدامی است، برادران جهادگرم بیشتر قرآن و دعا بخوانید و در جماعات مسلمین و نماز جمعه شرکت فعال داشته باشید.

دعای توسل [را] که به طور نوبتی در خانه برادران جهاد گر تشکیل می‌شد، ادامه دهید (تقاضا داریم یکبار هم در منزل ما تشکیل دهید و برای شهدا کربلا عزاداری کنید، چون هر چه از اسلام داریم از خون شهدای کربلا است) عزاداری برای سرور شهیدان حسین ابن علی(**7**) را فراموش نکنید و به سبک تاسوعا و عاشورای حسینی گذشته دسته‌جات[1] زنجیرزنی راه بیندازید[2]، برادران جهادگری که تازه در این نهاد مقدس وارد شده‌اید، با مکتبی بودن و اخلاق اسلامی و کار جهادی خود، دین خود را به انقلاب ادا کنید، انشاالله که آبروی مرا حفظ خواهید کرد.

«والسلام»

برادر شما سیدمحمود زرگر

62/12/3

[وصیت‌نامه‌ای دیگر]

بسم الله الرحمن الرحیم

«ربنا افرغ علینا صبرا و ثبت اقدامنا و انصرنا علی القوم الکافرین»[3]

درود بر امام امت خمینی کبیر و سلام بر تمامی شهدا از حضرت آدم تا خاتم(**6**) و از خاتم(**6**) تا کربلای حسین(**7**) و از کربلای حسین تا تمامی کربلاهای ایران از جمله کربلای 7 تیر.[4]

برادر و خواهر حزب‌الله بازوان پرتوان روح‌الله که تحت رهنمودهای روح‌الله با فرماندهی بقیةالله(عج)، با یاری و کمک [و] نصرت الله بر دشمن خود می‌تازید و انقلاب

1- در اصل وصیت «دستجات».

2- در اصل وصیت «بیاندازید».

3- بقره/ 250.

4- ر.ک. تعلیقات ذیل 7 تیر.

اسلامی را در سراسر جهان تحقق می‌بخشید و انشاءالله وعده خدا تحقق می‌یابد که مستضعفان وارثان به حق زمین می‌باشند»

قبل از هر چیز می‌خواهید نام و شهرتم را بدانی. بگذار خودم را معرفی کنم. برادر و خواهر با نام من چکار داری، من از نان و نام بریده‌ام و راه را انتخاب کرده‌ام. بگو راه تو چیست، تا بگویم راه من راه اسلام فقاهت،[1] راه محمد(6) و علی(7) سرور و سالار شهیدان حسین ابن علی(7) است بگذار بگویم راه من راه خمینی بت‌شکن، این فرزند پاک اسلام است که راه او راه الله ، صراط مستقیم هدایت است راه من شعار مقدس و همیشگی تمامی مسلمانان یعنی نه شرقی نه غربی جمهوری اسلامی، است راه من راه خونین اسلام است فقاهت و تشیع است.

من ولایت خمینی را پذیرفته‌ام که تداوم ولایت الله، ولایت محمد(6) و ولایت ائمه(:) می‌باشد. «**اطیعوا الله و اطیعوا الرسول و اولی الامرمنکم**».[2]

شهرت: با شهرت و فامیلی من چکار داری. تنها افتخارم این است که به‌عنوان یک سرباز اسلام در جبهه نبرد حق علیه باطل می‌جنگم، تنها افتخارم این است که به‌عنوان یک حزب‌الله که پیش مرگ روح‌الله است، تحت فرماندهی بقیةالله با یاری و نصرت الله، با حمایت و پشتیبانی حزب الله با حزب الشیطان می‌جنگم.

تنها افتخارم این است که حزب‌الله هستم و مقلد روح‌الله، تنها افتخارم این است که حزب‌الله هستم و بر حزب الشیطان پیروز «**ان حزب الله هم المفلحون**»[3] برادر و خواهر بدان که دو راه بیشتر وجود ندارد 1- حزب‌الله 2- حزب‌الشیطان راه سومی وجود ندارد. بدان اگر حزب الله نیستی، خواهی نخواهی جزو حزب الشیطان هستی. بنابراین راه خود را انتخاب کن. بطور یقین بدان تا شیطان وجود دارد حزب الشیطان هست و تا حزب‌الشیطان وجود دارد، حزب‌الله می‌جنگد، می‌میرد، سازش نمی‌پذیرد. حزب‌الله این اصل را از رهبرش محمد(6)، علی(7)، سایر ائمه(:) و روح‌الله آموخته است.

1- ر.ک. تعلیقات ذیل اسلام فقاهتی.

2- نساء/ 59.

3- مجادله/ 22.

برادر و خواهر حزب‌الله بدان که زیباترین دوران زندگی انسان، دوران جنگ و جهاد بر علیه کفر جهانی است. به‌خصوص در زمان حاضر که تمام اسلام در برابر تمامی کفر جهانی قرار دارد. زیباتر از این هم وجود دارد و آن زمانی است که با بدن خونین روی زمین قرار می‌گیری و فرمانده‌ات بقیةالله را صدا میزنی. چه زیباست انسان با حالتی و چهره‌ای بطرف معشوق برود که معشوق آنرا دوست داشته باشد.

چه چهره‌ای زیباتر از چهره‌ای خونین و چه عطری بهتر از عطر خون چه زیباست مرگی که آبستن زندگی جاوید باشد.

پروردگارا، حال که وقوع مرگ حتمی است (انتقال از دنیای کوچک به دنیای بزرگ، انتقال از دنیای فانی و گذرا به دنیای باقی و پایدار ـ انتقال از دنیای کشت به دنیای برداشت و محصول) مرگی به من عطا کن که آغاز زندگی جاوید باشد. پروردگارا بگذار مرگم را خود انتخاب کنم اما آنگونه که تو دوست داری به شهادت [برسم][1]
پروردگارا، مرا در انتخاب مرگ وامگذار.

خدایا، کمکم کن تا با خون خود کشتی را آبیاری کنم تا محصول آن مورد رضایت تو باشد. کمکم کن تا با خون خود درخت انقلاب اسلامی را آبیاری کنم.

برادر و خواهر حزب‌الله در هنگام مرگ با بدن سوراخ شده به راحتی جان می‌دهم چرا که می‌دانم راهم را ادامه می‌دهید. پدرم با فریاد الله‌اکبر، خمینی رهبر، پدرم با تولیدش مادرم با شعار جنگ جنگ تا پیروزی. مادرم با مشتهای گره کرده‌اش و با صرفه‌جویی خود مادرم با تربیت فرزندان خود.

برادرم با سلاح افتاده‌ام، با سلاح معنوی و ایمانی خود، خواهرم با حجابش که لباس رزم اوست. همه اینها با عملی کردن رهنمودهای امام خمینی، سنگرم را پر، و راهم را که همانا اطاعت از امام است، ادامه خواهند داد. چرا که من فرزند امت اسلام هستم و همه مردها، پدرم، مادران، مادرم، برادران، برادرم و خوهران خواهرم هستند.

برادران و خواهران جهاد سازندگی به جهاد زندگی‌ساز خود ادامه دهید که چشم روستاییان[2] عزیز این مستضعفان جامعه، بدست شماست. با یکدیگر و دیگر ارگانهای

1- واژهٔ «برسم» در اصل وصیت افتاده است به سیاق جمله و عبارت پیشنهاد می‌شود.
2- در اصل وصیت «روستائیان».

انقلابی اتحاد و هماهنگی ایجاد کنید که امام خمینی فرمود: پیروزی شما در گرو ایمان و وحدت شماست»[1] پیروزی دو عامل دارد 1- توحید کلمه (اتحاد) 2- کلمه توحید (ایمان، اسلام).

پدر و مادرم در مرگ من گریه نکنید و اندوهگین نباشید و افتخار کنید که فرزند شما در راه برقراری حکومت اسلام عزیز فدا شده است.

برادر و خواهرم با نگه داشتن سنگر مدرسه و حمایت و اطاعت از امام خمینی سرباز اسلام باشید. همسرم ناراحت مباش می‌دانم که نیستی، زیرا همیشه به من می‌گفتی برای برقراری اسلام عزیز افرادی باید فدا شوند و اینک من یکی از آنها هستم. از اینکه فرزندم پدر ندارد ناراحت نباش، فرزندم، فرزند اسلام، امت حزب‌الله و فرزند روح‌الله است. فرزندم را خوب تربیت کن و طوری پرورش بده تا یاور اسلام عزیز باشد.

برادران و خواهران حزب الله سنگر مقدس و وحدت آفرین، دشمن شکن نماز جمعه و دعاهای کمیل را فراموش نکنید. خدا یار و نگه‌دار شما باشد.

در تشییع جنازه‌ام شعار و دعای زیر را فراموش نکنید:

خدا، خدایا رهبر ما را تا انقلاب مهدی‌ات[2] [او را] نگه‌دار.

اسلام زنده است.

این وصیت‌نامه را روز تولد مادر عزیزم فاطمه زهرا[3] (**3**) و رهبر عزیزم خمینی کبیر نوشته‌ام.

«والسلام»

1- صحیفه امام، ج 13، ص 394.

2- در اصل وصیت «مهدیت».

3- روز تولد حضرت امام خمینی 20 جمادی‌الثانی 1320(ه.ق) است. این روز مقارن با روز تولد حضرت زهرا(**3**) است.

بسمه تعالی

برادران و خواهران حزب الله وعزیزانم در عصر انتظار منتظران حضرت مهدی (عج) منتظران شهادت هستند و این شهادت است که خهان امت محمد (ص) (حزب ا . . .)را انتخاب میکند .

در عصر انتظار (اعتراض به ظلم و ستم و بیعدالتی) منتظران عدالت منتظران شهادتند در عصر انتظار منتظران ظهور حضرت مهدی (عج) سربازان امام زمانند که در جبهه های جنگ برعلیه استعمار جهانی میرزمند و زمینه ظهور مولای خویش را آماده میسازند . در عصر انتظار منتظران حضرت مهدی (عج) بانتیجه شهادت رسیده اند یا در انتظار شهادت میباشند .

و منتظران شهادت در جبهه های جنگ تحمیلی برعلیه کفر صدامی حضور میابند ونه در شعار بلکه در عمل مبارزه میکنند تا پیروزی را به شعور تبدیل کرده اند . در عصر انتظار منتظران حضرت مهدی (عج) حزب ا . . . میباشد که منتظر شهادت است و کسی منتظر شهادت است که بمحض از آوردن هر شهید بسوی جبهه های جنگ تحمیلی هجوم میبرد ونه آنکه منتظر آوردن شهید میباشد که در پی آن فقط شعار دهد

عزیزانم آنانکه خود را حزب ا . . . و در خط امام خمینی میدانند اما به بهانه‌های مختلف از آمدن به جبهه‌های جنگ تحمیلی خودداری میکنند نسبت باو مشکوک باشید و بدانید اوحزب ا . . . نمی باشد .

حزب الله در این زمان و در هر زمان و مکان جندالله است و جندا . . . هم سربازان امام زمان هستند که تا بحال در جبهه های جنگ تحمیلی شرکت کرده باشند ،برادران و خواهرانم بدانید که بسیارند افرادی که به بهانه مسئولیتی که دارند از آمدن به جبهه‌ها خودداری میکنند از آنها باید پرسید آیا در این زمان مسئولیتی بالاتر از پیشبرد جنگ و پیروزی نهائی آن وجود دارد آیا مسئولیت شما از مسئولیت ائمه جمعه و جماعات و روحانیون گرانقدر بالا تر است ،آیا مسئولیت شما از امام حسین بالا تر است . عزیزانم ای برادرانی که تا بحال در جبهه های جنگ شرکت نکرده اید بدانید که انشاالله این جنگ پایان خواهد یافت و شما پشیمان خواهید شد کمی فکر کنید آیا تمام آن مسائلی که بخاطر آن تا بحال از آمدن به جبهه های جنگ خودداری کرده اید با پیروزی نهائی رزمندگان و اقمام جنگ بنفع اسلام و امت اسلامی حل نخواهد شد .

عزیزانم سوگند یاد میکنم که این نوشتار را قصد کوبیدن فرد و یا افرادی را ندارم بلکه میخواهم تذکر داده باشم ، تا بحال که بوده ام و زندگی کرده ام برای اسلام و مسلمین و این جنگ مثمر ثمر نبوده ام امید وارم که با این نوشتار که جزئی از وصیت نامه ام است بتوانم خدمتی انجام دهم .

اما شما برادران جهاد گرم بدانید که شما در دو جبهه متقابل نبرد با استکبار جهانی میباشید :

۱ــ جبهه نبرد برعلیه استضعاف روستاها (ارثی از رژیم منحوس پهلوی) .

۲ــ جبهه نبرد حق علیه باطل و کفر صدامی .

عزیزانم چشم هزاران روستائی سراسر ایران بشما و خدمات ارزنده شما دوخته است، ناامید کردن آنها نا امید کردن امام امت است (که امام عزیزمان فرمودند : اینها ولی نعمت ما هستند) و ناامید کردن امام امت ناامید کردن امام زمان و در نهایت ناامیدی خداوند متعال میباشد .

نباید آنروزی که خداوند متعال از شماها روگردان شود و در کارها توکل بخدا داشته باشید خداوند سبحان را ناظر بر اعمال خود بدانید و در محضر خداوند معصیت نکنید .

برای کنترل اعمال خود بدانید که در صورت داشتن تقوی و ایمان کامل خداوند را میبینید و در صورت ضعف ایمان بدانید خدا ناظر بر اعمال شما میباشد . و در هر صورت عالم محضر خدا است. در محضر خدا را معصیت نکنید .

با همه این احوال بدانید ، جبهه اصلی جنگ شما در این زمان جبهه های جنگ برعلیه کفر صدامی است ، برادران جهاد گرم بیشتر قرآن و دعا بخوانید و در جماعات مسلمین و نماز جمعه شرکت فعال داشته باشید .

دعای توسل که بطور نوبتی در خانه برادران جهاد گرم تشکیل میشد ادامه دهید (تقاضا داریم یکبار هم در منزل ما تشکیل دهید و برای شهداء کربلا عزاداری کنید ، چون هر چه از اسلام داریم از خون شهداء کربلا است) عزاداری برای سرور شهیدان حسین ابن علی را فراموش نکنید و به سبکتاسوعا و عاشورای حسینی گذشته دستجات زنجیر زنی راه بیاندازید ، برادران جهاد گری که تازه در این نهاد مقدس وارد شده اید با مکتبی بودن و اخلاق اسلامی و کار جهادی خود دین خود را به انقلاب ادا کنید ، انشاالله که آبروی مرا حفظ خواهید کرد .م

والسلام . برادر شما سید محمود زرگر ۶۲/۱۲/۳

بسم الله الرحمن الرحیم

ربنا افرغ علینا صبرا و ثبت اقدامنا و انصرنا علی القوم الکافرین

درود بر امام است حسین (ع) سلام بر تمامی شهدا از حضرت آدم تا خاتم (ص)

و از خاتم (ص) تا کربلا (حسین (ع)) و از کربلا حسین تا تمامی کربلاهای ایران از جمله

کربلای ۲ تیر

برادر و خواهر خوب!... یاران پرتوان روح!... که تحت رهنمود حال روح!... با برنامه ای

دقیق!... با یاری و کمک و نصرت الله بر دشمن خود می تازید و انقلاب اسلامی

را در سراسر جهان تحقق می بخشید راه شما!... وعده خدا تحقق می یابد و مستضعفان وارثان

حق زمین می باشند.

قبل از هر چیز میخواهم نام و شهرم را بدانی. بگذار خودم را معرفی کنم

برادر و خواهر با نام من چگونه دلت من از نام و نانم بر نیامد و راه را انتخاب کرده ام

بگذار بگویم تا بدانی راه من راه اسلام مقاومت، راه محمد (ص) علی (ع) و در یک کلام

شهید حسین بن علی (ع) است بگذار بدانی راه من راه چیست تا بدانی این فرزند

پاک اسلام است که راه و راه الله، صراط مستقیم هدایت است.

(۲)

راه من شعار مقدس و همیشگی تمامی سلمانان یعنی «ولایت فقیه، ولایت، فقیه، رهبر، اسلامی» است. راه من راه خونین اسلام فقاهت و تشیع است من ولایت فقیهی را پذیرفته‌ام که تداوم ولایت الله - ولایت محمد (ص) و ولایت امیر (ع) بوده. اطیعوالله و اطیعوالرسول واولی الامر منکم

شهرت، با شهرت و تمایلی من کاری ندارم. تنها افتخارم این است که بتوانم یک سرباز اسلام در جبهه نبرد حق علیه باطل می‌جنگم. تنها افتخارم این است که بتوانم یک حزب‌الله و پیرو خط روح‌الله باشم. تحت فرمانده‌ی بی‌نظیر الله با یاری قدرت الله، با حمایت و پشتیبانی حزب‌الله با حزب‌الشیطان می‌جنگم. تنها افتخارم این است که حزب‌الله هستم و مقلد روح‌الله. تنها افتخارم این است که حزب‌الله هستم و بر حزب‌الشیطان پیروز باد. یاد حزب‌الله هم الملحق برادر خواهد بود که در راه هستی وجود ندارد ۱. حزب‌الله ۲. حزب‌الشیطان راه دیگری وجود ندارد. بنابراین حزب‌الله باید هستی خواهد خواهد بود. حزب‌الشیطان هستی. بنابراین راه خود را انتخاب کن. بطور یقین بدان تا شیطان وجود دارد

(۶)

حزب الشیطان هست و تا حزب الشیطان وجود دارد، حزب الله ی جنگد، ی میرد، سازش نمی پذیرد. حزب الله این اصل را از رهبرش محمد(ص)، علی(ع)، حسین(ع) و روح الله آموخته است.

برادر و خواهر حزب الله، بدان که زیباترین دوران زندگی انسان، دوران مبارزه و جهاد و ریختن خون جوانی است. مخصوص در زمان حاضر و تمام العدم در برابر تمام کفر جهان قرار دارد. زیباتر از این هم وجود دارد و آن کشته زمانی است که با بدن خونین و دل زخمی قرار گیرد و فرمانده اش بگوید الله اکبر امام پیروز. چه زیباست انسان با خالق و چهره دل بلند معشوق برود که معشوق آنرا دوست داشته باشد.

چه چهره ای زیباتر از چهره خونین و چه عملی بهتر از عمل خالصانه. چه زیباست مرگی که مشتی زندگی جاویدان باشد.

برادر و خواهر حزب الله، مرگ حق است و انتقال از دنیا گریبانگیر هر دنیا نشینی خواهد شد. انتقال از دنیا نادان و کینه توز به دنیای باخبر و بیدار - انتقال از دنیای کثافت به دنیای پاکی و صفا - مرگ من عاشقانه که آثار زندگی جاویدان باشد. برادر و خواهر ایثارگر، راه خود را با قدرت تمام ادامه دهید تا آنان که از دست دار اسلام برادر و خواهر ایثارگر داشته باشد.

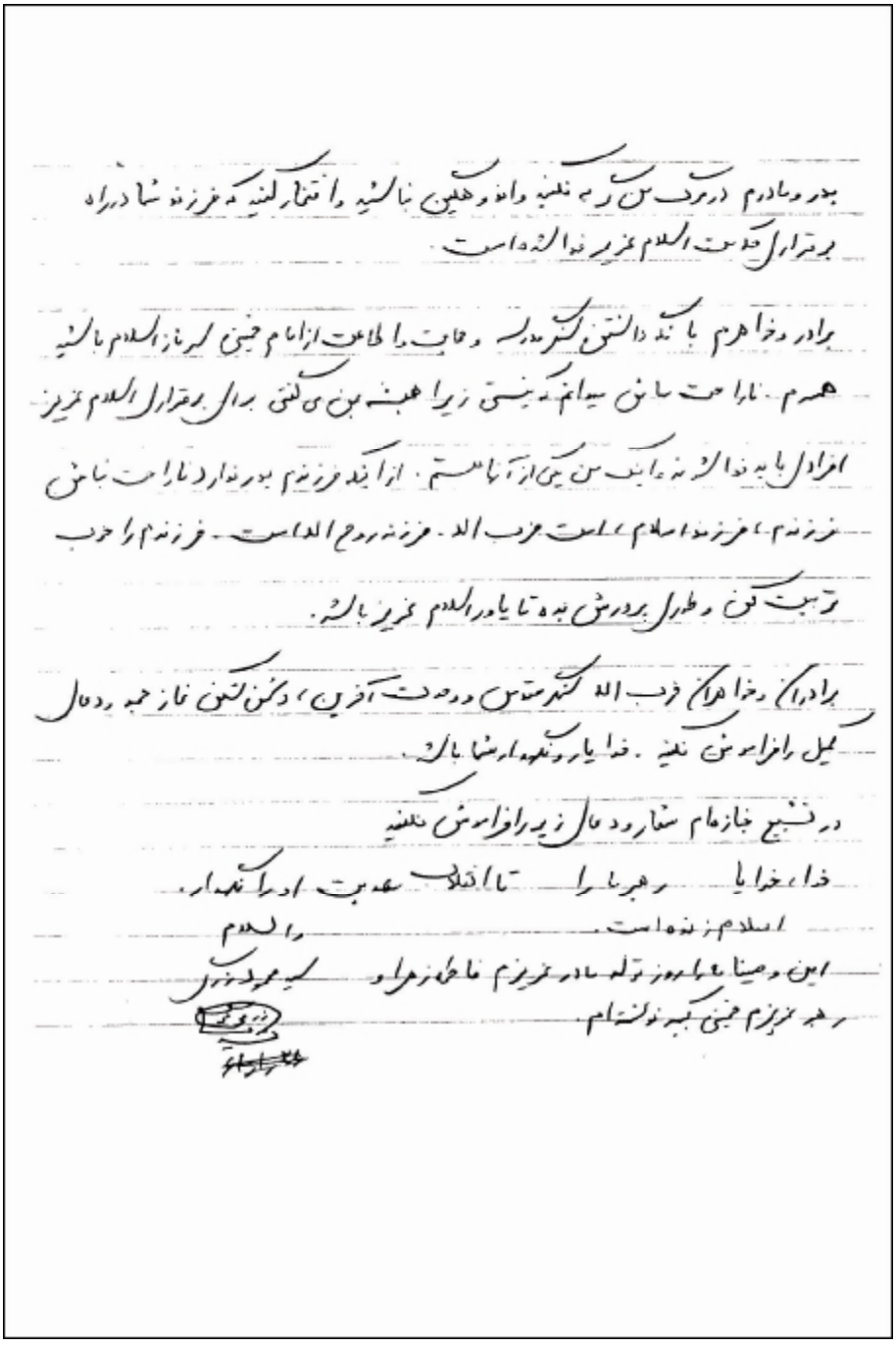
(۴)

خدایا کمکم کن تا با حال خود دشمن را آبیاری کنم تا محصول آن سرد، رفاقت و تبانی.
کمکم کن تا با حال خود دعوت انقلاب اسلامی را آبیاری کنم.

برادر و خواهر خود الله در هنگام ترک با یک سراح کنه و راحتی حال بدهم چرا که
می دانم راه را ادامه میدهید. پدرم با فریاد الله اکبر، خمینی رهبر، پدرم با توکل
مادرم با شعار مرگ بر شاه تا پیروزی، مادرم با پشتیبانی از رزمندگان و با مرهم جویی خود
مادرم با تربیت فرزندان خود.
برادرم با لحاظ افتاده ام، با لحاظ تعادل و ایمانی خود
خواهرم با حمایت و تلاش روزمره اوست ... هدایتها با عمل کرد کار رهبر و حال

امام خمینی کشورم را بپا و راهم را آگاهانه از امام است، ادامه خواهد داد.
برادر کوچکترین فرزند امت اسلام هستم و همه مردها، پدرم، مادرم، مادرم، برادرم
و خواهرم خواهرم هستند.

برادرم و خواهرم جاده زندگی، و جاده زندگی از خدا دادنی دهید که چشم روشنایی
عزیز این مستضعفان جامعه ما بوده شماست. با تکیه بر ولی دیدار گامهای انقلابی
اتحاد و هماهنگی ایجاد کنید که امام خمینی فرمود «پیروزی شما در گرو ایمان و وحدت شماست»
پیروزی در کامل دارد ۱- توحید کلمه (اتحاد) ۲- آینده توحید (ایمان - اسلام)





نام: **سیدعسگر**
نام خانوادگی: **زرگری**
نام پدر: **سیدعلی‌اکبر**
نام مادر: **فاطمه**
تاریخ تولد: **ششم تیر** 1343
محل تولد: **شهرستان سمنان**
تحصیلات: **پایان دورهٔ متوسطه**
ارگان اعزام‌کننده: **سپاه**
تاریخ شهادت: **پنجم مرداد** 1367
محل شهادت: **تنگه چهارزبر کرمانشاه**
نحوهٔ شهادت: **اصابت ترکش**
مزار: **گلزار شهدای امامزاده اشرف زادگاهش**

عبارت‌های کلیدی

- جنگ ما برای اعتلای دین خدا و برقراری حکومت اسلامی است.
- برای نیل به این هدف مقدس و رضای خداوند باریتعالی و به دستور ولایت فقیه برای انجام تکلیف، لباس رزم پوشیده‌ایم.
- عزیزانم قدر رهبری و مسئولین مملکتی را بدانید.
- گوش به فرمان ولایت فقیه باشید.
- از تفرقه بپرهیزید.

سیدعسگر زرگری

بسم‌الله الرحمن الرحیم

«وقاتلو هم حتی لاتکون فتنه»[1]

حمد و سپاس خداوند یکتا را که لیاقت حضور در جمع سربازان امام زمان(عج) را به این بندهٔ گنهکار عطا فرمود. سلام و صلوات بر حضرت محمد(**6**) خاتم پیغمبران و درود و سلام به محضر مقدس آقا امام زمان (عج) و نایب برحقش امام امت خمینی بت‌شکن و قائم مقام رهبری آیت‌الله منتظری[2] و امت شهیدپرور ایران خصوصاً خانواده‌های معظم شهدا، مفقودین، اسرا و رزمندگان اسلام و به امید پیروزی نهایی[3] لشکریان حق و برپایی[4] هر چه زودتر حکومت عدل الهی به دست حضرت مهدی(عج) و سلام خدمت شما برادران و خواهران حزب‌الله.

هرچند خود را لایق شهادت نمی‌بینم، ولی لطف خدا را بس عظیم می‌دانم و به رحمانیت حق تعالی امیدوارم. و بنا به وظیفه، چند جمله‌ای را به‌عنوان وصیت خدمت شما عزیزان عرض می‌کنم:

برادر و خواهر مسلمان، جنگ ما برای اعتلای دین خدا و برقراری حکومت اسلامی است و ما برای نیل به این هدف مقدس و رضای خداوند باریتعالی و به دستور ولایت فقیه برای انجام تکلیف لباس رزم پوشیده‌ایم و امیدواریم که شما عزیزان هم از این آزمایش الهی سربلند بیرون آیید[5] و در مقابل مشکلات ناشی از جنگ، صبر و استقامت داشته باشید. که «**ان الله یحب الصابرین**»[6] و بعد از این مشکلات و ناراحتی‌ها نیز بنا به گفته قرآن که «**ان مع العسر یسرا**»[7] (بعد از هر سختی راحتی است). بزودی با پیروزی رزمندگان اسلام و

1- بقره/ 193.
2- ر.ک. تعلیقات.
3- در اصل وصیت «نهائی».
4- در اصل وصیت «برپائی».
5- در اصل وصیت «آیید».
6- آل عمران/ 146.
7- انشراح/ 5.

نابودی فتنه با خوشی و راحتی زندگی پرثمری داشته باشید و افتخاری برای اسلام و مسلمین و مستضعفین جهان باشید و خداوند از ما راضی باشد و رهروان صدیقی برای سرور و سالار آزادگان امام حسین(7) و ائمه‌اطهار باشیم.

عزیزانم قدر رهبری و مسئولین مملکتی را بدانید و گوش به فرمان ولایت فقیه باشید. از تفرقه بپرهیزید و در مراسم مذهبی خصوصاً نماز جماعت و جمعه و دعاها شرکت فعال داشته باشید که هرچه داریم از این شعائر مقدس است. جبهه‌های جنگ را بنا به فرموده رهبر گرم نگه دارید که «مسئله اصلی امروز ما جنگ است».[1]

برادران بسیجی، «سنگرهای بسیج، این مدارس[2] عشق را پرنگه دارید» و همچون گذشته الگویی[3] برای آزادگان جهان باشید و برادران نوجوان نیز در کنار درس سنگر بسیج را از یاد مبرید و آینده‌ای درخشان برای ایران اسلامی ترسیم نمایند.[4]

پدر و مادر بزرگوارم هرگز نتوانستم قدردان زحمات بی‌دریغ شما باشم، از شما حلالیت می‌طلبم و از خداوند برای شما طلب اجر دارم و امیدوارم که در روز قیامت مورد شفاعت جد بزرگوارم قرار گیریم.

پدر جان از خودم در این دنیا چیزی ندارم و تمام برنامه‌ها و مسائل را به شما می‌سپارم ضمناً حدود 2 ماه روزه و نماز قضا[5] نیز به گردن من می‌باشد که امیدوارم ادا کنید. و شما برادران عزیزم سعی کنید که فرد صالح و مفیدی برای جامعه اسلامی و رهرو راه شهیدان باشید و از اینکه نتوانستم حق برادری را نسبت به شما آنطور که باید اداکنم امیدوارم که مرا ببخشید.

و شما خواهران مهربان شما نیز زینب‌گونه با صبر و استقامت پیام‌آور خون شهیدان باشید. از شما نیز طلب آمرزش می‌کنم و امیدوارم که فرزندان شایسته‌ای برای اسلام و انقلاب اسلامی تربیت کنید و مشت محکمی بر دهان منافقان[6] و یاوه‌گویان بزنید.

1- صحیفه امام، ج19، ص148.
2- در اصل وصیت «مداراس».
3- در اصل وصیت «الگوئی».
4- در اصل وصیت «نمایند».
5- در اصل وصیت «غذا».
6- ر.ک. تعلیقات.

در پایان از تمام برادران و خواهران حزب‌الله طلب مغفرت می‌کنم. به امید پیروزی نهایی[1] رزمندگان اسلام.

«والسلام»

التماس دعا، 65/10/19

مبلغ 900 ریال به پسرعمو سید علی مرتضی‌نژاد بدهکارم.

در راه حسین بخون تپیدن زیباست رنج و محن[2] و بلا کشیدن زیباست
در راه حرمخانه با صفای او از همه برای او بریدن زیباست

65/10/19

سیدعسگر زرگری

[وصیت‌نامه‌ای دیگر]

بسم الله الرحمن الرحیم

روزها فکر من این است و همه شب سخنم که چرا غافل از احوال دل خوشیتنم
[آخر] از کجا آمده‌ام آمدنم بهر چه بود به کجا می‌روم آخر ننمایی وطنم[3]

***

گر پیکر خویش تک‌تک آماج دهیم یا هستی خویش را به تاراج دهیم
در مکتب ما بهتر از آن است که ما تسلیم شده به دشمنان باج دهیم

در این مقطع زمانی که تمام ابرقدرت‌ها دست در دست داده و کمر به نابودی انقلابمان از طریق جنگ تحمیلی بسته‌اند[4]، به فرمان رهبرم امام امت خمینی بت‌شکن اسلحه به دوش می‌گیرم و برای مبارزه با جور و ظلم و تجاوز راهی شهر شهادت می‌شوم و می‌خواهم به این آیه از قرآن عمل کرده باشم که «**و قاتلوهم حتی لاتکون فتنة و یکون الدین لله**»[5] (بقره

1- در اصل وصیت «نهائی».
2- در اصل وصیت «محنت».
3- شعر از مولانا.
4- در اصل وصیت «گذارده‌اند».
5- بقره/ 193.

193). «در راه خدا بجنگید تا فتنه و فساد در زمین باقی نماند و همه جا دین خدا متجلی گردد».

بله من هم تا آخرین قطره خون خود در برابر دشمنان خدا و اسلام می‌ایستم، تا دین خدا در همه جای جهان حاکم شود و در این راه همان طور که رسول خدا فرمود «اشرف الموت قتل الشهادة»[1] شرافتمندترین مرگ‌ها شهادت است. من هم شهادت را پذیرا می‌شوم.

1- حضرت محمد(**6**) بحارالانوار، ج 67، ص 8.

(۱)

بسم الله الرحمن الرحیم.

* وقاتلوهم حتی لاتکون فتنة

حمد و سپاس خداوند یکتا را که لیاقت حضور در جمع سربازان امام زمان (عج) را به این بنده گنهکار عطا فرمود. سلام و صلوات بر حضرت محمد (ص) خاتم پیمبران و درود و سلام به محضر مقدس آقا امام زمان (عج) و نایب برحقش امام امت خمینی بت شکن و قائم مقام رهبری آیت الله العظمی منتظری و امت شهید پرور ایران خصوصاً خانواده‌های معظم شهداء مفقودین، اسراء و رزمندگان اسلام و به امید پیروزی نهائی لشکریان حق و برپائی هرچه زودتر حکومت عدل الهی به دست حضرت مهدی (عج). و سلام خدمت شما برادران و خواهران عزیز.

هرچند خود را لایق شهادت نمی بینم ولی لطف خدا این عظیم می‌دانم و به رحمانیت حق تعالی امیدوارم. و بنابر وظیفه‌ای که احساس می‌کنم این وصیت خدمت شما عزیزان عرض می‌کنم.

برادر و خواهر مسلمان، جنگ ما برای اعتلای دین خدا و برقرار حکومت اسلامی است و ما برای نیل به این هدف مقدس و رضای خداوند باریتعالی و به دستور ولایت فقیه برای انجام تکلیف الهی رزم برگزیده ایم و امیدواریم که شما عزیزان هم از این آزمایش الهی سربلند بیرون آئید و در مقابل مشکلات ناشی از جنگ صبر و استقامت داشته باشید که ان الله یحب الصابرین و بعد از این مشکلات و ناراحتی‌ها نیز بنا به گفته قرآن که ان مع العسر یسرا

(۲)

(سپاه هر سنقی راحتی است) ان بزودی با پیروزی رزمندگان اسلام و نابودی فتنه با خوشی و راحتی زندگی پر شرعی داشته باشید و افتخار برای اسلام و مسلمین و مستضعفین جهان باشید و خداوند از شما راضی باشد و هر وقت صدیقی برای سردوسالار آزادگان امام حسین (ع) و ائمه اطهار باشیم .

عزیزانم قدر رهبر و مسئولین مملکتی را بدانید و کوشش بفرمان ولایت فقیه باشید از تفرقه بپرهیزید و در مراسم مذهبی خصوصاً نماز جماعت و جمعه و دعاها شرکت فعال داشته باشید که هرچه داریم از این شعائر مقدس است . جبهه ها را جنگ را هیچ وقت فراموش نکنید و رهبر گرم تک دارید که مسئله امروز ما جنگ است .

برادران بسیجی سنگر را بسیجی باشید مدارس عشق را پر نگه دارید و چون گذشته الگوئی برای آزادگان جهان باشید و برادران نوجوان نیز در کنار درس سنگر بسیج را از یاد نبرید و آینده ای درخشان برای ایران اسلامی ترسیم نمائید .

پدر و مادر نیز گوارم هرگز نتوانستم قدردان زحمات بی دریغ شما باشم از شما طلبکارم و از خداوند برای شما طلب صبر و اجر دارم و امیدوارم که در روز قیامت مورد شفاعت جدّ بزرگوارم قرار گیرم . پدرجان از خودم در این دنیا چیزی ندارم و تمام دارائی ها و وسائل را به شما می سپارم ضمناً حدود ۲ ماه روزه و نماز غذا نیز به گردن من هست که امیدوارم ادا کنید .

و شما برادران عزیزم سعی کنید که فرد صالح و سنیدی برای جامعهٔ اسلامی باشید

(۴)

رهرو راه شهیدان باشد و از اینکه نتوانستم حق برادران را نسبت به شما آنطور که باید ادا کنم امیدوارم که مرا ببخشید.

و شما خواهران عزیزان شما نیز زینب گونه با صبر و استقامت پیام آور خون شهیدان باشید. از شما نیز طلب آمرزش می کنم و امیدوارم کمترزنان شایسته ایران اسلام و انقلاب اسلامی تربیت کنید و مشت محکمی بر دهان منافقان و یاوه گویان بزنید. در پایان از تمام برادران و خواهران مرتب از طلب مغفرت می کنم.

و امید پیروزی نهائی رزمندگان اسلام.

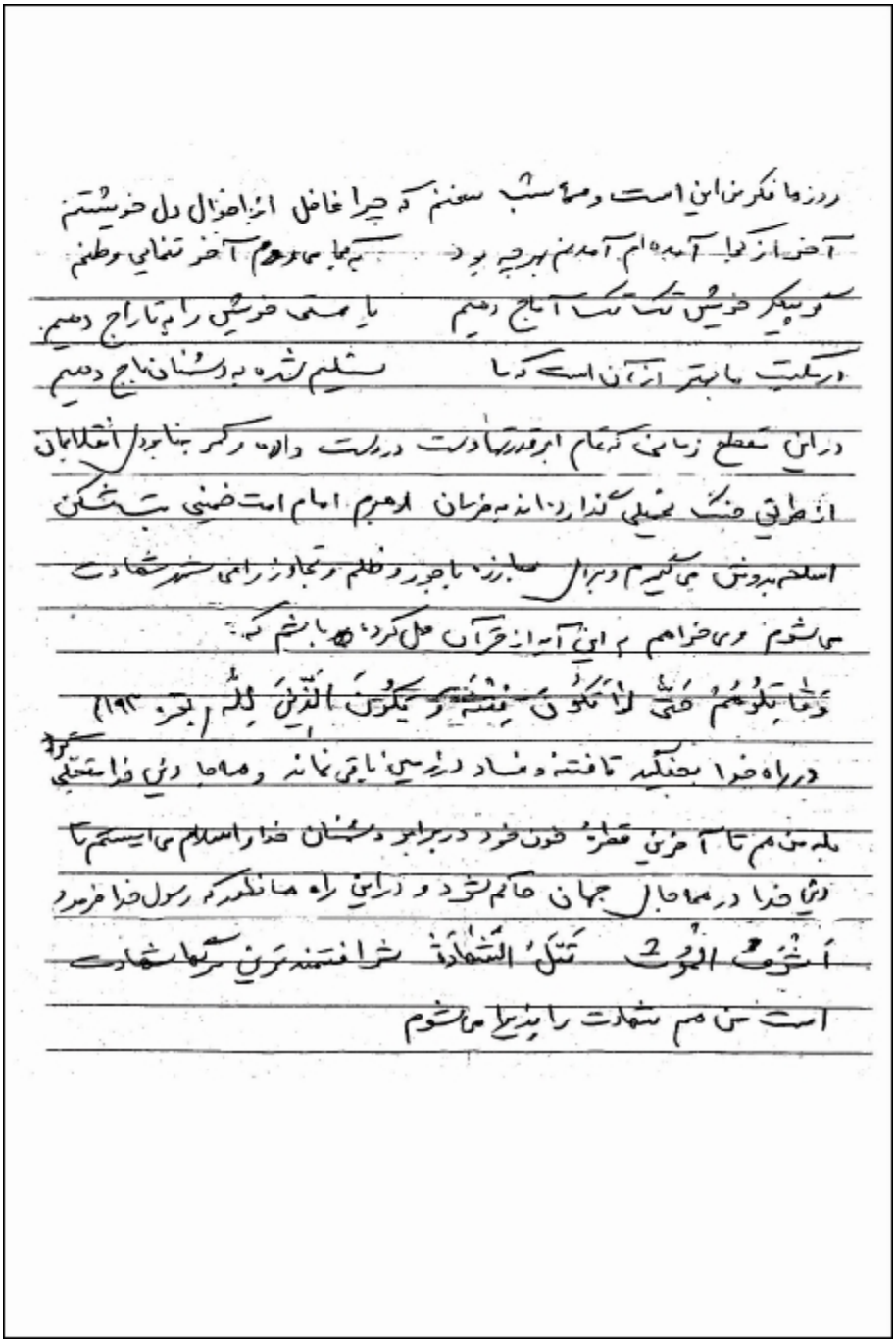
والسلام التماس دعا

مبلغ ۹۰۰ ریال به پسرعمو سید علی سرتقی نژاد بدهکارم.

در راه حق خون تپیدن زیباست
رنج و محنت و بلا کشیدن زیباست
در راه خدا خانه و اموال
از همه برای او بریدن زیباست

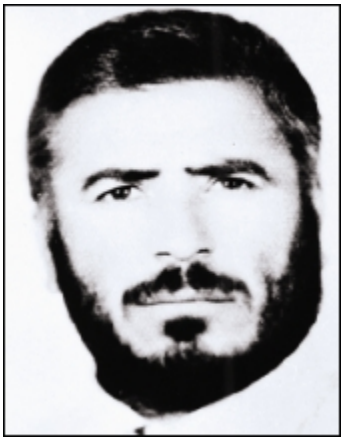
۱۹/۱۰/۶۵

سید



روزها فکر من این است و شبها سخنم که چرا غافل از احوال دل خویشتنم
آخر از بهر تو آسوده ام آمدم بهر چه بود پس چرا غافل از احوال دل خویشتنم
تو بیکر خویش تک تک آماج دهیم با صدق خویش را بتاراج دهیم
در کلیت ما بهتر از آن است که ما تسلیم شده به دشمنان باج دهیم

در این مقطع زمانی که تمام ابرقدرتها در ذلت و خواری و در کنار بنابود اغتشاشات
از طرق جنگ نیابتی گذاردند به فرمان امام امت ضمن تبریک
اسلحه بدوش می گیریم و در حال مبارزه با جور و ظلم و تجاوز را می شهادت
می شوم و می خواهم با این آیه از قرآن عمل کرده باشم که:
وَمَا لَهُمْ أَلَّا يُعَذِّبَهُمُ اللَّهُ وَهُمْ يَصُدُّونَ عَنِ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ (انفال ۳۴)
در راه خدا بجنگید تا فتنه و فساد در زمین باقی نماند و ما با دین خدا مستقلی
بله من هم تا آخرین قطره خون خود در برابر دشمنان خدا و اسلام می ایستم تا
دین خدا در سراسر جهان حاکم شود و در این راه ما نگذرم که رسول خدا فرمود
أَشْرَفُ الْمَوْتِ قَتْلُ الشَّهَادَةِ شرافتمندترین مرگها شهادت
است من هم شهادت را برای می شوم



نام: **درویشعلی**
نام خانوادگی: **زمانی**
نام پدر: **قنبر**
نام مادر: **صاحب‌جان**
تاریخ تولد: **هفتم فروردین** 1323
محل تولد: **روستای قلعه‌نو از توابع شهرستان شاهرود**
تحصیلات: **پایان دورهٔ ابتدایی**
ارگان اعزام‌کننده: **بسیج**
تاریخ شهادت: **بیست‌ویکم بهمن** 1364
محل شهادت: **فاو عراق**
نحوهٔ شهادت: -
مزار: **گلزار شهدای زادگاهش**

عبارت‌های کلیدی

- سپاس و ستایش آن خدایی را که نعمت عظمای رهبریت پیامبرگونه را بر ما ارزانی داشت.
- جهاد در راه اسلام و قرآن به اذن حکم ولایت فقیه، همانا تداوم سنت رسول‌الله صلی الله علیه و آله می‌باشد.
- سعادت و خوشبختی دنیایی و اخروی شما در گرو همین اطاعت بی‌چون و چرا از اوامر و دستورات ولایت فقیه می‌باشد.
- یا مولا یا ابا عبدالله الحسین(**7**) این حقیر به عشق تو و به عشق زیارت کربلایت لحظه‌شماری می‌نمایم.
- فتح به حول و قوه الهی نزدیک است.
- صبح ظفر در شفق خونین دمیدن خواهد گرفت.
- انشاءالله تعالی با طاغوت‌زدایی در سطح جهان، زمینه برای ظهور مهدی موعود(عج) آماده خواهد شد.
- از امام عزیز به‌عنوان تنها رهبر و مرجع بدون چون و چرا اطاعت کنید.

درویشعلی زمانی

بسم‌الله الرحمن الرحیم

«ولا تقولوا لمن یقتل فی سبیل‌الله اموات بل احیاء و لکن[1] **لاتشعرون»**[2]

سپاس و حمد خدایی را که[3] بر بشر منت نهاده و نعمات بیش از حدی را بر او ارزانی داشته است و انسان را به‌سوی کمال مطلوب یعنی سعادت و خوشبختی و نیک‌خلقی رهنمون کرده است و به لحاظ اهمیت در وجود و هستی او ایشان را خلیفه خود در زمین قرار داد. و او را وارث زمین و محیط بر آن قرارش داد «**و نرید ان نمنّ علی الذین استضعفوا**[4] **فی الارض و نجعلهم ائمة و نجعلهم الوارثین**»[5] سپاس و ستایش خدایی را که[6] ذکر و یاد او آرامبخش روح و قلب و دل انسان است و با یاد او دل‌ها اطمینان می‌یابد «**الا بذکر الله تطمئن القلوب**»[7] سپاس و ستایش آن خدایی را[8] که نعمت عظمای[9] رهبریت پیامبرگونه را بر ما ارزانی داشت و ما را که سالیان سال در قهقهرا[ی] ظلمت و جهل، فساد و تباهی بودیم [را] به‌سوی نور و روشنایی[10] و کمال هدایت کرد. و الآن که به برکت وجودِ با عظمت و دشمن‌شکن و طاغوت براندازش، موفق به شرکت در جهاد در راه اسلام و قرآن به اذن حکم ولایت فقیه- که همانا تداوم سنت رسول‌الله صلی الله علیه و آله می‌باشد- شده‌ام.

1- در اصل وصیت «لاکن».
2- بقره/ 154.
3- در اصل وصیت «خدائیراکه».
4- در اصل وصیت «استضعفو».
5- قصص/ 5.
6- در اصل وصیت «خدائیراکه».
7- رعد/ 28.
8- در اصل وصیت «خدائیر را».
9- در اصل وصیت «عظمی».
10- در اصل وصیت «روشنائی».

خدا را در این موهبت الهی شکر و سپاس مخصوص می‌نمایم. امیدوارم شما عزیزان شما برادران و خواهران و سروران گرامی[1] پیام‌های این پیر خروشان [در][2] صحنه ظهور یافته اسلام را، به گوش دل با بصیرت عمیق شنوا باشید و عمل کنید که سعادت و خوشبختی دنیایی و اخروی شما در گرو همین اطاعت بی‌چون [و][3] چرا از اوامر و دستورات ولایت فقیه می‌باشد.

سخن را بیش از این به درازا نکشانیم و مزاحمت بیش از حد برای شما مستمعین[4] بسیار محترم، نیافرینم. در اینجا چند کلامی را به‌عنوان وصایای حقیرانه این بنده گنهکار و رو سیاه بشنوید و برایم برای آمرزش گناهانم اشک بریزید و از درگاه باریتعالی طلب مغفرت و آمرزش بنمایید.[5] انشاءالله امیدوارم تمامی کسانی که این وصیت بسیار ناچیز مرا می‌شنوند و می‌دانم که به آنها حتماً حتماً بدی بی‌ادبی و بی‌احترامی نموده‌ام، اولین قدمی که می‌خواهند برای من بردارند، این است که مرا حتماً حلال کنند، من خیلی دلم مضطرب و خاطرم ناآرام است، از آنکه خدای ناکرده به کسی بدی کرده باشیم که او از حق خودش برای آمرزش گناهانم نگذرد.

یا مولا یا اباعبدالله الحسین(**7**) این حقیر به عشق تو و به عشق زیارت کربلایت لحظه‌شماری می‌نمایم و آرزو دارم در کنار قبر شش‌گوشه‌ات به دور[6] از وجود کثیف و پلید خفاشان و خون‌آشامان شب پره به عشق ولای تو نوحه‌خوانی و سینه‌زنی و روضه خوانی نماییم[7] و این وعده بسیار بعید نیست و فتح به حول و قوه الهی نزدیک است و صبح ظفر در شفق خونین دمیدن خواهد گرفت و ظلمت و جور و ستم ظالمان طاغیان و سرکشان در هم پیچیده خواهد شد، و انشاءالله تعالی با طاغوت‌زدایی در سطح جهان زمینه برای ظهور مهدی موعود(عج) آماده خواهد شد. و ما از خدا مسئلت می‌نماییم[8] که

1- در اصل وصیت «کرامی».
2- در اصل وصیت «ظهور یافته».
3- در اصل وصیت «چون چرا».
4- در اصل وصیت «مستعمین».
5- در اصل وصیت «بنمائید».
6- در اصل وصیت «بدور».
7- در اصل وصیت «نمائیم».
8- در اصل وصیت «مینمائیم».

آماده‌سازی جهان برای ظهور آقا و مولایمان مهدی صاحب‌الزمان(عج) به دست پرتوان سربازان از خود گذشته آن آقا که در جبهه‌های نور علیه ظلمت و جبهه‌های خون و شهادت از تمام هستی خویش برای رضای خدا می‌گذرند قرار دهد.

آری ای عزیزان ای خانواده عزیزم، اگر چه نتوانستم حق شما را بجا آورم و آنچه را که شایسته یک خانواده بسیار عزیز و در شأن شما می‌بایست [باشد][1] را به نحو احسن انجام بدهم موفق نشدم انشاءالله مرا می‌بخشید و برای آنکه این موضوع[2] (بخشش) را عملاً بجا آورید. در وقت‌های شریفتان آن اوقاتی که خداوند سبحان به شما توجه دارد مخصوصاً در طولانی بودن نمازهای یومیه و دعاهای کمیل و توسل به ائمه اطهار، طلب غفران ذنوب ما را بنمایید.[3]

ای عزیزان بکوشید برای اسلام عزیز نیروهایی مفید بوده و کابین زندگی حیات دنیای فانی را عطرآگین کرده و با عنایات حق‌تعالی فرزندانی برومند پیرو مکتب سرخ و خونین امام حسین(7) عاشق و دلباخته خدا موثر برای جامعه مسلمین و مستضعفین تربیت کنید، تا انشاءالله تعالی اسلحه‌های به زمین افتاده شهدای جانبازمان را بر دوش کشیده و با اقتدا، به حسین ابن علی(7) و پیروی از رهبریت پیامبرگونه امام امت، روح الله الموسوی الخمینی راه سرخ و خونین عاشورا را تداوم بخشند و یزیدیان تاریخ را به زباله‌دان تاریخ رهسپار بنمایند.

و اما کلامی با شما عزیزان امت غیور و شهیدپرور که با کمک‌های طاقت‌فرسای خود به جبهه‌ها ما را شرمنده و شرمگین ساختید، لحظاتی که در خیمه‌های عارفانه جبهه کنار دیگر عزیزان و رزمندگان بودیم شاهد کمک‌هایتان بودیم که هر وقت سیل خروشان استعانت شما را می‌دیدیم، به این فکر بودیم که آیا زمانی خواهد رسید که ما به پاس کمک‌های شما قدردانی لازم و ستوده مقام با فضیلت شما را، بجا آوریم یا نه ولی هرچه فکر کردیم دیدیم، جز ایثار و فداکاری نمی‌شود حقوق ظاهری را ادا نماییم.[4] و قسمت اعظم اجر و

1- در اصل وصیت «می‌بایست را».
2- در اصل وصیت «اینموضوع».
3- در اصل وصیت «بنمائید».
4- در اصل وصیت «نمائیم».

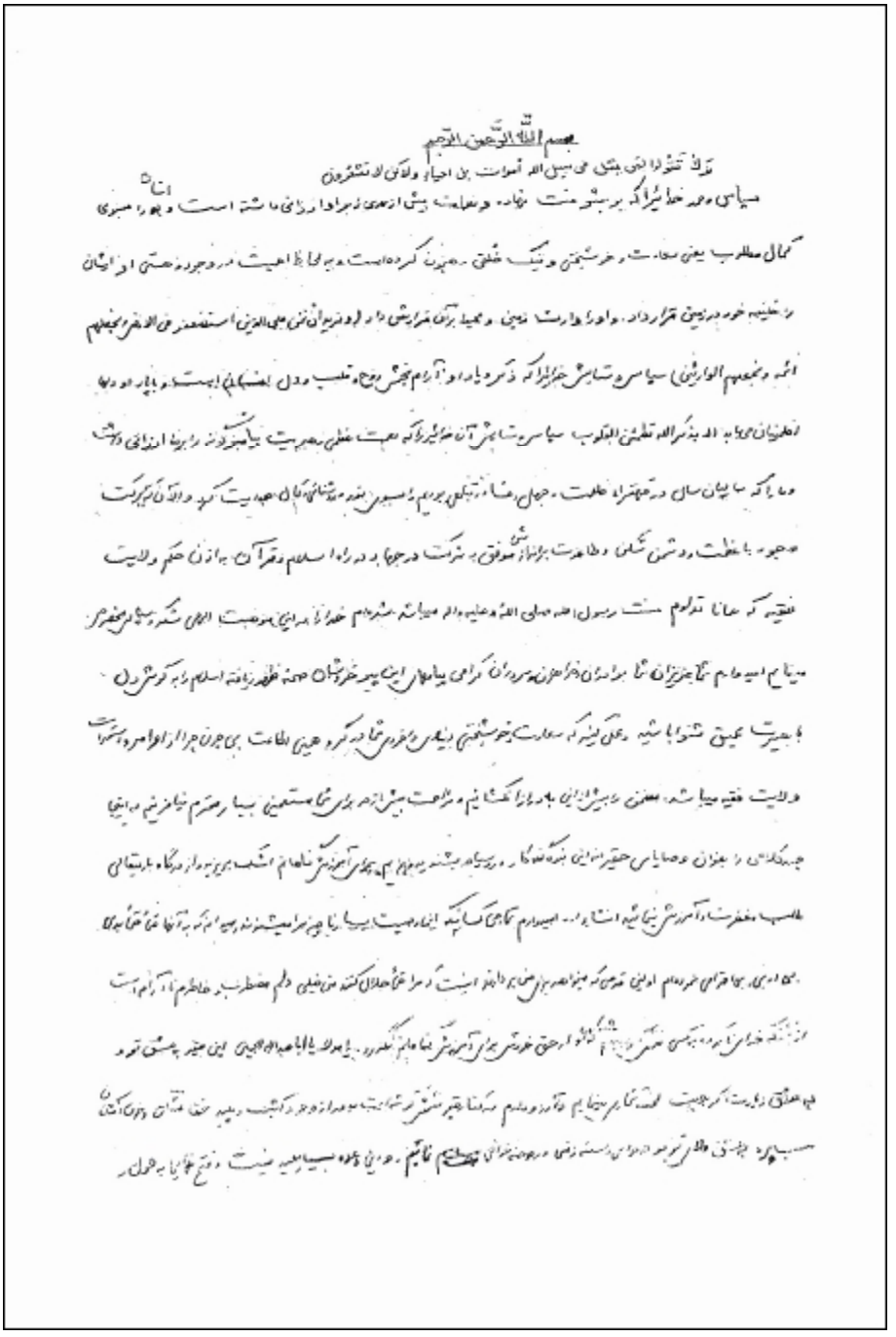
ثواب شما عزیزان نزد خدای تعالی محفوظ خواهد بود و انشاءالله[1] پیامبر گرامی اسلام در قیامت به شما عوض خواهد داد.

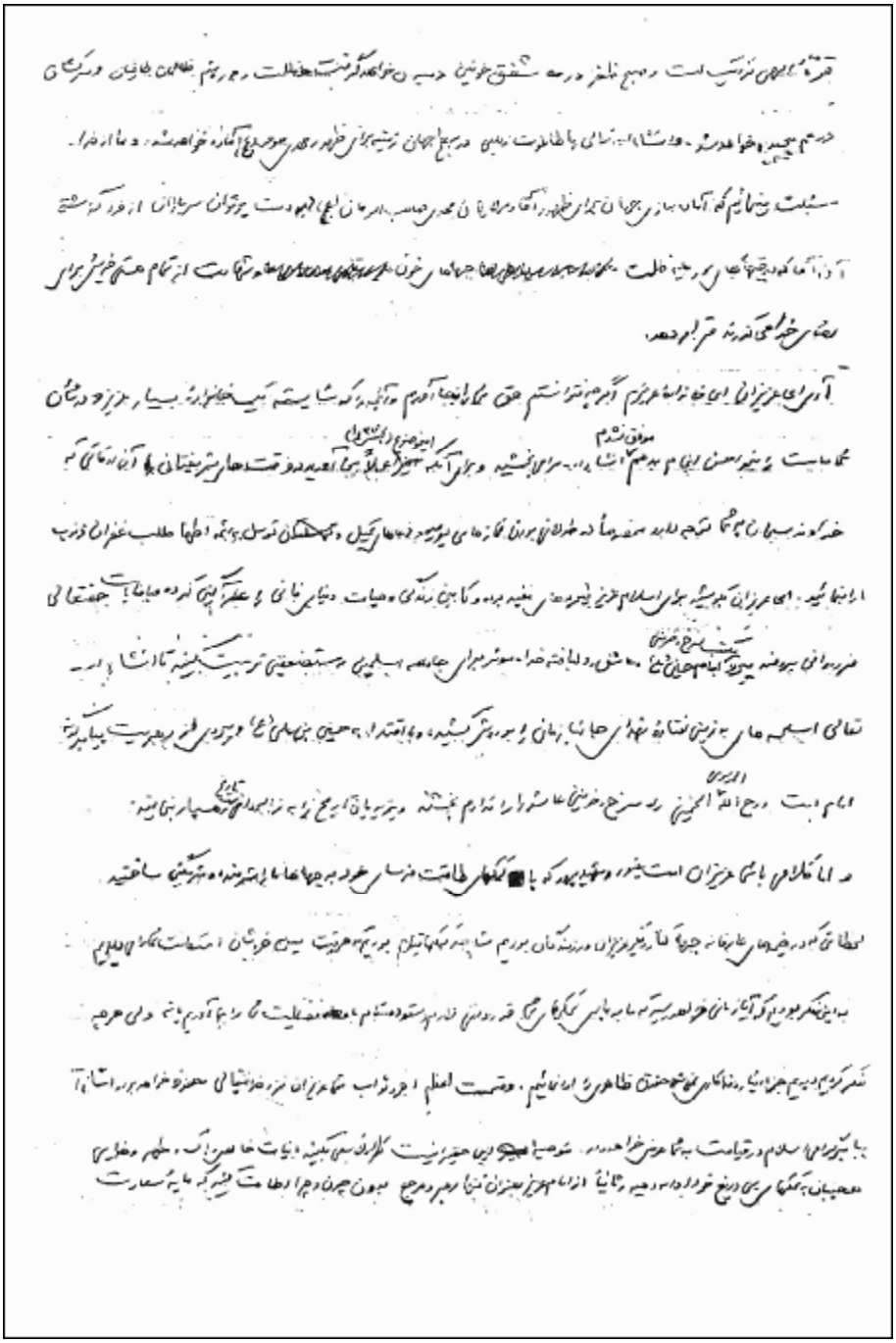
توصیه این حقیر این است که اولاً سعی بکنید با نیات خالص و پاک و مطهر و خدایی همچنان به کمک‌های بی‌دریغ خود ادامه دهید و ثانیاً از امام عزیز به‌عنوان تنها رهبر و مرجع بدون چون و چرا اطاعت کنید که مایهٔ سعادت و خوشبختی دنیا و آخرت شما خواهد بود سعی کنید از امام روگردان نشوید همچون یاران با وفای حسین بن علی(**7**) که تا آخرین قطرات خون گرمشان بر دشت گرم و سوزان کربلا به خون غلتیدند، ولی یک لحظه از امام بزرگوارشان جدا نشده و حتی فرزندان برومندشان نیز طفلان معصوم و بی‌گناه آنها چون علی‌اصغر[2] شیرخوار امام حسین(**7**) به خون خویش غلتیده و تحت فرماندهی آقا عبدالله نثار جان و هستی خویش کردند و به عهد و پیمان خود ثابت و استوار ماندند، شما هم به امام عزیز تا آخرین دقایق عمرتان وفادار بمانید. که می‌مانید و نگذارید امام تنها بماند که نگذاشتید و نمی‌گذارید. و در ضمن از محضر همه اخوی‌ها و همشیره گرامم که هر کدام به نحوی[3] برگردن من حق دارند و من نتوانستم حقوق آنها را ادا کنم انشاءالله مرا ببخشند و مرا حلال می‌نمایند.

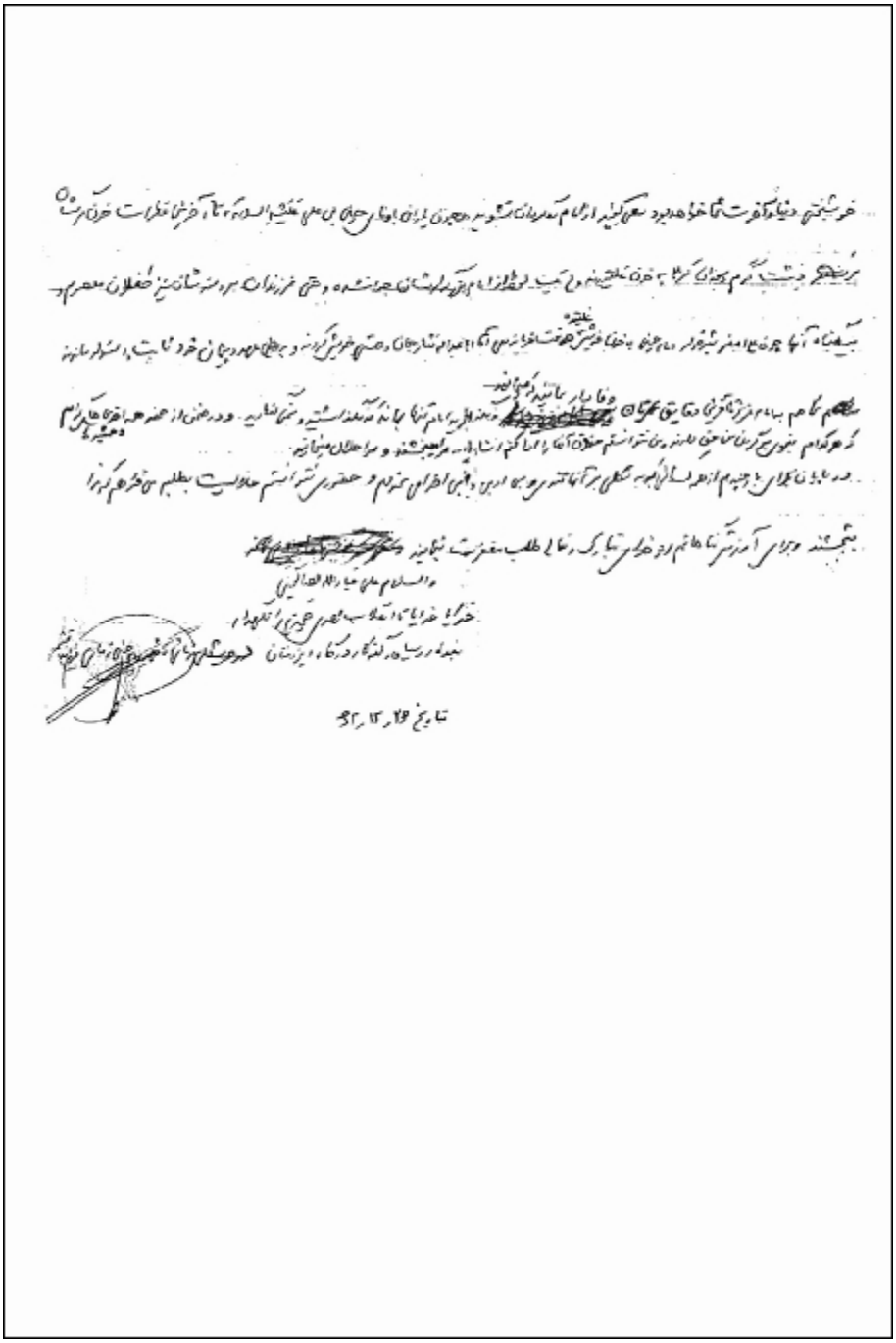
در پایان برای بار چندم از همه کسانی که به شکلی بر آنها تندی و بی‌ادبی و بی‌احترامی نمودم و حضوری نتوانستم حلالیت بطلبم می‌خواهم که مرا ببخشند و برای آمرزش گناهانم از خدای تبارک و تعالی طلب مغفرت بنمایند.

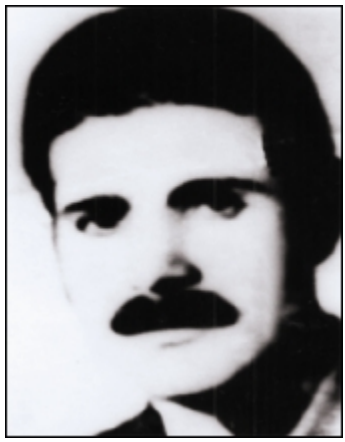
«والسلام علی عبادالله الصالحین»
خدایا خدایا تا انقلاب مهدی خمینی را نگه‌دار
بنده روسیاه گنهکار درگاه ایزدمنان
درویش‌علی زمانی
به‌تاریخ 62/12/26

1- در اصل وصیت «انشا...».
2- ر.ک. تعلیقات.
3- در اصل وصیت «بنحوی».









نام: **سعید**
نام خانوادگی: **زمانی**
نام پدر: **حسین**
نام مادر: **محترم**
تاریخ تولد: **بیست‌ویکم مرداد** 1346
محل تولد: **شهرستان گرمسار**
تحصیلات: **دوم راهنمایی**
ارگان اعزام‌کننده: **بسیج**
تاریخ شهادت: **یازدهم خرداد** 1362
محل شهادت: **بانه**
نحوهٔ شهادت: **اصابت ترکش**
مزار: **گلزار شهدای زادگاهش**

عبارت‌های کلیدی

- امام را دعا کنید.
- رزمندگان را دعا کنید.
- بروید به نماز جماعت.
- بروید مردم را به مسجد دعوت کنید.
- با خون این شهدا باید درخت اسلام را آبیاری کنیم.

سعید زمانی

بسم‌الله الرحمن الرحیم

به‌نام الله پاسدار حرمت خون شهیدان

با درود فراوان به رهبر کبیر انقلاب اسلامی ایران امام خمینی و همچنین سلام به روح پاک شهیدان از کربلای حسین تاکربلای ایران.

پدر و مادر عزیزم برای من گریه نکنید امام را دعا کنید رزمندگان را دعا کنید بروید به نماز جماعت، بروید تشییع جنازه شهدا، بروید تظاهرات، بروید مردم را به مسجد دعوت کنید. ای مردم ایران ما با خون این شهدا باید درخت اسلام را آبیاری کنیم و نگذاریم این ضد انقلاب خونخوار ضربه‌ای به اسلام بزند.

این بود وصیت‌نامه من

بسم الله الرحمن الرحیم

وصیتنامهٔ شهید سعید زمانی

بنام الله پاسدار حرمت خون شهیدان

با درود فراوان به رهبر کبیر انقلاب اسلامی ایران امام خمینی و جمجنین سلام بروح پاک شهیدان ارکربلای حسین تا کربلای ایران.

پدر و مادر عزیزم برای من گریه نکنید امام را دعا کنید رزمندگان را دعا کنید بروید به نماز جماعت، بروید تشییع جنازهٔ شهدا بروید تظاهرات، بروید مردم را به مسجد دعوت کنید ای مردم ایران ما با خون این شهدا باید درخت اسلام را آبیاری کنیم و نگذاریم این ضد انقلاب خونخوار ضربه‌ای به اسلام بزنند.

این بود وصیت نامهٔ من



نام: **محمدرضا**
نام خانوادگی: **زمانی**
نام پدر: **حسین**
نام مادر: **صدیقه**
تاریخ تولد: **یکم دی** 1342
محل تولد: **شهرستان شاهرود**
تحصیلات: **پایان دورهٔ ابتدایی**
ارگان اعزام‌کننده: **بسیج**
تاریخ شهادت: **بیست‌ویکم اسفند** 1363
محل شهادت: **جزیرهٔ مجنون**
نحوهٔ شهادت: **اصابت ترکش**
مزار: **گلزار شهدای زادگاهش**

عبارت‌های کلیدی

- اینجانب بنابر وظیفه شرعی و جهت لبیک گفتن به ندای حسین زمان عازم جبهه شدم.
- روزی می‌میریم چه بهتر از این که مرگمان در راه خدا باشد.
- تازه شهدا هم نزد خدا درجاتی دارند.
- همیشه در راه حق قدم بردارید.
- دست از یاری امام برندارید.
- به رزمندگان کمک کنید وضع مالی [بد] نبود می‌توانید از راه تشویق و دعا برای آنها تقویتشان کنید.

محمدرضا زمانی

بسم‌الله الرحمن الرحیم

«یا ایها الذین آمنوا خذوا حذرکم فانفروا ثبات او انفروا جمیعاً».[1]

با سلام و درود بر مهدی موعود و نایب برحقش امام امت خمینی عزیز و با سلام بر تمامی شهدای اسلام از صدر اسلام تا کنون و با آرزوی پیروزی رزمندگان کفر ستیز سنگرهای نبرد حق علیه باطل چند کلمه‌ای را به‌عنوان وصیت می‌نویسم. امیدوارم هرکس این مطالب را خواند برایش مفید فایده باشد.

اینجانب بنابر وظیفه شرعی و جهت لبیک گفتن به ندای حسین زمان عازم جبهه شدم تا بلکه به تکلیفم[2] عمل کرده باشم. از خانواده عزیزم می‌خواهم که اگر در این راه خدا خواست و شهادت نصیبم شد، هرگز ناراحت نباشند و افتخار کنند چون ما که همه یک روزی می‌میریم چه بهتر از این که مرگمان در راه خدا باشد این را هم بدانید هر کس افتخار شهادت نصیبش نمی‌شود، تازه شهدا هم نزد خدا درجاتی دارند و انشاءالله که خدا به درجات آنها بیفزاید[3] از امت حزب‌الله [هم] می‌خواهم همیشه در راه حق قدم بردارید و دست از یاری امام برندارید.

برادرها و خواهر و شوهر خواهر عزیزم و همچنین دوستان آشنایان و فامیل دور و نزدیک اگر از ما بدی دیدید، ببخشید و از همه شما حلالیت می‌طلبم. و اما وصیتم این است که پدرم وصی من می‌باشد و خودش مقدار نماز و روزه‌هایی را که نخواندم و همچنین بدهکاری را خبر دارد اگر در وسعش بود برایم بجا آورد مقداری هم پس‌انداز دارم که آن هم هر [چند] اندازه شد بعد از اینکه خمسش را دادند به هر[4] راهی که صلاح می‌داند[5] خرج کند.[6] پدر و مادر عزیزم بار دیگر برای آخرین بار از شما که زحمتهای

1- نساء/ 71.

2- در اصل وصیت «بتکلیفم».

3- در اصل وصیت «بیافزاید».

4- در اصل وصیت «بهر».

5- در اصل وصیت «می‌دانی».

6- در اصل وصیت «کن».

زیادی برایم کشیده‌اید و احتمالاً از من اذیتی دیده‌اید [می‌خواهم][1] مرا ببخشید و برایم دعا کنید. این را[2] هم در نظر داشته باشید هر چقدر شما استوارتر و صابرتر باشید مطمئن باشید، روح من راحت‌تر است، سعی کنید به[3] رزمندگان کمک کنید حال، مالی نبود می‌توانید از راه تشویق و دعا برای آنها تقویتشان کنید. با امید پیروزی اسلام بر کفر جهانی.

«والسلام»

محمدرضا زمانی

63/12/13

1- در اصل وصیت «دیده‌اید مرا».

2- در اصل وصیت «راه».

3- در اصل وصیت «برای».

شما پیروزید برای اینکه خدا با شماست .

بقلم

بسم الله الرحمن الرحیم

یا ایها الذین آمنوا اذا لقیتم فئة فاثبتوا واذکروا الله کثیرا لعلکم تفلحون

با سلام و درود بر مهدی موعود و نایب برحقش امام امت خمینی عزیز و با سلام بر تمامی شهدای اسلام از صدر اسلام تا کنون و با آرزوی پیروزی رزمندگان کفرستیز سنگرهای نبرد حق علیه باطل چند کلمه‌ای را بعنوان وصیت می‌نویسم امیدوارم که عزیزان این مطالب را فقط برای من مفید ندانند بنابراین با توجه به وظیفه شرعی و بحمدالله با توجه به توان بدنی زیاد لازم دیدم تا بتک بتک شما عزیزان عمل کرده باشم از خانواده معزز می‌خواهم که گله و شکایت را از خدا بدانند و شهادت نصیب هر کدام شد ناراحت نباشند و افتخار کنند چون ما که هر روز می‌میریم چه بهتر از این که مرگمان در راه خدا باشد و این راهم بدانید هر کس افتخار شهادت نصیبش می‌شود تا روز قیامت در جوار خدا در بهشت جاودانه با انبیاء و اولیاء خواهد بود و شما هم اگر در راه خدا باشید و بمیرید یا کشته شوید فرقی نمی‌کند حزب الله هم می‌خواهم همیشه در راه حق قدم بردارید و دست از ولایت فقیه امام بر ندارید و برادر و خواهر و شوهر خواهر عزیز و همچنین دوستان آشنایان و فامیل دور و نزدیک اگر از ما بدی دیدید ببخشید و از خدا طلب مغفرت کنید و اما وصیتم این است که پدر و مادر من با کار و فعالیت مداوم تا روزی که توانایی و عضلاتشان یاری کرد از روستا بود برایم با آوردن مداوم هم پس انداز دارم که آن هم مبلغ چندانی نیست بعد از اینکه خمسش را دادند بهر راهی که صلاح می‌دانی خرج کن بدون هیچ گونه دخالتی از من ندیدی دیدی ببخشید و برایم دعا کنید این را هم در نظر داشته باشید هر چقدر شما استوارتر و صابرتر باشید بر دشمن مسلط می‌شوید و راحت‌تر است سعی کنید برای رزمندگان اسلام کاری انجام دهید و از هیچ کوششی دریغ نورزید و دعا برای آنها تا توفیقتان کند با امید پیروزی اسلام بر کفر جهانی والسلام علیکم و رحمة الله

۶۶/۱۲/۱۸

هدیه نهضت سوادآموزی قسم به رزمندگان پیروز اسلام (بمناسبت هفته نهضت)



نام: **غلامحسین**
نام خانوادگی: **زمانی‌پور**
نام پدر: **علی‌اکبر**
نام مادر: **نرجس‌خانم**
تاریخ تولد: **پنجم بهمن** 1345
محل تولد: **شهرستان سمنان**
تحصیلات: **اول متوسطه**
ارگان اعزام‌کننده: **بسیج**
تاریخ شهادت: **هفتم فروردین** 1362
محل شهادت: **پاسگاه زید عراق**
نحوهٔ شهادت: **اصابت ترکش**
مزار: **گلزار شهدای زادگاهش**

عبارت‌های کلیدی

- مردم باید بدانند که من این راه را خودم انتخاب کردم.
- هیچ‌کس مرا مجبور نکرده است و نه به‌خاطر چیزی به جبهه رفته‌ام، فقط برای رضای خدا.
- از مردم حزب‌الله می‌خواهم که امام امت را تنها نگذارید و به حرف‌های او گوش کنید و قدر او را بدانید.
- الآن تمام دنیا آرزوی داشتن رهبری چون امام را دارند.
- سعی کنید دعا زیاد بخوانید.
- برای سلامتی امام از ته دل دعا کنید.

غلامحسین زمانی‌پور

بسم‌الله الرحمن الرحیم

«و لاتحسبن الذین قتلوا فی سبیل الله امواتاً بل احیاء عند ربهم یرزقون»[1]

«مپندارید کسانی که در راه خدا کشته شده‌اند مرده‌اند بلکه زنده‌اند و در نزد خدایشان روزی می‌خورند».

باسلام به محضر مقدس حضرت بقیة الله الاعظم[2] امام زمان(عج) و با درود به رهبر کبیر انقلاب اسلامی ایران امام خمینی، و با سلام به تمامی شهیدان همیشه شاهد و با درود و سلام به تمامی رزمندگان پرتوان اسلام، وصیت‌نامه خود را آغاز می‌کنم.

همانطور که حضرت علی(**7**) فرموده‌اند: «جهاد، دری است از درهای بهشت که [خداوند] فقط بر روی بندگان خاص خویش باز می‌کند.»[3] الآن که این توفیق دوباره نصیب[4] من شده است، امیدوارم که به آرزویم برسم، اما اگر خدا لیاقت شهادت را به من داد و شهید شدم مردم باید بدانند که من این راه را خودم انتخاب کردم و هیچکس مرا مجبور نکرده است.

من این را به کسانی می‌گویم که پس از شهادت برادران شهید می‌گویند: فلان کس او را مجبور کرده بود و یا به‌خاطر فلان چیز به جبهه رفته و شهید شده است، باید بگویم که هیچکس مرا مجبور نکرده است و نه به‌خاطر چیزی به جبهه رفته‌ام، فقط برای رضای خدا. باید بگویم که: شمایی که[5] نه خودتان به جبهه می‌روید و نه فرزندانتان را به جبهه می‌فرستید دیگر با حرف‌های خودتان به پدر و مادر کسانی که فرزندانشان در جبهه هستند خنجر نزنید و دلشان را سرد نکنید.

1- آل عمران/ 169.

2- در اصل وصیت «العظم».

3- عبارت شهید ترجمه اولین عبارت از خطبه 27 نهج‌البلاغه است: «فان الجهاد باب من ابواب الجنة فتحه الله لخاصة اولیاءبه».

4- در اصل وصیت «نسیب».

5- در اصل وصیت «شمائیکه».

از مردم حزب‌الله می‌خواهم که امام امت را تنها نگذارید و به حرف‌های او گوش کنید و قدر او را بدانید. اگر الآن قدر او را ندانید فردایی که انشاءالله نمی‌آید دیگر رهبری چون او نمی‌توانید پیدا کنید. الآن تمام دنیا آرزوی داشتن رهبری چون او را دارند. سعی کنید دعا زیاد بخوانید و برای سلامتی امام از ته دل دعا کنید. و اما وصیت به پدر و مادر عزیزم: پدر و مادر عزیزم از اینکه در دنیا فرزند خوبی برای شما نبودم باید خیلی خیلی ببخشید، امیدوارم جبران زحمات شما را در دنیای باقی (آخرت) بتوانم بکنم. امیدوارم که وقتی خبر شهادت مرا شنیدید بر احساسات پدرانه و مادرانه خود غالب شوید[1] و هیچ ناراحتی نداشته باشید. [...][2] خداوند بزرگ. امیدوارم که هر وقت که به یاد من افتادید [و خواستید گریه] [3] کنید بر امام حسین(**7**) و اصحاب ایشان گریه کنید نکند [...] گریه کنید و روح مرا عذاب دهید و منافقان[4] را شاد کنید. [...] که روح من شاد باشد هیچگاه گریه برای [من نکنید][5] بالاخره روزی می‌بایست از شما جدا شوم چه بهتر که در این [...] باشم.

امیدوارم که عمر امام عزیزمان تا ظهور حضرت مهدی (عج) [...] طولانی بگرداند. خدایا، خدایا، تا انقلاب مهدی خمینی [را نگه‌دار][6]

«والسلام»

[7][...]/12/16

از عمر ما بکاه و بر عمر او بیفزا. «انشاءالله»

در مسلخ عشق جز نکو را نکشند — رو به صفتان زشتخو را نکشند

گر عاشق صادقی زمردن مهراس — [مردار بود هر آنکه او را نکشند[8]][9]

1- در اصل وصیت «شود».

2- خوانا نیست. عباراتی که در متن با [...] مشخص شده خوانا نیست.

3- در اصل وصیت واژه‌هایی افتاده است.

4- ر.ک. تعلیقات.

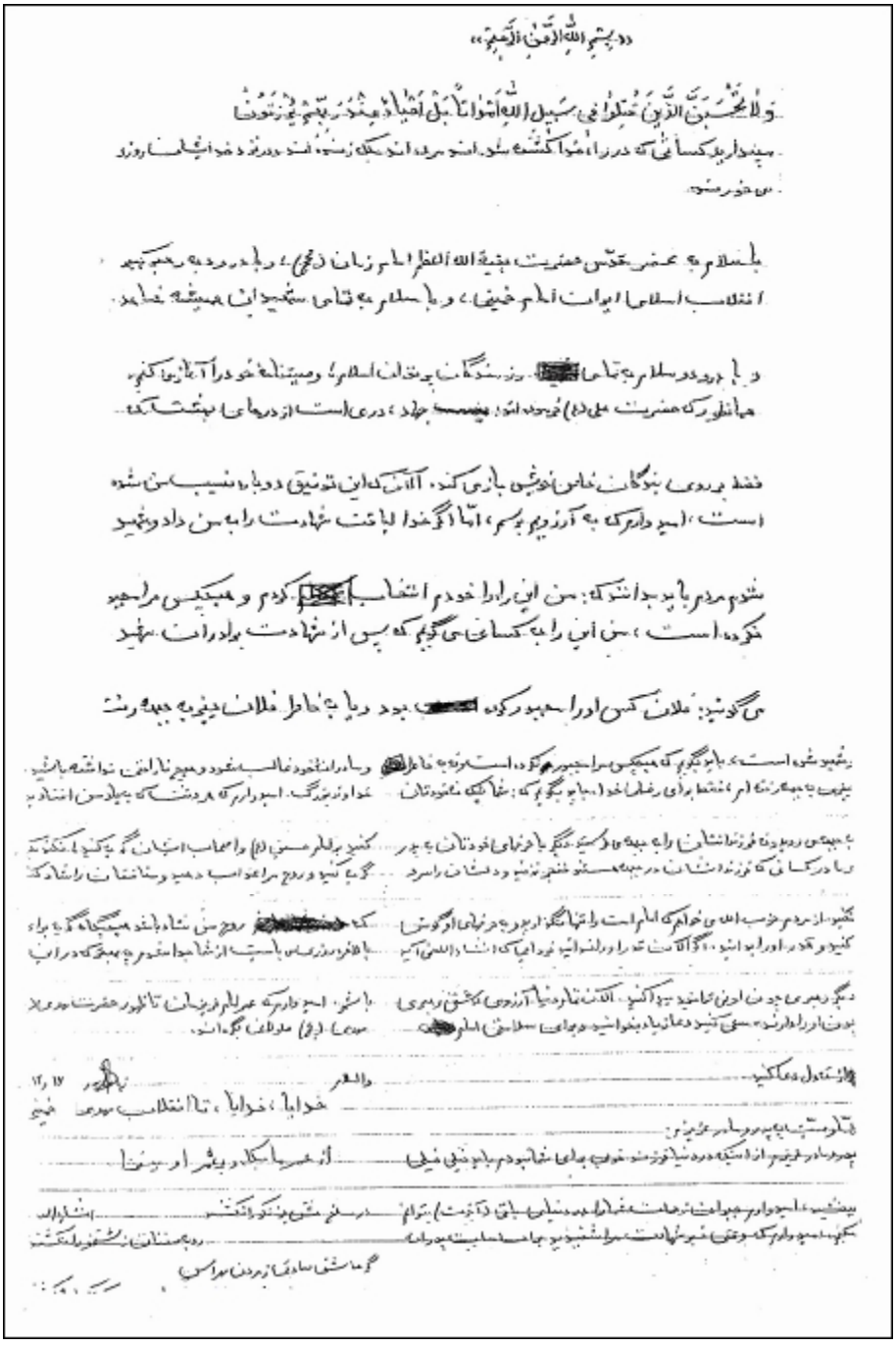
5- خوانا نیست.

6- در اصل وصیت «ناخوانا».

7- خوانا نیست.

8- در اصل وصیت «ناخوانا».

9- این رباعی از اشعاری است که در دوران مبارزه با طاغوت و رژیم پهلوی با وجود همهٔ خفقان در وصف مقاومت‌های شگفت‌انگیز مبارزان سیاسی بسیار خوانده می‌شد. اول بار این شعر را بر سنگ قبر میرزاده عشقی حک کرده‌اند و بعدها هم در لایحه دفاعیه برخی از زندانیان سیاسی دیده شد، هم بر سنگ مزار بسیاری از شهدا.





نام: **حسن**
نام خانوادگی: **زندانیان (احسانی‌فرد)**
نام پدر: **اسماعیل**
نام مادر: **ربابه**
تاریخ تولد: **پنجم فروردین** 1345
محل تولد: **شهرستان شاهرود**
تحصیلات: **سوم متوسطه**
ارگان اعزام‌کننده: **بسیج**
تاریخ شهادت: **دهم مهر** 1361
محل شهادت: **گیلانغرب**
نحوهٔ شهادت: **اصابت ترکش**
مزار: **گلزار شهدای زادگاهش**

عبارت‌های کلیدی

- رزمندگان ما بتوانند انشاءالله قدس این اولین قبله‌گاه مسلمین جهان را از دست اجانب خارج نمایند.
- وظیفه خود می‌دانم که برای نبرد با کفار به جبهه روم و آنها را با همکاری دیگر رزمندگان از این مرز و بوم خارج نماییم.
- امام را فراموش نکرده و راه او را با دل و جان ادامه دهید.
- از خداوند متعال بخواهید که عمر این بت‌شکن قرن و پیر پیران را افزون نماید.
- انشاءالله این انقلاب [را] به انقلاب جهانگیر مهدی(عج) متصل شود.

حسن زندانیان(احسانی‌فرد)

بسم‌الله الرحمن الرحیم

بسم رب الشهدا

«ملتی که شهادت[1] دارد اسارت ندارد»[2] (امام خمینی).

در حالی مشغول نوشتن وصیت‌نامه می‌باشم که رزمندگان مسلمان و حماسه‌آفرین ما این شیران روز و عابدان شب در جبهه‌ها مشغول ستیز با کفار می‌باشند و می‌روند که آخرین ضربات کاری را بر پیکر پلید کفر و استکبار بین‌المللی وارد آورند و انشاءالله راه کربلا را آزاد نموده و همانطور که آیت‌الله منتظری[3] در یکی از سخنرانی‌هایش فرمودند که: «برای رفتن به قدس باید از کربلا بگذریم».[4]

رزمندگان ما بتوانند انشاءالله قدس[5] این اولین قبله‌گاه مسلمین جهان را از دست اجانب خارج نموده و انشاءالله نماز را در مسجدالاقصی[6] به امامت رهبر بزرگ انقلاب بخوانند. من به‌عنوان یک عضو کوچک از این جامعه فکر می‌کنم که آنجا (جبهه) بهتر می‌توانم مؤثر باشم و به مصداق[7] این آیه شریف که: «**و جاهدوا[8] فی سبیل‌الله باموالهم[9] و انفسهم**».[10]

وظیفه خود می‌دانم که برای نبرد با کفار به جبهه روم و آنها را با همکاری دیگر رزمندگان از این مرز و بوم خارج نماییم[11] و اگر در این حین به شهادت هم رسیدم زهی

1- در اصل وصیت «شعادت».

2- در صحیفه امام عین این جمله یافت نشد اما امام سخنی قریب بدین مضمون دارند: «ملتی که شهادت برای او سعادت است پیروز است» (صحیفه امام، ج3، ص187).

3- ر.ک. تعلیقات.

4- این عبارت در شعارهای مردم بدین صورت جای افتاد: «راه قدس از کربلا می‌گذرد».

5- ر.ک. تعلیقات.

6- ر.ک. تعلیقات. در اصل وصیت «مسجداقصی».

7- در اصل وصیت «مشتاق».

8- در اصل وصیت «جاهدو».

9- در اصل وصیت «امواتهم».

10- توبه/ 20.

11- در اصل وصیت «نمائیم».

سعادت. و من از پدر و مادرم، اینها که در همه حال در فکر پرورش و تربیت من بوده‌اند و با چه رنج و زحمتی مرا به اینجا رسانده‌اند می‌خواهم که اگر در حین زندگی بدی و نافرمانی از من سر زده مرا حلال کنند. و از برادر کوچکم نیز همین‌طور.

من کوچک‌تر از آن هستم که برای این ملت شهیدپرور و قهرمان پیام داشته باشم و وقتی که روحیه این ملت را ما می‌بینم[1] واقعاً حیرت کرده و به فکر فرو می‌روم[2] که آیا من[3] لیاقت آن را دارم که برای این مردم پیام بدهم. خیر و البته که نه، و من به‌عنوان یک عضوی کوچک از این اجتماع به این ملت شهیدپرور و امت بیدار و همیشه در صحنه پیامی دارم که، اولاً: امام را فراموش نکرده و راه او را با دل و جان ادامه دهند و از خداوند متعال بخواهند که عمر این بت‌شکن قرن و پیر پیران را افزون نموده و از عمر ما بکاهد و به عمر او بیفزاید که انشاءالله این انقلاب [را] به انقلاب جهانگیر مهدی(عج) متصل شود. ثانیاً: پشتیبان این روحانیت آگاه تا آخرین لحظه و آخرین قطره خونی که در [...][4] رگانشان جاری است باشند و مسجدها را پرنمایند و سنگرها[5] را خالی ننمایند.

و در آخر از پدر و مادرم می‌خواهم که اگر نظر خداوند بر این بنده حقیر و گناهکار افتاد و به آن مقام رسیدم که بتوانم در راه او کشته شوم، در عزای من گریه نکنند که این منافقین[6] و اجانب منتظر همین لحظات می‌باشند و دیگر اینکه در صورت لزوم[7] اگر توانستند برای من 5 ماه نماز و 3 ماه روزه بگیرند و در آخر به امید پیروزی رزمندگان اسلام و نابودی ظلم و کفر همه شما را به خداوند متعال می‌سپارم.

«والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته»

حسن زندانیان

1- در اصل وصیت «می‌بینیم».

2- در اصل وصیت «می‌رویم».

3- در اصل وصیت «ما».

4- خوانا نیست.

5- در اصل وصیت «سنگر مهم».

6- ر.ک. تعلیقات.

7- در اصل وصیت «لذوم».

بسم رب الشهداء

«ملتی که شهادت دارد اسارت ندارد»

ای عزیزان
در حال مشغول نوشتن وصیت نامه‌ی با عمر کوتاه‌مان هستیم و همه‌ی برادران
ما این شبان روز و عابدان شب در جبهه‌ها مشغول ستیز با کفار می‌باشند و
می‌روند که آخرین خدمات کاری را به پیکر پلید کفر و استکبار بین‌المللی وارد

آورند و ان‌شاءالله راه کربلا را آزاد نموده و همانطور که آیت‌الله منتظری در یکی
از سخنرانیهایش فرمودند که وقتی به اسارت رفتن به قدس با نماز کربلا نگذریم.
بنابراین رزمندگان ما بتوانند ان‌شاءالله قدس این اولین قبله‌گاه مسلمین جهان را از

دست اسارت خارج نموده و بتوانند ان‌شاءالله نماز را در مسجد اقصی به امامت
رهبر بزرگ انقلاب بخوانند. من به عنوان یک عضو کوچک از این جامعه فکر می‌کنم
که آنجا (جبهه) بهتر می‌توانم سنگر باشم و به اشتیاق این آیه شریفه که
«و جاهدوا فی سبیل الله باموالکم و انفسکم»

وظیفه خودم دانم که برای نبرد با کفار به جبهه روم و آنها را با همکاری دیگر برادران
از این مرز و بوم خارج نمایم و اگر در این مسیر به شهادت رسیدم از بنی‌صدر

من از این رویدادها و اینها که در همه‌ی زندگی پرورش و تربیت من بوده‌اند و با همه رنج و زحمتی که برایشان داشته‌اند، هیچ‌گاه در طی زندگی بدی و نارواییی از من ندیده‌اند و حلال کنند و از خداوند کریم نیز همین را خواهانم.

من کوچکی از آن ملت شهید پرور و قهرمان پرور هستم و افتخار دارم که در چنین ملتی زندگی می‌کنم و وقتی که روحیه‌ی این ملت را می‌بینم واقعاً به حیات و زندگی امیدوار می‌شوم که آیا ما لیاقت آن را داریم که برای این خون‌ها و این همه خون‌ها که ریخته شده است ارزش قائل شویم یا نه.

من به عنوان یک عضوی کوچک از این اجتماع به این ملت شهید پرور و رشید بسیار و بسیار مدیون هستم.

امیدوارم که با ایمان و اعتقادی که به خداوند و ائمه‌ی اطهار دارم و با توکل به خداوند متعال بتوانم که همراه این ملت شجاع و رشید پیروز را افزون نموده و از همه بالاتر امیدوارم که بتوانم که این انقلاب را به انقلاب حضرت ولی‌عصر (عج) متصل نمایم.

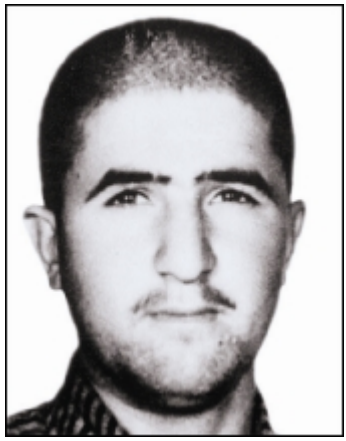
تا ایام حکومت این رژیم ستم‌شاهی تا آخرین نفس و آخرین قطره‌ی خون که در رگ‌هایمان جاری است با شما و مسجد ما را پشتیبانی نمایید و شعله‌ی مبارزه را خاموش ننمایید.

و در آخر از این رویدادهای خواهرانمان تقاضا دارم که با بیانی شیوا و قلمی رسا و گویا به آن‌ها برسانید که نباید فریب تبلیغات شوم و مزورانه‌ی صدا و سیما را بخورند که این منافقین و اجانب منتظر همین لحظات می‌باشند و دنبال شیطنت هستند.

مدت دو روز اگر توانستند باران ۵ ماه بمباران و ۳ ماه موشک‌باران را تحمل کنند و در آخر با پیروزی و زندگانی اسلام و نابودی کامل منافقین و اجانب همراه باشند.

والسلام علیکم ورحمة‌الله و برکاته

حسن زندانیان



نام: **ضیاءالله**
نام خانوادگی: **زیاری**
نام پدر: **عطاءالله**
نام مادر: **زینب**
تاریخ تولد: **دوم فروردین** 1347
محل تولد: **شهرستان سمنان**
تحصیلات: **پایان دورهٔ ابتدایی**
ارگان اعزام‌کننده: **سپاه**
تاریخ شهادت: **بیست‌ویکم بهمن** 1366
محل شهادت: **ماووت عراق**
نحوهٔ شهادت: **اصابت ترکش**
مزار: **گلزار شهدای روستای افتر از توابع زادگاهش**

عبارت‌های کلیدی

- اگر سعادت یاری کند به زودی به زیارت امام حسین(**7**) نائل می‌شوم.
- من حتماً در این لباس مقدس سربازی به شهادت می‌رسم.
- پدر جان مطیع اوامر رهبر معظم انقلاب باشید.
- به منافقان و کوردلان ضد انقلاب میدان ندهید.

ضیاءالله زیاری

بسم‌الله الرحمن الرحیم

پدرجان قصد مزاحمت [را] ندارم. فقط می‌گویم که اگر سعادت یاری کند به زودی[1] به زیارت امام حسین(7) نائل می‌شوم. پدرجان اگر فیض شهادت نصیب من شد. مرا در گلزار شهدای افتر به خاک[2] بسپارید.

مادرجان در شهادتم بی‌تابی نکن و همیشه به یاد حضرت زینب(3) باشید و به مظلومیت امام حسین(7) گریه کنید. دست‌های مادرم را می‌بوسم که برای بزرگ نمودن من زحمات زیادی کشید. امیدوارم که نزد حضرت زهرا(س) رو سفید باشید.

پدرجان افسوس که نتوانستم عصای دست شما در ایام پیری باشم. امیدوارم در نزد حضرت پروردگار سربلند و روسپید باشید. پدرجان آرزو دارم که هرچه سریع‌تر در صف رزمندگان اسلام به دین خدا خدمت نمایم.

پدر و مادر عزیزم من حتماً در این لباس مقدس سربازی به شهادت می‌رسم. مادر جان، «کف پای شما که کلید بهشت[3] در زیر آن است را می‌بوسم» و می‌خواهم در شهادتم گریه و شیون نکنید. پدر و مادر[4] مهربانم هرگاه دلتان برایم تنگ شد به مزارم بیایید و در آنجا به غریبی شهدای کربلا گریه کنید. پدر جان مطیع اوامر رهبر معظم انقلاب باشید. به منافقان[5] و کوردلان ضد انقلاب میدان ندهید. پدر و مادر عزیزم اگر شهید شدم مرا حتماً در افتر به خاک[6] بسپارید.

ضیاءا... زیاری افتر[7]

1- در اصل وصیت «بزودی».

2- در اصل وصیت «بخاک».

3- عبارت شهید برگرفته از این سخن معروف حضرت محمد(6) است «الجنة تحت الاقدام امهات» بهشت زیر پای مادران است.

4- در اصل وصیت «مادرم».

5- ر.ک. تعلیقات.

6- دراصل وصیت «بخاک».

7- شهید پس از ذکر نام و نام‌خانوادگی واژه «افتر» را ذیل وصیت آورده است، اما در اعلام پسوند افتر وجود ندارد. «افتر» نام روستایی از توابع شهرستان سمنان است.

صفحه ۱

«وصیت نامه» شهید ضیاء الدین زمانی

پدر جان قصد مزاحمت را ندارم. فقط میگویم که اگر سعادت یاری کند بزودی به زیارت امام حسین (ع) نائل می شوم.

پدر جان اگر فیض شهادت نصیب من شد. مرا در گلزار شهدای اهتر بخاک بسپارید.

مادر جان در شهادتم بی تابی نکن و همیشه به یاد حضرت زینب (س) باشید و به مظلومیت امام حسین گریه کنید.

دست های مادرم را می بوسم که برای بزرگ نمودن من زحمات زیادی کشید.

امیدوارم که نزد حضرت زهرا (ع) روسفید باشید.

پدر جان افسوس که نتوانستم عصای دست شما در ایام پیری باشم. امیدوارم در نزد حضرت پروردگار سربلند و روسپید باشید

ص ۲

«وصیت نامه»

پدر جان آرزو دارم که هرچه سریعتر در صف رزمندگان اسلام
به دین خدا خدمت نمایم.
پدر و مادر عزیزم من حتماً در این لباس مقدس سربازی به شهادت
می رسم.
مادر جان - کف پای شما که کلید بهشت در زیر آن است.
را می بوسم و می خواهم در شهادتم گریه و شیون نکنید،
پدر و مادرم مهربانم هرگاه دلتان برایم تنگ شد به مزارم بیائید
و در آنجا به غریبی شهدای کربلا گریه کنید.
پدر جان مطیع اوامر رهبر عظیم انقلاب باشید
به منافقان و کوردلان ضد انقلاب میدان ندهید.
پدر و مادر عزیزم اگر شهید شدم مرا حتماً در
افتر بخاک بسپارید.

ضیاء ا... زیاری / قنر



نام: **نعمت‌الله**
نام خانوادگی: **زیاری**
نام پدر: **علی**
نام مادر: **خوب‌چهره**
تاریخ تولد: **دهم فروردین** 1346
محل تولد: **روستای افتر از توابع شهرستان سمنان**
تحصیلات: **پایان دورهٔ راهنمایی**
ارگان اعزام‌کننده: **سپاه**
تاریخ شهادت: **بیست‌وپنجم دی** 1365
محل شهادت: **شلمچه**
نحوهٔ شهادت: **اصابت ترکش**
مزار: **گلزار شهدای زادگاهش**

عبارت‌های کلیدی

- پدر و مادر و برادران و خواهران: تقاضای من از شما این است که در کارهایتان کوشا باشید.
- در کارهایی که از دست شما برمی‌آید برای یاری رساندن به اسلام کوتاهی نکنید.
- هرچند می‌دانم که جدایی سخت است ولی صبر داشته باشید که این گفته خداست که «محبوبترین افراد نزد خدا صابرین می‌باشند».

نعمت‌الله زیاری

بسم‌الله الرحمن الرحیم

به‌نام خداوندی که ما را آفرید و هستی و نیستی ما به اختیار اوست و هر موقع که خودش مصلحت بداند ما را می‌میراند و بعد زنده می‌کند. و با سلام و درود به امام زمان(عج) و با سلام و درود به رهبر بزرگوار ما امام خمینی و با سلام و درود به کلیه امت شهیدپرور.

و با سلام و درود به پدر و مادر عزیزم که زحمت کشیدند و مرا به این سن رسانیدند. پدر و مادر عزیزم می‌دانم که شهادت فرزند و رنج جدایی[1] برایتان مشکل است. اما باید افتخار کنید که توانستید فرزندی بزرگ کنید و به خداوند بزرگ هدیه نمایید.[2] پدر و مادر عزیزم هر چند که نتوانستم زحماتی را که برایم کشیدید جبران کرده باشم، ولی از شما تقاضا می‌نمایم هرگونه بدی اگر از من دیدید ببخشید و حلالم نمایید.[3]

مادرجان همه خطاهای مرا ببخش و شیرت را حلالم کن. مادر جان امیدوارم که برایتان پسر بدی نبوده باشم. پدر و مادر عزیزم برادران و خواهران عزیزم، تقاضای من از شما این است که هر کس از من ناراضی است به هر طریقی که می‌توانید راضی‌اش گردانید تا بتوانم بیشتر مورد خشنودی خداوند قرار بگیرم.

شما ای مادر عزیز و ای پدر مهربانم و ای خواهران و برادرانم، امیدوارم که بعد از مرگ من زیاد شیون و زاری نکنید. هرچند می‌دانم که جدایی سخت است ولی صبر داشته باشید که این گفته خداست که «محبوبترین افراد نزد خدا صابرین می‌باشند».[4] پدر و مادر و برادران و خواهران، تقاضای من از شما این است که در کارهایتان کوشا باشید.

از برادرانم تقاضا دارم که همیشه مددکار پدر باشند و کاری نکنند که ایشان ناراحت شود. همچنین از برادر خودم هوشنگ زیاری تقاضا دارم که بعد از من در خانه به سهمیه

1- در اصل ،وصیت «جدائی».

2- در اصل وصیت «نمائید».

3- در اصل وصیت «نمائید».

4- عبارت شهید ترجمه‌ای است از بخشی این آیه قرآن «... و ما ضعفوا و ما استکانوا و الله یحب الصابرین» هرگز بیم‌ناک و زبون نشدند و سر به زیر بار دشمن نیاوردند و راه صبر و ثبات پیش گرفتند که خداوند صابرین را دوست می‌دارد». آل عمران/ 146.

خودم به خانواده کمک کند و در کارهایی که از دست ایشان برمی‌آید برای یاری رساندن به اسلام کوتاهی نکنند.

در خاتمه همه شما را به خدا می‌سپارم و خوشبختی شما را از درگاه خداوند متعال خواهانم در ضمن کتاب‌هایم را به کتابخانه بسپارید تا مورد[1] استفاده برادران دیگر قرار گیرد.

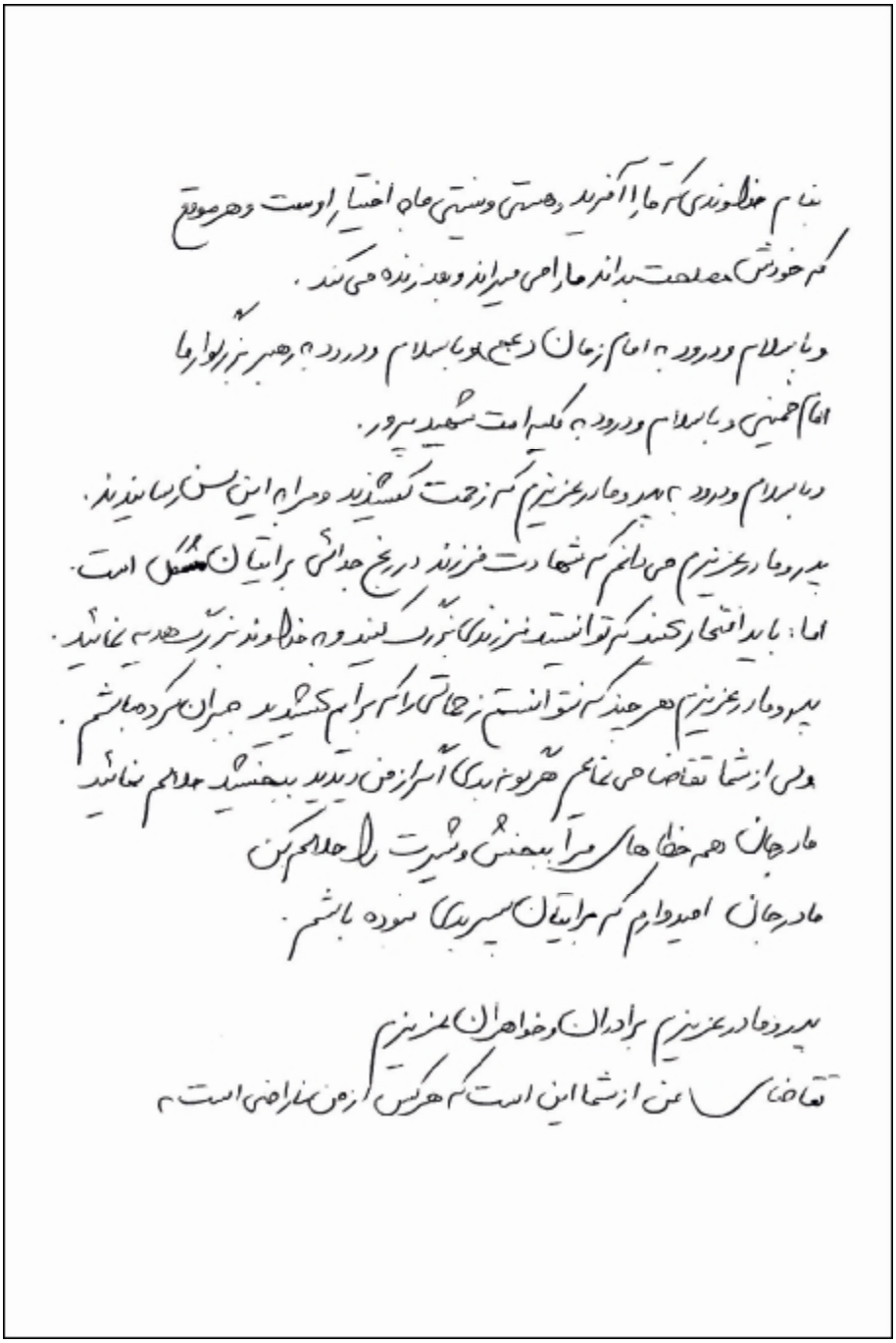
خدایا خدایا تا انقلاب مهدی(عج) خمینی را نگه‌دار.

«والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته»

65/9/30

نعمت‌الله زیاری

1- در اصل وصیت «به».



بنام خداوندی که ما را آفرید و هستی و بستی ما از اوست و هر موقع که خودش مصلحت بداند ما را می‌میراند و بعد زنده می‌کند.

و با سلام و درود به امام زمان (عج) و با سلام و درود به رهبر بزرگوارمان امام خمینی و با سلام و درود به کلیه امت شهید پرور.

و با سلام و درود به پدر و مادر عزیزم که زحمت کشیدند و مرا به این سن رساندند.

پدر و مادر عزیزم می‌دانم که شهادت فرزند در بخ جدائی برایتان مشکل است.

اما: باید افتخار کنید که توانستید فرزندی تقدیم کنید و به خداوند تبارک و تعالی هدیه نمائید.

پدر و مادر عزیزم هر چند که نتوانستم زحماتی را که برایم کشیدید جبران کرده باشم.

ولی از شما تقاضا می‌نمایم هر گونه بدی از من دیدید ببخشید حلالم نمائید

مادر جان هم حقاهای مرا ببخش و شیرت را حلالم کن

مادر جان امیدوارم که برایتان پسر خوبی بوده باشم.

پدر و مادر عزیزم برادران و خواهران عزیزم

تقاضای من از شما این است که هرکس از من ناراضی است

هر طریقی که می‌توانید راضی اش سازید تا بتوانم بیشتر مورد خشنودی خداوند قرار بگیرم.

شما ای مادر عزیز و ای پدر مهربانم و ای خواهران و برادرانم

امیدوارم که بعد از مرگ من زیاد ناراحتی نکنید. هرچند می دانم که این سخت است ولی صبر داشته باشید که این خواست خداست که محبوب‌ترین افراد نزد خدا صابرین می باشند.

پدر و مادر و برادران و خواهران: تقاضای من از شما این است که در کارهایتان کوشا باشید.

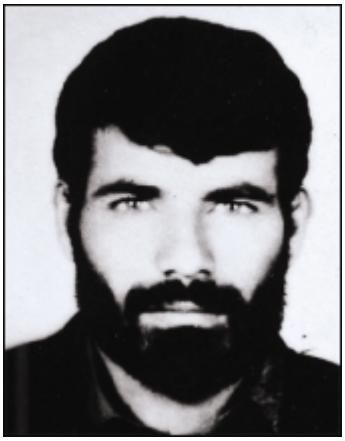
از برادرانم تقاضا دارم که همیشه در کارها پیشقدم باشند و کاری نکنند که ایشان ناراحت شود.

همچنین از برادر خودم هوشنگ زیاری تقاضا دارم که بعد از من در جای من به عضویت خودم در خانواده کمک کند و در کارهایی که از دست ایشان برمی آید برای یاری رساندن به اسلام کوتاهی نکند

در خاتمه هم شما را به خدا می سپارم و خوشبختی شما را از درگاه خداوند متعال خواهانم و از خدا می خواهم که ما را یاری دهد تا به استقرار برادران دینی‌مان در سراسر جهان کمک کنیم.

خدایا خدایا تا انقلاب مهدی کار جهانی را نگهدار.

والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته ۶۵/۹/۳۰ غلامرضا زیاری



نام: **حسن**
نام خانوادگی: **زینلی**
نام پدر: **محمد**
نام مادر: **شهربانو**
تاریخ تولد: **یازدهم فروردین** 1340
محل تولد: **شهر بسطام از توابع شهرستان شاهرود**
تحصیلات: **پایان دورهٔ ابتدایی**
ارگان اعزام‌کننده: **بسیج**
تاریخ شهادت: **بیست‌ویکم بهمن** 1364
محل شهادت: **اروند رود**
نحوهٔ شهادت: -
مزار: **گلزار شهدای شهر مجن شهرستان زادگاهش**

عبارت‌های کلیدی

- ای برادر و خواهر این دنیا دنیای امتحان است.
- همیشه کارهایتان برای رضای خدا باشد و برای فرد انجام ندهید.
- به گفته امام عزیزمان روح‌الله زمان بت‌شکن قرن خمینی کبیر لبیک گفته و برای یاری و بقای اسلام به جبهه‌های نبرد حق علیه باطل اعزامی شوم.
- همیشه پشتیبان ولایت فقیه و در خط امام باشید.
- آیا خون من و شما از خون امامان عزیزمان رنگین‌تر است؟ آیا از خون امام حسین(**7**) و عباس(**7**) قاسم و خون جعفر رنگین‌تر است.
- همیشه امام عزیز را دعا کنید.
- در تمام جلسات مذهبی شرکت کنید.

حسن زینلی

بسم‌الله الرحمن الرحیم

بسم‌الله الرحمن الرحیم آیه شریف «**کل نفس ذائقة**[1] **الموت**»[2] تمامی موجودات از چشیدن شربت مرگ ناگزیرند. حیات ابدی و بقای سرمدی منحصر به ذات[3] اقدس باریتعالی[4] می‌باشد و پس بر هر شخص عاقل با ایمان که این جهان[5] را گذرگاهی به‌سوی جهان جاویدان می‌داند، لازم است که پیوسته در فکر عالم پس از مرگ بوده و خود را برای سفر پرخوف آخرت آماده و اعمال ناقص[6] و تکالیف خواسته[7] خود را با وصیت تدارک و جبران نماید. رسول اکرم صلی‌الله علیه و آله می‌فرماید: «ما ینبغی لامرءٍ مسلم ان یبیت لیلة الاّ وصیتهُ تحت رأسه»[8] سزاوار نیست برای مرد مسلمان شبی را سحر کند مگر اینکه وصیت او زیر سرش باشد. با سلام و درود فراوان[9] به رهبر کبیر انقلاب اسلامی یاور مستضعفان پیر جماران و حسین زمان و سلام بر شهیدان انقلاب و خاندان شهدا که سهم بزرگی را در این انقلاب داشتند. ای برادر و خواهر این دنیا دنیای امتحان است و یک لحظه به خود بیا و پیش خود فکر کن، برای چه به دنیا[10] آمده‌ایم و آیا برای آخرت توشه‌ای ذخیره کرده‌ایم یا نه؟ آیا توشه ما از کارهای نیک و خیر پر است یا غیبت و کارهای نامشروع؟ برادران همیشه کارهایتان برای رضای خدا باشد و برای فرد انجام ندهید. اینجانب برادر حقیر شما حسن زینعلی در یک لحظه تصمیم گرفتم که بایستی در

1- در اصل وصیت «زائقه».
2- عنکبوت/ 57.
3- در اصل وصیت «بذات».
4- در اصل وصیت «باریتعای».
5- در اصل وصیت «اینجانرا».
6- در اصل وصیت «ناقصه».
7- در اصل وصیت «خاسته».
8- عبارت از احادیثی است که در منابع مختلف حدیثی از آن حضرت امام صادق(**7**) است ولی شهید آنرا از آن حضرت رسول اکرم(**6**) دانسته است. (وسائل‌الشعیه، ج7، ص87).
9- در اصل وصیت «فرواوان».
10- در اصل وصیت «به دنیا».

راه خدا جهاد کنم و به گفته امام عزیزمان روح‌الله زمان بت‌شکن قرن خمینی کبیر لبیک گفته و برای یاری و بقای اسلام به جبهه‌های[1] نبرد حق علیه باطل اعزام شوم و این بهترین و بزرگترین آرزوی من در دوران زندگی بوده است. از خداوند تبارک و تعالی تقاضا دارم که ما را در صف شیعیان خود قرار دهد، انشاءالله. همیشه پشتیبان ولایت فقیه و در خط امام باشید و در تمام جلسات مذهبی شرکت کنید و از خداوند بخواهید که امام عزیز را تا ظهور حضرت مهدی(عج) برای این امت حزب‌اللهی نگه‌دارد.

خدایا از تو می‌خواهیم که این انقلاب اسلامی را به انقلاب حضرت مهدی(عج) منتقل بگردان.

[...][2] اسلامی مورد تهاجم کشور عراق به فرماندهی آمریکای[3] خون‌آشام و مزدور کثیف صدام عفلقی[4] [...][5] از شهرهای ما ویران و بسیاری را به شهادت رساند.[6] آیا سزاوار است که در گوشه خانه بنشینیم و همیشه از رادیو یا تلویزیون[7] گوش کنیم که فلان شهر مورد اصابت موشک قرار گرفته و پا [...][8] شهید داده‌ایم نه، پس باید تصمیم آخر و نهایی را گرفت. سلاح[9] سرد شده برادران شهیدمان را در جبهه‌ها بدست گرفته و بر قلب دشمن نشانه رفت.

ای خدا ما را در بستر مرگ ممیران در جایی[10] بمیران که خود وعده آن را در قران کریم داده‌ای. من کوچکتر از آنم که بتوانم در برابر برادران عزیزم وصیت‌نامه‌ای بنویسم. فقط یک سؤال دارم آیا خون من و شما از خون امامان عزیزمان رنگین‌تر است آیا از خون امام

1- در اصل وصیت «جبهه‌ها».
2- خوانا نیست.
3- در اصل وصیت «آمریکا».
4- ر.ک. تعلیقات.
5- خوانا نیست.
6- در اصل وصیت «رسانیدن».
7- در اصل وصیت «تلویزویون».
8- خوانا نیست.
9- در اصل وصیت «سلاح».
10- در اصل وصیت «جائی».

حسین(7) و عباس(7)[1] قاسم[2] و خون جعفر[3] رنگین‌تر است و همچون امام حسین(7) در صحنهٔ[4] کربلا در روز عاشورا طفل شش‌ماهه‌اش[5] علی‌اصغر[6] را به میدان آورد و رو به لشکر یزیدیان کرد که ای لشگر اگر خدا را در نظر ندارید و خون من بی‌گناه[7] را می‌خواهید بریزید، ولی این طفل شش‌ماهه چه گناهی دارد؟ ولی کفار هیچ جوابی ندادند و[لی] یکی[8] از لشکریان کفار تیری رها کرد و طفل امام حسین(7) را شهید نمود. خدایا ترا به خون علی اصغر حسین(7) قَسَمت می‌دهیم از همه گناهان ما در گذر و یک لحظه ما را به خودمان وامگذار.[9]

ولی ای مادر و خواهر صبر کنید و همیشه امام عزیز را دعا کنید. اگر این لیاقت نصیب من (یعنی شهادت) شد گریه نکنید، هر چند ناراحتی داشته باشد. ولی این را در نظر بگیرید که فرزندی داشتید و در راه خدا داده‌اید.[10] هم‌چون امامان عزیزمان که فرزند و عیال خود را در راه اسلام داده‌اند: مادر و خواهر و همسرم اگر من شهید شدم نباید گریه کنید برای این که من برای خدا و برای اسلام شهید شدم و مقدار قرض‌هایی[11] را که دارم بدهید.

1- ر.ک. تعلیقات.
2- ر.ک. تعلیقات.
3- ر.ک. تعلیقات. در اصل وصیت «جفعر».
4- در اصل وصیت «صنحه».
5- در اصل وصیت «ششامه‌اش».
6- ر.ک. تعلیقات.
7- در اصل وصیت «بیگناه».
8- در اصل وصیت «یک».
9- ترجمه این حدیث نبوی است: «الهی لا تکلنی علی نفسی طرفة عینی ابداً».
10- در اصل وصیت «داده‌ای».
11- در اصل وصیت «قرزهای که دارم را بدهید».







نام: **میرمحمدعلی**
نام خانوادگی: **سادات حسینی**
نام پدر: **سیداحمد**
نام مادر: **صبیه**
تاریخ تولد: **بیستم خرداد** 1347
محل تولد: **شهرستان سمنان**
تحصیلات: **دوم ابتدایی**
ارگان اعزام‌کننده: **بسیج**
تاریخ شهادت: **شانزدهم مهر** 1369
محل شهادت: **بیمارستان امیرالمومنین زادگاهش**
نحوهٔ شهادت: **بر اثر بمباران شیمیایی**
مزار: **گلزار شهدای شهرستان مهدیشهر**

عبارت‌های کلیدی

- خدایا ببین که فرزندان ابراهیم چگونه اسماعیل‌وار به قربانگاه آزمایش می‌شتابند.
- می‌سوزند تا با کفر نسازند، می‌روند تا ایمان نرود.
- ببین که اسطوره‌های شهادت چگونه حیات را به بازی گرفته‌اند.
- خدایا جرممان چیست جز حب تو از هابیل تاکنون همواره شهیدمان می‌کنند.
- اینان چرا از انسان و ایمان و قرآن می‌ترسند؟
- چیزی [از] مال دنیا ندارم چون که سرباز هستم ولی وطن و ایمان و دین دارم.
- راه امام را ادامه دهید که هیچ راهی جز راه امام نیست راه من راه امام است.

میرمحمدعلی سادات حسینی

بسم‌الله الرحمن الرحیم

بسم رب الشهداء و الصدیقین

الحمد لله[1] رب العالمین الصلوة و السلام علی سیدنا محمد و آله الطاهرین بعد از تحریر و لعنهٔ الله علی اعدائهم اجمعین[2] من الان الی قیام یوم الدین.

[...][3] این کلمات حاضرم در حین صحت نفس بلا[4] اکراه و بلااجبار آقای[5] محمدعلی سادات حسینی فرزند سید احمد اولاً شهادت می‌دهد به وحدانیت خداوند تبارک و تعالی و به رسالت حضرت محمد ابن عبدالله(7)[6] و به امامت حضرت علی بن ابیطالب مع اولاده المعصومین(7). به حقانیت موت و سئوال[7] قبر و حشر و نشر صراط [و]. بهشت و دوزخ و غیره. وکیل نموده‌ام پدر گرامی خود سید احمد سادات حسینی فرزند مرحوم سید رضی سادات حسینی را. خدایا ببین که فرزندان ابراهیم چگونه اسماعیل‌وار به قربانگاه آزمایش می‌شتابند و پیروزمندانه جان می‌گذارند و می‌سوزند تا با کفر نسازند، می‌روند تا ایمان نرود. می‌میرند تا چراغ توحید نمیرد. ببین که اسطوره‌های شهادت چگونه حیات را به بازی گرفته‌اند. مرگ به اسارتشان درآمده است، سرمست عشقند، عشق خدایی؟[8] خدایا چرا خونمان را می‌ریزند. جرممان چیست جز حب تو از هابیل[9] تاکنون همواره شهیدمان می‌کنند. اینان چرا از انسان و ایمان و قرآن می‌ترسند؟ وصیت به مادر عزیز و همسر گرامی و خواهر مهربان این است، بعد از شهید شدن[10] من گریه نکنید که دشمنان اسلام و دین،

1- در اصل وصیت «الحمدالله».

2- در اصل وصیت «اجمین».

3- کلمه‌ای از آغاز جمله افتاده است.

4- در اصل وصیت «ابدا».

5- در اصل وصیت بجای آقای نوشته «های» در رسم‌الخط جاری نیز چنین می‌نویسند.

6- در اصل وصیت «عبداله».

7- در اصل وصیت «سئول».

8- در اصل وصیت «خدائی».

9- ر.ک. تعلیقات.

10- در اصل وصیت «شدند».

شاد می‌شوند. وصیت[1] من به پدر و برادران عزیزم این است، اگر جنازه من به دست شما رسید، مرا در مزار زیارت پیش پدربزرگ دفن نمایند و اگر جنازه مرا به دست نیاوردید، برای من ناراحت نباشید[2]، چرا که هزاران نفر مثل من پدر و مادر و برادر و خواهر و بچه و همسر دارند[3] که جنازه‌ای[4] در دست ندارند. ولی هیچ چیزی [از] مال دنیا ندارم چون که سرباز هستم ولی وطن و ایمان و دین دارم. از برادران و عموها و رفیق‌های عزیز خود می‌خواهیم راه امام را ادامه دهید که هیچ راهی جز راه امام نیست راه من راه امام است

«والسلام»

گواهی امضاء. سید رضاد سادات حسینی

تاریخ 66/5/14 **«محمدعلی ...»**

1- در اصل وصیت «وصت».

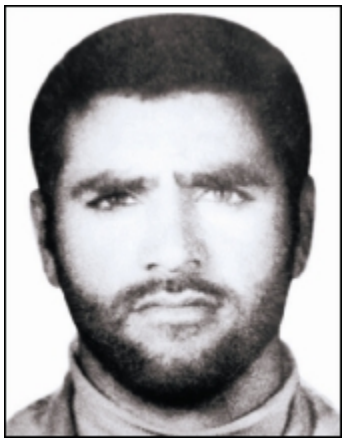
2- در اصل وصیت «نباشد».

3- در اصل وصیت «دادند».

4- در اصل وصیت «جنازهٔ».

بسم رب الشهداء و الصدیقین

الحمدالله رب العالمین المهیمن والسلام علی سیدنا محمد و آله الطاهرین بعد از تقدیم درود و تحیت به ساحت مقدس حضرت ولی عصر امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف و به تمامی شهدا از صدر اسلام تا به امروز و به امام امت و نایب برحق امام زمان روح الله الموسوی الخمینی قدس سره الشریف و به رهبر کبیر انقلاب اسلام آیت الله العظمی خامنه‌ای دام ظله العالی و به تمامی رزمندگان اسلام در جبهه‌های حق علیه باطل و به تمامی مستضعفان جهان و به تمامی مسلمانان جهان و به تمامی آزادگان و اسرای جنگ تحمیلی و به تمامی مجروحین و جانبازان عزیز و به تمامی خانواده‌های معظم شهدا و به تمامی پدران و مادران داغدیده و به تمامی خانواده‌های مجروحین و جانبازان عزیز و به تمامی خانواده‌های آزادگان و اسرای جنگ تحمیلی



نام: **سیدعلی‌اکبر**
نام خانوادگی: **ساداتی**
نام پدر: **سیدحسین**
نام مادر: **زهرا**
تاریخ تولد: **شانزدهم بهمن** 1336
محل تولد: **شهرستان مهدیشهر**
تحصیلات: **پایان دورهٔ ابتدایی**
ارگان اعزام‌کننده: **سپاه**
تاریخ شهادت: **چهارم خرداد** 1363
محل شهادت: **بیمارستان لقمان تهران**
نحوهٔ شهادت: **اصابت ترکش**
مزار: **گلزار شهدای زادگاهش**

عبارت‌های کلیدی

- و سعی کنید که در هر جا از گروه‌گرایی دست بردارید.
- در قرآن بر یک حزب تکیه شده است و آن حزب الله.
- اول اطاعت از قرآن دوم کلیه دستورات اسلامی.

سیدعلی‌اکبر ساداتی

بسم‌الله الرحمن الرحیم

بسم رب الشهداء و الصدیقین

اینجانب سید علی اکبر ساداتی فرزند سیدحسین به شماره شناسنامه 46 در صحت و سلامت وصیت‌نامه خودم را می‌نویسم.

«انا لله و انا الیه راجعون»[1]

چند کلامی به شما هم‌شهریان عزیزم باید عرض نمایم.

برادران و خواهران مادران و پدران در هر زمان که هستید [...][2] رهبر انقلاب اسلامی آیت‌الله العظمی امام خمینی گوش کنید و گول گروه‌های [...][3] رونق دادن اسلام فقاهت باشید و سعی کنید که در هر جا [...][4] و از گروه‌گرایی دست بردارید چون شما اگر می‌خواهید اسلام داشته باشید و برای اسلام قیام کنید در قرآن بر یک حزب تکیه شده است و آن حزب الله [است] و بقیه گروه و سازمان‌گرایی باعث اختلاف و خارج شدن از اسلام می‌باشد. باز هم وصیتم در این زمان که می‌خواهید [...][5] را اسلامی کنید و برای اسلام بزرگ شوند. اول اطاعت از قرآن دوم کلیه دستورات اسلامی. دیگر مردم را [...][6] می‌کنم که این وصیت‌نامه من باعث غرور [...][7].

سیدعلی اکبر ساداتی

1- بقره/ 156.

2- خوانا نیست.

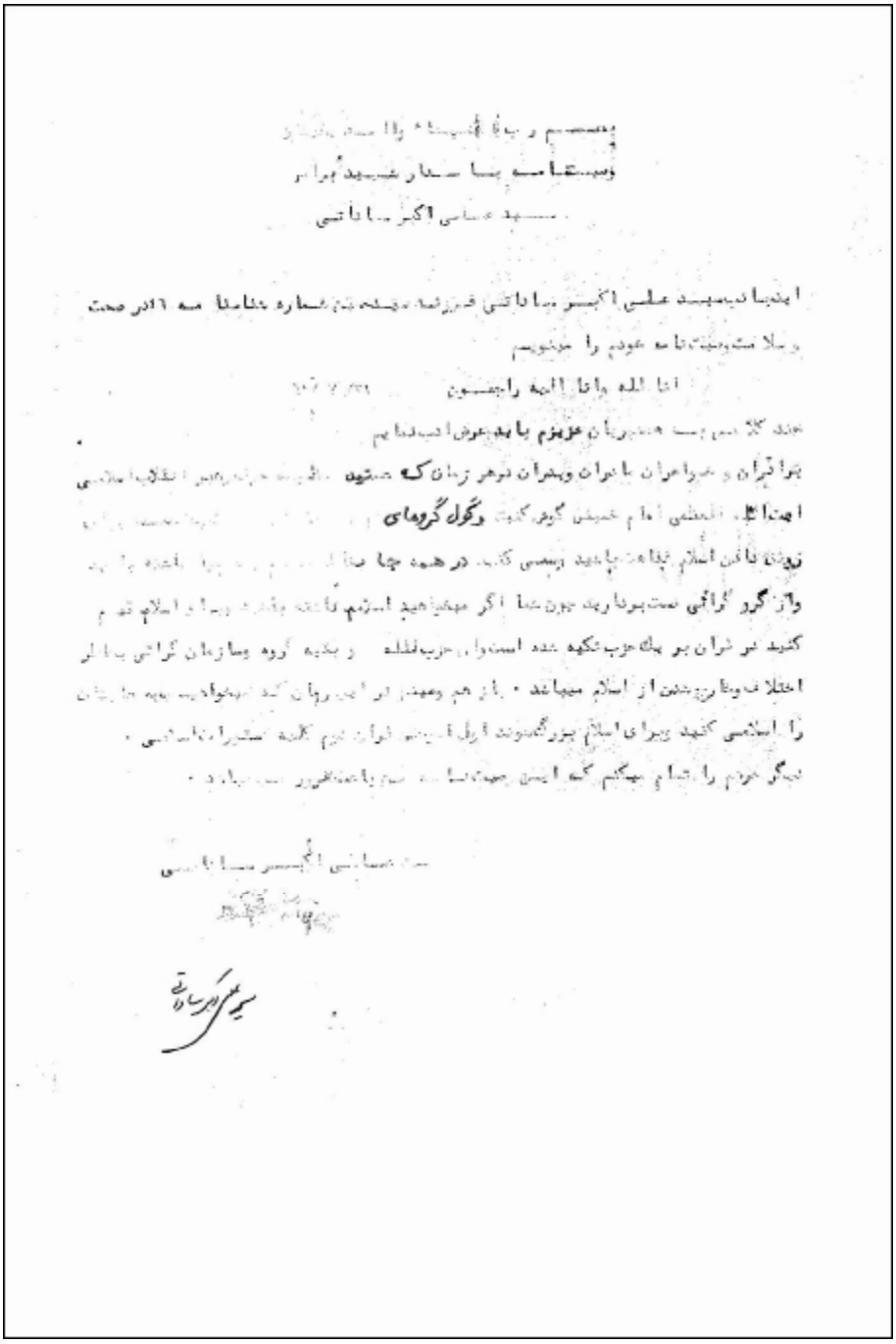
3- خوانا نیست.

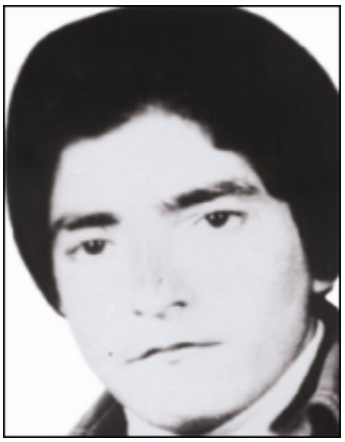
4- خوانا نیست.

5- خوانا نیست.

6- خوانا نیست.

7- خوانا نیست.





نام: **محمدتقی**
نام خانوادگی: **ساقیان**
نام پدر: **علی**
نام مادر: **فاطمه‌نسا**
تاریخ تولد: **بیستم اسفند** 1342
محل تولد: **شهرستان مهدیشهر**
تحصیلات: **پایان دورهٔ ابتدایی**
ارگان اعزام‌کننده: **بسیج**
تاریخ شهادت: **یازدهم آبان** 1361
محل شهادت: **عین‌خوش**
نحوهٔ شهادت: **اصابت گلوله و ترکش**
مزار: **گلزار شهدای زادگاهش**

عبارت‌های کلیدی

- وظیفه خود می‌بینم که به جبهه بشتابم و اسلام و قرآن را یاری نمایم.
- می‌روم به جبهه تا با آخرین قطره خونم بر علیه ستمگران بجنگم.
- می‌روم به جبهه تا انتقام خون هزاران شهید اسلام را بگیرم.
- از پدر و مادرم و برادرم و خواهر و تمامی دوستان و برادران حزب‌اللهی می‌خواهم که یاران واقعی امام باشند.
- همه بستگانم باید بدانند که من بهتر از علی‌اکبر حسین(**7**) نیستم.
- اگر در کربلا نبودم حسین(**7**) را یاری کنم، اکنون به یاری اسلام شتافتم.

محمدتقی ساقیان

بسم‌الله الرحمن الرحیم

ندای «هل من ناصر حسینی»[1]- لبیک یا خمینی

بنده محمد تقی ساقیان عضو بسیج سپاه پاسداران انقلاب اسلامی مهدی‌شهر می‌باشم. اکنون که ندای رهبر انقلاب امام خمینی این حسین زمان بلند است، که آیا کسی است که مرا یاری کند؟ وظیفه خود می‌بینم که به جبهه بشتابم و اسلام و قرآن را یاری نمایم. می‌روم به جبهه تا با آخرین قطره خونم بر علیه ستمگران بجنگم. می‌روم به جبهه تا انتقام خون هزاران شهید[2] اسلام را بگیرم و با ریختن خون خود راه کربلا را باز کرده و آرزوی هزاران مادر شهید داده را برآورده نمایم.

خداوندا، خودت شاهد هستی که این بنده ضعیف جز برای رضای تو و اسلام و قرآن کاری نکرده است. اگر خطایی[3] کرده‌ام خداوندا تو ارحم‌الراحمینی، پس خدایا بگذر از گناهانی که مرتکب شده‌ام.

از پدر و مادرم و برادرم و خواهر و تمامی دوستان و برادران حزب‌اللهی می‌خواهم که یاران واقعی امام باشند و در پناه الله و در کنار روحانیت مبارز دوش به دوش هم در حفظ انقلاب اسلامی بکوشند.

و از مادرم می‌خواهم که در خوشحالی من که همان شهادت در راه خداست خوشحال بوده و شکرگزار باشد که امانتی را که خدا به او داده به خودش هدیه کرده است و همه بستگانم باید بدانند که من بهتر از علی‌اکبر[4] حسین(7) نیستم. «اگر در کربلا نبودم حسین(7) را یاری کنم اکنون به یاری اسلام شتافتم.»[5]

پروردگارا، امام عزیز را تا انقلاب حضرت مهدی(عج) نگه‌داری بفرما.

1- ر.ک. تعلیقات.

2- در اصل وصیت «شهیدان».

3- در اصل وصیت «خطائی».

4- ر.ک. تعلیقات.

5- عبارت شهید ترجمه‌ای از فرازهایی از زیارت‌نامه‌ها به‌خصوص خطاب به اباعبدالله(7): «فیا لیتنی کنت معکم فأفوز معکم» «زیارت وارث» هم‌چنین در زیارت اول ماه رجب می‌خوانیم «یا لیتنی کنت معکم فافوزاً فوزاً عظیماً».

خداوندا: فتح کربلا که برای آزادسازی [آن] حرم حسینی بهترین عزیزان ما در خون غلطیدند نصیب ما بگردان.

به امید پیروزی رزمندگان اسلام بر صدام یزید کافر.

«والسلام»

61/4/28 مطابق با 27 رمضان

محمدتقی ساقیان

بسم تعالی

ندای هل من ناصر حسینی

لبیک یا خمینی

بنده محمدتقی ساقیان عضو بسیج سپاه پاسداران انقلاب اسلامی مدیشهری باشم. اکنون که ندای رهبر انقلاب امام خمینی این حسین زمان بلند است که آیا کسی است که مرا یاری کند. وظیفه خود دیدم که به جبهه بشتابم و اسلام و قرآن را یاری نمایم. می روم به جبهه تا با آخرین قطره خونم بر علیه ستمگران بجنگم. می روم به جبهه تا انتقام خون هزاران شهیدان اسلام را بگیرم و با ریختن خون خود راه کربلا را باز کرده و آرزوی هزاران مادر شهید داده را برآورده نمایم. خداوندا، خودت شاهد هستی که این بنده ضعیف جز برای رضای تو و اسلام و قرآن کاری نکرده است. اگر خطائی کرده ام خداوندا تو ارحم الراحمین، پس خدایا بگذر از گناهان که مرتکب شده ام.

از پدر و مادرم و برادرم و خواهر و تمامی دوستان و برادران حزب الله می خواهم که یاران واقعی

امام باشند و در پناه الله و در کنار روحانیت مبارز دوش به دوش هم در حفظ انقلاب اسلامی بکوشند.

و از مادرم می‌خواهم که در خوشحالی من که همان شهادت در راه خدا است خوشحال بوده و شکرگزار باشد که امانتی را که خدا به او داده به خودش هدیه کرده است و همه بستگانم باید بدانند که من بهتر از علی‌اکبر حسین نیستم. اگر در کربلا بودم حسین را یاری کنم اکنون به یاری اسلام شتافتم.

پروردگارا: امام عزیز را تا انقلاب حضرت مهدی (عج) نگهداری بفرما.

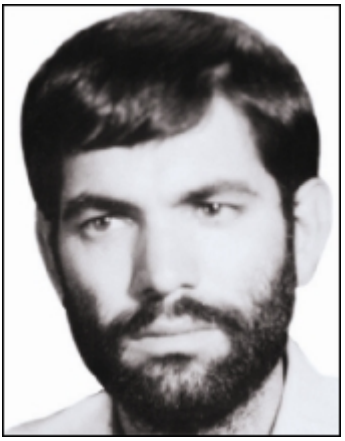
خداوندا: فتح کربلا که برای آزادسازی حرم حسین بهترین عزیزان ما در خون غلطیدند نصیب ما بگرداں.

به امید پیروزی رزمندگان اسلام بر ضد امام یزید کافر.

والسلام

۲۸ر۴ر۶۱ مطابق با ۲۷ رمضان

محمدتقی ساقیان



نام: **غلامرضا**
نام خانوادگی: **سالار**
نام پدر: **محمداسماعیل**
نام مادر: **خاور**
تاریخ تولد: **دوم اردیبهشت** 1333
محل تولد: **شهرستان سمنان**
تحصیلات: **پایان دورهٔ متوسطه**
ارگان اعزام‌کننده: **بسیج**
تاریخ شهادت: **بیست بهمن** 1364
محل شهادت: **اروند رود**
نحوهٔ شهادت: **اصابت ترکش**
مزار: **گلزار شهدای امامزاده اشـرف زادگاهش**

عبارت‌های کلیدی

- همسرم در نمازهای یومیه و با خواندن دعای کمیل در شبهای جمعه و با شـرکت در نمازهـای جمعه برایم دعا کن.
- جنگ و جهاد نعمتی از انعام الهی است که خداوند انسان را با آن می‌آزماید.
- از مجاهدین در راه خدا که اجری عظیم دارند، باشید.
- شهادت را برای خود سعادت می‌دانم و به آن افتخار می‌کنم چرا که ائمه طاهرین و اولیـاء خـدا به آن فخر و مباهات می‌ورزیدند.
- پشتیبان ولایت فقیه و پیرو خط امام که همان خط حقیقی و اصیل اسلامی است باشید.
- در تجلی‌گاه وحدت نماز جمعه و جماعات شرکت نموده و این سنگرها را پر کنید کـه دشـمن از آن بسیار خوف دارد.
- ای همکاران فرهنگی و معلمین عزیز دانش‌آموزان به منزله امانت در دست شما هستند.
- سنگر تعلیم و تربیت را حفظ نمایید.
- همیشه تربیت را مقدم بر تعلیم بدانید.
- ای خواهران عزیزم سعی کنید الگوی خود را در زندگی حضرت فاطمه زهرا(**3**) قرار دهید.
- تا ظهور حضرت مهدی(عج) نبرد با دشمنان اسلام و مسلمین ادامه دارد.

غلامرضا سالار

بسم‌الله الرحمن الرحیم

«و لا تحسبن الذین قتلوا فی سبیل الله امواتاً بل احیاءٌ عند ربهم یرزقون»[1]

«خیال نکنید آنهایی که از راه خدا کشته می‌شوند مرده‌اند بلکه زنده‌اند و نزد خدا روزی می‌خورند».

به‌نام خداوند شهیدان و صالحین

سلام به آموزگار بزرگ شهادت امام حسین(**7**) که درس آزادگی و انسانیت را به ما[2] آموخت. سلام به حضرت مهدی منجی انسان‌ها عجل‌الله تعالی فرجه.

درود و سلام بر نایب برحقش بت‌شکن زمان حضرت آیت‌الله خمینی، درود به والدینم که تنها فرزند خود را به جبهه حق علیه باطل فرستاده‌اند

پدر و مادرم بعد از کشته شدنم مرا شهید نخوانید چرا که صفات یک شهید را[3] در خود نمی‌بینم فقط از شما خواهش می‌کنم در نمازهای یومیه مرا دعا کنید که خدا [از] گناهانم را[4] که بر اثر جهالت انجام داده‌ام ببخشاید. پدرم هر رنجی که در سنگر مزرعه تحمل می‌کنی، فقط به‌خاطر رضای خدا باشد. به تمام مومنین توصیه می‌کنم همه اعمالتان فی سبیل‌الله باشد و به دشمنان داخلی و خارجی فرصت کوچک‌ترین توطئه را ندهید. گوش به فرمان رهبر عالیقدر امام خمینی باشید. شما پیروز هستید چرا که این پیام را کلام خدا نوید می‌دهد که حق پیروز است. والدین گرامی مرا ببخشید چرا که گاهی برای مسائل جزیی شما را ناراحت می‌کردم و در ضمن از شما تقاضا می‌کنم که در مرگم بی‌تابی نکنید، زیرا با این کارتان دشمن را خوشحال خواهید[5] کرد.

1- آل عمران/ 169.

2- در اصل وصیت «بما».

3- در اصل وصیت «شهید در».

4- در اصل وصیت «گناهانم که».

5- در اصل وصیت «خواهی».

همسرم در نمازهای یومیه و با خواندن دعای کمیل در شب‌های جمعه و با شرکت در نمازهای جمعه برایم دعا کن که خدا از گناهانم بگذرد و با صبر و استقامت زینب‌گونه‌ات روحم را شادکن امیدوارم با تربیت فرزندانم اجر شهید داشته باشی.

[وصیت‌نامه‌ای دیگر]

بسم‌الله الرحمن الرحیم

خواننده محترم از اینکه امکان دارد والدین محترم از این وصیت‌نامه ناراحت شوند نزد آنها نخوانید و از همسر عزیز تقاضامندم که این وصیت‌نامه نزد شما بماند[1] اگر لیاقت شهادت داشتم آن وقت می‌توانید به آن عمل کنید در غیر اینصورت به کسی ندهید و نزد والدین نخوانید چونکه[2] هر انسان در موقع مرگ وصیت می‌کند من هم در این نامه وصیت می‌کنم، همسرم همچنانکه در وصیت هم قید کردم سعی کن تمام باقیمانده خمس را بدهید و هر سال در موقع مقرر خمس مال را حساب کنید و بپردازند در همه کارها به یاد[3] خدا باشید چون خدا بر تمام کارها ناظر است سعی کن در رسیدن نامه همان نامه‌ای که در پاکت است بخوان، و این را برایشان نخوان. در پایان پیروزی تمام رزمندگان اسلام را از خداوند بزرگ خواستارم. بیشتر از این وقت گرامی شما را نمی‌گیرم و شما را بخدای بزرگ می‌سپارم. در ضمن هر وقت خواستی وصیت‌نامه را به دیگران بدهی[4] این برگه باشد و رونوشت از روی آن بردار. به خواهرانم و دوستانم و دیگر فامیلاهایم[5] توصیه می‌کنم که در مرگم کمال بردباری و استقامت را داشته و تحمل کنید[6] چرا که مرگ امری الهی است.

از برادران مبارز کانون اسلامی بعثت می‌خواهم که دنباله‌رو رهبر کبیر انقلاب امام خمینی باشند و با تلاش خود در سنگر اسلام فرصت توطئه به دشمنان اسلام و ضد خلق ندهند.

1- در اصل وصیت «می‌ماند».
2- در اصل وصیت «از اینکه».
3- در اصل وصیت «بیاد».
4- در اصل وصیت «بدهید».
5- در اصل وصیت «فامیلانم».
6- در اصل وصیت ««استقامت را تحمل کرده».

در پایان تا آنجایی[1] که یادم هست به کسی بدهکار نیستم و اگر بدهکار بودم آن را بپردازید خمس مالم را بپردازید و تا آنجا که می‌توانید در راه خدا انفاق کنید چرا که خدا انفاق‌کنندگان را دوست دارد.

به امید پیروزی حق بر باطل بر پهنه گیتی به امامت منجی عالم بشریت حضرت مهدی(عج)[2]

درود بر خمینی رهبر کبیر انقلاب اسلامی ایران نابود باد آمریکا و شوروی و تمام ایادی آنها که در داخل کشور که علیه جمهوری اسلامی. [...][3]

[وصیت‌نامه‌ای دیگر]

«اعوذ بالله من همزات الشیاطین»[4]

بسم‌الله الرحمن الرحیم

«یا ایها الذین امنوا هل ادلکم علی تجارة تنجیکم من عذاب الیم تومنون بالله و رسوله و تجاهدون فی سبیل‌الله باموالکم[5] و انفکسم ذلکم خیر لکم ان کنتم تعلمون»[6]

«ای اهل ایمان آیا شما را به تجارتی سودمند که شما را از عذاب دردناک آخرت نجات بخشد دلالت کنم آن تجارت این است که به خدا و رسول او ایمان آورید و به مال[7] و جان در راه خدا جهاد کنید این کار از هر تجارت اگر دانا باشید برای شما بهتر است».

با سلام به پیشگاه امام زمان(عج) منجی عالم بشریت و مصلح کل و نایب برحقش امام خمینی (این ذریه پاک حضرت رسول(**6**) و فاطمه زهرا(**3**) و قائم‌مقام رهبری فقیه عالیقدر حضرت آیت‌الله منتظری[8] و با سلام و درود به ارواح مطهر شهیدان صدر اسلام تا امام حسین(**7**) و از کربلای حسین(**7**) تا تمامی شهیدان تاریخ خونبار انقلاب اسلامی

1- در اصل وصیت «آنجائی».

2- در اصل وصیت «علیه السلام».

3- خوانا نیست.

4- تحت تأثیر آیه 97 سورهٔ مؤمنون: «اعوذ بک من همزات الشیاطین».

5- در اصل وصیت «به اموالکم».

6- صف/ 11- 9.

7- در اصل وصیت «بمال».

8- ر.ک. تعلیقات. در اصل وصیت دست‌کاری شده بجای آیت‌الله منتظری نوشته‌اند آیت‌الله خامنه‌ای.

و سلام بر تمامی رزمندگان اسلام این عارفان و عاشقان حقیقی خدا و سلام بر امت حزب‌الله و شهیدپرور بخصوص خانواده معظم شهدا.

حمد و سپاس ترا ای خداوند متعال بر من منت نهادی و این سعادت را به من عطا نمودی و مرا در صف مجاهدان فی سبیل‌الله درآوردی تا به ندای حق‌طلبانه حسین زمان خمینی کبیر (که دفاع از نوامیس و حفظ ارزش‌های والای انسانی و اسلامی را واجب نمودند)[1] لبیک گویم و پای در وادی جبهه این میعادگاه عاشقان الله نهم، تا اگر در شعار گوش به فرمان رهبر هستم در عمل هم پیروش باشم و از اسلام عزیز که خونهای بسیار زیادی در راهش نثار شده است حراست و پاسداری نمایم. جنگ و جهاد نعمتی از انعام الهی است که خداوند انسان را با آن می‌آزماید و جوهره وجودی هر انسان در صحنه نبرد مشخص می‌شود. بنا به استناد آیه شریفه قرآن مجید که می‌فرماید «بر شما واجب کردم جهاد حال آنکه از آن کراهت دارید چه بسا چیزهایی که شما از آن ناخرسندید[2] و آن برای شما نعمت و سعادت است و چیزهایی که آنها را دوست می‌دارید برای شما زیان دارد»[3] در این جنگ که الطاف خداوند در آن مشهود است و خیر و سعادت دنیوی و اخروی[4] به دنبال[5] دارد شرکت کنید و دین خدا را یاری نمایید[6] تا لطف و عنایت خداوند شامل حال شما شود و از مجاهدین در راه خدا که اجری عظیم دارند باشید.

من این راه مقدس و الهی را با بینش و آگاهی صحیح و کامل انتخاب نمودم و در این راه ثابت قدم هستم، امیدوارم که مصلحت الهی بر آن باشد که ما را بپذیرد و به درگاهش قبول نماید و شهادت را نصیبم کند، شهادت را برای خود سعادت می‌دانم و به آن افتخار می‌کنم چرا که ائمه طاهرین و اولیاء خدا به آن فخر و مباهات می‌ورزیدند.

1- امام خمینی: «دفاع از مملکت اسلامی، دفاع از نوامیس مسلمین از واجبات شرعیه الهیه‌ای است بر همه ما واجب است.» (جنگ و دفاع در اندیشه امام خمینی، تبیان دفتر، بیست‌وچهارم، ص 153).

2- در اصل وصیت «ناخوش دارید».

3- ترجمه بخشی از آیه 216 سورهٔ بقره: «عسی ان تحبوا شیئاً و هو شر لکم».

4- در اصل وصیت «آخروی».

5- در اصل وصیت «بدنبال».

6- در اصل وصیت «نمائید».

ای امت حزب الله و شهیدپرور پیام من به‌عنوان یک بسیجی رزمنده به شما این است که تقوی را در رأس امور قرار دهید و همیشه پشتیبان ولایت فقیه و پیرو خط امام که همان خط حقیقی و اصیل اسلامی است بوده و همیشه در این راه ثابت قدم و استوار باشید، تا انقلاب اسلامی و ولایت فقیه از آسیب در امان بماند بنا به مصداق آیه شریف «**اطیعوا الله و اطیعوا**[1] **الرسول و اولی الامر منکم**»[2] از خدا و رسول و ائمه اطهار و اولی‌الامر یعنی از نماینده به حق[3] ایشان که هم اکنون امام امت می‌باشد اطاعت نمایید[4] که اطاعت کردن از ایشان موجب خشنودی خداوند و امام زمان خواهد شد و خدای نکرده اگر در این کار قصور بورزید به ضلالت و گمراهی کشیده خواهید شد.

در تجلی‌گاه وحدت نماز جمعه و جماعات شرکت نموده و این سنگرها را پر کنید که دشمن از آن بسیار خوف دارد و در دعاهای انسان ساز کمیل و توسل و مجالس مذهبی دیگر، شرکت جسته و برای تعجیل ظهور آقا امام زمان(عج) و سلامتی امام امت و پیروزی رزمندگان دعا کنید. برادر و خواهر مسلمان [از] صِلهٔ رحم، به‌خصوص خانواده‌های معظم شهدا [را] فراموش نفرمایید،[5] چرا که «این خانواده‌ها بنا به فرمایش امام چشم و چراغ این امتند»[6] و یتیمان شهدا را دلجویی و همچون فرزندان خود عزیز و گرامی بدارید.

ای برادران حزب‌الله بسیجی حضور شما در پایگاه مقاومت باعث تقویت روحیه برادران شما در جبهه و مایه یأس و نومیدی منافقین[7] کوردل و دشمنان داخلی در شهر خواهد بود، پس تلاش نمایید[8] که این سنگر را حفظ نمایید[9].

ای همکاران فرهنگی و معلمین عزیز دانش‌آموزان به منزله امانت در دست شما هستند و قلب‌های آنان همچون آینه پاک و صاف است، قلب‌هایشان را با تعلیم و تربیت اسلامی

1- در اصل وصیت «اطیعو».
2- نساء/ 54.
3- در اصل وصیت «بحق».
4- در اصل وصیت «نمائید».
5- در اصل وصیت «نفرمائید».
6- صحیفه امام، ج 14، ص 80.
7- ر.ک. تعلیقات.
8- در اصل وصیت «نمائید».
9- در اصل وصیت «نمائید».

به نور ایمان منور سازید، تا در آینده پاسدار و حافظ انقلاب باشند دانش‌آموزان عزیز: سنگر تعلیم و تربیت را حفظ نمایید[1] و همیشه تربیت را مقدم بر تعلیم بدانید. با حفظ سنگر مدرسه از جبهه فراموش نکنید چون به فرمایش امام بزرگوار «جنگ در رأس امور است و مقدم بر همه کارهاست».[2]

والدین عزیزم می‌دانم که شهادت من [برای شما] که تنها پسر خانواده هستم برایتان مشکل است ولی در عوض می‌دانم که تمام برادران حزب‌الله بسیجی به‌عنوان فرزند شما بوده و در کارها و مشکلات یاریتان خواهند کرد. من به‌عنوان امانت در خدمت شما بوده و این امانت را به صاحب اصلی تحویل داده‌اید و از خدا بخواهید که امانت شما را بپذیرد. شما را از گریه منع نمی‌کنم، ولی بر مظلومیت سرور شهیدان آقا امام حسین(7) بگریید و از اینکه زحمات زیادی برایم کشیده‌اید و مرا اینگونه تربیت نموده‌اید که این راه را انتخاب کنم، تشکر می‌کنم هرچند که من لایق این تشکر نبوده و عاجزانه از خداوند تمنا دارم که شما [را][3] در زمرهٔ صالحین و مؤمنین در دنیا و آخرت قرار دهد.

و شما ای خواهران عزیزم سعی کنید الگوی خود را در زندگی حضرت فاطمه زهرا(3) قرار دهید و درس ایمان، فداکاری، صبر و استقامت را از او بیاموزید و با تربیت اسلامی و صحیح [خود] به فرزندانتان[4] آنها را افرادی شایسته برای جامعه اسلامی ببار آورید از شما تقاضا دارم که والدین را لحظه‌ای تنها نگذارید و با کمک به ایشان آنان را دلجویی[5] نمایید.[6]

[و تو] ای همسرم در مدت زندگی همسری شایسته نبودم و در مواقع بسیار زیاد شما را نگران نمودم امیدوارم مرا ببخشید و از خدا بخواهید که مرا در زمره شهدا قرار دهد باید در مصائب و مشکلات همچون زینب(3) صابر باشید لحظه‌ای از تربیت فرزندان غافل

1- در اصل وصیت «نمائید».
2- صحیفه امام، ج 20، ص 321.
3- در اصل وصیت «شما در».
4- در اصل وصیت «فرزندتان».
5- در اصل وصیت «دلجوئی».
6- در اصل وصیت «نمائید».

نشوی و از اینکه شما الحمدالله در مشکلات صابری خوشحالم تمنا دارم با والدینم مهربان باشی.

و شما ای فرزندان عزیز هادی و مهدی جان از شما می‌خواهم وقتی بزرگ شوید در سنگر مدرسه تلاش نموده و علوم اسلامی را بیاموزید چون جامعه اسلامی به شما نیاز دارد و این را بگویم که جبهه را فراموش نکنید، شاید سؤال کنید که مگر جنگ تا آن زمان که ما بزرگ شویم خاتمه نمی‌یابد؟ ولی باید بدانید تا ظهور حضرت مهدی(عج) نبرد با دشمنان اسلام و مسلمین ادامه دارد امروز کربلا در انتظار رزمندگان است فردا و فرداهای دیگر قدس[1] عزیز باید حافظ و پاسدار انقلاب اسلامی باشید.

[وصیت‌نامه‌ای دیگر]

بسم‌الله الرحمن الرحیم

«ان الله یحب الذین یقاتلون فی سبیله صفاً کانهم بنیان مرصوص»[2]

«خدا آن مومنان را که در صف جهاد و کافران مانند سد آهنین همدست و پایدارند بسیار دوست می‌دارد».

در دریای خون شنا کنید تا به ساحل حق برسید. امام علی(**7**)

مکتبی که شهادت دارد اسارت ندارد.[3] (امام خمینی)

سلام بر انبیاء خدا و ائمه معصومین و سلام بر آموزگار بزرگ شهادت امام حسین(ع) که درس چگونه قیام کردن را به ما انسان‌های تاریخ آموخت و سلام بر آخرین پیشوای بشریت و مصلح کل که خداوند هر چه زودتر بر ظهورش تعجیل بفرماید.

درود بر مجاهد کبیر، بت‌شکن دوران، درهم کوبنده ستمگران، یاور مستضعفان، پیر جماران، حضرت آیت‌اله العظمی امام خمینی که خداوند تا ظهور حضرت مهدی(عج) او را برای امت اسلام نگه دارد.

1- ر.ک. تعلیقات.

2- صف/ 4.

3- عین این عبارت در آثار امام یافت نشد اما امام در عبارتی مشابه این می‌فرماید: «ملتی که شهادت برای او سعادت است پیروز است» (صحیفه امام، ج13، ص717).

درود بر کلیه شهدا از هابیل[1] تا شهدای اُحُد[2] و کربلا و از شهیدان کربلا تا شهدای هفتم تیر[3] و کربلاهای جنوب و غرب ایران و درود بر خانواده آنان که خداوند به همهٔ آنان صبر جمیل و اجر جزیل عنایت بفرماید.

درود بر شما پدر که ابراهیم‌وار یگانه فرزند[4] خود به قربانگاه عشق فرستاده و سلام بر تو مادر که یگانه هدیه خود نثار حق‌تعالی نمودید. هنگامی که خبر شهادت فرزندتان به شما می‌رسد دست‌ها را به‌سوی آسمان بلند کرده و از خدا بخواهید که این قربانی و هدیه را بپذیرد و دعا کنید از خدا از گناهانم بگذرد ولی می‌دانم با صبر و استقامت شما مرا خوشحال نموده و بدانید در جهان آخرت بقای شما در بهشت برین[5] می‌باشد.

امروز روز امتحان است روز دیدار عاشق با معشوق و روز لبیک گفتن به «هل من ناصر ینصرنی»[6] حسین زمان، باید اسلام را با خون خود آبیاری کنیم زیرا تمامی کفر بر علیه اسلام برخاسته‌اند و شما رزمندگان با تمام توان بر دشمن یورش برید تا آخرین ضربات خود را بر شیطان بزرگ آمریکا جهانخوار فرود آرید که لحظات پیروزی بسیار نزدیک است.

و شما جوانان حزب‌اله محلات مبادا در بستر ذلت بمیرید از دنیای مادی و فانی دست بردارید و به سوی جبهه‌ها بشتابید و با قطرات خون خود اسلام و قرآن را یاری دهید بدانید که با این عملتان فردای قیامت نزد خداوند باریتعالی اجری عظیم دارید.

و شما امت حزب‌اله همیشه در صحنه با تمام توان اسلام را یاری دهید همچنانکه تاکنون به جبهه‌ها کمک می‌نمودید حال هم از مالتان برای جبهه‌ها دریغ نورزید لازم است به‌عنوان یکی از کوچکترین سربازان امام زمان(عج) نکاتی چند [را] متذکر شوم.

1- اطاعت از ولایت فقیه (که محکم‌ترین کانال ارتباطی بین خالق و خلق در زمان غیبت می‌باشد). امری واجب و لازم می‌باشد گوش به فرمان رهبر باشید و مبادا خدا نکرده امام را

1-.ر.ک. تعلیقات.

2-.ر.ک. تعلیقات.

3-.ر.ک. تعلیقات.

4- ر.ک. تعلیقات ذیل اسماعیل.

5- در اصل وصیت «بحرین».

6- ر.ک. تعلیقات.

تنها بگذارید اگر چنین شود اسلام را تنها گذاشتید و از روحانیت مبارز در خط امام حمایت کنید چرا که به فرموده امام هر چه داریم از روحانیت داریم.

2- از شرکت در نماز جمعه این نماز سیاسی و عبادی غفلت نکرده و دعای کمیل، ندبه، توسل را بپا داشته و بیشتر به دعاها متوسل شوید زیرا که «سلاح مؤمن دعا است»[1] و با دعاهای نیمه‌شب شما عزیزان پیروزی به رزمندگان از جانب خدا عطا می‌شود.

3- حساب مال و خمس را فراموش نکرده و از انفاق کردن در راه خدا کوتاهی نکنید.

4- تقوی خدا پیشه کنید همیشه بیاد خدا بوده و همه کارها را به‌خاطر رضایت خدا انجام دهید.

5- همکاری با جهاد سازندگی، سپاه و بسیج را فراموش نکنید. بسیج‌های مقاومت را هرچه بیشتر متشکل نموده و از اختلافات بیهوده پرهیز کنید. هرچه بیشتر جبهه‌ها را پرکنید. چرا که جنگ ما تنها با رژیم مزدور عراق پایان نمی‌گردد برای اینکه این درس را از قرآن می‌آموزیم که می‌فرماید: «**وقاتلوا**[2] **ائمه الکفر حتی لاتکون فتنه و یکون الدینُ لِلّه**»[3] «بکشید کافران را تا دین منحصر به خدا شود و فتنه‌ای در جامعه نباشد». پس تا برقراری نظام جمهوری اسلامی جهان نباید از پای نشست و باید به مبارزه ادامه داد.

6- با حضور در صحنه کوچکترین فرصت به منافقین و کلیه گروهک‌های ضد ولایت فقیه ندهید و این کوردلان بدانند با شهادت شهیدان محراب و دیگر شهدای تاریخ خونبار اسلام است که حزب‌اله هوشیارتر شده و با پیروزی نهایی از پای نخواهد نشست.

پیام من به همسرم این است که اگرچه در زندگی برایت همسری آنگونه که تو قابل بودی نبودم و آنچه لازم همسرداری بود نیاوردم ولی مرا ببخش و از خدا بخواه که از گناهانم بگذرد و با تربیت فرزندانمان امیدوارم که در جهان آخرت در ردیف شهدا محشور گردی.

پیام من به همشیره‌هایم این است که به‌جای گریه بر من بر امام حسین(**7**) گریه کنید که ما هرچه داریم از حسین(**7**) است و در دعای کمیل هم می‌خوانیم که اسلحه مومن گریه است. و در تربیت فرزندانشان بکوشند و صبر زینب‌گونه داشته و والدین را لحظه‌ای

1- رسول اکرم (وسائل الشیعه، ج7، ص38).

2- در اصل وصیت «قاتلوهم».

3- بقره/ 193.

تنها نگذاشته و آنان را در امر کشاورزی و همه کارها یاری دهید. معلمین مسئول و متعهد بدانند که فرزندان اسلام به‌عنوان امانت هستند در حفظ و نگهداری این امانات سعی و کوشش کنید و دانش‌آموزان عزیز سنگر مدرسه را حفظ کرده و فرصت توطئه به منافقین[1] ندهید و در یاد گرفتن علوم دینی و اجتماعی سعی و کوشش بنمائید.

مبلغ 500 تومان به‌عنوان رد مظالم و از مبلغ پولی که موجود است مقدار 1/5 آن را به جبهه‌های جنگ کمک کنید. و هر مقدار کتاب‌هایی که در خانه لازم نیست به کتابخانه استاد شهید مطهری محلات اهداء گردد.

7- از زیارت قبور شهدا حداقل هفته‌ای یکبار فراموش نشود چرا که شهدا با خون خود اسلام را زنده کردند.

8- از کمک جنسی و معنوی و مالی به حزب جمهوری کوتاهی نفرمایید برای این که در این چهار سال بعد از پیروزی انقلاب نقش این حزب و شهدای این حزب در تاریخ اسلام برای کسی پوشیده نیست.

9- از بنیاد شهید تقاضا می‌کنم «در صورت امکان خانواده شهدا را برای بازدید به جبهه‌های جنگ به‌خصوص شهر خرمشهر بیاورند».[2] بدانند عزیزان با عنایت خدا و نثار کردن قطرات خونشان چگونه این آن شهر را آزاد کردند.

در پایان از خدا می‌خواهم جنگیدن در میدان نبرد همچون حضرت علی(**7**) و قیامی همچون حضرت حسین(**7**) و ایثاری همچون حضرت عباس(**7**) به ما عنایت نماید. برقرار باد پرچم عدل اسلامی و امیدوارم هرچه زودتر این پرچم بر فراز بیت‌المقدس توسط رزمندگان اسلام و با عنایت خداوند به اهتزاز درآید. نابود باد کلیه شیطان و ابرقدرت‌های شرق و غرب به سرکردگی آمریکا.

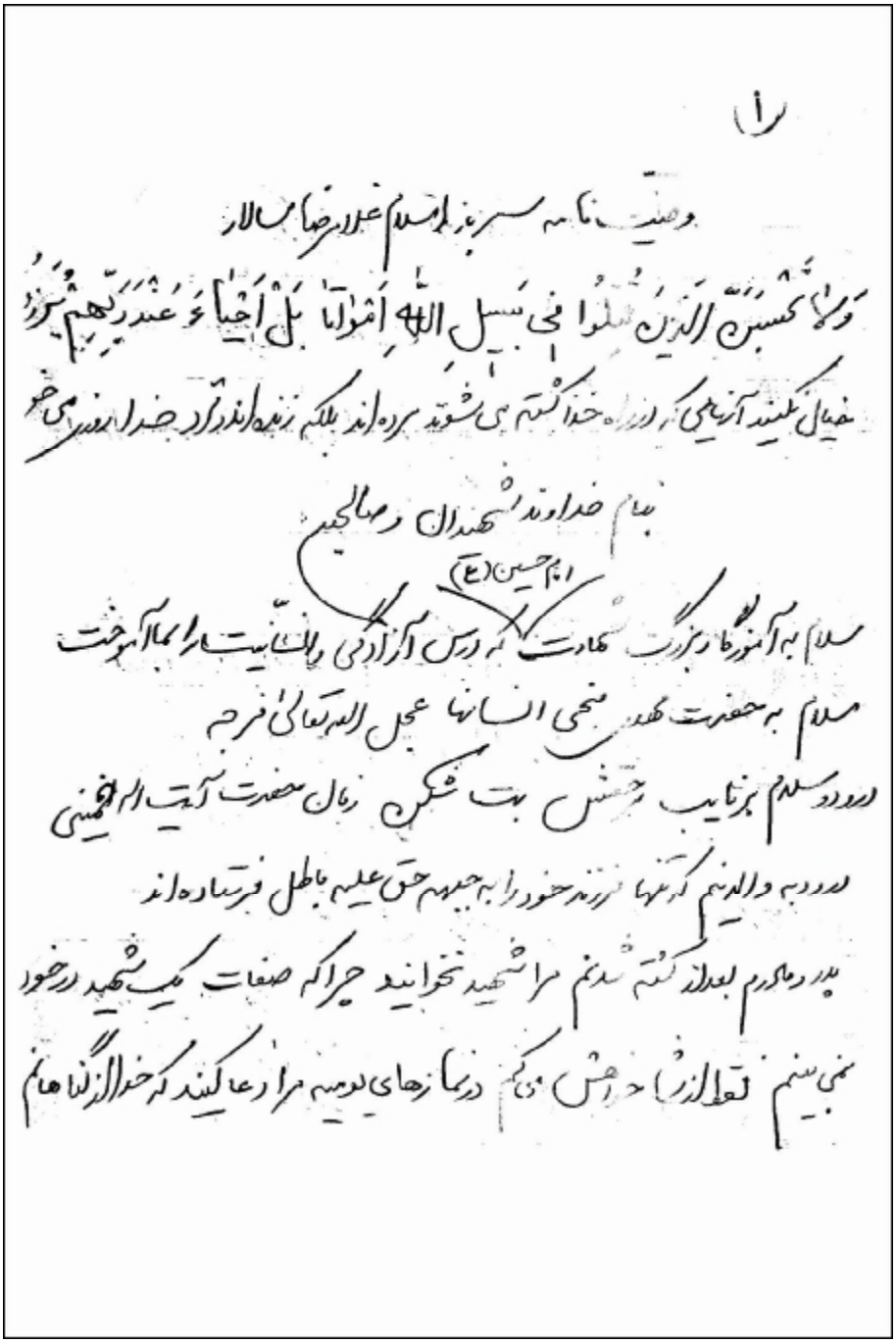
به امید دیدار تا روز قیامت

فرزند شما، علیرضا سالار

61/8/3

1- ر.ک. تعلیقات.

2- پیشنهاد شهید در برپایی و دائر کردن کاروان‌های راهیان نور فضل تقدم دارد.



(۱)

وصیت نامه سرباز اسلام علیرضا سالار

وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ

خیال نکنید آنهایی که در راه خدا کشته می شوند مرده اند بلکه زنده اند نزد خداوند روزی می خورند

بنام خداوند شهیدان و صالحین

امام حسین (ع)

سلام به آن مرد بزرگ که درس آزادی و انسانیت را برای ما آموخت

سلام به حضرت مهدی منجی انسانها عجل الله تعالی فرجه

درود و سلام بر نایب برحق بت شکن زمان حضرت آیت الله خمینی

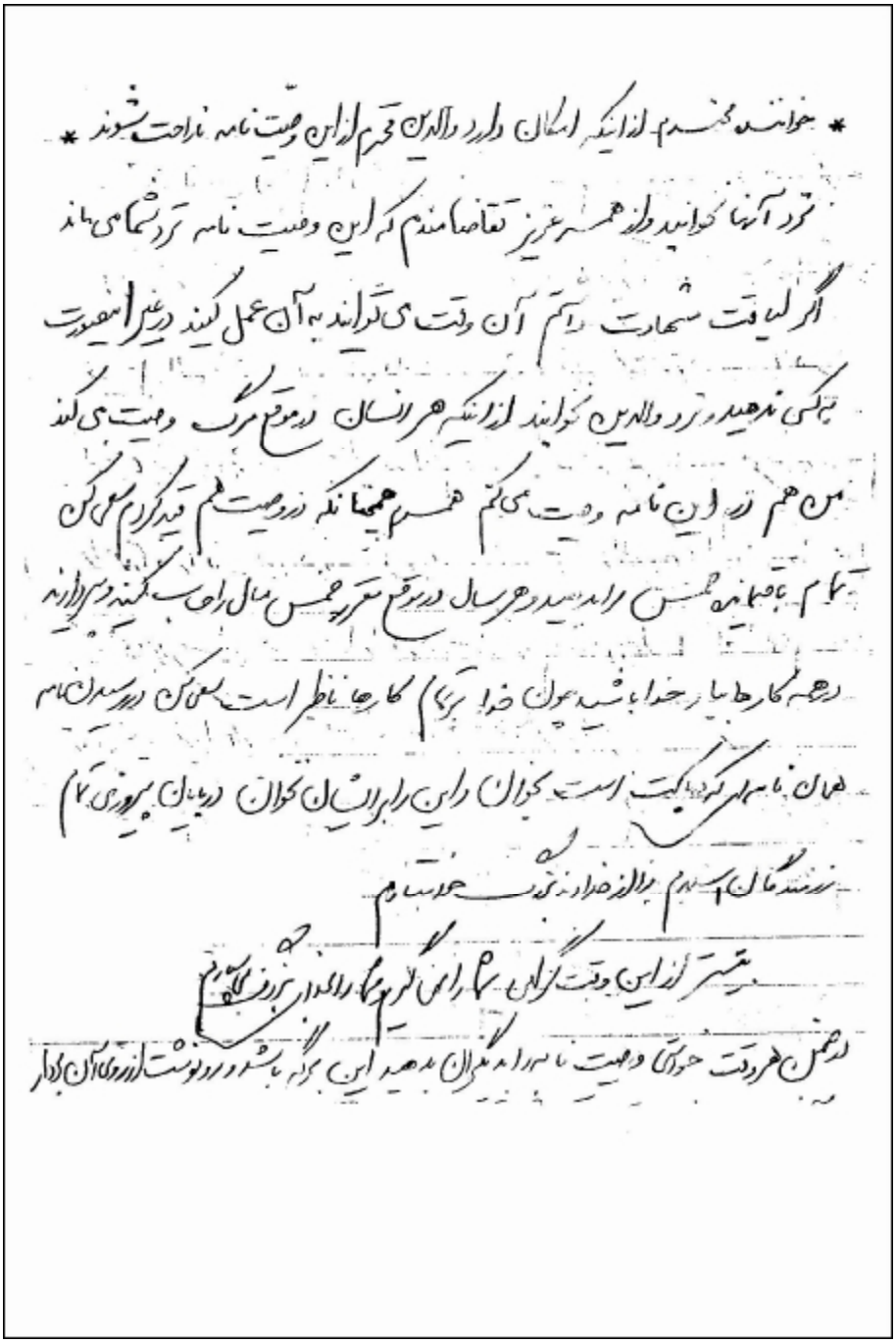
درود به والدینم که تنها فرزند خود را به جبهه حق علیه باطل فرستاده اند

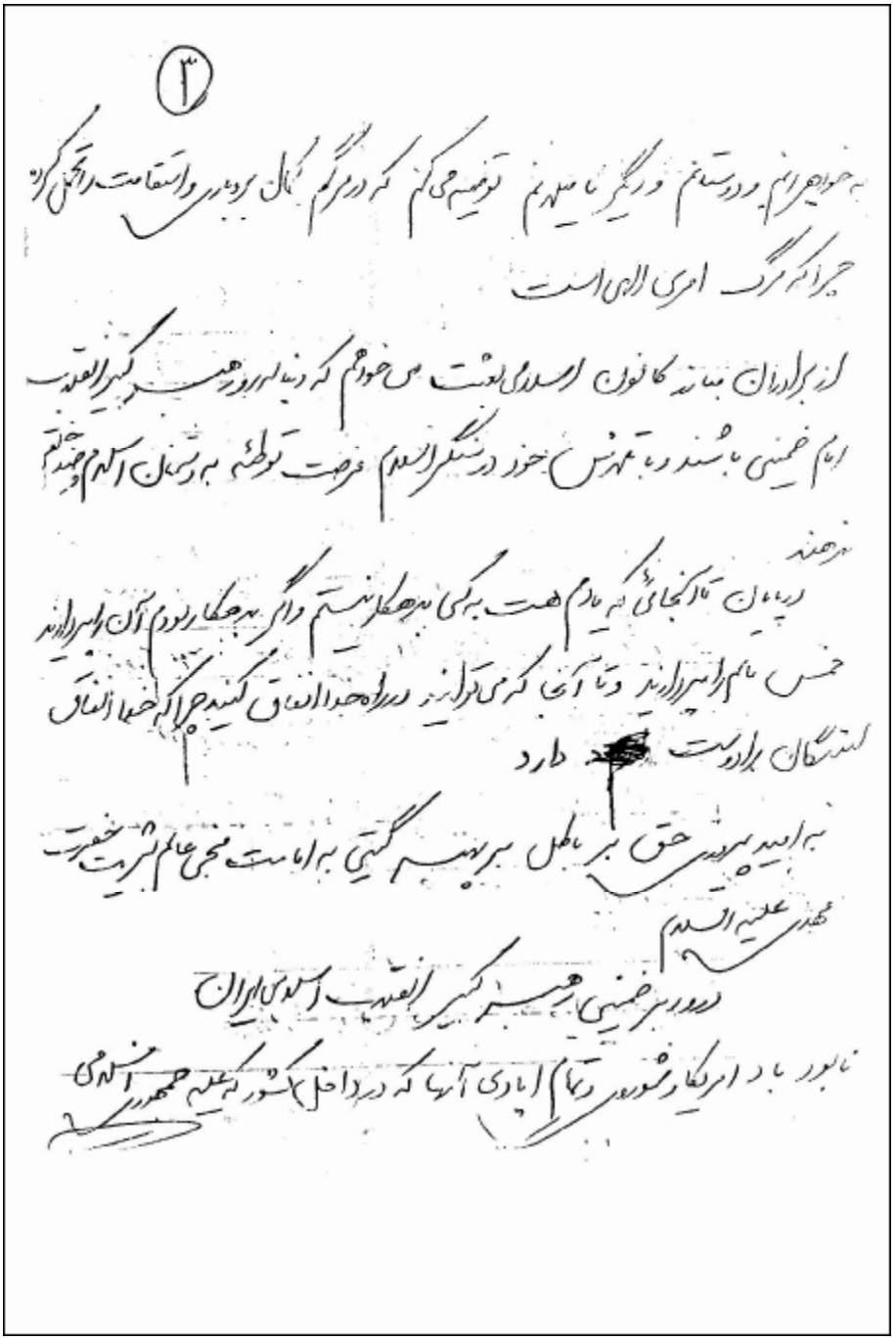
پدر و مادرم بعد از کشته شدنم مرا شهید نخوانید چرا که صفات یک شهید در خود

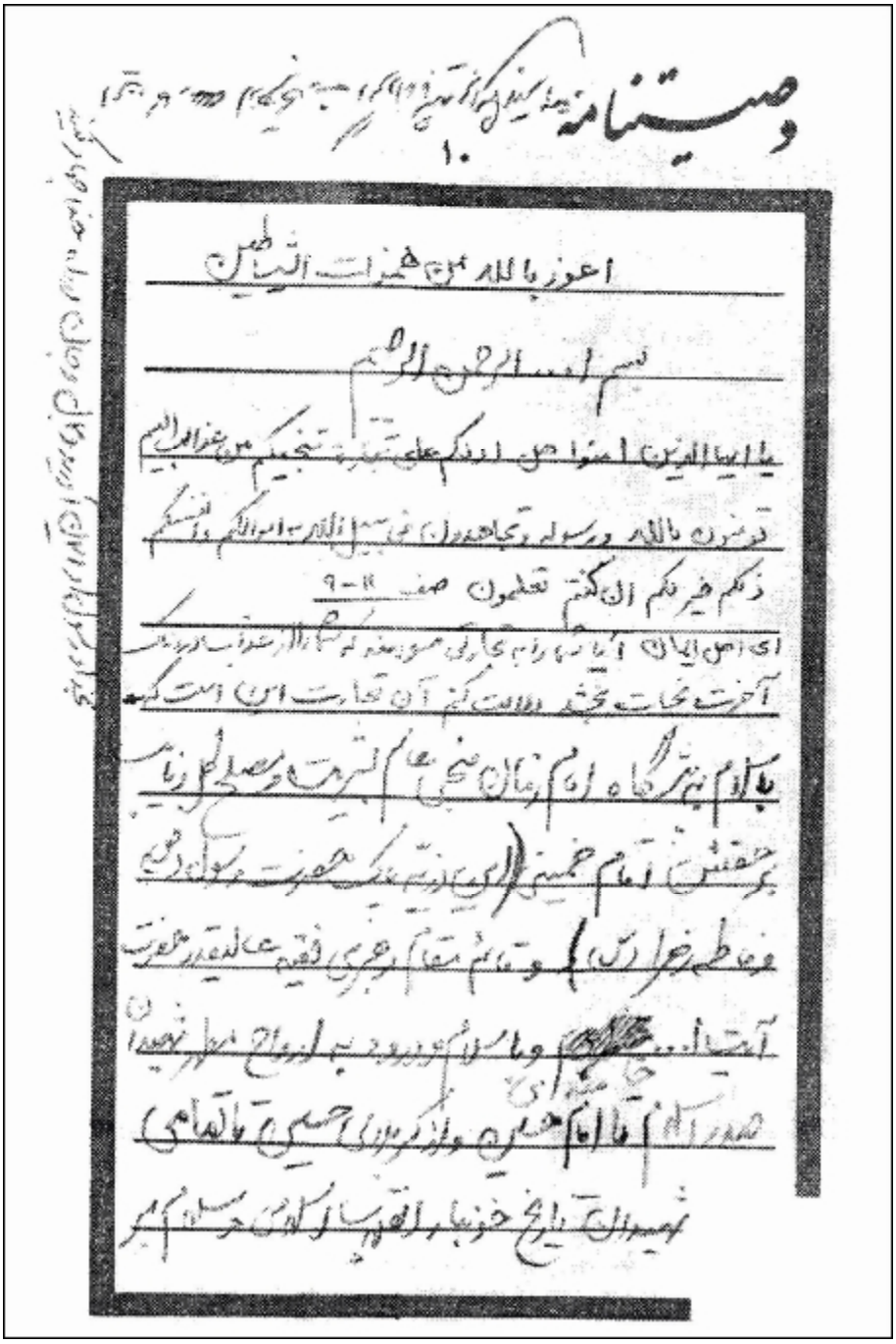
نمی بینم تقاضا دارم که در نمازهای یومیه مرا دعا کنید که خدا از گناهانم

۲

که از جهالت انجام داده‌ام ببخشاید پدرم هر رنجی که در سنگر مرزعه
تحمل می‌کنی فقط نجی طر رضای خدا باشد به تمام مومنین تقدیم می‌کنم همه اعمالمان
فی سبیل الله باشد مردم شریف داخلی و خارجی فرصت کوچکترین توطئه را ندهید
گوش بفرمان رهبر عالیقدر امام خمینی باشید شما پیروز هستید چرا که این پیام
را کلام خدا نوید می‌دهد که حق پیروز است والدین گرامی مرا ببخشید چرا که
گاهی برای مسائل جزئی شما را ناراحت می‌کردم و در ضمن از شما تقاضا می‌کنم که در سوگ من
تابی نکنید زیرا با این کار دشمن را خوشحال خواهی کرد
همسر عزیزم نمازهای یومیه و با خواندن دعای کمیل در شبهای جمعه و با شرکت در نمازهای
جمعه برایم دعا کن که خدا از گناهانم بگذرد و به صبر و استقامت بپیوندی گرنه ات روحم را شاد کن
امیدوارم با ترفیع فرزندانم اجر شهید داشته باشی







وصیتنامه

۱۰

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم

بسم الله الرحمن الرحیم

یا ایها الذین امنوا هل ادلکم علی تجارة تنجیکم من عذاب الیم

تومنون بالله ورسوله وتجاهدون فی سبیل الله باموالکم وانفسکم

ذلکم خیر لکم ان کنتم تعلمون صف ۱۱-۹

ای اهل ایمان آیا شما را راهنمایی کنم بر تجارتی که شما را از عذاب دردناک

آخرت نجات بخشد و دلالت کنم آن تجارت این است که

باید ایمان بیاورید به خدا و رسول او و جهاد کنید در راه خدا

با مالهای خود و جانهای خود این برای شما بهتر است اگر بدانید

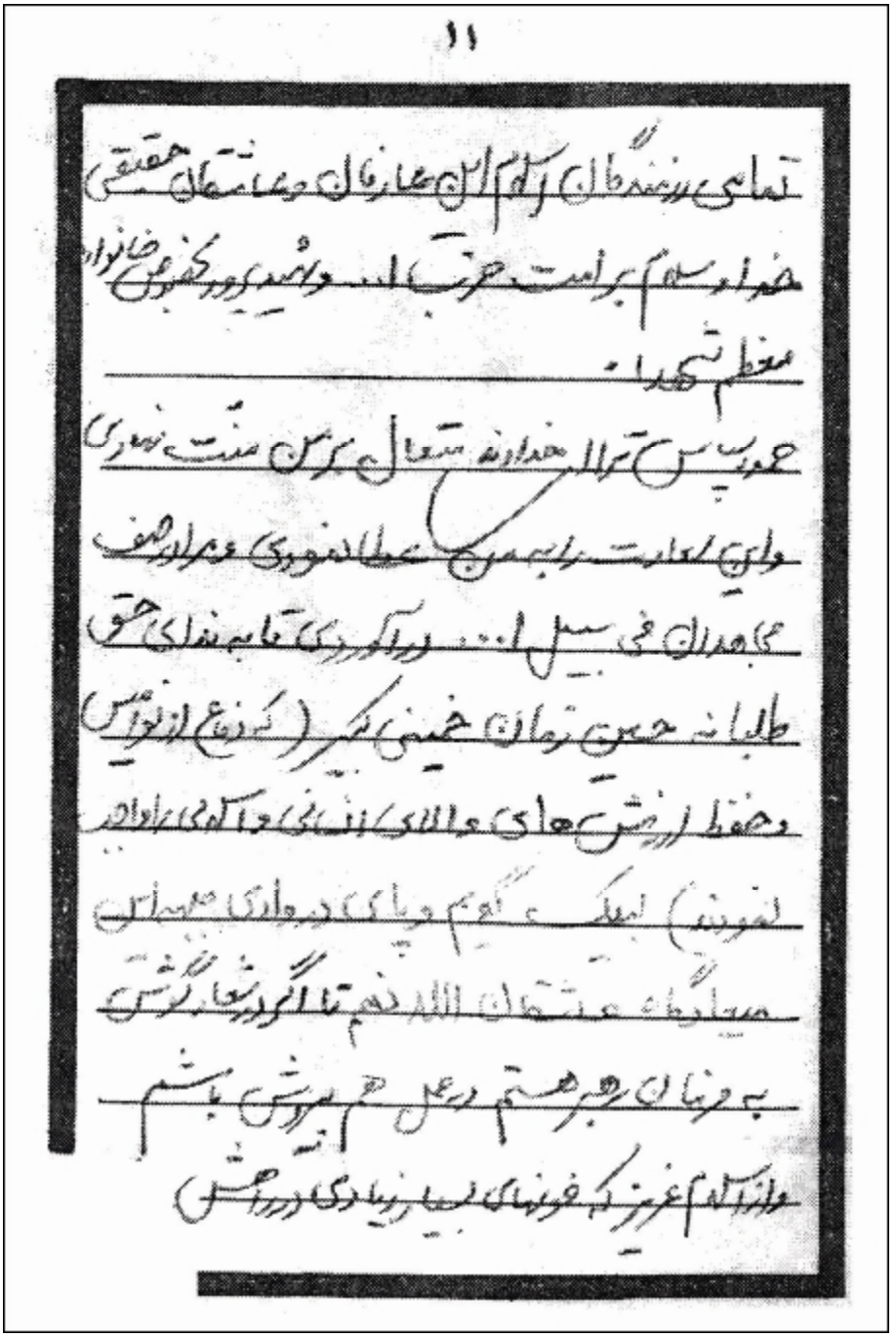
بر حقیقت تمام جمله ای که در این تبرک جسته ام سوگند می خورم

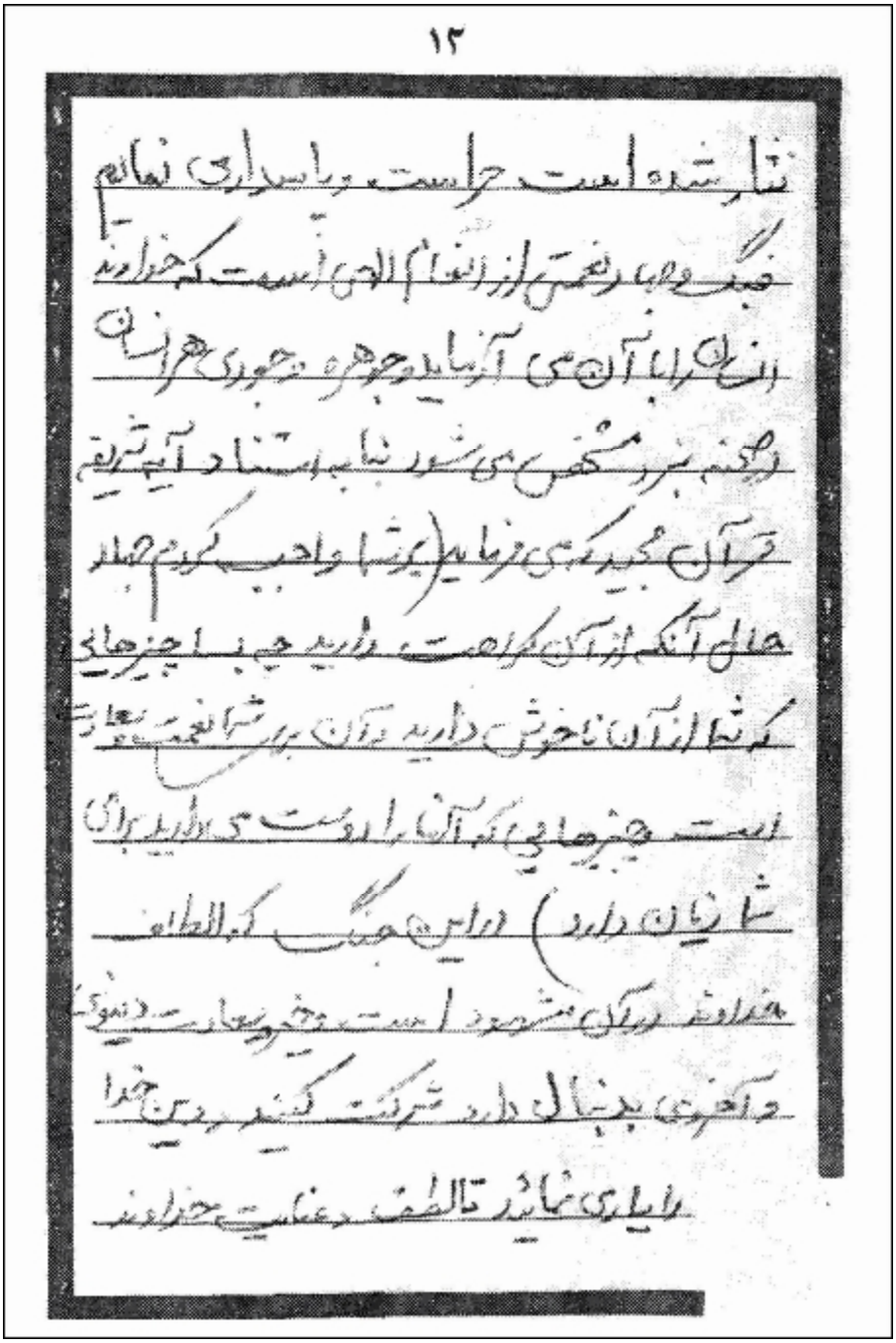
به خط خدا (ج) و تا این مقام بعبری فقیه عالیقدر حضرت

آیت الله [redacted] و سلام و درود بر ارواح مطهر شهدا

صدر اسلام تا امام شهید و لذکر بزرگوار حسین تا قیامی

شهدای تاریخ خونبار انقلاب اسلامی بر

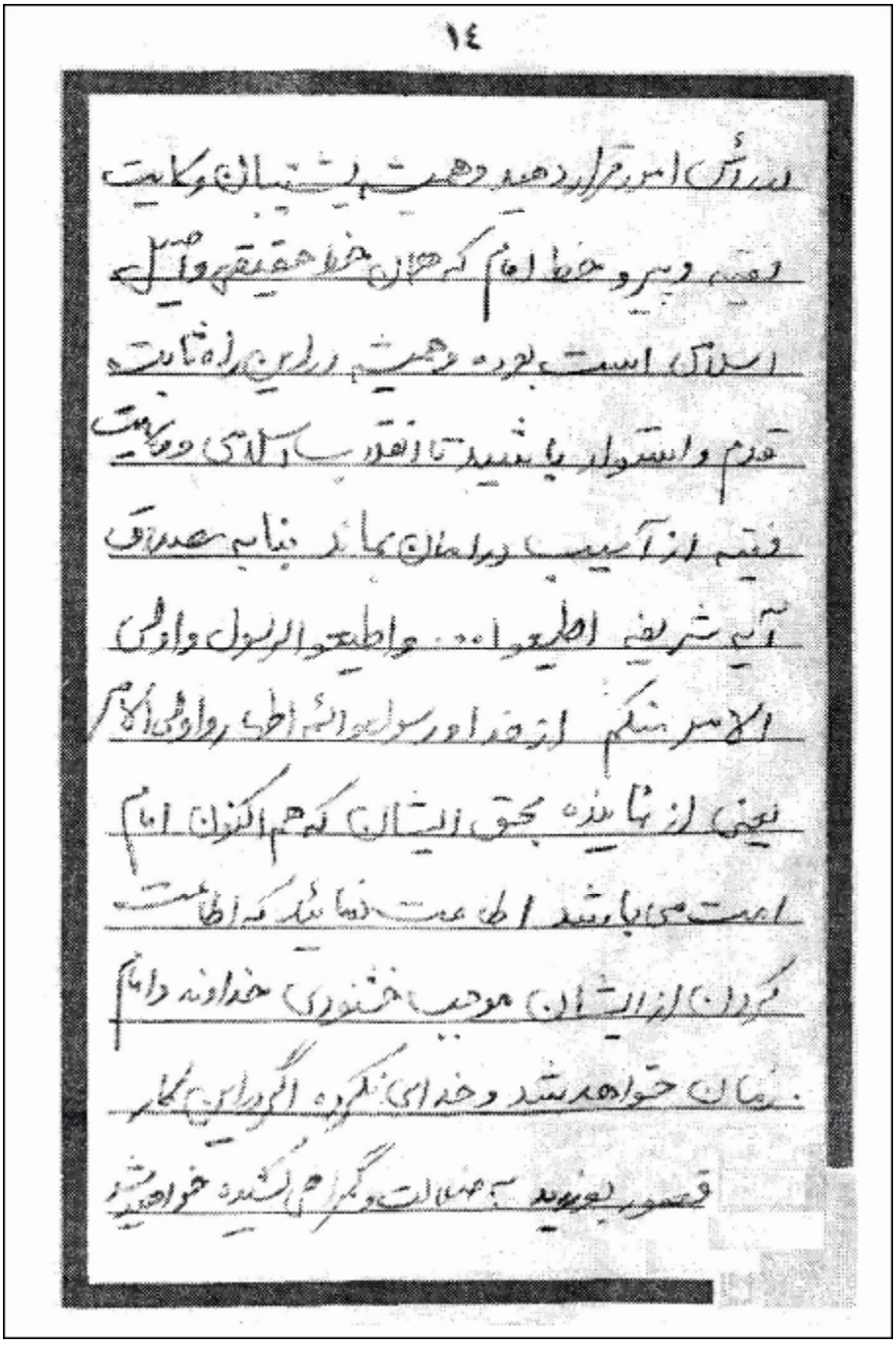




۱۲

نگاشته است حراست و پاسداری نمایم
جنگ و جهاد یکی از اقسام الهی است که خداوند
انسان را با آن می آزماید جوهره و جودی هر انسان
را جنگ بطور مشخص می شود بنابراستناد آیه شریفه
قرآن مجید که می فرماید (چه شاید واجب کردم جهاد
حال آنکه او بر شما کراهت دارید چیزهایی
که شما از آن ناخوش دارید و آن بر شما نعمت بعادت
است چیزهایی که آن را دوست می دارید برای
شما زیان دارد) و این جنگ که الطاف
خداوند بر یک مشهود است و خیر و سعادت دنیوی
و آخروی بدنبال دارد شرکت کنید و دین خدا
را یاری نمایید تا لطف و عنایت خداوند

شامل حال شما شود و از مجاهدین در راه خدا که
اجری عظیم دارند باشید.
من این راه مقدس و الهی را با نیش و آگاهی
صحیح و کامل انتخاب نمودم و در این راه ثابت
قدم هستم امیدوارم که مصلی الهی بر آن
باشند که ما را بپذیرند و به ما رنگ خوش قبول نمایند
و شهادت را نصیب کنند شهادت را برای خود
سعادت می دانم و به آن افتخار می کنم چرا که
ائمه طاهرین و اولیا خدا به آن فخر می کنند
می فرمودند
ای امت حزب الله رشید و سلام من بعنوان
یک پیغام رسانه به شما این است که تقوی را



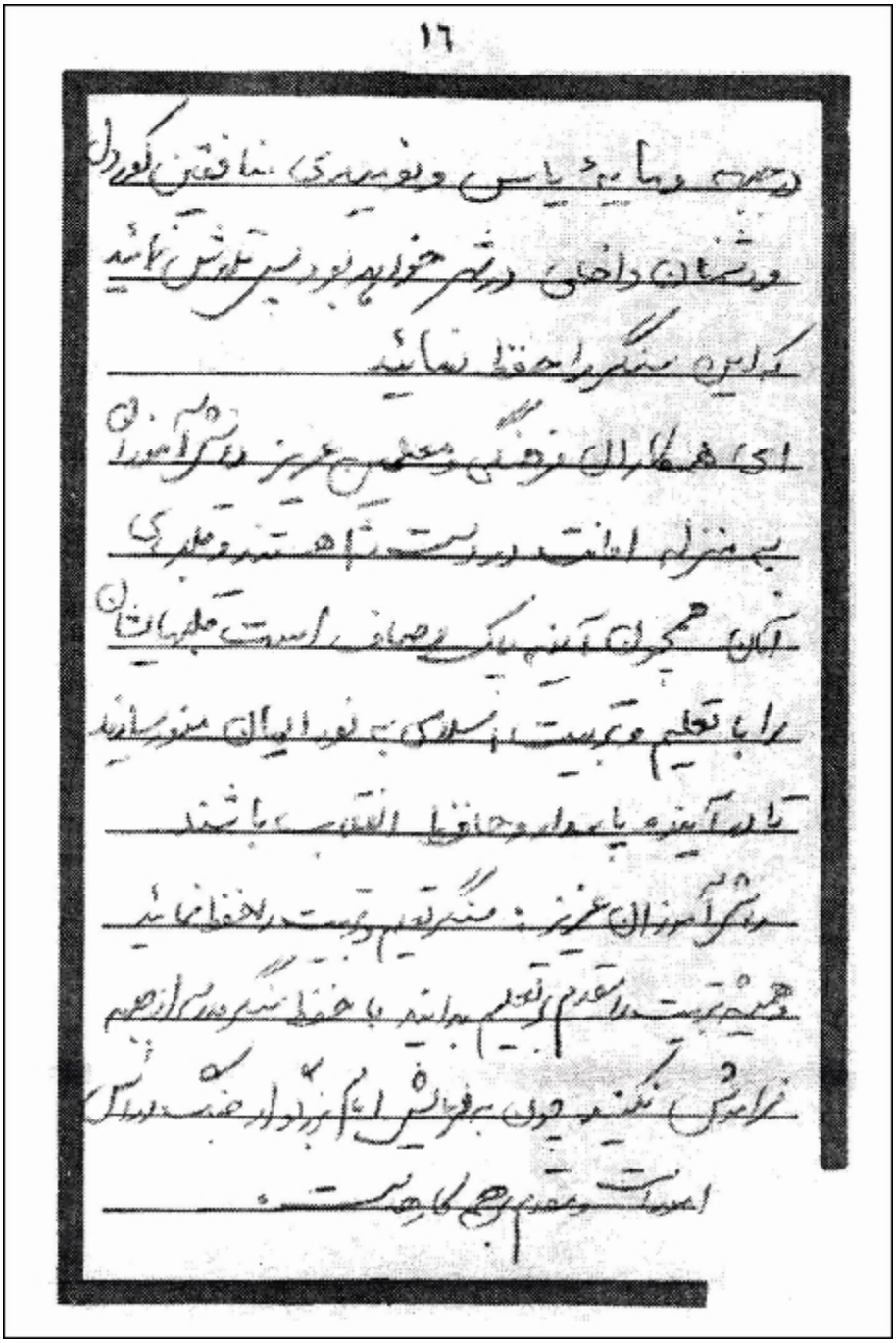
۱۴

در رأس امور قرار دهید دعوت پشتیبان و کلیت
رهبر و پیرو خط امام که همان خط حقیقی و اصیل
اسلام است بوده و هست و راین راه ثابت
قدم و استوار باشید تا انقلاب اسلامی و ملت
قهرمان از آسیب دشمنان بماند بنابر مصداق
آیه شریفه اطیعوا... واطیعوا الرسول واولی
الامر منکم از خدا و رسول او اطاعت و اولی الامر
یعنی از نماینده بحق آنان که هم اکنون امام
امت می‌باشد اطاعت نمائید که اطاعت
کردن از ایشان موجب خشنودی خداوند دائم
زمان خواهد شد و خدای نکرده اگر در این کار
قصور بورزید ناملایمات و گرفتاری آینده خواهید شد

۱۵

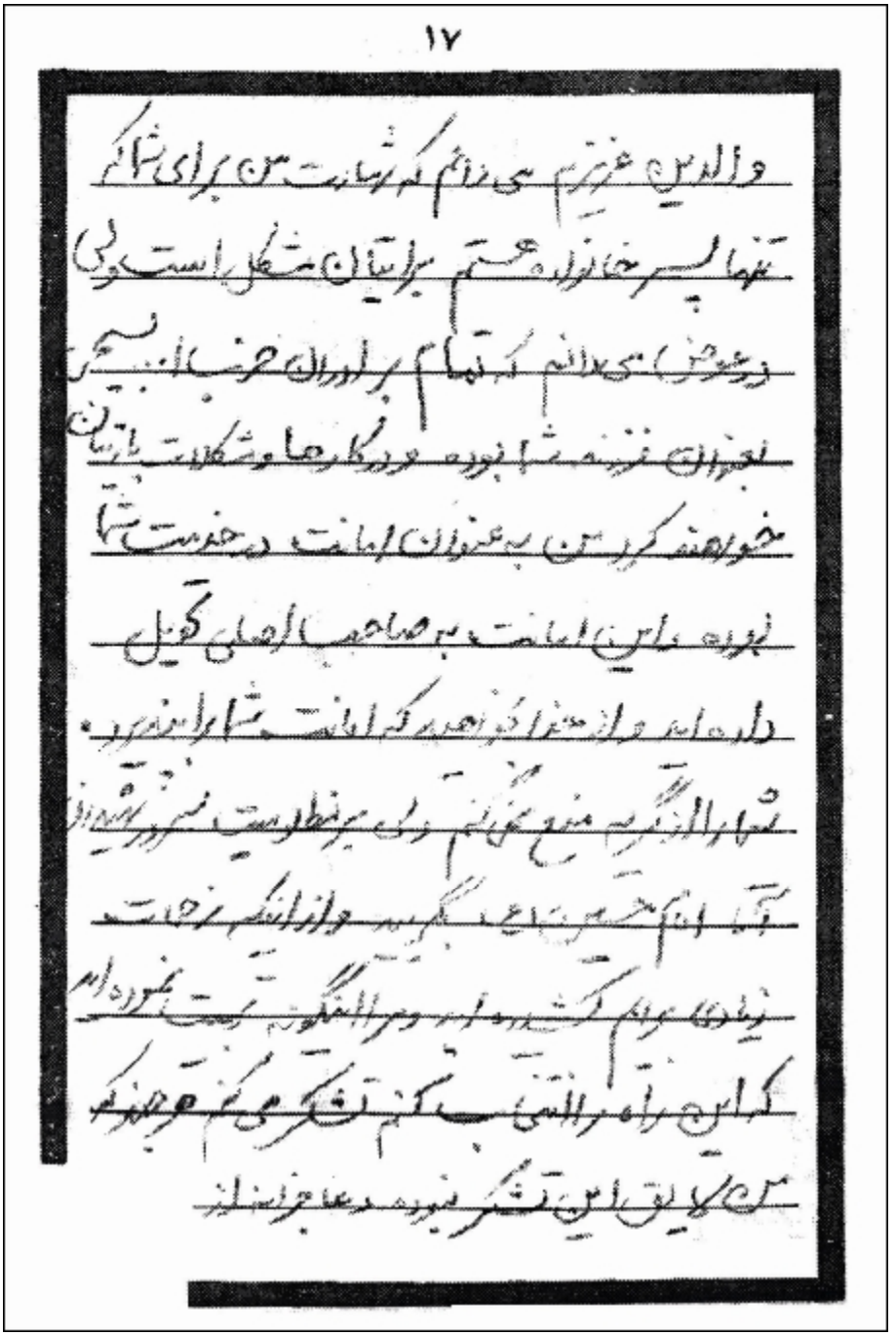
در تجلی گاه وحدت نماز جمعه و جماعات شرکت نمودم
و این سنگر را پر کنید که دشمن از آن بسیار خوف دارد
و در دعاهای بعد از نماز تکمیل و توسل و مجالس مذهبی
دیگر شرکت جسته و برای تعجیل ظهور آقا امام زمان
و سلامتی امام امت و همه رزمندگان دعا
کنید برادر خواهر مسلمان از صدر تا ذیل کشور
خانواده های معظم شهدا فراموش نفرمائید چرا که
این خانواده ها نیاز به فرمایش امام خمینی و عزیز
استند و یتیمان شهدا همچون فرزندان خود عزیز
و گرامی بدارید.

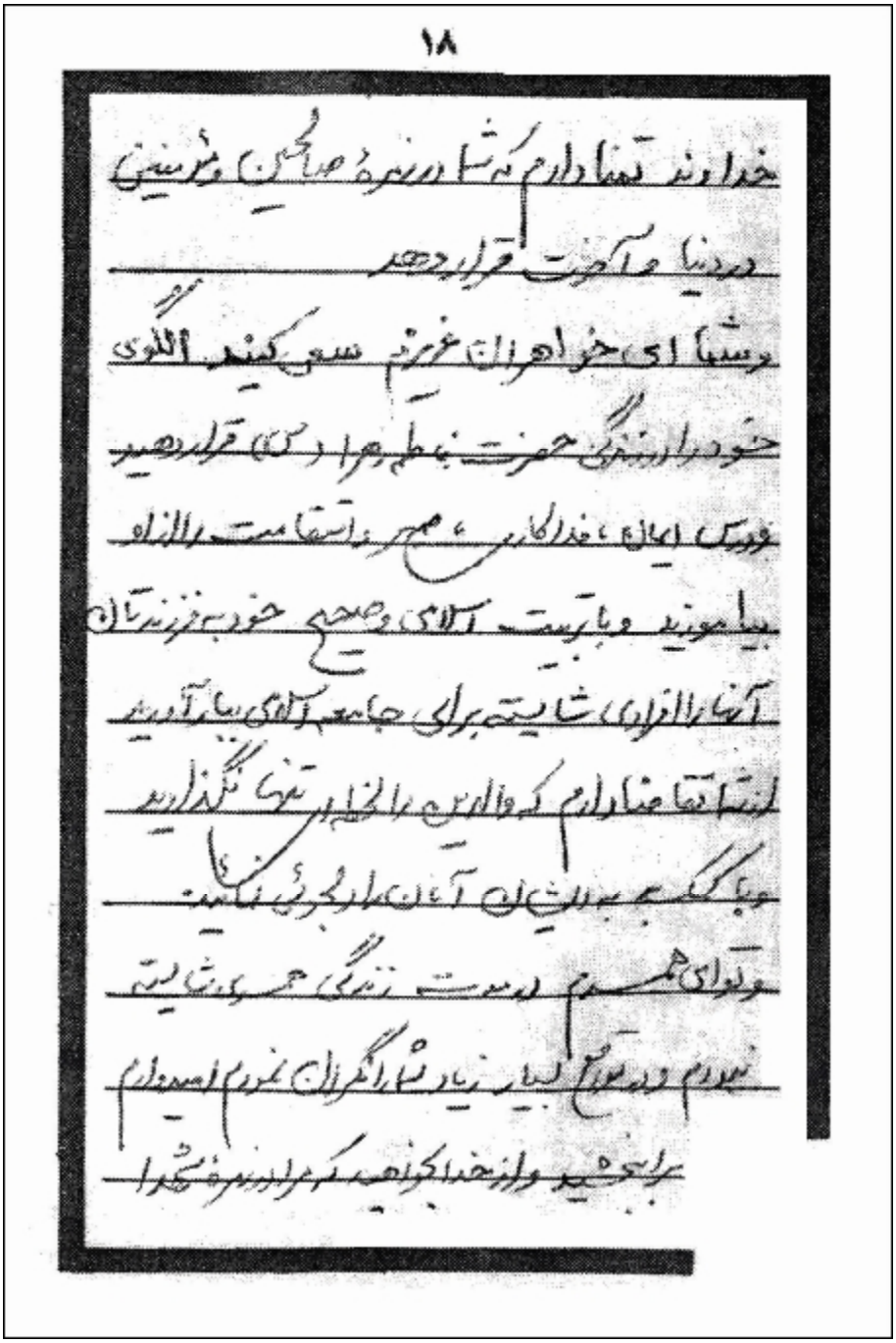
ای برادران عزیز بسیج حضور شما در پایگاه
مقاومت باعث تقویت روحیه برادران شما



۱۶

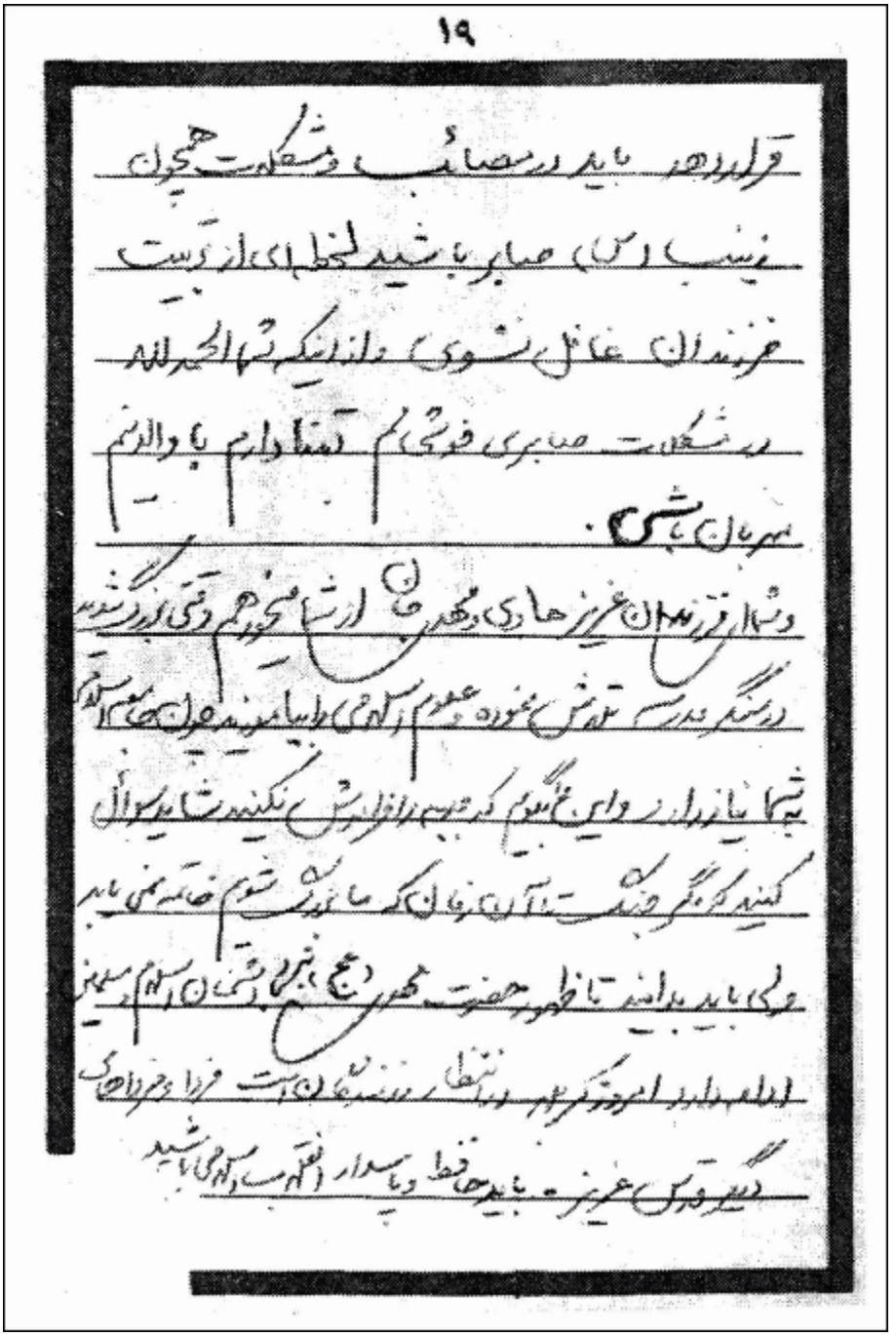
رحمت و مایوسی و نومیدی منافقین کور دل
و شیطان داخلی و تمام خواهیم بود بسی تلاش نماید
که این سنگر را حفظ نمائید
ای همکاران فرهنگی و معلمین عزیز دبستانی
به منزله امانت در دست شما هستند و ملت
آنان همچون آینه پاک و صاف است ملت آنان
را با تعلیم و تربیت اسلامی به نوع ایمان متعهد سازید
تا در آینده پاسدار و حافظ انقلاب باشند
دانش آموزان عزیز: سنگر تعلیم و تربیت را حفظ نمائید
همیشه تربیت را مقدم بر تعلیم بدانید با حفظ سنگر مدرسه از هجوم
فراموش نکنید چون به فرمایش امام بزرگوار خطر مدارس
امروز مقدم بر همه چیز است.

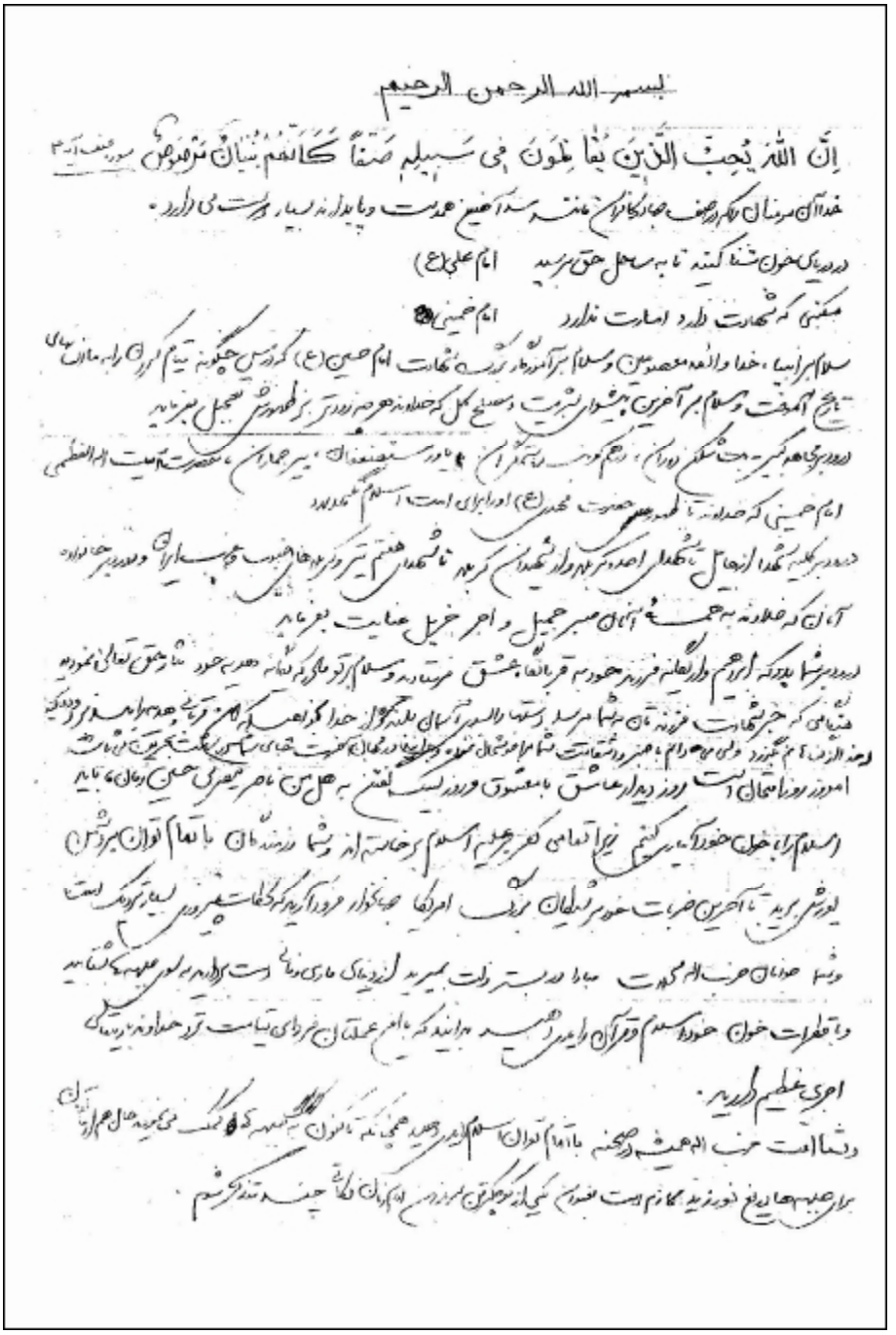




۱۸

خداوند تمنا دارم که شما را در زیر سایه صالحین و مؤمنین
در دنیا و آخرت قرار دهد
و شما ای خواهران عزیزم سعی کنید الگوی
خود را زندگی حضرت فاطمه زهرا (س) قرار دهید
و مثل ایشان، فداکاری، صبر و استقامت را الگو
بیاموزید و با تربیت اسلامی و صحیح خود به فرزندتان
آنها را افرادی شایسته برای جامعه اسلامی بار آورید
از شما تقاضا دارم که والدین را تنها نگذارید
و با کمک به برادران آنان را در جبران ناملایمات
و تنهایی همسرم یاری رسانید زندگی همسرم شایسته
نبودم و در موارد بسیار نسبت به شما و دیگران ظلم نمودم امیدوارم
مرا ببخشید و از خداوند خواهانم که مرا مشمول شفاعت





بسم الله الرحمن الرحیم

إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِهِ صَفًّا كَأَنَّهُمْ بُنْيَانٌ مَرْصُوصٌ سوره صف آیه ۴

خدا آن مردان را که در صف جهاد کنار هم قشنگ و محکم همچون بنایی استوار می‌جنگند دوست دارد.

دریای خون شنا کنید تا به ساحل حق برسید امام علی(ع)

هیچ کس که شهادت ندارد امامت ندارد امام خمینی

سلام بر انبیاء، خدا و ائمه معصومین و سلام بر آموزگار بزرگ شهادت امام حسین(ع) که درس چگونه قیام کردن را به مسلمانان جهان تاریخ آموخت و سلام بر آخرین پیشوای نبوت و مصلح کل که خطاب به هر حر زمان بزرگ قهرمان خویش تعلیم می‌دهد

درود بر پدر عزیزم که سنگر را خالی نکرد و در ستمشاهی زمان، پیر جماران، حضرت آیت الله العظمی امام خمینی که حماسه تاسوعا و عاشورای حضرت محمد(ص) او را برای امت اسلام تکرار کرد

درود بر کلیه شهدای راه اسلام و شهدای اخیر که با شهدای هشتم تیر و برادران هفت تیر و شهدای جنوب به ایران و خدا پیوستند و درود بر خانواده آنان که علاوه بر عزیزان خود، این صبر جمیل و اجر جزیل عنایت فرمایند

درود بر شما باد که از هیچ دلاوری فروگذار نکردید و با عشق مرتبه و سلام از تو ملائکه که با شما هستند و خدا را شکر می‌کنند که شما را در این راه قرار داده است

هنگامی که خبر شهادت فرزندان به شما می‌رسد راستی را که آسمان بر شما فرو می‌ریزد و زمین با همه پهناورش بر شما تنگ می‌شود و دنیا در نظرتان تاریک می‌گردد ولی به خدا سوگند که این تنها آزمایشی است که خداوند از بندگان خود می‌گیرد تا صبر و شکیبایی آنان را بیازماید و شما را از مصیبت‌زدگان دنیا و آخرت قرار دهد

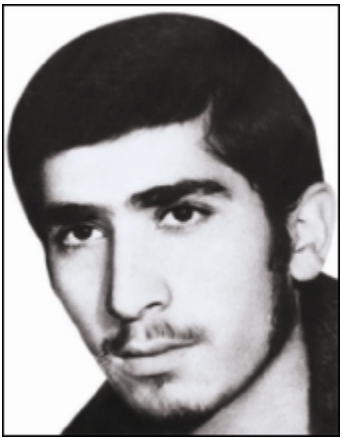
امروز روز امتحان است روز دیدار عاشق با معشوق و روز لبیک گفتن به هل من ناصر ینصرنی حسین زمان و تابیدن اسلام را با خون خود رنگین کنید زیرا قیام کنونی ملت بزرگوار ما و انقلاب اسلام را خلاصه از دشمنان با تمام توان بکوشید و از پای ننشینید تا آخرین ضربات خود را بر پیکر امریکا جنایتکار و مزدوران کوچک آن بزنید

و شما جوانان حزب الله گیتی باید در بستر ذلت بمیرید از زیر بار ستم بروید و با قطرات خون خود اسلام و قرآن را بیمه کنید بدانید که با امر عظمای این فرمان تا ابد زنده‌اید

اجری عظیم دارید.

و شما ای ملت حزب الله ایران صحنه با تمام توان اسلام را یاری دهید همچنان که تاکنون به پیروزی‌های عظیمی نائل آمده‌اید و به کمک می‌نمایند تا بتوانید برای همیشه ریشه ظلم و ستم را از سرزمین اسلامی برکنید و کاخ ستمگران را ویران نمائید.





نام: **ابراهیم**
نام خانوادگی: **سبحانی**
نام پدر: **محمد**
نام مادر: **سکینه**
تاریخ تولد: **یکم مرداد** 1343
محل تولد: **شهرستان سمنان**
تحصیلات: **پایان دورهٔ متوسطه**
ارگان اعزام‌کننده: **سپاه**
تاریخ شهادت: **بیست‌وهفتم اسفند** 1362
محل شهادت: **جزیرهٔ مجنون**
نحوهٔ شهادت: **اصابت ترکش**
مزار: **گلزار شهدای زادگاهش**

عبارت‌های کلیدی

- این جنگ نعمتی است که از طرف خدا به شما ارزانی شده است.
- جهاد کردن در راه او برای همه کس باز است کلید بهشت را در جبهه‌ها و جهاد در این راه می‌توان به دست آورد.
- همه ما دیر یا زود از این دنیا می‌رویم پس چرا این رفتن ما با افتخار و سربلندی نباشد.
- هر چه بذر خوبی در این دنیا بکاریم به همان مقدار در آخرت برداشت می‌کنیم.
- گوش به فرمان این رهبر عزیز ما باشید و با فریاد او فریاد و با سکوت او سکوت کنید زیرا براستی او روح خدا می‌باشد.
- به زندگی این شهدا نگاه کنیم همه اینها به همه جوانب زندگی نگاه کردند و بهترین راه را برای خود برگزیدند.
- شهدا بر گردن تک‌تک ما حق دارند و حق این شهدا را نمی‌توانیم ادا کنیم، مگر اینکه ادامه دهنده راه آنها باشیم.
- جنگ را فراموش نکنید.
- همیشه دعا گوی این امام باشید و خدا را شکر کنید که چنین نعمت بزرگی را خدا به شما ارزانی داشته.
- برای پا بر جایی پرچم اسلام و پیاده کردن نظام قرآن و وظیفه‌ای که به‌عنوان یک مسلمان به دوش خود حس می‌کردم و برای رضای خدا در این راه قدم گذاشتم.

ابراهیم سبحانی

بسم‌الله الرحمن الرحیم

به‌نام الله پاسدار حرمت خون شهیدان به‌نام خدایی که در جهاد را بـه روی مـا گـشود و در این راه ما را یاری مـی‌کنـد و در نهایـت مـا را بـه‌سـوی خـود مـی‌کـشاند. بـه‌نـام خـدای محمد(6) که با رسالتش دین مبین اسلام را بنیان‌گذاری کرد و به‌نام خدای شهیدان که این فوز عظما را به آنها عطا کـرد و پـس از سـلام بـه پیـشگاه مقـدس ولـی‌عـصر مهـدی موعود(عج) که همهٔ رزمندگان به عشق و امید به دیدار او به پیش می‌روند و بـا فرمانـدهی پیامبر گونه‌اش چنان امیدی در دل رزمندگان بوجود می‌آورد، که هیچ موانعی جلـودار آنهـا نیست. و با سلام و درود بر رهبر کبیر انقلاب اسلامی ایران که با رهبری پیغمبـر گونـه‌اش، اسلام را دوباره در قلب این ملت زنده کرد و روح تازه‌ای در بـین تمـام ایـن کالبـدهای از رمق افق دمید و دوباره پرچم لا اله الا الله را در[1] سرزمین ایران برافراشت و با سلام و درود بر تمامی شهدا که عاشقانه به ندای رهبرشان لبیک گفته[2] در راه الله جان باختنـد و درخـت اسلام را با خون خود آبیاری کردند و با سلام و درود بر تمامی معلـولین و مجـروحین کـه وظیفه خود را انجام داده[3] و در نزد خدای خود رو سپید هستند و سلام و درود «بر تمـامی خانواده‌های شهدا که چشم و چراغ این ملتنـد»[4] و بـا امیـد بـه پیـروزی رزمنـدگان اسـلام می‌خواهم چند نکته به‌عنوان وصیت ذکر کنم:

خدایا تو خود می‌دانی که مـن بـرای رضـای تـو و بـرای لبیـک گفـتن بـه نـدای امـام حسین(7) و برای پا بر جایی پرچم اسلام و پیاده شدن نظـام قـرآن و وظیفـه‌ای کـه بـه دوش خود حس کردم، در راه تو قدم گذاشته، تا شاید قـسمتی از گناهـانم[5] کاسـته شـود و چنانچه در این راه لایق بودم و شهادت نصیب من شد، با جان و دل آن را می‌پذیرم و مگـر

1- در اصل وصیت «بر».
2- در اصل وصیت «گویند».
3- در اصل وصیت «دادن».
4- صحیفه امام، ج 14، ص 80.
5- در اصل وصیت «گناهان».

آیا کسی هست[1] که خدایش پیشنهادی به او کند و دست رد به او بزند؟ و از شما امت می‌خواهم که اگر یک شهیدی به زمین افتاد، شما جای او را پر کنید و نگذارید خون او پایمال شود و نگذارید [که] این پرچمی که بر دست هر رزمنده‌ای هست[2] به زمین بیفتد که هیچگاه نمی‌گذارید، و تا موقعی که این پرچم در بلندترین قلل جهان برافراشته نشده از پا ننشینید. [و] این جنگ نعمتی است که از طرف خدا به شما ارزانی شده است و این آزمایشی از طرف خداست که از[3] بندگان خود می‌کند و غافل از این امر نباشید و این موقعی است که در جهاد کردن در راه او برای همه کس باز است و کلید بهشت را در جبهه‌ها و جهاد در این راه می‌توان به دست آورد و می‌بینیم آنهایی که خالصانه در این راه کار می‌کنند در نهایت کلید بهشت را دریافت می‌کنند و بطرف معشوق خود پرواز می‌کنند و به شما می‌گویم که هر چه به پایان جنگ نزدیکتر شویم کلید بهشت نیز کم می‌شود و دیگر به دست آوردن آن مشکل است پس فرصت را از دست ندهید این شهدا بهترین راه را برای خود برگزیدند[4] چون اینان می‌دانند که هیچ فردی در این دنیا عمر جاوید ندارد و همه ما دیر یا زود از این دنیا می‌رویم. پس چرا این رفتن ما با افتخار و سربلندی نباشد و هر لحظه‌ای که از عمر ما می‌گذرد به آخرت نزدیکتر می‌شویم و وقتی متوجه می‌شویم که هنوز بدون اینکه توشه‌ای برای آخرت جمع‌آوری کرده باشیم، باید بار خود را از این دنیا بربندیم. [و] «دنیا کشتگاه آخرت است»[5] و هر چه بذر خوبی در این دنیا بکاریم به همان مقدار در آخرت برداشت می‌کنیم [و] حواستان جمع باشد که مبادا وقتی متوجه شده باشیم که کار از کار گذشته باشد، هر چه زودتر تا دیر نشده به جهاد در این راه برخیزید و وظیفه خود را که بر دوش شماست ادا کنید و بهانه نیاورید که «بهشت را به بهاء می‌دهند نه به بهانه»[6]. و دیگر مطلب اینکه مواظب این انقلاب باشید که دشمنان ما از هر طرف در

1- در اصل وصیت «است».

2- در اصل وصیت «است».

3- در اصل وصیت «بر».

4- در اصل وصیت «برگزینند».

5- ترجمه حدیث «الدنیا مزرعة الاخرة».

6- عبارت «بهشت را به بها بدهند نه به بهانه» در نهج‌الفصاحه از قول پیامبر اکرم (ص) حدیثی نقل شده است که گویا منشاء کلام شهید بهشتی از آن باشد: «حفت الجنة بالمکاره و حفت النار بالشهوات» (نهج‌الفصاحه، ص 84، ترجمه سیدعلی حسینی، انتشارات دارالعلم، 1378).

صدد ضربه زدن به ما هستند پس این نعمتی که الآن شما دارید بوسیله هزاران هزار شهید گلگون کفن به دست آمده[1] است و اگر خدا نکرده سستی کند[2] خون این شهیدان پایمال می‌شود و هیچگاه این شهیدان از ما راضی نمی‌شوند و از شما می‌خواهم که گوش به فرمان این رهبر عزیز ما باشید و با فریاد او فریاد و با[3] سکوت او سکوت کنید زیرا[4] براستی او روح خدا می‌باشد.

«والسلام»

ابراهیم سبحانی

[وصیت‌نامه‌ای دیگر]

بسم‌الله الرحمن الرحیم

به‌نام الله پاسدار حرمت خون شهیدان و به‌نام خدای شهیدان به‌نام خدایی که به ما هستی داده و به ما اراده داد که تا بهترین راه را انتخاب کنیم و به‌نام خدایی که ما را آفرید و روزی ما را می‌میراند و به‌نام خدایی که در جهاد را به روی همه کس باز گذاشته است و به‌نام یاریگر رزمندگان اسلام و پس از سلام به پیشگاه مقدس ولی‌عصر مهدی موعود(عج) که جهان در انتظار عدالت و حکومت اسلامی اوست و با سلام بر مهدی(عج) که در جبهه‌ها به رزمندگان نور و امید می‌دهد و آنها را یاری می‌کند و با سلام و درود بر نایب برحقش بت‌شکن زمان پیرجماران امام خمینی که با رهبری پیامبرگونه‌اش امت در جهالت فرو رفته ما را به نور و روشنایی کشید و روح تازه در بدن تمام این کالبدهای بی‌جان و از رمق افتاده دمید و دوباره پرچم لا اله الا الله را بر سرزمین ایران برافراشت و با سلام و درود بر تمامی شهدا که با نثار خون خود از اسلام دفاع کردند و عاشقانه به[5] ندای امام حسین(**7**) لبیک گفته و در این راه هم جان باختند و درود بر همه این شهدا که با[6] خون خود درخت اسلام را آبیاری کردند و آنرا از خشک شدن نجات دادند و با درود و سلام

1- در اصل وصیت «کفن است».

2- در اصل وصیت «کنید».

3- در اصل وصیت «و سکوت».

4- در اصل وصیت «زیر».

5- در اصل وصیت «با».

6- در اصل وصیت «به».

بر تمامی خانواده‌های شهدا که به قول امام «چشم و چراغ این ملت هستند»[1] و با درود بر تمام معلولین و مجروحین که دین خود را نسبت به اسلام و قرآن ادا کردند و در نزد خدای خود سربلند هستند و با امید به پیروزی رزمندگان اسلام می‌خواهم چند نکته به‌عنوان وصیت نامه ذکر کنم. قبل از هر چیز چند نکته می‌خواستم به این امت حزب الله بگویم هر چه که من لیاقت[2] نصیحت کردن شما را ندارم ولی به‌عنوان یک برادر کوچکتر از شما عاجزانه می‌خواهم که بیشتر به این مسائلی که در پیش روی شماست توجه کنید و از حوادث روزگار عبرت بگیرید [تا] به هر طرف که نگاه می‌کنیم یک جریان روشن و و اقعی از حکمت خداوند می‌بینیم و ما بدون توجه به آن از او می‌گذریم. به زندگی این شهدا نگاه کنیم همه اینها به همه جوانب زندگی نگاه کردند و بهترین راه را برای خود برگزیدند چون اینان می‌دانند که هیچ‌کس در این دنیا عمر جاودانه ندارد و هیچ‌کس از مرگ خود خبر ندارد و همه مگر نه اینکه روزی می‌میریم پس چرا این مردن ما با افتخار و سربلندی نباشد و چرا ما که می‌دانیم رفتنی هستیم اینقدر به مال [...][3] و هر چه زودتر تا خیلی دیر نشده به جهاد در این راه برخیزید و وظیفه خود را که بر دوش شماست ادا کنید و بهانه نیاورید که از جهاد در این راه معذوریم زیرا بهشت را به بها می‌دهند نه به بهانه. به مال دنیا علاقه و دلبستگی نشان داده و همواره فکر و ذکر ما مادیات دنیوی است و در حالی که ما متوجه نیستیم و هر لحظه به مرگ نزدیک می‌شویم و بدون اینکه توشه‌ای برای آخرت جمع‌آوری کرده باشیم باید بار خود را از این دنیا بربندیم برادران ای امت حزب الله همه شما آگاهید که دنیا مزرعه آخرت است و هرکسی در اینجا تخم خوبی بکارد در آنجا نیز عمل صالح برداشت می‌کند و در آخرت محل برداشت محصول می‌باشد و حواستان جمع باشد، که مبادا وقتی متوجه شده باشید که کار از کار گذشته باشد و [از] آن موقع از پشیمانی حسرت بخورید و به مرگ زیاد فکر کنید و دیگر مطلب اینکه مواظب این انقلاب و این جمهوری اسلامی باشید که این نعمتی که شما الآن دارید به دلیل این رهبری بزرگ و خون هزاران هزار شهید گلگون کفن است و اگر خدا نکرده کمی سستی کند خون [...][4]

1- صحیفه امام، ج 14، ص 80.

2- در اصل وصیت «قابل».

3- خوانا نیست.

4- خوانا نیست.

این شهیدان پایمال می‌شود و هیچگاه این شهدا از ما راضی نمی‌شوند چون این شهیدان به خود ارج می‌نهند و برای خود ارزش قائلند این شهدا تمام هستی خود را در طبق اخلاص گذاشته و همه بهترین سرمایه خود یعنی جان خود را در این راه فدا کردند و این شهدا بر گردن تک‌تک ما حق دارند و حق این شهدا را نمی‌توانیم ادا کنیم، مگر اینکه ادامه دهنده راه آنها باشیم و [از][1] شما می‌خواهم که گوش به فرمان این رهبر بزرگ باشید با فریاد او فریاد و سکوت او سکوت کنید زیرا براستی او روح خدا می‌باشد. جنگ را فراموش نکنید و هر کسی که نتوانست در این جهاد بزرگ شرکت کند هر چه سریعتر به خود بیاید و حرکت کند[2] زیرا در این راه است که می‌توانیم کلید بهشت را بدست بیآوریم و هر چه به پایان آن نزدیک شویم کلید بهشت نیز کمیاب می‌شود و بعد از آن کلید بهشت را مشکل می‌توان بدست آورد پس این فرصت را از دست ندهید و همیشه دعا گوی[3] این امام باشید و خدا را شکر کنید که چنین نعمت بزرگی را خدا به شما ارزانی داشته و چند نکته‌ای نیز می‌خواهم به خانواده‌ام توصیه کنم: پس از عرض سلام به خانواده عزیزم به شما پدرم توصیه می‌کنم که از رفتن من ناراحت نباشید زیرا بالاخره[4] همه ما باید برویم چه دیر یا زود و چه افتخاری بالاتر از شهادت [و] افتخار کنی که پدر یک شهید می‌باشید و از اینکه از رفتن من به جبهه جلوگیری نکردید کمال تشکر را می‌کنم و امیدوارم اگر اعمال و کردارم درست نبوده مرا ببخشی. و تو مادر عزیزم می‌دانی که خداوند فرزند را به‌عنوان امانتی به دست شما سپرده و شما می‌دانید که به امانت[5] کسی نمی توان دل بست پس از تو می‌خواهم مبادا گریه و زاری شما طوری باشد که باعث خوشحالی دشمن ما شود زیرا هر چه شما بیشتر ناراحت باشید دشمنان شما خوشحال‌تر می‌شوند و از تو می خواهم از اینکه نتوانستم فرزند خوب برای شما باشم و آنطوری[6] که می‌بایست نتوانستم حق مادری را به جای آورم امیدوارم مرا عفو کنی و باعث افتخار شما باشد البته که خانواده شهید هستید و

1- در اصل وصیت «باشیم و شما».
2- در اصل وصیت «کنید».
3- در اصل وصیت «گوئی».
4- در اصل وصیت «بلاخره».
5- در اصل وصیت «امانتی».
6- در اصل وصیت «شما و آنطوری».

شما در آخرت نزد فاطمه(3) روسپید هستید زیرا که امام می‌گوید «این خانواده شهدا چشم و چراغ این ملتند»[1] و دوباره از شما طلب عفو و بخشش می‌نمایم و شما ای خواهرانم از شما می‌خواهم که صبور باشید و همانند زینب(3) که تحمل هفتاد و دو تن شهید را در کربلا کرد شما نیز تحمل یک شهید را داشته باشید و از او روش زندگی را بیآموزید و از شما نیز اگر نتوانستم حق برادری را ادا کنم، طلب عفو و بخشش می‌نمایم.

و شما ای برادرانم به‌عنوان برادر کوچک‌تر از شما می‌خواهم ادامه دهنده راه این شهدا باشید و نگذارید خون شهدا پایمال شود و همانطوری که تا به حال[2] صحنه نبرد را فراموش نکرده‌اید از این به بعد نیز همچنان در صحنه آماده باشید و باشد تا حق خود را نسبت به اسلام و قرآن ادا کنید و از شما نیز طلب بخشش می‌نمایم و تمام دوستان و آشنایانم می‌خواهم که ادامه دهنده[3] راه شهدا و اسلام و قرآن باشند و از شما نیز طلب بخشش می‌نمایم.

بنده که با آگاهی کامل برای پا بر جایی پرچم اسلام و پیاده کردن نظام قرآن و وظیفه‌ای که به‌عنوان یک مسلمان به دوش خود حس می‌کردم [و] برای رضای خدا در این راه قدم گذاشتم و اگر چنانکه خدا این حرکت ما را قبول کند و اگر چنانچه در بین این راه خدا لیاقت شهادت را به ما عطا کرد و موقعی که دیگر نتوانستیم پرچم اسلام را نگه داریم شما نگذارید که این پرچم به زمین بیفتد که هیچ‌گاه نمی‌گذارید و تا موقعی[4] که این پرچم در بلندترین قلل جهان برافراشته نشده از پا ننشینید و در ضمن مقداری نماز و روزهٔ قضا دارم [که] همانطور که شما می‌دانید برای من بگیرید و مقداری پول دارم که بابت گرفتن نماز و روزه بدهید.

«والسلام»

خدایا خدایا تا انقلاب مهدی خمینی را نگه دار. پیام خون شهدا جنگ جنگ تا پیروزی

بنده حقیر خدا ابراهیم سبحانی 63/12/2

1- صحیفه امام، ج 14، ص 80.

2- در اصل وصیت «حالا».

3- در اصل وصیت «دهند».

4- در اصل وصیت «موقع».

«و لئن قتلتم فی سبیل الله اومتم لمغفره من الله و رحمتهُ خیر مما یجمعون».[1]

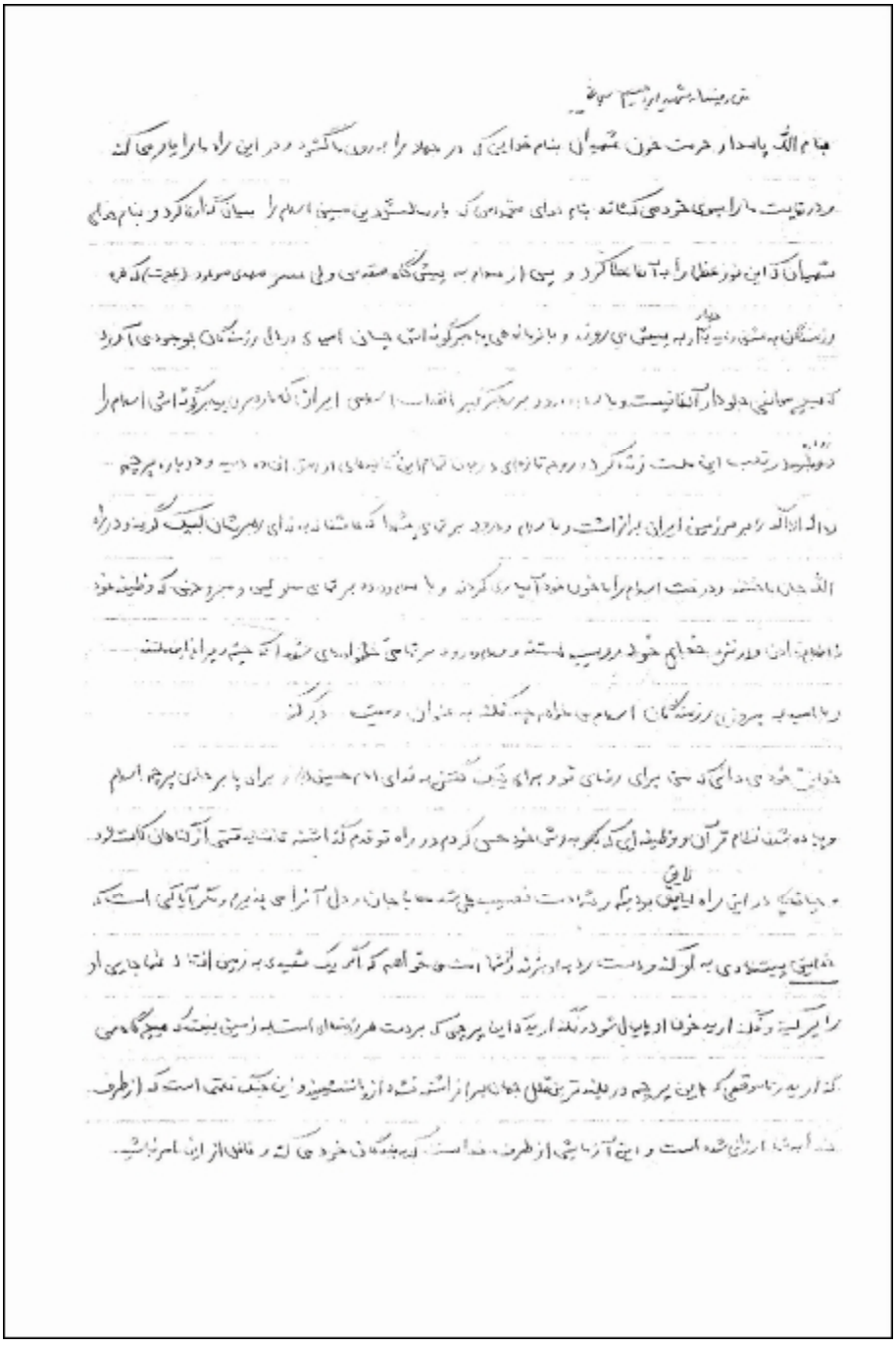
«اگر در راه خدا کشته شده یا بمیرید در آن جهان به آمرزش و رحمت خدا نایل شوید و آن بهتر از هر چیزیست که در حیات دنیا برای خود فراهم توان آورد».

«یا ایها الذین آمنوا قاتلوا الذین یلونکم من الکفار و لیجدوا فیکم غلظةً و اعلموا ان الله مع المتقین».[2]

«ای اهل ایمان با کافران از هر که با شما نزدیک‌تر است شروع به جهاد کنید و باید کفار در شما درشتی و نیرومندی و قوت و پایداری حس کنند (تا از سپاه اسلام بیمناک شوند) (و شما مؤمنان هیچ‌گاه نترسید) و بدانید که خدا همیشه یار پرهیزکاران است».

1- آل عمران/ 157.

2- توبه/ 123. در اصل وصیت به آیه 133 سورهٔ توبه اشاره کرده است.

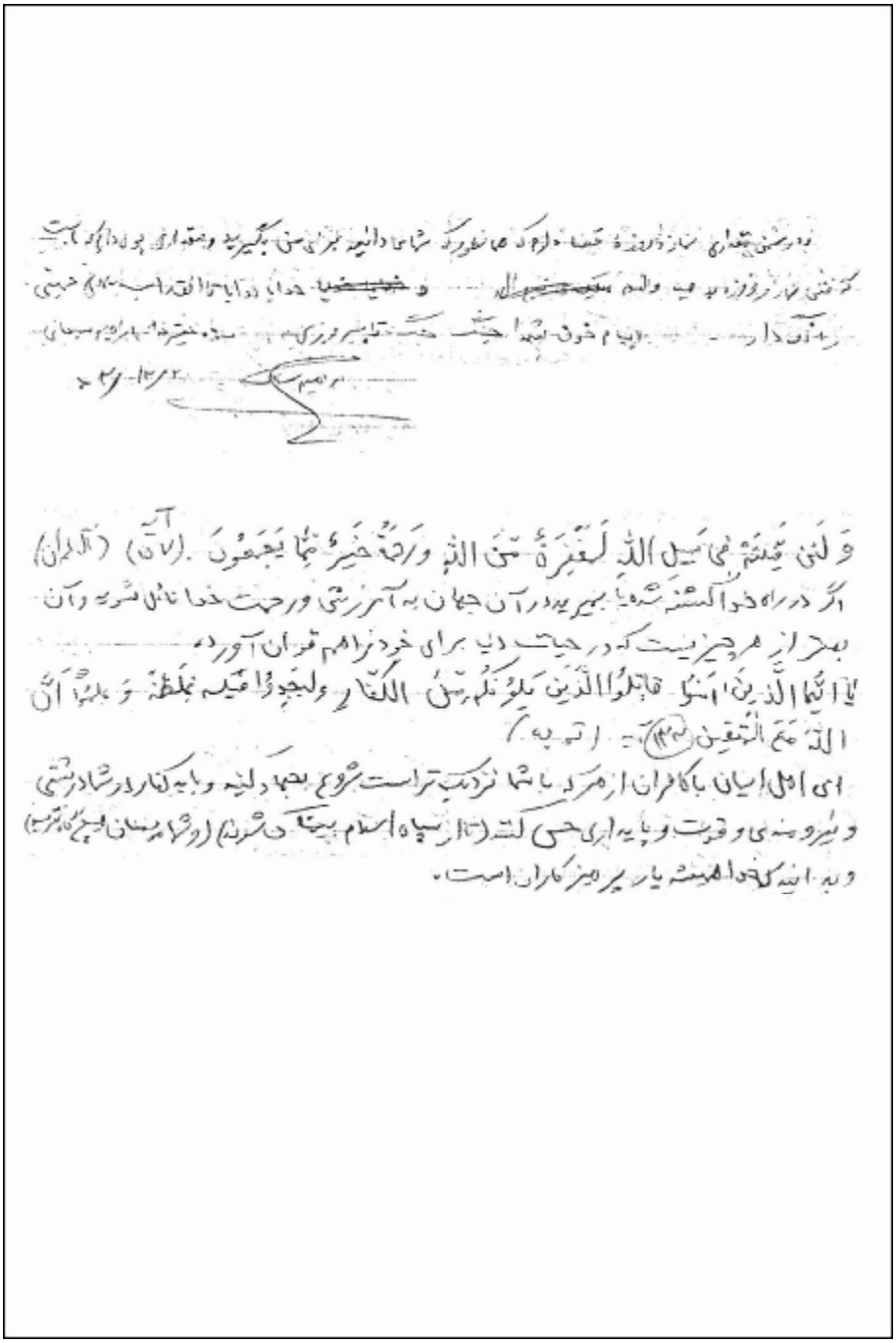














نام: **مجتبی**
نام خانوادگی: **سبوحی**
نام پدر: **رضا**
نام مادر: **شهربانو**
تاریخ تولد: **دهم آذر** 1346
محـل تولـد: **شـــهر ســـرخه از توابـــع شهرستان سمنان**
تحصیلات: **سوم متوسطه**
ارگان اعزام‌کننده: **بسیج**
تاریخ شهادت: **بیست‌وهشتم تیر** 1366
محل شهادت: **جزیرهٔ مجنون**
نحوهٔ شهادت: **ضربه مغزی**
مزار: **گلزار شهدای زادگاهش**

عبارت‌های کلیدی

- شهادت بابی از رحمت خداست که بر روی پاکترین انسان‌ها باز می‌شود.
- شهادت عروج الهی است که توفیق پیدا کردن آن برای هرکس ممکن نیست.
- شکست قفس دنیا برای هیچ کس امکان ندارد. مگر برای بنده خاص خدا که همان شهید است.
- بشکنید خود را و شرک و آلودگی و عشق دنیایی را از او بیرون کنید.
- ای دست‌ها، ای پاها، حرکت کنید و نگذارید که انسان‌های غافل شما را به کفر کشند.
- شرم بر آن پا و دستی که در آن حرکت به‌سوی جبهه نباشد.
- مسئله مسئله اسلام است.
- اگر می‌خواهید اسلام بپا باشد، حرکت کنید تا شر این دشمن را برکنیم.
- خواهرم، در زندگی فاطمه زهرا(**3**) را سرمشق قرار داده و همچون فاطمه باش.
- و اما ای دوستان، جبهه را فراموش نکنید و در عبادت‌ها سرعت بگیرید.

مجتبی سبوحی

بسم‌الله الرحمن الرحیم

«لا یستوی القاعدون من المؤمنین غیر[1] **اولی الضرر و المجاهدون فی سبیل الله باموالهم وانفسهم**[2] **فضل الله المجاهدین باموالهم علی القاعدین درجةً و کلا وعدالله الحسنی و فضل الله المجاهدین علی القاعدین اجراً عظیماً درجات منه و مغفره و رحمة و کان الله غفوراً رحیما».**[3] «افراد باایمانی که (بدون بیماری و ناراحتی) از جهاد باز نشستند با مجاهدانی که در راه خدا با مال و جان خود جهاد کردند یکسان نیستند خداوند مجاهدانی را که با مال و جان خود جهاد نمودند و بر قاعدان برتری بخشید و به هریک از این دو دسته (نسبت به اعمال نیکشان) خداوند وعده پاداش نیک داده و مجاهدان را بر قاعدان برتری و وپاداش عظیمی بخشیده است درجاتی الهی از ناحیه خداوند و آمرزش و رحمت نصیب آنان می‌گردد و اگر لغزش‌هایی داشته‌اند خداوند آمرزنده و مهربان است».

شهادت بابی از رحمت خداست که بر روی پاکترین انسان‌ها باز می‌شود. اولیاء خاص خداوند وقتی که بوی آخرت بر مشامشان رسد سر از پا نمی‌شناسند و پر و بال درمی‌آورند و به‌سوی تنها معبودشان یعنی الله پرواز می‌کنند و شهادت را که تنها آرزوی آنان است در آغوش می‌گیرند. ای انسانها کسی که می‌خواهد خدا را بشناسد و به عرفان الهی برسد، کسی که می‌خواهد پی به معراج واقعی ببرد و واقعیت عرفان را درک کند، باید دل از دنیا و ما فیها برکند و دنیا را طلاق بدهد و در تمام امور تنها خدا را در نظر بگیرد و هر لحظه آماده برای مرگ باشد. شهادت عروج الهی است که توفیق پیدا کردن آن برای هرکس ممکن نیست و شکست قفس دنیا برای هیچ کس امکان ندارد. مگر برای بنده خاص خدا که همان شهید است. قفس دنیا همراه با غل و زنجیر که مال و ثروت باشد غل و زنجیری که در عرفان را به روی ما بسته و شناخت خدا را از ما گرفته و دریای عظیم هستی آخرت را در پیش چشمان ما کوچک و پوچ جلوه داده. ما را غافل از معارف الهی کرده، ای

1- در اصل وصیت «عند».

2- در اصل وصیت «بامرالهم علی القاعدین».

3- نساء/ 95- 96.

قلب‌ها بجوش آیید[1] و ای دلها که حرم خدایید[2] ای دل‌هایی که در انسان‌های غافل جای گرفتید، بشکنید خود را و شرک و آلودگی و عشق دنیایی را از او بیرون کنید و خدا را در خود جای دهید. ای دستها ای پاها حرکت کنید و نگذارید که انسان‌های غافل شما را به کفر کشند. ای چشم‌ها کور شوید و نگذارید کوردلان با گناه شما را در آخرت عذاب دهند. [...][3] آگاه شوید و نگذارید که منیت‌ها شما را به لجنزار فساد کشند. شرم بر آن قلبی که در او تب و تاب جبهه و یاری امام زمان(عج) نباشد. شرم بر آن پا و دستی که در آن حرکت به‌سوی جبهه نباشد. شرم بر آن چشمی که طاقت دیدن شجاعت و دلیر مردان جبهه را ندارد. ننگ بر زبانی که در راه غیر جبهه سخن گوید و کلامی از جنگ و جهاد نگوید. زبانی که با کلماتش قلب رزمندگان را به درد آورد و با عنوان درد و مشکلات دنیایی او را مانع از رفتن به جبهه کند. مسئله مسئله اسلام است و بس. ای بدن‌ها شرم کنید از آن وجودی که در شماست و میلی به‌سوی جبهه ندارد. ای انسان‌هایی که بعضی امور را به جنگ ترجیح[4] داده‌اید، بد باد به حال شما. در حالی که مرجع عظیم اسلام و قرآن رهبر عظیم ما فتوا میدهد که «امور جنگ اهمیتش از فروع دین بیشتر است»[5] فکر کنید چه چیزی از جنگ مهمتر می‌شود. ای کسانی که در پی علم هستید، تلاش کنید علم را کسب کنید، اما علمی که در آن نظر امام زمان(عج) و تقوی نباشد به درد نمی‌خورد و با تقوی و یار امام زمان نمی‌شوید مگر اینکه به جبهه بیایید. حواستان را جمع کنید. نشود روزی که این نهضت شکست بخورد، دیگر اثری از اسلام نمی‌ماند دیگر درب کلاس‌هایتان بسته می‌شود و بجای فقه، فساد درس داده می‌شود اگر می‌خواهید اسلام بپا باشد، حرکت کنید تا[6] شر این دشمن را برکنیم. امروز علم وابسته به خون شهید است و امنیت شما در سر درس زمانی حاصل می‌شود که خون بهترین فرزندان این امت ریخته شود. مواظب باشید

1- در اصل وصیت «آئید».

2- در اصل وصیت «خدائید».

3- خوانا نیست.

4- در اصل وصیت «تشخیص».

5- امام خمینی می‌فرماید: «در این برهه از زمان جهاد از همهٔ فروعات بالاتر است، دفاع از اسلام و کشور اسلامی، امری است که در مواقع خطر تکلیف شرعی- الهی و ملی است و بر تمام قشرها و گروه‌ها واجب است» (تبیان جنگ و دفاع در اندیشه امام خمینی، ص 69، دفتر 24).

6- در اصل وصیت «کنید و شر».

هر لحظه عمر شما وابسته به خون است، اگر [کسی] لغزش داشته باشید در[1] مقابل 200 هزار خون شهید مدیونید و باید به این خونها پاسخ بدهید. فکر کنید که آیا اهمیت به مقصد رسیدن، مهمتر است، یا ظاهر را درست کردن و درس خواندن و به مقصود نرسیدن، زمانی جنگ را رها کنیم و به جبهه نیاییم و به فکر علم و غیره باشیم و جنگ را فراموش کنیم، مثل این است که به مبداء برگردیم چون دشمن در آن وقت پوست را از کله ماها می‌کند و دیگر اثری از اسلام و قرآن و سنت رسول الله باقی نخواهد گذاشت.

بدرون کعبه رفتم بدرون رهم ندادند

به برون چه کرده‌ای تو که درون رهت دهیم ما[2]

و اما ای پدر و مادر عزیزم: اولاً از محضر مبارکتان می‌خواهم که مرا عفو کنید. چون نتوانستم حق اولادی شما را ادا کنم و در ثانی از شما می‌خواهم که در مرگم صبر و استقامت به خرج بدهید، که خداوند منان با صابران است امید است که بتوانید با حرکات و سکنات الهی خود قلب آقایمان امام زمان (عج) را شاد نمایید.[3]

پدر و مادرم امیدوارم با حرکات الهی خود مردمی که جاهلانه و یا آگاهانه قصد خیانت به اسلام را دارند، هدایت نموده و حامی انقلاب و اسلام بشوند. پدر و مادرم در مرگ من اگر میخواهید گریه کنید بیاد تشنه لبی آقامان حسین(7) و علی اکبر[4] حسین(7) گریه کنید. کاش که همچون مولایم حسین(7) سر در بدن نداشتم و همچون حضرت ابوالفضل(7) دست در بدن نداشتم. خدایا می‌خواهم تشنه لب به شهادت برسم، که در روز قیامت در مقابل مولایم حسین(7) شرمنده نباشم.

و اما برادرم، خوشا به سعادتت[5] که آن لباس مقدس سربازی امام زمان(عج) را پوشیده‌ای. امیدوارم که انشاءالله ادامه دهنده راهم باشی و در کارهایت خدا را در نظر داشته باشی.

1- در اصل وصیت «او به».

2- عراقی = «برداشتی از شعر = به طواف کعبه رفتم به حرم رهم ندادند/ که تو در برون چه کردی که درون خانه آیی».

3- در اصل وصیت «نمائید».

4- ر.ک. تعلیقات.

5- در اصل وصیت «بسعادت».

و اما خواهرم، در زندگی فاطمه زهرا(3) را سرمشق قرار داده و همچون فاطمه باش در انجام فرائض دینی و واجبات الهی با خدا باش و چنان در زندگی صابر باش که همچون فاطمه(3) باشی برای همسرت، با مشکلات و سختی‌های زندگی با صبر انقلابی سرمشق دیگران باش.

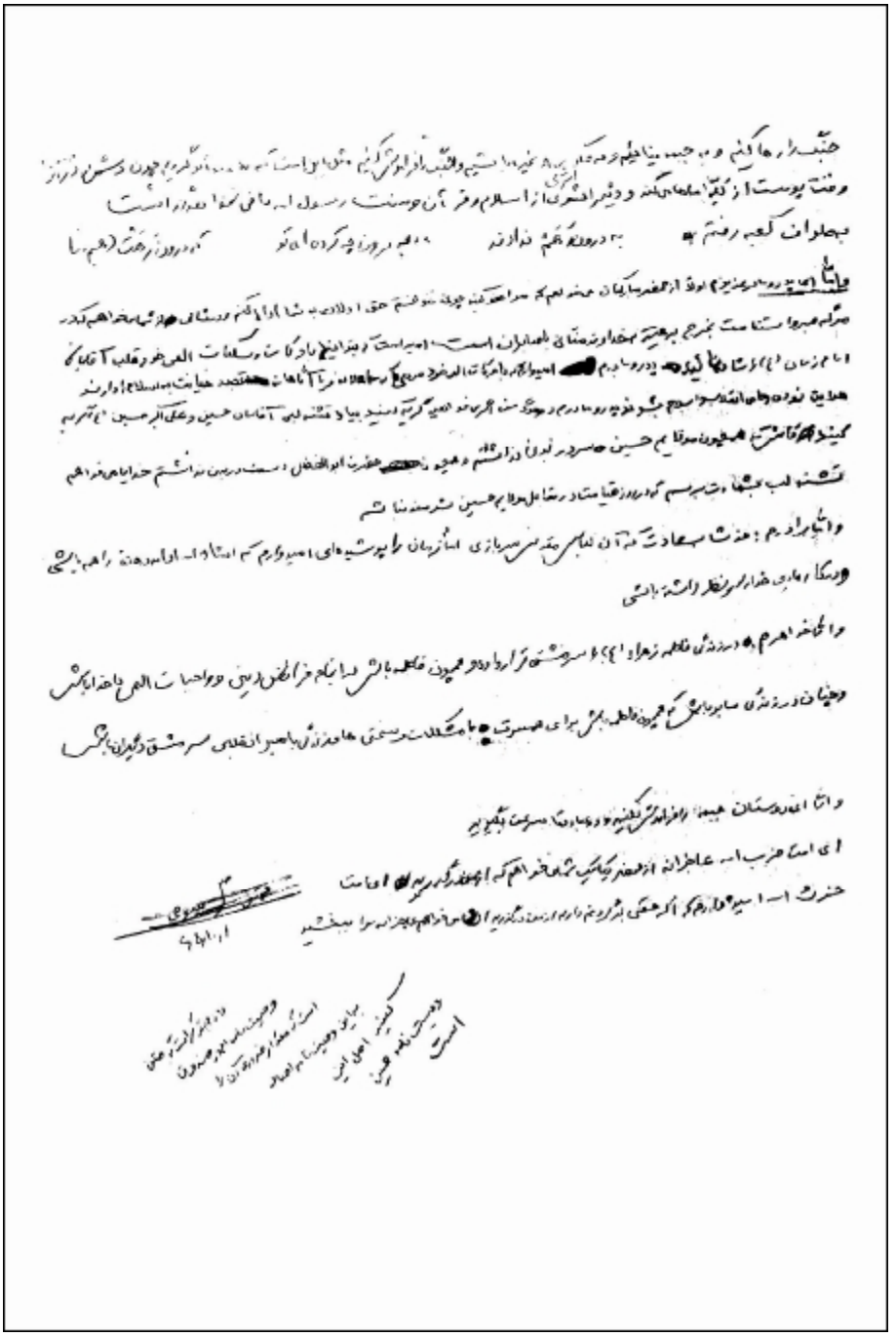
و اما ای دوستان، جبهه را فراموش نکنید و در عبادت‌ها سرعت بگیرید. ای امت حزب الله عاجزانه از محضر یکایک شما می‌خواهم که از من درگذرید. ای امت حزب الله امیدوارم که اگر حقی بر گردنم دارید، از من درگذرید و از شما می‌خواهم (عاجزانه) مرا ببخشید.

65/10/1

مجتبی سبوحی[1]

1- شهید در پایان وصیت خود قید کرده است: «لازم به تذکر است که متن وصیت‌نامه‌ام در صندوق است که مقدار ضروری آن را به این وصیت‌نامه اضافه کنید. اصل این وصیت‌نامه همین است».







نام: **شعبان**
نام خانوادگی: **سجادی**
نام پدر: **احمد**
نام مادر: **فاطمه**
تاریخ تولد: **سوم فروردین** 1346
محل تولد: **روستای طرزه از توابع شهرستان دامغان**
تحصیلات: **دانشجوی دورهٔ کاردانی**
ارگان اعزام‌کننده: **بسیج**
تاریخ شهادت: **چهارم دی** 1365
محل شهادت: **شلمچه**
نحوهٔ شهادت: **اصابت ترکش**
مزار: **گلزار شهدای زادگاهش**

عبارت‌های کلیدی

- برای سلامتی و طول عمر امام دعا کنید.
- همیشه به یاد خدا باشید و در راه خدا گام بردارید.
- دین خود را نسبت به خالق ادا کنید.
- بار تکلیفی که بر دوش خودتان نهاده است، را به منزل برسانید.
- زنهار از امر خدا سرپیچی نمایی.
- پشتیبان امام باشید و از رهبری او اطاعت کندی.
- پشتیبان سرسخت ولایت فقیه باشید و همیشه در پی حق و حقیقت باشید.
- جنگ را فراموش نکنید.
- به‌خاطر امر خدا به جبهه رفته‌ایم.

شعبان[1] سجادی

بسم‌الله الرحمن الرحیم

«و لا تحسبن الذین قتلوا[2] فی سبیل الله امواتا بل احیاء عند ربهم یرزقون»[3]

سپاس بیکران خداوندی را [که] پروردگار عالمیان، وجود هستی بخش آفریدگان و پدیدآورندهٔ آسمان‌ها و زمین[4] است درود فراوان به روان پاک پیامبر برگزیده خدا[5] محمد مصطفی(**6**) باد که نخستین[6] بنده شایسته و افضل پیامبر مقرب او، و بهترین[7] آفریده[8] او و مرحمت[9] و مکرمت به‌سوی جهانیان است و به عترت[10] پاک معصوم و مقدس که از هر آلودگی[11] و ناپاکی[12] منزه و مبرایند و با درود و سلام به یگانه منجی عالم بشریت حضرت مهدی(عج) و نایب برحقش امام خمینی بت‌شکن این[13] پیر جماران و قلب تپنده امت و امید قلب تمام مستضعفان جهان و امت شهیدپرور انقلاب اسلامی و با درود بر تمام شهیدان از کربلای حسینی تا کربلای ایران که با خون خود ریشه‌های راستین اسلام را

1- در اصل وصیت «شعیان».
2- در اصل وصیت «قتلو».
3- آل عمران/ 169.
4- در اصل وصیت «زمیمن».
5- در اصل وصیت «خدغ».
6- در اصل وصیت «نحشتین».
7- در اصل وصیت «بهتر بمن».
8- در اصل وصیت «فریده».
9- در اصل وصیت «رمحمت».
10- در اصل وصیت «عطرت».
11- در اصل وصیت «آلودکگی».
12- در اصل وصیت «ناپاکبی».
13- در اصل وصیت «من».

آبیاری کرده‌اند[1] و در برابر آن جان خود را فدا[2] کرده‌اند و هم اکنون[3] چند پیام به شما پدر و مادر و برادر و امت شهیدپرور انقلاب اسلامی[4] دارم[5] که به قرار زیر است:

شما ای پدر و مادر عزیزم الان هنوز نمی‌دانم عازم کدام جبهه[6] می‌باشم. ولی انشاء الله به هر جبهه‌ای[7] که می‌روم هدف[8] بر چیدن کفر است و هدفم بر علیه[9] آنهایی است[10] که در مقابل اسلامم[11] ایستاده‌اند.[12] از شما پدر و مادر عزیزم خیلی خیلی ممنون هستم، که مرا بزرگ کرده و به جبهه فرستادید، که با دشمن خدا بجنگم و از شما تنها[13] خواهشی که دارم این است که [اگر] به خواست[14] خداوند شهادت نصیبم گردید برایم گریه نکنید[15] که من پیش خدای خودم خواهم رفت و اینکه خون من از خون شهیدان از کربلای حسین(**7**) تا کربلای[16] ایران با ارزش[17] و رنگین‌تر نیست و از شما می‌خواهم برای[18] سلامتی و طول عمر امام دعا کنید و همیشه[19] به یاد خدا باشید و در راه خدا گام بردارید و از شما[20] پدر و

1- در اصل وصیت «گرده‌اند».
2- در اصل وصیت «راذقدا».
3- در اصل وصیت «کنون».
4- در اصل وصیت «سلتمی».
5- در اصل وصیت «داردرم».
6- در اصل وصیت «جبهه».
7- در اصل وصیت «جبهه‌ای».
8- در اصل وصیت «هدفبر».
9- در اصل وصیت «عهلیه».
10- در اصل وصیت «ایست».
11- در اصل وصیت «سلامم».
12- در اصل وصیت «ایشیستاده‌اند».
13- در اصل وصیت «نها».
14- در اصل وصیت «خداوئند».
15- در اصل وصیت « برای گزریه نگکنید».
16- در اصل وصیت « مکربلای».
17- در اصل وصیت « ارزشو».
18- در اصل وصیت «لبرای».
19- در اصل وصیت «همیسشه».
20- در اصل وصیت «سشما».

مادر مهربان حلالیت می‌طلبم و از زحماتی که[1] برایم در طول[2] زندگی کشیده‌اید ارج[3] می‌نهم و از خداوند متعال برای[4] شما اجر[5] و شکیبایی خواستارم[6] اما سخنی که با شما[7] برادر عزیزم دارم این است که دین خود را نسبت به خالق ادا کنید[8] و بار تکلیفی که بر دوش خودتان نهاده است، را به منزل برسانید و وظایف[9] مذهبی خویش را آن چنان که خواست خداست انجام دهید. باشد که پروردگار آنها را از تو بپذیرد[10] زنهار11 از امر خدا سرپیچی[12] نمایی یا به محرمات[13] و معاصی دامن خویش را آلوده سازی و از شما برادر عزیز خواهش می‌کنم که حلال کنی که اگر چنانچه در طول زندگی برای شما مزاحمت ایجاد کردم امیدوارم مرا ببخشید[14] و عفو نمایید[15] تا شاید[16] از گناهانم[17] اندکی کاسته شود از آشنایان و اقوامم[18] مخصوصاً شما دایی عزیزم و سایر عزیزان حلالیت می‌طلبم و امیدوارم مرا حلال کنند و خداوند همه شما را موفق و سلامت بدارد.[19]

1- در اصل وصیت «مه».
2- در اصل وصیت «طدول».
3- در اصل وصیت «ارجر».
4- در اصل وصیت «متعالبرای».
5- در اصل وصیت «ارجر».
6- در اصل وصیت «خواستتارم».
7- در اصل وصیت «بالسشما».
8- در اصل وصیت «کنبید».
9- در اصل وصیت «وظظایف».
10- در اصل وصیت «ببپذیرد».
11- در اصل وصیت «زین هار».
12- در اصل وصیت «سرپیچیی».
13- در اصل وصیت «محذرمات».
14- در اصل وصیت «ببیخشید».
15- در اصل وصیت «نماید».
16- در اصل وصیت «شاسید».
17- در اصل وصیت «ککناهانم».
18- در اصل وصیت «اقوانم».
19- در اصل وصیت «بدار».

خواهشی که از شما امت حزب‌الله[1] دارم این است که پشتیبان امام باشید و از رهبری او اطاعت کنید و دلیرانه در برابر مفسدین و جباران تاریخ با توکل بر خدا ایستادگی کنید که نصرت شما در آن[2] است این[3] وعده‌ای است که خدا داده و خوف از خدا را در خود بالا[4] ببرید و پشتیبان سرسخت[5] ولایت فقیه باشید و همیشه در پی حق و حقیقت باشید و ذکر حقیقت برای الله باشد چون در این صورت است که صراط المستقیم[6] را طی خواهید کرد[7] جنگ را فراموش نکنید و آن را طی یک امر مهم بشمارید و اگر شما در صحرای کربلا حضور نداشتید[8] که سیدالشهدا را یاری نمایید الان می‌توانید جوابگوی[9] «هل من ناصر»[10] سیدالشهدا باشید.

و سخن دیگری را که بعضی از مردم[11] دارم این است که می‌گویند اینها از درس فرار کرده و رفتند شما این را نمی‌دانید و فهم این را ندارید که[12] بفهمید که به‌خاطر امر[13] خدا به جبهه رفته‌ایم.

و وصیت دیگر به امت حزب‌الله[14] این است که هر وقت نفسشان اسیرشان کرد به جبهه‌ها بیایند با فاتحه[15] ذکر قرآن و صلوات در هر روز جمعه این گناهکار را شاد[16] کنید

1- در اصل وصیت «حزیب الله».
2- در اصل وصیت «شمتا درا».
3- در اصل وصیت «ایمن».
4- در اصل وصیت «رائدر خود باللا».
5- در اصل وصیت «سرسختد».
6- در اصل وصیت «صرلط المسشتقنکم».
7- در اصل وصیت «گکرئد».
8- در اصل وصیت «دااشتید».
9- در اصل وصیت «جوابگروی».
10- ر.ک. تعلیقات.
11- در اصل وصیت «مرئدم».
12- در اصل وصیت «گکه».
13- در اصل وصیت «بخاط امز».
14- در اصل وصیت «امتد حزب الله».
15- در اصل وصیت «فاتح».
16- در اصل وصیت «گناهکاراشد».

و نکته دیگر این که[1] امام را تنها[2] نگذارید و از رهبری اطاعت کنید و با[3] خانواده‌های شهدا دیدار نمایید[4] و به دیدار معلولین و مجروحین بروید و هرکس با انقلاب و امام مخالف است[5] مدیون هستید که بگذارید در تشییع[6] جنازه من بیاید و مدیون[7] هستید که با هر فامیل ضد انقلاب[8] در رابطه باشید[9] چه دوستان و چه آشنایان[10] در آخر سفارشی به شما پدر و مادر عزیز و برادر و سایر عزیزان دارم این است[11] که راضی نیستم که به‌خاطر[12] من خود را به خرج بیاندازند[13] و آن خرجی را که به‌خاطر[14] من خرج نمایید برای جبهه بفرستید.[15]

«والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته»

1- در اصل وصیت «یدیگر اینکمخه».
2- در اصل وصیت «شتنها».
3- در اصل وصیت «به».
4- در اصل وصیت «نماییید».
5- در اصل وصیت «ایست».
6- در اصل وصیت «تشیع».
7- در اصل وصیت «مدیئن».
8- در اصل وصیت «انقاب».
9- در اصل وصیت «باشیرد».
10- در اصل وصیت «آشنیان».
11- در اصل وصیت «ایست».
12- در اصل وصیت «بخاط».
13- در اصل وصیت «خرجو ابیاندازید»
14- در اصل وصیت «بخاط».
15- در اصل وصیت «ببفرستید»

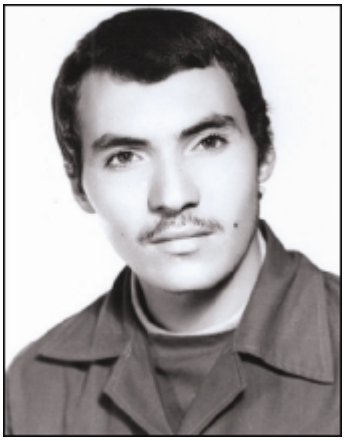
ولا تحسبن الذین قتلو فی سبیل ا... امواتا بل احیاء عند ربهم یرزقون

سپاس بیکران خداوندی را پروردگارز عالمیان وجود هستی بخش آفریدگان و پدید آوردنده آسمانها و زمینمن است درود فراوان به روان پاک پیامبر برکزیده خدغ محمد مصطفی (ص) باد که نحشتین بنده شایسته و افضل پیامبر مقرب او و بهتربمن فریده او و رمحمت و مکرمت بسوی جهانیان است و به عطرت پاک معصوم و مقدس که از هر آلودکگی و نا پاکیی منزه و میرایند و با درود و سلام به یگانه منجی عالم بشریت حصرت مهدی (عج) و نایب بر حقش امام خمینی بت شکن من پیر جماران و قلب تپنده امت و امید قلب تمام مستضعفان جهان و امت شهید ۱پر ور انقلاب اسلامی و با درود بر تمام شهیدان ار کربلای حسینی تا کربلای ایران که با خون خود ریشه های راستین اسلام را آب باری گرده اند و در برابر ان جان خود راذ قدا کرده اند . هم کنون چند پیام به شما پدر و مادر و برادر و امت شهید پرور انقلاب اسلتمی داردرم که به قرار زیز است

شما ای پدر و مادر عزیزم الان هنوز نمی دانم عازم کدام جبهه می باشم و لی انشا الله بهر جبهه ای که می روم هدفبرچیدن کفر است و هدفم بر عهلیه آنهایی ایست که در مقابل اسلامم ایشستاده اند از شما پدر و مادر عریزم خیلی خیلی ممنون هستم که مرا بزرک کرده و به جبهه فرستادید که با دشمن خدا بجنگم و از شما نها خواهشی که دارم این است که بخواست خداوتد شهادت نصیم گردید برای گزریه نگکنید که من پیش خدای خودم خواهم رفت و اینکه خون من از خون شهیدان از کربلای حسین تا مکربلای ایران با ارزشو رنگین تر نیست و از شما می خواهم لبرای سلامتی و طول عمر امام دعا کنید و همیشه یاد خدا باشید و در راه خدا گام بر دارید و از سشما پدر و مادر مهربان حلالیت می طلبم و از زحماتی مه برایم در طدول زندگی کشیده اید ارج می نهم و از خداوند متعالبرای شما ارجر و شکیبایی خواستارم اما سخنی که بال سشما برادر عزیزم دارم این است که دین خود را نسبت به خالق ادا کنید و بار تکلیفی که بر دوش خودتان نهاده است را به منزل برسانید و وطظایف مذهبی خویش را آنچنان که خواست خداست انجام دهید باشد که پروردگار آنها را از تو بپذیرد زین هار از امر خدا سرپیچی نمایی یا به محذرمات و معاصی دامن خویش را آلوده سازی و از شما برادر عزیز خواهش می کنم که حلال کنی که اگر چنانچه در طول زندگی برای شما مزاحمت ایجاد کردم امیدوارم مرا ببخشید و عفو نماید تا شاسید از کگناهانم اندکی کاسته شود از آشنایان و اقوانم مخصوصا شما دایی عزیزم و سایر عزیزان حلالیت می طلبم و امیدوارم مرا حلال کنند و خداوند همه شما را موفق و سلامت بدار خواهشی که از شما امت حزیب الله دارم این است که پشتیبان امام باشید و از رهبری او اطاعت کنید و دلیرانه در برابر مفسدین و جباران تاریخ با توکل بر خدا ایستادگی کنید که نصرت شمتا درا آن است ایمن وعده ای است که خدا داده و خوف از خدا را ثدر خود بالا

ببرید و پشتیبان سر سخت ولایت فقیه باشید و همیشه در پی حق و حقیقت باشید و ذکر حقیقت برای الله باشد چون در این صورت است که صراط المستقیم را طی خواهید گکرئد جنگ را فراموش نکنید و آن را یک امر مهم بشمارید و اگر شما در صحرای کربلا حضور دااشتید که سید الشهدا را یاری نمایید الان می توانید جوابگدوی هل من ناصر سید الشهدا باشید و سخن دیگری را که با بعضی از مرئدم دارم این است که می گویند این ها از درس فرار کرده و رفتند شما این را نمی دانید و فهم این را ندارید گکه بفهمید که بخاط امز خدا به جبهه رفته ایم و وصیت دیگر به امتد حزب الله این است که هروقت نفس شان اسیرشان کرد به جبهه ها بیایند با فاتح ذکر قران و صلوات در هر روز جمعه این گناه کا را شد کنید و نکته یدیگر اینکمخه امام را شتنها نگذارید و از رهبری اطاعت کنید و به خانواده های شهدا دیدار نمایید و به دیدار معلولین و مجروحین بروید و هرکس با انقلاب و امام مخالف ایست مدیون هستید که بگذارید در تشیع جنازه من بیاید و مدیئن هستید که با هر فامیل ضد انقاب در رابطه باشیرد چه دوستان و چه آشنیان در آخر سفارشی به شما پدر و مادر عزیز و برادر و سایر عزیزان دارم این ایست که راضی نیستم که بخاط من خود را به خرجو ایباندازید و آن خرجی را که بخاط من خرج نمایید برای جبهه بیفرستید

والسلام علیکم ورحمه الله و بر کاته



نام: **سیدمصطفی**
نام خانوادگی: **سجادی‌نژاد**
نام پدر: **سیدعباس**
نام مادر: **عاسیه**
تاریخ تولد: **سوم اردیبهشت** 1341
محل تولد: **روستای زرین‌آباد از توابع شهرستان شاهرود**
تحصیلات: **پنجم ابتدایی**
ارگان اعزام‌کننده: **سپاه**
تاریخ شهادت: **یازدهم آبان** 1361
محل شهادت: **عین‌خوش**
نحوهٔ شهادت: **اصابت ترکش**
مزار: **گلزار شهدای شهرستان زادگاهش**

عبارت‌های کلیدی

- به‌عنوان یک مسلمان و به‌عنوان یک سرباز اسلام و قرآن حسین زمان را یاری می‌کنم.
- با همان شعاری که حسین(**7**) فرمود: «هیهات من الذله» تن در زیر بار ذلت نخواهیم داد.
- پشت جبهه را خوب حفظ نمایند.
- این اسطوره تقوا و فضیلت این سلاله رسول خدا، این امام خمینی سازش ناپذیر را دعا گو بوده باشید.
- خواهران عزیز زینب‌وار صبر و استقامت پیشه کنید.

سیدمصطفی سجادی‌نژاد

بسم‌الله الرحمن الرحیم

بسم رب الشهداء و الصدیقین

«و لا تقولوا لمن یقتل فی سبیل الله اموات بل احیاء و لکن لا تشعرون و لنبلونکم بشیءٍ من الخوف و الجوع و نقص من الأموال و الأنفس و الثمرات و بشر الصابرین الذین اذا اصابتهم مصیبه قالوا انا لله و انا الیه راجعون».[1]

ترجمه: «آن کس را که در راه خدا کشته می‌شود مرده نپندارید بلکه زنده است و لکن شما این حقیقت را نخواهید یافت و البته شما را به سختی‌ها چون ترس و گرسنگی و نقصان اموال و نفوس و آفات زراعت بیازماییم[2] و بشارت و مژدهٔ آسایش از آن سختی‌ها صابران را است آنان که چون به حادثه سخت و ناگوار دچار شوند صبوری پیشه گرفته می‌گویند ما به فرمان خدا آمده و به‌سوی او رجوع خواهیم کرد». «قرآن کریم سوره بقره»

سخن خود را با بیانی از سرور شهیدان و سرور آزادگان یگانه ابرمرد تاریخ حسین(**7**) آغاز می‌کنم که فرمود: «ان کان دین محمدٍ لم یستقم الا بقتلی فیا سیوف خذینی»[3] «اگر با[4] کشتن من دین جدم محمد(**6**) باقی می‌ماند ای شمشیرها بیایید[5] و بدن حسین(**7**) را قطعه قطعه کنید.» ای گلوله‌های[6] آتشین دشمن اگر با ریختن خون من اسلام به جهان صادر می‌شود و ابر قدرت‌ها به خواری و ضلالت می‌افتند و مستضعفان جهان از قید بندگی رهایی[7] می‌یابند و پرچم توحید بر قلل عالم به اهتزاز[8] در می‌آید، بیایید[9] بدن مرا به آتش خود بسوزانید. و این حسین(**7**) در هزار و چهارصد سال پیش

1- بقره/154- 156.

2- در اصل وصیت «بیازمائیم».

3- ر.ک. تعلیقات ذیل «ان کان دین محمدٍ». در اصل وصیت «خزینی».

4- در اصل وصیت «اگر کشتن».

5- در اصل وصیت «بیائید».

6- در اصل وصیت «گلولهای».

7- در اصل و.صیت «رهائی».

8- در اصل وصیت «احتزاز».

9- در اصل وصیت «بیائید».

فرمود «هل من ناصر ینصرنی»[1] آیا کسی هست که مرا یاری دهد. امروز من به‌عنوان یک مسلمان و به‌عنوان یک سرباز اسلام و قرآن و به‌عنوان یک سرباز امام زمان(عج) و نایب برحقش خمینی بت‌شکن (لبیک می‌گویم) و حسین زمان را یاری می‌کنم تا ابرقدرتهای جنایت‌کار بدانند که اسلام چنین سربازی جانباز و جان بر کف دارد و با همان شعاری که حسین(7) فرمود: «هیهات من الذله»[2] تن در زیر بار ذلت نخواهیم داد. امروز من به‌عنوان یک مسلمان به کلیه خواهران و برادران ایرانی خود توصیه می‌کنم پشت جبهه را خوب حفظ نمایند و این اسطوره[3] تقوا و فضیلت[4] این سلاله[5] رسول خدا [این] امام خمینی سازش ناپذیر را دعا گو[6] بوده باشید و به دستورات و پیامهای پیامبر گونه او گوش کرده و جامهٔ[7] عمل پوشیده که رضای خدا و سعادت و خوشبختی ما مسلمانها می‌باشد. اما ای برادران عزیزم و ای خواهران عزیزم با شما سخنی دارم، برادران «المؤمن کلجبل الراسخ»[8] در برابر [...][9] دشمنان داخلی و خارجی همچون کوه استوار باشید. خواهران عزیز زینب‌وار صبر و استقامت پیشه کنید [که خداوند] با صابران می‌باشد. مخصوصاً خواهر بزرگم فاطمه که مانند فاطمه زهرا(3) مصیبت دیده است:

[علی] الخصوص[10] اینجانب سید ابوالقاسم سجادی فرزند سید عباس در حال صحت و سلامتی، وصیت نموده و وصی[11] خود قرار دادم پدر بزرگوارم و بعد از پدرم برادر بزرگم

1- ر.ک. تعلیقات.

2- ر.ک. تعلیقات.

3- در اصل وصیت «استوره».

4- در اصل وصیت «فظیلت».

5- در اصل وصیت «زلاله».

6- در اصل وصیت «گوه».

7- در اصل وصیت «جامعه».

8- عین این عبارت یافت نشد اما از مرحوم کلینی نقل شده است که پس از رحلت امیرالمومنین علی(7) در معرفی او آمده است: «...للمومنین کهفاً و حِصناً کُنتُ کالجبل الراسخ لاتحرکک العواصف و لاتزیلاک القواصف» (المناقب، ج2، ص347).

9- خوانا نیست.

10- در اصل وصیت الخصوص.

11- در اصل وصیت «وصیه».

جناب آقای سید ابوالفضل سجادی. و ناظر هم عموی عزیزم حاجی علی‌اکبر [...][1] مغازه آهنگری که در زرین آباد جنب حمام واقع است. 3دانگ آن متعلق به فرزندم سجاد سجادی‌نژاد و 3 دانگ [...][2] آن متعلق به زوجه‌ام زینب درویشی. ماشین سواری پیکان را می‌فروشید و بدهکاریهای من را بپردازید. الباقی [...][3] را دو سال نماز و دو سال روزه بگیرید. و الباقی آن خرج کفن و دفن نمایید.[4] و هرکس از من طلبی دارد طبق [...][5] می‌تواند طلب خود را وصول کند. و در ضمن بانک کشاورزی از اینجانب سید ابوالقاسم سجادی نژاد مبلغ 75000 ریال (هفت هزار پانصد تومان می‌باشد) طلبکار می‌باشد. توضیحاً اینکه در مجلس ختم برادر بزرگم آقا سید ابوالفضل سجادی باید منبر برود (اول) بعداً آقای نعیم آبادی در صورت امکان و در ضمن خانمم در خانه پدرم در یکی از اطاق‌هایش بنشیند، اگر دو طرف راضی بودند.[6] یا خانه پدرم یا خانه پدر خودش. هر کجا رفت باید اطاقش جدا باشد و از لوزم زندگی خودم استفاده نماید. یک لحاف و تشک خوب به خواهرم معصومه سجادی بدهید. امیدوارم که وصی و ناظر به این وصیت‌نامه عمل کنند. در پایان وصیت‌نامه خود همه با هم[7] این دعا را می‌خوانیم «الهی الهی حتی ظهور المهدی و احفظ لنا خمینی».

«والسلام علیکم و رحمت الله و برکاته»

پایان

سیدابوالقاسم سجادی

61/11/1

1- خوانا نیست.

2- خوانا نیست.

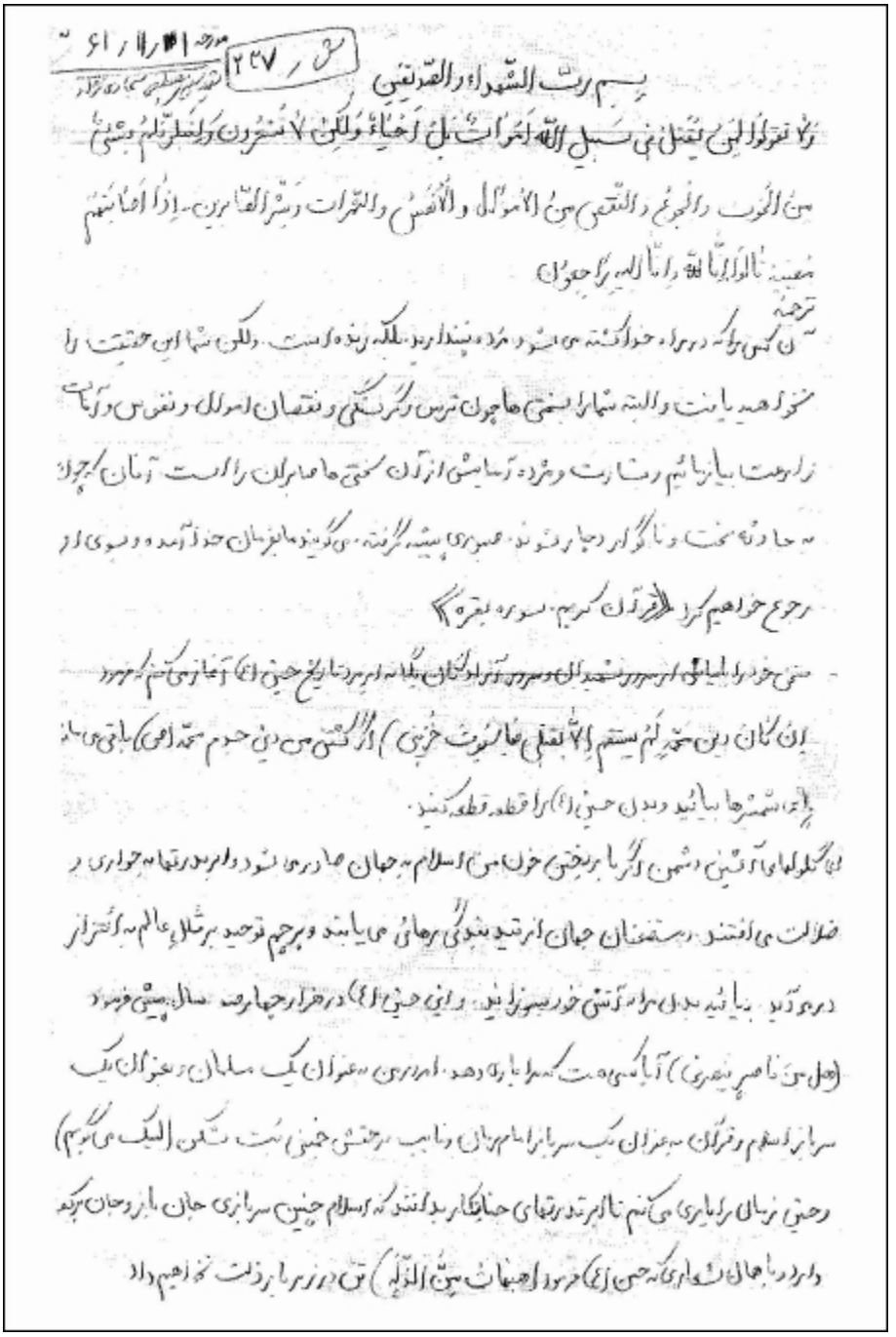
3- خوانا نیست.

4- در اصل وصیت «نمائید».

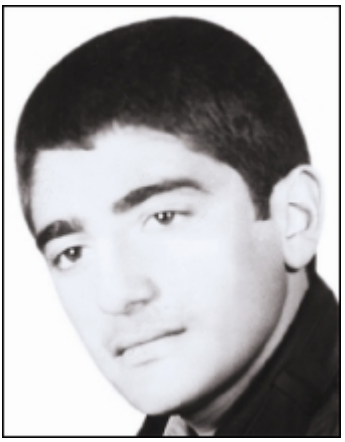
5- خوانا نیست.

6- در اصل وصیت «بودن».

7- در اصل وصیت «همه».







نام: **علی**
نام خانوادگی: **سراج**
نام پدر: **جعفرقلی**
نام مادر: **فرخ**
تاریخ تولد: **دوم اردیبهشت 1349**
محل تولد: **شهرستان مهدیشهر**
تحصیلات: **دوم راهنمایی**
ارگان اعزام‌کننده: **سپاه**
تاریخ شهادت: **بیست‌وششم دی 1365**
محل شهادت: **شلمچه**
نحوهٔ شهادت: **اصابت ترکش**
مزار: **گلزار شهدای زادگاهش**

عبارت‌های کلیدی

- ای هستی بخش جهان، مرا از قید [و] غرور و خودخواهی نجات بده.
- با آگاهی [و] یقین کامل و برای دفاع از اسلام عزیز عازم جبهه‌های نبرد گردیدم.
- وظیفه من و تو برادر و خواهر این است که به یاری اسلام و انقلاب بشتابیم.
- اسلام و امام را یاری کنیم.
- مبادا امام را تنها بگذارید.
- بدانید که روز مرگ شما فرا خواهد رسید پس چه بهتر که مرگ سرخ خونین در راه خدا باشد.
- وحدت کلمه و اتحاد خود را حفظ کنید.
- جنگ را فراموش نکنید.
- تقوا را پیشه کنید.
- اسلام عزیزتر از همه چیز است.
- نگذارید سلاح من بر زمین بماند. شهید بی‌یاور بماند.

علی سراج

بسم‌الله الرحمن الرحیم

ای خدای بزرگ که آخرین ساعات زندگی دنیایی[1] ما در پشت جبهه می‌گذرد و آماده رفتن در مقابل خصم می‌شویم خدای من در این لحظات پر شور به من ایمان ده، تا بتوانم چون پرنده‌ای که از قفس آزاد می‌شود، به‌سوی تو پرواز کنم. خالق من آتش پر شور عشقت را بر جانم بیفروز[2] تا آنچنان شیفته‌ات گردم که تنها در کوی تو منزل گزینم. معبود من از تو عاجزانه می‌خواهم، تا به من دیده‌ای بدهی، تا بتوانم حقایق وجود خودم و جمال دل آرای تورا مشاهده کنم. ای هستی بخش جهان، مرا از قید [و] غرور و خودخواهی نجات بده و ای الله پاکم کن و بعد خاکم کن.

مبارزه کنید، بگذارید به جای لکه ننگ دامن آغشته به خون باشد. امام علی(**7**) به‌نام الله پاسدار حرمت خون شهیدان و سلام و درود بر خاتم پیغمبران و سلام بر قائم آل محمد امام مهدی(عج) و نایب برحقش امام امت و سلام بر رزمندگان عزیز جبهه‌های نور بر علیه ظلمت و ارواح پاک و مطهر شهدای اسلام از «بدر[3] و حنین»[4] تا کربلاهای ایران سلام بر امت عزیز چند کلمه‌ای را به‌عنوان وصیت هرچند کوچکتر از آنم[5] که سفارش به شما نمایم به‌عنوان تذکر یادآوری می‌کنم:

امت حزب‌الله اینجانب حقیر گناهکار علی سراج با اعتقاد[6] کامل به اسلام و پیامبران و امامان معصوم و با آگاهی [و] یقین کامل و برای[7] دفاع از اسلام عزیز عازم جبهه‌های نبرد گردیدم تا بتوانم به یاری خدا خدمتی هر چند کوچک به اسلام عزیز نموده باشم. امروز زمانی است که توطئه‌های شرق و غرب بر علیه انقلاب اسلامی ما اوج گرفته است وظیفه

1- در اصل وصیت «دنیائی».
2- در اصل وصیت «فروکشا».
3- ر.ک. تعلیقات.
4- ر.ک. تعلیقات.
5- در اصل وصیت «آن».
6- در اصل وصیت «باعتقاد».
7- در اصل وصیت «ناخوانا».

من و تو برادر و خواهر این است که به یاری اسلام و انقلاب بشتابیم و خون ناقابل خود در را برای بارور نمودن درخت نونهال انقلاب اسلامی بدهیم.

خدا را شکر و سپاس می‌گویم که به حقیر گناهکار این سعادت عظیم را داد تا به جبهه‌های کفر و ایمان بشتابیم. امت عزیز، فراموش نکنید که همیشه گریه می‌کردید که چرا نبودیم روز عاشورا امام حسین(7) را یاری کنیم امروز ندای «هل من ناصر ینصرنی»[1] حسین زمان بلند است بکوشید تا ندای رهبر را لبیک گویید. و اسلام و امام را یاری کنیم مبادا امام را تنها بگذارید و در خط امام و اسلام گام بر ندارید که در روز قیامت در نزد امامان و انبیاء و پیامبران خدا شرمنده‌اید و مسئول خواهید بود.

جوانان عزیز مبادا در غفلت و ذلت بمیرید که حسین(7) و علی اکبر(7)[2] و ابوالفضل العباس(7)[3] در ذلت از دنیا نرفته[4] و مرگ سرخ خونین را انتخاب کردند. بدانید که روز مرگ شما فرا خواهد رسید پس چه بهتر که مرگ سرخ خونین در راه خدا باشد. وحدت کلمه و اتحاد خود را حفظ کنید و در صحنه انقلاب و جنگ حضور داشته باشید و در پشت جبهه‌ها [که] همیشه جنگ را فراموش نکنید.

مادران و پدران عزیز مبادا از رفتن فرزندانتان به جبهه ممانعت کنید که در نزد خدا و شهیدان و زینب(3) مسئول خواهید بود امروز اسلام برای نجات مستضعفان جهان و برای آزادی قدس[5] و کربلا از دست غاصبان و ظالمان بپا خاسته[6] که[7] این راه به ایثار جان نیاز دارد، وظیفه مسلمانان است که اسلام را یاری کنند[8] تقوا را پیشه کنید و در برابر سختی

1- ر.ک. تعلیقات.
2- ر.ک. تعلیقات.
3- ر.ک. تعلیقات.
4- در اصل وصیت «رفتند».
5- ر.ک. تعلیقات.
6- در اصل وصیت «خواسته».
7- در اصل وصیت «و در».
8- در اصل وصیت «کنیم».

و مشکلات با صبر و استقامت و توکل به خدا از این آزمایش‌های[1] الهی سربلند بیرون آیید[2] تا انشاءالله به انقلاب[3] جهانی حضرت مهدی(عج) متصل شود.

سخنی هم با خانواده گرامی‌ام[4]:

خانواده عزیز و گرامی می‌دانم که در دوران کوتاه زندگی‌ام[5] فرزند خوبی برای شما نبودم پدر عزیزم و گرامی از زحمات شما و مادر عزیز تشکر می‌کنم و امیدوارم به راهی که راه اسلام عزیز است [و] انتخاب کرده‌ام افتخار کنید و بدانید که من امانتی[6] [را] از جانب خدا در نزد شما بودم و امروز خدا صلاح میداند که امانت را باز پس بگیرد. امیدوارم در شهادت که انشاءالله خدا این لیاقت را بمن بدهد، ناراحت نباشید و گریه و زاری نکنید و نگذارید دشمنان اسلام شاد شوند.

مادر جان می‌دانم که داغ فرزند برای شما سخت است، اما با صبر و استقامت و توکل بخدا استوار و به شهادت من افتخار کنید چرا که راه حسین(7) را قبر گزیده‌ام.

شما پدر عزیزم از زحماتی که برای حقیر کشیده‌اید تشکر می‌کنم امیدوارم پدر جان ناراحت نباشید اگر از من ناراحتی دیده‌اید حلالم کنید و مرا ببخشید. شما پدر و مادر گرامی برای من خیلی عزیز هستید انشاء الله که در پیشگاه خدا هم عزیز باشید. اما اسلام عزیزتر از همه اینها است از اینکه نتوانستم حق فرزندی را نسبت به شما ادا نمایم معذرت می‌خواهم انشاء الله اگر خداوند لیاقت داد روز قیامت شما را شفاعت خواهم کرد.

برادران عزیز جای خالی‌ام[7] را نزد خانواده پر کنید، راهم را که راه حسین(7) و اسلام است ادامه دهید و نگذارید سلاح من بر زمین بماند. شهید بی‌یاور بماند. اگر شما خواهران و برادران هم از من بدی دیده‌اید و برادر خوبی برای شما نبودم از شما حلالیت می‌طلبم.

1- در اصل وصیت «آزمایشات».
2- در اصل وصیت «آئید».
3- در اصل وصیت «انشاءالله انقلاب».
4- در اصل وصیت «گرامیم».
5- در اصل وصیت «زندگیم».
6- در اصل وصیت «امانتی».
7- در اصل وصیت «خالیم».

از کلیه دوستان و آشنایان گرامی که موجب ناراحتی آنها شده‌ام حلالیت می‌طلبم و تقاضا دارم مرا ببخشید[1]، شرکت در دعای کمیل و توسل و نماز دشمن شکن جمعه و دیگر مجالس اسلامی را فراموش نکنید.

آری برادرم بگذار اگر این انقلاب اسلامی جز با کشته‌شدن و ریختن خون جوانان امت عزیز پایدار نمی‌ماند پس «ای گلوله‌ها و مین‌ها و نیزه‌ها مرا در برگیرید و قطعه قطعه کنید تا اسلام عزیز و امام امت پایدار بمانند».[2]

به امید سلامتی و طول عمر امام عزیز و پیروان و رزمندگان اسلام و باز شدن راه کربلا و راهی شدن امت اسلام به کربلای حسین(**7**)

بنده حقیر و گناهکار

علی سراج

1- در اصل وصیت «به بخشید».

2- عبارت شهید مشابه این شعر، شاعر تشیعی است که به‌عنوان سخنان امام حسین مشهور شده است:

«اعطیت ربی موثقاً لاینتهی الا بقتلی فاصعدی و ذریتی

ان کان دین محمد لم یستقم الا بقتلی فیا سیوف خذینی

«شیخ محسن حویزی» (دایرةالمعارف تشیع، ج 1، ص137)



بسمه تعالی

متن وصیتنامه شهید علی سراج :

" ای خدای بزرگ آخرین ساعات زندگی دنیائی ما در پشت جبهه میگذرد آماده رفتن در مقابل خشم عوشریم خدای من در این لحظات پرشور بمن ایمانی ده تا بتوانم چون پرنده ای که از قفس آزاد میشود بسوی تو پرواز کنم ، خالق من آتش پرشور عشقت را بر جانم فروکشا تا آنچنان شعله ات کردم که تنها در کوی تو منزل گزینم • معبود من از تو عاجزانه میخواهم که بمن دیده ای بدهی تا بتوانم حقایق وجود خودم و جمال دل آرای تو را مشاهده کنم • ای رستی بخش جهان مرا از تعلقات و زرق و برق دنیا نجات بده و رای الله پاکم کن بعد خاکم کن •

مبارزه کنید و بگذارید بجای نکه نقطه دامن آلوده بخون باشد " (ایام علی "ع")

بنام الله پاسدار خونین کفن شهیدان اسلام پدر و مدیر خاتم پیامبران و سلام بر قائم آل محمد امام مهدی (عج) و نائب برحقش امام امت و سلام بر سربندگان عزیز جبهه های نور بر علیه ظلمت و ارواح پاک و مطهر شهدای اسلام از صدر و حسین تا کوبلای ایران سلام بر امت عزیز چند کلمه ای را با شما ایران بامت عزیز چند کلمه چکیده از آن که سفارش بشما بنمایم بعنوان تذکر یاد آوری میکنم :

امت حزب الله اینجانب حقیر کنا عکار علی سراج با عتقاد کامل به اسلام و پیامبران و امامان معصوم و با آگاهی یقین کامل و ـ بدفاع از اسلام عزیز عازم جبهه های نبرد گردیدم تا بتوانم بیاری خدا قدمتی هر چند کوچک به اسلام عزیز نموده باشم امروز زمانی است که تمامی قوای شرق و غرب بر علیه انقلاب اسلامی ما توطئه گرفته است و البته من و تو برادر و خواهر این است که بیاری اسلام و انقلاب بشتابیم و خون نا قابل خود را برای بارور نمودن درخت نونهال انقلاب اسلامی بدهیم •

خدا را شکر و سپاس میگویم که به حقیر کنا عکار این سعادت عظیم را داد تا به جبهه های نور و ایمان بشتابیم • امت عزیز فراموش نکند که همیشه گریه میکرد یکه چرا نمیتوانیم رزمنده امام (ره) من (ع) را یاری کنیم امروز ندای دل من نا صبر سرنی حسین زمان بلند است یکه رشید جانهای رهبر ابپاخاسته اند • و اسلام و امام را یاری کنیم میدا امام را تنها بگذارید و در خط امام و اسلام گام بر ـ دارید که فردا روز قیامت در نزد امام زمان (عج) و پیامبران خدا شرمنده ایدر مقابل خدا نمیرید •

جوانان عزیز میدا در غفلت و ذلت بمیرید که حسین (ع) و علی اکبر (ع) و ابوالفضل العباس در قلت و ذلت از دنیا رفتند و بر مرگ سرخ ـ خونین و انتخاب کردند بدانید که روز مرگ همه ما فرا خواهد رسید پس چه بهتر که مرگ سرخ خونین در راه خدا باشد و خدمت کلمه و اتحاد خود را حفظ کنید و در صحنه انقلاب و بیدار حضور داشته باشید در پشت جبهه ها که همیشه جنگ را فراموش نکنید • مادران و پدران عزیز میدا از رفتن فرزندانتان به جبهه ممانعت کنید که در نزد خدا و شهیدان و زینب (س) مسئول خواهید بود و روز اسلام برای ـ نجات مستضعفان جهان و برای آزادی کربلا از دست شاهیان و ظالمان بپا خاسته و در این راه به ایثار جان نیاز دارد و وظیفه مسلمانان است که اسلام را یاری نمایند و همیشه کنید و در برابر سختی و مشکلات با صبر و استقامت و توکل بخدا از این آزمایشات الهی سربلند بیرون آیید انشاء الله انقلاب جهانی حضرت مهدی (عج) مشعل شود •

سخنی هم با خانواده گرامیم :

خانواده عزیز و گرامی میدانم که در دوران کوتاه زندگیم فرزند خوبی برای شما نبودم پدر عزیز و گرامی از زحمات شما و مادر عزیز تشکر میکنم و امیدوارم راهی که راه اسلام عزیز است انتخاب کرده ام انتظار کنید بدانید که من انتظارم را از جانب خدا در نزد ـ شما بردم و امروز خدا صلاح میداند که امانت را باز پس بگیرد امیدوارم در شهادت که انشاء الله خدا این لیاقت را بمن بدهد راحت

نباشید وگرنه یزاران تکنید بگذارید شادشوند .

مادرجان میدانم که داغ فرزندم برای شما سخت است امیدوارم صبر و استقامت و تحمل بلای کل بتوانند استوار و پشتیبان شما باشند ضمن افتخار کنید چرا که راه حسین (ع) را انتخاب کرده ام .

شما پدر عزیزم از زحماتی که برای حقیر کشیده اید تشکر میکنم امیدوارم پدرجان ناراحت نباشید اگر از من ناراحتی دیده اید حلالم کنید و مرا ببخشید . شما پدر بزرگوار مرا برای فدای عزیز مستضعفان نمودید . الله که در پیشگاه خدا هم عزیز باشید . اما اسلام عزیزتر از همه اینها است از اینکه نتوانستم حق فرزندی را نسبت به شما ادا کنم ببخشید و امیدوارم مغفرت میخواهم انشاء الله اگر خداوند لیاقت داد در روز قیامت شما را شفاعت خواهم کرد .

برادران عزیزم جای خالیم را در خانواده پر کنید . راهم راه حسین و اسلام است ادامه دهید و بگذارید سلاح من بر زمین نماند . شهیدی باور نماند . اگر شما ایران و برادران هم از من بدی دیده اید و برادرانه از شما حلالیت می طلبم .

از کلیه دوستان و آشنایان گرامی که من به نوعی ناراحتی آنها شده ام حلالیت می طلبم و تقاضا دارم مرا به بخشید . شرکت در دعای کمیل و ترسل و نماز در شمن شکن چنانچه دیگر مجالس اسلامی را فراموش نکنید .

آری برادرم بگذارید این انقلاب اسلامی با پاکشته شدن و ریختن خون جوانان است عزیز پایدار نمی ماند پس ای گلرنگها زمین ما را نیز به ما برگردانید و خانه ها را خانه خدا اسلام عزیز را تا ابد پایدار بسازند .

به امید سلامتی و طول عمر امام عزیز و پیروزی رزمندگان اسلام و بازشدن راه کربلای پر افتخار شدن است اسلام به کربلای حسین (ع)

بنده حقیر و گناهکار : علی سراج



نام: **عبدالحسین**
نام خانوادگی: **سربرزگر اردکانی**
نام پدر: **رضا**
نام مادر: **سکینه**
تاریخ تولد: **هشتم اردیبهشت 1330**
محل تولد: **روستای باغزنـدان از توابـع شهرستان شاهرود**
تحصیلات: **پایان دورهٔابتدایی**
ارگان اعزام‌کننده: **بسیج**
تاریخ شهادت: **بیست‌وسوم دی 1365**
محل شهادت: **شلمچه**
نحوهٔ شهادت: **اصابت ترکش**
مزار: **گلزار شهدای زادگاهش**

عبارت‌های کلیدی

- ائمه اطهار ما برای دنیای فانی و تعلقات آن نبرد نکردند.
- راهی را در پیش گرفته‌ام که امیدوارم مورد رضایت حق تعالی و رسـول اکـرم(**6**) و دیگـر ائمه اطهار(**7**) قرار بگیرد.
- ببینید آیا یار دین خدا و ولایت فقیه هستیم یا خیر.
- برای ما عاشورا تکرار و سرزمین‌های ما چون کربلا شده است.
- دوباره تکرار می‌کنم دست از امام برندارید.
- اگر قدر ندانید خدای بزرگ به بلای دردناکی مبتلا می‌سازد.

عبدالحسین سر برزگر اردکانی

بسم‌الله الرحمن الرحیم

«الذین آمنوا[1] و جاهدوا[2] و هاجروا فی سبیل الله باموالهم و انفسهم اعظم درجةً عند الله و اولئک هم الفائزون»[3]

«خداوند کسانی را که ایمان آورده و در راه خدا جهاد و مهاجرت به وسیله جان و مال کرده‌اند[4] [و] اجری عظیم داده و آنها رستگارانند».

آری اگر بخواهیم رستگار شویم و همای سعادت را در آغوش بگیریم، باید سفری در پیش داشته باشیم و سیری کنیم. باید ز خویشتن دل کنیم/ با یاد او محفل کنیم زیرا هنگامی می‌توانیم خود را شیعه علی(7) و عزادار اباعبدالله الحسین(7) بدانیم که هدف آنها را در نظر بگیریم و آنرا دنبال کنیم. ائمه اطهار ما برای دنیای فانی و تعلقات آن نبرد نکردند. آن چیزی که می‌خواستند رضایت خدا و پیاده کردن احکام دین او بوده و این بنده سراپا[5] تقصیر هم، اگر خدای منان قبول نماید، راهی را در پیش گرفته‌ام که امیدوارم مورد رضایت حق تعالی و رسول اکرم(6) و دیگر ائمه اطهار(:) قرار بگیرد. آری عزیزان و ای کسانی[6] که این نوشته را می‌خوانید و می‌شنوید، لحظه‌ای به خود بیایید[7] و ببینید چه می‌کنیم و چه می‌کنید آیا در لاک خودپسندی و خود محوری و منیت فرو رفته یا جاروب کرده و پس میهمان‌طلب هستیم و غبار دل شسته‌ایم؟ آیا یار دین خدا و ولایت فقیه هستیم، یا خیر؟ ما می‌گوییم[8] یا حسین خوب بود در کربلا بودیم و از تو حمایت می‌کردیم به خدا قسم زمان تکرار شده و فرزندی خلف از نسل حسین(7) علم حق را گرفته و بر کفر

1- در اصل وصیت «آمنو».
2- در اصل وصیت «جاهدو».
3- توبه/ 20.
4- در اصل وصیت «کرده».
5- در اصل وصیت «سرپا».
6- در اصل وصیت «کسان».
7- در اصل وصیت «بیائید».
8- در اصل وصیت «می‌گوئیم».

می‌تازد. «امروزی که برای ما عاشورا تکرار و سرزمین‌های ما چون کربلا شده است»[1] بیایید[2] دست در دست هم داده و از دین خدا حمایت کنیم و در عین حمایت مشت خود را محکم کرده و بر فرق سر استکبار و منافقین[3] و ضدانقلاب بکوبیم و ثابت کنیم که شیعیان[4] واقعی علی(7) هستیم و از قول همه رزمندگان به آن منافقین و ضدانقلاب‌های پست فطرت و به آن دسته از کسانی که به هر عنوان می‌خواهند از مسئله جنگ استفاده سوء کرده و خون مردم را مکیده بگویید[5] بعد از صدام که انشاءالله[6] به همین زودی از بین خواهد رفت، نوبت شماست و آماده باشید که بایستی در پیشگاه ملت شهید داده و خدای بزرگ جواب پس دهید. خدایا خدایا تا انقلاب مهدی خمینی را نگه‌دار. جنگ جنگ تا پیروزی/ و به امید پیروزی حق بر باطل. (دوباره تکرار می‌کنم دست از امام برندارید و اگر قدر ندانید، خدای بزرگ به بلای دردناکی مبتلا می‌سازد.

«والسلام»

عبدالحسین سربرزگر

1- عبارت شهید تداعی این کلام بلند را می‌کند که در برخی از منابع و مقاتل به امام حسین(7) نسبت می‌دهند. «کل یوم عاشورا و کل ارض کربلا».

2- در اصل وصیت «بیائید».

3- ر.ک. تعلیقات.

4- در اصل وصیت «شعیان».

5- در اصل وصیت «بگوئید».

6- در اصل وصیت «انشالله».

بسم الله الرحمن الرحیم

الذین آمنوا وجاهدوا فی سبیل الله باموالهم وانفسهم اعظم درجة عند الله واولئک هم الفائزون

خدا مقام کسانی را که ایمان آورده و در راه خدا جهاد و هجرت نموده با بذل جان و مال کرده و اجر عظیم داده و آنها را رستگار دانسته

آری ما ابراهیم رستگار شویم و هدف سعادت را در آغوش بگیریم باید سنتی را پیش گرفته و پیروی کنیم

باید خویشتن را کنیم باید او را محفل کنیم

در این هنگامی می توانیم خود را شیعه علی (ع) و عزادار اباعبدالله الحسین علیه السلام بدانیم که هدف آنها

را نظر بگیریم و آنرا دنبال کنیم ائمه اطهار ما بالای دنیا و مافیها و متعلقات آن هیچ ارزش قائل نبودند آن چیزی که برای آنها

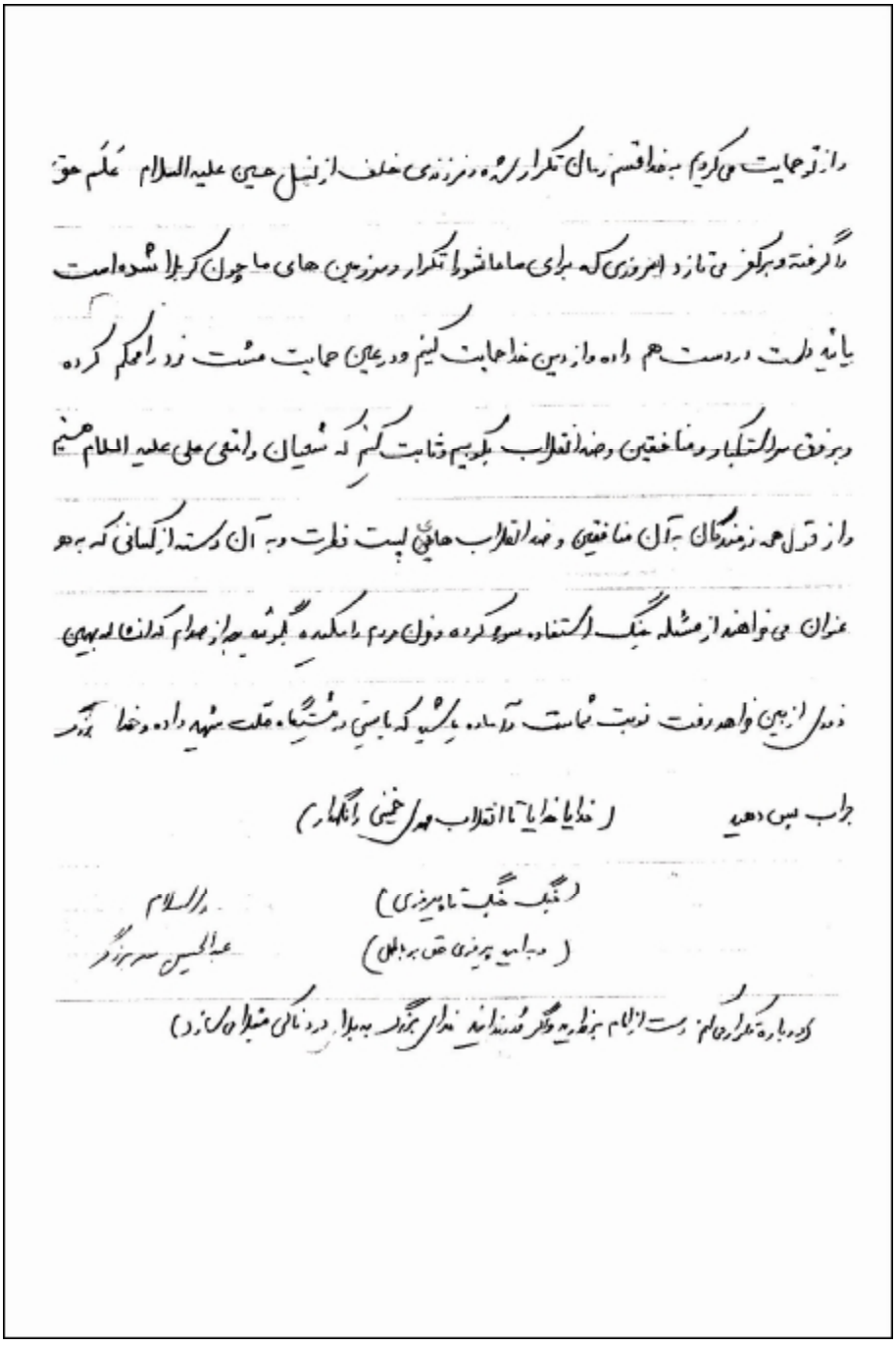
رضایت خدا و پیاده کردن احکام دین ارزش بوده و این نهضت ما با تقدیر هم اگر خدای نکرده قبول نماید راهی را در

پیش گرفته ایم که امید داریم مورد رضایت حق تعالی و رسول اکرم (ص) و دیگر ائمه اطهار علیهم السلام قرار بگیرد آری

مومنان و ای کسانی که این نوشته را می خوانید و می شنوید لحظه ای به خود بیائید و عینیت چه می کنیم و چه می کنید

آیا در اثر خودپسندی و خودمحوری و عینیت خود رفته یا جا زده که در این میان طلب مسئله و عیب جویی

برای دیگران آیا یاری دین خدا و ولایت فقیه هستیم یا غیر ما می گوئیم با همین خوب بود و کمر بالا بزنیم



دارد و حمایت می‌کردم به خدا قسم زمان تکرار کربلا و نوزدهی خلف از نسل حسین علیه السلام علم حق
را گرفته و هرگز نمی‌تازد امروزی که برای ما مانند تکرار دوران کربلا شده است
یا نایب دولت در دست هم داده و از دین خدا حمایت کنیم و در عین حمایت مشت زور را محکم کرده
و بر فرق سران کفار و منافقین و ضد انقلاب بکوبیم و ثابت کنیم که شیعیان واقعی علی علیه السلام هستیم
و از قول همه رزمندگان با آن منافقین و ضد انقلاب هایی پست فطرت و به آن دسته از کسانی که به هر
عنوان می‌خواهند از مسئله جنگ استفاده سوء کرده و دول مردم را سکنده گرفته به جان مردم بیندازند
و دل از این خواهد رفت نوبت شماست تا ساده باشید که با بستی در شیشه‌ها، قلت شهید داده و خدا کند
جواب بس دهید (خدایا خدایا تا انقلاب مهدی خمینی را نگهدار)

(شب خجسته نامبرزدی) والسلام
(دوباره پرزدی حق بر دلها) عبدالحسین سرمزگر

(و دوباره تکرار می‌کنم دست از اسلام بردارید وگرنه مطمئن باشید خدای بزرگ به بلا و دردناکی مبتلایتان می‌سازد)



نام: **عباس**
نام خانوادگی: **سرکاری**
نام پدر: **اسکندر**
نام مادر: **مریم**
تاریخ تولد: **سوم مهر** 1346
محل تولد: **شهرستان تهران**
تحصیلات: **پایان دورهٔ راهنمایی**
ارگان اعزام‌کننده: **بسیج**
تاریخ شهادت: **بیست‌ونهم اردیبهشت** 1365
محل شهادت: **مهران**
نحوهٔ شهادت: **اصابت ترکش**
مزار: **گلزار شهدای شهرستان شاهرود**

عبارت‌های کلیدی

- جنگ واقعاً مسئله مهمی برای ملت ما شده است و باید آن را خودمان حل کنیم.
- دشمنان داخلی از جمله منافقین بدانند که نمی‌توانند مسئله جنگ را جور دیگر جلوه دهند.
- هدف رهایی از فساد و تباهی است.
- امام و رهنمودهایشان ما را چنان به خود آوردند که باعث تعجب خودمان شده است.
- بسیجی الآن الگو و اسوهٔ تمامی انسان‌های مبارز است.
- این را بدانید که اسلام در هر کجا که باشد، آخر هم پیروز خواهد شد.
- با چشمی بصیر نگاه کنید الآن خداوند ما را در معرض امتحان قرار داده است.
- رو به‌سوی جبهه‌ها کنید، نگویید نیرو زیاد است احتیاج به ما ندارند. اگر جبهه بـه شـما احتیـاج ندارد شما به جبهه احتیاج دارید.
- قدر انقلاب را بدانید برای رشد و نموش کوشا باشید.

عباس سرکاری

بسم الله الرحمن الرحیم

«من المؤمنین رجال صدقوا ما عاهدوا الله علیه فمنهم من قضی نحبه و منهم من ینتظر و ما بدلوا تبدیلاً»[1]

«برخی از آن مؤمنان بزرگ مردانی هستند که به عهد و پیمانی که بخدا بستند کاملاً وفا کردند پس برخی به آن عهد ایستادگی کردند و برخی به انتظار مقاومت کرده و هیچ عهد خود را تغییر ندادند».[2]

با سلام به پیشگاه آقا امام زمان(عج) و عرض سلام خدمت امام امت قلب تپندهٔ ملت شهیدپرور ایران و با سلام بر شما ملت همیشه بیدار و همیشه در صحنه. و من وصیتی ندارم که به کسی کنم چون لیاقت وصیت‌کردن را در خود نمی‌بینم ولی برحسب مسئولیتی که به گردن دارم و هر انسان مسلمانی باید قبل از مرگ وصیتنامه‌ای از خود بر جا بگذارد، با شرمندگی چند جمله‌ای را عرض می‌کنم. این چند خطی را که با دست‌های ناتوانم بر روی کاغذ می‌آورم، تذکراتی است که می‌نویسم. هم‌اکنون که جنگ حالت خاصی را به خود گرفته است و جنگ واقعاً مسئله مهمی برای ملت ما شده است و باید آن را خودمان حل کنیم و حل کردن آن هم زیاد مشکل نیست و آسان هم نمی‌باشد، بلکه باید مبارزه کرد، جنگید و به دشمن فهماند، که اگر شما به ما تجاوز کردید، ما هم چون یک شیر بیداریم و از مملکت اسلامی خود دفاع خواهیم کرد و دشمنان داخلی از جمله منافقین[3] بدانند که نمی‌توانند مسئله جنگ را جور دیگر جلوه دهند و ما را از جنگ دور کنند. ایستاده‌ایم پا برجا همچنان هم خواهیم ایستاد و شب و روز برایمان فرقی نمی‌کند، می‌جنگیم تا پیروزی، به قول امام عزیزمان «جنگ جنگ تا رفع فتنه از جهان».[4] الآن که مشغول جنگ با کشور عراق هستیم [بلکه] جنگ با یک کشور نیست، جنگ با چند کشور ابر قدرت است و صدام فقط یک واسطه است و به وسیلهٔ این واسطه می‌خواهند ضربه‌های

1- احزاب/ 23.

2- در اصل وصیت «معنی آیه تحت الفظی و نامفهوم بوده».

3- ر.ک. تعلیقات.

4- صحیفه امام، جلد 19، ص 116.

خود را وارد کنند. ما هم چون یک ایرانی مبارز با رهبری مبارز و بیدار، جواب این کوردلان را خواهیم داد. ای ملت حزب‌الله جوانان در جبهه رشادتها می‌آفرینند. جانها و خونها می‌دهند. معلول می‌شوند. چشم‌هایشان را از دست می‌دهند. برای چی؟ به‌خاطر چی؟ فقط به‌خاطر اسلام و هدفی دیگر ندارند و چه نیکو هدفی است که انسان جان و اعضای بدنش را فدای چنین راهی کند. ما جوانان و حتی پیرمردانمان که تا دیروز سر کوچه‌ها می‌نشستند و حرف‌های بیهوده می‌زدند، الآن به جای این کارها راهی جبهه می‌شوند وقت خود را در جبهه‌ها بسر می‌برند، نیایش می‌کنند از خدا طلب آمرزش می‌کنند. چون بیدار شدند، خوب را از بد تشخیص می‌دهند نه آن خوبی را که بچه در کودکی از بد تشخیص می‌دهد، خوب زندگی کردن را، خوب زیستن را، خوب کشته شدن را. اینها همه خودش هدفی است و هدف هم رهایی از فساد و تباهی است که خدا را[1] هزار مرتبه شکر می‌کنیم که با آمدن امام و رهنمودهایشان ما را چنان به خود آوردند که باعث تعجب خودمان شده است.

الآن اسم یک بسیجی خودش از 5 حرف[2] تشکیل شده است و دشمن از همین پنج حرف می‌ترسد. بسیجی الآن الگو و اسوهٔ تمامی انسانهای مبارز است، یک مبارز واقعی که فقط اسلام را در نظر گرفته و تمامی افکار غیر اسلامی برایش پوچ و بی‌ارزش است، می‌جنگد تا رهایی از ظلم و ستم. عاشقانه عازم می‌شود، عاشقانه لبیک می‌گوید، عاشقانه به‌سوی دشمن حمله‌ور می‌شود و در آخر عاشقانه به شهادت می رسد و شهادت را با جان و دل در آغوش می‌گیرد و خلاصه هزار مرتبه شکر می کند. و در حال شهادت می گوید الحمدلله رب العالمین. این است آخرین سخن بسیجی این چنین مبارزین اسلام امام حسین(**7**) و یارانش الگوی ما و ما هم الگوی تمام مبارزین جهان، کسانی که می‌خواهند بجنگند با ظلم و ستم ولی توانایی را در خود احساس نمی‌کنند به آنها می‌گوییم[3] بجنگید ما پشتیبانتان خواهیم بود. انشاءالله به همین زودی‌ها است که خبر نابودی حزب بعث[4] به گوش اربابانش خواهد رسید و آنان هم راهی جز خجالت و شرمندگی ندارند، این را

1- در اصل وصیت «خدا هزار».

2- در اصل وصیت «کلمه».

3- در اصل وصیت «می‌گوئیم».

4- ر.ک. تعلیقات.

بدانید اسلام در هر کجا که باشد، آخر هم پیروز خواهد شد، به هر نحوی که باشد چون باطل همیشه نابود است و اسلام هم یک دین الهی و حق است. اما شما امت حزب‌الله قدر این ثمرهٔ بزرگ آن نعمت الهی را بدانید چشم بسته از کنارش نگذرید. با چشمی بصیر نگاه کنید الآن خداوند ما را در معرض امتحان قرار داده است باید سعی کنیم از این امتحان الهی با موفقیت درآییم.[1] رو به‌سوی جبهه‌ها کنید نگویید[2] نیرو زیاد است احتیاج به ما ندارند چرا بیایید[3] اگر جبهه احتیاج به شما ندارد شما به جبهه احتیاج دارید. به قول معروف میدان نبرد هم فال و است و هم تماشا. هم با حضور خود قلب دشمن را تیره و سیاه می‌کنید و دیگر آنکه با آمدنتان تکلیفی را که بر دوش داشتید، انجام دادید. این خودش مسئله مهمی است. گفتم به آسانی نگذرید. خلاصه قدر انقلاب را بدانید. برای رشد و نموش کوشا باشید. اگر این انقلاب نبود شما هم این چنین نبودید، گذشت نداشته ایثار نداشته از خودگذشتگی نشان نمی‌دادید. نسبت به هم این چنین مهربان نمی‌شدید. در آخر به هم احترام نمی‌گذاشتید همه و همه از نعمات این انقلاب است که «ما چنین روزهایی را می‌بینیم»[4] و پس جای افتخار و شکرگذاری است. دیگر بیشتر از این چیزی در ذهنم[5] خطور نمی‌کند که روی کاغذ بیاورم شاید خیلی از اینها هم برای شما امت بیدار، زیادی و تکراری باشد ولی تذکرش هم هیچ عیبی ندارد.

«والسلام[6] علیکم و رحمة الله و برکاته»

[وصیت‌نامه‌ای دیگر]

بسم الله الرحمن الرحیم

با سلام خدمت شما پدر و مادر بزرگوارم و با سلام مجددم بر شما خواهران و برادران مهربانم. امیدوارم که چند سخنی را که می‌گویم از این حقیر قبول کنید [تا تضرع و خواری] از شما پدر و مادر عزیزم که خیلی برایم زحمت کشیدید تا من را به اینجا

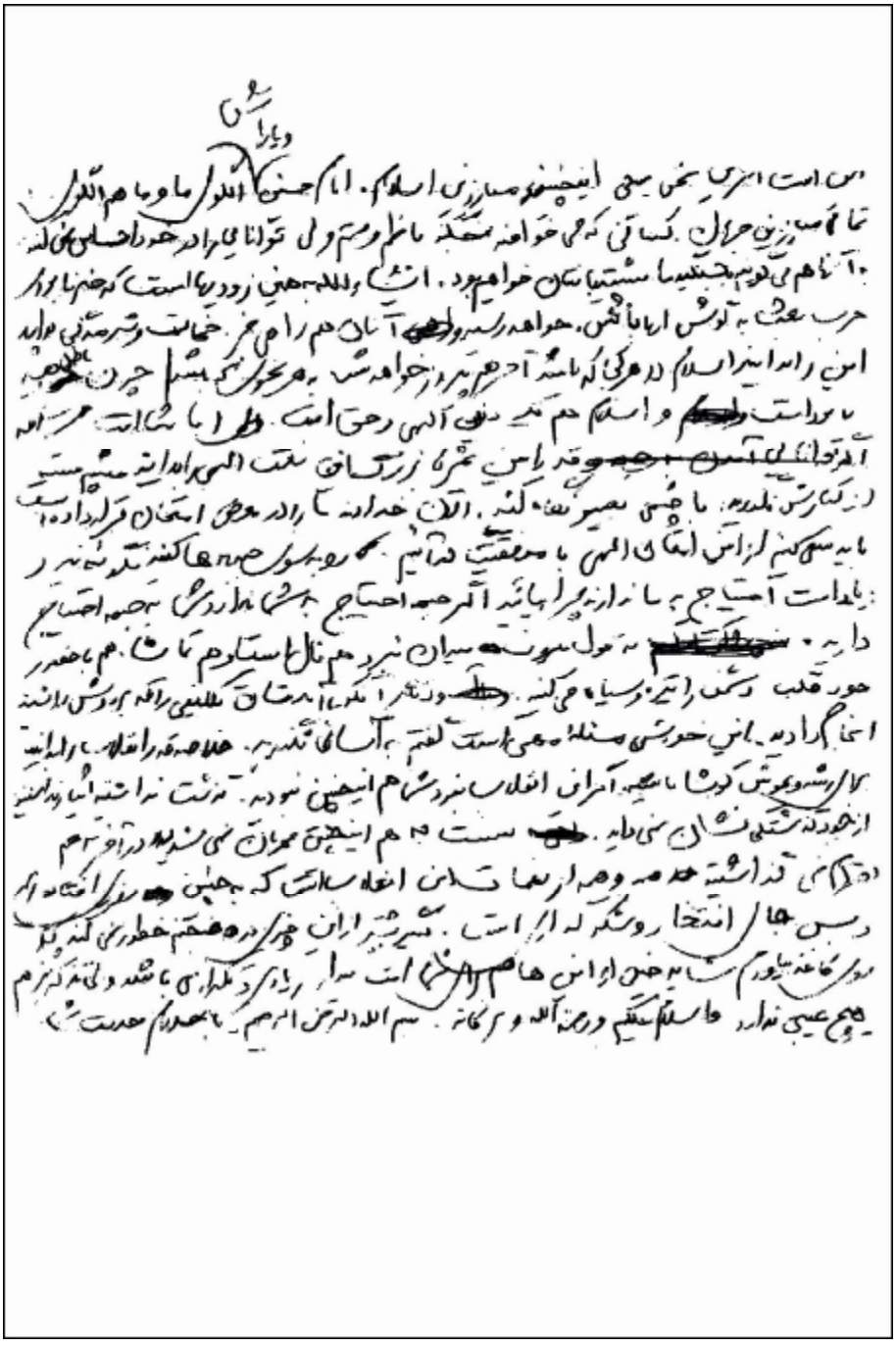
1- در اصل وصیت «درآئیم».
2- در اصل وصیت «نگوئید».
3- در اصل وصیت «بیائید».
4- در اصل وصیت «به چنین روز افتاده‌ایم».
5- در اصل وصیت «ضحنم».
6- در اصل وصیت «واسلام».

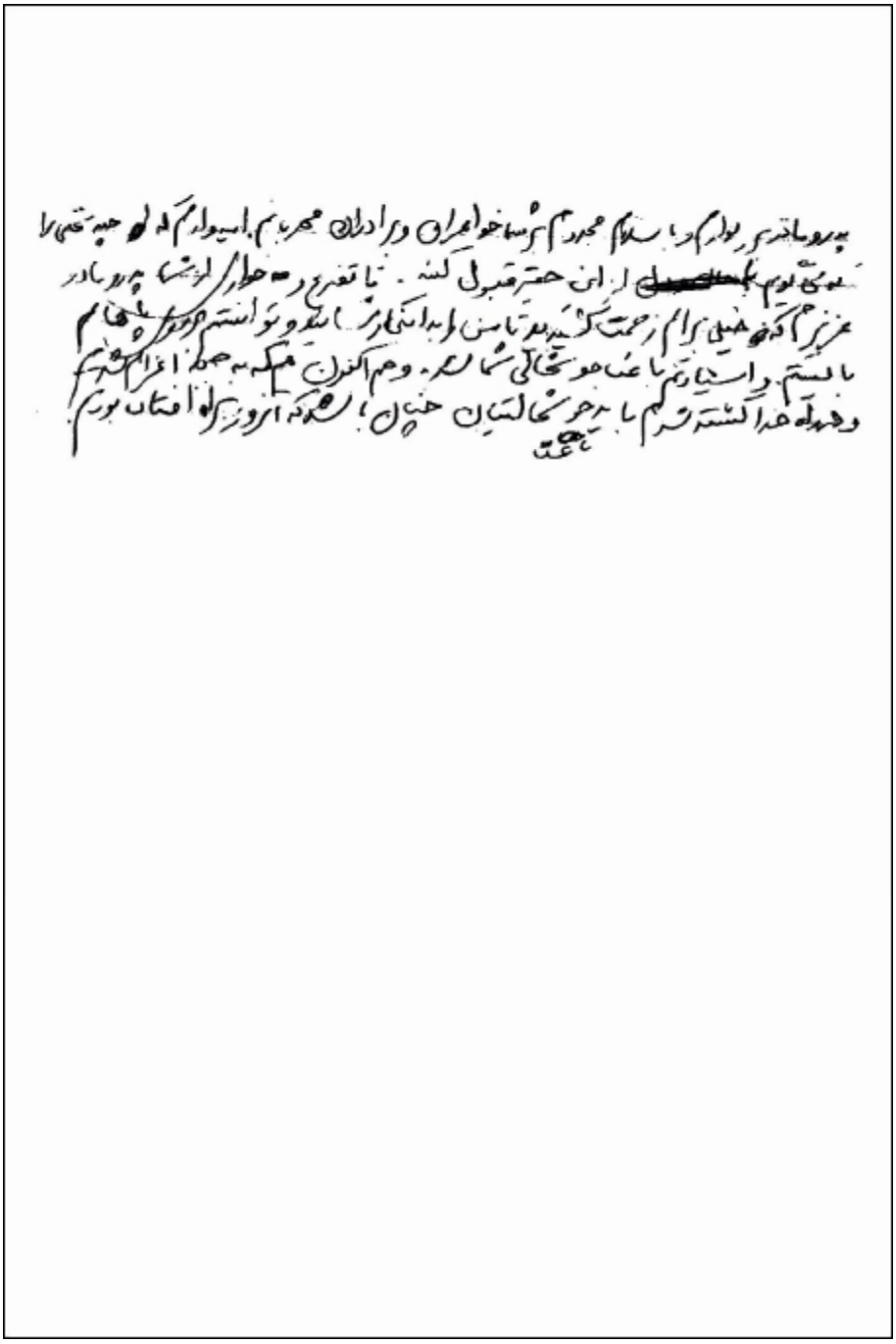
رساندید[1] و توانستم بر روی پاهایم بایستم و ایستادنم باعث خوشحالی شما شد و هم‌اکنون [هم] که به جبهه اعزام شدم و در راه خدا کشته شدم باید باعث خوشحالیتان چنان باشد که آنروز به راه افتاده بودم.

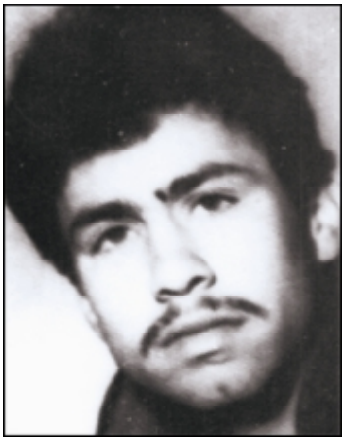
1- در اصل وصیت «رسانید».











نام: **محمود**
نام خانوادگی: **سرکاری**
نام پدر: **محمدتقی**
نام مادر: **مریم**
تاریخ تولد: **یکم فروردین** 1344
محل تولد: **روستای برم از توابع شهرستان دامغان**
تحصیلات: **پایان دورهٔ ابتدایی**
ارگان اعزام‌کننده: **بسیج**
تاریخ شهادت: **هجدهم اسفند** 1362
محل شهادت: **جزیرهٔ مجنون**
نحوهٔ شهادت: **اصابت ترکش**
مزار: **گلزار شهدای زادگاهش**

عبارت‌های کلیدی

- به جبهه‌های جنگ آمدم، تا دست غارتگران را از سرزمین مسلمین کوتاه کنم.
- جنگیدن وظیفه شرعی می‌باشد.
- خدایا پروردگارا تو می‌دانی که هدف ما شهادت نیست، بلکه پیروزی در راه توست.
- برای احیای دین و دفاع از حسین زمان تمامی اعضا و دل و جانمان را هدیه می‌دهیم.
- ای برادران و خواهران، ما رفتیم و این شما هستید که باید راه ما را ادامه دهید.
- ای دوستان ایمان خود را به خدا زیاد کنید.
- از شما که جوان‌های بسیج هستید، می‌خواهم که بسیج را تنها نگذارید.
- ای حسین(**7**) قسم به خون پاکت و قسم به خون شما پاکان و مظلومان تاریخ که تا آخرین نفس و آخرین قطرهٔ خون با تو پیمان می‌بندیم، که با دوستان تو دوست و با دشمنان تو دشمن باشیم.

محمود سرکاری

بسم الله الرحمن الرحیم

«ان الله یحب الذین یقاتلون‌فی سبیله صفاًکأنهم بنیان مرصوص»[1]

«بدرستی که خدا دوست می‌دارد کسانی که در راهش چون دژهای استوار پیکار می‌کنند».

اینجانب محمود سرکاری فرزند تقی سرکاری از آنجا که خود را یک فرد مسئول می‌دانم برای[2] دفاع از اسلام و میهن عزیزم که یک وظیفه اسلامی و شرعی است، به جبهه‌های جنگ آمدم، تا دست غارتگران را از سرزمین مسلمین کوتاه کنم. ما باید از رهبر عزیزمان امام خمینی تشکر کنیم، که ما را از منجلاب فساد نجات داده و هدایتمان نموده و لازم نیست کسی از ما تشکر کند چرا که جنگیدن وظیفه شرعی می‌باشد. خداوند انشاءالله که سایه رهبر عزیزمان را از سر این ملت کوتاه نکند و تا انقلاب مهدی(عج) او را نگه دارد. خدایا پروردگارا تو می‌دانی که ما چقدر مشتاق شهادتیم و نیز می‌دانی که هدف ما شهادت نیست. بلکه پیروزی در راه توست. اگر توانستیم می‌کشیم و اگر نتوانستیم کشته می‌شویم و ای امام از ما راضی باش، که برای احیای دین و دفاع از حسین زمان تمامی اعضا و دل و جانمان را هدیه می‌دهیم تا اسلام و قوانین حیات‌بخش آن در سراسر جهان گسترش یابد و [به] چند کلمه‌ای با دوستان: ای دوستان و فامیل‌ها[3] و ای پدر و مادر و ای [پدر و مادر] و ای برادران و خواهران، ما رفتیم و این شما هستید که باید راه ما را ادامه دهید. ای دوستان ایمان خود را به خدا زیاد کنید و از شما که جوان‌های بسیج هستید، می‌خواهم که بسیج را تنها نگذارید و همه کارهای[4] لازم را بکنید. ای حسین(**7**) جان قسم به خون پاکت و قسم به خون شما پاکان و مظلومان تاریخ که تا آخرین نفس و آخرین قطرهٔ خون با تو پیمان می‌بندیم، که با دوستان تو دوست و با دشمنان تو دشمن باشیم، تا قیامت باقی است.

1- صف/ 4.

2- در اصل وصیت «می‌دانم که».

3- در اصل وصیت «فامیلان».

4- در اصل وصیت «کارها».

تو ای پدر مهربانم، برای من زحمت زیاد کشیدی مرا به حد بلوغ رساندی و من نتوانستم به شما خدمت کنم و خوبیهای شما را جبران کنم پدر جان مرا ببخشید. و تو ای مادر عزیزم برای من زحمت خیلی کشیدی و من نتوانستم خوبی‌های شما را جبران کنم و شاید من به شما تند حرف زدم و شما را آزرده خاطر کردم و شما ممکن است از دست من ناراضی باشی، امیدوارم با بزرگی و مهربانی خودت مرا ببخشید و عفوم کنید. و شما ای برادران مهربانم محمد و احمد شما مرا حلالم کنید اگر بدی از من دیدید مرا ببخشید و شما ای خواهرانم شهربانو فاطمه و زهرا شما خواهرهای مهربانم شما مهربان بودید برای من و آن من بودم که با شما بدی کردم امیدوارم با مهربانی خودتان مرا حلالم کنید و مرا ببخشید.

در ضمن از[1] آن مبلغ پولی که از خودم هست [به] مبلغ پنج هزار تومان را برای نماز و روزه بدهید اگر شهادت نصیب ما شد تا می‌توانید برای من گریه نکنید زیرا که دشمن و منافق[2] از گریه کردن شما خوشحالی می‌کند و همچنین محل دفنم در قبرستان پایین در بغل[3] قبر برادر شهید حسین شفیع‌زاده قرار دهید و دفنم کنید.

«مادرم مادرم این است مادر جان حرفی که من دارم.

شیون نکن مادر در مرگ خونبارم　　بگذر ز من دیگر عزم سفر دارم

یک خواهشی دیگر مادر ز تو دارم

گر کشته گردیدم در جبهه ای مادر　　بهرم مکن زاری بهرم مزن بر سر

[...][4] پرچم سبزی در خانه[5] زن، مادر　　بهرم چراغان کن شوق خدا دارم

«والسلام»[6]

62/11/23

1- در اصل وصیت «در ضمن آن».

2- ر.ک. تعلیقات.

3- در اصل وصیت «بقل».

4- خوانا نیست.

5- در اصل وصیت «خان».

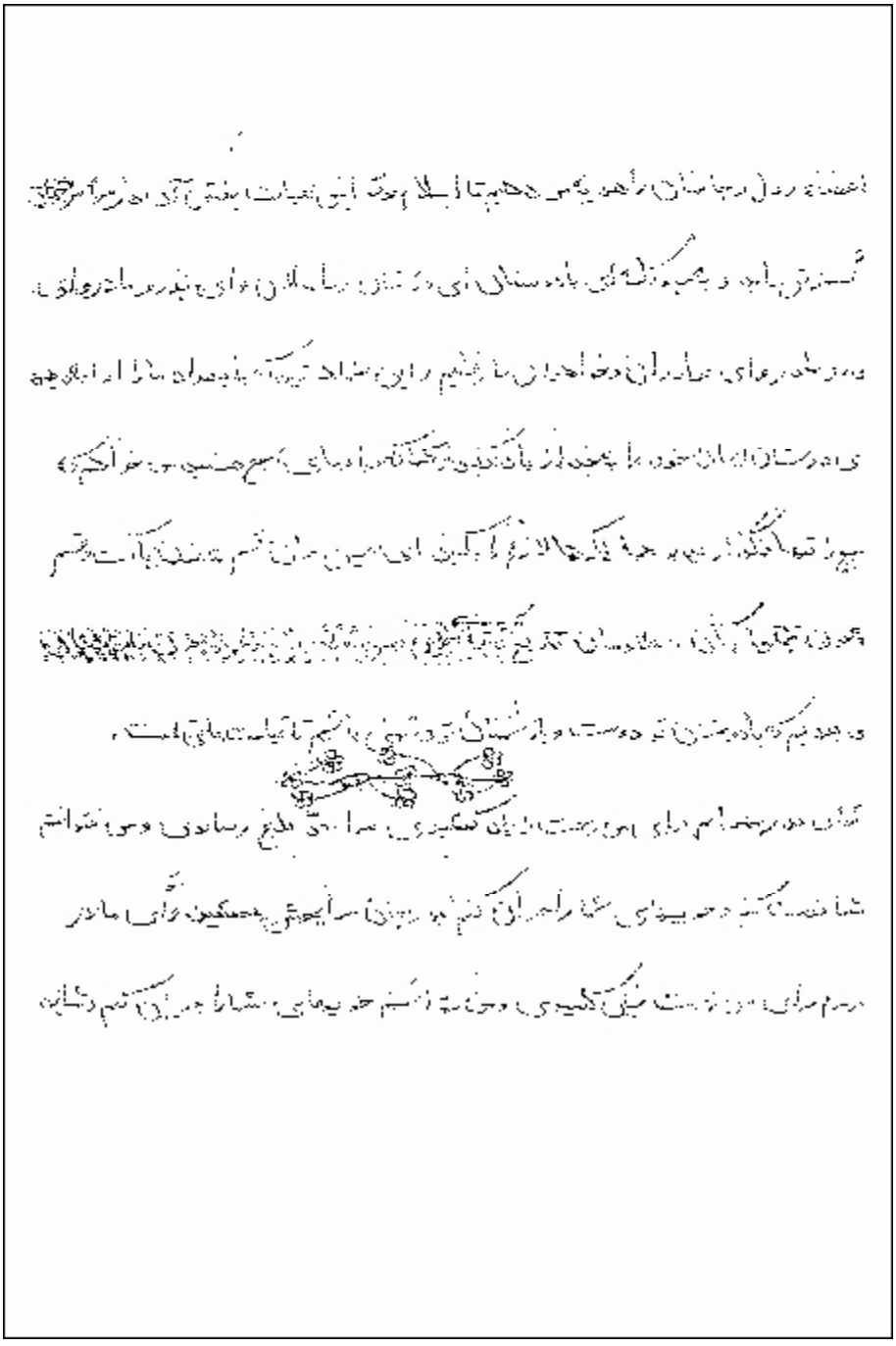
6- در اصل وصیت «وسلام».

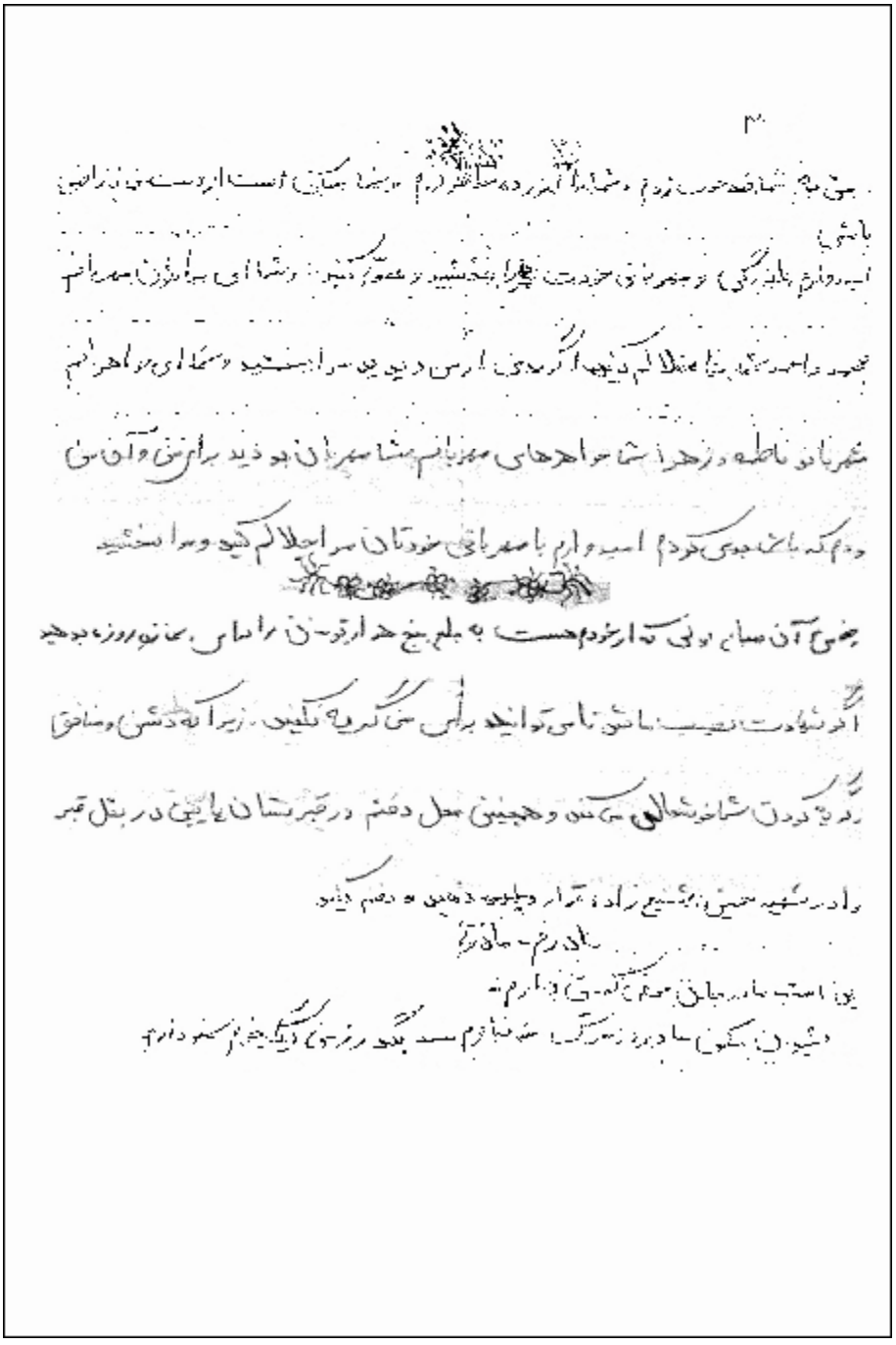
بسم الله الرحمن الرحیم

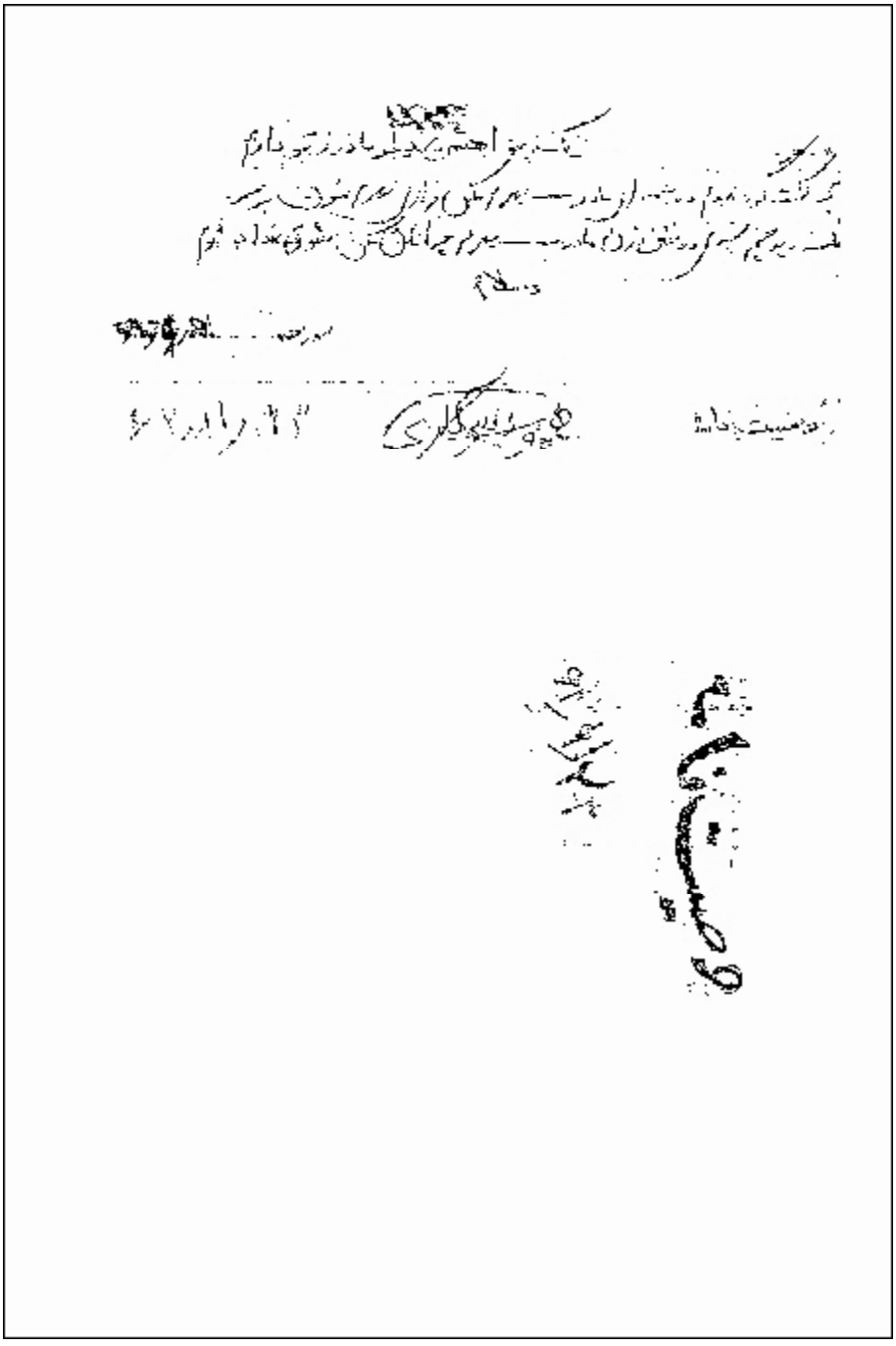
ان الله یحب الذین یقاتلون فی سبیله صفا کانهم بنیان مرصوص

«به درستیکه خداوند دوست می دارد کسانیکه در راهش چون دژهای استوار پیکار می کنند»

اینجانب محمد سرکاری فرزند فتح سرکاری از آنجا که خود را یک فرد مسئول می دانم که دفاع از اسلام و میهن عزیزم را یک وظیفه اسلامی و شرعی است به جبهه های جنگ آمدم تا دست غارتگران را از سرزمین مسلمین کوتاه کنم. ما باید از رهبر عزیزمان ما حمایت کنیم که ما را از منجلاب مسائل نجات داده و هدایتمان نموده و لازم است ما از ما شکر کنیم چرا که جنگیدن وظیفه شرعی می باشد خداوندا ما را در سایه رهبر عزیزمان را از سر این ملت کوتاه نکن و تا انقلاب مهدی (عج) او را نگه دارد خدایا پروردگارا تو میدانی که ما چقدر مشتاق شهادتیم و تو می دانی که هدف ما شهادت نیست بلکه پیروزی در راه توست اگر توانستیم می گیریم و اگر نتوانستیم کشته می شویم و ای امام - ارزش دارد که برای احیای دین و دفاع از حسین زمان خامنه ای







نام: **عبدالمحمد**
نام خانوادگی: **سعدالدین**
نام پدر: **اسدالله**
نام مادر: **نرگس**
تاریخ تولد: **سیزدهم دی** 1337
محل تولد: **شهرستان سمنان**
تحصیلات: **پایان دورهٔ ابتدایی**
ارگان اعزام‌کننده: **بسیج**
تاریخ شهادت: **هشتم آذر** 1360
محل شهادت: **بستان**
نحوهٔ شهادت: **اصابت ترکش**
مزار: **گلزار شهدای امامزاده یحیای زادگاهش**

عبارت‌های کلیدی

- دعا کنید مرگ با عزت که همان شهادت سرخ حسینی است نصیب ما گردد.
- شهادت هدیه‌ای است الهی برای کسانی که لایق آن باشند.
- از شما می‌خواهم امام را تنها نگذارید.
- با وحدت آهنین خود تن مستکبرین را به لرزه درآورید.
- نماز جمعه و مساجد را فراموش نکنید.
- می‌رویم تا انشاءالله کفر و نفاق را در سرزمین اسلامی محو و نابود کنیم.
- ایکاش صدها جان داشتم و در راه اسلام فدا می‌کردم.
- هدف من فقط و فقط پیروزی اسلام و حسین(**7**) است.

عبدالمحمد سعدالدین

بسم‌الله الرحمن الرحیم

[...][1] «فی القبر وحشتی و اجعل لی عهدا یوم القاک منشورا» سپس وصیت کند (باب 3) حدیث علیهذا توفیقات ربانی شامل حال این جانب عبدالمحمد شهرت سعدالدین دارای شناسنامه شماره 4 صادره از سمنان فرزند اسداله ساکن سمنان خیابان صاحب شده که به وحدانیت الهی و نبوت جمیع انبیاء و خاتمیت حضرت محمد بن عبدالله صلی الله علیه و آله و ولایت و عصمت ائمهٔ اثنی عشر و حضرت فاطمه زهراء صلوات الله علیهم اجمعین و به کلیه عقاید اسلامیه اصولاً و فروعاً اقرار و در حال صحت و اختیار من دون الاکراه و الاجبار در حالتی که تمامی اقاریر شرعیه از من ممضی و نافذ بود وصیت نموده و وصی خود قرار دادم آقای اسداله بشهرت سعدالدین بشناسنامه شماره 1 صادره از سمنان را که با نظارت آقای - شهرت - دارای شناسنامهٔ - صادره از - به وصیت‌های من که در این اوراق به شرح رفته است عمل نماید:

1- محل دفن نازلترین جا.

2- نماز وحشت بخوانید.

3- تجهیز و تعزیه‌داری به اندازه شئونات.

4- خمس: پولی را که به اینجانب داده‌اید خمس آنرا حساب کنید و در بانک صادرات موجود است.

5- کفارات 5000 ریال بحساب دولت مکتبی بدهید.

و از این موارد قسمتی که از اصل ترکه حساب نمی‌شود از ثلث مالم برداشته و بقیه ثلث را در موارد زیر به مصرف برساند: اگر خرج تعزیه را از ثلث مال اینجانب برداشته و بقیه را در مسجد صاحب الله واقع در خیابان صاحب وقف نمایید.

دیون و بدهکاریهای من از اینقرار است:

1- پنج صفحهٔ اول وصیت‌نامه موجود نیست.

1- مبلغ پولی را که بابا بزرگ اینجانب امانت به من داده بود و مقدار 60000 ریال بوده است و در بانک صادرات شعبه محلات است خواهش میکنم که امانت اینجانب را به بابا بزرگ آقای جواد رنجبر بدهید. «سعدالدین»

«فمن بدله بعد ما سمعه فانما اثمه علی الذین یبدلونه»[1]

به‌تاریخ 1360/8/15

امضاء وصیت کننده عبدالمحمد سعدالدین

شهود:

1- عباس داوری خدایا شهادت را نصیبم کن.

2- اسماعیل فامیلی رضایم به رضای خدای بزرگ 19/ 8/ 1360

3- حسن رحیمی 60/8/19

در خاتمه از شما پدر و مادر عزیزم از شما قدردانی زیاد می‌کنم هرچند قدردانی من به اندازه یک دقیقه از زحمت که شما برای من کشیدید نمی‌ارزد و اجر شما را خدای یکتا بدهد. پدر و مادر عزیزم از شما که برادران عزیز و خواهران گرامی‌ام [را] هر چه بیشتر در راه اسلام پرورش [می]دهید، همینطور که اسلام عزیزمان می‌خواهد.[سپاسگزارم]

[وصیت‌نامه‌ای دیگر]

بسم‌الله الرحمن الرحیم

بسم رب الشهداء و الصدیقین

«و لا تحسبن الذین قتلوا فی سبیل الله امواتاً بل أحیاء عند ربهم یرزقون»[2]

حمد و سپاس بر خدای باریتعالی درود بر مهدی(عج) و سلام بر نایب برحقش روح‌الله و سلام بر شهیدان و معلولین و مجروحین انقلاب اسلامی و یاوران حسین(**7**) که در جبهه‌ها می‌رزمند. رزمندگان اسلام از شهادت چه باکیست [...][3] رهبر که چون خمینی [است] از شرق و غرب چه باکیست شهادت هدیه‌ای است الهی برای کسانی که لایق آن

1- بقره/ 18. «پس از آن هر کس که آن [وصیت] را پس از شنیدنش دگرگون کند گناهش بر گردن همان کسانی است که دگرگونش می‌کنند».

2- آل عمران/ 169.

3- خوانا نیست.

باشند. مردن رهی است که باید طی شود. سفری است که باید پایان برسد. پس چرا و به کدامین دلیل که پایانمان مانند حضرت علی(7) نباشد. مانند حسین(7) نباشد آری شهادت سعادت است. خدایا شهادتم را که در راه خدا و دین مقدس اسلام و قرآن است بپذیر و مرا از سربازان خویش قرار ده و از شما برادر و خواهر مسلمان می‌خواهم امام را تنها نگذارید «زیرا ما اهل کوفه نیستیم که امام تنها بماند»[1] و دعا به جان این پیر جماران را فراموش نکنید و با وحدت آهنین خود تن مستکبرین را به لرزه درآورید و نماز جمعه و مساجد را فراموش نکنید و از جنگ و شهادت نهراسید و چند کلمه‌ای نیز با پدر و مادرم سخن می‌گویم.

پدر و مادر گرامی من از خداوند متعال خواستارم که هر چه بیشتر صبر و شکیبایی به کلیهٔ پدران و مادران که جوانان برومند و عزیز خود را در راه اسلام هدیه کرده‌اند و برای به ثمر رسان انقلاب اسلامی و نابودی کافران بخصوص کافر مزدور بعثی[2] صدام و خارج کردن دشمن از سرزمین اسلامی ما ایران از جان و مال و اولاد خود می‌گذرند عنایت فرموده اجر و ثوابشان با خدا باشد پدر و مادر عزیزم و برادران و خواهران گرامی‌ام از کمبود مایحتاج ناراحت نشوید و از کمبودها و نارسایی‌ها[3] که خدای ناکرده موجود است، دلسرد نشوید و در خاتمه برادران و خواهران عزیز دعا کنید که مرگ با عزت که همان شهادت سرخ حسینی است نصیب ما مسلمانان گردد و در این وقت که پایان وصیت‌نامه را مینویسم عازم جبهه حق بر باطل هستیم و می‌رویم تا انشاء الله کفر و نفاق را در سرزمین اسلامی محو و نابود کنیم. پدر و مادر عزیزم مبادا بعد از شهید شدن من که انشاء الله نصیبم می‌گردد، خون‌بها بگیرید چون خود داوطلب برای جانفشانی آمده‌ام. در خاتمه از شما پدر و مادر گرامی قدردانی زیاد می‌کنم هر چند قدردانی من به اندازهٔ یک دقیقه از زحمتی [را] که شما برای من کشیده‌اید نمی‌ارزد اجر شما را خدای یکتا بدهد و از شما می‌خواهم که برادران و خواهران عزیز و گرامی را هر چه بیشتر در راه اسلام پرورش دهید. همینطور که اسلام عزیز می‌خواهد و پدر عزیزم بعد از شهادتم ناراحت نباشید امیدوارم که ثواب امام

1- ر.ک. تعلیقات.

2- در اصل وصیت «بحثی».

3- در اصل وصیت «نارسائی‌ها».

حسین(7) پدر حضرت علی‌اکبر(7)[1] به شما برسد. و مادر عزیزم امیدوارم که ثواب مادر حضرت علی‌اکبر(7) به شما برسد و خواهران گرامی در شهادت من گریه نکنید و برای حسین(7) و هفتادو دو تن از یارانش گریه کنید امیدوارم که ثواب حضرت زینب(3) نصیبتان شود و برادرهای گرامی بعد از شهادتم هیچ ناراحت نباشید و پدر و مادر را دلداری بدهید و اگر خواستید به جبهه بروید صبر کنید یکی دو ماه بعد از شهادتم (که انشاءا... نصیبم خواهد شد) و ای کاش که صدها جان می‌داشتم و در راه اسلام فدا می‌کردم. خدایا از فضل و کرمت جمیع گناهان ما را ببخش. ما را بیامرز. و پدران و مادران را از ما راضی و خشنود بگردان، و انقلاب اسلامی ما را به انقلاب جهانی متصل گردان و آرزوی همهٔ مسلمین را برآورده گردان.

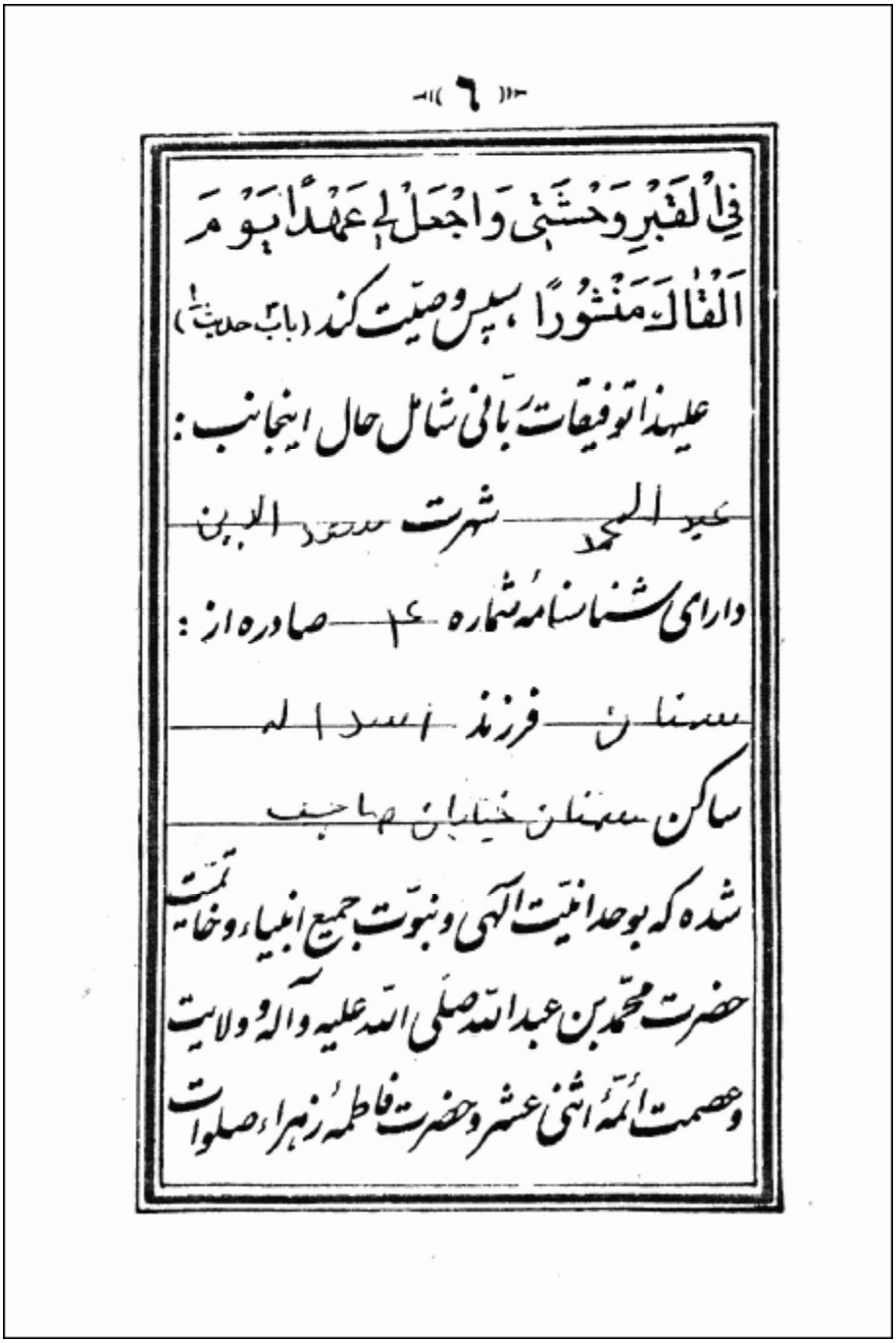
خداحافظ خداحافظ امید دیدار در روز قیامت

«والسلام»[2]

بندهٔ حقیر خدا عبدالمحمد سعدالدین

1- ر.ک. تعلیقات.

2- در اصل وصیت «وسلام».



-(٦)-

فِی الْقَبْرِ وَحْشَتِی وَاجْعَلْ لِی عَهْدًا یَوْمَ
أَلْقَاکَ مَنْشُورًا ، پس وصیت کند (باب ۳ حدیث ۱)

علیهذا توفیقات ربانی شامل حال اینجانب :

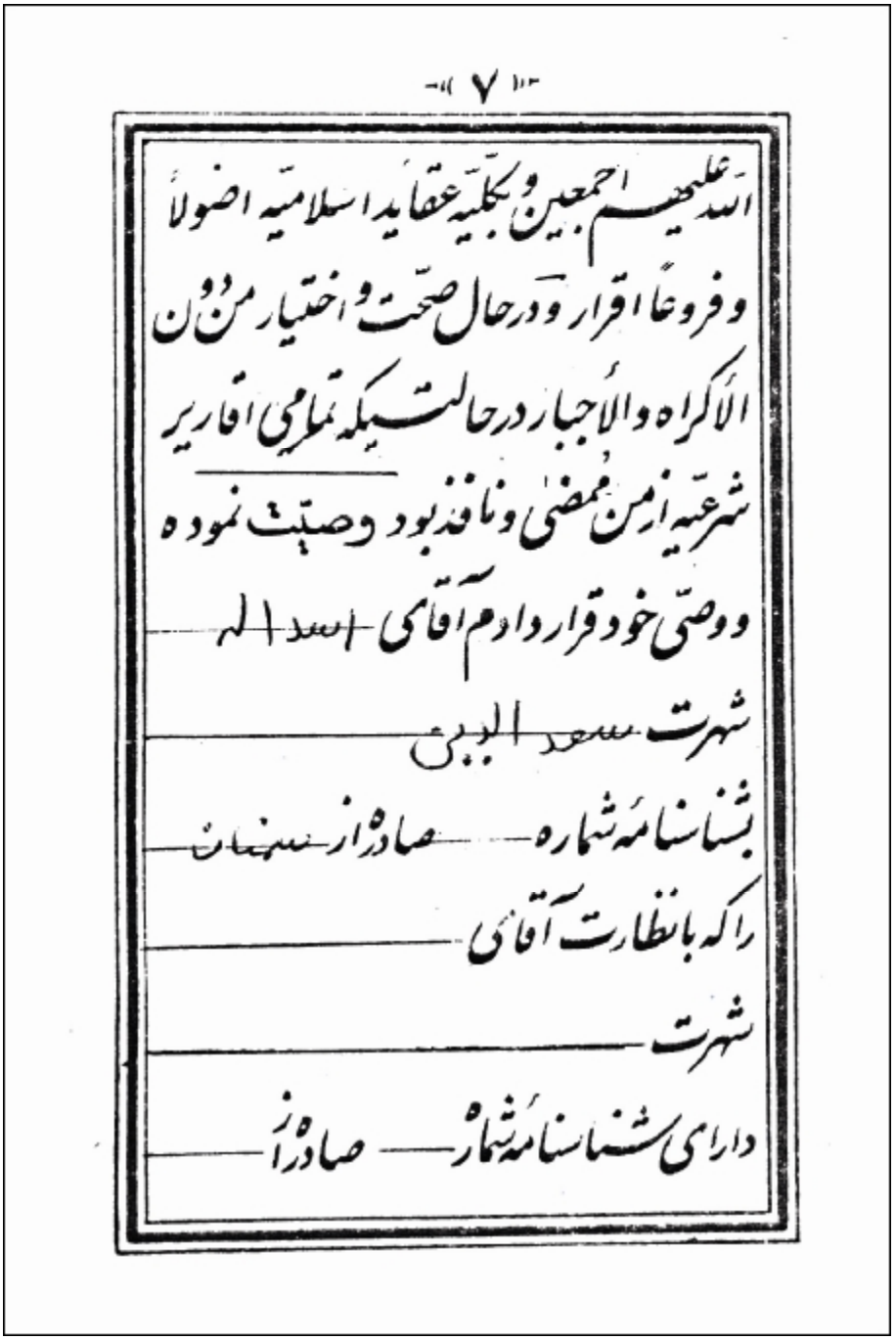
عبدالمحمد شهرت حدود الدین

دارای شناسنامه شماره ۴ صادره از :

سنندج فرزند اسدالله

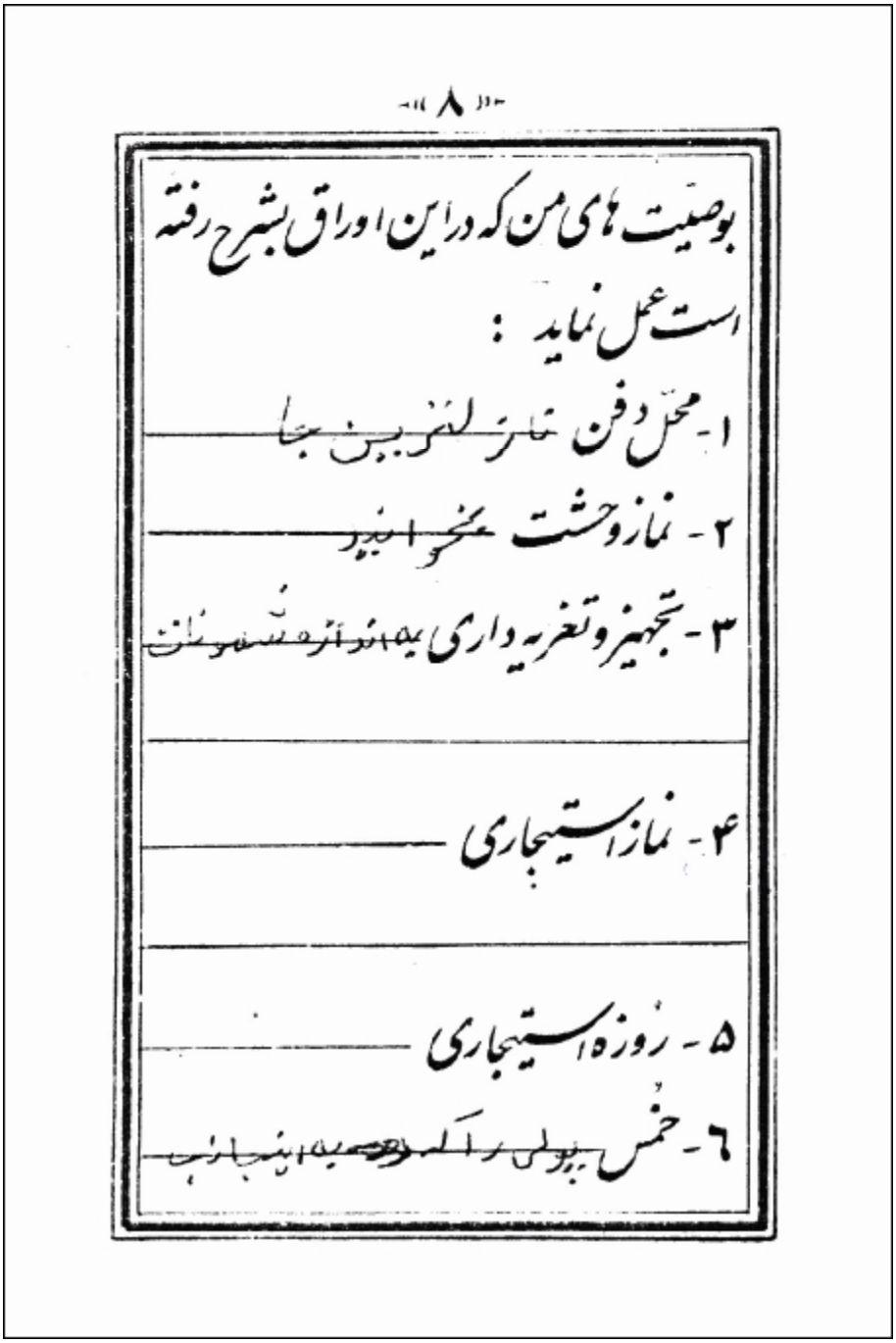
ساکن سنندج خیابان صاحب

شده که بوحدانیت الهی و نبوت جمیع انبیاء و خاتمیت
حضرت محمد بن عبدالله صلی الله علیه و آله و ولایت
و عصمت ائمه اثنی عشر و حضرت فاطمه زهراء صلوات



-« ۷ »-

الله علیهم اجمعین و بکلیه عقاید اسلامیه اصولاً
و فروعاً اقرار و در حال صحت و اختیار من دون
الاکراه و الاجبار در حالتیکه تمامی اقاریر
شرعیه ازمن ممضی و نافذ بود وصیت نموده
و وصی خود قرار دادم آقای اسد الله
شهرت سعد البنی
بشناسنامه شماره صادره از سمنان
را که بانظارت آقای
شهرت
دارای شناسنامه شماره صادره از



-« ۸ »-

بوصیت های من که در این اوراق بشرح رفته است عمل نماید :

۱- محل دفن [illegible]

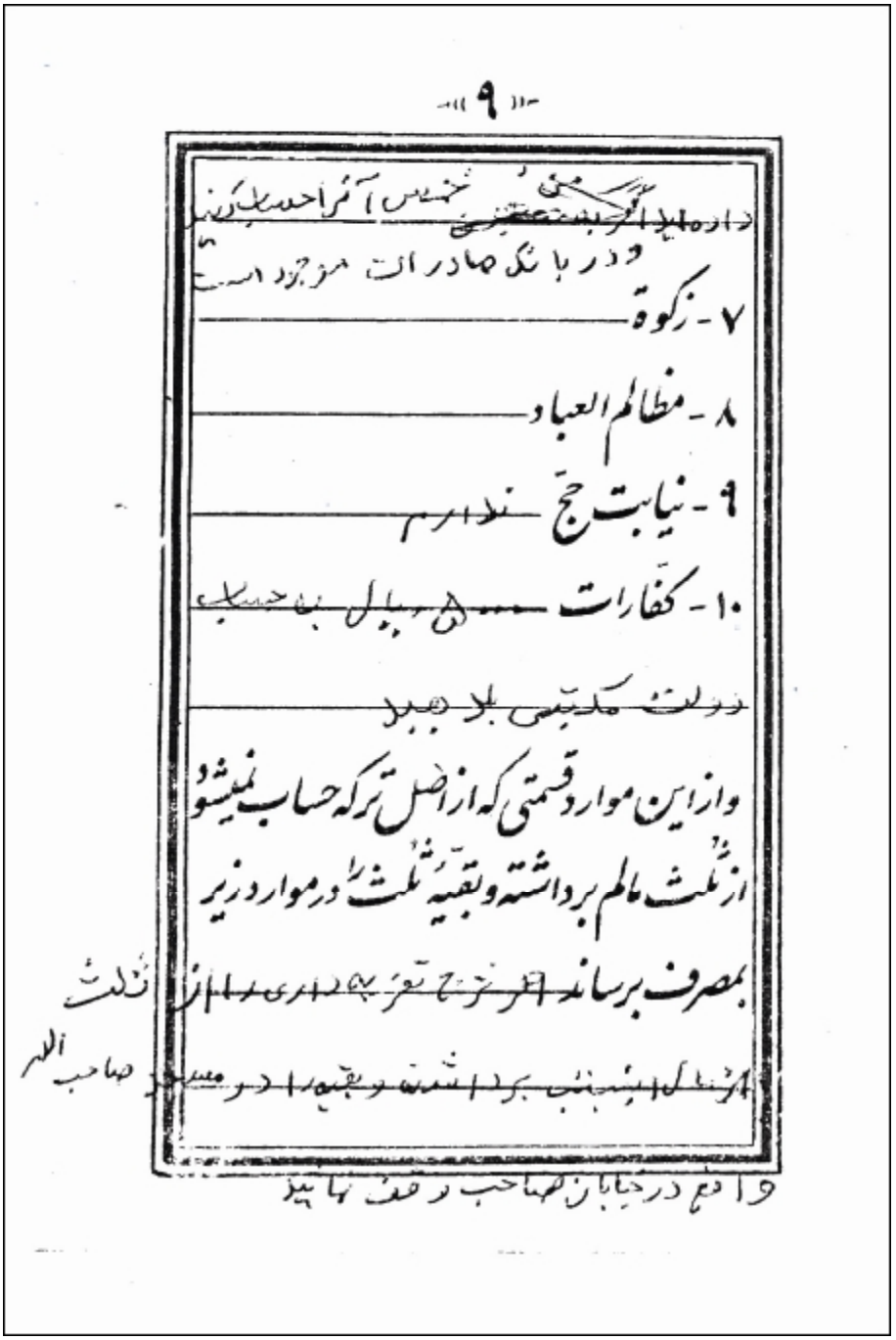
۲- نماز وحشت [illegible]

۳- تجهیز و تغریه داری [illegible]

۴- نماز استیجاری

۵- روزه استیجاری

۶- خمس [illegible]



-۱۱ ۹ ۱۱-

دارد باید آنرا حساب کند
و در بانک صادرات موجود است

۷- زکوة _____

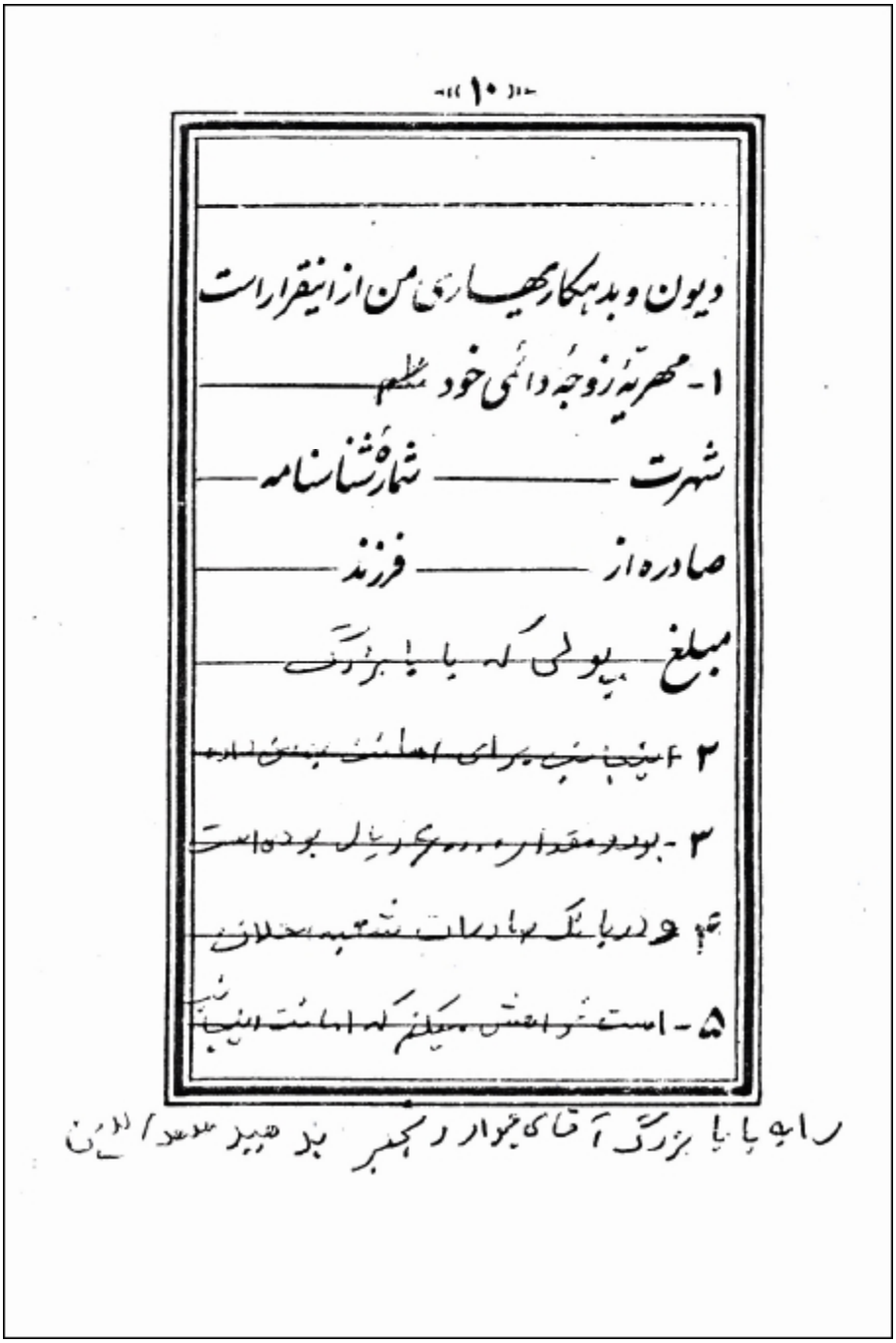
۸- مظالم العباد _____

۹- نیابت حج ندارم _____

۱۰- کفارات ۵۰۰۰ ریال به حساب
دولت مکتبی بلا هبد _____

واز این موارد قسمتی که از اصل ترکه حساب نمیشود
از ثلث مالم برداشته وبقیه ثلث را در موارد زیر
بمصرف برساند [illegible] ثلث
[illegible] صاحب الله

واقع در خیابان صاحب وقف نماید



-« ۱۰ »-

دیون و بدهکاریهای من از اینقرار است

۱- مهریه زوجه دائمی خود مظلم

شهرت ——— شماره شناسنامه ———

صادره از ——— فرزند ———

مبلغ پولی که پا یا بزرگ

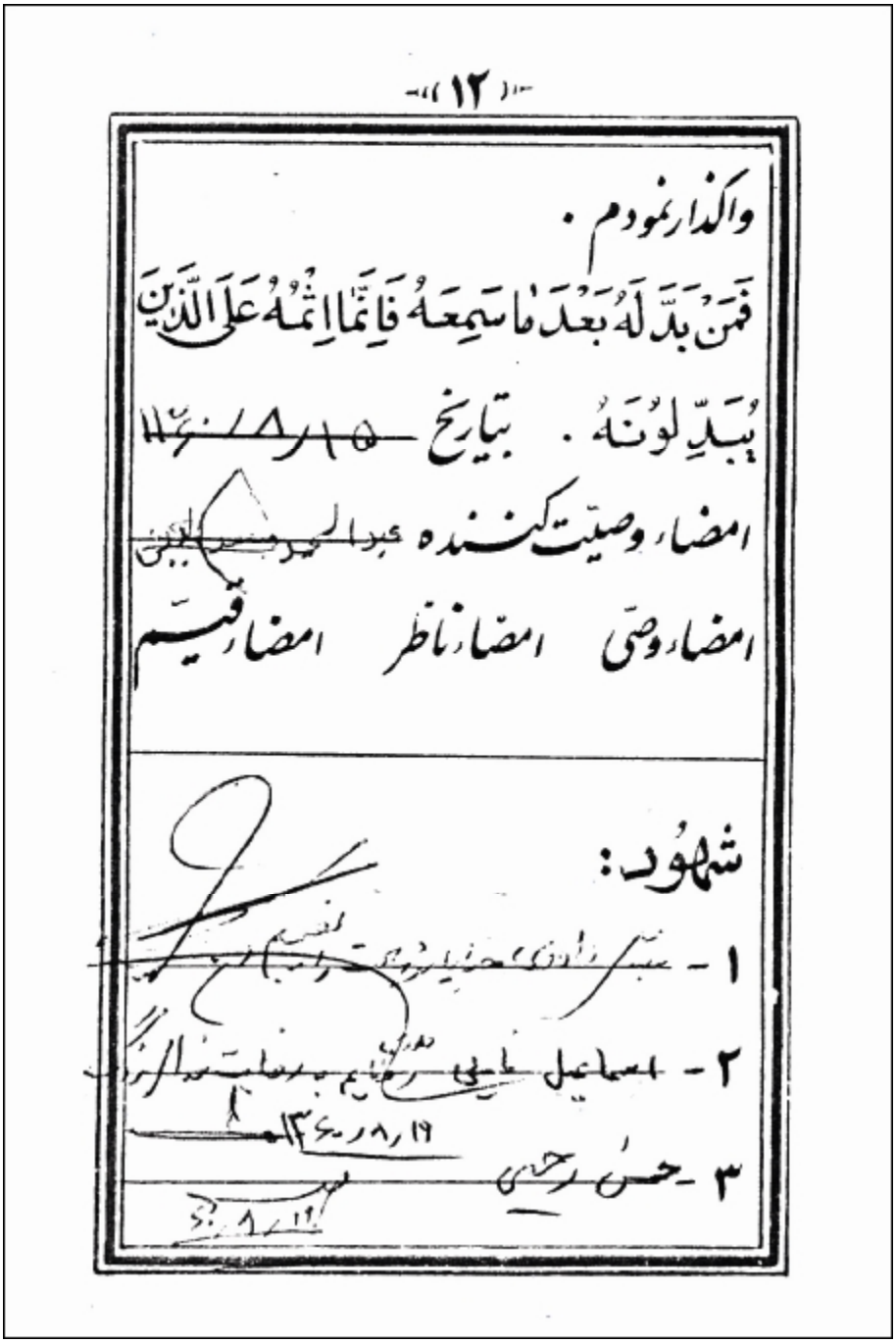
۲ [illegible]

۳ - [illegible]

۴ [illegible]

۵ - [illegible]

راجع پا یا بزرگ آقای جوادر رهبر بد هیچ مدعی این



(۱۲)

واگذار نمودم .

فَمَنْ بَدَّلَهُ بَعْدَمَا سَمِعَهُ فَإِنَّمَا إِثْمُهُ عَلَى الَّذِينَ يُبَدِّلُونَهُ . بتاریخ ۱۱۶۰/۸/۱۵

امضاء وصیت کننده عبدالحمید سعدالدین

امضاء وصی امضاء ناظر امضاء قیم

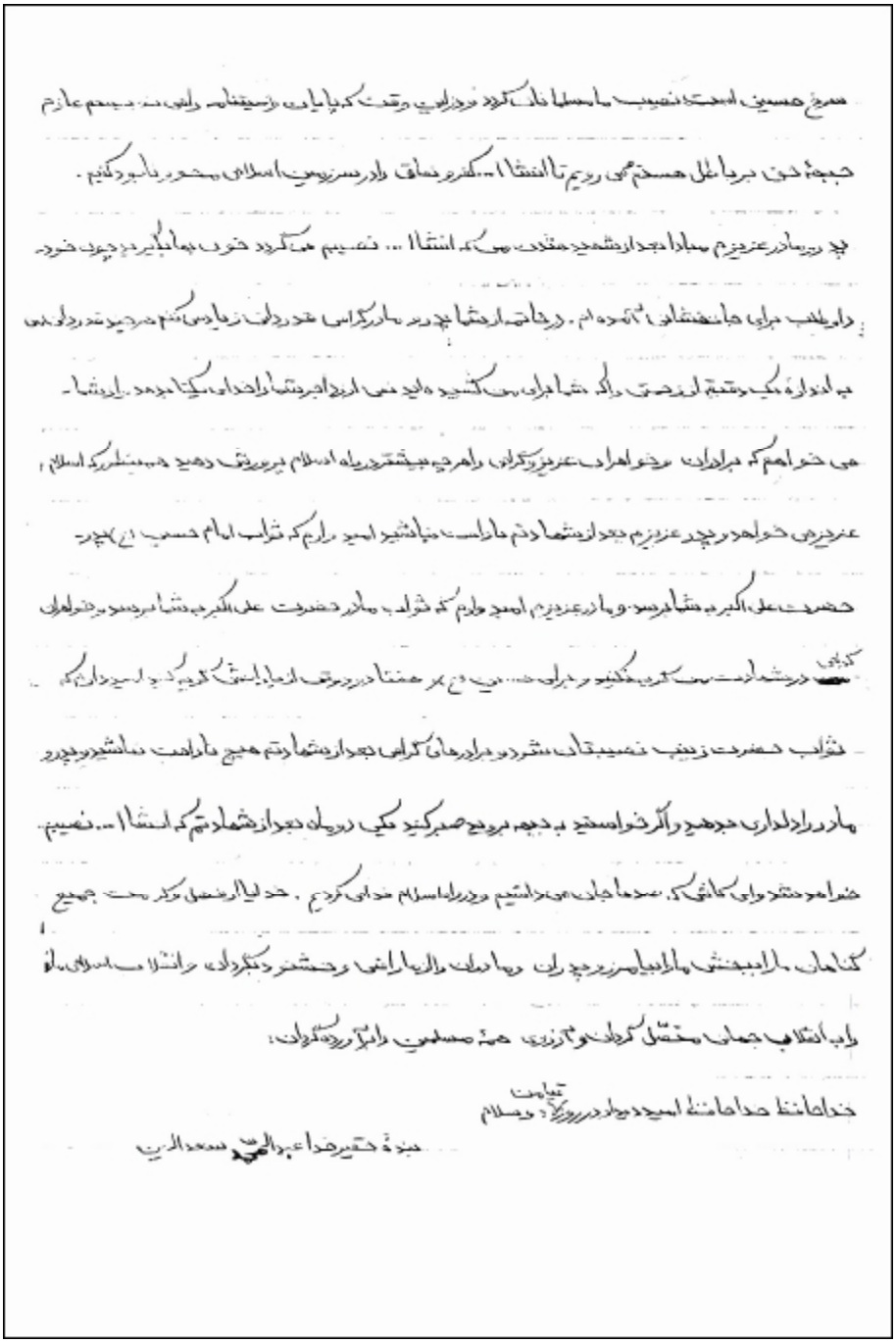
شهود:

۱ - [illegible]

۲ - اسماعیل [illegible] ۱۱۶۰/۸/۱۹

۳ - حسن [illegible]







نام: **علی**
نام خانوادگی: **سعدی**
نام پدر: **احمد**
نام مادر: **فاطمه**
تاریخ تولد: **یکم خرداد** 1345
محل تولد: **روستای ابرسج از توابع شهرستان شاهرود**
تحصیلات: **پایان دورهٔ ابتدایی**
ارگان اعزام‌کننده: **سپاه**
تاریخ شهادت: **بیست‌وچهارم اسفند** 1363
محل شهادت: **سومار**
نحوهٔ شهادت: **اصابت راکت**
مزار: **گلزار شهدای زادگاهش**

عبارت‌های کلیدی

- به جبهه می‌روم تا به حسین زمان بگویم به ندای هل من ناصر ینصرنی‌ات لبیک گفته‌ام.
- روانه جبهه‌ها می‌شوم شاید راه بسته شده کربلا را به امید خداوند به روی عاشقان حسین(**7**) بگشایم.
- یا می‌رویم به کربلا و زیارت امام حسین(**7**) و یا شربت شهادت می‌نوشیم.
- تا آخرین قطره خونتان از اسلام و امام دفاع کنید.
- برادران نگذارند اسلحه شهدا به زمین بیفتد.

علی سعدی

بسم‌الله الرحمن الرحیم

«من المؤمنین رجال صدقوا ما عاهدوا الله علیه فمنهم من قضی نحبه و منهم من ینتظر و ما بدلوا تبدیلاً»[1]

«و مردانی هستند که به عهد و پیمان خویش وفا کردند و در راه خدا به شهادت رسیدند و برخی دیگر از آنها مقاومت[2] کرده[3] و هیچ چیز آنها را از مسیر خود منحرف نمی‌سازد».

[با] درود فراوان به فرمانده تمام جبهه‌ها حضرت مهدی(عج) ارواحنا له الفدا و با درود بر نایب برحقش امام خمینی رهبر کبیر انقلاب اسلامی و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران و سلام و درود فراوان بر روان پاک شهیدان انقلاب اسلامی که برای برافراشتن پرچم سبز لا اله الا الله بر فراز کاخهای استبداد شربت شیرین شهادت نوشیدند و درود و سلام فراوان بر تمامی رزمندگان اسلام که [با] ایثار جانشان همچون شیر غران [بر] دشمنان می[تازند].[4]

من به جبهه می‌روم تا به حسین زمان بگویم ای حسین(7) اگر من در سال 61[5] هجری قمری نبودم که به ندای «هل من ناصر ینصرنی»[6] ات لبیک گویم هم‌اکنون به ندای هل من ناصر ینصرنی فرزندت خمینی کبیر لبیک خواهم گفت و روانه جبهه‌ها می‌شوم و تا شاید به امید خداوند، راه بسته شده کربلا را به روی عاشقان حسین(7) بگشایم و به امید خدا حرکت می‌کنیم. یا می‌رویم به کربلا و زیارت می‌کنیم قبر امام حسین(7) را و یا در این راه شربت شهادت می‌نوشیم.

و پیامم به ملت قهرمان و شهیدپرور ایران این است که پیرو خط ولایت فقیه باشند و از رفتن فرزندانشان به جبهه‌ها جلوگیری نکنند و امام را دعا کنند.

1- احزاب/ 23.

2- در اصل وصیت «شهادت».

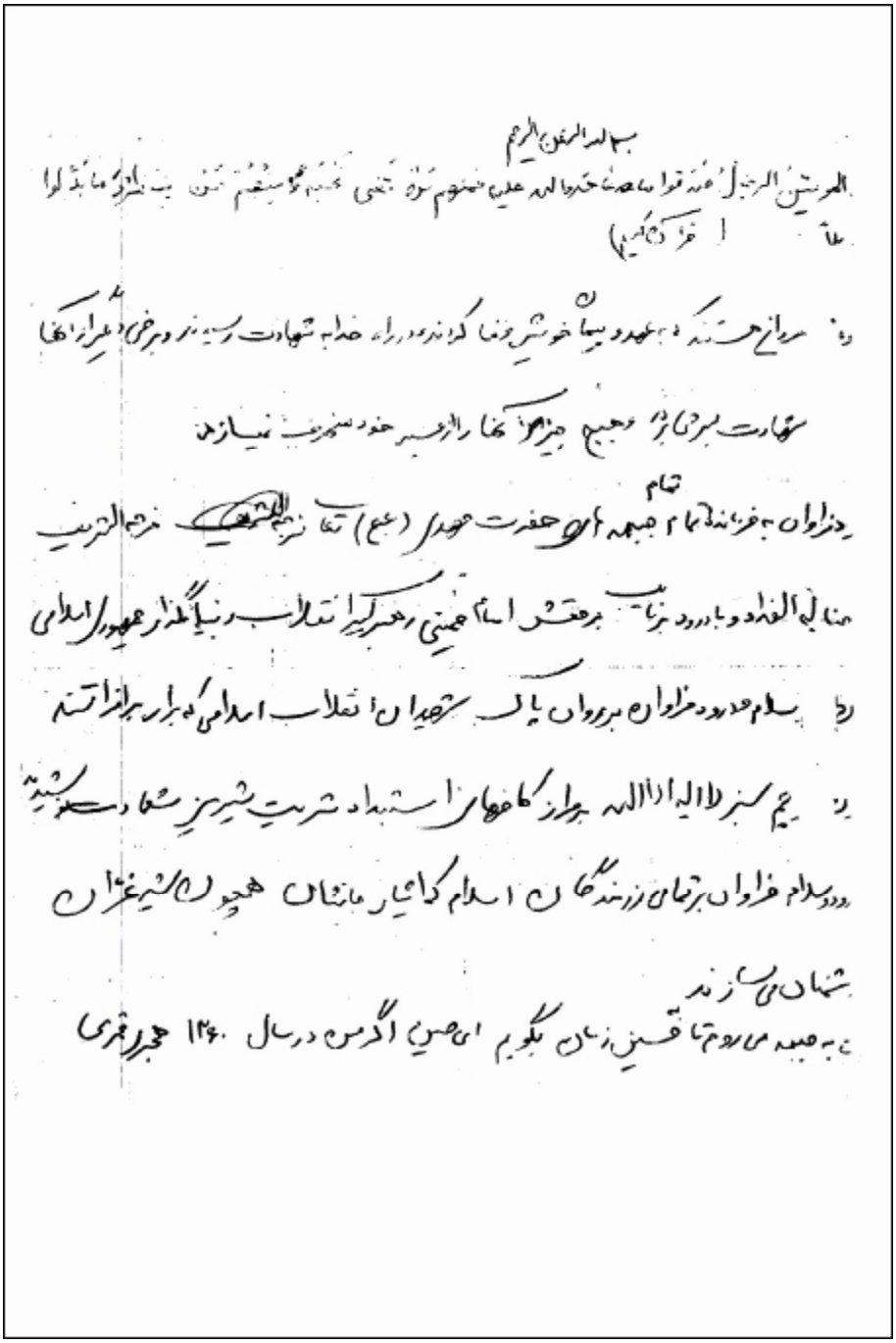
3- در اصل وصیت «بسر می‌برند».

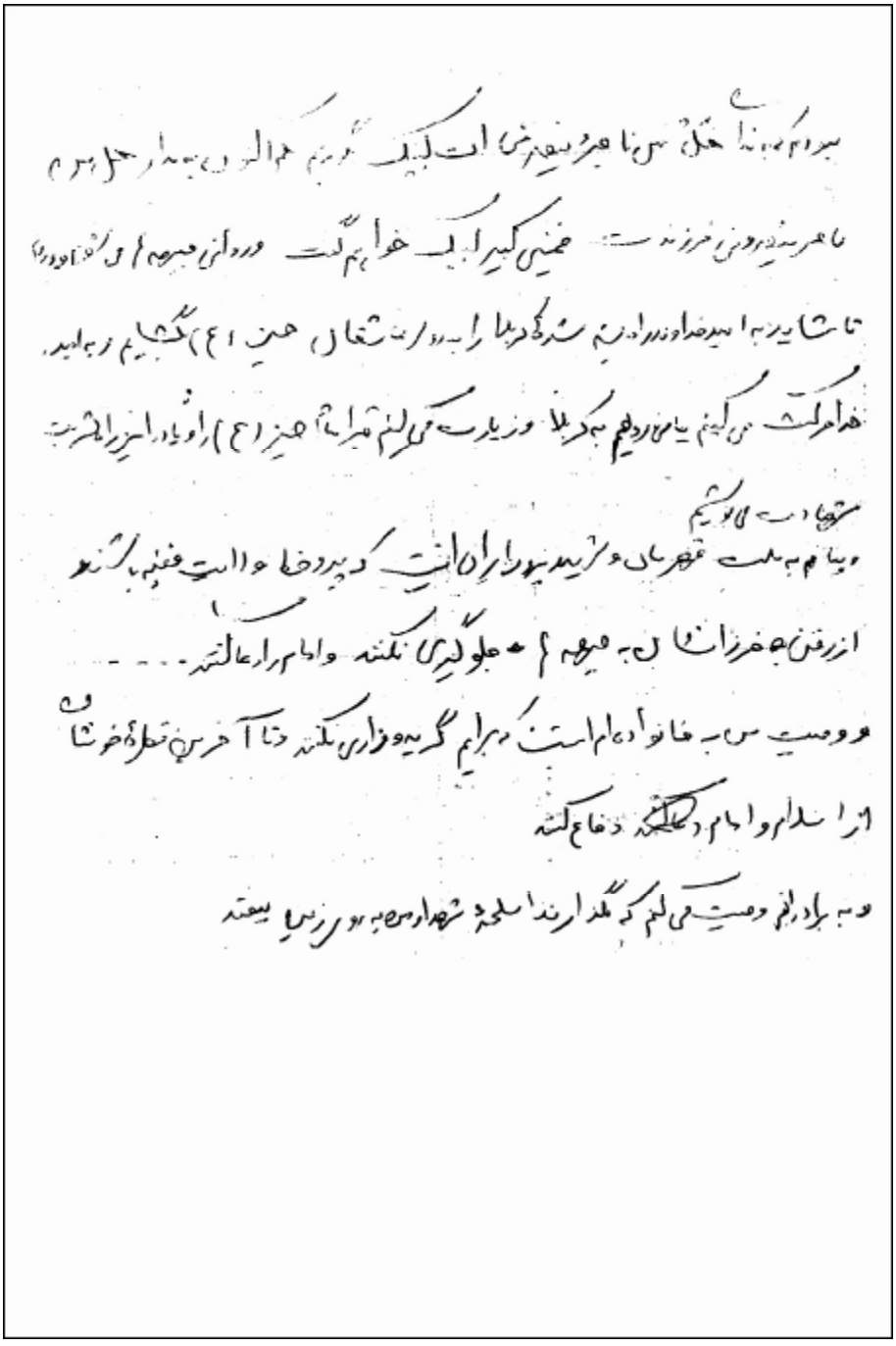
4- در اصل وصیت «می‌سازند».

5- در اصل وصیت «1360» ولی سال 61 قمری صحیح است.

6- ر.ک. تعلیقات.

و وصیت من به خانواده‌ام این است که برای من گریه و زاری نکنند و تا آخـرین قطـرهٔ خونشان از اسلام وامام دفاع کنند. و به برادرانم وصیت می‌کنم که نگذارند اسلحهٔ شهدا بـه روی زمین بیفتد.







نام: **موسی‌الرضا**
نام خانوادگی: **سعدی**
نام پدر: **محمد**
نام مادر: **فاطمه**
تاریخ تولد: **چهارم اردیبهشت 1331**
محل تولد: **روستای ابرسج از توابع شهرستان شاهرود**
تحصیلات: **دیپلم**
ارگان اعزام‌کننده: -
تاریخ شهادت: **سوم دی 1365**
محل شهادت: **شلمچه**
نحوهٔ شهادت: **اصابت ترکش**
مزار: **گلزار شهدای زادگاهش**

عبارت‌های کلیدی

- زمان اقتضا می‌کند به فرمان رهبر کبیر انقلاب در خیل مجاهدان فی سبیل‌الله درآیم.
- خدا را اطاعت کنید.
- تقوی را پیشه خود کنید.
- امام را دعا کنید.
- اطاعت نکردن از امام بمنزله دشمنی با اسلام و جنگ با امام زمان(عج) می‌باشد.
- جبهه‌ها را پر کنید.
- پروردگارا غرور را از من دور فرما.
- پروردگارا مرا در زمره بندگان مخلص خود قرار بده.

موسی‌الرضا سعدی

بسم الله الرحمن الرحیم

«[ان الله] اشتری من المؤمنین انفسهم و اموالهم بان لهم الجنة یقاتلون فی سبیل الله فیقتلون و یقتلون وعداً علیه حقاً فی التوریة و الانجیل و القرآن و من اوفی بعهده من الله فاستبشروا ببیعکم الذی بایعتم به و ذلک هو الفوز العظیم»[1] «خدا جان و مال اهل ایمان را به بهای بهشت خریداری کرد آنها در راه خدا جهاد می‌کنند که دشمنان دین را به قتل رسانند یا خود کشته شوند. این وعده قطعی است بر خدا و عهدیست که در سه کتاب آسمانی (تورات، انجیل، قرآن) به آن یاد فرمود، و از خدا باوفاتر به عهد کیست ای اهل ایمان شما به خود در این معامله بشارت دهید که این معاهده با خدا به حقیقت سعادت و پیروزی بزرگی است».

با سلام و درود به پیشگاه پیامبران از آدم تا خاتم حضرت ختمی مرتبت محمد(**6**) و با درود و سلام بر ائمه معصومین (صلوات الله علیهم اجمعین) و با درود و سلام بر حجت بن الحسن(عج) و نایب برحقش خمینی کبیر و با درود[...][2] و سلام به آیة الله منتظری[3] و با درود به همهٔ مؤمنین و پویندگان راه حق و فضیلت اکنون که زمان اقتضا می‌کند با فرمان رهبر کبیر انقلاب در زیر پرچم حضرت بقیه الله الاعظم شرکت و در خیل مجاهدان فی سبیل الله درآیم و در مقابله با کسانی که به جز موشک باران مناطق مسکونی و غیرنظامی که منجر به شهادت اطفال معصوم و زنان... و صدها خیانت دیگر می‌گردد راضی نمی‌گردند و روی چنگیزها و هیتلرها را سفید کرده و در مقابله با رزمندگان اسلام همچون روبهان پا به[4] فرار می‌گذارند و اگر مقدر باشد که جان خود را در این راه بگذارم

1- توبه/111. در اصل شهید به آیه شمارهٔ 11 از سورهٔ توبه اشاره کرده است.

2- عبارت‌هایی از وصیت افتاده است.

3- ر.ک. تعلیقات.

4- در اصل وصیت «رو به فرار».

و بدین وسیله اطاعت در [...][1] حاصل گردد چند توصیه برادرانه به‌عنوان وصیت خدمت عزیزان[2] تقدیم می‌دارم.

1- خدا را اطاعت کنید به تقوی پیشه نمایید[3] و در همه حال و در همه جا در یاد خدا باشید.

2- امام را دعا کنید و بدانید که اوامر امام زمان(عج) و اطاعت نکردن از آن به منزلهٔ دشمنی با دشمن با اسلام و جنگ با امام زمان (عج) می‌باشد.

3- جبهه‌ها را پر کنید که اطاعت خدا و [...][4] در آن بوده و از بالاترین و بافضیلترین عبادت‌ها بشمار می‌آید.

تو خود شاهدی که اینجانب از دنیا و همه چیز آن دست شستم و تمامی قیود و بندها را بریده که بتوانم بنده تو باشم چون فقط بنده بودن شرط [...][5] است. پروردگارا مرا از مخلصین قرار بده و خودپسندی و غرور را از من دور فرما و مرا در زمره بندگان مخلص و مخلص خود قرار بده. پروردگارا خیر و شر دست توست، عزت و ذلت دست توست و خداوندا آنها [را] که عزت را در پشت کردن به جهاد و خزیدن در لانه‌ها می‌دانند هدایت فرما.

در پایان از تمامی دوستان و آشنایان و فامیلها و همهٔ حضار و شنوندگان حلالیت می‌طلبم و امیدوارم اگر حقی به گردن من داشته‌اند و ادا نگردیده مرا ببخشند و همین حال اعلام می‌دارم که اگر حقی از من به گردن کسی مانده همه را بخشیدم و از همه شما راضی می‌باشم. باشد که خداوند نیز از سر تقصیرات این بندهٔ حقیر و گناهکار درگذرد انشاءالله. ضمناً وصیت‌نامه خصوصی به‌صورت دفترچه مربوط به مسائل خانواده و اموالم در سال می‌باشد.

موسی‌الرضا سعدی

اعزامی از شاهرود 1365/9/28

1- خوانا نیست.

2- خوانا نیست.

3- در اصل وصیت «نمائید».

4- خوانا نیست.

5- خوانا نیست.

[وصیت‌نامه‌ای دیگر]

بسم‌الله الرحمن الرحیم

فی القبر وحشتی و اجعل لی عهداً یوم القال منشوراً سپس وصیت کند (باب 3 حدیث) علیهذا توفیقات ربانی شامل حال این جانب موسی‌الرضا شهرت سعدی دارای شناسنامه شماره 56 صادره از حوزه شاهرود فرزند محمد ساکن روستای ابرسج شده که به وحدانیت الهی و نبوت جمیع انبیاء و خاتمیت حضرت محمد بن عبدالله صلی الله علیه و آله و ولایت و عصمت ائمهٔ اثنی عشر و حضرت فاطمه زهراء صلوات الله علیهم اجمعین و بکلیهٔ عقاید اسلامیه اصولاً و فروعاً اقرار و در حال صحت و اختیار من دون الاکراه و الاجبار در حالتی که تمامی اقاریر شرعیه از من ممضی و نافذ بود وصیت نموده و وصی خود قرار دادم همسرم شهرت: طیبه سلمانی فرزند قنبر بشناسنامه شماره 1339 صادره از حوزه شاهرود را که با نظارت آقای: برادرم علیرضا سعدی و برادر دیگرم حسین سعدی دارای شناسنامهٔ - صادره از حوزه شاهرود به وصیت‌های من که در این اوراق بشرح رفته است، عمل نماید:

1- محل دفن ابرسج

2- نماز وحشت خوانده شود

3- تجهیز و تعزیه‌داری .....

4- نماز استیجاری 5 سال، 3 [سال] آنرا حتماً عمل نمایید و دو سال دیگر آنرا با میل خود عمل نمایید و اگر انجام شود بهتر است.

5- روزه استیجاری 5 سال تمام انجام شود.

6- خمس پول واریز به حساب ماشین را خمس نداده‌ام در صورت تحویل ماشین خمس آنرا بدهید و در صورت غیر تحویل آن نیز خمس پول آنرا بدهید. [...][1] را به اندازه مصرف نگه داشته و بقیه را با قیمت روز بفروشید و بعد از ادای قروض بانک کشاورزی مانده آنرا خمس بدهید و خلاصه کلیه وسایلی و اموالی که از من می‌ماند اگر از ضروریات زندگی نمی‌باشد مابقی خمسش را رد نمایید.

7- زکوه

1- از ابتدای صفحه و ادامهٔ وصیت‌نامه واژه‌ها خوانا نیست.

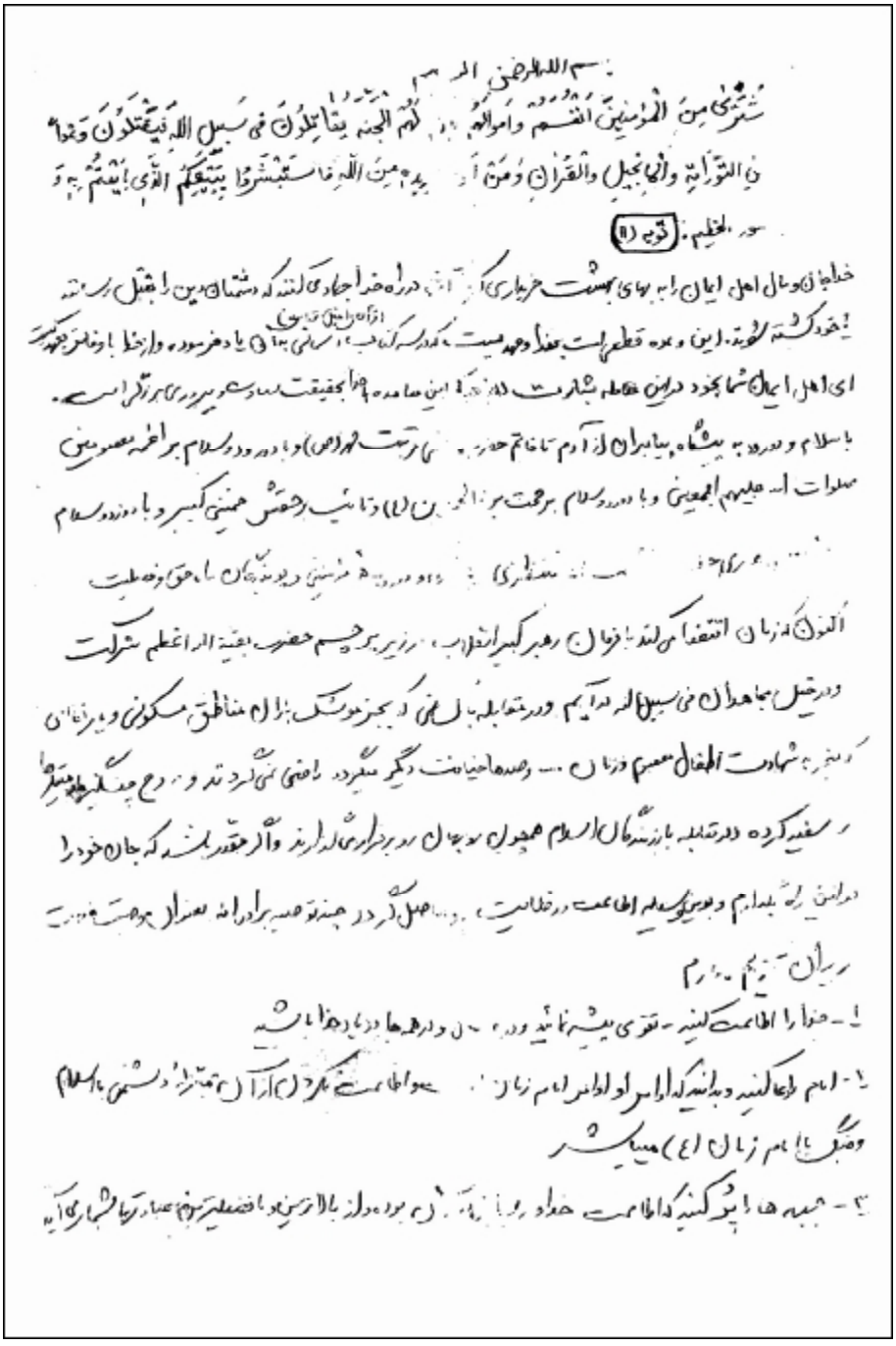
8- مظالم العباد پنجاه هزار ریال 5000 [تومان] حق مظالم رد نمایید.
9- نیابت حج اگر اشکال شرعی نداشت، پسرم حسین بعد از بلوغ حجم را انجام دهد و اگر اشکال داشت برادرم علیرضا سعدی آنرا ببرید.[انجام دهد]
10- کفارات کفاره یکسال روزه را بدهید. [...][1]

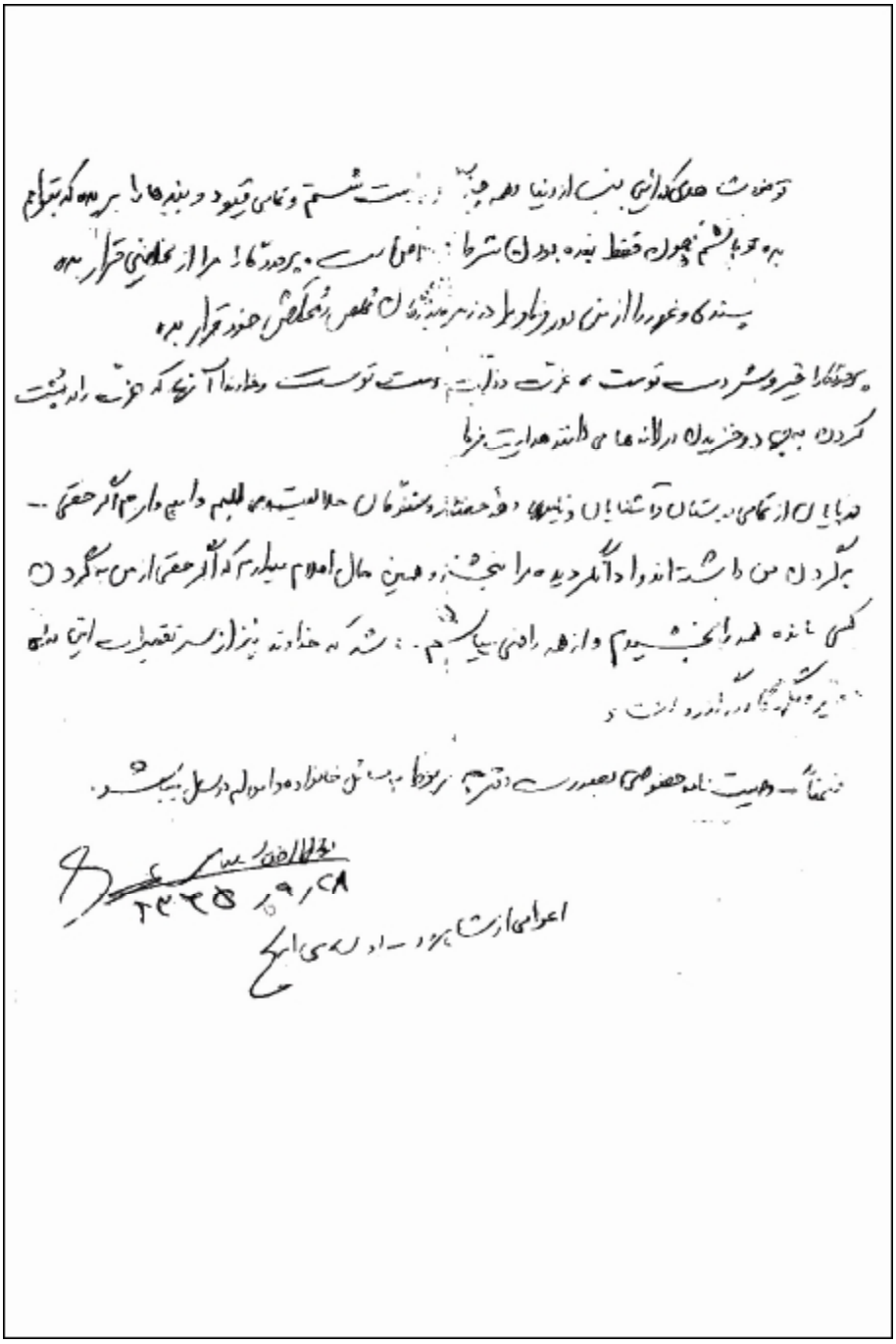
و از این موارد قسمتی که از اصل ترکه حساب نمیشود از ثلث مالم برداشته و بقیه را در موارد زیر به مصرف برساند: به طور معمول برای اینجانب عزاداری گردد و خرج شود.
دیون و بدهکاریهای من از اینقرار است:
1- مهریهٔ زوجهٔ دائمی خود مبلغ در صورتی که همسرم در خانه‌ام بماند و از بچه‌هایم سرپرستی نماید از اموال استفاده کند و فرزندان حق ندارند که ایشان را بیرون نمایند و اگر نماند و رفت فقط حق مهریه دارد که با خود ببرد و 1/8 ارث [...][2] در بدهکاری بانک کشاورزی بگیرد و بدهکاریهای گوسفندان که پنج هزار تومان طی کرده‌ام.
و مطالبات من بدین شرح است:
1- بیست هزار ریال معادل دو هزار تومان از استادمهر می‌خواهم
2- صد هزار ریال از حاجی بنی صفار می‌خواهم که وام ده هزار تومانی مرا از بانک گرفته و من بابت او قسط می‌دهم و بعد از اتمام قسط یا زودتر ده هزار تومان از او بگیرید.

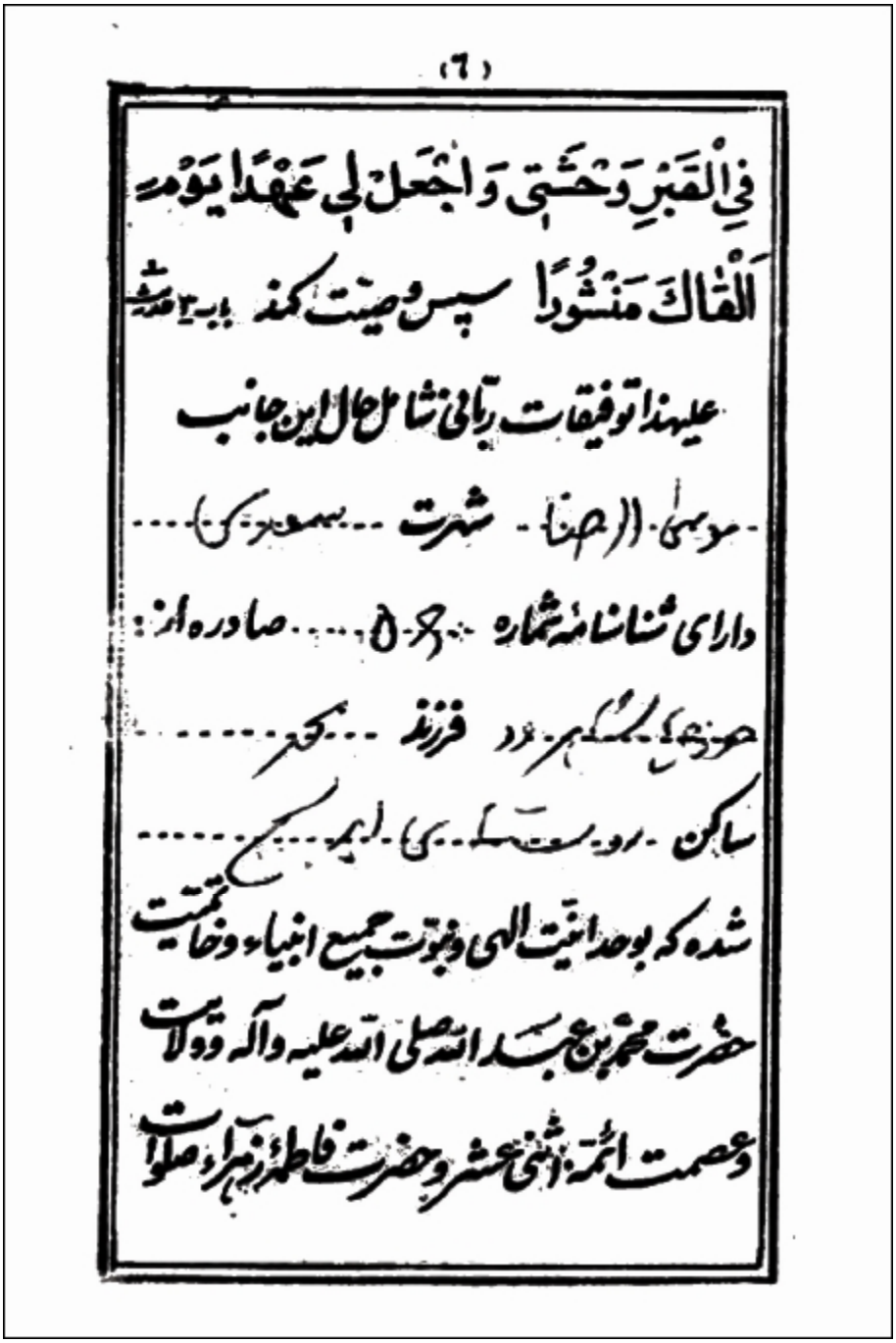
و قیمومیت اطفال خود را با لحاظ غبطه صغار به جناب وصی خود و همسرم واگذار می‌نمایم.

«فمن بدله بعد ما سمعه فانما اثمه علی الذین یبدلونه»[3]
به‌تاریخ 27/ 8/ 65.
امضاء وصیت کننده موسی‌الرضا سعدی[4]

1- خوانا نیست.
2- خوانا نیست.
3- بقره/ 181. «پس از آن هر کس که آن [وصیت] را پس از شنیدنش دگرگون کند، گناهش بر گردن همان کسانی است که دگرگونش می‌کنند».
4- در ذیل وصیت امضاء ناظر به‌نام علیرضا سعدی، امضاء قیم به‌نام حسین سعدی و شهود به‌نام‌های: عباسعلی حیدری، سیداسماعیل حسینی، محمد صارمی، سیدحسین مرتضوی، رمضان... و شیخ حسین معصومی، قید شده است. درضمن ملاحظاتی بدین شرح یادداشت شده است: وصی همسرم، ناظر برادرم علیرضا و حسین سعدی و قیم مادرم.

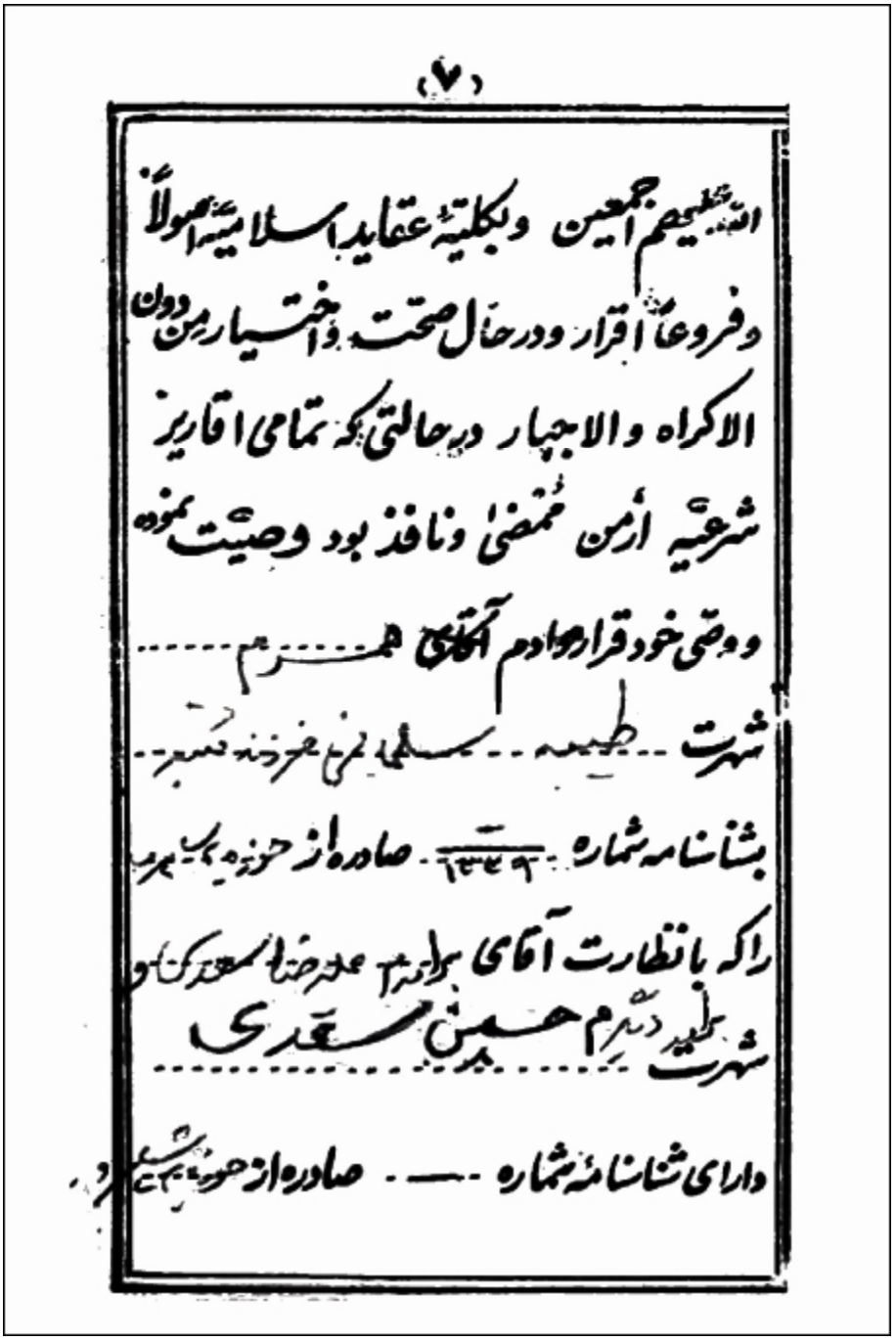






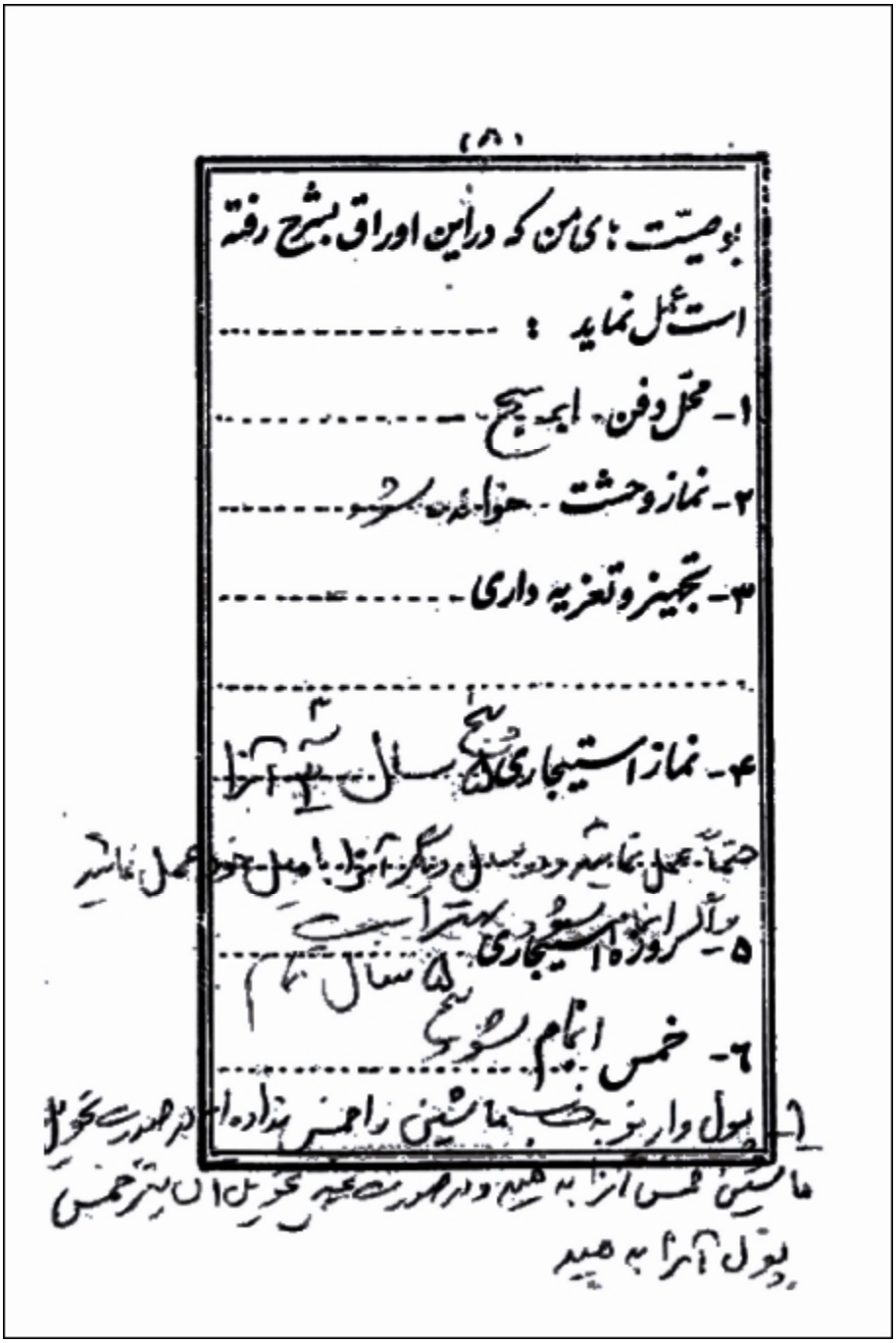
(٦)

فِي الْقَبْرِ وَحْشَتِي وَاجْعَلْ لِي عَهْدًا يَوْمَ
أَلْقَاكَ مَنْشُورًا سپس وصیت کند باب حادثه
علیهذا توفیقات ربانی شامل حال این جانب
موسوم به (حسنا) شهرت ... بموجب ...
دارای شناسنامه شماره ... صادره از ...
متولد ... فرزند ... محل ...
ساکن ... متأهل ... ایم ...
شده که بوحدانیت الهی ونبوت جمیع انبیاء وخاتمیت
حضرت محمد بن عبد الله صلی الله علیه وآله وولایت
وعصمت ائمه اثنی عشر وحضرت فاطمه زهراء صلوات



(۷)

الله علیهم اجمعین وبکلیهٔ عقاید اسلامیه اصولاً
وفروعاً اقرار و در حال صحت و اختیار من دون
الاکراه والاجبار در حالتی که تمامی اقاریر
شرعیه از من ممضیٰ و نافذ بود وصیت نموده
و وصی خود قرار دادم آقای همـــــرم -----
شهرت ---طبیعه --- سلمه نمی خرخنه کسبر --
بشناسنامه شماره ---- صادره از حوزه ---
را که با نظارت آقای [illegible] عدلیه سعدی کناو
شهرت [illegible] پدرم حسین سعدی ----------
دارای شناسنامه شماره ---- صادره از حوزه [illegible]



(۸۱)

بوصیت : ای من که در این اوراق بشرح رفته

است عمل نماید : .....

۱- محل دفن - ابیه بیج .....

۲- نماز وحشت - خواندن لازم .....

۳- تجهیز و تعزیه داری .....

.....

۴- نماز استیجاری یکسال بیج ۳ آنرا

حتماً عمل نماید و بدل دیگر آنرا با مثل خود عمل نماید

۵- و اگر روزه استیجاری بهتر است

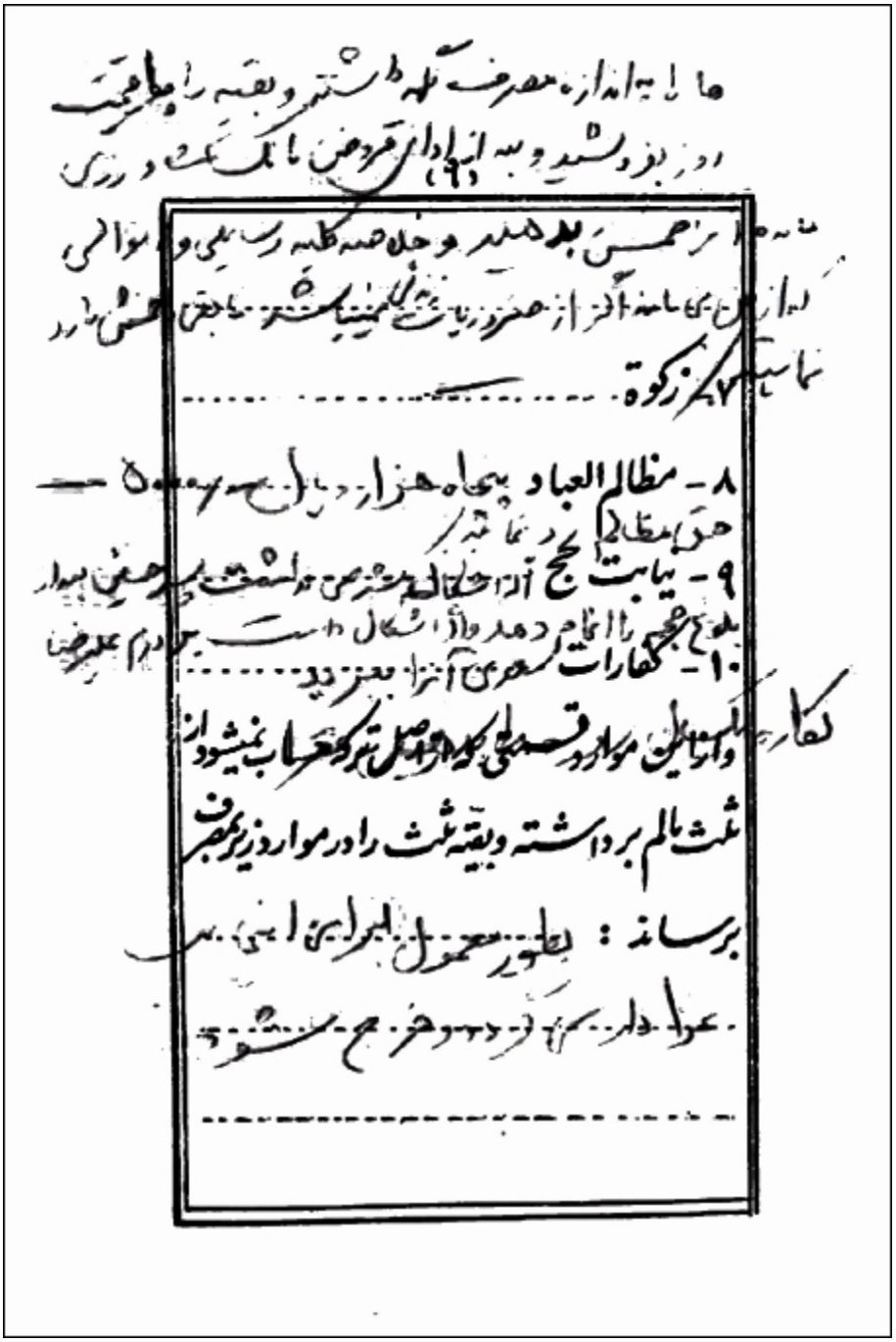
۵ سال تمام

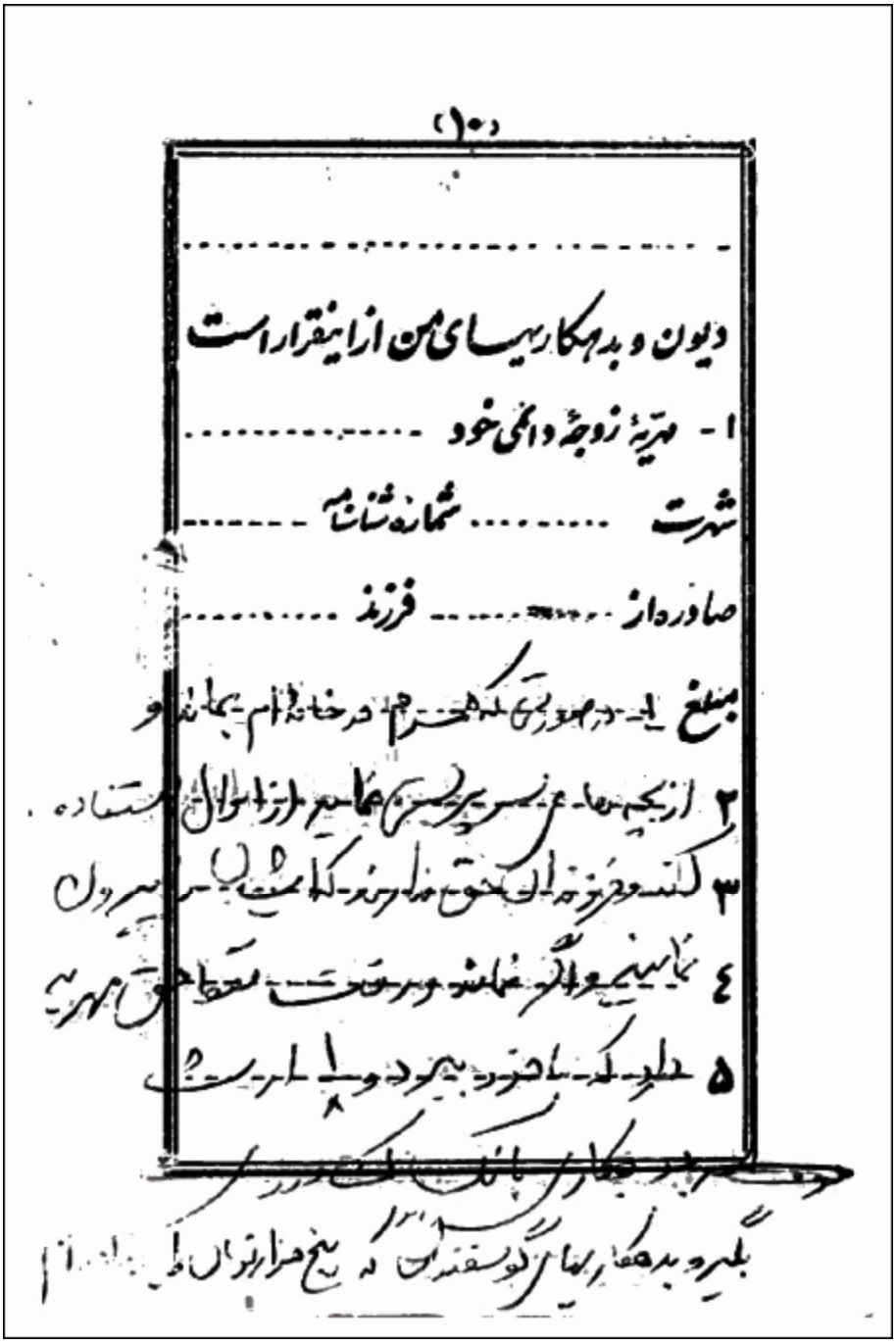
۶- خمس انمام لازم

اول وارثه حساب ماشین را خمس بدهد از

ماشین خمس آنرا به دهد و در صورت عدم تحویل آن بترخمس

بقول آنرا به دهد





(۱۰)

دیون و بدهکاریهای من از اینقرار است

۱- مهریهٔ زوجهٔ دائمی خود .....

شهرت ..... شماره شناسنامه .....

صادره از ..... فرزند .....

مبلغ ۱- در صورتی که محرم در خانه ام بماند و

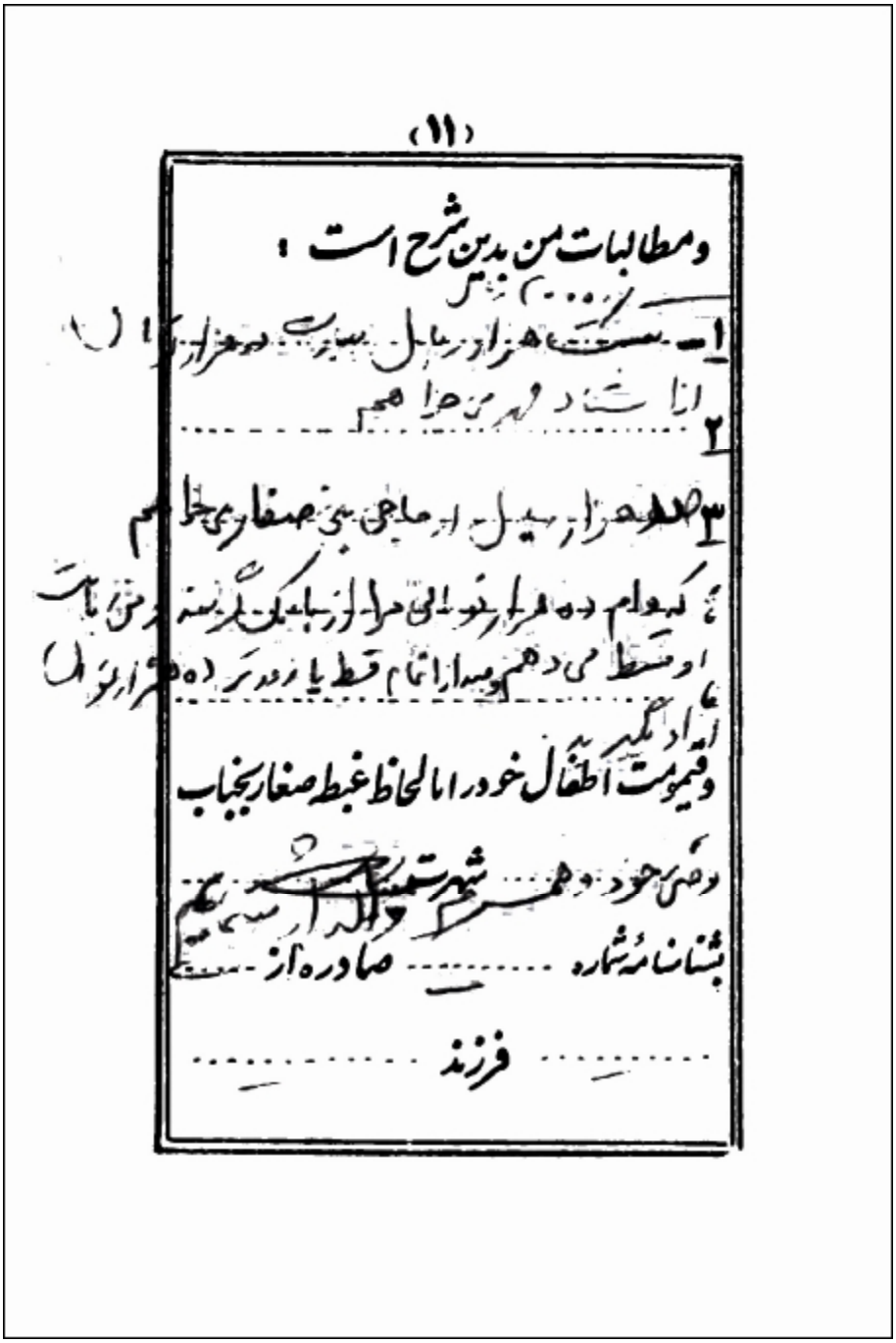
۲ از بقیه ما

۳ کنند و فرزندان حق ندارند کامل

۴ نمایند و اگر نمانند و مرتب

۵ حلول کند باقیمانده بپردازد

بگیرد بدهکاریهای گوسفندان که بیخ مزارعان



(۱۱)

ومطالبات من بدین شرح است :

۱ـ ...

۲ـ .....

۳ـ ...

۴ـ ...

۵ـ ...

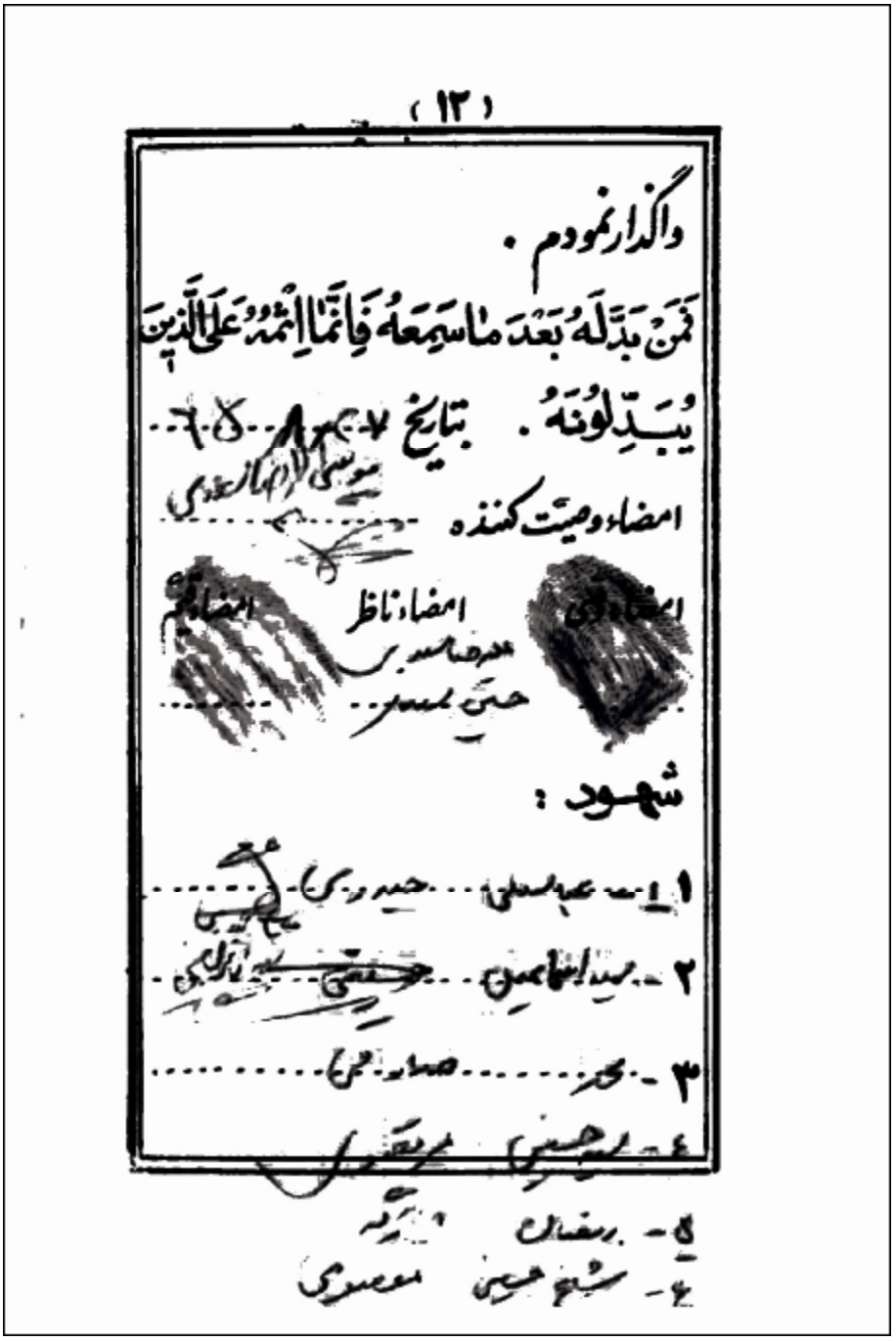
۶ـ ...

وقیمت اطفال خود را ملاحظه غبطه صغار بحساب

وصی خود و همسر شهرستانی ...

بشناسنامهٔ شماره ..... صادره از .....

..... فرزند .....



(۱۳)

واگذار نمودم .

فَمَنْ بَدَّلَهُ بَعْدَ مَا سَمِعَهُ فَإِنَّمَا إِثْمُهُ عَلَى الَّذِينَ يُبَدِّلُونَهُ . بتاریخ ۶۷/۶/۵

امضاء وصیت کننده

امضاء ناظر

شهود :

۱ - عبدالعلی ... حیدری

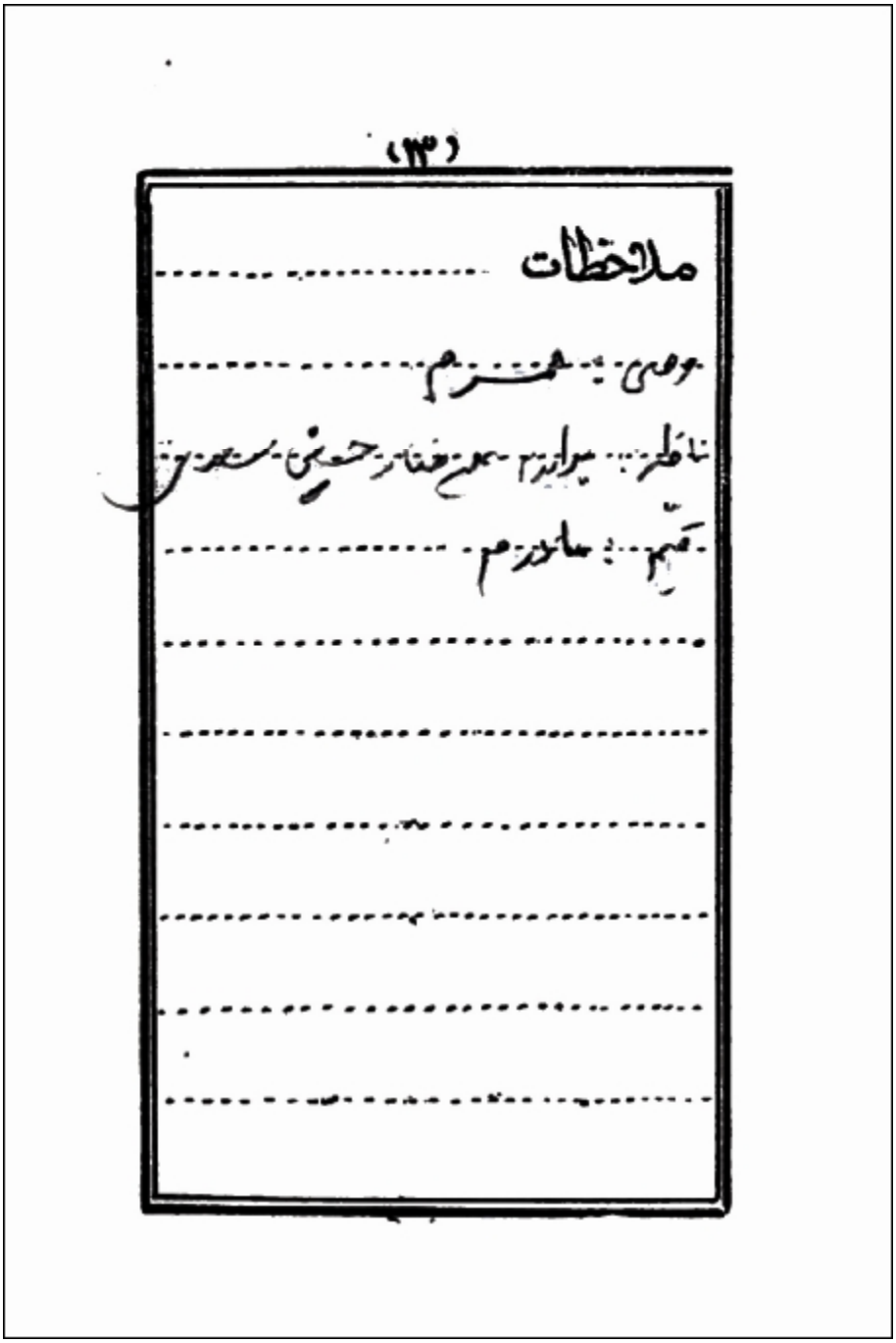
۲ - سید اسماعیل ... حسینی

۳ - محمد ... صادقی

۴ - سید حسین ... [illegible]

۵ - رمضان ... [illegible]

۶ - شیخ حسین ... [illegible]





نام: **حسین**
نام خانوادگی: **سعیدی**
نام پدر: **مهدی**
نام مادر: **طوبا**
تاریخ تولد: **یکم تیر** 1344
محل تولد: **شهر بسطام از توابع شهرستان شاهرود**
تحصیلات: **سوم متوسطه**
ارگان اعزام‌کننده: **بسیج**
تاریخ شهادت: **بیست‌وپنجم اسفند** 1363
محل شهادت: **شرق رود دجله**
نحوهٔ شهادت: **اصابت ترکش**

عبارت‌های کلیدی

خدایا مرا از تنگی دنیا و از قفس جسم آزاد کن.
هدف ما تنها شهادت نیست، بلکه هدف ما پیروزی و خدمت به اسلام است.
جمهوری اسلامی ثمرهٔ خون صدها هزار شهید است از آن صادقانه حمایت کنید.
جمهوری اسلامی مایه رحمت خداست که برای شما نازل شده است.
پشتیبانی از ولایت فقیه و دولت جمهوری اسلامی از تکالیف شرعی است.
فکر رفاه‌طلبی و آسایش دوستی را کنار بگذارید.
برادران همگام با امام باشید و از او پیروی کنید.
خداوند به وسیله این انقلاب ما را امتحان می‌کند.

حسین سعیدی

بسم‌الله الرحمن الرحیم

[...][1] همیشه در صحنه وصیت‌نامه‌ام را آغاز می‌کنم.
خدایا اگر چه لیاقت آن را ندارم که به‌سوی تو بیایم و لیکن هدایت تو عظیم و کرامت و رحمت تو متعالی‌تر است از آنکه این بندهٔ حقیر را، که تمام وجودش گناه است نبخشایی[2] و به قرب خود راه ندهی. خدایا اگر من انبانی از گناهم، تو رحمتت و لطف و کرامتت عظیم‌تر است. خداوندا در این لحظات عمر چشم به رحمت تو دوخته‌ام و می‌دانم اگر غضبم نمایی[3] آن عین رحمت توست و اگر عفوم نمایی آن از کرامت توست. خدایا مرا از تنگی دنیا و از قفس جسم آزادم کن و از زیادی خشمت با عظیمی عفوت، عفوم نما و از آتش دوزخ نجاتم بده. ای اولین و آخرین پناهگاه، معبودا از سوی تو آمده‌ام و به‌سوی تو برمی‌گردم «**انا لله و انا الیه راجعون**»[4] بی تو من هیچم. مرا لحظه‌ای به خود وامگذار. به‌نام مقدست قسم می‌خورم که جز تو کس [...][5] چیز دیگر را نپرستم. از تو می‌خواهم در آن دنیا به پوست نازکم رحم کنی. من عاشقانه در راه تو گام برمی‌دارم زیرا عاشق تو هستم و از تو می‌خواهم که از گناهانم درگذری و محبت‌های خودت را از سر من کم [مگردانی]. در این برههٔ از زمان انسان متعهد باید سرنوشت خود را انتخاب کند یا رسیدن به درجهٔ والای شهادت و یا ذلت و خواری. من راه اول را انتخاب نموده‌ام. البته هدف ما از این سخن تنها شهادت نیست، بلکه هدف ما این است که پیروز شویم و بتوانیم خدمتگزار[6] اسلام باشیم. و به اسلام خدمت کنیم. اگر هم در این راه توفیق شهادت نصیب ما شد، چه سعادتی از این بهتر و این سعادتی است که خداوند نسبت به بندگان خاصش عنایت می‌فرماید، که انشاءالله ما را نیز از آنان قرار دهد و اگر به این فیض عظیم که آرزوی فرد

1- واژه‌هایی از ابتدای وصیت‌نامه افتاده است.
2- در اصل وصیت «نبخشائی».
3- در اصل وصیت «نمائی».
4- بقره/ 156.
5- در اصل وصیت جای خالی دارد.
6- در اصل وصیت «خدمتگذار».

فرد رزمندگان است، رسیدیم، امید است از این بایت ناراحت نباشید. بلکه بر این مصیبت صبر داشته باشید و مقاوم و استوار و صابر باشید که «**إن الله یحب الصابرین**»[1] همانا خداوند دوست دارد صابرین را که اجر و پاداش صبر شما در آخرت و بدست خداست. و اما خدمت شما و دیگر آشنایان و دوستان عرض می‌کنم که اگر می خواهند روح من ناچیز شاد باشد دست از حمایت امام برندارید که نجات شما در گرو اوست. آیا اگر امام نبود به این چنین سعادتی می‌رسیدیم و آیا آرزویمان برآورده می‌شد؟ و همچنین از این جمهوری اسلامی که ثمرهٔ خون صدها هزار شهید است، حمایت صادقانه کنید که به خدا قسم راه خودکفا شدن و نجات یافتن از طوق استعمار، همین جمهوری اسلامی است. و اما برای برادرم ایثار و فداکاری و استقامت و برای خواهرانم زینب گونه بودن و زینب گونه زندگی کردن را از درگاه خداوند متعال خواهانم. به‌عنوان مقلد امام افتخار میکنم که خدا مرا از سربازان امام قرار داده. ای امام اگر من هزاران جان داشتم در راه تو فدا می‌نمودم و هیچگاه تن به ذلت نمی‌دادم.خدایا تو خود فرمودی: «من طلبنی وجدنی و من وجدنی عرفنی و من عرفنی احبنی من احبنی عشقنی و من عشقنی عشقته و من عشقته فقتلته و من قتلته فعلی دیته و من علی دیته و انا دیته»[2] «هر که مرا جستجو کند، مرا می‌یابد و هر که مرا یافت می‌شناسد و هر که مرا شناخت دوست می‌دارد مرا و هر که مرا دوست داشت عاشقم می‌شود و هر که عاشقم شد عاشقش می‌شوم و هر که را عاشقش شدم او را می‌کشم و هر که را کشتم پس دیه‌اش گردن من است و هر که دیه‌اش گردن من باشد دیه او من هستم». باشد که خداوند این جان ناقابل را مایهٔ آمرزش گناهانم قرار دهد. انشاءالله و اما با سلام و درود بر پدر و مادر عزیزم که چه رنجها و زحمتها برایم کشیده‌اند که هرگز نمی‌توانم حقی را که بر گردنم دارند، ادا نمایم و آن بیدار خوابیهایی که مادرم از برایم متحمل شده و آن مصائب و مشکلاتی که پدرم تحمل نموده است هرگز نمی‌توانم جبران کنم. به هر حال از آنها می‌خواهم که به بزرگی خود ما را مورد عفو و بخشش قرار دهند. و اما خدمت شما عرض می شود که ما اماناتی از طرف خداوند در نزد شما هستیم که بالاخره امانت را باید به صاحبش پس داد. و اما ای امت مسلمان و شهیدپرور اکنون که تمامی ابرقدرتها، شیطان

1- آل عمران/ 146.

2- ر.ک. تعلیقات.

بزرگ و شیطان کوچک دست به دست هم داده‌اند که صدای این انقلاب را که فریاد به حق مسلمانان و غضب خشمناک مستضعفین است، خفه کنند و بدانید که مسلمین جهان چشم به شما دوخته‌اند که به فریاد آنان برسید و ندای «یا للمسلمین» را جواب دهید و دست ظالمین را از سر مظلومین کوتاه کنید و بدانید که این جمهوری اسلامی یک مایهٔ رحمت خداست که برای شما نازل شده است، پس برای حفظ این جمهوری و استقرار کلمهٔ توحید کوشش نمایید[1] [...][2] خدا را در تمام جهان فریاد کنید و با تمام توان در راه این جمهوری اسلامی کار کنید و بدانید که اجر آن بیشتر است و پشتیبانی از ولایت فقیه و دولت جمهوری اسلامی از تکالیف شرعی است و مانند نماز واجب است و دیگر اینکه فکر رفاه‌طلبی و آسایش دوستی را کنار بگذارید، که اکنون هنگام نبرد و پیروزی و شهادت است و خداوند به وسیلهٔ این انقلاب ما را امتحان می‌کند و هنگامهٔ آزمایش است و از خداوند می‌خواهم که ما را سربلند و سرافراز از این آزمایش بیرون آورد. برادران همگام با امام باشید. از او پیروی کنید و راه او را بپیمایید[3] چرا که او پیرو راه امام حسین(**7**) است و او از ما وحدت و اتحاد می‌خواهد.

حسین سعیدی

1- در اصل وصیت «نمائید».

2- خوانا نیست.

3- در اصل وصیت «بپیمائید».

همیشه در صدد وصیت نامه‌ام را آغاز می‌کنم
خدایا اگرچه لیاقت آنرا ندارم که سوی تو بیایم ولیکن هدایت تو عظیم
و کرامت و رحمت تو متعالی تر است از آنکه این بندهٔ حقیر که تمام

وجودش گناه است نبخشائی و به قرب خود راه ندهی. خدایا اگر من
انسانی از گناهم تو رحمت و لطف و کرامت عظیم تر است، خداوندا در
این لحظات عمر چشم به رحمت تو دوخته‌ام و می‌دانم اگر نخشیم نمائی

آن عین رحمت توست و اگر عفو نمائی آن از کرامت توست. خدایا مرا
از تنگی دنیا و از قفس جسم آزادم کن و از زیادی خشمت یا عظیمی عفوت
عفو نما و از آتش دوزخ نجاتم بده. ای اولین و آخرین پناهگاه، معبودا،

از سوی تو آمده‌ام و به سوی تو برمی‌گردم (إِنَّا لِلّٰهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ) بی تو من
هیچم. مرا لحظه‌ای به خود وانگذار به نام مقدست قسم می‌خورم که جز تو
کس... چیز دیگر را نمی‌خواهم از تو می‌خواهم در آن دنیا به دوست نازکم رحم

کنی. من عاشقانه در راه تو گام برمی‌دارم زیرا عاشق توهستم و از تو می‌خواهم
که از گناهانم درگذری و محبت‌های خودت را از سرمین کم نگردانی. در این
برههٔ از زمان انسان متعهد باید سرنوشت خود را انتخاب کند یا در ذلت
و در جهنم والای شهادت و یا ذلت و خواری من راه اول را انتخاب نموده‌ام

البته هدف ما از این سخن تنها شهادت نیست بلکه هدف ما این است
که پیروز شویم و بتوانیم خدمتگذار اسلام باشیم و به اسلام خدمت کنیم اگر هم
در این راه توفیق شهادت نصیب ما نشد چه سعادتی از این بهتر و این
سعادتی است که خداوند نسبت به بندگان خاصش عنایت می فرماید که انشاءالله
ما را نیز از آنان قرار دهد. و اگر به این فیض عظیم که آرزوی فرد فرد رزمندگان
است رسیدیم / امیدوارم از این بابت ناراحت نباشید بلکه بر این مصیبت
صبر داشته باشید و مقاوم و استوار و مطمئن باشید که (ان الله یحب الصابرین)
همانا خداوند دوست دارد صابرین را که اجر و پاداش صبر شما در آخرت خود
بدست خداست. و اما از شما و دیگر آشنایان و دوستان عرض می کنم که اگر
حضرت
و شهدا
می خواهند روح من ناچیز شاد باشد دست از حمایت امام برندارید که نجات
شما در گرو اوست. آیا اگر امام نبود به اینچنین سعادتی می رسیدیم و آیا آرزو جبان
جامه عمل می پوشید؟ و همچنین از این جمهوری اسلامی که ثمرهٔ خون صدها هزار شهید
است حمایت صادقانه کنید که بخدا قسم راه خود کفا شدن و نجات یافتن از
طوق استعمار همین جمهوری اسلامی است. و اما برای برادرم ایثار و فداکاری
و استقامت و برای خواهرانم زینب گونه بودن و زینب گونه زندگی کردن
را از درگاه خداوند متعال خواهانم.

(۳)

~~بحول~~ قدر امام افتخار می‌کنم که خدا مرا از سربازان امام قرار داده
ای امام اگر من هزاران جان داشتم در راه تو فدا می‌نمودم و هیچگاه
تن به ذلت نمی دادم، خدایا تو خود فرمودی: مَنْ طَلَبَنِي وَجَدَنِي، وَمَنْ وَجَدَنِي

عَرَفَنِي وَمَنْ عَرَفَنِي أَحَبَّنِي وَمَنْ أَحَبَّنِي عَشِقَنِي وَمَنْ عَشِقَنِي عَشِقْتُهُ وَمَنْ عَشِقْتُهُ قَتَلْتُهُ وَمَنْ
قَتَلْتُهُ فَعَلَيَّ دِيَتُهُ وَمَنْ عَلَيَّ دِيَتُهُ فَأَنَا دِيَتُهُ؛ هرکه مرا جستجو کند مرا می یابد و هرکه
مرا یافت می شناسد و هرکه مرا شناخت دوست می دارد مرا و هرکه مرا دوست

داشت عاشقم می شود و هرکه عاشقم شد عاشقش می شوم و هرکه را عاشقش شدم اورا
می کشم. و هرکه را کشتم پس دیه اش گردن من است و هرکه دیه اش گردن من باشد
دیه او من هستم. باشد که خداوند این جان ناقابل را فدیه آمرزش گناهانم

قرار دهد إن شاء الله و انّا
با سلام و درود بر پدر و مادر عزیزم که چه رنجها و زحمتها برایم کشیده اند که هرگز
نمی توانم حقی را که برگردنم دارند ادا نمایم و آن بیدار خوابیهایی که مادرم
از برایم متحمل شده و آن مصائب و مشکلاتی که پدرم تحمل نموده است هرگز

نمی توانم جبران کنم به هرحال از آنها می خواهم که به بزرگی خود ما را مورد
عفو و بخشش قرار دهند. و اما خدمت شما عرض می شود که ما امانتی از طرف
خداوند در نزد شما هستیم که بالاخره امانت را باید به صاحبش پس داد



و اما

ای ملت مسلمان و شهید پرور اکنون که تمامی ابر قدرتها، شیطان بزرگ و شیطان کوچک دست بدست هم داده‌اند که صدای این انقلاب را که فریاد حق مسلمانان و غضب خشمناک مستضعفین است خفه کنند و بدانید

که مسلمین جهان چشم به شما دوخته‌اند که به فریاد آنان برسید و ندای یا للمسلمین را جواب دهید و دست ظالمین را از سر مظلومین کوتاه کنید و بدانید که این جمهوری اسلامی کیف مایه رحمت خداست که برای شما نازل

شده است پس برای حفظ این جمهوری و استمرار کلمهٔ توحید کوشش نمائید و ندای خدا را در تمام جهان فریاد کنید و با تمام توان در راه این جمهوری اسلامی کار کنید و بدانید که اجر آن بیشتر است و پشتیبانی از ولایت فقیه

و دولت جمهوری اسلامی از تکالیف شرعی است و مانند نماز واجب است و غیر از این فکر رفاه طلبی و آسایش زودتر را کنار بگذارید که اکنون هنگام نبرد و پیروزی و شهادت است و خداوند به وسیلهٔ این انقلاب ما را امتحان می‌کند

و هنگامهٔ آزمایش است و از خداوند می‌خواهم که ما را سربلند و سرافراز از این آزمایش بیرون آورد و برادران هنگام با امام باشید از او پیروی کنید و راه او را بپیمائید همه آگاه او پیرو راه حسین (ع) است و او از ما وحدت و اتحاد می‌خواهد

حسین سعیدی



نام: **رجبعلی**
نام خانوادگی: **سعیدی**
نام پدر: **عبدالله**
نام مادر: **کبرا**
تاریخ تولد: **یکم مهر** 1347
محل تولد: **شهرستان شاهرود**
تحصیلات: **اول راهنمایی**
ارگان اعزام‌کننده: **بسیج**
تاریخ شهادت: **بیست‌ویکم بهمن** 1364
محل شهادت: **فاو عراق**
نحوهٔ شهادت: -
مزار: **گلزار شهدای روستای قلعه‌نو زادگاهش**

عبارت‌های کلیدی

- امام بزرگوار را تنها نگذارید.
- مبادا روزی امام احساس تنهایی کند.
- یک رزمنده واقعی برای دفاع از اسلام و به پیروی از فتوای مرجع جهان تشیع به جبهه می‌آید.
- همیشه اعمالتان را برای حق‌تعالی انجام دهید.

رجبعلی سعیدی

بسم‌الله الرحمن الرحیم

[وصیت] رزمندۀ راه خدا به ملت چه می‌تواند باشد؟

یک رزمنده انتظار دارد که ملت اسلامی ایران امام بزرگوار را تنها نگذارند مباد روزی که امام عزیز احساس تنهایی کند که روح شهدای ما در عذاب باشد. زیرا یک رزمنده وقتی به جبهه می‌آید جهت دفاع از اسلام و پیروی از فتوای مرجع جهان تشیع[1] می‌باشد، مقلد است و پیروی می‌کند. ملت عزیز ان‌شاءالله که خداوند به شما جزای خیر دهد و همیشه اعمالتان را برای حق تعالی انجام دهید.

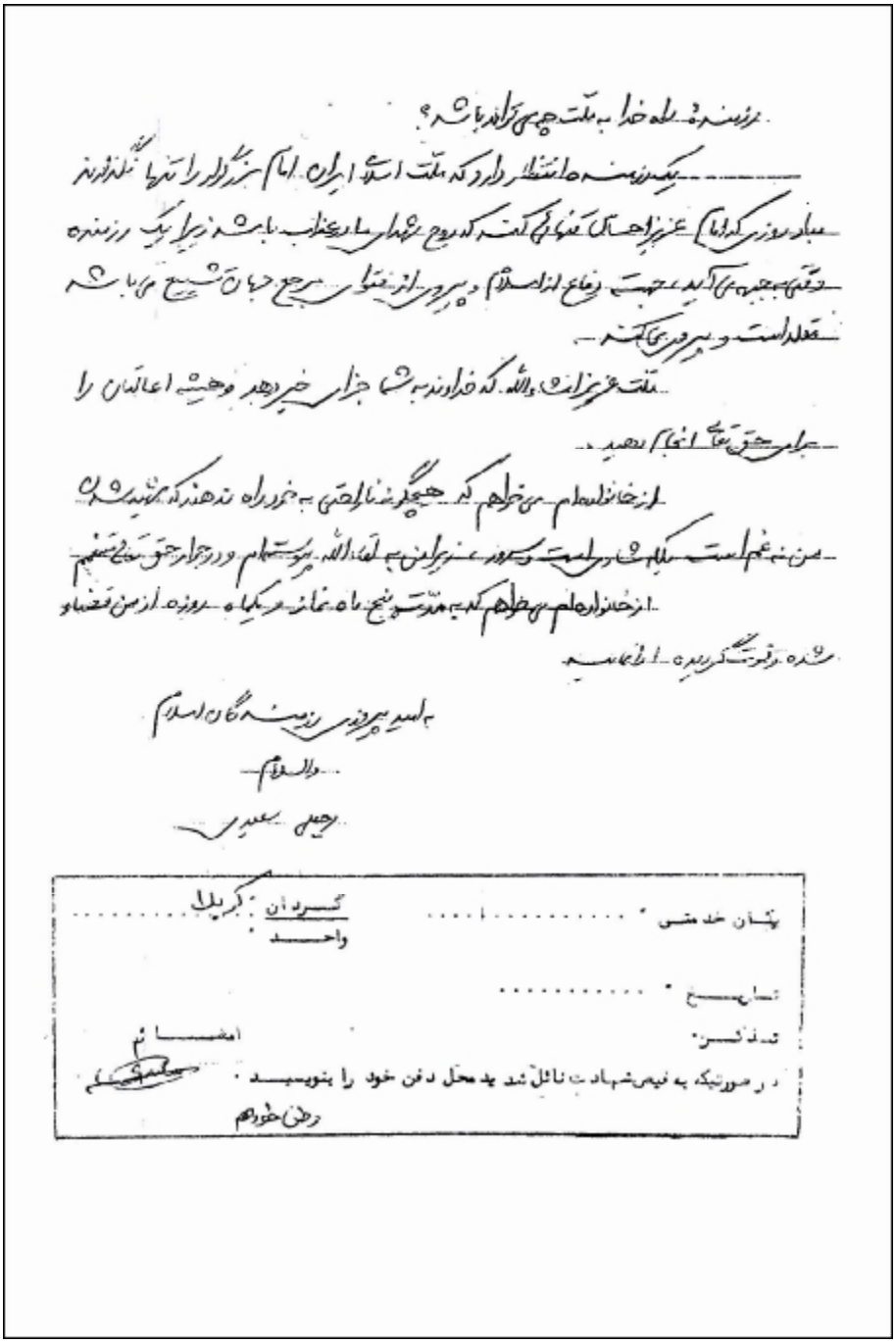
از خانواده‌ام می‌خواهم که هیچگونه ناراحتی به خود راه ندهند که شهید شدن من نه غم است بلکه شادی است و سرور، زیرا من به لقاء الله پیوسته‌ام و در جوار حق تعالی متنعمم. از خانواده‌ام می‌خواهم که به مدت پنج ماه نماز و یکماه روزه از من قضاء شده و فوت گردیده ادا نمایید.[2] به امید پیروزی رزمندگان اسلام.

«والسلام»

رجبعلی سعدی

1- در اصل وصیت «تشییع».

2- در اصل وصیت «نمائید».



برزنده ۵ بله خدا به ملت چه می‌خواهد باشد؟

یک زنده باشد که ملت استقلال ایران امام بزرگوار را تنها نگذارند

میادا روزی که ایشان عزیز احساس تنهایی کنند که روح شهدا ما بخواب باشد زیرا یک زنده

وقتی به جبهه می‌آید، جهت دفاع از اسلام و پیروی از فتوای مرجع جهان تشیع می‌باشد

مقدس است و پیروزی می‌کند.

ملت عزیزم والله که خداوند به شما جزای خیر دهد و همه اعمالتان را

برای حق تعالی انجام دهید.

از خانواده‌ام می‌خواهم که هیچگونه ناراحتی به خود راه ندهند که شهید شده

من نه غم است بلکه شادی و لیاقت و سرور عزیزان به لقاء الله پیوسته‌ام و در جوار حق تعالی متنعم

از خانواده‌ام می‌خواهم که به مدت پنج ماه عزا نگیرند و یکماه روزه از من قضا و

شده را بگیرند. والسلام

با سلام و درود بر زنده‌گان اسلام

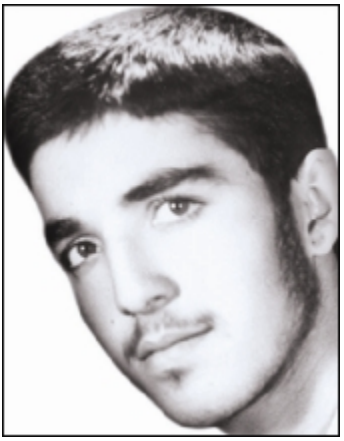
والسلام

رحیم سعیدی

نشان خدمتی:	گروهان: کربلا
	واحد:
نام خانوادگی:	
نام:	امضاء:

در صورتیکه به فیض شهادت نائل شد به محل دفن خود را بنویسید.

وطن خودم



نام: **مجتبی**
نام خانوادگی: **سعیدی**
نام پدر: **حسین**
نام مادر: **بهمنه**
تاریخ تولد: **بیست‌وپنجم خرداد** 1346
محل تولد: **شهرستان مهدیشهر**
تحصیلات: **سوم متوسطه**
ارگان اعزام‌کننده: **بسیج**
تاریخ شهادت: **بیست‌وچهارم فروردین** 1365
محل شهادت: **فاو عراق**
نحوهٔ شهادت: **اصابت ترکش**
مزار: **گلزار شهدای زادگاهش**

عبارت‌های کلیدی

- مادرم صبر را از زینب(**3**) و فاطمه زهرا(**3**) یاد بگیرید.
- در نمازهایت برای امام و رزمندگان اسلام دعا کن.
- هیچ وقت یاد خدا را فراموش نکنید.
- حضرت امام‌خمینی اسلام را از انزوا بیرون آورد حیثیت و آبروی از دست رفته امت مسلمان را بار دیگر به دامن اسلام و قرآن بازگرداند.
- حسب وظیفه شرعی به فرمان ولی فقیه که نایب برحق حضرت مهدی(عج) می‌باشد به جبهه هجرت نمودم.
- من با کمال آگاهی و شناخت و یقین کامل در این دانشگاه عظیم الهی یعنی جبهه‌های نور علیه ظلمت پاگذاشتم.
- ما در زمانی واقع شده‌ایم که خداوند مسئولیتی عظیم بر دوش ما نهاده است.
- در پی فراهم کردن رضایت خدا باشیم که راهی جز انجام وظایف شرعی جهت کسب رضوان خداوندی نیست.
- باید اسلام را با جان و مال تا آنجا که در توان ما است کمک کرد تا وعده خداوند در مورد ما محقق شود.
- تا آخرین قطره خون دست از یاری امام برندارید.
- ای خواهر، پاسدار عفت باش و بکوش زینب‌گونه عمل کنی.

مجتبی سعیدی

بسم الله الرحمن الرحیم

حمد و ستایش مخصوص خدایی[1] است که خواندن و نوشتن را به ما آموخت و به «قلم و نوشته‌هایش سوگند خورد»[2] و با درود و سلام بر پیامبران به ویژه پیامبر بزرگ اسلام حضرت محمد ابن عبدالله(**7**) و با درود و سلام خدمت آقا امام زمان مهدی موعود(عج) و نایب برحقش امام امت رهبر مستضعفان جهان و در هم کوبنده ظالمان و با درود و سلام بر شهیدان از صدر اسلام گرفته تا کربلای ایران که به ما زندگی دوباره بخشیدند و با درود و سلام بر «خانواده‌های شهدا که چشم و چراغ این ملت می‌باشند».[3]

وصیت خود را شروع می‌کنم پدر و مادر عزیزم اگر خداوند به من گناهکار توفیق داد تا به درجه رفیع شهادت برسم برایم ناراحت نباشید، من راهی رفته‌ام که امام حسین(**7**) با 72 تن از[4] یاورانش رفت و راهی که شهیدان از صدر اسلام تاکنون به آن راه رفته‌اند، در مرگم گریه و زاری نکنید تا این ضد انقلاب‌ها خوشحال شوند و از خداوند خواستارم[5] که به شما صبر بدهد [...][6] از شما خواهش می‌کنم با فامیل‌های ضدانقلاب از فامیل نزدیک‌تر گرفته تا الی[7] آخر دوری کنید و به آنها بگویید شماها که تا الآن با[8] این انقلاب مخالفت کرده‌اید نتوانستید، ذره‌ای صدمه‌ای به این انقلاب بزنید و نمی‌توانید بعد از این هم[9] کاری کنید و بیایید[10] به درگاه خداوند توبه کنید و گرنه پس فردا روز قیامت در مقابل شهیدان و

1- در اصل وصیت «خدائی».

2- اشاره به آیه1 از سورهٔ قلم دارد: «ن والقلم و مایسطرون».

3- تعبیر شهید برگرفته از سخنان امام خمینی در شأن خانواده شهداست «شما چشم و چراغ این ملتید خداوند یارتان باد» «صحیفه امام، ج 14، ص 80).

4- در اصل وصیت «72 یاورانش».

5- در اصل وصیت «امیدوارم».

6- خوانا نیست.

7- در اصل وصیت «لا».

8- در اصل وصیت «به».

9- در اصل وصیت «نمی‌توانید هم بعد از این».

10- در اصل وصیت«بیاید».

امامان معصوم(7) چه جواب دارید بدهید؟ مادر جان می‌دانم حق زیادی بر گردنم داری و نتوانستم حقم را ادا کنم. امیدوارم مرا ببخشید.

مادرم صبر را از زینب(3) و فاطمه زهرا(3) یاد بگیرید و ببین در صحرای کربلا چقدر سختی کشیده‌اند و ما باید از آنها درس بگیریم و بعد من خواهش می‌کنم خودتان[1] را ناراحت نکنید و در جمع گریه زیاد نکنید و فرزندانت را خوب تربیت و به جامعه تحویل دهی و در نمازهایت برای امام و رزمندگان اسلام دعا کن که رهبرم حق زیادی بر گردنم دارد و هیچ وقت یاد خدا را فراموش نکنید که یاد خدا آرامش‌دهنده دلهاست. «**الا بذکر الله تطمئن القلوب**».[2]

پدرجان نمی‌دانم به چه زبان از شما معذرت خواهی کنم. امیدوارم از دل و جان از من راضی باشید، تا خداوند از گناهانم درگذرد و از خداوند بخواه این قربانی را از شما قبول کند. من راهم را انتخاب کرده بودم و می‌دانستم آخر کار شهادت است. راهی بود [که] می‌خواستم بروم، چون امام حسین(7) با 72 یاورانش در این راه شدند. دنیا دنیای زودگذر است. شما هم روزی می‌آیید[3] در آن دنیای ابدی. سعی کن دستورات الهی را بهتر انجام دهی که آن دنیا با کوچک‌ترین گناه هزارها سال باید سختی بکشیم. بعد از شهادتم به مادرم نگو تو او را [...][4] و انشاءالله[5] در روز محشر با پیراهن خونین می‌آیم و شفاعت شما را از امام حسین(7) می‌کنم. صبر داشته باش که «خدا با صابرین است».[6] پدر جان «عالم در محضر خداست»[7] و اگر برادرم محمد و علی توانستند به جبهه بروند از رفتن آنها جلوگیری نکنید. و از برادرم محمد و علی می‌خواهم بعد از شهادتم سعی کنند[8] همیشه در

1- در اصل وصیت «خودت».

2- رعد/ 28.

3- در اصل وصیت «می‌آید».

4- در اصل وصیت «ناخوانا».

5- در اصل وصیت «اینشاء الله».

6- ترجمه این آیه است «ان الله مع الصابرین».

7- برگرفته از عبارت‌های گوناگون و متعددی است که حضرت امام در این زمینه دارد معروفترین آن «عالم محضر خداست در محضر خدا معصیت نکنید». (صحیفه امام، ج 11، ص 383).

8- در اصل وصیت «سعی کنید».

صحنه باشند[1] و در نمازهای جماعت شرکت کنید و به جبهه بروید و در این دانشگاه انسان‌سازی خود را با مولای خود امام حسین(**7**) محشور کنید و برای خدا مرا در خانه [...][2] کنید و در مقابل همه کارها درس را هم خوب بخوانید و نگذارید که پدر و مادر برای من خود را ناراحت کنند. در آخر از پدر و مادرم می‌خواهم فرزندانت را حسین وار و زینب‌وار تربیت کنید تا در آخرت در مقابل فاطمه زهرا(**3**) سرافکنده نباشید.

خواهرم، حجاب تو کوبنده‌تر از خون سرخ من است. سعی کن با حجابتان مشت محکمی به دهان این ضد انقلاب‌ها بزنید.

پدرم تابستان [...][3] جای ذوالفقاری[4] برگ بیدی آوردم و زیاد هم آوردم و از شما می‌خواهم دینم را به آقای ذوالفقاری[5] ادا کنید و هرکسی حقی گردنم دارد دینم را نسبت به او ادا کنید.

نماز و روزهٔ قضا دارم حدوداً شما می‌دانید چقدر قضا دارم و از شما می‌خواهم دینم را به خدا ادا کنید. و در ضمن پارچهٔ با امضای مومنین را داخل قبرم بگذارید و زیاد برایم خرج نکنید و دیگر مزاحم نمی‌شوم چون من زیادی شما را اذیت کردم و سلامتی شما پدر و مادرم را از خداوند خواهانم.

مورخ 64/12/11 ساعت 2/10 «دو و ده دقیقه»

نیمه شب

مجتبی سعیدی

اگر باشد قرار آخر بمیرم — نمی‌خواهم که در بستر بمیرم
دلم خواهد چو میثم[6] بر سردار — به عشق ساقی کوثر بمیرم
دلم خواهد که با گلبانک[7] تکبیر — برای یاری رهبر بمیرم
دلم خواهد ز بهر یاری دین — به عشق ساقی کوثر بمیرم

1- در اصل وصیت «باشید».
2- خوانا نیست.
3- خوانا نیست.
4- در اصل وصیت «ذولفقاری».
5- در اصل وصیت «ذولفقاری».
6- در اصل وصیت «میسم».
7- در اصل وصیت «بانک».

نمـــی‌خـــواهم کـــه در ایـــام پیـــری درون خانـــــه در بـــــستر بمیـــــرم[1]

[وصیت‌نامه‌ای دیگر]

بسم‌الله الرحمن الرحیم

متن وصیت‌نامه شهید مجتبی سعیدی مهدیشهری:

«**ان الله یحب الذین یقاتلون فی سبیله صفاً کانهم بنیان مرصوص**»[2] «خدا آن مؤمنان را که در صف جهاد با کفار مانند سد آهنین پیکار می‌کنند دوست می‌دارد».

من به همراه[3] آن کس که رو سوی حق گردانید به نبرد با آن کس که از حق رو گردانید می‌رویم، چرا از شهادت می‌ترسید مگر کودکی را سراغ دارید که از پستان مادرش بترسد[4] (امام حسین(**7**))

سلام و درود خدا بر پیامبر بزرگ اسلام حضرت محمد(**6**) نجاتبخش انسان‌ها از قید اسارتها و بردگی‌ها و باسلام به پیشگاه با عظمت [و] مقدس آقا امام زمان(عج) شمع هدایت و فروغ ولایت و سلام و درود خدا بر رهبر کبیر سازش‌ناپذیر جهان اسلام حضرت امام‌خمینی که اسلام را از انزوا بیرون آورد حیثیت و آبروی از دست رفته امت مسلمان را بار دیگر به دامن اسلام و قرآن بازگرداند.

و سلام و درود خدا بر شهدای انقلاب اسلامی که با خون خود درخت نونهال اسلام را آبیاری نمودند. اینجانب مجتبی سعیدی برحسب وظیفه شرعی به فرمان ولی فقیه که نایب برحق حضرت مهدی(عج) می‌باشد[5] به جبهه هجرت نموده [و] تا کمک به سایر برادران مسلمان در جهت اشاعه و گسترش اسلام کرده باشم و برطبق گفته رسول‌الله(**6**) خود را موظف دانستم چند جمله‌ای به‌عنوان وصیت برای شما برادران و خواهران مسلمان ذکر کنم.

1- از اشعار نوحه‌گونه‌ای است که در جبهه خوانده می‌شد. دقیقاً نمی‌توان شاعر این گونه سروده‌ها را شناسایی کرد.

2- صف/ 4.

3- در اصل وصیت «بهمراه».

4- عبارت مشتاق بودن به شهادت همانگونه که طفل به پستان مادر مشتاق است، ترجمه حدیثی است از حضرت امام علی(**7**) «والله، لابن ابی طالبِ آنس بالموت من الطفل بثدی امه (نهج‌البلاغه خطبه 5) ترجمه سید جعفر شهیدی.

5- در اصل وصیت «مهدی(عج) به جبهه».

من با کمال آگاهی و شناخت و یقین کامل در این دانشگاه عظیم الهی یعنی جبهه‌های نور علیه ظلمت پاگذاشتم چرا که به قول استاد شهید مرتضی مطهری[1] (ره) «شهادت انتخابی است. شهید گزینش‌گری است متعهد و مسئول که گذرگاه شهادت را بر مبنای ویژگی‌های زمان خویش برای رسیدن به اهداف الهی خویش برمی‌گزیند زیرا که شهید همواره عملش در حرکت تکامل تاریخ برای رسیدن به الله و حکومت صالحان و مستضعفان شکل می‌گیرد.»[2]

امت حزب‌الله، ما در زمانی واقع شده‌ایم که خداوند مسئولیتی عظیم بر دوش ما نهاده است و این بار گران را اولیاء از صدر اسلام و از بدو آفرینش پیامبران الهی به دوش کشیده‌اند و بر ماست که در پی فراهم کردن رضایت خدا باشیم که راهی جز انجام وظایف شرعی جهت کسب رضوان خداوندی نیست و باید اسلام را با جان و مال تا آنجا که در توان ما است کمک کرد تا وعده خداوند در مورد ما محقق شود که «**ان تنصروا[3] الله ینصرکم و یثبت اقدامکم**».[4]

... نخواهند گذشت و در روز قیامت شرمنده خواهید بود. پس تا آخرین قطره خون دست از یاری امام برندارید که اطاعت از او اطاعت از پیامبر اسلام محمد(**6**) و امامان معصوم(**7**) است. برادران گرامی سعی کنید راه شهیدان که راه حسین(**7**) و امامان است ادامه دهید و نگذارید سلاح سرخ شهیدان به زمین[5] بماند، سلاح را بردارید و اسلام را یاری کنید.

و از خواهران دینی می‌خواهم حجابشان را حفظ کنند و مانند زینب استوار باشند که حجابشان کوبنده‌تر از خون سرخ من است ای خواهر، پاسدار عفت باش و بکوش زینب‌گونه عمل کنی.

اما شما خانواده گرامی، مادرعزیزم، امیدوارم در شهادت من ناراحتی نکنید می‌دانم که داغ فرزند برای شما سخت است اما زینب(**3**) که داغ 72 شهید را تحمل کرد برای او

1- ر.ک. تعلیقات.

2- استاد شهید مطهری، قیام و انقلاب مهدی (عج) به ضمیمه شهید انتشارات صدرا چاپ پنجم (1398).

3- در اصل وصیت «تنصرالله».

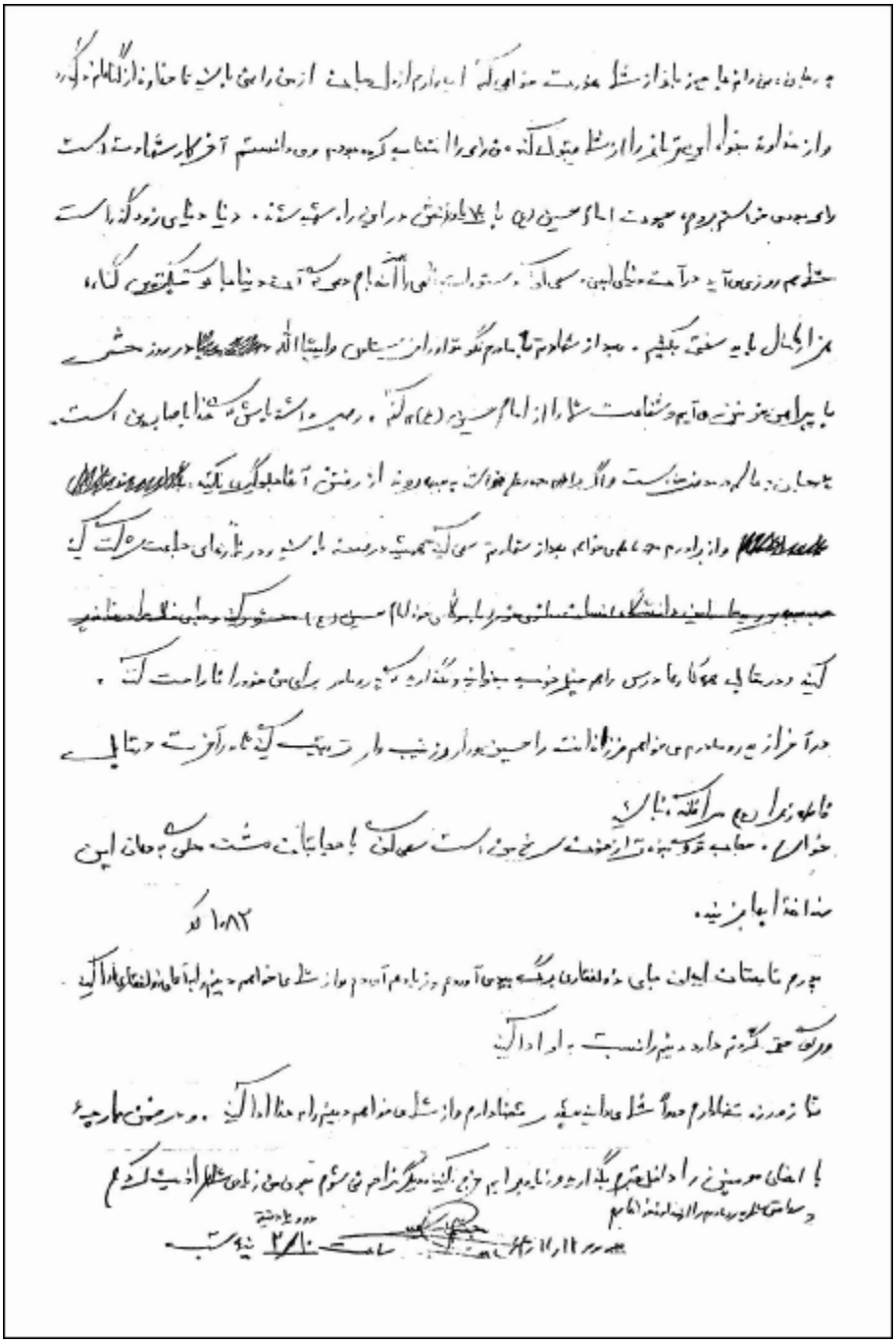
4- محمد/ 7. پس از این آیه، از سیاق کلام چنین برمی‌آید که ادامه وصیت وجود ندارد و یک صفحه افتادگی دارد.

5- در اصل وصیت «بزمین».

سخت نبود سعی کنید با صبر و استقامت و زینب‌گونه بودن خویش دشمنان را به گریه وادارید اگر گریه می‌کنید در خفا و کمتر گریه کنید و دشمنان اسلام را شاد نکنید، اگر به یاد من افتادید به یاد مظلومیت امام حسین(**7**) گریه کنید می‌دانم فرزند خوبی برای شما نبوده‌ام و حقی که از شما بر گردن حقیر بود نتوانستم بخوبی ادا کنم و جبران ذره‌ای از زحمات شما را کرده باشم [...].[1]

1- گویا ادامه وصیت افتاده باشد.





قسمتی از وصیت نامهٔ شهید.

اگر باشد ترا رأی بمیرم

نمی خواهم که در بستر بمیرم

دلم خواهد چو عیسم بر صلیب دار

به عشق ساقی کوثر بمیرم

دلم خواهد که با گل با تفنگ تکبیر

برای یاری رهبر بمیرم

دلم خواهد زبهر یاری دین

به عشق ساقی کوثر بمیرم

نمیخواهم که در ایام پیری

درون خانه در بستر بمیرم.

بسم الله الرحمن الرحیم

متن وصیت نامه شهید مجتبی سعیدی مهدیشهری :

"ان الله یحب الذین یقاتلون فی سبیله صفاً کانهم بنیان مرصوص"

" خدا آن مؤمنان را که در صف جهاد با کفار مانند سد آهنین پیکار میکنند دوست میدارد ."

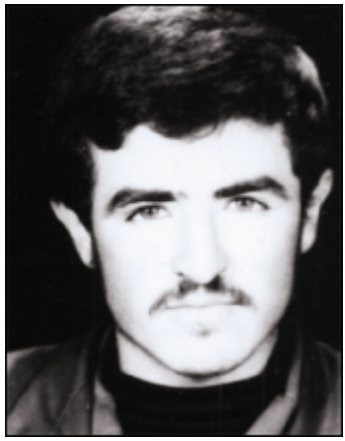
من بهمراه آنکس که رو سوی حق کرد انید به نبرد یا آنکس که از حق رو گرد انید میرویم ، چرا از شهادت میترسید مگر کودکی را سراغ دارید که از پستان مادرش بترسد (امام حسین (ع)) .

سلام و درود خدا بر پیامبر بزرگ اسلام حضرت محمد (ص) نجات بخش انسانها از قید اسارتها و بردگیها و با سلام به پیشگاه با عظمت مقدس آقا امام زمان (عج) شمع هدایت و فروغ ولایت و سلام و درود خدا بر رهبر کبیر سازش ناپذیر جهان اسلام حضرت امام خمینی که اسلام را از انزوا بیرون آورد حیثیت و آبروی از دست رفته امت مسلمان را بار دیگر به دامن اسلام و قرآن باز گرداند و سلام و درود خدا بر شهدای انقلاب اسلامی که با خون خود درخت نونهال اسلام را آبیاری نمودند این جانب مجتبی سعیدی بر حسب وظیفه شرعی بفرمان ولی فقیه که نائب بر حق حضرت مهدی (عج) به جبهه هجرت نموده و تا کنون به

سایر برادران مسلمان در جهت اشاعه و گسترش اسلام کرده باشم و
بر طبق گفته رسول‌الله (ص) خود را موظف دانستم چند جمله‌ای به
عنوان وصیت برای شما برادران و خواهران مسلمان ذکر کنم . من با
کمال آگاهی و شناخت و یقین کامل در این دانشگاه عظیم الهی یعنی
جبهه های نور علیه ظلمت پا گذاشتم چرا که به قول استاد شهید
مرتضی مطهری (ره) شهادت انتخابی است . شهید گزینش‌گری است
متعهد و مسئول که گذرگاه شهادت را بر مبنای ویژگیهای زمان خویش
برای رسیدن به اهداف الهی خویش برمیگزیند زیرا که شهید همواره
عطش در حرکت تکامل تاریخ برای رسیدن به الله و حکومت صالحان و
مستضعفان شکل میگیرد . امت حزب‌الله ، ما در زمانی واقع شده‌ایم
که خداوند مسئولیتی عظیم بر دوش ما نهاده است و این بارگران را
اولیاء از صدر اسلام و از بدو آفرینش پیامبران الهی بدوش کشیده‌اند
و بر ماست که در پی فراهم کردن رضایت خدا باشیم که راهی جز انجام
وظائف شرعی جهت کسب رضوان خداوندی نیست و باید اسلام را با
جان و مال تا آنجا که در توان ماست کمک کرد تا وعده خداوند در
مورد ما محقق شود که (ان تنصرالله ینصرکم و یثبت اقدامکم)

نخواهند گذشت و در روز قیامت شرمنده خواهید بود . پس تا آخرین قطره خون دست از یاری امام بر ندارید که اطاعت از او اطاعت از پیامبر اسلام محمد (ص) و امامان معصوم است . برادران گرامی سعی کنید راه شهیدان که راه حسین (ع) و امامان است ادامه دهید و نگذارید سلاح سرخ شهیدان بزمین بماند ، سلاح را بردارید و اسلام را یاری کنید . و از خواهران دینی میخواهم حجابشان را حفظ کنند و مانند زینب استوار باشند که حجابشان کوبنده تر از خون سرخ من است ای خواهر، پاسدار عفت باش و بکوش زینب گونه عمل کنی .

اما شما خانواده گرامی ، مادر عزیزم ، امید وارم در شهادت من ناراحتی نکنید میدانم که داغ فرزند برای شما سخت است اما زینب (س) که داغ ۷۲ شهید را تحمل کرد برای او شخت نبود سعی کنید با صبر و استقامت و زینب گونه بودن خویش دشمنان را به گریه وادارید اگر گریه میکنید در خفا و کمتر گریه کنید و دشمنان اسلام را شاد نکنید اگر بیاد من افتادید بیاد مظلومیت امام حسین (ع) گریه کنید میدانم فرزند خوبی برای شما نبوده ام و حقی که از شما بر گردن حقیر بود نتوانستم بخوبی ادا کنم و چبران ذره ای از زحمات شما را کرده باشم



نام: **غلامحسین**
نام خانوادگی: **سفیدیان**
نام پدر: **اسماعیل**
نام مادر: **مرصع**
تاریخ تولد: **دهم آذر** 1337
محل تولد: **شهرستان دامغان**
تحصیلات: **پایان دورهٔ ابتدایی**
ارگان اعزام‌کننده: **جهاد**
تاریخ شهادت: **بیست‌ودوم دی** 1365
محل شهادت: **شلمچه**
نحوهٔ شهادت: **اصابت گلوله**
مزار: **گلزار شهدای چهارده زادگاهش**

عبارت‌های کلیدی

- ای برادر عزیز برای خدا خالصانه کار کنید.
- ای پدران و مادران مبادا از جبهه آمدن فرزندان خود جلوگیری کنید.
- ای پدران و مادران به امام وفادار باشید.
- اسلام را در دنیا زنده نگدارید.
- همیشه به یاد خدا باشید.
- از دروغ و تهمت دوری کنید.
- به زینب(**3**) اقتدا کنید و همیشه صبر را پیشه خود کنید.
- فرزندانم را چنان تربیت کنید که انشاء الله به اسلام خدمت کنند.

غلامحسین سفیدیان[1]

بسم‌الله الرحمن الرحیم

«رب اشرح لی صدری و یسرلی امری واحلل عقده من لسانی یفقهوا[2] قولی».[3]
«ان الله اشتری من المومنین انفسهم و اموالهم بان لهم الجنة یقاتلون فی سبیل‌الله فیقتلون و یقتلون وعداً علیه حقا فی التوراة و الانجیل و القرآن و من اوفی بعهده من الله فاستبشروا ببیعکم الذی بایعتم به و ذالک هو الفوز العظیم»[4] «خداوند از مومنان جان‌ها و اموالشان را خریداری می‌کنند که (در برابرش) بهشت برای آنان باشد به این گونه که در راه خدا پیکار می‌کنند می‌کشند و کشته می‌شوند این وعده حقی است بر او که در تورات و انجیل و قرآن ذکر نمود و چه کسی از خدا به عهدش وفادارتر است، اکنون بشارت باد بر شما به داد و ستدی که با خدا کرده‌اید و این پیروزی بزرگی برای شما است».

وصیت‌نامه خود را به‌نام آنکه ما را آفرید و حیات و ممات ما در دست اوست آغاز می‌کنم.

اینجانب غلامحسین سفیدیان فرزند اسماعیل به شماره شناسنامه 17 تاریخ تولد 1337 شهادت می‌دهم که خدا یکی است و محمد(**6**) رسول و فرستاده خداست و این کلمه‌ای که بعد از به دنیا آمدنم در گوش راست و چپم آن [را] به من یاد دادند[5] و من آن را قبول کردم و به ندای فرزند پیامبر زمان لبیک گفتم و تا اگر با زنده بودنم نتوانم به اسلام خدمت کنم شاید خونم باعث خدمت به اسلام که دین برحق ماست شود. من اکنون که شهید شدم راه خودم را انتخاب کردم و آنچه را که معلم خوب و دلسوز من (امام) به من آموخته یقین پیدا کردم و آن را عمل نمودم و سخن من با آن برادرانی که به ندای حسین زمان لبیک گفتند این است که ای برادر عزیز برای خدا خالصانه کار کنید بگذارید آنان

1- در بالای وصیت آمده است: «زمان شهادت: 65/10/21 و مکان شهادت: شلمچه».

2- در اصل وصیت «یفقهو».

3- طه/ 25- 28.

4- توبه/ 111.

5- معمول و مرسوم بین مسلمانان است که نوزادی که به دنیا می‌آید در همان ساعات اولیه توسط فردی مؤمن در گوش‌های آن اذان و اقامه داده می‌شود. شهید به این رسم اشاره دارد.

[که] در لانه‌های خود خزیده‌اند هر چه درباره شماها می‌گویند چون خدا بر اعمال ما آگاه است چون ما به حسین(7) اقتدا کرده‌ایم و [او را هم مسلمان نماهای ناآگاه، خارجی[1] لقب داده بودند] و شما ای جوانان آگاه باشید و نگذارید آنان [را] که می‌خواهند حق مردم را پایمال کنند به آنها فرصت ندهید. متحد باشید اگر کسی حق مردم را به خود اختصاص داده است از آن دفاع کنید و از او پس بگیرید و اگر چنین نکنید، خدا هم از شما نمی‌گذرد و شما ای پدران و مادران مبادا از فرزندان خود که می‌خواهند به جبهه بیایند جلوگیری کنید. چون همین فرزندان در قیامت شماها را مقصر می‌دانند و همین جلوگیری شما بهانه‌ای در دست آنان می‌شود و خلاصه شماها ای پدران و مادران و برادران و خواهران به امام وفادار باشید و هرچه او بگوید آن را عمل کنید و شماها حضورتان را در جبهه‌های حق علیه باطل ثابت نگه دارید آنان که توانایی[2] به جبهه آمدن را دارند. بیایند و آنان که توانایی[3] ندارند در پشت جبهه خدمت کنند تا بتوانید به داد مظلومان و محرومان دنیا برسید و اسلام را در دنیا زنده نگه بدارید و همیشه به یاد خدا باشید و از دروغ و غیبت و تهمت دوری گزینید که این گونه اعمال قلب را سیاه می‌کند چونکه هر زمان باشد خلاصه مرگ فرا خواهد رسید و هیچ گریزی از آن نیست و تو ای پدر و مادر آخرین سلام‌ها و درودهای فرزند کوچک خود غلامحسین را پذیرا باشید و از شما می‌خواهم که در مصیبت من گریه نکنید. چون شما خانواده یک شهید هستید ولی زینب (3) خانواده 72 شهید بوده به او اقتدا و همیشه صبر را پیشه خود کنید که «خدا با صابران است»4 و شما ای خواهرانم شما هم به زینب (3) اقتدا کنید و صابر باشید مبادا در شهادت من شیون کنید که این کار شما دشمن را شاد می‌کند و عفت و پاکدامنی را زینت خود قرار دهید و تو ای برادرم غلامرضا به حسین(7) اقتدا کن و هیچ حزنی و خوفی در دل خود راه مده و با یاد خدا با مشکلات روبرو شو و تو ای خانواده‌ام اگر نتوانستم در دنیا آنچه تو بر گردن من

1- برخی از عوامل و ستون پنجم یزید عدم بیعت حضرت امام حسین(7) را با یزید، خروج در برابر حکومت رسمی می‌دانستند. شهید به این مسئله اشاره دارد.

2- در اصل وصیت «توانائی».

3- در اصل وصیت «توانائی».

4- در قرآن در آیات متعددی تعبیر «ان الله مع الصابرین» آمده است از آنجمله‌اند (بقره/ 153، بقره/ 249، انفال/ 66).

حق داری ادا کنم. امیدوارم که مرا عفو نمایی[1] و فرزندانم حسن و ابوالفضل را اول به خدا و بعد به بابا و شما می‌سپارم و آنان را چنان تربیت کنی، که انشاءالله به اسلام خدمت کنند و در این زمینه پدرم را وصی خود قرار می‌دهم اولاً یک سال نماز و روزه برایم ادا نمایند و تربیت و سرپرستی فرزندانم حسن و ابوالفضل به عهدهٔ او باشد و در تمام اموال هرچه دارم در هر جا که صلاح می‌داند. در همانجا خرج کند و در پایان از همه شماها مردم حزب‌الله و غیره ده عذرخواهی می‌کنم و از همه شما حلالیت می‌طلبم و شماها ای همه کسانم حتی‌الامکان «از پوشیدن لباس مشکی[2] خودداری نمایید»[3] و از گریه‌کردن و شیون نمودن خودداری نمایید[4] زیرا این عمل شما با فکر من سازگار نیست. وصیت نامه‌ام را در مجلس ختم بگذارید تا به گوش همگان برسد به امید پیروزی حق بر باطل و بیدار شدن تمام مسلمانان دنیا

«والسلام»

غلامحسین سفیدیان

63/12/12

1- در اصل وصیت «نمائی».

2- ر.ک. تعلیقات ذیل «لباس سیاه».

3- در اصل وصیت «نمائید».

4- در اصل وصیت «نمائید».



بسمه تعالی

وصیت‌نامه شهید

غلامحسین سفیدیان

زمان شهادت: ۶۵/۱۰/۲۱

مکان شهادت: شلمچه

بسم الله الرحمن الرحیم

ربّ اشرح لی صدری ویسرلی امری واحلل عقده من لسانی یفقهو قولی

ان الله اشتری من المومنین انفسهم واموالهم بان لهم الجنه یقاتلون فی سبیل الله فیقتلون ویقتلون وعدا علیه حقا فی التوراه والانجیل والقرآن ومن اوفی بعهده من الله فاستبشروا ببیعکم الذی بایعتم به وذالک هو الفوز العظیم (توبه آیه ۱۱۱)

خداوند از مومنان جانها واموالشان را خریداری میکند که (در برابرش) بهشت برای آنان باشد بهاین گونه که در راه خدا پیکار میکنند می کشند وکشته می شوند این وعده حقی است براو که در تورات وانجیل وقرآن ذکر شده ومچه کسی از خدا بعهدش وفادارتر است اکنون بشارت باد برشما به داد وستدی که با خدا کرده اید واین پیروزی بزرگی برای شما است. وصیت نامه خود را بهنام آنکه ما را آفرید وحیا عوسات ما در دست او ست آغاز میکنم .

اینجانب غلامحسین سفیدیان فرزند اسماعیل به شماره شناسنامه ۷) تاریخ تولد ۱۳۳۷ شهادت می دهم که خدا یکی است ومحمد (ص) رسول وفرستاده خدا است واین کلمه ای است که بعد از بعثت نیا آمدم در گوش راست وچپم آن به من یاد دادند ومن آنرا قبول کرد پیغمبر ای فرزند پیامبر زمان لبیک گفتم وتا اگر بازند بود نتوانم بها اسلام خدمت کنم شاید خونم باعث خدمت به اسلام که دین برحق ما مستضعفین من اکنون که شهید شدم راه خودم را انتخاب کردم وآنچه را که علم خوب ودلسوز من (امام) به من آموخته بیقین پیدا کردم وآن را عمل نمودم سخن من با آن مردم اینکه به ندای حسین زمان لبیک گفتند این است که ای برادران عزیز برای خدا خالصانه کار کنید بگذارید آسمان ها در لانه های خود خزیده اند هر چه درباره شما ها می گویند چون خدا بر اعمال ما آگاه است چون ما بحسین (ع) اقتدا کرده ایم واز اهمسلمان نماهای ناآگاه خارجی لقب داده بودند وشمای جوانان دانا آگاه باشید ونگذارید آنان کمبخواهند حق مردم را پایمال کنند به آنها فرصت ندهید متحد باشید اگر کسی حق مردم را بخواهد اخضاع کرد ما است از آن دفاع کنید واز او پرهیزید واگر چنین نکنید خدا هم از شما انتقام گیرد وشمای پدران ومادران آینده از فرزندان خود که میخواهند بمحاسبه بیایند جلوگیری کنند چون همین فرزندان در قیامت شما ها را بقصد

می دانند وهمین جلوگیری شمابسیاریهای دردستانان میشود وخلاصه شماها ای پدران ومادران وبرادران و
واهران بمقام وفادار باشید وهرچه اوبگوید آن راعمل کنید وشماها حضورتان رادرجبهه های حق علیه باطل ثابت
نگه دارید آنان که توانائی بجبهه آمدن را دارند بیایند وآنان که توانائی ندارند درپشت جبهه خدمتکنند
نمیتوانید به دادمظلومان ومحرومان دنیا برسید واسلام رادردنیازنده نگه بدارید وهمیشه بیادخدا باشید واز
دروغ وغیبت وتهمت دوری گزینید که اینگونه اعمال قلب راسیاه میکند چونکه هرزمان باشد خلاصه مرگ فرا خواهد
رسید وهیچ گریزی ازآن نیست وتوای پدرومادرآخرین سلامتها ودرودهای فرزندکوچک خود غلامحسین رابپذیرا
باشید وازشماخواهم که درمصیبت من گریه نکنید چون شما خانواده یکشهید هستید ولی زینب (س) خانواده
شهید بوده یعنی اقتدا کنید وهمیشه صبررا پیشه خود کنید که خدایاصابران است وشمای خواهران
ما هم به زینب (س) اقتدا کنید وصابر باشید مبادا در شهادت من شیون کنید که این کارشما دشمن راشاد میکند
بچشم وپاکدامنی را زینت خود قرارد هید وتوای برادرم غلامرضا بجای حسین (ع) اقتداکن وهمچون حسینی وخونی در
دل خود رامده ویاد خدا بامشکلات روبرو شو وتوای خانواده اگر نتوانستم دردنیا آنچه تو بگردن
من حق داری ادا کنم امید وارم کمرا عفو نمائی وفرزندانم حسن وابوالفضل راول به خدا وبعد به بابا وشماسی
سپارم وآنان راچنان تربیت کنی کانشاء الله بااسلام خدمت کنند ودراین زمینه پدربرا وصی خود قرارمیدهم
اولا پنجسال نماز وروزه برایها داده تا بیند وثربیتشوسرمشق فرزندانم حسین وابوالفضل به عهده اوباشد
ودرتمام اموال هرچه دارم درهرجاکه صلاح میداند درهمانجاخرج کند ودرپایان ازهمه شماها مردم حزب الله
وغیره ده عذر خواهی میکنم وازهمه شما حلالیت می طلبم وشماها ای همکلاسانحتی الامکان ازپوشیدن لباس مشکی
خودداری نمائید واز گریه کردن پوشیون نمودن خود داری نمائید زیرا اینعمل شما باافکرمن سازگارنیست و میت
نامه امرا درمجلس ختم بگذارید تابه گوش همگان برسد به امید پیروزی حق برباطل وبیدارشدن تمام مسلمانان دنیا

والسلام

امضاء غلامحسین سفیدیان ۱۳۶۱/۱۲/۱۲



نام: **ناصر**
نام خانوادگی: **سلطان**
نام پدر: **ابراهیم**
نام مادر: **خیرالنسا**
تاریخ تولد: **بیست‌وهشتم مرداد** 1345
محل تولد: **شهرستان سمنان**
تحصیلات: **سوم متوسطه**
ارگان اعزام‌کننده: **بسیج**
تاریخ شهادت: **بیست‌ودوم اسفند** 1363
محل شهادت: **شرق رود دجله**
نحوهٔ شهادت: **اصابت گلوله**
مزار: **گلزار شهدای امامزاده اشرف زادگاهش**

عبارت‌های کلیدی

- این جنگ یک نعمت الهی است.
- سخنان امام امت را آویزه گوشتان قرار دهید.
- تقوای الهی را پیشه کنید.
- در همه حال به یاد خدا باشید.
- ذکر خدا آرام‌بخش دلهاست.
- ولایت فقیه استمرار حرکت انبیا است.
- نمازهای جمعه و دعاهای توسل و کمیل را از یاد نبرید.
- در نمازها و دعاهایتان رزمندگان و امام و ما را دعا کنید.
- شما برادران بیشتر به جبهه بیایید و مردم را برای جهاد در راه خدا تشویق کنید.

شهید ناصر سلطان

بسم الله الرحمن الرحیم

«**کتب علیکم القتال و هو کره لکم و عسی ان تکرهوا شیئاً و هو خیرلکم**»[1] «جنگ بر شما مقرر شده و آن مورد اکراه شماست و چه بسیار چیزهایی که شما از آنها کراهت دارید در صورتیکه برای شما مفید...»[2]

با درود به منجی عالم بشریت مهدی صاحب‌الزمان و نایب برحقش امام امت این پیر جماران تا درود به شهدا از هابیل تا صدر اسلام از صدر اسلام تا کربلای حسینی و از کربلای حسینی تا کربلاهای ایران و درود بر خانواده‌های شهدا که این فرزندان از جان گذشته را تقدیم انقلاب کرده‌اند و درود بر خانواده‌ها[ی] اسرا که هم اکنون در چنگال بعثیان در اسارت به سر می‌برند و درود بر شما دانش‌آموزان و شما مردم مسلمان ایران به‌خصوص شما بسیجیان پیرو خط انقلاب و اسلامِ امام خمینی.

همانطور که در بالا آن آیه تلاوت شد، واقعاً اگر بنشینیم و فکر کنیم می‌بینیم که این جنگی که برای ایران به‌وجود آمده است یک نعمت الهی است و این جنگ چه نعمت‌هایی را به ما عنایت کرده در چه موقعی بود که انسان بتواند مقداری پول یا سرمایه خود را به فقیر [...][3] بدهد ولی الان دست و دل مردم باز شده که دولت هرچه بخواهد [به] مردم کمک [می‌نماید] و چطور مردم ایران بیدار و هوشیار شده است که دیگر هیچ ابرقدرتی نمی‌تواند بر او غلبه کند

پیامی دارم به امت شهیدپرور ایران و دوستان و آشنایان مخصوصاً به خانواه‌های شهدا که باید صبر و استقامت را پیشه کنند که پیروزی ما در صبر و استقامت شما امت اسلامی است که همانطور علی(**7**) در موقع خلافتش آنچنان صبر کرد

که اسلام توانست به اینجا برسد. هی نگویید جنگ و سختی نباشد. بلکه تمام نعمات ما در همین جنگ و سختی است به کارهایی دست زنید که عمل صالح در آن باشد که همانطوری که قرآن می‌فرماید آنچه پیغمبر برای شما آورده به آن عمل کنید و از آنچه نهی

1- بقره/ 216.

2- خوانا نیست.

3- خوانا نیست.

کرده خودداری نمایید[1] و سخنان امام امت را آویزه گوشتان قرار دهید که تمام زندگانی ما در آن نهفته است و تکه به تکه سخنان امام [را] گوش فرا دهید و بدان عمل نمایید[2] و تقوای الهی را پیشه کنید که تقوا وسیله نزدیک شدن به خدا است. و در [همه] حال به یاد خدا باشید که آرام‌بخش دل‌ها ذکر خداست و از شما تقاضا دارم که در حال حاضر همانطور که امام گفت «مسأله اصلی جنگ است»[3] و این جنگ میان اسلام و کفر است پس به این ندای «هل من ناصر»[4] حسین زمان خمینی بت‌شکن پاسخ دهید.

که امر امر ولایت فقیه است و ولایت فقیه هم استمرار حرکت انبیاست و نماز جمعه و دعاهای توسل و کمیل را از یاد نبرید که در همین مراسم‌ها هستند که کاخهای ابرقدرتان را بالا و پایین می‌برد و در نمازها و دعاهایتان رزمندگان و امام و ما را دعا کنید.

و شما ای دایی‌ها و مادربزرگ که اگر در راه دین و اسلام کشته [شدم] برای من گریه نکنید و هیچ ناراحتی نداشته باشید اگر هم ناراحتی دارید و می‌خواهید گریه و زاری کنید برای امام حسین(7) گریه کنید به یاد پیکر مبارکش فکر کنید که چگونه سر در بدن نداشت و من در اینجا از خدای بزرگ پیروزی رزمندگان را می‌خواهم و اگر هم شهید شدم چه بهتر و از شما طلب حلالیت می‌نمایم و هرچه بدی از من دیدید حلالم کنید و ای شما مادربزرگ مهربانم که در طول عمرم 13 سال عمرم که من پدر و مادرم را از دست داده‌ام شما به‌عنوان مادری مهربان با من رفتار کردید و هیچ باورم نمی‌شد که پدر یا مادرم را از دست داده‌ام زیرا شما مانند مادر با من رفتار می‌کردی و از شما حلالیت می‌طلبم هر سختی دیده‌اید به بزرگواری خودتان مرا ببخشید.

به شما ای خواهر مهربان و دلسوزم از شما می‌خواهم که مانند زینب کبری(3) در روز عاشورا باش که برادرش حسین بن علی(7) در جلوی چشمانش به میدان می‌رود و شهید می‌شود آن هم با لب تشنه شهید می‌شود و نزد خدا می‌رود و تو هم باید مانند زینب کبری(3) باشی و صبر و استقامت را پیشه کنی به نکات دین اسلام توجه داشته باشی که

1- در اصل وصیت «نمائید».

2- در اصل وصیت «نمائید».

3- عبارت «مساله اصلی جنگ است» از امام خمینی است (صحیفه امام، ج 19، ص 149).

4- ر.ک. تعلیقات.

سیاهی چادر شما هم مانند خون رزمنده‌ای است که بر زمین می‌ریزد و اگر بد دیده‌ای و یک صحبتی که ناراحت شدی از ته قلب مرا ببخشید و حلالم کن.

در آخر از شما برادران پایگاه مقاومت شهید دستغیب محلات که در رابطه با شهادت من زحمت می‌کشید از همین جا از شما تشکر و قدردانی می‌کنم و از شما می‌خواهم که پایگاهها را پر کنید و در آن به آموزش نظامی و اخلاقی و اعتقادی بپردازید که واقعاً[1] اسلام از این راه پیروز می شود و باید از میان شما برادران بیشتر به جبهه بیایند و مردم را برای جهاد در راه خدا تشویق کنید که اسلحه شهیدان به زمین نیفتد و هیچ‌گاه نگذارید که اختلاف در میان شما بوجود بیاید که اگر اختلاف بوجود بیاید دیگر نمی‌توانید کاری کنید و از تمامی شما می‌خواهم که از ته دل من را حلالم کنید

در آخر التماس دعا از تمامی برادران بسیج وامت اسلامی دارم و دعا به جان امام و رزمندگان یادتان نرود و دعا کنید که امام مهدی(عج) هرچه سریعتر ظهور کند بیشتر از این سرتان را درد نمی‌آورم.

خداحافظ همگی شما باشد.

بنده حقیر خدا، ناصر سلطان

1363/12/16

[وصیت‌نامه‌ای دیگر]

بسم‌الله الرحمن الرحیم

«اللّهم[2] ایاک نعبد و ایاک نستعین»

حمد و سپاس به درگاه خداوند متعال و قادر و حکیم که با رحمت خود به ما [یاری نمود تا] توانستیم راه خودمان را بشناسیم درود بر مهدی صاحب‌الزمان(عج) و نایب برحقش امام امت خمینی بت‌شکن این پیرجماران و با درود بیکران به شهدای جانباخته این انقلاب و جمهوری اسلامی و درود به خانواده‌های شهدا که آنچنان فرزندانشان را در راه دین و قرآن دادند و درود به خانواده‌های اسرا که فرزندانشان در چنگال بعثیان اسیر

1- در اصل وصیت «وقعاً».

2- در اصل وصیت «الّهم».

هستند و درود بر رزمندگان پرتوان اسلام که با رزم خود [ریشهٔ این] دشمن جانی را از کشور و جهان اسلامی بر می‌کنند.

پس از عرض سلام می‌خواستم چند جمله‌ای درباره وضعیت مالی‌ام به شما بگویم:

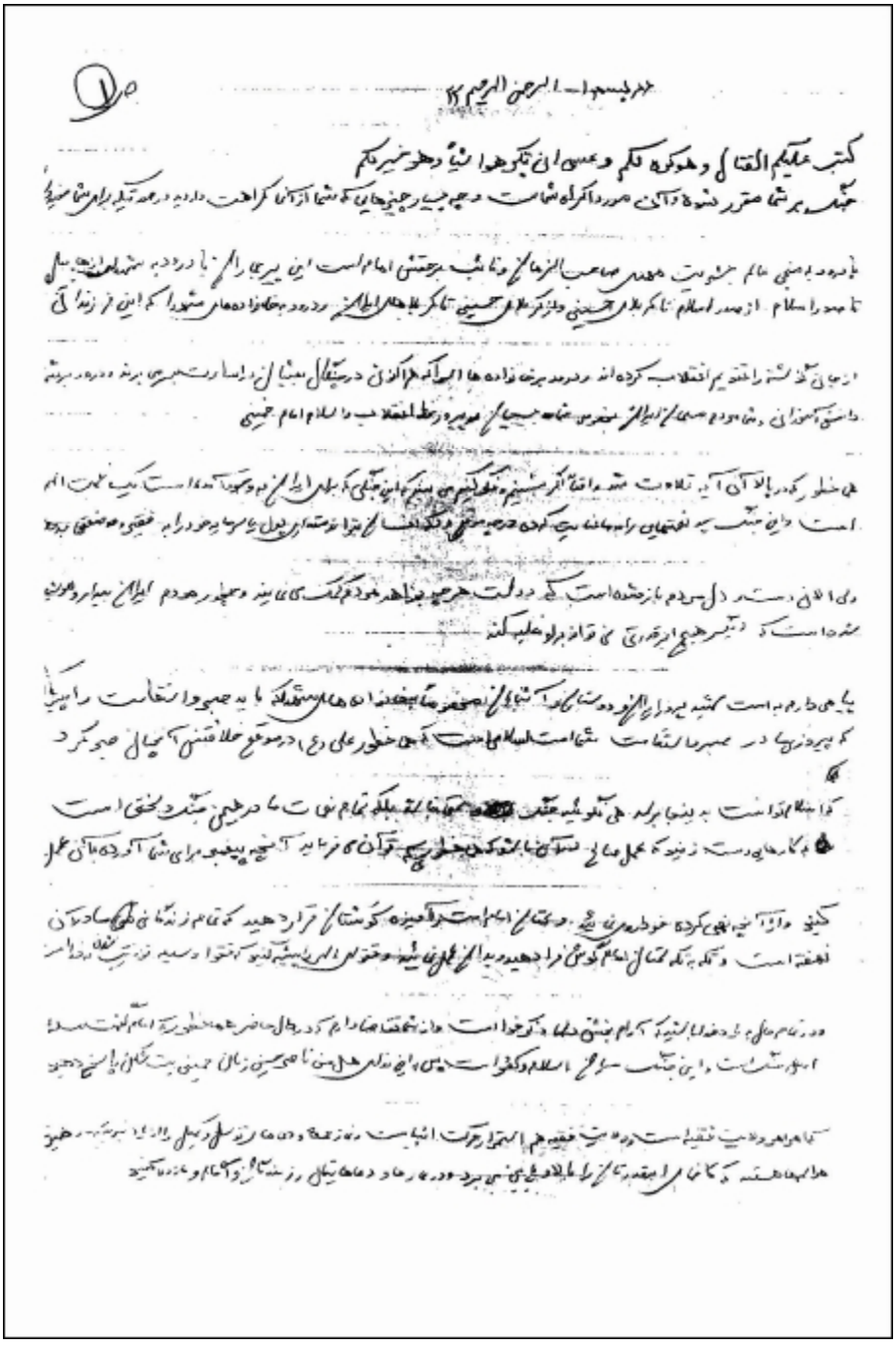
من در حدود دو سال نماز و روزه قضا دارم و سعی کنید که برایم بجا آورید یا پول بدهید که آن را برایم بجا آورند تا روحم شاد شود و در حدود 30000 ریال به دایی هادی‌ام دهید در حدود 40000 ریال در راه خدا دهید و بقیه پولم را [که] در اختیار دایی‌ام است که برای مجلس‌های یاد بود و جبهه کمک کند و اگر چیزی ماند برای خواهرم است و آن دوچرخه را به پسر دایی‌ام[1] ابوالفضل دهید و بقیه وسایلم را برای خواهرم نگه دارید و به او دهید و از تمام دوستان و آشنایان و مردم می‌خواهم که اگر از من پولی می‌خواهند به خانه‌مان مراجعه کنند و آن پول را بگیرند و اگر هم که کسی می‌خواهد پول به من بدهد در راه خدا بدهید

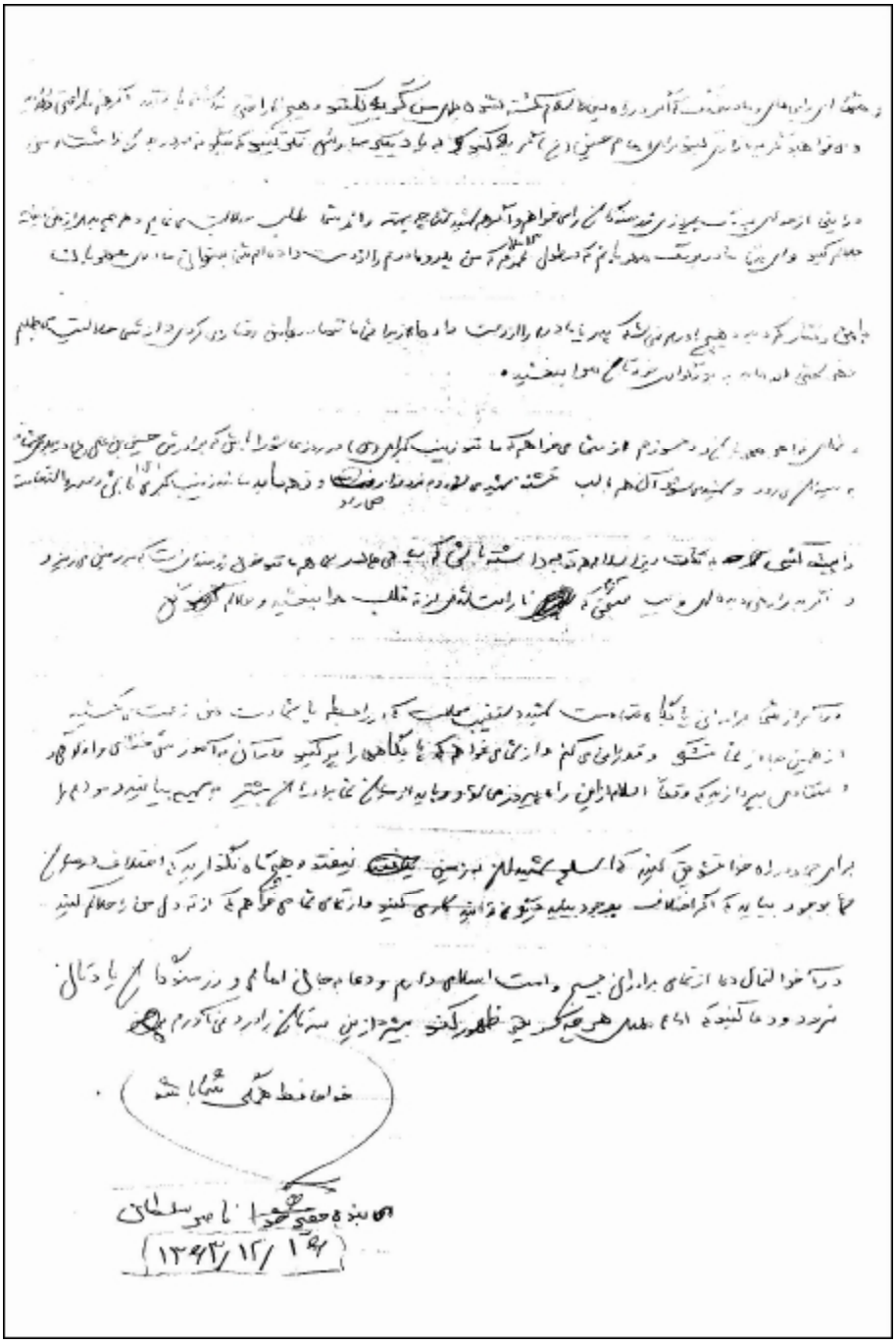
و اگر هم ندارید هیچ اشکالی ندارد و ای دایی اگر خمس آن پولها را ندادی اول خمسش را بده و بعداً از آنها استفاده کن. دیگر هیچ عرضی ندارم به جز سلامتی شما را از خداوند بزرگ خواستارم و در آخر در حدود 20000 ریال برای جبهه بفرستید.

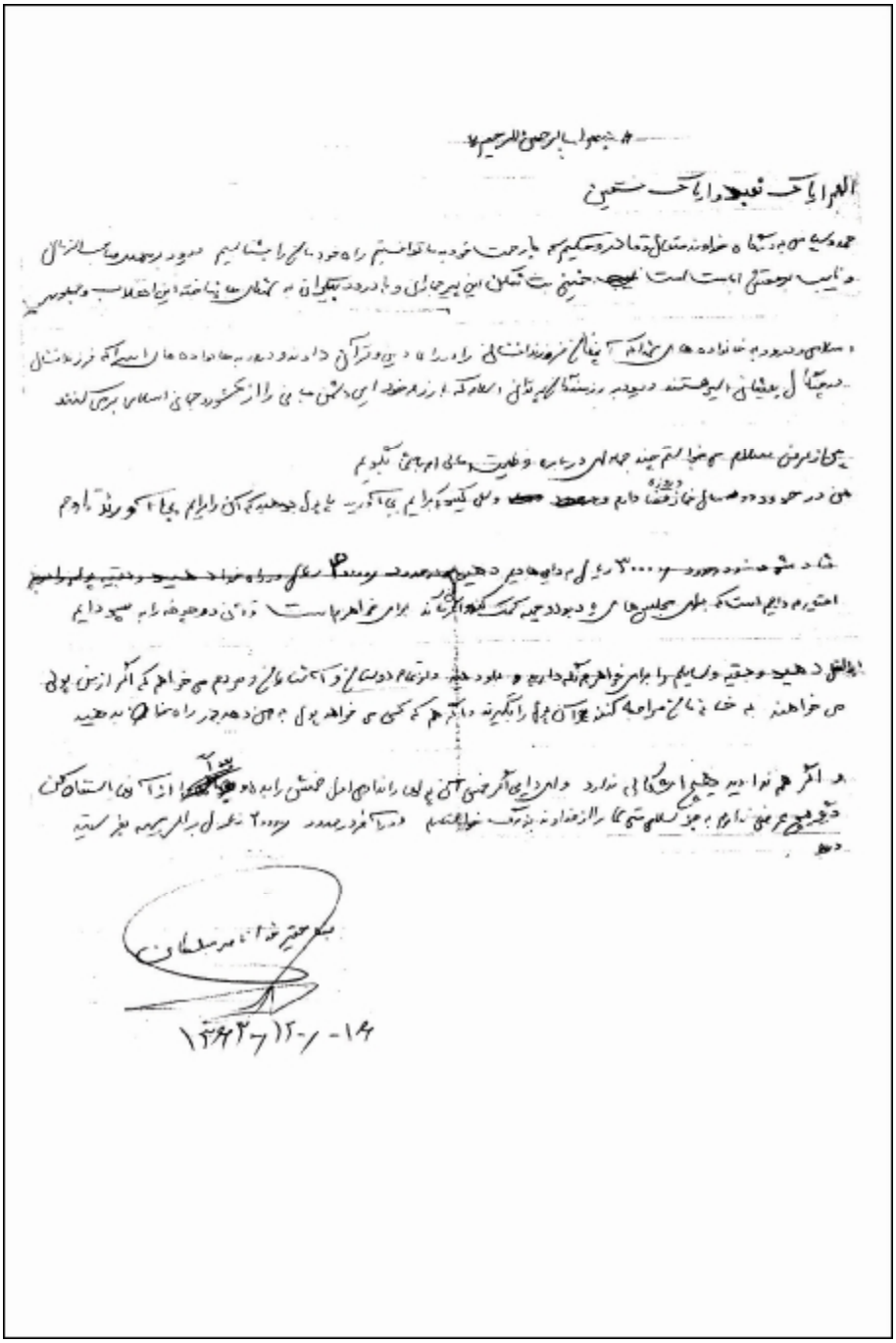
بنده حقیر خدا ناصر سلطان

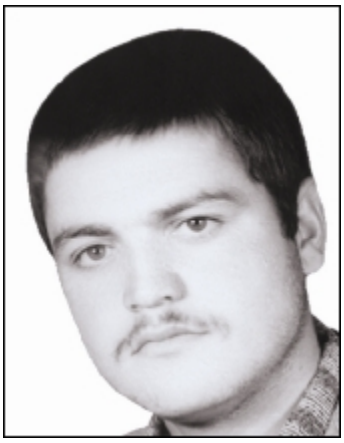
1363/12/16

1- در اصل وصیت «دایم».









نام: **محمد**
نام خانوادگی: **سلطان حسینی**
نام پدر: **ابراهیم**
نام مادر: **اقدس**
تاریخ تولد: **نوزدهم خرداد** 1339
محل تولد: **شهرستان سمنان**
تحصیلات: **پایان دورهٔ متوسطه**
ارگان اعزام‌کننده: **ارتش**
تاریخ شهادت: **بیست‌وهفتم مرداد** 1361
محل شهادت: **چلغران**
نحوهٔ شهادت: **اصابت ترکش (منافقین)**
مزار: **گلزار شهدای امامزاده یحیای زادگاهش**

عبارت‌های کلیدی

- شهادت یکی از عالیترین و والاترین درجات و مراتبی است که یک انسان مومن به خدا می‌تواند بدان دست یابد.
- شهادت انسان را از مرگ نجات می‌دهد.
- شهید با شهادتش تازه متولد می‌شود.
- عنصر شهادت توانسته در حساس‌ترین مواقع اسلام را از انزوا نجات دهد.
- شهادت قاموس انقلاب اسلامی معانی زیبا حرکت‌آفرین، روح‌بخش و پرشکوه خود را عرضه می‌کند.
- شهدا با زندگی و خون خود به اسلام خدمت کردند.

محمد سلطان‌حسینی

بسم‌الله الرحمن الرحیم

بسم رب الشهداء و الصدیقین

«والذین آمنوا بالله و رسله اولئک هم الصدیقون والشهداء عندربهم لهم اجرهم و نورهم...»[1]

«شهادت یکی از عالیترین و والاترین درجات و مراتبی است که یک انسان مؤمنی بـه خـدا می‌تواند بدان دست یابد».

در حیات انسانی انسان‌ها مراحلی وجود دارد که یک انسان پاک و بی‌آلایش آنها را طـی می‌کند تا خود را در مسیر تکامل به پیش برد و وقتـی بـه آن درجـه‌ای از عظمـت انـسانی رسید که در انتهای این مسیر یعنی در اوج کمال قرار گرفت شهادت به استقبالش می‌آیـد و بدینوسیله در جوار رحمت و رزق همیشگی خداوند قرار می‌گیرد.

شهادت انسان را از مرگ نجات می‌دهد چرا که شهید با شهادتش تازه متولد می‌شـود. و به «**احیاء عندربهم یرزقون**»[2] می‌رسد.

به‌راستی شهادت رهیدن از خسران و زیان و نجات از عذاب همیشگی و رسیدن به فوز عظیم و سعادت جاویدان است.

شهادت نه تنها در حیات فردی یک انسان، قلهٔ رفیع سعادت معنوی این اسـت بلکـه در حیات اجتماعی انسانها نیز از چنان آثـار والایـی[3] برخـوردار اسـت کـه تجربـه نـشان داده می‌تواند دگرگونی‌های عمده‌ای را حاصل آورد.

تاریخ پرافتخار چهارده قرن مبارزات خدایی[4] اسلام، نشانگر این واقعیت است که عنصر شهادت توانسته در حساسترین مواقع اسلام اصیل را از انزوا نجات دهد و یا آنرا از سـقوط برهاند. هر چند که این دین الهی را قدرتی چون قدرت خداوند نگهبـان اسـت امـا قـدرت خداوند به صور مختلف و در وسائل گوناگون تجلی می‌نماید که از جملـه، ایجـاد روحیـه

1- حدید/ 19.

2- جزیی از آل عمران/ 169.

3- در اصل وصیت «والائی».

4- در اصل وصیت «خدائی».

شهادت طلبی در انسان‌های مسلمان و به جریان انداختن خون پاکشان در اندام ساکت و بی‌حرکت جامعه و به جوشش واداشتن آحاد امت و نگاهبانی از اسلام عزیز می‌باشد.

امروز دیگر بر همگان روشن است که شهادت در قاموس انقلاب اسلامی، معانی زیبا، حرکت آفرین، روحبخش و پرشکوه خود را عرضه می‌کند و هر قطره خونی که از یک شهید بر زمین ریخته است، چنان روحی در جامعه ایجاد کرده و حوادثی آفریده که می‌رود تا بزرگترین قدرت سیاسی موجود در قرن بیستم را به زانو درآورد.

پاسداری و جانبداری از عظمت و قداست آثار شهادت که ما را وامی‌دارد تا از شهیدانمان به بزرگی یاد کنیم و یاد و نام آنها را همیشه زنده نگه‌داریم و برای آنها یادنامه بپردازیم تا یاد همیشگی آنها، راه جاودانشان را روشنتر گرداند، و البته همه اینها در کنار پیمودن راه آنها بسی ناچیز است.

بدینوسیله توفیق یافته‌ایم یادی از دو برادر شهیدمان محمد و علی محمد سلطان حسینی بنماییم.[1] امید است به همان اندازه که این شهدا با زندگی و خون خود به اسلام خدمت کردند، امت زنده و بیدار نیز توفیق پاسداری از خونشان را بیابند.

1- در اصل وصیت «بنمائیم».

بسم رب الشهداء والصدیقین

والذین آمنوا باللّه ورسله اولئک هم الصدیقون والشهداء عند ربهم لهم اجرهم ونورهم ـــ سوره حدید آیه ۱۹

شهادت یکی از عالیترین و والاترین درجات و مراتبی است که یک انسان مؤمن به خدا می تواند بدان دست یابد.

در حیات انسانها راههای و جود دارد که یک انسان پاک و بی آلایش آنها را طی می کند تا خود را در مسیر تکامل به پیش برد و وقتی به آن درجه ای از عظمت انسانی رسید که در انتهای این مسیر یعنی در اوج کمال قرار گرفته شهادت به استقبالش می آید و به سوی او سبقت در جوار رحمت و رزق عمیق خداوند قرار می گیرد.

شهادت انسان را از مرگ نجات می دهد چرا که شهید با شهادتش تازه متولد می شود و به احیاء عند ربهم یرزقون می رسد.

برای شهادت رهیدن از خسران و زیان و نجات از عذاب همیشگی و رسیدن به فوز عظیم و سعادت جاویدان است.

شهادت نه تنها در حیات فردی یک انسان، قله رفیع سعادت معنوی است بلکه در حیات اجتماعی انسانها نیز از چنان آثار و الائی برخوردار است که تجربه نشان داده می تواند دگرگونیهای عمده ای را حاصل آورد.

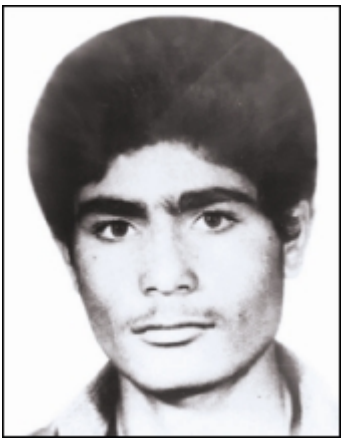
تاریخ پر افتخار چهارده قرن مبارزات خدائی اسلام، شاهد این واقعیت است که عنصر شهادت توانسته در حساسترین مواقع اسلام اصیل را از نو از نجات دهد و یا آنرا از سقوط باز دارد. هر چند که این دین الهی را قدرتی جز قدرت خداوند نگهبان است اما قدرت خداوند بصور مختلف و در وسائل

گویا اکنون بطلی می نماید که از جمله، ایجاد روحیه شهادت طلبی در انسانهای مسلمان و برپا انداختن خون پاکشان در اندام سالکین طریق جانفشانی و جوشش و اداشتن آحاد امت و نگاهبانی از اسلام عزیز می باشد.

امروز بیش از همگان روشن است که شهادت در قاموس انقلاب اسلامی، معانی زیبا، حرکت آفرین، روحبخش و پرشکوه خود را عرضه می کند و هر قطره خونی که از یک شهید بر زمین ریخته می شود، چنان روحی در جامعه ایجاد کرده و حوادثی آفریده که می رود تا بزرگترین قدرت سیاسی موجود در قرن بیستم را از پا در آورد.

پاسداری و جانبازی از عظمت و قداست آثار شهادت که ما را وامی دارد تا از شهدایمان به بزرگی یاد کنیم و یاد و نام آنها را همچنان زنده نگهداریم و برای آنها یادنامه بنویسیم تا یاد همگی آنها همراه جاودانشان را روشنتر گرداند، والبته همه اینها در کنار پیمودن راه آنها بسی ناچیز است.

بدینوسیله توفیق یافته ام یادی از دو برادر شهیدمان علی محمد و محمد سلطان حسینی بنمائیم. امید است به همان اندازه که این شهدا با زندگی و خون خود به اسلام خدمت کردند، امت زنده و بیدار نیز توفیق پاسداری از خونشان را بیابند.



نام: **محمد**
نام خانوادگی: **سلطانیان**
نام پدر: **علی**
نام مادر: **فرخنده**
تاریخ تولد: **پانزدهم مهر** 1342
محل تولد: **شهرستان مهدیشهر**
تحصیلات: **اول متوسطه**
ارگان اعزام‌کننده: **سپاه**
تاریخ شهادت: **بیست‌وسوم تیر** 1361
محل شهادت: **بصره عراق**
نحوهٔ شهادت: **اصابت ترکش**
مزار: **گلزار شهدای زادگاهش**

عبارت‌های کلیدی

- پدر و مادر، ما به کعبه صفا و عشق آمده‌ایم.
- ای پدر، بعد مرگ اسلحه‌ای که از دست من افتاد بردار.
- پدرم غیر از خط (امام حسین (**7**)) خط دیگری را انتخاب نکنید.
- ای پدر، غیر از خط امام شرک است.
- امام را از یاد نبرید.
- امام را دعا کنید.

محمد سلطانیان

بسم‌الله الرحمن الرحیم

«**ان الله اشتری من المومنین انفسهم و اموالهم بان لهم الجنة**»[1] «خداوند جان و مال مومنین را خریداری نموده و در عوض بهشت قرار داده است».

«جوانان داوطلبانه بروند و این مسئله جنگ را زود حل نمایند». (امام خمینی)

لبیک یا خمینی

پدر و مادر، ما به کعبه صفا و عشق آمده‌ایم اگر شهادت نصیب ما باشد، اگر جنازه من بدست شما نرسید ناراحت نباشید و دنبال جنازه من نباشید.

مادرم در عزای من گریه نکن که منافقین[2] خوشحال شوند. پدرم برایم گریه نکن زیرا امام حسین(**7**) روز عاشورا سر جوانان خود را به دامن گرفت و گریه نکرد، بلکه به خون خواهی جوان خود قیام کرد.

شما ای پدر بعد مرگ من اسلحه‌ای که از دست من افتاد را بردار و برای امام و کشور بجنگ تا قبر امام حسین(**7**) را آزاد نمایم.

پدرم و مادرم تمام دوستان و فامیلان گوش به حرف امام این حسین زمان بدهید و غیر خط او خط دیگری را انتخاب نکنید که غیر از خط امام شرک است.

برادران مسلمان (منافقین و مخالفان خط امام در تشییع جنازه من شرکت نکنند) حتی فامیل‌هایم اگر جنازه من بدست شما رسید، مرا در کنار برادر شهید مرادعلی معروفی دفن نمایید.[3]

امام را از یاد نبرید.

امام را دعا کنید.

«**السلام علیکم**[4] **یا انصار دین الله**»

1- توبه/ 111.

2- ر.ک. تعلیقات.

3- در اصل «نمائید».

4- در اصل وصیت «علیک».



بسم الله الرحمن الرحیم

ان الله اشتری من المومنین انفسهم و اموالهم بان لهم الجنه .
خداوند جان ومال مومنین را خریدار می شود و در عوض بهشت قرار داده است
جوانان راوطلبا فرمودند واین مسئله مجنگ را زود حل نمایند . (امام خمینی)

لبیک یا خمینی

پدر ومادر،شما به کعبه صفا وعشق آمدید ما اگر شهادت نصیب ما شد اگر جنازه من بدست
شما نرسید ناراحت نباشید ودنبال جنازه من نیائید .
مادرم در عزای من گریه نکن که منافقین خوشحال شوند . پدرم برایم گریه نکن زیرا امام
حسین (ع) روز عاشورا جوان خود را به دامن گرفت گریه نکرد بلکه به خون خواهی جوان خود
قیام کرد .
شما ای پدرم بعد مرگمن اسلحه‌ای که از دست من افتاد را بردار و برای امام وکشورم بجنگ
تا قبر امام حسین (ع) را آزاد نمائید .
پدرم ومادرم تمام دوستان و فامیلان گوش کنید حرف امام این حسین زمان بدهید و غیر خط
او خط دیگری را انتخاب نکنید که غیر از خط امام شرک است .
برادران مسلمان (منافقین و مخالفان خط امام در تشییع جنازه من شرکت نکنند حتی فامیلها
اگر جنازه من بدست شما رسید مرا در کنار برادر شهیدم مراد علی معروفی دفن
نمائید . امام را از یاد نبرید . امام را دعا کنید .

اسلام علیک یا انصار دینالله





نام: **محمد**
نام خانوادگی: **سلطانیه**
نام پدر: **ذبیح‌الله**
نام مادر: **رقیه**
تاریخ تولد: **ششم بهمن** 1347
محل تولد: **شهرستان ورامین**
تحصیلات: **پایان دورهٔ راهنمایی**
ارگان اعزام‌کننده: **بسیج**
تاریخ شهادت: **یازدهم تیر** 1365
محل شهادت: **مهران**
نحوهٔ شهادت: **اصابت ترکش**
مزار: **گلزار شهدای فردوس رضـای شهرستان دامغان**

عبارت‌های کلیدی

- ای مردم اگر می‌خواهید شهدا از شما راضی باشند فقط از امام دم بزنید و سخن هیچکس را جز امام قبول نکنید.
- این جنگ صحنه امتحانی است برای همه مردم عالمان خصوصاً شیعیان جهان.
- راهی که امام می‌روند راه اولیاء و ائمه می‌باشد و راه ائمه هم جز صراط المستقیم نیست.
- ای مردم در صحنه حضور کامل داشته باشید و همه مشکلات را خودتان با مشورت حل کنید.
- درهر حال که هستید، امام و رزمندگان را دعا کنید.
- برادرانم، امیدوارم که در هر حال هستید درس را فراموش نکنید و سلاح به زمین افتاده شهدا را به وسیله علم خود بدوش بکشید.

محمد سلطانیه

بسم‌الله الرحمن الرحیم

«**و لاتقولوا لمن یقتل فی سبیل‌الله اموات بل احیاء ولکن لاتشعرون**»[1] «و کسانی را که در راه خدا کشته می‌شوند را مرده مپندارید بلکه آنان زنده‌اند لیکن شما شعور این را ندارید».

با سلام و درود بر یگانه پرچمدار جهان اسلام آقا امام زمان و با عرض سلام بر امام امت خمینی کبیر که با رهنمودهای خود طریق هدایت را برای ما می‌گشایند و ما را به‌سوی لقاء حق راهنمایی[2] می‌کنند و با درود بر ارواح پاک و مطهر همه شهدا اسلام خصوصاً آقا امام حسین(**7**) و همه شهدا گمنام و مفقود الاثر، اینان که با قطره قطره خون پاک خود، راه را برای عبور رزمندگان باز می‌کنند و اینان که مانند شمعی هستند در تاریکی‌ها برای من و امثال من.

خدایا! چگونه شکرت را بجا آورم در حالی که در مادیات غرق بودم و مرا از این دنیای فانی نجات دادی و به‌سوی خودت هدایت کردی.

الهی! هر لحظه که در جبهه هستم می‌فهمم که جای دیگر جز این دنیا هم هست، در حالی که در شهرها فقط کوچه را می‌بینم و خیابان را.

پروردگارا! نه شاکرم و نه صابر چرا که حتی لحظه‌ای هم نتوانستم شکرت را بجا آورم و لحظه‌ای هم نتوانستم در برابر کوچکترین نعمت‌هایت را که من بلا می‌دانستم، صبر کنم.

درد شهدا را فقط شهدا می‌دانند، برای اینکه شهدا را علاوه بر علما، شهدا می‌سازند از هر جا و از هر چیز بخواهم بنویسم مجبورم نیمه‌کاره تمام کنم چونکه نه دل می‌گوید و نه قلم می‌نویسد

ای مردم حزب‌الله پیام همه شهداء این است در لحظه‌های خداحافظی برای عملیات‌ها اول کلامی را که می‌شنویم این سخن زیباست که امام را تنها نگذارید... امام را دعا کنید... نکند که امام را تنها بگذارید و...

1- بقره/ 154. در اصل وصیت به آیه 159 سورهٔ بقره اشاره شده است.

2- در اصل وصیت «راهنمائی».

پس ای مردم اگر می‌خواهید شهداء از شما راضی باشند فقط از امام دم بزنید و سخن هیچکس را جز امام قبول نکنید چرا که راهی که امام می‌روند راه اولیاء و ائمه می‌باشد و راه ائمه هم جز صراط المستقیم نیست.

مسئله دیگر مسئله جنگ است. این جنگ بین ایران عراق نیست، این جنگ به گفته امام «جنگ بین اسلام و کفر است».[1] این جنگ صحنه امتحانی است برای همه مردم عالمان خصوصاً شیعیان جهان. مسلمانانی که از آفریقای فقیر چند سکه را به‌عنوان کمک به جنگ می‌فرستند، برنده هستند و از طرف دیگر کسانی که جز احتکار، گرانفروشی، بدحجابی و دیگر کارهای کاری را انجام نمی‌دهند بازندهٔ این امتحان هستند.

و ای مردم به‌سوی جبهه‌ها هجوم بیاورید و نماند کسی که به جبهه نیامده باشد که مثال بعد از عاشورا تکرار می‌شود که در هر گوشه و کنار کسی نشسته و با خود می‌گوید وای به من که چرا از امام حسین(**7**) دفاع نکردم.

دیگر اینکه ای مردم در صحنه حضور کامل داشته باشید و همه مشکلات را خودتان با مشورت حل کنید نگذارید و منتظر نباشید که کسی بیاید که گره از کار شما باز کند. در دعاها و نمازها و دیگر امور و برنامه‌ای اجتماعی شرکت کنید و واقعاً درد است که دعای کمیل با این عظمت با این مردم حزب الله با جمعیت کمی برگزار شود و به پایان برسد. سخنی هم با برادران بسیجی دارم: ای دوستان عزیز موقعیت را بسنجید این راهی را که شما انتخاب کردید، انتهایش جز شهادت نیست، اطراف خود را با شمع وجود خویش روشنی بدهید و از گروه‌گرایی[2] و دودسته‌گی‌ها دوری کنید شما نمایندگان اسلام هستید که در همه جا باید شرکت داشته باشید. در ضمن ارزش و مقام خود را بدانید تنها شما هستید که حامیان انقلابید مقامی را که شما دارید کمتر پیدا می‌شوند که داشته باشند به قول آیت‌الله اردبیلی خداوند در آسمان ملائکه را دارد و در زمین بسیجی‌ها را. سخنانی هم با خانواده خود دارم؛ اول اینکه پدر و مادر عزیز و گرامی‌ام امیدوارم که مرا به بزرگی خود حلال کنید و از اینکه طی این مدت پر معصیت عمر خود به شما اذیت و آزار رساندم و نتوانستم که این اذیت‌ها را جبران کنم معذرت می‌خواهم.

1- امام خمینی: «امروز جنگ بین اسلام و کفر است» (تبیان، دفتر 24، ص70، جنگ و دفاع در اندیشه امام».

2- در اصل وصیت «گروهگرائی».

و نیز از خواهرم هم معذرت می‌خواهم که نتوانستم حق برادری را بجا آورم و ارزش‌هایی[1] را که خواهر برای برادر دارد را نتوانستم درک کنم خوب به هر حال می‌بخشید وامیدوارم که درهر حال که هستید، امام و رزمندگان را دعا کنید و با حجاب خود مشتی محکم بر دهان همه یاوه گویان بکوبید.

و نیز برادرانم، امیدوارم که شما هم مرا حلال کنید و اگر در این مدت زندگی بر اثر ندانم کاری‌های بنده اختلاف نظری پیش آمد، می‌بخشید و امیدوارم که در هر حال هستید درس را فراموش نکنید و سلاح به زمین افتاده شهدا را به وسیله علم خود بدوش بکشید.

به هر حال ای خانواده عزیزم: از همگی شما می‌خواهم که مرا حلال کنید و اگر خداوند توفیق داد و شهید شدم صبر کنید صبری که شایسته شما باشد «**فاصبر صبراً جمیلا**»[2]

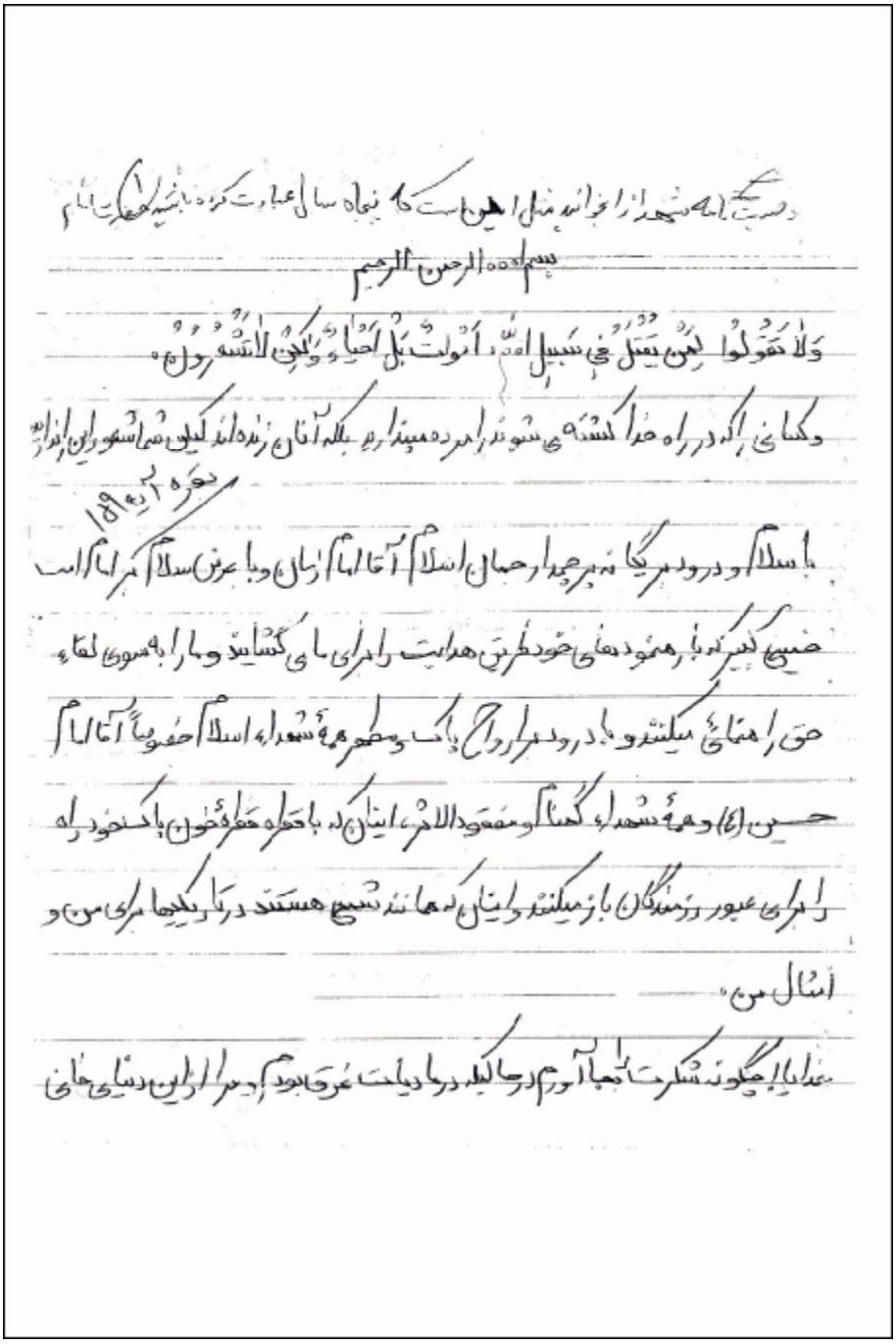
در آخر از شما می‌خواهم که از همه برایم حلالیت بگیرید و اگر شهید شهدم هر جا که مادرم گفت دفنم کنید و سعی کنید که در حسین رضا باشد و برایم مدت 50 روز نماز قضا بخوانید و 20 روز آن را شکسته بخوانید و مدت 2 ماه هم روزه دارم که برنامه آن را مشخص کنید و کفاره آنرا بدهید و مبلغ 500 تومان هم جهت رد مظالم بپردازید و 350 تومان هم به برادر خلیلی بپردازید و اگر می‌شود 2 ختم قرآن هم برایم بگیرید و در مراسم ختم و غیره اسراف نکنید و هر مجلسی می‌گیرید به‌عنوان شهدای گمنام باشد.

من‌الله التوفیق

65/4/7

1- در اصل وصیت «ارزش‌هائی».

2- معارج/ 5. «صبر داشته باشید. صبری جمیل».



وصیت نامه شهید را خوانده مثل اینست که ۱۰ ماه سال عبادت کرده باشید لحظات امام

بسم الله الرحمن الرحیم

وَلَا تَقُولُوا لِمَنْ يُقْتَلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتٌ بَلْ أَحْيَاءٌ وَلَكِنْ لَا تَشْعُرُونَ.

وکسانی را که در راه خدا کشته می شوند را مرده مپندارید بلکه آنان زنده اند لیکن شما نمی فهمید این آیه

با سلام و درود بر یگانه منجی جهان اسلام آقا امام زمان و با عرض سلام بر نایب بر حق امام خمینی کبیر که با رهنمودهای خود طریق هدایت را برای ما می گشایند و ما را به سوی لقاء حق راهنمائی میکنند و با درود بر ارواح پاک و مطهر همه شهداء اسلام خصوصاً آقا امام حسین (ع) و همه شهداء کربلا و مفقود الاثر، اینان که با هر قطره خون پاک خود راه را برای عبور و زندگان باز میکنند و اینان که همانند شمع هستند در تاریکیها برای من و امثال من.

خدایا چگونه شکرت بجا آورم در حالیکه در مادیات عمر خود هیچ ندیدم از این دنیای فانی

(۲)

نجات دادی و به سوی خودت هدایت کردی.

الهی! هر لحظه که در جبهه هستم می فهمم که جای دیگری جز این دنیا هم هست

در حالیکه در شهرها فقط کوچه ای می بینم و خیابان را.

پروردگارا! نه شاکرم و نه صابر چرا که حتی لحظه ای هم نتوانستم شکرت را بجا

آورم و لحظه ای هم نتوانستم در برابر کوچکترین نعمت هایت و کمترین بلایی که داشتم

صبر کنم.

درد شهدا را فقط شهدا میدانند. برای اینکه شهدا را اعلام و هر علمای شهدا

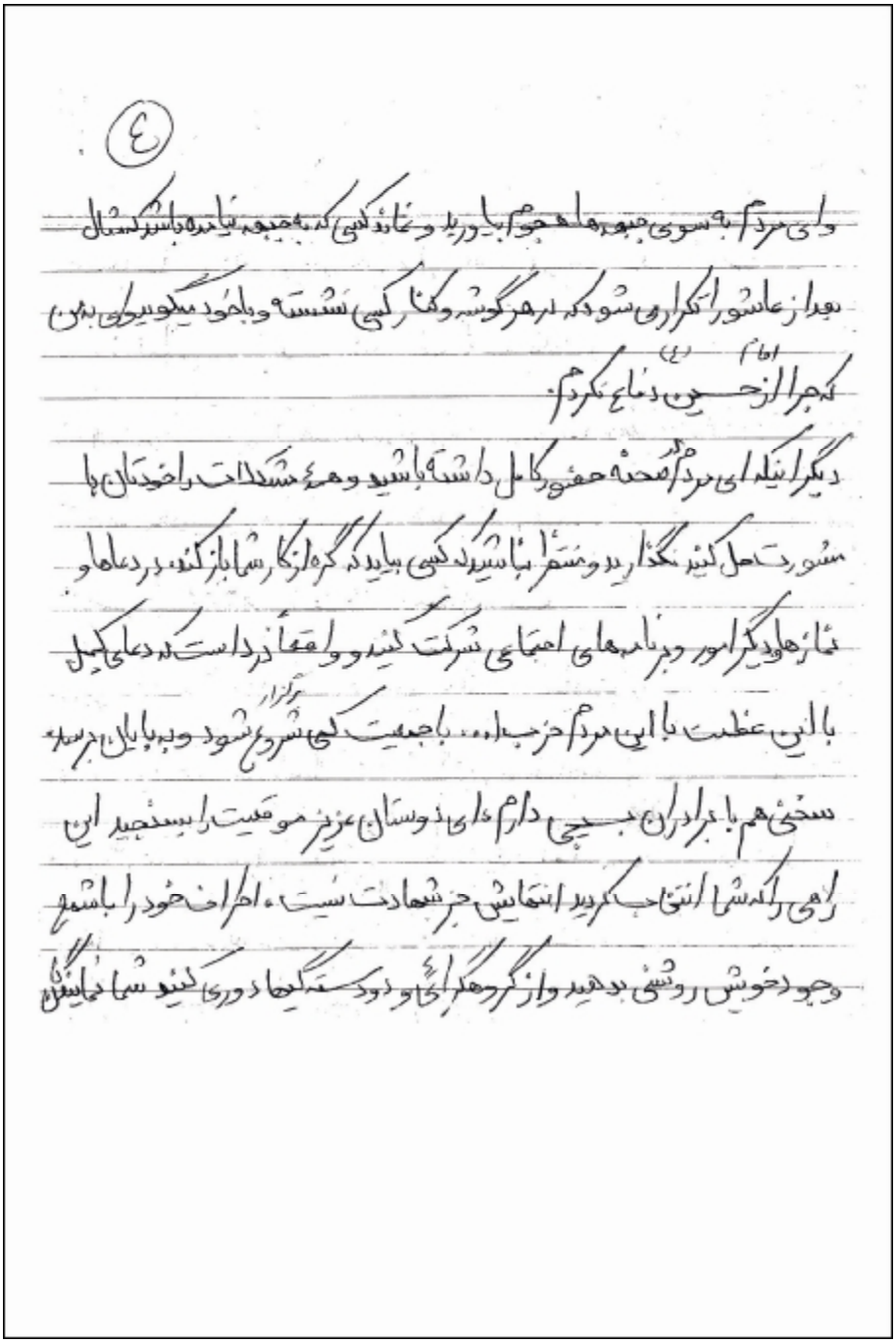
می سازند. از هر جا دارد هر چیزی که بخواهم بنویسم مجبورم نیمه کاره تمام کنم چونکه نه دل می گوید

و نه قلم می نویسد.

ای مردم عرب!... پیام همه شهدا این است که در لحظه های حساس فقط برای

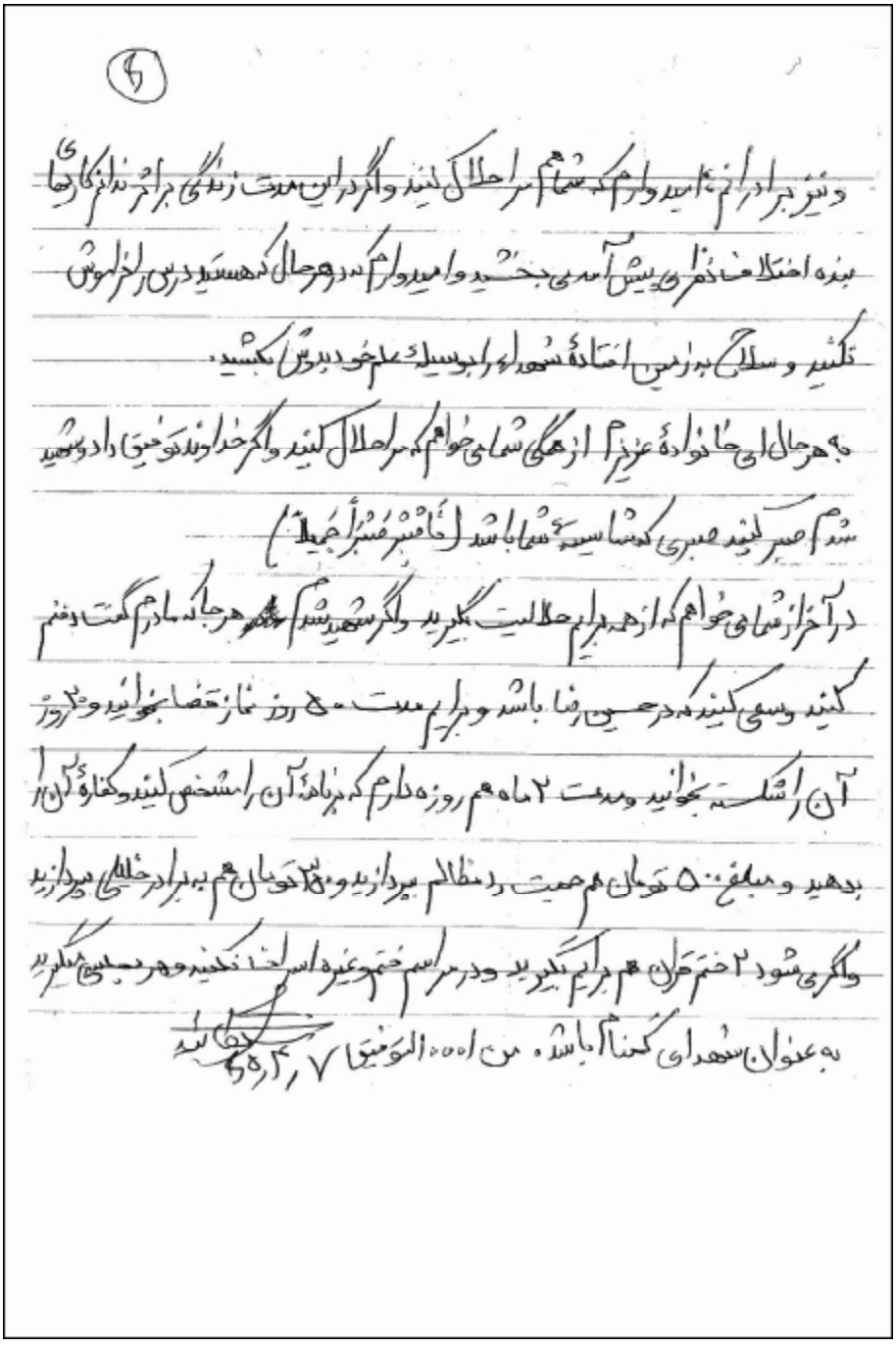
(۳)

عملیاتها اول کمانی را کشی شنویم این سخن زیباست که امام را تنها نگذارید
... امام را دعا کنید... نگذارید امام را تنها بگذارید و...
پس ای مردم اگر می خواهید شعارهایتان باشد فقط از امام دم بزنید و
سخن هیچکس را جز امام قبول نکنید چرا که راهی که امام میرود راه اولیاء و ائمه
میباشد و راه انها هم جز صراط المستقیم نیست.
مسئله دیگر مسئله جنگ است. این جنگ بین ایران و عراق نیست، این جنگ
به گفته امام جنگ بین اسلام و کفر است. این جنگ صحنه ای است برای همه
مردم عالم خصوصا شیعیان جهان. ما تا نیکه از آمریکای خبیث چند سکه را به عنوان کمک
به جنگ می فرستند بزنده هستند و از طرف دیگر کسانیکه جز احکار و گرانفروشی و بدحجابی و دیگر
کارها کاری را انجام نمی دهند بازنده این امتحان هستند



(۱)

السلام هستید که در همه جا شرکت داشته باشید در فعل تا آرزش دعا خود را بدانید
تنها شما هستید که حامیان انقلاب مقامی را که شما دارید کمتر کسی دارا می‌شود که داشته
باشد به قول آیه‌ها درود بی‌حد خداوند در آسمان ملائکه را دارد و در زمین بسیجیان راه
صحبتی هم با خانواده خود دارم: اول اینکه پدر و مادر عزیز و گرامی امیدوارم که سربلندی
خود حلال کنید و از اینکه طی این مدت بر معصیت عمر خود بیشتر اذیت و آزار رسانم
و نتوانستم که این اذیت را جبران کنم معذرت می‌خواهم
و نیز از خواهرم هم معذرت می‌خواهم که نتوانستم حق برادری را بجا آورم و از شما که
که خواهر برای برادر دارد را نتوانستم درک کنم خوب نمی‌دانم چه بنویسم و امیدوارم که
در هر حال که هستید اما از رزمندگان را دعا کنید و با جناب خود عشق محکم بر دهان
همه یاد و گویان بکوبید





نام: **رجبعلی**
نام خانوادگی: **سلمانی**
نام پدر: **محمدحسن**
نام مادر: **فاطمه**
تاریخ تولد: **دوم آذر** 1340
محل تولد: **روستای دیزج از توابع شهرستان شاهرود**
تحصیلات: **پایان دورهٔ راهنمایی**
ارگان اعزام‌کننده: **بسیج**
تاریخ شهادت: **بیست‌ونهم اردیبهشت** 1365
محل شهادت: **مهران**
نحوهٔ شهادت: **اصابت گلوله**
مزار: **گلزار شهدای زادگاهش**

عبارت‌های کلیدی

- باید همه برای آخرت بار ببندید.
- باید آنگونه باشیم که خداوند متعال به مخلوق خود افتخار کند.
- امت حزب‌الله، راه الله فقط به ائمه اطهار ختم می‌شود.
- شما باید ادامه دهنده راه شهدا باشید.
- خواهرم زندگی خود را وقف اسلام کنید.
- ما برای این زاییده نشدیم که دنبال مال و ثروت برویم.
- هر که راه خدا را فراموش کند به راه شیطان می‌رود.

رجبعلی سلمانی

بسم‌الله الرحمن الرحیم

با درود فراوان به امام امت خمینی بت‌شکن چند جمله‌ای [از] این بنده حقیر به‌عنوان وصیت‌نامه به عرض می‌رسانم.

اشهدا ان لا اله الا الله و محمد رسول الله و علی ولی‌الله به وحدانیت خدا و خاتمیت حضرت محمد(6) و حقانیت مولای متقیان و یازده فرزند اطهرش و غیبت کبرای[1] حضرت مهدی(عج) و نیابت امام خمینی تا ظهور حضرت صاحب(عج) و حقانیت نظام جمهوری اسلامی در سرتاسر جهان و در انتظار فرج حجت(عج) هر کس که صدای این بنده حقیر را می‌شنود به او بگویم که دنیا دار فانی و همگی مهمان این دنیا هستیم و مدل اصلی جای دیگر است که باید زندگی را از نو شروع کنیم چرا باید زندگی در این دنیا را بگیریم و زندگی باقی را در آخرت فراموش کنیم چرا؟ و باید همه برای آخرت بار ببندید و به خدا بپیوندید و این زنجیرهای مادی را پاره کنید نکند که زن یا فرزند [...][2] باعث شود که راه اصلی را فراموش کنید و ما برای این زاییده[3] نشدیم که دنبال مال و ثروت برویم باید هدف اصلی را دنبال کنیم که از تمام موجودات و فرشته‌های هم حتی بالاتریم و باید آنگونه باشیم که خداوند متعال افتخار به این مخلوق خود کند و موفقیت جنگ است و خیلی حساس است و همگی ماها در معرض آزمایش هستیم و دو راه وجود دارد که یک راه راه الله و راه دیگر راه شیطان است. و هر که خدا را فراموش کند حتماً به راه شیطان می‌رود و امت حزب الله راه الله فقط به ائمه اطهار ختم می‌شود و در حال حاضر راهی جز راه امام خمینی نیست.[4] هر کس در این راه باشد رستگار است چونکه راه امام راه ائمه اطهار است و برادران حزب الله و بسیجیان عاشق الله بهترین موقعیت است این موقعیت را از دست ندهید و مردم حزب الله و شهیدپرور دیزج هر چه می‌توانید چه خودتان و چه فرزندانتان به پایگاه خدمت کنید و از پایگاه‌ها دور نشوید و همیشه رفتن در

1- در اصل وصیت «کبری».

2- خوانا نیست.

3- در اصل وصیت «زائیده».

4- در اصل وصیت «در حال راه حاضر جز راه امام خمینی نیست».

پایگاه‌ها و [...][1] در پایگاه‌ها یک عبادت است و هرچه توان دارید وقت خود را صرف پایگاه کنید.

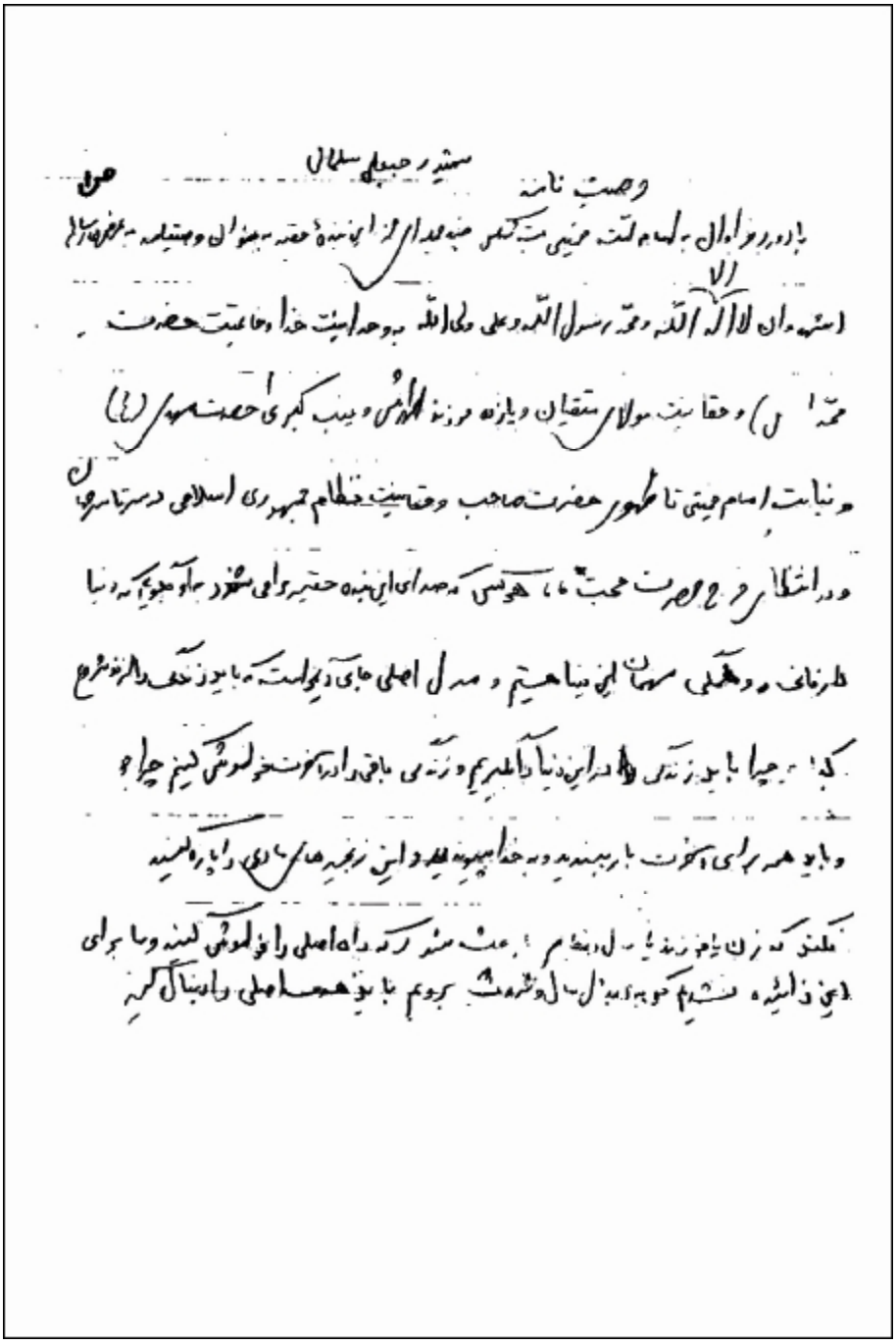
و سخنی با پدر و مادرم این فرزند همیشه در گناه خود را [ببخشید] من برای شما جز اذیت و آزار [نداشتم و نتوانستم] وظیفه خودم را به شما ادا کنم چون وظیفه مهمتری داشتم و آن وظیفه تکلیف الهی بود و برادرانم که نام مقدس شهدا برایم گذاشتند که من لایق آن نیستم و شما باید ادامه دهنده راه شهدا باشید و مایه افتخار برای اسلام و سربازی فداکار برای امام و اما خواهرم زندگی خود را وقف اسلام کنید و فرزندان خود را آنچنان تربیت کنید که فردای قیامت پیش فاطمه زهرا(**3**) روسفید باشد و از تمام قومان و خویشان می‌خواهم که در شهادت من همگی سربلند [باشید] و افتخار کنید که خدای نکرده گریه و زاری نکنید. و به یاد شهدای بزرگ اسلام باشید. و به دوستان و آشنایان و آنهایی که من را می‌شناسند مقلد امام باشید که او سخنی جز سخن حق نمی‌گوید و آخرین کلامم این است

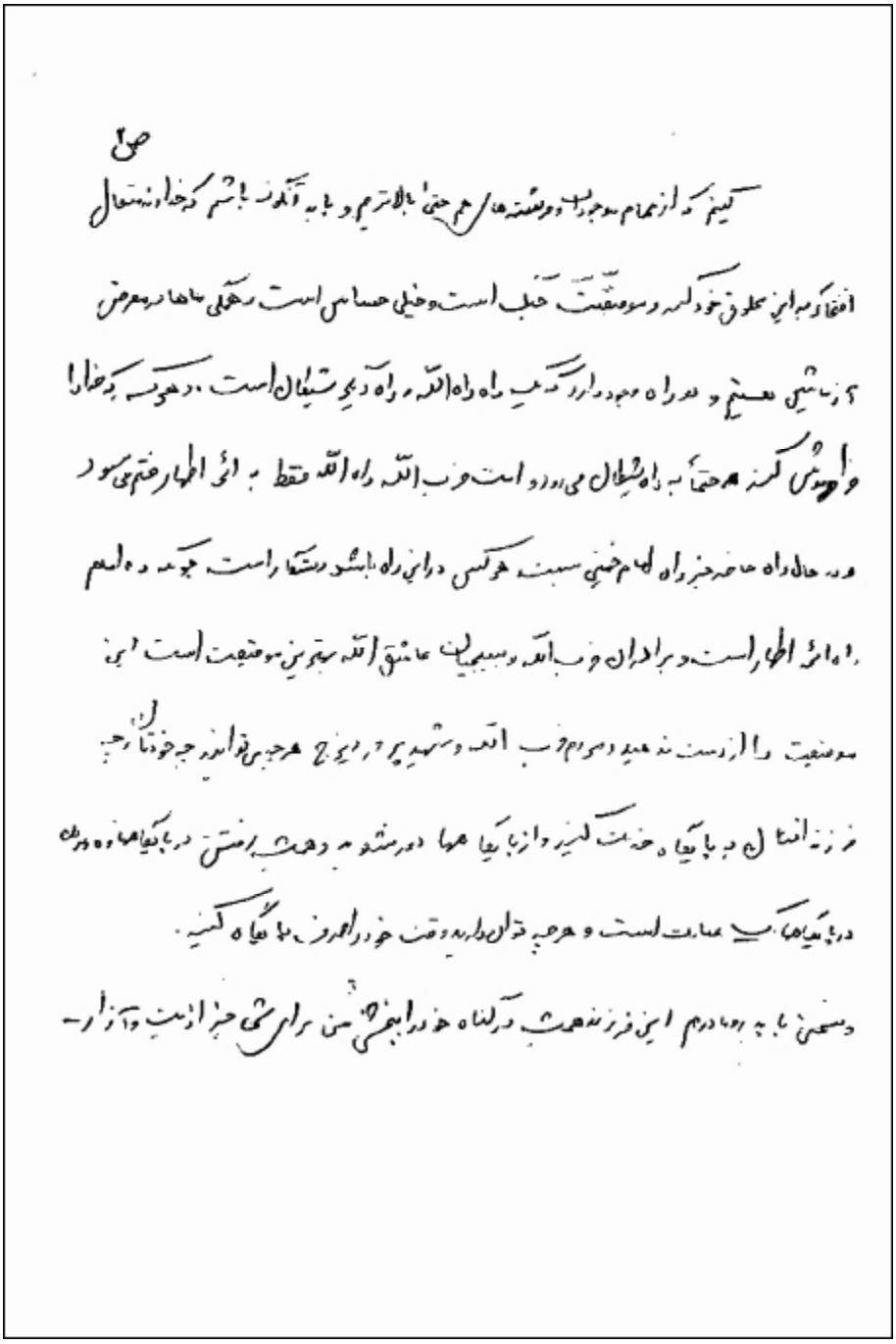
خدایا خدایات تا انقلاب مهدی خمینی را نگه‌دار

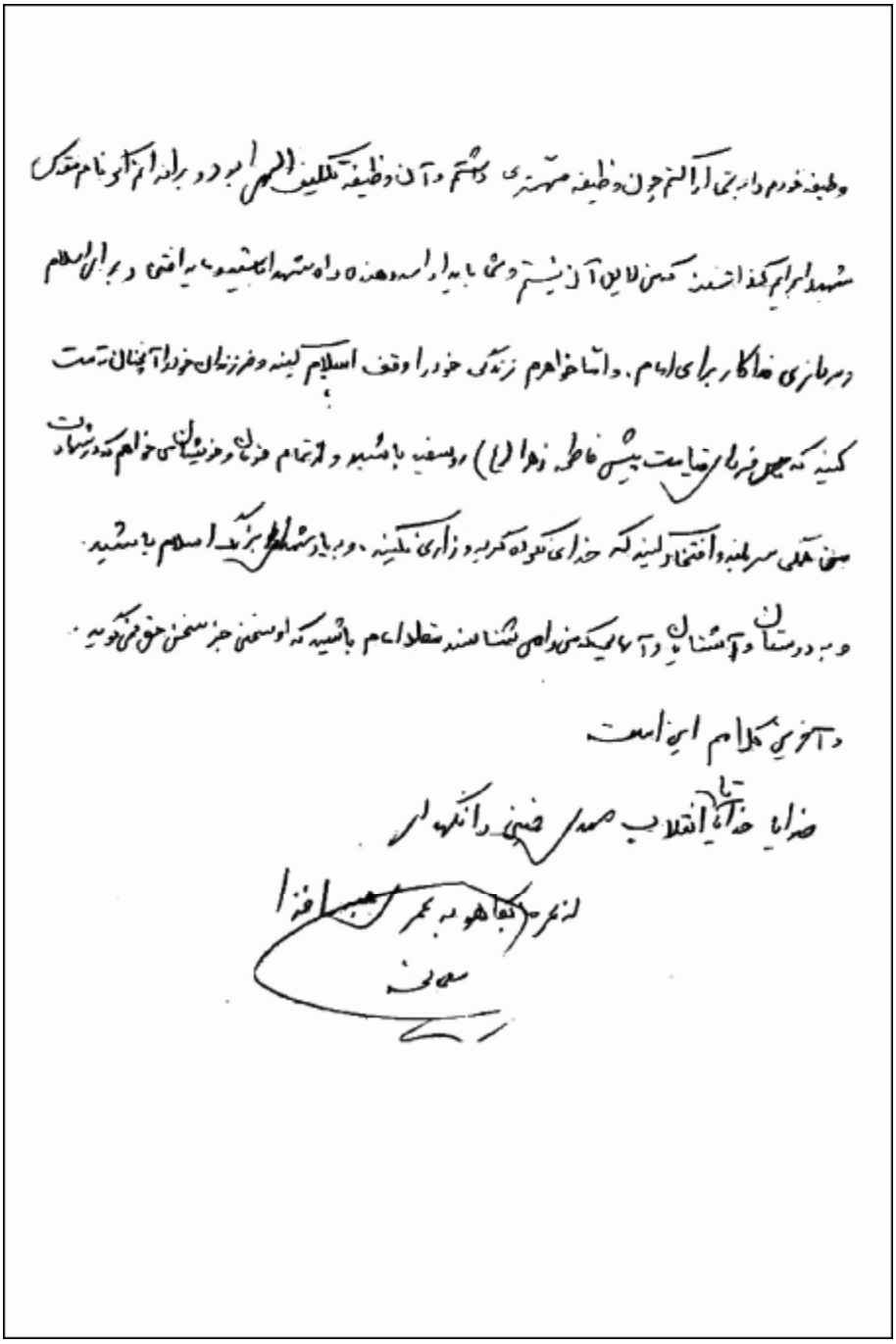
از عمر ما بکاه و و بر عمر رهبر افزا

رجبعلی سلمانی

1- خوانا نیست.









نام: **علیرضا**
نام خانوادگی: **سلمانی**
نام پدر: **غلامحسین**
نام مادر: **زلیخا**
تاریخ تولد: **چهاردهم آبان** 1347
محل تولد: **روستای فیروزآباد از توابع شهرستان شاهرود**
تحصیلات: **پایان دورهٔ ابتدایی**
ارگان اعزام‌کننده: **ارتش**
تاریخ شهادت: **سی‌ویکم تیر** 1367
محل شهادت: **قصر شیرین**
نحوهٔ شهادت: **اصابت گلوله**
مزار: **گلزار شهدای زادگاهش**

عبارت‌های کلیدی

- برای نگهبانی از خون شهدا و پیشبرد احکام الهی راهی جبهه‌های حق علیه باطل شدم.
- نمازهایتان را سروقت بخوانید.
- من در پاسخ به ندای «هل من ناصر» امام حسین(**7**) به جبهه آمدم.
- اسلام را کمک کنید.
- از رفتن به جبهه‌ها دریغ نکنید.
- اسلام برای زنده ماندن، احتیاج به خون دارد. مانند درختی که احتیاج به آب دارد.

علیرضا سلمانی

بسم‌الله الرحمن الرحیم[1]

ای پدر و مادر مهربان از شما ممنون و متشکرم که مرا بزرگ کردید و برای اسلام مرا هدیه نمودید پدرجان اگر برای شما فرزند خوبی نبودم ولی برای اسلام انشاء[الله] فرزندی خوب خواهم بود. ای مادرجان از شما می‌خواهم که در برابر این همه سختی‌ها و ناراحتی‌ها تحمل داشته[2] باشید، که مرا به این سن و سال رسانده‌اید ولی خوب چاره‌ای نیست، اسلام احتیاج به خون دارد، همان طور که یک درخت و یا نهال برای زنده ماندن احتیاج به آب دارد. اسلام هم [نیز] برای زنده‌ماندن احتیاج به خون زیاد دارد، ولی امیدوارم که هر وقت می‌خواستید گریه کنید، برای من گریه نکنید. برای ابا عبدالله الحسین و فرزندانش گریه کنید.[3] مادر جان تو مانند زینب کبری(**3**) استوار و محکم و پابرجا باشید و از شما می‌خواهم که خواهرم را مثل زینب تربیت کنید و پیامی که برای امت حزب‌الله دارم که اسلام را کمک کنید و از رفتن به جبهه دریغ[4] نکنید، چون همان طور که امام عزیز فرمودند: جبهه‌های ما دانشگاه است. و این مردم همیشه در صحنه فیروزآباد هر کسی که از من بدی یا ناراحتی دیده است مرا عفو و بخشش نماید چون در روز قیامت من نمی‌توام پاسخ‌گوی این همه بدیها باشم. به امید آنروزی که پرچم خونین اسلام به دست امام زمان(عج) در سراسر گیتی به اهتزار درآید! به امید آنروز انشاءالله محل دفن فیروزآباد سفلی.

«والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته»

نویسنده وصیت‌نامه علیرضا سلمانی

64/11/11 روز جمعه

و در پایان می‌گویم روزه 40 روز بدهکارم و نماز یکسال بدهکارم.

1- در بالای وصیت قید شده است: « آدرس: شاهرود، میامی، فیرزآباد سفلی، منزل غلامحسین سلیمانی، علیرضا سلیمانی».

2- در اصل وصیت «داشده».

3- در اصل وصیت «نماید».

4- در اصل وصیت «دریق».

[وصیت‌نامه‌ای دیگر]

بسم‌الله الرحمن الرحیم

با سلام و درود بر خاتم پیامبران حضرت محمد مصطفی(**6**) و سلام و درود بر امامان و سلام و درود بر امام امت فرمانده کل قوا و سلام بر امت شهیدپرور ایران بالاخص خانواده محترم شهدا. این حقیر سرتا پا تقصیر علی‌رضا سلمانی فرزند غلامحسین متولد 1347 در کمال صحت و سلامتی برای نگهبانی از خون شهدا و پیشبرد احکام الهی راهی جبهه‌های حق علیه باطل شدم تا بتوانم ذره‌ای بی‌مقدار انجام وظیفه نموده و تکلیفی که به گردنم محول شده انجام بدهم آمین یارب العالمین. پیام من به آنهائی که هنوز بعد از 6 سال که از عمر انقلاب اسلامیمان می‌گذرد و هنوز در خواب غفلت و بی‌خبری بسر می‌برند و هرگز فکر این را نمی‌کنند که روزی مرگ سراغ آنها هم خواهد آمد. این است که ای بی‌خبران «لایمکن الفرار من حکومتک»[1] تا هر جا که روید مرگ هم دنبال شما خواهد آمد. پس زهی سعادت که انسان مرگش را خودش انتخاب کند و مانند مولایش حسین(**7**) که از همه چیزش گذشت، یک بار هم که شده خودش را امتحان کند و ببیند آیا می‌تواند انسان باشد. سفارش دیگر من این است که نمازهایتان را سر وقت بخوانید و من هم چنین به جبهه آمدم که بگویم ای حسین(**7**) اگر ما در روز عاشورا در کربلا نبودیم که پاسخ‌گوی «هل من ناصر»[2] تو باشیم، اکنون آمده‌ایم که به ندای رهبر خویش که همان فریاد هل من ناصر تو را دارد لبیک گو باشیم.

64/10/4

علیرضا سلیمانی

1- فرازی از دعای کمیل. مفاتیح الجنان شیخ عباس قمی.

2- ر.ک. تعلیقات.

بسمه تعالی

وصیتنامه زندگان

این وصیت‌نامه‌ها انسان را می‌لرزاند و انسان را بیدار میکند.

(امام خمینی)

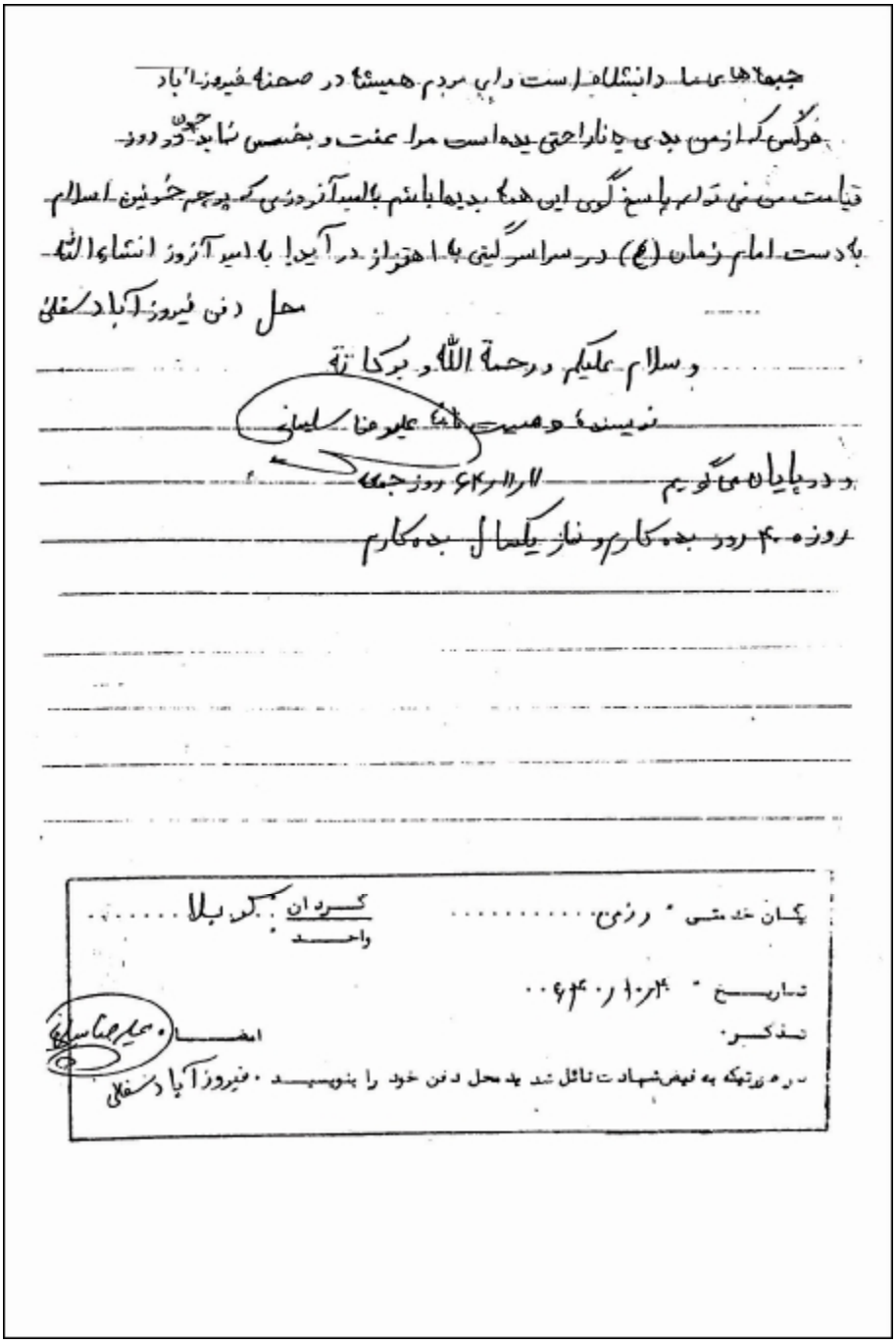
برادر ارجمند توصیه میشود نکات ذیل را در نوشتن وصیت نامه خود رعایت نمائید:

۱ـ مشخصات کامل: آدرس - شاهرود - میامی - فیروزآباد سفلی

۲ـ هدف از آمدن به جبهه: منزل آقا محسن سلیمانی - علیرضا سلیمانی

۳ـ [illegible]

ای پدر و مادر مهربانم از شما ممنون و متشکرم که مرا بزرگ کردید و برای اسلام هدیه نمودید پدر جان اگر برای شما فرزند خوبی نبودم ولی برای اسلام افتخار آفرینی خوبی خواهم بود ای مادر جان از شما می‌خواهم که در برابر این همه سختی‌ها و ناراحتی‌ها تحمل داشته باشید که برای این سن و سال زندگانی دنیوی خوب چاره‌ای نیست اسلام احتیاج به خون دارد همان طور که یک درخت برای زنده ماندن احتیاج به آب دارد اسلام هم نیز برای زنده ماندن احتیاج به خون زیاد دارد ولی امیدوارم که هر وقت می‌خواستید گریه کنید برای من گریه نکنید برای ابا عبدالله الحسین و فرزندانش گریه نمایید مادر جان تو مانند زینب کبری (س) استوار و محکم و پابرجا باشید و از شما می‌خواهم که خواهرم را مثل زینب تربیت کنید و پیامی که برای امت حزب‌الله دارم که اسلام را کمک کنید و از رفتن به جبهه دریغ نکنید چون همان طور که امام عزیز فرمودند



جبهه‌ها جای ما دانشگاه است و راه مردم همیشه در صحنه. فیروزآباد

هرکس کار من بدی یا ناراحتی دیده است مرا عفو و بخشش شاید چون روز

قیامت من نمی‌توانم پاسخگوی این همه بدیها باشم با امید آن روزی که پرچم خونین اسلام

به دست امام زمان (عج) در سراسر گیتی به اهتزاز در آید با امید آن روز انشاءالله

محل دفن فیروزآباد سفلی

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

نویسنده وصیت‌نامه علیرضا سلیمانی

و در پایان می‌گویم الا ولا غیر روز جمعه

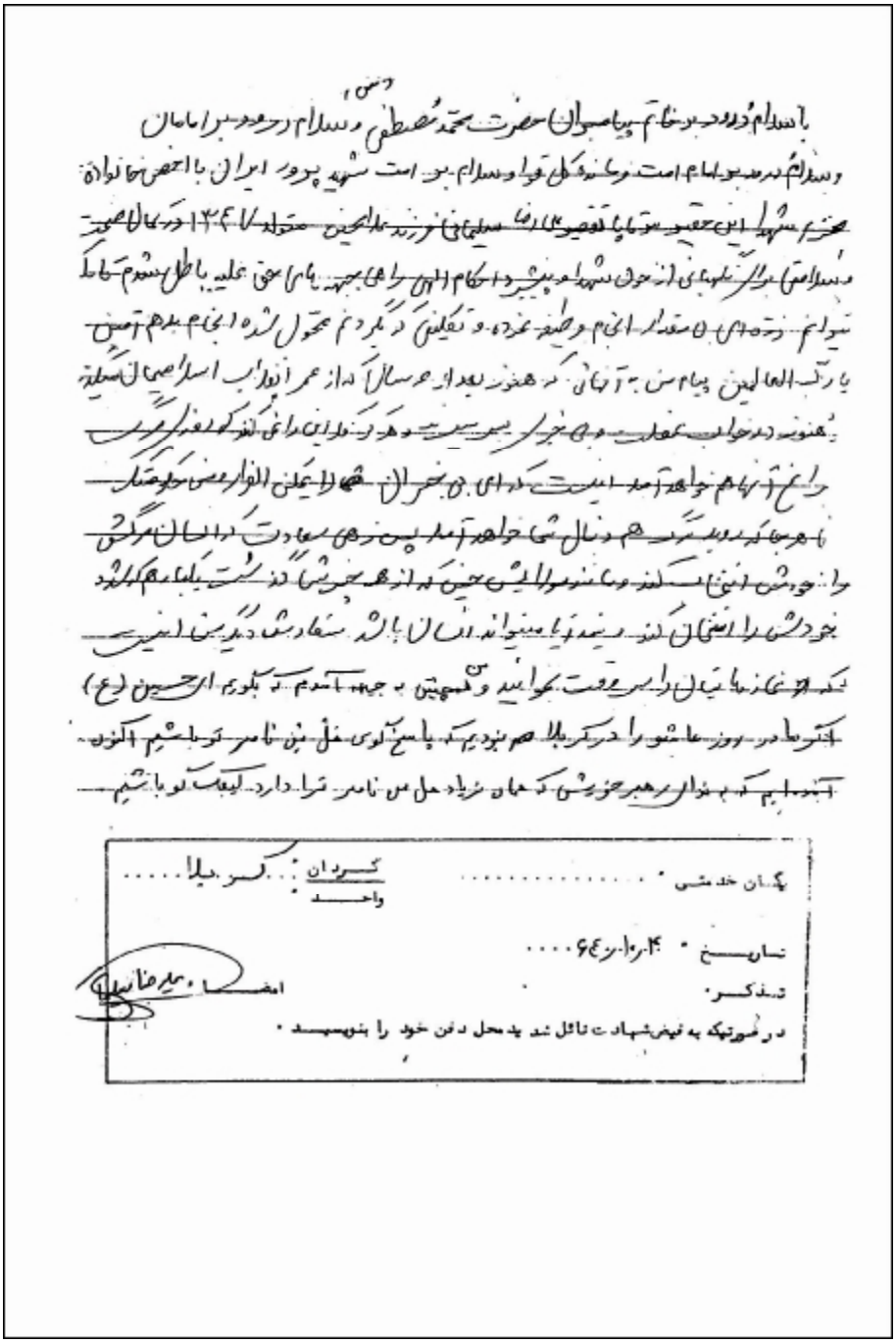
روزه ۴۰ روز بده کار و نماز یکسال بده کارم

پاسدار خدمتی ... رزمی ..... گردان کربلا ..... واحد

تاریخ ۶۴/۱۰/۲۰

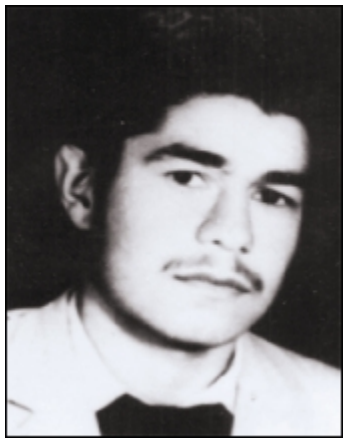
امضاء علیرضا سلیمانی

تذکر: در موقعی که به فیض شهادت نائل شدید محل دفن خود را بنویسید. فیروزآباد سفلی



بسم الله الرحمن الرحیم
السلام و درود بر خاتم پیامبران حضرت محمد مصطفی و سلام و رحمت بر امامان
و سلام بر مردم بر امام امت و کل قوا و سلام بر امت شهید پرور ایران با احترام خانواده
محترم شهید [illegible] سلیمانی فرزند علی حین متولد ۱۳۴۱ در کمال صحت
و سلامتی برای خدمتی از طرف شهید به جبهه و اجرای احکام الهی راهی جبهه یاری حق علیه باطل شدم تا ما
توانم وظایف و مقدار انجام وظیفه نمودم و تکلیفی در گردنم محول نشده انجام بدهم امین
رب العالمین پیام من به آنهایی که هنوز بعد از ۸ سال از عمر انقلاب اسلامی ایران سایه
شوم ترس و وحشت بر سر مردم بی پناه ایران گسترده اند که دیگر مردم
را از آنها هم خواهد آمد است که ای مردم ایران ها اعلان الوار می کنیم
ما هرجا که روید ترس هم دنبال شما خواهد آمد پس زهی سعادت که انسان مرگش
را خودش انتخاب کند و با شهادت این چنین به لقاء حق بشتابد هر کس باید
خودش را آماده کند و نمیداند آن پایان سفارش دیگر من اینست
که وصیتهایم را در سریعترین وقت بخوانید و عمل کنید و چه آمدم که بگویم از حسین (ع)
که تو در روز عاشورا در کربلا حضور نبودی که پاسخ گوی علی بن نامور تو باشیم اکنون
آمده ایم که با تو از رهبر خویش که همان فرزند علی من نامور ترا دارد. لبیک تو باشیم

نگهبان خدمتی ..... گردان ..... گروهان ..... کربلا .....
تاریخ ۱۴/۱۰/۶۴ ....
تذکر: امضاء سید رضا سلیمانی
در صورتیکه به قبض شهادت نائل شد به محل دفن خود را بنویسید.



نام: **حسین**
نام خانوادگی: **سلمانیان**
نام پدر: **غلامحسین**
نام مادر: **معصومه**
تاریخ تولد: **هفتم تیر** 1347
محل تولد: **شهرستان دامغان**
تحصیلات: **چهارم متوسطه**
ارگان اعزام‌کننده: **بسیج**
تاریخ شهادت: **بیست‌ودوم دی** 1365
محل شهادت: **شلمچه**
نحوهٔ شهادت: **اصابت ترکش**
مزار: **گلزار شهدای روستای فرات زادگاهش**

عبارت‌های کلیدی

- هدف از جبهه آمدن من برای خدا و دین اسلام و حفاظت از مملکت می‌باشد.
- برادران من نگذارید سنگرم خالی بماند.
- برای اسلام کار کنید.
- گوش به حرف امام عزیز باشید.
- ای خواهران حجاب خود را رعایت کنید.
- جبهه‌ها را خالی نگذارید.
- برای امام عزیز دعا کنید.
- مسجدها را خالی نگذارید.

حسین سلمانیان[1]

بسم‌الله الرحمن الرحیم

بسم رب الشهداء و الصدیقین

«الذین آمنوا و هاجروا و جاهدوا فی سبیل‌الله باموالهم و انفسهم اعظم درجة عندالله و اولئک هم الفائزون».[2]

با درود و سلام بر منجی عالم بشریت فرزند زهرا آقا امام زمان(عج) و نایب برحقش ستاره درخشان جماران فرمانده کل قوا امام خمینی و با درود و سلام بر شهیدان راه‌الله مخصوصاً شهیدان صدر اسلام و بالاخص شهید مظلوم سرور و سالار شهیدان (ابا عبدالله الحسین) و با درود و سلام بر شهیدان ایران.

اینجانب حسین سلمانیان فرزند استاد غلامحسین سلمانیان وصیت‌نامه خود را به‌نام الله شروع می‌کنم.

هدف از جبهه آمدن من برای خدا و دین اسلام و حفاظت از مملکت می‌باشد. و موقعی که امام حسین(**7**) ندای «هل من ناصر»[3] حسینی را سر داد و من نبودم اما خدای را سپاس و شکر می‌کنم که در چنین موقعی قرار گرفتم و من حالا برای اسلام و دین اسلام و قرآن پاسخ لبیک سر می‌دهم و آمادگی‌ام را اعلام کردم و به جبهه حق علیه باطل عازم شدم. [خدایا] این اعمال را به درگاهت قبول بگردان به حق قرآن. خطاب من نسبت به پدرم این است که ای پدر بزرگوارم قدردانی و تشکر می‌کنم از زحمات تو که برایم انجام دادی و تشکر می‌کنم از تو که مرا چنین تربیت نمودی ای پدرم اگر من نسبت به تو بدی کردم حلال کن مرا و تشکر می‌کنم از تو که به من اجازه رفتن به جبهه را دادی خداوند انشاءالله این قربانی را برای دین و قرآن بدرگاهش قبول نماید. و خطاب من نسبت به مادرم این است که ای مادرم خوشا به حالت که تو چنین فرزندی را شیر دادی و از تو هم ای مادرم قدردانی می‌کنم از کارهایی که در کودکی و در نوجوانی برایم انجام دادی

1- در بالای وصیت قید شده است: «زمان شهادت: 65/10/21 و مکان شهادت: شلمچه».

2- توبه/ 20.

3- ر.ک. تعلیقات.

مادرجان اگر نسبت به تو هم بدی کردم حلال کن مرا بدرگاه خداوند. پدر و مادرم اگر شهید شدم برایم گریه نکنید یادی از گلوی خونین سیدالشهداء(7) و اسیران اهل بیت او و برای مظلومیت انبیاء و اولیاء گریه کنید. مادرم این وصیتی بود برایت.

و اما ای برادران من علی‌اکبر، محمد، عباس این برادر شما که ندای «هل من ناصر» حسینی را پاسخ گفت اگر شهید شدم اولاً گریه نکنید و ثانیاً به راه دین و قرآن ادامه دهید و نگذارید سنگرم خالی بماند و اسلحه مرا[1] بدوش گیرید و شما هم لبیک گویید.

ای برادرم علی‌اکبر دوست دارم فردی حزب‌اللهی باشید. دوست دارم برای اسلام خدمت بسیار کنید. و مواظب اعمال خود باشید که خدا ناکرده عملی را انجام [ندهید] و اما برادرم محمد و عباس انشاءالله شهادت این برادرتان به درگاه خداوند مورد قبول باشد. و وصیت می‌کنم به شما که برای اسلام کار کنید و راهم را ادامه بدهید و گوش به حرف امام امت عزیز باشید ای برادرانم خوب فرزندانتان را تربیت کنید [همچون] زینب‌وار(3) و حسین‌وار(7).

[خطابم] به خواهران گرامی این است که ای خواهران عزیز اولاً حجابتان را رعایت کنید وگرنه من راضی نیستم و ثانیاً فرزندانتان را خوب تربیت کنید. و از همه مهمتر حجابت که توصیه کردم و گوش به حرف شوهران خود باشید و کار[ی] نکنید که پدر و مادر و [شوهرانتان] از دست شما ناراضی باشند و ای خواهران گریه برایم نکنید هرچه می‌توانید گریه نکنید اما یادی از اباعبدالله و زینب(3) خواهر سیدالشهداء کنید ببینید چطور زینب(3) برای برادر خود حسین(7) گریه [کرد] شما هم مطیع حضرت زینب(3) باشید.

و اما ای ملت ایران. این جبهه را خالی نگذارید و گوش به حرف امام باشید و برای امام عزیز دعا کنید. و برای اسلام کار کنید و ریشه بی‌حجابی و کارهای زشت را بزنید و مسجدها را خالی نگذارید.[2]

ای برادران، حزب‌اللهی باشید. و جبهه‌ها را پرکنید. گوش به حرف امام باشید. ای خواهران ایرانی حجابتان را رعایت کنید و اسلام را پرورش دهید. ای ملت ایران و ای رفقا

1- در اصل وصیت «را».

2- عبارت مسجدها را خالی نگذارید از امام خمینی است. (صحیفه امام خمینی، دوره 22 جلدی).

و دوستان من خطابی که به ملت ایران کردم به شما هم می‌کنم دوست دارم به اسلام وفادار باشید.

«والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته»

21 **رمضان** 1360

حسین سلمانیان 65/3/10

ما اگر شهید بشویم، قید و بند دنیا را از روح برداشتیم و به ملکوت اعلی و به جوار حق‌تعالی رسیدیم.«امام خمینی»

بسم رب الشهداء والصدیقین

الذین آمنوا وهاجروا وجاهدوا فی سبیل الله باموالهم وانفسهم اعظم درجه عند الله وانهم لهم الفائزون.

یاد رود وسلام پیرمنجی عالم بذریت فرزند زهرا، آقا امام زمان (عج) وناییب برحقش نایب دوم خمینی عزیز و خشان جماران نماند مثل قوا امام خمینی وباد رود وسلام برشهیدان راه الله بخصوص " شهیدان مدرسه اسلام وبالاخص شهید مظلوم سرورسالار شهیدان (ابا عبدالله الحسین) وباد رود وسلام برشهیدان ایران

اینجانب حسین سلمانیان فرزند ابتدائی غلامحسن سلمانیان وصیتنامه رابنام الله شروع میکنم.

هدف ازجبهه آمدن من برای خدا ودین واسلام وحفاظت ازسلکه مسیاشد. وموقعیکه امام حسین (ع) ندای هل من ناصراء حسین را سرداد ومن نیز گفتم آقا خدای آسمانها وشکرمیکنم که درچنین موقعی قرارگرفتم وسن حالا برای اسلام ودین اسلام وقرآن پاسخ لبیک خواهم داد وآمادگیرا اعلام کردم. وبه جبهه حق علیه باطل عازم شدم. خدای اینا صال رابد رگاهت قبول بگرداند بحق قرآن. خطاب بن نسبت به پدرم اینستکه ای پدر بزرگوارم قدردانی وتشکر میکنم اززحمات تو که برایم انجام دادی وتشکر میکنم ازتوکه را چنین تربیت خوبی ای پدرم اگرمن نسبت بعضی کردم حلال کن مرا وتشکرمیکنم ازاوکه بمن اجازه رفتن به جبهه را داد ای خداوند انشاء الله این قربانی رابرای دین وقرآن بدرگاهت قبول نماید. وخطاب بمن نسبت بمادرم اینستکه ای مادرم خودمیدانی که چنین فرزندی را شیردادی وازتوهم میخواهم قدردانی میکنم از زکارهایی که درکودکی ودرنوجوانی برایم انجام دادی مادرجان اگرنسبت بعضی بد یکرد چلال کنیم اید رگاه خداوند. پدرومادرم اگرشهید شد چرایم گریه نکنید یادی از گلوی خونین سید الشهداء (ع) وسیران اهل بیت او برای مظلومیت انبیاء واولیاء گریه کنید. مادرم این وصیتی بود برایت وامااینهاد ران من علی اکبر - محمد - عباس این برادر شما کمند ای حسین ناصر وآیا سخ گفت اگرشهید شدم اولا " گریه نکنید وثانیا " به راه دین وقرآن ادامه دهید ونگذارید سنگرم خالی بماند واسلحه رابد وش گیرید وشما هم لبیک گویید ای برادرم علی اکبرد وست دارم فردی حزب اللهی باشید. دوست دارم برای اسلام خدمت بسیار کنید. ومواظب اهال خود باشید کمخدای ناکرده علی انجام ندهی وامابرادرم محمد وعباس انشاء الله شهادت این راد رتان بهد رگاه خداوند مورد قبول باشد. ووصیت میکنم به شما کسانی اسلام کارکنید وراهم راد امه بد هید وکوشیجرف امام را بیشتر عزیز باشید ای برادرانم خوب فرزندانتان راتربیت کنید همچون زینب (س) وروحیه (س) واروخ آب به خواهران گرامی ابتسمکای خواهران عزیزاولا " حجابتان رارعایتکنید وگرتمن راضی نیستم وثانیا " فرزندانتان راخوب تربیت کنید. وازهمسرحجابیته که توصیه کرد پوگوش بحرف شوهران خود باشید وکارنکنید کمبد رومادر وشوهران خود ازدست شما ناراضی باشند وای خواهران گریه برایم نکنید هرچه میتوانید گریه نکنید امایادی از ابا عبدالله وزینب (س) خواهرسید الشهداء کنید ببینید چطورزینب (س) برای برادر خود حسین (ع) گریه شما همسنج حضرت زینب (س) باشید.

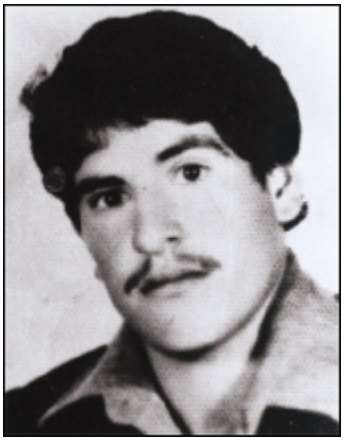
وما ای ملت ایران. این جبهه خالی نگذارید وگوش بحرف امام باشید برایتان نیز دعاکنید. وبرای اسلام پارسید وریشه بی حجابی وکارهای زشت را بزنید ومسجدها راخالی نگذارید. ای برادران حزب اللهی باشید. وجبهه ها را پرکنید گوش بحرف امام باشید ای خواهران ایرانی حجابتان را رعایت کنید. واسلام را پرورش دهید ای ملت ایران ای رفقا ودوستان من خطاب بکمیلتابران کردم به شما هم میگم دوستتان دارم بماسلامت باشید.

والسلام علیکم ورحمه الله وبرکاته ۲۱ رمضان ۱۴۰۶

حسین سلمانیان ۶۵/۳/۱۰

ما اگر شهید بشویم، قید و بند دنیا را از روح برداشتیم و به ملکوت اعلی و جوار حق تعالی رسیدیم.

« امام خمینی »



نام: **حجت‌الله**
نام خانوادگی: **سلیمانی**
نام پدر: **نوروزعلی**
نام مادر: **فاطمه**
تاریخ تولد: **یکم اردیبهشت** 1341
محل تولد: **روستای ابرسج از توابع شهرستان شاهرود**
تحصیلات: **سوم متوسطه**
ارگان اعزام‌کننده: **بسیج**
تاریخ شهادت: **دوم مرداد** 1361
محل شهادت: **شرق بصره**
نحوهٔ شهادت: **اصابت ترکش**
مزار: **گلزار شهدای زادگاهش**

عبارت‌های کلیدی

- تمام عمرم فدای یک لحظه عمر امام.
- سیدالشهدا حضرت امام حسین(**7**) که پرچمدار نهضت اسلامی است و به ما درس چگونه زیستن و چگونه مردن را آموخته است.
- کسی که جان خود را پاک نمود و رشد داد، از بندها و گرفتاری‌ها رست.
- آرزو دارم هرچه زودتر در جنگ حق علیه باطل پیروز شویم.
- آرزو دارم قدس عزیز از دست صهیونیست‌های غاصب آزاد گردد.
- یاد خدا یگانه عامل سازنده حیات و رشد معنوی انسان‌هاست.
- یاد خدا می‌تواند از طغیان و سرکشی هوس‌های افراطی جلوگیری کند.

حجت‌الله سلیمانی

بسم‌الله الرحمن الرحیم

«الذین آمنوا یقاتلون فی سبیل الله والذین کفروا یقاتلون فی سبیل‌الطاغوت فقاتلوا اولیاء الشیطان ان کید الشیطان کان ضعیفاً»[1]

«اهل ایمان در راه خدا و کافران در راه شیطان جهاد می‌کنند پس شما مومنان با دوستان شیطان نبرد کنید که مکر و سیاست شیطان بسیار سست و ضعیف است».

به‌نام خداوند شهیدان و در هم کوبنده ستمگران تنها ره سعادت ایمان، جهاد، شهادت. به‌نام او که همه چیزم اوست. به‌نام او که زندگی‌ام در جهت اوست. با عرض سلام به ساحت مقدس ولی عصر امام زمان(عج) روحی و ارواح‌العالمین له الفدا و درود بر منجی انسانیت، امام خمینی که تمام عمرم فدای یک لحظه عمر امام و سپاس خدای را که در زمان مردی از تبار هابیلیان[2] و از دودمان حسین(**7**) زندگی می‌کنم و از رهنمودهایش درس چگونه زیستن را آموخته‌ام، در جهت روز میلاد با سعادت سیدالشهداء حضرت امام حسین(**7**) که پرچمدار نهضت اسلامی است و به ما درس چگونه زیستن و چگونه مردن را آموخته است. با رهنمودهای امام امت خمینی بت‌شکن و احساس مسئولیت برای حفظ کیان اسلام و میهن اسلامی خویش این وصیت‌نامه را به رشته تحریر درمی‌آورم. انقلاب اسلامی ما با تمام موانع و مشکلاتی که جبهه باطل در راه آن ایجاد می‌کند، پیش می‌تازد و این انقلاب با تکیه بر ایدئولوژی اسلام و رهبری قاطع امام خمینی و با یاری مردم [پیش می‌رود] و آرزو دارم که هرچه زودتر پیروزی جنگ حق علیه باطل و آزادی قدس[3] عزیز از دست صهیونیست غاصب و پاره کردن زنجیرهای استعمار شرق و غرب و رسوا شدن منافقین[4] و ایادی آنها [و] نابودی گروهکهای منحرف و ریشه‌کن کردن فساد از جامعه اسلامی موفق و با یاد خدا یگانه عامل سازنده حیات و رشد معنوی انسان‌های با

1- نساء/ 76. در اصل وصیت «الذین آمنوا» ندارد و «کفرو، فقاتلو» آمده است.

2- ر.ک. تعلیقات.

3- ر.ک. تعلیقات.

4- ر.ک. تعلیقات.

ایمان متعهد و مسئول و تنها سد و نیرومندی[1] است که می‌تواند از طغیان و سرکشی هوس‌های افراطی جلوگیری کند. سوگند به جان و روان آدمی و آنچه آنرا بیاراید و پس بی‌پروایی[2] و پروا را به آن الهام نماید. بطور حتم کسی که جان خود را پاک نمود و رشد داد از بندها و گرفتاری‌ها رست.

و خدا [را گواهی می‌گیریم][3] که در برابر دشمن ثابت قدم و استوار و خدمتگزار جامعه اسلامی باشم و از خداوند یگانه آرزو می‌کنم [...][4] یقین و شهداء قرار دهند.

[...][5] و مادران قهرمانی که فرزندانتان را به دیارهای دور و جبهه‌های جنگ می‌فرستید، تا استقلال و آزادی ناس را در جمهوری اسلامی ایران به ثمر رسانید و به شما که صبورانه سیل تهمت و افتراء دوست و دشمن را به جان پذیرا می‌شوید، تا بدانجا که مزدوران سر سپرده شرق و غرب اسیرتان کرده بودند و شهیدتان می‌نمودند و به گروگانتان می‌گرفتند. همانطور که تا به حال مقاومت کردید، باز هم با اتحاد هرچه بیشتر و مقاومتر این تفاله‌های[6] گندیده [را] از روی زمین نیست و نابود کنید. انشاءالله

«والسلام علیکم و رحمت‌الله و برکاته»

حجت‌الله سلیمانی

1- در اصل وصیت «نیروی».

2- در اصل وصیت «بی‌پروائی».

3- در اصل وصیت افتادگ دارد. از سیاق کلام چنین برمی‌آید که واژه‌های افتاده باید «را گواهی می‌گیریم» باشد.

4- در اصل وصیت «ناخوانا».

5- در اصل وصیت «ناخوانا».

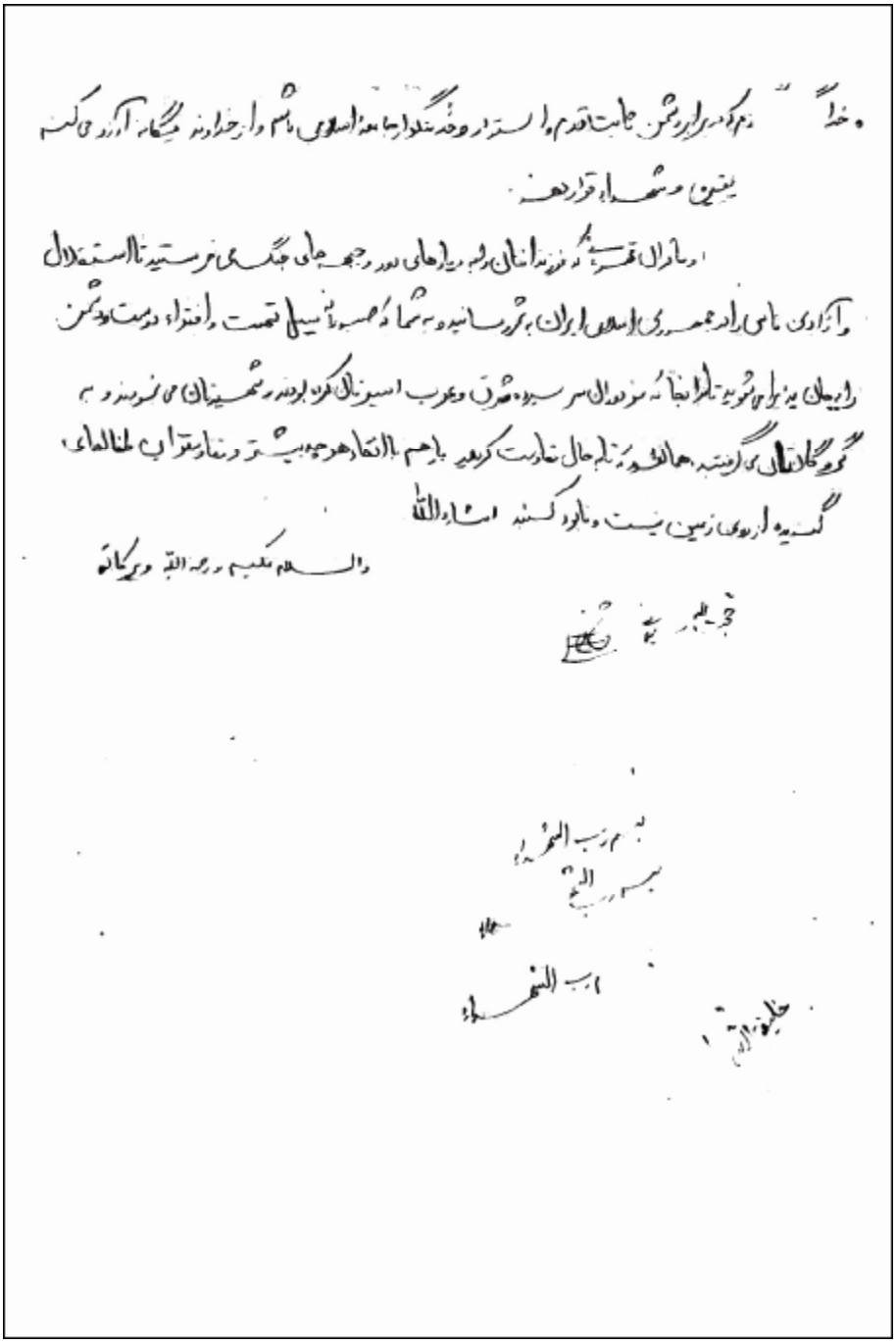
6- در اصل وصیت «طفاله‌های».

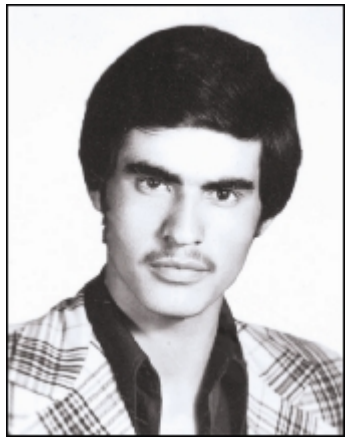
بسم رب الشهداء

الذین آمنوا یقاتلون فی سبیل الله والذین کفروا یقاتلون فی سبیل الطاغوت فقاتلوا اولیاء الشیطان ان کید الشیطان کان ضعیفا

اهل ایمان در راه خدا و کافران در راه شیطان جهاد می‌کنند پس شما یاران باید با دوستان شیطان نبرد کنید که مکر و سیاست شیطانی بسیار سست و ضعیف است.

بنام خداوند شهید آفرین و بنام کسانی که شهادت ایمان، جهاد، شهامت بالاترین هدیه‌ای است که از دست گیم رحمت است. با درود سلام، سلامت مدیر ولی عصر امام زمان روحی و ارواح العالمین الفدا و درود بر سبط انسانیت امام شهیدی که تمام عمر خود را برای حفظ حریم اسلام و سیاس خدای را که سزاوار وحی از تبارهای شیطان را از دودمان حسین (ع) از بندگی و ظلم و از هستی و هایش دور نگهدارد. از آنجا که امروز روز میلاد با سعادت سید الشهداء حضرت امام حسین (ع) که پرچمدار نهضت اسلامی است. ما دین خود دانستیم و چگونه بودن را ارجمند است. با وجود ما را است غیرت شکن و احساس مسئولیت برای حفظ کیان اسلام و میهن اسلامی خویش این وصیت نامه را بنویسیم تا بدین وسیله اکرم. انقلاب اسلامی ما با تمام مراتب و مشکلاتی که جبهه باطل بر آن ایجاد میکند پیش میرود و این انقلاب با تکیه بر ارزشهای اسلام و رهبری نائب امام خمینی و با یاری مردم. و آرزوی دارم که هر چه زودتر به صورت جنگ حق علیه باطل و آزادی قدس شریف از دست مجسمه نامیب درآید کردن رهبری و استمرار شوق و مرب. در سراسر شاهد شاهدین و ایادی آنها نابودی گروهکهای ضرب و رشکن کردن عناصر ایادی ضد انقلاب و یاد خدا نگهدار عامل سازنده حیات و رشد مستمر انسانهای ایران متعهد و مسئول و تنها سد نیرومند است که می‌تواند از لطمات هر سرکش هوسهای ازرطل جلوگیری کند و سرگردانی و ویرانگری و آنچه آنرا بیاندیشه پس با پیروانی و رهروان راه آن الطاف نامه بلند حیثیت لشکر جان خود را پاک نمود و شد طلا از بندها و گرفتاریها رست.





نام: **ابراهیم**
نام خانوادگی: **سلیمی**
نام پدر: **علی**
نام مادر: **فاطمه**
تاریخ تولد: **یکم اسفند** 1336
محل تولد: **شهر میـامی از توابـع شهرسـتان شاهرود**
تحصیلات: **پایان دورهٔ راهنمایی**
ارگان اعزام‌کننده: **بسیج**
تاریخ شهادت: **بیست‌ویکم اردیبهشت** 1361
محل شهادت: **دارخوین**
نحوهٔ شهادت: **اصابت گلوله**
مزار: **گلزار شهدای زادگاهش**

عبارت‌های کلیدی

- از شما می‌خواهم که پشتیبان روحانیت عزیز باشید.
- هرکس با این انقلاب و رهبرش درافتاد از بین خواهد رفت.
- از خدمت به این انقلاب دریغ نفرمایید.
- شهادت پیروزی بسیار بزرگی است که نصیب همه کس نمی‌شود.
- از انقلاب و رهبرش حمایت کنند.
- نگذارید خون پاک شهیدان هدر شود.

ابراهیم سلیمی

بسم‌الله الرحمن الرحیم

خانواده عزیزم از اینکه فرزند خود را از دست داده‌اید مبادا که به درگاه خداوند شکایت کنید چرا که امانتی [را] در نزد شما بوده به صاحبش برگردانیدید و من شرمنده‌ام که دست خالی به مهمانی خداوند می‌روم و شما در قیامت در پیشگاه فاطمه زهرا(**7**) روسفید خواهید بود، از شما می‌خواهم که پشتیبان روحانیت [...][1] عزیز باشید و بدانید هر کس با این انقلاب و رهبرش درافتاد از بین خواهد رفت و از خدمت به این انقلاب دریغ نفرمایید[2] عزیزان من برای شهید عزاداری نکنید کوچه را چراغانی کنید و در مسجد دامادی مرا برگزار کنید و با شیرینی از مردم پذیرایی[3] نمایید[4] تا اینکه مردم بدانند که نباید تسلیت بگویند بلکه تبریک بگویند. چرا که در این جهاد مقدس از دنیا رفتند، و شهادت پیروزی بسیار بزرگی است که همه کس نصیبش نمی‌شود. سفارشی به دوستان، از تمام دوستان می‌خواهم از انقلاب و رهبرش حمایت کنند و نگذارند که این همه خون پاک شهیدان هدر شود.

«والسلام»[5]

ابراهیم سلیمی

1- خوانا نیست.

2- در اصل وصیت «نفرمائید».

3- در اصل وصیت «پذیرائی».

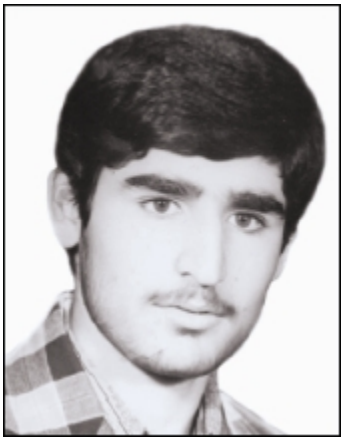
4- در اصل وصیت «نمائید».

5- در اصل وصیت «وسلام».

وصیت نامه بسمه‌تعالی شهید ابراهیم سلیمی

خانواده عزیزم از اینکه فرزندتو را از دست داده‌اید مبادا که بزرگوار خداوند شکایت کنید چرا که امانتی را در نزد شما بود به صاحبش برگردانیدید و من شرمنده امم که دست خالی به مهمانی خداوند روم و شما در قیامت در پیشگاه فاطمه زهرا و سعید خواهید بود از شما می‌خواهم که پشتیبان روحانیت و امت عزیز باشید و بدانید هر کس با این انقلاب و رهبرش درافتاد از بین خواهد رفت و از خدمت به این انقلاب دریغ نفرمائید عزیزان من برای شهید مراسم نگیرید کوچه را چراغانی کنید در مسجد و امامزاده مرا برگزار کنید با شیرینی از مردم پذیرائی نمائید تا اینکه مردم بدانند که بنا بر تسلیت نگویند بلکه تبریک بگویند چرا که در این جهاد مقدس از دنیا رفتند شهادت پیروزی بسیار بزرگی است که هر کس نصیبش نمی‌شود سفارشی به دوستان دارم از تمام دوستان می‌خواهم از انقلاب و رهبرش حمایت کنند و نگذارند که این خون پاک شهیدان هدر شود، و سلام

ابراهیم سلیمی



نام: **حسین**
نام خانوادگی: **سماوی**
نام پدر: **اسماعیل**
نام مادر: **صغرا**
تاریخ تولد: **یکم فروردین** 1344
محل تولد: **شهر سرخه از توابع شهرستان سمنان**
تحصیلات: **چهارم متوسطه**
ارگان اعزام‌کننده: **بسیج**
تاریخ شهادت: **پانزدهم آبان** 1362
محل شهادت: **پنجوین عراق**
نحوهٔ شهادت: **اصابت ترکش**
مزار: **گلزار شهدای زادگاهش**

عبارت‌های کلیدی

- مهمترین عاملی که در پیروزی انقلاب و ادامه آن نقش داشته و خواهد داشت ولایت فقیه است.
- ای ابرقدرتها، ای مستکبران، این ملت دیگر زیر بار ذلت نمی‌رود.
- ای مردم مسلمان وظیفه شما در مقابل خونهای پاک شهیدان، بندگی خدا و عمل به انقلاب اسلامی است.
- از امام امت که حجت خداست، اطاعت کنید.
- ولایت فقیه استمرار حرکت انبیاء است.
- ما آنقدر در خون خون شنا می‌کنیم، تا به ساحل پیروزی برسیم.

حسین سماوی

بسم‌الله الرحمن الرحیم

«خداوند کسانی را دوست می‌دارد که در راه او همچون بنیانی محکم و سرب ریخته شده می‌جنگد».[1]

من وقتی که فکر می‌کنم جوان‌های ما در جبهه‌ها اینطور زحمت می‌کشند خجالت می‌کشم که چرا اینجا نشسته‌ام. «امام خمینی»[2]

بسمه تعالی

به‌نام خدا آفریدگار جهانیان و با درود و سلام بر پیام‌آورانش و با درود و سلام بر مهدی(عج) یگانه منجی عالم بشریت و با درود و سلام بر خمینی و با درود و سلام بیکران به شهدای گرانقدرمان و با درود و سلام بر رزمندگان اسلام.

«ان الله اشتری من المؤمنین انفسهم و اموالهم بان لهم الجنة یقاتلون فی سبیل الله فیقتلون و یقتلون»[3] «خدا جان و مال اهل ایمان را به بهای بهشت خریداری کرده آنها در راه خدا جهاد می‌کنند که دشمنان دین را به قتل رسانند و یا خود کشته شوند».

«مکتبی که شهادت دارد اسارت ندارد»[4] (امام) شهادت انتخابی است آگاهانه و شهیدان گزینش‌گری متعهد و مسئول که گذرگاه شهادت را بر مبنای ویژگی‌ها و نیازهای زمان خویش برای رسیدن به هدف الهی خویش برمی‌گزینند. من نیز با توجه به مسئولیتی که احساس می‌کردم به‌عنوان یک فرد مسلمان و به حکم وظیفه شرعی و الهی که قدم در این راه نهادم و خداوند بزرگ را شکر می‌کنم، که چنین سعادتی نصیب من کرد و چنین رهبری در جلو راهم قرار داد به مهمترین عاملی که در پیروزی این انقلاب و ادامه آن نقش داشته و خواهد داشت، مقام رهبری و ولایت فقیه است. و ذره‌ای نور را در من روشن نمود تا خود و خدای خود را بشناسم و اکنون که در میان شما نیستم و خداوند لیاقت شهادت را

1- ترجمه آیه 4 سوره صف است: «ان الله یحب الذین یقاتلون فی سبیله صفاً کانهم بنیان مرصوص».

2- صحیفه امام، ج18، ص45.

3- توبه/ 111.

4- صحیفه امام خمینی، دوره 22 جلدی، تبیان دفتر یازدهم «ایثار و شهادت در مکتب امام خمینی» موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، بنیاد شهید انقلاب اسلامی چاپ اول، سال 1375.

نصیب من کرد. چنانکه خود را لایق نمی‌دانستم. تا شاید مرگم باعث ترقی و پیشرفت اسلام و قرآن شود. چون در این مدت عمرم کاری برای اسلام نتوانستم انجام دهم و مدیون اسلام می‌باشم. و این پیام و سفارشم را به گوش مستکبران و ابرقدرتهای جهان برسانید: ای ابرقدرتها، ای مستکبران، این ملت دیگر زیر بار ذلت نمی‌رود، مرگ و نابودی شما نزدیک است پس هر چه می‌خواهید دست و پا بزنید.

شما ای مادر مهربانم می‌دانم که در زندگی برای من زحمت زیادی کشیده‌ای و این را بدان که فرزندانی که شما دارید امانتی هستند از طرف خدا به تو و هرگاه خدا خواست امانت خود را بگیرد، صبر کن و نگران نباش[...][1] نرسید ناراحت نباش چرا که مگر کسی امانت خود را به صاحب اصلی‌اش سپرده است دوباره آن را پس می‌گیرد و در نبود من که تو هم زحمت‌های زیادی کشیدی برایتان [...][2] سخت باشد ولی صبر داشته باش و در نبود من گریه و زاری مکن که باعث شادی دشمن می‌شود و شما در مقابل شاد باش که باعث نگرانی دشمنان اسلام می‌باشد که خدا با صابران است و پاداش بزرگ نزد خداوند متعال.

و ای برادران و خواهران مهربانم بدانید که شما بنده خدایید[3] و فرزندتان [را] در راه خدا و شیفته خدا تربیت کنید و از فرمان خدا سرپیچی نکنید [...][4] شما را و اطاعت از فرمان امام کنید که فرمان خداست.

و شما مردم مسلمان مدیون خون هزاران شهید در راه خدا هستید و وظیفه شما در مقابل این خونهای پاک که به ناحق به زمین ریخته شده، بندگی خدا و عمل به انقلاب اسلامی که همانا ادامه راه شهیدان است. از امام امت که نایب حجت خداست اطاعت کنید و خود را لایق این رهبری سازید که ولایت فقیه استمرار حرکت انبیاء است. ما آنقدر در خون شنا می‌کنیم تا به ساحل پیروزی برسیم. من روزه 45 روز بدهکار هستم و نماز قضا نیز برای من بخوانید.

«والسلام علیکم و رحمة اله و برکاته»

حسین سماوی

1- خوانا نیست.

2- خوانا نیست.

3- در اصل وصیت «خدائید».

4- در اصل وصیت «ناخوانا».

خداوند کسانی را دوست میدارد که در راه [illegible] می‌جنگند.
« صف آیه ۴ »

من وقتیکه فکر میکنم جوانهای ما در جبهه‌ها اینطور زحمت میکشند خجالت میکشم که چرا اینجا نشسته‌ام.
« امام خمینی »

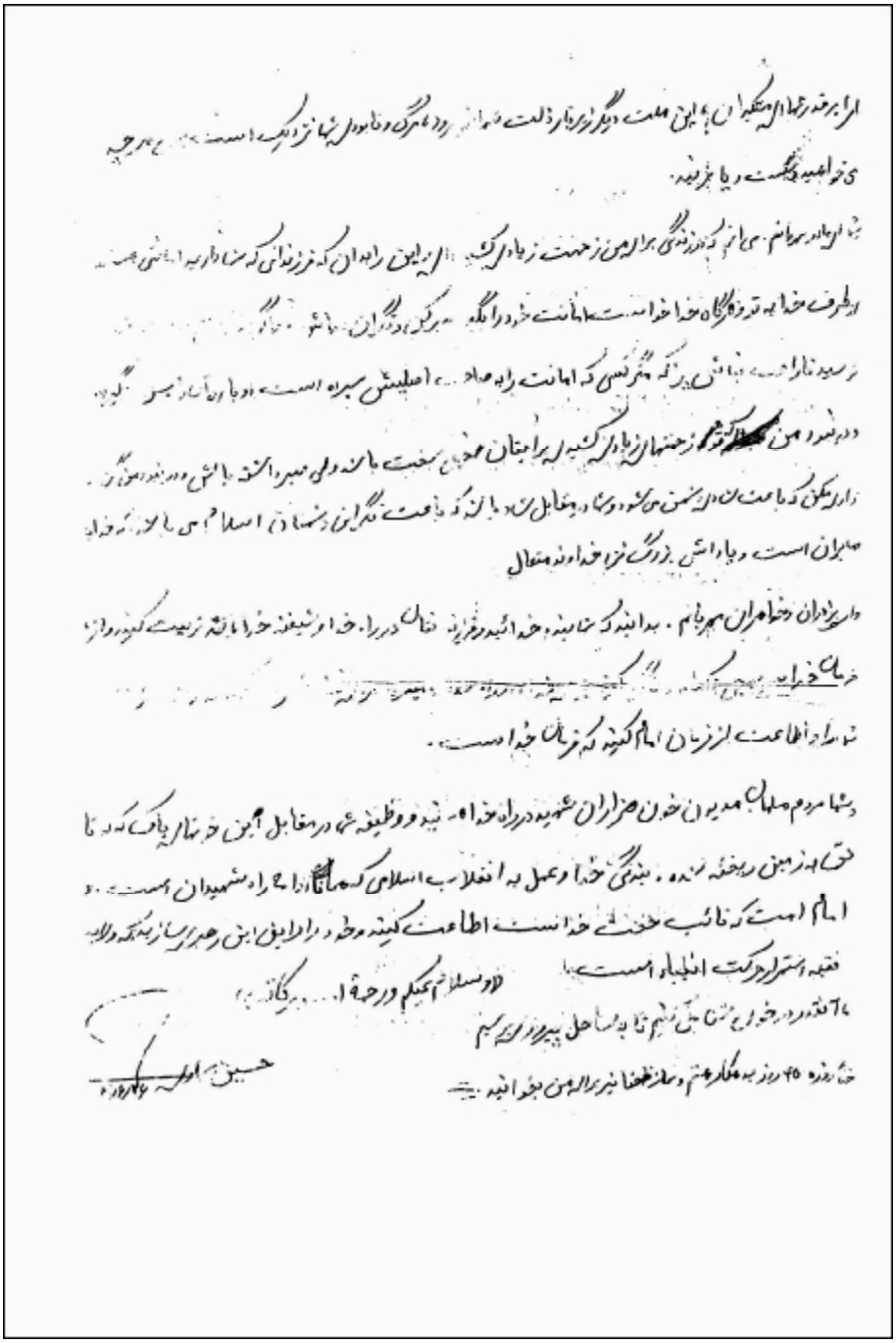
وصیتنامه حسین [illegible]

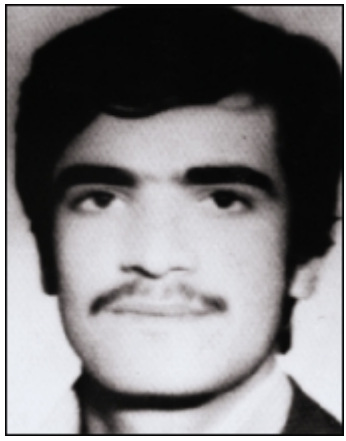
«(بسمه تعالی)» ۶۱/۶/۲۶

بنام خدا. آفریدگار جهانیان و با درود و پیام آورانش، و با درود و سلام بر مهدی یگانه منجی عالم بشریت و با درود و سلام بر خمینی و با درود و سلام بی کران بر شهدای گرانقدرمان و با درود و سلام بر رزمندگان اسلام.

ان الله اشترای من المؤمنین انفسهم و اموالهم بان لهم الجنه یقاتلون فی سبیل الله فیقتلون و یقتلون
خداوند جان و مال اهل ایمان را بهاء بهشت خریداری کرده آنها در راه خدا جهاد می کنند که دشمنان دین را بقتل رسانند و یا خود کشته شوند.

مگین که شهادت در راه خدا (ع) شهادت انتظار است و آگاهانه و شجیعانه گریبانش گرفته و مسئول که گذرگاه شهادت را بر مبارز و بیگانه و نیاز زمان خویش برای رسیدن به هدف الهی خویش برمی گزیند."
ن نیز با توجه به مسئولیتی که احساس می کنم، بعنوان یک فرد مسلمان و به حکم وظیفه شرعی و الهی خود
قدم در این راه نهادم و خداوند بزرگ را شکر می کنم که چنین سعادتی نصیبم کرد و چنین رهبری
در چنین برهه ای از تاریخ و مهمتر از همه، در چنین مقطعی که در پیروزی انقلاب و اسلام آن نقش داشته خواهد داشت
مقام رهبری روحانیت متعهد است. و ذره ای تردید نمی کنم که در این راه خود و خانواده را فدا کنم و اکنون
که در میان شما نیستم و خداوند شهادت را نصیب من کرده خاک خود را لایق نمی دانستم تا اینکه
مرگم باعث ترقی و پیشرفت اسلام و قرآن شود. چون در این مدت عمر کم کاری برای اسلام نداشتم امیدوارم
دهم و معدوم اسلام میدانم. و این پیام و خاطرم را به گوش همگنان و برادران و خواهران برسانید:





نام: **مصطفی**
نام خانوادگی: **سمیعی**
نام پدر: **یدالله**
نام مادر: **طاهره**
تاریخ تولد: **دوم آذر** 1340
محل تولد: **شهرستان دامغان**
تحصیلات: **سوم متوسطه**
ارگان اعزام‌کننده: **سپاه**
تاریخ شهادت: **بیست‌وششم فروردین** 1361
محل شهادت: **گرمسار**
نحوهٔ شهادت: **سوء قصد منافقین**
مزار: **گلزار شهدای فردوس رضای زادگاهش**

عبارت‌های کلیدی

- وظیفه شرعی خود دانستم که در این جهاد مقدس شرکت کنم.
- شهادت عین سعادت و کام من بوده است و به آن رسیده‌ام.
- فقط مطیع فرامین این رهبر عزیز باشید.
- خداوند بر ما منت نهاد و این رهبر عزیز را برای راهنمایی ما فرستاد.

مصطفی سمیعی[1]

بسم‌الله الرحمن الرحیم

«و لا تحسبن الذین قتلوا فی سبیل الله امواتاً بل احیاءٍ عند ربهم یرزقون»[2]

در این لحظات حساس کنونی که مملکت و میهن عزیزمان مورد تجاوز ابرقدرتهای شرق و غرب قرار گرفته بنا به امر و فرمان رهبر عظیم الشان‌مان امام خمینی وظیفه شرعی خود دانستم که در این جهاد مقدس شرکت کنم اگر در این راه انشاءالله تعالی شهادت نصیبم شد سفارشم به پدر و مادر عزیزم اینست که مبادا ناراحت شوند. زیرا تنها اتفاقی که افتاده این است که امانت را به صاحب اصلی آن یعنی خداوند متعال پس داده‌اند، و این همان مصداق صحیح آیه **«انالله و انا الیه راجعون»**[3] می‌باشد. و در ضمن بر روی سنگ قبرم کلمه ناکام و یا هر کلمه‌ای به این مفهوم نوشته نشود زیرا کلمه شهادت عین سعادت و کام من بوده که به آن رسیدم و سفارشم به تمام برادران و خویشانم این است که فقط مطیع فرامین این رهبر عزیز که به‌حق خداوند بر ما منت نهاده و آنرا برای راهنمایی ما فرستاده باشند، زیرا در غیر اینصورت همانطور که در قرآن آمده سخت مورد عذاب الهی قرار خواهند گرفت، این مکتوبه را با ذکر آیه از قرآن کریم بپایان می‌رسانم:

«جاء الحق و زهق الباطل ان الباطل کان زهوقا».[4] به امید روزی که جماهیر اسلامی در سرتاسر دنیا گسترش پیدا کند.

«والسلام علیکم و رحمة ا... و برکاته»

1- در بالای وصیت قید شده است: « عضو سپاه، تاریخ شهادت: 26/ 1/ 61 ، محل شهادت: گرمسار».

2- آل عمران/ 169.

3- بقره/ 156.

4- اسراء/ 81.



وصیتنامه شهید مصطفی سمیعی‌زاده

عضو سپاه تاریخ شهادت: ۶۱/۱/۲۶ محل شهادت: گرمسار

و لاتحسبن الذین قتلوا فی سبیل ا... اموا تاً بل احیاء عند ربهم یرزقون

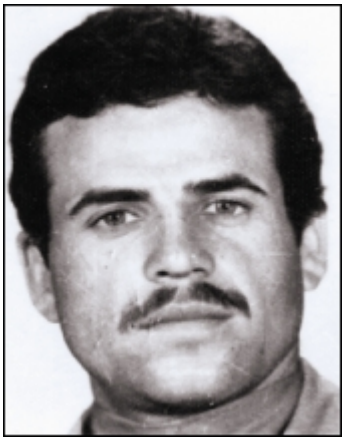
در این لحظات حساس کنونی که مملکت و میهن عزیزمان مورد تجاوز ابر قدرتهای شرق و غرب قرار گرفته بنابه امر و فرمان رهبر عظیم‌الشان‌مان امام‌خمینی وظیفه شرعی خود دانستم که در این جهاد مقدس شرکت کنم اگر در این راه انشاء ا... تعالی شهادت نصیبم شد سفارشم به پدر و مادر عزیزم اینست که مبادا ناراحت شوند زیرا آنها اتفاقی که افتاده اینستکه امانت را به صاحب اصلی آن یعنی خداوند متعال پس داده‌اند، و این همان مصداق صحیح آیه (انا... وانا الیه راجعون) میباشد. و در ضمن بر روی سنگ قبرم کلمه ناکام و یا هر کلمه‌ای به این مفهوم نوشته نشود زیرا کلمه شهادت عین سعادت و کام من بوده که به آن رسیدم و سفارشم به تمام برادران و خویشاوندانم اینستکه فقط مطیع فرامین این رهبر عزیز که بحق خداوند برمامنت نهاده و آنرا برای راهنمائی ما فرستاده باشند، زیرا در غیر اینصورت همانطور که در قرآن آمده سخت مورد عذاب الهی قرار خواهند گرفت، این مکتوب را با ذکر یک آیه از قرآن کریم بپایان می‌رسانم:

جاء الحق و زهق الباطل ان الباطل کان زهوقا

به امید روزی که جماهیر اسلامی در سرتاسر دنیا گسترش پیدا کند

والسلام علیکم و رحمة ا... و برکاته

واحد فرهنگی بنیاد شهید انقلاب اسلامی دامغان



نام: **حبیب‌الله**
نام خانوادگی: **سمعیی‌زاده**
نام پدر: **سیف‌الله**
نام مادر: **حسنیه**
تاریخ تولد: **دوم فروردین** 1339
محل تولد: **شهرستان دامغان**
تحصیلات: **پایان دورهٔ متوسطه**
ارگان اعزام‌کننده: **ارتش**
تاریخ شهادت: **بیست‌وهفتم شهریور** 1360
محل شهادت: **سوسنگرد**
نحوهٔ شهادت: **اصابت ترکش**
مزار: **گلزار شهدای روستای ابوالبق زادگاهش**

عبارت‌های کلیدی

- مکتب حسین(**7**) مکتبی که زندگی با جباران تاریخ را منع کرد.
- امام حسین(**7**) با شهادت خود و فرزند شش‌ماهه‌اش اسلام عزیز را زنده کرد.
- چنانچه به فیض شهادت رسیدم از شما می‌خواهم شاد باشید.

حبیبا... سمیعی‌زاده

بسم‌الله الرحمن الرحیم

«گمان نبرید آنان که در راه خدا شهید می‌شوند مردگانند بلکه آنها زندگانی هستند جاوید که نزد پروردگارشان روزی می‌خورند». (قرآن کریم)[1]

ضمن عرض سلام و درود به پیشگاه حضرت مهدی(عج) و نایب برحقش امام خمینی این فرزند مکتب حسین(**7**) مکتبی که زندگی با جباران تاریخ را منع کرد و تا کشتن فرزند شش ماهه‌اش[2] تسلیم زور نشد. خود نیز شهید شد و اسلام عزیز را زنده کرد.

من همیشه آرزو داشتم به‌عنوان یک سرباز کوچک در راه این امام و این امید مستضعفان جهان، گامی هر چند کوچک بردارم و لذا اکنون که عازم جبهه‌های نبرد اسلام با کفر هستم، از آن جهت نوشتن وصیت‌نامه را برای خود، امر ضروری تشخیص دادم. از جهت اطلاع خانواده عزیزم چند نکته را متذکر می‌شوم.

خانواده عزیزم پدرم، برادرم، خواهرم اگر چه می‌دانم زحمات زیادی از برای من کشیده‌اید و من نتوانستم گوشه‌ای از آنها را جبران کنم. لذا چنانچه به فیض شهادت رسیدم از شما می‌خواهم شاد باشید و اندوهی به خود راه ندهید زیرا در راه اسلام انسان‌هایی[3] شهید شدند که من در مقابل آنها بسیار حقیرم.

حفظ صمیمیت بین خانواده عزیزم و همه آشنایان که در حد عالی بوده و خواهد بود.

«والسلام»

حبیب‌الله سمیعی‌زاده

1- ترجمه آیه «ولاتحسبن الذین قتلوا فی سبیل‌الله امواتاً بل احیاء عند ربهم یرزقون». آل عمران/ 169.

2- اشاره به شهادت فرزند امام حسین(**7**) حضرت علی‌اصغر در روز عاشوراست.

3- در اصل وصیت «انسانهائی».

بسمه تعالی

گمان نبرید آنها که در راه خدا شهید می شوند مردگانند بلکه آنها زندگانی هستند جاوید که نزد پروردگارشان روزی می خورند . (قرآن کریم)

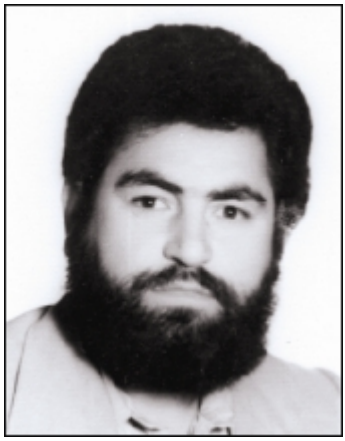
ضمن عرض سلام و درود به پیشگاه حضرت مهدی (عج) و نایب بر حقش امام خمینی این فرزند مکتب حسین مکتبی که زندگی با جباران تاریخ را ضد کرد و تا کشتن فرزند شش ماهه اش تسلیم زور نشد خود نیز شهید شد و اسلام عزیز را زنده کرد .

من همیشه آرزو داشتم به عنوان یک سرباز کوچک در راه این امام و این امید مستضعفان جهان گامی هر چند کوچک بردارم و لذا اکنون که عازم جبهه های نبرد اسلام با کفر هستم از آن جهت نوشتن وصیت نامه را برای خود امر ضروری تشخیص دادم از جهت اطلاع خانواده عزیزم چند نکته را متذکر می شوم.

۱ــ خانواده عزیزم پدرم ،برادرم ،خواهرم اگر چه می دانم زحمات زیادی از برای من کشیده ، اید و من نتوانسته ام گوشه ای از آنها را جبران کنم . لذا ، چنانچه به فیض شهادت رسید م از شما می خواهم شاد باشید و اندوهی به خود راه ندهید زیرا در راه اسلام انسانهائی شهید شدند که من در مقابل آنها بسیار حقیرم .

۲ــ حفظ صمیمیت بین خانواده عزیزم و همه آشنایان که در حد عالی بوده و خواهد بود

والسلام حبیب ا . . . سمیعی زاده



نام: **احمد**
نام خانوادگی: **سمیعیه**
نام پدر: **حسن**
نام مادر: **رقیه**
تاریخ تولد: **هشتم اسفند** 1331
محل تولد: **روستای ابوالبـق از توابـع شهرستان دامغان**
تحصیلات: **پایان دورهٔ ابتدایی**
ارگان اعزام‌کننده: **جهاد**
تاریخ شهادت: **دوم مرداد** 1362
محل شهادت: **حاج عمران عراق**
نحوهٔ شهادت: **اصابت ترکش**
مزار: **گلزار شهدای زادگاهش**

عبارت‌های کلیدی

- جان تمام مخلوقات جهان بدست توانای خداوند قادر متعال می‌باشد.
- بهترین مرگ همان شهادت در راه خدا می‌باشد.
- همگی ما در بهشت مهمان خداوند تبارک و تعالی می‌باشیم.

احمد سمیعیه

بسم‌الله الرحمن الرحیم

«و لا تحسبن الذین قتلوا فی سبیل الله امواتاً بل احیاءٌ عند ربهم یرزقون».[1]

ای برادران و جوانان عزیز ایرانی به کمک برادران رزمنده خود بشتابید.[2] (امام خمینی)

حضور محترم پدر عزیز و مادر مهربانم سلام عرض میکنم و از برای شما آرزوی توفیق حرکت در راه الله و رسول و امام و نایب برحقش را بیش از پیش از خداوند تبارک و تعالی مسئلت می‌نمایم. حال که بنا به فرموده امام عزیزمان خمینی کبیر که تکلیف شرعی و الهی دانسته‌اند، شرکت در جنگ را و این حقیر فریاد ایشان را لبیک گفته و بطرف جبهه حق علیه باطل حرکت می‌نمایم برخود لازم دیدم مواردی چند را متذکر بشوم.

حال که یقین حاصل شد که جان تمام مخلوقات جهان بدست توانای خداوند قادر متعال می‌باشد و اوست که زنده می‌کند و تنها اوست که می‌میراند پس دیگر ناراحتی ندارم.

حال که بعد از هر زندگانی مرگی در پیش است پس بهترین آنرا انتخاب کنیم که همان شهادت در راه خدا می‌باشد (سرور شهیدان امام حسین(**7**)).

شما از بابت بنده اصلا ناراحت نباشید و همه برادران را به خدای متعال بسپارید و تنها از شما تقاضای دعای خیر می‌نمایم اگر انشاءالله این افتخار نصیب شد و به درجه رفیع شهادت نائل شدم که این آرزوی دیرینه‌ام جامه عمل پوشیده است و بس افتخار و یقیناشماها هم در این ثواب شریک می‌باشید و همگی‌مان در بهشت مهمان خداوند تبارک و تعالی می‌باشیم و اگر مشیت الهی بر این بود که ما زنده باشیم باز در خدمت اسلام بزرگ و شما عزیزان و سروران معظم خواهیم بود.

1- آل عمران/ 169.

2- صحیفه امام، ج 18، ص 44.

بسمه تعالی مورخه ۱۳۶۱/۴/۲۵

ولا تحسبن الذین قتلوا فی سبیل ا... امواتاً بل احیاء عندربهم یرزقون ..

ای برادران و جوانان عزیز ایرانی بکمك برادران رزمنده خود بشتابید. (امام خمینی)

حضور محترم پدر عزیز و مادر مهربانم سلام عرض میکنم و از برای شما آرزوی توفیق حرکت در راه ا... و رسول و امام و نائب برحقش را بیش از پیش از خداوند تبارك و تعالی مسئلت می نمایم. حال که بنا به فرموده امام عزیزمان خمینی کبیر که تکلیف شرعی و الهی دانسته اند شرکت در جنگ راه او این حقیر فریاد ایشان را لبیك گفته و بطرف جبهه حق علیه باطل حرکت مینمایم برخود لازم دیدم مواردی چند را متذکر بشوم .

۱ـ حال که یقین حاصل شد که جان تمام مخلوقات جهان بدست توانای خداوند قادر متعال میباشد و اوست که زنده می کند و تنها اوست که میمیراند پس دیگر ناراحتی ندارم.

۲ـ حال که بعد از هر زندگانی مرگی در پیش است پس بهترین آنرا انتخاب کنیم که همان شهادت در راه خدا میباشد (سرور شهیدان امام حسین (ع)

۳ـ شما از بابت بنده اصلا ناراحت نباشید و همه برادران را بخدای متعال بسپارید و تنها از شما تقاضای دعای خیر مینمایم اگر انشاءا... این افتخار نصیب شد و بدرجه رفیع شهادت نائل شدم که این آرزوی دیرینه ام جامه عمل پوشیده است و بس افتخار و یقیناً شما ها هم در این ثواب شریك میباشید و همگی مان در بهشت بهمان خداوند تبارك و تعالی میباشیم و اگر مشیت الهی بر این بود که ما زنده باشیم باز در خدمت اسلام بزرگ و شما عزیزان و سروران معظم خواهیم بود .



نام: **ابوالقاسم**
نام خانوادگی: **سنگسری**
نام پدر: **حسینعلی**
نام مادر: **صغرا**
تاریخ تولد: **پنجم شهریور** 1347
محل تولد: **شهر سرخه از توابع شهرستان سمنان**
تحصیلات: **دوم متوسطه**
ارگان اعزام‌کننده: **بسیج**
تاریخ شهادت: **بیست‌ویکم دی** 1365
محل شهادت: **شلمچه**
نحوهٔ شهادت: **موج انفجار**
مزار: **گلزار شهدای زادگاهش**

عبارت‌های کلیدی

- رضایم به رضای خدای شهیدان، خدایی که چگونه زیستن و چگونه مردن را به من آموخت.
- امام را تنها نگذارید.
- پشتیبان ولایت فقیه باشید.
- باید با تمام کمبودها ولی آبرو و حیثیت اسلام را حفظ کرد.
- ننگ است که دست دوستی به ستمگران کافران بدهیم.
- مادر عروس اسلحه‌ام و حجله سنگرم بود.

ابوالقاسم سنگسری

بسم الله الرحمن الرحیم

«و لا تحسبن الذین قتلوا فی سبیل الله امواتاً بل احیاءٍ عند ربهم یرزقون».[1]

با درود و سلام بر منجی عصر حضرت مهدی(عج) تعالی و با درود و سلام بر پیر جماران در هم کوبندهٔ ستمگران و با درود و سلام بر رزمندگان کفرستیز اسلام که [...][2] آخرین حماسه‌های خود را بیافرینند.

رضایم به رضای خدای شهیدان خدایی که چگونه زیستن و چگونه مردن را به من آموخت خدایی که[3] این چنین عاشقانش به‌سوی او می‌روند و در راه او ایثار و فداکاری می‌کنند خدایی که[4] عاشقانش را می‌طلبد و آنها را از کارهای زشت و هواهای نفسانی باز می‌دارد.

پیامی کوتاه دارم برای ملتم هر چند که لیاقت پیام دادن برای ملت عزیزم ندارم ملت عزیز و گرامی از شما می‌خواهم که امام را هرگز تنها نگذارید پشتیبان ولایت فقیه باشید تا هیچ آسیبی به ممکت وارد نشود و همچنین پشتیبان حکومت که حکومت همان انقلاب و انقلاب همان ملت است. باید با تمام کمبودها ساخت ولی آبرو و حیثیت اسلام را حفظ کرد. به ما ننگ است که دست دوستی با ستمگران و کافران[5] بدهیم ای ملت همیشه در صحنه از شما می‌خواهم همانطوری که شعار می‌دهید:

«ما اهل کوفه نیستیم امام تنها بماند/ مگر امت بمیرد امام تنها بماند»[6] همانطور که این شعار را می‌دهید پای‌بند [این] شعار باشید.

و پیامی دارم به مادر عزیزم ای مادر عزیز و گرامی ترا به جان مهدی(عج) به جان زهرا(**3**) قسم می‌دهم باید مرا ببخشید چون در طول عمرم نتوانستم برایت یک فرزند

1- آل عمران/ 169.

2- خوانا نیست.

3- در اصل وصیت «خدائیکه».

4- در اصل وصیت «خدائیکه».

5- در اصل وصیت «کفاران».

6- ر.ک. تعلیقات ذیل مردم کوفه.

خوبی باشم. باید شیرت را حلالم کنی و ای مادرم می‌دانم شما چه آرزوهایی نسبت به من داشتید که به آرزوی خود نرسیدی مادرم عروس[1] اسلحه‌ام بود و حجله‌ام سنگرم بود و گلوله‌های سربی شیرینیهایی بود که بر سرم می‌ریخت و ماه‌عسلم را به کربلا سفر کردم و ای مادرم از تو می‌خواهم بر سر مزار من برایم گریه نکنی. زیرا دشمن از گریه کردن تو خوشحالی می‌کند و از شما می‌خواهم به حرف ضد انقلاب گوش فرامده، که می‌آیند پیشت و می‌گویند اگر فرزندت به جبهه نمی‌رفت، چنین و چنان نمی‌شد اینها بجز خوشحالی چیز دیگری در دل ندارند. فقط از شما می‌خواهم به حرف اینطور آدمها گوش نکن و پیامی دارم به برادرانم. ای برادرانم هرچند که من کوچکتر از آنم که به شما پیام بدهم، از شما می‌خواهم که درسهای خودتان را خوب بخوانید. چون امام می‌فرماید هرکس درس نخواند حرام است که در مدرسه بماند. پس شما پیام امام خودتان را لبیک بگویید[2] و درس خود را با جدیت بخوانید.

خدایا خدایا تا انقلاب مهدی خمینی را نگه‌دار

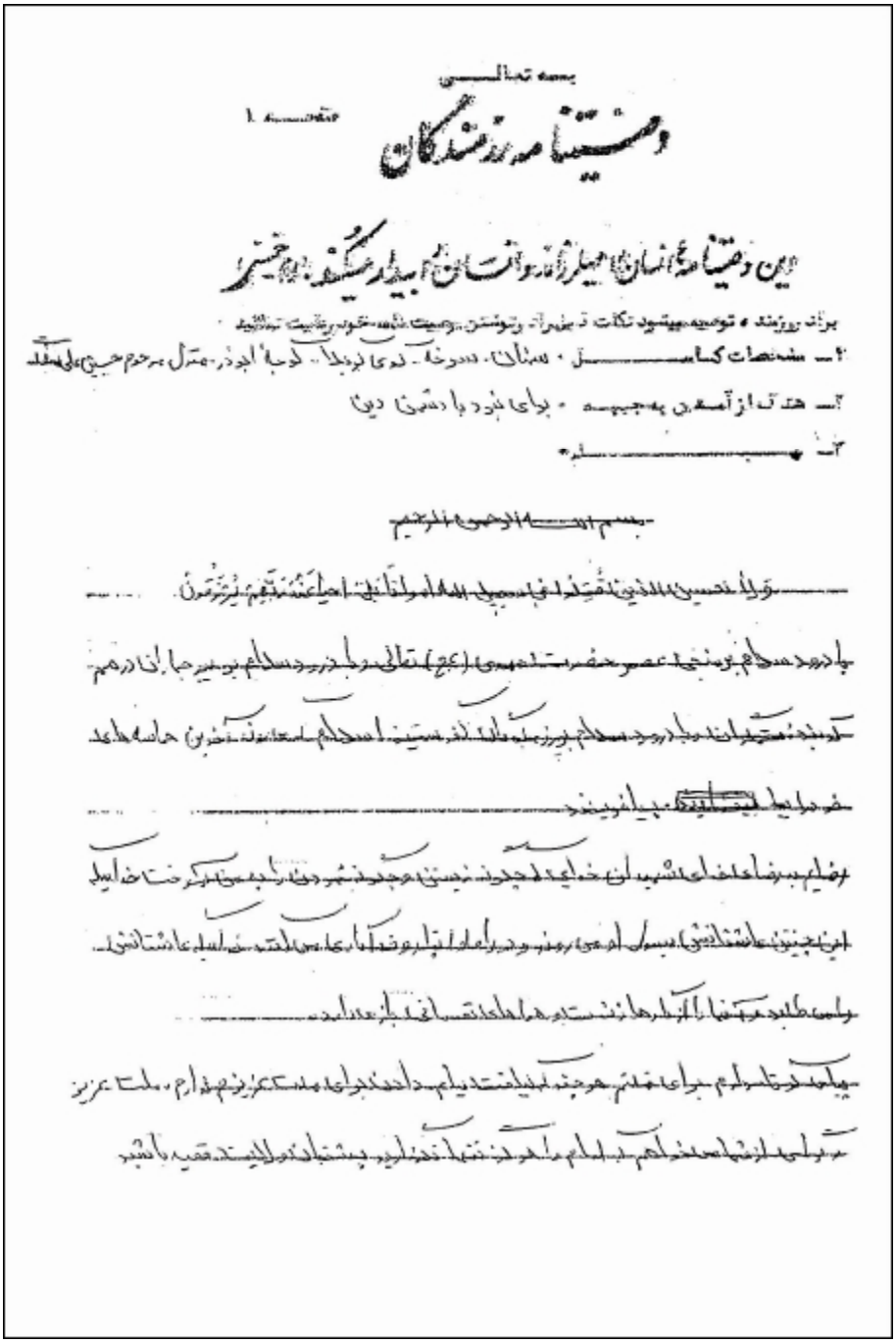
از عمر ما بکاه و بر عمر او بیفزا.

ابوالقاسم سنگسری

65/2/17

1- در اصل وصیت «عروسی».

2- در اصل وصیت «بگوید».



بسمه تعالی

وصیتنامه

این وصیتنامه را هیچ‌گاه از خود جدا نکنید

برادر برزمند • توصیه میشود نکات ذیل را ... وصیت‌نامه خود رعایت نمائید

۱ــ مشخصات کامل ... فرزند ... متأهل مرحوم حسین ... متولد ...

۲ــ هدف از آمدن به جبهه • برای چه و با چه دینی

۳ــ ...

بسم الله الرحمن الرحیم

... وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ ...

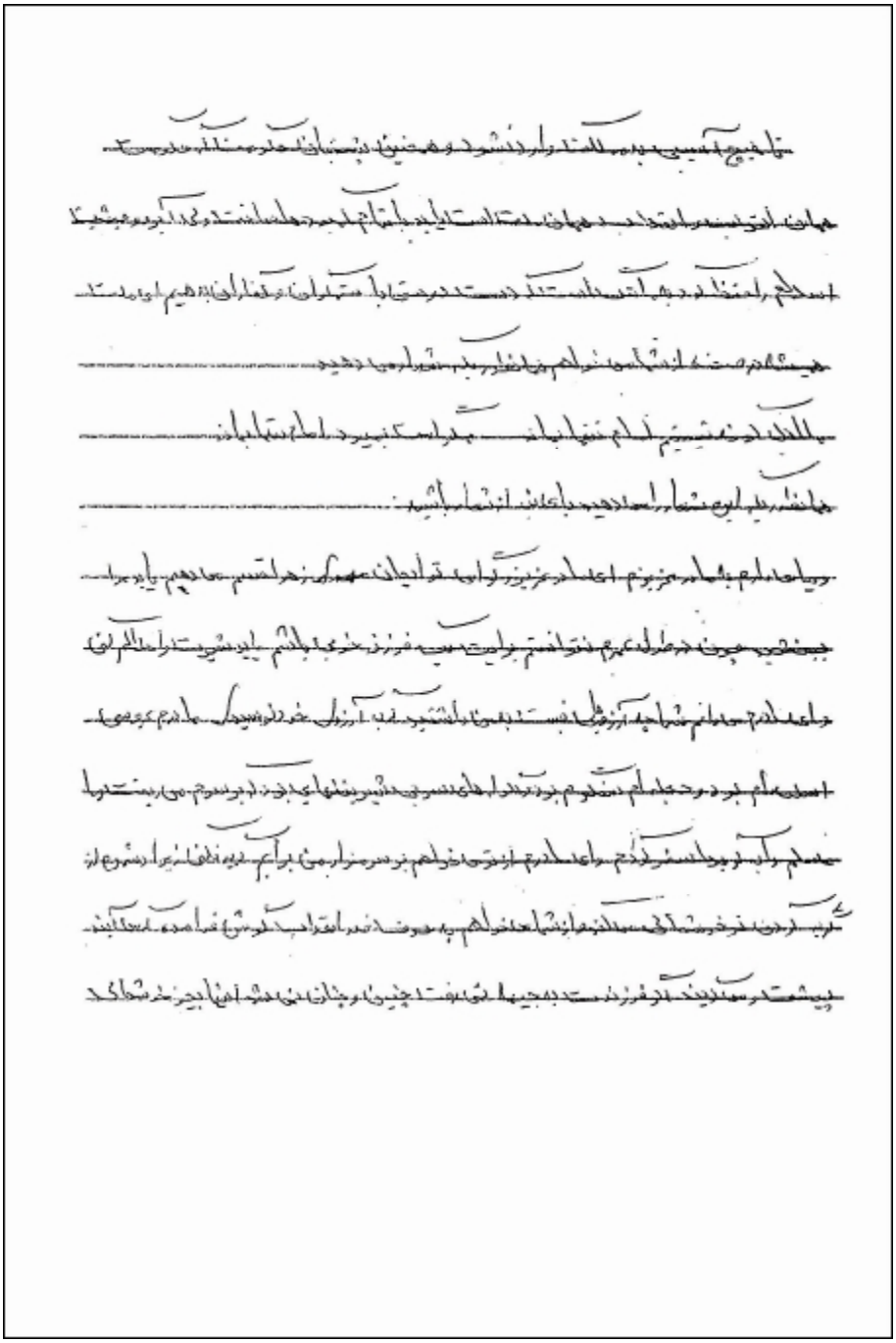
... با درود و سلام بر منجی عصر حضرت مهدی (عج) تعالی و با درود و سلام بر میرجانفدرهم ... آنان که ... با درود و سلام بر پرچمدار کربلا ... سلام ... آخرین حماسه‌ها را ...

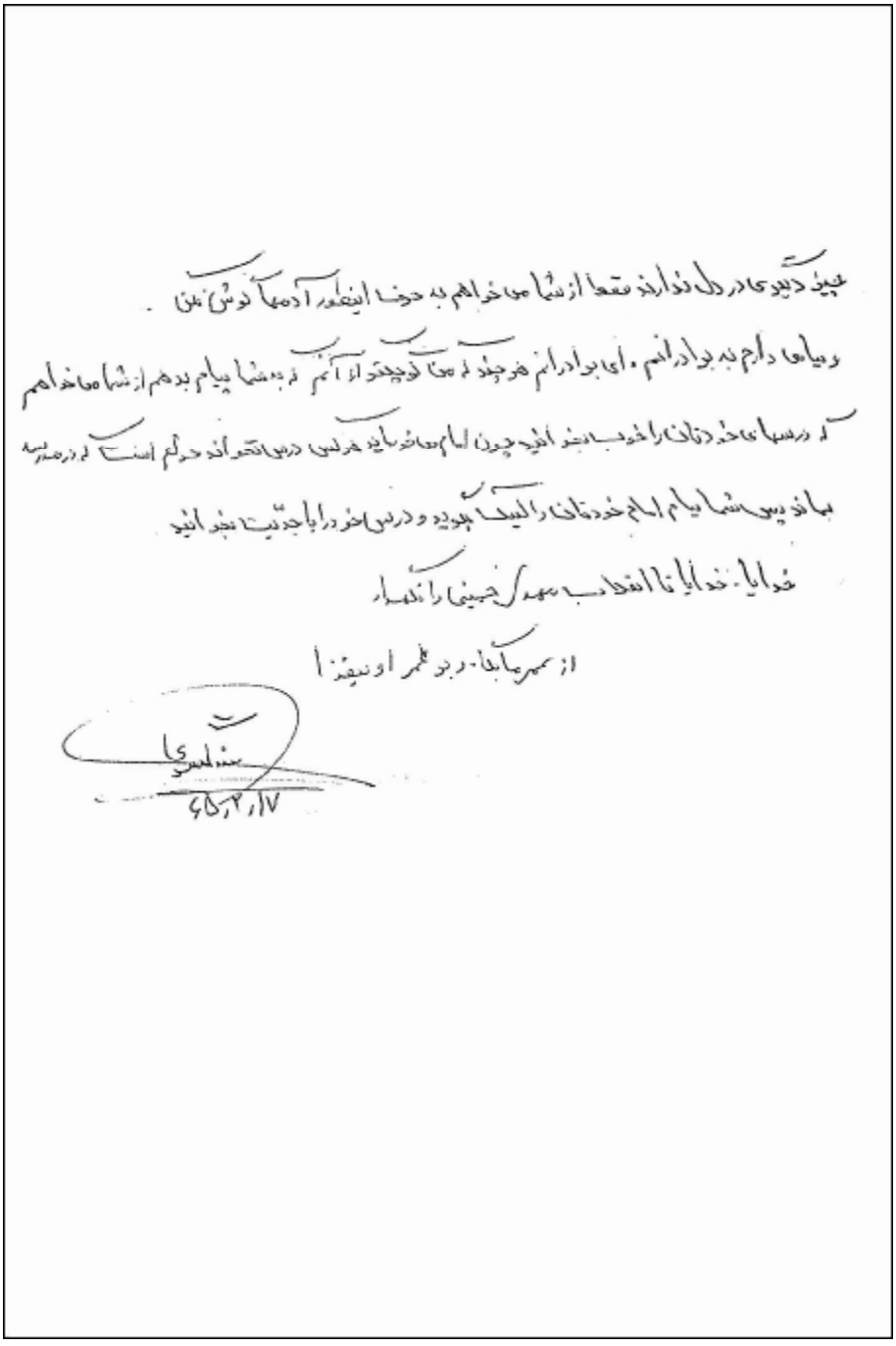
... را ... می‌آفرینند ...

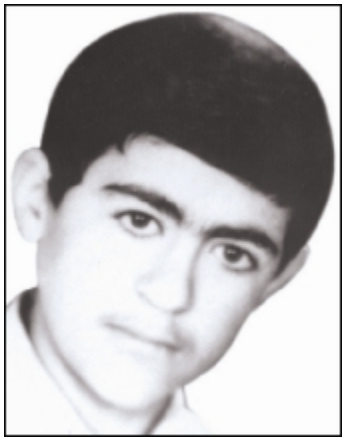
... با شهادت خواهد شد ... این خانواده ... نشود و ... با شهادت ... خواهد ... این چنین ... بسیار ... و ... با شهادت ... خواهد ... داشتن ...

... آرمانها ... با ... خواهد ...

... خداوند ... برای ... هرچند ... دیگر ... خواهد ... عزیز ... دارم ... عزیز ... با شهادت ... با ... خواهد ... با شهادت ... با شهادت ...







نام: **حسین**
نام خانوادگی: **سنگسری**
نام پدر: **محمدحسن**
نام مادر: **عذرا**
تاریخ تولد: **هشتم دی** 1347
محل تولد: **شهر سرخه از توابع شهرستان سمنان**
تحصیلات: **سوم متوسطه**
ارگان اعزام‌کننده: **بسیج**
تاریخ شهادت: **سی‌ویکم اردیبهشت** 1365
محل شهادت: **مهران**
نحوهٔ شهادت: **اصابت ترکش**
مزار: **گلزار شهدای زادگاهش**

عبارت‌های کلیدی

- شهادت هدیه‌ای است گرانبها از جانب خداوند تبارک و تعالی برای بندگان خاص خود.
- به الله سوگند من سعادت خویش را نمی‌یابم، مگر در پیمودن خط خونین ابا عبدالله الحسین(**7**).
- خواهرانم از شما می‌خواهم زینب‌گونه باشید.
- تقوا را فراموش نکنید.
- در هر حال به یاد خدای متعال باشید.

حسین سنگسری

بسم الله الرحمن الرحیم

«من المؤمنین رجال صدقوا ما عاهدوا الله علیه، فمنهم من قضی نحبه و منهم من ینتظر و ما بدلوا تبدیلا».[1]

«بعضی از آن مومنان بزرگ مردانی هستند که به عهد[2] و پیمان که با خدای خود بستند کاملاً وفا کردند بعضی هم بر آن عهد ایستادگی کردند تا در راه او شهید شدند».

به‌نام او، به‌نام خدا، که از اویم، برای اویم، هستیم برای اوست و بازگشتم به‌سوی[3] اوست با درود و سلام بر امام زمان مهدی موعود(عج) و با درود و سلام بر نایب[4] برحقش امام امت این قلب تپندهٔ امت مسلمان و این امید مستضعفان جهان و درود وسلام بر رزمندگان اسلام این زاهدان شب و شیران روز و با سلام بر شهدا از صدر اسلام تاکنون و با سلام بر خانواده‌هایشان.

«شهید نظر می‌کند به[5] وجه الله». (امام خمینی)

شهادت هدیه‌ای است گرانبها از جانب خداوند تبارک و تعالی برای بندگان خالص خود که نصیب هرکسی نمی‌شود انسان باید راهی را سیر کند که سعادتش در آن خط باشد و به الله سوگند، من سعادت خویش را نمی‌یابم مگر در پیمودن خط خونین ابا عبدالله الحسین(**7**) که راه تمامی شهدای انقلاب اسلامی است.

ای دوستان عزیزم آنگاه که محیط را از همه انسان‌ها خالی می‌بینید، دمی و لحظه‌ای از همه جا قطع نظر کنید و همه محسوسات خود را کنار گذاریم و از همه جا ببرید و به‌سوی خویشتن برگردید و در غلاف وجود خود فرو روید و به دقت بنگرید که گذشته‌ها رفته و

1- احزاب/ 23.

2- در اصل وصیت «بعهد».

3- در اصل وصیت «به‌سوی».

4- در اصل وصیت «نایب».

5- عبارت شهید نظر می‌کند به وجه‌الله. از امام خمینی است. (صحیفه امام، ج 13، ص 515). «... شهید هم ینظر الی وجه الله و حجاب را شکسته است».

آینده‌ام مجهول‌الحال است. بالاخره چه روزی و با چه کیفیتی این قفس تن خواهد شکست و مرغ محبوس روح پرواز خواهد کرد و در آن هیچ شکی نیست و بالاخره شدنی است.

پدر و مادر عزیزم: بارها پیش خود فکر کردم که شما برای من زحمت بسیار کشیدید و من در آخر نتوانستم زحمت شما را جبران نمایم. پدر و مادرم من در حق شما خیلی کوتاهی کردم و دین خود را نسبت به شما بطور صحیح ادا نکردم ولی می‌دانم که شما انشاءالله مرا عفو می‌کنید بعد از شهادتم اشک نریزید بلکه افتخار کنید که فرزندی تربیت کردید که در راه خدا شهید شده است. برادرم از شما جداً می‌خواهم که درسهایت را خوب بخوانی و در شهادتم گریه نکنی. اما ای خواهرانم از شما می‌خواهم که زینب‌گونه باشید و در شهادتم گریه نکنید که باعث شادی دشمنان اسلام می‌شود و تقوا را فراموش نکنید و در همان حال به یاد[1] خدای متعال باشید و از شما می‌خواهم که مرا عفو کنید.

ای ملت مسلمان و شهیدپرور: تقوا را فراموش نکنید اگر با تقوا باشید در این برهه از زندگی پیروزید و قطعاً هم از روی اراده بر هوای نفس خود مسلطید. پیرو امام و ولایت فقیه باشید و سعی کنید هر عملی که انجام می‌دهید فقط خالص برای خدا باشد کار برای خدا باشد ارزش بسیار دارد و گرنه ارزشی ندارد.

در خاتمه از تمام ملت و اقوام و دوستان و نزدیکان طلب آمرزش و مغفرت می‌کنم از آنها حلالیت می طلبم. در ضمن شش روز روزه برایم بگیرید.

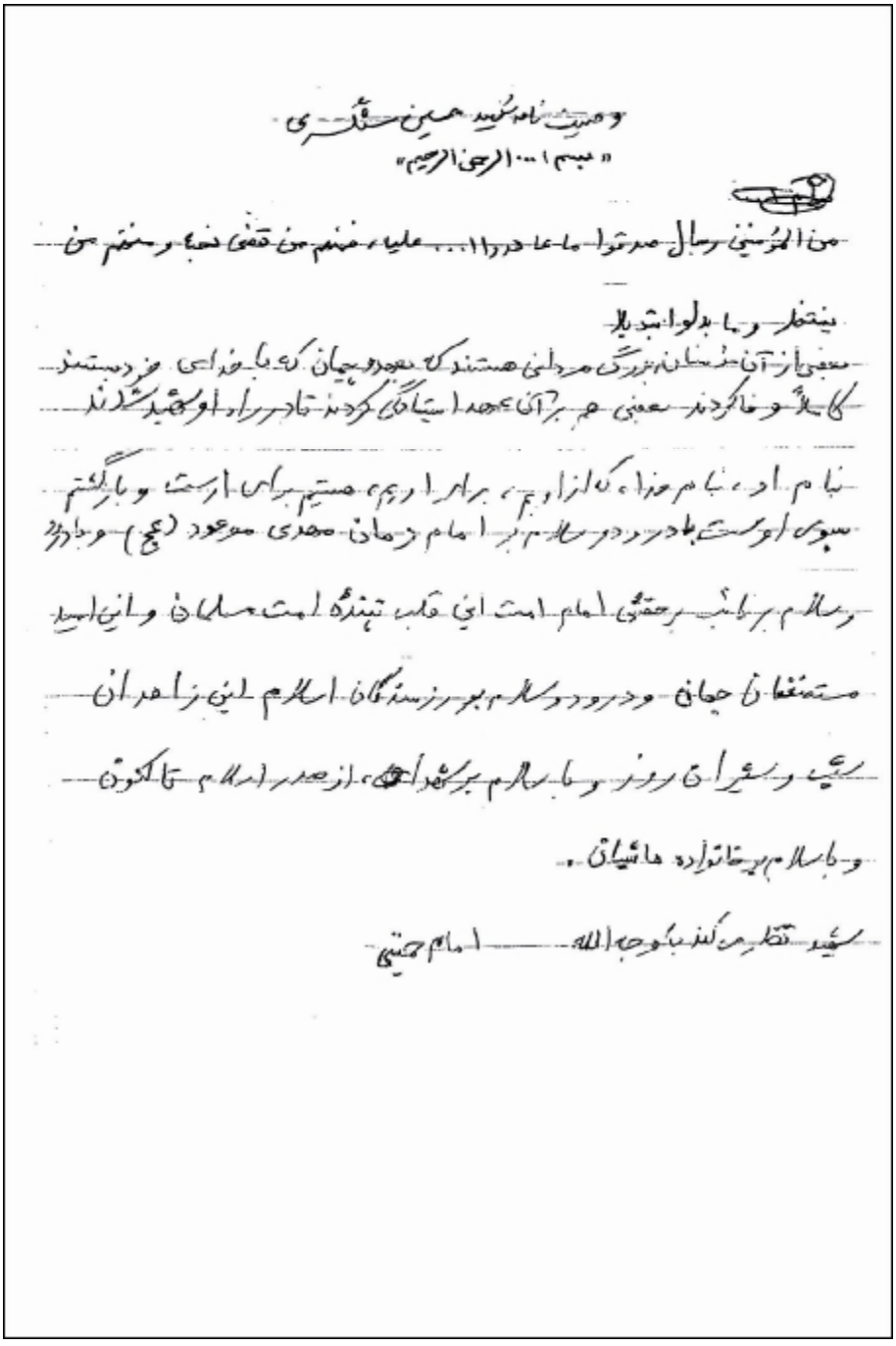
خدایا خدایا تا انقلاب مهدی خمینی را نگه‌دار.

«والسلام و علیکم و رحمة الله و برکاته»

بنده حقیر خدا

حسین سنگسری

1- در اصل وصیت «بیاد».



وصیت نامه شهید حسین سنگری

"بسم الله الرحمن الرحیم"

من المؤمنین رجال صدقوا ما عاهدوا الله علیه فمنهم من قضی نحبه و منهم من ینتظر و ما بدلوا تبدیلا

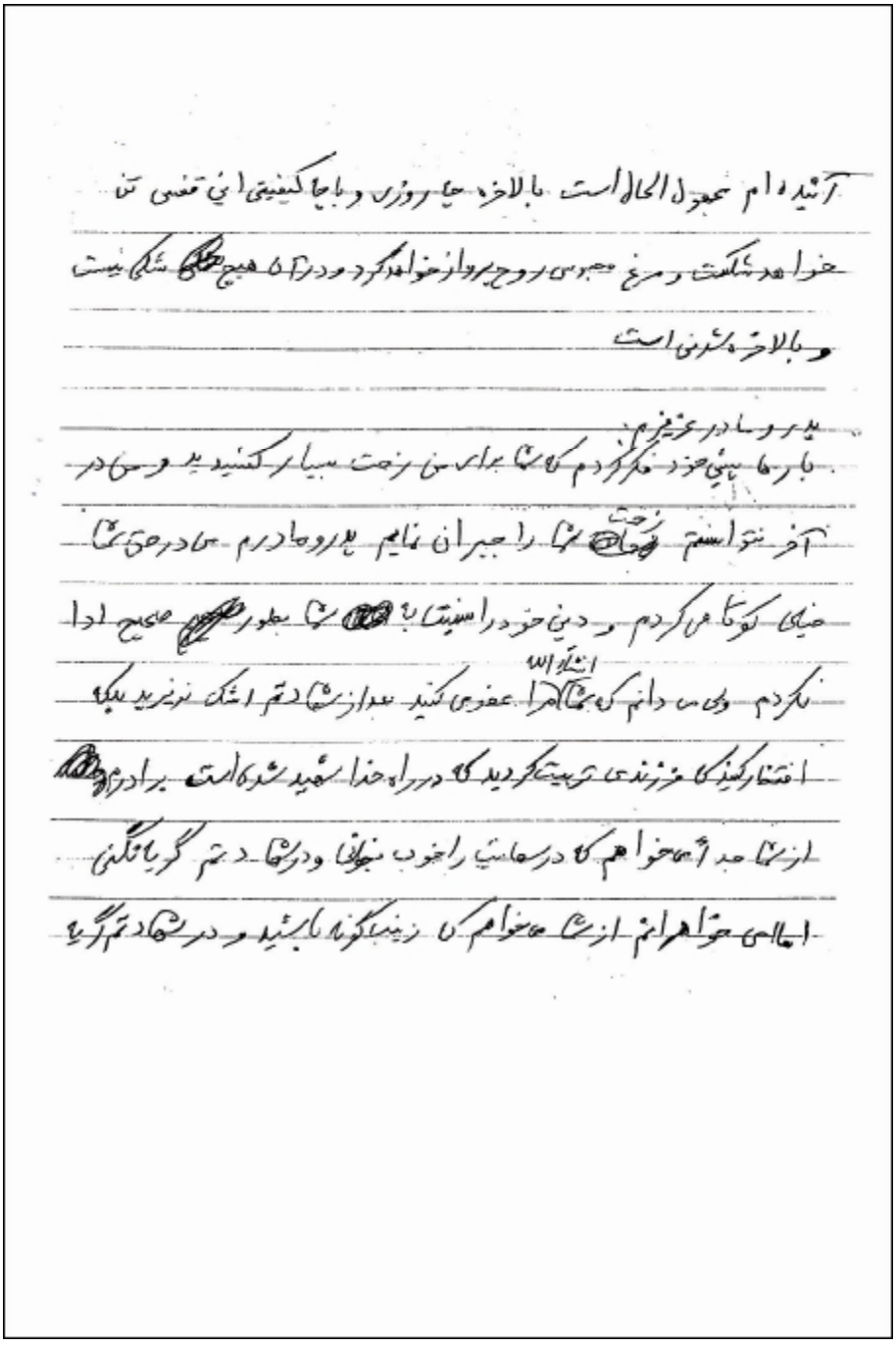
بعضی از آن شخصان بزرگ مردانی هستند که بعهد و پیمان که با خدای خود بستند کاملاً وفا کردند بعضی هم بر آن عهد استقامت کردند تا در راه او شهید شدند

بنام او، بنام خدا، که از او هستم، برای او زیستم، هستیم برای او رستم و بازگشتم بسوی اوست با درود و سلام بر امام زمان مهدی موعود (عج) و با درود و سلام بر نائب برحقش امام امت این قلب تپنده امت مسلمان و این امید مستضعفان جهان و درود و سلام بر رزمندگان اسلام این زاهدان شب و شیران روز و با سلام بر شهدای اسلام از صدر اسلام تا کنون و با سلام بر خانواده های شهیدان.

شهید تقدیم کند بکوچه الله ـــــ امام خمینی

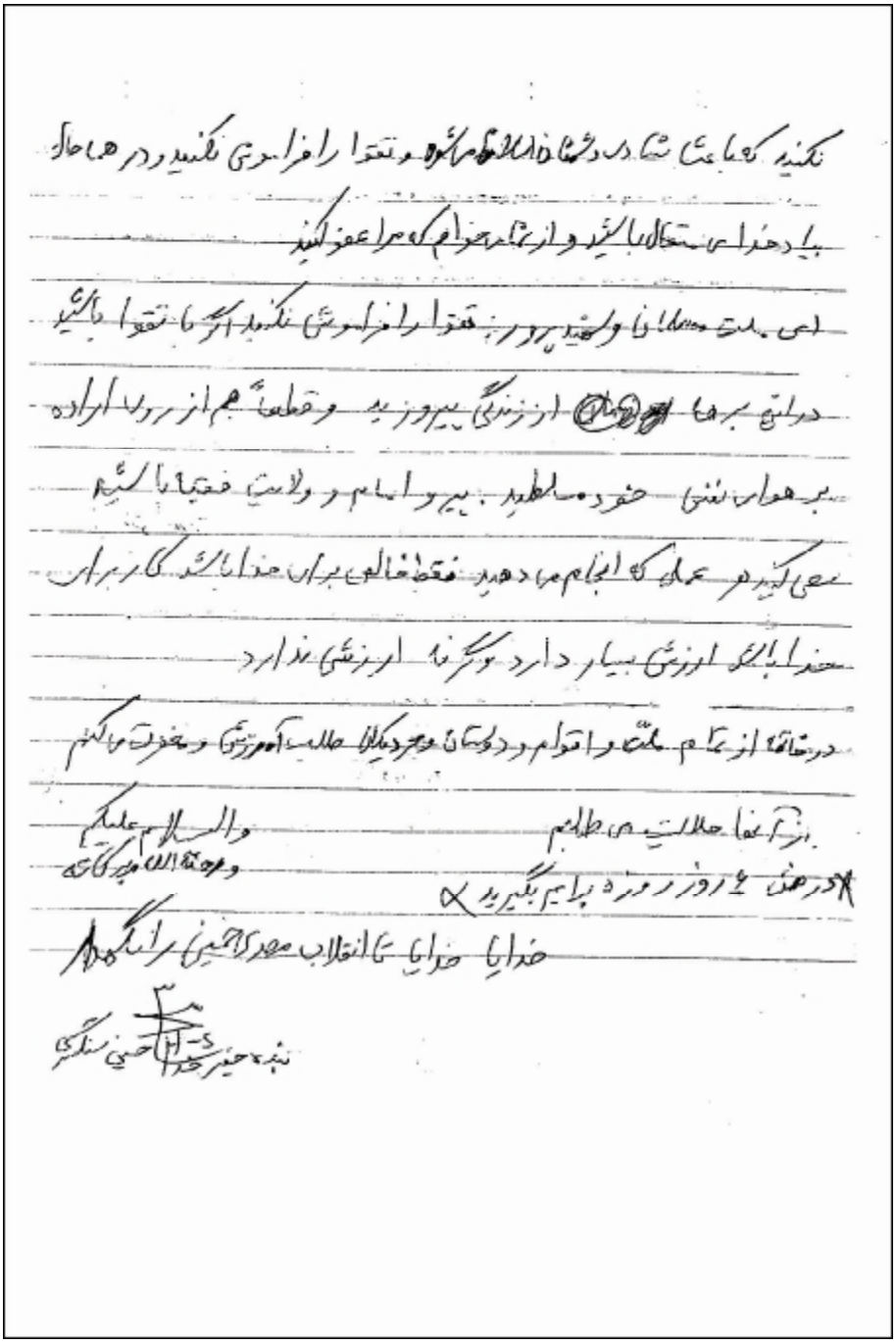
شهادت هدیه‌ای است گرانبها از جانب خداوند تبارک و تعالی
برای بندگان خالص خود که نصیب هر کسی نمی‌شود انسان
باید راهی را انتخاب کند که سعادتش در آن خط باشد و با عشق
سوگند به سعادت خونین راهی پایم بگردد پیمودن خط خونین ابا عبدالله
الحسین (ع) که راه تمامی شهدای انقلاب اسلام است

[redacted]
ای دوستان عزیزم
آنگاه که حجاب را از روی انسانها خالی می‌بینید، دمی رخطاهای از روی جا قطع
نظر کنید و به حاسوسات خود را کنار گذارید و از روی جاییر به وسوی
خویشتن برگردید و در خلأ وجود خود فرو روید و با دقت بنگرید [redacted]
[redacted] که گذشتها رفتار و



آینده ام مجهول الحال است بالاخره چه روزی و با چه کیفیتی این قفس تن
خواهد شکست و مرغ محبوس روح پرواز خواهد کرد و در آنجا هیچ شکی نیست
و بالاخره مشرفی است

پدر و مادر عزیزم
بارها پیش خود فکر کردم که شما برای من زحمت بسیار کشیدید و من در
آخر نتوانستم زحمات شما را جبران نمایم پدر و مادرم شما در حق من
خیلی کوتاهی کردم و دین خود را نسبت به شما بطور صحیح ادا
نکردم ولی می دانم که شما مرا ان شاء الله عفو می کنید بعد از شهادتم اشک نریزید بلکه
افتخار کنید که فرزندی تربیت کردید که در راه خدا شهید شده است برادرم
از شما متمنی آنم که در معالجات راجوب بکوشید و در شهادتم گریه نکنید
البته می خواهم از شما بخواهم که زینب گونه باشید و در شهادتم گریه





نام: **حسن**
نام خانوادگی: **سهمی**
نام پدر:**احمد**
نام مادر: **حلیمه**
تاریخ تولد: **دهم آبان** 1343
محل تولد: **روستای کبوترخان از توابع شهرستان دامغان**
تحصیلات: **چهارم متوسطه**
ارگان اعزام‌کننده: **بسیج**
تاریخ شهادت: **بیست‌ودوم اسفند** 1363
محل شهادت: **شرق رود دجله**
نحوهٔ شهادت: **اصابت ترکش**
مزار: **گلزار شهدای فردوس رضای زادگاهش**

عبارت‌های کلیدی

- مادرم به مادران دیگر بگو مبادا از رفتن فرزندشان به جبهه جلوگیری کنند.
- مادرم از اینکه اجازه دادید به جبهه بروم تشکر می‌کنم.
- مبادا در حال بی‌تفاوتی بمیرید.
- دلیل به جبهه آمدن من، توبه بود توبه‌ای بر توبه‌های گذشته.
- به تفاله‌های جهانی بگویید: عاشقان حق از شهادت نمی‌هراسند.

حسن سهمی

بسم‌الله الرحمن الرحیم

به‌نام خدا و دیدن انسانهای باخدا و به‌نام وجدان و دیدن انسان‌های با وجدان. «به‌نام خدایی که اول است و آخر ظاهر است و باطن به‌نام خدایی[1] که والاست در نهایت والایی[2]، نزدیکست و در عین حال بلندمرتبه»[3] و سپاس پروردگار جهانیان را که ابتدای کارها را سعادت و پایان کارها را شهادت قرار داد.

ابتدای وصیت نامه‌ام را مخصوص شما می‌نویسم پدر و مادر گرامی که بعد از خدا تمام امیدم به شماست که باید مرا ببخشید و از تمام گناهانم بگذرید تا بلکه کمی از عذابم کاسته شود. پدر و مادر عزیزم از شما تشکر میکنم به‌خاطر اینکه به من اجازه دادید به جبهه بروم. مادر گرامی به بقیه مادران بگو مبادا از رفتن فرزندشان به جبهه جلوگیری کنند، که فردا در محضر خدا نمی‌توانند جواب زینب(**3**) را بدهند که تحمل 72 شهید را کرد. و سلام من را به رهبر عزیزم برسانید و بگویید تا آخرین قطره خونم سنگر اسلام را ترک نکردم. که انشاءالله مورد رضای خدا واقع شود. ای برادران گرامی مبادا در غفلت بمیرید که علی(**7**) در محراب عبادت شهید شد و مبادا در حال بی‌تفاوتی بمیرید که علی اکبر[4] حسین(**7**) در راه حسین(**7**) و با هدف شهید شد.

و از تمام مردم حلالیت می‌طلبم و خواهشی که دارم این است که هرکسی هر چه بدی از من دیده مرا ببخشد که من تحمل سوختن در جهنم را ندارم.

و در آخر ما همگی با بینشی که از اسلام داشتیم به جبهه آمدیم و در راه خدا و برای رضای خدا شهید شدیم و دلیل جبهه آمدن من این بوده که توبه‌ای کنم بر توبه‌های گذشته

1- در اصل وصیت «خدائی».

2- در اصل وصیت «والائی».

3- عبارت شهید ترجمه‌ای آزاد از سخنان مولای متقیان علی(**7**) است که در نهج‌البلاغه به‌عنوان حمد و ثنای حضرت باریتعالی فرموده است: «الحمدالله الاول فلا شی قبله. والآخر فلا شی بعده والظاهر فلا شیئی فوته والباطن فلا شیئی دونه» (خطبه 96، ص88 ترجمه سید جعفر شهیدی).

4- ر.ک. تعلیقات.

و به تفاله‌های جهانی بگویید[1] عاشقان حق نه تنها از شهادت نمی‌هراسند بلکه با آغوش باز به استقبالش می‌روند.

پدر و مادر و خواهران و برادران گرامی اگر می‌توانید هر کدام چند روزی برایم روزه بگیرید و اگر وقت کردید هر روز صبح دو رکعت نماز برایم بخوانید.

من مبلغ 200 تومان به برادر حسن رضی‌آبادی بدهکارم این مبلغ را اداء کنید و 150 تومان تکیه ابوالفضل بیاندازید، 50 تومان به‌خاطر اعزام شدن به جبهه و 100 تومان به‌خاطر شهید شدنم.

شهید شاهد [...][2] عشق است شهادت رخش هستی بخش عشق است

شهید سعید است و شهادت سعادت است.

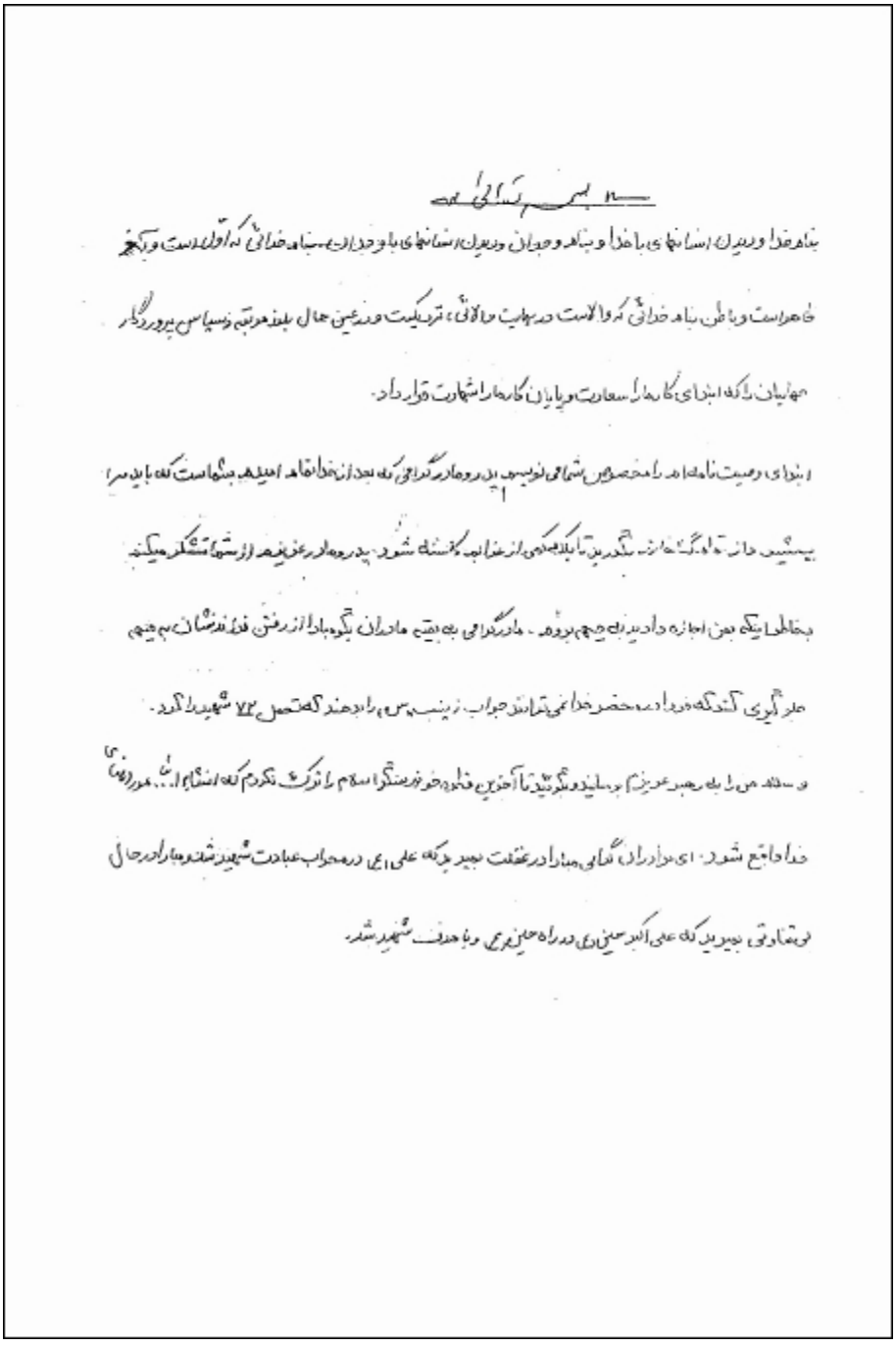
«والسلام»

63/12/18

حسن سهمی

1- در اصل وصیت «بگوئید».

2- خوانا نیست.



وارثان مورد حلالیت می طلبم و خواهشی که دارم این است که هرکسی هرچه بدی از من دیده حلالم بکند

که من تقصیر نسوختن در جبهه را ندارم.

و در آخر ماه مهر با دنیایی که از اسلام داشتم به جبهه آمدیم و در راه خدا و برای رضای خدا شهید شدیم.

دلیل بر این آمدن من این بوده که توبه ای کنم بر توبه های گذشته و به قیامت های جهانی بگویند عاشقان

حق نه تنها از شهادت نمی هراسند بلکه با آغوش باز به استقبالش می روند

پدر و مادر و خواهران و برادران گرامی اگر می توانید هر کدام چند روزی بدارم روزه بگیرید و آنچه وقت کنید هر روز

صبح دو رکعت نماز بجا بیاورید.

من مبلغ ۲۰۰ تومان به مادر حسن رمضانی بدهکارم این مبلغ را ادا کنید

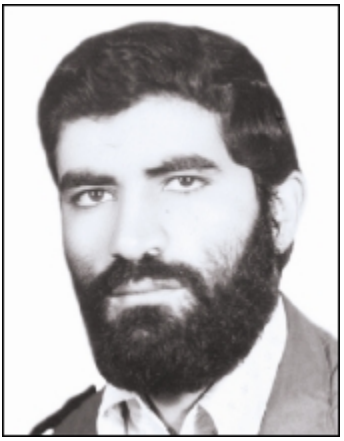
و ۱۵۰ تومان نیز به ابوالفضل بیانداز. ۵ تومان بخاطر اعزام شدن به جبهه و ۱۰ تومان بخاطر شهید شدنم.

شهید شاهد فرا عشق است. شهادت رخش جهت بخش عشق است

شهید سعیداست و شهادت سعادت است

والسلام

۶۲/۱۲/۱۸



نام: **سیدابراهیم**
نام خانوادگی: **سیادت**
نام پدر: **سیدحسین**
نام مادر: **هاجر**
تاریخ تولد: **دوم مرداد** 1335
محل تولد: **شهر سرخه از توابع شهرستان سمنان**
تحصیلات: **پایان دورهٔ ابتدایی**
ارگان اعزام‌کننده: **بسیج**
تاریخ شهادت: **دهم آذر** 1366
محل شهادت: **ماووت عراق**
نحوهٔ شهادت: **اصابت ترکش**
مزار: **گلزار شهدای زادگاهش**

عبارت‌های کلیدی

- خداوند بزرگ امروز پاسداری از اسلام را بعهده من و شما گذاشته و باید این وظیفه را خوب اداء کنیم.
- شهدا شاهد اعمال ما هستند.
- امروز ما ادامه دهنده راه این شهیدان هستیم.
- شما امت حزب‌الله باید جبهه‌ها را پر کنید و هیچگاه امام را تنها نگذارید.
- از خط اصیل ولایت فقیه و روحانیت اصیل منحرف نشوید.
- در نمازهای جمعه و جماعات بیشتر شرکت نموده و همیشه در صحنه انقلاب حاضر شوید.
- دشمنان اسلام از این اتحاد و همبستگی وحشت دارند.
- در شهادتم استوار و مقاوم ایستادگی نموده و مشت محکمی بر دهان دشمنان و منافقین کوردل بزنید.
- همسرم از شما می‌خواهم که فرزندانم را طوری تربیت کنید که ادامه دهنده راه شهدا باشند.

سیدابراهیم سیادت

بسم‌الله الرحمن الرحیم

برادرم حال که توفیق مهمانی خداوند نصیب من شده است بنا بر مسئولیت شرعی که بر اموال شخصی خود دارم از کل سرمایه مالی که تماماً شما مطلع هستید مبلغی جهت صرف مجالس استفاده کرده و بقیه را[1] جهت امرار معاش خانواده در اختیار فرزندانم قرار دهید با نظارت شما و ابوی بنده و ابوی خانواده. یک دانگ منزل مسکونی شهرک با توجه به قبولی خانواده، چنانچه حاضر باشد. مسئولیت تربیت فرزندانم را بعهده بگیرد و تا آخر عمر بالا سر آنها باشد. به ایشان هدیه می‌نمایم.

سیدابراهیم سیادت

[وصیت‌نامه‌ای دیگر]

بسم‌الله الرحمن الرحیم

«**یا ایها الذین آمنوا استعینوا[2] بالصبر و الصلوة ان الله مع الصابرین. و لا تقولوا[3] لمن یقتل فی سبیل الله امواتا[4] بل احیاء و لکن لا تشعرون**»[5] «ای کسانیکه ایمان آورده‌اید صبر و مقاومت پیشه کنید به ذکر خدا و نماز توسل جویید که خدا یاور صابران است. [و آن کسی که] در راه خدا کشته شده مرده نپندارید بلکه زندگان هستند ولی شما درک این حقیقت را نمی‌کنید».

بار دیگر به دست پیروان آقا ابا عبدالله الحسین(**7**) این راهروان تشیع سرخ از تاریکی به رهبری روح الله، برگ دیگری بر تاریخ شیعه، با کمال قدرت و منطق در مقابل تمام مکتب‌های مادی و مرتجع عرب رقم خورد[6] و همچون کوه استوار در مقابل قدرتهای

1- در اصل وصیت «بقیه جهت».

2- در اصل وصیت «استعینو».

3- در اصل وصیت «تقولو».

4- در اصل وصیت «اموات».

5- بقره/ 153- 154. در اصل وصیت به آیات 152- 154 اشاره شده است.

6- گویا بخشی از عبارت افتاده باشد، در اصل چنین است «با تمام قدرت و منطق که در تمام مکتب‌های مادی و مرتجع عرب بایستاداند».

بزرگ آمریکا و شوروی[1] و دیگر ابرقدرت‌ها[2] ایستادگی نمایند و بار دیگر [به][3] مستضعفین [و به][4] اسلام شوکت و سربلندی در جهان ببخشید.[5] و بعد از 1400 سال اینک حفظ اسلام و حکومت قرآن به عهده این ملت قرار گرفته[6] و باید از این مسئولیت و وظیفه سنگین با تمام قدرت و توان حفاظت کنیم. ای برادران و خواهران حزب‌الله: خداوند بزرگ امروز پاسداری از اسلام را بعهده من و شما گذاشته و باید این وظیفه را خوب اداء کنیم و این درخت اسلام را که با خون هزاران شهید از جنگ بدر[7] و حنین[8] پیغمبر تا عاشورای حسینی و از عاشورای حسینی تا کربلاهای ایران آبیاری و برجسته شده را باید پاسداری دقیق نماییم[9] که مسئولیتی سنگین است و شهدا شاهد اعمال ما هستند و با اتکاء به عنایات الهی در پناه الطاف فخیمه باری تعالی و بر رهبری نایب برحق امام زمان(عج) با تمام نیرو بر خصم زبون هجوم بریم و اسلام عزیز را یاری دهیم که این شهیدان بزرگ برای اعتلای کلمه حق لا اله الا الله به‌سوی محبوب خویش شتافتند و به سعادت اخروی و دنیوی خویش رسیدند و امروز ما ادامه دهنده راه این شهیدان هستیم حالا که جنگ به موقعیت حساس رسیده با این کمبودهای ظاهری باید[10] ایستادگی کرد و هر چه بیشتر به رزمندگان کمک مالی و جانی، و نباید گذاشت که اسلحه این عزیزان به زمین بماند از شجاعت و قهرمانی آنها نمی‌توان آگاه شد و از امت حزب‌الله می‌خواهم که پیام اخیر امام که فرموده «امروز بر همه واجب است که دفاع و جنگ را تا پیروزی نهایی ادامه بدهیم».[11]

وه که یک جان دارم و در دل هزارم آرزوست جان‌فشانی‌ها به خاک پاک یارم آرزوست

1- در اصل وصیت «شوری».
2- در اصل وصیت «ابرقدرت».
3- در اصل وصیت «به» وجود ندارد.
4- در اصل وصیت «و به» وجود ندارد.
5- در اصل وصیت «ببخشید».
6- در اصل وصیت «گردیده است».
7- ر.ک. تعلیقات.
8- ر.ک. تعلیقات.
9- در اصل وصیت «نمائیم».
10- در اصل وصیت «با».
11- صحیفه امام، ج 15، ص 386.

و شما امت حزب‌الله باید جبهه‌ها را پر کنید و هیچگاه امام را تنها نگذارید و گوش به فرمان او باشید و از خط اصیل ولایت فقیه و روحانیت اصیل منحرف نشوید و در نمازهای جمعه و جماعات بیشتر شرکت نموده و صف آنها را مستحکمتر نموده و همیشه در صحنه انقلاب حاضر شوید، چون دشمنان اسلام از این اتحاد و همبستگی وحشت دارند و مشت محکمی بر دهان ابر جنایتکاران جهانی می‌باشد. و حال خدمت پدر و مادرم امید است که مرا مورد عفو و بخشش قرار دهید. [و] چونکه جوان بودم و حتماً نافرمانی از من سرزده است، حال که این نعمت الهی نصیب من شده است از خداوند منان برایم طلب آمرزش کنید و من افتخار می‌کنم که پدری مثل شما داشتم که راه جبهه را شما خودت به ما نشان داده و امید است که در شهادتم استوار و مقاوم ایستادگی نموده و مشت محکمی بر دهان دشمنان و منافقین[1] کوردل بزنید و همچنین از مادرم می‌خواهم موقع شنیدن خبر شهادتم دست را به درگاه خداوند بلند نموده و از خدا طلب بخشش برایم کند و مادرم امید است که مرا مورد عفو و بخشش قرار دهید چون همه می‌دانید که مادر چه زحمتی برای فرزند خود میکشد و از اول گفتند[2] که بهشت زیر پای مادران است لذا امید است مرا ببخشید و گریه نکنید و بیاد مولا آقا ابا عبدالله الحسین(**7**) باشید و برای امام و رزمندگان دعا کنید و در مجلس و غیره کاری نکنید که منافق سوءاستفاده کند که اگر چنین کردید شهدا از شما ناراضی خواهند[3] شد و مادرم بدانید که [شما] فرزند خود امانتی بود داشتید و سالم به صاحبش تحویل دادید باید خدا را شکر کنید همسرم، امیدوارم که در طول این چند سال زندگی اگر در مواردی تندی کردم مرا ببخشی همسرم، خداوند از تو راضی باشد چون من از تو راضی هستم، همسرم زندگی یک کلاس درس بیش نیست که انسان باید دیر یا زود امتحان پس بدهد و اگر من داوطلب به جبهه برای حق و اسلام عازم شدم شاید موقع امتحانم فرا رسیده باشد به هر حال از اینکه تو را و فرزندانم را تنها گذاشتم[4] امیدوارم ببخشی چون ما ایمان داریم که نگه‌دار ما خداست چون خدا را قادر مطلق می‌دانیم پس

1- ر.ک. تعلیقات.

2- در اصل وصیت «گفتند».

3- در اصل وصیت «خواهد شد».

4- در اصل وصیت «گذشتم».

نگران نباش امیدوارم بعد از من بچه ها را خیلی خوب تربیت کنی[1] و از تو خواهش میکنم برایم گریه نکنی خوشحال باش، زیرا تو همسر یک شهید بسیجی لبیک گوی پیرجماران[2] حسین زمان هستی و پاداش خود را در آخرت از فاطمه زهرا(3) دریافت خواهی کرد و همسرم از شما میخواهم که فرزندانم را طوری تربیت کنید که ادامه دهنده راه شهدا باشند.

[وصیت‌نامه‌ای دیگر]

بسم‌الله الرحمن الرحیم

سلام علیکم

برادر عزیز و همسنگر مقاوم و مبارز بر خود لازم دانستم که در واپسین لحظاتی که عازم پیکار می‌گردیم و می‌میرم تا جانیان تاریخ را در شطی از خون خویش غرق سازیم برایت سخن و پیامی داشته باشم و زحمات و خدماتی را که در حقم روا داشتی با زبان الکن خود سپاسگزار و شاکر باشم علی(7) را گفتند برادرت را بیشتر دوست می‌داری یا دوستت را فرمود برادرم را اگر دوست باشد. تو جدا از آنکه برادری بسیار عزیز و مهربان و باصفایی بودی دوست و هم رزم و هم سنگر باوفایی بودی که همیشه در زندگی یار و یاورم بودی و آنگاه که عازم صحنه‌های پیکار می‌گشتم با آغوش گرم مرا در بر می‌گرفتی و خدمت و سرپرستی خانواده‌ام را پذیرا می‌شدی و باری [از] غم را از دوشم برمی‌داشتی و مرا در رزم با ستمگران یاری می‌دادی حال که مشیت خداوند بر این تعلق گرفته تا در کاروانیان عاشورا و کربلا به حرکت درآییم[3] و نامان در خیل فاتحان کربلا ثبت و ضبط گردد بر تو همسنگرم مجداً درود می‌فرستم و امیدوارم غم دوری برادرت را صابر باشی و با قوت ایمان [و] قوی خود بر مشکلات زندگی فائق آیی و رسالت تربیت و پرورش فرزندانم را بعهده گیری و برای[4] خانواده‌ام چون همیشه سرپرست و غمخوار و یاور باشی و آنان را تنها نگذاری و دست نوازش پدرانه بر سر یتیمانم کشی تا جای خالی پدر شهید خود را احساس نکنند و دل خوش دارند که خدا جانشین شهید در خانواده است و بر این باور

1- در اصل وصیت «کن».

2- «پیر جماران» تعبیری بود که برای امام خمینی بکار می‌رفت.

3- در اصل وصیت «درآئیم».

4- در اصل وصیت «و از».

باشند که پدر خود را به سفر فرستاده‌اند که باید به او بپیوندند تا او را دریابند و آنگونه تربیت گردند تا رسالت خون پدر خویش را مردانه و دلیرانه بر دوش کشند و سلاح به خون نشسته باباشان را هرگز به زمین نگذارند و تا بویی از جانیان تاریخ در صفحه روزگار مشام آدمیان را می‌آزارد مردانه در صحنه‌های پیکار برزمند تا در این پیکار مقدس به ما بپیوندند، و تو برادرم امید آن دارم که تو نیز چون همیشه توفیق خدمت به اسلام و مسلمین را داشته باشی و سلاح خونین برادر را بی‌کس نگذاری و هر چند در فراقم باید کوهی از مشکلات و مصیبت و مسئولیت را حامل باشی، نباید فراموش کنی که ما پیرو حسینیم و رهرو زینب کبرا(**3**) برادر عزیز و فداکارم امیدوارم بعد از شهادتم با جد خود نبی اکرم اسلام تقاضا نمایی و از خداوند منان بخواهی که خون برادرت را به گرمی پذیرا باشد و در زمرهٔ شهدای کربلا محشورش گرداند.

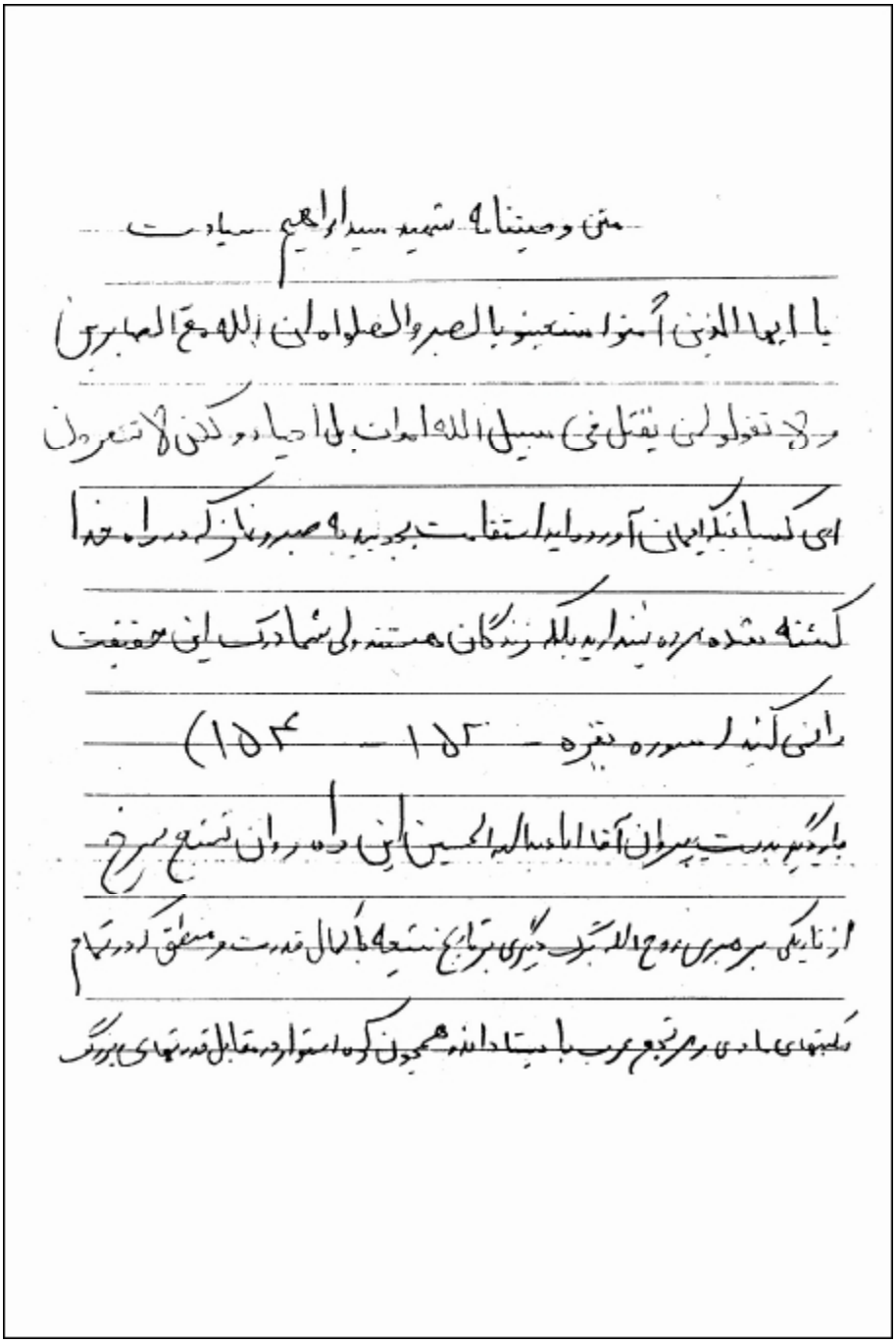
«والسلام»[1]

ارادتمند[2] **شما برادرت سید ابراهیم سیادت**

لذا آخر: برادرم اگر صلاح می‌دانید نامه را بدهید به سید مصطفی بخواند از ایشان مجداً می‌خواهم گوش به حرف دیگران ندهد.

1- در اصل وصیت «وسلام».

2- در اصل وصیت «ارتمند».



متن وصیتنامه شهید سید ابراهیم سیادت

یا ایها الذین آمنوا استعینوا بالصبر والصلوة ان الله مع الصابرین

ولا تقولوا لمن یقتل فی سبیل الله امواتٌ بل احیاءٌ ولکن لا تشعرون

ای کسانیکه ایمان آورده اید استقامت بجوئید با صبر و نماز که در راه خدا

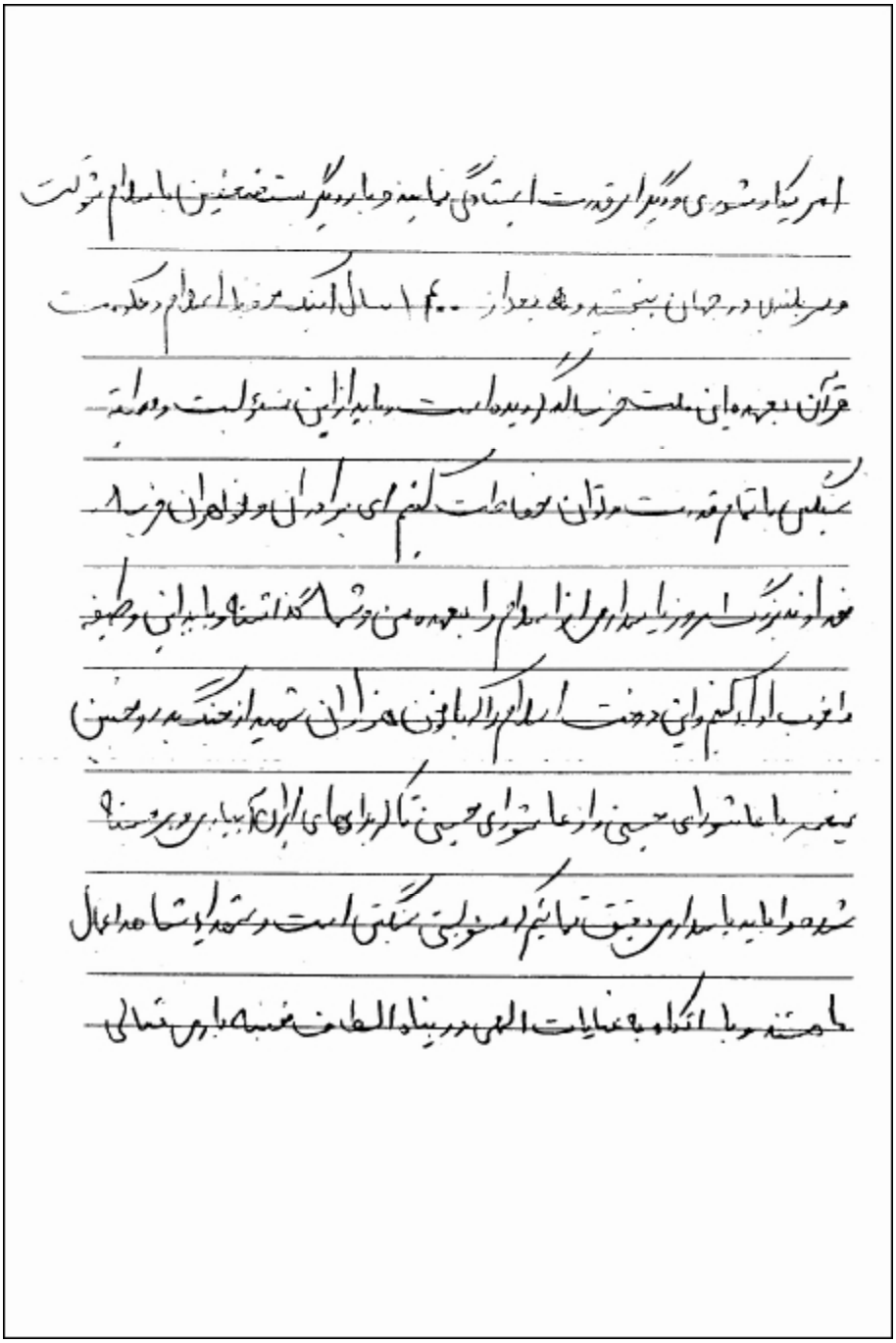
کشته شده مرده نپندارید بلکه زندگان هستند ولی شما درک این حقیقت

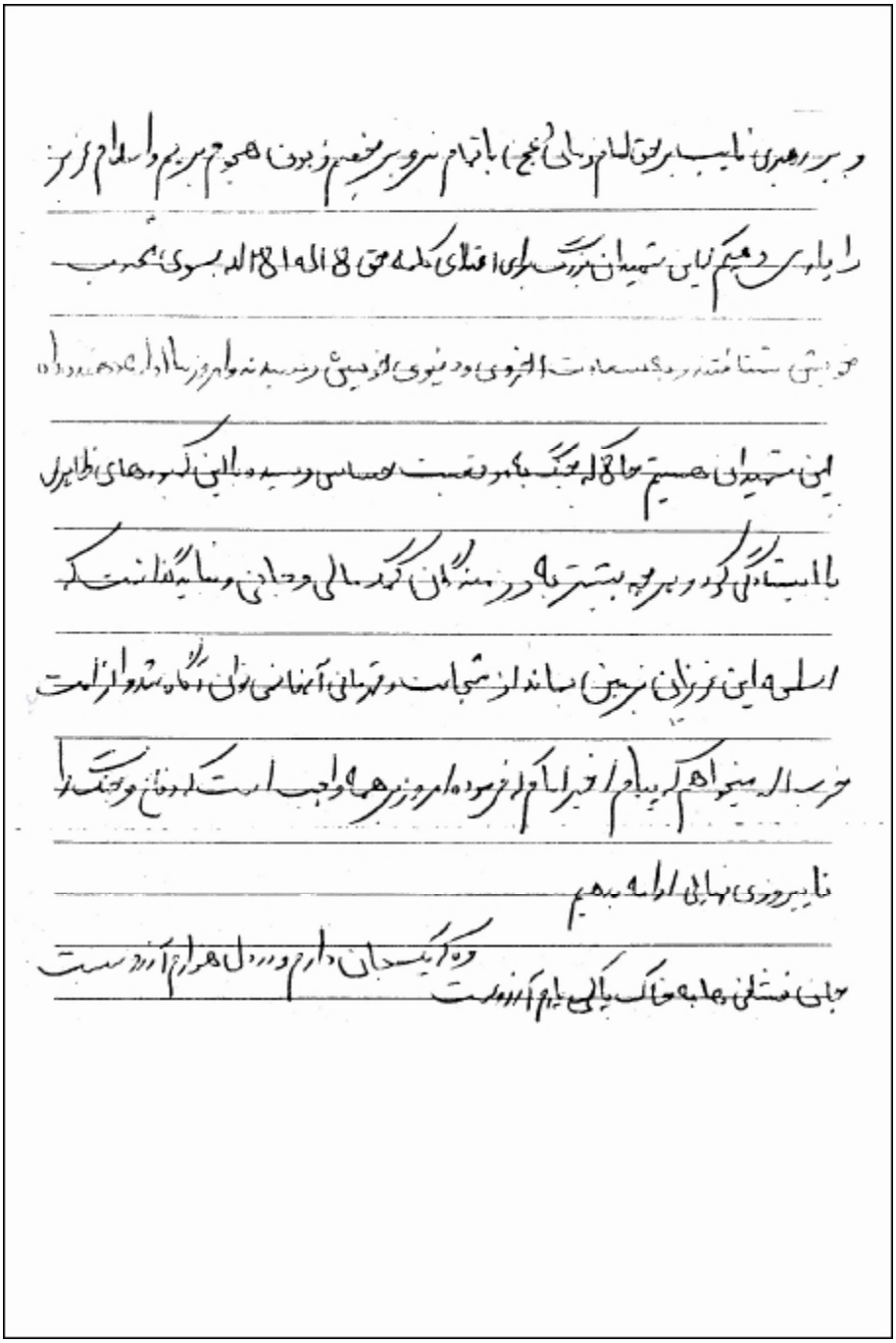
را نمی کنید (سوره بقره - ۱۵۳ - ۱۵۴)

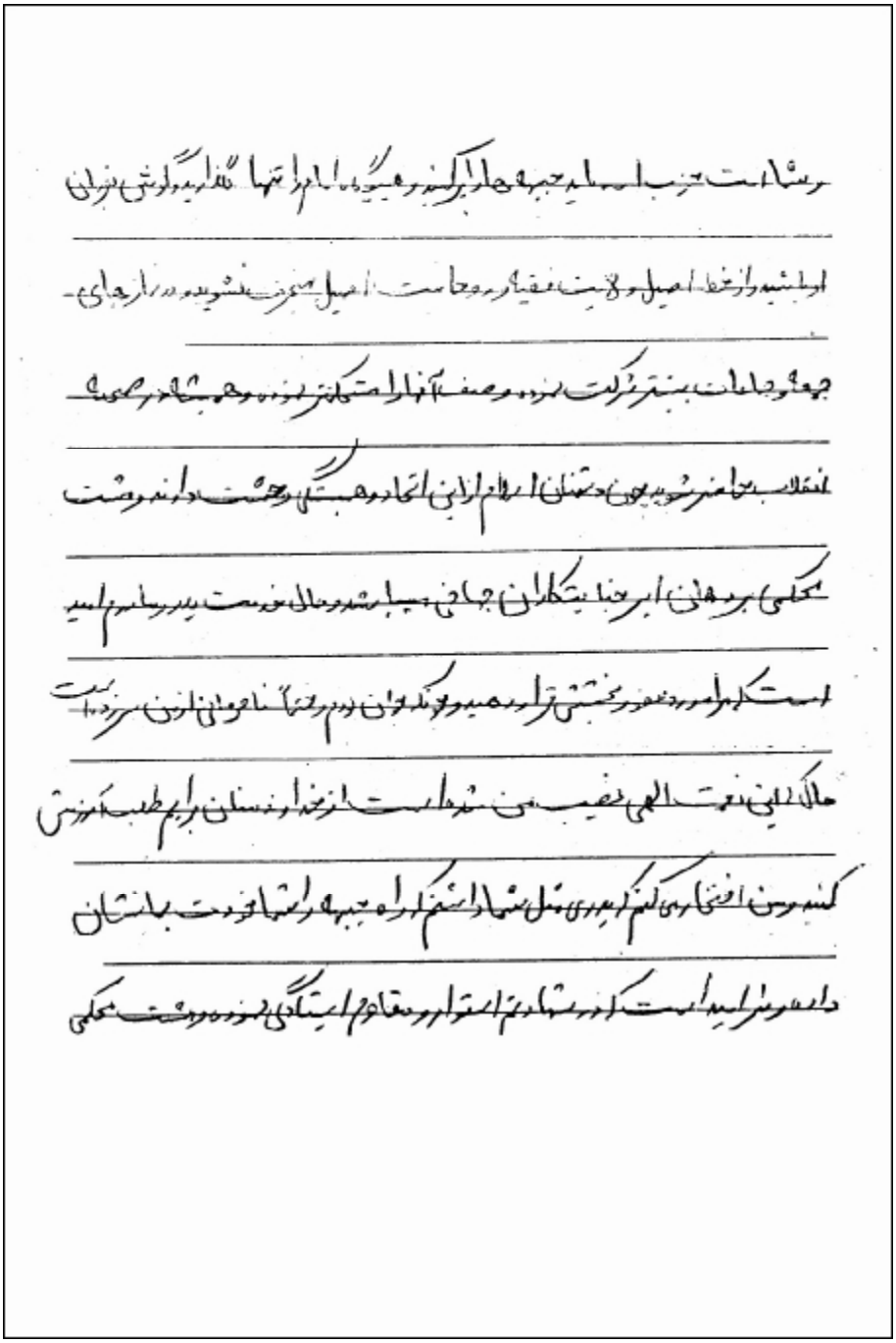
باید گفت پیروان آقا امام حسین این دوران تشنج برخ

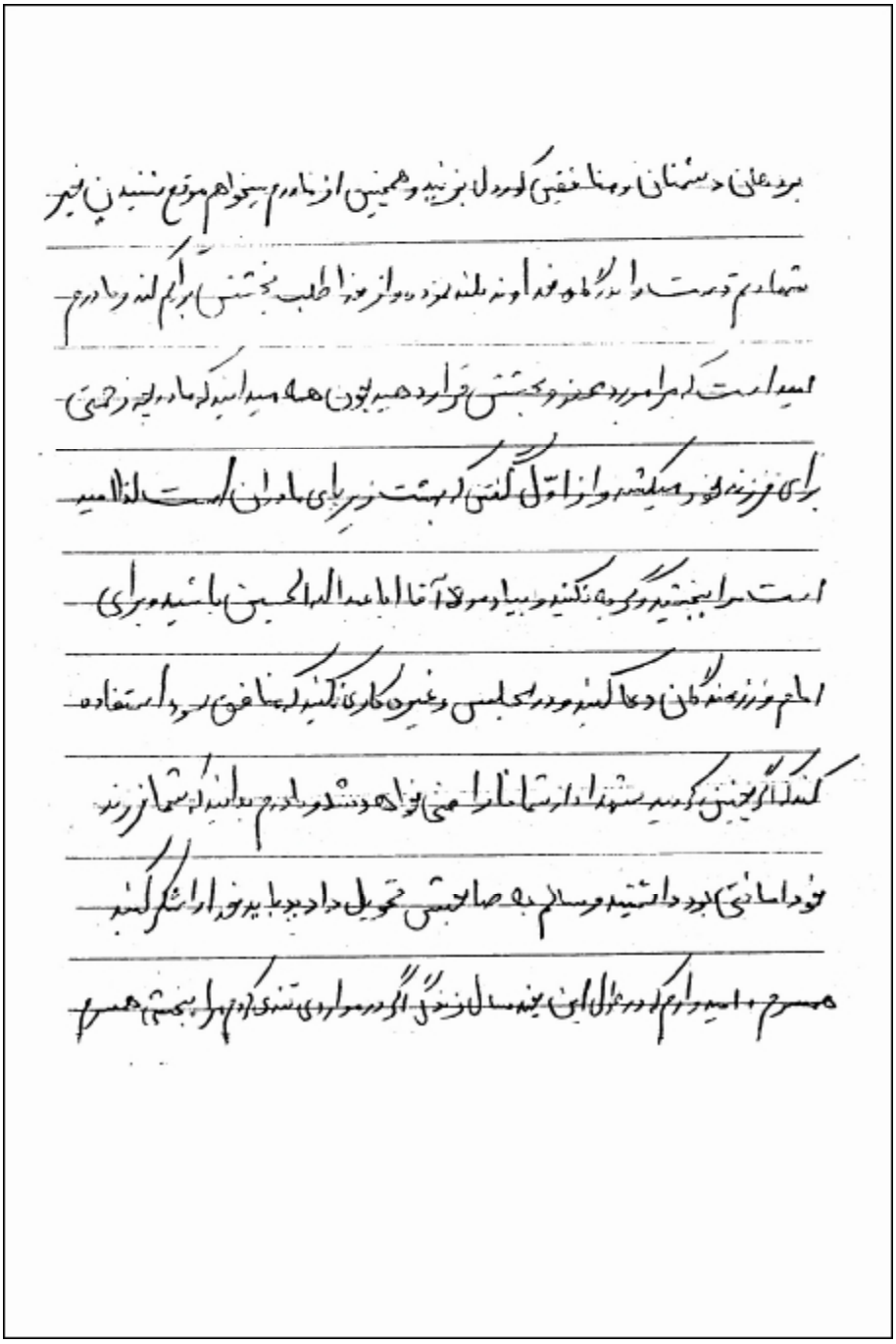
از نابکار بر مبری روح الله بزرگ دیگری بر تابع شیعه با کمال قدرت و متفق کرده تمام

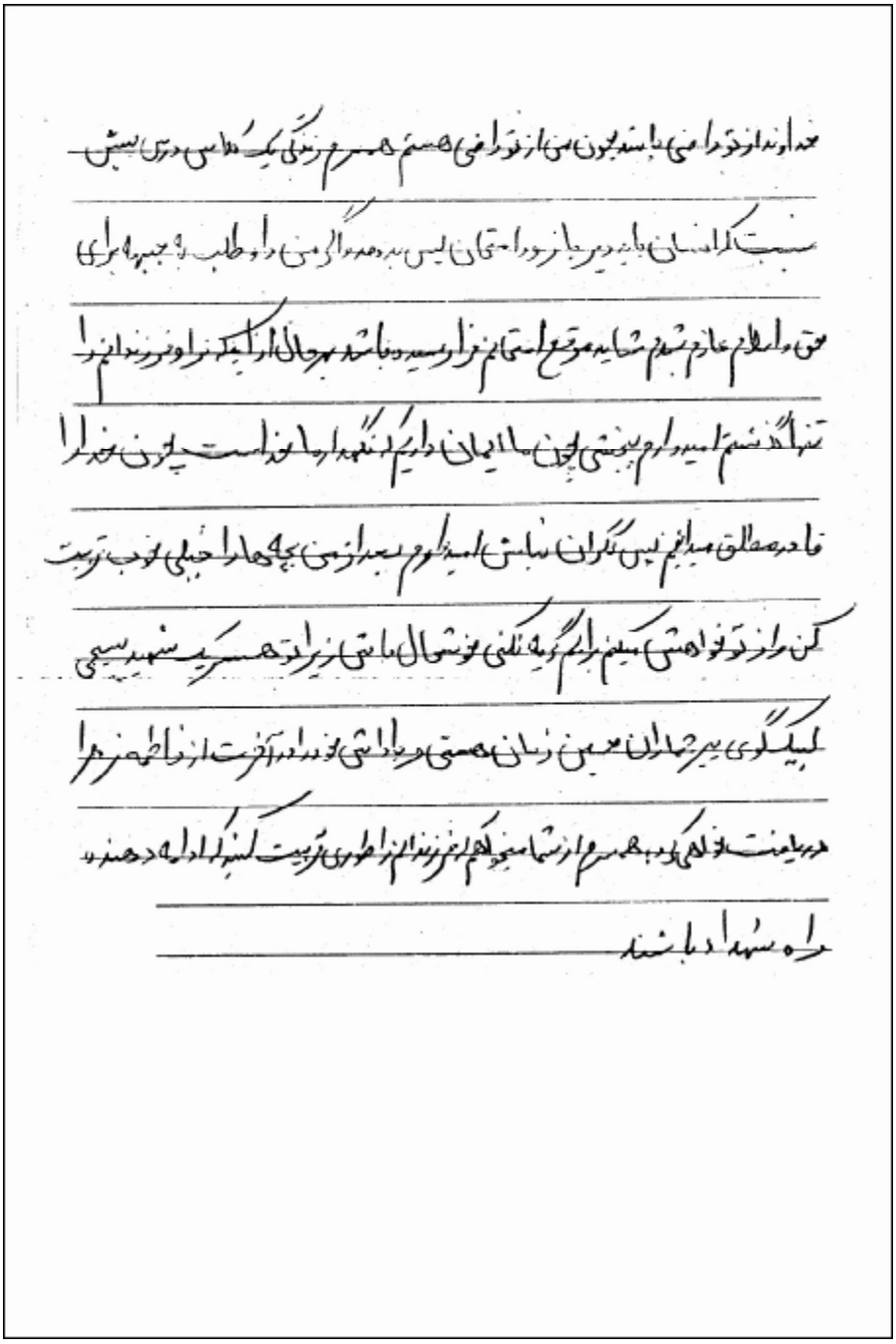
کشورهای اسلامی و مرتجع عرب با ستاد اند همچون گروه استوار در مقابل قدرتهای بزرگ

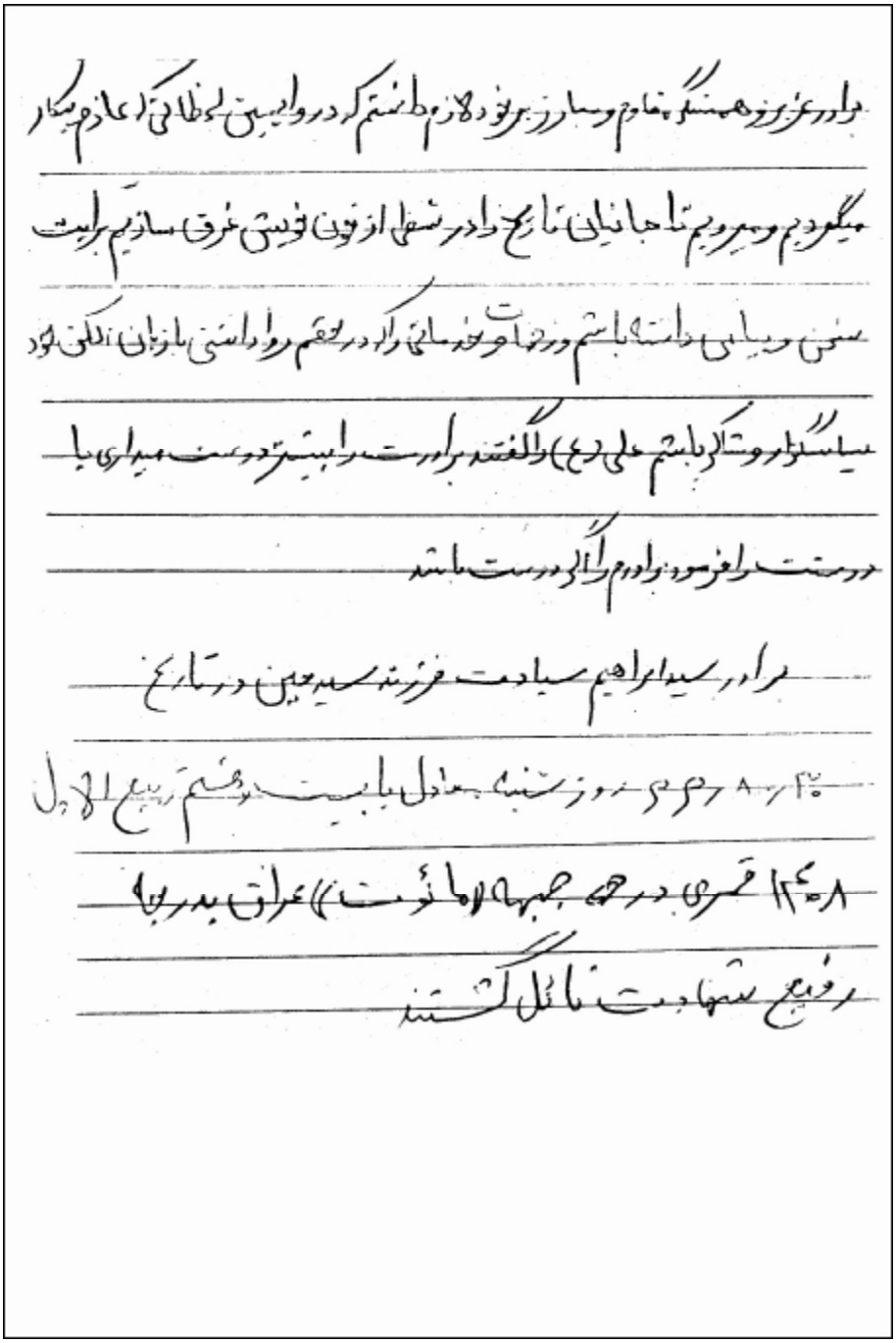


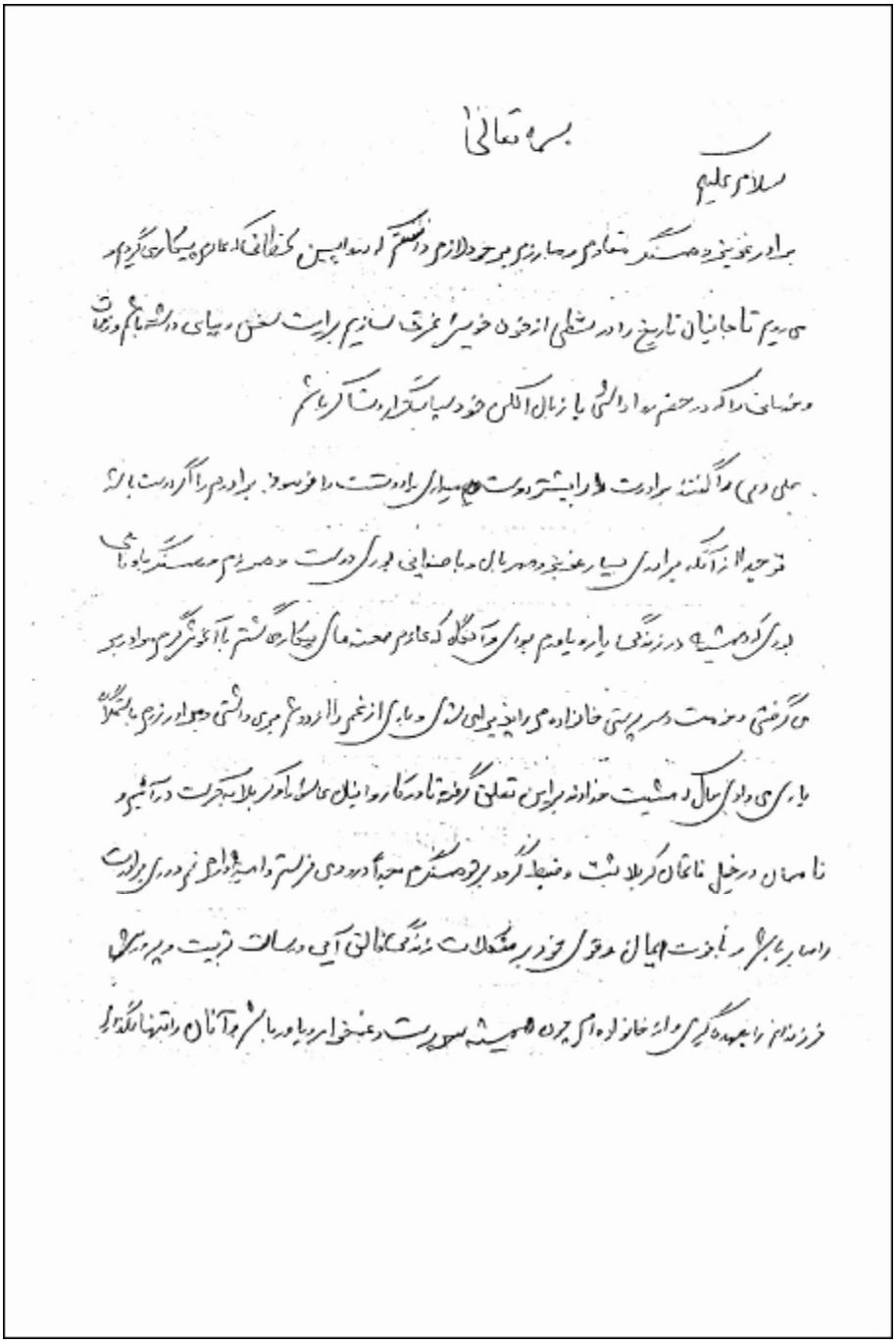


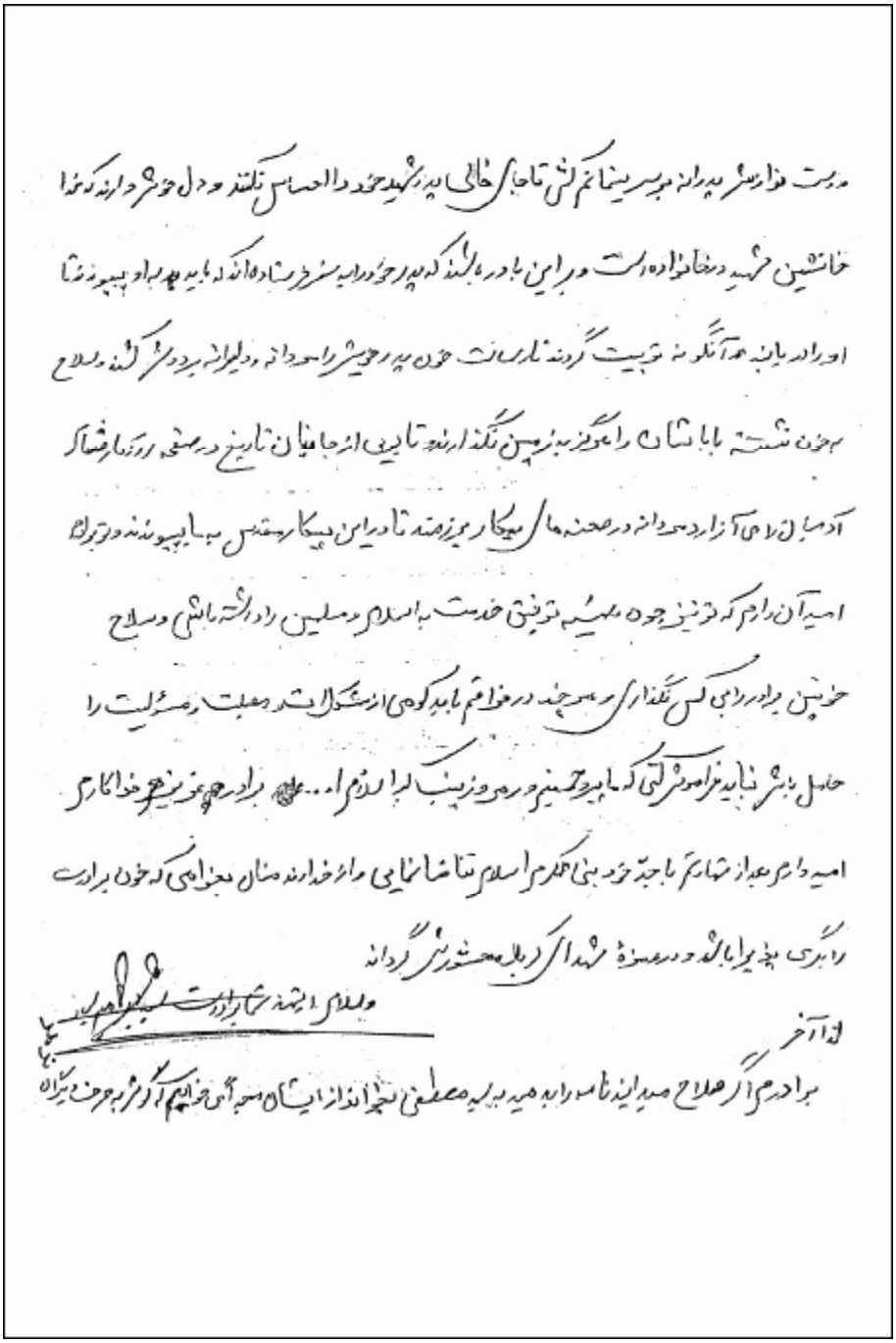












بسمه تعالی

- برادرم- حال که توفیق سعادتمند نصیب من شده.

- امت نیابت و مسئولیت شرعی که بر اموال شخصی خود دارم.

- از کل سرمایه‌ای که تاکنون شما مطلع هستید مبلغی جهت صرف مجالس استفاده کرده و بقیه جهت امرار معاش خانواده در اختیار.

- فرزندانم خواهد بود با نظارت شما و برادر بزرگ‌تر خانوادگی.

- دائن منزل مسکونی مشترک با توجه به قبولی خانواده پدرم.

- حاضر باشد مسئولیت تربیت فرزندانم را عهده‌دار شود تا.

آخر عمر بالای سر آنها باشد به اینان هدیه می‌نمایم.

~~طلبه = ۱۸ روز مال عهده ات باشد گواه گرفته شود~~

سید ابراهیم سیادت

۵۹/۹/۳۱



نام: **سیدمهدی**
نام خانوادگی: **سیادت**
نام پدر: **سیدابوالقاسم**
نام مادر: **هاجر**
تاریخ تولد: **بیستم اردیبهشت 1345**
محل تولد: **شهرستان تهران**
تحصیلات: **دانشجوی کارشناسی**
ارگان اعزام‌کننده: **بسیج**
تاریخ شهادت: **بیست‌وچهارم اسفند 1363**
محل شهادت: **شرق رود دجله**
نحوهٔ شهادت: **اصابت ترکش**
مزار: **گلزار شهدای فردوس رضای شهرستان دامغان**

عبارت‌های کلیدی

- همیشه و در تمام هنگام پشتیبان ولایت فقیه بوده و در خط ولایت قرار بگیرید.
- دل امام را به درد نیاورده و همیشه دعاگوی امام باشید.
- نمازهای جماعت و جمعه را بپا دارید، که اصل پیروزی ما را تشکیل داده است.
- هرگز بر پیروزیهای بسیار خود، مغرور نشوید که مایه شکست شما خواهد بود.
- به دنیا دل نبندید و کارهایتان را فقط و فقط برای خدا انجام دهید.
- خواهرانم وصیت من بر شما حفظ حجاب و زینب‌گونه بودن است.
- نماز را بپای دارید که ستون دین است.

سیدمهدی سیادت

بسم الله الرحمن الرحیم

«انا لله و انا الیه راجعون»[1]

سلام علیکم

با سلام و درود بر امام زمان شفاعت‌کننده شهیدان و نایب برحقش امام روح‌الله شاهد شهیدان کربلای ایران و با سلام بر شهیدان انقلاب و جنگ تحمیلی این شافعان ملت اسلام.

سلام بر ملت شهیدپرور ایران بخصوص مردم عزیز و گرامی دامغان که اینگونه فرزندان خود را به‌سوی جبهه‌ها روانه میکنند تا شاید شفیعی برای خود در آخرت داشته باشند.

این بنده حقیر و ذلیل خدا سیدمهدی سیادت نام پدر سیدابوالقاسم دارنده شماره شناسنامه 1185 صادره از تهران با اعتقاد داشتن به یگانگی خداوند متعال و ایمان به رسول خدا و اعتقاد به ائمه اطهار و قبول داشتن قرآن به‌عنوان آخرین کتاب آسمانی و اعتقاد داشتن به اسلام به‌عنوان آخرین دین. من با توجه به فرمان امام و رهبر کبیر انقلاب بپا خاستم و هیچگاه با تبلیغات سوء این راه را انتخاب نکردم و تا آخرین نفس و آخرین قطره خون در این راه جانباری خواهم کرد، تا هنگامی که خداوند مرا لایق شهادت دانست و جان ناقابل مرا ستاند من خود را در مقامی نمی‌بینم که شایستگی پیام دادن به شما ملت شهیدپرور را داشته باشم ولی برحسب وظیفه نکته‌ای چند را متذکر می‌شوم

1- همیشه و در تمام هنگام پشتیبان ولایت فقیه بوده و در خط ولایت قرار بگیرید.

2- دل امام را به درد نیاورده و همیشه دعاگوی امام باشید.

3- نمازهای جماعت و جمعه را بپا دارید که اصل پیروزی ما را تشکیل داده است.

4- هرگز بر پیروزی‌های بسیار خود مغرور نشوید که مایه شکست شما خواهد بود.

5- به دنیا دل نبندید و کارهایتان را فقط و فقط برای خدا انجام دهید و دنیا را بهانه نسازید که از آخرت غافل خواهید شد و این غفلت را جبران نتوان کرد.

1- بقره/ 156.

و حال پدر و مادر عزیزم شما خود می‌دانید که من از شهیدان صدر اسلام تاکنون، شهیدانی چون علی‌اکبرها[1]، قاسمها[2]، بهشتی‌ها[3] و... بهتر نیستم و به مراتب مقامی بس کمتر و پایین‌تر[4] دارم. پس از شما می‌خواهم که در مرگ من زیاد خود را ناراحت نکنید که از ثواب اخروی شما کاسته خواهد شد.

پدر عزیز تو خود با راه من یعنی راه امام من موافق بودی و هستی پس آن را ادامه بده که پایان آن ختم به بهشت است. مرا حلال کن. مادر گرامی از تو می‌خواهم که از شهادت من خشنود[5] باشی و بر آن افتخار کن تا شاید خداوند گناهانت را انشاء الله بیامرزد. حلالم کن مادر عزیز.

خواهرانم وصیت من بر شما حفظ حجاب و زینب‌گونه بودن است و نماز را بپای دارید که «ستون دین است»[6] وصیت من بر هم‌کلاسیها و دوستان محصلم این است که تحصیل را بهانه خود نسازند ببینند مملکت به چه چیز احتیاج دارد تحصیلاتتان را برای خدا انجام دهید اگر به‌جایی[7] رسیدید مغرور نشوید که باعث سرافکندگی شما خواهد شد نماز جماعت را به پای دارید به نماز جمعه حتماً بروید طبق وصیت امام حتماً قرآن [را] بخوانید. پیام من به دشمنان اسلام این است که: دیگر فاتحه کفر و شرک و نفاق را بخوانند که اسلام سفره این ابر جنایتکاران را از زمین برخواهد چید، که دیگر ظلم بر زمین نماند.

ما شیشه‌ایم باک نیست از شکست — شیشه چو بیشتر شکند تیزتر شود
وقت آن آمد که من عریان شوم — جسم بگذارم سراسر جان شوم
اقتلونی اقتلونی یا ثقات — اجتذب قلبی و جدلی بالقات

یک ماه روزه قرض دارم که تقاضا دارم برایم بگیرید. پدر در تمام موارد بر من اختیار تام دارد.

1- ر.ک. تعلیقات.
2- ر.ک. تعلیقات.
3- ر.ک. تعلیقات.
4- در اصل وصیت «پائین‌تر».
5- در اصل وصیت «خوشنود».
6- ترجمه حدیث «الصلوة عمود الدین» از رسول اکرم(6) است نهج‌الفصاحه. ص 280 ترجمه پاینده، غرویان.
7- در اصل وصیت «بجائی».

اشهد ان لا اله الا الله اشهد ان محمد رسول الله اشهد ان علی ولی الله

در پایان از تمام ملت شهیدپرور و امام امت حلالیت می‌طلبم. خدایا خدایا تا انقلاب مهدی خمینی را نگه‌دار.

«والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته»

بنده حقیر خدا سید مهدی سیادت

62/12/6

بسم الله الرحمن الرحیم
انا لله و انا الیه راجعون.

سلام علیکم

باسلام و درود بر امام زمان. شفاعت کننده شهیدان و نایب برحقش امام روح الله شاهد شهیدان کربلای ایران و باسلام بر شهیدان انقلاب و جنگ تحمیلی این شافعان ملت اسلام.

سلام بر ملت شهیدپرور ایران بخصوص مردم عزیز و گرامی دامغان که اینگونه فرزندان خود را به سوی جبهه ها روانه میکنند تا شاید شفیعی برای خود در آخرت داشته باشند.

این بنده حقیر و ذلیل خدا سیدمهدی سیادت نام پدر سیدابوالقاسم دارنده شماره شناسنامه ۱۱۸۵ صادره از تهران با اعتقاد داشتن به یگانگی خداوند متعال و ایمان به رسول خدا و اعتقاد به ائمه اطهار و قبول داشتن قرآن بعنوان آخرین کتاب آسمانی و اعتقاد داشتن به اسلام بعنوان آخرین دین. من با توجه بفرمان امام و رهبر کبیر انقلاب بپاخاستم و هیچگاه با تبلیغات سوء اینراه را انتخاب نکردم و تا آخرین نفس و آخرین قطره خون در اینراه جانبازی خواهم کرد تاهنگامیکه خداوند مرا لایق شهادت دانست و جان ناقابل مورد استفاده من خود را در مقامی نمی بینم که شایستگی پیام دادن بشما ملت شهیدپرور را داشته باشم ولی برحسب وظیفه نکته ای چند را متذکر میشوم

۱ـ همیشه و در تمام هنگام پشتیبان ولایت فقیه بوده و در خط ولایت قرار بگیرید

۲ـ دل امام را بدرد نیاورده و همیشه دعاگوی امام باشید

۳ـ نمازهای جماعت و جمعه را بپادارید که اصل پیروزی ما را تشکیل داده است

۴ـ هرگز بر پیروزیهای بسیار خود مغرور نشوید که مایه شکست شما خواهد بود

۵ـ بدنیا دل نبندید و کارهایتان را فقط به فقط برای خدا انجام دهید و دنیا را بهانه نسازید که از آخرت غافل خواهید شد. و این غفلت را جبران نتوان کرد.

و حال پدر و مادر عزیزم شما خود میدانید که من از شهیدان صدر اسلام تاکنون، شهیدانی چون علی اکبرها، قاسمها، بهشتی ها و.... بهتر نیستم و بمراتب مقامی بس کمتر و پائین تر دارم پس از شما میخواهم که در مرگ من زیاد خود را ناراحت نکنید که از ثواب اخروی شما کاسته خواهد شد پدر عزیز تو خود بار اه من یعنی راه امام من موافق بودی و هستی پس آنرا ادامه بده که پایان آن ختم به بهشت است مرا حلال کن. مادر گرامی از تو میخواهم که از شهادت من خوشنود باشی و بر آن افتخار کن تا شاید خداوند گناهانت را انشاءالله بیامرزد

حلالم کن مادر عزیز

خواهرانم وصیت من بر شما حفظ حجاب و زینب گونه بودن است و نماز را بپای دارید که ستون دین است وصیت من بر همکلاسیها و دوستان محصلم اینستکه تحصیل را بهانه خود نسازند

(بقیه در پشت صفحه)

ببینند مملکت به چه چیز احتیاج دارد تخصیلاتتان را برای خدا انجام دهید اگر بجائی رسیدید مغرور نشوید که باعث سرافکندگی شما خواهد شد نماز جماعت را بپای دارید بنماز جمعه حتماً بروید طبق وصیت امام حتماً قرآن را بخوانید پیام من به دشمنان اسلام اینستکه دیگر فاتحه کفر و شرك و نفاق را بخوانند که اسلام سفره این ابرجنایتکاران را از زمین برخواهد چید که دیگر ظلم بر زمین نماند.

ما شیشه‌ایم بـاك نیست از شکست شیشه چو بیشتر شکند تیزتر شود

وقت آن آمد که من عریان شوم جسم بگذارم سراسر جان شوم
اقتلونـی اقتلـونی یـا ثقـات اجتذب قلبی وجـدلی بالقـا

یکماه روزه قرض دارم که تقاضا دارم برایم بگیرید

پدرم در تمام موارد بر من اختیار تام دارد

اشهد ان لااله الا ا... اشهد ان محمـد رسول ا... اشهد ان علـی ولی ا...

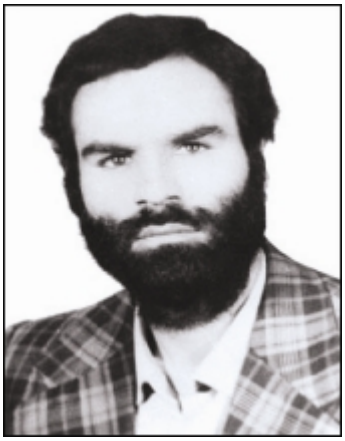
در پایان از تمام ملت شهیدپرور و امام‌امت حلالیت می‌طلبم

خدایا خدایا تا انقلاب مهدی خمینی را نگهدار

والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته

بنده حقیر خدا سید مهدی سیادت

۶۲/۱۲/۶



نام: **سیدمحسن**
نام خانوادگی: **سیادتی**
نام پدر: **سیدعلی**
نام مادر: **زینب**
تاریخ تولد: **یکم بهمن** 1334
محل تولد: **شهرستان مهدیشهر**
تحصیلات: **پایان دورهٔ متوسطه**
ارگان اعزام‌کننده: **بسیج**
تاریخ شهادت: **بیست‌ویکم اسفند** 1362
محل شهادت: **جزیرهٔ مجنون**
نحوهٔ شهادت: **اصابت ترکش**
مزار: **گلزار شهدای امامزاده یحیای شهرستان سمنان**

عبارت‌های کلیدی

- بنا به وظیفه شرعی و جهت کمک به اسلام و انقلاب اسلامی به جبهه‌های حق علیه باطل اعزام شدم.
- من در مکتب حسینی در جبهه‌ها درس شهامت و شهادت را آموخته‌ام.
- عشق به حسین(**7**) و کربلای حسین رزمندگان را وادار می‌کند تا راه کربلا را باز کنند.
- مادرم پیرو راه حضرت زینب(**3**) باش و پسرم آگاه باش که امام خمینی پدر همهٔ شماست.
- پسرم هر وقت به یاد من افتادی، برای امام امت خمینی بت‌شکن دعا کن.
- همکاران از تلاش و مبارزه خود دست برندارید.
- فرزندانم را با اخلاق و رفتار صحیح تربیت کنید.

سیدمحسن سیادتی

بسم الله الرحمن الرحیم

«الذین آمنوا و هاجروا و جاهدوا[1] فی سبیل الله بأموالهم و أنفسهم أعظم درجةً عند الله اولئک هم الفائزون».[2]

«آنانکه ایمان آوردند و هجرت کردند و بکوشیدند در راه خدا به مال‌ها و جان‌های خود درجه و مقام آنها در نزد خداوند بزرگتر است و آنانند رستگاران».

به‌نام خداوند قادر منان که جان و هستی ما در ید قدرت اوست آن خدایی[3] که زمین و آسمان‌ها را خلق نمود و انسان را اشرف مخلوقات در روی زمین قرار داد.

اینجانب بندهٔ خدا سیدمحسن سیادتی فرزند سیدعلی با اعتقاد به وحدانیت خداوند متعال و قبول مذهب اسلام محمدی(**6**) و رسالت حضرت محمدبن عبدالله و امامت دوازده جانشین وی که همه حجت خدا بر روی زمین هستند و آخرین آنها حضرت حجه ابن الحسن العسکری(عج) که در پردهٔ غیبت می‌باشد و هر وقت که خدا خواست جهان را پر از عدل و داد خواهد نمود. با میل و اختیار خود و بنا به وظیفه شرعی جهت کمک به اسلام و انقلاب اسلامی به جبهه‌های حق علیه باطل اعزام شدم. اگر رضای خداوند متعال بر این شد که در راه وی کشته و به فیض شهادت نایل گشتم به این وصیت‌نامه عمل شود.

وصیت به پدر و مادرم: پدر و مادرم از اینکه مرا این چنین تربیت نمودید که لیاقت سربازی امام زمان را داشته باشم از شما متشکرم بدانید و آگاه باشید که خداوند متعال از شما راضی هست و مورد لطف خداوند قرار دارید. پدرم چندین سال زحمت کشیدید و تا این حد مرا بزرگ نموده‌اید خیلی شما را زحمت دادم خیلی کارها کردم که شما راضی به آن نبودید امیدوارم که مرا حلال نموده و از سر تقصیرات من بگذرید که خداوند خوشحال خواهد شد. مادرم به‌خاطر من خیلی ناراحتی کشیدید خیلی شما را اذیت نمودم مادر جان از شما خواهش میکنم مرا عفو فرمایید[4] تا در عذاب نباشم. پدر و مادرم من در مکتب

1- در اصل وصیت «جاهدو».

2- توبه/ 20.

3- در اصل وصیت «خدائی».

4- در اصل وصیت «فرمائید».

حسینی در جبهه‌ها درس شهامت و شهادت را آموخته‌ام عشق به حسین(7) و کربلای حسینی رزمندگان را وادار می‌کند تا راه کربلا را باز کنند ما ملت حزب‌الهی ایران بتوانند به زیارت آن آموزگار شهادت و شهامت و استقامت نایل[1] گردند. مادرم پیرو راه حضرت زینب(3) باش در فقدان فرزندت که امانت خداوند بوده است گریه مکن که از این عمل فقط منافقین[2] و افراد ضد اسلام خوشحال خواهند شد. پدرم یکی از علائم اعتقاد به معاد صبر و استقامت می‌باشد لذا شما صبر پیشه کنید و با صبر خود بر دهان یاوه‌گویان بزنید.

پسرم مجتبی تو خیلی کوچکی بدان و آگاه باش که امام خمینی پدر همهٔ شماست و شما طعم تلخ یتیمی را نخواهید چشید هر وقت بیاد من افتادی برای امام امت خمینی بت‌شکن دعا کن که او نایب برحق امام زمان(عج) می‌باشد.

وصیت به همکاران کارگرم: شما در جبهه کار و کارگری چنان بجنگید تا امریکا و شوروی و هر ابرقدرت ضد اسلام دیگری نتواند بر ملل مظلوم و ستم دیدهٔ بخصوص مسلمانان تسلط پیدا نمایند. شما با کار و تلاش و جدیت خود با اندازهٔ رزمندگان در جبهه‌ها مبارزه می‌کنید لذا از تلاش و مبارزهٔ خود دست برندارید.

در پایان از پدرم خواهش می‌کنم که نظارت بر تمام بدهکاری‌های من داشته باشد و فرزندانم را پدری نماید برای من مدتی نماز بخوانید و یا روزه بگیرید اموال من متعلق به همسرم می‌باشد و از او نیز خواهش میکنم تا عمر دارد اگر می‌تواند روزی یک دفعه برای من نماز بخواند و هفته‌ای یکبار روزه بگیرد اگر نمی‌تواند برای من کفاره بدهد.

با فرزندانم مهربانی نمایید[3] و با اخلاق و رفتار صحیح آنها را تربیت نمایید[4] اگر کسی از من طلبی دارد و می‌بخشد خداوند او را عمر طولانی عطا فرماید وگرنه از پدرم مطالبه نماید از همهٔ کسانیکه حقی بگردن من دارند حلالیت می‌طلبم.

بنده خدا سید محسن سیادتی

1362 /12/4

1- در اصل وصیت «نائل».

2- ر.ک. تعلیقات.

3- در اصل وصیت «نمائید».

4- در اصل وصیت «نمائید».

بسم الله الرحمن الرحیم

الذین امنوا و هاجروا و جاهدوا فی سبیل الله باموالهم و انفسهم اعظم درجة عند الله و اولئک هم الفائزون

سوره توبه آیه ۱۹

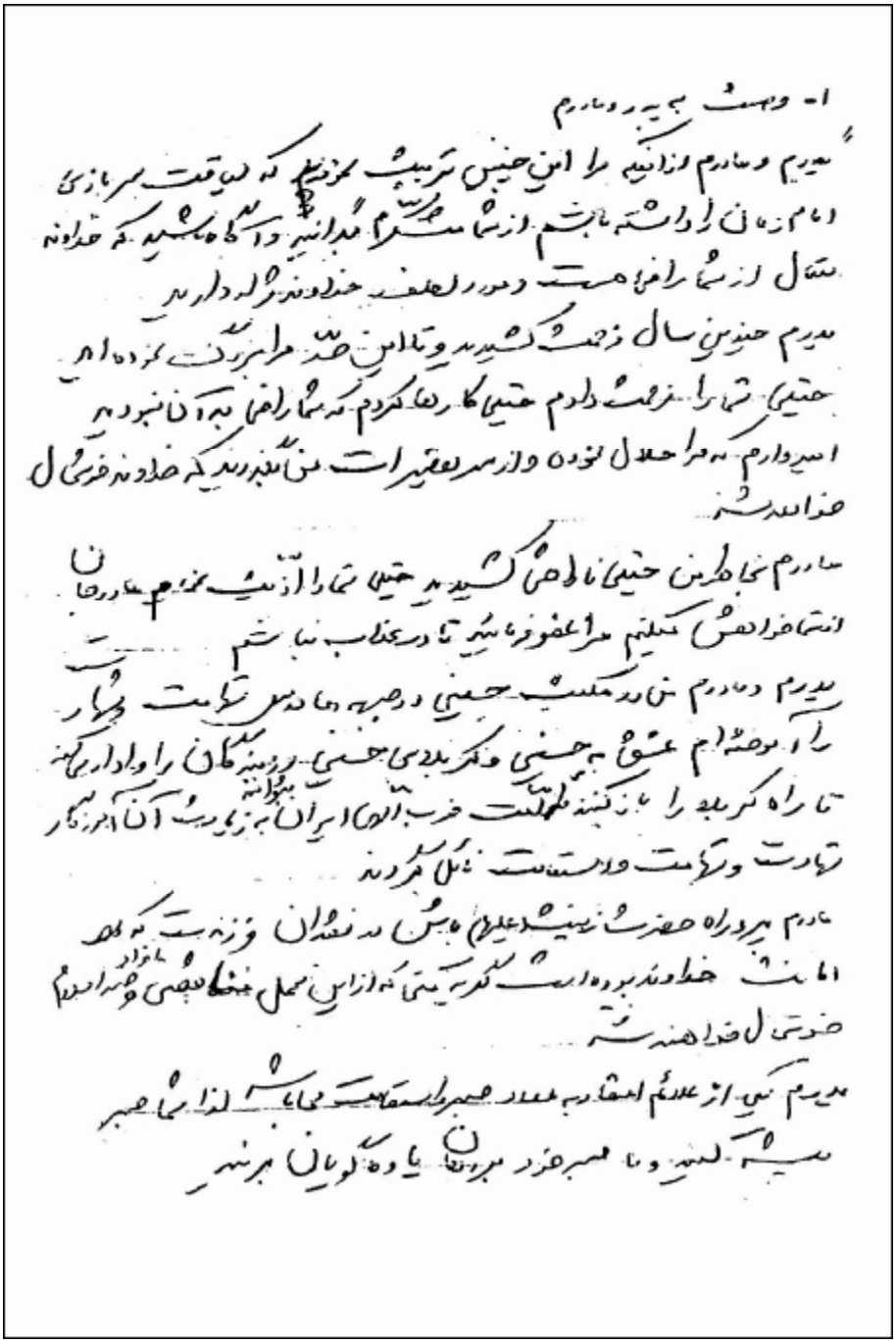
- آنانکه ایمان آوردند و هجرت کردند و بجهاد پرداختند در راه خدا با مالها و جانهای خود درجه و مقام آنها نزد خدا بسیار بزرگ و عظیم است و آنانند که رستگارانند

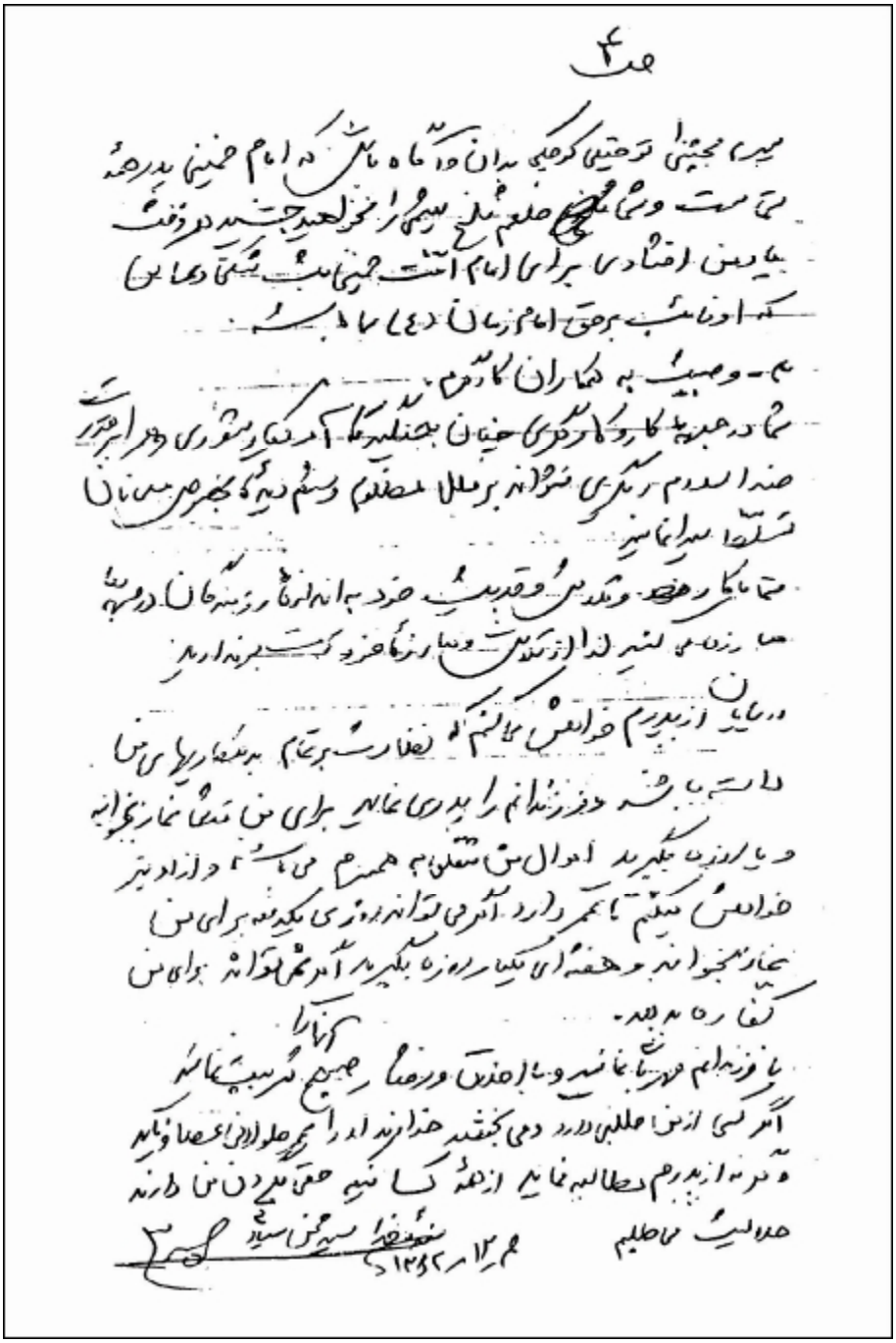
نام خداوند تابان و جاودان و هستی بخش را میستایم و از او مدد میجویم و او را سپاس میگویم که انسان را آفرید و او را به خلافت خود برگزید و آسمانها را خلق نمود و انسان را مشرف به خدمات در راه زمین قرار داد

من ابوالفضل بنیانی فرزند سید محمود و سیده فرزند سید علی با اعتقاد به وحدانیت خداوند متعال و قبول مذهب اسلام و محمدی (ص) و رسالت حضرت محمد بن عبدالله (ص) و دوازده امامانی که همه منتخب خدا بر روی زمین هستند و آخرین آنها حضرت حجة ابن الحسن العسکری که در پرده غیبت می باشد و هر وقت که خدا بخواهد ظهور خواهد نمود، با میل و اختیار خود و بطور کامل وصیت شرعی خود را بشرح زیر اعلام میدارم.

- اینکه به اسلام و انقلاب اسلامی و به هر ندای حق علیه باطل احترام گذارم.

- اگر در راه خداوند متعال و این انقلاب کشته شدم و به فیض شهادت نائل گشتم این وصیت نامه عمل شود.







نام: **سیدمهدی**
نام خانوادگی: **سیداردکانی**
نام پدر: **سیدمحمود**
نام مادر: **مرضیه**
تاریخ تولد: **یکم فروردین** 1340
محل تولد: **شهرستان شاهرود**
تحصیلات: **دانشجوی کارشناسی**
ارگان اعزام‌کننده: **ارتش**
تاریخ شهادت: **پانزدهم شهریور** 1360
محل شهادت: **سر پل ذهاب**
نحوهٔ شهادت: **اصابت گلوله**
مزار: **گلزار شهدای زادگاهش**

عبارت‌های کلیدی

- من از اینکه سرباز اسلام و ایران هستم افتخار می‌کنم.
- افتخار می‌کنم که از مکتبی دفاع می‌کنم که 1400 سال سابقه مبارزه با طاغوت دارد.
- افتخار می‌کنم قدم در راهی می‌گذارم که سرور آزادگان حسین ابن علی(**7**) گذاشت.
- افتخار می‌کنم که از رژیم اسلامی دفاع می‌کنم که رهبرش بر روی موکت زندگی می‌کند.
- هدف و انگیزه من از رفتن به جبهه، فقط و فقط فرمان امام و به‌خاطر پیروزی اسلام بوده.
- تنها راه نجات ما از این بحران حفظ امام و حفظ خط امام است.
- ما تا امام را داریم همه چیز داریم.

سیدمهدی سیداردکانی

بسم‌الله الرحمن الرحیم

بسم رب الشهدا[1] و الصدیقین

«و لا تحسبن الذین قتلوا فی سبیل الله امواتا بل احیاء عند ربهم یرزقون».[2]

«و مپندارید کسانی که در راه خدا کشته شده‌اند مرده‌اند، آنها زنده‌اند و نزد پروردگارشان روزی می‌گیرند».

ملتی که شهادت دارد اسارت ندارد. (امام خمینی)[3]

پدر، مادر و خواهر و برادر، دوستان و همشهریان، در لحظه‌ای[4] وصیت‌نامه خود را می‌نویسم که قرار است به یاری خدا تا ساعتی دیگر به موضع برای حمله به مزدوران بعثی برویم، خواستم در این ساعات آخر سخنی با شما بگویم و وظیفه شرعی[ام را] انجام دهم، اول این که از مال دنیا چیزی ندارم جز مقداری پولی را که از دسترنج خود پس‌انداز کرده‌ام، به مستضعفین بدهید و در دنیا اگر به کسی از روی غرور جوانی بدی کردم مرا ببخشد و حلال کند.

دوم وصیت من این است که در عزای من گریه نکنید زیرا من از اینکه سرباز اسلام و ایران هستم افتخار می‌کنم و شهادت در این راهی که بدان افتخار می‌کنم فوزی عظیم دارد، افتخار میکنم که از مکتبی دفاع می‌کنم که 1400 سال سابقه مبارزه با طاغوت دارد و افتخار می‌کنم قدم در راهی می‌گذارم که سرور آزادگان حسین‌ابن علی(**7**) گذاشت افتخار می‌کنم که دفاع از آب و خاکی می‌کنم که برای حفظ آن طفل 12 ساله خود را به زیر تانک می‌اندازد[5]، افتخار می‌کنم که از رژیم اسلامی دفاع می‌کنم که رهبرش بر روی موکت

1- در اصل وصیت «رب لشهدا».

2- آل عمران/ 169.

3- صحیفه امام، دوره 22 جلدی، تبیان ش 11، آثار موضوعی، ایثار و شهادت در مکتب امام خمینی. موسسه تنظیم و نشر آثار حضرت امام و بنیاد شهید انقلاب اسلامی. چاپ اول. سال 1375

4- در اصل وصیت «لحضه‌ای».

5- ر.ک. تعلیقات ذیل شهید فهمیده.

زندگی می‌کند و غذایش نان و ماست است،[1] افتخار می‌کنم که از ملتی دفاع می‌کنم که دوسال و نیم است در جنگ رویاروی با آمریکا قرار دارد و در این راه از بذل جان و مال دریغ ندارد و من هم جزیی از این ملت هستم.

وصیت من این است هدف و انگیزه من از رفتن به جبهه فقط و فقط فرمان امام و به‌خاطر پیروزی اسلام بوده، پاسداری از خون شهیدان تداوم خط امام و انقلاب است.

برادران، در وضعیتی هستیم که دشمن دیوانه‌وار به ما حمله کرده با ترور، با جنگ، با بمب‌گذاری هر روز پاسداری در خون خود می‌غلتند و دیگر بار ما هشیار نمی‌شویم، هنوز داغ شهدای هفتم[2] تیر بر دل ما بود که دشمن با گرفتن رئیس جمهور و نخست وزیر انقلابیمان[3] داغی دیگر بر دل‌مان گذاشت، آنها به آرزوی خود رسیدند ولی ملتی را داغدار کردند منطق ما هم در این مورد به قول امام «**انا لله**[4] **و انا الیه راجعون**»[5] است. ولی باید مواظب باشیم که دیگر ضایعات ببار نیاید به هر حال تنها راه نجات ما از این بحران حفظ امام و حفظ خط امام است ما تا امام را داریم همه چیز داریم و دعای ما باید این باشد خدایا خدایا تا انقلاب مهدی خمینی را[6] نگه‌دار، خداوند انشاء الله دعای همه را مستجاب نماید.

«والسلام»

60/6/10

مهدی سیداردکانی

1- اشاره به ساده‌زیستی زندگی حضرت امام خمینی است.

2- ر.ک. تعلیقات «7 تیر».

3- اشاره دارد به انفجار دفتر نخست‌وزیری و شهادت شهیدان رجایی و باهنر توسط منافقین.

4- در اصل وصیت «للله».

5- بقره/ 156.

6- در اصل وصیت «خمینی رو».

[وصیت‌نامه‌ای دیگر]

بسم الله الرحمن الرحیم

به‌نام خداوندی که ما را آفرید و انسان‌ها را از نعمات خویش برخوردار ساخت و خداوندی که «بازگشت همه ما به‌سوی اوست»[1] روزی ما بدنیا می‌آییم و یک روز هم از دنیا خواهیم [رفت] و با سلام [و] درود به رهبر عالیقدر و عظیم‌الشأن انقلاب اسلامی و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران امام خمینی که هدایت کننده ما انسان‌های گمراه می‌باشد. همه ما به‌سوی الله رجعت می‌کنیم و چه خوبست که مسؤلیتی را که خداوند بر دوش ما گذاشته است و آنرا پذیرفته‌ایم این بار سنگین را هرچه بهتر بر دوش بکشیم و در قبال الله و جامعه به‌طور کامل به انجام رسانیم. مرگ روزی ما را در آغوش می‌کشد و روح را از بدن ما جدا خواهد کرد. هر انسانی به یک نحو از این دنیا خواهد رفت. یکی در اثر سانحه،[2] دیگری در بستر بیماری و یکی هم در راه جهاد فی سبیل‌الله. چه با شمشیر و چه با قلم و چه با زبان. جهاد در راه الله و مقابله با کفر و باطل و با هر ستمگری.[3] که این گونه افراد شهید شاهد زمان خویش می‌باشند و از خون آنها ریشهٔ اسلام و ریشهٔ حق تنومد می‌شود. و دیگران را به این روش دعوت می‌کند و هر روز بر تعدادشان افزوده می‌گردد. امروز ملت ما در برابر کفر و باطل ایستادگی می‌کند و می‌جنگد و من از خداوند قادر متعال این آرزو را دارم که بتوانم هر چه زودتر به جبهه بروم و با کفر و کفار بجنگم. و اگر لیاقت داشتم شاید در جبهه کشته شوم و کشته شدنم گامی باشد در راه الله و به‌سوی تکامل. و از خداوند می‌خواهم که در بستر بیماری و یا در اثر سانحه عمر خود را به پایان نرسانم و کشته شدنم در راه الله باشد به هر صورت و بیشتر آرزو می‌کنم که در جبهه نبرد اسلام با کفرـ حق بر باطل و نبرد بی‌امان ملت ایران با دولت کفار بعث عراق با از بین بردن مزدوران عراقی کشته شوم. امید دارم که شیعیان ما اسلام را علی را حسین را بشناسند و دیگران را آگاه کنند. اگر ما علی(7) را و حسین(7) را نشناسیم دوست علی(7) و محب[4] علی حسین(7) نخواهم بود و هیچوقت علی(7) و حسین(7) را نخواهم

1- اشاره به آیه «انالله و انا الیه راجعون» سوره بقره/ 156.

2- در اصل وصیت «ثانحه».

3- در اصل وصیت «ستمگر».

4- در اصل وصیت «حب».

شناخت و نمی‌توانیم در راه اسلام و در راه علی و حسین قدم بردارم و اسلام همانطور گنگ و مسخ شده در نظر ما مردم عوام باقی خواهد مانده و این هیچ مشکلی را حل نخواهد کرد و هرگز نمی‌توانیم بر علیه کفر و باطل بپاخیزیم و در راه الله قدم برداریم. در پایان از مادر خویش می‌خواهم که اگر من لیاقت کشته شدن در جبهه را داشتم هیچ ناراحت و گریان و غم زده نباشد. و باید خیلی خوشحال شود که فرزند او لااقل در اثر سانحه[1] و بیماری از دنیا نرفته است. و من افتخار می‌کنم که در جبهه با نابودی کفار کشته شوم چون من لیاقت شهید شدن را ندارم برای اینکه هنوز گناهان من بسیار است و تا پاک شدن من راه بسیار زیادی و پر پیچ و خمی را باید طی کنم.

«والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته»

1- در اصل وصیت «ثانحه».

بسم رب الشهداوالصدیقین ،

ولا تحسبن الذین قتلوفی سبیل الله امواتابل احیاء عندربهم یرزقون

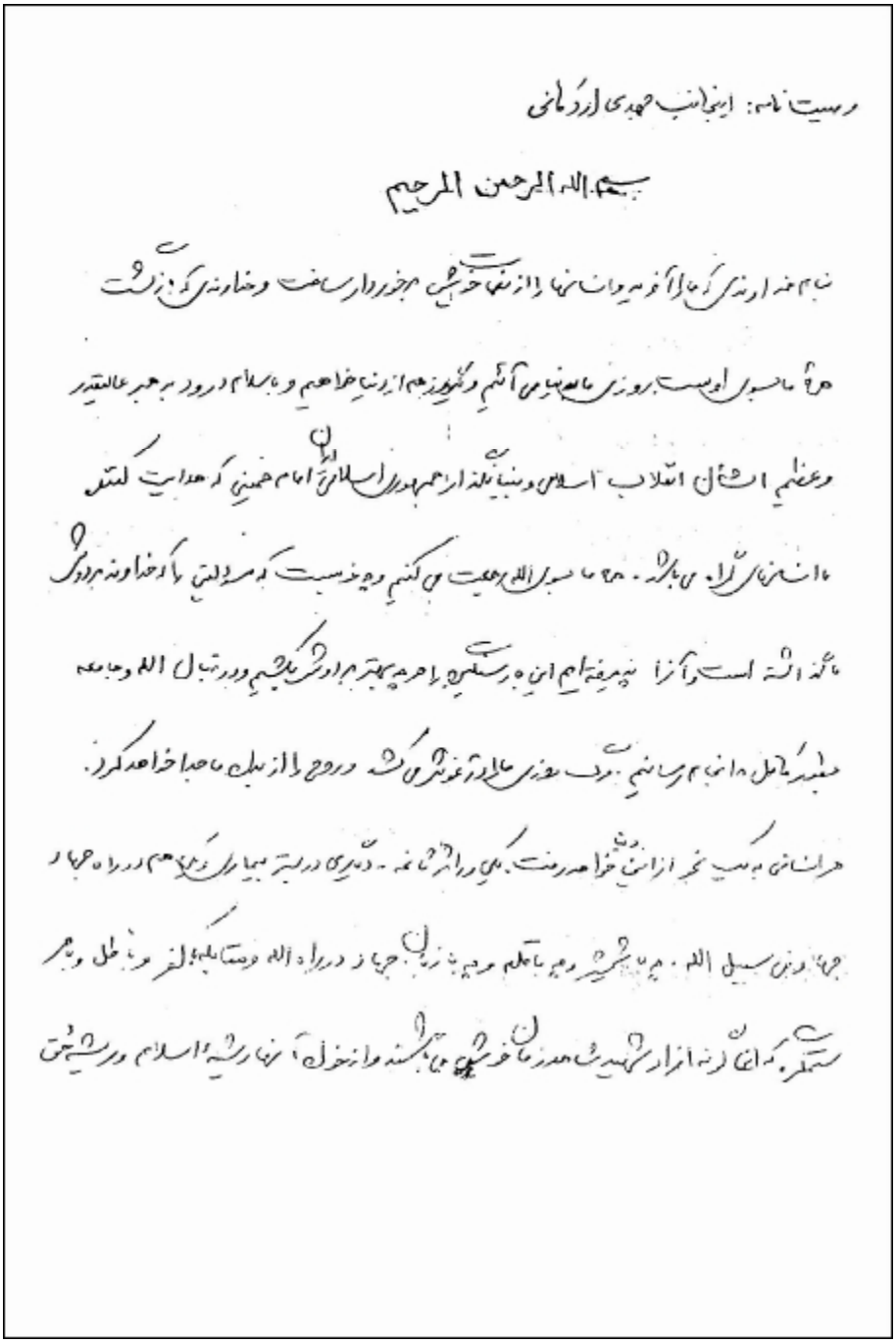
وهندارید کسانیکه درراه خداکشته شده، اندمرده، اند ،آنهازنده، اندونزد پروردگارشان روزی میگیرند .

طفی که شهادت دارداسارت ندارد (امام خمینی)

پدر، مادر خواهروبرادر ، دوستان وهمشهریان ، درلحظاتی وصیت نامه خودرامینویسم که قراراست به یاری خداساعتی دیگر به موضع برای حمله به مزدوران بعثی بروم ، خواستم دراین ساعات آخر سخنی باشمابگویم ووظیفه شرعی انجام دهم ،اول اینکه ازمال دنیاچیزی ندارم جز مقداریولی راکه ازدسترنج خود پس اندازکرده ام به مستضعفین بدهیدودرد نیااگربه کسی ازروی غرور جوانسی بدی کردم مرابیخشید و حلال کنید . دوم وصیت من اینست که درعزای من گریه نکنیدزیرا من ازاینکه سربازاسلام وایران هستم افتخارمیکنم وشهادت دراین راهی که بدان افتخار میکنم فوزی عظیم دارد ، افتخارمیکنم که ازمکتبی دفاع میکنم که ۱۴۰۰سال سابقه مبارزه باطاغوت دارد وافتخارمیکنم قدم دراهی میگذارم که سرورآزادگان حسین ابن علی (ع) گذاشت افتخارمیکنم که دفاع ازآب وخاکی میکنم که برای حفظ آن طفل ۱۲ساله خودرا به زیرانت میاندازد ، افتخارمیکنم که ازرژیم اسلامی دفاع میکنم که رهبرش بروی موکت زندگی میکندو غذایش نان وماست است ، افتخارمیکنم که ازملتی دفاع میکنم که دوسال ونیم است درجنگ روباروی با آمریکاقراردارد ودراین راه ازبذل جان ومال دریغ ندارد ومن هم جزئی ازاین ملت هستم .

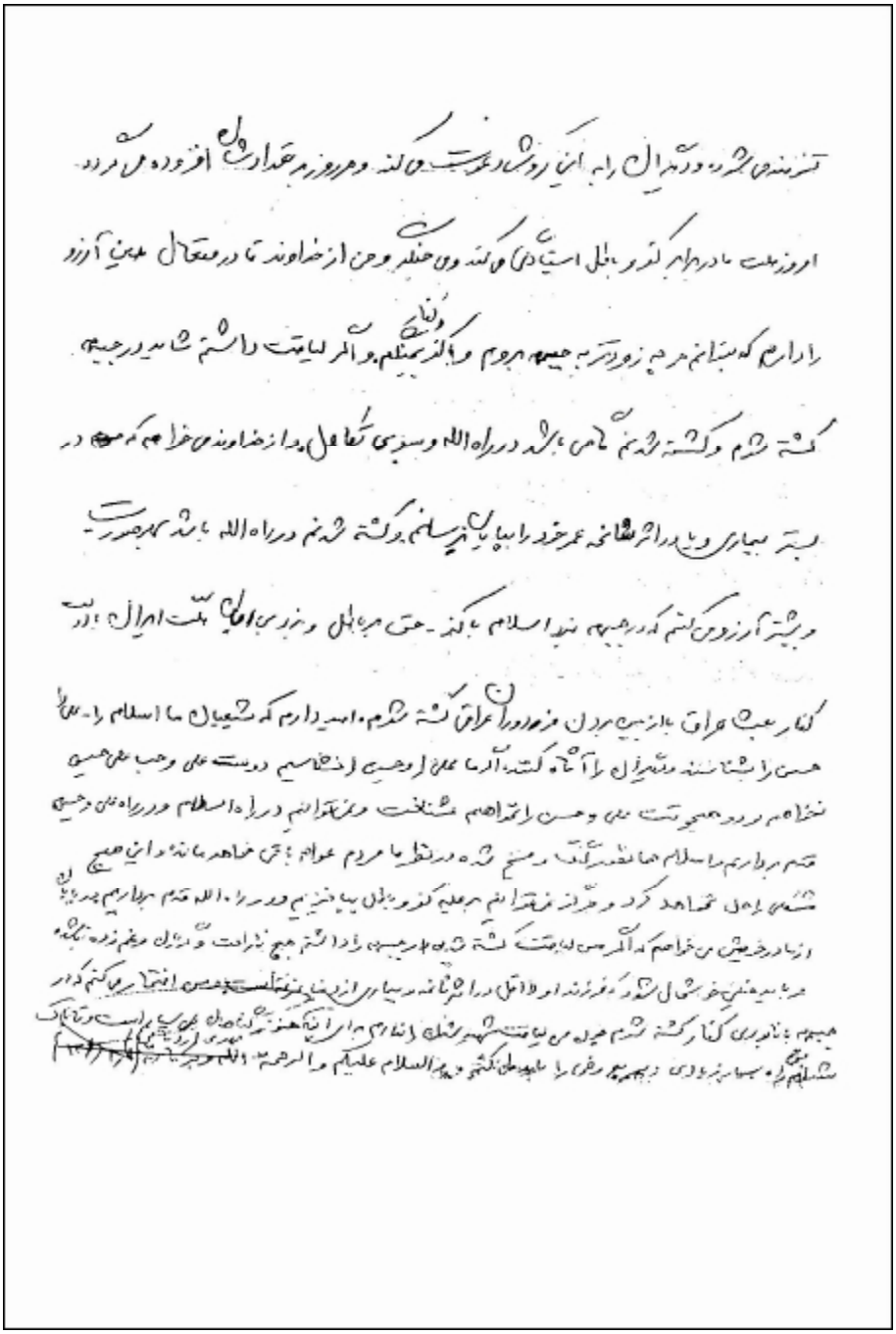
وصیت من اینست تدفین وانگیزه من ازرفتن به جبهه فقط به فقط فرمان امام وبخاطر پیروزی اسلام بوده ، پاسداری ازخون شهیدان تداوم خط امام وانقلاب است .

برادران ، دروضعیتی هستیم که دشمن دیوانه وار به ماحمله کرده باترور ،باجنگ ،بایمب گذاری هروز پاسداری درکنار خود میبینید دیگر ما مشیارتی شویم ، هنوز داغ شهیدان تلخ تر بردل ما بود که دشمن باگرفتن رئیس جمهوروبرخست وزیرانقلاب بهمان داغی دیگربردل مان گذاشت ،آنهابه آرزوی خودرسیدند ولی ملتی راداغدارکردند منطق ناهم دراینمورد بقول امام انالله وانا الیه راجعون است ولی بایدمواظب باشیم که دیگرضایعات بیمارنشاید بهرحال جبهه راه نجات ماازاین بحران حق امام وخط امام است ماباامام را داریم همه چیزداریم ودعای مابایداین باشدخدایاخدایاانقلاب مهدی خمینی رونگهدار بخداوندانشاالله دعای همه راستجاب نماید . والسلام ۶۰/۶/۱۰ مهدی سپاردگانی امضاء



وصیت نامه: ایجانب سید مهدی اردکانی

بسم الله الرحمن الرحیم





نام: **سیدعلی‌اکبر**
نام خانوادگی: **سیدجوادی**
نام پدر: **سیدمحمد**
نام مادر: **سیده‌سکینه**
تاریخ تولد: **نوزدهم تیر** 1340
محل تولد: **روستای حسن‌آباد از توابع شهرستان دامغان**
تحصیلات: **اول راهنمایی**
ارگان اعزام‌کننده: **سپاه**
تاریخ شهادت: **بیست‌وچهارم اسفند** 1366
محل شهادت: **ماووت عراق**
نحوهٔ شهادت: **اصابت گلوله**
مزار: **گلزار شهدای زادگاهش**

عبارت‌های کلیدی

- عزیزان ما می‌رویم و این امانت بزرگ الهی که حاصل خون هزاران شهید است، به دست شما می‌سپاریم.
- هرگز تن به ذلت ندهید.
- آگاه باشید که مرگ با عزت و شرف به از زندگی با ظالمان و ستمگران است.
- چیزی که تقدیم خدا شد، دیگر انتقام ندارد.
- خواهرم «حسینیان رفتند و باید زینبیان رسالت خویش را که پیام خون شهیدان است به گوش جهانیان برسانند».
- برای روز محشر توشه‌ای از تقوا و عمل صالح برگیریم و بندهٔ خالص خدا باشیم نه بنده شیطان.
- ثابت کنیم که پیرو ولایت فقیه هستیم و فرامین امام عزیزمان را به جان و دل خریدار باشیم.
- کلام امام کلام قرآن و راهش راه انبیاء و راه خداست.
- مسجدها را خالی نگذارید و نمازهای جمعه و جماعت را هر چه باشکوه‌تر برگزار کنید.
- پاسدار واقعی اسلام کسی است که در برابر مشکلات مانند کوه استوار و مقاوم باشد.
- هرجا اسلام باشد ما هم هستیم و از اسلام حفاظت و حراست می‌کنیم.

سیدعلی‌اکبر سیدجوادی

بسم الله الرحمن الرحیم

«یا ایها الذین آمنوا هل ادّلکم علی تجارة تنجیکم من عذابٍ الیم تؤمنون بالله و رسوله و تجاهدون فی سبیل الله باموالکم[1] و انفسکم[2]».[3]

«ای اهل ایمان شما را به تجارتی که از عذاب خدا نجات می‌یابید دلالت بکنم به ایمان بیاورید به خدا و رسولش و جهاد کنید در راه خدا با اموال و جانهایتان».

این حقیر سیدعلی‌اکبر سیدجوادی فرزند سید محمد دارنده شناسنامه 849 متولد 1340 مسلمان شیعه دوازده امامی معتقد به معاد وصیت‌نامه خویش را آغاز می‌کنم.

اشهد ان لا اله الا الله و اشهد ان محمد رسول الله و اشهد ان علیا ولی الله

سپاس و ستایش بیکران به معشوق عاشقان در خون خفته: درود و صلوات بر پیام‌آوران الهی علی‌الخصوص[4] خاتم النبیین و سیدالمرسلین حضرت محمد مصطفی(**6**) و سلام بر جانشینان او از امیر المؤمنین حضرت علی(**7**) تا امام منتظر منجی عالم بشریت برپا کنندهٔ عدل الهی حضرت مهدی موعود(عج) و نایب برحقش حضرت امام خمینی و درود و سلام به ارواح پرفتوح شهدای راه حق و فضیلت که با نثار خون خویش دعوت حق را لبیک گفته و به‌سوی معبودشان پر کشیدند. شهادت می‌دهم که جز خدای تبارک و تعالی خدایی[5] نیست و او شریک ندارد. و به حقانیت یکصد و بیست و چهار هزار پیامبر که خاتم آنان حضرت محمد(**6**) که بنده و فرستاده اوست. و در انتظار فرج حضرت حجت بن الحسن(عج) می‌باشم و شهادت می‌دهم که بازگشت همه ما به‌سوی خداست و مرگ عامل نابودی بشر نیست بلکه هجرت به منزلگاه ابدی است. حمد و سپاس خداوندی را که به ما توفیق صحت و سلامت جسم عطا نمود و قوت قلب با ایمانی راسخ را اراده‌ای چون کوه استوار داد که بتوانیم برای احیای قوانین عالیه اسلام و قرآن پا به عرصه نمود

1- در اصل وصیت «باموالهم».

2- در اصل وصیت «بانفسهم».

3- صف/ 10 و 11.

4- در اصل وصیت «الاخصوص».

5- در اصل وصیت «خدائی».

نهیم و دل از دنیای به ظاهر آراسته ولی در باطن فریبنده بکنیم و از همهٔ هستی‌ها و دارایی[1]های پوچ و بی‌محتوا بگذریم و از دنیای ظلمانی به وادی نورانی قدم نهیم. بارالها، معبودا خالقا حال که به ما توفیق دادی که در صف سربازان امام زمان(عج) و عاشقان و دلباختگان اباعبدالله الحسین(7) قرار بگیرم و بر علیه کفار ستیز کنیم پس به فضیلت از گناهانی که ما را از ادامه این راه باز میدارد دورمان گردان مرا از دهان این اژدها (نفس اماره) که هر لحظه قصد بلعیدنم را دارد نجات بده و توفیقی عطا کن که بتوانم این نفس سرکش را مهار کنم و نفس مطمئنه قدسی را در وجودم حاکم گردانم. ای خدای بزرگ هر روز که بر عمر این جنگ افزوده می‌شود شهدای ما بیشتر و بار مسئولیتم سنگین‌تر می‌شود، پس عنایتی کن و مرا بیشتر از این در دنیای فانی سرگردان مگذار و به مهمانی خود فراخوان. پدر و مادر عزیزم سلام پس از سلام گرم دست شما را می‌بوسم شما سالیان دراز رنجها و زحمات طاقت‌فرسا متحمل شدید که مرا به این سنین رساندید و من بسیار شرمنده‌ام که نتوانستم حق شما را ادا کنم انشاالله[2] که این عبد حقیر را به بزرگواری خودتان می‌بخشید و می‌دانید که همه ما مصداق آیه شریفه «**انا لله و انا الیه راجعون**»[3] هستیم و اوست که ما را زنده کرد و می‌میراند و هر زمان که وعدهٔ الهی برسد در هر مقام و مکان و زمان که باشیم مرگ به سراغمان می‌آید. و حال که ما باید روزی از این منزلگه موقت کوچ کنیم و به دیار ابدی بشتابیم چه زیباست که بهترین مرگها [را] که شهادت در راه خداست انتخاب کنیم. پس شما ای پدر و مادر عزیزم اگر این توفیق و این فیض عظما که مشتاق لقای حق هستم نصیبم شد بر خدا توکل کنید و صبر پیشه خود سازید که خدا با صابران است. و از شما تقاضا دارم که در برابر دیدگان دشمن بر جنازه‌ام اشک نریزید. هر وقت خواستید گریه کنید مانند مولایمان علی(7) در خلوت آنهم نه برای من بلکه به یاد مظلومیت امام حسین(7) و مصیبت قهرمان کربلا زینب کبری (سلام الله علیها). پدر و مادرم درود خدا بر شما باد که مرا اینچنین با مکتب روح‌بخش اسلام و آیین[4] محمدی آشنا

1- در اصل وصیت «دارائی».
2- در اصل وصیت «انشالا».
3- بقره/ 156.
4- در اصل وصیت «آئین».

کردید و این امانتی که مدتی در نزد شما بود صحیح[1] و سالم تقدیم صاحب اصلی‌اش کردید و دین خودتان را نسبت به اسلام و خون شهدا ادا کردید. و شما برادران عزیز و مهربانم سلام گرم مرا بپذیرید امیدوارم که این حقیر را به بزرگی خودتان مورد عفو قرار دهید چون من نتوانستم حق برادری را آنطور که شایسته آن هستید ادا کنم.

عزیزان ما می‌رویم و این امانت بزرگ الهی [را] که حاصل خون هزاران شهید است به دست شما می‌سپاریم. نکند خدای نکرده در حق آن سستی کنید هرگز تن به ذلت ندهید و آگاه باشید که مرگ با عزت و شرف به از زندگی با ظالمان و ستمگران است. برادرانم اگر توفیق شهادت نصیبم شد هرگز سخن از انتقام بر لب نیاورید زیرا این جانم را تقدیم راه خدا کردم و چیزی که تقدیم خدا شد دیگر انتقام ندارد بلکه ادامه راه می‌خواهد. پس شما همچو شمشیر باشید و بر ستمگران فرود آیید[2] و چون سیل بخروشید و کاخهای ظلم و ستم را ویران کنید. و تو ای خواهر عزیز و مهربانم [که] هر چند که داغ برادر برایت غیر قابل تحمل است ولی باید زینب‌گونه با مصائب دست و پنجه نرم کنی و مانند کوه مقاوم و استوار باشی و دیگر آنکه حجاب خویش را حفظ کن که بهترین سنگر برای محفوظ ماندن از [...][3] حجاب توست. و بهترین زینت زن مسلمان حجاب اوست. خواهرم «حسینیان رفتند و باید زینبیان رسالت خویش را که پیام خون شهیدان است به گوش جهانیان برسانند».[4]

خدای عزوجل می‌فرماید: «انا خلیفة فی اهله» (من جانشین شهید در خانه‌اش هستم) همسرم پس ما را چه باک از کشته شدن در راهش و تقدیم کردن جان ناقابل که او به ما عطا کرد در حالی که می‌فرماید من جانشین شهید در خانه‌اش هستم چه سرپرست و جانشینی بهتر از وجود حق تعالی است. پس ما باید بر او توکل کنیم که بهترین توکل‌ها توکل بر خداست و کسی که دل به خدا سپرد باید رضایت خود را هم به رضایت[5] خدا بسپارد و این اوج درستکاری است امیدوارم که شما این چنین باشید و در شهادتم به خود

1- در اصل وصیت «سعی».

2- در اصل وصیت «آئید».

3- در اصل وصیت «ناخوانا».

4- اشاره به جمله دکتر شریعتی «آنان که رفتند کاری حسینی کردند و آنها که ماندند باید کاری زینبی کنند».

5- در اصل وصیت «برضایت».

حزن و اندوه راه ندهید و احساس تنهایی مکنید که خدا با شماست فقط سعی کنید [که] مسئولیتی که بعهده شماست به نحو[1] احسن از عهده آن برآیید[2] و آن تربیت فرزندان من و یادگاری‌های من است همسرم امیدوارم که در تربیت آنها نهایت کوشش و دقت را نمایید[3] و آنان را از همان دوران کودکی با معارف اسلامی آشنا کنید و فرزندانم را چون فرزندان فاطمه زهرا سلام الله علیها پرورش داده و تحویل جامعه بدهید زیرا امام عزیزمان می‌فرماید: قرآن انسان‌ساز است و زنان نیز انسان‌ساز، و بدان که کودک قلبی پاک دارد که مانند ورق کاغذ سفیدی است که هرچه بخواهی می‌توانی بر آن نقاشی کنی و مانند زمینی که آماده کشت است هر بذر که در آن بیفشانی همان محصول را بهره‌برداری می‌کنی پس اگر از همان اول تربیت و پرورش صحیح بود فرد سالم رشد می‌کند و همیشه در جهت خدمت به جامعه تلاش می‌کند امیدوارم که روزی شاهد آن باشم که خدمتگزاران صدیق و خادمهای مخلصی تحویل جامعه داده باشی.

و اما حسین جان فرزند عزیزم و ای یادگار من تو را حسین نام نهادم که چگونه زیستن و چگونه مردن را از سید و سالار شهیدان حضرت حسین‌بن علی(**7**) بیاموزی که زندگیت جهاد و مرگت شهادت در نزد خدا باشد و هرگز تن به ذلت ندهی و سر تسلیم در برابر هیچ قدرتی جز قدرت لایزال الهی فرود نیاوری.

و شما ای امت حزب‌الله و همیشه در صحنه ای برادران و خواهران آگاه باشید همگی ما دیر یا زود باید در محضر عدل الهی حاضر شویم و همه ما محکوم به مرگ هستیم پس بیاییم[4] برای روز محشر توشه‌ای از تقوا و عمل صالح برگیریم و بندهٔ خالص خدا باشیم نه بنده شیطان و پیرو هوای نفس و ثابت کنیم که پیرو ولایت فقیه هستیم و فرامین امام عزیزمان را به جان و دل خریدار باشیم زیرا کلام امام کلام قرآن و راهش راه انبیاء و راه خداست. و دیگر آنکه جنگ را مسئله اصلی خود بدانیم آنان که قدرت و توانایی رفتن به جبهه را دارند عاشقانه به‌سوی جبهه‌ها هجوم آورند و هر چه زودتر به یاری حق شر این

1- در اصل وصیت «بنحو».
2- در اصل وصیت «برآئید».
3- در اصل وصیت «نمائید».
4- در اصل وصیت «بیائیم».

جرثومه[1] فساد را از سر دولت ایران و عراق کم کنند که پیروزی نهایی[2] نزدیک است. دیگر آنکه از رفتن فرزندانتان به جبهه‌ها ممانعت بعمل نیاورید که این [...][3] بر همه تمام شده امروز روز آزمایش است. ای عاشقان اباعبدالله(7) ای کسانی که می‌گفتید ای کاش ما در روز عاشورا در کربلا بودیم و امام را یاری می‌کردیم امروز بار دیگر صحنه کربلا تکرار شده، یک طرف کفر و طرف دیگر اسلام و اسلام و کفر در مقابل یکدیگر قرار گرفتند و ندای مظلومانه «هل من ناصر حسین»[4] بلند است. پس بیاییم[5] لبیک بگوئیم و حسین(7) را یار و یاور باشیم و دیگر آنکه برادران و خواهران مسجدها را خالی نگذارید و نمازهای جمعه و جماعت را هر چه باشکوه‌تر برگزار کنید و به دعا اهمیت زیاد بدهید زیرا «**الدعا سلاح المؤمن**»[6] به خدا و ائمه معصومین متوسل شوید و پیروزی رزمندگان و آزادی اسراء طول عمر امام عزیز و شفای مجروحین را از خدا طلب کنید. و اما ای غوطه‌خورده‌های[7] در خوشیهای دنیا و ای کسانی که مال و ثروت‌های نامشروع و زرق و برق زندگی مادی شما را در کام خود فرو برده و مرگ را از یادتان برده کمی به خود آیید[8] و برای سفری که در پیش دارید خودتان را مهیا کنید زیرا «**الدنیا مزرعة**[9] **الآخره**» دنیا پلی بیش نیست برای رسیدن به دار حساب فکر کنید که اگر در همین لحظه از دنیا روید آیا برای سفر پر پیچ و خم آذوقه‌ای توشه کرده‌اید یا می‌خواهید با دستان خالی بروید. و اما ای برادران عزیز پاسداران قهرمان امروز که جمهوری اسلامی از طرف شیاطین شرق و غرب مورد هجوم واقع شده گذشته از آن که مسلمان هستیم و مردم این کشور و نباید به اجانب اجازه بدهیم که به حریم مسلمین و حیثیت آنها تجاوز کنند تعهد دیگری[10] داریم که ما را موظف

1- در اصل وصیت «جرسومه».
2- در اصل وصیت «نهائی»
3- خوانا نیست.
4- ر.ک. تعلیقات.
5- در اصل وصیت «بیائیم».
6- پیامبر اکرم(6) (نهج‌الفصاحة، ص233).
7- در اصل وصیت «خوردهای».
8- در اصل وصیت «آئید.
9- در اصل وصیت «منظرة» ـ دنیا کشتزار آخرت است (کنوز الحقایق، ص 64).
10- در اصل وصیت «دیگر».

می‌کند که تا آخرین قطرهٔ خونمان با آنها به مبارزه و ستیز برخیزیم و آن تعهد پاسداری ما است. آن آرم که بر سینه ما نقش بسته و در قلبمان جای گرفته وظیفه و مسئولیت ما را در هر زمان و مکان مشخص کرده و ما که خود را پاسدار اسلام نامیده‌ایم هر کجا که اسلام مورد تهدید دشمن قرار بگیرد و احساس خطری برای اسلام شود باید ما در آنجا سینهٔ خود را سپر کنیم که ضرباتی که دشمن می‌خواهد بر پیکر اسلام وارد کند بر قلب ما فرود آید. باید ما برویم تا اسلام بماند و باید ثابت کنیم که پاسدار اسلام و قرآنیم و باید حق پاسداری را ادا کنیم. فلسفه یک پاسدار در حماسه مقاومت، ایثار و شهادت‌طلبی‌اش[1] نهفته است و پاسدار واقعی اسلام کسی است که در برابر مشکلات مانند کوه استوار و مقاوم باشد و باید به دنیا بفهمانیم که ما پاسدار اسلامیم نه پاسدار ایران. هر جا اسلام باشد ما هم هستیم و از اسلام حفاظت و حراست می‌کنیم.

در پایان از همه برادران و دوستان و اقوام علی الخصوص[2] از پدر و مادر عزیزم و برادران و خواهرم و همسرم التماس دعا دارم و امیدوارم که این عبد حقیر را به بزرگی خودشان ببخشند و اگر خطایی[3] از من سرزده و حقی بر من دارند و مرا عفو نمایند. وصی[4] و ناظر من پدر و مادرم هستند و محل دفن مرا ایشان مشخص می‌کنند. والسلام. خدایا خدایا تا انقلاب مهدی خمینی را نگه‌دار. به امید پیروزی اسلام بر کفر جهانی. جمعه اول فروردین 1365 مطابق با دهم رجب 1406 هجری قمری.

العبد الحقیر

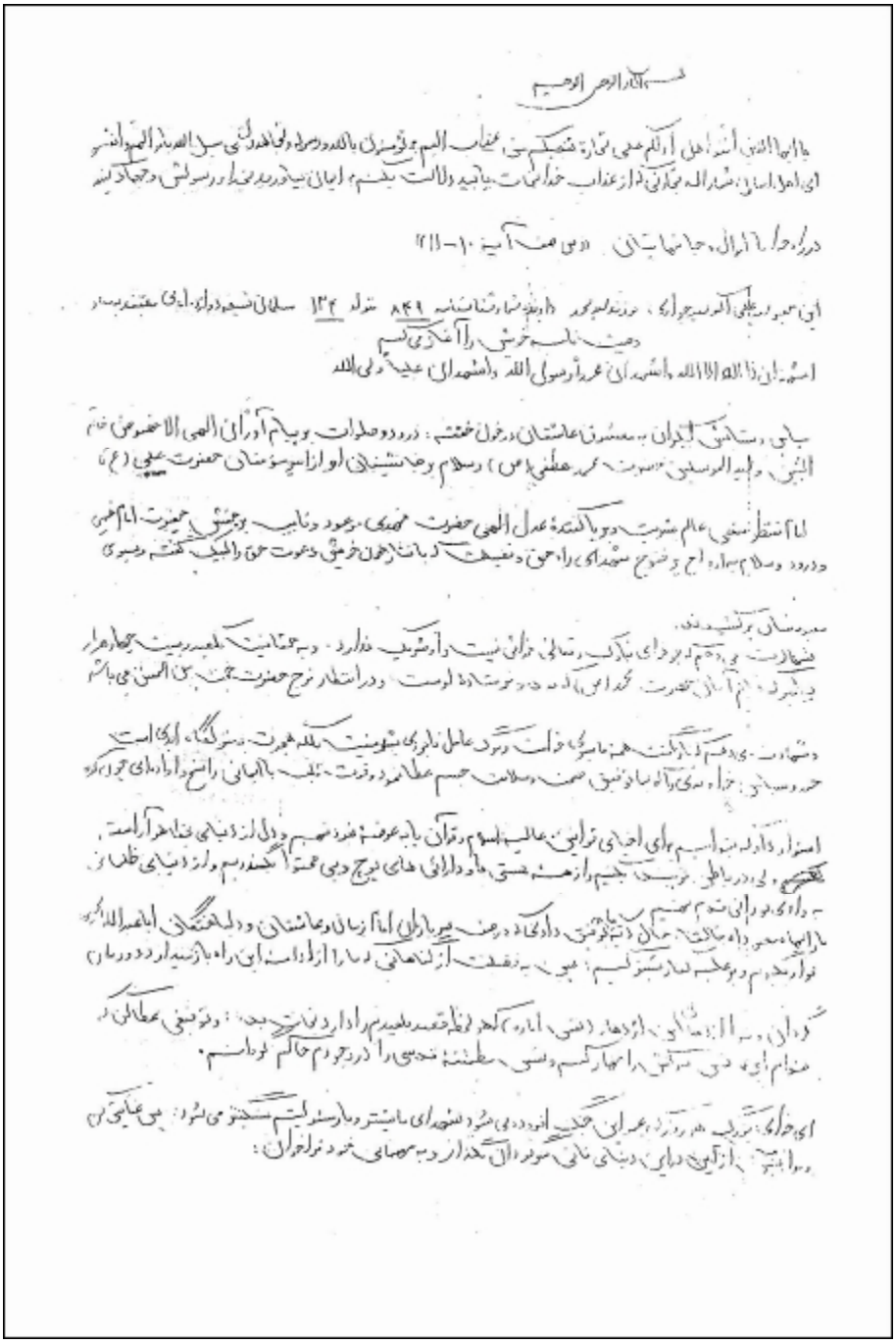
سیدعلی سیدجوادی

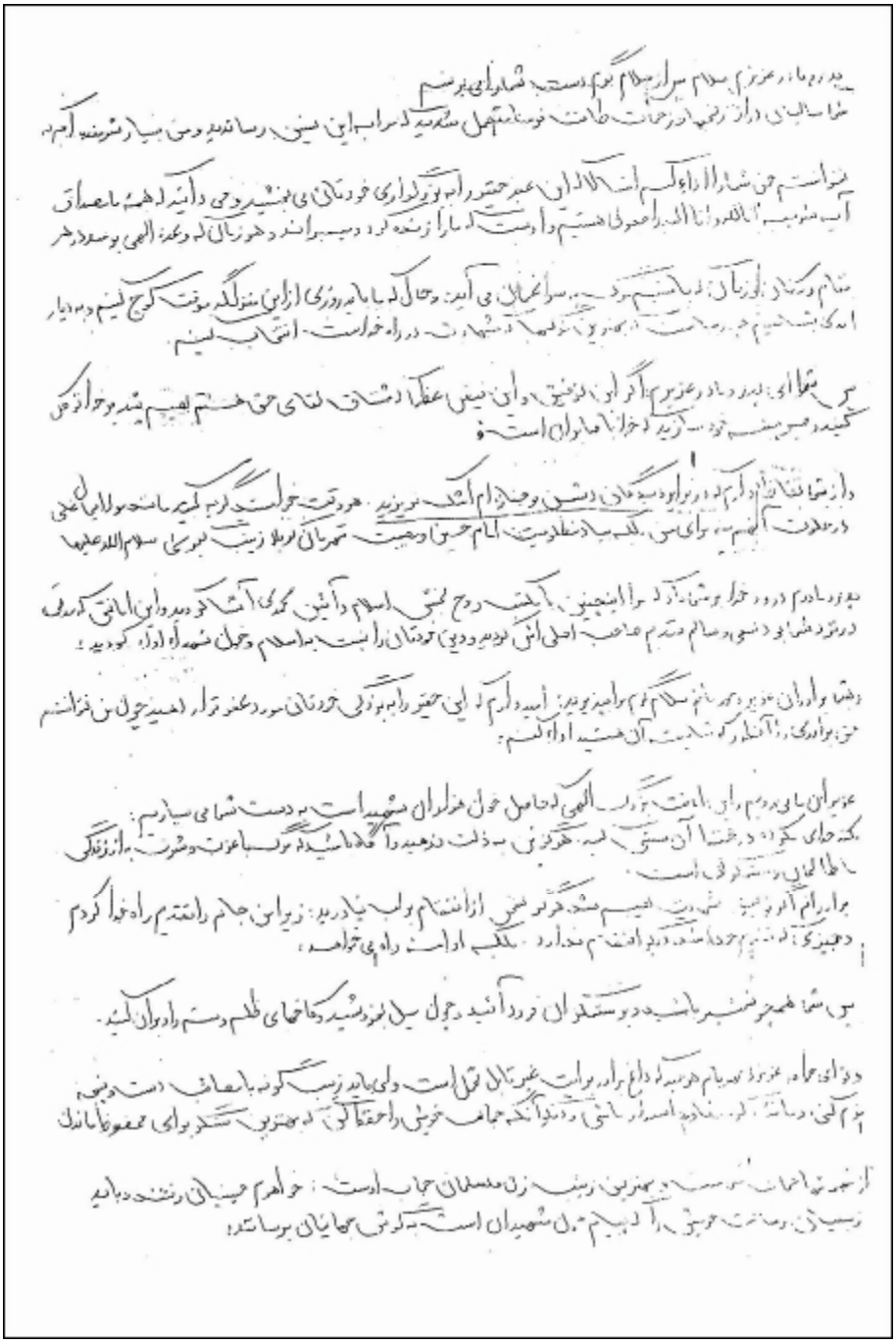
1- در اصل وصیت «طلبیش».

2- در اصل وصیت «الاخصوص».

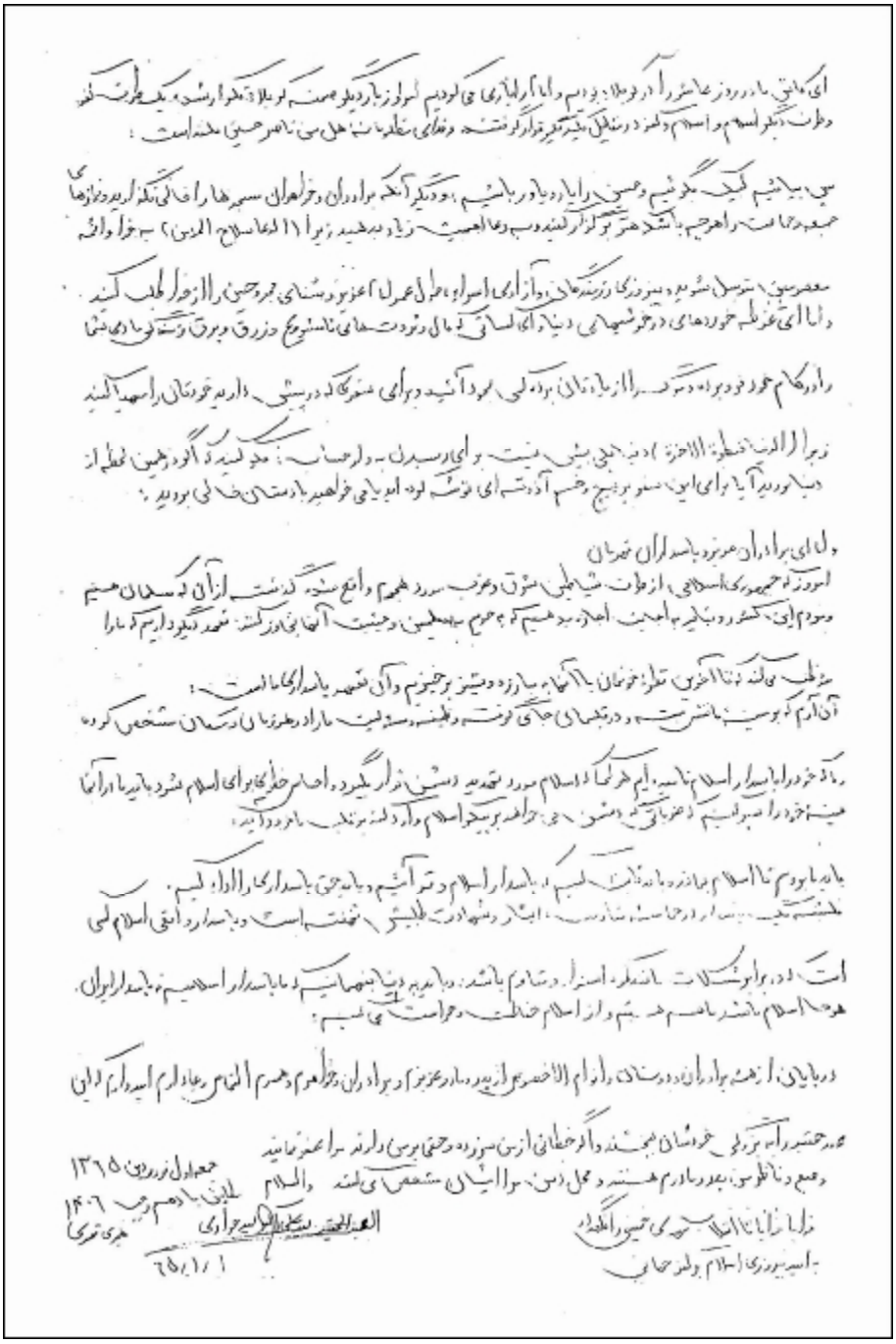
3- در اصل وصیت «خطائی».

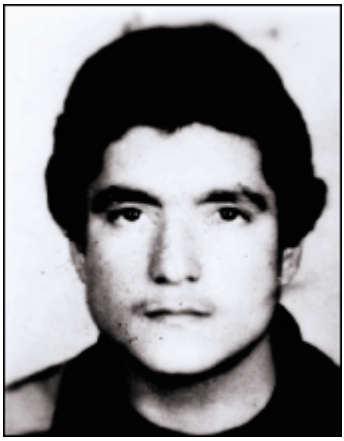
4- در اصل وصیت «وصیع».











نام: **سیدمحمد**
نام خانوادگی: **سیدرضایی**
نام پدر: **میرزا محمد**
نام مادر: **بتول**
تاریخ تولد: **یکم فروردین** 1346
محل تولد: **روستای قلعه‌نو از توابع شاهرود**
تحصیلات: **سوم راهنمایی**
ارگان اعزام‌کننده: **بسیج**
تاریخ شهادت: **بیست‌وپنجم اسفند** 1363
محل شهادت: **شرق رود دجله**
نحوهٔ شهادت: **اصابت ترکش**
مزار: **گلزار شهدای زادگاهش**

عبارت‌های کلیدی

- امت حزب الله پیرو ولایت فقیه باشید.
- پیام‌رسان خون شهدا باشید که خونشان را برای اسلام و قرآن برزمین ریختند.
- با هم برادر باشید و این انقلاب عزیز را یاری کنید.
- فرزندانتان را به تقوی و نور ایمان آشنا بگردانید.
- در همه جا با نفس خود جهاد کنید.
- در کارهای خود غفلت نکنید.
- همیشه دعاگوی پیر جماران و رزمندگان اسلام باشید.
- شیاطین در سینه‌هایتان وسوسه نکنند.
- حب جاه و مال از راه خدا بازتان ندارد.
- بپا خیزید و دین خدا را یاری کنید.
- مواظب باشید منافقین در صفوف متشکلتان رخنه نکنند.
- از امام امت این ابراهیم زمان اطاعت کنید.

سیدمحمد سیدرضایی

بسم الله الرحمن الرحیم

با سلام و درود بر امام زمان و نایب برحقش، ابراهیم زمان و شهدا [ی] جمهوری اسلامی ایران. محرم ماه پیروزی خون بر شمشیر، محرم و مجالس[1] را همیشه زنده نگه‌داریم. ما از امت حزب‌الله و همیشه در صحنه می‌خواهیم پیرو ولایت رهبری و ولایت فقیه[2] [بوده] باشید و پیام‌رسان خون شهدا که خونشان را برای اسلام و قرآن بر زمین ریختند، تا هدف پیامبران ما که صراط[3] مستقیم بود، زنده بماند [باشید].

و از شما می‌خواهیم، در هر کجا که هستید، در بین خودتان اختلاف ایجاد نکنید، که اگر مسئله‌ای در بین شما پیش بیاید، دشمنان ما می‌توانند از همین راه به شما ضربه بزنند و آن موقع است که قلب امام زمان را از خود رنجانیده‌ایم و خود را از خدا دور کرده‌ایم و شهدا را از خود ناراضی کرده‌ایم و آن موقع است که رحمت و برکات خداوند از ما دور می‌شود و مصیبتی بزرگ بر ما وارد می‌شود. پس با هم برادر و برابر باشید ودست به دست هم بدهیم و این انقلاب عزیز را یاری کنیم. «**ان تنصروا الله ینصرکم و یثبت اقدامکم**»[4] یاری کنید خدا را تا شما را یاری کند. اگر خدا را یاری نکنید، فردای قیامت در برابر صالحین خدا شرمنده خواهید بود.

و ای پدر و مادران شهدا، شما هم به هوش باشید و انقلاب را بیشتر از همه یاری کنید و در هر کجا که هستید، پیام‌رسان خون فرزندانتان باشید و کاری نکنید که فردای قیامت شهدا از شما رو برگردانند و نباشد از آمدن فرزندانتان به جبهه، جلوگیری کنید. که فردای قیامت در پیش حضرت زینب(**3**) و سرور شهیدان حسین‌بن علی(**7**) و اولیاء خدا شرمسار باشید و همه شما فرزندانتان را به تقوا و نور ایمان آشنا بگردانید.

و برادران [از شما] می‌خواهیم، در هر کجا که هستند به یاری اسلام و قرآن همیشه بپردازند. و در نهادهای انقلاب اسلامی بیشتر شرکت کنند و از محصلین می‌خواهیم، در

1- در اصل وصیت «مجالس‌ها».
2- در اصل وصیت «قیهه».
3- در اصل وصیت «صرات».
4- محمد/ 7.

سنگر مدرسه هوشیار باشند و با قلم و کتاب خود جهاد کنند، که سرنوشت جامعه در دست شما خواهد بود و در همه جا با نفس خود جهاد کنید و در کارهای خود غفلت نکنید.

و در آخر از امت شهیدپرور قلعه‌نو خرقان می‌خواهیم همیشه دعاگوی پیرجماران و رزمندگان اسلام باشید و از خدا بخواهید که به بینش و آگاهی ما بیشتر بیفزاید و از همه شما التماس دعا خواستارم. به امید پیروزی لشکریان اسلام بر کفر جهانی. خدایا خدایا تا انقلاب مهدی خمینی را نگه‌دار.

[وصیت‌نامه‌ای دیگر]

بسم الله الرحمن الرحیم

بسم رب الشهداء و الصدیقین

«من المومنین رجال صدقوا ما عاهدوا[1] الله علیه فمنهم من قضی نحبة و منهم من ینتظر و ما بدّلوا[2] تبدیلا»[3]

«السلام علیک یا ثارالله و ابن ثاره والوتر الموتور. السلام علیک و علی الارواح التی حلت بفنائک».[4] با سلام و درود بر امام زمان منجی عالم بشریت و نایب برحقش امام امت و با درود بر خانواده‌های معظم شهدا و با سلام بر عاشقان و ادامه دهندگان و پویندگان راه سرخ ولایت و با سلام بر شما امت حزب الله انصار ابی عبدالله و مقلدان روح الله سلام بر شما و شهیدان شما و سلام بر جانبازان راه خدا.

و سلام بر شما ای پدران و مادران گرامی، ای خواهران، ای برادران، ای شهیدپروران ای در راه خدا جان و جوان داده‌ها، ای سرافرازان و سربلندان، ای در صحنه حاضران، سلامی خالصانه از این حقیر، سلامی به پاکی قلب در خون تپیده برادرانمان، سلامی به زیبایی اشک مادرانمان که در عزای حسین فاطمه(س) فرو می‌ریزد.

1- در اصل وصیت «عاهدو».

2- در اصل وصیت «بدلو».

3- احزاب/ 23.

4- فرازی از زیارت عاشورا.

سلام بر خون سرخی که خدای بزرگ بپذیرد، نثار قرآن خواهم نمود، سلام بر صبر به صلابت و شکوه اسیرانمان که در دست دشمنان اسیرند. سلام بر صبر و استقامت مجروحان و معلولان که هر دردی را به‌خاطر خدا تحمل می‌کنند. ای امت اسلام امروز ندای «هل من ناصر حسینی»[1] از حنجره فرزندش مولای عاشقان، امام جماران بلند است.

آیا کسی بود که کند یاری حسین آید به کربلا به مددکاری حسین

ندایش را لبیک گویید، به فریادش بپاخیزید، شیاطین در سینه‌هایتان وسوسه نکنند، بدخواهان در میانتان تفرقه نیفکنند، حب جاه و مال از راه خدا بازتان ندارد. بپاخیزید و دین خدا را یاری کنید و بپاخیزید خون شهیدان را پاسداری کنید و پرچم از دست افتاده آنان را بدست گیرید و کاروانهای ایثار و شهادت را جلوداری کنید و از امام امت این ابراهیم زمان امام جماران که فرمانبرداریش اطاعت از امام زمان است اطاعت کنید.

مبادا خویشتن را واگذاریم امام خویش را تنها گذاریم
ز خون هر شهیدی لاله روید مبادا روی لاله پا گذاریم[2]

ای خواهران و ای برادران ملت مظلومتان را دعا کنید و از خداوند بخواهید که حتی منحرفین هم که بر اثر تربیت نشدنها به بیراهه افتاده‌اند، در این اوقات به راه آیند و از آتش جهنم نجات پیدا کنند. ما بین خودتان را اصلاح کنید. مواظب باشید منافقین[3] در صفوف متشکلتان رخنه نکنند، برخوردهایتان اسلامی باشد و دعا کنید که همگی‌مان از عزاداران حقیقی ابا عبدالله الحسین(**7**) و از زواران قبر شش گوشه او بوده باشیم.[4]

ما رها کردیم قفس پرواز کردیم سوی دوست گل ز باغ دل نچیدیم جز وصال روی دوست
تیر را با جان خریدیم بهر استقلال دین ما شهادت را گزیدیم جان فدای کوی دین

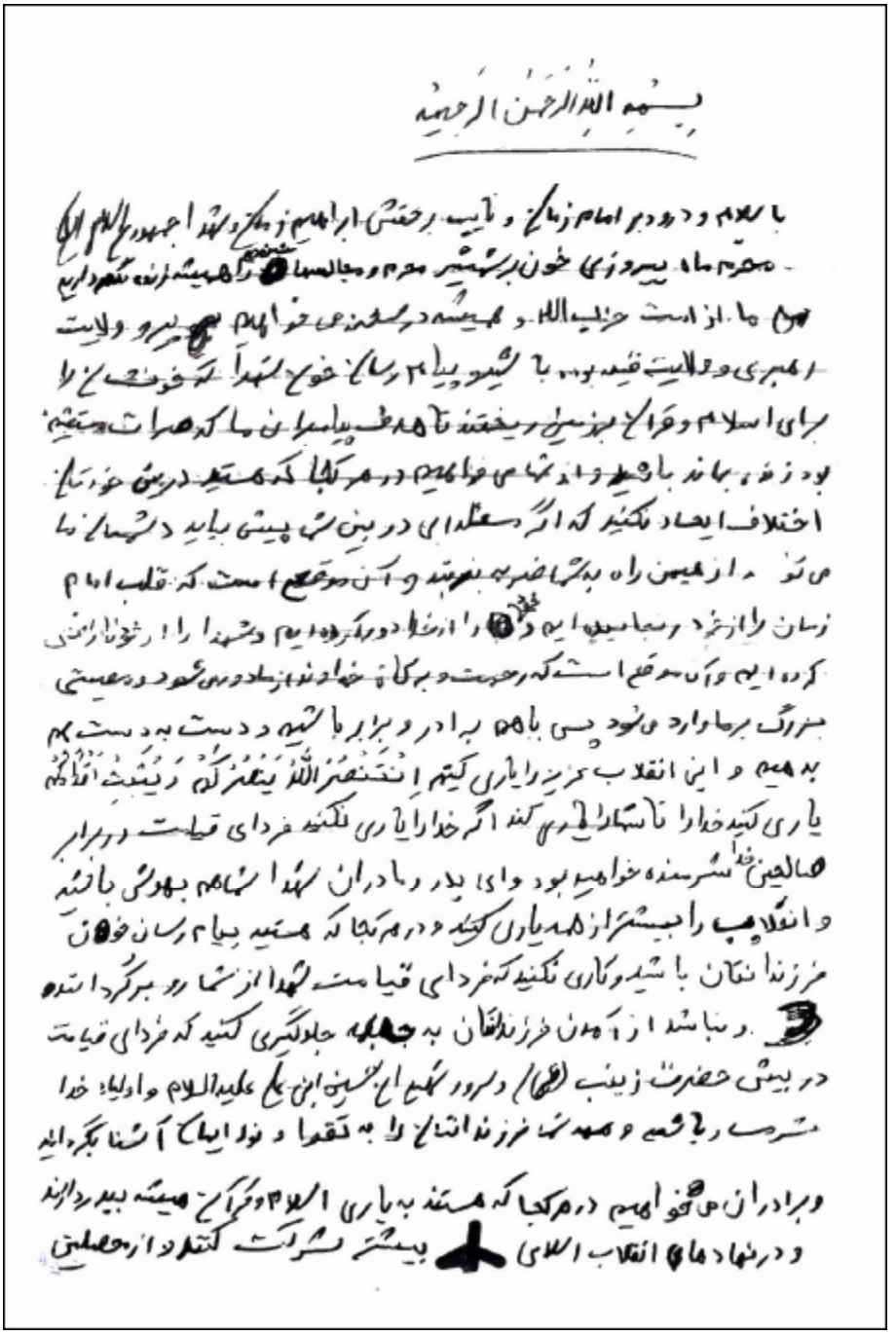
1- ر.ک. تعلیقات.
2- شعر از قیصر امین‌پور است.
3- ر.ک. تعلیقات.
4- در اصل وصیت «باشید».

در آخر از پدر و مادرم که به‌خاطر خداوند زحمت‌های فراوانی برای من کشیده‌اند تشکر می‌کنم و از ایشان معذرت می‌خواهم که نتوانستم زحمت‌های ایشان را بجا آورم و از خداوند برای پدر و مادرم و تمام خانواده‌های شهدا طلب صبر می‌کنم.

«والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته»

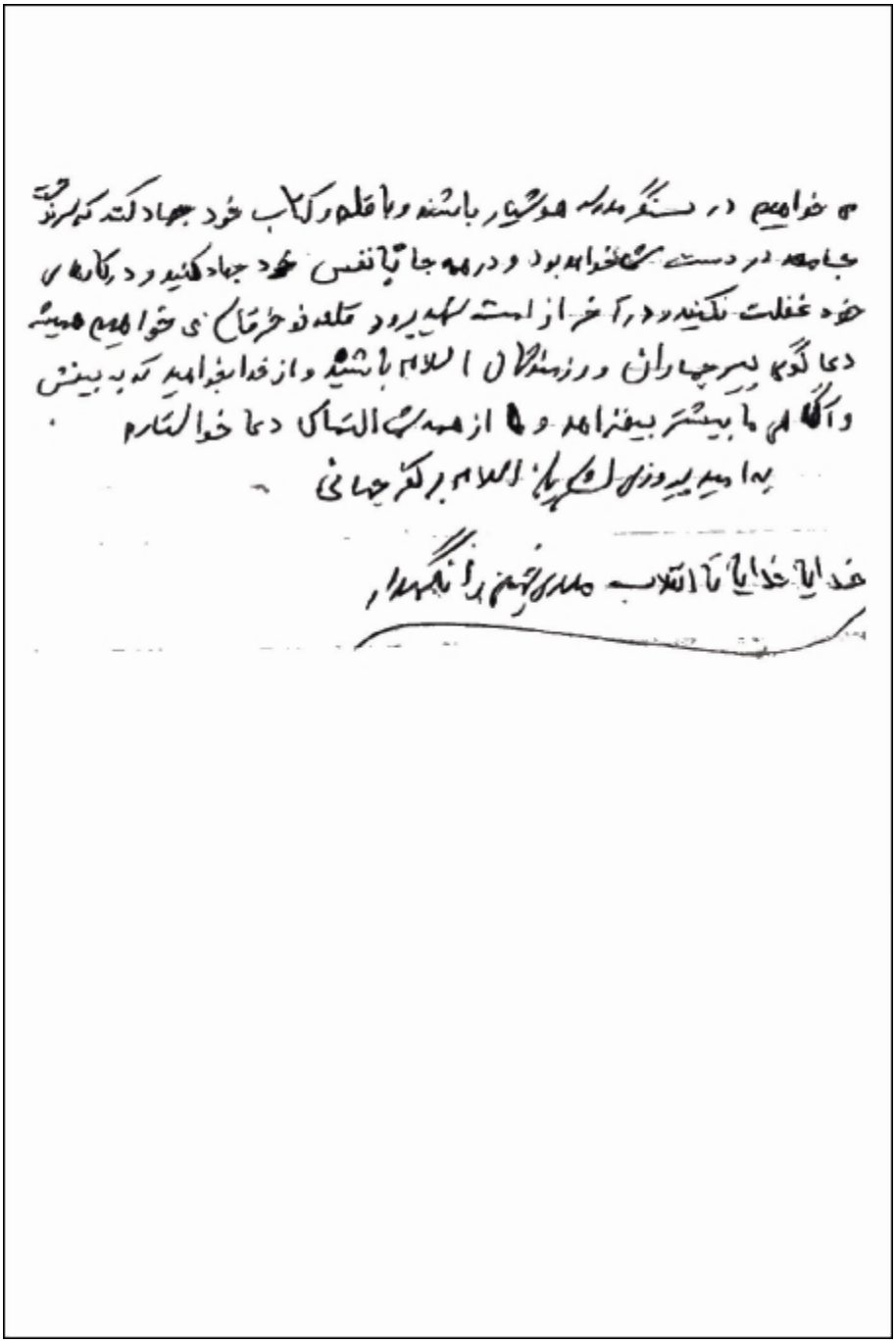
1363/12/4 **سیدمحمد سیدرضایی**

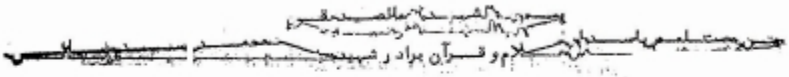
خدایا خدایا تا انقلاب مهدی خمینی را نگه‌دار



بسم الله الرحمن الرحیم

با سلام و درود بر امام زمان و نایب برحقش ابراهیم زمان و شهدا جهاد و سلام ای
معرم ما پیروی خون بر شمشیر معرم و مجالسا شنیده ایم شهدا
ما از است حزب الله و همیشه در صحنه ها خواهیم بود پیرو ولایت
امیری و ولایت فقیه بود با شنیدن پیام رسان خون شهدا که خواست ما را
برای اسلام و قرآن مبارزه و یقظه تا هدف پیامبران ما که صراط مستقیم
بود زنده بماند با شما هستیم و در هر کجا که هستید در بین خود تان
اختلاف ایجاد نکنید که اگر دشمنان در بین شما پیش بیاید دشمنان ما
می توانند از همین راه به شما ضربه بزنند و آن موقع است که قلب امام
زمان را آزرده و مجاهدین ایران را از خود دور کرده ایم و شهدا را رنجانده
کرده ایم و آن موقع است که رحمت و برکات خداوند از ما دور می شود و معصیت
بزرگ بر ما وارد می شود پس با هم برادر و برابر باشید و دست به دست هم
بدهیم و این انقلاب عزیز را یاری کنیم إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَيُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ
یاری کنید خدا را تا شما را یاری کند اگر خدا را یاری نکنید فردای قیامت در برابر
ظالمین خدا شرمنده خواهیم بود ای یار و یاران شهدا شما هم بهوش باشید
و انقلاب را بیشتر از همه یاری کنید و در هر کجا که هستید پیام رسان خون
فرزندانتان باشید و کاری نکنید که فردای قیامت شهدا از شما رو برگردانده
و نباشد از آن خون فرزندانتان به جهنم جلوگیری کنید که فردای قیامت
در پیش حضرت زینب (س) و سرور شهیدان حسین ابن علی علیه السلام و اولیاء خدا
سرخ رو باشیم و همه شما فرزندانتان را به تقوا و ولایت آشنا بگردانید
و برادران ما گفتند ایم در هر کجا که هستند به یاری اسلام و قرآن همیشه بیدار باشند
و در نهادهای انقلاب اسلامی بیشتر شرکت کنند از مخلصین





من المؤمنین رجال صدقوا ما عاهدوا الله علیه فمنهم من قضی نحبه ومنهم من ینتظر وما بدلوا تبدیلا ۰

السلام علیک یا ثارا ۰۰۰ وابن ثاره والوتر الموتور ۰

السلام علیک وعلی الارواح التی حلت بفنائک ۰

با سلام ودرود بر امام زمان منجی عالم بشریت وسلام بر حضرت امام امت وبا درود بر خانواده های معظم شهداء وباسلام برعاشقان وادامه دهندگان وپیمودگان راه نور ولایت وباسلام برشما امت خزب ا ۰۰۰ انصار ابوعبدا ۰۰۰ (ع) مقتدان روح ا ۰۰۰

سلام برشما وشهیدان شما وسلام برجانبازان راه خدا ، وسلام ۰ سلام ای پدران ومادران گرامی ، ای خواهران ، ای برادران ، ای شهید پرور آن ای راه خداجان وجوان داده ها ، ای سرافرازان وسربلندان ، ای درصحنه حاضران ، سلامی خالصانه از این حقیر ، سلامی به پاکی قلب در خون تپیده برادرانمان ، سلامی به زیبایی اشک مادرانمان که در عزای حسین فاطمه فرو میریزد ، سلام برخون سرخی که خدای بزرگ بپذیرد نثار قرآن خواهد نمود ، سلام بر صبر به سلابت وشکوه اسیر انمان که در دست دشمنان اسیرند سلام بر صبر واستقامت مجروحان ومعلولان که هر دردی را به خاطر خدا تحمل میکنند ای امت اسلام ، امروز ندای هل من ناصر حسینی از حنجره فرزند شمولای عاشقان امام جماران بلند است ۰

آیت کسی بود که کند یاری حسین آید به کربلا به مدد گاری حسین

ندایش را لبیک گویید به فریادش بیاخیزید ، شیاطین در سینه هایتان وسوسه نکنند بدخواهان در مرامتان تفرقه نیفکنند ، حب جاه ومال از راه خدا بازتان ندارد بپاخیزید ودین خدا یاری کنید وبپاخیزید خون شهیدان را پاس دارید وپرچم ازدست افتاده آنان را بدست گیرید وکاروانهای ایثار وشهادت را جلودار ی کنید واز امام امت این ابراهیم زمان امام جماران که فرمانبرد اریش اطاعت از امام زمان است اطاعت کنید ۰

مبادا خویشتن را را گذاریم امام خویش را تنها گذاریم

زخون درشهیدی لاله روئید مبادا روی لاله پا گذاریم

ای خواهران وای برادران ، ملت مظلومتان را دعا کنید واز خداوند بخواهید که عدی

مخصوصین ضم که بر اثر تربیت نشده ها به بیراهه افتاده اند در این اوقات بجای آیند واز آنس
جهنم نجات پیدا کنند . ما بین خودتان را اصلاح کنید مواظب باشید منافقین در صفوف
متشکلتان رخنه نکنند ، برخورد هایتان اسلامی باشد ودر ما کنیدکه دشمنان ما
از عزاداران حقیقی ابا عبدا... الحسین واز زواران قبر شش‌گوشه او بوده باشید .

ما زما کردیم نقش‌پیر ... یم سوی دوست گل زباغ دل نچیدیم جزوصال روی دوست
غیر رابا جان خریدیم بهر استقلال دین ما شهادت را گزیدیم جان فدای کوی دین

در آخر از پدر ومادرم که بخاطر خداوند زحمتهای فراوانی برای من کشیده اند
تشکر می کنم واز ایشان معذرت میخواهم که نتوانستم زحمت های ایشان را بجا آورم
واز خداوند برای پدر ومادرم وتمام خانواده های شهدا طلب صبر میکنم

والسلام علیکم ورحمه ا... وبرکاته

۱۳۱۳/۱۲/٤ سید محمد سید رضا

خدایا ، خدایا تا انقلاب مهدی

خمینی را نگهدار

شما شهیدان بهترین جوانان این ملتید

«امام خمینی»

دفتر حزب جمهوری اسلامی ـ پایگاه محمد رسول الله (ص)

«قطعه نو جزفال»



نام: **سیدیوسف**
نام خانوادگی: **سیدرضایی**
نام پدر: **عیسی**
نام مادر: **زینب‌السادات**
تاریخ تولد: **یکم تیر** 1341
محل تولد: **روستای قلعه‌آقا عبدالله از توابع شاهرود**
تحصیلات: **پایان دورهٔ ابتدایی**
ارگان اعزام‌کننده: **ارتش**
تاریخ شهادت: **بیست‌وسوم فروردین** 1362
محل شهادت: **شرهانی عراق**
نحوهٔ شهادت: **اصابت ترکش**
مزار: **گلزار شهدای روستای قلعه‌نو شهرستان زادگاهش**

عبارت‌های کلیدی

- پیامی هم که به آنها دارم که ادامه‌دهندهٔ راه برادر شهید خود که راه خدا و اسلام است باشند.
- شهید حماسه آفرین است بزرگترین خاصیت شهید حماسه‌آفرینی اوست.
- افتخار کنید که اولین فرزند خانواده را فدای اسلام و خاکپای امام کرده‌اید.
- از خط امام و از پیروان خط امام اطاعت کنید.
- دوستان و خویشان امروز زمان امتحان است دو جبهه وجود دارد: حسینی و یزیدی.
- قدر امام را بدانید چون اگر ندانید بر اثر کفران نعمت دچار بلاهای عظیم خواهید شد.
- هرگز فریب منافقین و روشنفکران غرب‌زده و شرق‌زده را نخورید.
- در خط امام که خط اصیل اسلام است حرکت کنید تا پیروزی نهایی اسلام و شکست قطعی کفر جهانی.

سیدیوسف سیدرضایی

بسم‌الله الرحمن الرحیم

بسم رب الشهداء و الصدیقین

[شهیدان][1] زنده‌اند الله اکبر/ «چه بکشیم و چه کشته شویم پیروزیم»[2] (امام خمینی)
«**و لاتحسبن الذین**[3] **قتلوا فی سبیل الله امواتا بل احیاء عند ربهم یرزقون**».[4]

با سلام و درود فراوان به مهدی موعود امام زمان(عج) و با سلام به ابراهیم زمان بت‌شکن زمان، در هم کوبندهٔ ظلم و ستم و یاور مستضعفین و دشمن مستکبرین امام امت خمینی کبیر و با سلام به ملت شهیدپرور و غیور ایران.

و با سلام به پدر و مادر مهربان که یک عمر در به ثمر رساندن من تلاش کردند و هم‌اکنون که به آرزوی دیرینهٔ خود رسیدم امیدوارم که هیچگونه ناراحتی به خود راه ندهید چون من مثل امانتی نزد شماها بودم و آن کسی که من را به شما داده بود می‌بایست روزی پس می‌گرفت و از اینکه من شهید شدم مبادا به سرکسی منت بگذارید. [چون] فکر نکنید با شهید شدن من دین خود را نسبت به انقلاب اسلامی ایران ادا کردیم «کشته شدگان در راه خدا و اسلام را مرده نپندارید».[5]

پدر و مادر مهربان اگر از من ناراحتی [دیده‌اید] یا از فرمان شما سرپیچی یا با لحن بلند با شما صحبت کردم عاجزانه تمنا می‌کنم مرا ببخشید. و مادر مهربان تو را به‌خدا قسمت می‌دهم که شیرت را بر من حلال کنی و مبادا در فقدان من گریه و زاری کنی چون باعث افتخار تو است که فرزند تو در راه خدا و اسلام شهید شده است و [مبادا] گریه برای امام حسین(**7**) کن.[6]

1- واژه شهیدان افتاده است.
2- صحیفه امام، جلد 13، ص 441.
3- در اصل وصیت «یا ایها الذین آمنوا».
4- آل عمران/ 169.
5- ترجمه بخشی از سوره آل عمران.
6- در اصل وصیت «کنی».

تنها پیامی که به شما پدر و مادر عزیز و ملت غیور ایران دارم که ادامه دهندهٔ راه شهدا که راه پیغمبران است باشید و «ما که رفتیم کار حسینی کردیم و شماها که ماندید کار زینبی کنید».[1]

راستی برادران و خواهرانم خوبند؟ و پیامی هم که به آنها دارم که ادامه‌دهندهٔ راه برادر شهید خود که راه خدا و اسلام است باشند و با پدر و مادر خود طوری رفتار کنند که اصلاً جدایی من را[2] از شماها احساس نکنند و همیشه این شعار از یادتان نرود خدایا خدایا تا انقلاب مهدی خمینی را نگه‌دار[...][3] [که] من را دفن کردید این شعار را به زبان بیاورید البته این شعار به برادران کنار قبر شهدا آمده‌ایم بهر عزا یوسف جان، یوسف جان/ نگویی سخنی دل مرا می‌شکنی/ برادر من، همسنگر من.

در آخر با همهٔ شما خداحافظی می‌کنم و همهٔ شما را به خدای بزرگ می‌سپارم.

خداحافظ به امید پیروزی هر چه زودتر حق بر باطل.

[وصیت‌نامه‌ای دیگر]

بسم الله الرحمن الرحیم

بسم رب الشهدا

با عرض سلام به شما خانواده وصیت[4] نامه را آغاز می‌کنم
با سلام و درود[5] فراوان به حضرت مهدی(عج) و با سلام و درود[6] فراوان بر نایب[7] برحقش[8] ابراهیم زمان و در هم‌کوبنده[9] بند ظلم ستم، دشمن مستکبران و حامی مستضعفان[1]

1- برداشتی از جمله مرحوم دکتر علی شریعتی «حسین وارث آدم».
2- در اصل وصیت «منرا».
3- خوانا نیست.
4- در اصل وصیت «وصیعت».
5- در اصل وصیت «دورد».
6- در اصل وصیت «دورد».
7- در اصل وصیت «نایب».
8- در اصل وصیت «حق‌اش».
9- بخشی از تعبیر «درهم کوبنده» در اصل وصیت افتاده است. ضمناً کوبنده را «کوبنده» نوشته است.

مستضعفان[1] و چاره بیچارگان[2] [خدایا] این پیرجماران امام الخمینی [را] تا قیام انقلاب مهدی(عج) نگه بدار. با سلام درود[3] فراوان به پدر و مادر گرامی‌ام[4] که [با] تلاش‌های فراوانی کرده‌اند و [شما پدر و مادر عزیزم که] مرا به‌خدمت مقدس سربازی فرستادید[5] و به جبهه‌های حق بر علیه باطل اعزام شدم، امیدوارم که خداوند به شما صبری در [راه] اسلام عنایت[6] کند تا[7] من برای[8] [این][9] اسلام عزیز و این پیرجماران خمینی عزیز جانم را فدا کنم[10] و من [از] جان ناچیز و خون ناقابل [خود را] در راه دین اسلام بدهم [و اگر] باز هم خداوند به من جان بدهد، می‌جنگم [با] این دشمنان و ابرقدرت‌ها می‌جنگم، تا شهید بشوم.

با سلام درود[11] فراوان به ملت شهیدپرور انقلاب اسلامی ایران که سال‌ها با طاغوت طاغوتیان[12] مبارزه کردند. اگر چه دنیا زیباست و دوست داشتنی است [و] دنیا آدم را بطرف خودش می‌کشد، اما خانه پاداش الهی (خانه آخرت) خیلی از دنیا زیباتر است، خیلی از دنیا والا[13] مقامتر و بهتر است پس چرا جانمان را فدای هم چون اسلام عزیزی که در خطر است (فدای اسلام) نکنیم. ما باید تلاش کنیم که هر چه زودتر اسلام را زنده کنیم [و] اگر در راه اسلام جان بدهیم[14] و خون بدهیم و دشمنان اسلام را از بین ببریم [و نیز] با هر

1- در اصل وصیت «مصتضعفان».
2- در اصل وصیت «بیچاره‌گان».
3- در اصل وصیت «دورد».
4- در اصل وصیت «گرامیّم».
5- در اصل وصیت «فرستاده‌اند».
6- در اصل وصیت «عنائت».
7- در اصل وصیت «که».
8- در اصل وصیت «فدای».
9- در اصل وصیت «همچون».
10- در اصل وصیت «فدای آنها بشود».
11- در اصل وصیت «دورد».
12- در اصل وصیت «طاقوت و طاقوتیان».
13- در اصل وصیت «بالا».
14- در اصل وصیت «دادیم».

قطره‌ای از خون شهید اسلام زنده می‌شود. مثل آن درختی که آبیاری می‌خواهد،[1] آری اسلام هم از قطره قطره خون شهید رشد[2] می‌کند.

«و لا تحسبن الذین قتلوا فی سبیل الله امواتاً بل احیاءٌ عند ربهم یرزقون»[3] «گمان مبر آنان را که در راه حق شهید شده‌اند مرده‌اند خیر آنها زندگانی هستند «نزد» پروردگارشان روزی می‌خورند».[4]

«ان الجهاد باب من ابواب الجنة فتحه الله لخاصة أولیائه».[5] «همانا جهاد دری از درهای بهشت است دری است که خداوند این بهشت[6] را به روی همه کس گشوده است». شهید چه می‌کند؟ شهید تنها کارش این نیست که در مقابل دشمن می‌ایستد یا دشمن را می‌زند یا از دشمن می‌خورد، اگر تنها این بود باید بگوییم[7] آن وقتی که از دشمن می‌خورد و خونش را می‌ریزند، خونش هدر رفته؟ نه، هیچ وقت خون شهید هدر نمی‌رود. خون شهید به زمین نمی‌ریزد. خون شهید هر قطره‌اش تبدیل به صدها قطره و هزارها قطره بلکه به دریایی[8] از خون می‌گردد و در پیکر اجتماع وارد می‌شود. لهذا پیغمبر فرمود «مامن قطرة احب الی الله من قطره دم فی سبیل الله»[9] هیچ قطره در مقیاس حقیقت و در نزد خدا از قطره خونی که در راه خدا ریخته شود بهتر نیست. «شهادت تزریق خون است به پیکر اجتماع این شهدا»[10] هستند که به پیکر اجتماع و در رگ‌های اجتماع- خاصه اجتماعاتی که دچارکم‌خونی هستند خون جدید وارد می‌کنند.

شهید حماسه آفرین است، بزرگ‌ترین خاصیت شهید حماسه آفرینی اوست. اسلام همیشه نیازمند به شهید است، چون همیشه نیازمند به حماسه آفرینی است. حماسه‌های نو

1- در اصل وصیت «می‌کند».

2- در اصل وصیت «رشت».

3- آل عمران/ 169.

4- در اصل وصیت «روزی می‌خورند» را در ترجمه انداخته است.

5- خطبه 27، نهج‌البلاغه، ص 27، ترجمه سید جعفر شهیدی.

6- در اصل وصیت «بهشتی».

7- در اصل وصیت «بگوئیم».

8- در اصل وصیت «دریائی».

9- کافی، ج5، ص53.

10- استاد شهید مرتضی مطهری، قیام و انقلاب مهدی، ص104، به ضمیمه شهید چاپ پنجم، انتشارات صدرا.

به نو و همچون آفرینش‌ها. پروردگارا اینک برای رضای تو و برای خشنودی تو و به امر خلیفه برحق تو که نایب[1] امام زمان(عج) نیز می‌باشد قدم به صحنه جهاد بر علیه کفر می‌گذارم، بدان امید که مرا به فیض شهادت برسانی، تا شاید کفاره‌ای باشد، راه محو گناهان و ادای دینی در قبال جمهوری اسلامی و یا مرا بیامرزی و توبه‌ام را بپذیری که در هر حال به تو نیازمندم.

خداوندا، به محمدت و به خمینی‌ات سوگند که گرانبهاتر از خونم متاعی ندارم که بدهم و اینک این [...][2] من هم [و] جان ناقابل من تقدیم به روح تو خمینی کبیر.

پدر و مادر عزیزم مرا ببخشید و از من راضی باشید تا خدا هم از من خشنود گردد و مرا بیامرزد. پدر و مادر عزیزم امیدوارم بتوانم با تقدیم خون ناقابل و چشم ضعیف خود به اسلام و امام عزیزمان رضایت خدا و شما را فراهم کنم مسرور[3] باشید و افتخار کنید که اولین فرزند خانواده را فدای اسلام و خاکپای امام کرده‌اید [...][4] خدایی که با راهنمایی[5] خود انسان را به راه راست هدایت می‌کند و برای رسیدن به اسلام راستین باید صبر داشت و می‌بایست شهید هم داد، تا اسلام پاینده [و] درخشان بماند. به راه اسلام نیز [باید] مثل امام علی(**7**) و امام حسین(**7**) و یارانش [که] خون داده‌اند، تا امروز اسلام استوار مانده است، [خون داد]. از خط امام و از پیروی خط امام اطاعت کنید و نیز بدانید همان راه انبیاء(**6**) و ائمه معصومین(**7**) است. دوستان و خویشان امروز زمان امتحان است دو جبهه وجود دارد- حسینی و یزیدی- از فرصت استفاده کنید و به جبهه حسینی بپیوندید و قدر امام را بدانید، چون اگر ندانید، بر اثر کفران نعمت دچار بلاهای عظیم خواهید[6] شد.

1- در اصل وصیت «نایب».
2- خوانا نیست.
3- در اصل وصیت «محثور».
4- خوانا نیست.
5- در اصل وصیت «راهنمائی».
6- در اصل وصیت «خواهد».

ای امت اسلام ای ملت ایران هرگز فریب منافقین[1] و روشنفکران غرب‌زده و شرق‌زده [را] نخورید و روحانیت مبارز را از خودتان جدا ننمایید.[2] از شما می‌خواهم که در برابر دشمنان اسلام چه داخلی و چه خارجی طبق قانون اسلام بر خورد قاطع داشته باشید و در خط امام که خط اصیل اسلام است حرکت کنید، تا پیروزی نهایی[3] اسلام و شکست قطعی کفر جهانی [و نیز] به سرکردگی آمریکا و شوروی و مزدوران داخلی آنها انشاءالله خداوند آنها را لعنت کند که چقدر جنایت[4] کارند.

پدر و مادر عزیزم از شما می‌خواهم بعد از شهادت من گریه نکنید و نیز مثل امام عزیزمان باشید، که «در شهادت پسرش گریه نکرد»[5] از شما می‌خواهم بنده حقیر را با لباس دفن کنید، چون می‌خواهم سند لیاقت شهید شدن را با خودم به آن دنیا ببرم.

سید یوسف سیدرضایی

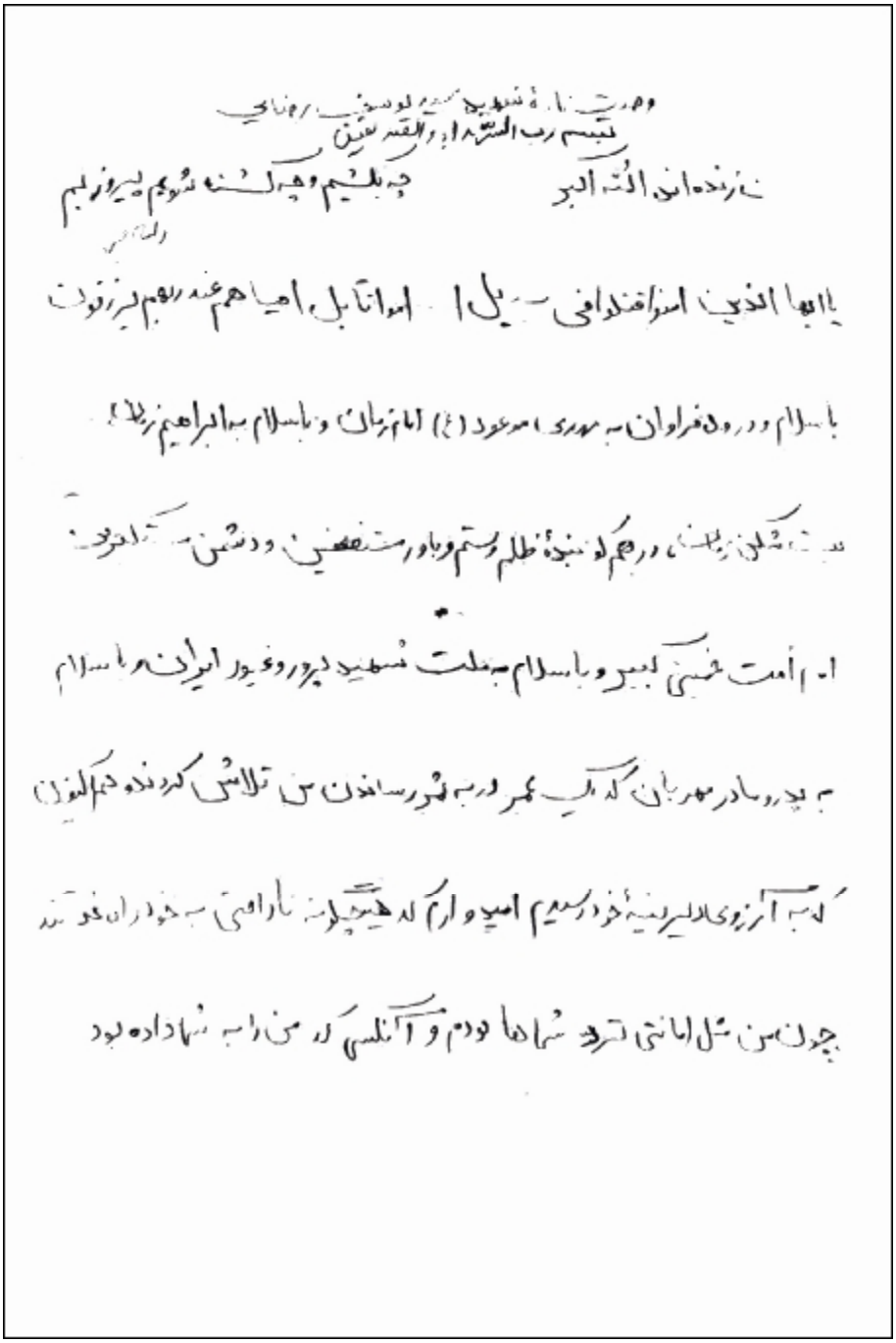
1- ر.ک. تعلیقات.

2- در اصل وصیت «ننمائید».

3- در اصل وصیت «نهائی».

4- در اصل وصیت «جنایات».

5- اشاره به شهادت آیت‌الله سیدمصطفی خمینی فرزند امام خمینی است.



مرگ
می باسیت روزی سین می گرفت و از آنیه ی شهید شدم میاد اسرکسی
منت گلذارید. چون گریه کنید باشهید شدن من زین خود را سبت
به انقلاب اسلامی ایران ادا کردیم گذشت شما مان در راه خدا و اسلام را
سرافراز بدارید. پدر و مادر مهربان آرامش تا راضی یا از فرزند شهید بیش
لحن بلند باشما صحبت کردم حاضرم تمنای کنم مرا ببخشید.
و مادر مهربان در مخدا قسمت می دهم به شیرت را برمن حلال کنی و مرا
فقدان من گریه و زاری نکنی چون راه ما هست ادامه دارد است و فرزند تو
در راه خدا و اسلام شهید شده است و میاد اگر به بزار امام حسین (ع) کنی

تنها وصیتی که به شما پدر و مادر عزیز و ملت غیور ایران دارم که ادامه

دهندهٔ راه شهدا که راه پیغمبران است باشید و سعی کنید کار حسینی کردیم و شهدا

که ماندند کار زینبی بکنید.

راستی برادران و خواهرانم خودتان وصیتی هم که به آنها دارم که ادامه دهندهٔ

راه برادر شهید خود که راه خدا و اسلام است باشند و با پدر و مادر خود طوری

رفتار کنید که اصلاً حدائی مرا از شما احساس نکنند و همیشه این شعار

از یادتان نرود خدایا، خدایا، خدایا، تا انقلاب مهدی [illegible]

بدن را دفن کردیم این شعار را همه زمان بیاورید البته این شعار به برادران

کنار قبر شهدا آرمیده ایم بهر ما یوسف زهرا یوسف زهرا، یوسف جان

هر آنگه بی‌کسی دلم برای آشتی برادرون همگرون

در آخر با همهٔ شما خداحافظی می‌کنم و همهٔ شما را به خدای بزرگ می‌سپارم

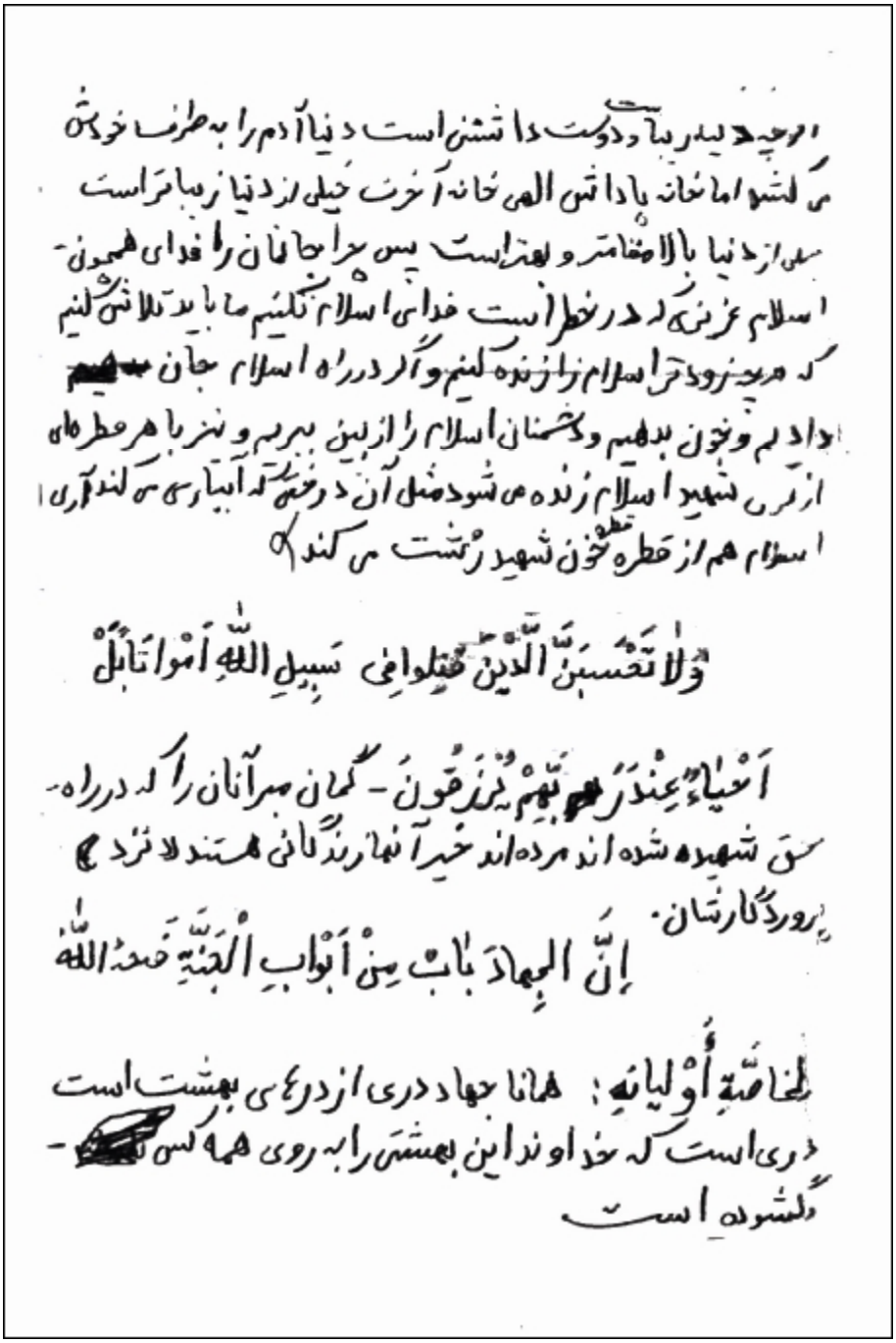
خداحافظ امید پیروزی هر چه زودتر حق بر باطل

بسمه رب الشهدا

به نام سلام به شما خوانندگان وصیت نامه را آغاز می کنم

با سلام درود فراوان به حضرت مهدی (عج) و با سلام درود فراوان بر نائب برحق اش ابراهیم زمان و در رکاب ظلم ستم دشمن مستکبران و جای مستضعفان و بیچاره بیچارگان این پیر جماران امام الخمینی تا قیام انقلاب مهدی تلقه بدارند با سلام درود فراوان به پدر و مادر گرامیم که با تلاش های فراوانی کرده اند و شما پدر و مادر عزیزم که مرا بخدمت مقدس سربازی فرستاده اید و به جبهه های حق بر علیه باطل اعزام شدم امیدوارم که خداوند به شما صبری در اسلام عنایت کند که من فدای همچون اسلام عزیزه این پیر جماران خمینی عزیز جانم فدای آنها بشود و من از جان نا چیز و نمون نا قابل در راه دین اسلام بدهم باز هم خداوند من جان بدهد می جنگم این دشمنان و ابر قدرتها می جنگم تا شهید بشوم.

با سلام درود فراوان به ملت شهید پرور انقلاب اسلامی ایران که سالها با طاغوت طاغوتیان مبارزه کردند.



وجود دنیا و دوست داشتنی است دنیا آدم را به طرف خودش
می کشد اما خانه باقی الهی خانه آخرت خیلی از دنیا زیبا تر است
حتی از دنیا بالا مقام تر و بهتر است پس چرا جانمان را فدای هیچ
اسلام عزیز که در خطر است فدای اسلام نکنیم ما باید تلاش کنیم
که هر چه زودتر اسلام را زنده کنیم و اگر در راه اسلام جان
دادیم و خون بدهیم و دشمنان اسلام را از بین ببریم و نیز با هر قطره ای
از آن شهید اسلام زنده می شود مثل آن درختی که آبیاری می کند آری
اسلام هم از قطره خون شهید رشد می کند

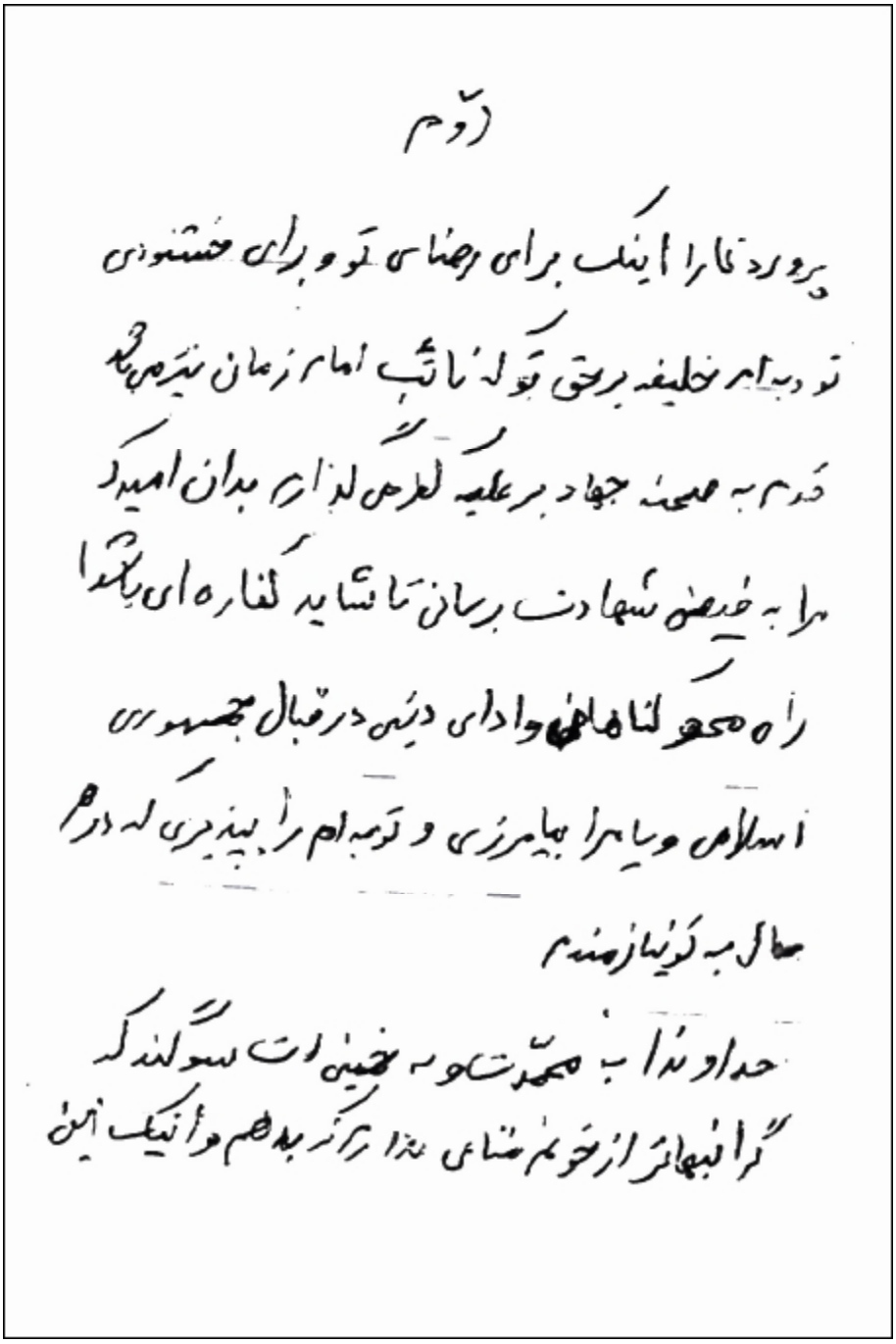
وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ

أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ - گمان مبر آنان را که در راه
حق شهید شده اند مرده اند خیر آنها زندگانی هستند نزد
پروردگارشان.

إِنَّ الْجِهَادَ بَابٌ مِنْ أَبْوَابِ الْجَنَّةِ فَتَحَهُ اللَّهُ

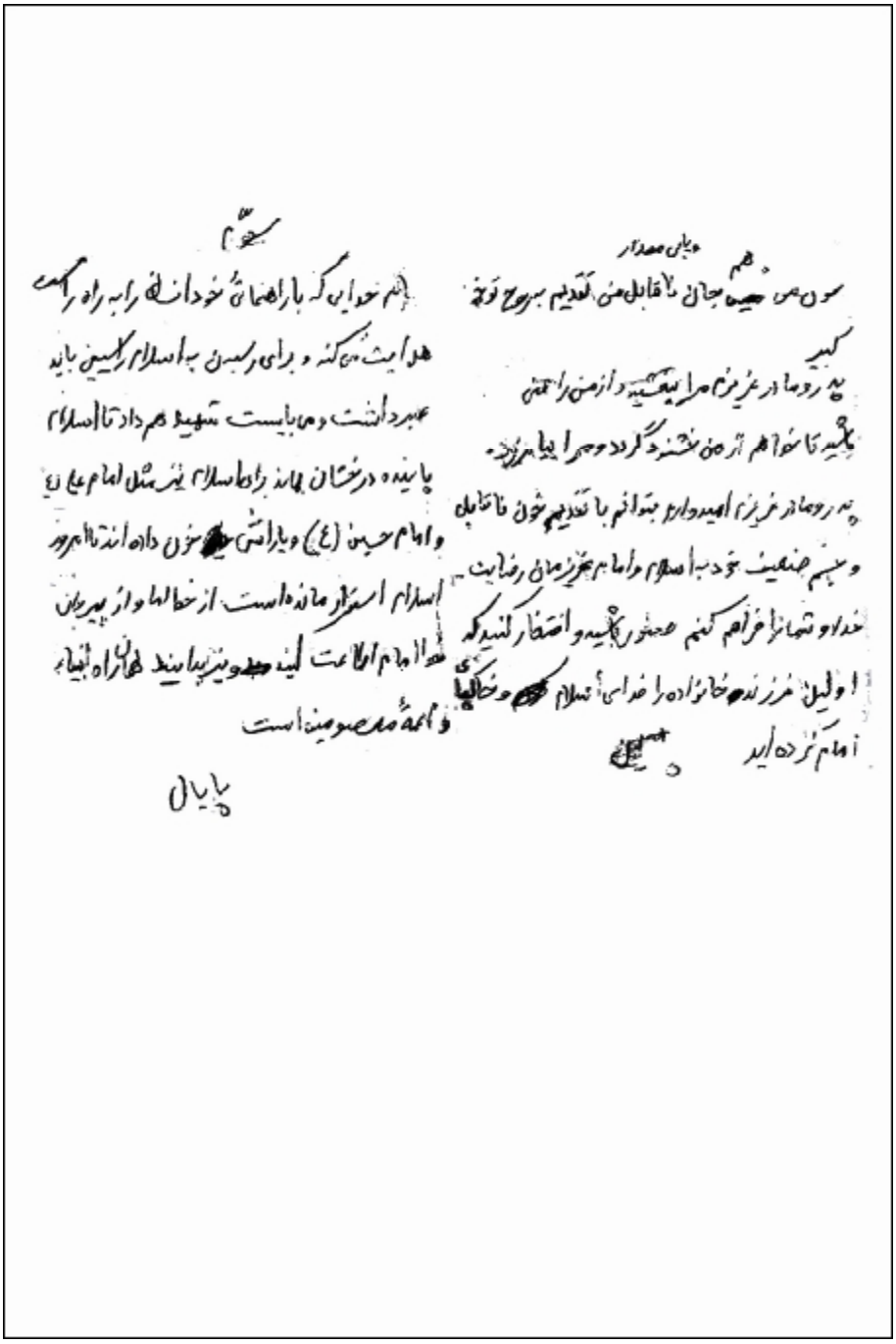
لِخَاصَّةِ أَوْلِيَائِهِ: همانا جهاد دری از درهای بهشت است
دری است که خداوند این بهشت را به روی همه کس
گشوده است

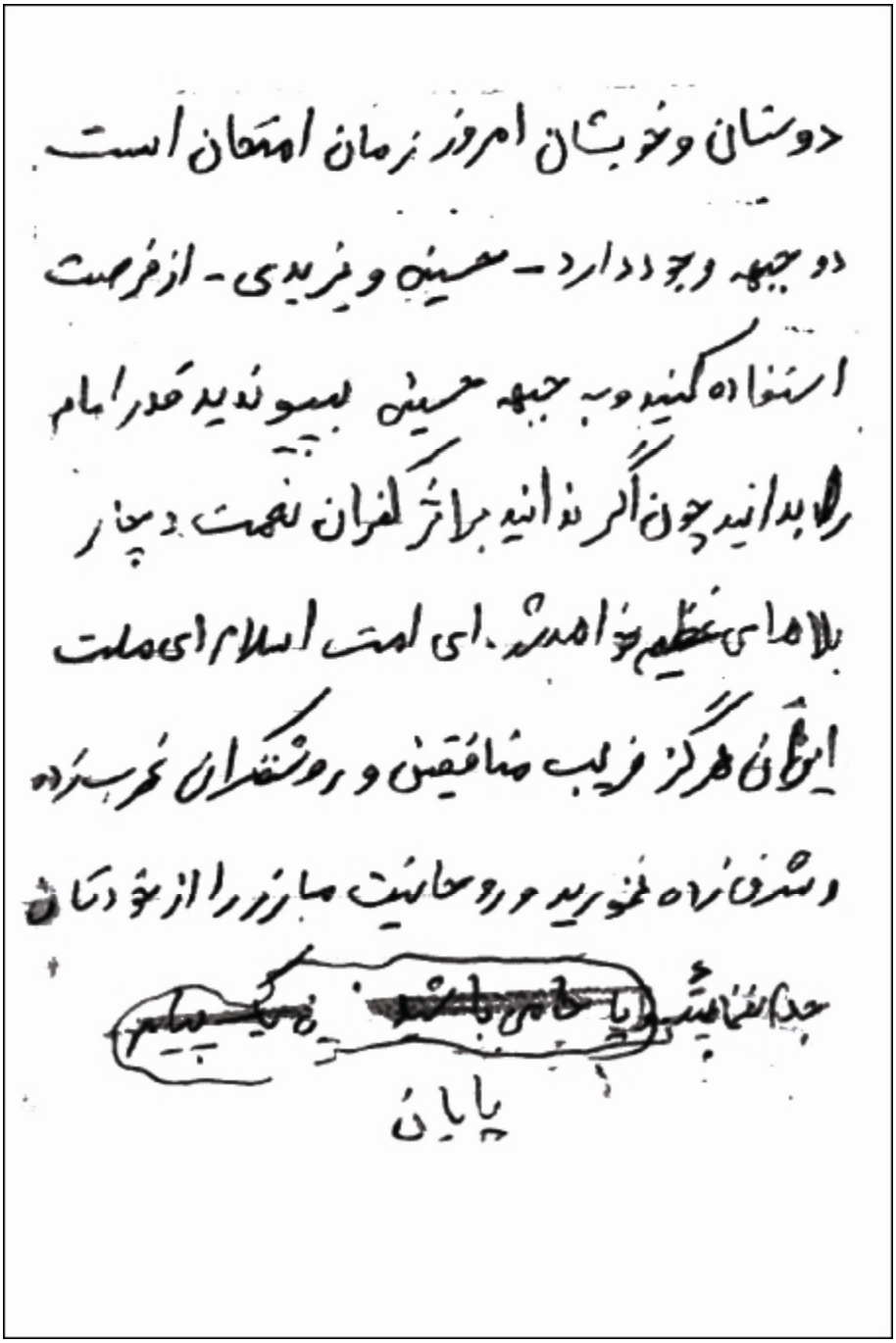
شهید چه می گوید شهید تنها کارش این نیست که در مقابل دشمن
می ایستد یا دشمن را می زند یا از دشمن می خورد اگر تنها این بود باید
بگوییم آن وقتیکه از دشمن می خورد و خونش را می ریزد خونش هدر
رفته: نه هیچوقت خون شهید هدر نمی رود خون شهید بر زمین نمی ریزد
خون شهید هر قطره اش تبدیل به صدها قطره و هزارها قطره بلکه
به دریائی از خون می گردد و در پیکر اجتماع وارد می شود لهذا پیغمبر فرمود
(ما من قطرة احب الی الله من قطرة دم فی سبیل الله) هیچ قطره ای در
مقیاس حقیقت و در نزد خدا از قطره خونی که در راه خدا ریخته شود
بهتر نیست شهادت تزریق خون است به پیکر اجتماع این شهدا
هستند که به پیکر اجتماع و در رگهای اجتماع - خاصه اجتماعاتی که دچار
کم خونی هستند - خون جدید وارد می کنند.
شهید حماسه آفرین است بزرگترین خاصیت شهید حماسه آفرینی است
اسلام همیشه نیازمند به شهید است چون همیشه نیازمند به حماسه -
آفرینی است حماسه های بلند و به تو و همچون آفرینش ها!



دوم

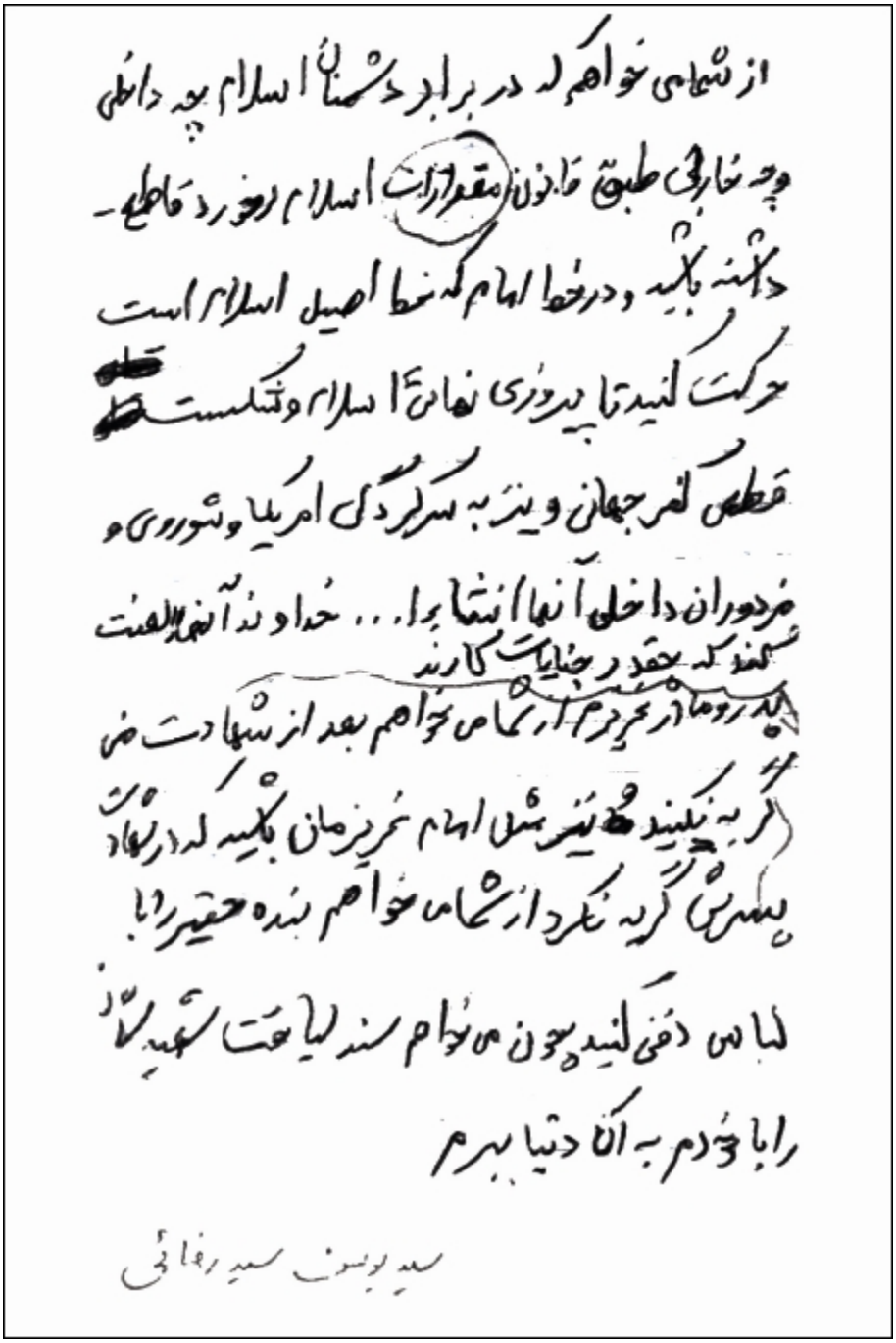
پروردگارا اینک برای رضای تو و برای خشنودی
تو و به امر خلیفه برحق تو نائب امام زمان میرهم
قدم به صحنه جهاد برعلیه کفر میگذارم بدان امید
که به فیض شهادت برسم تا شاید گناهی باشد
راه محو گناهان و ادای دینی در قبال جمهوری
اسلام و یاری بیامبرزی و ترمه ام را بپذیری که در هر
حال به تو نیازمندم
خداوندا به محمد شوه خمینی ات سوگندت که
گر انبهاتر از خودم شناسی بدا برگزیده و اینک این





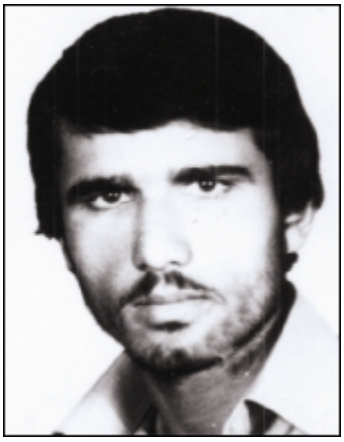
دوستان و خویشان امروز زمان امتحان است
دو جبهه وجود دارد - حسینی و یزیدی - از فرصت
استفاده کنید و به جبهه حسینی بپیوندید قدر امام
را بدانید چون اگر ندانید دچار کفران نعمت و دچار
بلاهای عظیم خواهید شد. ای امت اسلام ای ملت
ایران هرگز فریب منافقین و روشنفکران نمسرده
و شرق زده نخورید و روحانیت مبارز را از خود دانا
جدا نمایید [illegible]

پایان



از شما می خواهم که در برابر دشمنان اسلام چه داخلی
و چه خارجی طبق قانون مقدس اسلام برخورد قاطع
داشته باشید و در خط امام که خط اصیل اسلام است
حرکت کنید تا پیروزی نهائی اسلام و شکست
قطعی کفر جهانی و نیز به سرکردگی امریکا و شوروی و
مزدوران داخلی آنها انشاء الله... خداوند آنها لعنت
کند که چقدر جنایت کارند
بیش از همه از محرومین از شما می خواهم بعد از شهادت من
گریه نکنید چنانچه شما امام عزیزمان بگیید که در شهادت
پسرش گریه نکرد از شما می خواهم بنده حقیر را با
لباس رنگی تشییع نمائید چون می خواهم سند لیاقت شهید را
را با خود ببرم به آن دنیا ببرم

سید یوسف سید رضائی



نام: **ابوالقاسم**
نام خانوادگی: **سیفی**
نام پدر: **محمدعلی**
نام مادر: **منورخاتون**
تاریخ تولد: **یکم خرداد** 1339
محل تولد: **روستای وامرزان از توابع دامغان**
تحصیلات: **دیپلم**
ارگان اعزام‌کننده: **ارتش**
تاریخ شهادت: **ششم فروردین** 1361
محل شهادت: **شوش**
نحوهٔ شهادت: **اصابت ترکش**
مزار: **گلزار شهدای زادگاهش**

عبارت‌های کلیدی

- الحمدالله که حکومت اسلامی را دیدم و شاهد احیای مجدد اسلام و احیای مجدد انسانیت انسان بودم.
- در تداوم و استمرار انقلاب کوشا و هر یک به وظیفه خودتان آشنا باشید.
- آزاده باشید و جوانمردی و شهادت و ایثار و فداکاری و عفت عمومی را سرلوحه برنامه‌های زندگی خود قرار داده دل به این دنیا نبندید.
- هدف اسلام عزیز و اتکاء و اعتقاد به الله و دفاع از احکام اسلام و جمهوری اسلامی و حریت و شرف انسان.
- دنیا بداند که ما همگی در همه حال در صحنه‌ایم و فریاد سیدالشهداء حسین بن علی(**7**) را بگوش دل و جان شنیده‌ایم.
- برادرانم و خواهرانم شما را به رعایت اصول و فروع مکتب رهایی بخشمان سفارش می‌کنم.
- وحدت را حفظ کنید.

ابوالقاسم سیفی

بسم‌الله الرحمن الرحیم

«**یریدون لیطفؤا**[1] **نور الله بافواههم و الله متم نوره و لو کره الکافرون**». «کافران می‌خواهند تا نور خدا را با باد دهانشان خاموش کنند غافل از آنکه خداوند تمام کننده نور خود یعنی (شرع و کتاب و دین و آیین[2]) می‌باشند گرچه کافران را خوش نیاید». (آیه 8 سوره مبارکه صف)

اینجانب به‌عنوان یک سرباز کشور عزیز اسلامیمان همیشه آرزوی آن را داشتم که در تحقق و استمرار جمهوری نقشی داشته باشم و شکر و سپاس خدای را که افتخار خدمت و ایثار نصیبم شد و حمد و ثنا به پیشگاهش که از باب کرمش حیاتم را در این صفحه از تاریخ مقرر فرمود که حق از باطل به وضوح[3] تمیز داده شود و جبهه اسلام و کفر مشخص است، و باز شکر که در این دوره از حیاتم شاهد جنایت‌های از خدا بی‌خبران و اخیراً منافقان[4] بودم و عاجز از شکر توام ای خدای که در تمام آن جریان‌های انحرافی و آن جو آلوده به راه راست هدایتم کردی و مرا تشنهٔ احکام اسلام و حکومت اسلامی نمودی باز الحمدالله که حکومت اسلامی را دیدم و شاهد احیای مجدد اسلام و احیای مجدد انسانیت انسان بودم.

حال تو ای هم وطن: با لطف حق تعالی شاهدیم که چگونه همچنان انقلابمان مواج و خروشان به پیش[5] می‌رود و در صدور انقلابمان یعنی اسلاممان هر روز موفق‌تریم و گروهک‌ها و ملی‌گراها[6] را رو به زوال و نیستی می‌بینیم. همچنان امیدوار و حاضر در

1- در اصل وصیت «لیطفئوا».
2- در اصل وصیت «آیین».
3- در اصل وصیت «بوضوح».
4- ر.ک. تعلیقات.
5- در اصل وصیت «بپیش».
6- ر.ک. تعلیقات.

صحنه باشید وحدت را حفظ کنید و از حیله و مکر دشمنان نهراسید که چون قیام و نهضتمان به‌خاطر خداست پس « و **مکروا و مکر الله و الله خیر الماکرین**».[1]

و از اینکه جهانخواران و دست‌نشاندگانشان همگی دست بدست هم بر علیه اسلام عزیز و ایران عزیز بپاخاسته‌اند نومید نشوید که «**حسبنا الله نعم و الوکیل**» «**نعم المولی و نعم النصیر**»،[2] «خداوند برای ما بس است او بهترین یار و یاور ماست».

هان ای عزیزان اینک بجای حزن و اندوه دندان‌هایتان را بر هم فشرده و قلباً با خدا عهد و پیمان ببندید که بی‌تفاوت نبوده و در تداوم و استمرار انقلاب کوشا و هر یک به وظیفه[3] خودتان آشنا باشید و اندکی فکر کن که چرا خلق شده‌ای و هدف از خلقت تو چه بوده و وظیفه تو چیست که خدای عزوجل در این مورد می‌فرماید: «**افحسبتم انما خلقناکم عبثا و انکم الینا لا ترجعون**»؛[4] «آیا شما چنین پنداشته‌اید که ما شما را عبث و بازیچه آفریده‌ایم و پس از مرگ هرگز بر ما رجوع نخواهید کرد» (آیه 115 سوره مومنون) پس سعی کنید از آزمایشها سربلند بیرون آیید[5] و این کلام خداست که «**و لنبلونکم حتی نعلم**[6] **المجاهدین منکم و الصابرین و نبلوا**[7] **اخبارکم**»[8] (و البته ما شما را در مقام امتحان می‌آوریم تا آنکه در راه خدا مجاهده و کوشش دارد و به رنج آن صبر میکند مقامش را معلوم سازیم و اظهارات شما را بیازماییم.[9] آری آزاده باشید و جوانمردی و شهادت و ایثار و فداکاری و عفت عمومی را سرلوحه برنامه‌های زندگی خود قرار داده دل به این دنیا نبندید که کتاب راهنمایمان قرآن در پیمودن طریق صحیح زندگی می‌فرماید «**و ما هذه الحیوة الدنیا الا لهو و لعب و ان الدار الاخرة لهی الحیوان لو کانوا یعلمون**»[10] «این زندگانی چند روزه دنیا اگر

1- آل عمران/ 54.
2- آل عمران/ 173، انفال/ 40.
3- در اصل وصیت «بوظیفه».
4- مؤمنون/ 115.
5- در اصل وصیت «آئید».
6- در اصل وصیت «نعم».
7- در اصل وصیت «نبلو».
8- محمد/ 31.
9- در اصل وصیت «بیازمائیم».
10- عنکبوت/ 64.

نه در پرستش حق و سعادت آخرت صرف شود افسوس و بازیچه‌ای بیش نیست و زندگانی اگر مردم بدانند به حقیقت[1] در آخرت است که حیاتش جاوید و نعمتش بی‌رنج و زوالست». (آیه 64 سوره مبارکه عنکبوت)

خانواده عزیزم: بر مزارم و بر عزایم بیرق سیاه را به اهتزاز در نیاورید و به‌جای آن پرچم‌های سرخ و سبز و سفید را به اهتزاز[2] درآورید چه آنکه آنهایی که معنای «**ان الحیوة عقیده و الجهاد**»[3] را نمی‌دانند احتمالا با دیدن پرچم و بیرق سیاه مأیوس می‌شوند که سرخ به معنای[4] ادامه خط سرخ شهادت از کربلا و کربلاهای مکرر تاریخ تا کربلای ایران و اعتقادمان به «**کل یوم عاشورا و کل ارض کربلا**»[5] و سبز به نشانه آن که هدف اسلام عزیز و اتکاء و اعتقاد به الله و دفاع از احکام اسلام و جمهوری اسلامی و حریت و شرف انسان و سفید به آن نشان که صلح طلبیم و اینک در حال دفاع از حدود و ثغور کشور اسلامیمان می‌باشیم و سرانجام دنیا بداند که ما همگی در همه حال در صحنه‌ایم و فریاد سیدالشهداء حسین بن علی(**7**) را بگوش دل و جان شنیده‌ایم که: «هیهات من الذله»[6] خواری و ذلت از ما بدور است) و حال تو ای مادر جان رحمت خدا به شیر پاکت که هدایتم را مدیون شیر حلالت دانسته و نیک می‌دانم که جهت پرورشم در دامان پر مهرت متحمل رنجها شده‌ای. اما خوش باش بر اینکه سرانجام حاصل دست رنجت را بیهوده نیافتی و اینک برای دوام جبهه حق، امانت را در راه اسلام هدیه نموده‌ای.

همسرم: به امید[7] آن که در طریق اسلام بوده و احکام دین مبین اسلام را رعایت و به دیگر خواهران توصیه نموده و آنان را بر این موضوع واقف نمایی[8] که «**ان اکرمکم عندالله**

1- در اصل وصیت «بحقیقت».

2- در اصل وصیت «باهتزاز».

3- امام حسین(**7**) (فرهنگ عاشورا ذیل شعارهای عاشورا «جواد محدثی»).

4- در اصل وصیت «بمنای».

5- این شعار و جمله نشان دهندهٔ پیوستگی و تداوم خط درگیری حق و باطل در همهٔ زمان‌ها و مکان‌هاست (فرهنگ عاشورا، جواد محدثی، ص400).

6- ر.ک. تعلیقات.

7- در اصل وصیت «بامید».

8- در اصل وصیت «نمائی».

اتقیکم»[1] «بهترین شما باتقواترین شماست». و به حجاب و نجابت و عفت سفارش و به آنان گوشزد نما که ای خواهر شما مادران آینده [و]، برحسب وظیفه بزرگ و مقدس که آنهم به تربیت[2] فرزندانتان می‌باشد آینده سازید آری به آنان بگو که تربیتی حسین‌گونه و زینب‌گونه از وظایفشان [است] و سفارش ده آنان را به جهاد[3] در راه خدا جهاد اکبر که «**افضل الجهاد ان یجاهد الرجل نفسه و هواء**»[4] بهترین جهاد آن است که انسان با نفس و هوس خود پیکار کند. همسر خوبم مشیت و اراده خدا و لطفش بر این شد که از حیات در این دار فانی خلاصی یابم به همین[5] جهت از خدا می‌خواهم که در دنیا و آخرت سعادتمند شوی. برادرانم و خواهرانم شما را به رعایت اصول و فروع مکتب رهایی بخشمان سفارش می‌کنم.[6] خانواده عزیز تاکید میکنم به اینکه همسرم مادام که در طریق اسلام می‌باشد قاعدتاً باید حرمت و حریتش محفوظ باشد.

هموطنان: با این بینش که مختصری از آن را بیان نموده‌ام اینک می‌رویم که بار دگر با احیای[7] اسلام، مردم رنجیده و مستضعفین جهان را نجات داده و با ادامه خط خمینی که همانا خط اسلام راستین است با پیروزی بر جنود شیاطین شرق و غرب پیش‌آهنگان نهضت اسلامی بوده و قوانین قرآن را به تمامی[8] ملل جهان هدیه دهیم چه آنکه اراده خدا بر این است که «**الاسلام یعلوا و لا یعلی علیه**»[9]: «اسلام برتر است و هیچ چیز بر آن برتری ندارد».

«والسلام»

ابوالقاسم سیفی

1- حجرات/ 13.

2- در اصل وصیت «بترتیب».

3- در اصل وصیت «بجهاد».

4- حدیثی از پیامبر اکرم(**6**) است. در اصل وصیت بجای «یجاهد» مجاهد آمده است (نهج‌الفصاحه).

5- در اصل وصیت «بهمین».

6- در اصل وصیت «میدهم».

7- در اصل وصیت «احیاء».

8- در اصل وصیت «بتمامی».

9- از سخنان حضرت پیامبر (**6**) است. (نهج الفصاحه، ص 149، حدیث 1052، ترجمه ابوالقاسم پاینده- محسن غرویان).

بسم ا...الرحمن الرحیم

یریدون لیطفئوا نور الله بافواههم و الله متم نوره ولو کره الکافرون

کافران میخواهند تا نور خدا را با باد دهانشان خاموش کنند غافل از آنکه خداوند تمام کننده نور خود یعنی (شرع و کتاب و دین و آئین) میباشند گرچه کافران را خوش نیاید

(آیه ۷ سوره مبارکه صف)

اینجانب بعنوان یک سرباز کشور عزیز اسلامیمان همیشه آرزوی آن را داشتم که در تحقق و استمرار جمهوری نقشی داشته باشم و شکر و سپاس خدایرا که افتخار خدمت و ایثار نصیبم شد و حمد و ثنا به پیشگاهش که از باب کرمش حیاتم را در این اصفحه از تاریخ مقرر فرمود که حق از باطل بوضوح تمیز داده شود و جبهه اسلام و کفر مشخص است، و باز شکر که در این دوره از حیاتم شاهد جنایتهای از خدایی خبران و اخیراً منافقان بودم و عاجز از شکر تو ای خدا که در تمام آن جریانهای انحرافی و آن جو آلوده براه راست هدایتم کردی و مراقبتهٔ احکام اسلام و حکومت اسلامی نمودی باز الحمدالله که حکومت اسلامی را دیدم و شاهد احیای مجدد اسلام و احیای مجدد انسانیت انسان بودم.

حال ای هموطن: بالطف حقتعالی شاهدیم که چگونه همچنان انقلابمان مواج و خروشان پیش میرود و در صدور انقلابمان یعنی اسلامان هر روز موفقتریم و گروهکها و ملی-گراها را رو به زوال و نیستی میبینیم همچنان امیدوار و حاضر در صحنه باشید وحدت را حفظ کنید و از حیله و مکر دشمنان نهراسید که چون قیام و نهضتمان بخاطر خداست پس مکر او مکر الله و الله خیر الماکرین.

و از اینکه جهانخواران و دست نشاندگانشان همگی دست بدست هم بر علیه اسلام عزیز و ایران عزیز بپاخاسته اند نومید نشوید که حسبنا الله نعم الوکیل نعم المولی و نعم النصیر، خداوند برای ما بس است او بهترین یار و یاور ما است.

هان ای عزیزان اینک بجای حزن و اندوه دندانهایتان را بر هم فشرده و قلباً با خدا عهد و پیمان ببندید که بی تفاوت نبوده و در تداوم و استمرار انقلاب کوشا و هریک بوظیفه خودتان آشنا باشید و اندکی فکر کنید که چرا خلق شده ای و هدف از خلقت تو چه بوده و وظیفه تو چیست که خدای عزوجل در این مورد میفرماید:

افحسبتم انما خلقناکم عبثا و انکم الینا لاترجعون: آیا شما چنین پنداشته اید که ما شما را عبث و بازیچه آفریده ایم و پس از مرگ هرگز بر ما رجوع نخواهید کرد (آیه ۱۱۴ سوره مؤمنون)

(بقیه در صفحه بعد)

پس سعی کنید از آزمایشها سربلند بیرون آئید و این کلام خداست که ولنبلوکم حتی نعلم المجاهدین منکم والصابرین و نبلو اخبارکم (والبته ما شما را در مقام امتحان می آوریم تا آنکه در راه خدا مجاهده و کوشش دارد و به رنج آن صبر میکند مقامش را معلوم سازیم و و اظهارات شما را بیازمائیم، آری آزاده باشید و جوانمردی و شهامت و ایثار و فداکاری و عفت عمومی را سرلوحه برنامه‌های زندگی خود قرار داده دل به این دنیا نبندید که کتاب راهنمایمان قرآن در پیمودن طریق صحیح زندگی میفرماید وما هذه الحیوة الدنیا الا لهو و لعب وان الدار الاخره لهی الحیوان لو کانوا یعلمون این زندگانی چند روزه دنیا اگر نه در پرستش حق و سعادت آخرت صرف شود افسوس و بازیچه‌ای بیش نیست و زندگانی اگر مردم بدانند بحقیقت در آخرت است که حیاتش جاوید و نعمتش بی رنج و زوال است

(آیه ۶۴ سوره مبارکه عنکبوت)

خانواده عزیزم: برمزار م و برعزایم بیرق سیاه را به اهتزاز در نیاورید و بجای آن پرچمهای سرخ و سبز و سفید را با هتزاز در آورید چه آنکه آنها بی که معنای ان الحیوة عقیدة و الجهاد را نمی‌دانند احتمالا با دیدن پرچم و بیرق سیاه مأیوس میشوند که سرخ بمنای ادامه خط سرخ شهادت از کربلا و کربلاهای مکرر تاریخ تا کربلای ایران و اعتقادمان به کل یوم عاشورا و کل ارض کربلا و سبز به نشانه آنکه هدف اسلام عزیز و اتکاء و اعتقاد به الله و دفاع از احکام اسلام و جمهوری اسلامی و حریت و شرف انسان و سفید به آن نشان که صلح طلبیم و اینک در حال دفاع از حدود و ثغور کشور اسلامیمان میباشیم و سرانجام دنیا بداند که ما همگی در همه حال در صحنه‌ایم و فریاد سیدالشهداء حسین بن علی (ع) را بگوش دل و جان شنیده‌ایم که: (هیهات من الذله خواری و ذلت از ما بدور است) و حال تو ای مادر جان رحمت خدا به شیر پاکت که هدایتم را مدیون شیر حلالت دانسته و نیک میدانم که جهت پرورشم در دامان پر مهرت متحمل رنجها شده‌ای. اما خوش باش بر اینکه سرانجام حاصل دست رنجت را بیهوده نیافتی و اینک برای دوام جبهه حق اما نتر ادر راه اسلام هدیه نموده‌ای

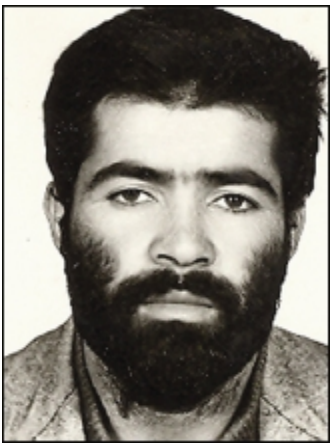
همسرم: بامید آنکه در طریق اسلام بوده و احکام دین مبین اسلام را رعایت و به دیگر خواهران توصیه نموده و آنان را بر این موضوع واقف نمائی که ان اکرمکم عندالله اتقیکم بهترین شما با تقوا ترین شماست. و به حجاب و نجابت و عفت سفارش و به آنان گوشزد نما که ای خواهر شما مادران آینده و برحسب وظیفه بزرگ و مقدس که آنهم بترتیب فرزندانتان میباشد آینده‌سازید آری به آنان بگو که تربیتی حسین گونه و زینب گونه از وظایفشان و سفارش ده آنان را بجهاد در راه خدا جهـــــاد اکبر که «افضل الجهاد ان مجاهد الرجل نفسه وهواه» بهترین جهـــــاد آنست که انسان با نفس و هوس خود پیکار کند همسر خوبم مشیت و اراده خداو لطفش بر این شد که از حیات در این دار فانی خلاصی یابم بهمین

(بقیه در پشت صفحه)

جهت‌ازخدامیخواهم که دردنیاو آخرت سعادتمند شوی برادرانم وخواهرانم‌شمارابه رعایت‌اصول وفروع مکتب رهایی بخشمان سفارش میدهم خانواده عزیز تاکیدمیکنم به اینکه همسرمادام که درطریق‌اسلام‌میباشدقاعدتاً بایدحرمت‌وحریتش‌محفوظ باشد.

هموطنان: بااین بینش که‌مختصری ازآن‌رابیان نموده‌ام‌اینك می‌رویم که‌بار دگر بااحیاء اسلام، مردم رنجدیده و مستضعفین جهان‌را نجات‌داده وباادامه خط خمینی که‌هماناخط اسلام‌راستین‌است‌باپیروزی برجنود شیاطین شرق‌وغرب‌پیش آهنگان‌نهضت‌اسلامی‌بوده وقوانین قرآن‌را بتمامی ملل‌جهان هدیه دهیم‌چه‌آنکه اراده خدا براین است که الاسلام یعلو ولایعلی‌علیه: اسلام‌برتراست وهیچ‌چیز برآن‌برتری‌ندارد

والسلام ـ ابوالقاسم‌سیفی



نام: **حسین**
نام خانوادگی: **شاطری**
نام پدر: **محمدعلی**
نام مادر: **صدیقه**
تاریخ تولد: **یکم مهر** 1344
محل تولد: **شهرستان شاهرود**
تحصیلات: **دیپلم**
ارگان اعزام‌کننده: **بسیج**
تاریخ شهادت: **بیست‌وسوم بهمن** 1364
محل شهادت: **اروندرود**
نحوهٔ شهادت: **اصابت ترکش**
مزار: **گلزار شهدای زادگاهش**

عبارت‌های کلیدی

- اگر دین و آیینی در جهان وجود داشته باشد که حق باشد جز اسلام نیست.
- از این پیر جماران هیچ‌گاه جدا نشویم.
- از دستور امام خمینی تبعیت کنیم تا این مسئولیت الهی را به انتها برسانیم.
- دعا یادتان نرود که روشن کنندهٔ قلب‌ها و دل‌های ماست.
- خدایا در این لحظات آخر توبه می‌کنم از تمام گناهانی که مرتکب شده‌ام.
- خدایا ما را در زمرهٔ شهدای خودت قرار بده.
- وصیت می‌کنم از راه اسلام در راه قرآن و عترت و ولایت فقیه جدا نشوید.
- سعی کنید که دستورات اسلامی را در زندگی خود پیاده نمایید.
- از افرادی که طعنه‌زن می‌باشند شدیداً دوری نمایید.
- گیرم نبودن من فقدان عظیمی برای شماست اما اسلام سربلند است.
- اسلام پیروز است.
- خیلی شما را دوست دارم اما اسلام را بیشتر دوست دارم.

حسین شاطری

بسم الله الرحمن الرحیم

«قرض حسین شاطری»

1- بانک ملی شعبهٔ فردوسی که پول را پدرم گرفته و نصف آن را بـه مـن داده و قـسط آن ماهی 1700 تومان است که نصف است و نصف آن را من باید بدهم.

2- بانک مسکن ماهی 185 تومان باید بدهم و پـدرم همیـشه مـی‌دهـد و بـا مـن حـساب می‌کند.

3- بانک قرض‌الحسنه صندوق اسلام خیابان تهران مبلغ 10.000 تومان گرفته‌ام کـه از قـرار ماهی 1.000 تومان باید پرداخت شود که تا حال یک برج آن داده شده است.

4- قسط شهرداری که 1.000 تومان می‌باشد از قرار ماهی 500 تومان که تا به‌حال تعـدادی از آنها را پرداخت نموده‌ام.

5- مبلغ 5.000 تومان احمد ابوالقاسم نجار بابت نجاری در و کتابخانه و یـک [...][1] کـه در خانه موجود است از من می‌خواهد.

6- تا تاریخ 64/10/30 مبلغ 3500 تومـان بـه پـدرم بـدهکار هـستم کـه بـرج بـه بـرج او قسط‌های مرا می‌داده و حقوقم را دریافت می‌کرده و تا حال غیر از این [...][2] نمـی‌دانـم بـه زنم داده است.

مقدار قسط هر برج:

2535= (بانک اسلام)1000+ (بانک ملی) 850+ (بانک مسکن) 185+ (شهرداری) 500

مقدار قسطی که هر برج از طرف من پدرم از تاریخ 64/10/30 به بانکها می‌دهد.

اگر غیر از این بدهکاری دارم و کسی گفت، پرداخت شود.

یک تکه نبشی در خانه است که حدود 4/5 متر که به آقـای حـداد رحیمیـان بایـد داده شود.

1- خوانا نیست.

2- خوانا نیست.

در ضمن در سال گذشته در کاغذی که در خانه موجود است و سال قبل [...][1] وصیت کرده‌ام به قوت خود باقی است.

«والسلام»

حسین شاطری

64/11/17

[وصیت‌نامه‌ای دیگر]

بسم‌الله الرحمن الرحیم

«وصیت‌نامه در مورد اموال»

با سلام و درود بر رهروان راه حق و شهدای اسلام. اینک که لحظهٔ موعود و بازگشت به وعده‌گاه اصلی و لحظات حساس ملاقات فرا رسیده است چون مرگ انسان را خبر نمی‌کند و هر انسانی باید در این‌گونه لحظات سفارشات وصیت‌های خود را بنماید اینجانب خانواده و پدر و مادر خود را به مواردی جلب می‌کنم انشاءالله در این مورد طبق رضای خدا انجام وظیفه خواهند کرد%

در ابتدا راجع به قرض‌هایی که بر دوش اینجانب است که عبارتند از مقداری پول در حدود هشتاد هزار تومان جدای از فرع آن پدرم از بانک ملی شعبهٔ فردوسی گرفته که نصف آن را به من جهت ساختمان داده است که ماه به ماه نصف آن از طرف من پرداخت می‌شد و تاریخ اولین قسط و آخرین قسط در فیش‌های آن موجود است. دیگر اینکه مبلغ ده هزار تومان از بانک ولی‌عصر گرفته که نصف آن را به من داده و قسط آن هم نصفش را من و نصفش را او پرداخت می‌کرده است که تاکنون مقداری از آن پرداخت شده است. دیگر اینکه در حدود هفت هزار تومان پدرم از من می‌خواهد که باید پرداخت شود. دیگر مبلغ ده‌هزار تومان علی آقا شیرازی باجناق اینجانب از من طلبکار است که باید پرداخت شود تعداد سه کیسه سیمان همسایه روبرو آقا عبدالحسین می‌خواهد دیگر اینکه ممکن است افرادی دیگر نیز چیزهایی بخواهند که در صورت مطالبه پرداخت شود و این بود مختصری از بدهی‌های اینجانب از لحاظ مادی دیگر اینکه همسر خود را جانشین و

1- خوانا نیست.

موکل خود قرار می‌دهم تا طبق شرع و دین اسلام تا زمانی که فرزندان من به سن قانونی نرسیده‌اند، انجام وظیفه نماید و بعد از آن طوری که در شرع مقدس است، آنچه به‌جا مانده در اختیار فرزندان و مادرشان قرار گیرد.

تمام بدهکاری‌های من باید اگر از راه حقوق می‌شود به‌صورت قسط پرداخت شود وگرنه از راهی که بهتر می‌دانید پرداخت شود. این مورد و تمام موارد بالا باید با نظارت پدر و برادرم باشد و تا زمانی این وکالت به قوت خود باقی است که موازین اسلامی رعایت شود.

عباداتی که از اینجانب به‌جای مانده و بر ذمه من است که انشاءالله وکیلم به مرور آن را به انجام می‌رساند. این را بگویم که ممکن است مثلاً بگویم اینقدر برایم نماز بخوانند و روزه بگیرند، چون معلوم نیست و دقیقاً نمی‌دانم آن‌طور بگویم که هر چند می‌توانید برایم نماز بخوانید و روزه بگیرید و تقریباً خود همسرم [...][1] در جریان است و می‌توانند از حقوق یا راه دیگر که می‌دانند پول جهت این مورد بردارند.

دیگر اینکه تمام همسایگان و اقوامی که از ما ناراحتی داشته‌اند یا ندارند از ما راضی کنید.

در مورد اثاثیه کلاً هر چه باقی مانده اختیار فروش و غیره با موکلین است این بود مختصری از وصیت اینجانب که ممکن است مواردی از فکرم گذشته باشد که هر چند مانده انشاءالله طبق قوانین شرع عمل خواهند کرد.

[وصیت‌نامه‌ای دیگر]

بسم الله الرحمن الرحیم

به ملت عزیز و برادران گرامی[2]، این حقیر که لایق این سخنان نیستم و خود را در خور آن نمی‌دانم، اما دوست دارم نکات چندی را یادآوری کنم. اگر دین و آیینی در جهان وجود داشته باشد که حق باشد جز اسلام نیست که باید دنباله‌رو آن باشیم و از آورندگان و مبلغشان که پیامبران و ائمهٔ هدی می‌باشند پیروی کنیم و تمام کارها و برنامه‌ها[ی] آنها را

1- خوانا نیست.

2- در اصل وصیت «گرام»

در زندگی خود پیاده کنیم و پشتیبان ولایت فقیه که نیات این [...][1] هادیان راه نور و پاکی را دارد پشتیبانی ودنباله‌رو آن باشیم و به گفتهٔ پیامبر عظیم‌الشأن اسلام «به قرآن و عترت که عترت اولیاء و هادیان او تا آخرالزّمان می‌باشند پیروی و اطاعت کنیم»[2] که اطاعت آنها اطاعت پیامبر و خداست. از این پیر جماران هیچ‌گاه جدا نشویم که هرچه هست در آنجاست و نور و پاکی و عظمت و بزرگی هم در آنجاست و از دستور او تبعیت کنیم تا این مسئولیت الهی را به انتها برسانیم.

از دعا یادتان نرود که روشن کنندهٔ قلب‌ها و دل‌های ماست و حرکت دهنده به‌سوی نور و نابود کنندهٔ ظلمت و تاریکی است.

«والسلام»

حسین شاطری

[وصیت‌نامه‌ای دیگر]

بسم‌الله الرحمن الرحیم

«خدایا ما را در لشکر خود قرار ده که همانا لشکر تو پیروز و غالب است. و قرار ده در حزب خودت که همانا حزب تو پیروز است و قرار بده در زمرهٔ اولیائت که خوف و ترس ندارند. خدایا در این لحظات آخر توبه می‌کنم از تمام گناهانی که مرتکب شده‌ام و تمام مظلمه و گناهانی که بر گردن دارم».[3] امیدوارم که توبهٔ این حقیر پذیرش درگاه ذات باری‌تعالی قرار گیرد. خدایا ما را در زمرهٔ شهدای خودت قرار بده. شهدایی که شفیعان روز محشرند. روزی که همه از یکدیگر می‌گریزند. خدایا روزیم گردان حسین(**7**) را. در روز وسوسه و ثابت بدار برایم گام راستی در نزد خودت [...][4] و یاران حسین آنان‌که جان خود را در راه خمینی بدهند. خدایا به حق عزیزان درگاهت، به‌حق امامان معصومت، به‌حق

1- خوانا نیست.

2- اشاره دارد به حدیث مشهور نبوی: قال رسول‌الله(**6**): «انی تارک فیکم الثقلین، ما ان تمسکتم بهما لن تضلوا کتاب الله و عترتی اهل بیتی و انهما لن یفترقا حتی یرد علی الحوض» (وسائل الشیعه، ج 27، ص 204).

3- ترجمه فرازی از دعای روز سه‌شنبه است «اللهم اجعلنی من جندک فان جندک هم الغالبون واجعلنی من حزبک فان حزبک هم المفلحون واجعلنی من اولیائک فان اولیائک لاخوف علیهم و لاهم یحزنون» (مفاتیح‌الجنان، دعای روز سه‌شنبه، ص 25».

4- خوانا نیست.

پیامبران عظامت، به‌حق الشاکرین درگاهت، به‌حق [...][1]، راهت که[2] مرا در این لحظات آخر از تو می‌خواهم که از گناهانم درگذری. هدف از انتخاب این راه این بود که چون مسلمانیم باید پیرو اسلام عزیز باشیم و دستورهای آن را به‌کار بندیم و انتخاب اسلام یعنی انتخاب تمام دستورات آن نه کم، نه زیاد، از جمله پیروی از پیامبران و انبیاء [...][3] با بیان برحق ایشان در تمام کارها و پیاده کردن دستورات و کارها و برنامه‌های انسان در زندگی خود و اطاعت جریان‌ها و دستورهای آنها از جمله جهاد که موظف به انجامشان هستیم و خدا دستور به انجام آن داده است. بلکه همهٔ انسان و حرکت انسان در دین است خدا نیت ما را پاک گرداند و ما را با آنها محشور گرداند و شفاعت پیامبر و ائمه را نصیب ما گرداند.

«والسلام»

بر پدر و مادرم:

امیدوارم مرا ببخشید [...][4] هم حق به ولادت داری [...][5] را در حق شما دانستم دوست داشتید که در این [...][6] به درد شما بخورم، عصای پیری شما باشم و در این هنگام یار و یاور شما باشم که به آمدن من افتخار کنید [...][7] بگویم که عصای شما اسلام و قرآن است. ما راهی جز این نداریم که اسلام را زنده کنیم و زنده کردن اسلام اهمیت دارد، زنده کردن قرآن اهمیت دارد. دوست دارم که از این‌که فرزند خود را در این راه داده‌اید، افتخار کنید که فدایی برای اسلام داده‌اید. به اسلام کمک کرده‌اید، به صحبت‌های غیر خدایی که خدای ناکرده روحیهٔ شما را تضعیف می‌کند، گوش مدهید. و مقاوم باشید همیشه به یاد خدا باشید. انشاءالله زیارت حسین(**7**) نصیب شما شود و با او محشور شوید که او شما را شفاعت کننده است [...][8] دعا کنید [خدا] ما را رحمت کند.

1- خوانا نیست.
2- در اصل وصیت «ای».
3- خوانا نیست.
4- خوانا نیست.
5- خوانا نیست.
6- خوانا نیست.
7- خوانا نیست.
8- خوانا نیست.

در مورد همسر و فرزندانم دوست دارم که آنها را با فضیلت تربیت نمایید که در پیشگاه خدا به آنان افتخار کنم، آن‌طور که رهرو راه انبیاء و صدیقین و شهدا [...][1] و از کتاب و سنت خدا پیروی کنند و مقلد واقعی امام امت و اسلام عزیز بشوند، اگر نتوانستیم خدمتی به اسلام بکنیم و این نفس‌های آلوده به طاغوت، نتوانست خدمتی به اسلام بکند، شاید فرزندان این حقیر باعث آمرزش اینجانب شوید.

همسرم فرزندانم وصیت می‌کنم از راه اسلام در راه قرآن و عترت و ولایت فقیه جدا نشوید که هرچه سعادت و [...][2] است همه در پیمودن این راه است [...][3] کریم می‌خواهد داشته باشد و مردن هم چه بهتر که شهادت در راه خدا و احیاء اسلام باشد تا بتوانیم در روز رستاخیز در پیشگاه خداوند متعال سرافراز و سربلند باشیم. سعی کنید که دستورات اسلامی را در زندگی خود پیاده نمایید. از افرادی که طعنه‌زن می‌باشند شدیداً دوری نمایید و روحیه و فکر خود را [...][4] بیشتر در مجالس و مجامع اسلامی شرکت کنید.

همسرم [...][5] دوست داری [...][6] که با هم [...][7] هم زندگی خوب و خوشی را بگذرانیم اما و اما [...][8] بسیاری است که باید یک به یک گفته شود که انسانیم و مسلمانیم و زندگی پرحرکت و سیر به‌سوی الله و در این راه شهادت که هدف والا [...][9] است چیز دیگر نیست که باید همه چیز از جمله آسایش و [...][10] را فدای آن کنیم و می‌دانم نتوانستی مانند دیگران آن‌طور زندگی کنی، همه‌اش از این روستا به آن روستا، از این شهر به آن شهر. همه‌اش در حرکت و لحظات راحتی خیلی کم بود. خدا حتماً این‌طوری خواست. همسرم

1- خوانا نیست.
2- خوانا نیست.
3- خوانا نیست.
4- خوانا نیست.
5- خوانا نیست.
6- خوانا نیست.
7- خوانا نیست.
8- خوانا نیست.
9- خوانا نیست.
10- خوانا نیست.

فرزندانم صبور و پایدار و بردبار باشید، گیرم نبودن من فقدان عظیمی برای شماست اما اسلام سربلند است، اسلام پیروز است. امام راضی است پیامبر و اولیاء راضی‌اند، این برای شما و من بهتر است. فقدان اسلام و فقدان قرآن [...][1] شهید بودن [...][2] ولایت فقیه و اسلام ولی‌فقیه شرط است. بودن ما مسئله‌ای نیست. خیلی شما را دوست دارم اما اسلام را بیشتر دوست دارم.

به‌یاد سربازان صدر اسلام و سربازان [...][3] صفت به‌خون خفته غرب و جنوب ایران. همسرم اگر احساس می‌کنی که شوره [...][4] خدا داری اسلامی داری، دشمن اسلام نداری شیرین است اما دوستی اسلام و قرآن شیرین‌تر است، به‌خصوص که [...][5] در راه خداست.

همسرم شاید موضوع را هم ناچیز می‌باشد که در این راه قدم برمی‌دارد. در زندگی خیلی صبور و پایدار بایستی که نگویند. بیچاره شوهرش شهید شده است. نگهداری یتیم [...][6] نداده من اگر رفتم خدا را گذاشتم امام را گذاشتم و قرآن را گذاشتم [...][7] سر شهادت خدا موکل شماست. فرزندانم را می‌گویم مواظب آنها باش، بیشتر به آنها توجه و [...][8] کن طوری که خواست خدا باشد، دیگر عرضی ندارم. همهٔ شما را به خدا می‌سپارم.

در پایان می‌خواستم نکاتی چند را به عرض برسانم، اولاً راجع به نماز و روزه‌هایی است که باید برایم گرفته شود. در مورد نماز و روزه که قبلاً نگرفته‌ام باید کفاره‌اش داده شود و دیگر این‌که حدود یک ماه را به‌عهده بگیرید و حدود یک‌سال برایم نماز بخوانید که انشاءالله خداوند گناهان مرا بیامرزد.

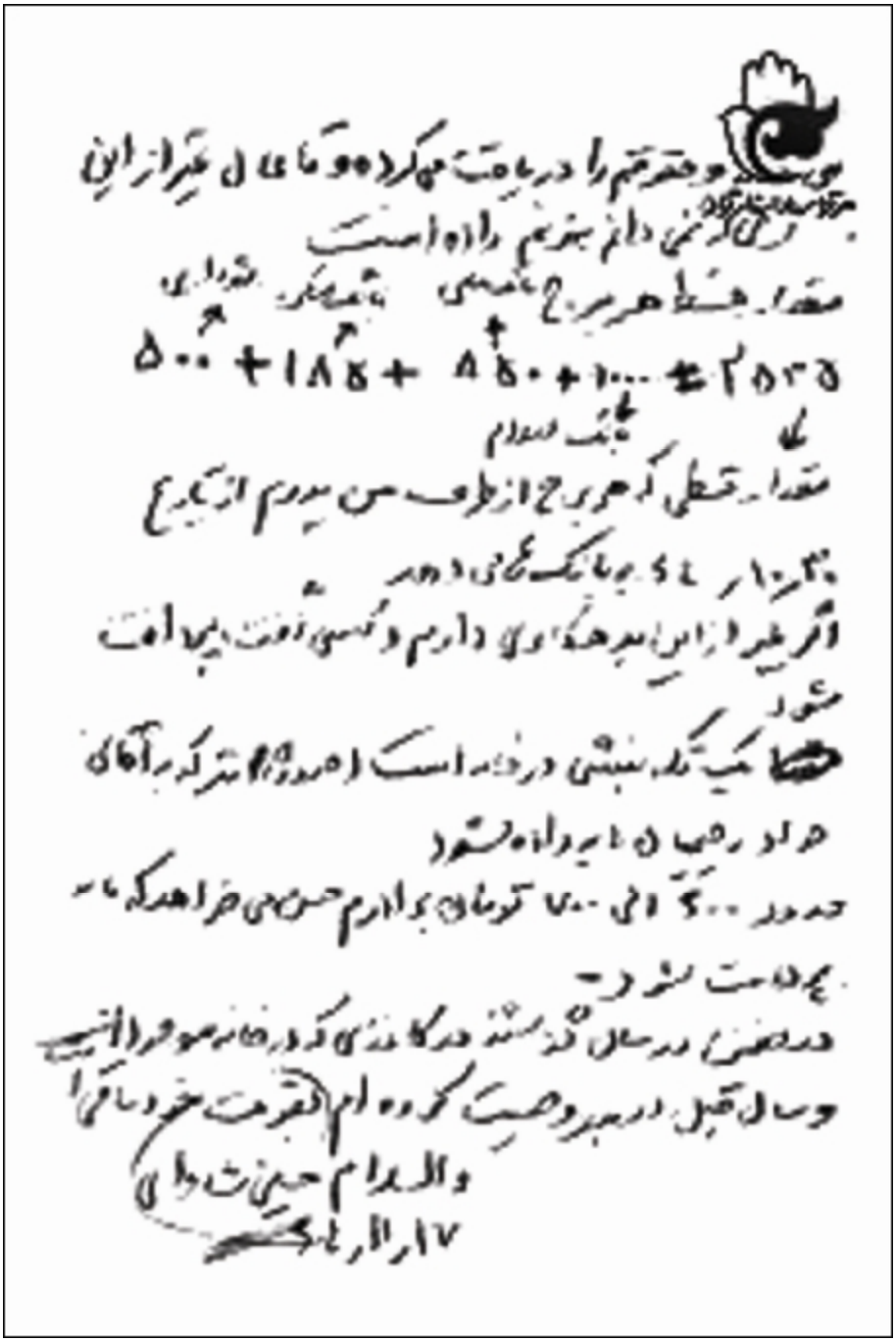
1- خوانا نیست.
2- خوانا نیست.
3- خوانا نیست.
4- خوانا نیست.
5- خوانا نیست.
6- خوانا نیست.
7- خوانا نیست.
8- خوانا نیست.

دیگر این‌که در تمام عمر ما در مسائل [...][1] به‌جا مانـده اسـت. همـسرم [...][2] کـه از آن اقدام نماید و از آن [...][3] که [...][4] نماز و روزه و عزاداری [...] می‌شود صرف نماید اختیـار با خود اوست هر کس حق دخالت در کار او را ندارد و هر کس که او و خدا دوسـت دارد بماند و دیگر [...][5] که دارم مبلغ 500 پانصد تومان به آقای جلالی کـه مغـازه الکتریکـی در [...][6] دارد. [...][7] و مقداری هم با آقای اکبر [...][8] و هم‌چنین قسط بانک مسکن و بانک ملی را دارم و هم‌چنین درمورد قرض‌هایی که می‌دانم و طلب می‌کنند همه را پرداخت نمایـد و هم‌چنین کتاب به‌نام احیاء فکـر دینـی دارم [...][9]. همپایگـاه را [...][10] راضـی کنیـد و تمـام افرادی که با من [...][11] دانسته‌اند اگر می‌شناسید از من راضی نماییـد و هـم‌چنـین مقـداری کتاب و وسایل [...][12] در مدرسه مانده است اگر می‌توانید [...][13] به [...][14] برگردانیـد بـرایم زیاد دعا کنید.

حسین شاطری

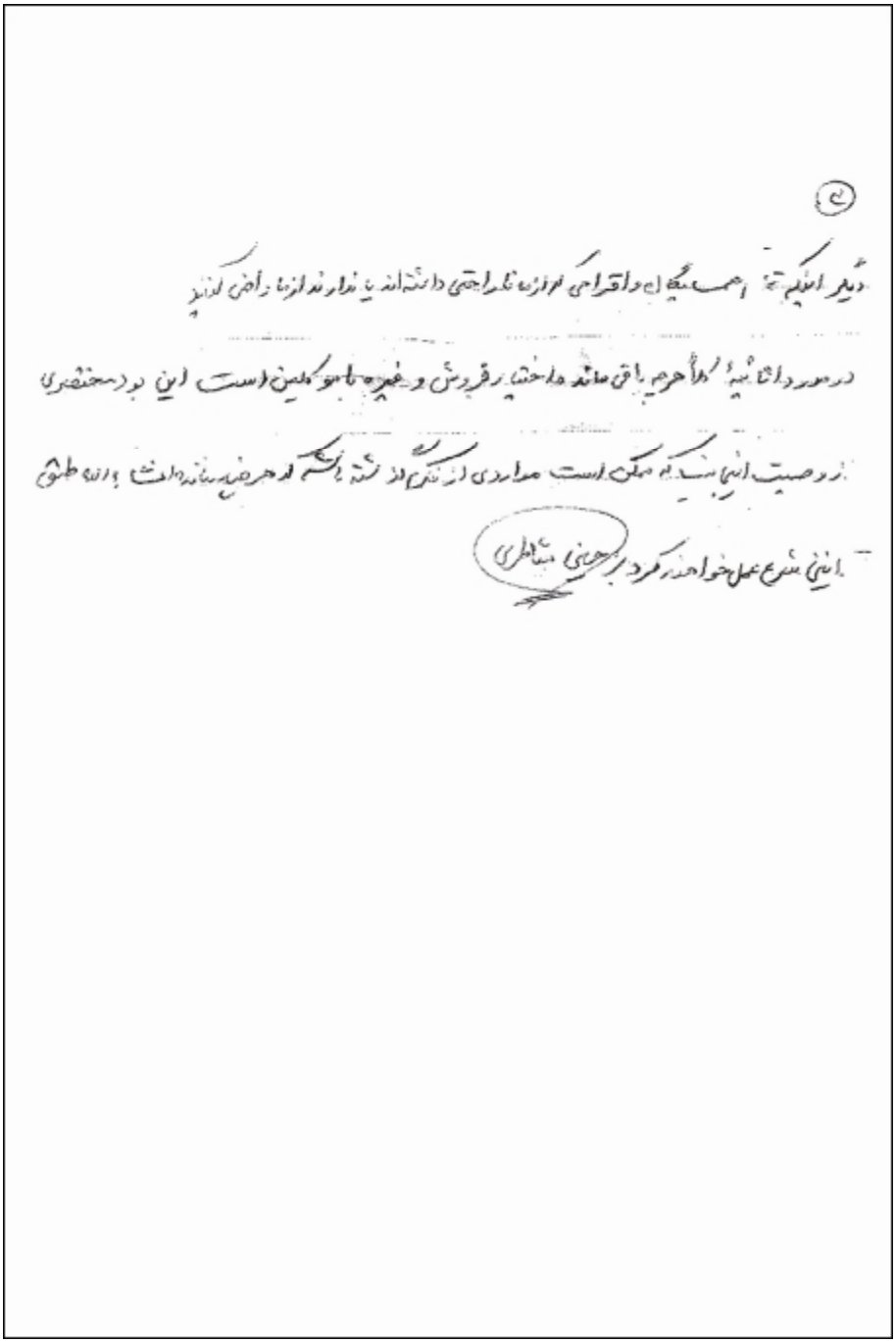
1- خوانا نیست.
2- خوانا نیست.
3- خوانا نیست.
4- خوانا نیست.
5- خوانا نیست.
6- خوانا نیست.
7- خوانا نیست.
8- خوانا نیست.
9- خوانا نیست.
10- خوانا نیست.
11- خوانا نیست.
12- خوانا نیست.
13- خوانا نیست.
14- خوانا نیست.

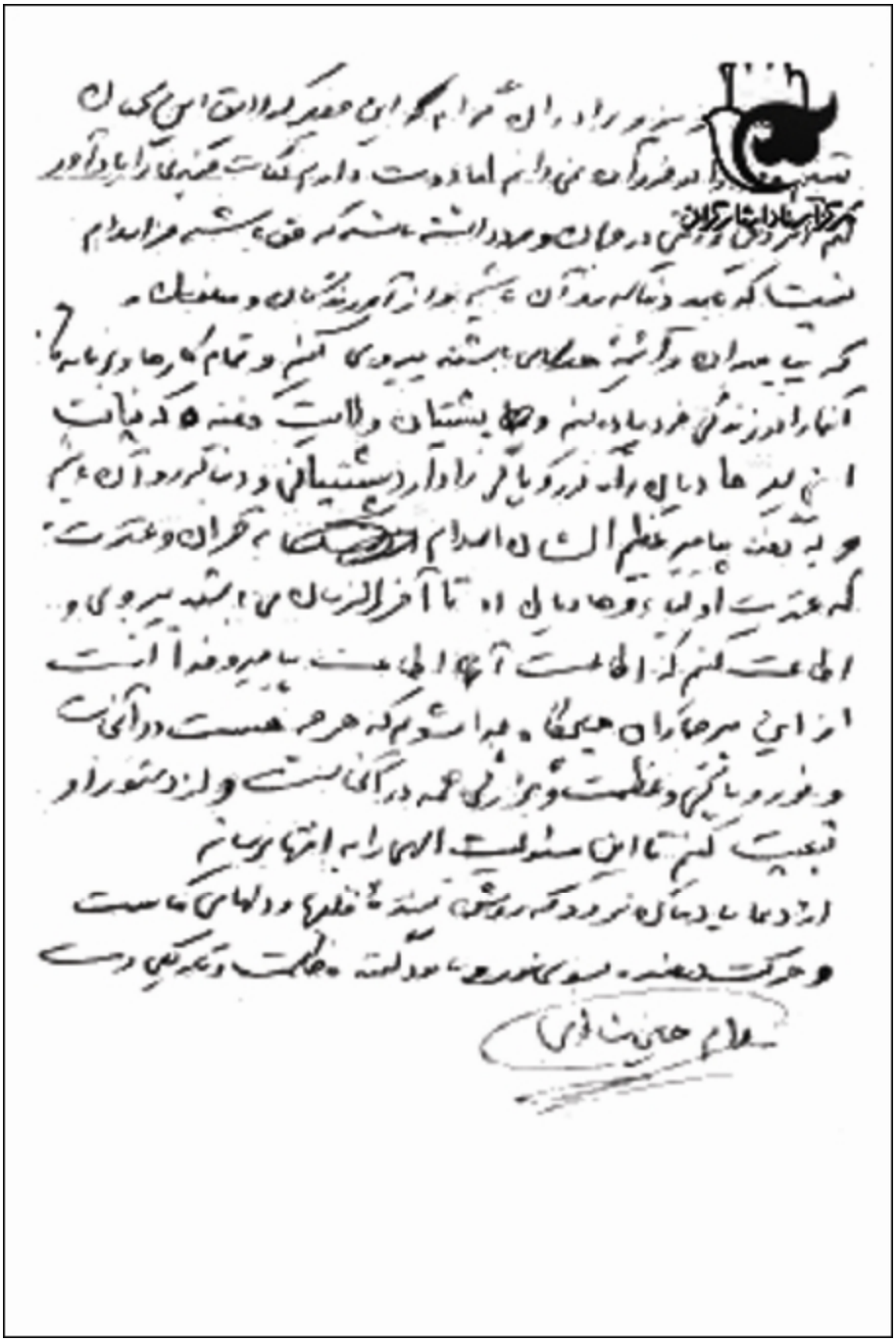


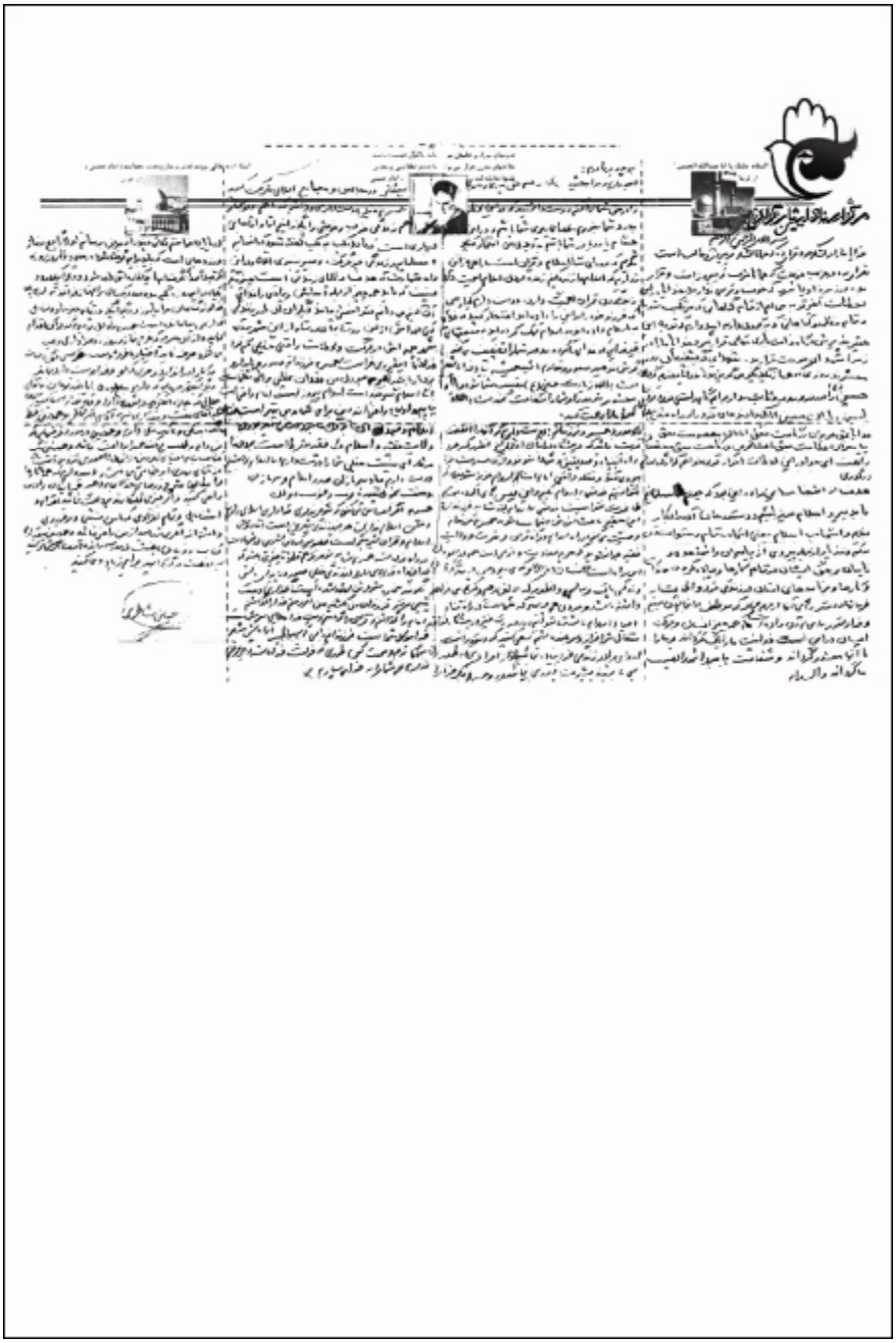


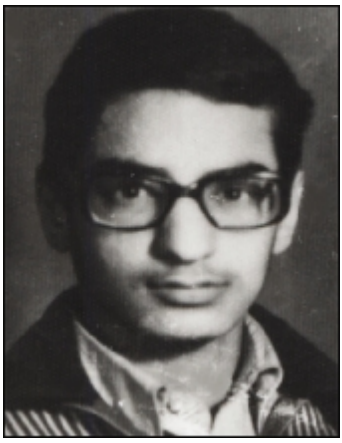












نام: **حسین**
نام خانوادگی: **شامانی**
نام پدر: **علی‌اصغر**
نام مادر: **خدیجه**
تاریخ تولد: **سوم تیر** 1345
محل تولد: **شهرستان شاهرود**
تحصیلات: **اول متوسطه**
ارگان اعزام‌کننده: **بسیج**
تاریخ شهادت: **هشتم اسفند** 1362
محل شهادت: **جفیر**
نحوهٔ شهادت: **بمباران شیمیایی**
مزار: **گلزار شهدای زادگاهش**

عبارت‌های کلیدی

- ای ماه جماران (امام) من با تو پیمان بستم و به تو وفادارم.
- خانواده‌های شهیدپرور با حضور فعال خود در تمامی صحنه‌ها، همهٔ نقشه‌های شوم شیاطین خارجی و منافقان داخلی را برملا می‌کنند.
- خانواده‌های شهیدپرور جز خداوند از کسی انتظار پاداش به آنها نیست.
- پدر و مادر شما فرزندتان را در راه خدا قربانی کرده‌اید.
- یاد خدا دل‌ها را آرام می‌کند.

حسین شامانی

بسم الله الرحمن الرحیم

متن وصیت‌نامهٔ بندهٔ خدا حسین شامانی فرزند علی‌اصغر شمارهٔ شناسنامه 1489.

«**انا لله و انا الیه راجعون**»[1] «همه از خداییم و به سوی او می‌رویم».

سپاس مخصوص خداوند عالمیان، که خون‌بهای تمامی شهدا و فریادرس مظلومان جهان است و اکنون که باب جهاد را به روی من گشود و من لیاقت شرکت در این جهاد را- که درواقع پاسخ مثبت به ندای «هل من ناصر ینصرنی»[2] حسین(**7**) است [را]- پیدا کردم. من اگر در این جهاد لیاقت شهید شدن را داشتم و شهید شدم [و] انشاءالله، که مورد قبول وی خواهم شد!

و ای ماه جماران! این را بدان که من با تو پیمان بستم و به تو وفادارم [و] زیرا می‌دانم که تو به اسلام وفادار هستی. و سلام بر شهیدان به خون خفتهٔ اسلام و جانبازان عاشق الله و شهیدان زنده و خانواده‌های شهیدپرور و خستگی‌ناپذیر که با حضور فعال خود در تمامی صحنه‌ها همهٔ نقشه‌های شوم شیاطین خارجی و منافقان[3] داخلی را برملا و در[4] نطفه خفه می‌کنند و چنان برای برقراری حکومت اسلامی تلاش می‌کنند که جز خداوند از کسی انتظار پاداش به آنها نیست.

و شما خانوادهٔ عزیزم! ای پدر و مادر مهربانم! از اینکه زحمت بسیار کشیده‌اید و مرا بزرگ کرده‌اید و اجازه به من دادید که در این جهاد شرکت کنم و آخر هم به شهادت- که باید مایهٔ مباهات شما باشد- برسم، بسیار تشکر می‌کنم و از شما می‌خواهم که اگر من نتوانستم در این چند سال فرزند خوبی برای شما باشم مرا ببخشید و مرا حلال کنید. و اگر شهید شدم جنازهٔ من به‌دست شما نرسید شما نباید ناراحت شوید، چون اگر فرزندتان را

1- بقره / 156.

2- ر.ک. تعلیقات.

3- ر.ک. تعلیقات.

4- در اصل وصیت «به».

در راه خدا قربانی کرده‌اید، دیگر نباید منتظر جنازه‌اش باشید. قرآن فرموده کـه «**الا بذکر الله تطمئن القلوب**»[1] وقتی که انسان به یاد خدا بود دلش آرام خواهد گرفت.

«والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته»

حسین شامانی

1362/6/18

1- رعد/ 28.

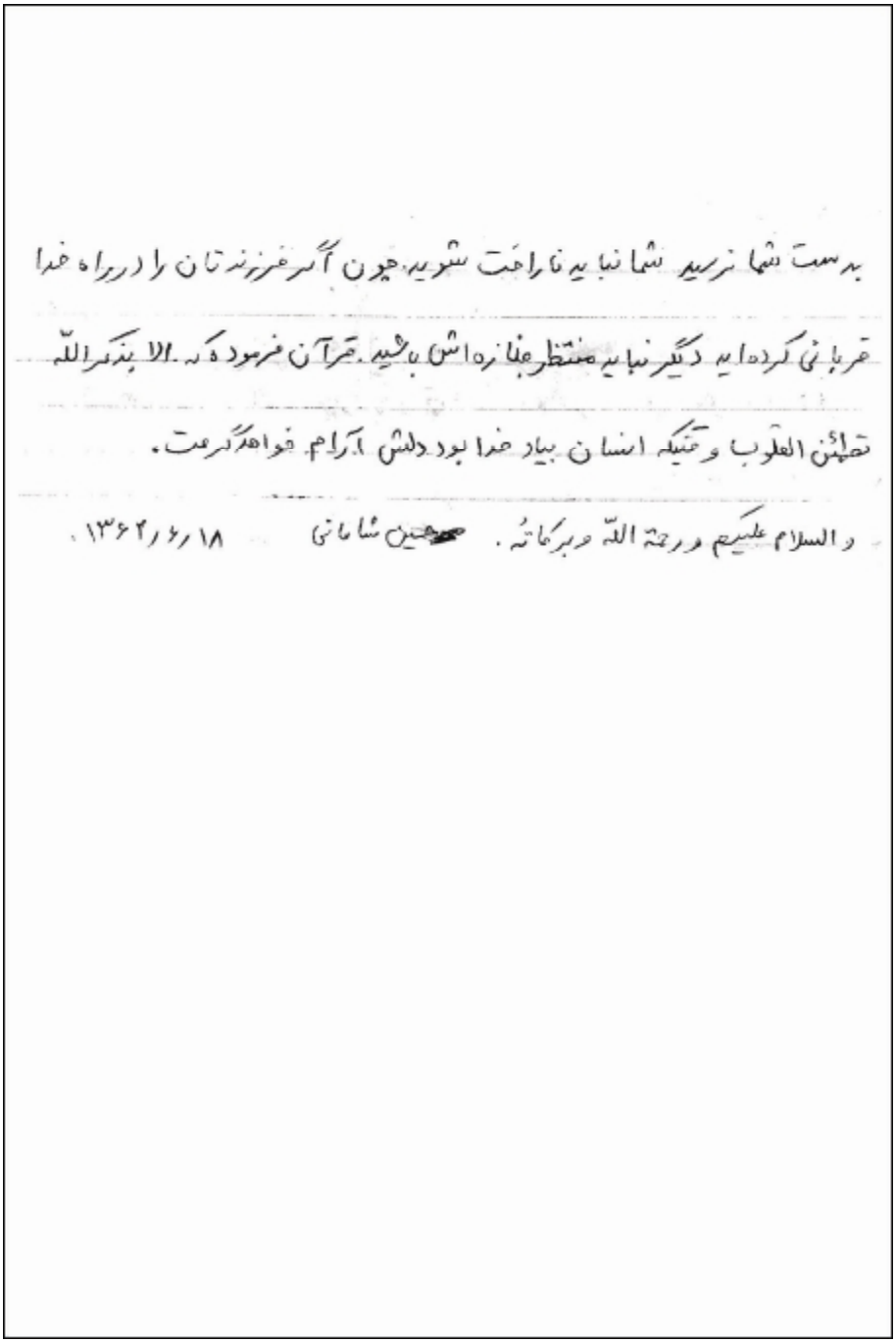
بسمه تعالی

متن وصیت نامه بندهٔ خدا حسین شامانی فرزند علی اصغر شماره شناسنامه ۱۴۸۹.

انا لله وانا الیه راجعون. ما از خدا ئیم و به سوی او می رویم.

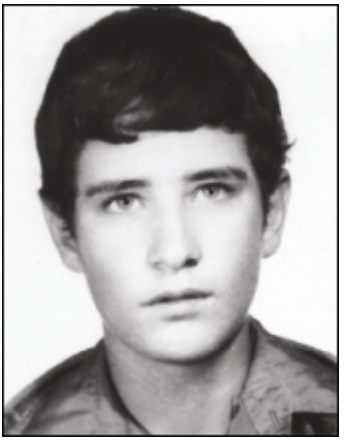
سپاس مخصوص خداوند عالمیان که خونهای تابناک شهدا و عزیزان رس مظلومان جهان است واکنون که باب جهاد را بروی من گشود و من لیاقت شرکت در این جهاد را که در واقع پاسخ مثبت به ندای هل من ناصر ینصرنی حسین (ع) است را پیدا کردم و من اگر در این جهاد لیاقت شهید شدن را داشتم انشاالله و شهید شدم انشاالله که مورد قبول وی خواهم شد و رای ماه جماران و این را بدان که من با تو پیمان بستم و به تو وفادارم و زیرا می دانم که تو به اسلام و فادار هستی و سلام بر شهیدان بخون خفته اسلام و جان بازان عاشق الله و شهیدان زنده و خانواده های شهید بصبر و شکیبائی ناپذیر که با حضور فعال خود در تمام صحنه ها همه نقشه های شوم شیاطین خارجی و منافقان داخلی را بر ملا و به نفع خلق می کنند و چنان برای برقراری حکومت اسلامی تلاش می کنند که جز خداوند از کسی انتظار پاداش به آنها نیست.

و شما خانوادهٔ عزیزم ای پدر و مادر مهربانم از اینکه زحمت بسیار کشیده اید و مرا بزرگ کرده اید و اجازه به من داده اید که در این جهاد شرکت کنم و آخرهم به شهادت که پایه ای مبادات شما باشد برسم بسیار تشکر می کنم و از شما می خواهم که اگر من نتوانستم در این چند سال عزیز تر خوبی برای شما باشم مرا ببخشید و مرا حلال کنید. و اگر شهید شدم که جنازهٔ من



به دست شما نرسید شما نباید ناراحت شوید. چون اگر عزیزتان را در راه خدا قربانی کرده‌اید دیگر نباید منتظر جنازه‌اش باشید. قرآن فرموده که: الا بذکر الله تطمئن القلوب و وقتیکه انسان بیاد خدا بود دلش آرام خواهد گرفت.

والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته. حسین شامانی ۱۳۶۲/۶/۱۸



نام: **سعید**
نام خانوادگی: **شامانی**
نام پدر: **محمد**
نام مادر: **حلیمه**
تاریخ تولد: **بیستم شهریور** 1343
محل تولد: **شهرستان تهران**
تحصیلات: **چهارم متوسطه**
ارگان اعزام‌کننده: **بسیج**
تاریخ شهادت: **شانزدهم آبان** 1361
محل شهادت: **عین‌خوش**
نحوهٔ شهادت: **اصابت خمپاره**
مزار: **گلزار شهدای فردوس رضای شهرستان دامغان**

عبارت‌های کلیدی

- برای مصاف با کفر بین‌الملل به رهبری آمریکا و شوروی به جبهه‌های حق علیه باطل شتافتم.
- اگر به توفیق شهادت نائل آمدم پدر و مادرم خوشحال باشید که فرزندتان را به خدا تقدیم کرده‌اید.
- پدر عزیزم بعد از شهادتم مانند روز تولدم خوشحال باشید، گریه نکنید.
- خواهران و برادران من نماز جمعه و سخنرانی و کلاس را فراموش نکنید.
- نماز جمعه و... آیندهٔ انقلاب را نگه می‌دارد.

سعید شامانی

بسم الله الرحمن الرحیم

«ان الله اشتری من المؤمنین انفسهم و اموالهم بان لهم الجنة»[1]

«اللهم ارزقنی توفیق الشهادة فی سبیلک»

خدایا خدایا تو را به جان مهدی تا انقلاب مهدی خمینی را نگه‌دار.

برای حفظ اسلام از عمر ما بکاه و بر عمر او بیفزای.

«ملتی که شهادت دارد اسارت ندارد»[2] (امام خمینی)

به‌نام الله پاسدار خون شهیدان و به‌نام رسول او محمد(**6**) و به‌نام ولی امر او علی(**7**) و به‌نام امام زمان(عج) و نائب حق او امام خمینی و با درود به شهدای عزیز انقلاب و جنگ تحمیلی و با سلام به معلولین عزیز انقلاب.

وصیت‌نامهٔ اینجانب سعید شامانی فرزند محمد که برای مصاف با کفر بین‌الملل به رهبری آمریکا و شوروی و با عمالی صدام و در پاسخ به ندای حسینی «هل من ناصر»[3] امام خمینی به جبهه‌های حق علیه باطل شتافتم و اگر خدا توفیق دهد به فیض شهادت نائل آیم.

مادر عزیزم امیدوارم که مرا حلال کنی و ببخشی و بسیار خوشحال و سربلند باشی که فرزندت را به خدا تقدیم کرده‌ای که اوست که جان می‌دهد و جان می‌گیرد و پدر عزیزم! [لباس] بعد از شهادت من به مانند روز تولدم خوشحال باشید و [لباس] نو بپوشید و سیاه نپوشید و گریه نکنید که باعث رنجش من می‌شود و خواهران و برادران من! نماز جمعه و سخنرانی و کلاس [را] فراموش نکنید که نگه‌دارندهٔ انقلاب ما می‌باشند و سعی کنید که شما آینده‌سازان این ملت، مکتبی و اسلامی بار بیایید.

1- توبه/ 111. در اصل وصیت: «ان الله اشتری المؤمنین به اموالهم و انفسهم بان لهم **الجنة**»

2- در آثار امام چنین عبارتی یافت نشد. اما امام خمینی سخنی قریب به همین مضمون دارند: «ملتی که شهادت برای او سعادت است، پیروز است».

3- ر.ک. تعلیقات.

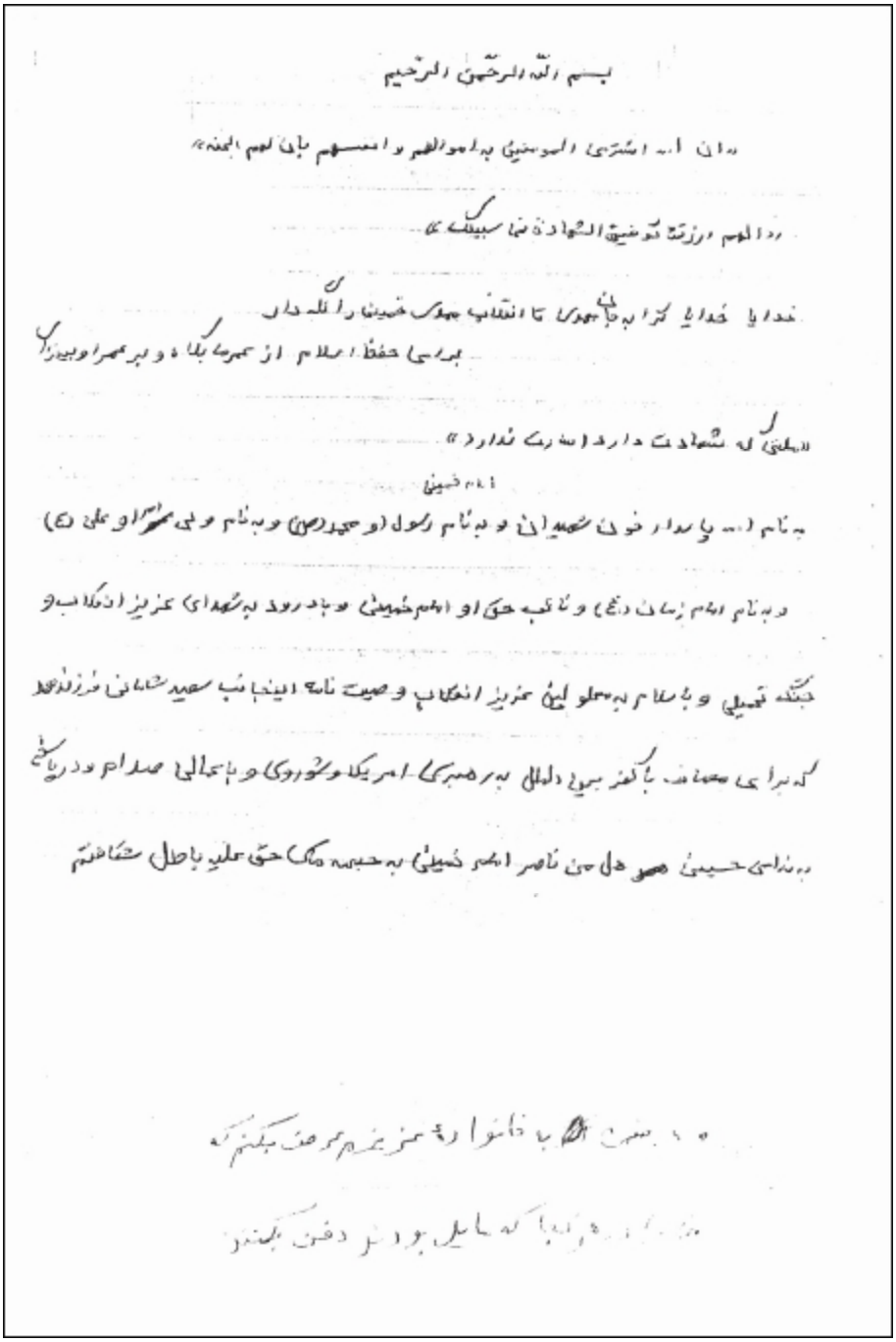
در آخر، پولی ندارم و به کسی هم بدهکار نیستم و از کسی هم طلبکار نیستم فقط برای من 6 ماه نماز بخوانید و 6 ماه روزه بگیرید و از تمام دوستان و فامیل‌ها برای من طلب حلالیت و قربت کنید.[1] و در ضمن به خانوادهٔ عزیزم عرض بکنم که من را در هر کجا که مایل بودند دفن بکنند.

«و من‌الله التوفیق و علیه التکلان»

ساعت 6 بعدازظهر روز 61/4/30 اهواز

سعید شامانی

1- اصطلاح قربت کردن درگویش و ادبیات منطقه سمنان طلب عفو و بخشش کردن و کسی را حلال کردن است.



بسم الله الرحمن الرحیم

[illegible]

[illegible]

خدایا خدایا کرا به تاجوری تا انقلاب جهانی خمینی را نگه دار

برای حفظ اسلام از خمرکبا و برهنه و بیزار

[illegible]

[illegible]

به نام [illegible] پاسدار خون شهیدان و به نام رسول او محمد(ص) و به نام مولی امیرالمؤمنین علی (ع)

و به نام امام زمان (عج) و نائب حق او امام خمینی و یاد و راه شهدای عزیز انقلاب و

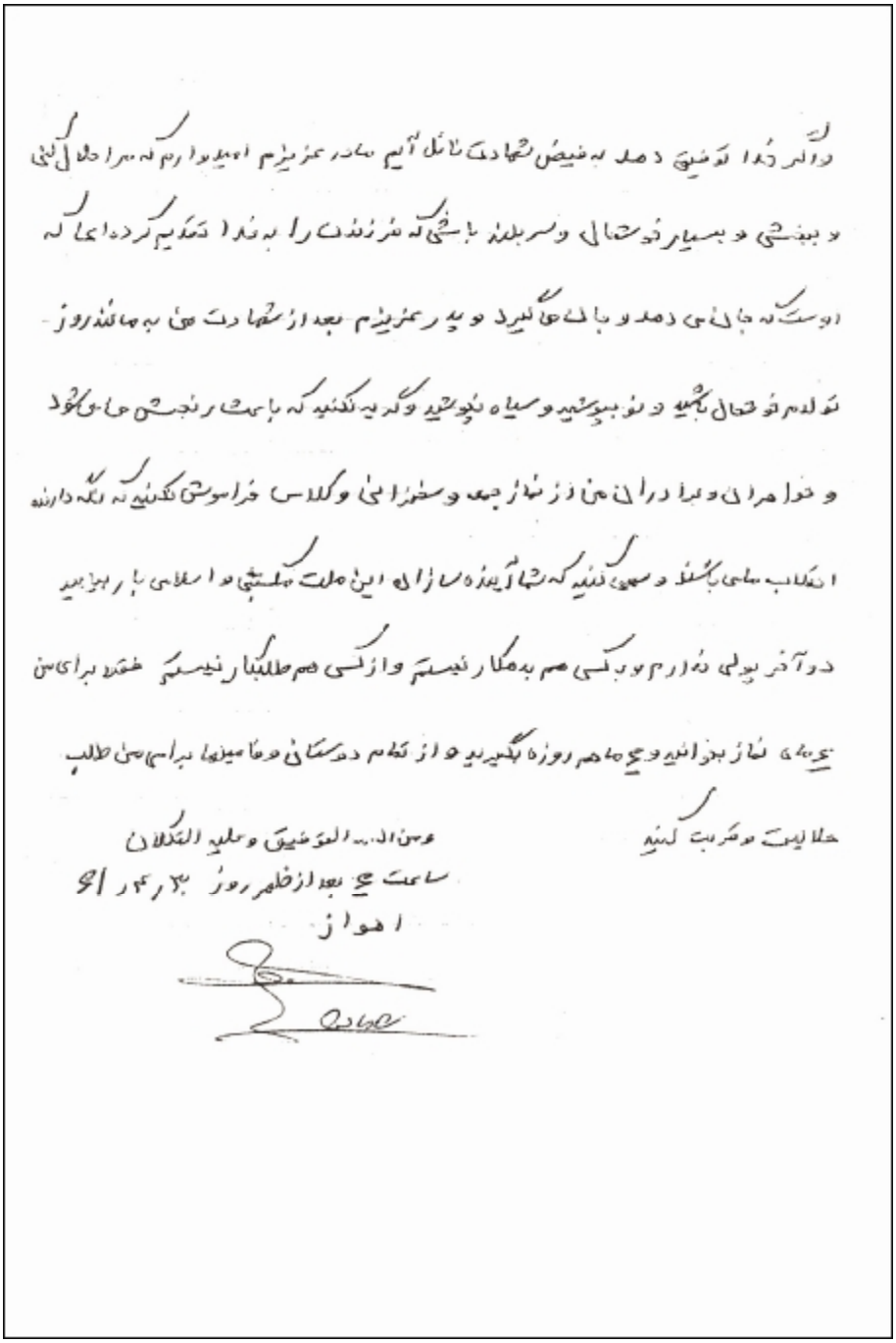
جنگ تحمیلی و با سلام به محلول این عزیز انقلاب وصیت نامه اینجانب سعید شعبانی فرزند محمد

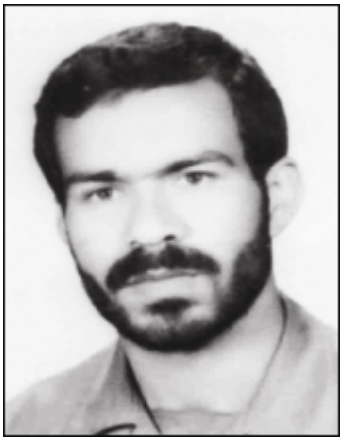
که برای محافظت با کفر جهانی بالاخص به رهبری امریکا و کشورهای وابسته صدام و دریاشی

به نداسی حسینی هل من ناصر ابن خمینی به جبهه حق علیه باطل شتافتم

[illegible]

[illegible]





نام: **علیرضا**
نام خانوادگی: **شامانی**
نام پدر: **حسن**
نام مادر: **سیده‌بیگم**
تاریخ تولد: **ششم تیر** 1342
محل تولد: **شهرستان دامغان**
تحصیلات: **دیپلم**
ارگان اعزام‌کننده: **سپاه**
تاریخ شهادت: **بیست‌و چهارم بهمن** 1365
محل شهادت: **شلمچه**
نحوهٔ شهادت: **اصابت ترکش**
مزار: **گلزار شهدای فردوس رضای زادگاهش**

عبارت‌های کلیدی

- سالار شهیدان مولایمان حسین ابن علی(**7**) به ما آموخت که چگونه باید با دادن خون خود اسلام را بیمه کرد.
- هر انقلابی احتیاج به خون دارد.
- انقلاب اسلامی ایران باید با خون امضاء شود.
- برای بقای انقلاب اسلامی باید با تمام قدرت و توان از آرمان آن پشتیبانی شود.
- شکست در جنگ به‌معنی شکست اسلام است.
- دعا برای طول عمر امام عزیز فراموش شود.
- وحدت خود را حفظ کنید.

علیرضا شامانی

بسم الله الرحمن الرحیم

سخنی چند به‌عنوان وصیت‌نامه

«قل ان صلوتی و نسکی و محیای و مماتی لله رب العالمین»[1] (قرآن مجید)

«اشهد ان لا اله الا الله و اشهد ان محمداً رسول الله و اشهد ان علیاً[2] **ولی‌الله.»**

«السلام[3] **علیک یا اباعبدالله الحسین(7)»**

ضمن عرض ادب به پیشگاه امام زمان(عج) ارواحنا له الفداء [...][4] و سلام [...][5] به محضر مقدس نائب بر حق رهبر کبیر و بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران.

درود و سلام بر ارواح پاک و مطهر شهدای گلگون کفن از کربلای حسینی(7) تا کربلای خمینی. درود و سلام بر اسرا و جانبازان و مجروحین و معلولین. درود و سلام بر خانواده‌های محترم و ایثارگر شهدا، اسرا و مفقودین انقلاب اسلامی

سپاس خدایی را که نعمتی بزرگ به ما عطا کرد تا در خدمت اسلام و انقلاب اسلامی باشیم.

خدا را سپاس که باری دیگر توفیق آمدن به جبهه‌ها و رزمیدن برای بقای اسلام و جمهوری اسلامی [را] پیدا کردم.

بلکه با ریختن چند قطره‌ای از خون ناقابل این حقیر، بقای دین خود را به اسلام و انقلاب ادا کرده باشم.عزیزان باید از سرور و سالار شهیدان مولایمان حسین‌ابن علی(7) آموخت که چگونه با دادن خون خود اسلام را بیمه کرد.

امت حزب‌الله! هر کاری برای انسان مشقت و سختی‌هایی در پیش دارد. هر انقلابی احتیاج به خون دارد. انقلاب حسین(7) در کربلا[ی] معلا با خون امضاء شد و نیز

1- انعام/ 162.

2- در اصل وصیت «علی».

3- در اصل وصیت «اسلام».

4- خوانا نیست.

5- خوانا نیست.

انقلاب اسلامی ایران هم باید با خون امضاء شود. درخت اسلام احتیاج به آبیاری دارد و جز با خون به چیز دیگر نمی‌شود آن را آبیاری کرد.

اگر می‌خواهید انقلاب اسلامی باقی بماند، باید با تمام قدرت و توان از آرمان آن پشتیبانی شود.

اگر می‌خواهید انقلاب اسلامی باقی بماند، باید هر چه سریع‌تر این جنگ خانمان‌سوز- که از طرف مزدوران شرق و غرب و دشمنان قسم خوردهٔ اسلام به این ملت مظلوم تحمیل شده- به پیروزی صددرصد قوای اسلام بر قوای کفر بیانجامد که خدای نکرده سستی در این امر مهم و حیاتی به منزلهٔ شکست در جنگ و شکست در جنگ به معنای شکست اسلام و دفن اسلام برای همیشه خواهد بود. امت حزب‌الله دعا برای بقای طول عمر امام عزیزمان فراموشتان نشود که هر چه ما داریم از رهنمودها و رهبری‌های پیامبرگونه امام امت می‌باشد.

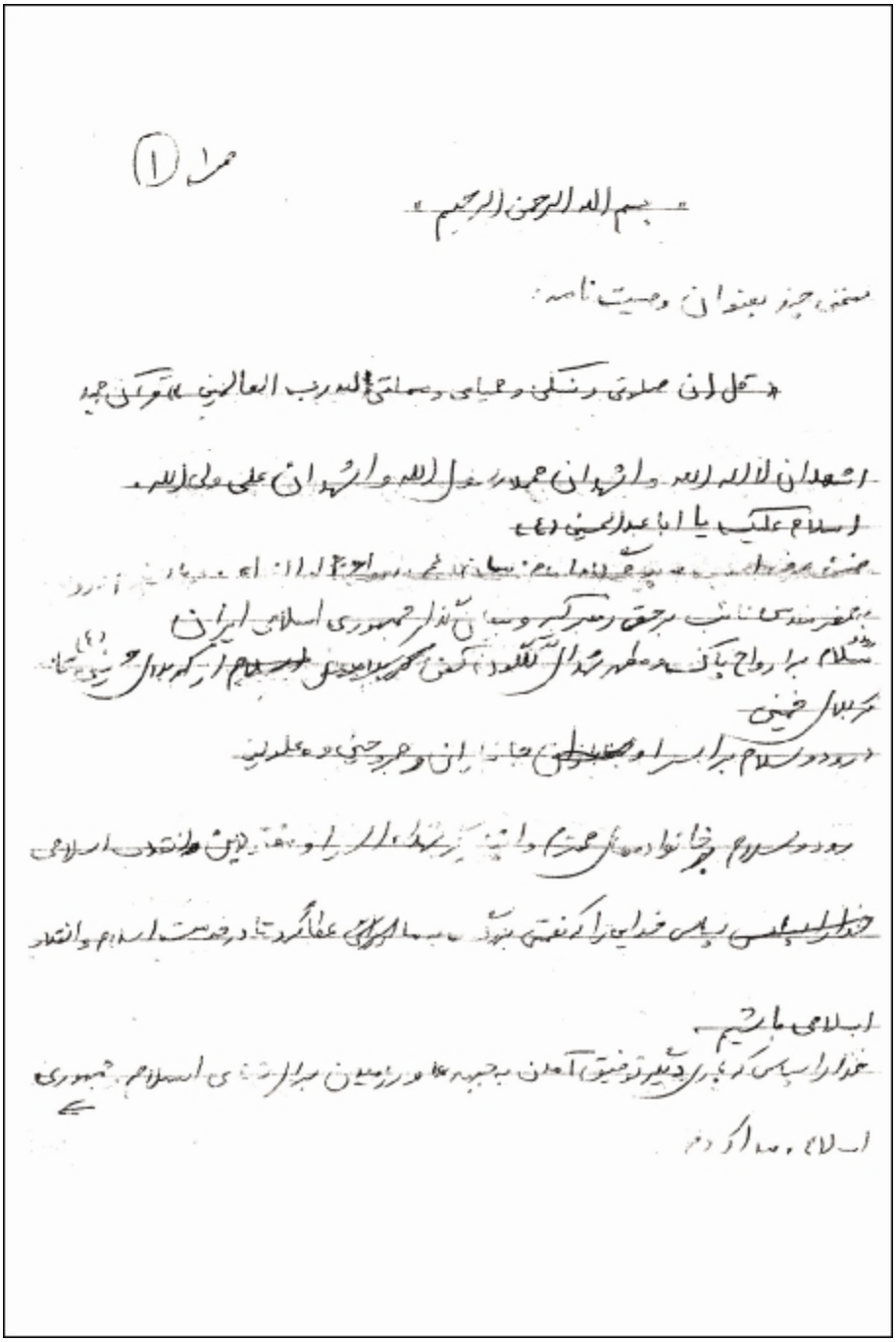
امت حزب‌الله! وقتی من پیش خودم فکر می‌کنم که انقلاب برای ما چه کرده؟ این سؤال بر[ای] من پیش می‌آید که من برای انقلاب چه کردم؟ من احساس می‌کنم که شخصیت واقعی خود را از سال 57 یافتم.

امت حزب‌الله! «**و اعتصموا**[1] **بحبل الله جمیعا ولا تفرقوا**[2]» این وحدت و یکپارچگی امت هست که دشمنان اسلام نمی‌توانند به انقلاب و اسلام ضربه بزنند. وحدت خود را حفظ کنید.

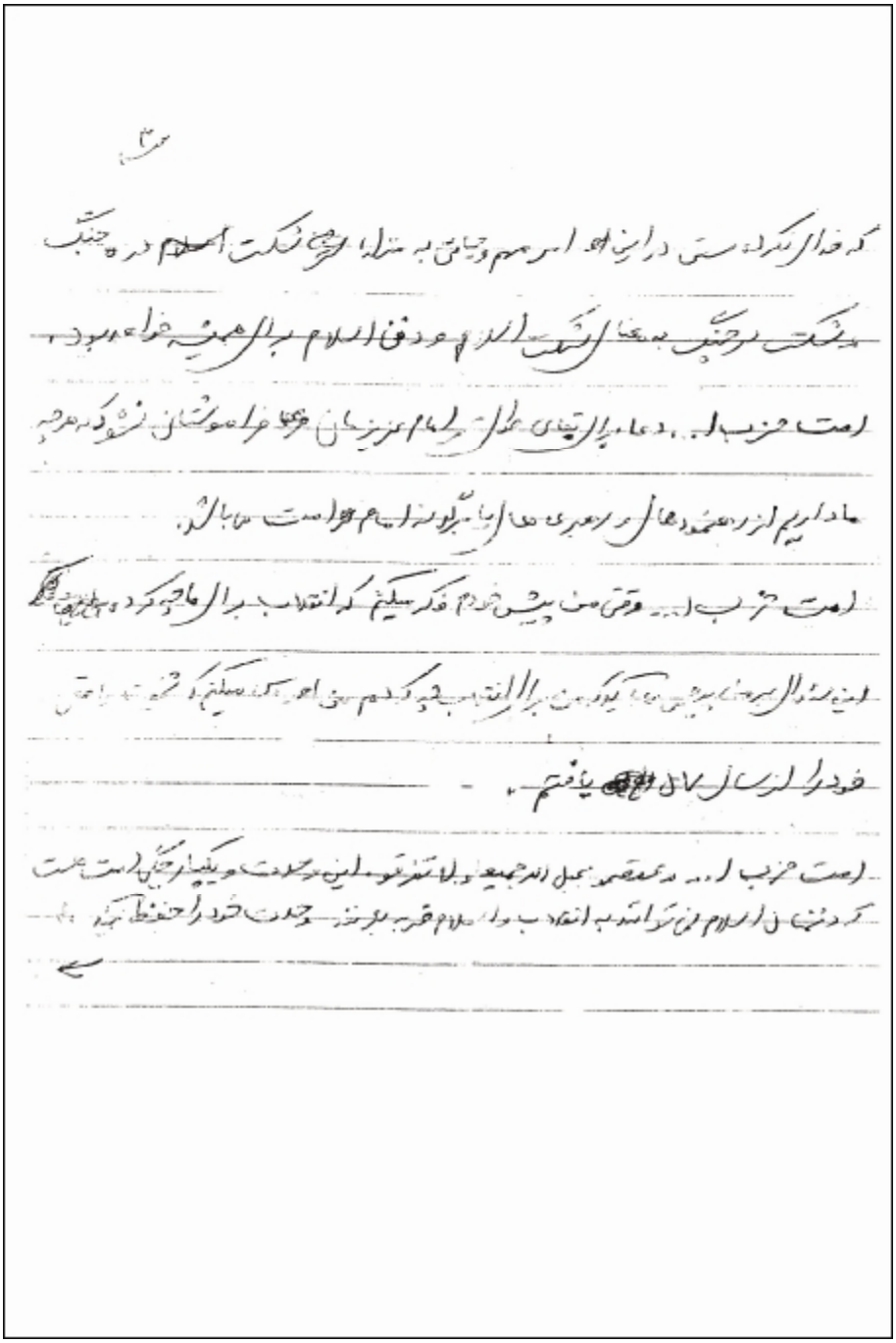
علیرضا شامانی

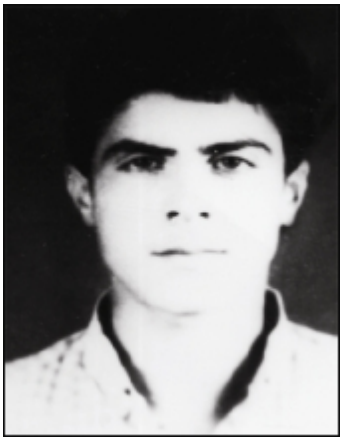
1- در اصل وصیت «وعتصمو».

2- در اصل وصیت «لاتفرقو».









نام: **سیدمحمدتقی**
نام خانوادگی: **شاهچراغ**
نام پدر: **سید روح‌الله**
نام مادر: **سیده نسا**
تاریخ تولد: **بیست‌وششم خرداد** 1347
محل تولد: **شهرستان دامغان**
تحصیلات: **سوم متوسطه**
ارگان اعزام‌کننده: **بسیج**
تاریخ شهادت: **بیست‌ودوم دی** 1365
محل شهادت: **شلمچه**
نحوهٔ شهادت: **اصابت ترکش**
مزار: **گلزار شهدای فردوس رضای زادگاهش**

عبارت‌های کلیدی

- هدفم از جبهه آمدن: 1- رضای حق، 2- لبیک و ندای امام امت، 3- آزادی کربلا، 4- ادای تکلیف شرعی.
- شهدا درس ایثار و از خود گذشتگی را در مدرسهٔ عشق در مکتب حسینی گرفتند.
- مادران مبادا از رفتن فرزندانتان به جبهه جلوگیری کنید.
- مثل خاندان وهب فرزندان (جوان‌ها) را به جبهه بفرستید و حتی جسم او را هم تحویل نگیرید.
- به رهبرم بگویید تا آخرین قطرهٔ خونم سنگر اسلام را ترک نخواهم کرد.

سید محمدتقی، شاهچراغ[1]

بسم الله الرحمن الرحیم

«و قاتلوهم حتی لاتکون فتنه»[2]

حمد و ثنا معبودی را که سزاوار پرستش است و شکر می‌کنم او را که از روی لطف توفیق بزرگ شهادت را که فخر اولیاء می‌باشد بر ما ارزانی داشت. سلام و درود بر حضرت رسول اکرم(**6**) و ائمه اطهار(**7**) بالاخص بر یگانه منجی عالم بشریت حضرت ولی عصر(عج) و نایب بر حقش امید مستضعفان جهان خمینی عزیزم. سلام و درود بیکران بر روح پاک شهیدان گلگون کفن و بر اسراء بزرگوار و مفقودین عزیز و خانواده‌های گرانقدر ایشان.

هدف و مقصودم از جبهه آمدنم این است 1- رضای حق. 2- لبیک به ندای امام امت امید مستضعفان جهان.3- آزادی کربلا. 4- تکلیف شرعی را اداء کرده باشم.

من کوچک‌تر از آنم که پیام یا سفارش و نصیحتی به امت حزب‌الله و دوستان و مردم دامغان کنم. عزیزان! شهداء درس ایثار و از خودگذشتگی را در مدرسهٔ عشق و در مکتب حسینی از عباس[3]ها و علی‌اکبر[4]ها و قاسم[5] بن الحسن - نوجوانی که شهادت را در پیش خود از عسل شیرین‌تر می‌داند - گرفتند. ای جوانان نکند در رختخواب ذلت بمیرید که حسین(**7**) در میدان نبرد شهید شد. ای جوانان! مبادا در غفلت بمیرید که علی(**7**) در محراب عبادت شهید شد و مبادا در حال بی‌تفاوتی بمیرید که علی‌اکبر حسین(**7**) در راه حسین(**7**) و با هدف شهید شد. ای مادران مبادا از رفتن فرزندانتان به جبهه جلوگیری کنید که فردا در محضر خدا نمی‌توانید جواب زینب(**8**) را بدهید که تحمل 72 شهید را نمود. همه مثل خاندان (وهب[6]) جوان‌ها را به جبهه‌های نبرد بفرستید و حتی جسد او را

1- در بالای وصیت قید شده است: «محل شهادت: شلمچه، تاریخ شهادت: 65/10/22».

2- بقره/ 193. در اصل وصیت: «لا تکونوا».

3- ر.ک. تعلیقات.

4- ر.ک. تعلیقات.

5- ر.ک. تعلیقات.

6- ر.ک. تعلیقات ذیل ام وهب.

هم تحویل نگیرید[1]، زیرا مادر (وهب) فرمود سری را که در راه خداوند داده‌ام پس نمی‌گیرم.

برادران استغفار و دعا را از یاد نبرید که بهترین درمان‌ها برای تسکین درد ماست و همیشه به یاد خدا باشید و در راه او قدم بردارید و هرگز دشمنان بین شما تفرقه نیاندازند و «شما را از روحانیت متعهد جدا نکنند که اگر چنین کردند، روز بدبختی مسلمانان و روز جشن ابرقدرت‌هاست». حضورتان رادر جبهه‌های حق علیه باطل ثابت نگه‌دارید. در امام بیشتر دقیق شوید و سعی کنید عظمت او را بیابید و خود را تسلیم او سازید و صداقت و اخلاص خود را همچنان حفظ کنید. اگر فیض شهادت نصیبم گشت، آنان که پیرو خط سرخ امام خمینی نیستند و به ولایت او اعتقاد ندارند بر من نگریند و بر جنازهٔ من حاضر نشوند، اما باشد که دماء شهداء آنان را نیز متحول سازد و به رحمت الهی نزدیکشان کند. سلام مرا به رهبر عزیزم برسانید و بگویید تا آخرین قطرهٔ خونم سنگر اسلام را ترک نخواهم کرد. با خداوند پیمان می‌بندم که در تمام عاشوراها و در «تمام کربلاها با حسین(**7**) همراه باشم»[2] و سنگر او را خالی نکنم تا هنگامی که همهٔ احکام اسلام در زیر پرچم اسلامی امام زمان(عج) به اجرا درآید.

سیدمحمدتقی شاهچراغ

1- در اصل وصیت «نگیرد».

2- اشاره دارد به این تعبیر معروف که پس از نهضت و قیام امام حسین(**7**) در عاشورای سال 61 هـ.ش. به‌عنوان شعار مبارزه حق و باطل در تاریخ متولد شد. «کل یوم عاشورا و کل ارض کربلا».



سید محمد تقی شاهچراغ



بسم الله الرحمن الرحیم

محل شهادت خلجه
تاریخ ۶۰/۱۰/۲۲

وقاتلوهم حتی لاتکونوا فتنه.

حمد وثناء معبودی راکه سزاوار پرستش است وشکرمیکنم اوراکه ازروی لطف توفیق بزرگ شهادت عطاکه فخرواولیاء میباشد برما ارزانی داشت. سلام ودرود برحضرت رسول اکرم (ص) وائمه اطهار (ع) بالاخص بیگانه منجی عالم بشریت حضرت ولی عصر (عج) ونائب برحقش امید مستضعفان جهان خمینی عزیزم. سلام ودرود بیکران بروح پاک شهیدان گلگون کفن وبرا سراء بزرگوار ومحفود بن عزیز وخانواده های گرانقدرایشان. هدف ومقصودم از جبهه آمدنم این است ۱ــ رضای حق ۲ــ لبیک بندای امام امت ۳ــ آزادی کربلا ۴ــ تکلیف شرعی راانجام داده باشم خوشحال خوشحالم که میتوانم بگویم که بحمدالله تکلیف شرعی خود را انجام داده ام. ای برادران مسلمان وخواهران مسلمان از شما میخواهم که بسخنان رهبر عزیزمان گوش فرا دهید واز دستورات ایشان سرپیچی نکنید. ای برادران مسلمان ای برادران مکتبی ای برادران بسیجی ای برادران سپاهی ای برادران ارتشی ای برادران ژاندارمری ای برادران شهربانی ای برادران کمیته ای برادران جهاد سازندگی ای برادران نهضت سوادآموزی ای برادران بنیاد شهید ای برادران بنیاد مستضعفان ای برادران بنیاد مسکن ای برادران کمیته امداد امام ای برادران بهزیستی ای برادران دادگستری ای برادران دادسرای انقلاب اسلامی ای برادران دادگاه انقلاب اسلامی ای برادران دادگاه ویژه روحانیت ای برادران دادگاه ویژه نیروهای مسلح ای برادران دادگاه ویژه ژاندارمری ای برادران دادگاه ویژه شهربانی ای برادران دادگاه ویژه کمیته ای برادران دادگاه ویژه سپاه ای برادران دادگاه ویژه بسیج ای برادران دادگاه ویژه جهاد سازندگی ای برادران دادگاه ویژه نهضت سوادآموزی ای برادران دادگاه ویژه بنیاد شهید ای برادران دادگاه ویژه بنیاد مستضعفان ای برادران دادگاه ویژه بنیاد مسکن ای برادران دادگاه ویژه کمیته امداد امام ای برادران دادگاه ویژه بهزیستی ای برادران دادگاه ویژه دادگستری ای برادران دادگاه ویژه دادسرای انقلاب اسلامی ای برادران دادگاه ویژه دادگاه انقلاب اسلامی ای برادران دادگاه ویژه دادگاه ویژه روحانیت ای برادران دادگاه ویژه دادگاه ویژه نیروهای مسلح ای برادران دادگاه ویژه دادگاه ویژه ژاندارمری ای برادران دادگاه ویژه دادگاه ویژه شهربانی ای برادران دادگاه ویژه دادگاه ویژه کمیته ای برادران دادگاه ویژه دادگاه ویژه سپاه ای برادران دادگاه ویژه دادگاه ویژه بسیج ای برادران دادگاه ویژه دادگاه ویژه جهاد سازندگی ای برادران دادگاه ویژه دادگاه ویژه نهضت سوادآموزی ای برادران دادگاه ویژه دادگاه ویژه بنیاد شهید ای برادران دادگاه ویژه دادگاه ویژه بنیاد مستضعفان ای برادران دادگاه ویژه دادگاه ویژه بنیاد مسکن ای برادران دادگاه ویژه دادگاه ویژه کمیته امداد امام ای برادران دادگاه ویژه دادگاه ویژه بهزیستی ای برادران دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگستری ای برادران دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادسرای انقلاب اسلامی ای برادران دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه انقلاب اسلامی ای برادران دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه روحانیت ای برادران دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه نیروهای مسلح ای برادران دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه ژاندارمری ای برادران دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه شهربانی ای برادران دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه کمیته ای برادران دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه سپاه ای برادران دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه بسیج ای برادران دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه جهاد سازندگی ای برادران دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه نهضت سوادآموزی ای برادران دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه بنیاد شهید ای برادران دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه بنیاد مستضعفان ای برادران دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه بنیاد مسکن ای برادران دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه کمیته امداد امام ای برادران دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه بهزیستی ای برادران دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگستری ای برادران دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادسرای انقلاب اسلامی ای برادران دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه انقلاب اسلامی ای برادران دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه روحانیت ای برادران دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه نیروهای مسلح ای برادران دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه ژاندارمری ای برادران دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه شهربانی ای برادران دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه کمیته ای برادران دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه سپاه ای برادران دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه بسیج ای برادران دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه جهاد سازندگی ای برادران دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه نهضت سوادآموزی ای برادران دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه بنیاد شهید ای برادران دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه بنیاد مستضعفان ای برادران دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه بنیاد مسکن ای برادران دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه کمیته امداد امام ای برادران دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه بهزیستی ای برادران دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگستری ای برادران دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادسرای انقلاب اسلامی ای برادران دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه انقلاب اسلامی ای برادران دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه روحانیت ای برادران دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه نیروهای مسلح ای برادران دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه ژاندارمری ای برادران دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه شهربانی ای برادران دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه کمیته ای برادران دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه سپاه ای برادران دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه بسیج ای برادران دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه جهاد سازندگی ای برادران دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه نهضت سوادآموزی ای برادران دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه بنیاد شهید ای برادران دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه بنیاد مستضعفان ای برادران دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه بنیاد مسکن ای برادران دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه کمیته امداد امام ای برادران دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه بهزیستی ای برادران دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگستری ای برادران دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادسرای انقلاب اسلامی ای برادران دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه انقلاب اسلامی ای برادران دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه روحانیت ای برادران دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه نیروهای مسلح ای برادران دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه ژاندارمری ای برادران دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه شهربانی ای برادران دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه کمیته ای برادران دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه سپاه ای برادران دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه بسیج ای برادران دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه جهاد سازندگی ای برادران دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه نهضت سوادآموزی ای برادران دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه بنیاد شهید ای برادران دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه بنیاد مستضعفان ای برادران دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه بنیاد مسکن ای برادران دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه کمیته امداد امام ای برادران دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه بهزیستی ای برادران دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگستری ای برادران دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادسرای انقلاب اسلامی ای برادران دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه انقلاب اسلامی ای برادران دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه روحانیت ای برادران دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه نیروهای مسلح ای برادران دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه ژاندارمری ای برادران دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه شهربانی ای برادران دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه کمیته ای برادران دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه سپاه ای برادران دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه بسیج ای برادران دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه جهاد سازندگی ای برادران دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه نهضت سوادآموزی ای برادران دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه بنیاد شهید ای برادران دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه بنیاد مستضعفان ای برادران دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه بنیاد مسکن ای برادران دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه کمیته امداد امام ای برادران دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه بهزیستی ای برادران دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگستری ای برادران دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادسرای انقلاب اسلامی ای برادران دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه انقلاب اسلامی ای برادران دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه روحانیت ای برادران دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه نیروهای مسلح ای برادران دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه ژاندارمری ای برادران دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه شهربانی ای برادران دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه کمیته ای برادران دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه سپاه ای برادران دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه بسیج ای برادران دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه جهاد سازندگی ای برادران دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه نهضت سوادآموزی ای برادران دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه بنیاد شهید ای برادران دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه بنیاد مستضعفان ای برادران دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه بنیاد مسکن ای برادران دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه کمیته امداد امام ای برادران دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه بهزیستی ای برادران دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگستری ای برادران دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادسرای انقلاب اسلامی ای برادران دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه انقلاب اسلامی ای برادران دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه روحانیت ای برادران دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه نیروهای مسلح ای برادران دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه ژاندارمری ای برادران دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه شهربانی ای برادران دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه کمیته ای برادران دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه سپاه ای برادران دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه بسیج ای برادران دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه جهاد سازندگی ای برادران دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه نهضت سوادآموزی ای برادران دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه بنیاد شهید ای برادران دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه بنیاد مستضعفان ای برادران دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه بنیاد مسکن ای برادران دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه کمیته امداد امام ای برادران دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه بهزیستی ای برادران دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگستری ای برادران دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادسرای انقلاب اسلامی ای برادران دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه انقلاب اسلامی ای برادران دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه روحانیت ای برادران دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه نیروهای مسلح ای برادران دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه ژاندارمری ای برادران دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه شهربانی ای برادران دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه کمیته ای برادران دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه سپاه ای برادران دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه بسیج ای برادران دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه جهاد سازندگی ای برادران دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه نهضت سوادآموزی ای برادران دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه بنیاد شهید ای برادران دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه بنیاد مستضعفان ای برادران دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه بنیاد مسکن ای برادران دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه کمیته امداد امام ای برادران دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه بهزیستی ای برادران دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگستری ای برادران دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادگاه ویژه دادسرای انقلاب اسلامی ای برادران دادگاه ویژه



نام: **سیدمهدی**
نام خانوادگی: **شاهچراغ**
نام پدر: **سصید علی‌اکبر**
نام مادر: **سیده زهرا**
تاریخ تولد: **ششم تیر** 1338
محل تولد: **شهرستان دامغان**
تحصیلات: **در حد دورهٔ ابتدایی**
ارگان اعزام‌کننده: **بسیج**
تاریخ شهادت: **نوزدهم اردیبهشت** 1361
محل شهادت: **خرمشهر**
نحوهٔ شهادت: **اصابت ترکش**
مزار: **گلزار شهدای فردوس رضای زادگاهش**

عبارت‌های کلیدی

- دعا کردن امام یادتان نرود.

سید مهدی، شاهچراغ

بسم الله الرحمن الرحیم

اینجانب، سید مهدی شاهچراغ، فرزند سید علی‌اکبر، متولد سال 1338، شهرستان دامغان این وصیت‌نامه را، در تاریخ 1361/2/11، در منزل مسکونی می‌نویسم و در تاریخ 61/2/12 عازم به جبهه‌های جنگ حق علیه باطل می‌شوم. اگر چنانچه سعادت شهادت را داشتم، بعد از شهادتم وارثان اینجانب پدرم و بعد همسرم و بچه‌ای که در رحم همسرم می‌باشند. اختیار کلیه اموالم دست پدرم می‌باشد. مبالغی بدهکار می‌باشم، که عبارتند از مبلغ 100 یکصد تومان به سید علی عمو ذبیح، 200 تومان به پدرم سید علی‌اکبر بدهکار می‌باشم. از فروش اموال یک چهارم آن را خرج کفن و دفن و مراسم و نماز و روزه برایم بخوانند و مابقی را هر آنچه‌که پدرم می‌داند [خرج] بکند و همسرم بعد از من اختیار ازدواج دارد و می‌تواند ازدواج کند. دیگر عرضی ندارم به‌جز سلامتی کلیه دوستان و خویشان و از دعا کردن امام یادتان نرود.

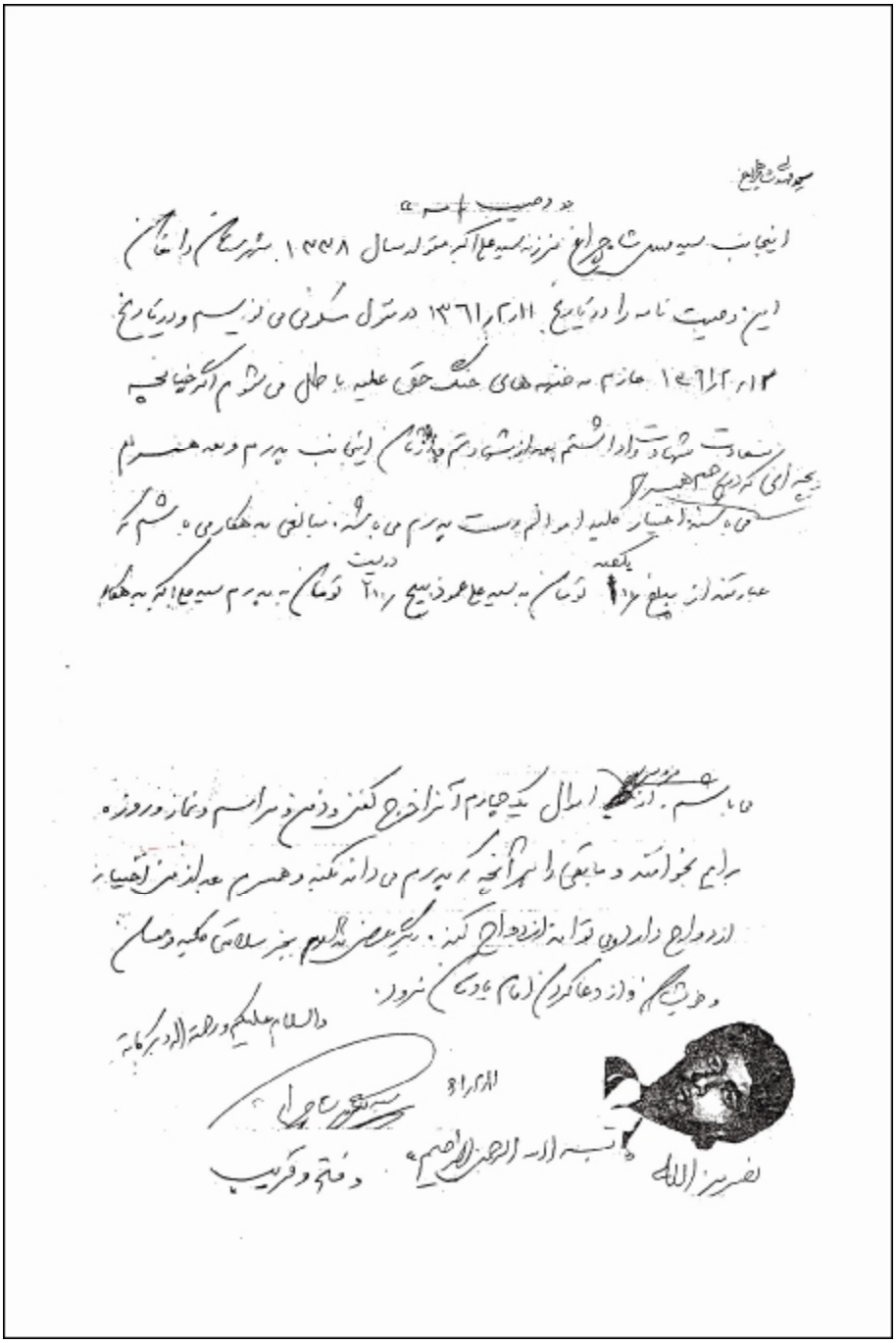
«والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته»

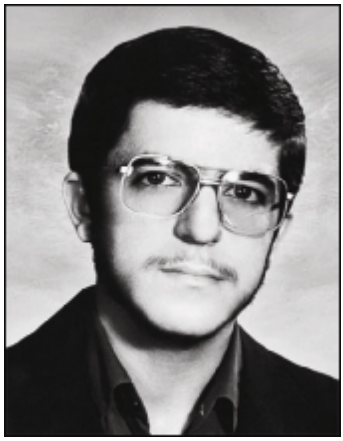
سید مهدی شاهچراغ

61/2/11

«بسم الله الرحمن الرحیم» «نصر من الله و فتحٌ قریب»[1]

1- صف/ 13.





نام: **سیدحسن**
نام خانوادگی: **شاهچراغی**
نام پدر: **سیدعباس**
نام مادر: **سیده فاطمه**
تاریخ تولد: **بیستم بهمن** 1345
محل تولد: **شهرستان دامغان**
تحصیلات: **سال سوم دوره علوم حوزوی**
ارگان اعزام‌کننده: **بسیج**
تاریخ شهادت: **یازدهم بهمن** 1365
محل شهادت: **شلمچه**
نحوهٔ شهادت: **اصابت گلوله و ترکش**
مزار: **گلزار شهدای زادگاهش**

عبارت‌های کلیدی

- پدر عزیزم تو باید همچون ابوذر زمان در مقابل سختی‌ها و مشکلات این بُرههٔ از زمان مقاوم و استوار باشی.
- از شما می‌خواهم با صبر خود دهان یاوه‌گویان شرق و غرب را ببندید.
- مگر می‌توانم به ندای مولایم لبیک نگویم؟
- ما که این‌قدر شهید دادیم، حالا وقت آن رسیده که مایک تکان دیگری بخوریم و کار صدام را یکسره بکنیم.
- آقا حسین ابن علی(**7**) را در مقابل خود ببینیم و هر حاجتی که داشته باشیم به او بگوییم.
- مادر جان اگر خداوند نصیب من نمود و مرا از شهدا قرار داد، تو در مقابل این مصیبت‌ها صبور باش.
- دنیا دار امتحان است، خیال نکنید که استراحتگاه است.
- هر که سختی بیشتری ببیند برای خدا، در آخرت جای خوبی نصیبش می‌شود.
- جای اصلی ما در آخرت است، دنیا که جای انسان نیست.
- مبادا خدای ناکرده به این عنوان که شهید داده‌اید از مردم انتظاراتی داشته باشید.

سید حسن، شاهچراغی

بسم‌الله الرحمن الرحیم

با درود و سلام بر امام زمان(عج) و نایب بر حقش و شهدای اسلام و با سلام به خانوادهٔ شهدا و معلولین و مجروحین.

خدمت محترم پدرم و مادرم سلام علیکم و بعد از عرض سلام، سلامتی شما را از خدای منان خواهانم. از خواهرانم سید سکینه و سید زهرا و سید معصومه و سید ریحانه طلب عفو می‌کنم واز شما می‌خواهم حجاب خود را مراعات کنید و اگر خداوند مرا از شما جدا کرد هیچ ناراحت نباشید. باید راه مولایمان را ادامه بدهیم، همچون زینب(8) شیر زن کربلا[1] صبور باشید و هیچ ناراحت نباشید. گریه هم نمی‌گویم که نکنید، گریه کنید ولی در خفا و به یاد علی‌اکبر[2] امام حسین (7) گریه کنید.

از برادرانم سید حسین و سید روح‌الله و سید محمد اظهار بخشش می‌کنم و از آنها می‌خواهم که درسشان را خوب بخوانند و راه سالار شهیدان حسین بن علی(7) را ادامه بدهند.

از عمو محمد و خانوادهٔ ایشان طلب عفو می‌کنم. از عمو حسن و زن‌عمو و علی‌اکبر عمو حسن و سید علی عمو حسن با خانواده‌هایشان می‌خواهم که مرا ببخشند. از ننه جان فاطمه می‌خواهم که مرا ببخشد. از دائی‌هایم دایی سید ابوالفضل و دایی سید جعفر با خانواده‌شان و خانوادهٔ دایی سید قاسم می‌خواهم که مرا حلال نمایند.

از پدر بزرگم و مادر بزرگم می‌خواهم که مرا ببخشند. از دایی سید علی و خانواده و آمیرزا با عمه و سید تقی با خانواده طلب عفو می‌کنم. از سکین [کذا] آمیرزا و حبیب و نوروز و دیگر فامیل‌ها[ی] خودم طلب عفو می‌کنم.از عمو سید کریم و پسرانشان و خانواده‌هایشان عذرخواهی می‌کنم. از آمیرزا شهری و از پسران و خانواده‌شان می‌خواهم مرا ببخشند. از عمو حسین و عمو رضا با پسران آنها و خانواده‌شان حلالیت می‌طلبم. اگر

1- واژه کربلا، مرکب است از کرب + بلا، در برخی از نوحه‌ها و اشعار بر ضرورت رعایت وزن شعر آن را به‌صورت تفکیکی فوق می‌خوانند. به معنی سرزمین یا وادعی که در آن اندوه و حزن و آزمون غم در هم یک‌جا جمع است.

2- ر.ک. تعلیقات.

کسی فراموش شده از طرف من از او طلب عفو نمایید و کسانی که در عزایم شرکت می‌کنند از آنها قدردانی کنید و حلالیت بطلبید. اگر از هم‌درسان من در عزایم شرکت کردند از آنها خیلی خیلی تشکر کنید و بگویید که جای مرادر حوزه خالی نگذارند و با درس خواندنشان مرا خوشحال نمایند و از مسئول محترم سید علی شاهچراغی طلب بخشش کنید. خداحافظ همگی شما.

«والسلام علیکم و رحمة الله»

65/11/7

[وصیت‌نامه‌ای دیگر]

بسم‌الله الرحمن الرحیم

(سخن آخر من با پدر و مادرم)

«ان الله اشتری من المؤمنین انفسهم و اموالهم بان لهم الجنة یقاتلون فی سبیل الله فیقتلون و یقتلون وعدا علیه حقا فی التوریة و الانجیل و القران و من اوفی بعهده من الله فاستبشروا ببیعکم الذی بایعتم به و ذالک هو الفوز العظیم.»

«همانا خداوند خریدار است از مؤمنان جان‌ها و مال‌هایشان را که برای آنان است بهشت. بجنگند در راه خدا پس بکشند و کشته شوند، وعده‌ای است بر خداوند حق در تورات و انجیل و قرآن، کیست وفادارتر به عهد خود از خداوند؟ پس بشارت باد شما را به این بها که سود نمودید، و این است آن رستگاری بزرگ».(توبه/ 111)

با درود و سلام به امام زمان(عج) و نایب بر حقش امام خمینی و با سلام بر پیکارگران حق علیه باطل و سنگرنشینان با خدا، خواستم چند کلمه‌ای با شما عزیزان درد دل کنم. این کلمات سخنان آخر من حقیر است که از تَهِ دل برخاسته است.

پدر عزیزم تو باید همچون ابوذر[1] زمان در مقابل سختی‌ها و مشکلات این بُرههٔ از زمان مقاوم و استوار باشی. انشاءالله اگر خداوند صلاح دید و مرا در پیش خود برد و خبر آوردند که پسرت از دنیا رفته با خوشحالی از کسی که خبر را آورده تشکر کنید و شاد و

1- ر.ک. تعلیقات.

خرم باشید و بگویید[1] خوشا به حالش و همچنین خوش به حال تو ای پدرم. چرا که من می‌روم تا آنجا برای تو و مادرم جای بگیرم. و از شما می‌خواهم با صبر خود دهان یاوه‌گویان شرق و غرب را ببندید، گاهی از اوقات که می‌شنوید، می‌گویند آخه چه شد که بیهوده پسرش را به جبهه فرستاد و او را به کشتن داد، یا می‌گویند حیف از آن جوان که بیخودی رفت و کشته شد. این حرف‌ها را خودم دربارهٔ شهدا شنیده‌ام. شما نسبت به این حرف‌ها صبر پیشه کنید. مخصوصاً به تو می‌گویم مادر عزیز و مهربانم، پدرم را با اطمینان کامل می‌دانم که صبر می‌کند[2] و می‌ایستد در مقابل سختی‌ها و ناراحتی که پیش می‌آید. خدا صبرش را بیشتر از این بکند.

پدر جان امیدوارم مرا ببخشید که من حق پدری را نسبت به شما ادا نکردم، لحظه‌های حساسی بر ما می‌گذرد کم کم باید آماده شویم برویم عملیات[3]. به خدا حسین(**7**) صدا می‌زند می‌گوید[4] بیا عزیز دلم! من دو ماه است که به تو نان حلال دادم و تو را از محرمات دور نگه داشتم. از نامحرم و غذای حرام و حلال و کارهای زشت جدا کردم، حالا به من خیلی نزدیک شدی، می‌خواهم تو را در پیش خود ببینم. مگر می‌توانم به ندای مولایم لبیک نگویم؟ ما که این‌قدر برای حسین(**7**) جوان دادیم، ما که این‌قدر شهید دادیم، حالا وقت آن رسیده که مایک تکان دیگری بخوریم و کار صدام را یکسره بکنیم و آقا حسین ابن علی(**7**) را در مقابل خود ببینیم و هر حاجتی که داشته باشیم به او بگوییم[5] و با مولایمان درد دل کنیم و بگوییم[6] ای حسین جان آنقدر خانوادهٔ شهدا صبر کردند که دیگر طاقت ندارند، یک نظری کن. پیروزی ما را از خدا بخواه تا آرزوی یکایک خانوادهٔ شهدا برآورده شود.

1- در اصل وصیت «بگوئید».

2- در اصل وصیت «می‌کنم».

3- با توجه به تاریخ شهادت شهید شاهچراغی عملیاتی که بدان اشاره کرده باید کربلای 5 باشد که در محور شلمچه و شرق بصره انجام گرفته است.

4- در اصل وصیت «می‌گویم».

5- در اصل وصیت «بگوئیم».

6- در اصل وصیت «بگوئیم».

و اما مادر عزیزم و دل‌سوخته‌ام تو دربارهٔ من خیلی زحمت و رنج کشیدی مرا در بچگی[1] سه سال شیر دادی، که هیچ بچه‌ای فکر نکنم سه سال شیر خورده باشد. من چه در سن کوچکی و جوانی تو را خیلی اذیت کردم، امیدوارم مرا ببخشی و شیرت را بر من حلال کنی. انشاءالله بیایی در بهشت و از دست حضرت فاطمه زهرا(**8**) هم‌نام خودت آب کوثر را بنوشی و با هم در آنجا درد دل کنیم.

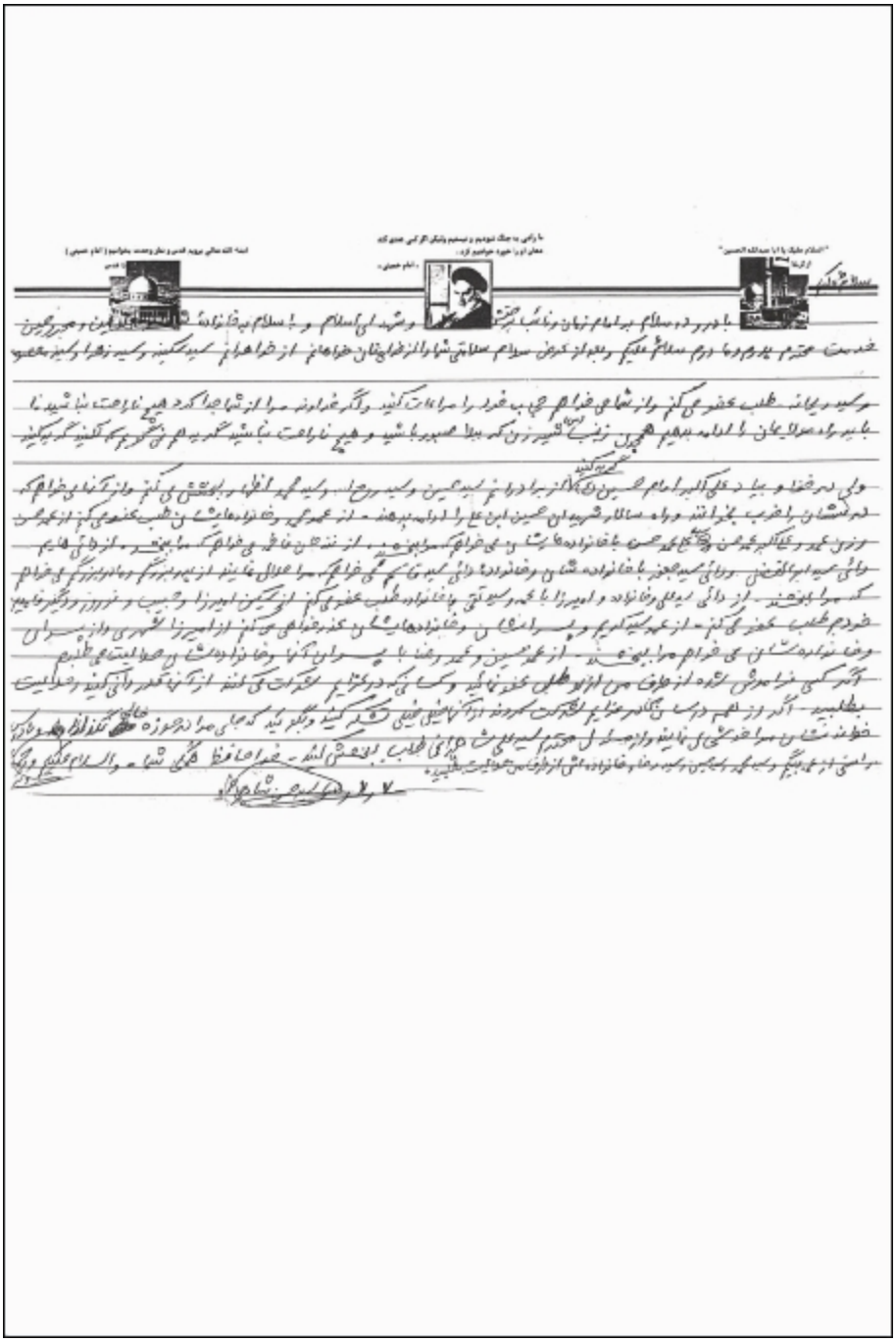
تو در زندگی‌ات خیلی زیاد رنج و غصه خوردی خدا تو را از صابرین قرار دهد و صبرت را زیاد کند و تو را از زنان بهشتی قرار دهد. مادر جان اگر خداوند نصیب من نمود و مرا از شهدا قرار داد، تو در مقابل این مصیبت‌ها صبور باش. مادرم خیال نکنی که من رفته‌ام دیگر وجود ندارم، نه این‌طور نیست. به خدا قسم ما از آن لحظه‌ای که در دنیا بودیم جایمان بهتر و زیباتر است. دنیا دار امتحان است، خیال نکنید که استراحتگاه است. هر که سختی بیشتری ببیند برای خدا، در آخرت جای خوبی نصیبش می‌شود و هر که به خوش‌گذرانی و لهو و لعب بگذراند در آخرت باید عذاب جهنم را بچشد. جای اصلی ما در آخرت است، دنیا که جای انسان نیست، فقط وسیله‌ای است که انسان باید سعی کند خود را بسازد و برای رفتن به پیش خداوند آماده شود.

و اما پدر و مادرم از شما تقاضا دارم که مبادا خدای ناکرده به این عنوان که شهید داده‌اید از مردم انتظاراتی داشته باشید. اگر هم این مصیبت تحملش خیلی دشوار است بدانید که معامله است با خدا و اجرش را از خدا بخواهید.

اگر نامهربان بودیم و رفتیم اگر بار گران بودیم و رفتیم
شما در خانه‌هایتان بمانید که ما بی‌خانمان بودیم و رفتیم

شب سه‌شنبه بهمن ماه مورخ 65/11/7
سید حسن شاهچراغی

1- در اصل وصیت «بچه‌گی».





سلام علیکم (سخن آخر من با پدر و مادرم)

بسم الله الرحمن الرحیم — توبه ۱۱۱

ان الله اشتری من المؤمنین انفسهم و اموالهم بان لهم الجنة یقاتلون فی سبیل الله فیقتلون و یقتلون وعدا علیه حقا فی التورات و الانجیل و القرآن و من اوفی بعهده من الله فاستبشروا ببیعکم الذی بایعتم به و ذلک هو الفوز العظیم — توبه

همانا خداوند خریدار است از مؤمنان جانها و مالها یشان را که برای آنان است بهشت. بجنگند در راه خدا پس بکشند و کشته شوند، وعده ایست

بر خداوند حق در تورات و انجیل و قرآن، کیست وفادارتر به عهدش از خداوند، پس بشارت باد شما را به این بها که سود نمودید، و این است

آن رستگاری بزرگ

با درود و سلام بر امام زمان (عج) و نائب برحقش امام خمینی و با سلام بر پیکارگران حق علیه باطل و سنگر نشینان با خدا، خدا را سپاس چند همه ای

با شما عزیزان درد دل کنم این کلمات سخنان آخر من هستند که از تهِ دل برخاسته است. پدر عزیزم تو باید همچون ابر و زمان

در مقابل سختیها و مشکلات این برهه از زمان مقاوم و استوار باشی انشاء الله اگه خداوند صلاح دید و مرا در پیش خود برد و خبر آوردند که پسرت

خیلی نزدیک شدی می خواهم تو را در پیش خود ببینم شنیده می توانم به ندا
مولایم لبیک نگویم تا که اینقدر برای حسین (ع) جوان دادیم تا که اینقدر
شهید دادیم حالا وقت آن رسیده که ما یک تکان دیگری بخوریم و کار
جدامان را یکسره بکنیم، و آقا حسین ابن علی را در مقابل خود ببینیم و هر حاجتی
که داشته باشیم به او بگوییم و با مولایمان درد دل کنیم و بگوییم ای حسین جان
آنقدر خانوادهٔ شهدا صبر کردند که دیگر طاقت ندارند یک نظری کن پیروزی
ما را از خدا بخواه تا کی روزی یکی یک خانوادهٔ شهید ابرآورده شود.
و آقا ما در عزیزم و دلسوخته‌ام تو در بارهٔ من خیلی زحمت و رنج
کشیدی مرا در بچگی سه سال شیر دادی که هیچ بچه‌ای فکر نکنم سه سال
شیر خورده باشد من چه در سن کوچکی و جوانی تو را خیلی اذیت کردم
امیدوارم مرا ببخشی و شیرت را بر من حلال کنی انشاءالله... بیائی در
بهشت و از دست حضرت فاطمه زهرا (س) نام خودت آب کوثر
را بنوشی و با هم در آنجا درد دل کنیم،
که در زندگی ات خیلی زیاد رنج و غصه خوردی خدا تو را از صابرین قرار دهد

از دنیا رفته با خوشحالی از کسی که طبه را آورده تشکر کنید و شاد و خرم
باشید و بگوئید خوشا عالش و همچنین خوش بحال تو ای پدرم چرا که من می روم
تا آنجا برای تو دعا کردم جای بگیرم، و از شما می خواهم با صبر خود دهان یاوه گویان
شرق و غرب را ببندید، گاهی از اوقات که می شنوید می گویند آخر چه شد که
پیرهوده پسرش را به جبهه فرستاد و او را به کشتن داد یا می گویند حیف
از آن جوان که بی خودی رفت و کشته شد این حرفها را خودم درباره شهدا
شنیده ام شما نسبت به این حرفها صبر پیشه کنید مخصوصاً به تو
می گویم مادر عزیزم صبر کن، پدرم را با اطمینان کامل می دانم که صبر می کنی
و می ایستد در مقابل سختی ها و نا راحتی که پیش می آید خدا صبرش را
بیشتر از این کند - پدر جان امیدوارم مرا ببخشید که من حق پدری را
نسبت به شما ادا نکردم، لحظه های حساسی بر ما می گذرد که کم کم باید آماده
شویم برویم بملاقات لقاء الله، صدای زنده می گوید بیا عزیز دلم
من دو پا، است که به تو نان حلال دادم و تو را از محرمات دور نگه داشتم از
نامحرم و تخلی حرام و حلال و کارهای زشت جدا کردم حالا به من بے

(۱)

و صبرت را زیاد کند و تو را از زبان بچه‌ها قرار دهد. مادر جان اگر خداوند
نصیب من نمود و مرا از شهدا قرار داد تو در مقابل این مصیبتها

صبور باش مادرم خیال نکنی که من رفته‌ام دیگر وجود ندارم، نه این طور نیست
به خدا قسم ما از آن لحظه‌ای که در دنیا بودیم جایمان بهشت و زیباتر است

دنیا دار امتحان است خیال نکنید که استراحتگاه است که سختی بیشتری
ببیند برای خود در آخرت جای خوبی نصیبش می‌شود و هر که به خوشگذرانی

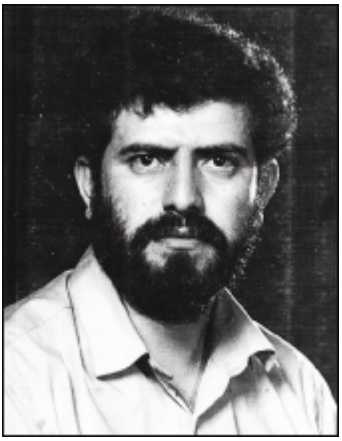
و لهو و لعب بگذراند در آخرت باید عذاب جهنم را بچشد جای واقعی
ما در آخرت است دنیا که جای انسان نیست فقط وسیله‌ای است

که انسان باید سعی کند که خود را بسازد و برای رفتن به پیش خداوند آماده
شود. و اما پدر و مادرم از شما تقاضا دارم که مبادا خدای ناکرده به این عنوان

که شهید داده‌اید از مردم انتظاراتی داشته باشید اگر هم این مصیبت
تحملش خیلی دشوار است. بدانید که معامله است با خدا و اجرش با خداست

بخواهید. اگر نامهربان بودیم رفتیم اگر بار گران بودیم رفتیم
شما درخانه‌هایتان بمانید که جای خانمان بودیم و رفتیم

شب سه شنبه بهمن ماه مورخ ۱۷/۱۱/۶۵



نام: **سیدحسن**
نام خانوادگی: **شاهچراغی**
نام پدر: **سیدمسیح**
نام مادر: **سیده فاطمه**
تاریخ تولد: **نهم بهمن** 1331
محل تولد: **شهرستان دامغان**
تحصیلات: **حوزوی**
ارگان اعزام‌کننده: -
تاریخ شهادت: **یکم اسفند** 1364
محل شهادت: **اهواز**
نحوهٔ شهادت: **بمباران هوایی**
مزار: **گلزار شهدای زادگاهش**

عبارت‌های کلیدی

- لحظه‌ای از عمرم در دوران تکلیف نگذشته، مگر اینکه در اندیشه تعالی اسلام و گسترش مکتب جعفری بوده‌ام.
- مطمئنم اگر فضل و رحمت الهی شاملم نشود، شایستهٔ بدترین عذاب‌ها و عقاب‌ها می‌باشم.
- خداوندا! از تو می‌خواهم شهادت نصیبم کن.
- پروردگارا! مرا و خاندانم و دوستانم را با شهادت من سرافراز فرما.
- شادمانم که از اموال دنیا چیز فراوانی ندارم.
- دوست دارم فرزندانم برای اسلام تربیت شوند.

سیدحسن، شاهچراغی

بسم الله الرحمن الرحیم

وصیت‌نامه اول اسفند 1364

اینجانب، سید حسن، فرزند سید مسیح شاهچراغی، با آرزوی شهادت برای خویش و پیروزی برای اسلام و انقلاب اسلامی، بنا بر وظیفه اسلامی، وصیت‌نامهٔ خود را به اختصار می‌نگارم.

با اعتقاد راسخ به وحدانیت خداوند و حقانیت معاد و بهشت و جهنم و کلیه اصول و فروع دین شریف اسلام، خداوند را سپاس می‌گویم که توفیق داد تا سربازی حقیر برای اسلام و جمهوری اسلامی باشم و پیروی کوچک برای رهبر بزرگ انقلاب اسلامی، امام خمینی. لحظه‌ای از عمرم در دوران تکلیف نگذشته، مگر اینکه در اندیشه تعالی اسلام و گسترش مکتب جعفری بوده‌ام؛ گرچه در عمل ضعف و نقص فراوان داشته‌ام و از آنچه را که در پیشگاه خداوند انجام داده‌ام، جز شرمساری و خجلت چیزی نمی‌بینم. مطمئنم اگر فضل و رحمت الهی شاملم نشود، شایستهٔ بدترین عذاب‌ها و عقاب‌ها می‌باشم.

خداوندا! از تو می‌خواهم شهادت نصیبم کن، تا شاید در خیل پر برکت شهیدان و صفای روح آنان عفو بهره‌ام گردد و یا از بدرقهٔ خالصانهٔ هزاران مسلمانی که در تشییع شهیدان مشارکت می‌کنند و آثار پر برکتی که این خون‌ها دارد، ذره‌ای هم هدیه من باشد و موجب نجات این روح آلوده و این جان وابسته گردد. پروردگارا! مرا و خاندانم و دوستانم را با شهادت من سرافراز فرما.

شادمانم که از اموال دنیا چیز فراوانی ندارم. کتاب‌هایم را به کتابخانهٔ حضرت ابوالفضل بدهید تا مورد استفادهٔ عام قرار گیرد. اثاثیه خانه در اختیار همسرم باشد. از بقیه، حداقل پنج ماه، روزه برایم سفارش دهید و احتیاطاً چند ماه نماز. هر کس ادعای طلبی کرد، در حد مقدور تأمین نمایید.

وصی من پدر بزرگوارم، عالم عامل آقای سید مسیح شاهچراغی است، که به شیوهٔ مذهب و عرف آشنایند و هر چه مصلحت دیدند عمل می‌کنند.

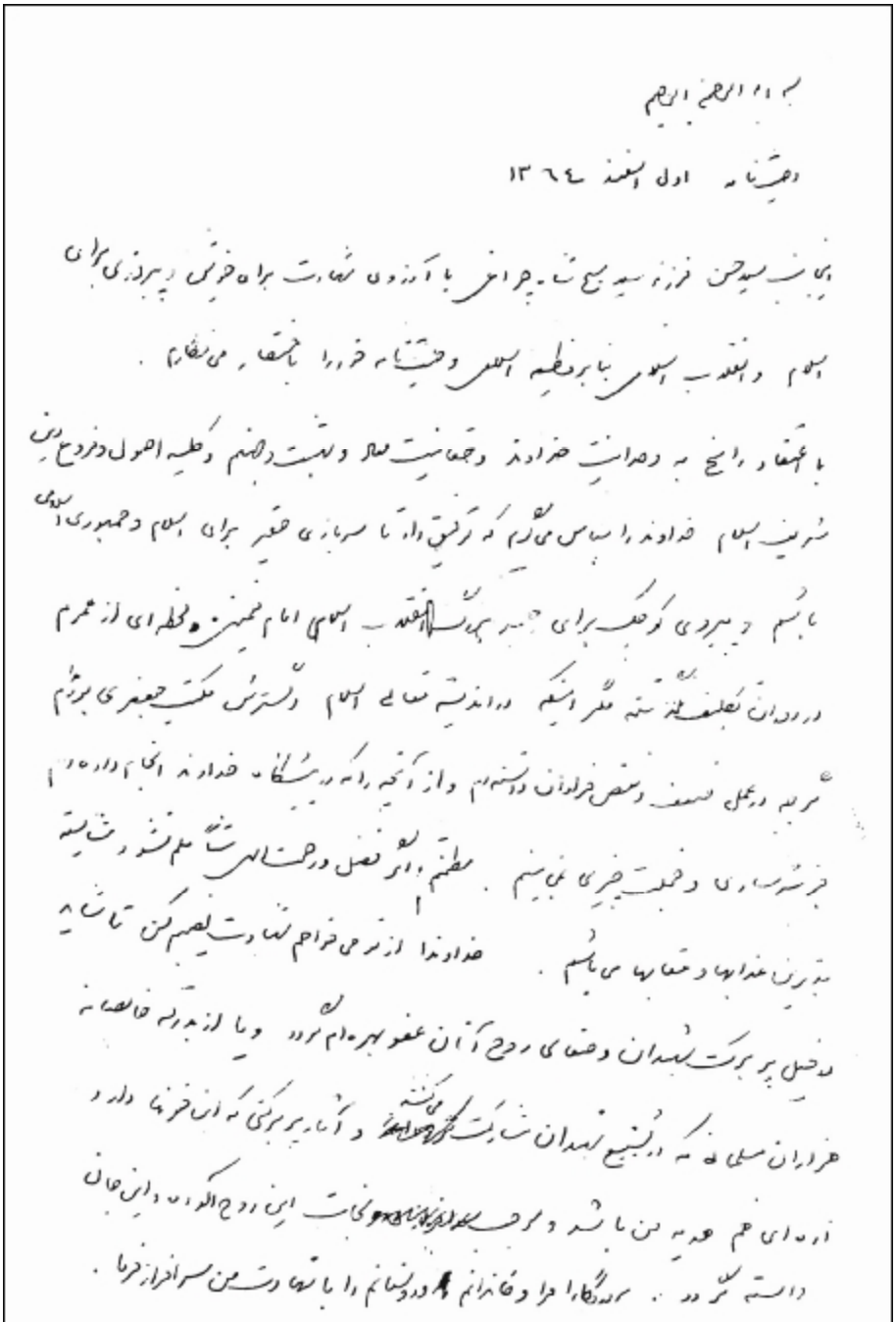
دوست دارم فرزندانم برای اسلام تربیت شوند و در صورت امکان در حوزهٔ علمیه درس بخوانند، تا شاید خلف صالح عاملی برای نجات من از این‌همه گناهان دست و پا گیر باشند و خدمتگذارانی پاک و فداکار برای اسلام و انقلاب. از برادران و خواهران و پدر و مادر و همسر وفادار و مؤمن خود می‌خواهم که مرا حلال نمایند و از کوتاهی‌هایم بگذرند و هیچ‌گاه از دعای خیرشان بی‌نصیبم ننمایند.

مرا در جمع شهیدان شهر و استان دفن کنید تا از دعای مردم شهر بهره برم و نشانه‌ای باشد بر اینکه جز خدمت قصدی نداشته‌ام و جز سربلندی و ایمان محکم و ترقی برای دامغان چیزی نمی‌خواهم.

امروز که این سطور را می‌نویسم در دل خویش نسبت به هیچ‌کس و هیچ گروهی جز ملحدان و منافقان[1] آدم‌کش و دشمنان اسلام احساس رقابت و حسادت و ناراحتی نمی‌کنم و اگر حقی به کسی داشته‌ام، از آن می‌گذرم، باشد که آنان نیز برای خدا از حقوقشان نسبت به من بگذرند و دعایشان را همیشه برای من بفرستند.

سید حسن شاهچراغی

1- ر.ک. تعلیقات.



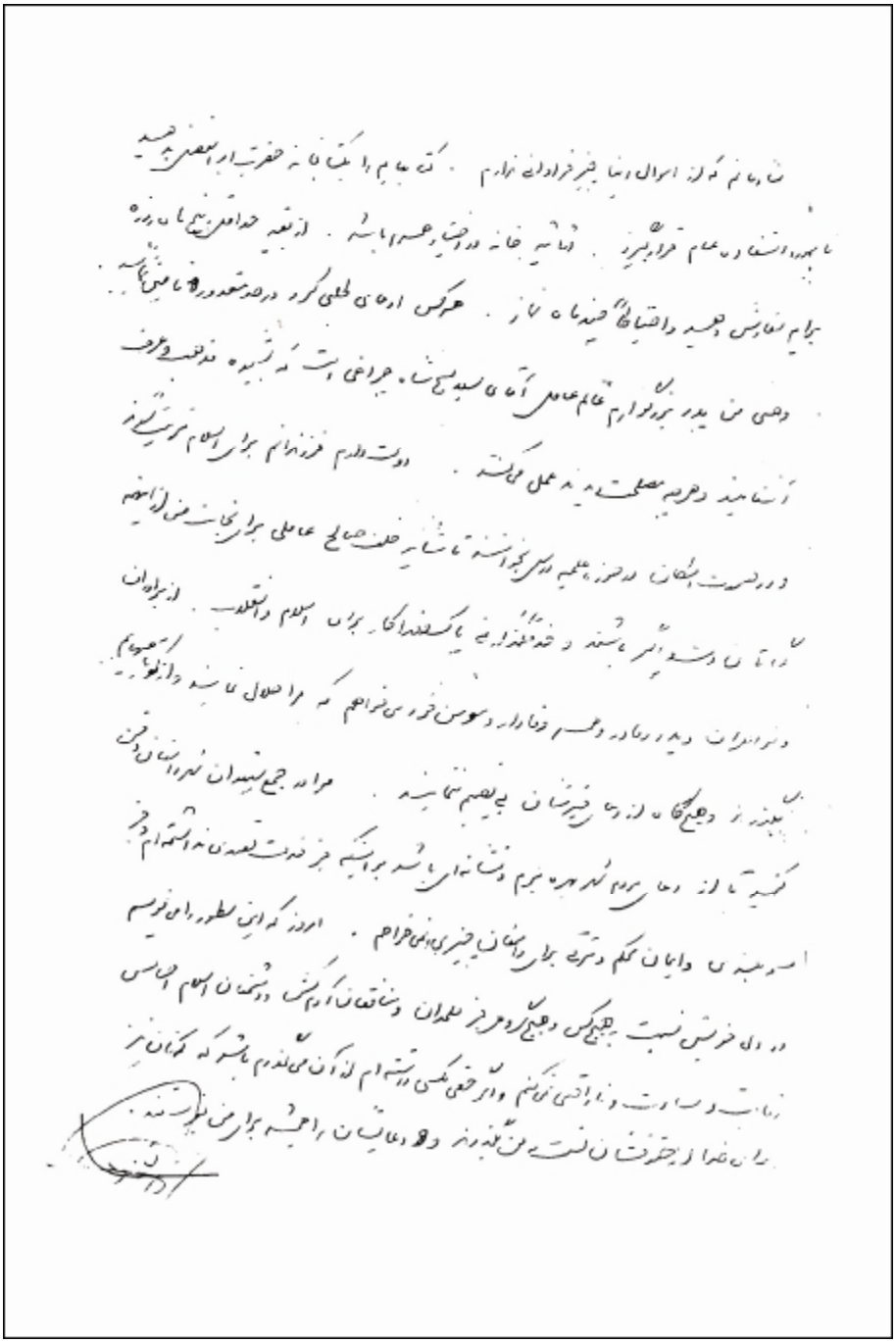
بسم الله الرحمن الرحیم

وصیت‌نامه اول اسفند ۱۳۶۴

بنام سید حسن فرزند سید بیع ث ـ چراغی با آرزوی شهادت برای خویش و پیروزی ایران اسلام و انقلاب اسلامی بنا بر وظیفه الهی وصیت‌نامه خود را مختصر می‌نگارم.

با اعتقاد راسخ به ربوبیت خداوند و حقانیت معاد و نبوت و خاتمیت و علیه الصلوة و فروع دین شریف اسلام خداوند را سپاس می‌گزارم که توفیق داد تا سربازی حقیر برای اسلام و جمهوری اسلامی باشم و بیرق کوچک برای جبهه حق علیه باطل ـ اسلامی امام خمینی و گامی از هزاران گام ایشان تعلیف نمایم امیدوارم که مورد پسند خداوند و رسول گرامی اسلام و گسترش مکتب جعفری برزم و رزمم و عمل خالصانه و خلق خدا قرار گیرد و از آنچه را که در راه خداوند انجام داده‌ام شرمسار و خجلت زده نباشم. مطمئنم با این فصل و حساب شده و شایسته‌تر خداوندا از تو می‌خواهم شهادت نصیبم کن تا شاید بتوانم خدایا و شهادت می‌باشم.

و فصل پر برکت شهیدان و شهدای روح آنان عفو بهرام کرده و یا از بدرقه خالصانه هزاران مسلمان که در تشییع شهیدان شرکت کرده و آثار پر برکتی که این خونها دارد و از دعای خیر همه من باشد و ثواب شهدای [illegible] این روح الکوت این جان داده‌ای هم عاید من باشد و ثواب [illegible] این روح الکوت این جان داشته گردد. پروردگارا مرا و خانواده‌ام و دوستانم را با شهادت من سرافراز فرما.





نام: **محمدرضا**
نام خانوادگی: **شاه‌حسینی**
نام پدر: **حسن**
نام مادر: **طیبه**
تاریخ تولد: **بیستم مهر** 1341
محل تولد: **شهرستان شاهرود**
تحصیلات: **پایان دوره کاردانی**
ارگان اعزام‌کننده: **بسیج**
تاریخ شهادت: **بیست‌و پنجم بهمن** 1363
محل شهادت: **شرق رود دجله عراق**
نحوهٔ شهادت: -
مزار: **گلزار شهدای زادگاهش**

عبارت‌های کلیدی

- راضی هستم که اسلام دین من است.
- افتخار می‌کنم که در حکومت و ولایت خداوند هستم.
- سپاسگزارم که خداوند به من توفیق داده است که در جبهه شرکت کنم.
- به هوش باشید این چند روزه دنیا شما را نفریبد.
- رزمندگان اسلام را تنها نگذارید.
- به پیش که کربلا در انتظار شماست. به پیش که فتح نهایی نزدیک است.

محمدرضا شاه‌حسینی

بسم الله الرحمن الرحیم

«ان الله تبارک و تعالی نعم الرب و ان محمدا صلی‌الله علیه و آله نعم الرسول و ان امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب و اولاده الائمه الاحد عشر نعم الائمهٔ و ان ما جاء به محمد صلی‌الله علیه و اله حق و ان الموت حق و سؤال منکر و نکیر فی القبر حق والبعث حق و النشور حق و الصراط حق و المیزان حق و تطایر الکتب حق و الجنهٔ حق و النّار حق و ان الساعهٔ اتیهٌ لا ریب فیها وان الله یبعث من فی القبور»[1] «به راستی که خدای تبارک و تعالی خوب پروردگاری است و محمد(6) خوب رسولی است و امیرمؤمنان علی ابن ابیطالب و فرزندانش امامان یازده‌گانه خوب امامانی هستند و آنچه را محمد(6) آورده است حق است و مرگ حق است و سؤال نکیر و منکر در قبر حق است و برانگیخته شدن حق است و نشور حق است و صراط حق است و میزان حق است و پراکنده شدن نامه‌ها حق است و بهشت حق و دوزخ حق است و قیامت آمدنی است شکی در آن نیست و خدا برانگیزد هر که را در قبرها است.»

راضی هستم که اسلام دین من است و رسول‌الله پیغمبر(6) و علی و یازده فرزندش(7) امام و رهبرم، و افتخار می‌کنم که در حکومت و ولایت خداوند هستم و تحت رهبری ولایت فقیه و از اینکه خداوند به من توفیق داده است که در جبهه شرکت کنم سپاسگزارم.[2]

افتخار می‌کنم از اینکه در مکانی قرار گرفته‌ام که دوستان خدا یعنی شهدا قدم گذاشته‌اند. در مکانی که امام زمان(عج) گذر می‌کند و در مکانی که خون عزیزان اسلام بر آن ریخته شده است. «پروردگارا! به تو پناه می‌برم از آن روزی که نه مال سودبخش است و نه فرزند، مگر اینکه با قلبی پاک به‌سوی تو آمده باشم»[3] «**الدنیا دار ممرّ والاخرة دار مقر**»[4]

1- قسمتی از ذکر تلقین میت. کتاب باقیات الصالحات در حاشیه مفاتیح‌الجنان.

2- در اصل وصیت «سپاسگذارم».

3- اشاره به سورهٔ شعرا/ 86.

4- حدیث از امیرالمؤمنین(7): نهج‌البلاغه، کلمات قصار، 133.

«دنیا محل گذر است و آخرت محل [...][1] خداییم در این عالم و روزی از این دنیا خواهیم رفت دیر یا زود. ما نیامده‌ایم در این چند روز می‌خوریم و بخوابیم و بعد هم مانند حیوان بمیریم. پس ای انسان‌ها به هوش باشید، این چند روزهٔ دنیا شما را نفریبد و آخرت [...][2] دنیایتان نفروشید.

و اما ای ملت حزب‌الله! آیا تا به حال به جبهه آمده‌اید یا فرزندانتان را فرستاده‌اید؟ آیا دینداریتان را ثابت کرده‌اید؟ ای کسانی که آرزو می‌کردید کاش کربلا بودیم حسین(**7**) را یاری می‌کردیم، امروز حسینیان با یزیدیان در نبردند، بشتابید به‌سوی جبهه‌ها، رزمندگان اسلام را تنها نگذارید.

ای که گفتی یا حسین ای کاش بودم کربلا[3] این خمینی چون حسین و جبهه هست کربلا

بهر فتح کربلا پیش به‌سوی جبهه‌ها

ای امت حزب‌الله! ای شیعیان علی ولی‌الله! کاروان عاشقان به‌سوی الله در حرکت است. عزیزان شهادت طلب پیشاپیش این کاروانند، به پیش که از این کاروان عقب نمانید. به پیش که کربلا در انتظار شماست. به پیش که فتح نهایی نزدیک است.

و اما وصیتی به خانواده‌ام، پدر و مادرم و برادران و خواهرانم. می‌دانم که برای من زحمت کشیده‌اید و من توفیقی پیدا نکردم که حتی مقداری از آن را جبران کنم. از شما می‌خواهم که از من راضی باشید و حلالم کنید و اگر خواستید که برای من گریه کنید، به این نیت گریه کنید که شاید بندهٔ خوبی برای مولایم و معبودم نبودم، تا انشاءالله خداوند به‌خاطر شما هم که شده من روسیاه را ببخشد و اگر خواستید گریه کنید برای مظلومیت سیدالشهدا(**7**) گریه کنید، برای درد و رنج زینب کبری(**8**) گریه کنید، برای مظلومیت ائمه اطهار(**7**) گریه کنید.

از تمامی دوستان و آشنایان و برادران و خواهرانی که به هر نحوی بر گردن حقیر حقی داشته و دارند و بنده نسبت به آن کوتاهی کردم، تقاضای عفو و بخشش می‌کنم و آخرین

1- خوانا نیست.

2- خوانا نیست.

3- اشاره دارد به این عبارت از زیارت عاشورا «یا لیتنی کنت معکم فافوز فوزا عظیماً» مفاتیح‌الجنان.

سخنم اینکه امام عزیزمان همانند امام حسین(**7**) که فریاد «هل من ناصر»[1]اش را سر داد به ندایش لبیک گویید.

«والسلام»

برادرم عزیزم [...][2] وصیت‌نامه از قبل نوشته بودم و شاید خانه باشد و چون اینجا نبود آنچه به نظرم رسید نوشتم، شما [...][3] که صلاح اسلام و خدا است آن را اصلاح و یا کم و زیاد کنید «اجرکم عندالله» در ضمن 8 روز روزه بدهکارم زحمت آن را بکشید [...][4] کفاره به آن تعلق می‌گیرد آن را بدهید.

خدایا خدایا تا انقلاب مهدی خمینی را نگه‌دار

«والسلام»

محمدرضا شاه‌حسینی

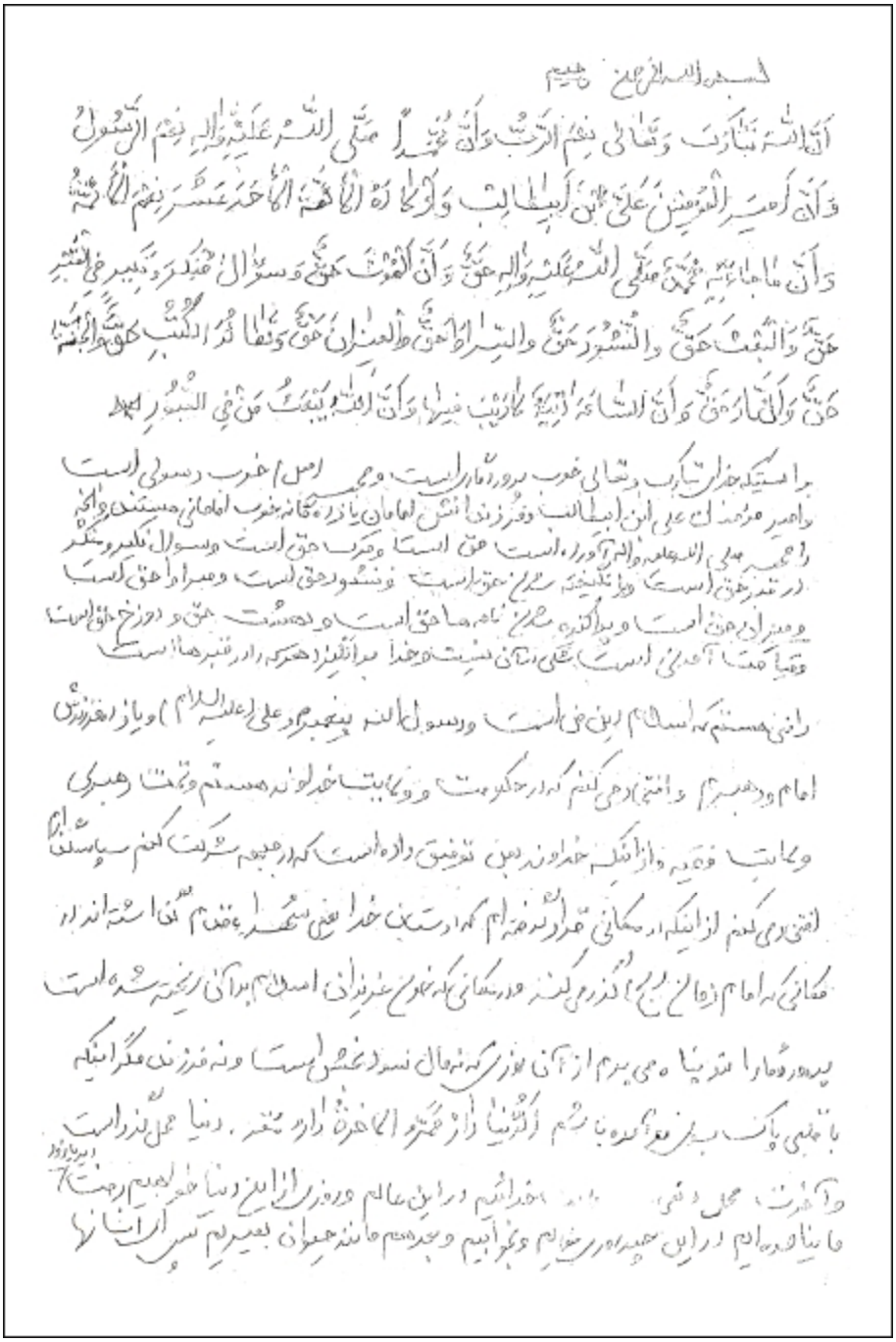
64/2/12

1- ر.ک. تعلیقات.

2- خوانا نیست.

3- خوانا نیست.

4- خوانا نیست.







نام: **حسن**
نام خانوادگی: **شاه‌حسینی**
نام پدر: **عبدالکریم**
نام مادر: **کلثوم**
تاریخ تولد: **یکم شهریور** 1342
محل تولد: **شهرستان شاهرود**
تحصیلات: **پایان دورهٔ ابتدایی**
ارگان اعزام‌کننده: **بسیج**
تاریخ شهادت: **نوزدهم تیر** 1364
محل شهادت: **پاسگاه زید عراق**
نحوهٔ شهادت: **اصابت ترکش**
مزار: **گلزار شهدای زادگاهش**

عبارت‌های کلیدی

- یک بار دیگر صدر اسلام زنده شد اما با شور و حالی بس بزرگ‌تر.
- ملت قهرمان! امروز تمامی اسلام با تمام کفر روبرو شده است.
- خدا نکند آن روز بیاید که ما بخواهیم عقب بنشینیم.
- باید ما هم به امام عزیزمان اقتدا کنیم که فرمود مرگ سرخ به از زندگی ننگین است.
- پشتیبان ولایت فقیه باشید و از جنگ حمایت کنید.
- امام را تنها نگذارید و همواره گوش به فرمان رهبر باشید.

حسن شاه‌حسینی

بسم‌الله الرحمن الرحیم

بسم الله القاصم الجبارین

درود فراوان به رهبر کبیر انقلاب امام خمینی و شهیدان راه حق و فضیلت و ملت قهرمان جمهوری اسلامی ایران. [این] وصیت‌نامهٔ حقیرتان حسن شاهینی فرزند علی‌اکبر ساکن روستای دزیان از توابع شهرستان شاهرود می‌باشد که اینک این بنده حقیر چند جمله‌ای به‌عنوان وصیت برای ملت شریف ایران می‌نویسم. البته من کوچک‌تر از این هستم [که] برای شما ملت شریف چیزی بنویسم. این را هم که می‌نویسم وظیفهٔ شرعی می‌دانم.

من خودم را به شما ملت معرفی کنم. من نوجوانی هستم که هنوز بیش از [...][1] سال از عمرم نمی‌گذرد و من از میان طبقهٔ محروم جامعه و از یک خانوادهٔ زحمت‌کش روستایی برخاسته‌ام. برای یاری رساندن به سربازان امام زمان(عج) و پاسداری از دین مقدس اسلام و نظام جمهوری اسلامی و دفاع از این مملکت به‌سوی جبهه‌ها عزیمت می‌نمایم. ملت قهرمان ایران یک جمله را یادتان نرود که دوران انقلاب شعار می‌دادیم با عنوان «تا انقلاب مهدی نهضت ادامه دارد- حتی اگر شب و روز بر ما گلوله بارد» می‌خواهم بگویم که باید به این شعار پایبند باشیم.

این جنگ هم یک امتحان الهی می‌باشد که خداوند متعال در سورهٔ عنکبوت آیهٔ دوم[2] می‌فرماید «**احسب الناس ان یترکوا ان یقولوا آمنّا و هم لایفتنون**» «خداوند متعال می‌فرماید «ای انسان‌ها به محض اینکه گفتید ما ایمان آورده‌ایم شما را رها می‌کنیم؟ خیر، شما را ما به عناوین مختلف امتحان می‌کنیم»، با جنگ‌ها و زلزله‌ها و طوفان‌ها و مرگ و میرها و ازبین بردن مزارعتان و باغ‌هایتان، بعضی موقع‌ها گرفتن فرزندانتان شما را امتحان می‌کنیم، ببینیم آیا راست می‌گویید یا اینکه همان لقلقهٔ زبان است.

1- خوانا نیست.

2- در اصل وصیت «اول».

ملت قهرمان الآن ما در چنین حالتی قرار داریم. مصداق این آیهٔ شریفه برای ملت ما صدق می‌کند. خداوند متعال می‌خواهد بگوید ای انسان‌ها! آن روز با آن جوش و خروش فریاد می‌زدید.

تا انقلاب مهدی نهضت ادامه دارد حتی اگر شب و روز بر ما گلوله بارد

این هم خواستهٔ آن روز شما هست، این گوی و این هم میدان. ببینیم آیا راست می‌گویید؟ ملت قهرمان نکند یک وقت ما در نزد خداوند متعال دروغگو شده باشیم. خداوند بگوید شما دروغگو هستید و عذابش را نازل کند. این جنگ مایهٔ عزت و شرف ما ملت مسلمان است. «همان‌طور که رهبران ما در راه عقیده و حق و فضیلت و اسلام عزیز به شهادت رسیدند».[1] شاید بپرسید که این رهبران چه کسانی هستند؟ دراینجا جواب می‌دهم رهبران ما امام حسین(7) و یاران باوفایش، [و] علی(7) در محراب عبادت که می‌بینیم امروز شیعیانش همچون مدنی[2]ها، دستغیب[3]ها و صدوقی[4]ها، اشرفی اصفهانی[5]ها، قاضی طباطبائی[6]ها در محراب عبادت به جدّ بزرگ [خود] علی(7) اقتدا کردند.

یک بار دیگر صدر اسلام زنده شد، اما با شور و حالی بس بزرگ‌تر و [با] نیرنگ‌های بسیار مرموز دشمنان اسلام روبرو هستیم. «ملت قهرمان! امروز تمامی اسلام با تمام کفر روبرو شده است».[7] اگر ما یک قدم عقب‌نشینی کنیم، باید فاتحهٔ اسلام را بخوانیم. خدا نکند آن روز بیاید که ما بخواهیم عقب بنشینیم، همان‌طور که رهبر ما امام حسین(7) فرمود «هیهات منّا الذله»[8] «من هرگز تن به زیر بار ذلت نمی‌دهم»، باید ما هم به امام عزیزمان اقتدا کنیم که فرمود مرگ سرخ به از زندگی ننگین است. مقصود از تمام این

1- عبارت شهید ترجمه‌ای است از این سخن حضرت امام حسین(7) «ان الحیاة عقیدة و جهاد» فرهنگ عاشورا، جواد محدثی.

2- ر.ک. تعلیقات.

3- ر.ک. تعلیقات.

4- ر.ک. تعلیقات.

5- ر.ک. تعلیقات.

6- ر.ک. تعلیقات.

7- امام خمینی، صحیفه نور، ج 18، ص 44.

8- امام حسین(7)، فرهنگ عاشورا، جواد محدثی، ص 504.

جملات، منظور این بود که پشتیبان ولایت فقیه باشید و از جنگ حمایت کنید. همچنان محکم و استوار در مقابل دشمنان اسلام بایستید واین خواهش را هم از شما ملت قهرمان دارم که امام را تنها نگذارید و همواره گوش به فرمان رهبر باشید.

در پایان از پدر و مادرم می‌خواهم که از من راضی باشند. از برادرانم و خواهرانم می‌خواهم که مرا عفو کنند و از تمام دوستان و خویشان می‌خواهم که اگر چنانچه از من اشتباهی سر زده است، مرا به بزرگی خودشان ببخشند. اگر چنانچه کسی از من طلبکاری دارد به پدرم رجوع کند و مقدار طلبش را بگیرد و اگر هم من طلبکار هستم باز هم به پدرم بدهد.

پدر عزیزم! برای من مقداری به‌عنوان ردّ مظالم بدهید، اگر چنانچه مال کسی را ضایع کرده باشم. پدر عزیز و مادر مهربانم! برای من گریه نکنید که دشمن شاد شود. اگر چنانچه هم خواستید گریه کنید بر مظلومیت شهید مظلوم بهشتی[1] گریه کنید که واقعاً مظلوم بود که آن دشمنان چه تهمت‌ها که نزدند، چه توهین‌ها که نکردند، بر این مصیبت‌ها گریه کنید نه بر شهادت من. چون من مردانه با دشمن جنگیده‌ام و شهید شده‌ام و اما آن عزیزان را مظلومانه شهید کردند.[2].

خدایا خدایا تا انقلاب مهدی خمینی را نگه‌دار.

«والسلام»

فرزند حقیر شما حسن شاهینی

64/10/26

حسن شاه‌حسینی

[وصیت‌نامه‌ای دیگر]

بسم‌الله الرحمن الرحیم

«فلیقاتل فی سبیل‌الله الذین یشرون الحیوة الدنیا بالاخرة **و من یقاتل فی سبیل‌الله فیقتل لا و یغلب فسوف نؤتیه اجرا عظیما»**[3]

1- ر.ک. تعلیقات.

2- در اصل وصیت «کردن».

3- نساء/ 74.

«مؤمنان باید در راه خدا با آنان که حیات[1] مادی دنیا را بر آخرت گزیدند جهاد کنند و هر کس در جهاد به راه خدا کشته شد یا فاتح گردید زود باشد که او را (در بهشت ابدی) اجری عظیم دهیم».

هم‌اکنون اینجانب حسن شاه‌حسینی سعادت آن را یافتم تا بتوانم به یاری خداوند در کنار برادران رزمنده در سنگر جهانی [کذا] برای پیکار با دشمنان اسلام [و] راه انسانیت[2] به نبرد بپردازم و دینی را که در قبال انقلاب اسلامی بر دوش داشته‌ام، بتوانم به نحو احسن ادا نمایم خدا گامی در راهی برداشته‌ام راهی که سرور شهیدان حسین بن علی(**7**) معلم بزرگ شهادت به ما آموخت که مشتاق آزادی از اسارت این دنیا[ی] زودگذر و پرواز در فضای لایتناهی انجام برای [...][3] لقاء دین باشم و در این راه با اسلحه شهادت زنجیرهای بندگی را گسیخته واسماعیل را در قربانگاه عشق الهی‌مان [...][4] تا به سعادت ابدی نایل آیم و ای کاش می‌توانستم صدبار به‌دست دشمن خدا کشته شوم و دوباره زنده می‌شدم تا با[5] دشمنان اسلام مبارزه کنم، تا دشمن کفار بدانند مسلمان واقعی کیست؟

خدایا اینک ما یاد تو و به منظور احیای دینم و تداوم انقلاب به جبهه می‌روم نه به‌خاطر انتقام یا نام و مقام.

پیام من به امت شهیدپرور و همیشه در صحنهاین هست که گوش به فرمان امام امت باشند تا هیچ‌گونه آسیبی به این مملکت امام زمان(عج) نرسد و ضربهٔ محکمی به دهن دشمنان دخلی کوردل بزنند که دیگر ابرقدرت‌ها دست‌های پلید و کثیف خود را به طرف این مملکت امام زمان(عج) دراز نکند و تا آخر قطرهٔ خون خود ایستادگی کنید واز امت شهیدپرور می‌خواهم که ادامه دهندهٔ راه این شهیدان گلگون کفن باشند و تا خون شهیدان پایمال نشود و پرچم اسلام در سراسر جهان [...][6] پیروز شود، به راستی که هر کس کلام

1- در اصل وصیت «حیوة».

2- در اصل وصیت «انسانی».

3- خوانا نیست.

4- خوانا نیست.

5- در اصل وصیت «به».

6- خوانا نیست.

خمینی این امام و ولی و این الگوی [...][1] نفس حافظین دین و مخالفین هوی و نمودار بزرگان و قهرمان مطیعان درگاه را شناخت کلام خدا را و اولی‌الامر و رسول را شناخته و به راستی که روح خدا را شناخته است.

پس ای ملت برخیز! چه نشستی! تا کی غفلت! لحظه‌ای تفکر کن، اندیشه‌هایت را بگستر، تعقل کن! به خودت، خود مجازیت نهیت کن! [...][2] منجلاب بیرون آی، تا به رود پرتلاطم و خروشان افتاده دهان‌های هر مسلمان پاک- از کودک زبان باز کرده تا بر مردان و زنان رخت بربسته- روح خداست. شناخت قبلی پیدا کن. تو انسانی، تو پاکی تو [با] فطرت همگونی با فطرت الله آفریده شده[ای].

و اینک پیام به خانواده‌ام:

پس از سلام و احوال‌پرسی این حقیر چند کلمه‌ای با شما صحبت[3] دارم و به ماردم سفارش می‌شود که این همه ناراحت نباشد و همان‌طور که بندگان مخلص خداوند به درگاهش چنین می‌گویند «الهی رضا به رضاک و رضا به قضائک و تسلیما لامرک»[4] راضی باشید به رضای خداوند، تسلیم باشید در مقابل امر خداوند از دادن قربانی به درگاه باریتعالی دریغ نورزید. به مال خود و فرزندانتان در راه خدا جهاد کنید. از قضا و قدر نهراسید در میدان جنگ در راه خدا[5] سستی نشان ندهید پابرجا و محکم باشید [...][6] استقامت در برابر مشکلات است و اگر بدون اجازهٔ شما به جبهه رفته[ام] می‌ترسیدم که عاطفهٔ پدر و مادری باعث شود تا کمی از ایمان شما نسبت به رفتن من متزلزل شود.

و برادرانم و خوهرانم تقاضا می‌شود اگر چنانچه از من بدی دیده‌اند مرا به بزرگی و خوبی خودشان مرا ببخشد و ای خانوادهٔ من برای من گریه نکنید و برای من ماتم نگیرید زیرا هر چه خواست خداوند باشد همان هست. و ای کاش این بدنمان تکه تکه شود تا هرچه زودتر روحمان پرواز کند پدر و مادر زیرا این راهی بود که خود انتخاب کردم و به

1- خوانا نیست.

2- خوانا نیست.

3- در اصل وصیت «صبحت».

4- از سخنان امام حسین(**7**) در هنگام شهادت است.

5- کلمه‌ای محو شده است. به سیاق سخن باید «خدا» باشد.

6- خوانا نیست.

سویش رفتم و سرانجام به آرزوی دیرینهٔ خود رسیدم که همان شهادت بود و هم‌اکنون در نزدیک معشوق- الله- هستیم.

و افراد خانواده! من مقدار 1 ماه روزه بدهکارم، این روزه من را بگیرید و کفارهٔ آن را نیز بدهید.

و در آخر از خداوند و امام زمان(عج) و نایب بر حق او می‌خواهیم که به آن‌سو و آن راه که به خود صلاح می‌دانند هدایتم کنند و در آخر، پروردگارا! امام همیشه بیدار و بنیانگذار انقلاب ایران را زا گزند حفظ بگردان.

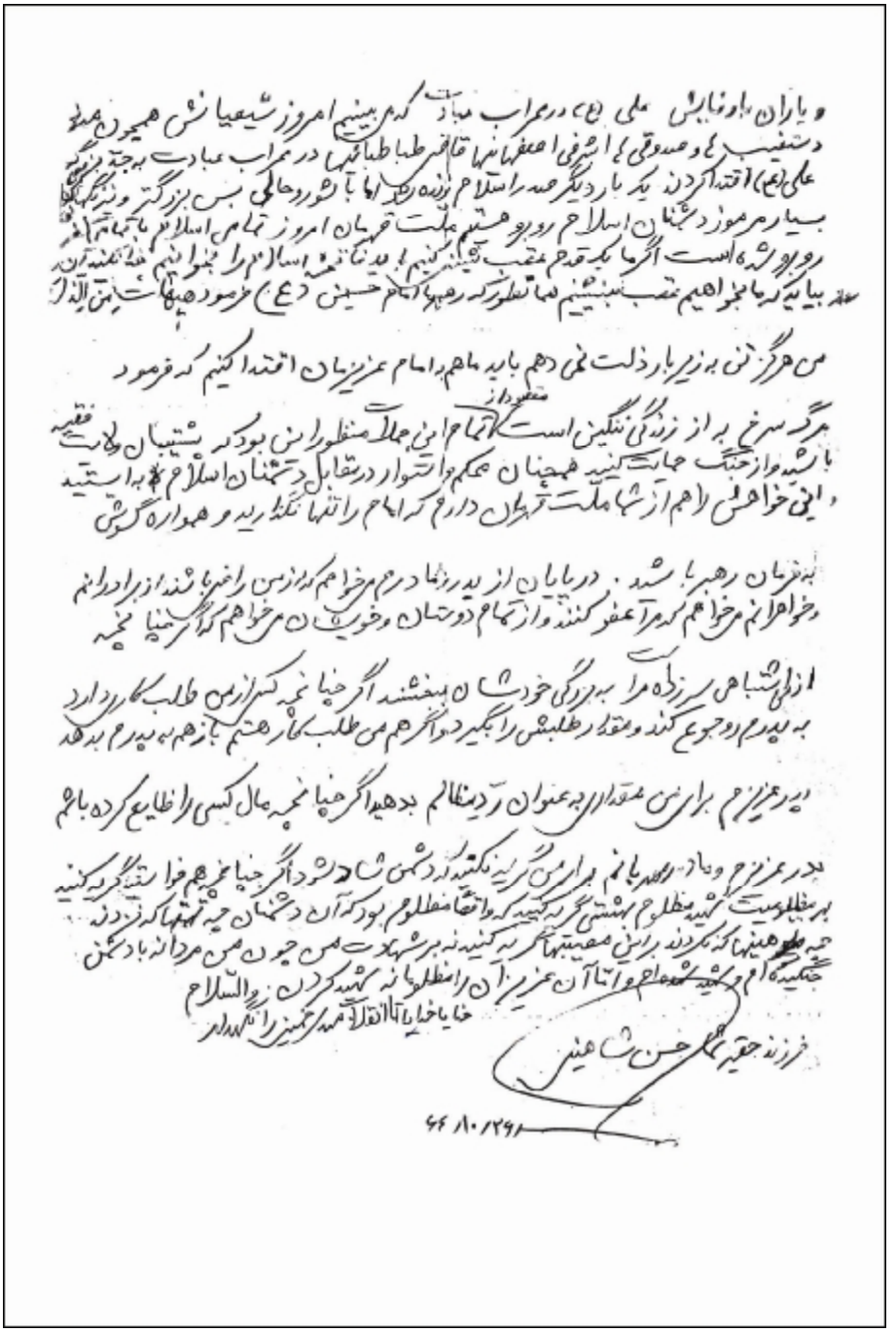
خدایا خدایا تا انقلاب مهدی(عج) خمینی را نگه‌دار.

«والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته»

حسن شاه‌حسینی

مورخه 61/3/14



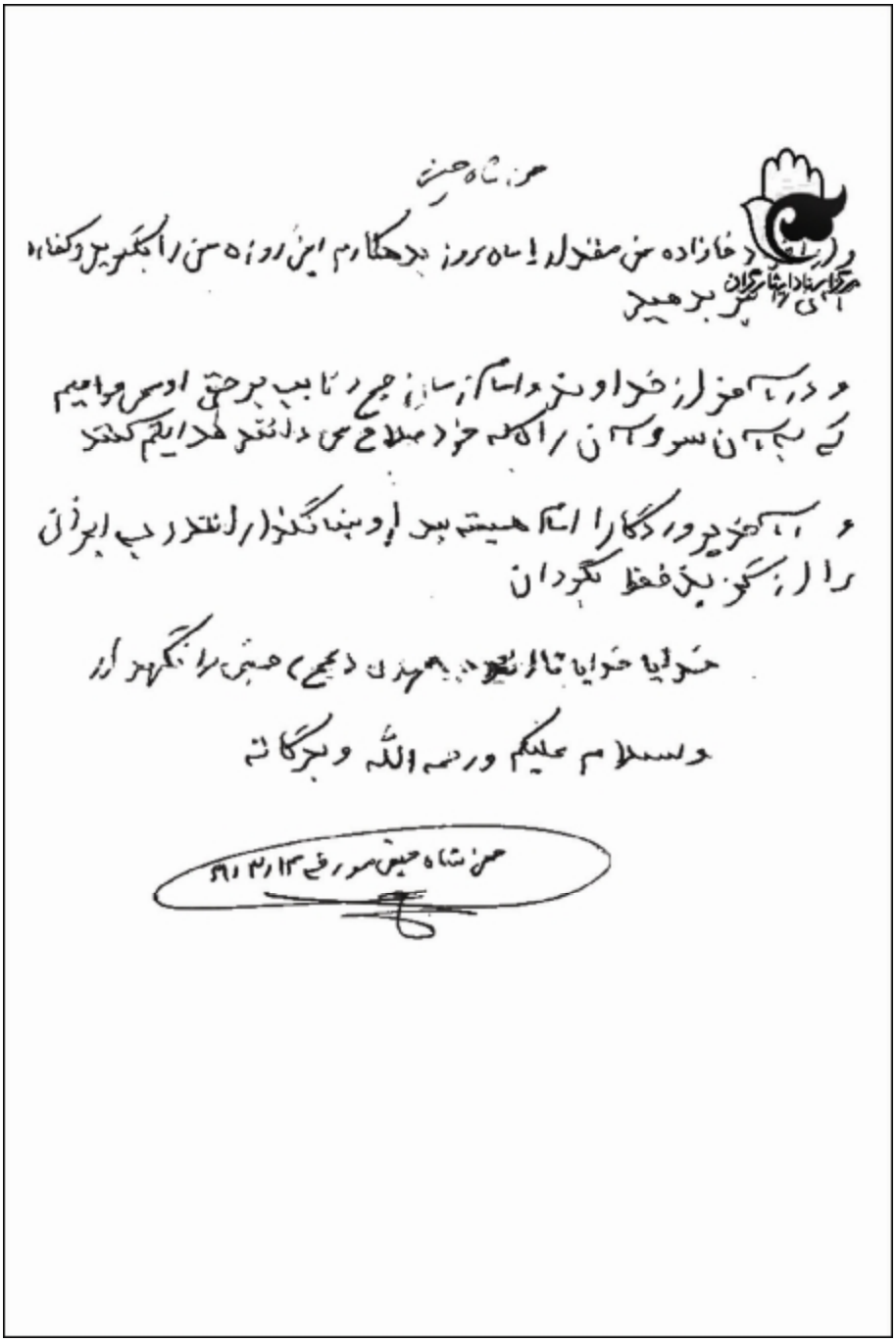














نام: **حسین**
نام خانوادگی: **شاه‌حسینی**
نام پدر: **ابراهیم**
نام مادر: **فاطمه نسا**
تاریخ تولد: **یکم اردیبهشت** 1351
محل تولد: **شهرستان شاهرود**
تحصیلات: **دوم راهنمایی**
ارگان اعزام‌کننده: **بسیج**
تاریخ شهادت: **بیست‌و هشتم دی** 1366
محل شهادت: **ماووت عراق**
نحوهٔ شهادت: **اصابت گلوله**
مزار: **گلزار شهدای زادگاهش**

عبارت‌های کلیدی

- مگر می‌شود به ندای خمینی که همان ندای جدش حسین(**7**) است که فرمود «هل من ناصر ینصرنی» لبیک نگویم.
- حق پیروز است و باطل سرنگون.
- ما می‌خواهیم دنیا را فدای آخرت کنیم و این‌گونه سعادتمند می‌شویم.
- شهادت من باید تو را و همین‌طور هم‌وطنان مرا محکم‌تر کند که می‌کند انشاءالله.
- به صدام آن نوکر آمریکا و شوروی و دیگر ابرقدرت‌ها بگو حزب‌الله می‌میرد، سازش نمی‌پذیرد.
- شما خود بهتر می‌دانی که حسین بن علی(**7**) با یزید جد صدام سازش نکرد.
- از امت حزب‌الله می‌خواهم که راه شهیدان را ادامه دهند.
- امام را تنها نگذارند.
- الان حسین زمان، روح‌الله، امام امت را تنها نگذارید که او نیز رهرو جدّش حسین(**7**) است.
- دست سازش دراز نکنید که خون شهدا نظاره‌گر شما می‌باشد.
- از این انقلاب اسلامی که خون‌بهای هزاران شهید و معلول است قدردانی کنید.
- از مردن باکی نیست و شهادت را نقطهٔ اوج سعادت انسان می‌دانیم.

حسین شاه‌حسینی

بسم‌الله الرحمن الرحیم

«و لا تحسبن الذین قتلوا فی سبیل الله امواتا بل احیاء عند ربهم یرزقون»[1]

به‌نام خداوند قادر و قهار جبار، عادل، بخشنده و مهربان و به‌نام حضرت محمد(6) خاتم پیامبران و به‌نام مهدی موعود امام زمان(عج) و به‌نام بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران وصیت‌نامهٔ خودم را شروع می‌کنم.

1- پدر جان! می‌دانم که شهادت من برای تو خیلی سنگین و ناگوار است ولی همین بس برای شما ارزشمند که پیش روی حسین(7) آن سالار شهیدان روسفیدی که به نظر من این بزرگترین سعادت است. پدر جان چاره‌ای نداشتم مگر می‌شود به ندای خمینی که همان ندای جدش حسین(7) است که فرمود «هل من ناصر ینصرنی»[2] لبیک نگویم، راستی که جواب فاطمهٔ زهرا(8) را چه می‌توانستم بدهم؟ شما باید افتخار کنی که توانستی امانتی را که خدا به‌دستت سپرده بود، همان‌گونه که رضایش بود، تحویل و تقدیم او نمایی. افتخار کن پدرم! چرا که مشت محکمی به دهان ضد خمینی‌ها است و هر چه آن مشت را محکم‌تر بزن و استوار باش، چرا که حق پیروز است و باطل سرنگون. این وعدهٔ الهی است و تغییرپذیر نیست و بدان و آگاه باش که به گفتهٔ علی(7) امام اول شیعیان، «دنیا برای مؤمنین جهنم و برای کافرین بهشت [است] و در آخرت بهشت برای مؤمنین و جهنم برای کافرین است،»[3] چرا که ما می‌خواهیم دنیا را فدای آخرت کنیم و این‌گونه سعادتمند می‌شویم.

پدر جان! هم‌چنان که بیشتر با ضد خداها مبارزه می‌کردی، شهادت من باید تو را و همین‌طور هم‌وطنان مرا محکم‌تر کند که می‌کند انشاءالله. و همیشه پیرو امام که خلاصه‌ای از روحانیت می‌باشد باشی و به حرف ضد روحانیون اصلاً توجهی نکنی، چرا که ایشان وسوسه می‌کنند و در واقع یاران شیطان هستند. و به امام بگو: ای امام عزیز! ای فرزند

1- آل‌عمران/ 169.

2- ر.ک. تعلیقات.

3- حضرت علی(ع)، غررالحکم، ذیل واژهٔ «دنیا».

پیغمبر! حسین که چیزی نبود، خود و خانواده‌ام را فدایت می‌کنم، یعنی فدای اسلام می‌کنم که این شعار تمام حزب‌الله است.

و به صدام آن نوکر آمریکا و شوروی و دیگر ابرقدرت‌ها بگو حزب‌الله می‌میرد، سازش نمی‌پذیرد. و شما خود بهتر می‌دانی که حسین بن علی(7) با یزید جد صدام سازش نکرد و در کربلای عراق درخت اسلام را آبیاری نمود و ما نیز در همان کربلا با فرزند ناخلف یزید مبارزه می‌کنیم و خون خود را فدای اسلام نمودیم و چه افتخار بزرگی! پدرم مرا ببخش برای اینکه نتوانستم حق فرزندی را به‌جا بیاورم، چرا که آن زمان آگاه نبودم و من شرمنده‌ات هستم. تو خیلی بزرگواری برای من، شکر خدا را کن که انشاءالله خداوند اجر شهید را به تو بدهد.

2- اما مادر مهربانم! تو را به صبر می‌طلبم هر چند که برایت مشکل می‌باشد، ولی همانند دیگر مادران مرا پیش علی‌اکبر[1](7) امام حسین(7) و دیگر شهیدان روسفید قرار ده. مادرم نمی‌گویم گریه نکن ولی پیش دوست، نه پیش دشمن. و دوست دارم در مجالس با قدرت تمام افتخار کنی و به دیگر مادران درس ایثار و از خود گذشتگی بدهی و خدا را شکر کنی که پیش زینب کبری(8) روسفیدی. مادرم من به تو خیلی بدهکارم از هر نظر که تصور شود. مادرم من نتوانستم حق فرزندی را به‌جا بیاورم. اگر مرا نبخشی چه باید بکنم؟ راستی مگر چاره‌ای هم می‌ماند؟

مادر عزیزم! درود بر شیر پاکت، راستی که ارزش تو از کشته شدن من بالاتر است. امیدوارم که مادری نمونه باشی و همیشه مطیع پدر باشی و دیگر فرزندانت را بهتر از من تحویل جامعه دهی که انشاءالله در این راه خطیر خود، موفق و پیروز باشی.

و شما ای برادران عزیزم! از شما می‌خواهم که رابطهٔ خود با خداوند متعال را هر چه می‌توانید محکم‌تر کنید و بعد از من رسالتی را به دوش بگیرید و با زبان و قلم و هر چه می‌توانید به این انقلاب اسلامی خدمت کنید و با تمام قدرت با ضدانقلاب‌ها و منافقین[2] و هر کس که می‌خواهد کوچک‌ترین خدشه‌ای به این انقلاب وارد سازد مبارزه کنید.

1- ر.ک. تعلیقات.

2- ر.ک. تعلیقات.

3- و اما خواهران عزیزم! اگر در طول زندگی با هم، من بداخلاقی با شما کردم به‌علت ناآگاه بودن، مرا ببخشید و ناراحتم از این مسئله که نتوانستم برادر خوبی برای شما باشم و حق برادری را به‌جای آورم و از شما می‌خواهم که همیشه این حرف مرا در گوش و در ذهن خود حفظ کنید و بسپارید و آن «حفظ حجاب است» که این مسئله از خون برادران در جامعه مؤثرتر است و من آرزوی سعادت برای شما دارم.

4- در آخر از امت حزب‌الله می‌خواهم که راه شهیدان را ادامه دهند و امام را تنها نگذارند، همان‌طور که وقتی طلبه‌ها روی منبر می‌گویند حسین(7) در صحرای کربلا با لب تشنه کشته شد و یار و یاوری نداشت، شما دست به سر و سینه می‌زنید و می‌گویید «ای کاش ما بودیم و یاریت می‌کردیم»[1]، الان حسین زمان، روح‌الله، امام امت را تنها نگذارید که او نیز رهرو جدّش حسین(7) است.

گر بنا باشد که ما آخر بمیریم نمی‌خواهیم که در بستر بمیریم

همه خواهیم که در سنگر بمیریم

ای امت حزب‌الله جنگ را ادامه دهید و دست سازش دراز نکنید که خون شهدا نظاره‌گر شما می‌باشد، از این انقلاب اسلامی که خون‌بهای هزاران شهید و معلول است قدردانی کنید. آنها که ضربه می‌زنند آنها که نق می‌زنند، آنها [که] هنوز آگاه نشد[ه]ند و خود را با انقلاب اسلامی هماهنگ نکرد[ه]ند، بدانند که خون شهدا آنهارا به زمین خواهد زد. توبه کنند و خود را بسازند. از شما می‌خواهم که هیچ‌گاه امام عزیز را تنها نگذارید و به سخنان گوهربار او گوش فرا دهید.

ما در دریا هستیم و قدر آب را نمی‌دانیم، آن مستضعف آفریقایی و افغانی و لبنانی می‌داند قدر این نعمت رهبری و انقلاب را، ای جوانان نکند در بستر بمیرید که حسین(7) سرور شهیدان در میدان جنگ شهید شد، ای جوانان مبادا در غفلت بمیرید که علی(7) در محراب عبادت به شهادت رسید. ای پدران و مادران از رفتن فرزندان خود به جبهه جلوگیری نکنید که فردای قیامت در مقابل زینب و خانوادهٔ شهدا جوابی ندارید. ما همه‌مان باید بمیریم و از این جهان به‌سوی جهان آخرت برویم که خداوند فرموده: «**انا لله**

1- ترجمه قسمتی یا فرازی از زیارت عاشورا است «فیالیتنی کنت معکم فافوز فوزاً عظیماً...» مفاتیح الجنان.

و انا الیه راجعون»[1] «ما از اوییم و به‌سوی او خواهیم رفت». چه خوب است که مرگمان در راه رضای خدا باشد، وقتی چنین است از مردن باکی نیست و شهادت را نقطهٔ اوج سعادت انسان می‌دانیم.

از شما می‌خواهم اگر بدی از من دیدید به بزرگی خودتان مرا مورد عفو قرار دهید.

ملتمس دعا

عبد عاصی، حسین شاه‌حسینی

1366/9/9

لالهٔ این چمن آغشته به رنگ است هنوز — سپر از دست مینداز که جنگ است هنوز[2]

ای آسود[ه] منشین [بر] لب ساحل، برخیز — که تو را کار به گرداب و نهنگ است هنوز

ما هدیه به دوست جز سر و تن نکنیم — در بستر ناز میل مردن نکنیم

ما پیرو مرتضای لشگر شکنیم — در معرکه‌ها پشت به دشمن نکنیم

محل دفن، میقان، کوچهٔ راست، گلزار شهدا.

1- بقره/ 156.

2- بیت اول رباعی از اقبال لاهوری است. در دوران جنگ با ردیف «هنوز» رباعیات بسیاری سروده شده است. آنچه شهید ذیل وصیت آورده از دو رباعی فراهم آمده است. بیت اول، این بیت از قیصر امین‌پور را تداعی می‌کند.

مصرع سوم باید چنین باشد: «ای که آسوده نشستی لب ساحل برخیز». در اصل وصیت سپر را «پسر» نوشته.



بسم الله الرحمن الرحیم «وصیتنامهٔ شهید حسین شاه‌حسینی»

ولا تحسبن الذین قتلوا فی سبیل الله امواتا بل احیاء عند ربهم یرزقون

با نام خداوند قادر و قهار جبار عادل بخشنده و مهربان، و با نام حضرت محمد (ص) خاتم پیامبران، و با نام مهدی موعود امام زمان (عج)، و با نام نیابتگذار جمهوری اسلامی ایران و رهبر نابهٔ خودم را شروع می‌کنم

پدر جان، می‌دانم که تنهایت من برای تو خیلی سنگین و آزاردهنده است ولی همین پس برای شما از همه کس بیشتر روی حسین آن سالار شهیدان روسفیدی که به نظر من این بزرگترین سعادت است. پدر جان چاره‌ای نداشتم مگر بیایم به ندای خمینی کبیر که همان ندای جدّم حسین (ع) است که فرمود هل من ناصر ینصرنی لبیک بگویم و راستی که جواب فاطمهٔ زهرا را چه می‌توانستم بدهم، شما امیدوار باشید که توانستم لبیک بگویم و آنگونه که حسین در تحویل و تسلیم اولیای افتخار کرد بودم من هم آنگونه به همان عهد خمینی ما هستم و به یاری آن نهضت را همگی بپردازیم، چرا که حق پیروز است و باطل سرنگون. این وعدهٔ الهی است و تغییر پذیر نیست و بدان و آگاه باش که بگفتهٔ علی امام اول شیعیان دنیا برای مؤمنین جهنم و برای کافرین بهشت و در آخرت بهشت برای مؤمنین و جهنم برای کافرین است، چرا که ما می‌خواهیم دنیا را خدای آخرت کنیم و آنگونه سعادتمند می‌شویم، پدر جان همین که بیشتر با خدا مبارزه می‌کنی شهادت من را بیشتر تو و همینطور خودمان را مصمم‌تر کند که می‌کند انشاءالله و هیچ پیرو امام که خدا بهره‌ای از روحانیت می‌باشد و به صرف عهد روحانیون اطلاق تو همی نامی چرا که اینان وسوسه می‌کنند و در واقع یاران شیطان هستند و به امام بگو: ای امام عزیز ای فرزند پیغمبر در حسین که چیزی نبود خود و خانواده‌ام را فدا نمود من نیز فدای اسلام می‌کنم که این شعار تمام شیعه است.



صفحه ۲

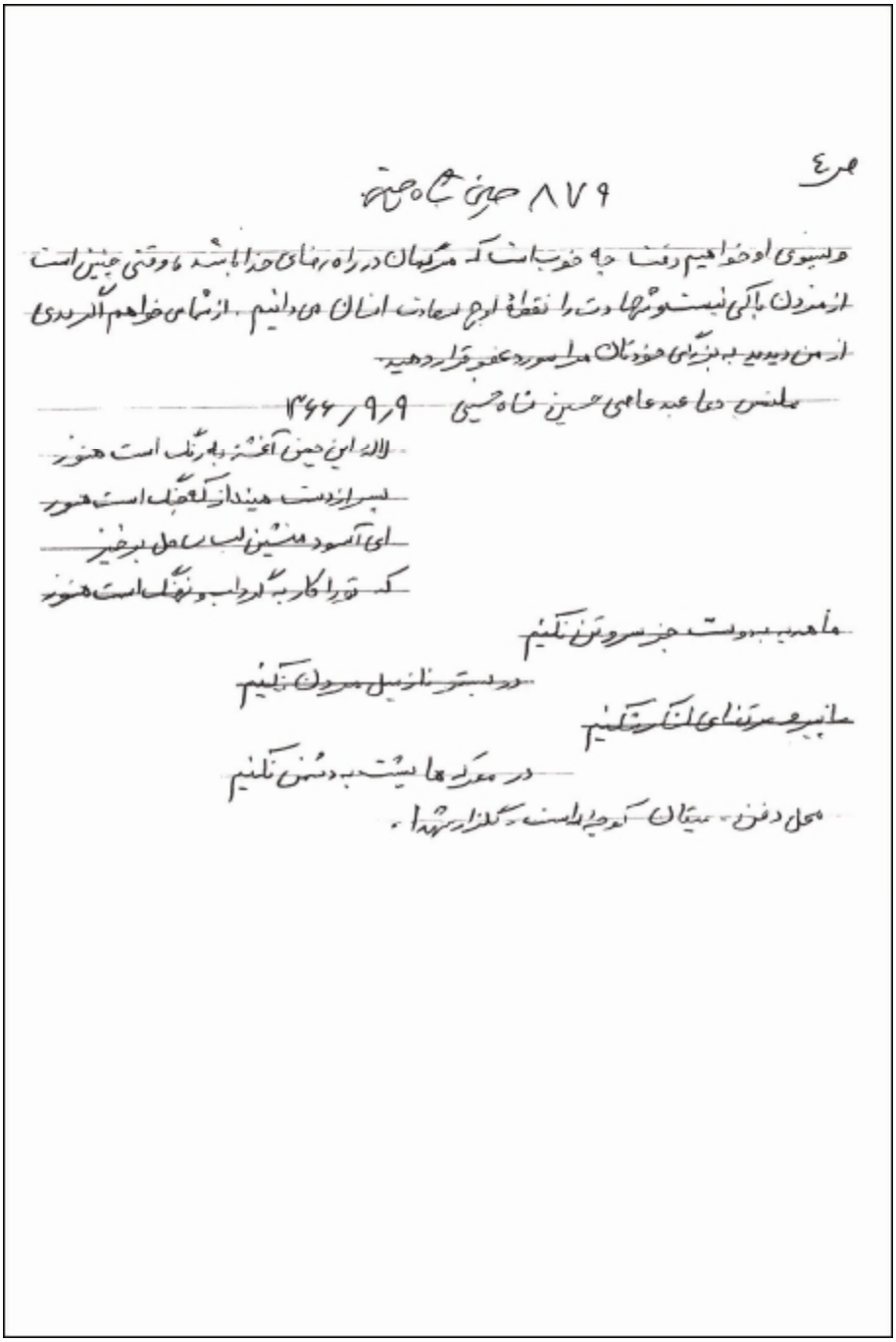
حسین شاه حسینی

و به همراه آن نوکر امریکا و شوروی و دیگر ابرقدرتها بگو خدا بیامرزد هیچ وقت از ما سازش نمی‌پذیرد، و شما خود بهتر می‌دانی که حسین بن علی با یزید چه عهد سازش نکرد و در کربلای عراق درخت اسلام را آبیاری نمود و ما نیز در جوان کربلا با فرزند نامخلف یزید مبارزه می‌کنیم و خون خود را فدای اسلام می‌نمودیم و چه افتخار بزرگی. پدرم مرا ببخش زیرا که نتوانستم حق فرزندی را ایفا بنمایم چرا که آن زمان آگاه نبودم و من شرمنده‌ات هستم تو خیلی بزرگواری برای من، شکر خدا را که ان‌شاءالله خداوند امر شهید را نصیبت خواهد کرد.

مادرم مهربانم تو را به صبر می‌طلبم هر چند که برایت مشکل می‌باشد ولی همانند دیگر مادران سرا پیش علی اکبر امام حسین و دیگر شهیدان روسفید قرار ده. مادرم نمی‌گویم گریه نکن ولی پیش دوست نه پیش دشمن، و دوست دارم در مجالس با قدرت تمام افتخار کنی و به دیگر مادران درس ایثار و از خودگذشتگی بدهی و به انتقام کسی که پیش زینب کبری (س) بوسیدی، مادرم من با تو خیلی بدحرف زدم تقدیر که تقدیر شود. مادرم من نتوانستم حق فرزندی را ایفا بنمایم اگر هم نشنیدی چه باید بکنم، راستی مگر چاره‌ای هم می‌ماند، مادر عزیزم در روز دیدار با آلت راستی که از رشد تو از گذشته‌ات من با اقتدارتر، امیدوارم که مادری نمونه باشی و همیشه مطیع پدر باشی و دیگر فرزندانت را بهتر از من تحویل بدهید و همگی ان‌شاءالله در این راه خطیر خود موفق و پیروز باشید.

و شما ای برادران عزیزم از شما می‌خواهم که رابطه خود با خدا و نماز را هر چه می‌توانید محکم‌تر کنید و بعد از من رسالتی را که بدوش بگیرید و یاران و علم و هر چه می‌توانید به این انقلاب اسلامی خدمت کنید و با تمام قدرت با همه افراد بهاء و منافقین و هر کس که می‌خواهد کوچکترین خدشه‌ای به این انقلاب وارد سازد مبارزه کنید.





ع

۸۷۹ حسین شاه حسینی

وصیتی او خواهیم رفت چه خوب است که مردمان در راه رضای خدا باشد و وقتی چنین است از مردن باکی نیست و شهادت را نقطهٔ اوج سعادت انسان می دانیم. از شما می خواهم آلبومی از من دیدید به بازماندگان من مورد عفو قرار دهید

وصیت نامه عبدعلی حسین شاه حسینی ۴۶۶/۹/۹

الا ای همین آغشته به رنگ است هنوز
بسر از دست مینداز که ننگ است هنوز
ای آسود همنشین لب ساحل برخیز
که تو را کار به گرداب و نهنگ است هنوز

ما عهد بسته ایم جز سرو تن نکنیم
در بستر ناز پهلو مرون نکنیم
ما پیرو سرمشق علی گشته ایم
در معرکه ها پشت به دشمن نکنیم

محل دفن: میدان کوچه باغ، گلزار شهدا.



نام: **علی‌اصغر**
نام خانوادگی: **شاه‌حسینی**
نام پدر: **شعبان**
نام مادر: **گلشاه**
تاریخ تولد: **پانزدهم آذر 1334**
محل تولد: **شهرستان شاهرود**
تحصیلات: **پایان دورهٔ ابتدایی**
ارگان اعزام‌کننده: **سپاه**
تاریخ شهادت: **بیست‌و هفتم دی 1360**
محل شهادت: **رودخانه نیسان**
نحوهٔ شهادت: **غرق شدن**
مزار: **گلزار پیکرش در همان منطقه برجا ماند**

عبارت‌های کلیدی

- همسرم امیدوارم یاسر (فرزندم) را در خط امام و روحانیت تربیت کنی.
- همسرم دخترم همانند سمیه که در صدر اسلام اولین زن شهید بود پرورش یابد.
- برادرم کاری نکنی که خدا از ما راضی نباشد.
- خدایا دیدگانمان را بینا و گوش‌هایمان را شنوا گردان تا فداکاری‌ها و از خود گذشتگی‌های شهیدان را برای اعتلای کلمهٔ حق و نابودی کفر ببینیم.

علی‌اصغر شاه‌حسینی

بسم‌الله الرحمن الرحیم

«انا لله و انا الیه راجعون»[1]

با درود فراوان به شهیدان از صدر اسلام تا به امروز و از امروز تا به قیامت.

چند جمله‌ای با برادران و خواهران عزیز صحبت دارم

سلام به رهبر کبیر انقلاب که با رهبری‌های پیامبرگونهٔ خود دنیا را به لرزه درآورده است. سلام به شما ملت مسلمان و انقلابی ایران که با حاضر بودن خود در صحنه همیشه پوزهٔ آمریکا را به زمین مالیده است.

چند جمله با مادر گرامی خود سخن دارم. مادر عزیز! سلام امیدوارم که سلام این فرزند ناقابل خود را بپذیری. مادر! من نتوانستم به تو خدمتی بکنم خدا انشاءالله اجر و پاداش به تو عنایت کند.

مادر! در مرگ من گریه نکن مبادا دشمن خوشحال بشود. اگر لیاقت داشته باشم به آنجایی که آرزو دارم خواهم رسید و یک مادر همیشه خوشبختی فرزند خود را می‌خواهد و خوشبختی من در این راه کسب می شود.

و اما تو ای همسر باوفای من و ای هم‌سنگر من! می‌دانم دوری من برای تو مشکل است ولی خداوند چنین می‌خواهد و تو با خواست خدا نمی‌توانی مخالف باشی. و اما یاسر [را] امیدوارم که چنان در راه اسلام و در خط امام و روحانیت او را تربیت کنی که حافظ دین اسلام باشد. و اما سمیه؛ او را نیز باید طوری تربیت کنی که همانند سمیه- که در صدر اسلام اولین زن شهید بود- پرورش یابد. من همهٔ شما را به خدا می‌سپارم و همیشه از خدا کمک بخواهید.

1- بقره/ 156. در اصل وصیت کلمهٔ راجعون «راجع» آمده است.

[وصیت‌نامه‌ای دیگر]

بسم‌الله الرحمن الرحیم

خدایا دیدگانمان را بینا و گوش‌هایمان را شنوا گردان تا فداکاری‌ها و از خود گذشتگی‌های شهیدان را برای اعتلای کلمهٔ حق و نابودی کفر ببینیم و پیام‌های تحرک آفرین و آگاهی‌بخش آنان را بشنویم و توفیق عنایت فرما تا با درک تعهد اسلامی و انسانی خویش، خود را در برابر خون‌های پاک آنان مسئول بدانیم. خدایا تو را به حرمت خون شهیدان به‌ویژه سیدالشهدا حسین(**7**) سوگند می‌دهیم که دشمنان این انقلاب و رهبر عظیم‌الشأن را در هر لباس و مقام و مکانی که هستند نیست و نابود [فرما] و رزمندگان اسلام را در کلیه جبهه‌ها از رحمت و نصرت خویش محروم مفرما (آمین)

اگر جسدی داشتم در میقان کوچهٔ محمد شهید دفن شود. مهریه[1] همسرم مقدار یکصد و ده هزار ریال معادل یازده هزار تومان است؛ داده شود. اگر قبول کند که بچه‌ها را بزرگ کند، از جانب خودم وکیل است که بچه‌ها را بزرگ کند و اگر خواست همسر دیگری اختیار کند، هیچ مانعی ندارد و یک حیاط در علی‌آباد گرگان دارم آن را بفروشید و مهریهٔ همسرم داده شود و به مقداری که بابت خرج کفن و خرجی خودم احتیاج است برداشته شود، الباقی بماند برای بچه‌ها. در ضمن مادرم عاجز است و یک [...][2] مبلغ یکهزار و پانصد تومان به او بدهکار هستم، داده شود. روبروی بازار سرپوش خیابان گرگان پشت بانک ملی یک حمام است توی آن کوچه. من یک دفعه حمام عمومی رفتم پول آن را نداده‌ام، داده شود. دیگر به لطف خدا بدهکاری ندارم، فقط به برادرم صفدر[3] بدهکار بودم که قرار[4] بود همسرم آن را بدهد و به عمو رمضان شاه‌حسینی هم مبلغ 85.000 ریال (هشتاد و پنج‌هزار ریال) بدهکار بودم، قرار شد آن را هم بدهد چون پول به او دادم [...][5] را بدهد. در ضمن ماشین را به آقای فیروزی فروختم، چون وقت نداشتم سند آن را

1- در اصل وصیت «مهری».

2- خوانا نیست.

3- در اصل وصیت «صفتر».

4- در اصل وصیت «قرارم».

5- خوانا نیست.

نتوانستم انتقال بدهم پول هم گرفته‌ام. بابت انتقال سند آن اقدام کنید. عوارض و پول محضر و مالیات آن را هم داده‌ام و خرج آن با [...][1] [...][2] است مبلغ پنج تا هشت هزار تومان بابت خودم خرج شود مانعی ندارد.

چند جمله با برادرم صفدر:[3]

برادر جان! من خیلی با تو بد کردم، کوچکتر از آن بودم که قدر تو را بدانم. می‌دانم از من ناراحتی ولی آن‌طور که تو دربارهٔ من فکر می‌کردی من نبودم و الان از مرگ من مبادا ناراحت شوی و خدای نخواسته کاری کنی که خدا از ما راضی نباشد.

برادر علی‌اکبر! خداوند تو را پاداش و اجر آخرت دهد. من نمی‌توانم جبران خوبی‌های تو را بکنم و نتوانستم؛ خدا پاداش آن زحمات را به تو بدهد.

همشیره جان شرف! تو یک فرزند داده‌ای و یک برادر، ولی زینب سلام‌الله علیه هر چه برادر و فرزند داشت، برای خدا داد. همان‌طور که همیشه به یاد خدا بودی حالا نیز از خدا کمک بخواه.

همشیره جان شرف تو نیز زجرها کشیده‌ای ولی دنیا همین است، انسان باید زجر بکشد خدا شما را صبر عطا کند، تا بتوانید از این بیشتر مقاوم باشید.

همسر عزیز اگر می‌توانی بچه‌ها را بزرگ کنی که خوب، اگر نتوانستی خداوند کمک می‌کند، کسی پیدا می‌شود که آنها را نگهدارد. اگر خواستی همسر اختیار کنی هیچ‌کس حق ندارد مزاحم تو بشود. دیگر چیزی ندارم که بنویسم. خدا نگهدار همگی شما باشد.

«والسلام[4] علیکم و رحمة الله و برکاته»

1360/9/19

علی‌اصغر شاه‌حسینی

1- خوانا نیست.

2- خوانا نیست.

3- در اصل وصیت «صفتر».

4- در اصل وصیت «وسلام».



بنام خدا إنا لله وإنا إليه راجعون وصیت نامهٔ علی اصغر شاه‌حسینی

با درود و خداوان به شهیدان از صدر اسلام تا به امروز و از امروز تا به قیامت

خیلی جلدای با برادران و خواهران عزیز صحبت دارم

مدام به رهبر کبیر انقلاب که با رهبری های پیامبر گونه خود دنیا را به لرزه در آورد است

مدام بر تمامیت مسلمان و انقلابی ایران که با حاضر بودن خود در صحنه همیشه پیروزه اند را به رهبری عالیه است

خیلی جلد با مادر گرامی خود سخن دارم مادر عزیز مدام امیدوارم که مدام این فرزند نا قابل خود را ببخشی ما در من نتوانستم به تو خدمتی بکنم خدا انشاالله اجر و پاداش به تو عنایت کند

مادر در رگ من گریه نکن و باد نکن مبادا دشمن خوشحال شود اگر ناراحت داشته باشم به اینجا نکه آرزو دارم خانم رسید و یک مادر همیشه خوشبختی فرزند خود می خواهد و خوشبختی در این راه کسب می شود و انشا تو ای همسر عزیز من و ای همنگر من مادام دوری برای تو مشکل است ولی خداوند چنین می خواهد و تو با خواست خدا نمی توانی مخالفت کنی و انشا یاس امید وارم که چنان در راه اسلام و در خط امام و رهبر حانیت او را تربیت کنی که حامی دین اسلام باشد و انشا سیه او را نیز با به طوری تربیت کنی که هاتم سیه گردد صدر اسلام او لین زن شهید بود پیرو رشی باید من همه شما به خدای سپارم و همیشه از خدا کمک بخواهید

خیلی جلد با برادر عزیز

برادر جان من خیلی با تو بد کردم که کمتر از آن بودم که تو را بدانم می دانم از این ناراحتی ولی آن طور که تو در باره من خیال می کردی من نبودم و امیدوارم از مرگ من مبادا ناراحت شوی و خدای خواسته کاری نکنی که خدا از ما راضی نباشد

برادر علی آخر خدا و نه تو را پاداش و اجر آخرت دهد من نمی توانم جبران خدمتهای تو را بکنم و نتوانستم خدا پاداش آن زحمات را بتو بدهد

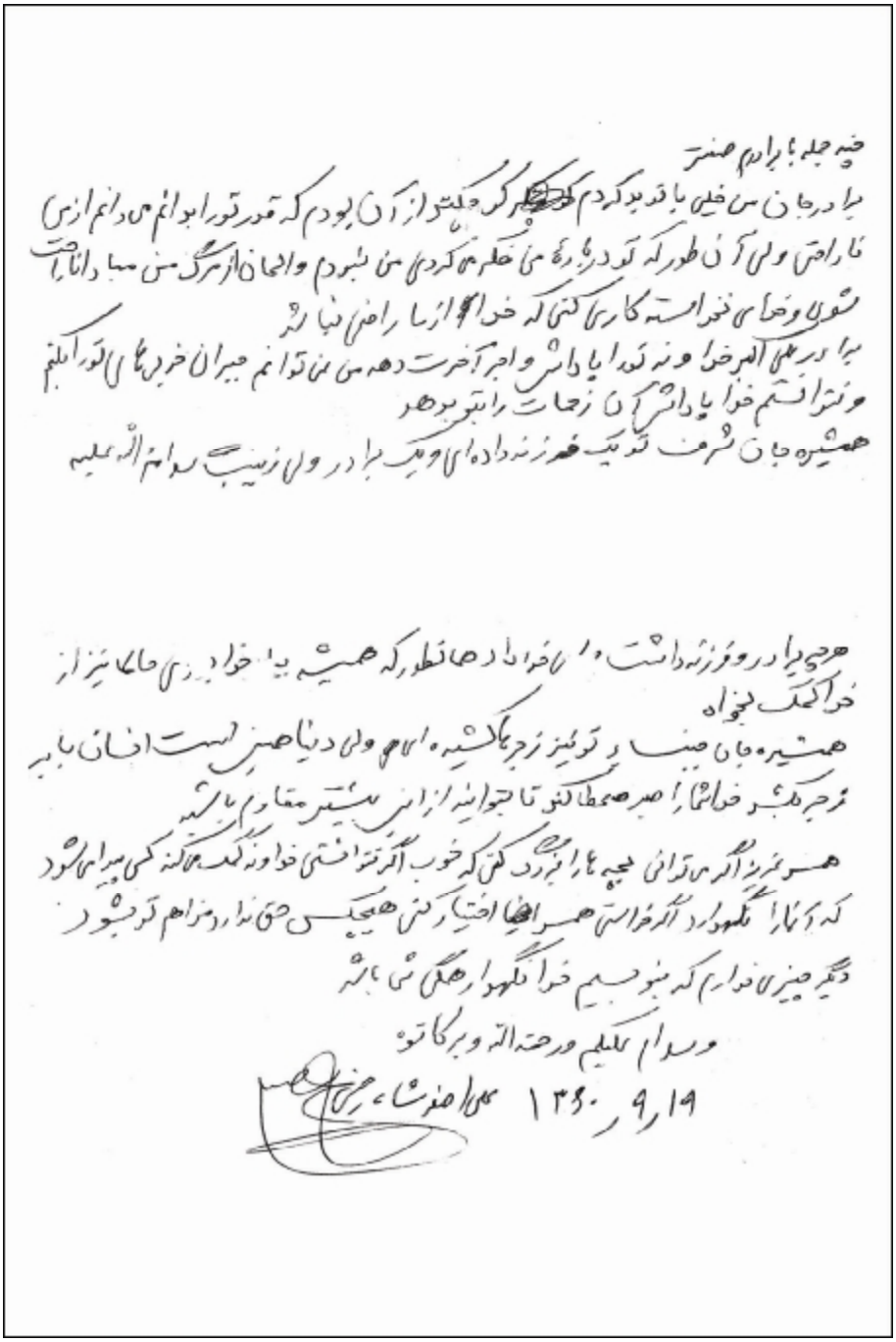


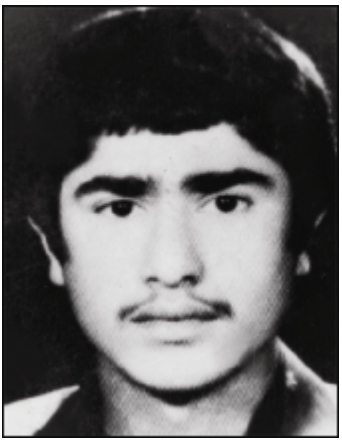
بنام خدا ① وصیت نامه

خدایا دیگر امان را بیاور گر شهایان را شنوا گردان تا خواهای ها و از خودگذشتگی های شهدا را برای امتداد کلمه حق و نابودی کفر ببینیم و پیام های قدسی آنها را در آگاهی بخش آنان را شنویم و قدرت عنایت فرما تا با درک تعهد اسلامی و انسانی خویش خود را در برابر خونهای پاک آنان مسئول بدانیم خدایا قدر این همت خون شهیدان بویژه سید الشهدای حسین (ع) گونه می دهیم که شما از انقلاب و رهبر عظیم الشان را در هر لباس و مقام و مکانی که هستند نیشه و نابود در رضوگان اسلام را از کلیه جبهه ها از رحمت و نصرت خویش همدوم منفرما (آمین)

اگر حسبی داشتم در میقان کوچه محله شهید دفن شود مهری صدوم متقدار یکصد و ده هزار ریال معادل یازده هزار تومان است داده شود اگر قبول کنند که جبهه ها را ترک کنند از جانب خودم و کسانی است که جبهه ها را ترک کنند و اگر خواست همدیگر را اختیار کنند هیچ مانعی ندارد و یک حیاط در سلی آباد گرگان دارم آن را بفروشند و مهریه ام صد داده شود و به مقداری که بابت خرج کفن و دفن خودم احتیاج است برداشته شود الباقی بجانه برادرانم در ضمن مادرم حاجت و یک حلقه انگشتر به انضمام یکهزار و پانصد تومان بدهکار هستم داده شود و روبروی بازار سرپوشیده خیابان ترکمان شرقی یک حمام است قدری آن کوچه می یک دفعه حمام محمدی رفتم پول آن را خواهرم داده شود

یک بلطف خدا بدهکار نباشم فقط به برادرم ضمتر بدهکار بودم که تمام بود صدوم آن را به همسر شهیدان هم مبلغ ۸۵۰۰ ریال هشتاد و پنج هزار ریال بدهکار بودم تمام شده آن را هم به همسر چون پول به او دادم نیاز به ذکر در ضمن ماشین را به آقای فیروزی فروختم چون وقت نداشتم مسئله آن را انتقال بدهم پول آن گرفته ام بابت انتقال سند آن اقدام کنند مخارج پول محضر و مالیات آن را هم داده ام و خرج آن باید از پول بیاید مبلغ پنج تا هشت هزار تومان بابت خودم خرجی ندارم باقی دیشت صفحه





نام: **مجید**
نام خانوادگی: **شاهرودی**
نام پدر: **حبیب‌الله**
نام مادر: **وجیهه**
تاریخ تولد: **نهم اردیبهشت** 1339
محل تولد: **شهرستان گنبدکاوس**
تحصیلات: **دیپلم**
ارگان اعزام‌کننده: **ارتش**
تاریخ شهادت: **پنجم مهر** 1360
محل شهادت: **آبادان**
نحوهٔ شهادت: **اصابت گلوله**
مزار: **گلزار شهدای شهرستان شاهرود**

عبارت‌های کلیدی

- بر همهٔ ماست که پیام خون شهیدان را به همه برسانیم و به دنیا صادر کنیم. این میسر نیست مگر اینکه همیشه گوش به فرمان نایب امام زمان و ولی فقیه در زمین باشیم.
- باید پشتیبان امام امت، خمینی بت‌شکن، بود.
- خداوند توفیق شناخت اسلام و قرآن و عمل به دستورات قرآن به ما عطا کند.
- تنها به یاد اباعبدالله و خاندانش باشید که هر چه داریم از این خانواده است.
- اگر از فلسفهٔ مرگ مطلع باشیم، برای کسی که از دنیا می‌رود، به آن صورت ناراحت نمی‌شویم.
- مرگ حیات دوباره است، مخصوصاً شهادت
- ما امانتی از خدا در نزد شما بودیم.

مجید شاهرودی

بسم‌الله الرحمن الرحیم

شکر ایزد منان را که ما را به سلامت داشت تا دوباره به جنگ با مزدوران صدام بیایم، تا بتوانم دینم را نسبت به اسلام و ملت و مملکت اسلامیمان ادا کنم. درود بر ملت قهرمان که در پشت جبهه به یاد فرزندانشان هستند و با ضد انقلاب در ستیزند. و با درود بر همهٔ شهیدان که با خون خود آزادی و جمهوری اسلامی را که طلیعهٔ حکومت مهدی(عج) است به ما هدیه کردند. و بر همهٔ ماست که پیام خونشان را به همه برسانیم و به دنیا صادر کنیم و تا حکومت عدل مهدی(عج) ادامه دهیم و این میسر نیست مگر اینکه همیشه گوش به فرمان نایب امام زمان و ولی فقیه در زمین باشیم. و در این زمان که بر همهٔ ما مشخص است، باید پشتیبان امام امت، خمینی بت‌شکن، بود و از همه می‌خواهم که گوش به حرف شخصیت‌ها ندهند، مگر اینکه حرف و عمل آنها مطابق رفتار امام باشد، چون امام برای ما یک شاخص اسلام است.

از همه می‌خواهم که به حرف‌های این رهبر به دقت گوش دهند و در عمل پیاده کنند. امیدوارم که خداوند توفیق شناخت اسلام و قرآن و عمل به دستورات قرآن به ما عطا کند.

به امید پیروزی اسلام و برقراری حکومت جهانی مهدی(عج)

60/3/20 **مطابق 7 شعبان** 1401

[وصیت‌نامه‌ای دیگر]

بسم‌الله الرحمن الرحیم

چیزی به آن صورت ندارم که سفارش کنم، ولی چند نکته هست که اگر به آن عمل شود بهتر است. یک[1] مقدار کتابی که دارم می‌توانید مطالعه کنید و به بچه‌ها بدهید که برای کتابخانه یا هر جا که لازم می‌دانند استفاده کنند. به این خاطر که از این دنیا می‌روم، هیچ

1- در اصل وصیت «یه».

*. بالای وصیت ابیاتی را نوشته که مصرع اول کلاً افتاده و مصرع سوم و چهارم هم افتادگی دارد.

- در مقدم انقلاب سر باید داد

... به شوهرش گفت شهید ... در این راه پسر باید داد

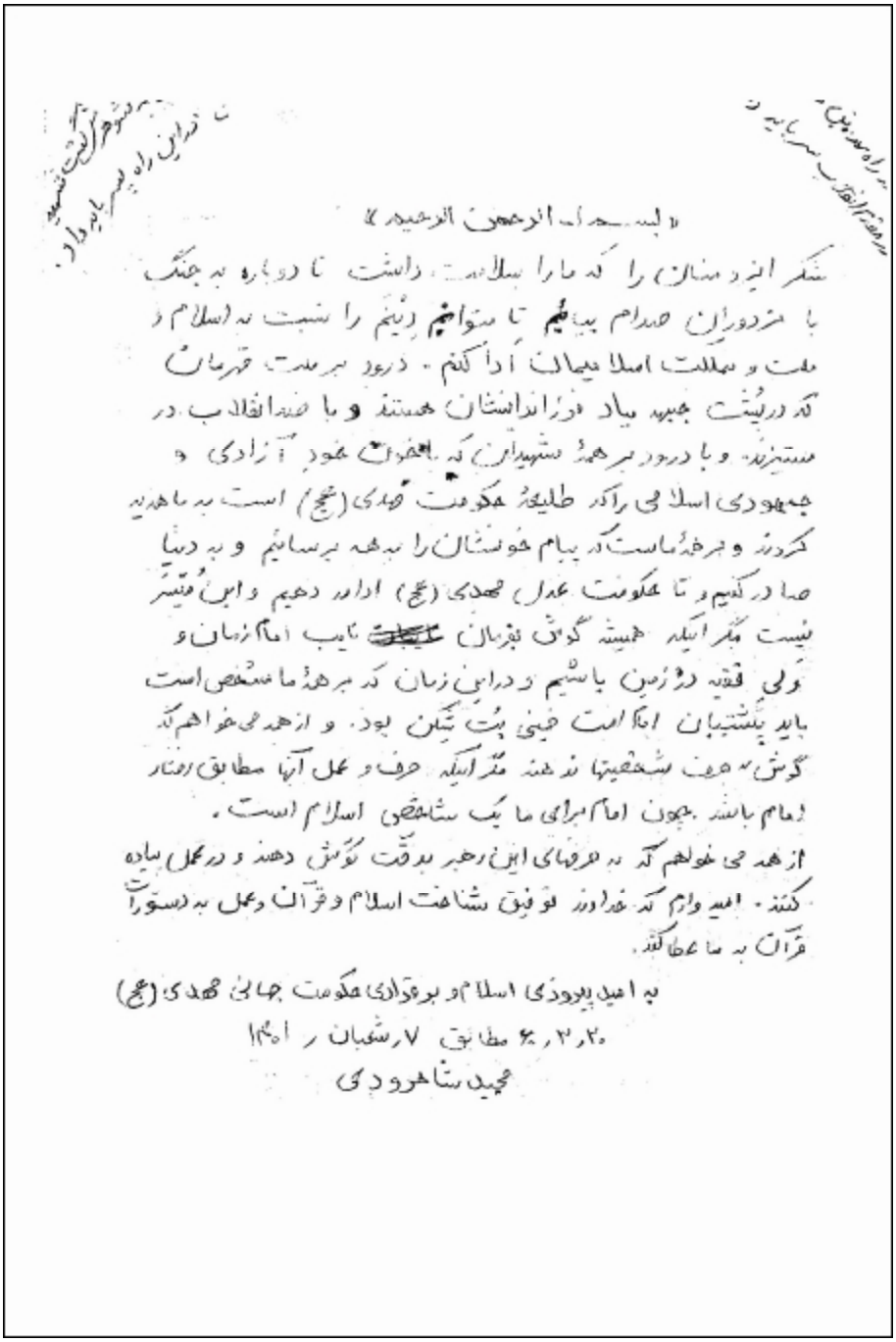
ناراحت نباشید و هرگز اشکی نریزید، شاید که از اجر عمل ما کم شود و تنها به یاد اباعبدالله و خاندانش باشید که هر چه داریم از این خانواده است. در مجلسی که به یادم می‌گیرید قرآنِ بامعنی تلاوت کنید و در صورت امکان سخنرانی دعوت کنید تا مردم استفاده کنند.

ماه رمضانِ امسال موفق به گرفتن روزه نشدم. روزه‌های قرض را برایم بگیرید، انشاءالله که مورد قبولِ خداوند قرار گیرد. «علی جان» قرآنم را بگیر و از آن قسمتی را که مانده است بخوان. انشاءالله که توفیق شناخت و عمل به قرآن را پیدا کنی و دوربینم را بگیر. امیدوارم که از این هنر در راه خدا و برای خدمت به مردم استفاده کنی. مقداری پول است که برای آمدن جبهه به ما داده‌اند، آنها را در راه خدا به مصرف خیر برسانید و در همه‌جا این را بگویید که مجید در هیچ دسته و گروهی نبود، او فقط «حزب‌اللهی» بود. همه را از قول من سلام برسانید.

«والسلام علی من اتبع الهدی»

مجید

اگر از فلسفهٔ مرگ مطلع باشیم، برای کسی که از دنیا می‌رود، به آن صورت ناراحت نمی‌شویم (چون مرگ حیات دوباره است، مخصوصاً شهادت). در صورت امکان می‌توانید از کتاب زندگی جاوید یا حیات اخروی از استاد شهید استفاده کنید. در ثانی ما امانتی از خدا در نزد شما بودیم.



«بسم الله الرحمن الرحیم»

شکر ایزد منان را که ما را سلامت داشت تا دوباره به جنگ با مزدوران صدام بیائیم تا بتوانیم دینم را نسبت به اسلام و ملت و مملکت اسلامیان ادا کنم. درود بر ملت قهرمان که در پشت جبهه یاد فرزندانشان هستند و با ضدانقلاب در ستیزند. و با درود بر همهٔ شهیدان که بخون خود آزادی و جمهوری اسلامی را کاشتند طلیعهٔ حکومت مهدی (عج) است به یاد دارید که گفتیم ما هستیم که پیام خونشان را به همه برسانیم و به دنیا صادر کنیم و تا حکومت عدل مهدی (عج) ادامه دهیم و این میسّر نیست مگر اینکه همیشه گوش بفرمان نایب امام زمان و ولی فقیه در این زمان که بر همهٔ ما مشخص است باید پشتیبان امامت امت خمینی بت شکن بود. و از همه می‌خواهم که گوش به حرف شخصیتها ندهند مگر اینکه حرف و عمل آنها مطابق رفتار امام باشد. چون امام برای ما یک شاخص اسلام است.

از همه می‌خواهم که به حرفهای این رهبر بدقت گوش دهند و در عمل پیاده کنند. امیدوارم که خداوند توفیق شناخت اسلام و قرآن و عمل به دستورات قرآن به ما عطا کند.

به امید پیروزی اسلام و برقراری حکومت جهانی مهدی (عج)

۲۰/۲/۶۴ مطابق ۷ شعبان ۱۴۰۵

مجید شاهرودی

چیزی بدان صورت ندارم که سفارش کنم ولی چند نکته هست که
اگر به آن عمل شود بهتر است. نیز مقدار کتابی که دارم می توانید
مطالعه کنید و به بچه‌ها بدهید که برای کتابخانه یا هرجا که لازم
می دانند استفاده کنند. به این خاطر که از این دنیا می روم هیچ
ناراحت نباشید و خونگو اشکی نریزید و تنها به یاد آبا عبدا...
و هماندانش باشید که هرچه داریم از این خانواده است.
در مجلسی که برایم می گیرید قرآن یا معنی تلاوت کنید و در صورت
امکان سخنرانی دعوت کنید تا مردم استفاده کنند.
ماه رمضان امسال موفق به گرفتن روزه نشدم. روزه های قرض را برایم بگیرید
انشاء... که مورد قبول خداوند قرار گیرد. «علی جان» قرآنم را بگیر و آن متنی
را که مانده است بخوان انشاء... که توفیق شناخت و عمل به قرآن را پیدا کنی
و (وریثم را بگیر. امید وارم که از این چیز در راه خدا و برای خدمت به مردم استفاده کنی *
مقداری پول که برای آمدن جنازه به مادرم داده اند آنها را در راه خدا به مصرف خیر برسانید
و در همه جا این را بگویید که مجید در هیچ دسته و گروهی نبود او فقط «حزب اللهی» بود
همه را از قول من سلام برسانید. «والسلام من اتبع الهدی» «مجید»

اگر از فلسفه مرگ مطلع باشم برای کسی که از دنیا می رود به آن صورت
(چون مرگ حیات دوباره است مخصوصا اگر شهید باشد)
ناراحت نمی شوم و در صورت امکان می توانید از کتاب زندگی جاوید یا
حیات اخروی از استاد شهید استفاده کنید. در ثانی ما امانتی از خدا در نزدمان بودیم



نام: **حسین**
نام خانوادگی: **شاهسوار**
نام پدر: **حسن**
نام مادر: **شهناز**
تاریخ تولد: **یکم خرداد** 1347
محل تولد: **شهرستان شاهرود**
تحصیلات: **اول متوسطه**
ارگان اعزام‌کننده: **بسیج**
تاریخ شهادت: **سی‌ام فروردین** 1364
محل شهادت: **مهران**
نحوهٔ شهادت: **اصابت گلوله**
مزار: **گلزار شهدای زادگاهش**

عبارت‌های کلیدی

- ای بندگان! خدا را عبادت کنید.
- متقی باشید و در برابر کسی جز خدا سر تسلیم فرود نیاورید.
- با دشمنان خدا دست دوستی دراز نکنید.
- دست به دامان قرآن کریم و عترت پیغمبر(صلوات الله علیهم اجمعین) دراز کنید.
- زندگیتان را طبق دستورات خدای بزرگ و آیات و روایات تنظیم کنید.
- سخنان این ذخیرهٔ خداوندی این پیر جماران را از جان و دل به گوش بخرید.
- از خدا بخواهید تا انقلاب مهدی(عج) امام عزیز را نگه‌دارد.
- مبادا لحظه‌ای امام را تنها بگذارید.
- مبادا لحظه‌ای از خط روحانیت مبارز دور شوید.
- از خواهرانم می‌خواهم که راه برادرشان را ادامه دهند و بکوشند تا باعث افتخار اسلام و مسلمین باشند.

حسین شاهسوار

بسم الله الرحمن الرحیم

«رضیت بالاسلام دیناً و بالقران کتاباً و بالکعبه قبلةً»[1]

اینجانب بندهٔ حقیر، حسین شاهسواری فرزند حسن، این چند کلمه را به‌عنوان وصیت بر این صفحه کاغذ می‌نویسم. از خدای بزرگ می‌خواهم این سفارش‌ها را بر دل بندگان خود مؤثر فرماید و این حقیر را مورد شفاعت و مغفرت قرار دهد. خدایا مرا مورد عفو خود قرار ده و تمام گناهانم را ببخش و مرگی باعزت به من عطا کن که این مرگ در راه خودت باشد و شهادت را نصیبم کن که آرزوی قلبی من است. ای بندگان! خدا را عبادت کنید و متقی باشید و در برابر کسی جز خدا سر تسلیم فرود نیاورید و با دشمنان خدا دست دوستی دراز نکنید. دست به دامان قرآن کریم و عترت پیغمبر(صلوات الله علیهم اجمعین) دراز کنید و زندگیتان را طبق دستورات خدای بزرگ و آیات و روایات تنظیم کنید.

ای ملت ایران و ای امت مستضعف و محروم! هم‌چنان که با اتحادتان شرق و غرب را ذلیل کرده‌اید به اتحادتان ادامه بدهید. زیرا قرآن می‌فرماید «**و اعتصموا**[2] **بحبل الله جمیعا و لا تفرقوا**»[3] سخنان این ذخیرهٔ خداوندی این پیر جماران را از جان و دل به گوش بخرید و عمل نمایید. پیام‌های روح‌بخش را در مغز بسپارید و بدان عمل کنید. هنگامی که خورشید جماران شروع به درخشیدن می‌کند، هزاران دست برای دعا به‌سوی آسمان می‌رود، شما هم همراه آنها دست‌هایتان را بالا ببرید و از خدا بخواهید تا انقلاب مهدی(عج) امام عزیز را نگه‌دارد. مبادا لحظه‌ای امام را تنها بگذارید مبادا لحظه‌ای از خط روحانیت مبارز دور شوید، [...][4] مبارز دور شوید. اگر می‌خواهید سعادتمند بشوید باید پیرو آن باشید و به همراه آنها قدم بردارید.

1- در ادامهٔ دعای عدلیه خواندن آن توصیه شده است (کلیات مفاتیح‌الجنان، ص161).

2- در اصل وصیت «واعتصمو».

3- آل‌عمران/ 103.

4- در اصل وصیت یک واژه ناخوانا است.

شما ای پدر و مادر گرامی! اصلاً ناراحت نباشید و اگر مقدور شد که فرزندتان را در راه خدا فدا کنید، باید افتخار کنید و بدانید که اجر و پاداشتان پیش خدای بزرگ محفوظ خواهد بود. مادر جان مرا ببخش و از اینکه نتوانستم فرزند خوبی برایتان باشد عذر می‌خواهم. امیدوارم که پیش فاطمه(**8**) روسفید باشید. و از خواهرانم می‌خواهم که راه برادرشان را ادامه دهند و بکوشند تا باعث افتخار اسلام و مسلمین باشند و از همه دوستان و آشنایان و اقوام و خویشان حلالیت می‌طلبم و از همه می‌خواهم که امام را تنها نگذارند و پیرو ایشان باشند. اگر شهادت نصیبم گشت، نمازم را حاج آقا طاهری بخواند و مرا در مزار شاهرود دفن کنید.

بیـــا ای دل از اینجـــا پـــر بگیـــریم ره کاشـــــانهٔ دیگـــــر بگیـــــریم
بیـــا گمگـــشته دیـــرین خـــود را ســـراغ از لالـــه دیگـــر بگیـــریم

«والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته»

حسین شاهسواری

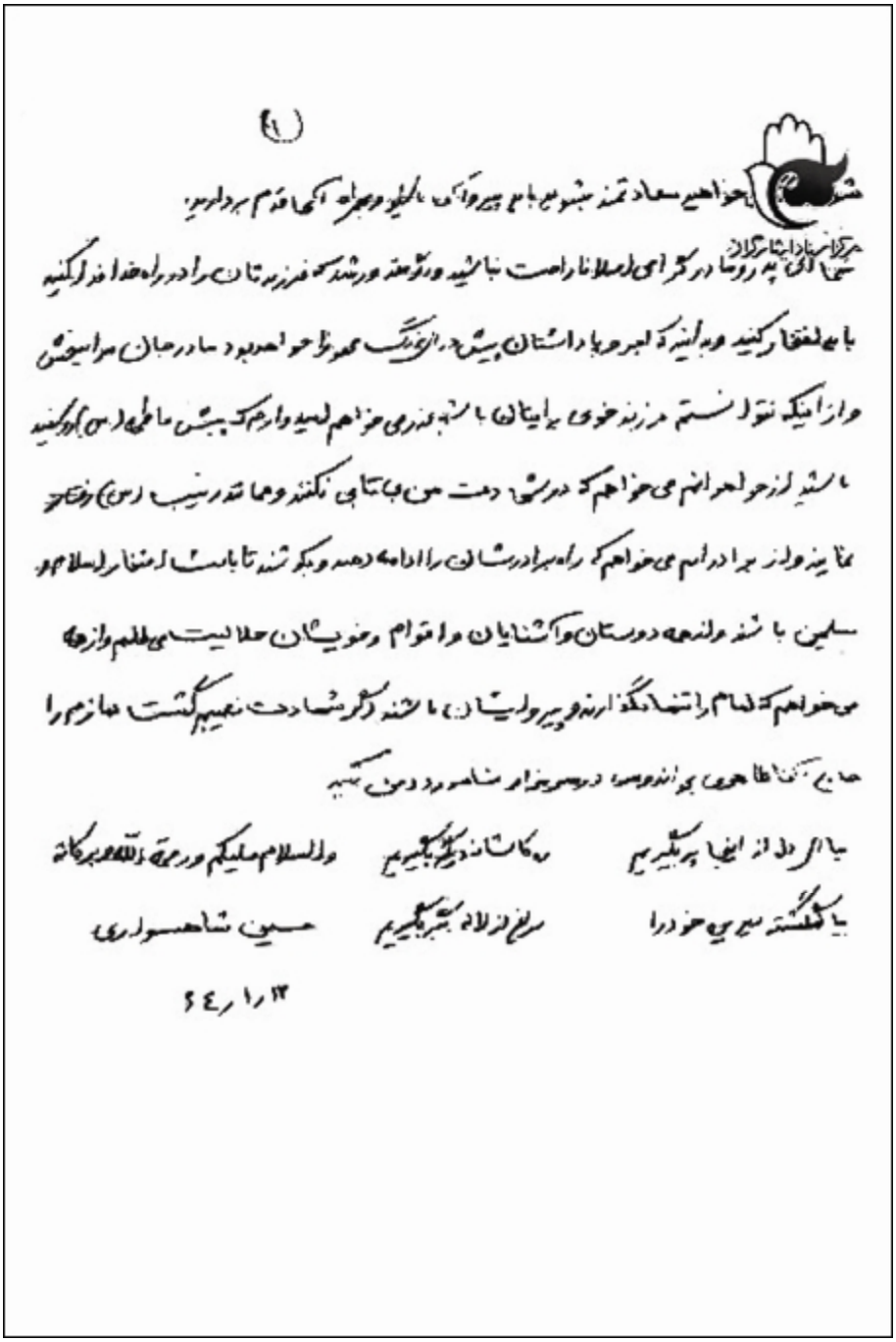
64/1/12

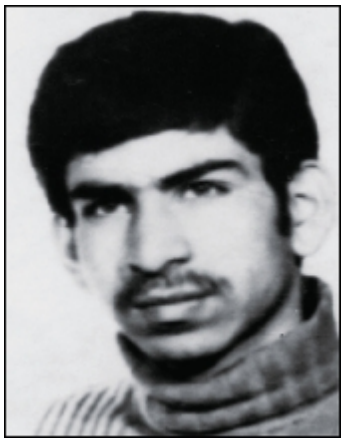


(۱)

بسم الله الرحمن الرحیم

مرکز اسناد ایثارگران والا سلام دنیا و با القرآن کتابا و با کعبه قبله





نام: **رمضانعلی**
نام خانوادگی: **شاه‌محمدی**
نام پدر: **محمدعلی**
نام مادر: **مرضیه**
تاریخ تولد: **یکم خرداد** 1341
محل تولد: **شهرستان شاهرود**
تحصیلات: **پایان دورهٔ ابتدایی**
ارگان اعزام‌کننده: **ارتش**
تاریخ شهادت: **یازدهم فروردین** 1361
محل شهادت: **بندر ماهشهر**
نحوهٔ شهادت: **اصابت ترکش**
مزار: **گلزار شهدای زادگاهش**

عبارت‌های کلیدی

- از خدا هستیم و به‌سوی خدا باز خواهیم گشت.

رمضانعلی شاه‌محمدی

بسم الله الرحمن الرحیم

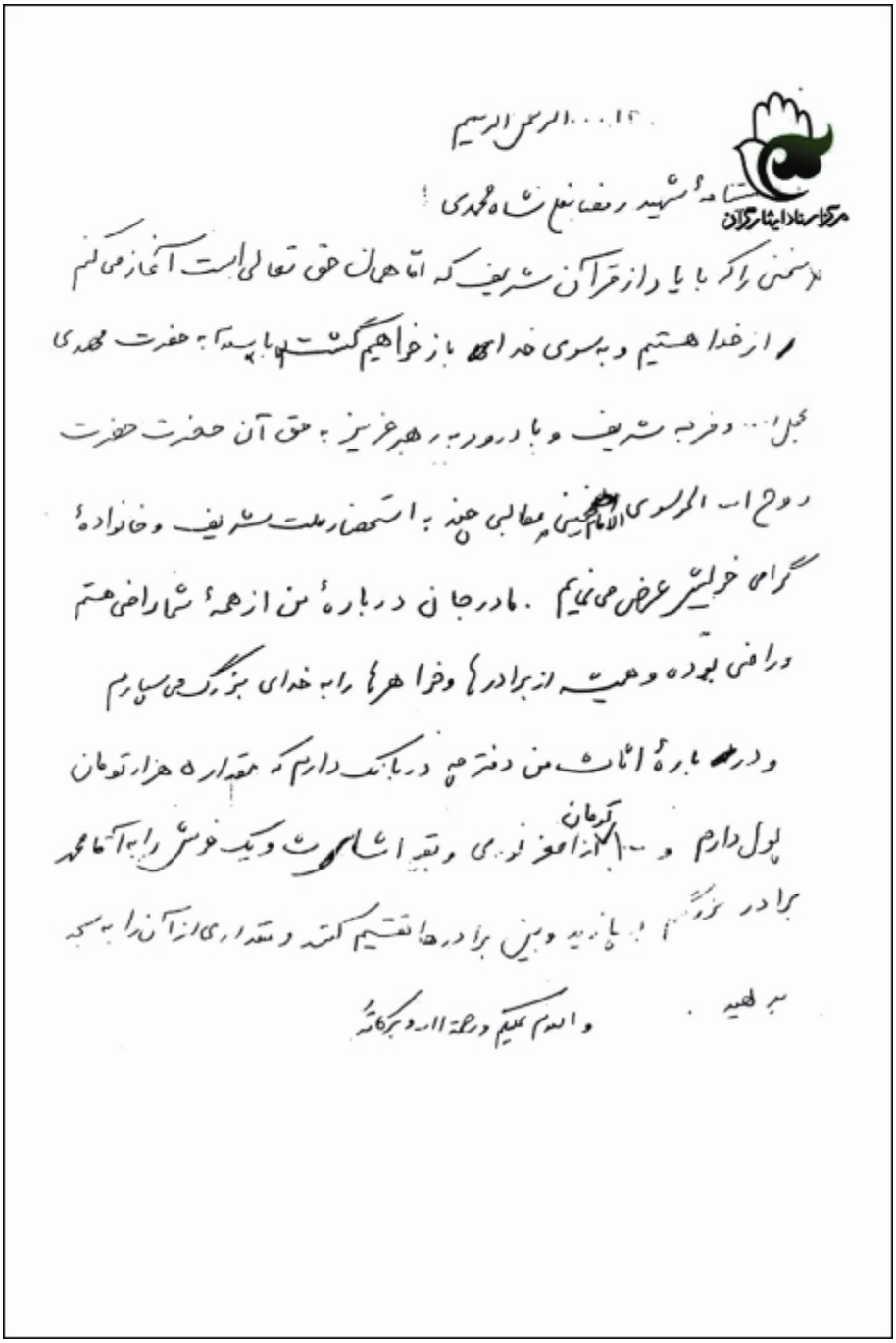
سخنی را که با یاد از قرآن شریف که [اما] همان حق تعالی است آغاز می‌کنم.
از خدا هستیم و به‌سوی خدا باز خواهیم گشت.[1]

با سلام به حضرت مهدی عجل‌الله فرجه الشریف و با درود به رهبر عزیز [نایب] به حق آن حضرت، حضرت روح‌الله الموسوی الامام خمینی، مطالبی چند به استحضار ملت شریف و خانوادهٔ گرامی خویش عرض می‌نمایم.

مادر جان! دربارهٔ من، از همهٔ شما راضی هستم و راضی بوده و همیشه [از] برادرها و خواهرها را به خدای بزرگ می‌سپارم و دربارهٔ اثاث، من دفترچه در بانک دارم که مقدار 5 هزار تومان پول دارم و 100 تومان از اصغر نوری و بقیه اثاث و یک فرش را به آقا محمد برادر بزرگم بسپارید و بین برادرها تقسیم کنند و مقداری از آن را به مسجد بدهید.

«والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته»
رمضانعلی شاه‌محمدی

1- ترجمه آیه 156 سورهٔ بقره: «انا لله و انا الیه راجعون».



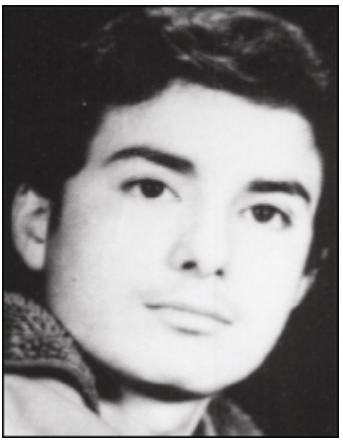
بسم الله الرحمن الرحیم

مرکز اسناد ایثارگران

وصیت‌نامه شهید رضا نعل شاه محمدی

اینجانب را که با یاد از قرآن شریف که آیات آن حق تعالی است آغاز می‌کنم و از خدا هستیم و به سوی خدا باز خواهیم گشت و با پیروی از حضرت محمدی صلی الله علیه و آله و درود بر روح پاک حضرت روح الله الموسوی الخمینی و مطالبی چند با استحضار ملت شریف و خانواده گرامی خویش عرض می‌نمایم. مادر جان درباره من از همه شما راضی هستم و رافی بوده و هستید از برادرها و خواهرها را به خدای بزرگ می‌سپارم و درباره اثاث من دفترچه در بانک دارم که مقدار ۵ هزار تومان پول دارم و ۱۰ هزار تومان آقای اصغر نوری و بقیه اثاثم و یک فرش را به آقا محمد برادر بزرگ بدهید و بین برادرها تقسیم کنند و مقداری از آن را به مسجد بدهید.

والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته



نام: **سیدتقی**
نام خانوادگی: **شاه‌مرتضی**
نام پدر: **سیدمهدی**
نام مادر: **رقیه**
تاریخ تولد: **هجدهم فروردین** 1343
محل تولد: **شهرستان دامغان**
تحصیلات: **پایان دورهٔ کاردانی**
ارگان اعزام‌کننده: **بسیج**
تاریخ شهادت: **بیست‌و سوم بهمن** 1363
محل شهادت: **مهران**
نحوهٔ شهادت: **اصابت گلوله**
مزار: **گلزار شهدای فردوس رضای زادگاهش**

عبارت‌های کلیدی

- درود و سلام بر امت شاهد، گواه، صابر، همیشه در صحنه و شهیدپرور امام.
- شهادت می‌دهم به وحدانیت خدایی که «لاشریک له و لا نظیر».
- شهادت می‌دهم که امام خمینی روحی فداه نایب بر حق آقا امام زمان(عج) است.
- شهادت می‌دهم که «ما از اوییم و بازگشتمان نیز به او».
- تا مهاجر نشویم مجاهد نخواهیم بود.
- خدایا، ای شنوندهٔ اسرار درون! هجرتی عنایتمان کن که پایانش در جهاد به شهادت در راهت ختم شود.
- معبودا این جهان با تمام ظاهرفریبی‌هایش، برای من جز اضافه شدن بر بار عظیم گناهان چیز دیگری ندارد.
- از تو می‌خواهم که ای خالق هستی، بر من عاصی منت بنهی و شهادت در راهت را، که با آمرزش گناهانم توأم است [را] نصیبم کنی.
- دل قوی دارید و صبور باشید که صابران را اجر عظیم نزد خداست.
- شما مادرم! باید ثابت کنی که لیاقت مادر شهید بودن را داری، که داری.
- خواهرانم! یکی دو سفارش به شما دارم، اول آنکه حجابتان را خوب نگه داشته‌اید، از این به بعد نیز بهتر نگه‌دارید.

سیدتقی شاه‌مرتضی

بسم الله الرحمن الرحیم

«بسم الله الرحمن الرحیم و به نستعین انه خیر ناصر و معین»
قال الله العظیم فی قرآن الکریم:
«یا ایها الذین امنوا هل ادلکم علی تجارة تنجیکم من عذاب الیم تؤمنون بالله و رسوله و تجاهدون فی سبیل الله باموالکم و انفسکم ذلکم خیر لکم ان کنتم تعلمون» (صف/ 10-11)

خدایا در این لحظات حساس که ساعاتی بیش به حرکتمان نمانده، مرحمت نمودی تا چند کلام به‌عنوان وصیت‌نامه بنویسم. شکرت می‌کنم و از تو می‌خواهم که یاریم کنی تا که قلمم به غیر از رضای تو چیزی ننویسد.

حمد و ستایش خدای را که ستایش سزای اوست. درود و تحیات[1] بر مبعوث‌شدگان خداوند از درون خلق که برای تزکیه بندگان خدا و تعلیمشان به کتاب آمدند، بالاخص سیدالمرسلین و خاتم‌النبیین، حضرت محمد بن عبدالله(6)، این مبلّغ آخرین پیام خداوند به خلق و جانشینان او از سیدالوصیین، امیرالمؤمنین علی(7) و یازده فرزند معصوم و امجد او، خاصه خاتم آنان، این منتظر واقعی و ولی اعظم حق، حضرت مهدی روحی و ارواح العالمین تراب مقدمه الفداء و نایب بر حقش، ولی فقیه جامع‌الشرایط، مراد مریدان، امام عارفان حضرت امام خمینی روحی فداه و سلام و صلوات الهی بر پاک‌دلان عاشقی که به یاری خدایشان شتافتند و این حق را یاور شدند و برای رسیدن به محبوب خویش سبقت گرفتند و رحمت و مغفرت خدایی به روان مطهر آنان که جان خویش را در راه دوست به رسم هدیه آوردند و به لقاءالله پیوستند و درود و سلام بر امت شاهد، گواه، صابر، همیشه در صحنه و شهیدپرور امام.

شهادت می‌دهم به وحدانیت خدایی که «لاشریک له و لا نظیر» و شهادت می‌دهم به حقانیت یک‌صد و بیست و چهار هزار نبی مرسل و خاتم پیامبران حضرت ختمی مرتبت محمد بن عبدالله(6) که بنده و فرستادهٔ اوست و قرآن آخرین کتاب آسمانی است و

1- در اصل وصیت «تهیات».

چهارده معصوم(7) بر حقند و علی بن ابیطالب(7) اولین جانشین و ولی بر حق حضرت خاتم (6) و آخرینشان حضرت مهدی(عج) که از نظرها به امر خدا پنهان است و شهادت می‌دهم که امام خمینی روحی فداه نایب بر حق آقا امام زمان(عج) است.

شهادت می‌دهم که «ما از اوییم و بازگشتمان نیز به او»[1] و این جهان محکوم به نیستی و زوال است و «دنیا دار ثمر است و مزرعه‌ای برای آن جهان ابد»[2] و باید در این مزرعه عمل صالحه کشت نمود تا در آن دیار در جنت الهی متنعم شد و مرگ پایان کار نیست، بلکه آغاز یک حیات جاوید است.

خدایا! اکنون پای در راهی می‌نهم که نامش جهاد و شروعش به‌نام تو و آرمانش در راه تو و پایانش به پیروزی بر دشمنان تو و به کمک توست، اما می‌دانم که مقدمهٔ این عمل هجرت است، هجرت از غیر به‌سوی خدا، بریدن از همه و پیوستن به اوست و تا مهاجر نشویم مجاهد نخواهیم بود. پس خدایا، ای شنوندهٔ اسرار درون! هجرتی عنایتمان کن که پایانش در جهاد به شهادت در راهت ختم شود.

معبودا این جهان با تمام ظاهرفریبی‌هایش، برای من جز اضافه شدن بر بار عظیم گناهان چیز دیگری ندارد و هر روز که بر من می‌گذرد و هر قدم که به گور نزدیک‌تر می‌شوم غفلتم زیادتر و لغزشم افزون‌تر می‌شود و جز خسران چیزی نصیب ندارم، ولی امیدوارم و از تو می‌خواهم که ای خالق هستی، بر من عاصی منت بنهی و شهادت در راهت را، که با آمرزش گناهانم توأم است [را] نصیبم کنی که اگر در این راه، با رحمت واسعه‌ات، به نزدت نیایم و پایان عمرم مرگ در غیر این راه باشد، عذاب سخت و آتش نارت را پیش رو می‌بینم.

... و با سلامی گرم بر پدر و مادر عزیزم که سالیان دراز در بزرگ کردن من رنج کشیدند. هر چند که از دست دادن فرزند برای شما سخت و ناگوار است ولی این را بدانید- که می‌دانید- هر چه خدا بخواهد، همان خواهد شد، پس راضی به رضای او شویم و تسلیم امر او باشیم و با توکل بر خداوند و به یاد و با الهام از همهٔ صابران صدر اسلام،

1- اشاره به آیه «انا لله و انا الیه راجعون» بقره/ 156.

2- اشاره به حدیث معروف پیامبر اکرم(6): «الدنیا مزرعة الاخرة»،عوالی اللئالی، ص 267.

دل قوی دارید و صبور باشید که صابران را اجر عظیم نزد خداست. از شما می‌خواهم که مبادا از رفتنم ناراحتی کنید که ناراحتی شما موجب آزردگی روح من خواهد شد.

هر چند نمی‌توانم مانع از گریه کردنتان شوم، هرگاه خواستید گریه کنید، به یاد مظلومیت و صبر زینب کبری(8) با آن همه مصائب در صحرای کربلا گریه کنید، زیرا که گریه، آهنگ ادامهٔ راه در مسیر جلودار است. از شما به‌خاطر قصور بی‌حد و حصرم حلالیت می‌طلبم و از شما می‌خواهم که برایم دعا کنید.

پدر عزیزم! مادر مهربانم! هر چند من شرمندهٔ زحمات دیرینهٔ شما دو تن هستم، اما از شما می‌خواهم که در مقابل دشمنان کینه‌توز اسلام و انقلاب، که به هر لباس درمی‌آیند، مقاوم باشید که پدر شهید منادی خون و هدف و آرمان شهید است. و شما مادرم! باید ثابت کنی که لیاقت مادر شهید بودن را داری، که داری، باید به جهان بفهمانی که صبر و استقامت و شجاعت و شهامت را از جدهٔ مکرمه‌ات فاطمهٔ زهرا (8) و زینب کبری(8) آموخته‌ای، می‌خواهم که حلالم کنی.

برادرانم، از شما نیز طلب بخشش می‌کنم که برادر خوبی برای شما نبودم و شما را خیلی اذیت کردم. به بزرگی خویش مرا عفو واز درگاه خداوند برایم طلب مغفرت نمایید. از خدا می‌خواهم که به شما توفیق آن عنایت نماید که در زندگیتان موفق و در انجام امور محوله شرعیه و تداوم بخشیدن به راه سرخ شهیدان که همان راه اسلام و قرآن و سربازی آقا امام زمان(عج) است سرفراز باشید.

خواهرانم! نمی‌دانم چگونه می‌توانم از زحمات و الطاف دیرینهٔ شما قدردانی کنم، مجبورم که به همین چند کلام بسنده کنم، زیرا که کار دیگری فعلاً نمی‌توانم برایتان انجام دهم. به بزرگواری خویش برادر کوچک خود را مورد مرحمت قرار دهید و از خداوند برایم طلب آمرزش نمایید. خواهرانم! یکی دو سفارش به شما دارم، اول آنکه حجابتان را خوب نگه داشته‌اید، از این به بعد نیز بهتر نگه‌دارید و دیگر اینکه فرزندان خویش را علی‌اکبر[1] گونه و رقیه[2]وار تربیت نمایید و بدانید که شما موقعی مسئولیت عظیم مادری را بهتر ایفاء نموده‌اید که این امانت‌های گران، «فرزندان»، را خوب تربیت نمایید و در هر حال

1- ر.ک. تعلیقات.

2- ر.ک. تعلیقات.

آماده باشید که این امانت‌ها را بـه صـاحب اصـلی‌شـان «الله» بـسپارید. از همـهٔ نزدیکـان و فامیل- که آنها نیز حق بزرگی بر گردن من داشتند- مـی‌خـواهم کـه مـرا حـلال کننـد و از خداوند برایم استغفار نمایند. از تمامی بـرادران و خـواهران، کـه بـه هـر نحـوی حقیـر را می‌شناسند، می‌خواهم که برایم به درگاه خداوند دعـا کننـد کـه خداونـد از سـر تقـصیراتم بگذرد.

از تمامی دوستان نزدیکم، که عمری را با هم بودیم و می‌دانم که هیچ خیری برای شـما نداشتم جز اتلاف وقتتان، هر چند من درس‌ها گرفتم و یکایـک شـما بـرای مـن معلمـانی بودید که مجال آوردن نام شریف هر کدامتان نیست، می‌خـواهم کـه قـصورم را ببخـشید و هرگاه به یادم افتادید، برایم دعا کنید و تنها سخنی را که با شما دارم اینکـه خـدا را همیـشه مد نظر داشته باشید و از یکدیگر بگذرید، همان‌طور که می‌خواهید خدا از شما بگذرد.

... و اما سخنی با امت همیشه در صحنهٔ امام، هر چند من به واقع کوچک‌تر از آنم که با شما حرفی به زبان بیاورم- زیرا این شمایید که معلم اخـلاص و ایثاریـد و متقـی واقعـی- ولی با این حال چند مسئله را که بیشتر باید مـدنظر باشـد [را] متـذکر مـی‌شـوم: عزیـزان، سروران، دیر یا زود باید در محضر خدا حاضر شـویم واز ایـن دار فـانی هجـرت گـزینیم، هجرت به محضر خدا کـه آنجـا دار حـساب اسـت. چـه خـوب کـه در ایـن اسـتراحتگاه کوله‌باری از تقوا برگیریم. در این محل آزمایش، امتحان خوب پس دهیم. بیاییم در ایـن راه بندگی الله را پیش گیریم. بیاییم که ثابت کنیم که بنـدهٔ غیـر خـدا نیـستیم. بیـاییم بـه واقـع بگوییم که: «**ایاک نعبد و ایاک نستعین**»[1] بیاییم برای اطمینـان قلـب متمـسک بـه ذکـر الله[2] شویم. بیاییم همیشه خود را در محضر خدا بدانیم و باور کنیم که خدا بـر اعمـال مـا نـاظر است. بیاییم کینه‌ها را از دل‌هامان بیرون کنیم. بیاییم فرامین امام را به جان خریدار باشیم که جلو رفتن و عقب ماندن از او مساوی با ضلالت است و رها کردن او برابر با از دست دادن همه چیزمان است، زیرا کلام او قول قرآن اوست و راهش راه انبیاء.

برادران! خواهران! جنگ را سرلوحهٔ کار خود قرار دهیـد. بـرادران، امـروز جبهـه‌هـا بـه وضعیت حساسی رسیده است. اگر می‌خواهید در گشودن راه کربلا و نجـف و کـاظمین و

1- حمد/ 5.

2- اشاره به آیه: «الا بذکر الله تطمئن القلوب». رعد/ 28.

سامراء سهیم باشید به جبهه‌ها بیایید که انشاءالله فتح نهایی نزدیک است. مادران! پدران! اگر می‌خواهید در قیامت در کنار حوض کوثر در حضور پیامبر اکرم(6) و فاطمهٔ زهرا(8) شرمسار و سرافکنده نباشید، از فرستادن فرزندانتان به جبهه و کمک مادی و معنوی به جنگ و جنگ‌زدگان دریغ نورزید. در نمازهای جمعه و جماعات و نماز اول وقت باشکوه شرکت نمایید که «نماز عمود دین است»[1] و در مراسم دعا بیشتر و بهتر شرکت کنید که «دعا مغز عبادت است».[2]

اما سخنی در خاتمه با همکاران عزیز و سروران دبیرم. برادران! خواهران! رسالتی بس عظیم بر دوش یکایکمان سنگینی می‌کند و آن تربیت و تعلیم فرزندان آینده‌ساز این انقلاب است. باید اینان را با فرهنگ قرآن، اسلام و اهل‌بیت اطهار(7) آشنا ساخت که فرهنگ انقلاب نیز سوای اینها نیست. اما این را باید دانست که ابتدا مربی باید خود متخلق به اخلاق الله باشد، تا کلامش بوی خدایی به خود بگیرد و تأثیری الهی داشته باشد. تنها سفارش اینکه: اساتید عزیز! فرزندان این امت خداجو را تربیت کنید. خداوند شما را در این امر خیر یاری نماید. ختم کلامم این که: ای همهٔ امت اسلام، امام را، امام را، امام را دعا کنید و تنهایش نگذارید.

با آرزوی سعادت و سلامت همگان از درگاه خداوند. خداحافظ شما، التماس دعا، فرزند و برادر کوچک سراپا تقصیر شما:

الاقصر العاصی - العبد المذنب - سیدتقی شاه‌مرتضی

کربلای غرب کشور 63/8/12

1- اشاره به حدیث امام باقر(7): «الصلوة عمود الدین». (بحارالانوار، ج 79، ص 218).

2- اشاره به حدیث پیامبر اکرم(6): «الدعا مخ العبادة». (بحارالانوار، ج 90، ص 302).



بسم تعالی

وصیتنامه شهید سید تقی شاه‌مرتضی

عضو: بسیج تاریخ شهادت: ۶۳/۱۱/۲۳ محل شهادت: مهران

بسم‌الله الرحمن الرحیم و به نستعین انه خیر ناصر و معین

قال الله العظیم فی قرآن الکریم:

یا ایها الذین امنوا هل ادلکم علی تجارة تنجیکم من عذاب الیم تومنون بالله و رسوله و تجاهدون فی سبیل ا... باموالکم و انفسکم ذلکم خیر لکم ان کنتم تعلمون «صف ۱۰-۱۱»

خدایا در این لحظات حساس که ساعاتی بیش به جز کتمان نمانده، مرحمت نمودی تا چند کلام بعنوان وصیت‌نامه بنویسم شکرت میکنم و از تو میخواهم که یاریم کنی تا که قلمم به غیر از رضای تو چیزی ننویسد.

حمد و ستایش خدیرا که ستایش سزای اوست. درود و تهیات بر مبعوث شدگان خداوند از درون خلق که برای تزکیه بندگان خدا و تعلیمشان بکتاب آمدند بالاخص سیدالمرسلین و خاتم‌النبیین حضرت محمدبن عبدالله(ص) این مبلغ آخرین پیام خداوند بخلق و جانشینان او از سیدالوصیین امیرالمومنین علی (ع) و یازده فرزند معصوم و احفاد و خاصه خاتم آنان این منتظر واقعی و ولی اعظم حق حضرت مهدی روحی و ارواح العالمین تراب مقدمه الفداء و نائب برحقش ولی فقیه جامع الشرایط، مراد مریدان، امام عارفان حضرت امام خمینی روحی فداه و سلام و صلوات الهی بر پاکدلان عاشقی که بیاری خدایشان شتافتند و این حق را یاور شدند و برای رسیدن به محبوب خویش سبقت گرفتند و رحمت و مغفرت خدایی بر روان مطهر آنانیکه جان خویش را در راه دوست بر سم هدیه آوردند و به لقاءالله پیوستند. و درود و سلام بر امت شاهد، گواه، صابر، همیشه در صحنه و شهید پرور امام.

شهادت میدهم به وحدانیت خدایی که لاشریک له و لانظیر و شهادت میدهم به حقانیت یکصد و بیست و چهار هزار نبی مرسل و خاتم پیامبران حضرت ختمی مرتبت محمدبن عبدالله (ص) که بنده و فرستاده اوست و قرآن آخرین کتاب آسمانی است و چهارده معصوم (ع) برحقند و علی بن ابیطالب (ع) اولین جانشین و ولی برحق حضرت خاتم (ص) و آخرینشان حضرت مهدی (عج) که از نظرها بامر خدا پنهان است و شهادت میدهم که امام خمینی روحی فداه نائب برحق آقا امام زمان (عج) است.

شهادت میدهم که ما از او ئیم و بازگشتمان نیز به او و این جهان محکوم به نیستی و زوال است و دنیا دار ثمر است و مزرعه‌ای برای آن جهان ابد و باید در این مزرعه عمل صالحه کشت نمود تا در آن دیار در جنة الهی متنعم شد و مرگ پایان کار نیست بلکه آغاز یک حیات جاوید است.

خدایا، اکنون پای در راهی می‌نهیم که نامش جهاد و شروعش بنام تو و آرمانش در راه تو و پایانش پیروزی بر دشمنان تو و بکمک توست، اما میدانم که مقدمه این عمل هجرت است،

(بقیه در پشت صفحه)

هجرت‌ازغیر بسوی‌خدا،بریدن ازهمه و پیوستن به‌اوست‌و تاهاجر نشویم‌مجاهد نخواهیم بود.پس‌خدایا،ای‌شنونده‌اسرار درون، هجرتی‌عنایتمان کن که‌پایانش‌در جهاد به‌شهادت‌در راهت‌ختم‌شود.

معبودا این جهان‌باتمام ظاهر فریبی‌هایش‌برای‌من جزاضافه‌شدن بر بارعظیم گناهان چیز دیگری‌ندارد. وهر روز که‌برمن می‌گذرد وهر قدم که‌بگور نزدیکتر میشوم‌غفلتم‌زیادتر ولغزشم افزونتر میشود.وجز خسران‌چیزی نصیب‌ندارم ولی امیدوارم‌واز تو میخواهم که‌ای‌خالق‌هستی، برمن‌عاصی منت‌بنهی وشهادت‌در راهت‌را که باآمرزش گناهانم توأم است‌رانصیبم کنی که اگر دراین راه‌بارحمت واسعه‌ات‌به نزدت‌نیایم‌وپایان‌عمرم‌مرگ‌در غیراین‌راه‌باشد عذاب‌سخت‌و آتش‌نارت راپیش‌رویم‌ببینم

....وباسلامی گرم‌بر پدر ومادرعزیزم، که سالیان‌درازدر بزرگ کردن‌من‌رنج کشیدند،هر چند که‌ازدست دادن فرزندبرای شماسخت و ناگوار است ولی‌اینرا بدانید که میدانیدهر چه‌خدابخواهدهمان‌خواهدشد، پس راضی‌برضای‌اوشویم وتسلیم امر او باشیم،وباتوکل برخداوند وبیادو باالهام‌ازهمه‌صابران صدر اسلام‌دل‌قوی‌دارید وصبور باشید که‌صابران رااجر عظیم‌نزدخداست. ازشما میخواهم که مبادا از رفتنم‌ناراحتی کنید که ناراحتی‌شما موجب‌آزردگی روح‌من‌خواهدشد.

هرچند نمی‌توانم‌مانع‌ازگریه کردنتان‌شوم هنگام‌خواستید گریه‌کنیدبیاد مظلومیت‌و صبرزینب‌کبری(ع) باآنهمه‌مصائب در صحرای کربلا گریه‌کنید زیرا که‌گریه، آهنگ ادامه‌راه‌در مسیر جلوداراست،ازشمابخاطر قصوربی‌حدو حصرم حلالیت‌میطلبم وازشما میخواهم که برایم‌دعا کنید.

پدرعزیزم، مادرمهربانم هرچند من شرمنده زحمات دیرینهٔ شمادو تن هستم ، اما از شما میخواهم که درمقابل دشمنان کینه‌توزاسلام‌وانقلاب که بچه‌لباس درمی‌آیندمقاوم‌باشید که‌پدرشهید منادی خون‌و هدف‌و آرمان شهیداست وشمامادرم،باید ثابت کنی که لیاقت مادرشهیدبودن‌رادارای،که داری ، بایدبه جهان بفهمانی که صبر و استقامت و شجاعت و شهامت‌را ازجدهٔمکرمه‌ات فاطمه زهرا (ع)وزینب کبری‌آموخته‌ای، میخواهم که‌حلالم کنی.برادرانم،ازشما نیزطلب‌بخشش‌می کنم که برادرخوبی برای شمانبودم‌وشمارا خیلی اذیت کردم‌به‌بزرگی‌خویش مرا عفووازدرگاه خداوندبرایم طلب‌مغفرت نمائید،ازخدا میخواهم که‌بشماتوفیق آن‌عنایت‌نماید که‌در زندگی‌تان‌موفق‌ودرانجام‌امورمحوله‌شرعیه وتداوم‌بخشیدن براه‌سرخ‌شهیدان که‌همان‌راه‌اسلام‌وقرآن و سربازی آقا امام زمان(عج) است سرفرازباشید.

خواهرانم،نمیدانم‌چگونه‌میتوانم‌از زحمات‌و الطاف‌دیرینهٔ‌شماقدردانی کنم، مجبورم که بهمین چند کلام‌بسنده کنم‌زیرا که‌کاردیگری‌فعلا نمی‌توانم‌برایتان‌انجام‌دهم، به‌بزرگواری خویش‌برادر کوچك خود رامورد مرحمت قراردهید واز خداوند برایم طلب‌آمرزش

نمائید. خواهرانم یکی دو سفارش بشما دارم، اول آنکه حجابتان را خوب نگه‌داشته‌اید از این ببعد نیز بهتر نگهدارید و دیگر اینکه فرزندان خویش را علی اکبر گونه و رقیه وار تربیت نمائید و بدانید که شما موقعی مسئولیت عظیم مادری را بهتر ایفاء نموده‌اید که این امانت‌های گران «فرزندان» را خوب تربیت نمائید و در هر حال آماده باشید که این امانتها را بصاحب اصلی‌شان «الله» بسپارید. از همه نزدیکان و فامیل که آنها نیز حق بزرگی بر گردن من داشتند می‌خواهم که مرا حلال کنند و از خدا و ندبرایم استغفار نمایند. از تمامی برادران و خواهران که بهر نحوی حقیر را می‌شناسند می‌خواهم که برایم بدرگاه خداوند دعا کنند که خداوند از سر تقصیراتم بگذرد.

از تمامی دوستان نزدیکم که عمری را با هم بودیم و میدانم که هیچ خیری برای شما نداشتم جز الاف و قتان، هر چند من درسها گرفتم و یکایک شما برای من معلمانی بودید که مجال آوردن نام شریف هر کدامتان نیست مرخص‌ام‌ی‌ک قصورم را ببخشید و هر گاه بیادم افتادید برایم دعا کنید و تنها سخنی را که با شما دارم اینکه خدا را همیشه مدنظر داشته باشید و از یکدیگر بگذرید همانطور که میخواهید خدا از شما بگذرد.

... و اما سخنی با امت همیشه در صحنهٔ امام، هر چند من بواقع کوچکتر از آنم که با شما حرفی بزبان بیاورم زیرا این شما ئید که علم اخلاص و ایثارید و متقی و واقعی ولی با این حال چند مسئله را که بیشتر باید مدنظر باشد را متذکر میشوم: عزیزان، سروران، دیر یا زود باید در محضر خدا حاضر شویم و از این دارفانی هجرت گزینیم هجرت به محضر خدا که آنجا دار حساب است چه خوب که در این استراحتگاه کوله باری از تقوا بر گیریم. در این محل آزمایش امتحان خوب پس دهیم. بیائیم در این، راه بندگی الله را پیش گیریم. بیائیم که ثابت کنیم که بنده‌ٔ غیر خدا نیستیم. بیائیم بواقع بگوئیم که: ایاك نعبد و ایاك نستعین. بیائیم برای اطمینان قلب متمسك بذکر الله شویم. بیائیم همیشه خود را در محضر خدا بدانیم و باور کنیم که خدا بر اعمال ما ناظر است. بیائیم کینه‌ها را از دلهامان بیرون کنیم. بیائیم فرامین امام را بجان خریدار باشیم که جلو رفتنی و عقب ماندن از او مساوی با ضلالت است و رها کردن او برابر با از دست دادن همه چیزمان است زیرا کلام او قول قرآن اوست و راهش راه انبیاء برادران ـ خواهران، جنگ را سرلوحهٔ کار خود قرار دهید برادران، امروز جبهه‌ها به وضعیت حساسی رسیده است اگر میخواهید در گشودن راه کربلا و نجف و کاظمین و سامراء سهیم باشید به جبهه‌ها بیائید که انشاالله فتح نهائی نزدیك است. مادران، پدران اگر می‌خواهید در قیامت در کنار حوض کوثر در حضور پیامبر اکرم (ص) و فاطمه زهرا (ع) شرمسار و

سرافکنده نباشید از فرستادن فرزندانتان به جبهه و کمک مادی و معنوی به جنگ و جنگزدگان دریغ نورزید در نمازهای جمعه و جماعات و نماز اول وقت با شکوه شرکت نمائید که نماز عمود دین است و در مراسم دعا بیشتر و بهتر شرکت کنید که دعا مغز عبادت است

اما سخنی در خاتمه با همکاران عزیز و سروران دبیرم، برادران، خواهران رسالتی بس عظیم بر دوش یکایکمان سنگینی میکند و آن تربیت و تعلیم فرزندان آینده سازان این انقلاب است. باید اینان را با فرهنگ قرآن، اسلام و اهلبیت اطهار (ع) آشنا ساخت که فرهنگ انقلاب نیز سوای اینها نیست. اما اینرا باید دانست که ابتداً مربی باید خود متخلق باخلاق الله باشد تا کلامش بوی خدایی بخود بگیرد و تأثیری الهی، داشته باشد. تنها سفارش اینکه:

اساتید عزیز، فرزندان این امت خدا جورا تربیت کنید. خداوند شما را در این امر خیر یاری نماید. ختم کلام اینکه: ای همهٔ امت اسلام،

امام را امام را، امام را دعا کنید و تنهایش نگذارید.

با آرزوی سعادت و سلامت همگان از درگاه خداوند:

خدا حافظ شما. التماس دعا. فرزند و برادر کوچک سراپا تقصیر شما:

الاقصر العاصی ـ العبد المذنب ـ سید تقی شاه مرتضی

کربلای غرب کشور ۶۳/۸/۱۲



نام: **محمود**
نام خانوادگی: **شاهورانی**
نام پدر: **عبدالمحمد**
نام مادر: **کبرا**
تاریخ تولد: **هجدهم خرداد** 1337
محل تولد: **شهرستان سمنان**
تحصیلات: **دیپلم**
ارگان اعزام‌کننده: **بسیج**
تاریخ شهادت: **بیست‌و دوم بهمن** 1364
محل شهادت: **ام‌الرصاص عراق**
نحوهٔ شهادت: -
مزار: **گلزار شهدای امامزاده یحیای زادگاهش**

عبارت‌های کلیدی

- افتخارمان این است که در راه عقیده جهاد می‌کنیم.
- یا باید ماند و تن به ذلت داد و یا باید با دشمن به ستیز برخاست.
- در راه اسلام شکست نیست.
- یا پیروز می‌شویم و یا به شهادت می‌رسیم که در هر دو صورت پیروزیم.
- خداوندا تو آگاهی که من فقط به‌خاطر تو و دینت به جبهه آمده‌ام.
- از ولایت فقیه پشتیبانی کنید که یکی از پایه‌های اسلام است.
- بسیج را رها نکرده و همیشه و همه حال بازوی پرتوان ولایت فقیه باشید.

محمود شاهورانی

بسم‌الله الرحمن الرحیم

«والذین آمنوا و هاجروا و جاهدوا فی سبیل الله والذین آووا ونصروا اولئک هم المؤمنون حقا»[1]

«و آنان که ایمان آوردند و هجرت گزیدند و در راه خدا کوشش و جانفشانی کردند و هم آنان که مهاجران را منزل دادند و از آنها یاری کردند، آنها به حقیقت اهل ایمانند و هم آمرزش خدا و روزی نیکوی بهشتی مخصوص آنهاست».

با سلام و درود بر پیامبر گرامی، آورندهٔ اسلام، و بر جانشینان بر حقشان و به سرور شهیدان عالم، امام حسین(**7**)، و بر امام موعود، امام زمان حضرت بقیة الله اعظم صاحب الزمان(عج)، و سلام بر امام خمینی، نایب بر حق امام زمان(عج). [با] و سلام و درود خداوند بر شهیدان اسلام، از صدر اسلام تاکنون و جنگ تحمیلی و درود بر شهید همافر و سرباز امام زمان(عج) و سلام بر امت شهیدپرور ایران و سلام و درود بر پدر و مادر و خانوادهٔ عزیزم.

اما بعد، امروز افتخارمان این است که در راه عقیده‌ای جهاد می‌کنیم که به حقانیت آن کاملاً آگاهیم، و چون «اسلام بر دو پایه هجرت و جهاد برپا است»، غیر از این راهی برای ما نمی‌ماند: یا باید ماند و تن به ذلت داد و یا باید [با] دشمن به ستیز برخاست و اسلام را نجات داد، و «در این راه هرگز شکست نیست، یا پیروز می‌شویم و یا به شهادت می‌رسیم که در هر دو صورت پیروزیم.»[2] و خداوندا! تو آگاهی که من فقط به‌خاطر تو و دینت به جبهه آمده‌ام و در این راه آگاهانه آمده‌ام و جز این نیست.

مادرم، پدرم و خواهرم و برادرم! کوه باشید و چون کوه استقامت کنید. چون چیزی که بیش از همه دوست دارید، باید در راه خدا بدهید. در مرگم صبر داشته باشید و در ظاهر گریه نکنید و اگر در نهانی گریه کردید و دل شما شکست، در همان حال امام را دعا کنید

1- انفال/ 72.

2- صحیفه امام، جلد 21، ص 283.

و دعا کنید که خداوند ما را هم ببخشد. و خواهرم و تمام خواهران! زینب‌وار پیام تمامی شهیدان را و تمامی مظلومان انقلابمان را و مظلومیت ایران را با حجابت به تمام دنیا برسان.

و به امت ایران و مردم سمنان [علی]الخصوص وصیت می‌کنم که از ولایت فقیه پشتیبانی کنید، که یکی از پایه‌های اسلام است و در همهٔ زمان‌ها به‌خصوص در این زمان که اسلام بعد از 1400 سال دوباره اوج گرفته «مبادا دست از دولت بردارید و از روحانیت مبارز کناره‌گیری کنید، که بدانید در این‌صورت این انقلاب شکست خواهد خورد».[1] از برادران بسیجی هم‌رزممان می‌خواهم که بسیج را رها نکرده و همیشه و همه‌حال بازوی پرتوان ولایت فقیه باشید.

ما زنده به آنیم که آرام نگیریم موجیم که آسودگی ما عدم ماست[2]

«والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته»

61/4/22

محمود شاهورانی

1- حضرت امام در دهها سخنرانی و پیام بر لزوم آگاهانه و مستمر روحانیت در صحنه‌های مختلف تأکید دارند. از آن‌جمله می‌توان برای شناخت از اندیشه‌های ایشان در این زمینه به صحیفه امام مجلد 10 ص 135، جلد 13 صفحه 15، جلد 15 صص 11، 12، 210، 214، اشاره کرد.

2- شعر از علامه اقبال لاهوری است.



بسمه تعالی

متن وصیت نامه شهید محمود شاهورانی :

" والذین آمنوا وهاجروا وجاهدوا فی سبیل الله والذین اووا

انصروا اولئک هم المومنون حقا " .

(سوره انفال آیه ۷۴)

" وآنانکه ایمان آوردند و هجرت گزیدند در راه خدا کوشش

وجانفشانی کردند و هم آنانکه مهاجران را منزل دادند و از

آنها یاری کردند آنها به حقیقت اهل ایمانند و هم آمرزش خدا و روزی نیکوی بهشتی مخصوص آنهاست " .

با سلام و درود بر پیام بر گرامی آورنده اسلام و بر جانشینان بر حقشان به سر و شهیدان عالم امام حسین (ع) و بر امام

مرجع و امام زمان حضرت بقیه الله اعظم صاحب الزمان (عج) و سلام بر امام خمینی نایب بر حق امام زمان و با سلام

و درود خدا و بر شهیدان اسلام از صدر اسلام تا کنون و بر جنگ تحمیلی و در و بر شهید تمام نور سر باز امام زمان سلام بر ...

است شهید پرور ایران سلام و درود بر پدر و مادر و شاگرد اده عزیزم :

امابعد امروز افتخار من این است که در راه عقیده ای جهاد میکنم که به حقانیت آن کاملا " آگاهم و چون اسلام بر

دو پایه هجرت و جهاد بنا شده است غیر از این راهی بر ای ما نمی ماند پدر ما باید بدانند تن بذلت ندادیم و با ید دشمن به متجاوز ـ

بر خاسته و اسلام را نجات داد در این راه هرگز شکست نیست یا پیروز ، میشویم و یا به شهادت میرسیم که در هر دو

صورت پیروزیم ، و امیدوارند تو آگاهی که من فقط بخاطر تو و دیگران به جبهه آمده ام و در این راه آگاهانه آمده ام و

جز ء این نیست .

مادرم ـ پدرم و خواهرم و برادرم : گریه باشید و چون گریه استقامت کنید چون چیزی که بیش از همه در دست دارید باید

در راه خدا بدهید ، در سوگم سیاه نپوشید و هرگز اگر گریه نکنید و اگر در نهایتی گریه کردید دل شما شکست در همان

حال امام را دعا کنید و دعا کنید که خداوند سایه اش را بر سر همه ما و همه خواهران و تمام خانواده ها مستدام بدارد : زینب وار پیام رسانی شهیدان

را بر سانید و مظلومیت امام مظلوم زمان انقلابیان را و مظلومیت ایران را با حجابت به تمام دنیا برسانید .

و به امت ایران و مردم سخن الخصوص وصیت میکنم که از ولایت فقیه پشتیبانی کنید که یکی از پایه های اسلام ـ

است و در همه زمانها بخصوص در این زمان که اسلام بعد از ۱۴۰۰ سال دوباره در محاصره قرار گرفته مبادا دست از ولایت بردارید

و از رهبری مبارز و [illegible] کنید که بدانید در این صورت این انقلاب شکست خواهد خورد . از برادران بسیجی

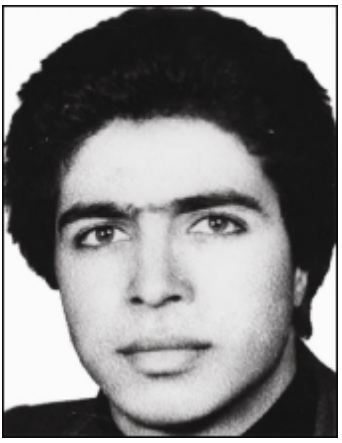
عزیزمان میخواهم که بسیج را نگذارند و همیشه در صحنه و در حال بازی پشتوان ولایت فقیه باشید .

عازم به آنجایی که آرام نگیریم موجیم که آسودگی ما عدم ماست

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

۶۱/۴/۲۷ : محمود شاهورانی

" تکثیر از : واحد فرهنگی بنیاد شهید انقلاب اسلامی سمنان "



نام: **عبدالرضا**
نام خانوادگی: **شاهی**
نام پدر: **محمدحسن**
نام مادر: **مریم**
تاریخ تولد: **یکم بهمن** 1338
محل تولد: **شهرستان** سمنان
تحصیلات: **دیپلم**
ارگان اعزام‌کننده: **جهادسازندگی**
تاریخ شهادت: **هشتم مرداد** 1362
محل شهادت: **مهران**
نحوهٔ شهادت: **اصابت ترکش**
مزار: **گلزار شهدای امامزاده اشرف زادگاهش**

عبارت‌های کلیدی

- باید فداکاری کرد، باید خود را فدا کرد تا اسلام بماند.
- حال زمان آزمایش است، یک آزمایش بزرگ و الهی.
- به‌پا خیزیم، حسین زمان، خمینی کبیر، برای زنده نگه‌داشتن اسلام کمک می‌طلبد.
- خوشا به حال کسی که در این راه مورد لطف و کرم او، قرار گیرد.
- همسر خوبم، همین صبر و بردباری شماست که دشمن زبون را از پای درمی‌آورد.
- در راه خدمت به مردم ابتدا خود را ساخته و تزکیه نمایید.
- من این راه را با ایمان کامل انتخاب کرده‌ام.
- زینب‌وار پیامبر پیام شهدا باشید.
- در اسلام شکست نیست.
- بار پروردگارا شهادت در راه خودت را نصیبت من بفرما.

عبدالرضا شاهی

بسم الله الرحمن الرحیم

«الذین هاجروا و جاهدوا فی سبیل‌الله اولئک یرجون رحمت الله و الله غفور رحیم»[1]

درود به رهبر کبیر انقلاب، پایه‌گذار حکومت اسلامی، حکومتی که روحی تازه در کالبد مستضعفین دمید[ه شد] و محرومین جهان جان تازه گرفتند. و درود به روان پاک شهدای اسلام که با فدا کردن جان خود و با اهداء خون خود، درخت نوپای انقلاب اسلامی را آبیاری کردند.

وصیت می‌کند این بنده حقیر و سراپا تقصیر، در حالی که عمری را در جهالت و گمراهی به‌سر می‌برده است و با کوله‌باری پر از گناه به‌سوی خالق یکتا می‌رود. عمری را در جهالت و نادانی سپری کردیم، به راه راست و مستقیمی هدایت نمی‌شدیم، در پرتگاه نابودی قرار گرفته بودیم، بدون اینکه خود متوجه باشیم. تا اینکه ناخدایی از دیار پیامبران آمد و سکان را گرفت و امتی را از غرق شدن نجات داد. آری خمینی بزرگ با رهنمودهای پیامبرگونه‌اش و پدری مهربان با راهنمایی‌هایش ما را از جهالت رهانید. حال باید کوشید، باید تلاش کرد، تا این کشتی به ساحل مقصود برسد.

باید فداکاری کرد، باید خون داد، تا درخت نوپای آبیاری شود. باید خود را فدا کرد تا اسلام بماند.

حال زمان آزمایش است، یک آزمایش بزرگ و الهی. فرصت کم است، لحظات استثنایی، زورمداران جهان برای مقابله با اسلام [و] آفت‌ها برای خشکانیدن ریشهٔ درخت نوپای اسلام بلند شده‌اند و دست به دست هم داده‌اند. باید به‌پا خیزیم و حرکت کنیم حسین زمان، خمینی کبیر، برای زنده نگه‌داشتن اسلام کمک می‌طلبد. بر ماست که به ندای «هل من ناصر»[2] حسین لبیک گوییم باید رفت، باید این باغبان پیر را که درخت انقلاب را نگه‌داری می‌کند، یاری کرد، تا آفت‌ها و کرم‌های جهان ریشهٔ درخت را نخشکانند. شاید در این راه توفیقی حاصل شد و خداوند تبارک و تعالی لطفی نموده و بار گناهان سبک

1- بقره / 218.

2- ر.ک. تعلیقات.

گردد. و خوشا به حال کسی که در این راه مورد لطف و کرم او، که همانا لقاءالله باشد، قرار گیرد. و در این راه سخنی با پدر و مادر خودم:

من به چنین پدر و مادری افتخار می‌کنم که با تربیت صحیح من، راه را برای شرکت در این آزمایش الهی هموار کردند و از شما می‌خواهم در این راه محکم و استوار فقط به اسلام بیاندیشید و خوشحال باشید که امانتی را که خدا به شما داده است در راه خدا داده‌اید، و هم‌چون خاندان وهب[1]، چیزی را که در راه خدا داده‌اید، دنبال آن نگردید و برای آن ناراحت نباشید. و زورمداران جهان بدانند که با وجود چنین پدر و مادری، انقلاب ما ضربه نخواهد خورد. من از پدر و مادر خود معذرت می‌خواهم که نتوانستم وظیفهٔ فرزندی را به خوبی انجام دهم و در این راه کوتاهی کردم. و بدانید تنها چیزی که باعث شد از شما دور باشم، همان خدمت به اسلام و مسلمین بود.

همچنین همسر خوبم، همسرم! بدان که صبر و بردباری شما بود که توفیق شرکت در نبرد با کفار رانصیب ما کرد و حال همین صبر و بردباری شماست که دشمن زبون را از پای درمی‌آورد. همسرم! در این مدتی که با شما بودم مطمئناً نتوانستم وظیفه همسری را به خوبی انجام دهم و از این بابت از شما عذر می‌خواهم و از شما می‌خواهم که به‌عنوان مادری دلسوز و دایه‌ای مهربان در تربیت آینده‌سازان انقلاب تلاش کن و با کوشش شبانه‌روزی خود و با حضور در صحنه آن‌چنان دشمنان را زبون[2] و خوار کن که دیگر از جای خود برنخیزند و به پیروی از بانوی اول اسلام، زنی دلسوز برای اسلام و مسلمین باش.

و اما سخنی با برادران جهادگرم. برادرانم! من در مدتی که توفیق خدمت به محرومین و مستضعفین، این یاوران به حق امام امت، راداشتم، متأسفانه نتوانستم رسالت یک جهادگر [را]- که همانا رساندن پیام انقلاب به روستاییان عزیز است- به خوبی انجام دهم و در این امر سستی کردم. من از تمامی روستاییان به‌خاطر این کوتاهی عذر می‌خواهم و از شما برادران می‌خواهم، همان‌طور که امام بزرگوارمان فرمودند خدمت به مردم، خدمت به اسلام است، در راه خدمت به مردم ابتدا خود را ساخته و تزکیه نمایید و با دستی پر به روستاها

1- ر.ک. تعلیقات.

2- در اصل وصیت «ذبون».

هجوم برید، آن‌چنان که عظمت و قدرت واقعی اسلام را [به] نمایش گذارید و در راه انتقال فرهنگ انقلاب کوشا باشید. باشد که در این راه به فیضی عظیم نایل آیید.

اخیراً بدون مشورت با مسئولین جهاد، اقدام به خرید دستگاه‌های صوتی (آمپلی فایر و...) نمودم که این عمل خارج از مقررات و ضوابط جهاد سازندگی بوده است. ضمن عذرخواهی از برادران شورای مرکزی، تقاضا می‌شود اگر کمک هزینه‌ای به خانوادهٔ من تعلق می‌گیرد، حتماً به تدریج، وجه دستگاه‌ها را کم کنند و در غیر این‌صورت از همسر خود درخواست می‌کنم، از طریق فروش اثاثیه و یا به هر صورت که صلاح می‌داند، نسبت به پرداخت آن حتماً اقدام نماید و دستگاه‌ها باید جزء اموال جهاد قرار گیرد. و هم‌چنین در مدتی که امور مالی جهاد به عهدهٔ من بوده است، امکان دارد در حساب‌ها اشتباهی شده باشد، از برادران مسئول می‌خواهم پس از رسیدگی، به هر مقداری که اشتباه شده است، با مشورت همسرم، مقدار فوق [را] از طریق فروش لوازم خانه و یا از هر طریقی که همسرم صلاح بداند، تأمین و به حساب جهاد ریخته شود. و همچنین امکان دارد مقداری از امکانات جهاد از قبیل نوار ضبط‌صوت که برای ضبط کردن به خانه برده‌ام و یا کتاب، در خانه مانده باشد، از همسرم تقاضا می‌کنم در اسرع وقت اموال جهاد را برگرداند. و مقدار پانصد تومان از پول شخصی خود بابت تلویزیون در حساب صندوق قرض‌الحسنه می‌باشد.

بار پروردگارا به‌سوی تو می‌آیم، ای خالق یکتا! ای بخشندهٔ همهٔ گناهان! با باری پر از گناه به‌سوی تو می‌آیم، ای رحمان رحیم مرا دریاب.

«اشهد ان لا اله الا الله و اشهد ان محمداً رسول الله»

خدایا خدایا، تو را به جان مهدی، تا انقلاب مهدی، خمینی را نگه‌دار.

داوود (عبدالرضا شاهی)
61/12/20

[وصیت‌نامه‌ای دیگر]

بسم‌الله الرحمن الرحیم

«ربنا افرغ علینا صبراً و ثبت اقدامنا وانصرنا علی القوم الکافرین»[1]

«یا ایها الذین امنوا هل ادلکم علی تجارة تنجیکم من عذاب الیم. تؤمنون بالله و رسوله»[2]

آن حس شهادت بود که ما را به پیروزی رساند.[3] (امام خمینی)

با درود به پیشگاه با سعادت ولی‌عصر، امام زمان(عج) و نایب بر حقش، خمینی بت‌شکن و درود بر رزمندگان اسلام که با ایثار خون درخت نوپای انقلاب اسلامی را آبیاری کردند. وصیت می‌کند این بندهٔ حقیر و سراپا تقصیر، بنده‌ای که عمری را در ضلالت و گمراهی به‌سر می‌برده است. و در پرتگاه نابودی و سراشیبی سقوط قرار گرفته بودیم. راه راست و مستقیمی ما را هدایت نمی‌کرد، تا اینکه مردی از دیار پیامبران آمد و ما را از گمراهی نجات داد و به [...][4] در هر کجا بود، حسین آسا ما را رهبری کرد و حال که درخت اسلام توسط این باغبان پیر دارد که به ثمر می‌رسد، ابرجنایتکاران با همکاری منافقین[5] کوردل و عمال [...][6] دست همت به کمر و تصمیم به ریشه[کن] کردن این درخت، نوپا شده‌اند. [...][7] جان که خدای [...][8] که نیک گویم این ندای حسین زمان، اینک زمان، زمان آزمایش است، کربلایی دیگر، عاشورای دیگر، و تکرار دیگر [کذا]. باید هجرت کرد به‌سوی کربلای حسین و دست این ابرجنایتکاران را، که اینک از آستین صدام کافر بیرون آمده است، کوتاه کرد.

1- بقره/ 250.

2- صف/ 10- 11.

3- صحیفه امام، عبارتی که شهید از امام خمینی نقل کرده است اندکی با عین عبارت امام متفاوت است. «این حس بود که اینها را، ما را پیش برد. این حس شهادت بود و این حس جلو آمدن برای اسلام و شهادت بود که ما را به پیروزی رساند و ...»، (صحیفهٔ امام، ج 8، ص 44).

4- خوانا نیست.

5- ر.ک. تعلیقات.

6- خوانا نیست.

7- خوانا نیست.

8- خوانا نیست.

و من این راه را با ایمان کامل انتخاب کرده‌ام و خوشحالم که خداوند تبارک و تعالی توفیق این راه را به من داده است که در راه او و در راه به ثمر رسیدن اسلام گام برداشته انشاءالله که در این آزمایش الهی روسفید دربیایم.

صحبتی چند با پدر و مادرم و همسرم و دیگر [...][1] دارم البته مسائل قابل ذکر را قبلاً تذکر داده‌ام.

پدر و مادر عزیزم! شما باید خوشحال باشید که توانستید امانتی را که مدت‌ها بر دوش شما سنگینی می‌کرده است، دوباره به صاحب اصلیش برگردانید و در این راه اندوهگین مباشید که دشمنان اسلام از گریه و زاری شما خوشحال می‌شوند. و من از شما عذر می‌خواهم که نتوانستم که وظیفهٔ فرزندی را به خوبی انجام دهم.

و همچنین [...][2] مهربانم [...][3] باید بدانید صبر و بردباری شما است که دشمن زبون را به ستوه آورده است. سعی و کوشش کنید که همیشه، در هر کجا که هستید خدمتگزار اسلام باشید و با تربیت نونهالان، این امیدهای انقلاب اسلامی، آیندهٔ انقلاب اسلامی را بیمه کنید و زینب‌وار پیامبر پیام شهدا باشید، و بدانید که در این راه وظیفه‌ای بس سنگین در پیش دارید.

و سخنی هم با برادران کشاورز. یکی از راه‌هایی که دشمن زبون می‌خواست به انقلاب اسلامی ضربه بزند، محاصرهٔ اقتصادی است. برادران کشاورز ما بدانند در این مرحلهٔ حساس که انقلاب اسلامی ما می‌رود که تمامی جهان را در بر گیرد و در آینده‌ای بسیار نزدیک مستضعفان بر مستکبران غالب شوند[4] جهاد آنها کار بر روی زمین و تقویت کشاورزی است با همت والای خود سعی کنند که در این راه مشت محکمی بر دهن ابرقدرت‌های جهان بزنند و به آنان بفهمانند که در اسلام شکست نیست.

1- خوانا نیست.

2- خوانا نیست.

3- خوانا نیست.

4- در اصل وصیت «شود».

من از پدر و مادر، خواهران و برادران و کلیه دوستان و آشنایان حلالیت می‌طلبیم. بالخصوص از برادران کشاورز معذرت می‌خواهم که نتوانستم وظیفهٔ این جهادگر را به‌خوبی انجام دهم.

و اما حساب‌های اینجانب در نزد برادر بیگی می‌باشد.

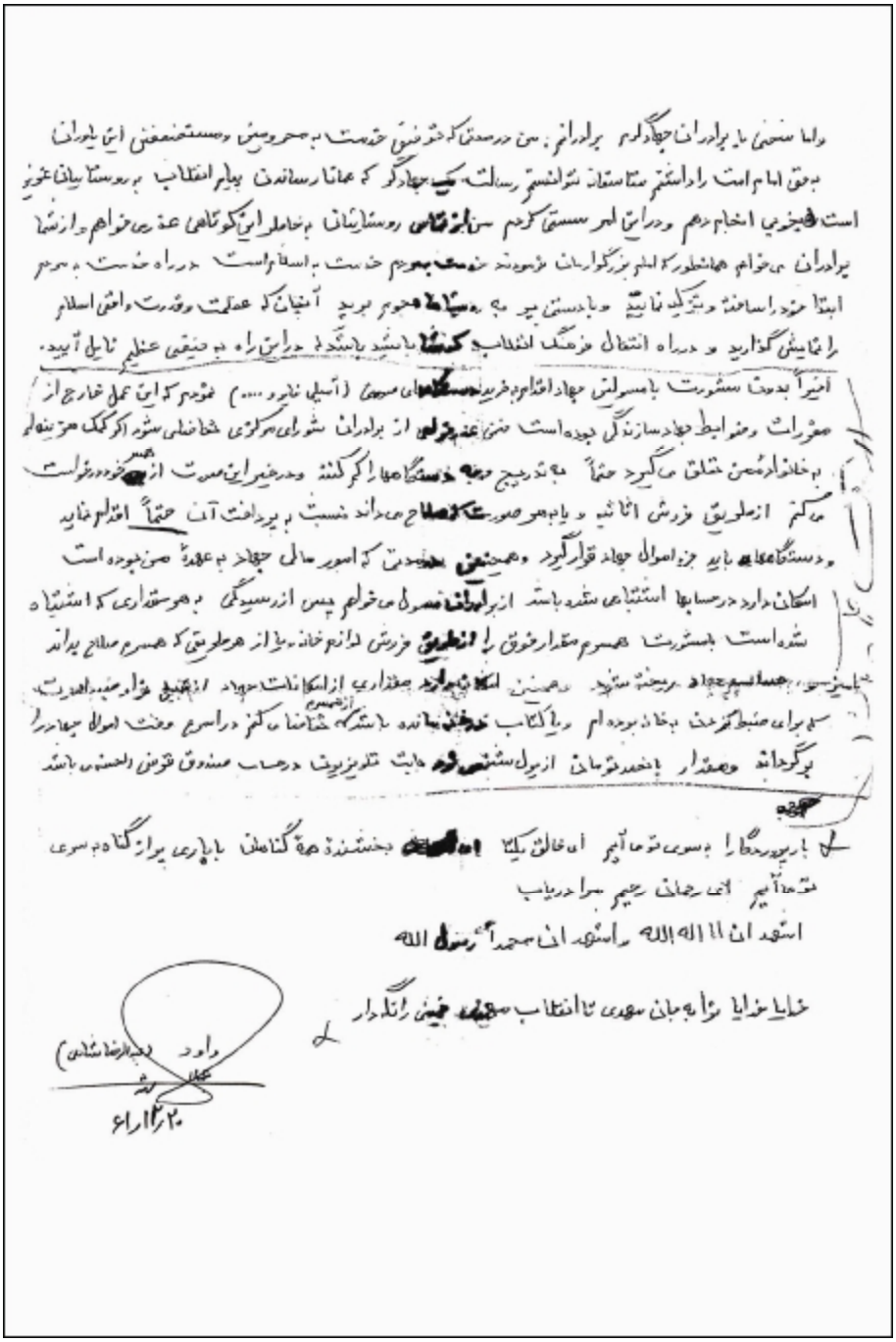
بار پروردگارا در این راهی [را] که با آگاهی کامل انتخاب کرده‌ام، مرا موفق بدار و توفیق شهادت در راه خودت را نصیبت من بفرما.

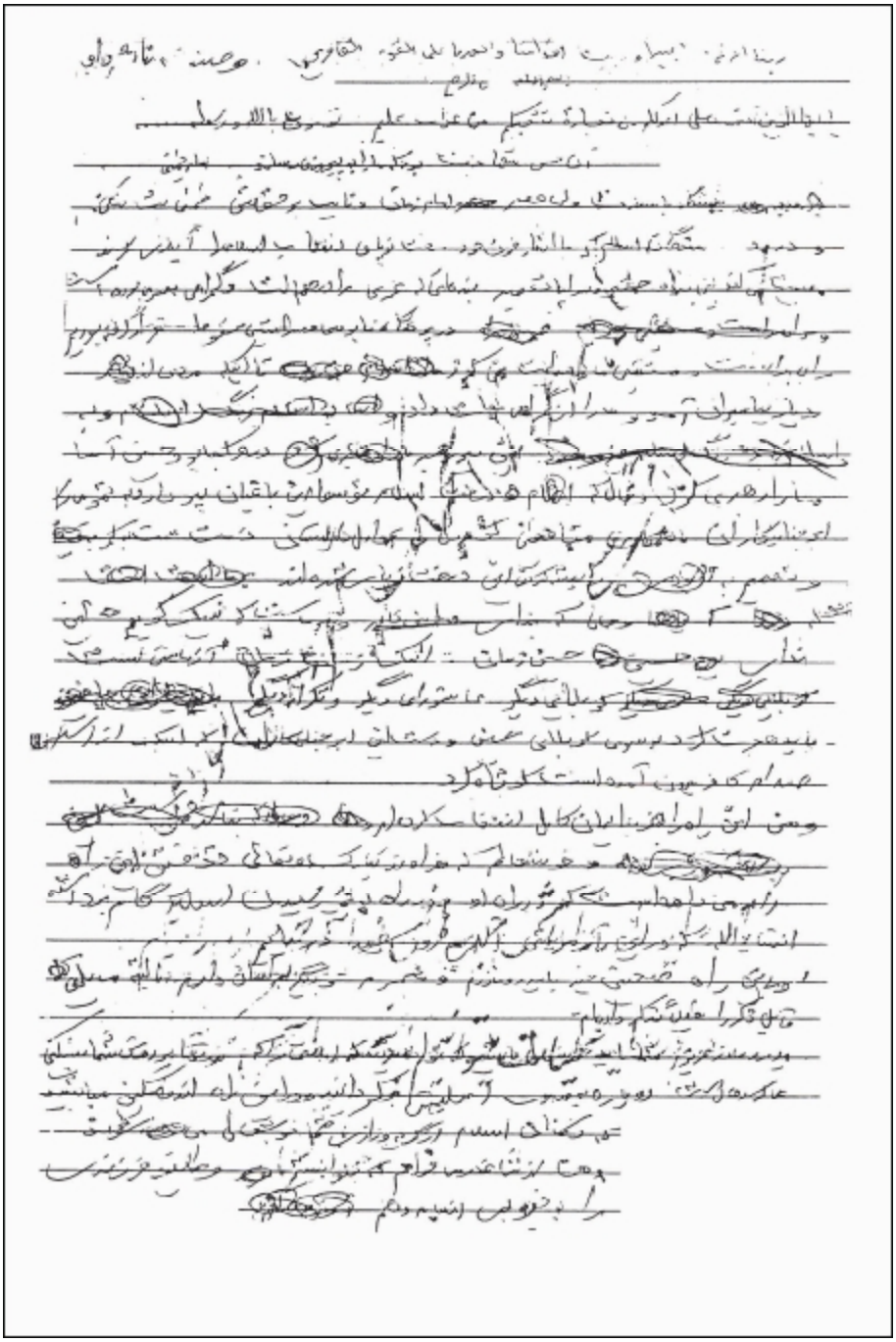
خدایا خدایا تا انقلاب مهدی خمینی را نگه‌دار و رزمندگان اسلام نصرت عطا بفرما.

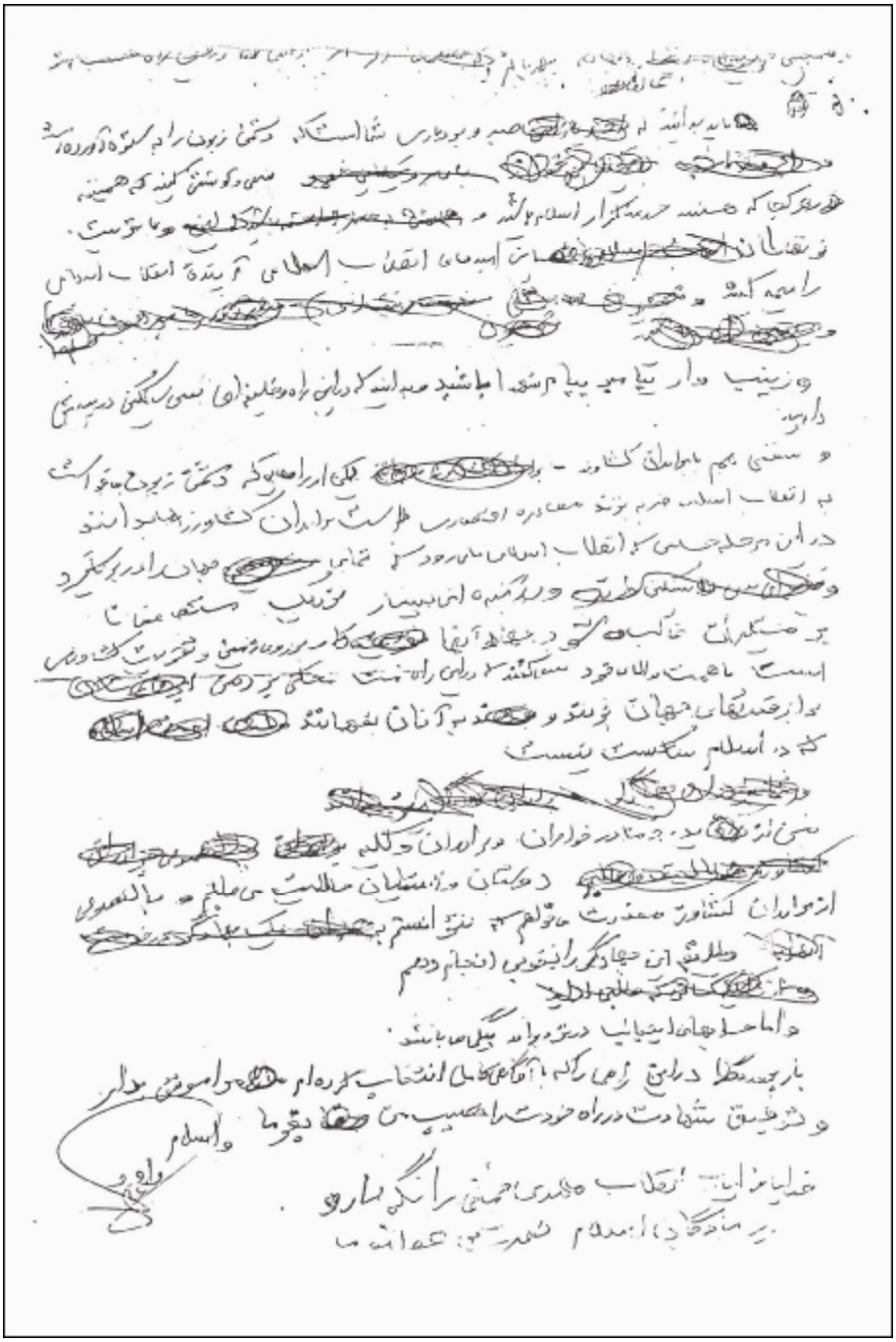
«والسلام»

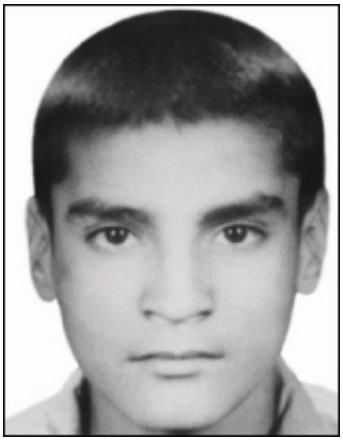
داوود











نام: **محمود**
نام خانوادگی: **شاهین‌فر**
نام پدر: **قنبر**
نام مادر: **کبرا**
تاریخ تولد: **یکم آذر** 1341
محل تولد: **شهرستان سمنان**
تحصیلات: **دیپلم**
ارگان اعزام‌کننده: **بسیج**
تاریخ شهادت: **دهم آذر** 1360
محل شهادت: **بستان**
نحوهٔ شهادت: **اصابت گلوله**
مزار: **گلزار شهدای امامزاده یحیای زادگاهش**

عبارت‌های کلیدی

- همیشه دوست داشتم جان خود را فدای اسلام نمایم.
- مردم ایران با شوق تمام به‌سوی جبهه‌ها روان شوند.
- شهیدان گلگون‌کفن با خون خود خط سرخ شهادت را به ما آموختند.
- راه شهیدان همان راه امام و اطاعت از روحانیت مبارز و اصیل است.
- مردم ما تابع امام عزیزمان باشند.
- دوست دارم خواهر کوچکم را زینب‌وار پرورش دهید.
- دو برادر کوچکم را طوری پرورش دهید که بتوانند برای جامعهٔ اسلامی سودمند باشند.

محمود شاهین‌فر

بسم الله الرحمن الرحیم

«اللهم انی اسئلک التوبة قبل الموت و الراحة عند الموت و المغفرة بعد الموت والفعو عند الحساب»

پس از درود به رهبر کبیر و امام بزرگوارمان، حضرت آیت‌الله امام خمینی، می‌خواهم چند کلمه‌ای را به‌عنوان وصیت بر روی کاغذ بیاورم.

این وصیت، وصیت یک سرباز از میلیون‌ها سرباز خمینی می‌باشد که در راه اسلام به نبرد بر علیه استکبار جهانی برخاسته‌اند و امیدوارم که این موضوع را در عمل واقعاً نشان داده باشم.

من این وصیت را به دو قسمت تقسیم می‌کنم، قسمت اول آن را با مردم عزیز ایران می‌گویم و قسمت دوم آن را با خانواده‌ام در میان می‌گذارم.

آنچه را می‌خواهم به عموم مردم ایران بگویم این است که همه باید بدانند جنگ ایران و عراق، جنگ بین دو کشور و یا جنگ بر سر خاک نیست، بلکه جنگ بین دو جریان حق و باطل می‌باشد و مسئله اسلام و کفر در میان است. بنابراین جنگیدن با باطل مسئله‌ای است که اجرای آن بر همهٔ ما واجب می‌باشد و بنا به وظیفهٔ شرعی همه باید در این جنگ شرکت کنند.

من نیز مانند هزاران سرباز اسلام، بر طبق همین وظیفه، به میدان جنگ روی آوردم و همیشه دوست داشته‌ام که جان خودم را در این راه فدا نمایم، تا شاید دراین دنیا کاری مثبت در راه اسلام انجام داده باشم و امیدوارم که مورد قبول حق تعالی قرار گیرم.

انشاءالله تمامی مردم ایران، همچنان که تا حال به فکر اسلام و جنگ بوده‌اند، الآن نیز باشند و آن را فراموش نکنند و با شوق تمام به سوی جبهه‌ها روان شوند، تا راه تمامی شهیدان گلگون کفن را، که با خون خود خط سرخ شهادت را به ما آموختند، ادامه داده باشند. همان‌طوری که همهٔ ما می‌دانیم، راه شهیدان عزیزمان همان راه امام و اطاعت از روحانیت مبارز و اصیل می‌باشد. امیدوارم که مردم ما همچنان که تا حال در این راه بوده‌اند، همواره از این راه پشتیبانی و حمایت نمایند و تابع امام عزیزمان باشند و با

تیزهوشی و زیرکی، جریان‌های غیراسلامی و التقاطی را درک نمایند و این جریان‌ها را از صحنهٔ سرزمین عزیزمان پاک نمایند. اما آنچه را می‌خواهم به خانواده‌ام بگویم آن است که ای پدر و مادر عزیزم! می‌دانم تا زمانی که در خانه بودم، برای شما فرزند خوبی نبودم و همچنین برای برادرانم، برادر خوبی نبودم،اما امیدوارم که همهٔ شما مرا عفو کنید و مرا ببخشید و از من راضی باشید، تا در روز قیامت در برابر شما سرافکنده و خجل نباشم.

پدر و مادرم! آنچه را که می‌خواهم در این آخرین لحظات زندگی با شما در میان بگذارم این است که مبادا از اینکه مرا دیگر نمی‌بینید ناراحت شوید و یا بر سر مزارم به گریه و زاری بپردازید، زیرا که خون من از خون هزاران شهیدی که تا حال برای برقراری پرچم «**لا اله الا الله**» فدا شده‌اند[1]، سرخ‌تر نبوده است، پس در این باره نبایستی هیچ‌گونه ناراحتی به خود راه دهید.

پدر، مادر و برادرانم! آنچه را که در رابطه با خانواده می‌خواهم به شما بگویم مربوط به خواهر کوچک 7 ساله‌ام و برادرانم ناصر و علی می‌باشد. دوست دارم که این خواهر کوچکم را زینب‌وار پرورش دهید و او را از نظر اسلامی در خانواده‌مان الگو نمایید و آن دو برادر کوچکم را نیز طوری پرورش دهید که در آینده بتوانند برای جامعهٔ اسلامی ما سودمند باشند و نگذارید که به‌سوی جریان‌های انحرافی کشیده شوند.

در پایان از پدر و مادر و برادران و خواهران خود مؤکداً می‌خواهم که همواره در خط اصیل رهبری حرکت کنند و هرگز فریب جریان‌های انحرافی را نخورند. و ا ما آخرین دعا و شعارم را از ته قلب سر می‌دهم، خدایا، خدایا، تا انقلاب مهدی، خمینی را نگه‌دار، الله اکبر، الله اکبر، الله اکبر، خمینی رهبر. مرگ بر آمریکا، مرگ بر شوروی، مرگ بر اسرائیل، مرگ بر منافقین[2] و صدام.

«والسلام»

تاریخ 60/9/4 محمود شاهین‌فر

1- در اصل وصیت «فدا کردند».

2- ر.ک. تعلیقات.



(وصیتنامه شهید محمود شاهین فر)

"بسم الله الرحمن الرحیم"

"اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْئَلُکَ التَّوْبَةَ قَبْلَ الْمَوْتِ وَ الرّاحَةَ عِنْدَ الْمَوْتِ وَ الْمَغْفِرَةَ بَعْدَ الْمَوْتِ وَ الْعَفْوَ عِنْدَ الْحِسابِ" .

پس از درود برهبرکبیرو امام بزرگوارمان حضرت آیت ا . . . امام خمینی ، میخواهم چند کلمه ای رابعنوان وصیت بر روی کاغذ بیاورم .

این وصیت ، وصیت یك سرباز از میلیونها سرباز خمینی میباشدکه در راه اسلام به نبرد برعلیه استکبارجهانی برخاسته اند و امیدوارم که این موضوع رادرعمل واقعا" نشان داده باشم .

من این وصیت رابدو قسمت تقسیم می کنم ، قسمت اول آنرابامردم عزیزایران میگویم و قسمت دوم آنرا با خانواده ام درمیان می گذارم :

آنچه رامیخواهم بعموم مردم ایران بگویم این است که همه باید بدانند جنگ ایران و عراق ، جنگ بین دوکشور و یاجنگ برسرخاك نیست ، بلکه جنگ بین دو جریان حقّ و باطل میباشد و مسئله اسلام و کفر درمیان است . بنابراین جنگیدن باباطل مسئله ای است که اجرای آن برهمه" ماواجب میباشد و بنابوظیفه شرعی همه باید دراین جنگ شرکت کنند .

من نیز مانند هزاران سرباز اسلام برطبق همین وظیفه به میدان جنگ روی آوردم و همیشه دوست داشتم که جان خودم رادراین راه فدا نمایم تاشاید دراین دنیاکاری مثبت در راه اسلام انجام داده باشم و امیدوارم که مورد قبول حق تعالی قرارگیرم .

انشاء ا . . . تمامی مردم ایران همچنانکه تاحال به نکراسلام و جنگ بوده اند الآن نیز باشند و آنرافراموش نکنند و باشوق تمام به سوی جبهه هاروان شوند تاراه تمامی شهیدان گلگون کفن راکه باخون خود خط سرخ شهادت رابه ما آموختند ادامه داده باشند .

همانطوریکه همه" میدانیم راه شهیدان عزیزمان همان راه امام و اطاعت از روحانیت مبارز و اصیل میباشد . امیدوارم که مردم ماهمچنان که تاحال دراین راه بوده اند همواره ازاین راه پشتیبانی و حمایت نمایند و تابع امام عزیزمان باشند و باتیزهوشی و زیرکی جریانهای غیراسلامی و التقاطی رادرك نمایند و این جریانها را از صحنه سرزمین عزیزمان پاك نمایند .

امّا آنچه رامیخواهم به خانواده ام بگویم آن است که ای پدر و مادرعزیزم ، میدانم تازمانیکه درخانه بودم برای شمافرزندخوبی نبودم و همچنین برای برادرانم ، برادرخوبی نبودم . امّا امیدوارم که همه" شما مراعفو کنید و مرابیخشید و ازمن راضی باشید تادر روز قیامت دربرابرشما سرافکنده و خجل نباشم .

پدر و مادرم آنچه راکه میخواهم دراین آخرین لحظات زندگی باشمادرمیان بگذارم این است که مبادا ازاینکه مرادیگرنمی بینید ناراحت شوید و یابرسرمزارم به گریه و زاری بپردازید ، زیراکه خون من از خون هزاران شهیدی که تاحال برای برقراری پرچم "لااله الاالله" فداکردند سرخ تر نبوده است ، پس دراین باره نبایستی هیچگونه ناراحتی بخودراه دهید .

پدر ، مادر و برادرانم آنچه راکه در رابطه باخانواده میخواهم به شمابگویم مربوط به خواهرکوچك ۷ ساله ام و برادرانم ناصر و علی می باشد ، دوست دارم که این خواهرکوچکم رازینب وار بروش دهید و

اورا از نظر اسلامی درخانواده‌ما ن الگو نمائید و آن دو برادر کوچکم رانیز طوری پرورش دهیدکه درآینده بتوانند برای جامعهٔ اسلامی ما سودمند باشند و نگذارید که بسوی جریانهای انحرافی کشیده شوند .

درپایان ازپدر و مادر و برادران و خواهران خود مؤکداً میخواهم که همواره درخط اصیل رهبری حرکت کنند و هرگز فریب جریانهای انحرافی رانخورند .

و امّا آخرین دعا و شعارم را از ته قلب سر میدهم :

"خدایا، خدایا تا انقلاب مهدی خمینی رانگهدار"

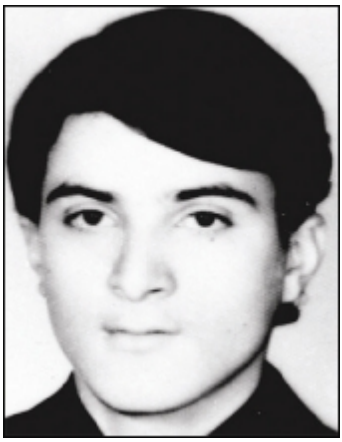
" اللّه اکبر ـ اللّه اکبر ـ اللّه اکبر ـ خمینی رهبر"

"مرگ برآمریکا ـ مرگ برشوروی ـ مرگ براسرائیل ـ مرگ برمنافقین و صدّام"

(والسّلام)

تاریخ ، ۶۰/۹/۴

بسیج سپاه پاسداران ـ گروه مقاومت مجدّدیه
(مالک اشتر)



نام: **علیرضا**
نام خانوادگی: **شاهینی**
نام پدر: **حسین**
نام مادر: **شهربانو**
تاریخ تولد: **یکم فروردین** 1349
محل تولد: **شهرستان شاهرود**
تحصیلات: **چهارم متوسطه**
ارگان اعزام‌کننده: **بسیج**
تاریخ شهادت: **بیست‌و دوم دی** 1365
محل شهادت: **شلمچه**
نحوهٔ شهادت: **اصابت ترکش**
مزار: **گلزار شهدای زادگاهش**

عبارت‌های کلیدی

- شما ملت مقاوم و بیداردل و سلحشور ایران که تمام وجودتان را وقف این انقلاب کرده‌اید.
- شکر خدای می‌کنم که قدری مهلتم داد تا اسلام واقعی را بشناسم.
- امروز افتخار ما این است که در راه عقیده‌ای جهاد می‌کنیم که به حقانیت آن کاملاً آگاهیم.
- با کمال میل به جبههٔ مقدس که برای پیروزی اسلام عزیز است رفتم.
- از شما عاجزانه می‌خواهم که قدر این ابر مرد مجاهد را بدانید.
- و اکنون که عازم به میدان نبرد هستم، شهادت را کاملاً در وجودم لمس می‌کنم.
- مرگ را از عسل بر وجودم گواراتر می‌دانم.
- شهادت حد نهایی تکامل یک انسان است.
- من هم به نوبهٔ خود از آقا و سرورم حضرت علی‌اکبر(**7**) درس شهادت را یاد گرفتم.
- برادران خوب غیر از اسلام و قرآن به چیز دیگری فکر نکنید.
- شما نیز سعی کنید که راه خدا و راه امام حسین(**7**) را ترویج نمایید.

علیرضا شاهینی

بسم الله الرحمن الرحیم

«ان الله اشتری من المؤمنین انفسهم و اموالهم بان لهم الجنة یقاتلون فی سبیل‌الله»[1]

با نام الله پاسدار حرمت خون شهیدان، و با سلام و درودی بی‌پایان خدمت ولی‌عصر، آقا امام زمان (عج) [و] نایب برحقش، اسوهٔ صبر و مقاومت و تقوی، امید مستضعفان جهان و ملت ایران، این رهبر دلسوز و بیداردل بزرگوار، حضرت امام خمنیی و شهیدان گلگون کفن، این فرشتگان ملکوت اعلا و عاشقان جانباخته. که خالصانه به بزرگ‌ترین و تنهاترین آروزی خود رسیدند. و تمامی رزمندگان غیور و شجاع و مخلص، این عاشقان جان‌برکف آزاده که از جان و مال خود گذشتند و جانشان را که کوچک‌ترین و تنهاترین دارائیشان بود [...][2] راه خدا در طبق اخلاص گذاشتند. و شما ملت مقاوم و بیداردل و سلحشور ایران که تمام وجودتان را وقف این انقلاب کرده‌اید و از جان و مال و فرزند خود در این راه، که همان راه حسین(**7**) می‌باشد، دریغ ندارید.

شکر خدای می‌کنم که قدری مهلتم داد تا اسلام واقعی را بشناسم و در خاموشی جهل از دنیا نروم. و امروز افتخار ما این است که در راه عقیده‌ای جهاد می‌کنیم که به حقانیت آن کاملاً آگاهیم و غیر از این برایمان راهی نمی‌ماند که یا پیروز شویم و یا شهادت را چون جامی پر از عسل بنوشیم. و من بر اساس رسالت و مسئولیتی که حس نمودم، در راه خدا و برای پاسداری و حراست از انقلاب اسلامی، که تبلور اسلام و خون‌بهای هزاران شهید می‌باشد، با کمال میل به جبههٔ مقدس که برای پیروزی اسلام عزیز است رفتم و گام نهادن در این مسیر خدایی را یک فریضه می‌دانم و اگر در این راه دشمن را شکست دهیم، پیروزیم و اگر هم کشته شویم باز هم پیروزیم[3] که زهی سعادت می‌خواهد.

به هر حال این مایهٔ شکر پروردگار و افتخار برای ما و ماست که در این راه به درجهٔ رفیع شهادت می‌رسیم و با جاری شدن این خون‌هاست که انقلابمان بارور می‌شود و به

1- توبه / 111.

2- خوانا نیست.

3- اشاره به سورهٔ توبه/ 52.

حکومت عدل الهی آخرالزّمان متصل می‌گردد. و ما می‌توانیم با خون خود که در مقابل اسلام ناچیز است، زمینهٔ حکومت دادگستر حضرتش را فراهم نماییم و همان‌طوری که آرزوی همهٔ ماست، این انقلاب را به رهبری حضرت امام امت به انقلاب جهانگیر حضرت مهدی(عج) «**بقیةالله الاعظم ارواحنا له الفدا**» پیوند زنیم. و من از شما عاجزانه می‌خواهم که قدر این ابر مرد مجاهد را بدانید و از بیانات گهربارش جداً استفاده نمایید، که به راستی خداوند نعمت گران‌بها و عظیمی را به ما عنایت فرموده و رهبری باتقوی و دلسوز و زحمتکش و خیرخواه و غیور و شجاع و مقاوم و بیداردل و آزاده نصیب ما کرده است که هیچ‌گاه از پای نمی‌افتد. و همیشه سعی شما این باشد که گوش به فرمانش باشید و حداکثر استفاده را از وجود شریف و بابرکتش بنمایید. و اکنون که من در جبهه هستم، هیچ‌گونه وحشت و نگرانی در وجودم احساس نمی‌کنم، بلکه خیلی مسرورم که این آگاهی را دریافتم و می‌توانم بفهمم که چنین رهبر و ولی امری دارم که فرمانش بلادرنگ اجرا شدنی است و ما همه با رضایت کامل مجری آن هستیم.

و اکنون که عازم به میدان نبرد هستم، شهادت را کاملاً در وجودم لمس می‌کنم و ذره‌ای تردید بر من مستولی نیست و این مرگ را از عسل بر وجودم گواراتر می‌دانم، چون اطاعت از امام است و این وظیفهٔ شرعی هر مسلمان است.

و اما شما پدر و مادر عزیزم! اکنون که وصیت‌نامهٔ مرا باز کرده‌اید و می‌خوانید، می‌دانم چشمانتان اشکبار شده، چون ذاتاً در نهاد هر خانواده‌ای موجود است که وقتی عزیزی را از دست می‌دهد، در لحظهٔ اول غمگین می‌شوند، ولی سپس با صبر خداوندی استقامت می‌کنند و من از شما خواهش می‌کنم که برای من گریه نکنید، زیرا بردباری و صبر شما بیشتر باعث شکست دشمن و روحیه برای خودمان می‌شود. مگر عاشورا را چه کسی زنده نگه‌داشت؟ جز آن تبلیغات و سخنرانی‌ها و مظلومیت‌های بعد از شهادت بود که کمر دشمن را شکست و دل دوست را سوزاند؟ و مگر خون ما رنگین‌تر از حضرت قاسم[1] (**7**) و علی‌اکبر[2] حسین(**7**) است که مظلومانه در صحرای کربلا کشته شدند و ما خاک کف پای آنان هم حساب نمی‌شویم؟ و از خدای تبارک و تعالی عاجزانه

1- ر.ک. تعلیقات.

2- ر.ک. تعلیقات.

می‌خواهم که این بدن نحیف و بی‌طاقت ما را چنان در راه خودش تکه تکه و مجروح سازد که لااقل ارزش یک قطره از خون شهدای کربلا را داشته باشیم.

پدر گرامی! امیدوارم که برای از دست دادن فرزندانتان غصه و افسوس نخورید که شهادت حد نهایی تکامل یک انسان است و آمادهٔ از دست دادن فرزندان خود در راه خدا باشید. درود بر تو که مردانه[1] فرزندت را در راه خدا هدیه کردی و به فرمان خدای بزرگ به دیدار عاشقان و قربانگاه کربلا فرستادی. بدان و آگاه باش که فرزندت هرگز از فرمان باری‌تعالی سرباز نمی‌زند و مرگ در راه خدا را جز سعادت چیز دیگری نمی‌داند و شهادت را جزو بهترین نعمت‌های خداوند می‌شمارد که نصیب هر کس نمی‌شود.

پدرم! از اینکه حس می‌کردم در مکانی راحت قرار بگیرم و در سنگر نباشم، غمگین بودم. من نمی‌توانستم به خود بقبولانم که برادرانم در مرزها شهید می‌شوند و من هر روز شاهد این باشم که فلان قدر کشته یا زخمی شدند. چگونه می‌توانستم مشاهده کنم که هر روز عده‌ای از بهترین جوانان ما کشته می‌شوند و من به کارهای روزمرهٔ خود مشغول باشم. می‌دانم که از دست دادن من شاید سنگین باشد، ولی مگر غم از دست دادن علی‌اکبر(7) بر امام حسین(7) سنگین نبود؟ مگر آنها نبودند که کشته شدند تا دین اسلام پابرجا باشد؟ من هم به نوبهٔ خود از آقا و سرورم حضرت علی‌اکبر(7) درس شهادت را یاد گرفتم و آموختم که زندگی مادی نکبت‌بار است و نباید منتظر باشم که مرگ ما را فراگیرد، بلکه باید رفت و آن را در آغوش گرفت و شما هم مانند مولا و آقایمان، حضرت امام حسین(7)، صبر واستقامت و آزادگی را پیشهٔ خود کنید.

مادر عزیز! سلام بر تو که بالاخره بر احساس مادرانه‌ات پیروز شدی و فرزندت را روانهٔ میدان نبرد کفار و مسلمین کردی و گفتی که تو را در راه خدا هدیهٔ انقلاب اسلامی می‌کنم. و من بر وجود تو افتخار می‌کنم که مادری از سلالهٔ حضرت زینب(8) هستی. و من همیشه از پروردگار عالم و کسی که جان من در ید قدرت اوست، خواستار آمرزش گناهان و راضی بودن شما از خودم بوده‌ام و امیدوارم که این حاجت من مورد قبول درگاه الهی قرار گرفته باشد. و از شما می‌خواهم هرگونه افسردگی و ناراحتی را از خود دور کنید و

1- در اصل وصیت «مردانه‌وار».

همیشه خوشحال و امیدوار باش و مرا دعا کن که خداوند این لیاقت را بـه مـن بدهـد کـه بتوانم در روز قیامت شماها را هم فراموش نکنم.

برادران خوب و عزیزم! هشیار باشید و غیر از اسلام و قرآن به چیز دیگری فکـر نکنیـد که هر چه خیر و صلاح انسان است در این کتاب و در این راه نهفته است. و شما نیز سعی کنید که راه خدا و راه امام حسین(7) را ترویج نمایید و در این راه از بـذل جـان و مـال خویش دریغ نفرمایید و پیوسته در راه اعتلای اسلام عزیز کوشا و تمامی فرامین امـام را بـه جان و دل پذیرا باشید که زمان، زمان حسین(7) است و ایام عاشورا، کـه جـان دادن در راه این هدف افتخار است.

خواهران مهربان و عزیزم! بیدار باشید و بدانید که فقط با گریه و ناله وظیفهٔ شـما انجـام نمی‌گیرد، بلکه باید ابتدا صبر واستقامت را پیشهٔ خود کنید و سپس زینب‌گونـه پیـام خـون شهیدان را به گوش جهانیان، از دوست و دشمن برسانید؛ تا بدین‌وسیله باعث جوشـشی در دل دوستان و شکست و ناامیدی در دل دشمنان شود. و همیشه حجاب و پاکدامنی و تقوی الهی را سرلوحهٔ زندگی خودتان قرار دهید تا بتوانید بدین‌وسیله بهتر با اعمال و کردار خود به تبلیغ حقیقت واقعی دین اسلام و ادامه دادن راه شهیدان بپردازید.

دوستان، آشنایان و هم‌وطنان عزیز و گرامی! این آب و خاک و این ایـران عزیـز و ایـن مکتب پرشکوه و حق‌جوی اسلام بر گردن ما حـق دارنـد، در حفـظ آنهـا کوشـش کنیـد و نگذارید به‌دست اجنبیان از بین برود. [...][1] را به جان عزیزانتـان علـی‌وار و حـسین‌گونـه و خمینی‌مانند، بر همهٔ دشمنان داخلـی و خـارجی اسـلام و ایـن انقـلاب بخروشـید[2] و ایـن انقلاب را به سرتاسر گیتی برسانید. چون هم‌اکنون ما پـرچم‌دار اسـلام هـستیم، بایـد آن را همه‌گیر کنیم و برای نگهداریش حتی جان ناقابلمان را نیز باید هدیه کنیم، و الّا وای به روز و احوال ما، اگر این انقلاب نابود شود.

امت مسلمان! اسلام پس از گذشت سال‌ها بار دیگر جان دوباره‌ای بگرفته است و قلـب این اسلام، ولایت فقیه است. پس ولایت فقیه را بایـد سـالم نگـه‌داریـد تـا اسـلام جـانش سلامت باشد. و ناگفته نماند که باید جوارح یک جان را نیز سلامت نگهداشت و آن یـاران

1- در هنگام بازنویسی وصیت شهید، عبارت یا عباراتی افتاده است.

2- در اصل وصیت «بخوروشید».

باوفا و پیرو خط امام هستند، که اطاعت از آنها نیز امری است بسیار مهم و واجب و باید با تمام وجود و قدرت حمایتشان کنید که وظیفه شرعی نیز می‌باشد. و گوش بـه توطئـه‌هـا و شایعات مشرکین و منافقین[1] ندهید که همچون طبل، توخالی و صدایشان زیاد اسـت، ولـی بدانید که با کوچک‌ترین عکس‌العمل و مقاومت همه نابود شدنی و از بین رفتنی هستند.

و ای جوانان و امیدان آینده! سعی کنید همیشه وظیفهٔ خودتان را بدانید و هـدفتان را در زندگی مشخص نمایید و من معتقـدم کـه وظیفـهٔ هـر انـسان، خداشناسـی، خودشناسـی و دنیاشناسی و آنچه مربوط به دنیا هست، می‌باشد. امیدوارم که خدا را فرامـوش نکنیـد و در همهٔ شئون زندگی به یاد او باشید و فقط از او کمک بطلبیـد و خودتـان را هـم بـا اخـلاق اسلامی بسازید، و همیشه سعی کنید شما بر هوای نفس خود غالب باشید، نه هـوای نفـس بر شما. و دل به دنیا نبندید و آزاد مرد باشید و ماننـد علـی‌اکبـر[2] حـسین(**7**) کـه مظهـر فضیلت بود در مقابل زور و زورگو قد علم کنید و راه شهیدان را ادامه دهید.

بار الها! پروردگارا! این هدیهٔ خون ناقابل ما، پیروان فرستاده‌ات حضرت محمـد(**6**) و فرزندش خمینی بت‌شکن را بپذیر و ما را از سربازان ولی‌عصر(عج) قرار بده و آرزوی ما [را]، که همان نعمت پرلطف شهادت می‌باشد، برآورده ساز و ایـن بنـدهٔ حقیـرت را جـزو[3] غلامان و چاکران سرور شهیدان حضرت حسین بن علی(**7**) قرار بده. و تو خود شاهد و آگاهی که این تلاش و پیکار ما نه از آن جهت است که به پایگاه قدرتی برسیم و یا چیـزی از کالاهای بی‌ارزش دنیا را به چنگ آوریم، بلکه بدان جهت است که نـشانه و پـرچم‌هـای دین تو را برافرازیم و به مردم جهان شایستگی و راه هدایت و پرهیزگاری را هدیه آوریـم، تا بندگان ستمدیدهٔ تو امان یابند و ستمگران به کیفر خویش برسند.

خدایا! تو جانم دادی و جانم را خواهی گرفت، پس مرا در آن صراطی گذار که هیچ‌گاه در لحظهٔ جان دادن غفلت نخورم [کذا] و هرگز مرا به خودم وامگـذار کـه بـی تـو همیـشه هیچم. بار خدایا! این جمع و این بندهٔ حقیر را که می‌بینی به حدی گناهکـاریم و از فرمـان تو سرپیچی کرده‌ایم که همگی در پیشگاه کبریایی تو شرمساریم، مـا را از بخـشیده‌شـدگان

1- ر.ک. تعلیقات.

2- ر.ک. تعلیقات.

3- در اصل وصیت «جزء».

درگاهت قرار بده و پدر و مادران را هم ببخش و بیامرز که آنها نیز بی‌تـو روسـیاهند. الهـا! امت ما را پیروز بفرماو قدردان این انقلاب و اسلام و امام بگردان و این انقلاب را زمینه‌ساز ظهور حضرتش بفرما و ظهورش را نیز نزدیک بگردان.

خدایا خدایا، تا انقلاب مهدی، خمینی را نگهدار.

«والسلام علیکم و علی من اتبع الهدی[1]»

علیرضا شاهینی

دوشنبه 1365/10/1

1- در اصل وصیت «والسلام علیکم من الطبع الهدی».

بسم الله الرحمن الرحیم

إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَىٰ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُم بِأَنَّ لَهُمُ الْجَنَّةَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ

بنام الله با سداد خون شهیدان و با سلام و درود بی پایان خدمت ولی عصر (ع) امام زمان عج نائب برحق، اسوهٔ صبر و مقاومت و تقوی، امید مستضعفان جهان و ملت ایران، این رهبر بصیر و بیدار و پرگزار و حضرت امام خ... شهیدان گلگون کفن همین نزدیکان ملکوت اعلی و ماشقان جانباخته که خالصانه و گزین و تنها ترین آرزوی خود رسیدند و تمامی رزمندگان غیور و شجاع و مخلص، این عاشقان جان برکف آزاده که از جان و مال خود گذشتند و جانشان را که کوچکترین و تنها ترین دارائیشان بود فدا را در محضر ربوبی اخلاص گذاشتند، و شما ملت مقاوم و بیدار دل و سلحشور ایران که تمام وجودتان را وقف این انقلاب کرده اید و از جان و مال و فرزندخود در این راه که همان راه حسین (ع) می باشد دریغ ندارید.

شکر خدای می کنم که قدری مهلتم داد تا اسلام واقعی را بشناسم و در خاموشی جهل از دنیا نروم، و امروز افتخار ما این است که در راه عقیده ای جهاد می کنیم که به حقانیت آن کاملاً آگاهیم و نیز این براهان واهی نمی ماند که یا پیروز شویم و یا سعادت را چون جامی پر از عسل بنوشیم، و من بر مبنای این رسالت و مسئولیتی که حس نمودم در راه خدا و برای پاسداری و حراست از انقلاب اسلامی تبلور اسلام و خونهای هزاران شهید می باشد با کمال میل به جبههٔ حق بس که برای پیروزی اسلام بر یزیدیت رحتم و گام نهادن در این مسیر خدایی را یک فریضه می دانم و اگر ندای را دشمن را شکست دهیم، پیروز یم، و اگر هم کشته شویم باز هم پیروز یم که زهی سعادت می خواهد.

بهرحال این مایهٔ شکر پروردگار و افتخار برای ما و شماست که در این راه به درجهٔ رفیع شهادت می رسیم، و یا جاری شدن این خونهاست که انقلابمان بارور می شود و بحکومت عدل الهی قرآن متصل می گردد، و ما می توانیم با خون خود که در مقابل اسلام ناچیز است زمینهٔ حکومت دادگستر حضرتش را فراهم نمائیم و همانطوری که آرزوی همه ماست، این انقلاب را به رهبری حضرت امام امت به انقلاب جهانگیر حضرت مهدی (ع) بقیة الله الاعظم ارواحنا له الفدا پیوند زنیم. و من از شما برادران می خواهم که قدر این نعمت گرانبها، عظیمی را به ما عنایت فرموده و رهبری با تقوی و دلسوز و زحمتکش و خیرخواه و غیور و شجاع و مقاوم و بیدار دل و آزاده نصیب ما کرده است که هیچگاه از پای ننشیند و همیشه سعی شما این باشد که گوش به فرمانش باشید و حداکثر استفاده را از وجود شریف و با برکتش بنمائید. و اکنون که من در جبهه هستم، هیچگونه وحشت و نگرانی در وجودم احساس نمی کنم، بلکه خیلی مسرورم که این آگاهی را دریافتم و می توانم بفهمم که چنین رهبر و ولی امری دارم که فرمانش بلادرنگ اجرا شدنی است و ما همه با رضایت کامل مجری آن هستیم.

واکنون که عازم به میدان نبرد هستم، شهادت را کاملاً در وجودم لمس می کنم و ذره ای تردید در من وجود نیست و این مرگ را از عسل بر وجودم گوارا تر می دانم، چون اطاعت از امام است و این وظیفهٔ شرعی هر مسلمان است.

و اما شما پدر و مادر عزیزم؛ اکنون که وصیتنامهٔ مرا باز کرده اید و می خوانید می دانم چشمانتان اشکبار و شده چون ذاتاً در نهاد هر خانواده ای موجود است که وقتی عزیزی را از دست می دهد در لحظهٔ اول غمگین می شوند ولی سپس با صبر خداوندی استقامت می کنند، و من از شما خواهش می کنم که برای من گریه نکنید، زیرا بُرد بار و سنگین شما بیشتر باعث شکست دشمن و روحیه برای خودمان می شود. مگر عاشورا را چه کسی زنده نگه داشت؟ جز آن تبلیغات وسفرا نینوا و مظلومیتهای بعد از شهادت بود که کمر دشمن را شکست و دل دوستان را سوزاند. و مگر خون مارنگین تر از حضرت قاسم و علی اکبر حسین (ع) است، که مظلومانه در صحرای کربلا کشته شدند و ما خاک کف پای آنان هم حساب نمی شویم و از خدای تبارک و تعالی عاجزانه می خواهم که این بدن نحیف و بی طاعت ما را چنان در راه خودش تکه تکه و مجروح سازد که لااقل ارزش یک قطره از خون شهدای کربلا را داشته باشیم.

پدر گرامی! امیدوارم که برای از دست دادن فرزندانتان غصه و افسوس نخورید که شهادت حدّ نهایی تکامل یک انسان است و آماده از دست دادن بقیهٔ فرزندان خود در راه خدا باشید. درود بر تو که مردانه وار فرزندت را در راه خواهد به گردی و به فرمان خدای بزرگ به دیدار عاشقان و چشم بانگاه کربلا فرستادی، بدان و آگاه باش که فرزندت هرگز از فرمان باری تعالی سرباز نمی زند و مرگ در راه خدا را جز سعادت چیز دیگری نمی داند و شهادت را جزو بهترین نعمتهای خداوندی می شمارد که نصیب هرکس نمی شود. پدرم! از اینکه حس می کردم در کنارت نیستم و در سنگر نباشم غمگین بودم، من نمی توانستم به خود بقبولانم که برادرانم در صف اول مرگ شهید می شوند و من هر روز شاهد این باشم که فلان قدر کشته یا زخمی شدند. چگونه می توانستم مشاهده کنم که هر روز عده ای از بهترین جوانان ما کشته می شوند و من به کارهای روزمرهٔ خود مشغول باشم. می دانم که از دست دادن من شاید سنگین باشد، ولی مگر خدا از دست دادن علی اکبر (ع) را امام حسین (ع) سنگین نبود، مگر آنها نبود که کشته شوند تا دین اسلام پابرجا شود. من هم به نوبهٔ خود از آقا و سرورم حضرت علی اکبر (ع) درس شهادت را یاد گرفتم و آموختم که زندگی ما در کنار اوست و باید منتظر باشم که

مرگ ما را فرا گیرد، بلکه باید رفت و آنرا در آغوش گرفت. و شما هم مانند مولا و آقایان حضرت امام حسین (ع) صبر و استقامت و آزادگی را پیشهٔ خود کنید.

مادر عزیز! سلام بر تو که با لاخره بر احساس مادرانه‌ات پیروز شدی و فرزندت را روانهٔ میدان نبرد کفار و مسلمین کردی. و گفتی که تو را در راه خدا هدیهٔ انقلاب اسلامی می‌کنم. من هر وجود تو افتخار می‌کنم که مادری از سلالهٔ حضرت زینب (ع) هستی. و من همیشه از پروردگار عالم و کسی که جان من در ید قدرت اوست، خواستار آمرزش گناهان و راضی بودن شما از خودم بوده‌ام و امیدوارم که این حاجت من مورد قبول درگاه الهی قرار گرفته باشد. از شما می‌خواهم که گریه را بسر دگی و ناراحتی را از خود دور کنید و همیشه خوشحال و امیدوار باشید و مرا دعا کنید که خداوند این لیاقت را به من بدهد که بتوانم در روز قیامت شما ها را هم فراموش نکنم.

برادران خوب و عزیزم: هشیار باشید و غیر از اسلام و قرآن به چیز دیگری فکر نکنید که هر چه غیر و سلاح انسان است در این کتاب و در این راه نهفته است و شما نیز سعی کنید که راه خدا و را امام حسین (ع) را ترویج نمائید. و در این راه از بذل جان و مال خویش دریغ نفرمائید. و پیرو سنت و راه مقتدای اسلام عزیز کبیر شما و تمامی نوامیس امام را بجان و دل پذیرا باشید که زمان ما همان زمان حسین (ع) است و ایام ما شور را که جان خود را در راه این هدف والا نثار است.

خواهران مهربان و عزیزم! بیدار باشید و بدانید که فقط با گریه و ناله و نظیر شما انجام نمی‌گیرد بلکه باید ابتداء صبر و استقامت را پیشهٔ خود کنید و سپس زینب گونه پیام خون شهیدان را به گوش جهانیان از دوست و دشمن برسانید تا بدینوسیله با سنجرشتی در دل دوستان و شکست و ناامیدی در دل دشمنان شود. و همیشه حجاب و پاکدامنی و تقوی الهی را سرلوحهٔ زندگی خودتان قرار دهید تا بتوانید بدینوسیله بیش با اعمال و کردار خود به تبلیغ حقیقت و اقعی دین اسلام و ادامه دادن راه شهیدان بپردازید.

دوستان، آشنایان و همولتان عزیز و گرامی! این آب و خاک و این ایران عزیز و این مکتب پرشکوه و قانون اسلام برگردن ما حق دارند، در حفظ آنها کوشش کنید و نگذارید بدست اجنبیان از بین برود را به جان عزیز امام علی وار و حسین گونه و خمینی مانند برهمهٔ دشمنان داخلی و خارجی اسلام و این انقلاب بخروشید و این انقلاب را به سرتاسر گیتی برسانید، چون هم اکنون ما پرچمدار اسلام هستیم باید آنرا به همه گیر کنیم و برای نگهداریش حتی از جان نثار نمائیم را نیز باید هدیه کنیم والا وای بروز و احوال ما اگر این انقلاب نابود شود.

امّت مسلمان ایران پس از گذشت سالها بار دیگر جان دوباره ای گرفته است و قلب این انقلاب ولایت فقیه است. پس ولایت فقیه را با جان و دل تا آخرین نفس پاس بدارید تا اسلام جاویدان سلامت بماند و نگذارید که بیگانگان و جیره خواران یک بار دیگر سلامت و آزادی را از ما بگیرند. از خداوند متعال می خواهم که همه شما را در پناه خود حفظ کند و به همه ما توفیق خدمت بدهد. از شما برادران و خواهران عزیز که در این جبهه ها حضور دارید و با جان و دل از اسلام و انقلاب دفاع می کنید و از شما که در پشت جبهه ها با کمک های مالی و معنوی خود به رزمندگان اسلام یاری می رسانید و از همه مردم شریف و انقلابی ایران که در این مدت با حضور خود در راهپیمایی ها و تظاهرات و با شرکت در انتخابات مختلف و با کمک های مالی خود به جبهه ها و جانبازان و خانواده های معظم شهدا و ایثارگران و با دعای خیر خود پشتیبان نظام و انقلاب بوده اند و هستند تشکر و قدردانی می کنم و از خداوند متعال برای همه آنان توفیق روز افزون خواستارم.

برادران و خواهران عزیز! شما می دانید که ما در این جبهه ها برای چه می جنگیم و چه هدفی را دنبال می کنیم. ما برای اسلام و برای حفظ ارزشهای والای اسلامی و انقلابی می جنگیم و از جان خود گذشته ایم تا این ارزشها در جامعه ما حاکم باشد و ما بتوانیم در سایه حاکمیت این ارزشها زندگی سالم و شرافتمندانه ای داشته باشیم. ما برای این می جنگیم که ظلم و ستم از جامعه ما رخت بربندد و همه مردم ما در رفاه و آسایش زندگی کنند. ما برای این می جنگیم که دست استعمار و استثمار و استحمار از سر ملت ما کوتاه شود و ما بتوانیم مستقل و آزاد و با عزت و سربلندی در جهان زندگی کنیم. ما برای این می جنگیم که دست ستمگران و زورگویان و قلدران و گردنکشان و متجاوزان از سر ملتهای مظلوم و محروم کوتاه شود و ما بتوانیم در کنار ملتهای مظلوم و محروم و مستضعف جهان با ستمگران و زورگویان و قلدران و گردنکشان و متجاوزان مبارزه کنیم و ما برای این می جنگیم که ندای توحید و ندای لا اله الا الله بر همه جهان طنین انداز شود و ما برای این می جنگیم که ندای اسلام و ندای قرآن و ندای محمد (ص) و ندای علی (ع) و ندای حسین (ع) و ندای خمینی بت شکن را به گوش همه جهانیان برسانیم و ما برای این می جنگیم که همان نعمت پرلطف و عظمتی که به ما داده شده است به همه ملتهای مظلوم و محروم و مستضعف جهان داده شود

تعلیقات

- **اسلام فقاهتی**: تعبیر اسلام فقاهتی از حضرت امام خمینی است. شأن بیان و تأکید حضرت امام در این موضوع این است که در سال‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی برخی از روشنفکران که آبشخور فکریشان متون و آثار غربی بود و به نوعی اختلاط در مبانی و اصول انقلاب رسیدند. به‌خصوص در مسائل و موضوع‌هایی که در ادامه انقلاب با آن روبه‌رو بودند از جمله مسائل سیاسی-اقتصادی و... به نوعی گرایش و وابستگی غربی دچار شده بودند، خطر این کار این بود در ادامه درازمدت از مبانی اصلی دوری شدند و به نوعی نگاه و تلقی از اسلام فقاهتی رنگ می‌باخت و اسلام التقاطی حاکم می‌شد. در مواردی هم نسبت به نگاه و حکم اسلام فقاهتی تردید می‌کردند. حضرت امام صریحاً اعلام کردند که اسلام ما اسلام فقاهتی و فقه ما فقه جواهری است با این موضع علمی و محکم و مستند امام، تمام حرف‌ها و تلقی‌های ناخالص یا التقاطی رنگ باخت. امام بعدها از همین اسلام در قالب اسلام ناب محمدی، در برابر اسلام امریکایی دفاع کرد و به آن اصالت بخشید.
- **اسماعیل (ذبیح‌الله)**: اسماعیل فرزند بزرگ حضرت ابراهیم از هاجر بود سال تولدش را 2085 قبل از میلاد نوشته‌اند. شاخص‌ترین نکته در زندگی حضرت اسماعیل این است که وقتی خداوند حضرت ابراهیم را مبنی بر میزان اطاعت و فرمانبری او از خود امتحان کرد از ابراهیم خواست که فرزندش را قربانی کند. حضرت ابراهیم بدون کوچکترین درنگ کارد بر گلوی فرزند نهاد. اما خداوند چون اخلاص ابراهیم را دید، به‌جای قربانی اسماعیل پذیرفت که گوسفندی قربان کند. سنت

قربانی در اعمال حج تمتع بـه همـان موضـوع برمـی‌گـردد. حـضرت اسـماعیل در تجدید بنای کعبه به پدر کمک می‌کرد.

- **ام وهب**: همسر عبدالله بن حباب کلبی، یکـی از زنـان شـجاع و مجاهـدی کـه در روز عاشورا شاهد وقایع خونین آن روز بود. ام وهب در روز عاشورا در فرستادن فرزند خود به میدان اصرار داشت و وقتی فرزندش اسیر شد، عمرسعد ملعون سرش را از تنش جدا کرد و سر را به نزد ام وهب آوردند. پس از پاک کردن خـون از صـورت فرزند و حمد و ستایش خداوند، سر را به سوی دشمن افکنـد، یعنـی آنچـه در راه خدا داده‌ام باز پس نخواهم گرفت (بحارالانوار، ج 17، ص17).
- **ان کان دین محمد**: تاکنون در هیچ کتاب و منبع معتبری یافت نشده که این عبارت «ان کان دین محمد لم یستقم الا بقتلی فیا سوف و خذینی» را به صراحت بـه حـضرت امام حسین(**7**) بدانند. در موسوعة کلمات الامام الحسین(**7**) و در کتاب دایرة المعارف تشیع چنین آمده است. «شیخ محسن (1335- 1305ق) فرزند حاج محمد حونری حائری آل ابی‌الحب، از اعـاظم خطبـا و شـعرای شـیعه و صـاحب دیـوان شعری به نام الحائریات است. قصیده معروفی دارد که زبان حال همه سوگواران در مجالس حسینی است. دو بیت شعر از زبان حال ابی عبدالله الحسین(**7**) دارد کـه چنین است:

اعطیـت ربـی موثقـاً لاینتهـی الا بقتلـی فاصـعدی و ذریتـی
ان کـان دیـن محمـد لـم یـستقم الا بقتلـی یاسـیوف خـذینی

- **باهنر، محمدجواد**: (1312- 1360ش) در سال 1312 در کرمـان متولـد شـد و در سـال 1342 در پی تحصیل علوم حوزوی به قم عزیمت کرد و از محضر بزرگـانی چـون آیت‌الله بروجردی، امـام خمینـی و علامـه طباطبـایی تلمـذ نمـود و در عـین حـال توانست در رشتهٔ الهیات نیز حائز درجهٔ دکتـرا شـود. شـهید بـاهنر در سـال 1327 به‌علت سخنرانی علیه رژیم اسراییل دستگیر شـد و از سـال 1341 فعالیـت سیاسـی خود را علیه رژیم شاه آغاز کرد. پس از پیروزی انقلاب سـمت‌هـای مهمـی چـون عضویت در شورای انقلاب، نمایندگی مردم کرمان در مجلس خبرگـان، نماینـدگی مردم تهران در مجلس شورای اسلامی و نیز وزارت آموزش و پـرورش را برعهـده

داشت و سرانجام در 8 شهریور 1360 در حادثهٔ انفجار دفتر نخست‌وزیری به همراه شهید رجایی به شهادت رسید.

- **بیت‌المقدس**: «قدس»، نام دیگر آن مسجدالاقصی است. مسلمانان معتقدند معراج پیغمبر اکرم(6) از آنجا آغاز شده است و به‌عنوان قبله اول مسلمانان و دومین حرم است. اسرائیل بارها در صدد تصرف آن برآمده است و قسمت‌هایی از آن را اشغال کرده است. در قدیم آن را اورشلیم می‌خواندند. یهودیان آن را پایتخت یهود می‌دانند. در آنجا پرستش‌گاه‌هایی ساخته‌اند. کوروش شاه ایرانی در سال 445 قبل از میلاد این شهر را آزاد ساخت. امروز یکی از مراکز مقاومت مسلمانان در برابر صهیونیسم متجاوز و غاصب است.
- **جبهه ملی (ملی‌گرا)**: از احزاب سیاسی ایران بود که نطفه اولیه آن از دوران فعالیت‌های دکتر محمد مصدق بسته شد. این سازمان تاکنون به علت نوسانات مختلف بیش از پنج بار تجدید حیات کرده است. فعالیت‌های این جبهه به علت تعارض و مواضع مخالف با نظام جمهوری اسلامی غیرقانونی اعلام شده است. در سال‌های دفاع مقدس نهضت آزادی و سایر تشکل‌های سیاسی جزو مخالفان جدی جنگ بودند. وابستگی شدید آنان به جریان‌های سیاسی- حقوقی غرب، مواضعشان را از نظام جمهوری اسلامی بسیار دور کرده است.
- **حزب جمهوری اسلامی**: مهم‌ترین تشکل مسلمانان انقلابی، با محوریت روحانیت محسوب می‌شد. در 29 اسفند 1357 اعلام موجودیت کرد. بنیان‌گذاران آن روحانیونی چون آیت‌الله دکتر بهشتی، آیت‌الله عبدالکریم موسوی اردبیلی، آیت‌الله اکبر هاشمی‌رفسنجانی، آیت‌الله سیدعلی خامنه‌ای و دکتر محمدجواد باهنر بودند. علاوه بر هیأت مؤسس، آقایان شهید حسن آیت، اسدالله بادامچیان، دکتر عبدالله جاسبی، مهندس میرحسین موسوی، آقای مهدی کروبی، حبیب‌الله عسگراولادی، دکتر سیدمحمود کاشانی، مهدی عراقی و علی درخشان از اعضای شورای مرکزی حزب بودند. با انفجار دفتر مرکزی حزب در 7 تیر 1360، تعدادی از اعضای اصلی حزب شهید شدند. پس از آن فاجعه، در 8 شهریور هم دکتر باهنر شهید شد. از آن زمان بود که عملاً حزب تعطیل شد. دبیر کل حزب پس از شهید بهشتی و شهید باهنر، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای شد. این حزب در دوران کوتاه حیات و فعالیت

خود در سازمان‌دهی نیروهای انقلاب نقش شایان توجهی را ایفا می‌کرد و در اکثر استان‌ها دارای دفتر نمایندگی بود. تشکل‌های سیاسی چپ و ملی‌گرا حزب جمهوری اسلامی را به‌عنوان اصلی‌ترین رقیب سیاسی خود تا قبل از تعطیلی محسوب می‌کردند.

- **حسینی بهشتی، سیدمحمد**: (1357-1307ش) در محلهٔ لومبان اصفهان به دنیا آمد و تحصیلات خود را تا دوم متوسطه در آن شهر ادامه داد و پس از چندی در پی تحصیل علوم حوزوی راهی شهر قم گردید و چندی بعد برای تحصیل در رشتهٔ الهیات وارد دانشگاه شد و توانست تحصیلات خود را تا اخذ درجهٔ دکتری ادامه دهد. دکتر بهشتی پس از فراغت از تحصیل، فعالیت گسترده خود را در آگاهی نسل جوان و نیز شرکت در فعالیت‌های سیاسی و مبارزاتی در رژیم پهلوی آغاز کرد و پس از انقلاب، پس از فعالیت‌های بسیار گسترده در تمام ابعاد اجتماعی و سیاسی و مذهبی، در هفتم تیرماه 1360 در انفجار دفتر مرکزی حزب جمهوری اسلامی، به دست عناصر کوردل منافق به همراه یاران خود به شهادت رسید.
- **حضرت علی‌اصغر**: فرزند شیرخوار امام حسین(7) بود که روز عاشورا از شدت تشنگی بی‌تاب شده بود. امام حسین(7) وقتی تمام یاران را از دست داد، خطاب به دشمنان گفت: «ان لم ترحمونی فارحموا هذا الطفل» در همین حال که فرزند روی دست امام بود، حرمله تیری به‌سوی فرزند پرتاب کرد که گوش تا گوش علی‌اصغر(7) را شکافت و خون گلوی او را به آسمان پاشید. علی‌اصغر را باب‌الحوائج، طفل رضیع، شش ماهه، شیرخواره نیز می‌نامند. (فرهنگ عاشورا، جواد محدثی)
- **حضرت علی‌اکبر** فرزند ابی‌عبدالله الحسین(7) بود و در سال 43 قمری در مدینه متولد شد. جوانی خوش‌چهره، زیبا و خوش‌زبان و دلیر بود. از جهت سیرت و خلق‌وخوی و صباحت رخسار شبیه‌ترین مردم به پیامبر اکرم(6) بود. علی‌اکبر(7) در روز عاشورا در کنار پدرش امام حسین(7) فعالانه به مبارزه می‌پرداخت. وی نخستین شهید بنی‌هاشم در روز عاشورا بود. نقل است که در نبرد روز عاشورا تا دویست تن از سپاه عمربن سعد را به هلاکت رساند. پس از آنکه توسط مرة بن منقذ عبدی بر فرق مبارکش ضربه‌ای وارد آمد، دشمن جرأت پیدا

کرد به او هجوم آورد. پس از آن توسط دشمن آماج تیغ شمشیر و نوک نیزه‌ها قرار گرفت و مظلومانه به شهادت رسید. در مورد سن شریف وی برخی 19 سال و برخی 25 سال نوشته‌اند.

- **حضرت قاسم**: قاسم(7) فرزند امام حسن(7) در واقعه عاشورا از امام حسین(7) اذن میدان گرفت. به‌قدری نوجوان بود که زره و لباس جنگی اندازه‌اش نبود. شجاعانه جنگید و توسط عمربن نفیل اسدی به شهادت رسید.
- **خامنه‌ای، آیت‌الله سیدعلی**: از شاگردان فقهی، اصولی و پیروان مشی سیاسی- مبارزاتی حضرت امام خمینی هستند. قبل از انقلاب، به‌عنوان یکی از مبارزان شاخص خطه خراسان فعالیت‌های چشمگیری داشت. بارها از سوی رژیم پهلوی بازداشت و چندین سال به ایرانشهر تبعید شدند. از اعضای شورای انقلاب بودند. مسئولیت‌های مهمی چون سرپرستی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، امام جمعه تهران، نماینده امام در شورای عالی دفاع، نماینده مردم تهران در مجلس شورای اسلامی، حضور فعالانه در جبهه‌های جنگ، ترور توسط منافقین در 1360، رئیس جمهوری اسلامی پس از شهادت شهید رجایی، رئیس شورای عالی انقلاب فرهنگی، رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام را بر عهده داشت. سرانجام در 14 خرداد 1368، پس از رحلت حضرت امام خمینی، توسط مجلس خبرگان رهبری به رهبری نظام جمهوری اسلامی ایران انتخاب شدند. از آن تاریخ تاکنون با شایستگی تمام هدایت امت مسلمان ایران را عهده‌دار شد.
- **خوارج (مارقین)**: نام فرقه‌ای است از مسلمانان که بعد از جنگ صفین و مسئله حکمیت به مخالفت خلیفه وقت برخاستند. به علی(7) اعتراض کردند که چرا به حکمیت گردن نهاده‌ای و فرقه‌ای شدند و به مخالفت علی(7) پرداختند. روزبه‌روز به شمار آنان افزوده شد. یک‌بار در حزورا گرد آمدند، با علی(7) جنگیدند و شکست سختی از حضرت علی(7) خوردند. در دوره بنی‌امیه قدرت بسیار به‌دست آوردند. به دو قسمت شدند قسمتی در عراق و فارس و کرمان تسلط پیدا کردند و دسته‌ای در جزیرةالعرب. این فرقه در عهد امویان یکی از مشکلات بزرگ دولت اسلامی بودند. در نهروان هم بین آنها و حضرت علی(7) جنگ افتاد و سرانجام شکست خوردند. در آخر یکی از خوارج نهروان به‌نام

عبدالرحمن‌ابن ملجم، علی(**7**) را در مسجد کوفه در حین نماز به شهادت رساند. (دهخدا، با تلخیص).

- **دستغیب، عبدالحسین**: (1292- 1360ش) فرزند مرحوم آقا سید محمدتقی دستغیب، در خانوادهٔ اهل علم و تقوا دیده به جهان گشود. تا سن 12 سالگی مقدمات علوم را نزد پدر فرا گرفت و سپس در شهر شیراز به تکمیل علوم حوزوی و نیز اقامهٔ نماز جماعت در مسجد باقرخان و تبلیغ احکام دینی و افشای ظلم و ستم دستگاه طاغوت و استبداد رضاخانی همت گماشت. بر اثر افشاگری‌های این عالم مجاهد، رژیم وی را مجبور به جلای وطن و هجرت به نجف اشرف کرد. او بعد از سقوط رضاخان در سال 1321، دیگر بار به ایران مراجعت کرد. مصادف با مبارزات امام خمینی در سال 1342، به امام پیغام فرستادند که حاضر به همکاری در نهضت هستند و در مدت تبعید و زندانی شدن امام، شهید دستغیب نقش رهبری استان فارس را برعهده داشتند؛ تا آنجا که در سال 1356 مدتی در خانهٔ خود حصر شدند. از سمت‌های ایشان در اواخر حیات خود امامت جمعهٔ شیراز و ریاست حوزهٔ علمیهٔ فارس است. شهید دستغیب سرانجام در آذرماه 1360 به هنگام عزیمت به نماز جمعه مورد سوءقصد قرار گرفتند و همراه چند تن از یاران خود به شهادت رسیدند. این شهید سعید و عالم خبیر دارای آثار متعددی در تفسیر و احکام و اخلاق نیز هستند.
- **رجایی، محمدعلی**: (1312- 1360ش) در شهرستان قزوین متولد شد. تحصیلات ابتدایی خود را تا اخذ گواهی‌نامهٔ ششم ابتدایی در همین شهرستان به اتمام رسانید و پس از عزیمت به تهران در سال 1338 وارد نیروی دریایی شد و هم‌زمان، تحصیلات خود را از طریق مدارس شبانه ادامه داد و توانست در رشتهٔ ریاضی در مقطع لیسانس فارغ‌التحصیل شود و به عنوان معلم در مدارس مشغول به کار شود. شهید رجایی چندی بعد فعالیت سیاسی خود را علیه رژیم شاه آغاز کرد. پس از انقلاب، شهید رجایی سمت‌های مهمی چون وزارت آموزش و پرورش، نمایندگی مردم تهران در مجلس شورای اسلامی و در سال 1359 نخست‌وزیری جمهوری اسلامی را برعهده داشت و سرانجام در 8 شهریور 1360 بر اثر انفجار دفتر نخست‌وزیری به‌دست منافقین کوردل به شهادت رسید.

- **سفینه نوح**: نام یک کشتی در داستان‌های کتب مقدس در دین‌های ابراهیمی است. بنا بر این داستان‌ها، نوح پیامبر به فرمان خدا این کشتی را ساخت تا خود، خانواده خود، کسانی که بوی ایمان آورده بودند و نمونه‌ای از هر حیوان را از پیامدهای طوفان نوح نجات دهد. براساس تورات و قرآن، نوح پیامبر دستور ساخت کشتی بزرگی را از سوی یهوه (الله در قرآن) دریافت کرد که ساخت آن سال‌ها طول کشید، کشتی می‌بایست آنقدر بزرگ می‌بود که علاوه بر آدمیان (خویشان و پیروان نوح) از همه گونه جاندار، جفتی نیز در کشتی جای بگیرد تا بعد از پایان سیل بزرگ ادامه حیات بر روی زمین ممکن باشد. کشتی بعدها بر روی قله کوه آرارات نشست. هنوز برخی از باستانشناسان به جستجو برای یافتن بقایایی از این کشتی ادامه می‌دهند. در بین تمدنهای میانرودان نیز داستانی مشابه وجود داشته است. این داستان در بخش‌های 6 تا 9 کتاب پیدایش، اولین کتاب از تورات یهودیان، کتاب مقدس مسیحیان و قرآن (سوره‌های 11 و 71) آمده و نسخه‌ای دیگری از آن نیز دیگر منابع دیده می‌شود. داستان مذکور منجر شده تا تحقیقات بسیاری از سوی پیروان ادیان ابراهیمی برای یافتن بقایای کشتی نوح، به‌خصوص در منطقه آرارات انجام شود. و در سال 2007 کشتی در ارتفاعات قله آرارات در ترکیه پیدا شد که همه باستان‌شناسان می‌پندارن که این کشتی همان کشتی حضرت نوح است.
- **صدام حسین**: رئیس جمهور کشور عراق بود که با اشاره آمریکا به طمع گسترش کشورش و برای اجرای اهداف آمریکا یعنی شکست یا جلوگیری از توسعه و صدور انقلاب اسلامی به‌خصوص در منطقه، قرارداد رسمی و قانونی الجزایر را غیرقانونی اعلام کرد و تصور می‌کرد ایرانِ پس از انقلاب را می‌شود شکست داد. او جنون‌آمیز و با تمام توان نظامی به ایرانَ لشکرکشی کرد و سرانجام با شکست سنگینی از ایران، فرصت حضور آمریکا را در منطقه فراهم آورد.
- **صدوقی، شیخ محمد**: در سال 1327 در یزد متولد شد. حدود سی سال در حوزه علمیهٔ اصفهان و قم به فراگیری علوم اسلامی پرداخت، شهید صدوقی در مبارزات اسلامی به رهبری امام خمینی(ره) حضور فعالی داشت و در مبارزات مردم یزد همواره به‌عنوان اولین نفر پیشگام بود، در 31 مرداد سال 1358 از سوی امام خمینی به‌عنوان امام جمعهٔ یزد و نمایندهٔ ولی فقیه منصوب شد. از تألیفات ایشان می‌توان

به شرحی بر «مختصر النافع» محقق اول و «حاشیه بر مدارک» اشاره کرد. در آخرین نماز جمعه‌ای که اقامه کرد در 11 تیر 1361 بعد از اقامه نماز جمعه فرد منافقی با در آغوش کشیدن ایشان و رها کردن ضامن نارنجک وی را به شهادت رساند.

- **طباطبایی، سیدمحمدحسین**: در سال 1281ه‍.ش در تبریز متولد شد. دروس مقدماتی را در ایران خواند و در 23 سالگی عازم نجف اشرف شد. طی یازده سال اقامت در نجف از محضر عالمان نامداری چون: میرزای نائینی، سید ابوالحسن اصفهانی، محمدحسین غروی اصفهانی و میرزا علی آقا طباطبایی استفاده برد. اصول روش رئالیسم و تفسیر المیزان از آثار علامه است. سرانجام در بیست‌وچهار آبان سال 1360 درگذشت.
- **عباس‌بن علی‌بن ابیطالب(7)**: فرزند حضرت علی(7) از ام‌البنین عامریه است. در صحرای کربلا پس از شهادت سه برادرش جعفر, عبدالله و عثمان نوبت به حماسه‌آفرینی و حضور قهرمانانه و دفاع جانانه‌اش از امام حسین(7) رسیده است. به طرف شط فرات حرکت کرد در حالی‌که با حضرت امام حسین(7) هم‌رکاب بود. با وجودی که نبردهای اشقیا آن دو را در مسیر فرات از یکدیگر جدا کردند اما حضرت عباس خود را به فرات رساند، مشک آب را پر کرد بدون آن‌که قطره‌ای آب بنوشد. به‌سوی امام و خیمه‌ها برگشت. در برگشت با نبردهای سپاه دشمن روبرو شد و در محاصره آنها قرار گرفت. در دو حمله دست راست و چپش را قطع کردند و با ضربه‌ای بر فرق مبارکش از اسب سقوط کرد. با وجود آن‌همه زخم و تیر، توان حرکت نداشت و دو نفر از اشقیا او را به شهادت رساندند. عباس به‌خاطر شجاعت و زیبایی فوق‌العاده به «قمر بنی‌هاشم» شهرت داشت. «حسین‌بن علی امام شهدا، مرضیه محمدزاده»
- **عبدالله بن جعفر**: همسر زینب کبری و داماد علی(7) و پسر جعفر طیار. وی، نخستین نوزاد مسلمان در حبشه بود. در ایامی که پدرش جعفر بن ابی‌طالب به حبشه هجرت کرده بود، در آن کشور به دنیا آمد. مادرش «اسماء بنت عمیس» بود. اسماء، پس از شهادت جعفر طیار در جنگ موته، به همسری ابوبکر، سپس علی‌بن ابی‌طالب(7) درآمد. عبدالله بن جعفر، مورد عنایت خاصّ پیامبر اکرم(6) بود، به‌ویژه که پدرش سردار بزرگ شهید جبههٔ اسلام به‌شمار می‌آمد. عبدالله جعفر،

از جمله کسانی بود که به سیدالشهدا نامه نوشت و از او خواست که از سفر به عراق منصرف شود. گرچه خود در کربلا حضور نداشت، اما دو پسرش عون و محمد را همراه مادرشان حضرت زینب(8) به کربلا فرستاد و این دو فرزند، در رکاب سالار شهیدان روز عاشورا به شهادت رسیدند. او از اینکه نتوانسته بود در واقعهٔ کربلا شرکت کند تأسف می‌خورد. پس از حادثهٔ عاشورا و شهادت حسین بن علی(7) وی در مدینه به سوگ نشست و مردم برای تسلیت‌گویی نزد او می‌آمدند. وی در سن 90 سالگی، در سال 80 هجری درمدینه درگذشت و در بقیع به خاک سپرده شد.م برخی هم درگذشت او را در شام و قبر وی را در «باب الصغیر» دمشق، کنار قبر بلال می‌دانند.

- **غزوهٔ احد**: یکی از غزوه‌های مشهور پیامبر اسلام(6) بود که در دامنه کوه احد در 4 کیلومتری شمال مدینه در روز هفتم شوال سال سوم هجری بین مشرکان قریش و سپاه اسلام رخ داد. در این جنگ دندان رسول خدا شکست، 74 تن از مسلمانان از جمله حمزه سیدالشهدا به شهادت رسیدند و بسیاری نیز مجروح شدند. این جنگ به دلیل غفلت محافظان تنگه احد با شکست مسلمانان مواجه شد.
- **غزوهٔ بدر**: به جنگ بدر از غزوات پیامبر اکرم(6) اشاره دارد که در ماه رمضان سال دوم هجری بین مسلمانان و مشرکان مکه در سرزمین بدر، روستای کوچکی میان مکه و مدینه، رخ داد. رسول خدا همراه با 313 تن از یاران خویش از مدینه بیرون رفت. پرچم سپاه مسلمین را علی(7) بر دوش داشت. از سوی دیگر، وقتی سپاه ابوسفیان از حرکت مسلمانان آگاه شد، با فرستادن پیکی به مکه تقاضای کمک کرد. سران قریش هم بی‌درنگ با سپاهی 950 نفری عازم بدر شدند. جنگ سختی بین دو طرف درگرفت. مسلمانان با وجود تعداد اندکشان با امداد الهی بر قریش پیروز شدند. هفتادتن از آنان را کشتند و هفتاد تن را به اسارت گرفتند. ابوجهل و حنظله، پسر ابوسفیان، در میان کشتگان بودند. در این جنگ حضرت علی(7) پایمردی بسیار کرد و در پیروزی مسلمانان سهم زیادی داشت، به‌طوری که گفته می‌شود 36 تن از مشرکان در آن نبرد به دست او کشته شدند. در این جنگ 14 تن از مسلمانان به شهادت رسیدند. (المغازی، جلد 1، سیره ابن‌هشام، معجم‌البلدان، ج1، تاریخ طبری، ج2).

- **غزوهٔ حُنین**: حُنین محلی است بین طائف و مکه مکرمه که یکی از غزوات رسول خدا(6) بدان مکان بود. در این غزوه بزرگ جمعی کثیر از صحابه به شهادت رسیدند. در همین محل بار دیگر لشکریان اسلام با تدبیر خاص و مقاومت وصف‌ناپذیر رسول خدا توانستند شکست سختی به کفار بدهند و غنائم و اسیران فراوان گرفتند. گروهی از فرماندهان لشکر کفار به طائف گریختند. حضرت رسول(6) آنها را تا طائف تعقیب کرد.
- **فهمیده، محمدحسین**: نوجوان سیزده ساله‌ای که از همان روزهای آغاز حمله صدام به ایران اسلامی ندای امام خمینی را لبیک گفت و علی‌رغم سن کم با اصرار و شگردهای متعهدانه‌اش در دفاع از خرمشهر شرکت نمود و در شرایطی که دشمن سرمست پیشرویهای اولیه برای تصرف خرمشهر با تانکها هجوم آورده بود، وی با شهامت اعجاب‌انگیز خود نارنجک به کمر بست و خود را زیر چرخهای تانک دشمن انداخت. این حادثه که در مهرماه 1359 اتفاق افتاد به‌عنوان سمبل ایمان، رشادت و روحیه شهادت‌طلبی سپاهیان اسلام در برابر کافران بعثی در تاریخ جنگ تحمیلی ثبت گردید. اضافه می‌شود که خانواده این شهید که اهل قریه سراجه قم می‌باشند در زمان جنگ تحمیلی در شهرستان کرج ساکن بودند و این شهید عزیز بسرعت خود را از کرج به خطوط مقدم جبهه در حوالی خرمشهر رساند. این خانواده متدین توفیق آن را داشتند که پس از شهادت حسین، فرزند دیگرشان داوود را نیز روانه جبهه نمایند و افتخار تقدیم دو شهید را نصیب خود فرمایند.
- **لباس سیاه**: از احادیثی که در کراهت سیاه وارد شده و شیخ حر عاملی در رسائل الشیعه نقل کرده است یکی این حدیث است: «قال امیرالمومنین(7) فیما علم اصحابه: لا تلبس السواد فانه لباس فرعون» (ج4، ص382) ترجمه: «امیرالمومنین در تعلیم یارانش گفت: سیاه نپوشید که رنگ لباس فرعون است. اما بعضی دیگر از احادیث پوشیدن رنگ سیاه در کفش و عمامه و کساء را روا دانسته‌اند.
- **مدنی، سیداسدالله**: در سال 1293 هجری شمسی در آذرشهر آذربایجان شرقی دیده به جهان گشود. در آغاز جوانی برای کسب علم و کمال به شهر مقدس قم عزیمت کرد. دیری نپایید که از استادان معروف حوزهٔ علمیه نجف شد و توانست از مراجع بزرگی چون آیت‌الله حکیم، آیت‌الله حجت‌کوه کمری و آیت‌الله خوانساری اجازه

اجتهاد بگیرد. ایشان تمام عمر خویش را در راه ترویج اسلام و مبارزه با رژیم فاسد طاغوت گذراند. پس از پیروزی انقلاب اسلامی از سوی مردم همدان به‌عنوان نمایندهٔ مجلس خبرگان قانون اساسی انتخاب شد. پس از شهادت آیت‌الله قاضی به فرمان امام خمینی امامت جمعه تبریز را به عهده گرفت. آیت‌الله مدنی در بیستم شهریور 1360 پس از اتمام خطبه‌های نماز جمعه همدان با انفجار نارنجک منافقی کوردل به شهادت رسید.

- **مردم کوفه**: از آنجا که جمله مورد نظر ادامه قسمتی است که حذف شده مفهوم عبارت باید این باشد که ما نباید مثل مردم کوفه با امام عزیزمان بیعت ببندیم. مردم کوفه در تاریخ اسلام نماد و سمبل عهدشکنی و بی‌وفایی‌اند. در سال‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی یکی از شعارهای رایج و پرمعنی که مردم در دیدار با حضرت امام خمینی سر می‌دادند این بود که «ما اهل کوفه نیستیم امام تنها بماند». امروز هم در ملاقات‌هایی که با حضرت آیت الله خامنه‌ای صورت می‌پذیرد یکی از شعارها این است که ما اهل کوفه نیستیم علی تنها بماند.
- **مسجد الاقصی**: در شهر قدس و نخستین قبله مسلمانان بوده است. این مسجد را حضرت داود(**7**) بنا کرد. سپس فرزندش سلیمان تکمیلش کرد. در زلزله‌ای شدید ویران شد در سال 585 میلادی توسط صلاح‌الدین ایوبی مرمت شد. نام مسجدالاقصی در قرآن مجید آیه اول از سورهٔ اسراء در آیات مربوط به معراج پیامبر اسلام(**6**) آمده است: «سبحان الذی اسری بعبده لیلاً من المسجد الحرام الی المسجد الاقصی» این مسجد بارها از سوی یهودیان افراطی و صهیونیست مورد تهاجم قرار گرفته و در سال 1969 میلادی قسمت جنوب شرقی مسجد به آتش کشیده شد. امروز به‌عنوان یکی از مراکز و پایگاه‌های مهم مقاومت مسلمانان فلسطین نامیده می‌شود.
- **مشکینی(فیض)، علی‌اکبر**: آیت‌الله علی‌اکبر فیض معروف به مشکینی در سال 1300 در روستایی از توابع بلوک مشکین و در خانواده‌ای متدین و اهل علم دیده به جهان گشود. پدر وی نیز روحانی و اهل علم و تقوی بود. ایشان پس از کسب مقدمات علوم دینی در نجف به ایران بازگشت و پس از رحلت پدر به اردبیل مهاجرت کرد و در آنجا ادامه تحصیل داد. ایشان از نخستین افرادی بود که در نهضت سخنرانی

از قیام روشنگرانه امام دفاع کرده و به همراه 27 نفر از اساتید حوزه به نقاط مختلفی مثل کاشمر، ماهان کرمان و گلپایگان تبعید شد. ایفای نقش ایشان در جریانات مختلف بعد از انقلاب در مسئولیت‌هایی چون عضویت در خبرگان، تدوین قانون اساسی، عضویت در جامعه مدرسین حوزه علمیه قم و ریاست شورای بازنگری قانون اساسی مشهود است. در کارنامه علمی و فرهنگی ایشان تأسیس مؤسسه الهادی و تألیف، تصحیح و ترجمه ده‌ها جلد کتاب و مقاله را می‌توان مشاهده کرد.

- **مطهری، مرتضی**: (1298- 1357ش) در مشهد در خانواده‌ای روحانی متولد شد و در اوان کودکی به تحصیل علم پرداخت. وارد حوزهٔ علمیه شد و چندی بعد، از محضر استادانی چون امام خمینی، آیت‌الله بروجردی و علامه طباطبایی بهره جست. استاد مطهری از سال 1331 بعد از عزیمت به تهران، تدریس و تبلیغ و سخنرانی‌های خود را در مدارس و محافل مذهبی آغاز کرد و در سال 1342 بعد از سخنرانی‌ای مهیج علیه رژیم شاه روانه زندان شد اما پس از آزادی فعالیتهای فرهنگی و آموزشی و مبارزاتی خود را از سر گرفت و تا پیروزی انقلاب و پس از آن لحظه‌ای از آگاهی بخشی به جوانان و جامعه از پا ننشست تا آنجا که به‌عنوان مهم‌ترین نظریه‌پرداز جمهوری اسلامی نامبردار شد. اما سرانجام در 11 اردیبهشت 1358 به دست گروهک منحرف فرقان به شهادت رسید.
- **منافقین**: در سال 1344 با عنوان سازمان مجاهدین خلق با هدف مبارزه با رژیم پهلوی تشکیل شد. اعضای آن در زندان دچار انحراف شدید فکری شدند. پس از پیروزی انقلاب اسلامی، هر روز با جمهوری اسلامی زاویه مواضعشان بیشتر می‌شد تا در خرداد 1360 علیه جمهوری اسلامی به مشی مسلحانه روی آوردند. فعالیت‌های آنان از سوی حکومت ایران غیرقانونی اعلام شد. پس از آن تغییرات سازمانی وابسته به آمریکا و اقمارش در عراق مستقر شدند و شانه به شانه صدام علیه جمهوری اسلامی ایران فعالیت می‌کردند. سرسپرده صدام شده در تخلیه اطلاعاتی و شکنجه آزادگان و اسرای ایرانی فعالیت می‌کردند. اینک در اردوگاهی در عراق مستقرند به‌عنوان مزدوران آمریکا، انگلیس و اسرائیل همسو با استکبار جهانی و سلطنت‌طلب‌ها و سایر ضدانقلاب‌ها فعالیت دارند.

- **منتظری، حسین‌علی**: در 1357 از طریق خبرگان رهبری به سمت قائم مقام رهبری انتخاب شد و در 1368 به دستور امام خمینی از این مقام عزل شد؛ در مدتی که ایشان سمت قائم مقام رهبری را برعهده داشتند مورد احترام و علاقهٔ رزمندگان و مردم بودند.
- **هابیل**: فرزند آدم و حوا، برادر قابیل است. هابیل و لبودا از یک بطن از حوا زاییده شدند و قابیل و اقلیما از بطن دیگر به دنیا آمدند. حکم خدا این بود که برادر و خواهر تنی نمی‌توانند ازدواج کنند، باید هابیل با اقلیما و قابیل با لبودا ازدواج کنند. قابیل نپذیرفت و در حسادت با برادر، قابیل هابیل را کشت. هابیل نخستین کسی بود که توسط برادر کشته شد. گویند جایی که قابیل هابیل را به خاک سپرد در کوهی حدود سراندیب بود. وقتی قرار شد هر دو برادر (قابیل و هابیل) به درگاه خدا قربانی آورند، از هابیل که گوسفندی را آورده بود، قربانی پذیرفته شد و از قابیل پذیرفته نشد و همین امر قابیل را به قتل برادر تحریک کرد. هابیل شبان بود. هابیل فرزند دوم آدم و حواست. (دهخدا)
- **هاشمی‌رفسنجانی، علی‌اکبر**: از روحانیون مبارز قبل از انقلاب است که در جوانی پیرو مشی فکر سیاسی مبارزاتی حضرت امام شد. قبل از انقلاب مکرر از سوی رژیم پهلوی دستگیر شد. پس از انقلاب اسلامی عهده‌دار مسئولیت‌هایی چون: سرپرستی وزارت کشور، ریاست مجلس شورای اسلامی، ریاست جمهوری، ریاست شورای عالی انقلاب فرهنگی، امام جمعه موقت تهران، رئیس مجلس خبرگان رهبری و... شد. هم‌اکنون ریاست مجمع تشخیص مصلحت نظام را بر عهده دارند.
- **هاشمی‌نژاد، سیدعبدالکریم**: در سال 1312 در بهشهر متولد گردید. از سن 14 سالگی در محضر آیت‌الله کوهستانی، سپس در قم نزد آیات عظام بروجردی و امام خمینی(ره) به تحصیل علوم دینی پرداخت. وی از همان اوایل انقلاب در سال 1341 مبارزات خویش را علیه رژیم ستمشاهی آغاز نمود و با خطبه‌ها و سخنرانی‌های پرشور و انقلابی در نشر افکار انقلابی اسلام و افشای ماهیت رژیم پهلوی تمامی توان خود را به کار برد. کتاب مشهور وی «مناظره دکتر وپیر» یکی از کتب ممنوعه در زمان طاغوت به شمار می‌رفت. او پس از پیروزی انقلاب انقلاب اسلامی به عنوان نماینده خبرگان مشهد مقدس در مجلس قانونگذاری انتخاب و

مسئولیت دبیری حزب جمهوری اسلامی مشهد را عهده‌دار شد. از دیگر آثار این عالم مجاهد می‌توان به کتاب‌های ذیل اشاره نمود: هستی‌بخش، مشکلات مذهبی روز، مسائل عصر ما، درسی که حسین به انسان‌ها آموخت.

- **هفت تیر (سرچشمه)**: دفتر مرکزی حزب جمهوری اسلامی واقع در سرچشمه تهران محل گردهمایی بسیاری از شخصیت‌های سرشناس کشوری بود که در شب هفتم تیر 1360 به‌وسیلهٔ بمب منفجر گردید و بیش از 72 تن از چهره‌های انقلابی و نمایندگان مجلس، اعضای هیأت دولت و اعضای حزب جمهوری اسلامی به‌دست منافقان به طرزی فجیع به شهادت رسیدند. در این حادثه غیر انسانی تعدادی از شخصیت‌های انقلاب اسلامی- که در رأس آنان شهید آیت‌الله دکتر سیدمحمد حسینی بهشتی قرار داشت- به درجهٔ رفیع شهادت نائل آمدند.
- **هل من ناصر ینصرنی**: عبارتی که در کتاب «موسوعة کلمات الامام الحسین(7)» آمده این است: «هل من راحم یرحم آل الرسول المختار، هل من ناصر ینصر الذریة الاطهار، هل من مجیر لابناء البتول، هل من ذاب یذب عن حرم الرسول» (ص 506) ترجمه: آیا دلرحمی هست که بر آل رسول مختار رحم کند؟ آیا یاری کننده‌ای هست که ذریت پاک رسول(6) را یاری کند؟ آیا فریادرسی هست برای فرزندان بتول(3)؟ آیا مدافعی هست تا از حرم رسول(6) دفاع کند؟
- **هیهات من الذله**: از روایت‌ها مشهور و شعار حضرت امام حسین(7) است که در مقابل دشمنان خویش بیان شده است. (نفس‌المهموم، ص131، متقل خوارزمی، ج2، ص7، بحارالانوار، ج45، ص83). مفهوم این عبارت برای شاعران مایه سرایش اشعار حماسی بلندی شده است. ترجمه «از من دور است که به ذلت تن بدهم». البته این تعبیر جزیی از سخنان گهربار آن حضرت است که در روز عاشورا فرمود: «الا و ان الدعی من الدعی قد رکزنی بین السلهٔ و الذله و هیهات له ذلک من، هیهات منا الذله...» (فرهنگ عاشورا، جواد محدثی، ص505).